السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه



یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فهرست مطالب

مقدّمه و توضیحات ضروری در مورد این کتاب ۳
آشنائی مختصر با حضرت فاطمه زهرا ۱۰
باب اوّل ولادت فاطمه علیها السّلام، سیما و شمایل و برخی از تواریخ مربوط به وی ۱۱
باب دوم نامهای حضرت فاطمه علیها السّلام و برخی از فضایل آن حضرت ۴۹
باب سوم فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السّلام تعداد احادیث و روایات این باب: ۶۴
باب چهارم شیوه زندگی و برخی از مکارم اخلاق حضرت فاطمه علیها السّلام ۱۶۰
باب پنجم ازدواج حضرت فاطمه علیها السّلام ۱۷۸
باب ششم کیفیت معاشرت حضرت فاطمه با حضرت علی علیهما السّلام ۲۵۳
باب هفتم ظلمها و ستمهایی که به حضرت فاطمه علیها السّلام شد بیماری و شهادت وی ۲۶۳
باب هشتم تظلّم خواهی حضرت فاطمه علیها السّلام در روز قیامت و کیفیت حشر آن حضرت ۳۶۳
باب نهم اولاد و ذریه حضرت فاطمه و فضل آنها و اینکه فرزندان رسول خدا هستند ۳۷۵
باب دهم موقوفات و صدقات حضرت فاطمه علیها السّلام ۳۸۴
مقاله منقبت حضرت زهرا در بعد عبادی ۳۸۶
فصل اوّل ایمان و یقین حضرت فاطمه علیها السّلام ۳۸۷
فصل دوم شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السّلام ۳۹۰
فصل سوم برخی از خصوصیات نمازها و عبادتهای حضرت فاطمه علیها السّلام ۳۹۲
فصل چهارم آشنایی با برخی از نمازهای حضرت فاطمه علیها السّلام ۳۹۳
فصل پنجم آشنایی با تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام و اقسام آن ۴۰۴
فصل ششم آشنایی با برخی حرزها و تعویذهای حضرت فاطمه علیها السّلام ۴۰۵
فصل هفتم آشنایی با برخی دعاهای حضرت فاطمه علیها السّلام ۴۰۶
خلاصه کتاب پژوهشی در باره تسبیح و تسبیحات حضرت فاطمه ۴۰۷
فصل اوّل آیا تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام برترین ذکر است؟ ۴۰۷
فصل دوم آثار و ثمرات تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام ۴۰۸
فصل سوم آموختن تسبیح به کودکان ۴۱۱
فصل چهارم زنان و تسبیح ۴۱۱
فصل پنجم وسیله شمارش اذکار و تسبیحات ۴۱۱
فصل ششم تسبیحات حضرت فاطمه علیها السّلام ۴۱۲

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

(زندگانی حضرت زهرا سلام اللَّه علیها)

مقدّمه مترجم

کتابی که در دست دارید ترجمه، تحقیق و استدراک بر « تاریخ فاطمة الزهراء» از کتاب بحار الانوار، تألیف دانشمند جلیل القدر علّامه محمّد باقر مجلسی رحمه اللَّه است.

سعی شده تا این مجموعه، بجز بخش مربوط به زندگانی حضرت فاطمه علیها السّلام از کتاب بحار الانوار در بردارنده تمامی احادیث و روایات مربوط به آن حضرت که به مناسبتهای خاصّ در سایر بخشهای کتاب مذکور آمده است نیز باشد.

نگارنده این نوشتار سه نوع فعالیت علمی- تحقیقی را در باره حضرت فاطمه علیها السّلام ضروری و مهمّ می‌داند:

۱- جمع‌آوری کلیه روایات، احادیث و نقلیّات تاریخی مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام از تمام منابع شیعه و غیر شیعه.

کتابهای اندکی وجود دارند که با داعیه این کار نگاشته شده‌اند، این کتابها دو دسته‌اند:

الف- کتابهایی که بر اساس منابع و روایات شیعه نوشته شده‌اند و مؤلف آنها توجّهی به مدارک غیر شیعی ننموده است، مانند کتاب «مسند فاطمة الزهراء» تألیف شیخ عزیز اللَّه عطاردی، و کتاب «مسند فاطمة الزهراء» تألیف سیّد حسین شیخ الاسلامی تویسرکانی.

ب- کتابهایی که بر اساس منابع و روایات غیر شیعه نوشته شده‌اند و مؤلف آنها توجهی به مدارک شیعی نداشته است، مانند کتاب «مسند فاطمة الزهراء» تألیف جلال الدین عبد الرحمن سیوطی (۹۱۱ ه)، و کتاب «احقاق الحق و ازهاق الباطل- ج ۱۰» تألیف قاضی نور اللَّه شوشتری (۱۰۱۹ ه)، و کتاب «حضرت فاطمه علیها السّلام در منابع اهل سنّت» تألیف رضیّه سادات سجّادی.

هر دو دسته از کتابهای مذکور گرچه در نوع خود ارزشمند و مورد استفاده هستند ولی به دلیل محدود کردن منابع و مدارکشان به منابع شیعه یا اهل سنّت، خود را از معارف و روایات بسیاری محروم کرده‌اند و لذا نتوانسته‌اند به هدف خویش که «جمع آوری کلیه روایات، احادیث و نقلیّات تاریخی» در باره حضرت فاطمه است، دست یابند.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

تنها کسانی که توانسته‌اند در این جمع‌آوری توفیقی نسبی داشته باشند علّامه محمّد باقر مجلسی (۱۱۱۰ ه) در کتاب بحار الانوار، و شاگرد او علّامه شیخ عبد اللّه بحرانی اصفهانی (ق ۱۲ ه) در کتاب عوالم العلوم و المعارف می‌باشند که بجز اخذ احادیث و روایات از منابع شیعه، به طور مستقیم یا به واسطه منابعی چون مناقب ابن شهر آشوب یا کشف الغمه، روایات موجود در منابع اهل سنّت را نیز جمع‌آوری کردند، گرچه در استفاده از منابع اهل سنّت نیز استقصاء تامّ به عمل نیاورده، و تعداد کمی از احادیث کتابهای اهل سنّت را مورد استفاده قرار داده‌اند.

اینجانب (محقق و نگارنده نوشته حاضر)، از مدّتها پیش به اهمیت دو کتاب «بحار الانوار» و «عوالم العلوم» در این زمینه واقف گردیده تصمیم گرفتم این کتابها را مورد تحقیق و ترجمه قرار دهم و از آن جهت که حاوی بیش از ۷۰٪ احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام می‌باشند، منتشر نمایم. لکن پس از آنکه مطلع شدم علّامه معاصر سیّد محمّد باقر موحّد ابطحی به تحقیق عوالم العلوم مشغول گشته، اینجانب نیز عزم خویش را جزم نموده و تصمیم گرفتم تا کلیه روایات مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام را از بحار الانوار استخراج کرده، مورد تحقیق قرار داده و به زبان فارسی ترجمه و در اختیار عموم قرار دهم. آنچه اکنون در مقابل شماست قسمتی از حاصل این تصمیم و

تلاش مستمر است. البته در باره جمع‌آوری احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام به همین مقدار اکتفا ننمودم بلکه غیر از این تلاش تحقیقی، برای اینکه بتوانم باقی احادیث و روایات مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام را نیز به دست آورم، تلاش موازی دیگری را سامان دادم که هدف آن جمع آوری کلیه احادیث و روایات مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام از تمامی منابع شیعه و غیر شیعه بود. در این زمینه خاص بیش از پانصد عنوان کتاب روایی، تاریخی، رجالی، و ... مورد مطالعه قرار گرفت و در مجموع حدود چهل هزار نکته فراهم آمد که پس از مشترک سازی تعداد آنها به بیش از دو هزار مورد رسید و از این تلاش تحقیقی مجموعه‌ای به دست آمد که نام آن را «جامع احادیث فاطمة الزهرا علیها السّلام» گذارده‌ام، و تمام احادیث و روایات آنها را اعرابگذاری، ترجمه، مشترک سازی منابع و تدوین نموده و مجلّداتی از آن را نیز آماده نشر کرده‌ام.

گرچه هنوز معتقدم که معارف جمع آوری شده چیزی حدود ۸۵٪ کلّ معارف مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام می‌باشد و امیدوارم در تحقیقات تکمیلی در رابطه با منابعی که جدیدا به دست می‌آید، بتوانم اطلاعات به دست آمده را افزایش دهم. بمنّه و کرمه.

۲- بررسی فنی و علمی در باره احادیث و روایات جمع‌آوری شده

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

خوانندگان محترم اطلاع دارند که سخنان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ائمه طاهرین علیهم السّلام در طول تاریخ، با مسائل و مشکلات زیادی روبرو بوده و همواره تحت تأثیر سه آفت مهم قرار گرفته است:

آفت اوّل: تحریف اهل غلوّ: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در این باره می‌فرماید: «از غلوّ در دین پرهیز کنید زیرا امّتهای پیشین به دلیل غلوّ گمراه شدند».

و خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «به جز حق نگویید، و در امور دینی خود غلوّ نکنید، و پیرو هوی و هوس قوم منحرفی که خودشان گمراه شده‌اند و می‌خواهند شما را نیز گمراه کنند نباشید» «۱».

آفت دوم: سوء تأویل جاهلان: امام صادق علیه السّلام در این باره می‌فرمایند: «ما برای برخی از مردم سخنانی می‌گوییم، ولی آنها کلام را به گونه‌ای دیگر تأویل کرده، و نتیجه‌ای را که خودشان دوست دارند می‌گیرند، و حدیثها را آن گونه که سلیقه آنها را تأمین کند روایت می‌کنند». «۲»

آفت سوم: جعل جاعلان: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در این باره می‌فرمایند: «در حالی که من هنوز زنده‌ام احادیث دروغ به من می‌بندند، و البته بعد از مرگ من، بر تعداد آنها افزوده خواهد شد، بدانید هر کس بر من دروغ بندد در آتش جهنم عذاب خواهد شد، بنا بر این هر حدیثی را که از ما نقل می‌کنند، نپذیرید و آنها را به قرآن عرضه کنید، اگر موافق با قرآن بودند، کلام ما هستند و اگر مخالف قرآن بودند، بدانید که آنها سخنان ما نیستند» «۳».

و امام صادق علیه السّلام فرموده‌اند: «همانا مردم حرص و ولع شدیدی پیدا کرده‌اند بر اینکه سخنان دروغ را از زبان ما روایت کنند». «۴» و نیز فرموده‌اند: «ما اهل بیتی هستیم که جز سخن راست نمی‌گوییم ولی در زمان هر کدام از ما کسانی وجود دارند که سخنان دروغ را می‌سازند و آن را از زبان ما نقل می‌کنند تا ما را در نزد مردم دروغگو و قصّه‌باف معرفی کنند». «۱» و در جای دیگر فرموده‌اند: «در زمان هر یک از ما- مقصود ائمه طاهرین هستند- کسانی وجود دارند که سخنان دروغ را ساخته و آن را از زبان ما روایت می‌کنند». «۲» بنا بر این هیچ تردیدی در باره اینکه تعدادی احادیث غیر صحیح در میان روایات و کتابهای شیعه و غیر شیعه وارد شده وجود دارد، نیست و این امری است که همه محقّقین از علما بر آن اذعان دارند.

در رجال کشّی به نقل از «یونس بن عبد الرحمن» که از اصحاب مورد وثوق و اعتماد امام کاظم و امام رضا علیهما السّلام بوده، آمده است که گوید: «به کوفه سفر کردم و در آن شهر تعداد زیادی از اصحاب و شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السّلام را دیدم که از آن دو بزرگوار احادیث زیادی را نقل می‌کردند، پس هر چه از آنها شنیدم نوشتم تا اینکه روزی به حضور امام رضا علیه السّلام رسیدم و آن احادیث را به ایشان عرضه کردم. آن حضرت احادیث مذکور را می‌خواند و ناراحت می‌شد تا آنکه به من فرمود: ای یونس! بسیاری از

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

اینها، احادیث و سخنان امام باقر و امام صادق نیست و آنها را ساخته و به ایشان نسبت داده‌اند، پس با توجه به اینکه در اثر دخالت مردمان جاهل و اشخاص منفعت طلب و متعصب، حق و باطل با هم در آمیخته، احادیث ما را به قرآن و سنّت قطعی- متواتر- رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عرضه کنید و هر چه را که با آنها موافق بود، برگیرید و آنچه مخالف بود، دور بریزید».

با توجه به آنچه گفتیم معلوم می‌شود که چرا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم این همه تأکید داشته‌اند که هر سخنی را از زبان ایشان نقل نکنیم و می‌فرمودند: لا تحدّث بکلّ ما سمعت. «۳» ترجمه: هر چیزی را که می‌شنوید روایت نکنید.

و یا می‌فرمودند: کفی بالمرء کذبا أن یحدّث بکلّ ما سمع.»

ترجمه: برای دروغگو بودن همین قدر کافی است که انسان هر چه را می‌شنود، روایت کند.

با توجه به همین مقدّمات است که حدیث‌شناسان متبحّر تصریح کرده‌اند به اینکه نقل حدیث جعلی و ضعیف جایز نیست مگر با تصریح بر جعلی یا ضعیف بودن آن.

بنا بر این برای کسی که با حدیث سر و کار دارد جایز نیست که هر حدیثی را بدون بررسی در باره صحّت یا عدم صحّت آن نقل نماید بلکه ضروری است تا با استفاده از فنون و علوم مختلف مربوط به حدیث، به تحلیل در باره هر حدیث و روایت بپردازد و اگر پس از بررسی، حدیث مورد نظر را صحیح و سالم تشخیص داد آن را روایت کند، چرا که هدف اصلی در استفاده از حدیث و سنّت، دراية الحديث است نه رواية الحديث.

ائمه طاهرین علیهم السّلام در این مورد فرموده‌اند: علیکم بالدرایات لا بالروایات. «۲» همّة السّفهاء الروایة و همّة العلماء الدّرایة. «۳» العلماء تحزنهم الدرایة، و الجهّال تحزنهم الرّوایة. «۴» حدیث تدریه خیر من ألف ترویه. «۵» با این همه تأکید در باره وجود احادیث جعلی و ضعیف، و لزوم دراية الحديث، باکمال تأسف، در جستجویی که به عمل آوردم، هیچ دانشمند محقّقی را ندیدم که به بررسی فنّی و علمی در باره احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام پرداخته باشد، و هیچ مؤسسه علمی را نمی‌شناسم که حاضر به سرمایه‌گذاری مادّی و معنوی برای انجام چنین تلاشی باشد و نتیجه این غفلت طولانی و عمیق از «دراية الحديث» و توجّه مطلق به «رواية الحديث» موجب شده که شخصیت حقیقی حضرت فاطمه علیها السّلام در پشت پرده‌های ابهام باقی بماند و در پناه توجه به احادیث غلوّ آمیز، از نظر الگویی نیز غیر قابل دسترس تلقی شود.

امیدوارم روزی رشد فکری مردم در جامعه ما بدان پایه برسد که ضرورت نقد احادیث و روایات مربوط به ائمه طاهرین علیهم السّلام و از آن جمله ضرورت انجام عملیات علمی و فنی در باره احادیث و روایات مربوط به

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حضرت فاطمه علیها السّلام را نیز باور کنند و بدانند که این گونه نقدها کمک فراوانی به پالایش معارف دینی و دسترسی به معارف ناب محمّدی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌نماید.

نگارنده در پاورقی برخی از احادیث کتابی که هم اکنون در پیش رو دارید به بررسی فنّی و علمی در باره برخی از احادیث و روایات پرداخته بودم ولی پس از مشاهده عکس العمل برخی از دوستان ترجیح دادم اکثر آنها را حذف کنم تا مبادا سوء تعبیری پیش آمده و مشکلاتی ایجاد نماید. امّا به خوانندگان کنجکاو و دوستداران دانش وعده می‌کنم که مجموعه «جامع احادیث فاطمة الزهراء علیها السّلام» را با تحلیلهای علمی و فنّی منتشر نمایم و از خداوند متعال بر انجام صحیح این کار عظیم یاری می‌طلبم و امیدوارم که پس از انجام، امکان انتشارش نیز وجود داشته باشد.

۳- فعالیت دیگری که انجام آن در باره حضرت فاطمه علیها السّلام و نیز سایر ائمه و بزرگان دین، ضروری و بسیار مهم می‌باشد، الگوسازی از زندگانی این بزرگان برای استفاده امّت مسلمان- خصوصا جوانان و نوجوانان- است.

این اقدام البته بعد از انجام دو فعالیت علمی- تحقیقی قبل، کاملا میسّر و مقدور خواهد بود، چرا که اگر الگو پردازی بر اساس معارف صحیح نباشد و یا بر اساس باورهای عامیانه صورت گیرد، در آن صورت اسلام معقول خرافی، و دین سهل دشوارو دست نایافتنی معرفی خواهد شد. پس باید ابتدا یک فاطمه‌شناسی درست و صحیح صورت گیرد و سپس الگوسازیها بر اساس آنها انجام شود.

در باره الگو پردازی از شخصیت حضرت فاطمه علیها السّلام کارهایی انجام شده و کتابهایی به رشته تحریر درآمده، ولی اگر کسی آنها را به صورت انتقادی مورد مطالعه قرار دهد خواهد دید که چون این فعالیتها بر اساس معارف پالایش نشده صورت گرفته، یک سویه بوده و جوابگوی نیاز شدید جامعه جوان این کشور شیعی نبوده و حتّی در برخی از قسمتها قابل اعتنا و قبول نمی‌باشد.

اهل درد و آنها که برای بنای جامعه‌ای بر اساس اسلام و معارف ناب دینی و الهی تلاش می‌کنند، اگر می‌خواهند که مردم این جامعه «اسلام‌دان و اسلام خواه» باشند و بذرهای دین گریزی و احیانا دین ستیزی، از مغرب زمین در این جامعه شیعی پاشیده نشود باید با هوشیاری تمام، در هر موضوعی از موضوعات دینی، این سه تلاش اساسی را که در اینجا به آن اشاره کردیم انجام دهند تا نتیجه تلاش‌های علمی آنها همان باشد که آرزو دارند و برای رسیدن به آن، روزها و شبهای عمر را مصروف داشته و دشواریهای تحقیق را به جان خریده‌اند.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

پاسخ به یک سؤال: سؤال: با توجه به شیعه بودن علامه مجلسی رحمه اللّه و بنای او بر اینکه احادیث و روایات موجود در کتابهای شیعه را در بحار الانوار جمع آوری نماید، و با عنایت به اینکه احادیث زیادی در منابع اهل سنّت وجود دارد که مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام می‌باشد و بر اساس روش علامه مجلسی رحمه اللّه قاعدتا نباید در بحار الانوار آمده باشد، چند درصد از احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام در این کتاب و مستدرکات آن آمده است؟

جواب: گرچه بنای علّامه مجلسی رحمه اللّه بر این بوده که فقط روایات کتب شیعی را در بحار الانوار جمع آوری نماید ولی در آنچه که مربوط به زندگانی ائمه طاهرین علیهم السّلام می‌باشد، روایاتی را که در منابع شیعی ندیده، از منابع اهل سنّت برگرفته است، فقط در باره حضرت فاطمه علیها السّلام دهها حدیث را مستقیما از کتابهای غیر شیعی مانند: ۱- فردوس: ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ ه) ۲- مستدرک حاکم نیشابوری (۴۰۵ ه) ۳- مقتل الحسین: خطیب خوارزمی (۵۶۸ ه) و غیره، و به واسطه کتابهایی چون مناقب ابن شهر آشوب (۵۸۸ ه) و کشف الغمّه تألیف محقق ابو الفتح اربلی (۶۹۵ ه) از کتابهایی چون آنچه در ذیل نام می‌بریم نقل کرده است:

۱- حلیة الاولیاء: ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ ه) ۲- تاریخ بغداد: خطیب بغدادی (۴۶۳ ه) ۳- ابانه: ابن بطه عکبری حنبلی (۳۸۷ ه) ۴- فضائل الصحابة: احمد بن حنبل (۲۴۰ ه) ۵- تفسیر الکشف و البیان: ثعلبی (۴۲۷ ه) ۶- تاریخ خراسان: ابو علی سلامی (۳۷۴ ه) ۷- کتاب اللّوامع: عبد الملک بن محمّد خرگوشی (۴۰۶ ه) ۸- فیما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین: ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ ه) ۹- شرف المصطفی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: عبد الملک خرگوشی (۴۰۶ ه) ۱۰- صحیح بخاری (۲۵۶ ه) ۱۱- صحیح مسلم (۲۶۱ ه) ۱۲- صحیح ترمذی (۲۷۹ ه) ۱۳- صحیح دارقطنی (۳۸۵ ه) ۱۴- امالی: ابن ابی شیبه (۲۳۵ ه) ۱۵- انساب الاشراف: جابر بلاذری (۲۷۹ ه) ۱۶- قوت القلوب: ابو طالب مکّی (۳۸۶ ه) ۱۷- عقد الفرید: ابن عبد ربّه (۳۲۸ ه) ۱۸- کتاب الرساله: سمعانی (۵۶۲ ه) ۱۹- فضائل الصحابه: سمعانی (۵۶۲ ه) ۲۰- کتاب الآل: ابن خالویه (۳۷۰ ه) (۲۱) مسند احمد بن حنبل (۲۴۰ ه) و ....

پس معلوم می‌شود که برخی احادیث اهل سنّت نیز در بحار الانوار نقل شده است، امّا تعداد آنها در کتابی که در پیش روی شماست بسیار اندک می‌باشد و ما سعی کرده‌ایم تا در مستدرکات و پاورقی‌های کتاب بر تعداد آنها بیفزاییم، ولی در هر حال مجموعه احادیثی که در این کتاب، در باره حضرت فاطمه علیها السّلام آمده است حدودا ۷۰٪ کلّ احادیث مربوط به آن حضرت در منابع شیعه و غیر شیعه می‌باشد.

اقدامات مترجم و محقّق در باره این کتاب:

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

آنچه که محقق و مترجم کتاب حاضر انجام داده است به شرح ذیل می‌باشد:

۱- جمع آوری کلیه احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام از تمامی مجلّدات بحار الانوار.

۲ اعراب‌گذاری احادیث و روایات فراهم آمده، به این منظور که همگان بتوانند از آنها به راحتی استفاده کنند. اهل علم و قلم اطلاع دارند که اعرابگذاری آیه یا حدیث یک کار است، و در مرحله حروفچینی، درست وارد کردن اعراب توسط حروفچین کاری دیگر، که معمولا با مشکلات زیادی مواجه می‌باشد. البته بسیاری از اشکالات در مرحله تصحیح اصلاح می‌شوند ولی نویسنده هرگز نمی‌تواند به نحو قاطع بگوید که آنچه به دست خواننده می‌رسد از هر گونه اشکال مبرّا می‌باشد. امید که اهل اطلاع به دیده اغماض بنگرند و در صورت اساسی بودن اشکال، محقق یا ناشر را مطلع نمایند تا در چاپهای بعدی اصلاحات لازم صورت گیرد.

۳- ترجمه احادیث و روایات به زبان فارسی: در این قسمت از کار سعی شده تا ترجمه احادیث به صورتی روان و سلیس انجام شود تا برای همه فارسی زبانان به راحتی قابل استفاده باشد، و در مورد احادیث مکرّر، از ترجمه مکرّر آنها خودداری شده است.

۴- افزودن تعلیقات تحقیقی در پاورقی به منظور تبیین بیشتر موضوع یا تذکر نکته‌ای مهم و مفید که متأسفانه تعداد آنها به دلیل محذوراتی که در پیش بوده، به اندازه لازم نمی‌باشد.

۵- تخریج آیات که گاهی در پاورقی صورت گرفته و گاهی در متن ترجمه.

۶- تخریج مصادر و منابع احادیث از کتابهای شیعی و غیر شیعی، که در پاورقی کتاب انجام گرفته و در این مرحله رعایت کمال اختصار شده است زیرا به نظر رسید که ذکر جزئیات، اختلاف نقلها و نسخه‌ها، ذکر اسناد متعدّد احادیث و ... می‌تواند خواننده‌ای را که در طریق تحقیق علمی قرار ندارد خسته کرده موجبات ملالت وی را فراهم آورد.

۷- موضوع بندی احادیث در اوایل هر باب که جهت تکمیل استفاده خوانندگان در آخر هر جلد تکرار می‌شود.

۸ شماره‌گذاری احادیث به صورت مسلسل، تا امکان تهیه فهارس راهنما را در مجلّد آخر کتاب میسّر سازد.

از خداوند متعال می‌خواهم که این عمل ناچیز را بپذیرد و این بنده کمترینش را مورد لطف و رحمت خاصّه‌اش قرار دهد.

آمین محمّد روحانی علی‌آبادی

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

آشنایی کوتاه با صدّیقه کبری، حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام

نام: فاطمه. کنیه‌های مشهور: امّ الحسن، امّ الحسین، امّ ابیها، امّ الائمّه. مشهورترین لقبها: زهرا، صدّیقه، طاهره، کبری، سیّده، بتول.

پدر: حضرت محمّد بن عبد اللَّه صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم پیامبر عظیم الشأن اسلام.

مادر: خدیجه علیها السّلام بنت خویلد همسر فداکار پیامبر اسلام.

محلّ تولد: مکّه. سال تولد: سال دوم بعثت، و به روایتی: سال پنجم.

روز میلاد: بیستم جمادی الثانی. نام همسر: علی بن ابی طالب علیه السّلام، پسر عموی پیامبر اسلام.

زمان ازدواج: رجب یا ذی حجّه سال دوم هجرت در مدینه. مدّت زندگانی با علی علیه السّلام: نه سال.

میزان مهریّه: ۴۰۰ مثقال نقره مسکوک فرزندان: حسن علیه السّلام، حسین علیه السّلام، زینب کبری، امّ کلثوم و یک فرزند سقط شده به نام محسن شهادت: در سال یازدهم هجری محل دفن: پنهان است تعداد احادیث و روایات باقیمانده در باره آن حضرت: حدود ۲۰۰۰ مورد. تعداد سخنان باقیمانده از حضرت فاطمه: حدود ۱۳۰ مورد.

تعداد اشعار باقیمانده از آن حضرت: حدود ۲۹ قطعه.

تعداد خطبه‌های باقیمانده از آن حضرت: ۲ خطبه.

سایر آثار علمی باقیمانده از آن حضرت: مصحف فاطمه علیها السّلام که به خط همسر گرامش علی علیه السّلام نوشته شده و در نزد فرزندان آن حضرت بوده و هم اکنون در دست حضرت قائم عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

مشهورترین و صحیح‌ترین مناقب و فضائل آن حضرت:

۱- اینکه غضب فاطمه علیها السّلام موجب غضب خدا و رسول او، و رضای فاطمه سبب رضای ایشان است.

۲- فاطمه برترین زنان دو عالم است.

۳- فاطمه معصوم از هر گونه گناه می‌باشد.

۴- آن حضرت محبوبترین و عزیزترین مردم در نزد رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بوده است.

۵- خداوند در روز قیامت، به آن حضرت اجازه شفاعت می‌دهد.

۶- صدور معجزات بسیار از حضرت فاطمه علیها السّلام.

۷- بی‌مانند بودن ایمان و یقین فاطمه علیها السّلام.

۸- زهد و قناعت نمونه.

۹- احترام بی‌حدّ پیامبر به آن حضرت.

۱۰- او عابدترین مردم در زمان خود بوده است.

۱۱- صدق و راستگویی حضرت فاطمه علیها السّلام.

۱۲- علم وافر آن حضرت.و ....

باب اوّل ولادت فاطمه علیها السّلام، سیما و شمایل و برخی از تواریخ مربوط به وی

موضوعات روایاتی که در این باب آمده عبارتند از :

۱- خلقت نوری حضرت فاطمه علیها السّلام در عالم ذرّ ۲- دوری زنان قریش و بنی هاشم از حضرت خدیجه، به دلیل ازدواجش با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم.۳- سخن گفتن فاطمه با مادرش به هنگام بارداری ۴- تنها بودن خدیجه به هنگام بارداری ۵- حضور زنان مقدّس به هنگام میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام ۶- کیفیت میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام از مادرش ۷- شهادت حضرت فاطمه علیها السّلام بر یگانگی خدا، نبوّت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و وصایت علی علیه السّلام به هنگام میلاد ۸- رشد و نموّ خارق العاده حضرت فاطمه علیها السّلام در دوران طفولیت ۹- میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام بعد از معراج پیامبر ۱۰- انعقاد نطفه فاطمه علیها السّلام از میوه‌های بهشتی ۱۱- محبّت فراوان پیامبر نسبت به فاطمه علیها السّلام ۱۲- پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و استشمام بوی بهشت از فاطمه علیها السّلام ۱۳- فاطمه علیها السّلام حوریّه‌ای در لباس انسان ۱۴- منصوره آسمان و فاطمه زمینیان ۱۵- محبّت مخصوص پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نسبت به فاطمه علیها السّلام و عدم ابراز آن به سایرین ۱۶- اندوه عایشه از محبت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نسبت به فاطمه علیها السّلام ۱۷- سیمای ظاهری و شمایل حضرت فاطمه علیها السّلام ۱۸- شباهت حضرت فاطمه علیها السّلام به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ۱۹- میلاد فاطمه علیها السّلام، در روز بیستم جمادی الآخر ۲۰- میلاد فاطمه علیها السّلام، طبق نظر اهل سنّت سال پنجم قبل از بعثت پیامبر ۲۱- میلاد فاطمه علیها السّلام، طبق نظر برخی علمای شیعه سال پنجم بعد از بعثت ۲۲- میلاد فاطمه علیها السّلام، طبق نظر برخی از دانشمندان شیعه و اهل سنّت سال دوم بعثت ۲۳- ازدواج فاطمه با علی علیهما السّلام، سال دوم هجرت و در روز اوّل یا ششم ذی الحجّه ۲۴- مدّت زندگانی فاطمه پس از رحلت پیامبر- بنا بر قول مشهور- هفتاد و پنج روز. ۲۵- برخورداری فاطمه علیها السّلام از علمی وسیع نسبت به گذشته، حال و آینده ۲۶- عدم حدوث نفاس در آن حضرت بعد از تولّد فرزندانش ۲۷- یکی از کنیه‌های فاطمه، «امّ ابیها» ۲۸- ازدواج پیامبر پس از هجرت با سوده و سپس امّ سلمه و سپردن سرپرستی فاطمه علیها السّلام به آنان متن احادیث و ترجمه آنها

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی]۶، ۱۵، ۱۴ ۱ الأمالی للصدوق «۱» أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَلِيلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْفَقِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع كَيْفَ كَانَ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ ع فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ ع لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ص هَجَرَتْهَا نِسْوَةُ مَكَّةَ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ وَ كَانَ جَزَعُهَا وَ غَمُّهَا حَذَراً عَلَيْهِ ص فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ يَوْماً فَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ ع فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي قَالَ يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرَئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّهَا أُنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسْلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَئِمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ ع عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وِلَادَتُهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ بَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِتَلِينَ مِنِّي مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا أَنْتِ عَصَيْتِنَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتِ مُحَمَّداً يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقِيراً لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً فَاغْتَمَّتْ خَدِيجَةُ ع لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمْرٍ طِوَالٍ كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكِ إِلَيْكِ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكِ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكِ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كُلْثُمُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَيْكِ لِنَلِيَ مِنْكِ مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةٌ عَنْ يَمِينِهَا وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةَ ع طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ وَ دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طَسْتٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيقٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبْرِيقِ مَاءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَلَتْهَا بِمَاءِ الْكَوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بَيْضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَفَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ قَنَّعَتْهَا بِالثَّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ ع بِالشَّهَادَتَيْنِ وَ قَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ ع وَ حَدَثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتِ النِّسْوَةُ خُذِيهَا يَا خَدِيجَةُ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً زَكِيَّةً مَيْمُونَةً بُورِكَ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً وَ أَلْقَمَتْهَا ثَدْيَهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا فَكَانَتْ فَاطِمَةُ ع تَنْمِي فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَ تَنْمِي فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مصباح الأنوار «۱»، عن أبی المفضل الشیبانی عن موسی بن محمد الأشعری ابن بنت سعد بن عبد الله عن الحسن بن محمد بن إسماعیل المعروف بابن أبی الشوارب عن عبد الله بن علی بن أشیم عن یعقوب بن یزید عن حماد مثله «۱»

ترجمه: (۱): در کتاب امالی شیخ صدوق، از مفضّل بن عمر نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: ولادت حضرت فاطمه علیها السّلام چگونه بوده است؟

امام فرمود: هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با خدیجه علیها السّلام ازدواج کرد، زنان مکه از خدیجه کناره‌گیری نمودند و نزد وی نمی‌رفتند، به او سلام نمی‌کردند، و به هیچ زنی اجازه نمی‌دادند که با او معاشرت و تماس داشته باشد. این برخورد زنان سبب ناراحتی و اندوه خدیجه شد، البته غم و اندوه وی بیشتر برای پیامبر اسلام بود که مبادا آسیبی متوجّه وی گردد.

وقتی خدیجه به حضرت فاطمه حامله شد، فاطمه در رحم مادر همدم او بود و با مادرش سخن می‌گفت، و وی را به صبر توصیه می‌نمود، خدیجه این موضوع را از رسول خدا مخفی می‌داشت تا اینکه یک روز پیامبر نزد خدیجه آمد و شنید که او با کسی سخن می‌گوید، پس به او گفت: ای خدیجه! با چه کسی سخن می‌گویی؟ خدیجه گفت: با این بچه‌ای که در رحم دارم، او با من سخن می‌گوید و مونس ساعات تنهایی من است.

رسول خدا فرمود: ای خدیجه! جبرئیل مرا بشارت داده که او دختر است، و گفته که او منشأ نسلی پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالی مقدّر نموده که نسل من از طریق او برقرار و پایدار بماند، و مقرّر فرموده که فرزندان او پس از انقطاع وحی امام و خلیفه خدا در زمین باشند. (۱) خدیجه دائما در همین حال بود تا اینکه هنگام وضع حمل وی فرا رسید، پس کسی را نزد زنان قریش و بنی هاشم فرستاد که بیایید و مرا در امر تولّد فرزند یاری نمایید. آنان در جواب گفتند: چون تو سخن ما را در باره ازدواج با محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نادیده گرفتی و با آن مرد فقیر و یتیم ازدواج کردی، پس ما نزد تو نخواهیم آمد و تو را در این امر یاری نخواهیم نمود.

خدیجه از شنیدن این جواب غمگین شد؛ در همان حال چهار زن گندمگون و بلند بالا که خدیجه فکر می‌کرد از زنان بنی هاشم هستند نزد او حاضر شدند، هنگامی که خدیجه آنها را دید اظهار درد و ناراحتی کرد، یکی از آنان گفت: ای خدیجه! نگران نباش، زیرا ما فرستاده خداییم تا تو را در امر زایمان کمک کنیم، ما خواهران تو هستیم، من ساره هستم، و این بانو آسیه دختر مزاحم است که در بهشت دوست و همراه تو خواهد بود، و این مریم دختر عمران، و آن دیگری کلثم خواهر موسی بن عمران است، پس یکی از آنان در سمت راست خدیجه، و

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

یکی در طرف چپ وی، و دیگری در مقابل او و چهارمی ایشان در بالای سر او نشستند، و بدین ترتیب خدیجه، حضرت فاطمه علیها السّلام را در حالی که پاک و پاکیزه بود، به دنیا آورد.

هنگامی که آن حضرت متولّد شد نوری از او ساطع گردید و داخل خانه‌های مکّه شد به طوری که در شرق و غرب این شهر خانه‌ای باقی نبود مگر آنکه نور در آن داخل شده بود، آنگاه ده تن از حور العین در حالی که به دست هر کدامشان یک طشت و ابریقی از بهشت که پر از آب کوثر بود داخل اتاق شدند، آن بانویی که در پایین پاهای خدیجه قرار گرفته بود آن ظرفها را از دست ایشان گرفته و فاطمه علیها السّلام را با آب کوثر شستشو داد، سپس طفل را در دو حوله سفید و خوشبو پیچید و بعد از آن از او خواست که سخن بگوید، پس فاطمه زبان گشود و فرمود: شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد، و شهادت می‌دهم که پدرم رسول خدا و برترین پیامبران است و همسرم علی برترین اوصیا، و فرزندانم برترین بازماندگان و سرور مردمان هستند، و پس از این گفتار به آن بانوان سلام کرد و هر یک را به نامشان خطاب کرد، پس آنان خندان و شادمان گردیدند و تولّد او را به یک دیگر تبریک گفتند (۱) و اهل آسمان نیز ولادت او را به یک دیگر تبریک می‌گفتند، و به واسطه تولّد فاطمه در آسمان نیز نور خیره‌کننده‌ای ظاهر گردید که ملائکه پیش از آن نظیر آن را ندیده بودند. پس آن زنان به خدیجه گفتند: این مولود پاک و مبارک را بگیر که در خود او و نسل او برکت قرار داده شده، خدیجه در حالی که خوشحال و مسرور بود فاطمه را در آغوش گرفت و پستان خود را در دهان او نهاد و شیر در دهان او جاری نمود، و این نوزاد از رشد فوق العاده‌ای برخوردار بود به طوری که در هر روز به اندازه یک ماه، و در هر ماهی به اندازه یک سال رشد می‌کرد.

[متن عربی]۱۴، ۱۵ ۲ الأمالی «۱» و عیون أخبار الرضا «۲» للصدوق الْهَمَذَانِیُّ «۳» عَنْ عَلِیٍّ «۴» عَنْ أَبِیهِ «۵» عَنِ الْهَرَوِیِّ «۶» عَنِ الرِّضَا ع قَالَ قَالَ النَّبِیُّ ص لَمَّا عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ أَخَذَ بِیَدِی جَبْرَئِیلُ ع فَأَدْخَلَنِی الْجَنَّةَ فَنَاوَلَنِی مِنْ رُطَبِهَا فَأَکَلْتُهُ فَتَحَوَّلَ ذَلِکَ نُطْفَةً فِی صُلْبِی فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَی الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِیجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ ع فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِیَّةٌ فَکُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَی رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِی فَاطِمَةَ. الإحتجاج للطبرسی «۷» مرسلا مثله «۸»

ترجمه: (۱) در کتاب عیون اخبار الرضا و امالی شیخ صدوق به نقل از امام رضا علیه السّلام آمده: رسول خدا فرمود: هنگامی که به آسمان عروج کردم، جبرئیل دستم را گرفته وارد بهشت نمود و خرمایی بهشتی به من داد، پس خرما را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در بطن من پدیدار شد، هنگامی که به زمین بازگشتم، با خدیجه همبستر شدم و خدیجه به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریّه‌ای به شکل انسان است و من هر گاه مشتاق بوی بهشت می‌شوم، بوی دخترم فاطمه را استشمام می‌کنم. «۱»

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳ معانی الأخبار «۱» ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ «۲» عَنِ الْحِمْيَرِيِّ «۳» عَنِ ابْنِ يَزِيدَ «۴» عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ «۵» عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ ع قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَلَيْسَتْ هِيَ إِنْسِيَّةً فَقَالَ فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ كَيْفَ هِيَ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ قَالَ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ إِذْ كَانَتِ الْأَرْوَاحُ فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ عُرِضَتْ عَلَى آدَمَ قِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ أَيْنَ كَانَتْ فَاطِمَةُ قَالَ كَانَتْ فِي حُقَّةٍ تَحْتَ سَاقِ الْعَرْشِ قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَمَا كَانَ طَعَامُهَا قَالَ التَّسْبِيحُ وَ التَّقْدِيسُ وَ التَّهْلِيلُ وَ التَّحْمِيدُ فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ وَ أَخْرَجَنِي مِنْ صُلْبِهِ وَ أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ صُلْبِي جَعَلَهَا تُفَّاحَةً فِي الْجَنَّةِ وَ أَتَانِي بِهَا جَبْرَئِيلُ ع فَقَالَ لِي السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ قُلْتُ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ يَعُودُ السَّلَامُ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ هَذِهِ تُفَّاحَةٌ أَهْدَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَخَذْتُهَا وَ ضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي قَالَ يَا مُحَمَّدُ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ كُلْهَا فَفَلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ نُوراً سَاطِعاً وَ فَزِعْتُ مِنْهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَا لَكَ لَا تَأْكُلُ كُلْهَا وَ لَا تَخَفْ فَإِنَّ ذَلِكَ النُّورَ لِلْمَنْصُورَةِ فِي السَّمَاءِ وَ هِيَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ قُلْتُ حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ وَ لِمَ سُمِّيَتْ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةَ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ قَالَ سُمِّيَتْ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ وَ فُطِمَ أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا- وَ هِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشاءُ «۱» يَعْنِي نَصْرَ فَاطِمَةَ لِمُحِبِّيهَا.

بيان لعل هذا التأويل مبنى على أن قوله مِنْ بَعْدُ قبل قوله يَوْمَئِذٍ إشارة إلى القيامة

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده:

نور فاطمه قبل از اینکه زمین و آسمان خلق شوند آفریده شد. «۲» بعضی از مردم گفتند: ای رسول خدا! پس او از جنس بشر نیست؟

پیامبر فرمود: فاطمه حوریّه‌ای در لباس انسان است.

گفتند: ای رسول خدا! چگونه امکان دارد که کسی حوریّه و در عین حال انسان باشد؟

فرمود: خداوند متعال قبل از اینکه حضرت آدم را بیافریند فاطمه را در آن هنگامی که ارواح مخلوقات را خلق می‌کرد، از نور خود آفرید، پس هنگامی که آدم را آفرید، فاطمه را به او نشان داد.

گفته شد: ای رسول خدا! فاطمه در آن زمان کجا بود؟

(۱) فرمود: نور او در حفره‌ای زیر ساق عرش قرار داشت.

گفتند: ای رسول خدا! طعام وی چه بود؟ فرمود: تسبیح و تقدیس و تهلیل «۱» و تحمید؛ هنگامی که خدا حضرت آدم را آفرید و مرا از صلب او خارج نمود (متولّد شدم)، اراده نمود که فاطمه را از صلب من خارج کند،

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

پس آن نور را در سیبی قرار داد و جبرئیل آن سیب را نزد من آورد و گفت: ای محمّد! سلام، رحمت و برکات خدا بر تو باد. گفتم: ای حبیب من! بر تو باد سلام و رحمت و برکات او.

جبرئیل گفت: ای محمّد! خدا به تو سلام می‌رساند.

گفتم: هر چه سلام (سلامتی) است از طرف اوست و به سوی او باز خواهد گشت.

گفت: ای محمّد! این سیب تحفه‌ای است که خداوند مهربان آن را از بهشت برای تو فرستاده. و من آن سیب را گرفته و به سینه خود نهادم.

جبرئیل گفت: ای محمّد! خداوند می‌فرماید که این سیب را بخوری. هنگامی که آن سیب را تکّه کردم نوری از آن ساطع گردید که موجب تعجّب من شد، و جبرئیل که تأخیر و تأمّل مرا در خوردن سیب مشاهده کرد، گفت: ای رسول خدا! چرا آن را نمی‌خوری؟

بخور و نترس، زیرا آنچه دیدی نور بانویی است که در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» خواهد بود.

گفتم: ای جبرئیل! چرا در آسمان منصوره و در زمین فاطمه است؟

گفت: در زمین فاطمه نامیده شد برای اینکه پیروان و شیعیان خود را از آتش نجات می‌دهد و دشمنانش از محبّت او محروم خواهند بود، و در آسمان به این جهت منصوره است که خدا فرمود: «در روز قیامت، مؤمنان از نصر و یاری خدا خشنود می‌شوند، و خداوند هر که را خواهد یاری کند»، و مقصود از نصرت خدا برای مؤمنان، همانا شفاعت و امداد فاطمه برای شیعیان و دوستدارانش می‌باشد.

بیان: (۲): شاید این تأویل بر این اساس باشد که لفظ «من بعد» در آیه قبل را اشاره به روز قیامت بدانیم.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۴ علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ «۲» عَنِ السُّكَّرِيِّ «۳» عَنِ الْجَوْهَرِيِّ «۴» عَنِ ابْنِ عُمَارَةَ «۵» عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرٍ «۶» عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ تَلْثِمُ فَاطِمَةَ وَ تَلْزَمُهَا وَ تُدْنِيهَا مِنْكَ وَ تَفْعَلُ بِهَا مَا لَا تَفْعَلُهُ بِأَحَدٍ مِنْ بَنَاتِكَ فَقَالَ إِنَّ جَبْرَئِيلَ ع أَتَانِي بِتُفَّاحَةٍ مِنْ تُفَّاحِ الْجَنَّةِ فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ مَاءً فِي صُلْبِي ثُمَّ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَأَنَا أَشَمُّ مِنْهَا رَائِحَةَ الْجَنَّةِ «۷»

ترجمه (۱): شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع، از امام باقر علیه السّلام، از جابر بن عبد اللّه نقل می‌کند: به پیامبر خدا گفته شد: ای رسول خدا! چگونه است که این قدر فاطمه را می‌بوسی و او را در آغوش می‌گیری و نزدیک خود می‌نشانی، و به او لطف و محبّتی روا می‌داری در حالی که سایر دخترانت از آن [لطف و محبّت مخصوص] بی‌بهره‌اند؟! رسول خدا فرمود: جبرئیل سیبی از سیبهای بهشت برای من آورد و من آن را خوردم، و از آن سیب نطفه‌ای در صلب من پدیدار گشت، و هنگامی که با خدیجه همبستر شدم وی به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه بوی بهشت می‌دهد و من هر گاه او را می‌بویم بوی بهشت به مشامم می‌رسد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی]۱۴، ۱۵، ۱ ۵ علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبْسِيِّ عَنْ جَبَلَةَ الْمَكِّيِّ عَنْ طَاوُسٍ الْيَمَانِيِّ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ دَخَلَتْ عَائِشَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُوَ يُقَبِّلُ فَاطِمَةَ فَقَالَتْ لَهُ أَ تُحِبُّهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ عَلِمْتِ حُبِّي لَهَا لَازْدَدْتِ لَهَا حُبّاً إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ أَذَّنَ جَبْرَئِيلُ وَ أَقَامَ مِيكَائِيلُ ثُمَّ قِيلَ لِي ادْنُ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ أَتَقَدَّمُ وَ أَنْتَ بِحَضْرَتِي يَا جَبْرَئِيلُ قَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ فَضَّلَكَ أَنْتَ خَاصَّةً فَدَنَوْتُ فَصَلَّيْتُ بِأَهْلِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ ثُمَّ الْتَفَتُّ عَنْ يَمِينِي فَإِذَا أَنَا بِإِبْرَاهِيمَ ع فِي رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ قَدِ اكْتَنَفَهَا جَمَاعَةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ثُمَّ إِنِّي صِرْتُ إِلَى السَّمَاءِ الْخَامِسَةِ وَ مِنْهَا إِلَى السَّادِسَةِ فَنُودِيتُ يَا مُحَمَّدُ نِعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ نِعْمَ الْأَخُ أَخُوكَ عَلِيٌّ فَلَمَّا صِرْتُ إِلَى الْحُجُبِ أَخَذَ جَبْرَئِيلُ ع بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ فِي أَصْلِهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلَلَ وَ الْحُلِيَّ فَقُلْتُ حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَقَالَ هَذِهِ لِأَخِيكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ هَذَانِ الْمَلَكَانِ يَطْوِيَانِ لَهُ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَلْيَنَ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطَبَةً فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطَبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا أَنْ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ ع

ترجمه (۱): شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع به نقل از ابن عبّاس گوید: عایشه بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وارد شد در حالی که پیامبر فاطمه را می‌بوسید، پس به او گفت: ای رسول خدا! آیا او را خیلی دوست می‌داری؟

پیامبر فرمود: آری، به خدا سوگند اگر می‌دانستی که چقدر او را دوست می‌دارم تو نیز او را بیشتر دوست می‌داشتی، زیرا هنگامی که در شب معراج مرا به آسمان چهارم بردند، جبرئیل اذان گفت و میکائیل اقامه، آنگاه به من گفته شد: ای محمّد! جلو بیا و نماز بگزار.

گفتم: ای جبرئیل! با بودن تو من چگونه جلو بایستم و نماز بگزارم؟ گفت: بله، به درستی که خداوند عزیز پیامبران مرسل خود را بر ملائکه مقرّبش فضیلت و برتری داده است و علاوه بر آن تو را نیز نسبت به ایشان، فضیلت مخصوصی عطا فرموده است. پس جلو رفتم و با ساکنان آسمان چهارم نماز گزاردم، و وقتی به طرف راست برگشتم [حضرت] ابراهیم را دیدم که در یکی از باغهای بهشت قرار گرفته و گروهی از ملائک در اطراف ایشان اجتماع نموده‌اند.

(۱) سپس وقتی به سوی آسمان پنجم و ششم بالا می‌رفتم ندایی شنیدم که گفت: ای محمّد! پدر تو ابراهیم پدری خوب و برادرت علی [علیه السّلام] برادری شایسته است. هنگامی که به سراپرده‌ها رسیدیم جبرئیل دستم را گرفت و داخل بهشت نمود، در آنجا درختی نورانی توجه مرا جلب کرد در حالی که دو فرشته آن را به

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

زیورهایی می‌آراستند، پس گفتم: ای جبرئیل! این درخت از آن چه کسی است؟ گفت: آن درخت علی بن ابی طالب است و اینها تا روز قیامت وظیفه دارند آن را زینت نمایند.

وقتی کمی جلوتر رفتم با خرمایی مواجه شدم که از کره نرمتر و از مشک خوشبوتر و از عسل شیرین‌تر بود، من یکی از آنها را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در پشت من به هم رسید، هنگامی که به زمین برگشتم با خدیجه همبستر شدم و وی به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریّه‌ای انسیّه است که هر گاه اشتیاق بهشت پیدا می‌کنم بوی او را استشمام می‌نمایم.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۶ تفسیر القمی «۱» أَبِی عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ «۲» عَنِ ابْنِ رِئَابٍ «۳» عَنْ أَبِی عُبَیْدَةَ «۴» عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص یُکْثِرُ تَقْبِیلَ فَاطِمَةَ ع فَأَنْکَرَتْ ذَلِکَ عَائِشَةُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص یَا عَائِشَةُ إِنِّی لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَدْنَانِی جَبْرَئِیلُ مِنْ شَجَرَةِ طُوبَی وَ نَاوَلَنِی مِنْ ثِمَارِهَا فَأَکَلْتُهُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِکَ مَاءً فِی ظَهْرِی فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَی الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِیجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَمَا قَبَّلْتُهَا قَطُّ إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَی مِنْهَا «۵»

ترجمه (۱): علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دخترش فاطمه را خیلی دوست داشت و هر وقت او را می‌دید می‌بوسید، عایشه از این موضوع اظهار ناراحتی می‌کرد، پس رسول خدا فرمود: ای عایشه! در آن شبی که مرا به آسمان بردند، داخل بهشت، جبرئیل دست مرا گرفته نزدیک درخت طوبی برد و مقداری از میوه آن را به من داد، پس از خوردن آن میوه، نطفه‌ای در پشت من به هم رسید، هنگامی که به زمین بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله شد، پس هیچ گاه فاطمه را نبوسیده‌ام مگر اینکه بوی درخت طوبی را از او استشمام کرده‌ام.

[متن عربی] ۱۵ ۷ مناقب آل أبی طالب «۱» أَنَسُ بْنُ مَالِکٍ قَالَ سَأَلْتُ أُمِّی عَنْ صِفَةِ فَاطِمَةَ ع فَقَالَتْ کَانَتْ کَأَنَّهَا الْقَمَرُ لَیْلَةَ الْبَدْرِ أَوِ الشَّمْسُ کُفِرَتْ غَمَاماً أَوْ خَرَجَتْ مِنَ السَّحَابِ وَ کَانَتْ بَیْضَاءَ بَضَّةً «۱»

بیان کفرت علی البناء للمجهول أی إن شئت شبهتها بالشمس المستورة بالغمام لسترها و عفافها أو لإمکان النظر إلیها و إن شئت بالشمس الخارجة من تحت الغمام لنورها و لمعانها و یحتمل أن یکون الغرض التشبیه بالشمس فی حالتی ابتداء الدخول فی الغمام و الخروج منها تشبیها لها بالشمس و لقناعها بالسحاب التی أحاطت ببعض الشمس أو یقال التشبیه بها فی الحالتین لجمعها فیهما بین الستر و التمکن من النظر و عدم محو الضوء و فی الشعاع و علی التقادیر مأخوذ من الکفر بمعنی التغطیة یقال کفرت الشیء أکفره بالکسر کفرا أی سترته و البضاضة رقة اللون و صفاؤه الذی یؤثر فیه أدنی شیء

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه (۱): ابن شهر آشوب در کتاب مناقب به نقل از انس بن مالک گوید: از مادرم در باره شمایل حضرت فاطمه سؤال کردم، در جواب گفت: فاطمه مثل ماه در شب چهاردهم یا مثل آفتابی بود که تازه از زیر ابر خارج شده و یا تازه وارد آن می‌گردید، و رنگ پوستش سفید و روشن بود.

بیان: (۲): «کفرت» بنا بر اینکه «کفرت» خوانده شود- صیغه مجهول- به این معنا خواهد بود که اگر می‌خواهی او را به آفتابی که در پشت ابر بوده و کم کم می‌خواهد از پشت آن خارج شود تشبیه کن که در آن صورت منظور از کلام راوی عفیف و پوشیده بودن حضرت فاطمه خواهد بود لکن نه به گونه‌ای که تمام بدن او حتی چشمانش پوشیده باشد که اگر به او نگاه شود چیزی قابل رؤیت نباشد، و یا اگر می‌خواهی او را به آفتابی تشبیه کن که تازه از زیر ابر خارج شده و نور افشانی می‌کند و هدف از آن این باشد که فاطمه دارای چهره‌ای نورانی و درخشنده بوده است. همچنین ممکن است که غرض راوی تشبیه فاطمه بر خورشید در حالتی باشد که تازه زیر ابر می‌رود و یا تازه از زیر ابر خارج می‌شود و در هر دو حال نوری دارد که چشم از نگاه به آن آزرده می‌شود. و تشبیه فاطمه به خورشید در دو حالت (کفرت غماما، أو خرجت من السّحاب) به دلیل آن است که در هر دو حالت هم ستر و پوشیدگی وجود دارد و هم امکان رؤیت و در عین حال جلوه و روشنی محو نمی‌شود و قابل مشاهده است، به هر تقدیر «کفرت» مأخوذ از «کفر» به معنی پوشاندن است و وقتی گفته می‌شود «کفرت الشیء الکفره» یعنی مخفی کردن و پوشاندن آن.

و «بضاضه» عبارت از روشن بودن رنگ چهره و صفای آن است به نحوی که کوچکترین چیز در آن اثر می‌گذارد.

[متن عربی] ۱۵ ۸ مناقب آل أبی طالب «۱» عَطَاءٌ «۲» عَنْ أَبِی رَبَاحٍ «۳» قَالَ کَانَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص تَعْجِنُ وَ إِنَّ قَصَبَتَهَا تَضْرِبُ إِلَی الْجَفْنَةِ وَ رُوِیَ «۴» أَنَّهَا کَانَتْ مُشْرِقَةَ الرَّبَاعِیَّةِ

ترجمه (۱): ابن شهر آشوب در کتابش از ابو رباح نقل کرده: فاطمه دختر رسول خدا از آرد خمیر می‌ساخت، و موهای خود را می‌بافت و آنها چون بلند بودند بر روی شانه‌های ایشان می‌ریختند، و روایت شده که چهره او چون خورشید می‌درخشید و چهار دندان پیشین او افتاده بود.

[متن عربی] ۱۵، ۱، ۲، ۱۴ ۹ مناقب آل أبی طالب «۵» جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مَا رَأَیْتُ فَاطِمَةَ تَمْشِی إِلَّا ذَکَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص تَمِیلُ عَلَی جَانِبِهَا الْأَیْمَنِ مَرَّةً وَ عَلَی جَانِبِهَا الْأَیْسَرِ مَرَّةً وَ وُلِدَتْ فَاطِمَةُ بِمَکَّةَ بَعْدَ النُّبُوَّةِ بِخَمْسِ سِنِینَ وَ بَعْدَ الْإِسْرَاءِ بِثَلَاثِ سِنِینَ ثُمَّ هَاجَرَتْ مَعَهُ إِلَی الْمَدِینَةِ فَزَوَّجَهَا مِنْ عَلِیٍّ بَعْدَ مَقْدَمِهَا الْمَدِینَةَ بِسَنَتَیْنِ أَوَّلَ یَوْمٍ مِنْ ذِی الْحِجَّةِ وَ رُوِیَ أَنَّهُ کَانَ یَوْمَ السَّادِسِ وَ دَخَلَ بِهَا یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِستٍّ خَلَوْنَ مِنْ ذِی الْحِجَّةِ بَعْدَ بَدْرٍ وَ قُبِضَ النَّبِیُّ وَ لَهَا یَوْمَئِذٍ ثَمَانِیَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَ وَلَدَتِ الْحَسَنَ وَ لَهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ سَنَةً «۱»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه (۱): ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از جابر بن عبد اللّه نقل کرده: هر گاه راه رفتن فاطمه را می‌دیدم پیامبر اسلام به یادم می‌آمد، زیرا او نیز مانند پدرش در موقع راه رفتن گاهی به طرف راست و گاهی به طرف چپ متمایل می‌شد، او پنج سال بعد از نبوّت پدرش و سه سال پس از معراج او، در بیستم جمادی الآخر در مکّه متولّد گردید و مدّت هشت سال را با پدرش در مکّه بود. آنگاه همراه ایشان به مدینه مهاجرت نمود، و پیامبر خدا او را در سال دوم هجرت، در روز اوّل ذی الحجّه، به ازدواج علی بن ابی طالب در آورد. و روایت شده که ازدواج او در روز ششم ذی حجّه، در روز سه شنبه و بعد از بازگشت از جنگ بدر بوده است، و هنگامی که پیامبر رحلت نمود وی هیجده سال و هفت ماه داشت، و هنگامی که فرزند اوّلش امام حسن علیه السّلام متولّد گردید مادرش فاطمه دوازده ساله بود.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱، ۲ ۱۰ کشف الغمة «۲» ذَكَرَ ابْنُ الْخَشَّابِ «۳» عَنْ شُيُوخِهِ يَرْفَعُهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ وُلِدَتْ فَاطِمَةُ بَعْدَ مَا أَظْهَرَ اللَّهُ نُبُوَّةَ نَبِيِّهِ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيَ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ قُرَيْشٌ تَبْنِي الْبَيْتَ وَ تُوُفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسَةُ وَ سبعين يَوْماً وَ فِي رِوَايَةِ صَدَقَةَ ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ شَهْرٌ وَ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً وَ كَانَ عُمُرُهَا مَعَ أَبِيهَا بِمَكَّةَ ثَمَانِيَ سِنِينَ وَ هَاجَرَتْ إِلَى الْمَدِينَةِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَقَامَتْ مَعَهُ عَشْرَ سِنِينَ وَ كَانَ عُمُرُهَا ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً فَأَقَامَتْ مَعَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهَا خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْماً وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ قَالَ الذَّارِعُ أَنَا أَقُولُ فَعُمُرُهَا عَلَى هَذِهِ الرِّوَايَةِ ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ شَهْرٌ وَ عَشَرَةُ أَيَّامٍ وَ وَلَدَتِ الْحَسَنَ وَ لَهَا إِحْدَى عَشْرَةَ سَنَةً بَعْدَ الْهِجْرَةِ بِثَلَاثِ سِنِينَ «۱»

ترجمه (۱): محقق اربلی در کشف الغمة به نقل از امام باقر علیه السّلام گوید: حضرت فاطمه در سال پنجم بعد از بعثت پیامبر اسلام به دنیا آمد و این در حالی بود که قریش خانه کعبه را تعمیر می‌کردند، و وفات نمود در حالی که سنّش هجده سال و هفتاد و پنج روز بود- و در روایت صدقه آمده که مدّت عمر او هجده سال و یک ماه و پانزده روز بوده- زیرا مدّت زندگیش با پیامبر، در مکّه، هشت سال بود، و پس از آن با پدرش به مدینه هجرت نمود، و ده سال در مدینه زندگی کرد، پس عمرش حدود هجده سال بوده، و پس از رحلت پیامبر فقط هفتاد و پنج روز زنده بود- و در روایت دیگری آمده که این مدت چهل روز بوده است.

ذارع گوید: پس بر اساس این روایت عمر او هجده سال و یک ماه و ده روز بوده، و امام حسن در سال سوم بعد از هجرت در حالی از وی متولّد شد که او یازده سال داشت.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۱۱ کشف الغمة «۲» فِي كِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ ع لِابْنِ بَابَوَيْهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَدْ كُنْتُ شَهِدْتُ فَاطِمَةَ ع وَ قَدْ وَلَدَتْ بَعْضَ وُلْدِهَا فَلَمْ أَرَ لَهَا دَماً فَقَالَ ص إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورَةِ إِنْسِيَّةٍ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه (۱): محقّق اربلی در کشف الغمه به نقل از شیخ صدوق در کتاب مولد فاطمة، و او از اسماء بنت عمیس روایت کرده: من شاهد بودم که وقتی برخی فرزندان فاطمه متولّد شدند، فاطمه خونی ندید، و رسول خدا در این باره گفت: فاطمه حوریّه‌ای در لباس انسان خلق شده است.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱ ۱۲ روضة الواعظین «۱» وُلِدَتْ ع بَعْدَ النُّبُوَّةِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ بَعْدَ الْإِسْرَاءِ بِثَلَاثِ سِنِينَ وَ أَقَامَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص بِمَكَّةَ ثَمَانَ سِنِينَ ثُمَّ هَاجَرَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى الْمَدِينَةِ فَزَوَّجَهَا مِنْ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بَعْدَ مَقْدَمِهِمُ الْمَدِينَةَ بِسَنَةٍ وَ قُبِضَ النَّبِيُّ ص وَ لِفَاطِمَةَ ع يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ عَاشَتْ بَعْدَ أَبِيهَا اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ يَوْماً

ترجمه (۲): فتّال نیشابوری در روضة الواعظین گوید:حضرت فاطمه در سال پنجم بعد از نبوّت و سه سال بعد از معراج متولّد گردید، و هشت سال با پیامبر در مدینه زندگی کرد، سپس با ایشان به مدینه هجرت نمود، و یک سال پس از ورود به مدینه با علی علیه السّلام ازدواج نمود، و هنگامی که رسول خدا رحلت فرمود هجده سال داشت، و پس از وی هفتاد و دو روز زنده بوده است.

[متن عربی] ۱۵ ۱۳ الکافی «۲» وُلِدَتْ فَاطِمَةُ ع بَعْدَ مَبْعَثِ النَّبِيِّ ص بِخَمْسِ سِنِينَ وَ تُوُفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ يَوْماً بَقِيَتْ بَعْدَ أَبِيهَا خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْماً

ترجمه: (۳) محمّد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی می‌گوید:حضرت فاطمه علیها السّلام در سال پنجم بعثت متولّد شد، و در حالی که هجده سال و هفتاد و پنج روز از عمرش می‌گذشت وفات نمود، و مدّت عمرش پس از پیامبر هفتاد و پنج روز بود.

[متن عربی] ۱، ۱۵، ۱۴ ۱۴ عُيُونُ الْمُعْجِزَاتِ، «۱» رُوِيَ عَنْ حَارِثَةَ بْنِ قُدَامَةَ قَالَ حَدَّثَنِي سَلْمَانُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمَّارٌ وَ قَالَ أُخْبِرُكَ عَجَباً قُلْتُ حَدِّثْنِي يَا عَمَّارُ قَالَ نَعَمْ شَهِدْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع وَ قَدْ وَلَجَ عَلَى فَاطِمَةَ ع فَلَمَّا أَبْصَرَتْ بِهِ نَادَتْ ادْنُ لِأُحَدِّثَكَ بِمَا كَانَ وَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ وَ بِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ قَالَ عَمَّارٌ فَرَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَرْجِعُ الْقَهْقَرَى فَرَجَعْتُ بِرُجُوعِهِ إِذْ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ لَهُ ادْنُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَدَنَا فَلَمَّا اطْمَأَنَّ بِهِ الْمَجْلِسُ قَالَ لَهُ تُحَدِّثُنِي أَمْ أُحَدِّثُكَ قَالَ الْحَدِيثُ مِنْكَ أَحْسَنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ كَأَنِّي بِكَ وَ قَدْ دَخَلْتَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ قَالَتْ لَكَ كَيْتَ وَ كَيْتَ فَرَجَعْتَ فَقَالَ عَلِيٌّ ع نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِنَا فَقَالَ ع أَ وَ لَا تَعْلَمُ فَسَجَدَ عَلِيٌّ شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى قَالَ عَمَّارٌ فَخَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ خَرَجْتُ بِخُرُوجِهِ فَوَلَجَ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَ وَلَجْتُ مَعَهُ فَقَالَتْ كَأَنَّكَ رَجَعْتَ إِلَى أَبِي ص فَأَخْبَرْتَهُ بِمَا قُلْتُهُ لَكَ قَالَ كَانَ كَذَلِكِ يَا فَاطِمَةُ فَقَالَتْ اعْلَمْ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ نُورِي وَ كَانَ يُسَبِّحُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ شَجَرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ فَأَضَاءَتْ فَلَمَّا دَخَلَ أَبِي الْجَنَّةَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِلْهَاماً أَنِ اقْتَطِفِ الثَّمَرَةَ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَدِرْهَا فِي لَهَوَاتِكَ فَفَعَلَ فَأَوْدَعَنِي اللَّهُ سُبْحَانَهُ صُلْبَ أَبِي ص

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ثُمَّ أَوْدَعَنِی خَدِیجَةَ بِنْتَ خُوَیْلِدٍ فَوَضَعَتْنِی وَ أَنَا مِنْ ذَلِکَ النُّورِ أَعْلَمُ مَا کَانَ وَ مَا یَکُونُ وَ مَا لَمْ یَکُنْ یَا أَبَا الْحَسَنِ الْمُؤْمِنُ یَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ تَعَالَی «۲»

ترجمه (۱): حسین بن عبد الوهاب در کتاب عیون المعجزات به نقل از سلمان روایت نموده است: عمّار بن یاسر به من گفت: آیا می‌خواهی چیز عجیبی را برایت نقل کنم؟

گفتم: نقل کن ای عمار! گفت: آری، من شاهد بودم که روزی علی بن ابی طالب بر فاطمه داخل شد، هنگامی که چشمان فاطمه بر او افتاد، گفت: نزدیک بیا تا به تو بگویم که در جهان هستی چه بوده، چه هست، و تا روز قیامت چه خواهد شد. (۱) عمّار گفت: در این حال دیدم که علی بازگشت، پس من هم به دنبال او بازگشتم تا اینکه به حضور پیامبر رسید، پس پیامبر به او گفت: ای ابو الحسن! نزدیکتر بیا، پس علی نزدیکتر رفت و در کنار او نشست و پیامبر به وی فرمود: حال تو می‌گویی یا من بگویم؟ علی فرمود:

شما بگویید بهتر است. پس رسول خدا فرمود: مثل اینکه فاطمه به تو چنین و چنان گفته است و تو نزد من آمده‌ای تا در باره آن جویا شوی. علی پرسید: آیا نور فاطمه از نور من است؟

پیامبر فرمود: آیا تردید داری؟ البته که چنین است. و علی سجده شکر نموده و از حضور پیامبر خارج گردید و من نیز با او خارج شدم. پس از آن علی به خانه‌اش داخل شد و من نیز با او داخل شدم، فاطمه به او گفت: مثل اینکه نزد پدرم رفته بودی تا آنچه را که به تو گفته بودم برایش نقل کنی؟ علی گفت: چنین است ای فاطمه! فاطمه گفت: ای ابو الحسن! بدان که خدای تعالی نور مرا- در عالم ذرّ- خلق کرد و او بلا فاصله مشغول تسبیح خداوند گردید، سپس آن نور را به صورت درختی نورانی در بهشت درآورد، هنگامی که پدرم در واقعه معراج داخل بهشت گردید خداوند تعالی به او وحی نمود تا از میوه‌های این درخت برگرفته و بخورد، و پدرم چنین کرد و بدین وسیله خداوند مرا در صلب پدرم قرار داد و سپس در بطن مادرم خدیجه دختر خویلد، و من از وی متولّد شدم، پس من از آن نورم، بدان که نسبت به هر آنچه بوده، هست و خواهد بود عالم و آگاه هستم، ای ابو الحسن! مگر نه آن است که مؤمن بوسیله نور خدا می‌بیند و نظاره می‌کند.

[متن عربی] ۱۵ ۱۵ إقبال الأعمال «۱» قَالَ الشَّیْخُ الْمُفِیدُ فِی کِتَابِ حَدَائِقِ الرِّیَاضِ «۲» یَوْمَ الْعِشْرِینَ مِنْ جُمَادَی الْآخِرَةِ کَانَ مَوْلِدُ السَّیِّدَةِ الزَّهْرَاءِ ع سَنَةَ اثْنَتَیْنِ مِنَ الْمَبْعَثِ «۳»

ترجمه: (۱) سیّد بن طاوس در کتاب اقبال الاعمال به نقل از شیخ مفید در کتاب حدائق الریاض گوید: حضرت فاطمه در بیستم جمادی الآخر سال دوم بعثت متولّد گردید.

[متن عربی] ۱۵ ۱۶ مِنْ بَعْضِ کُتُبِ الْمُخَالِفِینَ، «۱» بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ الْهَاشِمِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ وُلِدَتْ فَاطِمَةُ سَنَةَ إِحْدَی وَ أَرْبَعِینَ مِنْ مَوْلِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص «۲»

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۲) در برخی از کتابهای اهل سنّت به نقل از سلیمان بن جعفر هاشمی آمده است: حضرت فاطمه در زمانی متولّد شد که پیامبر چهل و یک ساله بود.

[متن عربی] ۱۷ ۱۷ وَ زَعَمَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ أَنَّ فَاطِمَةَ وُلِدَتْ قَبْلَ أَنْ يُوحَى إِلَى النَّبِيِّ ص وَ كَذَلِكَ سَائِرُ أَوْلَادِهِ مِنْ خَدِيجَةَ «۳»

ترجمه: (۱) و محمّد بن اسحاق کاتب بر این عقیده است که فاطمه و همین طور تمام فرزندان پیامبر قبل از بعثت متولّد شده‌اند.

[متن عربی]۱۵ ۱۸ وَ فِي رِوَايَتِي عَنِ الْحَافِظِ أَبِي الْمَنْصُورِ الدَّيْلَمِيِّ بِرِوَايَتِهِ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْحَدَّادِ عَنْ أَبِي نُعَيْمٍ الْحَافِظِ فِي كِتَابِ مَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ «۱»

أَنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ أَصْغَرَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سِنّاً وُلِدَتْ وَ قُرَيْشٌ تَبْنِي الْكَعْبَةَ وَ كَانَتْ فِيمَا قِيلَ تُكَنَّى أُمَّ أَسْمَاءَ «۲»

ترجمه: (۲) در دو روایتی که ابو منصور دیلمی از ابو نعیم اصفهانی در کتابش به نام معرفة الصّحابه نقل می‌کند گوید: حضرت فاطمه کوچکترین دختر رسول خدا بود، او متولّد شد در زمانی که قریش خانه کعبه را تعمیر می‌کردند، و این قبل از زمانی بود که کنیه امّ اسماء را برای او قرار داده باشند.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱ ۱۹ وَ قَالَ أَبُو الْفَرَجِ فِي كِتَابِ مَقَاتِلِ الطَّالِبِيِّينَ «۳» كَانَ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ ع قَبْلَ النُّبُوَّةِ وَ قُرَيْشٌ حِينَئِذٍ تَبْنِي الْكَعْبَةَ وَ كَانَ تَزْوِيجُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِيَّاهَا فِي صَفَرٍ بَعْدَ مَقْدَمِ رَسُولِ اللَّهِ ص الْمَدِينَةَ وَ بَنَى بِهَا بَعْدَ رُجُوعِهِ مِنْ غَزَاةِ بَدْرٍ وَ لَهَا يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً حَدَّثَنِي بِذَلِكَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْحَارِثِ- عَنِ ابْنِ سَعْدٍ عَنِ الْوَاقِدِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي سَبْرَةَ- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَبِي فَرْوَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع

ترجمه: (۱) ابو الفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبیّین گوید: تاریخ میلاد فاطمه قبل از بعثت پیامبر و در زمانی بود که قریش خانه کعبه را تعمیر می‌کردند، و زمان ازدواج او با علی در ماه صفر اوّلین سال بعد از هجرت به مدینه، و عروسی وی در بعد از مراجعه از غزوه بدر در حالی بود که او هجده سال داشت.

ابو الفرج این روایت را به سند خود از امام جعفر صادق نقل نموده است.

[متن عربی] ۱۵ ۲۰ الكافي «۱» عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبٍ السِّجِسْتَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ وُلِدَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص بَعْدَ مَبْعَثِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِخَمْسِ سِنِينَ وَ تُوُفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ يَوْماً

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۲) محمّد بن یعقوب کلینی به سند خود از امام باقر علیه السّلام روایت می‌کند: حضرت فاطمه در سال پنجم بعد از بعثت پیامبر متولّد گردید، و وفات نمود در حالی که هجده سال و هفتاد و پنج روز داشت.

[متن عربی] ۱۵ ۲۱ المصباح «۲» لکفعمی «۳» وُلِدَتْ فَاطِمَةُ ع فِی الْعِشْرِینَ مِنْ جُمَادَی الْآخِرَةِ یَوْمَ الْجُمُعَةِ سَنَةَ اثْنَتَیْنِ مِنَ الْمَبْعَثِ وَ قِیلَ سَنَةَ خَمْسٍ مِنَ الْمَبْعَثِ وَ کَانَ نَقْشُ خَاتَمِهَا أَمِنَ الْمُتَوَکِّلُونَ وَ بَوَّأَهَا فِضَّةُ أَمَتُهَا

ترجمه: (۳) کفعمی در کتاب مصباح گوید: حضرت فاطمه در بیستم جمادی الآخر «۴»- روز جمعه- سال دوم بعثت متولّد گردید «۵»، و در بعضی روایات آمده است که این امر در سال پنجم بعد از بعثت واقع شده «۱»، و عامّه روایت کرده‌اند که تولّد ایشان در سال پنجم قبل از مبعث بوده است «۲».

[متن عربی] ۱۵ ۲۲ مصباح المتهجد «۱» فِی الْیَوْمِ الْعِشْرِینَ مِنْ جُمَادَی الْآخِرَةِ یَوْمَ الْجُمُعَةِ سَنَةَ اثْنَتَیْنِ مِنَ الْمَبْعَثِ کَانَ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ ع فِی بَعْضِ الرِّوَایَاتِ وَ فِی رِوَایَةٍ أُخْرَی سَنَةَ خَمْسٍ مِنَ الْمَبْعَثِ وَ الْعَامَّةُ تَرْوِی أَنَّ مَوْلِدَهَا قَبْلَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِینَ

ترجمه: (۱) شیخ طوسی در مصباح المتهجّد گوید: حضرت فاطمه در روز بیستم جمادی الآخر- روز جمعه- سال دوم بعثت متولّد گردید، و در برخی روایات آمده که زمان تولّد او سال پنجم بعثت بوده، و اهل سنّت روایت کرده‌اند که تولّد او پنج سال قبل از بعثت پیامبر بوده است.

[متن عربی] ۱۵ ۲۳ کِتَابُ دَلَائِلِ الْإِمَامَةِ «۲»، لِمُحَمَّدِ بْنِ جَرِیرٍ الطَّبَرِیِّ الْإِمَامِیِّ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ الشَّیْبَانِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ وُلِدَتْ فَاطِمَةُ فِی جُمَادَی الْآخِرَةِ الْیَوْمَ الْعِشْرِینَ مِنْهَا سَنَةَ خَمْسٍ وَ أَرْبَعِینَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِیِّ ص فَأَقَامَتْ بِمَکَّةَ ثَمَانَ سِنِینَ وَ بِالْمَدِینَةِ عَشْرَ سِنِینَ وَ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِیهَا خَمْساً وَ سَبْعِینَ یَوْماً وَ قُبِضَتْ فِی جُمَادَی الْآخِرَةِ یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِثَلَاثٍ خَلَوْنَ مِنْهُ سَنَةَ إِحْدَی عَشْرَةَ مِنَ الْهِجْرَةِ

ترجمه: (۲) محمّد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: حضرت فاطمه در بیستم جمادی الآخر سال پنجم بعثت متولّد گردید و در این هنگام پیامبر چهل و پنج ساله بوده‌اند، پس هشت سال در مکّه و ده سال در مدینه و هفتاد و پنج روز بعد از وفات پیامبر زندگی کرد و در روز سوم جمادی الآخر سال یازدهم هجری وفات نمود.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱ ۲۴ وَ عَنْهُ «۱» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوسَی التَّلَّعُکْبَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الضَّبِّیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَکَرِیَّا الْغَلَابِیِّ عَنْ شُعَیْبِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمْ تَزَلْ فَاطِمَةُ تَشِبُّ فِی الْیَوْمِ کَالْجُمُعَةِ وَ فِی الْجُمُعَةِ کَالشَّهْرِ وَ فِی الشَّهْرِ کَالسَّنَةِ فَلَمَّا هَاجَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ مَکَّةَ إِلَی الْمَدِینَةِ وَ ابْتَنَی بِهَا مَسْجِداً وَ أَنِسَ أَهْلُ الْمَدِینَةِ بِهِ وَ عَلَتْ کَلِمَتُهُ وَ عَرَفَ النَّاسُ بَرَکَتَهُ وَ سَارَ إِلَیْهِ الرُّکْبَانُ وَ ظَهَرَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الْإِيمَانُ وَ دُرِسَ الْقُرْآنُ وَ تَحَدَّثَ الْمُلُوكُ وَ الشِّرَافُ [الْأَشْرَافُ وَ خَافَ سَيْفَ نَقِمَتِهِ الْأَكَابِرُ وَ الْأَشْرَافُ وَ هَاجَرَتْ فَاطِمَةُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ نِسَاءِ الْمُهَاجِرِينَ وَ كَانَتْ عَائِشَةُ فِيمَنْ هَاجَرَ مَعَهَا فَقَدِمَتِ الْمَدِينَةَ فَأُنْزِلَتْ مَعَ النَّبِيِّ ص عَلَى أُمِّ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ص النِّسَاءَ وَ تَزَوَّجَ سَوْدَةَ أَوَّلَ دُخُولِهِ الْمَدِينَةَ وَ نَقَلَ فَاطِمَةَ إِلَيْهَا ثُمَّ تَزَوَّجَ أُمَّ سَلَمَةَ فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ تَزَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فَوَّضَ أَمْرَ ابْنَتِهِ إِلَيَّ فَكُنْتُ أُؤَدِّبُهَا وَ كَانَتْ وَ اللَّهِ أَدْأَبَ مِنِّي وَ أَعْرَفَ بِالْأَشْيَاءِ كُلِّهَا

ترجمه: (۱) ابو جعفر طبری در دلائل الامامة از ابن عبّاس نقل می‌کند: رشد فاطمه در دوران کودکی زیاد بود به طوری که در هر روز به اندازه یک هفته و در هر هفته به اندازه یک ماه، و در یک ماه به اندازه یک سال بود. هنگامی که رسول خدا از مکّه به مدینه هجرت کرد و مسجد مدینه را برپا داشت، و با مردم آن شهر انس گرفت، و دین اسلام پیشرفت کرد و مردم برکت وجود او را درک کرده و به وی اعتماد ورزیدند و ایمان خود را آشکار نموده، تدریس قرآن برای همگان آغاز شد، و بزرگان و اشراف و گردنکشان بر سر جای خود نشستند و فهمیدند که با حضرتش نمی‌توانند جنگ و جدال نمایند، سپس حضرت فاطمه همراه علی علیهما السّلام و زنان مهاجر که عایشه نیز در بین آنها بود از مکّه خارج شده و وارد مدینه گردیدند، علی و فاطمه با رسول خدا همراه شده و در منزل امّ ابی ایّوب انصاری ساکن شدند، پس رسول اکرم اوّل سوده «۱» را به همسری خود درآورد و فاطمه را به او سپرد و سپس امّ سلمه «۲» را، پس خود ام سلمه در این مورد گوید: رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مرا به همسری خود درآورد و تربیت و نگهداری از فاطمه را به من سپرد، و من می‌خواستم آداب زندگی را به او بیاموزم ولی به خدا سوگند مشاهده نمودم که او ادبی برتر از من دارد و همه چیز را می‌داند.

بررسی کوتاه سه نظریه معروف پیرامون تاریخ میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام

نظریه اوّل

(۱) اینکه حضرت فاطمه علیها السّلام پنج سال قبل از بعثت و زمانی که قریش خانه کعبه را تعمیر اساسی می‌نمود متولّد شده است: وُلِدَتْ فَاطِمَةُ قَبْلَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ قُرَيْشٌ حِينَئِذٍ تَبْنِي الْبَيْتَ این نظریه متعلّق به اکثر اهل سنّت است «۱» و آنان این نظریّه را با دلایل ذیل تأیید و تقویت می‌نمایند: ۱- قول ابن اسحاق ۲- روایت منقول از عبّاس بن عبد المطّلب ۳- اجماع

دلیل اوّل: (۱) ابن اسحاق گوید: حضرت فاطمه علیها السّلام همانند سایر فرزندان رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از خدیجه علیها السّلام، قبل از بعثت متولّد شده است: أَنَّ فَاطِمَةَ وُلِدَتْ قَبْلَ أَنْ يُوحَى إِلَى النَّبِيِّ ص وَ كَذَلِكَ سَائِرُ أَوْلَادِهِ مِنْ خَدِيجَةَ» محمّد بن اسحاق بن یسار مطّلبی مدنی از علمای بزرگ اسلام در قرن دوم هجری و متوفی به سال ۱۵۱ هجری می‌باشد و به دلیل نزدیکی زمان زندگیش به صدر اسلام، اقوال و نظریّات

او مورد قبول و استقبال قرار می‌گیرد، ولی این نظریه وی را نمی‌توان پذیرفت زیرا معارض دارد، چرا که امام سجّاد علیه السّلام می‌فرمایند: و لم یولد لرسول الله من خدیجة علی فطرة الاسلام إلا فاطمة «۱» و جابر بن عبد اللّه صحابی جلیل القدر پیامبر نیز گوید:

وُلِدَتْ فَاطِمَةُ بِمَكَّةَ بَعْدَ النُّبُوَّةِ «۲» و چنین است که سر آمد دانشمندان شیعه در قرن سوّم و چهارم هجری یعنی محمّد بن یعقوب کلینی در کتاب خود گوید:

و لم یولد بعد المبعث إلا فاطمة «۳» از آن جهت که بنا بر اختصار است به همین مقدار کفایت می‌شود و عدم اعتبار نظریه محمّد بن اسحاق در مورد فرزندان رسول اکرم به اثبات می‌رسد.

دلیل دوم: ابن سعد کاتب در طبقات الکبیر روایت ابن عبّاس را به این صورت نقل می‌کند: أخبرنا محمد بن عمر قال: حدثنا أبو بکر بن عبد الله بن أبی سبرة، عن یحیی بن شبل، عن أبی جعفر قال: دخل العباس علی علی بن أبی طالب و فاطمة، و هی تقول: أنا أسن منک.

فقال العباس: أما أنت یا فاطمة فولدت و قریش تبنی الکعبة و النبی ابن خمس و ثلاثین سنة، و أما أنت یا علی فولدت قبل ذلک بسنوات». «۱» (۱) ترجمه: عبّاس عموی پیامبر بر علی و فاطمه علیهما السّلام وارد شد در حالی که فاطمه به علی می‌گفت: من از تو مسنّ‌تر هستم. پس عبّاس گفت:

ای فاطمه تو در وقتی متولّد شدی که قریش خانه کعبه را بازسازی می‌کرد و پیامبر ۳۵ ساله بود، و ای علی تو چند سال قبل از او متولّدشده‌ای. همین روایت را ابن عساکر به اسنادش از ابن سعد به شرحی که گذشت روایت نموده «۲» و در آن به جای یحیی بن شبل، یحیی بن سیل آورده. و همین طور است در نقل بلاذری «۳».

نحوه استدلال اهل سنّت به این روایت:

آنان گویند: عبّاس بن عبد المطّلب عموی پیامبر بوده و بر وقایع و حوادثی که در آن دوران رخ می‌داده آگاهی کامل داشته و لذا قول او قابل اعتماد خواهد بود.

آنچه در فوق به نقل از اهل سنّت آوردیم در صورتی صحیح و پذیرفته خواهد بود که حد اقل طبق قوانین و قواعد خود ایشان در علم حدیث، خبر مذکور به طریق صحیح به دست ما رسیده باشد. در حالی که طبق موازین علوم حدیث در نزد ایشان این روایت مجعول و غیر قابل اعتماد است. زیرا:

۱- یحیی بن سیل یا شیل مجهول است.

۲- ابو بکر بن عبد اللّه بن ابی سبرة المدنی القاضی «۴» از ضعفا و متروکین است که به جعل حدیث اشتغال داشته و به روایات او اعتماد نمی‌شود.

۳- ابو جعفر در این روایت مجهول و نامعلوم است.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حال باید از دانشمندان حدیث‌شناس اهل سنّت پرسید که آیا می‌توان به چنین روایتی اعتماد نمود؟

دلیل سوم: گفته‌اند که: اهل سنّت «اتّفاق و اجماع» دارند بر اینکه حضرت فاطمه علیها السّلام در پنج سال قبل از بعثت پیامبر متولّد شده است.

در جواب ایشان باید گفت: اگر به واقع چنین اتّفاق و اجماعی ادّعا شده باشد- که نگارنده در آثار اهل سنت چنین ادعایی را مشاهده نکرده، بلکه در برخی از منابع شیعی آن را به علمای عامّه نسبت می‌دهند- در این صورت:

۱- چنین اتّفاق و اجماعی تحقّق ندارد چرا که بسیاری از علما و دانشمندان عامّه «۱» با آن مخالف هستند و نظریّه‌های دیگری را ابراز می‌دارند «۱».

۲- در فرض عدم وجود مخالف و تحقّق ظاهری اتّفاق و اجماع میان علمای عامّه، چنین اجماعی «مدرکی» است و مدرک آن روایت «عبّاس بن عبد المطّلب» می‌باشد که طبق موازین مورد قبول عامّه عدم اعتبار آن را اثبات کردیم، و لذا چنین اجماعی فاقد اعتبار خواهد بود.

نتیجه‌گیری : به دلیل عدم اعتبار دلایلی که طرفداران این نظریّه برای صحّت عقیده خود ابراز داشته‌اند، و با توجه به اینکه به جز ادّعا، دلیل دیگری که بشود به آن استناد کرد و این نظریه را به کمک آن اثبات نمود باقی نمانده است، «۲» لذا نظریه مذکور از درجه اعتبار ساقط می گردد.

نظریه دوم

اینکه حضرت فاطمه علیها السّلام در سال پنجم بعد از بعثت پیامبر متولّد شده است.

این نظریّه به دلایل متفاوتی اتّکا دارد که عبارتند از:

دلیل اوّل: روایت امام باقر علیه السّلام

محمّد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ ه) در کافی، این روایت را به شرح ذیل نقل می‌نماید:

وُلِدَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص بَعْدَ مَبْعَثِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِخَمْسِ سِنِينَ وَ تُوُفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانُ عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ يَوْماً «۱» (۱) ترجمه: حضرت فاطمه علیها السّلام در سال پنجم بعد از مبعث رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم متولّد گردید و به هنگام رحلت هجده سال و هفتاد و پنج روزه بود. این روایت به لحاظ آحاد سند اشکال عمده‌ای ندارد جز آنچه که در باره حبیب سجستانی گفته‌اند، زیرا وی ابتدا از خوارج «۲» بوده است ولی تصریح داریم بر اینکه نامبرده توبه نموده و از اصحاب و ملازمان امام باقر علیه السّلام گردیده «۳» و از ایشان، و به خصوص از امام

باقر روایاتی را نقل می‌کند.

پس گرچه در باره او توثیق لفظی وارد نشده، ولی با عنایت به تعبیرات دانشمندان ما در مورد او و اینکه روایاتی را که او در زنجیره آنها قرار دارد تصحیح می‌نمایند و معتبر می‌دانند به نظر می‌رسد که وی اگر از افراد «صحیح الحدیث» نباشد حد اقل در عداد «حسان» قرار گرفته و لذا به حدیث او اعتماد و اطمینان می‌شود.

آنچه در باره حبیب سجستانی عرض کردیم مطابق روش علما و موافق با منطق علم رجال می‌باشد، و لذا اگر کسی سعی کند تا از طریق وجود وی در زنجیره سند، ضعفی را بیش از آنچه که ما هم پذیرفتیم متوجه روایت مذکور نماید راهی نخواهد داشت.

دلیل دوم: روایت امام صادق علیه السّلام این روایت را ابو جعفر طبری از دانشمندان شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری، در کتاب دلائل الامامة به شرح ذیل نقل نموده است: حدثنا محمد بن عبد الله قال: حدثنا أبو علی محمد بن همام قال: روی أحمد بن محمد البرقی، عن أحمد بن محمد بن عیسی الأشعری القمی، عن عبد الرحمن بن بحر، عن عبد الله بن سنان، عن ابن مسکان، عن أبی بصیر، عن أبی عبد الله ع قال:

وُلِدَتْ فَاطِمَةُ فِی جُمَادَی الْآخِرَةِ الْیَوْمَ الْعِشْرِینَ مِنْهَا سَنَةَ خَمْسٍ وَ أَرْبَعِینَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِیِّ ص فَأَقَامَتْ بِمَکَّةَ ثَمَانَ سِنِینَ وَ بِالْمَدِینَةِ عَشْرَ سِنِینَ «۱» (۱) ترجمه: حضرت فاطمه در بیستم جمادی الثانی از چهل و پنج سالگی پیامبر متولّد گردید و مدت هشت سال در مکّه و ده سال در مدینه زندگانی نمود. همین روایت عینا در ص ۴۵ از این کتاب به سند ذیل تکرار شده است:

حدثنی ابو الحسین محمد بن هارون التلعکبری قال: حدثنی أبی قال: حدثنی أبو علی محمد بن همام بن سهیل قال: روی أحمد بن محمد بن البرقی، عن أحمد بن محمد الأشعری القمی، عن عبد الرحمن بن بحر، عن عبد الله بن سنان، عن ابن مسکان، عن أبی بصیر، عن الصادق ع قال: ...

تذکر : روایت احمد بن محمّد بن عیسی از عبد الرحمن بن بحر مسلّم نمی‌باشد و از طرف دیگر روایت عبد الرحمن بن بحر از عبد اللّه بن سنان نیز محلّ تأمل است، لذا به نظر می‌رسد که در نام وی تصحیف و تغییری واقع شده باشد و او در واقع عبد الرحمن بن نجران باشد که علّامه مجلسی در بحار الانوار نام او را به اشتباه عبد الرحمن بن ابی نجران ثبت نموده است. و اللّه العالم.

این روایت نیز در هر دو نقل، از جهت آحاد سند فاقد اشکال و معتبر است و جایی برای بحث در باره آن باقی نمی‌ماند- خصوصا آنکه غالب علمای شیعه نیز آنها را پذیرفته‌اند.

دلیل سوم: اجماع

در برخی آثار علمای شیعه دیده می‌شود که می‌گویند: تولّد حضرت فاطمه علیها السّلام در سال پنجم بعثت امری اجماعی و اتّفاقی در بین علمای امامیّه است.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

اینجانب باید ضمن عرض ارادت تمام خدمت این بزرگواران، عرض کنم که:

اوّلا : اگر چنین اجماعی را برای مقابله با عامّه و به منظور تقویت نظریّه خود در مقابل آنان به کار می‌برند، چنین شیوه‌ای اوّلا انفعالی و در بحث علمی ناپسند است و ثانیا فاقد اعتبار حتّی به عنوان «مؤیّد» می‌باشد.

ثانیا : اساسا در بحثی این چنین ادّعای اجماع که هیچ، حتّی اجماع محقّق نیز دردی را درمان نمی‌کند زیرا مسأله مورد بحث در اینجا تاریخی است نه فقهی. بله، در برخی مسائل تاریخی هم شاید بتوان از اصول و قواعد فقهیّه استفاده نمود ولی برای تعیین تاریخ میلاد ...

ثالثا : چنین اجماعی به یقین «اجماع مدرکی» است و مبتنی بر روایاتی است که در این رابطه نقل شده، و با وجود آنها چنین اجماعی فی نفسه حجّت نمی‌باشد، البته اگر سند آن روایات ضعیف بود، این اجماع ضعف سند آنها را مرتفع می‌ساخت ولی روایات موجود به لحاظ سند معتبر و قابل اعتماد هستند و نیازی به تقویت ندارند.

رابعا : اگر تمام آنچه را که گفته شد نادیده انگاریم، با وجود مخالفان قدری چون ابن ابی الثّلج، سلیمان بن جعفر علوی، شیخ مفید، شیخ طوسی، عبد اللّه بن محمّد هاشمی و سیّد بن طاوس، چه جایی برای ادّعای چنین اجماعی باقی می‌ماند.

از دانشمندان بزرگی که طرفدار نظریه دوم می‌باشند و معتقدند که حضرت فاطمه علیها السّلام در سال پنجم بعد از بعثت پیامبر متولّد شده است اشخاص ذیل را می‌توان نام برد:

۱- محمّد بن یعقوب کلینی متوفی به سال ۳۲۸/ ۳۲۹ هجری «۱» ۲- ابو جعفر طبری از علمای قرن ۴ و ۵ هجری «۲» ۳- فتّال نیشابوری شهید به سال ۵۰۸ هجری «۳» ۴- ابن شهر آشوب مازندرانی، متوفی به سال ۵۸۸ ه «۴» ۵- ابن خشّاب «۵»، متوفی به حدود ۵۶۷ ه «۶» ۶- خصیبی «۷» مؤلف هدایة «۸»، متوفی به سال ۳۵۸ ه ۷- نصر بن علی الجهضمی «۹» [خ ل: الجهنی، و صحیح آن همان جهضمی است]، متوفی به سال ۲۵۰ هجری و از علمای عامّه می‌باشد. «۱»

نظریه سوم

اینکه حضرت فاطمه علیها السّلام در سال دوم بعثت یعنی در چهل و یک سالگی پیامبر متولّد شده است.

این نظریّه نیز به دلایلی متکی است که عبارتند از:

دلیل اوّل: روایت امام صادق علیه السّلام

این روایت را حاکم نیشابوری به سند صحیح در کتاب مستدرک علی الصحیحین آورده است:

أخبرنا أبو الحسین بن یعقوب الحافظ، أنبأنا أبو العباس الثقفی، حدثنی علی بن عقیل بن عبد الله العلوی، عن أبیه، عن أم الحسن بنت أبی جعفر محمد بن علی ع، عن أخیها جعفر بن محمد ع قال، ماتت فاطمة ع و هی ابنة إحدی

و عشرین، و ولدت علی رأس سنة إحدی و أربعین من مولد النبی ص. «۲» شبیه این روایت را سلیمان بن جعفر علوی هاشمی از خواص اصحاب امام رضا علیه السّلام نقل کرده که آن را نیز حاکم نیشابوری در کتاب مـذکور روایت نموده است:

أخبرنا أبو اسحاق بن ابراهیم بن محمد بن یحیی المزکی و أبو الحسین بن یعقوب الحافظ قالا:

حدثنا محمد بن اسحاق بن ابراهیم قال سمعت عبد الله بن محمد سلیمان بن جعفر الهاشمی یذکر عن أبیه، عن جـده سلیمان بن جعفر قال:

ولدت فاطمة سنة إحدی و اربعین من مولد رسول الله ص. «۳»

همین روایت را ابن المزی الکلبی در تهذیب الکمال فی اسماء الرجال «۱» به نقل از محمّـد بـن اسـحاق الثقفـی السراج و او از عبید اللّه بن محمّد بن سلیمان علوی وارد نموده است.

دلیل دوم: موافقت شیخ مفید و شیخ طوسی

شیخ مفید (ت ۴۱۳ ه) در کتاب مسارّ الشیعه، به هنگام بیان وقایع «شهر جمادی الآخر» گوید:

و فی الیوم العشرین منه سنة اثنین من المبعث کان مولد مولاتنا الزهراء فاطمـة بنـت رسـول الله ص، و هـو یـوم شریف یتجدد فیه سرور المؤمنین، و یستحب فیه التطوع بالخیرات، و الصدقة علـی المسـاکین. «۲» (۱) ترجمـه: فاطمه زهرا علیها السّلام در روز بیستم جمادی الآخر از سال دوم مبعث پیامبر متولّد گردید، و این روز شریف و بزرگی است که در آن مؤمنان به سرور و شادمانی می‌پردازند، و در چنین روزی انجام خیرات و صدقه دادن بـه فقرا، مستحب است. و شیخ طوسی (ت ۴۶۰ ه) در کتاب مصباح المتهجّدین گوید:

فِی الْعِشْرِینَ مِنْ جُمَادَی الْآخِرَ سَنَةَ اثْنَتَیْنِ مِنَ الْمَبْعَثِ کان مولد فاطمة «۳» (۲) ترجمه: میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام در روز بیستم جمادی الآخر از سال دوم مبعث پیامبر بوده است. و قبل از شیخ مفید و شیخ طوسی نیز ابن ابی الثلج بغدادی متوفی به سال ۳۲۵ هجری، در کتاب تاریخ الائمة و مواليدهم همین نظریه را ارائه نموده اسـت. «۴» و حتّی بسیار پیش از او احمد بن ابی یعقوب، ابن واضح، مورّخ نامدار شیعه، متوفی به سـال ۲۸۴ هجـری، در تاریخ یعقوبی مطرح نموده که او در اوائل ۴۱ سالگی پیامبر متولّد شده و در زمان رحلـت پیـامبر حـدود ۲۳ سال داشته است. «۱» خوانندگان محترم به این نکته اساسی توجه دارند که به هنگام طرح دو نظریه قبل موافقت کسی از دانشمندان از یک نظریه را به عنوان دلیل برای اثبات یا حتّی تقویت آن نظریّات مطرح نکردیم ولـی در اینجا به دلیل خصوصیتی که در موافقت یا مخالفت این دو دانشمند جلیل القدر- و خصوصا شیخ طوسی- وجـود دارد به این مطلب به خصوص عنایت نموده‌ایم.

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

اهل تحقیق یقین داشته باشند که شیخین بزرگوار ما قطعا روایات امام باقر و امام صادق علیهما السّلام در مورد تاریخ میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام را در کتاب کافی دیده‌اند و باید پرسید: چرا با وجود قوّت سند آنها، آن روایات را نپذیرفته و نظریه مأخوذ از روایت امام صادق علیه السّلام در اینجا را تقویت می‌نمایند؟

نگارنده معتقد است که این امر بدون دلیل نبوده به خصوص آنکه ملاحظه می‌شود مشایخی چون ابن ابی الثلج بغدادی «۲»، سید بن طاوس «۳»، کفعمی «۴»، و مورّخ معتدلی چون یعقوبی «۵»، و رجالی توانمندی چون ابن عبد البرّ «۶»، و محدّث حافظ و حاکمی چون ابو عبد اللّه

نیشابوری «۱»، چنین عقیده‌ای را گواهی می‌نمایند. ممکن است پرسیده شود: اگر این نظریّه را بپذیریم در این صورت مجموعه روایاتی را که اثبات می‌کنند میلاد حضرت فاطمه سلام اللّه علیها بعد از معراج پیامبر بوده است «۲» چه خواهیم کرد زیرا مشهور آن است که معراج پیامبر اندکی قبل از هجرت به مدینه بوده «۳» و در میان برخی از علمای شیعه نیز رایج است که این واقعه در سال سوم بعثت صورت گرفته «۴»، به هر حال و در هر صورت، با عنایت به نظریّه سوم، روایات مذکور چه وضعیتی خواهند داشت؟

در پاسخ از این سؤال به جا باید گفت:

معراج پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فقط یک دفعه نبوده بلکه به طور مکرّر اتفاق افتاده، و این مسافرتهای آسمانی از همان روزهای اوّل بعثت آغاز شده «۵» و تا روز رحلت پیامبر عظیم الشأن اسلام، بنا به روایتی که از امام صادق علیه السّلام نقل گردیده حد اقل یک صد و بیست بار تکرار شده «۱»، و ابن عبّاس در کلامی که ابن شهر آشوب از او نقل می‌کند عروج‌های متعدّد پیامبر را دسته‌بندی می‌نماید و آنها را به: ۱- معراج العجائب ۲- معراج الکرامة، تقسیم می‌کند «۲».

و ابن طاوس در بحثی پیرامون معراج در کتاب سعد السعود، وقایعی را از زبان پیامبر نقل می‌کند و سپس می‌گوید:

این وقایع مربوط به یکی دیگر از عروجهایی است که پیامبر داشته است. «۳» و این همه نشان از تعدّد معراجهای پیامبر دارد، شاید تاریخ‌های ذیل که برخی از مورّخین و محدّثین برای معراج پیامبر بیان کرده‌اند هر یک متعلّق به عروجی مستقل باشد:

۱- در اوّل بعثت «۴» ۲- پنج ماه بعد از بعثت «۵» ۳- پانزده ماه بعد از بعثت «۶» ۴- سال دوم بعثت «۷» ۵- سال سوم بعثت «۱» ۶- شش ماه قبل از هجرت به مدینه «۲» ۷- هجده ماه قبل از هجرت به مدینه» . حال اگر آن روایات را با توجه به این مطالب مجدّدا مورد بررسی قرار دهیم، معلوم می‌شود که اشکالی باقی نمانده است.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

غیر از سه نظریه مذکور در باره تاریخ میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام نظریّات دیگری وجود دارد که به نحو شاذ و نادر از سوی برخی دانشمندان اظهار شده است که به شرح ذیل عبارتند از:

۱- نظریّه ابن عساکر: ولدت فاطمة قبل النبوة بأربع سنین. «۴» (۱) ترجمه: حضرت فاطمه علیها السّلام چهار سال قبل از بعثت متولّد شده است.

۲- نظریه کلبی : بلغت فاطمة خمسا و ثلاثین من السن. «۵»

(۱) ترجمه: عمر حضرت فاطمه حدود ۳۵ سال بوده است. با توجه به این نظریّه میلاد وی باید ۱۱ سال قبل از بعثت پیامبر بوده باشد.

۳- نظریه سیوطی : ولدت فاطمة قبل المبعث بسبع سنین و نصف. «۱» (۲) ترجمه: حضرت فاطمه علیها السّلام ۷/۵ سال قبل از بعثت متولّد شده است.

۴- نظریه ابن اثیر جزری: و کان سنها یوم تزویجها خمس عشرة سنة. «۲» (۳) ترجمه: سنّ حضرت فاطمه علیها السّلام در زمان ازدواج پانزده سال بوده است. با توجه به این نظریه و عنایت به این نکته که ازدواج ایشان در سال دوم هجرت واقع شده، پس میلاد ایشان باید در همان سال بعثت بوده باشد.

تذکر: : ذهبی نیز در این نظریّه با ابن اثیر مشترک می‌باشد «۳».

ضمیمه سوم مستدرک احادیث مربوط به تاریخ میلاد حضرت فاطمه از بحار الانوار

غیر از احادیثی که در باب اوّل از جلد ۴۳ بحار الانوار در باره تعیین میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام آمده، تعدادی احادیث و روایات دیگر نیز در سایر مجلّدات این کتاب و همین طور در سایر باب‌های جلد ۴۳ آمده است که در این ضمیمه آنها را نیز ترجمه و تقدیم می‌داریم: - بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۱۸۹ ض رقم ۱۹ : کشف الغمة: «۱» وَ قِيلَ دَخَلَ الْعَبَّاسُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَحَدُهُمَا يَقُولُ لِصَاحِبِهِ أَيُّنَا أَكْبَرُ فَقَالَ الْعَبَّاسُ وُلِدْتَ يَا عَلِيُّ قَبْلَ بِنَاءِ قُرَيْشٍ الْبَيْتَ بِسَنَوَاتٍ وَ وُلِدَتْ ابْنَتِي وَ قُرَيْشٌ تَبْنِي الْبَيْتَ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنُ خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً قَبْلَ النُّبُوَّةِ بِخَمْسِ سِنِينَ (۱) ترجمه: عبّاس بن عبد المطلب عموی پیامبر بر علی و فاطمه وارد گردید و ملاحظه نمود یکی از آنها به دیگری می‌گوید: کدام یک از ما بزرگتریم؟

پس عبّاس به آنها گفت: ای علی! تو چند سال قبل از تعمیر خانه کعبه متولّد شدی و دخترم فاطمه در زمانی متولّد شد که قریش خانه کعبه را تعمیر می‌کردند و رسول خدا سی و پنج ساله بوده، و این امر پنج سال قبل از بعثت بوده است «۱».

۲ بحار الأنوار، ج ۹۵ ص ۱۹۶: و فی تاریخ المفید: «۲» و فی الیوم العشرین من جمادی الآخرة سنة اثنتین- من المبعث کان مولد السیدة الزهراء فاطمة ع- و هو یوم شریف متجدد فیه سرور المؤمنین و یستحب فیه التطوع

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

بالخیرات- و الصدقة علی المساکین و کذا فی کتاب المصباح «۳» و فی روایة أخری سنة خمس من المبعث «۴» و الجمهور یرون أن مولدها قبل المبعث بخمس سنین «۵» و فی الدر «۶» أن فاطمة ولدت بعد ما أظهر الله نبوة أبیها بخمس سنین- و قریش تبنی البیت- و روی أنها ولدت ع فی جمادی الآخرة یوم العشرین منه- سنة خمس و أربعین من مولد النبی ص «۷»

وَ فِی الْمَنَاقِبِ «۸» رُوِیَ أَنَّ فَاطِمَةَ وُلِدَتْ بِمَکَّةَ بَعْدَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِینَ- وَ بَعْدَ الْإِسْرَاءِ بِثَلَاثِ سِنِینَ فِی الْعَشْرِ مِنْ جُمَادَی الْآخِرَةِ

- و ولدت الحسن ع و لها اثنتی عشرة سنة- و قیل إحدی عشرة سنة بعد الهجرة- و کان بین ولادتها بالحسن و بین حملها بالحسین ع خمسون یوما- و روی أنها ولدت بعد خمس سنین من ظهور الرسالة و نزول الوحی (۱)

ترجمه: شیخ مفید گوید: حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام در روز بیستم جمادی الآخر سال دوم بعثت متولّد گردید، و آن روز شریفی است که در آن شادیهای مؤمنان تجدید می‌شود، و مستحبّ است که در این روز به کارهای خیر اقدام شود و به بینوایان صدقه داده شود. و در روایت دیگری آمده است که تولّد او در سال پنجم بعثت بوده است.

و اهل سنّت روایت کرده‌اند که میلاد او پنج سال قبل از بعثت بوده است.

و در الدّرّ النظیم آمده که فاطمه پنج سال بعد از مبعث متولّد شده و در آن سال قریش خانه کعبه را تعمیر می‌کردند، و روایت شده که او در روز بیستم جمادی الآخر سال چهل و یکم از زندگانی پیامبر متولّد شده است.

و در مناقب آمده که وی در سال پنجم بعثت متولّد شده و سه سال بعد از معراج پیامبر بوده، در روز بیستم جمادی الآخر، و هنگامی که امام حسن متولّد شده وی دوازده سال داشته و گفته شده که یازده ساله بوده، و بین ولادت حسن با بارداری فاطمه بر حسین علیهم السّلام، پنجاه روز فاصله بوده است. و روایت شده که او پنج سال بعد از وحی متولّد گردیده است.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۶۸ ض رقم ۲۰: ۱۵ العدد القویة و فِی الْمَنَاقِبِ، «۹» رُوِیَ أَنَّ فَاطِمَةَ ع وُلِدَتْ بِمَکَّةَ بَعْدَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِینَ وَ بَعْدَ الْأَسْرَی [الْإِسْرَاءِ بِثَلَاثِ سِنِینَ فِی الْعِشْرِینَ مِنْ جُمَیدَی الْآخِرَةِ وَ وَلَدَتِ الْحَسَنَ ع وَ لَهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ سَنَةً وَ قِیلَ إِحْدَی عَشْرَةَ سَنَةً بَعْدَ الْهِجْرَةِ وَ کَانَ بَیْنَ وِلَادَتِهَا الْحَسَنَ وَ بَیْنَ حَمْلِهَا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ خَمْسُونَ یَوْماً «۱» ۴- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۶۸ رقم ۲۰: ۱۵ ۲۰ العدد القویة فِی الدُّرِّ النظیم أَنَّ فَاطِمَةَ ع وُلِدَتْ بَعْدَ مَا أَظْهَرَ اللَّهُ نُبُوَّةَ أَبِیهَا ص بِخَمْسِ سِنِینَ وَ قُرَیْشٌ تَبْنِی الْبَیْتَ «۲» وَ رُوِیَ أَنَّهَا وُلِدَتْ ع فِی جُمَیدَی الْآخِرَةِ یَوْمَ الْعِشْرِینَ مِنْهُ سَنَةَ خَمْسٍ وَ أَرْبَعِینَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِیِّ ص

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

: (۱) ترجمه: حضرت فاطمه پنج سال بعد از بعثت پدرش متولّد گردیده و در این زمان قریش خانه کعبه را تعمیر می‌کرد، و روایت شده که او در روز بیستم جمادی الآخر از چهل و پنج سالگی پیامبر متولّد گردیده است.

ضمیمه چهارم مستدرک احادیث مربوط به کیفیت خلقت فاطمه علیها السّلام

در باره کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السّلام، و چگونگی خلقت نوری و دنیوی حضرت فاطمه علیها السّلام تعدادی از احادیث و روایات در جلد ۴۳ بحار الانوار آمده و تعداد دیگری در سایر مجلّدات بحار وجود دارد که آنها را نیز انتخاب نموده و در اینجا آورده‌ایم:

۱- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۸۱ و ۸۲ رقم ۴۹ : ۴۹ کشف الغمة «۱» وَ رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ ع قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص یَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی خَلَقَنِی وَ عَلِیّاً وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ

وَ عَنْ حُذَیْفَةَ بْنِ الْیَمَانِ قَالَ دَخَلَتْ عَائِشَةُ عَلَی النَّبِیِّ ص وَ هُوَ یُقَبِّلُ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهَا فَقَالَتْ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَ تُقَبِّلُهَا وَ هِیَ ذَاتُ بَعْلٍ فَقَالَ لَهَا أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ عَلِمْتِ وُدِّیَ لَهَا إِذاً لَازْدَدْتِ لَهَا وُدّاً إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ فَصِرْتُ إِلَی السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ أَذَّنَ جَبْرَئِیلُ وَ أَقَامَ میکَائِیلُ ثُمَّ قَالَ لِی ادْنُ فَقُلْتُ أَدْنُو وَ أَنْتَ بِحَضْرَتِی فَقَالَ لِی نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ أَنْبِیَاءَهُ الْمُرْسَلِینَ عَلَی مَلَائِکَتِهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ فَضَّلَکَ أَنْتَ خَاصَّةً فَدَنَوْتُ فَصَلَّیْتُ بِأَهْلِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَلَمَّا صَلَّیْتُ وَ صِرْتُ إِلَی السَّمَاءِ السَّادِسَةِ إِذَا أَنَا بِمَلَکٍ مِنْ نُورٍ عَلَی سَرِیرٍ مِنْ نُورٍ عَنْ یَمِینِهِ صَفٌّ مِنَ الْمَلَائِکَةِ وَ عَنْ یَسَارِهِ صَفٌّ مِنَ الْمَلَائِکَةِ فَسَلَّمْتُ فَرَدَّ عَلَیَّ السَّلَامَ وَ هُوَ مُتَّکِئٌ فَأَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَیْهِ أَیُّهَا الْمَلَکُ سَلِّمْ عَلَیْکَ حَبِیبِی وَ خِیَرَتِی مِنْ خَلْقِی فَرَدَدْتَ السَّلَامَ عَلَیْهِ وَ أَنْتَ مُتَّکِئٌ وَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی لَتَقُومَنَّ وَ لَتُسَلِّمَنَّ عَلَیْهِ وَ لَا تَقْعُدُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ فَوَثَبَ الْمَلَکُ وَ هُوَ یُعَانِقُنِی وَ یَقُولُ مَا أَکْرَمَکَ عَلَی رَبِّ الْعَالَمِینَ یَا مُحَمَّدُ فَلَمَّا صِرْتُ إِلَی الْحُجُبِ نُودِیتُ آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَیْهِ فَأُلْهِمْتُ فَقُلْتُ وَ الْمُؤْمِنُونَ کُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ ... کُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ ثُمَّ أَخَذَ جَبْرَئِیلُ ع بِیَدِی وَ أَدْخَلَنِی الْجَنَّةَ وَ أَنَا مَسْرُورٌ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ مُکَلَّلَةٍ بِالنُّورِ وَ فِی أَصْلِهَا مَلَکَانِ یَطْوِیَانِ الْحُلِیَّ وَ الْحُلَلَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِی فَإِذَا أَنَا بِقَصْرٍ مِنْ لُؤْلُؤَةٍ بَیْضَاءَ لَا صَدْعَ فِیهَا وَ لَا وُصْلَ فَقُلْتُ حَبِیبِی لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ قَالَ لِابْنِکَ الْحَسَنِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِی فَإِذَا أَنَا بِتُفَّاحٍ لَمْ أَرَ تُفَّاحاً أَعْظَمَ مِنْهُ فَأَخَذْتُ تُفَّاحَةً فَفَلَقْتُهَا فَإِذَا أَنَا بِحَوْرَاءَ کَانَ أَجْفَانُهَا مَقَادِیمَ أَجْنِحَةِ النُّسُورِ فَقُلْتُ لَهَا لِمَنْ أَنْتِ فَبَکَتْ ثُمَّ قَالَتْ أَنَا لِابْنِکَ الْمَقْتُولِ ظُلْماً الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِی فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَلْیَنَ مِنَ الزُّبْدِ الزُّلَالِ وَ أَحْلَی مِنَ الْعَسَلِ فَأَکَلْتُ رُطَبَةً مِنْهَا وَ أَنَا أَشْتَهِیهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطَبَةُ نُطْفَةً فِی صُلْبِی فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَی الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِیجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِیَّةٌ فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَی رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِی فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهَا وَ عَلَی أَبِیهَا وَ بَعْلِهَا

وَ مِنْهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مِثْلَهُ وَ فِیهِ زِیَادَةٌ یَتَعَلَّقُ بِفَضْلِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع وَ فِیهِ فَقُلْتُ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَقَالَ لِأَخِیکَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ هَذَانِ الْمَلَکَانِ یَطْوِیَانِ الْحُلِیَّ وَ الْحُلَلَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ وَ لَیْسَ فِیهِ ذِکْرُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ ع وَ فِیهِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فَأَخَذْتُ رُطَبَةً فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ وَ فِيهِ قَبْلَ هَذَا فَصَلَّيْتُ بِأَهْلِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ ثُمَّ الْتَفَتُّ عَنْ يَمِينِي فَإِذَا أَنَا بِإِبْرَاهِيمَ فِي رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ قَدِ اكْتَنَفَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ فِيهِ فَنُودِيتُ فِي السَّادِسَةِ يَا مُحَمَّدُ نِعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ نِعْمَ الْأَخُ أَخُوكَ عَلِيٌّ فر «۱» مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدٍ الثَّقَفِيُّ عَنْ أَبِي نَصْرِ بْنِ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَصْفَهَانِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَوْصِلِيِّ عَنْ أَبِي فَزَارَةَ عَنْ حُذَيْفَةَ مِثْلَهُ

(۱) ترجمه: علی علیه السّلام گوید: رسول خدا می‌فرمود: خداوند تبارک و تعالی علی، فاطمه، حسن و حسین را از نوری واحد خلق نمود.

و حذیفة بن یمان گوید: عایشه بر رسول خدا وارد شد در حالی که پیامبر گونه دخترش فاطمه را می‌بوسید پس گفت: ای رسول خدا! آیا هنوز هم مانند دوران کودکی او را بوسه می‌زنی در حالی که زنی شده و همسر دارد؟ رسول خدا فرمود: به خدا ای عایشه! اگر می‌دانستی که چقدر او را دوست می‌دارم همانا محبّت تو بر او بیشتر می‌گشت، هنگامی که به آسمانها عروج کرده بودم، در آسمان چهارم جبرئیل اذان گفت و میکائیل اقامه، سپس جبرئیل گفت: جلو بایست تا بر تو اقتدا نموده و نماز بگزاریم. گفتم: آیا من جلو بایستم در حالی که تو حاضری؟ گفت: آری، همانا خداوند انبیای مرسل خود را بر ملائکه مقرّب خود برتری داده و تو را نیز خصوصا بر ایشان مقدّم داشته است. سپس جلو رفتم و با اهل آسمان چهارم نماز گزاردم و پس از آن به آسمان ششم عروج نمودم و ناگهان خود را در مقابل ملکی نورانی بر تختی از نور که در سمت چپ و راست آن ملائکه زیادی صف کشیده بودند یافتم، و من سلام گفتم و او جوابم داد در حالی که تکیه داده بود، سپس از جانب خدای تعالی بر آن ملک وحی شد: ای ملک! حبیب و بهترین مخلوقات من بر تو سلام گفت و تو جواب او را گفتی در حالی که تکیه داده بودی؟

به عزّت و جلالم فورا بر می‌خیزی و بر او سلام می‌کنی و تا روز قیامت نمی‌نشینی. آن فرشته فورا برخاست و مرا در آغوش گرفته و گفت: ای محمّد! تو چقدر در درگاه الهی عزیز و محترم هستی. سپس وقتی به طرف حجابها روانه شدم ندایی به گوشم رسید که می‌خواند:

«ایمان آورد پیامبر، به آنچه که بر او نازل شده است»، پس از آن بر من الهام شد و گفتم:

«تمام مؤمنان ایمان به خداوند و کتابها و فرستادگان او دارند»، سپس جبرئیل دست مرا گرفت و داخل بهشت نمود، وقتی وارد بهشت شدم شادمان گردیدم زیرا خود را بر درختی از نور مشاهده نمودم، که دو فرشته آن را زینت می‌کردند و خداوند به ایشان فرمان داده بود که این عمل را تا روز قیامت ادامه دهند، و در مقابل من قصر بسیار زیبایی قرار داشت که به انواع جواهرات و زینت‌ها آراسته بود، گفتم: حبیب من! این قصر به چه کسی

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

تعلّق دارد؟ فرمود: به فرزندت حسن مجتبی، (۱) پس جلوتر رفتم و در مقابلم خرمایی دیدم که تا آن زمان خرمایی به درشتی آن ندیده بودم، پس آن را برگرفتم و شکافتم، و در این حال حوریه‌ای ظاهر گردید که بالهایی گسترده و قوی داشت، به او گفتم: تو به چه کسی تعلّق داری؟ وی گریه کرد و گفت: من به فرزندت حسین که به ظلم و ستم کشته می‌شود تعلّق دارم. سپس جلوتر رفتم و به خرمایی لطیف‌تر از خامه زلال و شیرین‌تر از عسل برخوردم و یکی از آنها را خوردم در حالی که اشتهای بسیار نسبت به آن داشتم، و در اثر آن خرما نطفه‌ای در صلب من ایجاد گردید. هنگامی که به زمین بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریّه‌ای است انسانی و هر گاه شوق بوی بهشت پیدا می‌کنم رایحه او را استشمام می‌نمایم. در همین کتاب، از ابن عبّاس نیز، همین روایت نقل شده ولی دو روایت نسبت به هم تفاوتهایی در الفاظ و عبارات دارند که در متن عربی آمده و ما از ترجمه آن خودداری می‌نماییم.

۲- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۶۴ و ۶۵ رقم ۳۶ : ۳۶ الطرائف «۱» مِنْ طَرَائِفِ مَا وَجَدْتُهُ فِی حَدِیثِ سُفْیَانَ الثَّوْرِیِّ تَألِیفِ سُلَیْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ الطَّبَرَانِیِّ «۲» عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ کُنْتُ أَرَی رَسُولَ اللَّهِ ص یَفْعَلُ بِفَاطِمَةَ ع شَیْئاً مِنَ التَّقْبِیلِ وَ الْإِلْطَافِ فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ تَفْعَلُ بِفَاطِمَةَ شَیْئاً لَمْ أَرَکَ تَفْعَلُهُ قَبْلُ فَقَالَ یَا حُمَیْرَاءُ إِنَّهُ لَمَّا کَانَتْ لَیْلَةَ أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَوَقَفْتُ عَلَی شَجَرَةٍ مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ لَمْ أَرَ شَجَرَةً فِی الْجَنَّةِ أَحْسَنَ مِنْهَا حُسْناً وَ لَا أَنْضَرَ مِنْهَا وَرَقاً وَ لَا أَطْیَبَ مِنْهَا ثَمَراً فَتَنَاوَلْتُ ثَمَرَةً مِنْ ثَمَرِهَا فَأَکَلْتُهَا فَصَارَتْ نُطْفَةً فِی ظَهْرِی فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَی الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِیجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَأَنَا إِذَا اشْتَقْتُ إِلَی الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رِیحَهَا مِنْ فَاطِمَةَ یَا حُمَیْرَاءُ إِنَّ فَاطِمَةَ لَیْسَتْ کَنِسَاءِ الْآدَمِیِّینَ وَ لَا تَعْتَلُّ کَمَا یَعْتَلِلْنَ یَعْنِی بِهِ الْحَیْضَ وَ مِنْ ذَلِکَ مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِی مُسْنَدِهِ «۱» بِإِسْنَادِهِ أَنَّ النَّبِیَّ ص أَخَذَ بِیَدِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ قَالَ مَنْ أَحَبَّنِی وَ أَحَبَّ هَذَیْنِ وَ أَبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ کَانَ مَعِی فِی دَرَجَتِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ

وَ مِنْ ذَلِکَ مَا رَوَاهُ الْفَقِیهُ الشَّافِعِیُّ ابْنُ الْمَغَازِلِیِّ فِی کِتَابِهِ «۲» بِإِسْنَادِهِ إِلَی جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ یَوْمٍ بِعَرَفَاتٍ وَ عَلِیٌّ ع تُجَاهَهُ ادْنُ مِنِّی یَا عَلِیُّ خُلِقْتُ أَنَا وَ أَنْتَ مِنْ شَجَرَةٍ فَأَنَا أَصْلُهَا وَ أَنْتَ فَرْعُهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ أَغْصَانُهَا فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ

(۱) ترجمه: عایشه می‌گفت: هنگامی که محبّت و لطف خارج از حدّ رسول اکرم به دخترش فاطمه را دیدم گفتم: ای رسول خدا! چنان به این دختر محبّت می‌کنی که ندیدم کسی قبل از تو چنین کرده باشد؟ و پیامبر فرمود: ای حمیرا! در شبی که مرا در آسمان سیر دادند، داخل بهشت گردیدم و در مقابل درختی از درختان بهشتی قرار گرفتم که هرگز ندیده بودم زیباتر از آن درخت را و لطیف‌تر از برگهای آن را، و پاکتر از میوه‌های آن را، و یکی از میوه‌های آن را خوردم، پس در اثر آن میوه نطفه‌ای در بطن من به هم رسید، و هنگامی که به زمین

بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، پس هر گاه شوق بهشت به من دست می‌دهد بوی او را استشمام می‌کنم.

ای حمیرا! به درستی که فاطمه مثل زنان معمولی نیست بلکه او حیض نمی‌شود و خون نمی‌بیند. (۲) و جزو این حدیث است آنچه که احمد بن حنبل آن را از پیامبر نقل کرده که ایشان دست حسن و حسین را گرفته و فرمودند: هر که مرا و این دو را، و پدر و مادرشان را دوست بدارد وارد بهشت می‌شود و در مرتبه انبیا قرار می‌گیرد (همراه من وارد بهشت می‌شود).

و از این قسم است روایتی که ابن مغازلی در کتابش به نقل از جابر بن عبد اللّه آورده که رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روزی در عرفات خطاب به علی علیه السّلام فرمود: ای علی! من و تو از درختی آفریده‌شده‌ایم- در عالم ذرّ- که من اصل آن و تو فرع و ساقه آن و حسن و حسین شاخه‌های آن هستند پس هر که به این شاخه‌ها آویزان شود- یعنی آن دو را دوست داشته و هدایت را از آنها بخواهد- خداوند او را وارد بهشت می‌کند.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۷۸- ۸۰ ض رقم ۲۰ : ۱۵، ۱۴، ۱ العدد القویة: وَ رُوِیَ أَنَّهَا وُلِدَتْ خَمْسَ سِنِینَ قَبْلَ ظُهُورِ الرِّسَالَةِ وَ نُزُولِ الْوَحْیِ وَ قِیلَ بَیْنَا النَّبِیُّ ص جَالِسٌ بِالْأَبْطَحِ وَ مَعَهُ عَمَّارُ بْنُ یَاسِرٍ وَ الْمُنْذِرُ بْنُ الضَّحْضَاحِ وَ أَبُو بَکْرٍ وَ عُمَرُ وَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِذْ هَبَطَ عَلَیْهِ جَبْرَئِیلُ ع فِی صُورَتِهِ الْعُظْمَی قَدْ نَشَرَ أَجْنِحَتَهُ حَتَّی أَخَذَتْ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَی الْمَغْرِبِ فَنَادَاهُ یَا مُحَمَّدُ الْعَلِیُّ الْأَعْلَی یَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ وَ هُوَ یَأْمُرُکَ أَنْ تَعْتَزِلَ عَنْ خَدِیجَةَ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً فَشَقَّ ذَلِکَ عَلَی النَّبِیِّ ص وَ کَانَ لَهَا مُحِبّاً وَ بِهَا وَامِقاً قَالَ فَأَقَامَ النَّبِیُّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ أَرْبَعِینَ یَوْماً یَصُومُ النَّهَارَ وَ یَقُومُ اللَّیْلَ حَتَّی إِذَا کَانَ فِی آخِرِ أَیَّامِهِ تِلْکَ بَعَثَ إِلَی خَدِیجَةَ بِعَمَّارِ بْنِ یَاسِرٍ وَ قَالَ قُلْ لَهَا یَا خَدِیجَةُ لَا تَظُنِّی أَنَّ انْقِطَاعِی عَنْکِ وَ لَا قِلًی وَ لَکِنْ رَبِّی عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِی بِذَلِکَ لِتَنْفُذَ [لِیَنْفُذَ] أَمْرُهُ فَلَا تَظُنِّی یَا خَدِیجَةُ إِلَّا خَیْراً فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُبَاهِی بِکِ کِرَامَ مَلَائِکَتِهِ کُلَّ یَوْمٍ مِرَاراً فَإِذَا جَنَّکِ اللَّیْلُ فَأَجِیفِی الْبَابَ وَ خُذِی مَضْجَعَکِ مِنْ فِرَاشِکِ فَإِنِّی فِی مَنْزِلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ فَجَعَلَتْ خَدِیجَةُ تَحْزَنُ فِی کُلِّ یَوْمٍ مِرَاراً لِفَقْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا کَانَ فِی کَمَالِ الْأَرْبَعِینَ هَبَطَ جَبْرَئِیلُ ع فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ الْعَلِیُّ الْأَعْلَی یُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ هُوَ یَأْمُرُکَ أَنْ تَتَأَهَّبَ لِتَحِیَّتِهِ وَ تُحْفَتِهِ قَالَ النَّبِیُّ ص یَا جَبْرَئِیلُ وَ مَا تُحْفَةُ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ مَا تَحِیَّتُهُ قَالَ لَا عِلْمَ لِی قَالَ فَبَیْنَا النَّبِیُّ ص کَذَلِکَ إِذْ هَبَطَ مِیکَائِیلُ وَ مَعَهُ طَبَقٌ مُغَطًّی بِمِنْدِیلِ سُنْدُسٍ أَوْ قَالَ إِسْتَبْرَقٍ فَوَضَعَهُ بَیْنَ یَدَیِ النَّبِیِّ ص وَ أَقْبَلَ جَبْرَئِیلُ ع وَ قَالَ یَا مُحَمَّدُ یَأْمُرُکَ رَبُّکَ أَنْ تَجْعَلَ اللَّیْلَةَ إِفْطَارَکَ عَلَی هَذَا الطَّعَامِ فَقَالَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع کَانَ النَّبِیُّ ص إِذْ أَرَادَ أَنْ یُفْطِرَ أَمَرَنِی أَنْ أَفْتَحَ الْبَابَ لِمَنْ یَرِدُ إِلَی الْإِفْطَارِ فَلَمَّا کَانَ فِی تِلْکَ اللَّیْلَةِ أَقْعَدَنِی النَّبِیُّ ص عَلَی بَابِ الْمَنْزِلِ وَ قَالَ یَا ابْنَ أَبِی طَالِبٍ إِنَّهُ طَعَامٌ مُحَرَّمٌ إِلَّا عَلَیَّ قَالَ عَلِیٌّ ع فَجَلَسْتُ عَلَی الْبَابِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

وَ خَلَا النَّبِيُّ ص بِالطَّعَامِ وَ كَشَفَ الطَّبَقَ فَإِذَا عِذْقٌ مِنْ رُطَبٍ وَ عُنْقُودٌ مِنْ عِنَبٍ فَأَكَلَ النَّبِيُّ ص مِنْهُ شِبَعاً وَ شَرِبَ مِنَ الْمَاءِ رِيّاً وَ مَدَّ يَدَهُ لِلْغَسْلِ فَأَفَاضَ الْمَاءَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ وَ غَسَلَ يَدَهُ مِيكَائِيلُ وَ تَمَنْدَلَهُ إِسْرَافِيلُ وَ ارْتَفَعَ فَاضِلُ الطَّعَامِ مَعَ الْإِنَاءِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَامَ النَّبِيُّ ص لِيُصَلِّيَ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ وَ قَالَ الصَّلَاةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ فِي وَقْتِكَ حَتَّى تَأْتِيَ إِلَى مَنْزِلِ خَدِيجَةَ فَتُوَاقِعَهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ آلَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَخْلُقَ مِنْ صُلْبِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً فَوَثَبَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى مَنْزِلِ خَدِيجَةَ قَالَتْ خَدِيجَةُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ كُنْتُ قَدْ أَلِفْتُ الْوَحْدَةَ فَكَانَ إِذَا جَنَّنِي اللَّيْلُ غَطَّيْتُ رَأْسِي وَ أَسْجَفْتُ سِتْرِي وَ غَلَّقْتُ بَابِي وَ صَلَّيْتُ وِرْدِي وَ أَطْفَأْتُ مِصْبَاحِي وَ أَوَيْتُ إِلَى فِرَاشِي فَلَمَّا كَانَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ لَمْ أَكُنْ بِالنَّائِمَةِ وَ لَا بِالْمُنْتَبِهَةِ إِذْ جَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَرَعَ الْبَابَ فَنَادَيْتُ مَنْ هَذَا الَّذِي يَقْرَعُ حَلْقَةً لَا يَقْرَعُهَا إِلَّا مُحَمَّدٌ ص قَالَتْ خَدِيجَةُ فَنَادَى النَّبِيُّ ص بِعُذُوبَةِ كَلَامِهِ وَ حَلَاوَةِ مَنْطِقِهِ افْتَحِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنِّي مُحَمَّدٌ قَالَتْ خَدِيجَةُ فَقُمْتُ فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً بِالنَّبِيِّ ص وَ فَتَحْتُ الْبَابَ وَ دَخَلَ النَّبِيُّ الْمَنْزِلَ وَ كَانَ ص إِذَا دَخَلَ الْمَنْزِلَ دَعَا بِالْإِنَاءِ فَتَطَهَّرَ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ يُوجِزُ فِيهِمَا ثُمَّ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ فَلَمَّا كَانَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ لَمْ يَدْعُ بِالْإِنَاءِ وَ لَمْ يَتَأَهَّبْ بِالصَّلَاةِ غَيْرَ أَنَّهُ أَخَذَ بِعَضُدِي وَ أَقْعَدَنِي عَلَى فِرَاشِهِ وَ دَاعَبَنِي وَ مَازَحَنِي وَ كَانَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ مَا يَكُونُ بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَ بَعْلِهَا فَلَا وَ الَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ وَ أَنْبَعَ الْمَاءَ مَا تَبَاعَدَ عَنِّي النَّبِيُّ ص حَتَّى حَسِسْتُ بِثِقْلِ فَاطِمَةَ فِي بَطْنِي

: ۶، ۱۵، ۱۴ وَ فِيهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع كَيْفَ كَانَتْ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ ع قَالَ نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا رِضْوَانُ اللَّهِ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ص هَجَرَتْهَا نِسْوَةُ مَكَّةَ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ مِنْ ذَلِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ ع صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَدَخَلَ يَوْماً وَ سَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ يُحَدِّثُكِ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي فَقَالَ لَهَا هَذَا جَبْرَئِيلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا أُنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَئِمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وِلَادَتُهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ يَجِئْنَ وَ يَلِينَ مِنْهَا مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا عَصَيْتِينَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتِ مُحَمَّداً يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقِيراً لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً فَاغْتَمَّتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طِوَالٍ كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكِ إِلَيْكِ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكِ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكِ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ صَفْرَاءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ بَعَثَنَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكِ لِنَلِيَ مِنْ أَمْرِكِ مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةٌ عَنْ يَمِينِهَا وَ الْأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّالِثَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ خَدِيجَةُ فَاطِمَةَ ع طَاهِرَةً

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَلَتْهَا بِمَاءِ الْكَوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بَيْضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَفَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ قَنَّعَتْهَا بِالْأُخْرَى ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ ع بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ ص سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَنَّ وُلْدِي سَيِّدُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَ ضَحِكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ ع وَ حَدَثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَلِذَلِكَ سُمِّيَتِ الزَّهْرَاءَ ع وَ قَالَتْ خُذِيهَا يَا خَدِيجَةُ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً زَكِيَّةً مَيْمُونَةً بُورِكَ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا خَدِيجَةُ ع فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً فَأَلْقَمَتْهَا ثَدْيَهَا فَشَرِبَتْ فَدَرَّ عَلَيْهَا وَ كَانَتْ ع تَنْمِي فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي شَهْرٍ وَ فِي شَهْرٍ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي سَنَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا «۱» : كِتَابُ الدُّرِّ النَّظِيمِ، مِثْلَ مَا مَرَّ مِنَ الرِّوَايَاتِ كُلِّهَا (۱)

ترجمه: روایت شده که فاطمه پنج سال قبل از بعثت متولّد گردیده است. (۲) و گفته شده که روزی رسول خدا در ابطح نشسته بود و همراه او عمّار بن یاسر، منذر بن ضحضاح، ابو بکر، عمر، علی بن ابی طالب، عبّاس بن عبد المطّلب، و حمزة بن عبد المطّلب نشسته بودند که جبرئیل در صورت عظمای خود فرود آمده و بالهای خود را در طرفین مشرق و مغرب خود پهن نموده و گفت: (۱) ای محمّد! خداوند بلند مرتبه تو را سلام می‌رساند و امر می‌کند که چهل روز از خدیجه دوری نمایی. و این کار برای پیامبر بسیار دشوار بود زیرا خدیجه را بسیار دوست می‌داشت و به وی دلبستگی فراوان داشت. پیامبر برخاست و چهل روز را روزه گرفته، چهل شب را به بیداری و عبادت خداوند متعال گذرانید، در روزهای آخرین عمّار بن یاسر را به سوی خدیجه فرستاد و به وی پیغام داد: ای خدیجه! خیال نکنی که دلیل دوری من از تو به سبب غضبی است که نسبت به تو دارم بلکه خداوند متعال این دوری را امر فرموده و من برای امتثال فرمان او چنین می‌کنم و تو جز خیر، در این مورد هیچ اندیشه دیگری نداشته باش که خداوند متعال در هر روز چند بار به سبب تو بر ملائکه مباهات می‌ورزد. هنگام شب پشت درب را محکم کن و به آسودگی بخواب، و بدان که من در این ایّام در منزل مادرم فاطمه بنت اسد– مادر علی بن ابی طالب، یعنی در منزل عمویم– هستم. خدیجه در دوران این دوری در هر روزی چند بار محزون و اندیشناک می‌شد.

پس از اتمام چهل روز جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و فرمود: ای محمّد! خداوند بر تو درود می‌فرستد و تو را امر می‌کند تا از تحفه و هدیه او بهره‌مند گردی. پیامبر فرمود: تحفه پروردگار عالمیان چیست؟ و مژده او کدام است؟ جبرئیل گفت: نمی‌دانم. در این حال میکائیل فرود آمد و همراه او طبقی بود که با پارچه‌ای پشمی پوشیده

شده بود، و آن را در مقابل پیامبر گذارد، و جبرئیل نزدیک آمده و گفت: ای محمّد! خداوند فرمان می‌دهد که امروز را با این طعام افطار کنی. (۲) علی بن ابی طالب گوید: هنگامی که پیامبر اراده افطار می‌نمود به من امر می‌کرد که درب خانه را باز کنم تا هر که مایل است داخل شود و از آن طعام استفاده نماید، ولی در این شب پیامبر مرا بر درب خانه قرار داد و فرمود: این طعام خاص، برای غیر من حرام است. سپس پارچه را از روی طبق برداشت و در زیر آن خوشه‌ای از خرما و خوشه‌ای از انگور بود، رسول اکرم به اندازه کافی از آنها خورد و آب کاملی نیز نوشید و جبرئیل بر دستان او آب ریخته، و میکائیل دستانش را با آن آب شست و اسرافیل آنها را خشک نمود، و باقی طعام و ظرف آب را به آسمان بازگردانیدند، پس از آن پیامبر برخاست تا نماز بگزارد که جبرئیل جلو آمد و گفت: نماز در این وقت برای تو حرام است تا آنکه به منزل خدیجه بروی و او را دیدار کنی و با وی همبستر شوی، که خداوند اراده کرده از صلب تو در این شب ذرّیّه‌ای طیّبه متولّد نماید. رسول خدا شتابان به سوی منزل خدیجه به راه افتاد. (۱) خدیجه گوید: من به تنهایی عادت کرده بودم، لذا وقتی شب می‌شد سرم را می‌پوشانیدم و پرده را می‌انداختم، و درب را می‌بستم و پشت آن را می‌انداختم، و خدای را عبادت می‌کردم- به نماز یا قرائت قرآن- و چراغ را خاموش می‌نمودم و می‌خوابیدم، در آن شب به خصوص، هنوز نخوابیده بودم که پیامبر آمده و در را به صدا در آورد، من پرسیدم: کیست که در خانه مرا می‌زند در حالی که کسی غیر از محمّد این درب را به صدا در نیاورده است؟

و صدای متین پیامبر را از آن سوی در شنیدم که گفت: ای خدیجه! در را باز کن که من محمّد هستم. من در حالی که خوشحال بودم برخاسته و در را باز کردم، پیامبر داخل منزل شده ظرف آب را طلبید تا وضو بسازد و نماز بگزارد. پس از آن دو رکعت نماز خفیف به جای آورد، سپس به سوی بستر رفت. وی در این شب نماز زیادی به جای نیاورد بلکه دست مرا گرفته و بر بسترش نشانید، و میان ما آنچه که میان همسران واقع می‌شود واقع گردید، و اللّه که در همان شب ثقل و سنگینی فاطمه را در بطن خود احساس کردم.

و در همین کتاب از مفضّل بن عمر روایت شده که گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم که ولادت حضرت فاطمه چگونه بوده است، فرمود: ... «۱».

۴- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۹۰ رقم ۱۶۵ : ۱۴ ۱۶۵ تفسیر فرات «۲» بِإِسْنَادِه عَنْ حُذَيْفَةَ الْيَمَانِيِّ قَالَ دَخَلَتْ عَائِشَةُ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ هُوَ يُقَبِّلُ فَاطِمَةَ ع فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّه أَ تُقَبِّلُهَا وَ هِيَ ذَاتُ بَعْلٍ فَقَالَ لَهَا وَ سَاقَ حَدِيثَ الْمِعْرَاجِ إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ أَخَذَ جَبْرَئِيلُ ع بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ وَ أَنَا مَسْرُورٌ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ مُكَلَّلَةٍ بِالنُّورِ فِي أَصْلِهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَلَ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِتُفَّاحٍ لَمْ أَرَ تُفَّاحاً هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ فَأَخَذْتُ وَاحِدَةً فَفَلَقْتُهَا فَخَرَجَتْ عَلَيَّ مِنْهَا حَوْرَاءُ كَانَ أَشْفَارُهَا مَقَادِيمُ أَجْنِحَةِ النُّسُورِ فَقُلْتُ لِمَنْ أَنْتِ فَبَكَتْ وَ قَالَتْ لِابْنِكَ الْمَقْتُولِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ظُلْماً الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَلْيَنَ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطَبَةً فَأَكَلْتُهَا وَ أَنَا أَشْتَهِيهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطَبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ ع

۵- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۵۱ رقم ۸۹ : ۱۴ ۸۹ تفسیر فرات الکوفی «۲» عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مُعَنْعَناً عَنْ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ بَعْضُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ ص يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَكَ تُحِبُّ فَاطِمَةَ حُبّاً مَا تُحِبُّ أَحَداً مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَالَ إِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ انْتَهَى بِي جَبْرَئِيلُ ع إِلَى شَجَرَةِ طُوبَى فَعَمَدَ إِلَى ثَمَرَةٍ مِنْ أَثْمَارِ طُوبَى فَفَرَكَهُ بَيْنَ إِصْبَعَيْهِ ثُمَّ أَطْعَمَنِيهِ ثُمَّ مَسَحَ يَدَهُ بَيْنَ كَتِفَيَّ ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَشِّرُكَ بِفَاطِمَةَ مِنْ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ فَلَمَّا أَنْ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ فَكَانَ الَّذِي كَانَ فَعَلِقَتْ خَدِيجَةُ بِفَاطِمَةَ فَأَنَا إِذَا اشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ أَدْنَيْتُهَا فَشَمِمْتُ رِيحَ الْجَنَّةِ فَهِيَ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ

(۱) ترجمه: فرات بن ابراهیم کوفی از عبید بن کثیر، با سند معنعن از سلمان فارسی روایت کرده است:

بعضی از زنان پیامبر- منظور عایشه است- به رسول خدا گفتند: ای رسول خدا! چقدر فاطمه را دوست داری در حالی که هیچ یک از اهل بیتت را این قدر دوست نمی‌داری! پیامبر فرمود: هنگامی که به سوی آسمان برده شدم جبرئیل مرا نزد درخت طوبی برد، پس میوه‌ای از آن را چیده و پوست آن را گرفت و به من داد تا بخورم و سپس با دست خود بین دو کتف مرا مسح کرد و گفت: ای محمّد! خداوند تو را بشارت می‌دهد به دختری به نام فاطمه از همسرت خدیجه. و هنگامی که به زمین بازگشتم خدیجه به فاطمه حامله گردید، پس هر گاه شوق بهشت پیدا می‌کنم او را در برمی‌گیرم و از وی بوی بهشت را استشمام می‌نمایم، پس فاطمه حوریّه‌ای انسانی است.

۶- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۱۹ رقم ۶ : ۱۴ عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» التوحید «۲» الأمالی الصدوق «۳» الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْهَرَوِيِّ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ أَ هُمَا الْيَوْمَ مَخْلُوقَتَانِ فَقَالَ نَعَمْ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ رَأَى النَّارَ لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ فَإِنَّ قَوْماً يَقُولُونَ إِنَّهُمَا الْيَوْمَ مُقَدَّرَتَانِ غَيْرُ مَخْلُوقَتَيْنِ فَقَالَ ع مَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ لَا نَحْنُ مِنْهُمْ مَنْ أَنْكَرَ خَلْقَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ فَقَدْ كَذَّبَ النَّبِيَّ ص وَ كَذَّبَنَا وَ لَيْسَ مِنْ وَلَايَتِنَا عَلَى شَيْءٍ وَ خُلِّدَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ «۴» وَ قَالَ النَّبِيُّ ص لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جَبْرَئِيلُ فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَاوَلَنِي مِنْ رُطَبِهَا فَأَكَلْتُهُ فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَكُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ «۵»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

(۱) ترجمه: هروی گوید: از امام رضا علیه السّلام خواستم راجع به بهشت و جهنّم برایم توضیح دهد و بگوید که آیا آنها خلق شده‌اند. فرمود: آری آنها خلق شده‌اند و وجود دارند و رسول خدا داخل بهشت شده و به هنگام معراجش آتش جهنّم را دیده و از آن خبر داده است.

گفتم: دسته‌ای از مردم می‌گویند: آنها هنوز خلق نشده‌اند و جزو مقدّرات هستند و در قیامت خلق خواهند شد، امام فرمود: آنها از ما نیستند و ما نیز با آنها کاری نداریم، کسی که خلق بهشت و جهنّم را انکار کند نبی و پیامبر اسلام را انکار نموده و ما را منکر شده و از ولایت ما نصیبی نبرده است و در جهنّم داخل می‌شود، خداوند فرمود: این جهنّمی است که گناهکاران آن را تکذیب می‌کردند، پس در آن می‌گردند تا باور کنند آنچه را که انکار می‌کرده‌اند. و پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گفته: هنگامی که به آسمان عروج کردم جبرئیل دست مرا گرفت و مرا داخل بهشت کرد و خرمایی بهشتی را به من داد که آن را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در صلب من ایجاد گردید، پس هنگامی که به زمین بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریّه‌ای انسانی است، و هر گاه که مشتاق بوی بهشت می‌گردم وی را می‌بویم چرا که او بوی بهشت می‌دهد.

۷- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۲۰ رقم ۱۰ : ۱۴ تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «۱» قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّه ص يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ أَوْلَادِهَا أَلْفُ أَلْفِ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ فَأَنْكَرَتْ ذَلِكَ عَائِشَةُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّه ص يَا عَائِشَةُ إِنِّي لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَدْنَانِي جَبْرَئِيلُ مِنْ شَجَرَةِ طُوبَى وَ نَاوَلَنِي مِنْ ثِمَارِهَا فَأَكَلْتُهُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً فِي ظَهْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَمَا قَبَّلْتُهَا قَطُّ إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا

(۲) علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش گوید: رسول اکرم دخترش فاطمه را زیاد می‌بوسید، پس عایشه حسادت می‌ورزید لذا پیامبر به وی گفت: ای عایشه! هنگامی که ... «۱».

۸- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۳۶۱ رقم ۲۳۲ : ۲۳۲ کنز جامع الفوائد «۲» و رَوَى الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ عَنْ رِجَالِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِ مَسَائِلِ الْبُلْدَانِ يَرْفَعُهُ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ يَلْعَبَانِ بَيْنَ يَدَيْهَا- فَفَرِحَتْ بِهِمَا فَرَحاً شَدِيداً فَلَمْ أَلْبَثْ حَتَّى دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي بِفَضِيلَةِ هَؤُلَاءِ لِأَزْدَادَ لَهُمْ حُبّاً فَقَالَ يَا سَلْمَانُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ- إِذْ رَأَيْتُ جَبْرَئِيلَ فِي سَمَاوَاتِهِ وَ جِنَانِهِ- فَبَيْنَمَا أَنَا أَدُورُ قُصُورَهَا وَ بَسَاتِينَهَا وَ مَقَاصِرَهَا- إِذْ شَمِمْتُ رَائِحَةً طَيِّبَةً فَأَعْجَبَتْنِي تِلْكَ الرَّائِحَةُ- فَقُلْتُ يَا حَبِيبِي مَا هَذِهِ الرَّائِحَةُ الَّتِي غَلَبَتْ عَلَى رَوَائِحِ الْجَنَّةِ كُلِّهَا- فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ تُفَّاحَةٌ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِيَدِهِ مُنْذُ ثَلَاثِمِائَةِ أَلْفِ عَامٍ- مَا نَدْرِي مَا يُرِيدُ بِهَا فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ رَأَيْتُ مَلَائِكَةً وَ مَعَهُمْ تِلْكَ التُّفَّاحَةُ- فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّنَا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

السَّلَامُ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ- وَ قَدْ أَتْحَفَكَ بِهَذِهِ التُّفَّاحَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص- فَأَخَذْتُ تِلْكَ التُّفَّاحَةَ فَوَضَعْتُهَا تَحْتَ جَنَاحِ جَبْرَئِيلَ- فَلَمَّا هبط إِلَى الْأَرْضِ أَكَلْتُ تِلْكَ التُّفَّاحَةَ- فَجَمَعَ اللَّهُ مَاءَهَا فِي ظَهْرِي فَغَشِيتُ خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِد- فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ مِنْ مَاءِ التُّفَّاحَةِ- فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ أَنْ قَدْ وُلِدَ لَكَ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ- فَزَوِّجِ النُّورَ مِنَ النُّورِ النُّورُ فَاطِمَةُ مِنْ نُورِ عَلِيٍّ- فَإِنِّي قَدْ زَوَّجْتُهَا فِي السَّمَاءِ وَ جَعَلْتُ خُمُسَ الْأَرْضِ مَهْرَهَا- وَ يُسْتَخْرَجُ فِيمَا بَيْنَهُمَا ذُرِّيَّةٌ طَيِّبَةٌ- وَ هُمَا سِرَاجَا الْجَنَّةِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَئِمَّةٌ يُقْتَلُونَ وَ يُخْذَلُونَ- فَالْوَيْلُ لِقَاتِلِهِمْ وَ خَاذِلِهِمْ

(۱) ترجمه: سلمان فارسی گوید: بر فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام داخل شدم در حالی که آن دو بازی می‌کردند و فاطمه به مشاهده آنها خرسند و بسیار شادمان بود، و مزاحم آنان نشده تأمل کردم تا پیامبر داخل شد، پس گفتم: ای رسول خدا! در باره فضائل اینان برای من بگو تا علاقه‌ام نسبت به ایشان فزونی یابد. آن حضرت فرمود: ای سلمان! شبی که به آسمان برده شدم جبرئیل را در آسمان و غرفه‌های بهشت ملاقات کردم و در این حال در قصرها و مزارع آنجا می‌گشتم که ناگهان بوی بسیار خوشی به مشامم رسید و از خوبی آن متعجب گشته به جبرئیل گفتم: ای حبیب من! این رایحه‌ای که بر سایر بوهای بهشت غالب آمده از چیست؟ گفت: ای محمّد! این بوی خوش به سیبی تعلّق دارد که خداوند آن را سیصد هزار سال پیش خلق کرده و ما نمی‌دانیم که قصد وی از خلق این سیب چیست، در همین حال جمعی از فرشتگان را دیدم که آن سیب را می‌آورند پس خطاب به من گفتند: ای محمّد! خداوند متعال بر تو سلام و درود می‌فرستد و این سیب را به تو هدیه می‌دهد.

رسول خدا فرمود: من آن سیب را گرفتم و بر بال جبرئیل گذاردم و هنگامی که به زمین بازگشتم آن میوه را تناول نمودم و در اثر آن نطفه‌ای در پشت من پدیدار گشت، و با خدیجه همبستر شدم و او از این نطفه، فاطمه را باردار شد، سپس خداوند بر من وحی نمود که به زودی برای تو حوریّه‌ای انسانی متولّد می‌شود، و نور را به نور تزویج خواهی نمود، یکی فاطمه و دیگری علی، زیرا ازدواج آنها در آسمان واقع شده است- در عالم ذرّ، یعنی مقدّر گردیده است- و برای فاطمه یک پنجم زمین را مهر قرار می‌دهی، و از آن دو ذرّیّه‌ای طیّبه پدید می‌آید، و این دو از آنها هستند، و از صلب حسین فرزندانی متولّد می‌گردد که امامان مردم خواهند بود ولی مردم آنها را می‌کشند و بر ایشان ستم روا می‌دارند، بدا بر قاتل آنها و کسانی که به ایشان ظلم کنند!

۹- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۸۸ و ۱۸۹ رقم ۱۶۰ : ۱۴ ۱۶۰ علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ جَبَلَةَ الْمَكِّيِّ عَنْ طَاوُسٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ انْتَهَيْتُ إِلَى السَّمَاءِ السَّادِسَةِ نُودِيتُ يَا مُحَمَّدُ نِعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ نِعْمَ الْأَخُ أَخُوكَ عَلِيٌّ فَلَمَّا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

صِرْتُ إِلَى الْحُجُبِ أَخَذَ جَبْرَئِيلُ ع بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ فِي أَصْلِهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقُلْتُ حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَقَالَ هَذِهِ لِأَخِيكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ هَذَانِ الْمَلَكَانِ يَطْوِيَانِ لَهُ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَلْيَنَ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَطْيَبَ مِنَ الْمِسْكِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطَبَةً فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطَبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا أَنْ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ

(۱) ترجمه: ابن عبّاس از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده: هنگامی که به سوی آسمان عروج کردم، به آسمان ششم که رسیدم، ندایی گفت: ای محمّد! چه پدر خوبی است پدر تو ابراهیم، و چه برادر خوبی است برادرت علی. و چون به سراپرده‌های بهشت رسیدم، جبرئیل دستم را گرفت و داخل بهشت نمود، در آنجا درختی نورانی توجّه مرا جلب کرد در حالی که دو فرشته آن را با زیورهایی می‌آراستند. من گفتم:

ای جبرئیل! این درخت به چه کسی تعلّق دارد؟ گفت: آن درخت علی بن ابی طالب است و اینها تا روز قیامت وظیفه دارند آن را تزیین نمایند. وقتی کمی جلوتر رفتم خرمایی دیدم که از کره نرمتر و از مشک خوشبوتر و از عسل شیرین‌تر بود، یکی از آنها را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در صلب من ایجاد شد، پس از آنکه به زمین بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریّه‌ای انسانی است که هر گاه مشتاق بهشت می‌شوم بوی او را استشمام می‌کنم.

۱۰- بحار الانوار، ج ۱۸ ص ۳۱۵ رقم ۲۷ : ۱۴، ۱۵ کتاب المحتضر «۱»: عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ زَيْدٍ النِّقَابِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ص يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ ع فَعَاتَبَتْهُ عَلَى ذَلِكَ عَائِشَةُ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَتُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَرَّ بِي جَبْرَئِيلُ عَلَى شَجَرَةِ طُوبَى فَنَاوَلَنِي مِنْ ثَمَرِهَا فَأَكَلْتُهُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً إِلَى ظَهْرِي فَلَمَّا أَنْ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَمَا قَبَّلْتُهَا إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا

(۱) ترجمه: امام صادق علیه السّلام فرموده: پیامبر حضرت فاطمه را خیلی دوست داشت و او را زیاد می‌بوسید، پس عایشه وی را مورد عتاب قرار می‌داد و می‌گفت: ای رسول خدا! چرا فاطمه را این همه می‌بوسی؟ پیامبر به او فرمود: ای عایشه! هنگامی که به آسمان برده می‌شدم جبرئیل مرا به نزد درخت طوبی برد و یکی از میوه‌های آن را برگرفت، و من آن را تناول نمودم و در اثر آن آبی در پشت من ایجاد گردید، وقتی که به زمین بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، و من او را نمی‌بوسم مگر آنکه بوی شجره طوبی را از وی استشمام می‌نمایم.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

۱۱- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۴۲ و ۱۴۳ رقم ۶۲ : ۱۴ ۶۲ تفسیر العیاشی عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ «۲» كَانَ النَّبِيُّ ص يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ قَالَ فَعَاتَبَتْهُ عَلَى ذَلِكَ عَائِشَةُ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَتُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا وَيْلَكِ لَمَّا أُعْرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَرَّ بِي جَبْرَئِيلُ عَلَى شَجَرَةِ طُوبَى فَنَاوَلَنِي مِنْ ثَمَرِهَا فَأَكَلْتُهَا فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَى ظَهْرِي فَلَمَّا أَنْ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ بِخَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ ع فَمَا قَبَّلْتُ فَاطِمَةَ إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا

۱۲- بحار الأنوار، ج ۴۴ ص ۲۴۰ و ۲۴۱ رقم ۳۳: ۳۳ فر، تفسیر فرات بِإِسْنَادِهِ عَنْ حُذَيْفَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي أَخَذَ جَبْرَئِيلُ بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ- وَ أَنَا مَسْرُورٌ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ مُكَلَّلَةٍ بِالنُّورِ- فِي أَصْلِهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِتُفَّاحٍ لَمْ أَرَ تُفَّاحاً هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ- فَأَخَذْتُ وَاحِدَةً فَفَلَقْتُهَا فَخَرَجَتْ عَلَيَّ مِنْهَا حَوْرَاءُ- كَأَنَّ أَجْفَانَهَا مَقَادِيمُ أَجْنِحَةِ النُّسُورِ فَقُلْتُ لِمَنْ أَنْتِ فَبَكَتْ- وَ قَالَ لِابْنِكَ الْمَقْتُولِ ظُلْماً الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ- ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَلْيَنَ مِنَ الزُّبْدِ- وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطَبَةً فَأَكَلْتُهَا- وَ أَنَا أَشْتَهِيهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطَبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي- فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ- فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ- فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ «۲»

۱۳- بحار الأنوار، ج ۴۳ ص ۴۲ و ۴۳ رقم ۴۲: مناقب آل أبي طالب «۳» أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيُّ وَ ابْنُ شِهَابٍ الزُّهْرِيُّ وَ ابْنُ الْمُسَيَّبِ كُلُّهُمْ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ وَ أَبُو مُعَاذٍ النَّحْوِيُّ الْمَرْوَزِيُّ وَ أَبُو قَتَادَةَ الْحَرَّانِيُّ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ هَاشِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ وَ الْخَرْكُوشِيُّ فِي شَرَفِ النَّبِيِّ وَ الْأُشْنُهِيُّ فِي الِاعْتِقَادِ وَ السَّمْعَانِيُّ فِي الرِّسَالَةِ وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ وَ أَبُو السَّعَادَاتِ فِي الْفَضَائِلِ وَ مِنْ أَصْحَابِنَا أَبُو عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءُ وَ غَيْرُهُ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ فَأَنْكَرَتْ عَلَيْهِ بَعْضُ نِسَائِهِ فَقَالَ ص إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جَبْرَئِيلُ فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَاوَلَنِي مِنْ رُطَبِهَا فَأَكَلْتُهَا وَ فِي رِوَايَةٍ فَنَاوَلَنِي مِنْهَا تُفَّاحَةً فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَكُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي

(۱) ترجمه: ابو جعفر محمّد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی گوید: ابو بکر شافعی، ابن شهاب زهری و ابن مسیّب، هر سه از سعد بن ابی وقّاص؛ و ابو معاذ نحوی و ابو قتاده حرّانی، هر دو از سفیان ثوری، از هشام بن عروه، از عروه، از عایشه، و خرگوشی در شرف النبی، و اشنهی در الاعتقاد، و سمعانی در الرسالة، و ابو صالح مؤذّن در اربعین، و ابو السّعادات در فضائل، و از علمای شیعه: ابو عبیده حذّاء و غیر او از امام صادق علیه السّلام روایت کرده‌اند که رسول اکرم دخترش فاطمه را می‌بوسید و این امر برای بعضی از همسران آن حضرت گران آمد، پس پیامبر به آنها گفت:

هنگامی که برای معراج به آسمان برده می‌شدم جبرئیل دست مرا گرفت ... «۱».

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

۱۴- بحار الأنوار، ج ۴۳ ص ۳۱۴ و ۳۱۵ رقم ۷۳: فی بعض مؤلفات أصحابنا: وَ حُکِیَ عَنْ عُرْوَةَ الْبَارِقِیِّ قَالَ حَجَجْتُ فِی بَعْضِ السِّنِینَ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَوَجَدْتُ رَسُولَ اللَّهِ جَالِساً وَ حَوْلَهُ غُلَامَانِ یَافِعَانِ وَ هُوَ یُقَبِّلُ هَذَا مَرَّةً وَ هَذَا أُخْرَی فَإِذَا رَآهُ النَّاسُ یَفْعَلُ ذَلِکَ أَمْسَکُوا عَنْ کَلَامِهِ حَتَّی یَقْضِیَ وَطَرَهُ مِنْهُمَا وَ مَا یَعْرِفُونَ لِأَیِّ سَبَبٍ حُبُّهُ إِیَّاهُمَا فَجِئْتُهُ وَ هُوَ یَفْعَلُ ذَلِکَ بِهِمَا فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَانِ ابْنَاکَ فَقَالَ إِنَّهُمَا ابْنَا ابْنَتِی وَ ابْنَا أَخِی وَ ابْنِ عَمِّی وَ أَحَبِّ الرِّجَالِ إِلَیَّ وَ مَنْ هُوَ سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ مَنْ نَفْسُهُ نَفْسِی وَ نَفْسِی نَفْسُهُ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ عَجِبْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ فِعْلِکَ بِهِمَا وَ حُبِّکَ لَهُمَا فَقَالَ لِی أَحَدِّثُکَ أَیُّهَا الرَّجُلُ إِنِّی لَمَّا عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ وَ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ انْتَهَیْتُ إِلَی شَجَرَةٍ فِی رِیَاضِ الْجَنَّةِ فَعَجِبْتُ مِنْ طِیبِ رَائِحَتِهَا فَقَالَ لِی جَبْرَئِیلُ یَا مُحَمَّدُ لَا تَعْجَبْ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَثَمَرُهَا أَطْیَبُ مِنْ رِیحِهَا فَجَعَلَ جَبْرَئِیلُ یُتْحِفُنِی مِنْ ثَمَرِهَا وَ یُطْعِمُنِی مِنْ فَاکِهَتِهَا وَ أَنَا لَا أَمَلُّ مِنْهَا ثُمَّ مَرَرْنَا بِشَجَرَةٍ أُخْرَی فَقَالَ لِی جَبْرَئِیلُ یَا مُحَمَّدُ کُلْ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَإِنَّهَا تُشْبِهُ الشَّجَرَةَ الَّتِی أَکَلْتَ مِنْهَا الثَّمَرَ فَهِیَ أَطْیَبُ طَعْماً وَ أَذْکَی رَائِحَةً قَالَ فَجَعَلَ جَبْرَئِیلُ یُتْحِفُنِی بِثَمَرِهَا وَ یُشِمُّنِی مِنْ رَائِحَتِهَا فَقُلْتُ یَا أَخِی جَبْرَئِیلُ مَا رَأَیْتُ فِی الْأَشْجَارِ أَطْیَبَ وَ لَا أَحْسَنَ مِنْ هَاتَیْنِ الشَّجَرَتَیْنِ فَقَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ أَ تَدْرِی مَا اسْمُ هَاتَیْنِ الشَّجَرَتَیْنِ فَقُلْتُ لَا أَدْرِی فَقَالَ إِحْدَاهُمَا الْحَسَنُ وَ الْأُخْرَی الْحُسَیْنُ فَإِذَا هَبَطْتَ یَا مُحَمَّدُ إِلَی الْأَرْضِ مِنْ فَوْرِکَ فَأْتِ زَوْجَتَکَ خَدِیجَةَ وَ وَاقِعْهَا مِنْ وَقْتِکَ وَ سَاعَتِکَ فَإِنَّهُ یَخْرُجُ مِنْکَ طِیبُ رَائِحَةِ الثَّمَرِ الَّذِی أَکَلْتَهُ مِنْ هَاتَیْنِ الشَّجَرَتَیْنِ فَتَلِدُ لَکَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ ثُمَّ زَوِّجْهَا أَخَاکَ عَلِیّاً فَتَلِدُ لَهُ ابْنَیْنِ فَسَمِّ أَحَدَهُمَا الْحَسَنَ وَ الْآخَرَ الْحُسَیْنَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِی أَخِی جَبْرَئِیلُ فَکَانَ الْأَمْرُ مَا کَانَ فَنَزَلَ إِلَیَّ جَبْرَئِیلُ بَعْدَ مَا وُلِدَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ فَقُلْتُ لَهُ یَا جَبْرَئِیلُ مَا أَشْوَقَنِی إِلَی تَیْنِکَ الشَّجَرَتَیْنِ فَقَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ إِذَا اشْتَقْتَ إِلَی الْأَکْلِ مِنْ ثَمَرَةِ تَیْنِکَ الشَّجَرَتَیْنِ فَشَمَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ قَالَ فَجَعَلَ النَّبِیُّ ص کُلَّمَا اشْتَاقَ إِلَی الشَّجَرَتَیْنِ یَشَمُّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ یَلْثِمُهُمَا وَ هُوَ یَقُولُ یَا أَصْحَابِی إِنِّی أَوَدُّ أَنِّی أُقَاسِمُهُمَا حَیَاتِی لِحُبِّی لَهُمَا فَهُمَا رَیْحَانَتَایَ مِنَ الدُّنْیَا فَتَعَجَّبَ الرَّجُلُ مِنْ وَصْفِ النَّبِیِّ ص لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ فَکَیْفَ لَوْ شَاهَدَ النَّبِیُّ ص مَنْ سَفَکَ دِمَاءَهُمْ وَ قَتَلَ رِجَالَهُمْ وَ ذَبَحَ أَطْفَالَهُمْ وَ نَهَبَ أَمْوَالَهُمْ وَ سَبَی حَرِیمَهُمْ أُولَئِکَ عَلَیْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِکَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ وَ سَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ

(۱) ترجمه: و حکایت شده از عروه بارقی که گفت: در یکی از سالها به حج رفته بودم، داخل مسجد پیامبر شدم و ایشان را دیدم در حالی که دو پسر بچه در کنار او نشسته بودند و پیامبر گاهی یکی از آنها را می‌بوسید و گاهی آن دیگری را، و هنگامی که مردم پیامبر را چنان دیدند مزاحمتی برایش ایجاد نکردند و از سخن گفتن با او خودداری نمودند ولی من در باره علّت علاقه پیامبر به آن دو کودک سرگردان مانده بودم و برایم سؤال شده بود که چرا پیامبر آن دو را این همه دوست می‌دارد، از آن حضرت سؤال کردم: یا رسول اللّه! آیا اینها فرزندان شما هستند؟ پیامبر فرمود: آن دو فرزندان دخترم و پسران برادرم و پسر عمویم که محبوبترین مردان در نزد من

است، می‌باشند. پدر آنها کسی است که در حکم گوش و چشم من می‌باشد، او از من و من از اویم، و او کسی است که از حزن و اندوهش محزون می‌گردم و او نیز از اندوه من محزون می‌گردد. پس به پیامبر گفتم: من از میزان علاقه شما به این فرزندان و آن محبّتی که به ایشان ابراز کردید تعجب کردم. پس پیامبر فرمود: علّت آن را برایت بازگو می‌کنم ای مرد! (۱) آن هنگام که مرا به آسمان می‌بردند داخل بهشت گردیدم و در مقابل درختی از درختهای بهشت که از بوی بسیار خوش آن تعجّب کرده بودم ایستادم، و جبرئیل که تعجّب مرا دید گفت: ای محمّد! از این درخت تعجّب مکن زیرا که میوه آن بسیار خوشبوتر از آن است، پس جبرئیل از میوه آن تحفه‌ای را برای من آورد و من آن را خوردم ولی کاملا سیر نشدم، پس به درخت دیگری برخوردم، جبرئیل گفت: ای محمّد! از میوه این درخت نیز بخور که این نیز شبیه همان درخت قبلی است، مشاهده نمودم که این درخت از جهت طعم و رایحه از درخت قبلی بهتر است. جبرئیل از میوه آن درخت تحفه‌ای برگرفت و به من داد و من آن را خوردم و بویش را نیز استشمام می‌کردم، سپس گفتم: برادرم، جبرئیل! در میان درختان بهشت هیچ درختی را زیباتر و خوشبوتر از این دو درخت ندیدم، گفت: ای محمّد! آیا می‌دانی نام این دو درخت چیست؟ گفتم: نمی‌دانم. گفت: نام یکی حسن و نام دیگری حسین است، ای محمّد! هنگامی که به زمین برگشتی به نزد همسرت خدیجه برو و در زمان مناسب با وی همبستر شو، به درستی که از میوه و رایحه این دو درخت فرزندی برای تو متولّد می‌شود به نام زهرا، پس او را به ازدواج برادرت علی درآور تا دو پسر از ایشان متولّد شود، پس نام یکی را حسن و نام دیگری را حسین قرار ده.

پیامبر خدا فرمود: آنچه را که جبرئیل گفته بود انجام دادم و همان شد که گفته بود. بعد از آنکه حسن و حسین متولّد شدند. جبرئیل بر من فرود آمد، پس به او گفتم: ای جبرئیل! چه اشتیاق زیادی به آن دو درخت دارم. گفت: ای محمّد! هر گاه که چنین اشتیاقی در تو ایجاد شد حسن و حسین را بو کن و آنها را در آغوش بگیر.

عروه بارقی گوید: هر گاه پیامبر نسبت به آن درختان تمایل پیدا می‌کرد حسن و حسین را در آغوش می‌گرفت و آنها را می‌بویید و می‌گفت: سخن جبرئیل را تصدیق می‌کنم چرا که این دو فرزند بوی آن دو درخت را می‌دهند. و نیز می‌گفت: من این دو را آن قدر دوست می‌دارم که حاضرم عمرم را بین آنها قسمت نمایم، آنها ریحانه‌های من در دنیا هستند.

راوی گوید: عروه بارقی از شنیدن این سخنان در باره حسن و حسین خیلی متعجب بود، پس اگر شاهد بود آنچه را که بر سر آنها آوردند و می‌دید که چگونه خون آنها را ریختند و مردانشان را کشتند و اطفالشان را ذبح کردند، و اموالشان را به غارت بردند و به حریمشان تعرّض کردند– لعنت خدا بر چنان ستمکاران و جنایتکارانی باد– چه می‌کرد؟!!!

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

۱۵- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۸ رقم ۱۷ : ۱۴، ۱۵ ۱۷ تفسیر فرات «۱» مُوسَى بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُحَارِبِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدْرُونَ لِمَا خُلِقَتْ فَاطِمَةُ قَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ خُلِقَتْ فَاطِمَةُ حَوْرَاءَ إِنْسِيَّةً لَا إِنْسِيَّةٌ وَ قَالَ خُلِقَتْ مِنْ عَرَقِ جَبْرَئِيلَ وَ مِنْ زَغَبِهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَشْكَلَ ذَلِكَ عَلَيْنَا تَقُولُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ لَا إِنْسِيَّةٌ ثُمَّ تَقُولُ مِنْ عَرَقِ جَبْرَئِيلَ وَ مِنْ زَغَبِهِ قَالَ إِذاً أُنَبِّئُكُمْ أَهْدَى إِلَيَّ رَبِّي تُفَّاحَةً مِنَ الْجَنَّةِ أَتَانِي بِهَا جَبْرَئِيلُ ع فَضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ فَعَرِقَ جَبْرَئِيلُ ع وَ عَرِقَتِ التُّفَّاحَةُ فَصَارَ عَرَقُهُمَا شَيْئاً وَاحِداً ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ قُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جَبْرَئِيلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيْكَ تُفَّاحَةً مِنَ الْجَنَّةِ فَأَخَذْتُهَا وَ قَبَّلْتُهَا وَ وَضَعْتُهَا عَلَى عَيْنِي وَ ضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ كُلْهَا قُلْتُ يَا حَبِيبِي يَا جَبْرَئِيلُ هَدِيَّةُ رَبِّي تُؤْكَلُ قَالَ نَعَمْ قَدْ أُمِرْتَ بِأَكْلِهَا فَأَفْلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ مِنْهَا نُوراً سَاطِعاً فَفَزِعْتُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ قَالَ كُلْ فَإِنَّ ذَلِكَ نُورُ الْمَنْصُورَةِ فَاطِمَةَ قُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ وَ مَنِ الْمَنْصُورَةُ قَالَ جَارِيَةٌ تَخْرُجُ مِنْ صُلْبِكَ وَ اسْمُهَا فِي السَّمَاءِ مَنْصُورَةُ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ فَقُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ وَ لِمَ سُمِّيَتْ فِي السَّمَاءِ مَنْصُورَةَ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ قَالَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ فِي الْأَرْضِ لِأَنَّهُ فُطِمَتْ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ وَ فُطِمُوا أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ «۲» يعني بِنَصْرِ فَاطِمَةَ ع

بيان الزغب الشعيرات الصغرى على ريش الفرخ و كونها من زغب جبرئيل إما لكون التفاحة فيها و عرقت من بينها أو لأنه التصق بها بعض ذلك الزغب فأكله النبي ص

(۱) ترجمه: فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیر خود از رسول اکرم روایت نموده که فرمود: آیا می‌دانید که فاطمه چگونه آفریده شد؟ گفتند: خدا و رسول او داناتر است.

فرمود: فاطمه حوریّه‌ای انسانی است، و فرمود: فاطمه از عرق و موهای ریز بدن جبرئیل آفریده شده است.

گفتند: ای رسول خدا! پذیرفتن چنین چیزی برای ما دشوار است زیرا شما اوّل می‌گویید که او انسان نیست بلکه حوریه‌ای انسانی است و سپس می‌فرمایید که از عرق و کرک بدن جبرئیل خلق شده است؟

فرمود: جبرئیل برای من سیبی را از میان میوه‌های بهشتی آورد، من از شدّت علاقه جبرئیل را گرفته و به سینه‌ام فشردم، جبرئیل و سیب هر دو عرق کردند و عرق آنها با هم مخلوط شد، سپس جبرئیل گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! گفتم: سلام بر تو ای جبرئیل! گفت: این سیبی است که خداوند از بهشت برای تو فرستاده است. آن را گرفتم، بوسیدم و روی چشم خود نهادم و بر سینه‌ام فشردم.

جبرئیل گفت: ای محمّد! این سیب را بخور. گفتم: ای حبیب من! آیا هدیه پروردگارم را بخورم؟ گفت: آری، به تو امر شده که آن را بخوری. و من وقتی آن سیب را دو قسمت کردم تا بخورم نوری از آن ساطع گردید که مرا به وحشت افکند، جبرئیل گفت: نترس و آن را بخور، این نور به منصوره تعلق دارد. گفتم: منصوره کیست؟

گفت: دختری است که از صلب تو به وجود خواهد آمد و نام وی در آسمان منصوره است و در زمین فاطمه. پس گفتم: ای جبرئیل! چرا در آسمان منصوره نامیده شد و در زمین فاطمه؟ گفت: در زمین فاطمه نامیده شد برای اینکه شیعیان وی از آتش جهنّم باز نگاه داشته شده‌اند و دشمنانش از دوستی و محبت وی که نجات بخش است محروم می‌مانند و این است معنی کلام خداوند که می‌فرماید: «و در این روز- یعنی قیامت- مؤمنین به سبب نصرت و یاری خداوند شادمان می‌گردند»، و منظور از نصرت و یاری خداوند همین نصرت خداوند برای شیعیان و دوستداران فاطمه است که به شفاعت و یاری فاطمه از آتش دوزخ نجات می‌یابند.

باب دوم نامهای حضرت فاطمه علیها السّلام و برخی از فضایل آن حضرت

تعداد احادیث و روایات این باب: ۳۲ موضوعات روایات روایاتی که در این باب آمده در بر دارنده موضوعات ذیل می‌باشند: ۱- نام فاطمه علیها السّلام ۲- وجه تسمیه دختر پیامبر به فاطمه ۳- کفویّت علیّ بن ابی طالب برای فاطمه ۴- وجه تسمیه فاطمه به زهرا ۵- شفاعت حضرت فاطمه برای شیعیان و دوستدارانش ۶- عالمه بودن حضرت فاطمه ۷- طهارت و پاکی حضرت فاطمه از پلیدیها و انواع معاصی ۸- وجه تسمیه حضرت فاطمه به بتول ۹- عدم ابتلای فاطمه به حیض و نفاس ۱۰- حرام بودن سایر زنان بر حضرت علی در زمان حیات فاطمه ۱۱- بی‌همتا و بی‌نظیر بودن فاطمه ۱۲- کنیه‌های فاطمه ۱۳- کیفیت خلقت نوری و دنیایی حضرت فاطمه

اسامی حضرت فاطمه علیها السّلام در این باب: ۱- فاطمه ۲- زهرا ۳- بتول ۴- صدّیقه کبری ۵- مبارکه ۶- طاهره ۷- زکیّه ۸- راضیه ۹- مرضیه ۱۰- محدّثه ۱۱- حصان ۱۲- حرّه ۱۳- سیّده ۱۴- عذرا ۱۵- حوراء ۱۶- حانیه ۱۷- منصوره ۱۸- نوریّه سماویّه

کنیه‌های حضرت فاطمه علیها السّلام در این باب: ۱- امّ الحسن/ ۲- امّ الحسین ۳- امّ ابیها/ ۴- امّ المحسن ۵- امّ الائمّه :

[متن عربی] ۶، ۱۵ ۲۵/ ۱ الأمالی للصدوق «۱» علل الشرائع «۲» الخصال «۳» ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ «۴» عَنِ السَّعْدَآبَادِيِّ «۵» عَنِ الْبَرْقِيِّ «۶» عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ «۷» عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِفَاطِمَةَ ع تِسْعَةُ أَسْمَاءَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاطِمَةُ وَ الصِّدِّيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْرَاءُ «۸»

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتابهای امالی، علل الشرائع و خصال، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: حضرت فاطمه در نزد خدای متعالی دارای ۹ اسم است: فاطمه، صدّیقه، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیّه، محدّثه و زهرا.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۶ ۲۶/ ... عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ الصادق ع أَ تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ قُلْتُ أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي قَالَ فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ «۱»

ترجمه (۱): شیخ صدوق در کتابهای نامبرده از یونس بن ظبیان روایت کرده: امام صادق علیه السّلام از من پرسید: آیا می‌دانی تفسیر کلمه فاطمه چیست؟ گفتم: شما بگویید ای آقا و سرور من. فرمود: یعنی شرّ و بدی از فاطمه دور شده است.

[متن عربی] ۶ ۲۷/ ... قَالَ الصادق ع لَوْ لَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفْوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ «۲» كتاب دلائل الإمامة للطبرى، عن الحسن بن أحمد العلوى عن الصدوق مثله «۱» بيان يمكن أن يستدل به على كون على و فاطمة ع أشرف من سائر أولى العزم سوى نبينا صلى الله عليهم أجمعين لا يقال لا يدل على فضلهما على نوح و إبراهيم ع لاحتمال كون عدم كونهما كفوين لكونهما من أجدادها ع لأنا نقول ذكر آدم ع يدل على أن المراد عدم كونهم أكفاءها مع قطع النظر عن الموانع الأخر على أنه يمكن أن يتشبث بعدم القول بالفصل

ترجمه (۱): شیخ صدوق از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که فرمود: اگر علی بن ابی طالب نبود که با فاطمه ازدواج کند، از زمان حضرت آدم تا روز قیامت، در روی زمین کسی یافت نمی‌شد که شایستگی همسری با فاطمه را داشته باشد.

بیان (۲): می‌توان به این حدیث استدلال کرد و گفت: علی و فاطمه از همه مردمان و حتّی پیامبران اولو العزم- به جز رسول خدا- برتر و بالاتر هستند و اگر گفته شود که این حدیث چنین دلالتی ندارد و یا در رابطه با حضرت نوح و ابراهیم چنین دلالتی ندارد، گوییم: چون نوح و ابراهیم از اجداد حضرت زهرا به شمار می‌روند لذا نمی‌توان آنها را کفو فاطمه معرفی کرد و اینکه نام آدم هم در این روایت برده شده نشان دهنده این است که با صرف نظر کردن از سایر موانع حتی او هم نمی‌تواند همدوش و کفو فاطمه باشد.

[متن عربی] ۶، ۱۵، ۱، ۱۴ ۲۸/ ۲ علل الشرائع «۲» أبي «۳» عَنْ سَعْدٍ «۴» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَهْلٍ الصَّيْقَلِ «۵» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الدَّارِمِيِّ «۶» عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْهُرْمُزَانِيِّ «۷» عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَتِ الزَّهْرَاءُ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ كَانَ يَزْهَرُ نُورُ وَجْهِهَا صَلَاةَ الْغَدَاةِ وَ النَّاسُ فِي فِرَاشِهِمْ فَيَدْخُلُ بَيَاضُ ذَلِكَ النُّورِ إِلَى حُجُرَاتِهِمْ بِالْمَدِينَةِ فَتَبْيَضُّ حِيطَانُهُمْ فَيَعْجَبُونَ مِنْ ذَلِكَ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ ص فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع فَيَأْتُونَ مَنْزِلَهَا فَيَرَوْنَهَا قَاعِدَةً فِي مِحْرَابِهَا تُصَلِّي وَ النُّورُ يَسْطَعُ مِنْ مِحْرَابِهَا مِنْ وَجْهِهَا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْهُ كَانَ مِنْ نُورِ فَاطِمَةَ فَإِذَا انْتَصَفَ النَّهَارُ وَ تَرَتَّبَتْ لِلصَّلَاةِ زَهَرَ نُورُ وَجْهِهَا ع بِالصُّفْرَةِ فَتَدْخُلُ الصُّفْرَةُ فِي حُجُرَاتِ النَّاسِ فَتُصَفِّرُ ثِيَابَهُمْ وَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

أَلْوَانَهُمْ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ ص فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع فَيَرَوْنَهَا قَائِمَةً فِي مِحْرَابِهَا وَ قَدْ زَهَرَ نُورُ وَجْهِهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا بِالصُّفْرَةِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْا كَانَ مِنْ نُورِ وَجْهِهَا فَإِذَا كَانَ آخِرُ النَّهَارِ وَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ احْمَرَّ وَجْهُ فَاطِمَةَ فَأَشْرَقَ وَجْهُهَا بِالْحُمْرَةِ فَرَحاً وَ شُكْراً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكَانَ تَدْخُلُ حُمْرَةُ وَجْهِهَا حُجُرَاتِ الْقَوْمِ وَ تَحْمَرُّ حِيطَانُهُمْ فَيَعْجَبُونَ مِنْ ذَلِكَ وَ يَأْتُونَ النَّبِيَّ ص وَ يَسْأَلُونَهُ عَنْ ذَلِكَ فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ فَيَرَوْنَهَا جَالِسَةً تُسَبِّحُ اللَّهَ وَ تُمَجِّدُهُ وَ نُورُ وَجْهِهَا يَزْهَرُ بِالْحُمْرَةِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْا كَانَ مِنْ نُورِ وَجْهِ فَاطِمَةَ ع فَلَمْ يَزَلْ ذَلِكَ النُّورُ فِي وَجْهِهَا حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ ع فَهُوَ يَتَقَلَّبُ فِي وُجُوهِنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي الْأَئِمَّةِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتَ إِمَامٍ بَعْدَ إِمَامٍ

بیان: ترتبت أی ثبتت فی محرابها کما فی اللغة أو تهیأت من الترتیب العرفی بمعنی جعل کل شیء فی مرتبته و یحتمل أن یکون تصحیف تزینت

ترجمه (۱): شیخ صدوق در علل الشرائع از ابان بن تغلب روایت کرده: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! چرا فاطمه را «زهرا» نامیدند؟ گفت: برای اینکه نور حضرت فاطمه روزی سه مرتبه برای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب جلوه می‌کرد: نور او به هنگام اقامه نماز صبح در حالی که مردمان در خواب بودند، چنان می‌درخشید که سفیدی آن داخل خانه‌های مدینه می‌گردید و فضای خانه‌ها را روشن می‌نمود، آنان از این نور تعجّب می‌کردند و به سوی رسول خدا می‌شتافتند تا در باره منشأ آن نور سؤال کنند، و رسول خدا آنها را به جانب خانه حضرت فاطمه متوجه می‌کرد، و هنگامی که آنان به سوی خانه ایشان نگاه می‌کردند می‌دیدند که فاطمه در محراب عبادت قرار گرفته و نوری از محراب ساطع می‌شود، و آنگاه در می‌یافتند که نور مذکور همان نوری است که از فاطمه ساطع می‌گردد.

هنگامی که ظهر فرا می‌رسید و فاطمه آماده نماز می‌گردید نور زردی از چهره وی ساطع می‌گردید و داخل خانه‌های اهل مدینه می‌شد به طوری که در و دیوار خانه‌ها، و لباس و رنگ ایشان همه به زردی می‌گرایید، پس هر گاه از آن نور پرسش می‌نمودند، رسول خدا ایشان را روانه خانه فاطمه می‌کرد و آنان می‌دیدند که دختر پیامبر در میان محراب مشغول عبادت است و این نور از وی ساطع می‌گردد.

و هنگامی که آفتاب غروب می‌کرد چهره فاطمه به سرخی می‌گرایید و نور قرمزی از او ساطع می‌شد و فاطمه از این امر خوشحال گردیده شکر خدا را به جای می‌آورد، پس آن نور داخل خانه‌های مردم می‌گردید و تمام آنها را سرخفام می‌نمود، مردم مدینه از این امر تعجّب می‌کردند و در باره آن با یک دیگر به گفتگو می‌پرداختند و هر کس نظری می‌داد، بنا بر این نزد رسول خدا می‌آمدند و علّت آن را جویا می‌شدند و رسول خدا ایشان را

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

به سوی خانه فاطمه می‌فرستاد و آنها می‌دیدند که فاطمه در محراب به عبادت ایستاده و آن نور از صورت وی ساطع می‌گردد و می‌فهمیدند که منشأ آن نور از کجاست.

پس آن نور در چهره فاطمه باقی بود تا زمانی که حسین علیه السّلام از وی متولّد گردید و آن نور به او منتقل شده و به ما رسیده است و همچنان در نزد ما خواهد بود، امامی بعد از امام دیگر، تا قیامت فرا رسد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۲۹/ ۳ عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْإِسْنَادِ إِلَى دَارِمٍ «۲» قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع قَالا سَمِعْنَا الْمَأْمُونَ «۳» يُحَدِّثُ عَنِ الرَّشِيدِ «۴» عَنِ الْمَهْدِيِّ «۵» عَنِ الْمَنْصُورِ «۶» عَنْ أَبِيهِ «۷» عَنْ جَدِّهِ «۸» قَالَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ لِمُعَاوِيَةَ أَ تَدْرِي لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةَ قَالَ لَا قَالَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ «۹» سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُهُ

ترجمه (۱): شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا نقل می‌کند که ابن عبّاس به معاویه گفت: آیا می‌دانی که دختر رسول خدا برای چه فاطمه نامیده شد؟ گفت: نمی‌دانم.

ابن عبّاس گفت: برای اینکه او و شیعیانش از آتش دوزخ باز نگاه داشته شده‌اند و خداوند آنها را به آتش جهنّم عذاب نمی‌کند. من این سخن را از رسول خدا شنیده‌ام.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۰ عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْأَسْنَادِ الثَّلَاثَةِ «۲» عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنِّي سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ.صح، «۳» عن الرضا عن آبائه ع مثله

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا، به سه سند از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت می‌کند که فرمود: نام دخترم را از آن جهت فاطمه گذاردم که خدای عزّ و جلّ او و دوستدارانش را بر آتش جهنّم حرام کرده است.

[متن عربی]۶، ۱۵ ۳۱/ ۵- علل الشرائع «۱» أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْقِلٍ الْقِرْمِيسِينِيِّ «۲» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ الْجَزَرِيِّ «۳» عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ بِنُورِهَا وَ غَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ وَ خَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ وَ قَالُوا إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا مَا هَذَا النُّورُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي وَ أَسْكَنْتُهُ فِي سَمَائِي خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتِي أُخْرِجُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِي أُفَضِّلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أُخْرِجُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَئِمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي يَهْدُونَ إِلَى حَقِّي وَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي.

مصباح الأنوار، عن أبی جعفر ع مثله بیان قال الفیروزآبادی قرمیسین بالکسر بلد قرب الدینور معرب کرمانشاهان

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در علل الشرائع به نقل از جابر جعفی روایت می‌کند که گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: چرا حضرت فاطمه علیها السّلام زهرا نامیده می‌شود؟

امام فرمود: زیرا خداوند متعال او را از نور با عظمت خود آفرید، و هنگامی که نورش درخشیدن گرفت آسمانها و زمین به نور او روشن شدند و چشمان ملائکه خیره ماند، پس سجده نموده و از خدای سبحان پرسیدند: خدایا! این چه نوری است؟ خداوند فرمود: این شعبه‌ای از نور من است که آن را آفریده‌ام و از صلب یکی از پیامبرانم که او را بر سایر پیامبران برتری داده‌ام، خارج می‌نمایم. و از این نور رهبران و امامانی به وجود می‌آیند که پس از انقطاع وحی مردم را به سوی حق هدایت می‌نمایند.

این روایت را محمّد بن هاشم نیز به نقل از امام باقر علیه السّلام در مصباح الانوار آورده است.

[متن عربی]۶، ۱۵ ۳۲/ ۶- معانی الأخبار «۴» علل الشرائع «۵» الطَّالَقَانِيُّ «۶» عَنِ الْجَلُودِيِّ «۷» عَنِ الْجَوْهَرِيِّ «۸» عَنِ ابْنِ عُمَارَةَ «۹» عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ فَاطِمَةَ لِمَ سُمِّيَتْ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا زَهَرَ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار و علل الشرائع از محمّد بن عماره کندی روایت کرده و گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: چرا فاطمه را زهرا نامیدند؟

امام فرمود: برای اینکه هر گاه فاطمه در محراب عبادت می‌ایستاد و به عبادت مشغول می‌شد نور او برای اهل آسمان می‌درخشید همان طور که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند.

[متن عربی] ۷، ۱۴، ۱۵ ۳۳/ ۷- علل الشرائع «۱۰» أَبِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْيَقْطِينِيِّ «۱۱» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ «۱۲» مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا شَيْخٌ لَنَا ثِقَةٌ يُقَالُ لَهُ نَجِيَّةُ بْنُ إِسْحَاقَ الْفَزَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ حَسَنٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةَ قُلْتُ فَرْقاً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْأَسْمَاءِ قَالَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنَ الْأَسْمَاءِ وَ لَكِنَّ الِاسْمَ الَّذِي سُمِّيَتْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلِمَ مَا كَانَ قَبْلَ كَوْنِهِ فَعَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص يَتَزَوَّجُ فِي الْأَحْيَاءِ وَ أَنَّهُمْ يَطْمَعُونَ فِي وِرَاثَةِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ قِبَلِهِ فَلَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ سَمَّاهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَاطِمَةَ لِمَا أَخْرَجَ مِنْهَا وَ جَعَلَ فِي وُلْدِهَا فَفَطَمَهُمْ عَمَّا طَمِعُوا فَبِهَذَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فَطَمَتْ طَمَعَهُمْ وَ مَعْنَى فَطَمَتْ قَطَعَتْ

بيان قوله فرقا بينه و بين الأسماء لعله توهم أن هذا الاسم مما لم يسبقها إليه أحد فلذا سميت به لئلا يشاركها فيه امرأة ممن مضى فأجاب ع بأنه كان من الأسماء التي كانوا يسمون بها قبل قوله إن الله أي لأن الله

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع از عبد اللّه بن حسن بن حسن مجتبی علیه السّلام روایت کرده که گفت: امام کاظم علیه السّلام به من گفت: آیا می‌دانی چرا دختر پیامبر فاطمه نامیده شد؟

گفتم: برای اینکه با سایر نامها فرق داشته باشد و بشود او را به آن نام مورد خطاب قرار داد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فرمود: بله، فاطمه هم از نامهاست ولی به این علت نام دختر رسول خدا را فاطمه گذاردند که خداوند نسبت به همه چیز قبل از آنکه به وجود بیاید آگاه است و می‌دانست که وقتی پیامبر با برخی از قبایل وصلت نماید آنان به دلیل وراثت، در امر خلافت و جانشینی او طمع می‌کنند لذا موقعی که دختر رسول خدا متولّد شد او را فاطمه نامید و امر خلافت و وصایت را برای فرزندان او قرار داد و بدین وسیله دست سایرین را از آن کوتاه نمود زیرا فاطمه به معنی کوتاه کردن و قطع دست طمع دیگران است.

بیان: (۲) اینکه عبد اللّه بن حسن گفت: فرقا بینه و بین الأسماء، شاید مقصودش این بوده که چون نام فاطمه کمتر به کار رفته لذا رسول اکرم دخترش را فاطمه نامیده است تا وی از سایرین متمایز گردد، و اینکه امام به وی فرمود: انّ ذلک لمن الأسماء، منظورش این بوده که این نام هم جزو اسماء است. و منظور از: انّ اللّه، لأنّ اللّه می‌باشد.

[متن عربی]۱۵ ۳۴/ ۸- معانی الأخبار «۱» و علل الشرائع «۲» الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ مُخْدَجِ بْنِ عُمَيْرٍ الْحَنَفِيِّ «۳» عَنْ بَشِيرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَنْصَارِيِّ «۴» عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ «۵» عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ «۱» عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ «۲» إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در معانی الاخبار و علل الشرائع، به سند خود از ابو هریره نقل می‌کند: دختر رسول خدا فاطمه نامیده شد زیرا خداوند عزّ و جلّ او و دوستداران و شیعیانش را بر آتش حرام کرده است. «۱»

[متن عربی] ۵، ۱۵، ۱۴ ۳۵/ ۹- علل الشرائع «۲» مَاجِيلَوَيْهِ «۳» عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ «۴» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ «۵» عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ «۶» عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ «۷» لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ ع أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مَلَكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ ص فَسَمَّاهَا فَاطِمَةَ ثُمَّ قَالَ إِنِّي فَطَمْتُكِ بِالْعِلْمِ وَ فَطَمْتُكِ عَنِ الطَّمْثِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ اللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالْعِلْمِ وَ عَنِ الطَّمْثِ بِالْمِيثَاقِ

مصباح الأنوار، «۸» عنه ع مثله بیان فطمتک بالعلم أی أرضعتک بالعلم حتی استغنیت و فطمت أو قطعتک عن الجهل بسبب العلم أو جعلت فطامک من اللبن مقرونا بالعلم کنایة عن کونها فی بدو فطرتها عالمة بالعلوم الربانیة و علی التقادیر کان الفاعل بمعنی المفعول کالدافق بمعنی المدفوق أو یقرأ علی بناء التفعیل أی جعلتک قاطعة الناس من الجهل أو المعنی لما فطمها من الجهل فهی تفطم الناس منه و الوجهان الأخیران یشکل إجراؤهما فی قوله فطمتک عن الطمث إلا بتکلف بأن یجعل الطمث کنایة عن الأخلاق و الأفعال الذمیمة أو یقال علی الثالث لما فطمتک عن الأدناس الروحانیة و الجسمانیة فأنت تفطم الناس عن الأدناس المعنویة

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در علل الشرائع، از امام باقر علیه السّلام روایت می‌کند: هنگامی که دختر پیامبر متولّد شد خدای عزّ و جلّ به یکی از فرشتگان وحی نمود تا کلمه فاطمه را بر زبان پیامبر جاری کند، لذا رسول خدا نام این دختر را فاطمه نهاد و به او فرمود: من تو را با علم و دانش همراه، و از پلیدی پاک نمودم.

سپس امام باقر فرمود: به خدا سوگند که حق تعالی فاطمه را در روز عهد و میثاق «۱» با علم قرین و از پلیدیها و حیض بر کنار نمود. شبیه این روایت را شیخ هاشم در مصباح الانوار نقل نموده است.

بیان: (۲) فطمتک بالعلم، یعنی از هنگام شیرخوارگی تو را با علم و دانش قرین و همراه می‌دارم تا غنی شوی، و یا اینکه جهل را از تو دور می‌دارم تا علم جایگزین آن شود، و این کلام کنایه از آن است که فاطمه از بدو تولّدش عالم به علوم ربّانی بوده است.

و در مورد «فطمتک عن الطّمث» ممکن است که با تکلّف بتوانیم «طمث» را کنایه از اخلاق و افعال پلید و مذموم بگیریم، یا اینکه بگوییم طمث اعم از پلیدیهای روحانی و جسمانی است.

و از طرفی ممکن است در قرائت «فطمت» معنای مفعولی را در نظر بگیریم که در این صورت مفهوم آن این خواهد بود که رسول اکرم فرموده باشد تو را با علم قرین و از پلیدی دور داشتم و یا ممکن است بنا را بر معنای تفعیلی بگذاریم که در این صورت مفهوم جمله این است که: تو را چنان قرار دادم که مردم را از جهل و پلیدیهای روحانی و معنوی بر حذر داری.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۳۶/ ۱۰- علل الشرائع «۱» ابْنُ الْوَلِيدِ «۲» عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَوِيَّةَ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ جَنْدَلِ بْنِ وَالِقٍ «۳» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْبَصْرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ أَ تَدْرِينَ لِمَ سُمِّيتِ فَاطِمَةَ فَقَالَ عَلِيٌّ ع يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَتْ قَالَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ

مصباح الأنوار «۴»، عنه ع مثله بيان لا يقال المناسب على ما ذكر في وجه التسمية أن تسمى مفطومة إذ الفطم بمعنى القطع يقال فطمت الأم صبيها و فطمت الرجل عن عادته و فطمت الحبل لأنا نقول كثيرا ما يجيء فاعل بمعنى مفعول كقولهم سر كاتم و مكان عامر و كما قالوا في قوله تعالى عِيشَةٍ راضِيَةٍ* و ماء دافق و يحتمل أن يكون ورد الفطم لازما أيضا. قال الفيروزآبادي أفطم السخلة حان أن تفطم فإذا فطمت فهي فاطم و مفطومة و فطيم انتهى و يمكن أن يقال إنها فطمت نفسها و شيعتها عن النار و عن الشرور و فطمت نفسها عن الطمث لكون السبب في ذلك ما علم الله من محاسن أفعالها و مكارم خصالها فالإسناد مجازي «۵»

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در علل الشرائع به نقل از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آورده که آن حضرت فرمود: ای فاطمه! آیا می‌دانی که چرا نامت را فاطمه گذاردم؟

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

علی علیه السّلام فرمود: برای چه ای رسول خدا؟! فرمود: برای اینکه فاطمه و شیعیانش از آتش جهنّم نگاه داشته شده‌اند. نظیر این روایت در مصباح الانوار نیز آمده است.

[متن عربی] ۵، ۱۵ ۳۷/ ۱۱ علل الشرائع «۱» ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ «۲» عَنْ سَعْدٍ «۳» عَنِ ابْنِ عِيسَى «۴» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ «۵» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ لِفَاطِمَةَ ع وَقْفَةٌ عَلَى بَابِ جَهَنَّمَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُتِبَ بَيْنَ عَيْنَيْ كُلِّ رَجُلٍ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ فَيُؤْمَرُ بِمُحِبٍّ قَدْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ إِلَى النَّارِ فَتَقْرَأُ فَاطِمَةُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُحِبّاً فَتَقُولُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي سَمَّيْتَنِي فَاطِمَةَ وَ فَطَمْتَ بِي مَنْ تَوَلَّانِي وَ تَوَلَّى ذُرِّيَّتِي مِنَ النَّارِ وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقْتِ يَا فَاطِمَةُ إِنِّي سَمَّيْتُكِ فَاطِمَةَ وَ فَطَمْتُ بِكِ مَنْ أَحَبَّكِ وَ تَوَلَّاكِ وَ أَحَبَّ ذُرِّيَّتَكِ وَ تَوَلَّاهُمْ مِنَ النَّارِ وَ وَعْدِيَ الْحَقُّ وَ أَنَا لَا أُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَ إِنَّمَا أَمَرْتُ بِعَبْدِي هَذَا إِلَى النَّارِ لِتَشْفَعِي فِيهِ فَأُشَفِّعَكِ وَ لِيَتَبَيَّنَ مَلَائِكَتِي وَ أَنْبِيَائِي وَ رُسُلِي وَ أَهْلَ الْمَوْقِفِ مَوْقِفُكِ مِنِّي وَ مَكَانَتُكِ عِنْدِي فَمَنْ قَرَأْتِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِناً فَخُذِي بِيَدِهِ وَ أَدْخِلِيهِ الْجَنَّةَ

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع از امام باقر علیه السّلام روایت کرده که گفت: حضرت فاطمه علیها السّلام در روز قیامت، در مقابل دروازه جهنّم توقّف خواهد نمود. پس در آن هنگام میان چشمان هر کسی نوشته می‌شود که کافر است یا مؤمن، آنگاه به دوستدار فاطمه به دلیل گناهانش امر می‌شود که داخل جهنّم گردد، هنگامی که فاطمه در میان دو چشم وی می‌بیند که او محبّ و دوستدار او بوده می‌گوید: پروردگار من، ای آقای من، مرا فاطمه نامیدی و وعده دادی که به وسیله من، هر کس را که شیعه من و فرزندانم باشد از آتش نجات دهی، وعده تو حق است و تخلّف نمی‌پذیرد. سپس خداوند عزّ و جلّ می‌گوید:

راست می‌گویی ای فاطمه! من تو را فاطمه نامیدم و کسی را که تو را و فرزندانت را دوست داشته و شیعه شما باشد از آتش نجات می‌دهم و وعده من حق است و خلف وعده نخواهم کرد، و به این منظور دستور دادم او را به جهنّم ببرند که تو برای او شفیع شوی و من شفاعت تو را بپذیرم تا مقام و منزلتی که تو نزد من داری برای ملائکه و پیامبران و اهل محشر معلوم شود، اکنون دست هر کس را که در میان دو چشم او مؤمن نوشته شده باشد بگیر و داخل بهشت نما.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۸/ ۱۲ الأمالی للشیخ الطوسی «۱» الْفَحَّامُ «۲» عَنِ الْمَنْصُورِيِّ «۳» عَنْ عَمِّ أَبِيهِ «۴» عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ «۵» عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ «۶» قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّمَا سُمِّيَتِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ

ترجمه: (۱) شیخ طوسی در امالی گوید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: دخترم به این جهت فاطمه نامیده شد که خداوند عزّ و جلّ او و دوستدارانش را از آتش جهنّم نگاه داشته است.

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۹/ ۱۳ معانی الأخبار «۱» علل الشرائع «۲» بِإِسْنَادِ الْعَلَوِيِّ «۳» عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص سُئِلَ مَا الْبَتُولُ فَإِنَّا سَمِعْنَاکَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَقُولُ إِنَّ مَرْيَمَ بَتُولٌ وَ فَاطِمَةَ بَتُولٌ فَقَالَ ع الْبَتُولُ الَّتِي لَمْ تَرَ حُمْرَةً قَطُّ أَيْ لَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ

مصباح الأنوار، «۴» عن علی ع مثله بیان البتل القطع أی أنها منقطعة عن نساء زمانها بعدم رؤیة الدم قال فی النهایة امرأة بتول منقطعة عن الرجال لا شهوة لها فیهم و بها سمیت مریم أم عیسی ع و سمیت فاطمة ع البتول لانقطاعها عن نساء زمانها فضلا و دینا و حسبا و قیل لانقطاعها عن الدنیا إلی الله تعالی و نحو ذلک قال الفیروزآبادی.

ترجمه: (۱) شیخ صدوق از علی بن ابی طالب علیه السّلام روایت کرده: از رسول خدا سؤال شد: بتول یعنی چه ای رسول خدا؟ همانا از تو شنیده‌ایم که گفته‌ای مریم و فاطمه هر دو بتول هستند.

پیامبر فرمود: بتول آن زنی را گویند که حیض نمی‌شود زیرا حیض برای دختران انبیا ناپسند است.

این روایت در مصباح الانوار نیز آمده است.

بیان: «البتل» به معنی قطع است یعنی فاطمه به دلیل عدم مشاهده حیض با زنان زمان خود متفاوت است. و در «النهایة» آمده است:

زنی را بتول می‌گویند که از مردان منقطع گردیده شهوتی نسبت به آنان نداشته باشند، و مریم و فاطمه را از آن جهت بتول گفته‌اند که از جهت فضل و دین و حسب غیر از زنان زمان خود بودند، و گفته شده آنها را بتول گفته‌اند به دلیل اینکه ایشان از دنیا قطع علاقه نموده متوجه خداوند تعالی گردیده‌اند.

و مثل این سخن را فیروزآبادی نیز در کتابش آورده است.

[متن عربی] ۴۰/ ... أقول قد مضت و سیأتی الأخبار فی أنه - قَالَ النَّبِيُّ ص لِفَاطِمَةَ شَقَّ اللَّهُ لَکِ يَا فَاطِمَةُ اسْماً مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْفَاطِرُ وَ أَنْتِ فَاطِمَةُ و شبهه

ترجمه: (۱) می‌گویم: در گذشته و بعد از این، اخبار و احادیثی از پیامبر خواهد آمد به این مضمون که پیامبر به فاطمه فرموده: خداوند برای تو نامی را که از نامهای خود مشتق گردیده قرار داده زیرا نام او فاطر است و نام تو فاطمه، و این نام به آن شبیه می‌باشد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۴۱/ ۱۴ مناقب آل أبی طالب «۱» ابْنُ بَابَوَيْهِ فِي كِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ وَ الْخَرْكُوشِيُّ فِي شَرَفِ النَّبِيِّ ص وَ ابْنُ بَطَّةَ فِي الْإِبَانَةِ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيٍّ هَلْ تَدْرِي لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ قَالَ عَلِيٌّ لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۲) ابن شهر آشوب به نقل از کتابهای مولد فاطمة، شرف النّبی و الابانة، از کلبی و او از امام صادق علیه السّلام گوید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خطاب به علی علیه السّلام گفت: آیا میدانی چرا دخترم را فاطمه نامیدم؟ علی گفت: ای رسول خدا، برای چه؟ فرمود: برای اینکه او و شیعه او از آتش نگاه داشته شده‌اند.

[متن عربی] ۴۲/ ... و عنه أَبُو عَلِيٍّ السَّلَامِيُّ فِي تَارِيخِهِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ عَلِيٌّ ع إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا عَنِ النَّارِ

«۲» ترجمه: (۳) ابن شهر آشوب از تاریخ ابو علی سلامی، از علی علیه السّلام روایت کرده است: دختر پیامبر فاطمه نامیده شد برای اینکه خداوند دوستداران او را از آتش دور داشته است.

[متن عربی] ۴۳/ و منه «۱» شِيرَوَيْهِ «۲» فِي الْفِرْدَوْسِ «۳» عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّمَا سُمِّيَتِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مُحِبِّيهَا عَنِ النَّارِ

«۴» ترجمه: (۱) ابن شیرویه در الفردوس از جابر بن عبد اللّه انصاری و او از پیامبر خدا روایت کرده: دخترم را از آن جهت فاطمه نامیدم که خداوند او و دوستدارانش را از آتش نگاه داشته است.

[متن عربی] ۴۴/ ...- و منه «۵» الصَّادِقُ ع تَدْرِي أَيُّ شَيْ‌ءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ قَالَ فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ وَ يُقَالُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ عَنِ الطَّمْثِ «۶»

ترجمه: (۲) ابن شهر آشوب از امام صادق علیه السّلام روایت نموده است که از ایشان پرسیدند: تفسیر کلمه فاطمه چیست؟ امام فرمود: یعنی باز نگه داشته شده از شرّ و بدی، و گفته شده برای آن دختر پیامبر را فاطمه نامیدند که او از پلیدی‌ها پاک شده است.

[متن عربی] ۴۵/ ...- و منه أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا الْبَتُولُ قَالَ الَّتِي لَمْ تَرَ حُمْرَةً قَطُّ وَ لَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ «۱»

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب به نقل از ابو صالح مؤذّن در اربعین آورده است: از رسول خدا سؤال شد که معنی بتول چیست؟ فرمود: بتول یعنی کسی که خون نمی‌بیند و حیض نمی‌شود زیرا حیض برای دختران انبیا ناپسند است.

[متن عربی] ۴۶/ ... وَ قَالَ‌النبی لِعَائِشَةَ يَا حُمَيْرَاءُ «۲» إِنَّ فَاطِمَةَ لَيْسَتْ كَنِسَاءِ الْآدَمِيِّينَ لَا تَعْتَلُّ كَمَا تعتلن «۳»

ترجمه: (۲) و ابن شهر آشوب از ابو صالح مؤذن روایت کرده: رسول خدا به عایشه گفت: ای حمیرا! فاطمه مانند سایر زنان نمی‌باشد و مانند آنها دچار حیض نمی‌شود. «۴»

[متن عربی] ۴۷/ ... و منه أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَرَّمَ اللَّهُ النِّسَاءَ عَلَى عَلِيٍّ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً لِأَنَّهَا طَاهِرَةٌ لَا تَحِيضُ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

«۵» ترجمه: (۳) ابن شهر آشوب از امام صادق علیه السّلام روایت نموده که فرمود:

خداوند تعالی تا زمانی که حضرت فاطمه در قید حیات بود زنان دیگر را بر علی علیه السّلام حرام نمود، زیرا که وی هرگز مبتلا به حیض نمی‌شد.

[متن عربی] ۴۸ وَ عنه قَالَ عُبَيْدٌ الْهَرَوِيُّ فِي الْغَرِيبَيْنِ سُمِّيَتْ مَرْيَمُ بَتُولًا لِأَنَّهَا بُتِلَتْ عَنِ الرِّجَالِ وَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ بَتُولًا لِأَنَّهَا بُتِلَتْ عَنِ النَّظِيرِ «۱»

ترجمه: (۱) ابو عبید هروی در غریبین گوید: حضرت مریم را از آن جهت بتول نامیدند که به مردان تمایلی نداشت و فاطمه را به آن سبب بتول گفتند که مثل و نظیر نداشت.

[متن عربی] ۴۹/ ... أَبُو هَاشِمٍ الْعَسْكَرِيُّ سَأَلْتُ صَاحِبَ الْعَسْكَرِ ع لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءَ ع فَقَالَ كَانَ وَجْهُهَا يَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ وَ عِنْدَ الزَّوَالِ كَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ وَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ

«۲» ترجمه: (۲) ابو هاشم عسکری گوید: از امام حسن عسکری پرسیدم: چرا حضرت فاطمه را زهرا نامیدند؟ فرمود: زیرا چهره او برای امیر المؤمنین در اوّل روز مانند آفتاب روشن و به هنگام زوال مانند ماه درخشان و به هنگام غروب آفتاب مانند ستاره می‌درخشید.

[متن عربی] ۵۰/ ...- الْحَسَنُ بْنُ يَزِيدَ «۳» قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءَ قَالَ لِأَنَّ لَهَا فِي الْجَنَّةِ قُبَّةً مِنْ يَاقُوتِ حَمْرَاءَ ارْتِفَاعُهَا فِي الْهَوَاءِ مَسِيرَةُ سَنَةٍ مُعَلَّقَةً بِقُدْرَةِ الْجَبَّارِ لَا عَلَاقَةَ لَهَا مِنْ فَوْقِهَا فَتُمْسِكَهَا وَ لَا دِعَامَةَ لَهَا مِنْ تَحْتِهَا فَتَلْزَمَهَا لَهَا مِائَةُ أَلْفِ بَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ أَلْفٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَرَاهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ كَمَا يَرَى أَحَدُكُمُ الْكَوْكَبَ الدُّرِّيَّ الزَّاهِرَ فِي أُفُقِ السَّمَاءِ فَيَقُولُونَ هَذِهِ الزَّهْرَاءُ لِفَاطِمَةَ ع «۴»

ترجمه: (۳) حسن بن زید گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: چرا فاطمه، زهرا نامیده شد؟ فرمود: زیرا او قصری از یاقوت سرخ در بهشت دارد که ارتفاع آن به اندازه یک سال راه است و آن به قدرت خدا در هوا معلّق مانده است، و آن قصر دارای صد هزار در است و بر هر دری هزار ملک ایستاده است. اهل بهشت این قصر را چنان می‌بینند که شما ستاره‌ها را، پس می‌گویند: این قصر درخشان به فاطمه تعلّق دارد.

[متن عربی] ۱۵ ۵۱/ ۱۵- و منه كُنَاهَا أُمُّ الْحَسَنِ وَ أُمُّ الْحُسَيْنِ وَ أُمُّ الْمُحَسِّنِ وَ أُمُّ الْأَئِمَّةِ وَ أُمُّ أَبِيهَا وَ أَسْمَاؤُهَا عَلَى مَا ذَكَرَهُ أَبُو جَعْفَرٍ الْقُمِّيُّ فَاطِمَةُ الْبَتُولُ الْحَصَانُ الْحُرَّةُ السَّيِّدَةُ الْعَذْرَاءُ الزَّهْرَاءُ الْحَوْرَاءُ الْمُبَارَكَةُ الطَّاهِرَةُ الزَّكِيَّةُ الرَّاضِيَةُ الْمَرْضِيَّةُ الْمُحَدَّثَةُ مَرْيَمُ الْكُبْرَى الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى وَ يُقَالُ لَهَا فِي السَّمَاءِ النُّورِيَّةُ السَّمَاوِيَّةُ الْحَانِيَةُ

بيان الحانية أي المشفقة على زوجها و أولادها قال الجزري الحانية التي تقيم على ولدها لا تتزوج شفقة و عطفا و منه

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

الحدیث فی نساء قریش أحناه علی ولد و أرعاه علی زوج «۱»

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب گوید: کنیه‌های حضرت فاطمه عبارتند از: امّ الحسن، امّ الحسین، امّ المحسن، امّ الائمّه، و امّ ابیها؛ و نامهای او چنانچه شیخ صدوق گفته است عبارتند از: فاطمه، بتول، حصان، حرّه، سیّده، عذراء، زهرا، حوراء، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیّه، محدّثه، مریم کبری، صدّیقه کبری؛ و در آسمان او را نوریّه سماویّه، و حانیه می‌نامند.

بیان: (۲) حانیه یعنی خیرخواه نسبت به همسر و فرزندان. جزری گوید، حانیه زنی را گویند که چون همسرش فوت شود از سر خیر خواهی و مهربانی امور فرزندان را تصدّی می‌نماید و از ازدواج مجدّد خودداری می‌کند، مانند حدیثی که در باره زنان قریش گوید: خیرخواه برای فرزندان و رعایت‌کننده حال همسرانند.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۵۲/ ۱۶ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ، «۲» مَرْفُوعاً «۳» إِلَی سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ ره قَالَ کُنْتُ جَالِساً عِنْدَ النَّبِیِّ ص فِی الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَسَلَّمَ فَرَدَّ النَّبِیُّ ص وَ رَحَّبَ بِهِ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَیْنَا أَهْلَ الْبَیْتِ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ وَ الْمَعَادِنُ وَاحِدَةٌ فَقَالَ النَّبِیُّ ص إِذاً أُخْبِرَکَ یَا عَمِّ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنِی وَ خَلَقَ عَلِیّاً وَ لَا سَمَاءَ وَ لَا أَرْضَ وَ لَا جَنَّةَ وَ لَا نَارَ وَ لَا لَوْحَ وَ لَا قَلَمَ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَدْوَ خَلْقِنَا تَکَلَّمَ بِکَلِمَةٍ فَکَانَتْ نُوراً ثُمَّ تَکَلَّمَ کَلِمَةً ثَانِیَةً فَکَانَتْ رُوحاً فَمَزَجَ فِیمَا بَیْنَهُمَا وَ اعْتَدَلَا فَخَلَقَنِی وَ عَلِیّاً مِنْهُمَا ثُمَّ فَتَقَ مِنْ نُورِی نُورَ الْعَرْشِ فَأَنَا أَجَلُّ مِنَ الْعَرْشِ ثُمَّ فَتَقَ مِنْ نُورِ عَلِیٍّ نُورَ السَّمَاوَاتِ فَعَلِیٌّ أَجَلُّ مِنَ السَّمَاوَاتِ ثُمَّ فَتَقَ مِنْ نُورِ الْحَسَنِ نُورَ الشَّمْسِ وَ مِنْ نُورِ الْحُسَیْنِ نُورَ الْقَمَرِ فَهُمَا أَجَلُّ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ کَانَتِ الْمَلَائِکَةُ تُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَی وَ تَقُولُ فِی تَسْبِیحِهَا سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ مِنْ أَنْوَارِ مَا أَکْرَمَهَا عَلَی اللَّهِ تَعَالَی فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَی أَنْ یَبْلُوَ الْمَلَائِکَةَ أَرْسَلَ عَلَیْهِمْ سَحَاباً مِنْ ظُلْمَةٍ وَ کَانَتِ الْمَلَائِکَةُ لَا تَنْظُرُ أَوَّلَهَا مِنْ آخِرِهَا وَ لَا آخِرَهَا مِنْ أَوَّلِهَا فَقَالَتِ الْمَلَائِکَةُ إِلَهَنَا وَ سَیِّدَنَا مُنْذُ خَلَقْتَنَا مَا رَأَیْنَا مِثْلَ مَا نَحْنُ فِیهِ فَنَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَنْوَارِ إِلَّا مَا کَشَفْتَ عَنَّا فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی لَأَفْعَلَنَّ فَخَلَقَ نُورَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع یَوْمَئِذٍ کَالْقِنْدِیلِ وَ عَلَّقَهُ فِی قُرْطِ الْعَرْشِ فَزَهَرَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ السَّبْعُ مِنْ أَجْلِ ذَلِکَ سُمِّیَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءَ وَ کَانَتِ الْمَلَائِکَةُ تُسَبِّحُ اللَّهَ وَ تُقَدِّسُهُ فَقَالَ اللَّهُ وَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی لَأَجْعَلَنَّ ثَوَابَ تَسْبِیحِکُمْ وَ تَقْدِیسِکُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ لِمُحِبِّی هَذِهِ الْمَرْأَةِ وَ أَبِیهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیهَا قَالَ سَلْمَانُ فَخَرَجَ الْعَبَّاسُ فَلَقِیَهُ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع فَضَمَّهُ إِلَی صَدْرِهِ وَ قَبَّلَ مَا بَیْنَ عَیْنَیْهِ وَ قَالَ بِأَبِی عِتْرَةُ الْمُصْطَفَی مِنْ أَهْلِ بَیْتٍ مَا أَکْرَمَکُمْ عَلَی اللَّهِ تَعَالَی. بیان القرط بالضم الذی یعلق فی شحمة الأذن

ترجمه: (۱) دیلمی در ارشاد القلوب از سلمان فارسی روایت می‌کند: در مسجد نزد پیامبر نشسته بودم که عبّاس بن عبد المطّلب عموی رسول خدا وارد شده سلام کرد، رسول خدا سلام او را جواب داده و به او خوش آمد

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

گفت. پس از آن عبّاس گفت: ای رسول خدا! چرا خداوند علی بن ابی طالب را بر ما فضیلت و برتری داده در صورتی که ما همگی از یک خاندان می‌باشیم؟

پیامبر فرمود: هنگامی که خدای توانا من و علی را خلق کرد آسمان و زمین، بهشت و دوزخ، لوح و قلمی در کار نبود. و زمانی که خدا تصمیم گرفت ما را بیافریند سخنی گفت که از آن نوری به وجود آمد، سپس سخن دیگری گفت که از آن نوری دیگر پدید آمد، آنگاه آنها را با یک دیگر ممزوج نمود، و من و علی را از آن به وجود آورد، و نور عرش را از نور من خلق کرد؛ بنا بر این، من از عرش برترم، و نور آسمانها را از نور علی خلق کرد پس علی نیز از آسمانها برتر است؛ و نور آفتاب را از نور حسن و نور ماه را از نور حسین آفرید، پس آنان از آفتاب و ماه برترند. ملائکه خدای سبحان را تسبیح می‌کنند و می‌گویند: پاک و منزّه است خدا که این نورها در نزد او گرامی هستند.

هنگامی که خداوند اراده نمود تا ملائک را مورد آزمایش قرار دهد ابری تاریک بر ایشان فرستاد طوری که نتوانند یک دیگر را ببینند، در این حال ملائکه گفتند: پروردگارا! از آن روزی که ما را آفریده بودی هرگز چنین چیزی را ندیده بودیم، تو را به حق این نورها سوگند می‌دهیم که این تاریکی و ظلمت را از ما دور نمایی؟ و در این حال خدای متعال نور فاطمه را آفرید و آن را مانند قندیل بر کنار عرش آویخت و از آن نور آسمانها و زمین‌های هفتگانه را خلق کرد، و به این جهت فاطمه را زهرا نامیده‌اند.

ملائکه خدا را تسبیح و تقدیس می‌کردند، پس خداوند به ایشان فرمود: به عزّت و جلالم، ثواب تسبیح و تقدیس شما را برای اینان- یعنی فاطمه، پدر، شوهر و فرزندانش قرار خواهم داد.

سلمان می‌گوید: عبّاس برخاسته خارج شد و در این حال با علی بن ابی طالب مواجه گردید، پس علی را در آغوش گرفت و میان دو چشم وی را بوسید و به او گفت: پدرم به فدای اهل بیت مصطفی باد، چقدر شما در نزد خدای تعالی عزیز و گرامی هستید!

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۵۳/ ۱۷- تفسیر فرات بن إبراهیم «۱» مُوسَى بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُحَارِبِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدْرُونَ لِمَا خُلِقَتْ فَاطِمَةُ قَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ خُلِقَتْ فَاطِمَةُ حَوْرَاءَ إِنْسِيَّةً لَا إِنْسِيَّةٌ وَ قَالَ خُلِقَتْ مِنْ عَرَقِ جَبْرَئِيلَ وَ مِنْ زَغَبِهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَشْكَلَ ذَلِكَ عَلَيْنَا تَقُولُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ لَا إِنْسِيَّةٌ ثُمَّ تَقُولُ مِنْ عَرَقِ جَبْرَئِيلَ وَ مِنْ زَغَبِهِ قَالَ إِذاً أُنَبِّئُكُمْ أَهْدَى إِلَيَّ رَبِّي تُفَّاحَةً مِنَ الْجَنَّةِ أَتَانِي بِهَا جَبْرَئِيلُ ع فَضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ فَعَرِقَ جَبْرَئِيلُ ع وَ عَرِقَتِ التُّفَّاحَةُ فَصَارَ عَرَقُهُمَا شَيْئاً وَاحِداً ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ قُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جَبْرَئِيلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيْكَ تُفَّاحَةً مِنَ الْجَنَّةِ فَأَخَذْتُهَا وَ قَبَّلْتُهَا وَ وَضَعْتُهَا عَلَى عَيْنِي وَ ضَمَمْتُهَا إِلَى

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

صَدْرِی ثُمَّ قَالَ یَا مُحَمَّدُ کُلْهَا قُلْتُ یَا حَبِیبِی یَا جَبْرَئِیلُ هَدِیَّةُ رَبِّی تُؤْکَلُ قَالَ نَعَمْ قَدْ أُمِرْتَ بِأَکْلِهَا فَأَفْلَقْتُهَا فَرَأَیْتُ مِنْهَا نُوراً سَاطِعاً فَفَزِعْتُ مِنْ ذَلِکَ النُّورِ قَالَ کُلْ فَإِنَّ ذَلِکَ نُورُ الْمَنْصُورَةِ فَاطِمَةَ قُلْتُ یَا جَبْرَئِیلُ وَ مَنِ الْمَنْصُورَةُ قَالَ جَارِیَةٌ تَخْرُجُ مِنْ صُلْبِکَ وَ اسْمُهَا فِی السَّمَاءِ مَنْصُورَةُ وَ فِی الْأَرْضِ فَاطِمَةُ فَقُلْتُ یَا جَبْرَئِیلُ وَ لِمَ سُمِّیَتْ فِی السَّمَاءِ مَنْصُورَةَ وَ فِی الْأَرْضِ فَاطِمَةَ قَالَ سُمِّیَتْ فَاطِمَةَ فِی الْأَرْضِ لِأَنَّهُ فَطَمَتْ شِیعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ فُطِمُوا أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ فِی کِتَابِهِ وَ یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ «۱» بِنَصْرِ فَاطِمَةَ ع

بیان الزغب الشعیرات الصغری علی ریش الفرخ و کونها من زغب جبرئیل إما لکون التفاحة فیها و عرقت من بینها أو لأنه التصق بها بعض ذلک الزغب فأکله النبی ص

ترجمه: (۱) فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیر خود، به سندش از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت نموده که فرمود: آیا می‌دانید که فاطمه چگونه آفریده شد؟ گفتند: خدا و رسول او داناتر هستند.

فرمود: فاطمه حوریّه‌ای است انسیّه نه انسان؛ و فرمود: فاطمه از عرق و موهای ریز بدن جبرئیل آفریده شده است.

گفتند: ای رسول خدا! پذیرفتن این امر برای ما بسیار دشوار است زیرا شما اوّل می‌گویید که او حوریّه انسیّه است نه انسان [خالص]، و سپس می‌فرمایید که از عرق و کرک بدن جبرئیل است.

پیامبر فرمود: جبرئیل برای من سیبی را از بهشت هدیه آورد، من او را گرفته و به سینه‌ام فشردم، پس جبرئیل و سیب هر دو عرق کردند و عرق آنها با هم مخلوط شد، سپس جبرئیل گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! گفتم: سلام بر تو ای جبرئیل! گفت: این سیبی است که خداوند از بهشت برای تو فرستاده است.

من آن را گرفتم، بوسیدم و روی چشم خود نهادم و به سینه خویش فشردم.

پس از آن جبرئیل گفت: ای محمّد! این سیب را بخور.

گفتم: ای حبیب من! آیا هدیه پروردگار را بخورم؟

گفت: آری، [از طرف خداوند] به تو امر شده که آن را بخوری.

وقتی آن سیب را دو قسمت نمودم تا بخورم نوری از آن ساطع گردید که مرا به وحشت افکند.

جبرئیل گفت: آن را بخور، این نور به منصوره یعنی فاطمه تعلّق دارد.

گفتم: منصوره کیست؟

گفت: دختری است که از صلب تو به وجود خواهد آمد و نام وی در آسمان منصوره است و در زمین فاطمه.

سؤال کردم: ای جبرئیل! چرا در آسمان منصوره نامیده شده و در زمین فاطمه؟

پاسخ داد: در زمین فاطمه نامیده شد برای اینکه شیعیان وی از آتش جهنّم باز نگه داشته شده‌اند و دشمنانش از دوستی و محبّت وی محروم می‌مانند و این است معنی قول خداوند متعال که فرماید: «و در روز قیامت مؤمنین به سبب نصرت و یاری خداوند شادمان می‌گردند» و منظور از نصرت و یاری خداوند همین نصرت خداوند برای شیعیان و دوستداران فاطمه می‌باشد.

[متن عربی] ۱۴ ۵۴/ ۱۸- الأمالی الشیخ «۱» جَمَاعَةٌ «۲» عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ «۳» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ زید عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ ع قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص یَقُولُ سُمِّیَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ ذُرِّیَّتَهَا مِنَ النَّارِ مَنْ لَقِیَ اللَّهَ مِنْهُمْ بِالتَّوْحِیدِ وَ الْإِیمَانِ بِمَا جِئْتُ بِهِ «۴»

ترجمه: (۱) شیخ طوسی (ت ۴۳۶ ه) در امالی، به سندش از امام علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرده: از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شنیدم که می‌فرموده: دخترم فاطمه نامیده شده زیرا خداوند تعالی او و ذرّیّه‌اش را از آتش جهنّم نجات بخشیده است مشروط بر اینکه در زمان ملاقات پروردگارش به توحید و آنچه از جانب پروردگارشان آمده ایمان داشته باشند.

[متن عربی] ۱۵ ۵۵/ ۱۹- رُوِیَ فِی مَقَاتِلِ الطَّالِبِیِّینَ «۵» بِإِسْنَادِهِ إِلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ ع أَنَّ فَاطِمَةَ ع کَانَتْ تُکَنَّی أُمَّ أَبِیهَا «۶»

ترجمه: (۱) ابو الفرج اصفهانی (۲۸۴- ۳۵۶) در کتاب مقاتل الطالبیّین از امام باقر علیه السّلام روایت کرده: همانا کنیه فاطمه امّ ابیها- یعنی مادر پدر- بوده است.

[متن عربی] ۱۵ ۵۶/ ۲۰ مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ إِنَّمَا سُمِّیَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرَةَ لِطَهَارَتِهَا مِنْ کُلِّ دَنَسٍ وَ طَهَارَتِهَا مِنْ کُلِّ رَفَثٍ وَ مَا رَأَتْ قَطُّ یَوْماً حُمْرَةً وَ لَا نِفَاساً

ترجمه: (۲) شیخ هاشم بن محمّد در مصباح الانوار از امام باقر و او از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت نموده است: فاطمه دختر رسول خدا را به سبب پاک بودنش از هر ننگ و پلیدی، طاهره نامیدند، و او هرگز حیض و نفاس ندید.

باب سوم فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السّلام تعداد احادیث و روایات این باب:

موضوعات روایات در این باب

۱- حضرت فاطمه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در روز قیامت به صورت راکب و سوار بر شتر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم محشور می‌شود ۵۷ ۲- خداوند به غضب فاطمه غضب و به رضای او راضی می‌شود ۵۸ و ۶۰ و ۶۴ و ۶۸ و ۷۱ و ۸۲ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۳۴ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۶۸ و ۱۷۷ ۳- برترین زنان عالم چهار نفرند و فاطمه علیها السّلام یکی از آنهاست ۵۹ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۴ و ۱۶۰ و ۱۶۳ و ۱۷۲ ۴-

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فاطمه برترین زنان در زمین ۶۱ و ۱۶۴ ۵- نجات ذرّیّه فاطمه علیها السّلام به سبب عفّت آن حضرت از آتش ۶۲ ۶- حدیث زهد حضرت فاطمه ۶۳ و ۷۱ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۴ و ۱۱۱ و ۱۳۲ و ۱۵۵ و ۱۸۶ و ۱۸۸ و ۱۹۸ ۷- فاطمه علیها السّلام هرگز خون حیض و نفاس ندید ۶۵ و ۷۷ ۸- فاطمه علیها السّلام سرور زنان بهشت ۷۵ و ۶۶ و ۱۰۳ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ ۹- حدیث دیدار فاطمه با رسول خدا در روز قیامت ۶۷ و ۱۸۳ ۱۰- فاطمه علیها السّلام سرور زنان دو عالم ۶۹ و ۷۶ و ۸۰ و ۸۱ و ۱۰۴ و ۱۱۱ و ۲۰۴ و ۲۱۲ ۱۱- حفظ نسل پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از جانب دخترش ۷۰ ۱۲- پیامبر در آخر الزمان کفیل فاطمه می‌گردد ۷۰ ۱۳- صدقه‌های فاطمه علیها السّلام ۶۳ و ۷۱ و ۸۴ و ۱۸۵ ۱۴- فاطمه علیها السّلام در قرآن ۶۲ و ۷۲ و ۷۶ و ۷۹ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۷ و ۱۵۸ و ۱۶۷ و ۱۸۰ و ۱۹۳ و ۲۱۲ ۱۵- فاطمه عزیزترین و محبوبترین مردم نزد پیامبر ۷۳ و ۷۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۴ و ۱۲۷ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۵ و ۱۶۹ و ۱۷۴ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۹۵ و ۲۱۶ ۱۶- غضب و خشنودی پیامبر در غضب و خشنودی فاطمه ۷۳ و ۷۶ و ۷۹ و ۸۲ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۸ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۲۰۵ و ۲۱۶ ۱۷- شباهت فاطمه علیها السّلام به پدرش ۱۸۱ و ۱۷۰ و ۷۸ و ۷۵ ۱۸- اهل پیامبر: علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام ۷۶ ۱۹- شفاعت نمودن فاطمه علیها السّلام در روز قیامت ۱۹۱ و ۷۶ ۲۰- ارتباط ملائکه با حضرت فاطمه علیها السّلام ۷۶ و ۱۸۰ و ۱۹۴ و ۲۱۲ و ۲۱۴ و ۲۱۵ ۲۱- فاطمه علیها السّلام اوّلین کس از خاندان پیامبر است که وفات می‌نماید ۱۰۹ و ۷۸ و ۷۶ ۲۲- لزوم محبّت و موالات نسبت به فاطمه علیها السّلام ۱۴۱ و ۷۶ ۲۳- سرّ نگهداری حضرت فاطمه علیها السّلام ۷۸ ۲۴- احترام پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نسبت به حضرت فاطمه علیها السّلام ۷۸ و ۱۲۷ و ۱۲۹ ۲۵- گرسنگی فاطمه علیها السّلام برای روزهای متمادی ۸۵ و ۱۱۱ و ۱۸۸ و ۲۰۸ ۲۶- از معجزات حضرت فاطمه علیها السّلام ۸۶ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۹۰ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۳ و ۲۰۷ ۲۷- دلداری خداوند به حضرت فاطمه علیها السّلام ۸۷ ۲۸- مواسات فاطمه علیها السّلام با خادمانش ۸۹ ۲۹- دستگیری ملائکه از حضرت فاطمه علیها السّلام ۸۹ و ۹۰ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ ۳۰- عظمت ایمان و یقین فاطمه علیها السّلام ۹۰ و ۱۵۱ ۳۱- عصمت فاطمه علیها السّلام ۱۰۰ و ۱۶۷ ۳۲- علم فاطمه علیها السّلام ۱۰۰ و ۱۷۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ ۳۳- مستجاب الدّعوه بودن فاطمه علیها السّلام ۱۰۰ و ۱۵۶ ۳۴- عبادت فاطمه علیها السّلام ۱۰۰ و ۱۵۱ و ۲۰۲ ۳۵- کثرت گریه و بکاء فاطمه علیها السّلام ۱۰۰ ۳۶- چهار زن بهترین الگو برای زنان هستند و فاطمه علیها السّلام یکی از آنان است ۱۶۲ و ۱۶۱ و ۱۰۲ ۳۷- برتری فاطمه علیها السّلام بر مریم، آسیه و خدیجه ۶۱ و ۸۰ و ۸۱ و ۱۰۲ و ۱۱۲ و

۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۵۸ ۳۸- ازدواج فاطمه با علی علیهما السّلام ۱۳۳ و ۱۴۶ ۳۹- هدیه ازدواج فاطمه علیها السّلام از طرف خداوند ۱۳۳ و ۱۴۶ ۴۰- حدیث جعلی در باره فاطمه ۱۳۴ و ۱۳۷ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۶۵ و ۱۸۲ و ۱۸۴ و ۱۸۹ و ۱۹۲ ۴۱- فاطمه علیها السّلام حوریّه انسیّه است ۱۳۶ ۴۲- تعزیر برای سبّ فاطمه علیها السّلام ۱۳۸ ۴۳- اوّلین کسی که داخل بهشت می‌شود فاطمه علیها السّلام است ۱۴۲ و ۱۶۶ ۴۴- حال فاطمه به هنگام رحلت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ۱۵۷ و ۱۶۴ ۴۵- مقایسه مریم و فاطمه علیهما السّلام ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۲۱۲ ۴۶- کمک پیامبر به فاطمه در کارهای خانه. ۱۵۹ ۴۷- خلقت نوری فاطمه علیها السّلام ۱۶۵ ۴۸- راستگویی فاطمه علیها السّلام ۱۷۱ و ۱۹۶ ۴۹- فاطمه محدّثه ۱۸۰ و ۲۱۲ و ۲۱۳ ۵۰- کیفیت حشر فاطمه در روز قیامت ۵۷ و ۱۴۲ و ۱۴۶ و ۱۶۶ و ۱۸۳ و ۱۸۹ و ۱۹۲ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۶ و ۲۱۷ ۵۱- ثواب زیارت فاطمه علیها السّلام ۱۸۵ ۵۲- تسبیح فاطمه علیها السّلام ۱۹۱ ۵۳- مصحف فاطمه علیها السّلام ۲۱۴ و ۲۱۵

متن احادیث، ترجمه و تعلیق بر آنها

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۵۷/ ۱- قَدْ مَرَّ فِی بَابِ الرُّکْبَانِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ عَنِ النَّبِیِّ ص بِرِوَایَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ لَنْ یَرْکَبَ یَوْمَئِذٍ إِلَّا أَرْبَعَةٌ أَنَا وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ صَالِحٌ نَبِیُّ اللَّهِ فَأَمَّا أَنَا فَعَلَى الْبُرَاقِ وَ أَمَّا فَاطِمَةُ ابْنَتِی فَعَلَى نَاقَتِی الْعَضْبَاءِ تَمَامَ الْخَبَرِ

ترجمه: (۱) علّامه مجلسی گوید: در باب «کسانی که در روز قیامت محشور می‌شوند در حالی که بر مرکب سوار هستند» «۱» به نقل از ابن عبّاس، از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کردیم: در این روز هیچ کس به صورت سواره محشور نمی‌شود جز من و علی و فاطمه و صالح پیامبر، و من بر براق سوار خواهم بود، و دخترم فاطمه بر شتر من به نام عضباء «۲» ... «۳».

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۵۸/ ۲- أمالی المفید «۱» عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّیْرَفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ لَیَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ یَرْضَى لِرِضَاهَا «۲»

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: خداوند به سبب غضب فاطمه علیها السّلام غضب می‌کند و به خشنودی او خشنود می‌گردد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۵۹/ ۳- الخصال «۱» ابْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَکْرٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعٍ [أَرْبَعاً- مَرْیَمَ وَ آسِیَةَ وَ خَدِیجَةَ وَ فَاطِمَةَ «۲»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهزا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۲) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: همانا خداوند متعال از میان زنان جهان چهار تن را فضیلت و برتری داده است. مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه (سلام اللّه علیهم).

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۶۰/ ۴- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا

صحيفة الرضا عليه السلام «۲» عن الرضا عن آبائه ع مثله «۳»

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: خداوند به سبب غضب فاطمه غضب می‌نماید و به سبب خشنودی وی خشنودی می‌گردد.

[متن عربی] ۱۴، ۲، ۳، ۱، ۱۵ ۶۱/ ۵- و عنه «۴» بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدِي وَ بَعْدَ أَبِيهِمَا وَ أُمُّهُمَا أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ «۵»

ترجمه: (۲) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: حسن و حسین پس از من و پدرشان، بهترین مردم زمین و مادرشان فاطمه برترین زنان زمین است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۶۲/ ۶- من العيون «۶» بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ «۷»

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در تأویل آیه ۱۲ از سوره تحریم که فرماید: مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَها ... فرموده است: همانا فاطمه علیها السّلام نیز عفّت خویش را پاس داشت، پس خداوند آتش را بر خاندان و فرزندان او حرام گردانید.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۶۳/ ۷- الأمالي الصدوق «۱» الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْعَلَوِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ خَلَفٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي مَعْشَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ بِفَاطِمَةَ ع فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَأَطَالَ عِنْدَهَا الْمَكْثَ فَخَرَجَ مَرَّةً فِي سَفَرٍ فَصَنَعَتْ فَاطِمَةُ ع مَسْكَتَيْنِ مِنْ وَرِقٍ وَ قِلَادَةً وَ قُرْطَيْنِ وَ سِتْراً لِبَابِ الْبَيْتِ لِقُدُومِ أَبِيهَا وَ زَوْجِهَا ع فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَيْهَا فَوَقَفَ أَصْحَابُهُ عَلَى الْبَابِ لَا يَدْرُونَ يَقِفُونَ أَوْ يَنْصَرِفُونَ لِطُولِ مَكْثِهِ عِنْدَهَا فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَدْ عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ الْمِنْبَرِ فَظَنَّتْ فَاطِمَةُ ع أَنَّهُ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِمَا رَأَى مِنَ الْمَسْكَتَيْنِ وَ الْقِلَادَةِ وَ الْقُرْطَيْنِ وَ السِّتْرِ فَنَزَعَتْ قِلَادَتَهَا وَ قُرْطَيْهَا وَ مَسْكَتَيْهَا وَ نَزَعَتِ السِّتْرَ فَبَعَثَتْ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَالَتْ لِلرَّسُولِ قُلْ لَهُ تَقْرَأُ عَلَيْكَ ابْنَتُكَ السَّلَامَ وَ تَقُولُ اجْعَلْ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ فَعَلَتْ فِدَاهَا أَبُوهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَيْسَتِ الدُّنْيَا مِنْ مُحَمَّدٍ وَ لَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا أَسْقَى فِيهَا كَافِراً شَرْبَةَ مَاءٍ ثُمَّ قَامَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

«۱» ترجمه: (۱) هر گاه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از سفری بازمی‌گشت اوّلین کسی را که دیدار می‌نمود فاطمه زهرا بود، پس در آن هنگام به مدّتی طولانی در نزد او توقّف می‌کرد.

در یکی از این سفرها که پیامبر از مدینه خارج شده بود حضرت فاطمه علیها السّلام دو خلخال از نقره، یک گردن بند، دو گوشواره و پرده‌ای خریداری نمود تا در بازگشت پدر و شوهرش از سفر، تنوّعی برای ایشان باشد.

هنگامی که پیامبر از مسافرت بازگشت مثل همیشه اوّل به خانه حضرت فاطمه علیها السّلام رفت، اصحاب پیامبر همچنان بر در خانه فاطمه ایستاده بودند و چون از مدّت مکث پیامبر در نزد دخترش اطلاع نداشتند نمی‌دانستند که آیا باید توقف کنند یا برگردند، ولی هنوز، مدّت زیادی سپری نشده بود که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از خانه حضرت فاطمه علیها السّلام خارج شد در حالی که آثار غضب در چهره ایشان کاملا مشهود و قابل تشخیص بود، و در همان حال به سوی منبر (مسجد) رفته در کنار آن بر زمین نشست.

هنگامی که پیامبر با غضب از خانه دخترش خارج شد، حضرت فاطمه دریافت که خشم رسول خدا به سبب مشاهده خلخال‌ها، گوشواره، گردن‌بند و آن پرده بوده است، لذا به سرعت آنها را جمع آوری نمود و به حضور پدرش فرستاد، و به کسی که آنها را می‌برد فرمود: سلام مرا به پدرم برسان و بگو که اینها را در راه خدا به مصرف برساند. وقتی که آن شخص نزد رسول خدا آمد و پیغام حضرت فاطمه را به او رسانیده و بسته محتوی آن وسائل را به ایشان داد پیامبر سه مرتبه فرمود: پدرش به فدایش باد، و فرمود: دنیا در نزد محمّد و آل محمّد ارزشی ندارد، چرا که اگر دنیا به اندازه بال یک پشه ارزش داشت، همانا ذرّه‌ای از آن را نصیب کافر نمی‌نمود «۱». و پس از این سخن برخاست و به نزد دخترش فاطمه علیها السّلام رفت «۲».

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱۵ ۶۴/ ۸- الإحتجاج «۳» عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِفَاطِمَةَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْضَبُ لِغَضَبِكِ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ قَالَ فَقَالَ الْمُحَدِّثُونَ بِهَا قَالَ فَأَتَاهُ ابْنُ جَرِيحٍ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ حُدِّثْنَا الْيَوْمَ حَدِيثاً اسْتَشْهَرَهُ النَّاسُ قَالَ وَ مَا هُوَ قَالَ حُدِّثْتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِفَاطِمَةَ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِكِ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ قَالَ فَقَالَ ع نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ فِيمَا تَرَوْنَ لِعَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَ يَرْضَى لِرِضَاهُ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ ع فَمَا تُنْكِرُونَ أَنْ تَكُونَ ابْنَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص مُؤْمِنَةً يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَاهَا وَ يَغْضَبُ لِغَضَبِهَا قَالَ صَدَقْتَ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسالَتَهُ

ترجمه (۱): امام صادق علیه السّلام فرماید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خطاب به فاطمه علیها السّلام می‌فرمود: ای فاطمه! همانا خداوند عزّ و جلّ به سبب غضب تو غضبناک می‌شود و به خشنودی تو خشنود می‌گردد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

حسین بن زید گوید: هنگامی که محدّثین این حدیث را از قول امام صادق علیه السّلام نقل می‌کردند، ابن جریح «۲» به حضور امام آمده و گفت: ای ابا عبد اللّه! امروز حدیثی را شنیدم که محدّثین و مردم آن را در همه جا نقل کرده‌اند؟ امام سؤال فرمود: کدام حدیث؟ ابن جریح گفت: اینکه شما فرموده‌ای که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به فاطمه علیها السّلام گفت: همانا خداوند به غضب تو غضبناک و به خشنودیت خشنود می‌گردد؟

امام صادق فرمود: آری، آیا در آنچه که شما آن را روایت کرده‌اید نیامده است که خداوند به سبب غضب مؤمن غضبناک و به خشنودی او خشنود می‌گردد؟ گفت: بله.

امام فرمود: پس چرا اکراه و انکار دارید از آنکه خداوند به سبب غضب فاطمه علیها السّلام که دختر پیامبر خداست غضبناک شود و به خشنودی او خشنود گردد، آیا او مؤمن نیست؟

گفت: راست می‌گویید و خداوند بهتر می‌داند که رسالت را در چه خاندانی قرار دهد.

[متن عربی] ۱۵ ۶۵/ ۹- الأمالی الصدوق «۱» الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ بَكَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ عَمِّهِ ثُمَامَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أُمِّهِ قَالَتْ مَا رَأَتْ فَاطِمَةُ ع دَماً فِي حَيْضٍ وَ لَا فِي نِفَاسٍ

«۲» ترجمه (۱): مادر انس بن مالک گوید: فاطمه علیها السّلام هرگز خون حیض و نفاس ندید.

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱۵، ۲، ۳ ۶۶/ ۱۰- الأمالی الصدوق «۳» ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الْعَطَّارِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ص- فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا قَالَ تَاكَ مَرْيَمُ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فَقُلْتُ فَقَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ص الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ الْجَنَّةِ قَالَ هُمَا وَ اللَّهِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ «۴»

ترجمه (۲): حسن بن زیاد عطّار گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: آیا قول پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که فرمود: فاطمه علیها السّلام سرور زنان بهشت می‌باشد، به این معناست که او سرور و سیّد زنان زمان خود بوده است؟

امام صادق علیه السّلام فرمود: حضرت مریم علیها السّلام سرور زنان زمان خود بوده است، و فاطمه علیها السّلام سرور تمام زنان بهشتی، از اوّلین و آخرین آنها می‌باشد. پس پرسیدم: معنی فرمایش رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که گفت: حسن و حسین سرور جوانان بهشت هستند، چیست؟

امام فرمود: به خداوند سوگند آن دو، سرور و بزرگ تمام جوانان بهشت، از اوّلین و آخرین آنها هستند.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴ ۶۷/ ۱۱- الأمالی الصدوق «۱» الطَّالَقَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْمَادَرَائِيِّ عَنْ أَبِي قِلَابَةَ عَنْ غَانِمِ بْنِ الْحَسَنِ السَّعْدِيِّ عَنْ مُسْلِمِ بْنِ خَالِدٍ الْمَكِّيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع لِرَسُولِ اللَّهِ ص يَا أَبَتَاهْ أَيْنَ أَلْقَاكَ يَوْمَ الْمَوْقِفِ الْأَعْظَمِ وَ يَوْمَ الْأَهْوَالِ وَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ قَالَ يَا فَاطِمَةُ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ وَ مَعِي لِوَاءُ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» وَ أَنَا الشَّفِيعُ لِأُمَّتِي إِلَى رَبِّي قَالَتْ يَا أَبَتَاهْ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى الْحَوْضِ وَ أَنَا أَسْقِي أُمَّتِي قَالَتْ يَا أَبَتَاهْ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى الصِّرَاطِ وَ أَنَا قَائِمٌ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ أُمَّتِي قَالَتْ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي وَ أَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ أُمَّتِي قَالَتْ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ أَمْنَعُ شَرَرَهَا وَ لَهَبَهَا عَنْ أُمَّتِي فَاسْتَبْشَرَتْ فَاطِمَةُ بِذَلِكَ

ترجمه (۱): امام علی علیه السّلام فرماید: فاطمه علیها السّلام به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گفت: ای پدر! من تو را در روز قیامت کجا ملاقات خواهم نمود؟

پیامبر فرمود: ای فاطمه! در آن روز مرا در بهشت در حالی ملاقات خواهی نمود که پرچم الحمد للّه در دستانم قرار دارد، من آن روز امّت خود را در نزد خدا شفاعت خواهم کرد. فاطمه گفت: پدر جان! اگر تو را در آنجا ملاقات نکردم در کجا خواهم دید؟

پیامبر فرمود: در کنار حوض کوثر، در حالی که امّت خود را از آن سیراب می‌نمایم.

فاطمه گفت: ای پدر! اگر در آنجا نیز ملاقات ننمودم؟

پیامبر فرمود: در نزد پل صراط و در حالی که ایستاده و می‌گویم: پروردگارا! امّت مرا سلامت بدار.

فاطمه گفت: و اگر در آنجا تو را ندیدم؟

پیامبر فرمود: مرا در لبه پرتگاه جهنّم خواهی دید در حالی که امّت خود را از آن نجات می‌بخشم.

پس فاطمه علیها السّلام از این بشارتها مسرور و شادمان گردید.

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱۵ ۶۸/ ۱۲- الأمالی الصدوق «۱» يَحْيَى بْنُ زَيْدِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَغْضَبُ لِغَضَبِكِ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ قَالَ فَجَاءَ صَنْدَلٌ فَقَالَ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ هَؤُلَاءِ الشَّبَابَ يَجِيئُونَّا عَنْكَ بِأَحَادِيثَ مُنْكَرَةٍ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ ع وَ مَا ذَاكَ يَا صَنْدَلُ قَالَ جَاءُونَا عَنْكَ أَنَّكَ حَدَّثْتَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا قَالَ فَقَالَ جَعْفَرٌ ع يَا صَنْدَلُ أَ لَسْتُمْ رَوَيْتُمْ فِيمَا تَرْوُونَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَ يَرْضَى لِرِضَاهُ قَالَ بَلَى قَالَ فَمَا تُنْكِرُونَ أَنْ تَكُونَ فَاطِمَةُ ع مُؤْمِنَةً يَغْضَبُ اللَّهُ لِغَضَبِهَا وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا قَالَ فَقَالَ لَهُ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

ما، الأمالی الطوسی «۲» الغضائری عن الصدوق عن یحیی مثله «۳»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه (۱): علی بن عمر از امام صادق و او از پدرانش، از علی علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خطاب به حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود: ای فاطمه! همانا خداوند به غضب تو غضبناک و به خشنودی تو خشنود می‌گردد.

علی بن عمر گوید: روزی صندل «۱» نزد امام صادق علیه السّلام آمده و گفت: ای ابا عبد اللّه! این جوانان نزد ما آمده و به نقل از تو احادیث منکری را نقل می‌کنند. امام به او فرمود: چه حدیثی را می‌گویی ای صندل؟! گفت: برای ما می‌گویند که تو گفته‌ای: همانا خداوند به سبب غضب فاطمه غضبناک می‌شود و به خشنودی او خشنود می‌گردد؟

امام فرمود: ای صندل! آیا شما روایت نکرده‌اید که: خداوند به سبب غضب بنده مؤمنش غضبناک می‌شود و به خشنودی او خشنود می‌گردد؟ صندل گفت: آری چنین است.

امام فرمود: پس چرا انکار دارید از اینکه بپذیرید فاطمه علیها السّلام مؤمن باشد و خداوند به غضب او غضب کند و به رضای او راضی گردد؟ صندل گفت: شما درست می‌گویید، به درستی که خداوند خوب می‌داند که رسالت خود را در چه خاندانی قرار دهد.

علامه مجلسی گوید: شیخ طوسی نیز این روایت را در امالی خود آورده و آن را از [ابن] غضائری، و او از شیخ صدوق به طریق یحیی بن زید «۲» روایت نموده است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۶۹/ ۱۳- الأمالی الصدوق «۳» ابْنُ مُوسَى عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ الْبَرْمَكِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ ابْنَتِي فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «۴»

ترجمه (۱): پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: دخترم فاطمه سرور زنان عالمیان است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۷۰/ ۱۴- الأمالی الصدوق «۱» الطَّالَقَانِيُّ عَنِ الْجَلُودِيِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ قَرَأْتُ فِي الْإِنْجِيلِ فِي وَصْفِ النَّبِيِّ ص نَكَّاحُ النِّسَاءِ ذُو النَّسْلِ الْقَلِيلِ إِنَّمَا نَسْلُهُ مِنْ مُبَارَكَةٍ لَهَا بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ لَا صَخَبَ فِيهِ وَ لَا نَصَبَ يَكْفُلُهَا فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا كَفَلَ زَكَرِيَّا أُمَّكَ لَهَا فَرْخَانِ مُسْتَشْهَدَانِ وَ قَدْ مَرَّ الْخَبَرُ بِتَمَامِهِ فِي كِتَابِ أَحْوَالِ النَّبِيِّ ص «۱»

ترجمه (۱): عبد اللّه بن سلیمان بن جعفر هاشمی گوید: در انجیل، در وصف پیامبر اسلام خواندم که او زنان زیادی می‌گیرد ولی نسل او قلیل خواهد بود، و نسل او از طرف دخترش حفظ می‌شود، پس وجود او با برکت بوده و برای وی خانه‌ای در بهشت است که در آن خانه هیاهو و آزاری نیست. حضرتش در آخر الزمان کفیل آن دختر است همان طور که حضرت زکریا کفیل مادر تو حضرت عیسی- شد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

علامه مجلسی گوید: متن کامل روایت عبد اللّه بن سلیمان را در کتاب احوال النبی از بحار الانوار آورده‌ام.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۷۱/ ۱۵- الأمالی الصدوق «۲» ابْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْخَزَّازِ عَنْ مُوسَی بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ عَلِیٌّ ع إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَی ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ ع وَ إِذَا فِی عُنُقِهَا قِلَادَةٌ فَأَعْرَضَ عَنْهَا فَقَطَعَتْهَا وَ رَمَتْ بِهَا فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتِ مِنِّی یَا فَاطِمَةُ ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ فَنَاوَلَتْهُ الْقِلَادَةَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ وَ غَضَبِی عَلَی مَنْ أَهْرَقَ دَمِی وَ آذَانِی فِی عِتْرَتِی. کشف، کشف الغمة «۳» عن موسی بن جعفر ع مثله «۴»

ترجمه (۱): علی علیه السّلام گوید: روزی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به خانه دخترش فاطمه علیها السّلام وارد شد و گردنبندی را بر گردن او مشاهده نموده و از او روی گردانید، پس فاطمه علیها السّلام گردنبند را باز نموده و در کناری نهاد، و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به وی فرمود: ای فاطمه! تو از من هستی- یعنی که شایسته نیست به زینت‌های دنیا دلبستگی داشته باشی.

سپس فقیری آمده و چیزی تقاضا نمود و فاطمه علیها السّلام آن گردنبند را به او بخشید، هنگامی که پیامبر این عملکرد را از دخترش مشاهده نمود فرمود:

شدید است غضب خدا و غضب من بر کسی که خون مرا بریزد و مرا به وسیله آزار عترتم اذیت و آزار دهد.

علامه مجلسی گوید: این حدیث را محقّق اربلی (۶۹۴ ه) در کشف الغمة نیز روایت نموده است.

[متن عربی] ۱۵ ۷۲/ ۱۶- تفسیر القمی «۱» الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّی عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع فِی قَوْلِهِ إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ نَذِیراً لِلْبَشَرِ «۲» قَالَ یَعْنِی فَاطِمَةَ ع «۳»

ترجمه (۲): امام محمّد باقر علیه السّلام در تفسیر آیه ۳۸ و ۳۹ از سوره مدّثّر که خداوند در آن می‌فرماید: او یکی از بزرگان است که برای بیم دادن و انذار بشر آمده است، فرماید: منظور خدا در این آیه حضرت فاطمه علیها السّلام است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۷۵/ ۱۷- المجالس الشیخ المفید المشتهر بالمجالس «۱» و أمالی الطوسی «۲» الْمُفِیدُ عَنِ الْمَرَاغِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَحْمَسِیِّ عَنْ خَالِدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَزِیدَ بْنِ أَبِی زِیَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مَالِکٍ یَعْنِی ابْنَ أَبِی وَقَّاصٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص یَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِی وَ مَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِی فَاطِمَةُ أَعَزُّ النَّاسِ عَلَیَّ «۳» ترجمه (۱): رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌فرماید: فاطمه پاره تن من است، هر که او را شادمان کند مرا خوشحال نموده و هر که به او بدی کند به من بدی نموده است، فاطمه عزیزترین مردم در نزد من است.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۷۴/ ۱۸- أمالی الطوسی «۱» ابْنُ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يُوسُفَ الضَّبِّيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ جَعْفَرٍ الْأَحْمَرِيِّ عَنِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ جُمَيْعِ بْنِ عُمَيْرٍ قَالَ قَالَتْ عَمَّتِي لِعَائِشَةَ وَ أَنَا أَسْمَعُ لِلَّهِ أَنْتِ مَسِيرُكِ إِلَى عَلِيٍّ ع مَا كَانَ قَالَتْ دَعِينَا مِنْكِ إِنَّهُ مَا كَانَ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ عَلِيٍّ ع وَ لَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ ع «۲»

ترجمه (۱): جمیع بن عمیر گوید: شنیدم که عمّه‌ام به عایشه گفت: منظور تو از اینکه با علی علیه السّلام مخالفت کردی، چه بود؟ عایشه گفت: ما را واگذار و در این باره چیزی مپرس که از میان مردان و زنان، در نزد پیامبر، کسی محبوبتر از علی (میان مردان) و فاطمه علیها السّلام (میان زنان) نبود.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴ ۷۵/ ۱۹- أمالی الطوسی «۱» بِالْإِسْنَادِ إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ زَكَرِيَّا عَنْ فِرَاسٍ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ ع تَمْشِي لَا وَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا مَشْيُهَا يَخْرِمُ مِنْ مِشْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا رَآهَا قَالَ مَرْحَباً بِابْنَتِي مَرَّتَيْنِ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع فَقَالَ لِي أَ مَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ. توضیح قال الجوهری ما خرمت منه شیئا أی ما نقصت و ما قطعت و قال الجزری فی حدیث سعد ما خرمت من صلاة رسول الله ص شیئا أی ما ترکت

ترجمه (۱): عایشه گفته است: سوگند به خدایی که شریک ندارد، هر گاه فاطمه علیها السّلام راه می‌رفت، راه رفتن وی با راه رفتن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تفاوتی نداشت، و هر گاه پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم او را می‌دید دو بار به او می‌گفت: مرحبا به دخترم.

فاطمه زهرا علیها السّلام گوید: پدرم به من می‌فرمود: آیا راضی نیستی که در قیامت بزرگ و سرور زنان مؤمن، یا سرور زنان این امّت باشی؟

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵، ۲، ۳ ۷۶/ ۲۰- الأمالی الصدوق «۲» الْهَمَذَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلَمَةَ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي قَتَادَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَلَاءٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ جَالِساً ذَاتَ يَوْمٍ وَ عِنْدَهُ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ أَكْرَمُ النَّاسِ عَلَيَّ فَأَحْبِبْ مَنْ أَحَبَّهُمْ وَ أَبْغِضْ مَنْ أَبْغَضَهُمْ وَ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَ أَعِنْ مَنْ أَعَانَهُمْ وَ اجْعَلْهُمْ مُطَهَّرِينَ مِنْ كُلِّ رِجْسٍ مَعْصُومِينَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ أَيِّدْهُمْ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْكَ ثُمَّ قَالَ ع يَا عَلِيُّ أَنْتَ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي وَ أَنْتَ قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى ابْنَتِي فَاطِمَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ عَنْ يَسَارِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ خَلْفَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ تَقُودُ مُؤْمِنَاتِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَأَيُّمَا امْرَأَةٍ صَلَّتْ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَ صَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ حَجَّتْ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ وَ زَكَّتْ مَالَهَا وَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَ وَالَتْ عَلِيّاً بَعْدِي دَخَلَتِ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ ص ذَاكَ لِمَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «۱» ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورُ عَيْنِي وَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي يَسُوؤُنِي مَا سَاءَهَا وَ يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا وَ إِنَّهَا أَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَأَحْسِنْ إِلَيْهَا بَعْدِي وَ أَمَّا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَهُمَا ابْنَايَ وَ رَيْحَانَتَايَ وَ هُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيُكْرَمَا عَلَيْكَ كَسَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ ثُمَّ رَفَعَ ص يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُمْ

ترجمه (۱): ابن عبّاس گوید: یک روز رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشسته بود و علی، فاطمه، حسن و حسین نیز در نزد او بودند که پیامبر فرمود: خداوندا! تو می‌دانی که اینها «اهل» من هستند و گرامی‌ترین مردم در نزد من می‌باشند، پس دوست بدار آن را که آنها را دوست دارد، و دشمن بدار آن را که با آنها دشمنی کند، و راهبری کن آن کس را که آنها را رهبر خود گیرد، و عداوت کن با آنکه به عداوت با آنها برخیزد، و یاری نما کسی را که آنها را یاری کند، و آنها- مقصود اهل بیت پیامبر است- را از هر گونه پلیدی پاک گردان و از گونه گناهی معصومشان بدار، و ایشان را به وسیله روح القدس تأیید فرما. (۱) و سپس خطاب به علی علیه السّلام فرمود: ای علی! تو امام این امّت و خلیفه بر آنها بعد از من هستی، و تو هدایت‌کننده مؤمنان به سوی بهشت خواهی بود. و گویی دخترم فاطمه علیها السّلام را می‌بینم که در روز قیامت بر شتری از نور سوار است و در طرف راست وی هفتاد هزار فرشته و در طرف چپ او نیز هفتاد هزار فرشته قرار دارند و او زنان مؤمن امّت را به سوی بهشت راهنمایی می‌کند.

پس هر زنی که پنج نماز واجب را در روز و شب به جای آورد، و ماه رمضان را روزه بگیرد، و حجّ واجب را به جای آورد، و زکات مال خود را بپردازد، و از شوهر خود اطاعت نماید، و پس از من علی را سرپرست و رهبر خود بداند، به شفاعت دخترم فاطمه علیها السّلام داخل بهشت می‌شود، زیرا او بزرگ و سرور زنان عالمیان است.

سؤال شد: یا رسول اللّه! آیا فاطمه فقط سرور زنان زمان خویش است؟

پیامبر فرمود: این مقام برای حضرت مریم دختر عمران بوده است، امّا دختر من فاطمه علیها السّلام بزرگ زنان عالمیان از اوّلین و آخرین ایشان است، و هنگامی که او در محراب عبادت می‌ایستد هفتاد هزار فرشته مقرّب به او سلام می‌کنند و او را همان گونه که حضرت مریم را ندا می‌کردند مورد خطاب قرار داده و می‌گویند: خداوند

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

تو را برگزیده، و از همه پلیدیها پاک نموده و بر زنان عالمیان برتری داده است. (۲) سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم متوجه علی علیه السّلام گردید و گفت: ای علی! فاطمه پاره تن من است، و او نور چشم و میوه دل من است، پس آنچه او را آزار دهد مرا نیز می‌آزارد، و آنچه او را شادمان گرداند موجب شادمانی من می‌شود، و همانا او در میان اهل بیت من اوّلین کسی است که به من می‌پیوندد، پس بعد از من به او احسان و نیکی کن، و امّا حسن و حسین، پس آنها فرزندان و گلهای خوشبوی من هستند، و آن دو سرور جوانان بهشت می‌باشند پس آنها را مانند چشم و گوش خود گرامی بدار. (۱) سپس پیامبر دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا! من تو را شاهد می‌گیرم که دوستداران آنان را دوست و دشمنان آنان را دشمن باشم، در صلح و سلامت خواهم بود با کسی که با ایشان در صلح و سلامت باشد، و در حال جنگ خواهم بود با آنان که با ایشان جدال و جنگ کند، و دشمن کسی خواهم بود که با آنان دشمنی ورزد، و متولّی کسی خواهم بود که اینان را رهبر و سرپرست خود گرفته باشد.

[متن عربی] ۵ ۷۸/ ۲۱- علل الشرائع «۱» أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبِی جَمِیلَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِیَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ لَا یَطْمَثْنَ إِنَّمَا الطَّمْثُ عُقُوبَةٌ وَ أَوَّلُ مَنْ طَمِثَتْ سَارَةُ

«۲» «۳» ترجمه (۲): امام باقر علیه السّلام فرماید: همانا دختران انبیاء حیض نمی‌شوند، زیرا حیض عقوبت و کیفر است، و اوّلین زنی که حیض شد ساره- همسر حضرت ابراهیم علیه السّلام- بود.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۷۸/ ۲۲- الأمالی الطوسی «۴» حَمَّوَیْهِ عَنْ أَبِی الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِی خَلِیفَةَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عُمَرَ عَنْ إِسْرَائِیلَ عَنْ مَیْسَرَةَ بْنِ حَبِیبٍ عَنِ الْمِنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ طَلْحَةَ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ مَا رَأَیْتُ مِنَ النَّاسِ أَحَداً أَشْبَهَ کَلَاماً وَ حَدِیثاً بِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ فَاطِمَةَ کَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَیْهِ رَحَّبَ بِهَا وَ قَبَّلَ یَدَیْهَا وَ أَجْلَسَهَا فِی مَجْلِسِهِ فَإِذَا دَخَلَ عَلَیْهَا قَامَتْ إِلَیْهِ فَرَحَّبَتْ بِهِ وَ قَبَّلَتْ یَدَیْهِ وَ دَخَلَتْ عَلَیْهِ فِی مَرَضِهِ فَسَارَّهَا فَبَکَتْ ثُمَّ سَارَّهَا فَضَحِکَتْ فَقُلْتُ کُنْتُ أُرَی لِهَذِهِ فَضْلًا عَلَی النِّسَاءِ فَإِذَا هِیَ امْرَأَةٌ مِنَ النِّسَاءِ بَیْنَمَا هِیَ تَبْکِی إِذْ ضَحِکَتْ فَسَأَلْتُهَا فَقَالَتْ إِذَنْ إِنِّی لَبَذِرَةٌ فَلَمَّا تُوُفِّیَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَأَلْتُهَا فَقَالَتْ إِنَّهُ أَخْبَرَنِی أَنَّهُ یَمُوتُ فَبَکَیْتُ ثُمَّ أَخْبَرَنِی أَنِّی أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقاً بِهِ فَضَحِکْتُ

بیان: قَالَ الْجَزَرِیُّ فِی حَدِیثِ فَاطِمَةَ عِنْدَ وَفَاةِ النَّبِیِّ ص قَالَتْ لِعَائِشَةَ إِنِّی إِذَنْ لَبَذِرَةٌ . البذر الذی یفشی السر و یظهر ما یسمعه

ترجمه (۱): عایشه گفته است: من هیچ کس را ندیدم که از نظر سخن گفتن و نقل حدیث، شبیه‌تر از فاطمه علیها السّلام به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم باشد. هر گاه فاطمه علیها السّلام به حضور پیامبر می‌آمد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به وی خوشامد می‌گفت، و دستان فاطمه را بوسیده، او را در جای خود

می‌نشانید، و هر گاه پیامبر نزد فاطمه می‌رفت، فاطمه نیز برخاسته، به پدرش خوشامد گفته و دست او را می‌بوسید، یک بار که پیامبر بیمار بود فاطمه وارد گردید و پیامبر چیزی در گوش او گفت و وی ابتدا گریان و سپس خندان گردید، و من با خود گفتم: برای فاطمه فضیلت و برتری نسبت به سایر زنان قائل بودم در حالی که او هم مانند سایر زنان است و در حالی که می‌خندد گریه می‌کند، پس از او در باره این حالت سؤال کردم، وی گفت: آیا انتظار داری که من افشاکننده سرّ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم باشم؟ هنگامی که پیامبر رحلت نمود مجددا از فاطمه علیها السّلام در این باره سؤال کردم و او گفت: هنگامی که پدرم خبر داد که به زودی فوت خواهد نمود گریه کردم ولی پس از آن به من خبر داد که از خاندان پیامبر اوّلین کسی خواهم بود که به او می‌پیوندم و لذا از آن خبر شادمان گردیده و خندیدم.

[متن عربی]۱، ۱۵، ۱۴ ۷۹/ ۲۳- تفسیر القمی «۱» إِنَّ الَّذِینَ یُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهِیناً «۲» قَالَ نَزَلَتْ فِیمَنْ غَصَبَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ حَقَّهُ وَ أَخَذَ حَقَّ فَاطِمَةَ وَ آذَاهَا وَ قَدْ قَالَ النَّبِیُّ ص مَنْ آذَاهَا فِی حَیَاتِی کَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِی وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِی کَمَنْ آذَاهَا فِی حَیَاتِی وَ مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَی اللَّهَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ إِنَّ الَّذِینَ یُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ «۳» الْآیَةَ «۴»

ترجمه (۱): علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود، در باره آیه: «محققا کسانی که خدا و رسولش را آزار رساند، خداوند آنها را لعنت کرده و عذاب سختی را برای آنان مهیّا نموده است» گوید:

این آیه در باره کسانی نازل شده است که حقّ علی را غصب نمودند و حقوق فاطمه را زیر پا نهاده و او را اذیت نمودند، که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گفته است: هر که فاطمه را در زمان حیات من اذیت و آزار نماید مثل آن است که او را بعد از مرگ من مورد اذیت قرار داده باشد و کسی که او را بعد از مرگم مورد آزار قرار دهد مثل آن است که او را در زمان حیات من اذیت کرده باشد، و هر که او را آزار رساند مرا اذیّت کرده و هر که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است چرا که خداوند متعال فرماید: «هر که خدا و رسولش را آزار رساند ...» تا آخر آیه.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۸۰/ ۲۴- الخصال «۵» فِیمَا أَوْصَی بِهِ النَّبِیُّ ص إِلَی عَلِیٍّ ع یَا عَلِیُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَشْرَفَ عَلَی الدُّنْیَا فَاخْتَارَنِی مِنْهَا عَلَی رِجَالِ الْعَالَمِینَ ثُمَّ اطَّلَعَ الثَّانِیَةَ فَاخْتَارَکَ عَلَی رِجَالِ الْعَالَمِینَ بَعْدِی ثُمَّ اطَّلَعَ الثَّالِثَةَ فَاخْتَارَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِکَ عَلَی رِجَالِ الْعَالَمِینَ بَعْدَکَ ثُمَّ اطَّلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَی نِسَاءِ الْعَالَمِینَ «۱»

ترجمه (۱): در توصیه‌های پیامبر به علی علیه السّلام آمده است: ای علی! به درستی که خداوند در دنیا نظاره‌ای نمود و از میان مردان، مرا بر جهانیان برتری و فضیلت بخشید، و پس از آن نظاره دیگری کرد و تو را بعد از من، بر جهانیان برتری بخشید، سپس برای بار سوم نظاره نمود و فرزندان تو را- ائمه اطهار علیهم

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

السّلام- بعد از تو، بر مردان جهانیان برتری عطا فرمود، پس در مرتبه چهارم توجه دیگری نمود و فاطمه علیها السّلام را برگزیده، بر زنان عالمیان برتری و فضیلت بخشید.

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱۵ ۸۱/ ۲۵- معانی الأخبار «۲» الْهَمَدَانِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي فَاطِمَةَ أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ ذَاكَ لِمَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

«۳» ترجمه (۲): مفضّل بن عمر گوید: به امام صادق علیه السّلام گفتم: اینکه پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در باره حضرت فاطمه علیها السّلام فرموده است:

«فاطمه سرور زنان عالمیان است»، آیا به این معنی است که او سرور زنان در زمان خود بوده است؟

امام صادق علیه السّلام فرمود: این مقام برای مریم علیها السّلام بوده، و او سرور و بزرگ زنان در زمان خود بوده، امّا فاطمه علیها السّلام بزرگ و سرور زنان عالمیان، از اوّلین و آخرین ایشان است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۸۲/ ۲۶- معانی الأخبار «۱» الْقَطَّانُ عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ «۲» عَنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ «۳» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَبَايَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ شِجْنَةٌ «۴» مِنِّي يُؤْذِينِي مَا آذَاهَا وَ يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا «۵»

ترجمه (۱): پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در باره فاطمه زهرا علیها السّلام فرماید:

به درستی که فاطمه پاره تن من است، پس مرا آزار می‌دهد هر آنچه که او را آزار می‌دهد، و مرا خشنود می‌سازد هر آنچه که او را خشنود می‌نماید، و خداوند متعال نیز به سبب غضب فاطمه غضبناک می‌گردد و به خشنودی او خشنود می‌شود.

[متن عربی] ۱۴ ۸۳/ ۲۷- معانی الأخبار «۱» مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الزَّنْجَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ سَمِعْتُ الْقَاسِمَ بْنَ سَلَامٍ يَقُولُ فِي مَعْنَى قَوْلِ النَّبِيِّ ص الرَّحِمُ شِجْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَعْنِي أَنَّهُ قَرَابَةٌ مُشْتَبِكَةٌ كَاشْتِبَاكِ الْعُرُوقِ وَ قَوْلُ الْقَائِلِ الْحَدِيثُ ذُو شُجُونٍ إِنَّمَا هُوَ تُمْسِكُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ قَالَ بَعْضُ أَهْلِ الْعِلْمِ يُقَالُ شَجَرٌ مُشْجِنٌ إِذَا الْتَفَّ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يُقَالُ شِجْنَةٌ وَ شَجْنَةٌ وَ الشِّجْنَةُ كَالْغُصْنِ يَكُونُ مِنَ الشَّجَرَةِ

«۲» ترجمه (۲): قاسم بن سلام در باره معنای حدیث پیامبر که می‌فرماید: «ارحام شجنه‌ای از جانب خدای متعال هستند» می‌گوید: یعنی عبارت از قرابت و پیوند محکم است مانند پیوندی که میان اعضای بدن است و اینکه در حدیث آمده است «ذو شجون» منظور این است که متمسّک می‌شوند بعضی از آنها به بعض دیگر. و

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

برخی از اهل علم گفته‌اند: «شجر مشجّر» یعنی درختانی که در هم پیچیده‌اند، و گفته شده که لغات «شَجْنَة و شِجْنَة و الشَّجَنَة» از «شجره» گرفته شده‌اند.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱ ۸۴/ ۲۸- صحیفة الرضا علیه السلام «۳» عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ حَدَّثَتْنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ فَاطِمَةَ جَدَّتِكَ إِذْ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ مِنْ ذَهَبٍ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع اشْتَرَاهَا لَهُ مِنْ فَيْءٍ لَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص لَا يَغُرَّنَّكِ النَّاسُ أَنْ يَقُولُوا بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْكِ لِبَاسُ الْجَبَابِرَةِ فَقَطَعَتْهَا وَ بَاعَتْهَا وَ اشْتَرَتْ بِهَا رَقَبَةً فَأَعْتَقَتْهَا فَسُرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِذَلِكَ «۱»

ترجمه (۱): امام زین العابدین علیه السّلام فرموده: اسماء بنت عمیس خطاب به من گفت: من نزد جده شما فاطمه زهرا علیها السّلام بودم که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به خانه آن بانو وارد شد، در حالی که گردنبندی از طلا را که علی علیه السّلام آن را از سهم غنائم خود خریده بود، بر گردن داشت، پس پیامبر خدا خطاب به فاطمه گفت: آیا شایسته است که تو دختر محمّد باشی و مردم به تو بگویند «بنت محمّد» ولی تو زر و زیور ستمگران را به خود بیاویزی؟

فاطمه علیها السّلام پس از این سخن پیامبر، گردنبند را از گردن خویش باز کرده و فروخت، و با پول آن برده‌ای خریده و آزاد نمود، و رسول خدا از این عمل وی خشنود و مسرور گردید.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۸۵/ ۲۹- الخرائج «۲» رُوِيَ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ص جَالِساً إِذْ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ ع وَ قَدْ تَغَيَّرَ وَجْهُهَا مِنَ الْجُوعِ فَقَالَ لَهَا ادْنِي فَدَنَتْ مِنْهُ فَرَفَعَ يَدَهُ حَتَّى وَضَعَهَا عَلَى صَدْرِهَا فِي مَوْضِعِ الْقِلَادَةِ وَ هِيَ صَغِيرَةٌ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ مُشْبِعَ الْجَاعَةِ وَ رَافِعَ الْوَضَعَةِ لَا تُجِعْ فَاطِمَةَ قَالَ فَرَأَيْتُ الدَّمَ عَلَى وَجْهِهَا كَمَا كَانَتِ الصُّفْرَةُ فَقَالَتْ مَا جُعْتُ بَعْدَ ذَلِكَ «۱»

ترجمه (۱): عمران بن حصین گوید: در حضور پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشسته بودم که حضرت فاطمه علیها السّلام در حالی که از شدّت گرسنگی رنگ چهره‌اش تغییر کرده بود وارد شد. پیامبر به او فرمود: نزدیک‌تر بیا. فاطمه علیها السّلام نزدیک آن حضرت رفت، سپس ایشان دست خود را بلند کرده روی سینه فاطمه، در محلّ قرار گرفتن گردنبند گذاشت، و فاطمه در این زمان دختری کوچک بود. پس پیامبر فرمود: ای خدایی که گرسنگان را سیر می‌کنی و فرو دستان را رفعت می‌بخشی، فاطمه را گرسنه مگذار.

عمران گوید: در این حال دیدم که خون در صورت فاطمه جریان پیدا کرد و چهره‌اش سرخ شد.

عمران گوید: فاطمه علیها السّلام می‌فرمود: من بعد از آن هرگز گرسنه نشدم.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۲، ۳، ۱ ۸۶/ ۳۰- الخرائج «۲» رُوِيَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَقَامَ أَيَّاماً وَ لَمْ يَطْعَمْ طَعَاماً حَتَّى شَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَطَافَ فِي دِيَارِ أَزْوَاجِهِ فَلَمْ يُصِبْ عِنْدَ إِحْدَاهُنَّ شَيْئاً فَأَتَى فَاطِمَةَ فَقَالَ يَا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

بُنَيَّةِ هَلْ عِنْدَكِ شَيْءٌ آكُلُهُ فَإِنِّي جَائِعٌ قَالَتْ لَا وَ اللَّهِ بِنَفْسِي وَ أُخِي فَلَمَّا خَرَجَ عَنْهَا بَعَثَتْ جَارِيَةٌ لَهَا رَغِيفَيْنِ وَ بَضْعَةَ لَحْمٍ فَأَخَذَتْهُ وَ وَضَعَتْهُ تَحْتَ جَفْنَةٍ وَ غَطَّتْ عَلَيْهَا وَ قَالَتْ وَ اللَّهِ لَأُوثِرَنَّ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ ص عَلَى نَفْسِي وَ غَيْرِي وَ كَانُوا مُحْتَاجِينَ إِلَى شَبْعَةِ طَعَامٍ فَبَعَثَتْ حَسَناً أَوْ حُسَيْناً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَرَجَعَ إِلَيْهَا فَقَالَتْ قَدْ أَتَانَا اللَّهُ بِشَيْءٍ فَخَبَّأْتُهُ لَكَ فَقَالَ هَلُمِّي عَلَيَّ يَا بُنَيَّةِ فَكَشَفَتِ الْجَفْنَةَ فَإِذَا هِيَ مَمْلُوءَةٌ خُبْزاً وَ لَحْماً فَلَمَّا نَظَرَتْ إِلَيْهِ بُهِتَتْ وَ عَرَفَتْ أَنَّهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَحَمِدَتِ اللَّهَ وَ صَلَّتْ عَلَى نَبِيِّهِ أَبِيهَا وَ قَدَّمَتْهُ إِلَيْهِ فَلَمَّا رَآهُ حَمِدَ اللَّهَ وَ قَالَ مِنْ أَيْنَ لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى عَلِيٍّ فَدَعَاهُ وَ أَحْضَرَهُ وَ أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ جَمِيعُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ حَتَّى شَبِعُوا قَالَتْ فَاطِمَةُ وَ بَقِيَتِ الْجَفْنَةُ كَمَا هِيَ فَأَوْسَعْتُ مِنْهَا عَلَى جَمِيعِ جِيرَانِي جَعَلَ اللَّهُ فِيهَا بَرَكَةً وَ خَيْراً كَثِيراً

ترجمه (۱): جابر بن عبد اللّه انصاری گوید: چند روزی می‌شد که رسول خدا غذا نخورده بود و لذا به شدّت گرسنه شده و تحمّل آن برایش دشوار گردیده بود، به خانه هر یک از همسران خود که رفت چیزی برای خوردن نیافت پس به خانه دخترش فاطمه رفته و گفت: دخترم! آیا در خانه تو چیزی پیدا می‌شود که بخورم و رفع گرسنگی نمایم؟

فاطمه گفت: نه، به خداوند سوگند چیزی یافت نمی‌شود، جان من و علی به فدایت باد.

پس پیامبر از نزد دخترش خارج شد و در این حال یکی از کنیزان فاطمه که سخنان او را با پدرش شنیده بود، دو گرده نان با مقداری گوشت برای آن حضرت فرستاد، فاطمه علیها السّلام آنها را گرفته و در زیر کاسه‌ای قرار داده و گفت: به خداوند سوگند که من رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را در خوردن این غذا، بر خودم و دیگران مقدّم می‌دارم. و این در صورتی بود که خود آنها در خانه به یک وعده غذا احتیاج داشتند. سپس حضرت فاطمه علیها السّلام حسن و حسین را فرستاد تا پیامبر را بازگردانند، هنگامی که پیامبر بازگشت، فاطمه علیها السّلام به او گفت: خدا مقداری غذا برای ما فرستاد که من آن را برای شما نگه داشته‌ام. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: آن را برای من بیاور. پس فاطمه علیها السّلام کاسه را برداشت و مشاهده کرد که به جای آن دو قرص نان و کمی گوشت، مقدار زیادی نان و گوشت در زیر آن وجود دارد و دریافت که آن را خداوند متعال برای ایشان فرستاده است، پس حمد و ثنای خداوند را به جای آورد و بر پیامبر خدا صلوات و درود فرستاد و آن غذا را در مقابل رسول خدا گذارد.

هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آن طعام را دید حمد و ثنای خدا را به جای آورد و به فاطمه گفت: این غذا را از کجا آورده‌ای؟ فاطمه گفت: آن را خداوند متعال فرستاده است، که خداوند اگر اراده کند روزی بی‌حساب خود را به هر که خواهد عطا نماید.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

پس از آن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کسی را به دنبال علی علیه السّلام فرستاد و هنگامی که او نیز حاضر شد، پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین و عموم زنان پیامبر از آن طعام خوردند تا سیر شدند.

فاطمه علیها السّلام می‌فرمود: با وجود اینکه از آن طعام این همه خورده شد، باز هم آن کاسه مملو از غذا بود، پس آن را در میان همسایگان توزیع کردم، همانا خداوند برکت و خیر کثیری در آن غذا قرار داده بود.

[متن عربی] ۶، ۱۵، ۱۴ ۸۷/ ۳۱- الخرائج «۱» رُوِیَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ خَدِیجَةَ لَمَّا تُوُفِّیَتْ جَعَلَتْ فَاطِمَةُ تَلُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَدُورُ حَوْلَهُ وَ تَسْأَلُهُ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَیْنَ أُمِّی فَجَعَلَ النَّبِیُّ ص لَا یُجِیبُهَا فَجَعَلَتْ تَدُورُ عَلَی مَنْ تَسْأَلُهُ وَ رَسُولُ اللَّهِ لَا یَدْرِی مَا یَقُولُ فَنَزَلَ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ إِنَّ رَبَّکَ یَأْمُرُکَ أَنْ تَقْرَأَ عَلَی فَاطِمَةَ السَّلَامَ وَ تَقُولَ لَهَا إِنَّ أُمَّکِ فِی بَیْتٍ مِنْ قَصَبٍ کَعَابُهُ مِنْ ذَهَبٍ وَ عُمُدُهُ مِنْ یَاقُوتٍ أَحْمَرَ بَیْنَ آسِیَةَ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَ مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَیْهِ السَّلَامُ «۲»

إیضاح قال الجوهری کعوب الرمح النواشر فی أطراف الأنابیب

ترجمه (۱): امام صادق علیه السّلام فرموده: هنگامی که حضرت خدیجه رحلت نمود فاطمه علیها السّلام که کودکی بیش نبود دائما خود را به رسول خدا علیه السّلام نزدیک می‌کرد و در اطراف او می‌گشت و می‌گفت: ای رسول خدا! مادرم کجاست؟ ولی پیامبر به او پاسخی نمی‌داد و فاطمه به دنبال کسی بود که بتواند پاسخ این سؤال را از او بگیرد، و پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نیز در فکر بود که چه جوابی به او بدهد، در این حال جبرئیل بر او نازل گردیده و گفت: خداوند می‌فرماید: به فاطمه سلام برسان و به او بگو که مادرت با آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران، در خانه‌ای است که در بهشت قرار دارد و دیوارهای آن از طلا و ستونهای آن از یاقوت سرخ است.

و فاطمه می‌گفت: خدا سلام و سلامتی است، و سلام و سلامتی از او و به سوی اوست.

[متن عربی] ۱۵ ۸۸/ ۳۲- الخرائج «۱» رُوِیَ أَنَّ أُمَّ أَیْمَنَ لَمَّا تُوُفِّیَتْ فَاطِمَةُ حَلَفَتْ أَنْ لَا تَکُونَ بِالْمَدِینَةِ إِذْ لَا تُطِیقُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَی مَوَاضِعَ کَانَتْ بِهَا فَخَرَجَتْ إِلَی مَکَّةَ فَلَمَّا کَانَتْ فِی بَعْضِ الطَّرِیقِ عَطِشَتْ عَطَشاً شَدِیداً فَرَفَعَتْ یَدَیْهَا قَالَتْ یَا رَبِّ أَنَا خَادِمَةُ فَاطِمَةَ تَقْتُلُنِی عَطَشاً فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَیْهَا دَلْواً مِنَ السَّمَاءِ فَشَرِبَتْ فَلَمْ تَحْتَجْ إِلَی الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ سَبْعَ سِنِینَ وَ کَانَ النَّاسُ یَبْعَثُونَهَا فِی الْیَوْمِ الشَّدِیدِ الْحَرِّ فَمَا یُصِیبُهَا عَطَشٌ «۲»

ترجمه (۱): قطب الدین راوندی گوید: روایت شده: وقتی فاطمه علیها السّلام از دنیا رحلت نمود امّ ایمن سوگند خورد که در مدینه نماند، زیرا طاقت دیدن آن مواضع و محل‌هایی که فاطمه را در آنجا دیده بود نداشت، لذا از مدینه خارج شد و به سوی مکّه حرکت کرد، در بین راه آب او تمام و تشنگی بر او غلبه کرد پس دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده و گفت:

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

پروردگارا! من خدمتکار حضرت فاطمه هستم، آیا می‌خواهی مرا به واسطه عطش و در حال تشنگی بمیرانی؟ در این حال خداوند متعالی دلوی آب از آسمان برای او فرستاد و او از آن آب نوشید و هفت سال از آب و غذا بی‌نیاز گردید، و مردم او را در روز بسیار گرم به دنبال کارهایی می‌فرستادند ولی او هرگز تشنه نمی‌شد.

[متن عربی] ۱۵، ۳، ۱۴، ۱ ۸۹/ ۳۳- الخرائج «۱» رُوِیَ أَنَّ سَلْمَانَ قَالَ کَانَتْ فَاطِمَةُ ع جَالِسَةً قُدَّامَهَا رَحًى تَطْحَنُ بِهَا الشَّعِیرَ وَ عَلَى عَمُودِ الرَّحَى دَمٌ سَائِلٌ وَ الْحُسَیْنُ فِی نَاحِیَةِ الدَّارِ یَتَضَوَّرُ مِنَ الْجُوعِ فَقُلْتُ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ دَبِرَتْ کَفَّاکِ وَ هَذِهِ فِضَّةُ فَقَالَتْ أَوْصَانِی رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ تَکُونَ الْخِدْمَةُ لَهَا یَوْماً فَکَانَ أَمْسِ یَوْمَ خِدْمَتِهَا قَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ إِنِّی مَوْلَى عَتَاقِهِ إِمَّا أَنَا أَطْحَنُ الشَّعِیرَ أَوْ أُسَکِّتُ الْحُسَیْنَ لَکِ فَقَالَتْ أَنَا بِتَسْکِینِهِ أَرْفَقُ وَ أَنْتَ تَطْحَنُ الشَّعِیرَ فَطَحَنْتُ شَیْئاً مِنَ الشَّعِیرِ فَإِذَا أَنَا بِالْإِقَامَةِ فَمَضَیْتُ وَ صَلَّیْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا فَرَغْتُ قُلْتُ لِعَلِیٍّ مَا رَأَیْتُ فَبَکَى وَ خَرَجَ ثُمَّ عَادَ فَتَبَسَّمَ فَسَأَلَهُ عَنْ ذَلِکَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ وَ هِیَ مُسْتَلْقِیَةٌ لِقَفَاهَا وَ الْحُسَیْنُ نَائِمٌ عَلَى صَدْرِهَا وَ قُدَّامَهَا رَحًى تَدُورُ مِنْ غَیْرِ یَدٍ فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَالَ یَا عَلِیُّ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ مَلَائِکَةً سَیَّارَةً فِی الْأَرْضِ یَخْدُمُونَ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ «۲»

ترجمه (۱): قطب الدین راوندی گوید که از سلمان فارسی روایت شده: حضرت فاطمه علیها السّلام نشسته بود و با آسیایی که در مقابلش بود جو آسیا می‌کرد و دسته آسیا خون آلود بود، و در این حال حسین در گوشه اطاق از گرسنگی بی‌قراری می‌کرد. من به فاطمه گفتم: ای دختر رسول خدا! پوست دستان شما مجروح شده در صورتی که خادمه شما فضّه حاضر و بیکار است. فاطمه گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به من توصیه کرده که کار منزل یک روز به عهده من باشد و یک روز به عهده او، و نوبت کار او دیروز بوده است.

سلمان گوید: به حضرت فاطمه گفتم: من بنده آزادشده پدر شما هستم، پس اجازه دهید یا جو را آسیا کنم و یا اینکه حسین را ساکت کنم. و حضرت فاطمه گفت: من بر آرام کردن حسین تواناترم، تو آسیا کردن جو را عهده‌دار باش. من مقداری از جو را آسیا کرده بودم که پس از اذان، اقامه نماز گفته شد، برخاستم و نمازم را با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به جای آوردم، هنگامی که از نماز فارغ گردیدم آنچه را که دیده بودم برای علی علیه السّلام تعریف کردم، پس او گریه کرد و خارج شد و پس از مدّتی بازگشت در حالی که خندان بود، پیامبر علّت خنده را از علی علیه السّلام پرسید و او گفت: نزد فاطمه رفتم، او را دیدم که بر قفا خوابیده و حسین بر روی سینه‌اش به خواب رفته است و آسیایی که در مقابل او بود به خودی خود کار می‌کرد.

پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم لبخندی زد و فرمود: ای علی! تو می‌دانی که خداوند فرشتگان زیادی در زمین دارد که تا روز قیامت محمّد و آل محمّد را خدمت خواهند کرد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۹۰/ ۳۴- الخرائج «۱» رُوِیَ أَنَّ أَبَا ذَرٍّ قَالَ بَعَثَنِی رَسُولُ اللَّهِ ص أَدْعُو عَلِیّاً فَأَتَیْتُ بَیْتَهُ فَنَادَیْتُهُ فَلَمْ یُجِبْنِی أَحَدٌ وَ الرَّحَی تَطْحَنُ وَ لَیْسَ مَعَهَا أَحَدٌ فَنَادَیْتُهُ فَخَرَجَ وَ أَصْغَی إِلَیْهِ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ شَیْئاً لَمْ أَفْهَمْهُ فَقُلْتُ عَجَباً مِنْ رَحًی فِی بَیْتِ عَلِیٍّ تَدُورُ وَ لَیْسَ مَعَهَا أَحَدٌ قَالَ إِنَّ ابْنَتِی فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِیمَاناً وَ یَقِیناً وَ إِنَّ اللَّهَ عَلِمَ ضَعْفَهَا فَأَعَانَهَا عَلَی دَهْرِهَا وَ کَفَاهَا أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ مَلَائِکَةً مُوَکَّلِینَ بِمَعُونَةِ آلِ مُحَمَّدٍ

ترجمه (۱): قطب الدین راوندی گوید که از ابو ذر غفاری روایت شده که فرمود: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مرا به خانه علی علیه السّلام فرستاد تا به او بگویم که برای کاری به نزد پیامبر بیاید، پس به طرف خانه وی رفتم و او را صدا کردم ولی کسی جوابم نداد، نگاه کردم و دیدم که آسیا کار می‌کند در حالی که کسی آنجا نبود که آن را بچرخاند، و دوباره او را صدا زدم که علی علیه السّلام از منزل خارج شد و به حضور رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمد و رسول خدا سخنی در گوش او گفت که من نفهمیدم، پس از آن من گفتم: تعجب کرده‌ام از این آسیایی که در خانه علی علیه السّلام خود به خود می‌گردد. پیامبر فرمود: همانا خداوند متعال قلب و جوارح دخترم فاطمه را از ایمان و یقین انباشته است، و چون او بر ضعف و ناتوانی فاطمه عالم است لذا او را در کارهایش یاری و مدد می‌رساند و او را بی‌نیاز می‌گرداند، تو می‌دانی که خداوند فرشتگانی دارد که موظف به معونت و یاری آل محمّد می‌باشند.

[متن عربی]۱، ۱۵، ۱۴ ۹۱/ ۳۵- الخرائج «۱» رُوِیَ أَنَّ عَلِیّاً ع أَصْبَحَ یَوْماً فَقَالَ لِفَاطِمَةَ عِنْدَکِ شَیْءٌ تُغَذِّینِیهِ قَالَتْ لَا فَخَرَجَ وَ اسْتَقْرَضَ دِینَاراً لِیَبْتَاعَ مَا یُصْلِحُهُمْ فَإِذَا الْمِقْدَادُ فِی جَهْدٍ وَ عِیَالُهُ جِیَاعٌ فَأَعْطَاهُ الدِّینَارَ وَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَ صَلَّی الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص ثُمَّ أَخَذَ النَّبِیُّ بِیَدِ عَلِیٍّ وَ انْطَلَقَا إِلَی فَاطِمَةَ وَ هِیَ فِی مُصَلَّاهَا وَ خَلْفَهَا جَفْنَةٌ تَفُورُ فَلَمَّا سَمِعَتْ کَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَرَجَتْ فَسَلَّمَتْ عَلَیْهِ وَ کَانَتْ أَعَزَّ النَّاسِ عَلَیْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ وَ مَسَحَ بِیَدِهِ عَلَی رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ عَشِّینَا غَفَرَ اللَّهُ لَکِ وَ قَدْ فَعَلَ فَأَخَذَتِ الْجَفْنَةَ فَوَضَعَتْهَا بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ یَا فَاطِمَةُ أَنَّی لَکِ هَذَا الطَّعَامُ الَّذِی لَمْ أَنْظُرْ إِلَی مِثْلِ لَوْنِهِ قَطُّ وَ لَمْ أَشَمَّ مِثْلَ رَائِحَتِهِ قَطُّ وَ لَمْ آکُلْ أَطْیَبَ مِنْهُ وَ وَضَعَ کَفَّهُ بَیْنَ کَتِفَیَّ وَ قَالَ هَذَا بَدَلٌ عَنْ دِینَارِکِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ

أَقُولُ قَالَ الزَّمَخْشَرِیُّ فِی الْکَشَّافِ عِنْدَ ذِکْرِ قِصَّةِ زَکَرِیَّا وَ مَرْیَمَ وَ عَنِ النَّبِیِّ ص أَنَّهُ جَاعَ فِی زَمَنِ قَحْطٍ فَأَهْدَتْ لَهُ فَاطِمَةُ رَغِیفَیْنِ وَ بَضْعَةَ لَحْمٍ آثَرَتْهُ بِهَا فَرَجَعَ بِهَا إِلَیْهَا فَقَالَ هَلُمِّی یَا بُنَیَّةُ وَ کَشَفَتْ عَنِ الطَّبَقِ فَإِذَا هُوَ مَمْلُوءٌ خُبْزاً وَ لَحْماً فَبُهِتَتْ وَ عَلِمَتْ أَنَّهَا نَزَلَتْ مِنَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا أَنَّی لَکِ هذا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ فَقَالَ ع الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَکِ شَبِیهَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ بَنِی إِسْرَائِیلَ ثُمَّ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ جَمِیعَ أَهْلِ بَیْتِهِ حَتَّی شَبِعُوا وَ بَقِیَ الطَّعَامُ کَمَا هُوَ وَ أَوْسَعَتْ فَاطِمَةُ عَلَی جِیرَانِهَا «۱»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه (۱): قطب الدین راوندی گوید: روایت شده که یک روز صبح علی علیه السّلام به فاطمه علیها السّلام گفت: آیا صبحانه‌ای در نزد تو هست که بخورم؟ فاطمه گفت: نه. پس علی علیه السّلام از خانه خارج شد و دیناری قرض کرد تا طعامی خریداری نماید، در بین راه به مقداد- صحابی عظیم الشأن پیامبر- برخورد و چون اطلاع پیدا کرد که او و خانواده‌اش گرسنه‌اند آن پول را به مقداد داده و خود به مسجد رفت و نماز ظهر و عصر را با پیامبر به جای آورد، و پس از نماز رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دست او را گرفت و با هم به طرف منزل فاطمه رفتند و او را در حالی مشاهده کردند که در محراب عبادت مشغول راز و نیاز است و در پشت سرش کاسه‌ای قرار دارد که از آن بخار بلند می‌شود.

هنگامی که فاطمه علیها السّلام صدای رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را شنید از مصلّای خود خارج شد و بر او سلام کرد، و فاطمه عزیزترین مردم در نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بود، و پیامبر سلام او را جواب گفت و دستی بر سر او کشید و فرمود: خدا تو را بیامرزد، شامی برای ما مهیا کن.

سپس فاطمه علیها السّلام آن کاسه را آورد و در مقابل رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گذارد، پیامبر فرمود: ای فاطمه! این غذا از کجا آمده است؟ من هرگز غذایی به این خوش رنگی و خوشبویی ندیده‌ام و نظیر آن را نخورده‌ام. آنگاه دست خود را بر سینه علی علیه السّلام نهاد و فرمود: این غذا در مقابل آن دیناری که در راه خدا دادی به دست آمده است، همانا خداوند هر که را بخواهد رزق و روزی بی‌حساب عطا می‌نماید.

علّامه مجلسی گوید: زمخشری (۵۳۸ ه) در تفسیر کشّاف، آن جایی که قصه زکریّا و مریم را بیان می‌کند گوید: و از پیامبر اسلام روایت شده است که در زمان قحطی به شدّت گرسنه شد و ... «۱».

[متن عربی]۱، ۱۵ ۹۲/ ۳۶- المناقب «۲» لابن شهرآشوب الخرائج «۳» رُوِیَ أَنَّ عَلِیّاً اسْتَقْرَضَ مِنْ یَهُودِیٍّ شَعِیراً فَاسْتَرْهَنَهُ شَیْئاً فَدَفَعَ إِلَیْهِ مُلَاءَةَ «۴» فَاطِمَةَ رَهْناً وَ کَانَتْ مِنَ الصُّوفِ فَأَدْخَلَهَا الْیَهُودِیُّ إِلَی دَارِ وَ وَضَعَهَا فِی بَیْتٍ فَلَمَّا کَانَتِ اللَّیْلَةُ دَخَلَتْ زَوْجَتُهُ الْبَیْتَ الَّذِی فِیهِ الْمُلَاءَةُ بِشُغُلٍ فَرَأَتْ نُوراً سَاطِعاً فِی الْبَیْتِ أَضَاءَ بِهِ کُلُّهُ فَانْصَرَفَتْ إِلَی زَوْجِهَا فَأَخْبَرَتْهُ بِأَنَّهَا رَأَتْ فِی ذَلِکَ الْبَیْتِ ضَوْءاً عَظِیماً فَتَعَجَّبَ الْیَهُودِیُّ زَوْجُهَا وَ قَدْ نَسِیَ أَنَّ فِی بَیْتِهِ مُلَاءَةَ فَاطِمَةَ فَنَهَضَ مُسْرِعاً وَ دَخَلَ الْبَیْتَ فَإِذَا ضِیَاءُ الْمُلَاءَةِ یَنْشُرُ شُعَاعُهَا کَأَنَّهُ یَشْتَعِلُ مِنْ بَدْرٍ مُنِیرٍ یَلْمَعُ مِنْ قَرِیبٍ فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِکَ فَأَنْعَمَ النَّظَرَ فِی مَوْضِعِ الْمُلَاءَةِ فَعَلِمَ أَنَّ ذَلِکَ النُّورَ مِنْ مُلَاءَةِ فَاطِمَةَ فَخَرَجَ الْیَهُودِیُّ یَعْدُو إِلَی أَقْرِبَائِهِ وَ زَوْجَتُهُ تَعْدُو إِلَی أَقْرِبَائِهَا فَاجْتَمَعَ ثَمَانُونَ مِنَ الْیَهُودِ فَرَأَوْا ذَلِکَ فَأَسْلَمُوا کُلُّهُمْ

«۱» بیان الملاءة بالضم و المد الإزار و الریطة

ترجمه (۱): ابن شهر آشوب و قطب الدین راوندی گویند: روایت شده که علی علیه السّلام مقداری جو از یک یهودی قرض کرد، یهودی مزبور گفت: باید در ازای آن چیزی را به عنوان رهن در نزد من بگذاری. و علی علیه

السّلام چادر حضرت فاطمه علیها السّلام را که پشم بود به او داد. آن شخص چادر را گرفته و به خانه برده، در اطاقی گذاشت. به هنگام شب زن آن شخص برای انجام کاری داخل اطاق مذکور گردید و نوری را دید که اطاق را روشن کرده، فورا از اطاق خارج شد و آنچه را دیده بود به شوهرش اطلاع داد، مرد یهودی که فراموش کرده بود چادر فاطمه علیها السّلام در آن اطاق است تعجّب نمود و به سرعت برخاسته داخل آن اطاق گردید و بلافاصله دریافت که آن نور از چادری ساطع می‌شود که علی علیه السّلام آن را گرو گذاشته است. پس آن مرد یهودی و همسرش از خانه خارج شده و هر یک به سوی اقوام خویش شتافته و آنها را از معجزه‌ای که دیده بودند آگاه نمودند، و در اثر این واقعه هشتاد نفر از آنها به اسلام متمایل گردیده و ایمان آوردند.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۹۳/ ۳۷- الخرائج «۲» رُوِیَ أَنَّ الْیَهُودَ کَانَ لَهُمْ عُرْسٌ فَجَاءُوا إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَالُوا لَنَا حَقُّ الْجِوَارِ فَنَسْأَلُکَ أَنْ تَبْعَثَ فَاطِمَةَ بِنْتَکَ إِلَی دَارِنَا حَتَّی یَزْدَادَ عُرْسُنَا بِهَا وَ أَلَحُّوا عَلَیْهِ فَقَالَ إِنَّهَا زَوْجَةُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ هِیَ بِحُکْمِهِ وَ سَأَلُوهُ أَنْ یَشْفَعَ إِلَی عَلِیٍّ فِی ذَلِکَ وَ قَدْ جَمَعَ الْیَهُودُ الطِّمَّ «۱» وَ الرِّمَّ «۲» مِنَ الْحُلِیِّ وَ الْحُلَلِ وَ ظَنَّ الْیَهُودُ أَنَّ فَاطِمَةَ تَدْخُلُ فِی بِذْلَتِهَا «۳» وَ أَرَادُوا اسْتِهَانَةً بِهَا فَجَاءَ جَبْرَئِیلُ بِثِیَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ حُلِیٍّ وَ حُلَلٍ لَمْ یَرَوْا مِثْلَهَا فَلَبِسَتْهَا فَاطِمَةُ وَ تَحَلَّتْ بِهَا فَتَعَجَّبَ النَّاسُ مِنْ زِینَتِهَا وَ أَلْوَانِهَا وَ طِیبِهَا فَلَمَّا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ دَارَ الْیَهُودِ سَجَدَ لَهَا نِسَاؤُهُمْ یُقَبِّلْنَ الْأَرْضَ بَیْنَ یَدَیْهَا وَ أَسْلَمَ بِسَبَبِ مَا رَأَوْا خَلْقٌ کَثِیرٌ مِنَ الْیَهُودِ

إیضاح قال الجوهری الرم بالکسر الثری یقال جاء بالطم و الرم إذا جاء بالمال الکثیر و قال الطم البحر و قال الفیروزآبادی جاء بالطم و الرم بالبحری و البری أو الرطب و الیابس أو التراب و الماء أو بالمال الکثیر و الرم بالکسر ما یحمله الماء أو ما علی وجه الأرض من فتات الحشیش و قال الطم بالکسر الماء أو ما علی وجهه أو ما ساقه من غثاء و البحر و العدد الکثیر «۴»

ترجمه (۱): قطب الدین راوندی گوید که روایت شده: یکی از همسایگان یهودی پیامبر [در مدینه] در خانه‌اش عروسی داشت، لذا به حضور رسول خدا آمده و گفتند: ما با شما حقّ همسایگی داریم لذا از شما تقاضا می‌کنیم که فاطمه را به عروسی ما بفرستی تا موجب سرفرازی ما باشد. آنان در این مورد خیلی اصرار کردند تا اینکه پیامبر به ایشان فرمود: فاطمه همسر علی بن ابی طالب است و باید علی در این مورد اجازه دهد. آنها وقتی این جواب را شنیدند از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تقاضا کردند که در این رابطه با علی علیه السّلام صحبت کرده و رضایت وی را جلب نماید.

زنان یهودی برای شرکت در آن مجلس هر چه زر و زیور و لباسهای فاخر داشتند در بر کرده و فکر می‌کردند که فاطمه علیها السّلام با همان لباسهای معمول روزمرّه در آن مجلس حاضر خواهد شد و آنان می‌توانند او را مورد توهین و تحقیر قرار دهند، جبرئیل در این روز فرود آمد و برای فاطمه علیها السّلام لباسی زیبا و

زیورهایی بی‌مانند را از بهشت اهدا نمود. وقتی حضرت فاطمه آن لباس‌ها و زینت‌ها را پوشید همگان از زیبایی، و رنگ و بوی خوش آنها تعجب می‌نمودند، و هنگامی که با آن وضعیت وارد خانه آن یهودی گردید زنان حاضر در مجلس را بهت و حیرت در برگرفت به طوری که در مقابل آن حضرت به سجده افتادند و بسیاری از آنها به سبب آنچه که دیده بودند تحت تأثیر شدید قرار گرفته و اسلام آوردند.

[متن عربی] ۵، ۱۵، ۱، ۱۴، ۱۲ ۹۴/ ۳۸- تفسیر العیاشی «۱» عَنْ سَیْفٍ عَنْ نَجْمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع ضَمِنَتْ لِعَلِیٍّ ع عَمَلَ الْبَیْتِ وَ الْعَجِینَ وَ الْخُبْزَ وَ قَمَّ الْبَیْتِ وَ ضَمِنَ لَهَا عَلِیٌّ ع مَا کَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقْلَ الْحَطَبِ وَ أَنْ یَجِیءَ بِالطَّعَامِ فَقَالَ لَهَا یَوْماً یَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدَکِ شَیْءٌ قَالَتْ وَ الَّذِی عَظَّمَ حَقَّکَ مَا کَانَ عِنْدَنَا مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَیَّامٍ شَیْءٌ نَقْرِیکَ بِهِ قَالَ أَ فَلَا أَخْبَرْتِنِی قَالَتْ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَهَانِی أَنْ أَسْأَلَکَ شَیْئاً فَقَالَ لَا تَسْأَلِینَ ابْنَ عَمِّکِ شَیْئاً إِنْ جَاءَکِ بِشَیْءٍ [عَفْوٍ] وَ إِلَّا فَلَا تَسْأَلِیهِ قَالَ فَخَرَجَ ع فَلَقِیَ رَجُلًا فَاسْتَقْرَضَ مِنْهُ دِینَاراً ثُمَّ أَقْبَلَ بِهِ وَ قَدْ أَمْسَی فَلَقِیَ مِقْدَادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لِلْمِقْدَادِ مَا أَخْرَجَکَ فِی هَذِهِ السَّاعَةِ قَالَ الْجُوعُ وَ الَّذِی عَظَّمَ حَقَّکَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ ع وَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَیٌّ قَالَ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَیٌّ قَالَ فَهُوَ أَخْرَجَنِی وَ قَدِ اسْتَقْرَضْتُ دِینَاراً وَ سَأُوثِرُکَ بِهِ فَدَفَعَهُ إِلَیْهِ فَأَقْبَلَ فَوَجَدَ رَسُولَ اللَّهِ ص جَالِساً وَ فَاطِمَةُ تُصَلِّی وَ بَیْنَهُمَا شَیْءٌ مُغَطًّی فَلَمَّا فَرَغَتْ اجْتَرَّتْ ذَلِکَ الشَّیْءَ فَإِذَا جَفْنَةٌ مِنْ خُبْزٍ وَ لَحْمٍ قَالَ یَا فَاطِمَةُ أَنَّی لَکِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَ لَا أُحَدِّثُکَ بِمَثَلِکِ وَ مَثَلِهَا قَالَ بَلَی قَالَ مَثَلُکِ مَثَلُ زَکَرِیَّا إِذَا دَخَلَ عَلَی مَرْیَمَ الْمِحْرَابَ فَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقاً قَالَ یَا مَرْیَمُ أَنَّی لَکِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ فَأَکَلُوا مِنْهَا شَهْراً وَ هِیَ الْجَفْنَةُ الَّتِی یَأْکُلُ مِنْهَا الْقَائِمُ ع وَ هِیَ عِنْدَنَا

ترجمه (۱): امام محمّد باقر علیه السّلام فرماید «۱»: حضرت فاطمه علیها السّلام به علی علیه السّلام تعهد داد که تمام کارهای داخل خانه را از قبیل خمیر کردن آرد، پختن نان، نظافت منزل و غیره را انجام دهد و علی علیه السّلام نیز تعهد نمود که امور خارج از خانه مانند آوردن هیزم و تهیه طعام را انجام دهد.

در یکی از روزها علی علیه السّلام به فاطمه علیها السّلام گفت: ای فاطمه! آیا در خانه چیزی داری؟

فاطمه گفت: سوگند به آن خدایی که حقّ تو را بزرگ قرار داده، مدّت سه روز است که چیزی نداریم تا بتوانم آن را برایت بیاورم. علی علیه السّلام فرمود: چرا این امر را به من خبر ندادی؟ فاطمه گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مرا نهی نموده از اینکه چیزی از تو بخواهم و فرموده است: اگر علی چیزی برای تو آورد بپذیر و در غیر این صورت هرگز از او چیزی مخواه.

امام باقر علیه السّلام گوید: پس علی علیه السّلام از خانه خارج شد و در بین راه فردی را ملاقات نموده و یک دینار از او قرض کرد تا طعامی برای خانه فراهم کند، در راه بازگشت با مقداد بن اسود روبرو گردید و از او

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

سؤال کرد که به چه دلیل از خانه خارج شده و به دنبال چیست؟ مقداد پاسخ داد: ای امیر مؤمنان! به حقّ آن خدایی که حقّ تو را بر ذمّه ما عظیم کرده، گرسنگی موجب خروج من از منزل شده است.

راوی گوید: به امام باقر علیه السّلام گفتم: آیا در آن زمان پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم زنده بودند؟ امام

فرمود: آری زنده بودند و ادامه دادند:

علی علیه السّلام به مقداد گفت: من نیز به همین علّت از خانه خارج شده‌ام و برای تهیه طعام یک دینار قرض کرده‌ام و اکنون آن را به تو می‌دهم. و آن دینار را به مقداد داده و به طرف خانه خود بازگشت، و هنگامی که وارد خانه گردید مشاهده نمود که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشسته و فاطمه علیها السّلام در مصلّای خویش مشغول نماز است و یک ظرف سر پوشیده نیز در میان ایشان قرار دارد، پس فاطمه علیها السّلام از نماز فارغ شد، آن ظرف را جلو کشید و چون نگاه کردند دیدند که کاسه‌ای پر از نان و گوشت است. علی علیه السّلام گفت: ای فاطمه! این غذا از کجاست؟

فاطمه گفت: از طرف خدا آمده، همانا خداوند هر که را بخواهد رزق بی‌حساب دهد. و پیامبر اسلام به او فرمود: ای علی! آیا دوست داری برایت بگویم مثل تو و فاطمه چیست؟

علی علیه السّلام گفت: آری. رسول خدا فرمود: تو مانند حضرت زکریا هستی زیرا آن حضرت هم وقتی در مصلّای مریم غذایی دید، از او پرسید که آن غذا را از کجا آورده و مریم در جواب او گفت: از طرف خدا آمده، و خداوند هر که را بخواهد بدون حساب رزق و روزی می‌دهد.

امام باقر علیه السّلام گوید: علی و فاطمه مدّت یک ماه از آن غذا می‌خوردند و تمام نمی‌شد، آن کاسه همان است که حضرت قائم علیه السّلام نیز از آن خواهد خورد، و آن، هم اکنون نزد ماست.

[متن عربی] ۶، ۱، ۱۵، ۱۴، ۲، ۳ ۹۵/ ۳۹- المناقب «۱» الْخَرْكُوشِيُّ فِي كِتَابَيْهِ اللَّوَامِعِ وَ شَرَفِ الْمُصْطَفَى بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَلْمَانَ وَ أَبُو بَكْرٍ الشِّيرَازِيُّ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ وَ أَبُو إِسْحَاقَ الثَّعْلَبِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِيُّ وَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلَوَيَّةَ الْقَطَّانُ فِي تَفَاسِيرِهِمْ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ وَ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ وَ أَبُو نُعَيْمٍ الْأَصْفَهَانِيُّ فِيمَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع عَنْ حَمَّادِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَنَسٍ وَ عَنْ أَبِي مَالِكٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ الْقَاضِي النَّطَنْزِيُّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ ع وَ اللَّفْظُ لَهُ فِي قَوْلِهِ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ «۲» قَالَ- عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ بَحْرَانِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ وَ فِي رِوَايَةٍ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ «۱» رَسُولُ اللَّهِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ «۲» الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه (۱): امام جعفر صادق علیه السّلام در باره آیه: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ «۳» گوید: علی و فاطمه دو دریای عمیق می‌باشند که به یک دیگر تعدّی و ستم نمی‌کنند.

و در روایت دیگری آمده است که مقصود از جمله بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ «۴» که ادامه آیه بالا می‌باشد، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است- که میان علی و فاطمه قرار دارد و با راهنماییهای خود مانع از تعدّی و ستم آنها به یک دیگر می‌شود: مترجم- و مقصود از جمله يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ «۵» نیز که در ادامه آن آیه است، حسن و حسین علیهما السّلام می‌باشند که از علی و فاطمه متولّد شده‌اند «۶».

ابن شهر آشوب این حدیث را از کتابهای زیر برگرفته و در مناقب آورده است:

۱- کتاب اللّوامع: عبد الملک بن محمّد خرگوشی (۴۰۶ ه)، به نقل از سلمان فارسی ۲- شرف المصطفی: عبد الملک بن محمّد خرگوشی (۴۰۶ ه)، به نقل از سلمان فارسی ۳- تفسیر ثعلبی (۴۲۷ ه)، از سعید بن جبیر (۹۵ ه) و سفیان ثوری (۱۶۱ ه) ۴- تفسیر علی بن احمد طائی (ح ۴۲۰ ه)، از سعید و سفیان ۵- تفسیر ابو محمّد قطّان (۱۹۸ ه)، از سعید و سفیان ۶- ما نزل القرآن فی امیر المؤمنین: ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ ه)، از انس بن مالک (۹۳ ه)، و ابن عبّاس (۶۸ ه).

۷- کتاب ابو بکر شیرازی، به نقل از ابو صالح ۸- کتاب قاضی نطنزی، از سفیان بن عیینة (۱۹۸ ه).

[متن عربی] ۹۶/ ...- المناقب: «۱» عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لا أُضِيعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى «۲» قَالَ فَالذَّكَرُ عَلِيٌّ وَ الْأُنْثَى فَاطِمَةُ ع وَقْتَ الْهِجْرَةِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي اللَّيْلَةِ «۳»

ترجمه (۱): عمّار یاسر در تفسیر آیه فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لا أُضِيعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى [آل عمران: ۱۵۹] گوید: منظور از «ذکر» علی علیه السّلام و منظور از «أنثی» حضرت فاطمه علیها السّلام در زمانی می‌باشد که از مکّه به سوی مدینه در شب تاریک هجرت نمودند.

[متن عربی] ۹۷/ ...- المناقب: «۴» الْبَاقِرُ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ ما خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثى «۵» فَالذَّكَرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأُنْثَى فَاطِمَةُ ع إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى «۶» لَمُخْتَلَفٌ فَأَمَّا مَنْ أَعْطى وَ اتَّقى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنى «۷» بِقُوتِهِ وَ صَامَ حَتَّى وَفَى بِنَذْرِهِ وَ تَصَدَّقَ بِخَاتَمِهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ وَ آثَرَ الْمِقْدَادَ بِالدِّينَارِ عَلَى نَفْسِهِ قَالَ وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنى وَ هِيَ الْجَنَّةُ وَ الثَّوَابُ مِنَ اللَّهِ فَسَنُيَسِّرُهُ لَكَ فَجَعَلَهُ إِمَاماً فِي الْخَيْرِ وَ قُدْوَةً وَ أَباً لِلْأَئِمَّةِ يَسَّرَهُ اللَّهُ لِلْيُسْرى

ترجمه (۲): امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیات: وَ ما خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثى، إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى، فَأَمَّا مَنْ أَعْطى وَ اتَّقى، وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنى ... «۸»، فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرى «۹» [اللیل: ۳- ۷] فرماید:

در آیه وَ ما خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثى «۱۰» منظور از «ذکر» علی بن ابی طالب علیه السّلام است و منظور از «انثی» حضرت فاطمه علیها السّلام می‌باشد، و معنی إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى «۱» یعنی تلاشهای شما صورتهای مختلف دارد،

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

و منظور از آیه فَأَمَّا مَنْ أَعْطی وَ اتَّقی وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنی «۲» حضرت علی علیه السّلام است که غذای خود را صدقه داد و روزه گرفت تا نذر خود را ادا نمود، و انگشتر خود را در حال رکوع صدقه داد، و همچنین مقداد را بر خویش مقدّم داشت و تنها دیناری را که برای خرید طعام قرض کرده بود به او هدیه نمود، و منظور از وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنی «۳» پاداشی است که خداوند در مقابل این اعمال وعده نموده است و بهشت و ثواب کثیر را به او ارزانی داشته و علی علیه السّلام را امام مردم برای هدایت به سوی خیر و رهبر آنها قرار داده، و او را پدر ائمه طاهرین قرار داده تا به مدد الهی مردم را به سوی آسودگی و راحتی- یعنی سعادت- راهنمایی کنند.

[متن عربی] ۹۸/ ...- المناقب: «۴» الْبَاقِرُ ع فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ «۵» کَلِمَاتٍ فِی مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّیَّتِهِمْ ع کَذَا نَزَلَتْ عَلَی مُحَمَّدٍ ص

ترجمه (۱): امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ [طه: ۱۱۵] می‌فرماید: منظور کلماتی است که در باره محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین و سایر ائمّه از اولاد ایشان علیهم السّلام نازل شده است.

[متن عربی] ۹۹/ ...- المناقب: «۶» الْقَاضِی أَبُو مُحَمَّدٍ الْکَرْخِیُّ فِی کِتَابِهِ عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَتْ فَاطِمَةُ ع لَمَّا نَزَلَتْ لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعاءِ بَعْضِکُمْ بَعْضاً «۷» رَهِبْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص أَنْ أَقُولَ لَهُ یَا أَبَتِ فَکُنْتُ أَقُولُ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَعْرَضَ عَنِّی مَرَّةً أَوِ اثْنَتَیْنِ أَوْ ثَلَاثاً ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَیَّ فَقَالَ یَا فَاطِمَةُ إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِیکِ وَ لَا فِی أَهْلِکِ وَ لَا فِی نَسْلِکِ أَنْتِ مِنِّی وَ أَنَا مِنْکِ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِی أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ الْغِلْظَةِ مِنْ قُرَیْشٍ أَصْحَابِ الْبَذَخِ وَ الْکِبْرِ قُولِی یَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْیَا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَی لِلرَّبِّ

ترجمه (۱): امام صادق علیه السّلام فرماید: حضرت فاطمه علیها السّلام می‌فرمود: هنگامی که آیه لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعاءِ بَعْضِکُمْ بَعْضاً [نور: ۶۳] نازل شد، من از اینکه به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پدر بگویم خودداری می‌کردم و لذا ایشان را با عنوان «رسول اللّه» مخاطب قرار می‌دادم ولی ایشان سه مرتبه، در زمانی که او را با این عنوان مورد خطاب قرار می‌دادم، از من اعراض نمود و دوری کرد و در دفعه بعد خطاب به من فرمود:

ای فاطمه! این آیه در باره تو، و اهل خانه تو و نسلی که از تو باقی می‌ماند نازل نشده، زیرا تو از من و من از تو هستم، بلکه این آیه در باره ستمکاران و متکبّران قریش نازل شده و لذا تو همچنان مرا با لفظ «پدر» مورد خطاب قرار بده، زیرا قلب من به این کلمه خشنود می‌گردد و زنده می‌شود، و خداوند نیز آن را بیشتر دوست می‌دارد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۰۰/ ...- المناقب «۱» وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَ اثْنَتَیْ عَشْرَةَ امْرَأَةً فِی الْقُرْآنِ عَلَى وَجْهِ الْكِنَایَةِ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ «۲» حَوَّاءَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِینَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ «۳» إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَكَ بَیْتاً فِی الْجَنَّةِ «۴» امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ وَ امْرَأَتُهُ قائِمَةٌ «۵» لِإِبْرَاهِیمَ وَ أَصْلَحْنا لَهُ زَوْجَهُ «۶» لِزَكَرِیَّا الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ «۷» زَلِیخَا وَ آتَیْناهُ أَهْلَهُ «۸» لِأَیُّوبَ إِنِّی وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ «۱» بِلْقِیسَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنْكِحَكَ «۲» لِمُوسَى وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِیُّ إِلى بَعْضِ أَزْواجِهِ حَدِیثاً «۳» حَفْصَةَ وَ عَائِشَةَ وَ وَجَدَكَ عائِلًا «۴» خَدِیجَةَ مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ «۵» فَاطِمَةَ ع ثُمَّ ذَكَرَهُنَّ بِخِصَالِ التَّوْبَةِ مِنْ حَوَّاءَ قالا رَبَّنا ظَلَمْنا «۶» وَ الشَّوْقِ مِنْ آسِیَةَ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَكَ بَیْتاً «۷» وَ الضِّیَافَةِ مِنْ سَارَةَ وَ امْرَأَتُهُ قائِمَةٌ «۸» وَ الْعَقْلِ مِنْ بِلْقِیسَ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذا دَخَلُوا قَرْیَةً «۹» وَ الْحَیَاءِ مِنِ امْرَأَةِ مُوسَى- فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشِی «۱۰» وَ الْإِحْسَانِ مِنْ خَدِیجَةَ وَ وَجَدَكَ عائِلًا «۱۱» وَ النَّصِیحَةِ لِعَائِشَةَ وَ حَفْصَةَ یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ إِلَى قَوْلِهِ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ «۱۲» وَ الْعِصْمَةِ مِنْ فَاطِمَةَ ع وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ «۱۳» وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَى عَشَرَةَ أَشْیَاءَ لِعَشَرَةٍ مِنَ النِّسَاءِ التَّوْبَةَ لِحَوَّاءَ زَوْجَةِ آدَمَ وَ الْجَمَالَ لِسَارَةَ زَوْجَةِ إِبْرَاهِیمَ وَ الْحِفَاظَ لِرَحْمَةَ زَوْجَةِ أَیُّوبَ وَ الْحُرْمَةَ لِآسِیَةَ زَوْجَةِ فِرْعَوْنَ وَ الْحِكْمَةَ لِزَلِیخَا زَوْجَةِ یُوسُفَ وَ الْعَقْلَ لِبِلْقِیسَ زَوْجَةِ سُلَیْمَانَ وَ الصَّبْرَ لِبرخانة أُمِّ مُوسَى وَ الصَّفْوَةَ لِمَرْیَمَ أُمِّ عِیسَى وَ الرِّضَى لِخَدِیجَةَ زَوْجَةِ الْمُصْطَفَى وَ الْعِلْمَ لِفَاطِمَةَ زَوْجَةِ الْمُرْتَضَى وَ الْإِجَابَةَ لِعَشَرَةٍ وَ لَقَدْ نادانا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِیبُونَ «۱۴» فَاسْتَجابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَیْدَهُنَّ «۱» یُوسُفَ قالَ قَدْ أُجِیبَتْ دَعْوَتُكُما «۲» مُوسَى وَ هَارُونَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ «۳» یُونُسَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ فَكَشَفْنا ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ «۴» أَیُّوبَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ وَهَبْنا لَهُ یَحْیى «۵» زَكَرِیَّا ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ «۶» لِلْمُخْلِصِینَ أَمَّنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ «۷» لِلْمُضْطَرِّینَ وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادِی «۸» لِلدَّاعِینَ فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ «۹» فَاطِمَةَ وَ زَوْجِهَا وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص یَهْتَمُّ لِعَشَرَةِ أَشْیَاءَ فَآمَنَهُ اللَّهُ مِنْهَا وَ بَشَّرَهُ بِهَا لِفِرَاقِهِ وَطَنَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْكَ الْقُرْآنَ لَرادُّكَ إِلى مَعادٍ «۱۰» وَ لِتَبْدِیلِ الْقُرْآنِ بَعْدَهُ كَمَا فُعِلَ بِسَائِرِ الْكُتُبِ فَنَزَلَ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ «۱۱» وَ لِأُمَّتِهِ مِنَ الْعَذَابِ فَنَزَلَ وَ ما كانَ اللَّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِیهِمْ «۱۲» وَ لِظُهُورِ الدِّینِ فَنَزَلَ لِیُظْهِرَهُ عَلَى الدِّینِ كُلِّهِ «۱۳» وَ لِلْمُؤْمِنِینَ بَعْدَهُ فَنَزَلَ یُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ فِی الْآخِرَةِ «۱۴» وَ لِخُصَمَائِهِمْ فَنَزَلَ یَوْمَ لا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا «۱۵» وَ الشَّفَاعَةِ فَنَزَلَ وَ لَسَوْفَ یُعْطِیكَ رَبُّكَ فَتَرْضى «۱۶» وَ لِلْفِتْنَةِ بَعْدَهُ عَلَى وَصِیِّهِ فَنَزَلَ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ «۱۷» یَعْنِی بِعَلِیٍّ وَ لِثَبَاتِ الْخِلَافَةِ فِی أَوْلَادِهِ فَنَزَلَ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ «۱» وَ لِابْنَتِهِ حَالَ الْهِجْرَةِ فَنَزَلَ الَّذِینَ یَذْكُرُونَ اللَّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً «۲» الْآیَاتِ وَ رَأْسُ التَّوَّابِینَ أَرْبَعَةٌ آدَمُ قالا رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا «۳» وَ یُونُسُ قَالَ سُبْحانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ «۴» وَ دَاوُدُ وَ خَرَّ راكِعاً وَ أَنابَ «۵» وَ فَاطِمَةُ الَّذِینَ یَذْكُرُونَ اللَّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً «۶» وَ خُوِّفَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الصَّالِحَاتِ- آسِیَةُ عُذِّبَتْ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ فَكَانَتْ تَقُولُ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَكَ بَیْتاً فِی الْجَنَّةِ «۷» وَ مَرْیَمُ خَافَتْ مِنَ النَّاسِ وَ هَرَبَتْ فَنَادَاهَا مِنْ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

تَحْتِها أَلَّا تَحْزَنِی «۸» وَ خَدِیجَةُ عَذَلَهَا النِّسَاءُ فِی النَّبِیِّ ص فَهَجَرَنْهَا فَقَالَتْ فَاطِمَةُ أَ مَا كَانَ أَبِی رَسُولَ اللَّهِ ص أَ لَا يُحْفَظُ فِی وُلْدِهِ أَسْرَعَ مَا أَخَذْتُمْ وَ أَعْجَلَ مَا نَكَصْتُمْ وَ رَأْسُ الْبَكَّاءِينَ ثَمَانِيَةُ آدَمُ وَ نُوحٌ وَ يَعْقُوبُ وَ يُوسُفُ وَ شُعَيْبٌ وَ دَاوُدُ وَ فَاطِمَةُ وَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ع قَالَ الصَّادِقُ أَمَّا فَاطِمَةُ فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى تَأَذَّى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَقَالُوا لَهَا قَدْ آذَيْتِينَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكِ إِمَّا أَنْ تَبْكِی بِاللَّيْلِ وَ إِمَّا أَنْ تَبْكِی بِالنَّهَارِ فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِی

ترجمه (۱): امام صادق علیه السّلام فرماید:بدان که خداوند متعال در ۱۲ جای قرآن، به نحو تصریح و کنایه، در باره زنان سخن گفته است:

۱- در آیه اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ [بقره: ۳۵] در باره حوّا ۲- و در آیه ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ [تحریم: ۱۰] در باره زنان نوح و لوط

۳- و در آیه إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَكَ بَيْتاً فِی الْجَنَّةِ [تحریم: ۱۱] در باره حضرت آسیه همسر فرعون ۴- و در آیه وَ امْرَأَتُهُ قائِمَةٌ [هود: ۷۱] در باره ساره- سارا- همسر حضرت ابراهیم ۵- و در آیه وَ أَصْلَحْنا لَهُ زَوْجَهُ [انبیاء: ۹۰] در باره همسر حضرت زکریا ۶- و در آیه الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ [یوسف: ۵۱] در باره زلیخا ۷- و در آیه وَ آتَيْناهُ أَهْلَهُ [انبیاء: ۸۴] در باره همسر حضرت ایّوب ۸- و در آیه إِنِّی وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ [نمل: ۲۳] در باره بلقیس ۹- و در آیه إِنِّی أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ [قصص: ۲۷] در باره همسر حضرت موسی ۱۰- و در آیه وَ إِذْ أَسَرَّ النَّبِیُّ إِلى بَعْضِ أَزْواجِهِ حَدِيثاً [تحریم: ۲] در باره حفصه و عایشه ۱۱- و در آیه وَ وَجَدَكَ عائِلًا [و الضّحی: ۸] در باره حضرت خدیجه علیها السّلام ۱۲- و در آیه مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ [الرّحمن: ۱۹] در باره حضرت فاطمه علیها السّلام سپس خداوند متعال خصلت‌هایی را که به سبب آنها از این زنان سخن گفته برمی‌شمارد و در باره آنها به شرح ذیل سخن می‌گوید:

۱- توبه از حضرت حوّا، در آیه قالا رَبَّنا ظَلَمْنا [اعراف: ۲۳] ۲- شوق به آخرت از حضرت آسیه، در آیه رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَكَ بَيْتاً [تحریم: ۱۱] ۳- مهمان‌نوازی از سارا همسر حضرت ابراهیم، در آیه وَ امْرَأَتُهُ قائِمَةٌ [هود: ۷۱] ۴- عقل و تدبیر از بلقیس، در آیه إِنَّ الْمُلُوكَ إِذا دَخَلُوا قَرْيَةً [نمل: ۳۴] ۵- حیا از همسر حضرت موسی، در آیه فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشِی [قصص: ۲۵] ۶- احسان از حضرت خدیجه، در آیه وَ وَجَدَكَ عائِلًا [و الضّحی: ۸] ۷- در باره نصیحت به عایشه و حفصه، در آیه یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ- تا- وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ [احزاب: ۳۲ و ۳۳] ۸- و در باره عصمت حضرت فاطمه علیها السّلام، در آیه وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ [آل عمران:۶۱]. و همانا خداوند متعال ده خصلت را به ده نفر از زنان عالم عطا نموده، و نسبت داده است:

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

۱- توبه را به حضرت حوّا ۲- زیبایی را به سارا همسر حضرت ابراهیم ۳- محافظت از خود را به همسر حضرت ایّوب ۴- احترام و حرمت را به آسیه همسر فرعون ۵- حکمت را به زلیخا همسر حضرت یوسف ۶- عقل را به بلقیس همسر حضرت سلیمان ۷- صبر را به مادر حضرت موسی ۸- برگزیدگی را به حضرت مریم مادر عیسی علیه السّلام ۹- مقام رضا و خشنودی را به حضرت خدیجه علیها السّلام همسر رسول خدا ۱۰- علم را به حضرت فاطمه علیها السّلام همسر علی علیه السّلام.

و خداوند بزرگ دعای ده نفر را وعده اجابت داده است که عبارتند از دعاهای:

۱- حضرت نوح را در آیه وَ لَقَدْ نادانا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ [الصافات: ۷۵] ۲- حضرت یوسف را در آیه فَاسْتَجابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ [یوسف: ۳۴] ۳- حضرت موسی و هارون را در آیه قالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما [یونس: ۸۹] ۴- حضرت یونس را در آیه فَاسْتَجَبْنا لَهُ [انبیاء: ۸۹] ۵- حضرت ایّوب را در آیه فَاسْتَجَبْنا لَهُ فَكَشَفْنا ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ [انبیاء: ۸۴] ۶- حضرت زکریّا را در آیه فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ وَهَبْنا لَهُ يَحْيى [انبیاء: ۹۰] ۷- و دعای مخلصین را در آیه ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ [مؤمن: ۶۰] ۸- و دعای مضطرّین را در آیه أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ [نمل: ۶۲] ۹- دعای هر دعاکننده مؤمن را در آیه وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادِي [بقره: ۱۸۶] ۱۰- دعای حضرت فاطمه و علی علیهما السّلام را در آیه فَاسْتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ [آل عمران:

۱۹۵].

پیامبر اسلام در باره ده موضوع نگران و اندیشناک بود و خداوند توانا او را آسوده خاطر ساخته و به اموری بشارت داد، آن موضوعات عبارتند از:

۱- دوری از مکّه، که خداوند به او وعده بازگشت داده و فرمود: إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرادُّكَ إِلى مَعاد [قصص: ۸۵] ۲- تحریف قرآن، که خداوند محافظت از آن را تقبّل فرموده و گفت: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ [حجر: ۹] ۳- فرود آمدن عذاب و بلا بر مسلمانان، که خداوند فرمود: وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ [انفال: ۳۳] یعنی «تا تو در میان آنان هستی بلایی بر ایشان نازل نمی‌شود» ۴- گسترش اسلام، که خداوند وعده نمود تا اسلام را بر تمام مذاهب در جهان برتری بخشد و فرمود: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ [توبه: ۳۴] ۵- ثبات و پایداری مؤمنان بعد از رحلت پیامبر، که خداوند وعده نمود تا آنان را در دین خود استوار و ثابت قدم نگاه دارد و فرمود: يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ [ابراهیم: ۲۷] ۶- در باره دشمنان مؤمنین و تسلط آنها بر مسلمانان، که خداوند متعال آن را منتفی دانسته و فرمود: يَوْمَ لا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا [تحریم: ۸] ۷- در باره قبول شفاعت پیامبر برای مؤمنان، که خداوند وعده قبول آن را داده و فرمود:

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی [و الضّحی: ۵] ۸- در باره فتنه و نیرنگی که پس از رحلت پیامبر، گریبان وصی او یعنی علی علیه السّلام را خواهد گرفت، که خداوند در این زمینه وعده انتقام شدید داده و فرمود: فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ [زخرف: ۴۱] ۹- در باره ثبوت خلافت برای فرزندان علی علیه السّلام، که خداوند متعال در این باره وعده نمود که آنان را خلیفه و حجّت خود در زمین قرار دهد و فرمود: لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ [نور: ۵۵] ۱۰- و در باره هجرت حضرت فاطمه علیها السّلام از مکّه به مدینه، که خداوند پیامبرش را در خصوص سلامت آن بانو مطمئن نموده و فرمود: الَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللَّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً تا آخر آیه [آل عمران: ۱۹۱].

در رأس توبه‌کنندگان چهار نفر قرار دارند:

۱- حضرت آدم علیه السّلام که فرمود: قالا، رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا [اعراف: ۲۲] ۲- حضرت یونس که گفت: سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ [انبیاء: ۸۷] ۳- حضرت داود علیه السّلام که خداوند کریم در باره‌اش فرماید: وَ خَرَّ راکِعاً وَ أَنابَ [ص: ۲۴] ۴- حضرت فاطمه علیها السّلام که خداوند متعال در باره‌اش فرماید: الَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللَّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً [آل عمران: ۱۹۱].

و چهار تن از زنان نیکوکار و صالح هراسان و خائف شدند و سختیهای بسیاری را تحمل کردند:

۱- آسیه همسر فرعون که دچار انواع عذابها و شکنجه‌ها گردید تا آنجا که مرگ را آرزو می‌کرد و می‌گفت: رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الْجَنَّةِ [تحریم: ۱۱] ۲- حضرت مریم که از زخم زبانها و سخنان بیهوده مردم رنج بسیار برد و از آنها دوری گزید، که خداوند در باره وی فرمود: فَناداها مِنْ تَحْتِها أَلَّا تَحْزَنِی [مریم: ۲۴] ۳- حضرت خدیجه علیها السّلام که زنان قریش به دلیل ازدواجش با پیامبر از او دوری کردند و اجازه ملاقات هیچ زنی را با او نمی‌دادند.

۴- حضرت فاطمه علیها السّلام، او آنقدر عذاب و سختی کشید که می‌گفت: «آیا پدر من پیامبر خدا نیست که فرزندانش محافظت نمی‌شوند، چه زود گمراه شدید، و چه زود دین خدا را واژگون نمودید!».

و در رأس گریه‌کنندگان هشت نفر قرار دارند: ۱- آدم ۲- نوح ۳- یعقوب ۴- یوسف ۵- شعیب ۶- داود ۷- فاطمه علیها السّلام ۸- امام زین العابدین علیه السّلام.

امام صادق علیه السّلام فرموده: فاطمه علیها السّلام در فراق رسول خدا آنقدر گریست که مردم مدینه اظهار ناراحتی نمودند و به فاطمه علیها السّلام گفتند: گریه شبانه روزی تو ما را آزار می‌دهد، پس یا در شب گریه کن و یا در روز. بعد از آن حضرت فاطمه علیها السّلام به محلّ دفن شهدا می‌رفت و در آنجا گریه می‌کرد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۰۱/ ...- المناقب «۱» كِتَابُ أَبِي بَكْرٍ الشِّيرَازِيِّ وَ رَوَى أَبُو الْهُذَيْلِ عَنْ مُقَاتِلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَرَأَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ «۲» فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ- مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ «۳»

ترجمه (۱): علی علیه السّلام گوید: رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آیه إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ-: خداوند تو را انتخاب و تطهیر نمود- را قرائت نمود و به من فرمود:

ای علی! بهترین زنان دو عالم چهار نفر می‌باشند:

۱- مریم دختر عمران ۲- خدیجه دختر خویلد ۳- فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ۴- آسیه دختر مزاحم.

[متن عربی] ۱۰۲/ ...- المناقب «۱» أَبُو نُعَيْمٍ فِي الْحِلْيَةِ وَ ابْنُ الْبَيِّعِ فِي الْمُسْنَدِ وَ الْخَطِيبُ فِي التَّارِيخِ وَ ابْنُ بَطَّةَ فِي الْإِبَانَةِ وَ أَحْمَدُ السَّمْعَانِيُّ فِي الْفَضَائِلِ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنْ مَعْمَرٍ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ وَ رَوَى الثَّعْلَبِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ وَ السُّلَامِيُّ فِي تَارِيخِ خُرَاسَانَ وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ رَوَى الشَّعْبِيُّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ وَ رَوَى كُرَيْبٌ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ رَوَى مُقَاتِلٌ عَنْ سُلَيْمَانَ عَنِ الضَّحَّاكِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ قَدْ رَوَاهُ أَبُو مَسْعُودٍ وَ عَبْدُ الرَّزَّاقِ وَ أَحْمَدُ وَ إِسْحَاقُ كُلُّهُمْ عَنِ النَّبِيِّ ص وَ اللَّفْظُ لِلْحُلْيَةِ أَنَّهُ قَالَ ص حَسْبُكِ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ وَ فِي رِوَايَةِ مُقَاتِلٍ وَ الضَّحَّاكِ وَ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ أَفْضَلُهُنَّ فَاطِمَةُ

ترجمه (۱): پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرموده: زنان بزرگ عالمیان چهار نفر هستند:

۱- مریم بنت عمران ۲- خدیجه بنت خویلد ۳- فاطمه بنت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ۴- آسیه همسر فرعون و در روایت مقاتل و ضحّاک و عکرمه، از ابن عبّاس آمده: و برترین آنها حضرت فاطمه علیها السّلام می‌باشد.

این حدیث را ابن شهر آشوب (۵۸۸ ه)، از کتابهای زیر روایت نموده است:

۱- حلیة الاولیاء «۲»: ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ ه) ۲- مستدرک حاکم نیشابوری «۳» (۴۰۵ ه) ۳- تاریخ بغداد: خطیب بغدادی (۴۶۳ ه) ۴- الابانة: ابن بطه عکبری حنبلی (۳۸۷ ه) ۵- فضائل الصحابه: احمد سمعانی (۵۶۲ ه) ۶- تفسیر ثعلبی (۴۲۷ ه) ۷- تاریخ خراسان: ابو علی سلامی (۳۷۴ ه) ۸- اربعین: ابو صالح مؤذّن. «۱»

[متن عربی] ۱۰۳/ ...- المناقب «۱» الْفَضَائِلُ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْعُكْبَرِيِّ وَ مُسْنَدُ أَحْمَدَ بِإِسْنَادِهِمَا عَنْ كُرَيْبٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ ص سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ «۲»

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه (۱): برترین زنان بهشت چهار نفر هستند: ۱- مریم بنت عمران ۲- خدیجه بنت خویلد ۳- فاطمه بنت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ۴- آسیه همسر فرعون

[متن عربی] ۱۰۴/ ...- المناقب «۳» تَارِيخُ بَغْدَادَ «۴» بِإِسْنَادِ الْخَطِيبِ عَنْ حُمَيْدٍ الطَّوِيلِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ النَّبِيُّ ص خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ مَرْيَمَ ابنة عِمْرَانَ وَ آسِيَةَ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ وَ خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ

«۱» ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: بهترین زنان دو عالم چهار نفر هستند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

[متن عربی] ۱۰۵/ ...- المناقب «۱» ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ ص فَضَّلَهَا عَلَى سَائِرِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ رَوَتْ عَائِشَةُ وَ غَيْرُهَا عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ يَا فَاطِمَةُ أَبْشِرِي فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى نِسَاءِ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ خَيْرُ دِينٍ

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب گوید: همانا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حضرت فاطمه علیها السّلام را بر سایر زنان دو عالم- یعنی زنان دنیا و آخرت- برتری و فضیلت بخشید، عایشه و غیر او روایت کرده‌اند که رسول خدا می‌فرمود:

ای فاطمه! به تو بشارت می‌دهم که خداوند متعال تو را از میان کلیه زنان دو عالم، و زنان اسلام، برگزیده و تو را نسبت به آنان فضیلت و برتری عطا کرده است.

[متن عربی] ۱۰۶/ ...- المناقب «۲» حُذَيْفَةُ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ أَتَانِي مَلَكٌ فَبَشَّرَنِي أَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَوْ نِسَاءِ أُمَّتِي

ترجمه: (۱) حذیفه گوید: پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: فرشته‌ای نزد من آمد و گفت: تو را مژده می‌دهم که دخترت فاطمه بزرگ و سرور زنان بهشت، یا زنان امت من است.

[متن عربی] ۱۰۷/ ...- المناقب «۱» الْبُخَارِيُّ وَ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحَيْهِمَا وَ أَبُو السَّعَادَاتِ فِي فَضَائِلِ الْعَشَرَةِ وَ أَبُو بَكْرِ بْنُ شَيْبَةَ فِي أَمَالِيهِ وَ الدَّيْلَمِيُّ فِي فِرْدَوْسِهِ أَنَّهُ ص قَالَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

ترجمه: (۲) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: فاطمه برترین زنان بهشت است.

ابن شهر آشوب (۵۸۸ ه) این حدیث را از منابع ذیل گرفته است:۱- صحیح بخاری «۲» (۲۵۶ ه) ۲- صحیح مسلم «۳» (۲۶۱ ه) ۳- فضائل العشرة: ابو السعادات ۴- امالی ابی بکر بن ابی شیبه (۲۳۵ ه) ۵- مسند الفردوس: ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ ه) «۴»

[متن عربی] ۱۰۸/ ... المناقب «۱» حِلْيَةُ أَبِي نُعَيْمٍ «۲» رَوَى جَابِرُ بْنُ سَمُرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ «۳»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: همانا فاطمه برترین زنان در روز قیامت است.

[متن عربی] ۱۰۹/ ... المناقب «۴» تَارِيخُ الْبَلاذُرِيِّ «۵» أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ لِفَاطِمَةَ أَنْتِ أَسْرَعُ أَهْلِي لَحَاقاً بِي فَوَجَمَتْ فَقَالَ لَهَا أَ مَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَتَبَسَّمَتْ. بیان: وجم کوعد أی سکت علی غیظ

ترجمه: (۲) در انساب الاشراف آمده است که پیامبر به حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود: پس از فوت من، از میان خاندانم، تو اوّلین کسی هستی که به من می‌پیوندی، و فاطمه علیها السّلام با شنیدن این حرف غمگین شد، سپس رسول خدا فرمود: آیا راضی نیستی که بزرگ و سرور زنان بهشت باشی؟ و حضرت فاطمه با شنیدن این سخن خشنود گردیده و تبسّم نمود. بیان: (۱) «وجم» یعنی سکوت غم آلود.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۱۱۰/ ۴۰- المناقب «۱» الشَّعْبِيُّ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ أَسَرَّ النَّبِيُّ ص إِلَى فَاطِمَةَ شَيْئاً فَضَحِكَتْ فَسَأَلْتُهَا فَقَالَتْ قَالَ لِي أَ لَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَوْ نِسَاءِ أُمَّتِي

«۲» ترجمه: (۲) عایشه گفته است: روزی پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در گوش فاطمه علیها السّلام چیزی گفت و فاطمه خندید، من در باره علّت آن از وی سؤال کردم، گفت: پیامبر به من گفت: آیا راضی می‌شوی به اینکه سرور زنان بهشت یا سرور زنان امّت من باشی؟

[متن عربی] ۱۱۱ ...- المناقب: «۳» حِلْيَةُ الْأَوْلِيَاءِ «۴» وَ كِتَابُ الشِّيرَازِيِّ رَوَى عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ وَ جَابِرُ بْنُ سَمُرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ ص دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ كَيْفَ تَجِدِينَكِ يَا بُنَيَّةِ قَالَتْ إِنِّي لَوَجِعَةٌ وَ إِنَّهُ لَيَزِيدُنِي أَنَّهُ مَا لِي طَعَامٌ آكُلُهُ قَالَ يَا بُنَيَّةِ أَ مَا تَرْضَيْنَ أَنَّكِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ قَالَتْ يَا أَبَتِ فَأَيْنَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ قَالَ تِلْكِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّكِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِكِ أَمَ وَ اللَّهِ زَوَّجْتُكِ سَيِّداً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ «۵»

ترجمه: (۱) عمران بن حصین و جابر بن سمره روایت کرده‌اند: روزی پیامبر به خانه دخترش فاطمه رفته و فرمود: دخترم! خود را در چه حالی می‌بینی؟ فاطمه گفت: علاوه بر اینکه بیمار هستم، غذایی هم برای خوردن ندارم.

پیامبر فرمود: دخترم! آیا همین که سرور زنان دو عالم باشی راضیت نمی‌کند؟

فاطمه گفت: ای پدر! پس حضرت مریم چه می‌شود؟

پیامبر فرمود: مریم سرور و بزرگ زنان عالم خود بوده است و تو نیز بزرگ و سرور زنان زمان خویش هستی، و به خداوند سوگند! تو را به همسری آقا و سرور دنیا و آخرت درآوردم.

[متن عربی] ۱۱۲ ...- المناقب: «۱» وَ قِيلَ لِلصَّادِقِ ع قَوْلُ الرَّسُولِ ص- فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَيْ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا قَالَ ذَاكَ مَرْيَمُ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

«۲» ترجمه: (۲) ابن شهر آشوب گوید: به امام صادق علیه السّلام گفته شد: منظور رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از اینکه فرموده: «فاطمه سرور زنان بهشت است»، چیست؟ آیا او سرور زنان زمان خویش است؟ امام فرمود: این مقام به حضرت مریم تعلّق دارد و اوست که سرور زنان زمان خویش است ولی فاطمه سرور زنان بهشتی، از اوّلین و آخرین ایشان است.

[متن عربی] ۱۱۳ ...- المناقب: «۱» وَ فِی الْحَدِیثِ أَنَّ آسِیَةَ بِنْتَ مُزَاحِمٍ وَ مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ وَ خَدِیجَةَ یَمْشِینَ أَمَامَ فَاطِمَةَ کَالْحِجَابِ لَهَا إِلَی الْجَنَّةِ

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب گوید: در حدیث آمده که آسیه، مریم و خدیجه آن هنگام که فاطمه به سوی بهشت می‌رود، در مقابل او- و در کنار یک دیگر- مانند نگهبانان او، وی را به سوی بهشت همراهی می‌کنند.

[متن عربی] ۱۱۴ ...- المناقب: «۲» وَ سَأَلَ بزل الْهَرَوِیُّ الْحُسَیْنَ بْنَ رَوْحٍ ره فَقَالَ کَمْ بَنَاتُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَرْبَعٌ فَقَالَ أَیَّتُهُنَّ أَفْضَلُ فَقَالَ فَاطِمَةُ قَالَ وَ لِمَ صَارَتْ أَفْضَلَ وَ کَانَتْ أَصْغَرَهُنَّ سِنّاً وَ أَقَلَّهُنَّ صُحْبَةً لِرَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ لِخَصْلَتَیْنِ خَصَّهَا اللَّهُ بِهِمَا إِنَّهَا وَرِثَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْهَا وَ لَمْ یَخُصَّهَا بِذَلِکَ إِلَّا بِفَضْلِ إِخْلَاصٍ عَرَفَهُ مِنْ نِیَّتِهَا

وَ قَالَ الْمُرْتَضَی رَحِمَهُ اللَّهُ التَّفْضِیلُ هُوَ کَثْرَةُ الثَّوَابِ بِأَنْ یَقَعَ إِخْلَاصٌ وَ یَقِینٌ وَ نِیَّةٌ صَافِیَةٌ وَ لَا یَمْتَنِعُ مِنْ أَنْ تَکُونَ ع قَدْ فُضِّلَتْ عَلَی أَخَوَاتِهَا بِذَلِکَ وَ یُعْتَمَدُ عَلَی أَنَّهَا ع أَفْضَلُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ بِإِجْمَاعِ الْإِمَامِیَّةِ وَ عَلَی أَنَّهُ قَدْ ظَهَرَ مِنْ تَعْظِیمِ الرَّسُولِ ص لِشَأْنِ فَاطِمَةَ ع وَ تَخْصِیصِهَا مِنْ بَیْنِ سَائِرِهِنَّ مَا رُبَّمَا لَا یَحْتَاجُ إِلَی الِاسْتِدْلَالِ عَلَیْهِ

ترجمه: (۲) بزل هروی از حسین بن روح که از نوّاب خاص حضرت قائم عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف بوده، سؤال کرد: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم چند دختر داشته است؟ او جواب داد: چهار دختر.

هروی پرسید: کدام یک از آنها برتر بودند؟ ابن روح گفت: حضرت فاطمه علیها السّلام.

هروی پرسید: چرا فاطمه علیها السّلام برتر از سایرین بود در جایی که از نظر سنّ کوچکتر و از نظر مصاحبت با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سابقه‌اش کمتر بود؟

ابن روح فرمود: به سبب دو خصلت خداوند مقام او را برتر قرار داد:

۱- او وارث پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بود.

۲- نسل پیامبر از طرف او حفظ گردید و ادامه یافت.

و خداوند متعال فاطمه را به این فضیلت اختصاص نداد مگر به سبب اخلاص نیّتی که در فاطمه وجود داشت.

سیّد مرتضی (۴۳۶ ه) گوید: معنی افضل بودن این است که به واسطه اخلاص، یقین و نیّت پاک ثواب بیشتری نصیب شخص گردد، و هیچ مانعی ندارد که فاطمه علیها السّلام به همین جهت نسبت به خواهرانش فضیلت و

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

برتری داشته باشد، و این مطلب مورد قبول است که فاطمه به اتّفاق و اجماع علمای امامیّه، از کلیه زنان عالم برتر است و اینکه پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم او را در میان تمام زنان و دختران خویش، بیشتر مورد تمجید و احترام قرار می‌داد، برای اثبات برتری و فضیلت وی کافی است و این امر نیاز به استدلال ندارد.

[متن عربی]۱۱۵/ ...- المناقب: «۱» جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ «۲» وَ إِبَانَةُ الْعُكْبَرِيِّ وَ أَخْبَارُ فَاطِمَةَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الصَّوْلِيِّ وَ تَارِيخُ خُرَاسَانَ عَنِ السَّلَامِيِّ مُسْنَداً أَنَّ جُمَيْعاً التَّيْمِيَّ قَالَ دَخَلْتُ مَعَ عَمَّتِي عَلَى عَائِشَةَ فَقَالَتْ لَهَا عَمَّتِي مَا حَمَلَكِ عَلَى الْخُرُوجِ عَلَى عَلِيٍّ فَقَالَتْ عَائِشَةُ دَعِينَا فَوَ اللَّهِ مَا كَانَ أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عَلِيٍّ وَ لَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ

ترجمه: (۱) جمیع بن عمیر تیمی گوید: با عمّه‌ام به نزد عایشه رفتم، پس او به عایشه گفت: چه چیزی سبب شد که تو با علی علیه السّلام بجنگی؟

عایشه گفت: مرا به حال خود بگذار، به خداوند سوگند، از میان مردان و زنان، هیچ کس در نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم محبوبتر از علی و فاطمه علیهما السّلام نبود- از میان مردان علی علیه السّلام و از میان زنان فاطمه علیها السّلام.

[متن عربی] ۱۱۶/ ...- المناقب: «۱» فَضَائِلُ الْعَشَرَةِ عَنْ أَبِي السَّعَادَاتِ وَ فَضَائِلُ الصَّحَابَةِ عَنِ السَّمْعَانِيِّ وَ فِي رِوَايَاتٍ عَنِ الشَّرِيكِ وَ الْأَعْمَشِ وَ كَثِيرِ النَّوَّاءِ وَ ابْنِ الْحَجَّامِ كُلُّهُمْ عَنْ جُمَيْعِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ عَائِشَةَ وَ عَنْ أُسَامَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص وَ رُوِيَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص أَيُّ النِّسَاءِ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ فَاطِمَةُ قُلْتُ مِنَ الرِّجَالِ قَالَ زَوْجُهَا

ترجمه: (۱) عایشه، اسامه و بریده هر یک جداگانه گویند:از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پرسیدم: در میان زنان چه کسی در نزد شما محبوبتر است؟

فرمودند: فاطمه علیها السّلام. پرسیدم: از میان مردان چه کسی؟ فرمودند: همسرش علی بن ابی طالب علیه السّلام.

[متن عربی]۱۱۷/ ...- المناقب: «۱» جَامِعُ التِّرْمِذِيِّ «۲» قَالَ بُرَيْدَةُ كَانَ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَاطِمَةُ وَ مِنَ الرِّجَالِ عَلِيٌّ

ترجمه: (۲) بریده اسلمی گوید: همانا محبوبترین زنان در نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه و محبوبترین مردان علی علیه السّلام بودند.

[متن عربی] ۱۱۸/ ...- المناقب: «۳» قُوتُ الْقُلُوبِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ الْمَكِّيِّ وَ الْأَرْبَعِينُ عَنْ أَبِي صَالِحٍ الْمُؤَذِّنِ- وَ فَضَائِلُ الصَّحَابَةِ عَنْ أَحْمَدَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ سُفْيَانَ وَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي الْجَحَّافِ عَنْ جُمَيْعٍ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهُ قَالَ عَلِيٌّ

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

لِلنَّبِیِّ ص لَمَّا جَلَسَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ فَاطِمَةَ وَ هُمَا مُضْطَجِعَانِ أَیُّنَا أَحَبُّ إِلَیْکَ أَنَا أَوْ هِیَ فَقَالَ ص هِیَ أَحَبُّ إِلَیَّ وَ أَنْتَ أَعَزُّ عَلَیَّ مِنْهَا

ترجمه: (۱) عایشه گوید: یک روز رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در بین علی و فاطمه علیهما السّلام نشسته بود، پس علی علیه السّلام به پیامبر گفت: کدام یک از ما در نزد شما محبوبتر است؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: فاطمه علیها السّلام محبوبتر و تو عزیزتر می‌باشی «۱».

[متن عربی] ۱۱۹- .../ المناقب: «۱» وَ فِی خَبَرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ افْتَخَرَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ بِفَضَائِلِهِمَا فَأَخْبَرَ جَبْرَئِیلُ النَّبِیَّ ص أَنَّهُمَا قَدْ أَطَالا الْخُصُومَةَ فِی مَحَبَّتِکَ فَاحْکُمْ بَیْنَهُمَا فَدَخَلَ وَ قَصَّ عَلَیْهِمَا مَقَالَتَهُمَا ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَی فَاطِمَةَ وَ قَالَ لَکِ حَلَاوَةُ الْوَلَدِ وَ لَهُ عِزُّ الرِّجَالِ وَ هُوَ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْکِ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ وَ الَّذِی اصْطَفَاکَ وَ اجْتَبَاکَ وَ هَدَاکَ وَ هَدَی بِکَ الْأُمَّةَ لَا زِلْتُ مُقِرَّةً لَهُ مَا عِشْتُ

«۲» ترجمه: (۱) جابر بن عبد اللّه گوید: روزی علی و فاطمه هر یک فضائل و مناقب خویش را برای دیگری بیان می‌نمودند، پس جبرئیل به پیامبر خبر داد که آن دو راجع به محبت تو گفتگو طولانی دارند پس برخیز و در میان ایشان قضاوت کن.

پیامبر نزد آنها آمده و گفتگوهای آنها را بر ایشان بازگو نمود و سپس خطاب به فاطمه علیها السّلام فرمود: تو نزد من حلاوت فرزندی را داری و علی عزّت مردان را، و او در نزد من محبوبتر است.

فاطمه علیها السّلام فرمود: سوگند به خدایی که تو را برگزید و هدایتت فرمود و به وسیله تو این امّت را راهنمایی کرد، من تا زمانی که زنده هستم به این امر اقرار و باور دارم.

[متن عربی] ۱۲۰/ ...- المناقب: «۱» عَامِرٌ الشَّعْبِیُّ وَ الْحَسَنُ الْبَصْرِیُّ وَ سُفْیَانُ الثَّوْرِیُّ وَ مُجَاهِدٌ وَ ابْنُ جُبَیْرٍ وَ جَابِرٌ الْأَنْصَارِیُّ وَ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ وَ جَعْفَرٌ الصَّادِقُ ع عَنِ النَّبِیِّ ص أَنَّهُ قَالَ إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی فَمَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِی - أَخْرَجَهُ الْبُخَارِیُّ عَنِ الْمِسْوَرِ بْنِ مَخْرَمَةَ «۲»

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرموده: همانا فاطمه علیها السّلام پاره تن من است، پس هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک کرده است.

این روایت را از اشخاص ذیل نقل کرده‌اند: ۱- عامر شعبی ۲- حسن بصری ۳- سفیان ثوری ۴- مجاهد ۵- ابن جبیر ۶- جابر بن عبد اللّه انصاری ۷- امام محمّد باقر علیه السّلام ۸- امام جعفر صادق علیه السّلام ۹- مسور بن مخرمه.

[متن عربی] ۱۲۱/ ...- المناقب: «۱» وَ فِی رِوَایَةِ جَابِرٍ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَی اللَّهَ «۲»

ترجمه: (۱) و در روایت جابر بن عبد اللّه از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمده است که فرمود:

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فاطمه پاره تن من است، پس هر که او را آزار دهد مرا آزرده است و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است.

[متن عربی] ۱۲۲/ ...- المناقب: «۳» وَ فِی مُسْلِمٍ «۴» وَ الْحِلْیَةِ «۵» إِنَّمَا فَاطِمَةُ ابْنَتِی بَضْعَةٌ مِنِّی یُرِیبُنِی مَا أَرَابَهَا وَ یُؤْذِینِی مَا آذَاهَا «۱»

بیان قال الجزری و - فی الحدیث فاطمة بضعة منی البضعة بالفتح القطعة من اللحم و قد تکسر أی إنها جزء منی کما أن القطعة من اللحم جزء من اللحم و قال و - فی حدیث فاطمة یریبنی ما یریبها أی یسوؤنی ما یسوؤها و یزعجنی ما یزعجها یقال رابنی هذا الأمر و أرابنی إذا رأیت منه ما تکره

ترجمه: (۱) و در صحیح مسلم و حلیة الاولیاء از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آورده‌اند:

همانا فاطمه پاره تن من است، هر چه او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده و آنچه او را اذیت کند مرا اذیت کرده است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۱۲۳/ ۴۱ ...- المناقب «۱» سَعْدُ بْنُ أَبِی وَقَّاصٍ سَمِعْتُ النَّبِیَّ ص یَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِی وَ مَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِی «۲»

ترجمه: (۱) سعد بن ابی وقاص گوید: فاطمه پاره تن من است، هر که او را خشنود کند مرا خشنود نموده و هر که به وی بدی کند به من بدی کرده است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۱۲۴/ ...- المناقب «۱» سَعْدُ بْنُ أَبِی وَقَّاصٍ وَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّ ص یَقُولُ فَاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِیَّةِ عَلَیَّ «۲»

ترجمه: (۱) سعد بن ابی وقاص گوید: شنیدم که پیامبر می‌فرمود: فاطمه عزیزترین مردم در نزد من است.

[متن عربی] ۱۲۵/ ...- المناقب: «۱» مُسْتَدْرَکُ الْحَاکِمِ «۲» عَنْ أَبِی سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ وَ حِلْیَةُ «۳» أَبِی نُعَیْمٍ عَنِ الزُّهْرِیِّ وَ ابْنُ أَبِی مُلَیْکَةَ وَ الْمِسْوَرُ بْنُ مَخْرَمَةَ أَنَّ النَّبِیَّ ص قَالَ إِنَّمَا فَاطِمَةُ شِجْنَةٌ مِنِّی یَقْبِضُنِی مَا یَقْبِضُهَا وَ یَبْسُطُنِی مَا یَبْسُطُهَا

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: همانا فاطمه شعبه و بخشی از وجود من است، آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده، و آنچه وی را خوشحال نماید مرا خوشحال نموده است.

[متن عربی] ۱۲۶/ ...- المناقب: «۱» وَ جَاءَ سَهْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ إِلَی عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ فَقَالَ إِنَّ قَوْمَکَ یَقُولُونَ إِنَّکَ تُؤْثِرُ عَلَیْهِمْ وُلْدَ فَاطِمَةَ فَقَالَ عُمَرُ سَمِعْتُ الثِّقَةَ مِنَ الصَّحَابَةِ أَنَّ النَّبِیَّ ص قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی یُرْضِینِی مَا أَرْضَاهَا وَ یُسْخِطُنِی مَا أَسْخَطَهَا فَوَ اللَّهِ إِنِّی لَحَقِیقٌ أَنْ أُطْلُبَ رِضَی رَسُولِ اللَّهِ وَ رِضَاهُ وَ رِضَاهَا فِی رِضَی وُلْدِهَا «۲» وَ قَدْ عَلِمُوا أَنَّ النَّبِیَّ یَسُرُّهُ مَسَرَّتُهَا جِداً وَ یَشْنَی اغْتِمَامُهَا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

أقول: قوله ص هذا یدل علی عصمتها لأنها لو کانت ممن تقارف الذنوب لم یکن مؤذیها مؤذیا لـه ص علـی کـل حال بل کان من فعل المستحق من ذمها و إقامة الحد إن کان الفعل یقتضیه سارا له ص و مطیعا

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب روایت کرده است: سهل بن عبد اللّه نزد عمر بن عبد العزیز آمـد و گفـت: قـوم تـو می‌گویند که تو فرزندان فاطمه [علیهما السلام] را بر آنان مقدّم می‌داری؟

عمر بن عبد العزیز گفت: از صحابه ثقه پیامبر نقل شده که ایشان فرمودند: «فاطمه پاره تن من است، هر که او را راضی کند مرا راضی کرده و هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک کرده است»، پس به خداوند سـوگند مـن سزاوارترم- به عنوان خلیفه مسلمانان- بر این که رضایت پیامبر خدا را به دست آورم، و اکنون رضایت رسـول خدا و فاطمه در رضایت فرزندان فاطمه است.

حقّا که دانستند مسرور بودن فاطمه شادمانی پیامبر اسـت* و دانسـتند کـه غمگـین بـودن او پیـامبر را غمنـاک می‌سازد علامه مجلسی گوید: این سخن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در بـاره دختـرش فاطمـه علیهـا السّلام معصوم بودن حضرت فاطمه را اثبات می‌کند زیرا اگر حضرت فاطمه از کسانی بود که گناه از آنها صادر می‌شود، ناراحتی وی سبب ناراحتی پیامبر نمی‌گردید بلکه او به دلیل معصـیتی کـه مرتکـب شـده بـود شایسـته ناراحتی و مذمّت بود و پیامبر از آن ناراحتی نه تنها غمگین نمی‌گشت بلکه مسرور می‌گردید.

[متن عربی] ۱۲۷/ ...- المناقب: «۱» أَبُو ثَعْلَبَةَ الْخُشَنِیُّ قَالَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا قَدِمَ مِنْ سَـفَرِهِ یَـدْخُلُ عَلَـی فَاطِمَةَ فَدَخَلَ عَلَیْهَا فَقَامَتْ إِلَیْهِ وَ اعْتَنَقَتْهُ وَ قَبَّلَتْ بَیْنَ عَیْنَیْهِ

ترجمه: (۱) ابو ثعلبه خشنی گوید: هر گاه رسول خدا از مسافرتی بـازمی‌گشـت ابتـدا بـه نـزد دختـرش فاطمـه می‌رفت، و چون بر او وارد می‌شد فاطمه برمی‌خاست و با پیامبر معانقه می‌کرد و میان دو چشم او را می‌بوسید.

[متن عربی] ۱۲۸/ ...- المناقب: «۲» الْأَرْبَعِینُ عَنِ ابْنِ الْمُؤَذِّنِ بِإِسْنَادِهِ عَـنِ النَّضْـرِ بْـنِ شُـمَیْلٍ عَـنْ مَیْسَـرَةَ عَـنِ الْمِنْهَالِ عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ طَلْحَةَ عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ أَبِی بَکْرٍ وَ فِی فَضَائِلِ السَّمْعَانِیِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عِکْرِمَةَ قَالا کَـانَ النَّبِـیُّ ص إِذَا قَدِمَ مِنْ مَغَازِیهِ قَبَّلَ فَاطِمَةَ «۳»

ترجمه: (۲) عایشه گوید: هر گاه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از جنگ بازمی‌گشت بـه دیـدن فاطمـه می‌آمد و او را می‌بوسید.

[متن عربی] ۱۲۹/ ...- المناقب: «۴» وَ رَوَوْا عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ فَاطِمَةَ کَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص قَامَ لَهَـا مِنْ مَجْلِسِهِ وَ قَبَّلَ رَأْسَهَا وَ أَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ وَ إِذَا جَاءَ إِلَیْهَا لَقِیَتْهُ وَ قَبَّلَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ وَ جَلَسَا مَعاً «۱»

ترجمه: (۱) عایشه گوید: هر گاه فاطمه [علیها السّلام] نزد پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌آمد پیامبر از جای خود برمی‌خاست، سر فاطمه را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشانید، و هر گاه رسول خدا صلّی اللّـه

علیه و آله و سلّم به نزد فاطمه علیها السّلام می‌رفت و فاطمه او را ملاقات می‌نمود، یک دیگر را می‌بوسیدند و در کنار هم می‌نشستند.

[متن عربی] ۱۳۰/ ...- المناقب: «۱» أَبُو السَّعَادَاتِ فِی فَضَائِلِ الْعَشَرَةِ وَ ابْنُ الْمُؤَذِّنِ فِی الْأَرْبَعِینِ بِالْإِسْنَادِ عَنْ عِکْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ عَنْ أَبِی ثَعْلَبَةَ الْخُشَنِیِّ وَ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالُوا کَانَ النَّبِیُّ ص إِذَا أَرَادَ سَفَراً کَانَ آخِرَ النَّاسِ عَهْداً بِفَاطِمَةَ وَ إِذَا قَدِمَ کَانَ أَوَّلَ النَّاسِ عَهْداً بِفَاطِمَةَ وَ لَوْ لَمْ یَکُنْ لَهَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَی فَضْلٌ عَظِیمٌ لَمْ یَکُنْ رَسُولُ اللَّهِ ص یَفْعَلُ مَعَهَا ذَلِکَ إِذْ کَانَتْ وَلَدَهُ وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ بِتَعْظِیمِ الْوَلَدِ لِلْوَالِدِ وَ لَا یَجُوزُ أَنْ یَفْعَلَ مَعَهَا ذَلِکَ وَ هُوَ بِضِدِّ مَا أَمَرَ بِهِ أُمَّتَهُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَی

ترجمه: (۱) هر گاه پیامبر تصمیم به مسافرت می‌گرفت آخرین کسی را که به دیدارش می‌رفت حضرت فاطمه علیها السّلام بود و هنگامی که از سفر بازمی‌گشت اوّلین کسی را که ملاقات می‌کرد فاطمه بود.

عبد اللّه بن عمر گوید: اگر در نزد خداوند متعال، فضل عظیمی برای فاطمه علیها السّلام وجود نداشت هرگز رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با او چنین رفتاری نمی‌کرد زیرا فاطمه فرزند رسول خدا بود و خداوند تعظیم فرزند بر پدر را فرمان داده و جایز نبوده که رسول خدا با دخترش چنین رفتاری داشته باشد- مگر آنکه برای این بانو مقام عظیم در نزد خداوند متعال وجود داشته باشد.

[متن عربی] ۱۳۱/ ...- المناقب: «۱» أَبُو سَعِیدٍ الْخُدْرِیُّ قَالَ کَانَتْ فَاطِمَةُ مِنْ أَعَزِّ النَّاسِ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص فَدَخَلَ عَلَیْهَا یَوْماً وَ هِیَ تُصَلِّی فَسَمِعَتْ کَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِی رَحْلِهَا فَقَطَعَتْ صَلَاتَهَا وَ خَرَجَتْ مِنَ الْمُصَلَّی فَسَلَّمَتْ عَلَیْهِ فَمَسَحَ یَدَهُ عَلَی رَأْسِهَا وَ قَالَ یَا بُنَیَّةِ کَیْفَ أَمْسَیْتِ رَحِمَکِ اللَّهُ عَشِّینَا غَفَرَ اللَّهُ لَکِ وَ قَدْ فَعَلَ

ترجمه: (۲) ابو سعید خدری گوید: فاطمه علیها السّلام در نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عزیزترین مردم بود، و در یکی از روزها که فاطمه علیها السّلام مشغول نماز بود رسول خدا نزد وی آمد و فاطمه تا صدای پای رسول خدا را شنید، نماز را قطع نموده از مصلّای خود خارج شده به وی سلام کرد، سپس رسول خدا دست خود را بر سر فاطمه کشیده و گفت: دخترم! خدا تو را رحمت کند، و مورد غفران قرار دهد که داده است، امروز را چگونه گذراندی؟

[متن عربی] ۱۳۲/ ...- المناقب: «۱» أَخْبَارُ فَاطِمَةَ عَنْ أَبِی عَلِیٍّ الصَّوْلِیِّ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَی فَاطِمَةَ فَقَدَّمَتْ إِلَیْهِ کِسْرَةً یَابِسَةً مِنْ خُبْزِ شَعِیرٍ فَأَفْطَرَ عَلَیْهَا ثُمَّ قَالَ یَا بُنَیَّةِ هَذَا أَوَّلُ خُبْزٍ أَکَلَ أَبُوکِ مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَیَّامٍ فَجَعَلَتْ فَاطِمَةُ تَبْکِی وَ رَسُولُ اللَّهِ یَمْسَحُ وَجْهَهَا بِیَدِهِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) عبد اللّه بن حسن گوید: روزی رسول خدا نزد فاطمه آمد و فاطمه تکّه‌ای نان جوی خشک شده داشت که آن را برای افطار به حضور پیامبر آورد و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با آن افطار نمود و پس از آن گفت: دخترم! این اوّلین نانی است که پدرت پس از سه روز می‌خورد.

حضرت فاطمه علیها السّلام با شنیدن این سخن گریان شد و رسول خدا با دستش چهره او را لمس کرده و اشکهایش را پاک می‌کرد.

[متن عربی] ۱۳۳/ ...- المناقب: «۲» أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِی الْأَرْبَعِینَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ شُعْبَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص یَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی لَمَّا أَمَرَنِی أَنْ أُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِیٍّ فَفَعَلْتُ فَقَالَ لِی جَبْرَئِیلُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی بَنَی جَنَّةً مِنْ لُؤْلُؤَةٍ بَیْنَ کُلِّ قَصَبَةٍ إِلَی قَصَبَةٍ لُؤْلُؤَةٌ مِنْ یَاقُوتٍ مُشَذَّرَةٌ بِالذَّهَبِ وَ جَعَلَ سُقُوفَهَا زَبَرْجَداً أَخْضَرَ وَ جَعَلَ فِیهَا طَاقَاتٍ مِنْ لُؤْلُؤٍ مُکَلَّلَةٍ بِالْیَاقُوتِ ثُمَّ جَعَلَ غُرَفَهَا لَبِنَةً مِنْ ذَهَبٍ وَ لَبِنَةً مِنْ فِضَّةٍ وَ لَبِنَةً مِنْ دُرٍّ وَ لَبِنَةً مِنْ یَاقُوتٍ وَ لَبِنَةً مِنْ زَبَرْجَدٍ ثُمَّ جَعَلَ فِیهَا عُیُوناً تَنْبُعُ مِنْ نَوَاحِیهَا وَ حُفَّتْ بِالْأَنْهَارِ وَ جَعَلَ عَلَی الْأَنْهَارِ قِبَاباً مِنْ دُرٍّ قَدْ شُعِّبَتْ بِسَلَاسِلِ الذَّهَبِ وَ حُفَّتْ بِأَنْوَاعِ الشَّجَرِ وَ بَنَی فِی کُلِّ غُصْنٍ قُبَّةً وَ جَعَلَ فِی کُلِّ قُبَّةٍ أَرِیکَةً مِنْ دُرَّةٍ بَیْضَاءَ غِشَاؤُهَا السُّنْدُسُ وَ الْإِسْتَبْرَقُ وَ فَرَشَ أَرْضَهَا بِالزَّعْفَرَانِ وَ فَتَقَ بِالْمِسْکِ وَ الْعَنْبَرِ وَ جَعَلَ فِی کُلِّ قُبَّةٍ حَوْرَاءَ وَ الْقُبَّةُ لَهَا مِائَةُ بَابٍ عَلَی کُلِّ بَابٍ جَارِیَتَانِ وَ شَجَرَتَانِ فِی کُلِّ قُبَّةٍ مِفْرَشٌ وَ کِتَابٌ مَکْتُوبٌ حَوْلَ الْقِبَابِ آیَةُ الْکُرْسِیِّ فَقُلْتُ یَا جَبْرَئِیلُ لِمَنْ بَنَی اللَّهُ هَذِهِ الْجَنَّةَ قَالَ بَنَاهَا لِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ ابْنَتِکَ سِوَی جِنَانِهِمَا تُحْفَةً أَتْحَفَهُمَا اللَّهُ وَ لْتَقَرَّ بِذَلِکَ عَیْنُکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ بیان قوله لؤلؤ من یاقوت لعل المعنی أنها فی صفاء اللؤلؤ و لون الیاقوت و لا یبعد أن تکون من زائدة من النساخ أو یکون الظرف متعلقا بقوله مشذرة أی اللؤلؤ مرصعة من الیاقوت بالذهب قال الفیروزآبادی الشذر قطع من الذهب تلقط من معدنه بلا إذابة أو خرز یفصل بها النظم أو هو اللؤلؤ الصغار.

قوله قد شعبت الشعب الجمع و التفریق و لعل الأظهر هنا الأول و قال الفیروزآبادی الأریکة کسفینة سریر فی حجلة أو کل ما یتکأ علیه من سریر و منصة و فراش أو سریر منجد مزین فی قبة أو بیت فإذا لم یکن فیه سریر فهو حجلة و السندس الرقیق من الحریر و الإستبرق الغلیظ منه.

قوله و فتق أی جعل بین الزعفران المسک و العنبر أو بین فرشها المبسوطة من الفتق بمعنی الشق و المفرش کمنبر شیء کالشاذکونة

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: خداوند متعال به من فرمان داد تا فاطمه را به ازدواج علی در آورم، پس از انجام این فرمان جبرئیل گفت: همانا خدای تعالی بهشتی از لؤلؤ که بین هر قصبه آن با

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

قصبه دیگر یاقوتی است مرصّع به طلا، و سقفهای آن از زبرجد سبز، و اطاقهای آن مروارید یاقوت نشان می‌باشد، بنا نمود.

سپس خداوند متعال غرفه‌های آن را از طلا، نقره، یاقوت و زبرجد قرار داد، و در بهشت چشمه‌هایی آفرید که در همه جای آن جریان دارند و بر نهرهایی که از آن چشمه‌ها ایجاد شده‌اند قبّه‌هایی که با زنجیره‌های طلایی آراسته شده‌اند، قرار داد که در اطراف آنها انواع درختان میوه روییده‌اند، و بر هر شاخه‌ای از آن درختان قبّه‌ای بنا شده، و بر هر یک از آنها تختی از جواهرات سفید نهاده شده، و بر اطراف آنها پرده‌هایی از جنس پشم و ابریشم گسترانیده و زمین آن را با زعفران پوشانیده است. پس آن تختها به وسیله مشک و زعفران خوشبو شده و در هر قبّه‌ای نیز دو درخت است که به صورت فرش بر زمین آن گسترانده‌اند و در اطراف بیرونی قبه‌ها آیة الکرسی نوشته شده است.

پیامبر گوید: به جبرئیل گفتم: این بهشت برای چه کسی بنا شده؟

گفت: برای علی و فاطمه، و این غیر از بهشت‌هایی است که خداوند به آنها تحفه نموده و آنها نیز همه مثل همین هستند. و خداوند از آن جهت آنها را به این نعمتها مفتخر نموده است که تو شادمان و خوشحال شوی.

[متن عربی] ۲، ۱۴، ۱۵، ۱ ۱۳۴/ ... ۴۲- المناقب «۱» ابْنُ عَبْدِ رَبِّهِ الْأَنْدُلُسِيُّ فِي الْعِقْدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ فِي خَبَرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ قَالَ دَخَلَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى جَدِّهِ ص وَ هُوَ يَتَعَثَّرُ بِذَيْلِهِ فَأَسَرَّ إِلَى النَّبِيِّ ص سِرّاً فَرَأَيْتُهُ وَ قَدْ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ ثُمَّ قَامَ النَّبِيُّ ص حَتَّى أَتَى مَنْزِلَ فَاطِمَةَ فَأَخَذَ بِيَدِهَا فَهَزَّهَا إِلَيْهِ هَزّاً قَوِيّاً ثُمَّ قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِيَّاكِ وَ غَضَبَ عَلِيٍّ فَإِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِغَضَبِهِ وَ يَرْضَى لِرِضَاهُ ثُمَّ جَاءَ عَلِيٌّ فَأَخَذَ النَّبِيُّ ص بِيَدِهِ ثُمَّ هَزَّهَا إِلَيْهِ هَزّاً خَفِيفاً ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِيَّاكَ وَ غَضَبَ فَاطِمَةَ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَغْضَبُ لِغَضَبِهَا وَ تَرْضَى لِرِضَاهَا فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَضَيْتَ مَذْعُوراً وَ قَدْ رَجَعْتَ مَسْرُوراً فَقَالَ يَا مُعَاوِيَةُ كَيْفَ لَا أَسُرُّ وَ قَدْ أَصْلَحْتُ بَيْنَ اثْنَيْنِ هُمَا أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ

- وَ فِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ وَ حَبِيبِ بْنِ ثَابِتٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ أَحَبُّ اثْنَيْنِ فِي الْأَرْضِ إِلَى

قَالَ ابْنُ بَابَوَيْهِ هَذَا غَيْرُ مُعْتَمَدٍ لِأَنَّهُمَا مُنَزَّهَانِ أَنْ يَحْتَاجَا أَنْ يُصْلِحَ بَيْنَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص

۱۳۵/ ...- المناقب: «۲» الْبَاقِرُ وَ الصَّادِقُ ع أَنَّهُ كَانَ النَّبِيُّ ص لَا يَنَامُ حَتَّى يُقَبِّلَ عُرْضَ وَجْهِ فَاطِمَةَ يَضَعُ وَجْهَهُ بَيْنَ ثَدْيَيْ فَاطِمَةَ وَ يَدْعُو لَهَا وَ فِي رِوَايَةٍ حَتَّى يُقَبِّلَ عُرْضَ وَجْنَةِ فَاطِمَةَ

ترجمه: (۱) امام باقر و صادق علیهما السّلام گویند: هنگامی که فاطمه علیها السّلام کوچک بود، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نمی‌خوابید تا اینکه صورت فاطمه را می‌بوسید و سرش را بر سینه فاطمه می‌گذارد و برای او دعا می‌کرد. و در روایت دیگری آمده است: تا اینکه گونه‌های فاطمه را می‌بوسید.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۳۶/ ...- المناقب: «۱» أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيُّ وَ ابْنُ شِهَابٍ الزُّهْرِيُّ وَ ابْنُ الْمُسَيَّبِ كُلُّهُمْ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ وَ أَبُو مُعَاذٍ النَّحْوِيُّ الْمَرْوَزِيُّ وَ أَبُو قَتَادَةَ الْحَرَّانِيُّ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ هَاشِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ وَ الْخَرْكُوشِيُّ فِي شَرَفِ النَّبِيِّ وَ الْأُشْنُهِيُّ فِي الِاعْتِقَادِ وَ السَّمْعَانِيُّ فِي الرِّسَالَةِ وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ وَ أَبُو السَّعَادَاتِ فِي الْفَضَائِلِ وَ مِنْ أَصْحَابِنَا أَبُو عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءُ وَ غَيْرُهُ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ فَأَنْكَرَتْ عَلَيْهِ بَعْضُ نِسَائِهِ فَقَالَ ص إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جَبْرَئِيلُ فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَاوَلَنِي مِنْ رُطَبِهَا فَأَكَلْتُهَا فِي رِوَايَةٍ فَنَاوَلَنِي مِنْهَا تُفَّاحَةً فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَكُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي «۲»

ترجمه: (۱) امام صادق علیه السّلام، سعد بن ابی وقاص و عایشه روایت کرده‌اند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حضرت فاطمه را زیاد می‌بوسید لذا برخی از زنان «۱» پیامبر حسد ورزیده و به پیامبر معترض شدند، پس پیامبر فرمود:

همانا در زمان معراج جبرئیل دست مرا گرفت و داخل بهشت نمود و از خرمای بهشتی به من داد که آن را خوردم- و در روایتی به جای خرما، سیب گفته شده- و در اثر آن نطفه‌ای در صلب من پدید آمد، هنگامی که به زمین بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و خدیجه به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریّه‌ای انسانی است که هر گاه اشتیاق بوی بهشت پیدا می‌کنم، بوی او را استشمام می‌نمایم.

ابن شهر آشوب این حدیث را از کتابهای ذیل روایت نموده است:

۱- کتاب ابو بکر شافعی، از ابن شهاب و ابن مسیّب و آنها را از سعد بن وقّاص. و از ابو معاذ نحوی و ابو قتاده حرّانی، از سفیان ثوری، از هشام بن عروه، از عروه و او از عایشه.

۲- شرف النبی: خرگوشی ۳- کتاب الاعتقاد: اشنهی ۴- کتاب الرسالة: سمعانی ۵- اربعین: ابو صالح مؤذّن ۶- فضائل العشرة: ابو السّعادات

[متن عربی] ۱۳۷/ ...- المناقب: «۱» وَ دَخَلَ النَّبِيُّ ص عَلَى فَاطِمَةَ فَرَآهَا مُنْزَعِجَةً فَقَالَ لَهَا مَا بِكِ فَقَالَتْ- الْحُمَيْرَاءُ افْتَخَرَتْ عَلَى أُمِّي أَنَّهَا لَمْ تَعْرِفْ رَجُلًا قَبْلَكَ وَ إِنَّ أُمِّي عَرَفَتْهَا مُسِنَّةً فَقَالَ ص إِنَّ بَطْنَ أُمِّكِ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وِعَاءً

ترجمه: (۱) روزی پیامبر خدا نزد فاطمه آمد و دید که وی ناراحت و غمگین است، پرسید:

چه شده است؟ فاطمه گفت: عایشه بر مادرم خدیجه فخر فروشی کرده و می‌گوید: من قبل از پیامبر با کسی ازدواج نکرده بودم در حالی که مادر تو چنین نبود، من جوان هستم در حالی که او پیر زن بوده است.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهزا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به فاطمه فرمود: رحم مادر تو این لیاقت و شایستگی را داشت که فرزندی در خود پرورش دهد که امامان و رهبران این امّت از او به وجود آیند.

[متن عربی] ۱۳۸/ ...- المناقب: «۱» ابْنُ عَبْدِ رَبِّه فِی الْعِقْدِ إِنَّ الْمَهْدِیَّ رَأَی فِی مَنَامِه شَرِیکاً الْقَاضِیَ مَصْرُوفاً وَجْهُهُ عَنْهُ فَلَمَّا انْتَبَهَ قَصَّ رُؤْیَاهُ عَلَی الرَّبِیعِ فَقَالَ إِنَّ شَرِیکاً مُخَالِفٌ لَکَ وَ إِنَّهُ فَاطِمِیٌّ مَحْضاً قَالَ الْمَهْدِیُّ عَلَیَّ بِشَرِیکٍ فَأُتِیَ بِه فَلَمَّا دَخَلَ عَلَیْه قَالَ بَلَغَنِی أَنَّکَ فَاطِمِیٌّ قَالَ أُعِیذُکَ بِاللَّه أَنْ تَکُونَ غَیْرَ فَاطِمِیٍّ إِلَّا أَنْ تَعْنِیَ فَاطِمَةَ بِنْتَ کِسْرَی قَالَ لَا وَ لَکِنْ أَعْنِی فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ قَالَ فَتَلْعَنُهَا قَالَ لَا مَعَاذَ اللَّه قَالَ فَمَا تَقُولُ فِی مَنْ یَلْعَنُهَا قَالَ عَلَیْه لَعْنَةُ اللَّه قَالَ فَالْعَنْ هَذَا یَعْنِی الرَّبِیعَ قَالَ لَا وَ اللَّه مَا أَلْعَنُهَا یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ لَهُ شَرِیکٌ یَا مَاجِنُ فَمَا ذِکْرُکَ لِسَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ ابْنَةِ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ فِی مَجَالِسِ الرِّجَالِ قَالَ الْمَهْدِیُّ فَمَا وَجْهُ الْمَنَامِ قَالَ إِنَّ رُؤْیَاکَ لَیْسَتْ بِرُؤْیَا یُوسُفَ ع وَ إِنَّ الدِّمَاءَ لَا تُسْتَحَلُّ بِالْأَحْلَامِ وَ أُتِیَ بِرَجُلٍ شَتَمَ فَاطِمَةَ إِلَی الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِیعِ فَقَالَ لِابْنِ غَانِمٍ انْظُرْ فِی أَمْرِه مَا تَقُولُ قَالَ یَجِبُ عَلَیْه الْحَدُّ قَالَ لَهُ الْفَضْلُ هِیَ ذَا أُمُّکَ إِنْ حَدَّدْتَهُ فَأَمَرَ بِأَنْ یُضْرَبَ أَلْفَ سَوْطٍ وَ یُصْلَبَ فِی الطَّرِیقِ

ترجمه: (۱) ابن عبد ربّه اندلسی (۳۲۸ ه) روایت کرده است: مهدی عبّاسی در خواب دید که «شریک» قاضی صورت خود را از او برگردانیده، هنگامی که از خواب بیدار شد این خواب را برای ربیع که در آن زمان معبّر خواب بود تعریف کرد و تعبیر آن را خواست. ربیع گفت: شریک با تو مخالف و از دوستداران فاطمه علیها السّلام می‌باشد. مهدی عبّاسی دستور داد تا شریک را به نزد وی بیاورند، پس او را حاضر کردند و مهدی عبّاسی به وی گفت: به من گزارش شده است که تو فاطمی هستی- یعنی از دوستداران فاطمه و شیعه می‌باشی- شریک گفت: پناه می‌برم به خداوند از اینکه غیر فاطمی باشم، آیا منظور شما از فاطمه، فاطمه دختر کسری پادشاه ایران است؟ مهدی گفت: نه، مقصودم فاطمه دختر رسول خداست. شریک گفت: پس آیا تو فاطمه را پلید می‌دانی و او را لعن می‌کنی؟ مهدی عبّاسی گفت: هرگز، پناه بر خدا. شریک گفت: پس در باره کسی که او را لعن می‌کند چه می‌گویی؟ مهدی گفت: خدا چنین کسی را لعنت کند.

شریک گفت: پس ربیع را لعن کن. ربیع گفت: نه، ای امیر مؤمنان! به خداوند سوگند که من هرگز فاطمه را لعن نکرده‌ام. در این حال شریک به ربیع گفت: ای بد طینت! پس آن همه سخنانی که در مجالس مردان در باره سیده زنان دو عالم و دختر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می‌گفتی چه بود؟ مهدی گفت: پس تعبیر خوابی که من دیده‌ام چیست؟ شریک گفت: خواب تو که خواب یوسف نیست، و همانا خونها به واسطه خوابها حلال نمی‌شوند.

و همین نویسنده در کتابش عقد الفرید نقل کرده است:

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

روزی مردی را نزد فضل بن ربیع آوردند که به حضرت فاطمه علیها السّلام ناسزا گفته بود، فضل بـه ابـن غـانم گفت: نظریه تو در باره این مرد چیست؟ ابن غانم گفت: باید بر او حدّ جاری نمود. فضل گفت: چنان محکـم نظـر دادی مثل اینکه در باره مادر خودت سخن گفته باشی. و سپس فرمان داد تا هزار ضربه شلاق به آن مرد زدنـد و جنازه‌اش را در محل عبور مردم به دار آویختند تا عبرت سایرین گردد.

[متن عربی] ۱۵، ۱ ۱۳۹/ ۴۳- المناقب رُوِیَ أَنَّ فَاطِمَةَ تَمَنَّتْ وَکِیلًا عِنْـدَ غَـزَاةِ عَلِـیٍّ ع فَنَـزَلَ رَبُّ الْمَشْـرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَکِیلًا «۱»

ترجمه: (۱) روایت شده است: حضرت فاطمه علیها السّلام در زمانهایی که علی علیه السّلام به جنگ مـی‌رفـت از او می‌خواست که برای تصدّی وظایفش در خارج خانه و تأمین نیازمندیهای فرزندان، وکیلی تعیین نمایـد کـه در این خصوص آیه: رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، لا إِلهَ إِلَّا هُوَ، فَاتَّخِذْهُ وَکِیلًا یعنی:

«پروردگار مشرق و مغرب همان کسی است که غیر از او اله و معبودی نیست، پس او را وکیـل بگیـر و بـر او توکّل کن»، بر پیغمبر نازل شد.

[متن عربی] ۱۴۰/ ...- المناقب:» صَحِیحُ الدَّارَقُطْنِیِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَمَرَ بِقَطْعِ لِصٍّ فَقَالَ اللِّصُّ یَا رَسُـولَ اللَّـهِ قَدَّمْتُهُ فِی الْإِسْلَامِ وَ تَأْمُرُهُ بِالْقَطْعِ فَقَالَ لَوْ کَانَتِ ابْنَتِی فَاطِمَةُ فَسَمِعَتْ فَاطِمَةُ فَحَزِنَتْ فَنَزَلَ جَبْرَئِیلُ بِقَوْلِهِ لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ «۱» فَحَزِنَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَنَزَلَ لَوْ کانَ فِیهِما آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا «۲» فَتَعَجَّـبَ النَّبِـیُّ مِـنْ ذَلِـکَ فَنَزَلَ جَبْرَئِیلُ وَ قَالَ کَانَتْ فَاطِمَةُ حَزِنَتْ مِنْ قَوْلِکَ فَهَذِهِ الْآیَاتُ لِمُوَافَقَتِهَا لِتَرْضَی

بیان لعل المعنی أن هذه الآیات نزلت لتعلم فاطمة ع أن مثل هذا الکـلام المشـروط لا ینـافی جلالـة المخاطـب و المسند إلیه و براءته لوقوع ذلک بالنسبة إلی الرسول ص من الله عز و جل أو لبیـان أن قطـع یـد فاطمـة بمنزلـة الشرک أو أن هذا النوع من الخطاب المراد به الأمة إنما صدر لصدور هذا النوع من الکـلام بالنسـبة إلـی فاطمـة فکان خلافا للأولی و الأول أصوب و أوفق بالأصول

ترجمه: (۱) دارقطنی بغدادی (۳۸۵ ه) در کتاب خود آورده است: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمـان داد تا دست دزدی را قطع کنند، دزد گفت: این دست را در اسلام تقدیم کرده‌ام ولی اکنـون فرمـان بـه قطـع آن می‌دهی؟ پیامبر فرمود: اگر دخترم فاطمه نیز چنین کاری را انجام داده بود دست او را نیز قطع می‌کردم. هنگـامی که حضرت فاطمه علیها السّلام این سخن را شنید اندوهگین گردید پس جبرئیل فرود آمد و این آیـه را بـرای او تلاوت نمود:

«اگر برای خدا شریک قائل شوی ثواب عمل تو از بین خواهد رفت»، و پس از نزول این آیه رسول خدا صـلّی اللّه علیه و آله و سلّم محزون گردید، پس آیه ذیل نازل گردید: «اگر غیر از خدای یگانـه خـدایان دیگـری نیـز

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

وجود داشتند همانا جهان خلقت در هم می‌ریخت و همه امور فاسد و تباه می‌شد». با نزول این آیه، پیامبر اسلام متعجّب گردید و لذا جبرئیل فرود آمده و گفت: چون حضرت فاطمه علیها السّلام از آن سخن تو دلگیر شد لذا این آیات برای جلب رضایت او نازل گردید.

بیان: (۲) علامه مجلسی در توضیح این روایت گوید: شاید منظور از نزول این آیات تعلیم حضرت فاطمه علیها السّلام بوده باشد به اینکه به کار بردن مثل این تعبیر- یعنی: اگر فاطمه هم مرتکب این عمل می‌شد دستش را قطع می‌کردم منافاتی با عظمت شأن مخاطب و برائت او ندارد، و شاید منظور این باشد که قطع دست فاطمه علیها السّلام به منزله شرک می‌باشد، و شاید مقصود از این کلام آن باشد که امت بدانند در اجرای احکام و حدود تفاوتی بین افراد وجود ندارد. و سپس علّامه گوید: احتمال اوّل قوی‌تر و موافق با اصول مسلّم و پذیرفته شده است.

[متن عربی] ۶ ۱۴۱/ ۴۴- المناقب «۱» سُئِلَ الصَّادِقُ عَنْ مَعْنَى حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ فَقَالَ خَيْرُ الْعَمَلِ بِرُّ فَاطِمَةَ وَ وُلْدِهَا وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ الْوَلَايَةُ

«۲» ترجمه: (۱) از امام صادق علیه السّلام در باره معنی حیّ علی خیر العمل سؤال شد فرمودند:

همانا عمل خیر عبارت از نیکی و محبّت نسبت به فاطمه و فرزندان اوست.

و در روایت دیگری آمده است: عمل خیر عبارت از ولایت فاطمه و اولاد اوست.

[متن عربی] ۱۴۲/ ...- المناقب: «۳» أَبُو صَالِحٍ فِي الْأَرْبَعِينَ عَنْ أَبِي حَامِدٍ الْأَسْفَرَايِينِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَوَّلُ شَخْصٍ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ «۴»

ترجمه: (۱) رسول خدا فرماید: اوّلین کسی که داخل بهشت می‌گردد حضرت فاطمه علیها السّلام است.

[متن عربی] ۱۴۳/ ...- المناقب: «۱» عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ وَجْهِهِ ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَذَفَهُ فَأَصَابَنِي ثُلُثُ النُّورِ وَ أَصَابَ فَاطِمَةَ ثُلُثُ النُّورِ وَ أَصَابَ عَلِيّاً وَ أَهْلَ بَيْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى إِلَى وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ لَمْ يُصِبْهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ

ترجمه: (۲) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: هنگامی که خداوند بهشت را آفرید، خلقت آن را از نور وجه خود قرار داد، سپس آن نور را گرفته و پرتاب نمود، پس یک سوم آن نصیب من گردید و یک سوم آن نصیب فاطمه و یک سوم باقیمانده نصیب علی و فرزندانش گردید.

پس هر کس که از آن نور بهره‌ای برده باشد به ولایت و محبّت آل محمّد هدایت می‌شود و کسی که چیزی از آن نور به او نرسیده باشد، از ولایت آنها بی‌نصیب می‌ماند.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۴۴/ ...- المناقب: «۲» الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الصَّادِقِ ع وَ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ عَنِ الْبَاقِرِ ع قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا «۳»

ترجمه: (۳) پیامبر خدا فرماید: همانا خداوند به سبب غضب فاطمه غضبناک و به سبب رضای او خشنود می‌گردد.

[متن عربی] ۱۴۵/ ...- المناقب: «۱» ابْنُ شُرَيْحٍ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ ع وَ أَبُو سَعِيدٍ الْوَاعِظُ فِي شَرَفِ النَّبِيِّ ص عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِي الْفَضَائِلِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْعُكْبَرِيُّ فِي الْإِبَانَةِ وَ مَحْمُودٌ الْأَسْفَرَايِينِيُّ فِي الدِّيَانَةِ رَوَوْا جَمِيعاً أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِكِ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خطاب به حضرت فاطمه علیها السّلام فرماید:

ای فاطمه! همانا خداوند به سبب غضب تو غضبناک، و به خشنودی تو خشنود می‌گردد.

[متن عربی] ۱۴۶/ ...- المناقب: «۱» أَبُو بَكْرِ مَرْدَوَيْهِ فِي كِتَابِهِ بِالْإِسْنَادِ عَنْ سِنَانٍ الْأَوْسِيِّ قَالَ النَّبِيُّ ص حَدَّثَنِي جَبْرَئِيلُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا زَوَّجَ فَاطِمَةَ عَلِيّاً ع أَمَرَ رِضْوَانَ فَأَمَرَ شَجَرَةَ طُوبَى فَحَمَلَتْ رِقَاعاً لِمُحِبِّي آلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ أَمْطَرَهَا مَلَائِكَةً مِنْ نُورٍ بِعَدَدِ تِيكَ الرِّقَاعِ فَأَخَذَ تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ الرِّقَاعَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ اسْتَوَتْ بِأَهْلِهَا أَهْبَطَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِتِلْكَ الرِّقَاعِ فَإِذَا لَقِيَ مَلَكٌ مِنْ تِلْكَ الْمَلَائِكَةِ رَجُلًا مِنْ مُحِبِّي آلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ دَفَعَ إِلَيْهِ رُقْعَةَ بَرَاءَةٍ مِنَ النَّارِ

ترجمه: (۲) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گوید: جبرئیل به من گفت: هنگامی که خدای تعالی فاطمه را برای علی (علیهما السّلام) تزویج کرد، به رضوان (خازن بهشت) امر کرد تا رقعه‌ها و نوشته‌هایی را برای محبّان و دوستداران آل محمّد (صلّی اللّه علیه و آله و سلّم)، بر درخت طوبی بیاویزد آنگاه ملائکه‌ای نورانی به تعداد رقعه‌های مذکور فرود آمدند و آن صفحات را برداشتند. در روز قیامت خداوند متعال آن ملائک را بازمی‌گرداند تا هر گاه یکی از محبّان آل محمّد (صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) را دیدند یکی از آن صفحه‌ها را که در آنها برائت از جهنّم نوشته شده است به او بدهند.

[متن عربی] ۱۴۷/ ...- المناقب: «۱» وَ جَاءَ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْكُتُبِ مِنْهَا كَشْفُ الثَّعْلَبِيِّ وَ فَضَائِلُ أَبِي السَّعَادَاتِ فِي مَعْنَى قَوْلِهِ لا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْساً وَ لا زَمْهَرِيراً «۲» أَنَّهُ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ بَيْنَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ بَعْدَ مَا سَكَنُوا رَأَوْا نُوراً أَضَاءَ الْجِنَانَ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَنَّةِ يَا رَبِّ إِنَّكَ قَدْ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ لا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْساً فَيُنَادِي مُنَادٍ لَيْسَ هَذَا نُورَ الشَّمْسِ وَ لَا نُورَ الْقَمَرِ وَ إِنَّ عَلِيّاً وَ فَاطِمَةَ تَعَجَّبَا مِنْ شَيْءٍ فَضَحِكَا فَأَشْرَقَتِ الْجِنَانُ مِنْ نُورِهِمَا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب گوید: در کتابهای بسیاری و از آن جمله در الکشف و البیان فی تفسیر القرآن نوشته ثعلبی (۴۲۷ ه) و فضائل العشرة نوشته ابو السّعادات در تفسیر آیه: اهل بهشت آفتاب و سرمایی نمی‌بینند، از ابن عبّاس نقل کرده‌اند:

پس از آنکه اهل بهشت در آن ساکن می‌شوند نوری را مشاهده می‌کنند که بهشت را نورانی کرده است لذا سؤال می‌کنند: پروردگارا! تو در قرآنی که بر پیامبر خود نازل کردی فرموده‌ای که در بهشت آفتاب را نمی‌بینند؟

در این حال منادی ندا می‌دهد: این نور خورشید و ماه نیست، بلکه علی و فاطمه علیهما السّلام از موضوعی تعجّب کرده و خندیدند، پس این نور از ایشان ساطع گردید و بهشت را روشن نمود.

[متن عربی] ۱۴۸/ ...- المناقب: «۳» أَبُو عَلِيٍّ الصَّوْلِيُّ فِي أَخْبَارِ فَاطِمَةَ وَ أَبُو السَّعَادَاتِ فِي فَضَائِلِ الْعَشَرَةِ بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ قَالَ بَعَثَنِي النَّبِيُّ ص أَدْعُو عَلِيّاً فَأَتَيْتُ بَيْتَهُ وَ نَادَيْتُهُ فَلَمْ يُجِبْنِي فَأَخْبَرْتُ النَّبِيَّ ص فَقَالَ عُدْ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ فِي الْبَيْتِ وَ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَرَأَيْتُ الرَّحَى تَطْحَنُ وَ لَا أَحَدَ عِنْدَهَا فَقُلْتُ لِعَلِيٍّ إِنَّ النَّبِيَّ ص يَدْعُوكَ فَخَرَجَ مُتَوَشِّحاً حَتَّى أَتَى النَّبِيَّ ص فَأَخْبَرْتُ النَّبِيَّ ص بِمَا رَأَيْتُ فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تَعْجَبْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحُونَ فِي الْأَرْضِ مُوَكَّلُونَ بِمَعُونَةِ آلِ مُحَمَّدٍ «۴»

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب گوید: ابو علی صولی در کتاب اخبار فاطمة و ابو السعادات در فضائل العشرة به اسناد خود از ابو ذر غفاری نقل کرده‌اند که گفت:

پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مرا فرستاد تا علی علیه السّلام را یافته به حضورش بیاورم، پس به خانه علی علیه السّلام رفتم و او را صدا زدم ولی جوابی نشنیدم. نزد پیامبر آمده به او عرض کردم که علی در خانه نیست. پیامبر فرمود: برگرد که علی در خانه است. و برگشتم و هنگامی که داخل خانه علی شدم دیدم که آسیا به خودی خود می‌چرخد و کسی هم در آنجا نیست. به علی علیه السّلام گفتم:

پیامبر تو را خواسته است. علی به سرعت از خانه خارج شده به حضور پیامبر آمد، و من قصه آسیا را برای پیامبر نقل نمودم. ایشان فرمود: ای ابو ذر! تعجّب نکن، زیرا خدا فرشتگانی دارد که در زمین می‌گردند و وظیفه ایشان یاری رساندن به آل محمّد است.

[متن عربی] ۱۴۹/ ...- المناقب: «۱» الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ وَ ابْنُ إِسْحَاقَ عَنْ عَمَّارٍ وَ مَيْمُونَةَ أَنَّ كِلَيْهِمَا قَالَا وَجَدْتُ فَاطِمَةَ نَائِمَةً وَ الرَّحَى تَدُورُ فَأَخْبَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ بِذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَلِمَ ضَعْفَ أَمَتِهِ فَأَوْحَى إِلَى الرَّحَى أَنْ تَدُورَ فَدَارَتْ - وَ قَدْ رَوَاهُ أَبُو الْقَاسِمِ الْبُسْتِيُّ فِي مَنَاقِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ عَنِ الشَّعْبِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مَيْمُونَةَ وَ ابْنِ فَيَّاضٍ فِي شَرْحِ الْأَخْبَارِ

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۲) حسن بصری و ابن اسحاق، از عمّار و میمونه روایت کرده‌اند: دیده شد که فاطمه علیها السّلام خواب است و آسیا کار می‌کند، پس این امر به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گزارش شد و ایشان فرمودند:

همانا خداوند ضعف و ناتوانی فاطمه را مشاهده نمود لذا به آسیا فرمان داد که به خودی خود بچرخد.

این روایت را ابو القاسم بستی (حدود ۴۰۰ ه) در مناقب امیر المؤمنین علیه السّلام و ابو صالح مؤذّن در اربعین، از شعبی، به صورت مسند از میمونة، و نیز ابن فیّاض در شرح الاخبار روایت کرده‌اند.

[متن عربی] ۱۵۰/ ...- المناقب: «۱» وَ رُوِیَ أَنَّهَا ع رُبَّمَا اشْتَغَلَتْ بِصَلَاتِهَا وَ عِبَادَتِهَا فَرُبَّمَا بَکَی وُلْدُهَا فَرَأَی الْمَهْدَ یَتَحَرَّکُ وَ کَانَ مَلَکٌ یُحَرِّکُهُ

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب گوید: و روایت شده: گاهی اتّفاق می‌افتاد که فاطمه علیها السّلام به نماز و عبادت اشتغال داشته و در این حال فرزندش گریه می‌کرد، و مشاهده می‌شد که گهواره کودک به خودی خود حرکت می‌کند، و علّت آن این بوده که فرشته‌ای آن را به حرکت در می‌آورد.

[متن عربی] ۱۵۱/ ...- المناقب: «۲» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ع قَالَ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَلْمَانَ إِلَی فَاطِمَةَ قَالَ فَوَقَفْتُ بِالْبَابِ وَقْفَةً حَتَّی سَلَّمْتُ فَسَمِعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوَّا وَ الرَّحَی تَدُورُ مِنْ بَرَّا وَ مَا عِنْدَهَا أَنِیسٌ وَ قَالَ فِی آخِرِ الْخَبَرِ فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَالَ یَا سَلْمَانُ إِنَّ ابْنَتِی فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِیمَاناً إِلَی مُشَاشِهَا تَفَرَّغَتْ لِطَاعَةِ اللَّهِ فَبَعَثَ اللَّهُ مَلَکاً اسْمُهُ زُوقَابِیلُ وَ فِی خَبَرٍ آخَرَ جَبْرَئِیلُ فَأَدَارَ لَهَا الرَّحَی وَ کَفَاهَا اللَّهُ مَئُونَةَ الدُّنْیَا مَعَ مَئُونَةِ الْآخِرَةِ

بیان المراد بالجوا داخل البیت و بالبرا خارجه و لم أظفر بهما فی اللغة نعم قال فی النهایة

- فِی حَدِیثِ سَلْمَانَ مَنْ أَصْلَحَ جَوَّانِیَّهُ أَصْلَحَ اللَّهُ بَرَّانِیَّهُ

أراد بالبرانی العلانیة و الألف و النون من زیادات النسب و أصله من قولهم خرج فلان برا أی خرج إلی البر و الصحراء و قال الفیروزآبادی الجو داخل البیت کالجوانیة و قال فی النهایة فی صفته ص جلیل المشاش أی عظیم رءوس العظام کالمرفقین و الکعبین و الرکبتین و قال الجوهری هی رءوس العظام اللینة التی یمکن مضغها و منه

- الحدیث ملیء عمار إیمانا إلی مشاشه انتهی

ترجمه: (۲) امام محمّد باقر علیه السّلام فرماید: پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سلمان را نزد فاطمه فرستاد.

سلمان می‌گوید: من بر درب خانه ایستاده و سلام کردم، و شنیدم که فاطمه در داخل خانه مشغول تلاوت قرآن است و آسیا می‌چرخید در حالی که کسی در آنجا نبود ... و سلمان رحمه اللّه در آخر روایت می‌گوید: وقتی این

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

مطالب را به عرض رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رسانیدم وی تبسّمی کرده فرمود: ای سلمان! همانا خداوند متعال قلب و جوارح دخترم فاطمه را از ایمان مملوّ نموده است، لذا وی بدون دغدغه مشغول عبادت پروردگار می‌باشد، پس خداوند ملکی به نام زوقابیل- و در روایت دیگری به جای وی جبرئیل آمده است- مأمور نموده تا آسیا را بگرداند. و خداوند کارهای دنیا و آخرت فاطمه را عهده‌دار شده و او را کفایت می‌نماید.

[متن عربی] ۱۵ ۱۵۲/ ۴۵- المناقب «۱» عَلِيُّ بْنُ مَعْمَرٍ قَالَ خَرَجَتْ أُمُّ أَيْمَنَ إِلَى مَكَّةَ لَمَّا تُوُفِّيَتْ فَاطِمَةُ ع وَ قَالَتْ لَا أَرَى الْمَدِينَةَ بَعْدَهَا فَأَصَابَهَا عَطَشٌ شَدِيدٌ فِي الْجُحْفَةِ حَتَّى خَافَتْ عَلَى نَفْسِهَا قَالَ فَكَسَرَتْ عَيْنَيْهَا نَحْوَ السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَتْ يَا رَبِّ أَ تُعْطِشُنِي وَ أَنَا خَادِمَةُ بِنْتِ نَبِيِّكَ قَالَ فَنَزَلَ إِلَيْهَا دَلْوٌ مِنْ مَاءِ الْجَنَّةِ فَشَرِبَتْ وَ لَمْ تَجُعْ وَ لَمْ تَطْعَمْ سَبْعَ سِنِينَ

بیان قال الفیروزآبادی کسر من طرفه غض

ترجمه (۱): علی بن معمر روایت کرده: امّ ایمن پس از رحلت حضرت فاطمه علیها السّلام گفت: نمی‌توانم جای فاطمه را در مدینه خالی ببینم. و لذا از مدینه خارج و به سوی مکّه حرکت کرد، در بین راه، در محلّی به نام «جحفه» عطش و تشنگی شدیدی بر او غلبه کرد به طوری که ترسید که مبادا در اثر تشنگی از دنیا برود، پس چشمان خود را به آسمان دوخته عرضه داشت: خداوندا! آیا مرا تشنه می‌گذاری در حالی که من خادم دختر پیامبرت بوده‌ام؟! علی بن معمر گوید: در این حال دلوی آب از آبهای بهشتی برای او فرود آمد، پس بعد از نوشیدن از آن آب، تا هفت سال گرسنه نشد و چیزی نخورد.

[متن عربی] ۱۵ ۱۵۳/ ۴۶- المناقب «۲» مَالِكُ بْنُ دِينَارٍ رَأَيْتُ فِي مُوَدَّعِ الْحَجِّ امْرَأَةً ضَعِيفَةً عَلَى دَابَّةٍ نَحِيفَةٍ وَ النَّاسُ يَنْصَحُونَهَا لِتَنْكُصَ فَلَمَّا تَوَسَّطْنَا الْبَادِيَةَ كَلَّتْ دَابَّتُهَا فَعَذَلْتُهَا فِي إِتْيَانِهَا فَرَفَعَتْ رَأْسَهَا إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَتْ لَا فِي بَيْتِي تَرَكْتَنِي وَ لَا إِلَى بَيْتِكَ حَمَلْتَنِي فَوَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لَوْ فَعَلَ بِي هَذَا غَيْرُكَ لَمَا شَكَوْتُهُ إِلَّا إِلَيْكَ فَإِذَا شَخْصٌ أَتَاهَا مِنَ الْفَيْفَاءِ وَ فِي يَدِهِ زِمَامُ نَاقَةٍ فَقَالَ لَهَا ارْكَبِي فَرَكِبَتْ وَ سَارَتِ النَّاقَةُ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ فَلَمَّا بَلَغَتِ الْمَطَافَ رَأَيْتُهَا تَطُوفُ فَحَلَفْتُهَا مَنْ أَنْتِ فَقَالَتْ أَنَا شُهْرَةُ بِنْتُ مُسْكَةَ بِنْتِ فِضَّةَ خَادِمَةِ الزَّهْرَاءِ ع

ترجمه (۱): مالک بن دینار گوید: در موسم حج زن ضعیفی را دیدم که بر شتری نحیف سوار است، مردم او را نصیحت می‌کردند که با آن شتر به صحرا نرود و باز گردد ولی او توجّهی نکرد و همراه بقیه مردم به راه افتاد. هنگامی که مقداری از راه را در بادیه طی کردیم شتر مذکور تحمّل رفتن را از دست داده و ایستاد، آن زن شتر را سرزنش می‌کرد و نهیب می‌زد ولی فایده‌ای نداشت، پس سرش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! نه مرا در خانه‌ام گذاشتی، و نه به خانه خودت رسانیدی، تو را به عزّت و جلالت سوگند می‌دهم که در کار من

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

گشایشی دهی، و اللّه که اگر کسی غیر از تو این عمل را بـا مـن انجـام داده بـود شـکایت او را بـه سـوی تـو می‌آوردم.

مالک بن دینار گوید: در این حال ناگهان شخصی نزد او آمد که ناقه‌ای- شتری ماده به همراه داشت و به آن زن گفت: سوار شو! هنگامی که وی سوار شتر گردید آن حیوان با سرعت عجیبی حرکت کرد. زمانی که من مشغول طواف خانه خدا بودم، آن زن را دیدم که طواف می‌کرد، پس او را سوگند دادم و خواسـتم کـه خـود را معرفـی کند، گفت: من «شهره» دختر «مسکه» دختر «فضّه» خادم حضرت فاطمه زهرا علیها السّـلام- یعنـی نـوه فضّـه- هستم.

[متن عربی] ۱۵۴/ ...- المناقب: «۱» وَ رَهَنَتْ ع کِسْوَةً لَهَا عِنْدَ امْرَأَةِ زَیْـدٍ الْیَهُـودِیِّ فِـی الْمَدِینَـةِ وَ اسْتَقْرَضَـتِ الشَّعِیرَ فَلَمَّا دَخَلَ زَیْدٌ دَارَهُ قَالَ مَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ فِی دَارِنَا قَالَتْ لِکِسْوَةِ فَاطِمَةَ فَأَسْلَمَ فِـی الْحَـالِ وَ أَسْـلَمَتِ امْرَأَتُـهُ وَ جِیرَانُهُ حَتَّی أَسْلَمَ ثَمَانُونَ نَفْساً

ترجمه (۲): ابن شهر آشوب گوید: حضرت فاطمه علیها السّلام یکی از لباسهایش را نزد زن یک یهودی به نـام زید به عنوان وثیقه و ضمانت قرار داد و مقداری جو قرض گرفت.

هنگامی که زید یهودی داخل خانه‌اش شد، نوری را مشاهده کرد و از همسرش پرسید:

این نور از چیست؟ زن گفت: از این لباسی است که فاطمه نزد من گرو گذاشته است. پس آن یهودی و همسرش فورا مسلمان شدند و با اسلام آوردن آنان هشتاد نفر از یهودیانی که همسایه وی بودند مسلمان شدند.

[متن عربی] ۱۵۵/ ...- المناقب: «۱» وَ سَأَلَتْ ع رَسُولَ اللَّهِ ص خَاتَماً فَقَالَ أَ لَا أُعَلِّمُکِ مَا هُوَ خَیْرٌ مِنَ الْخَاتَمِ إِذَا صَلَّیْتِ صَلَاةَ اللَّیْلِ فَاطْلُبِی مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَاتَماً فَإِنَّکِ تَنَالِینَ حَاجَتَکِ قَالَ فَدَعَتْ رَبَّهَا تَعَالَی فَإِذَا بِهَـاتِفٍ یَهْتِـفُ یَا فَاطِمَةُ الَّذِی طَلَبْتِ مِنِّی تَحْتَ الْمُصَلَّی فَرَفَعَتِ الْمُصَلَّی فَإِذَا الْخَاتَمُ یَاقُوتٌ لَا قِیمَةَ لَهُ فَجَعَلَتْهُ فِی إِصْبَعِهَا وَ فَرِحَـتْ فَلَمَّا نَامَتْ مِنْ لَیْلَتِهَا رَأَتْ فِی مَنَامِهَا کَأَنَّهَا فِی الْجَنَّةِ فَرَأَتْ ثَلَاثَةَ قُصُورٍ لَمْ تَرَ فِی الْجَنَّةِ مِثْلَهَا قَالَتْ لِمَنْ هَذِهِ الْقُصُورُ قَالُوا لِفَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ قَالَ فَکَأَنَّهَا دَخَلَتْ قَصْراً مِنْ ذَلِکَ وَ دَارَتْ فِیهِ فَرَأَتْ سَرِیراً قَدْ مَالَ عَلَی ثَلَاثِ قَوَائِمَ فَقَالَـتْ ع مَا لِهَذَا السَّرِیرِ قَدْ مَالَتْ عَلَی ثَلَاثٍ قَالُوا لِأَنَّ صَاحِبَتَهُ طَلَبَتْ مِنَ اللَّهِ خَاتَماً فَنُزِعَ أَحَدُ الْقَوَائِمِ وَ صِیغَ لَهَـا خَاتَمـاً وَ بَقِیَ السَّرِیرُ عَلَی ثَلَاثِ قَوَائِمَ فَلَمَّا أَصْبَحَتْ دَخَلَتْ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَصَّتِ الْقِصَّةَ فَقَالَ النَّبِیُّ ص مَعَاشِرَ آلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَیْسَ لَکُمُ الدُّنْیَا إِنَّمَا لَکُمُ الْآخِرَةُ وَ مِیعَادُکُمُ الْجَنَّةُ مَا تَصْنَعُونَ بِالدُّنْیَا فَإِنَّهَا زَائِلَةٌ غَرَّارَةٌ فَأَمَرَهَا النَّبِـیُّ ص أَنْ تَرُدَّ الْخَاتَمَ تَحْتَ الْمُصَلَّی فَرَدَّتْ ثُمَّ نَامَتْ عَلَی الْمُصَلَّی فَرَأَتْ فِی الْمَنَامِ أَنَّهَا دَخَلَتِ الْجَنَّـةَ فَـدَخَلَتْ ذَلِـکَ الْقَصْـرَ وَ رَأَتِ السَّرِیرَ عَلَی أَرْبَعِ قَوَائِمَ فَسَأَلَتْ عَنْ حَالِهِ فَقَالُوا رَدَّتِ الْخَاتَمَ وَ رَجَعَ السَّرِیرُ إِلَی هَیْئَتِهِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه (۱): ابن شهر آشوب به نقل از تفسیر ثعلبی گوید: حضرت فاطمه علیها السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم یک انگشتر خواست، پیامبر به وی فرمود: آیا می‌خواهی چیزی را به تو تعلیم دهم که بهتر از آنچه می‌خواهی باشد؟ پس هر گاه نماز شب به جای آوردی از خدای عزّ و جلّ مطالبه انگشتری کن تا برایت برآورده سازد.

راوی گوید: پس همان طور که پیامبر فرموده بود، حضرت فاطمه علیها السّلام دعا کرد پس ندا آمد: ای فاطمه! آنچه خواستی در زیر جانماز تو حاضر است، هنگامی که فاطمه علیها السّلام جانماز را کنار زد با انگشتر یاقوتی مواجه گردید که بسیار گرانبها بود، آن را در دست کرد و خوشحال شد.

هنگامی که شب شد و حضرت فاطمه علیها السّلام به خواب رفت در خواب دید که گویا در بهشت است، پس سه قصر را مشاهده کرد که در میان قصرهای بهشت نظیر و مانند نداشتند، پرسید: این قصرها به چه کسی تعلّق دارد؟ گفتند: به فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم. سپس دید که داخل یکی از آن قصرها شده و با تختی روبرو گردید که دارای سه پایه بود، پرسید: چرا این تخت سه پایه دارد؟ گفتند: زیرا صاحب آن از خداوند انگشتری خواست لذا یک پایه آن را در آورده و از آن انگشتری ساختند.

وقتی صبح فرا رسید حضرت فاطمه نزد پیامبر رفته رؤیای خود را برای آن حضرت شرح داد، پیامبر فرمود: ای خاندان عبد المطّلب! دنیا برای شما نیست و در مقابل آن آخرت را برای شما مهیّا کرده‌اند، وعده‌گاه شما بهشت است، دنیا را برای چه می‌خواهید در حالی که از بین رفتنی و بسیار فریبنده است. پس پیامبر به فاطمه فرمود تا آن انگشتر را در زیر مصلّا و جانماز قرار دهد، پس وی نیز چنان کرد، و هنگامی که به خواب رفت، در خواب دید که گویا وارد بهشت و آن قصر گردیده است، و آن تخت را مشاهده نمود در حالی که چهار پایه داشت، پس در باره آن سؤال کرد گفتند: آن انگشتر بازگشت لذا این تخت به صورت اوّلیه‌اش در آمده و دارای چهار پایه گردید.

[متن عربی] ۱۵۶/ ...- المناقب: «۱» أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ فِي اخْتِيَارِ الرِّجَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ أَنَّهُ لَمَّا اسْتُخْرِجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مِنْ مَنْزِلِهِ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى الْقَبْرِ فَقَالَتْ خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّي فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ تُخَلُّوا عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شَعْرِي وَ لَأَضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى رَأْسِي وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَى اللَّهِ فَمَا نَاقَةُ صَالِحٍ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ وُلْدِي قَالَ سَلْمَانُ فَرَأَيْتُ وَ اللَّهِ أَسَاسَ حِيطَانِ الْمَسْجِدِ تَقَلَّعَتْ مِنْ أَسْفَلِهَا حَتَّى لَوْ أَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَنْفُذَ مِنْ تَحْتِهَا نَفَذَ فَدَنَوْتُ مِنْهَا وَ قُلْتُ يَا سَيِّدَتِي وَ مَوْلَاتِي إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ أَبَاكِ رَحْمَةً فَلَا تَكُونِي نَقِمَةً فَرَجَعَتِ الْحِيطَانُ حَتَّى سَطَعَتِ الْغَبَرَةُ مِنْ أَسْفَلِهَا فَدَخَلَتْ فِي خَيَاشِيمِنَا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه (۱): سلمان فارسی رحمه اللّه گوید: هنگامی که پس از بیعت سقیفه، علی علیه السّلام را به زور از خانه‌اش خارج نموده و نزد ابو بکر می‌بردند تا بیعت نماید، حضرت فاطمه علیها السّلام از خانه خارج شد و نزد قبر پدرش رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمده و گفت: پسر عموی مرا رها کنید، به حقّ خداوندی که محمّد را به حقّ مبعوث کرده، اگر علی را رها نکنید موهای سرم را پریشان می‌کنم و پیراهن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را بر سر می‌گذارم و شما را نفرین می‌کنم، به خداوند سوگند که ناقه صالح در نزد خدا، عزیزتر از فرزندان من نبود.

سلمان می‌گوید: به خداوند سوگند دیدم که پایه‌های دیوار مسجد از جا کنده می‌شود به طوری که اگر کسی بخواهد می‌تواند از آنجا داخل مسجد گردد، پس به نزد حضرت فاطمه علیها السّلام رفتم و به او گفتم: ای سرور و مولای من! ای بانوی بزرگ! خداوند متعال پدر شما را مبعوث فرمود تا رحمت برای عالمیان باشد، پس شما نقمت و عذاب را برای آنها نخواهید و نفرینشان نکنید. در این حال دیدم که پایه‌ها به جای خود بازگشتند و از زیر آنها چنان گرد و خاکی برخاست که داخل بینی‌های ما شد.

[متن عربی] ۱۵۸/ ...- المناقب: «۱» بُرَيْدَةُ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ خَيَّرَنِي فَاسْتَنْظَرْتُهُ إِلَى نُزُولِ جَبْرَئِيلَ فَتَجَلَّى ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ الْغَشْيُ فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتِي احْفَظِي عَلَيْكِ فَإِنَّكِ وَ بَعْلَكِ وَ ابْنَيْكِ مَعِي فِي الْجَنَّةِ

ترجمه (۱): بریده اسلمی گوید: پیامبر فرمود: هنگامی که ملک الموت نزد من آمد و گفت که مرا انتخاب نموده، به او گفتم: منتظر بمان تا جبرئیل نازل شود. پس دخترش فاطمه علیها السّلام غش کرد و رسول خدا به او فرمود:

دخترم! خود را حفظ کن، زیرا تو و شوهر و فرزندانت همراه من در بهشت خواهید بود.

[متن عربی] ۱۵۸/ ...- المناقب: «۱» بُشِّرَتْ مَرْيَمُ بِوَلَدِهَا إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ «۲» وَ بُشِّرَتْ فَاطِمَةُ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ النَّبِيَّ ص بَشَّرَهَا عِنْدَ وِلَادَةِ كُلٍّ مِنْهُمَا بِأَنْ يَقُولَ لَهَا لِيَهْنِئْكِ أَنْ وَلَدْتِ إِمَاماً يَسُودُ أَهْلَ الْجَنَّةِ وَ أَكْمَلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ فِي عَقِبِهَا قَوْلُهُ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ «۳» يَعْنِي عَلِيّاً ع أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَتْ مُدَّةُ حَمْلِهَا تِسْعَ سَاعَاتٍ وَ وَلَدَتْ فَاطِمَةُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ بَيْنَهُمَا سِتَّةُ أَشْهُرٍ عَلَى رِوَايَةٍ وَرَدَتْ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ شَرَفُ النَّاسِ بِآبَائِهِمْ وَ نَذَرَتْ أُمُّ مَرْيَمَ لِلَّهِ مُحَرَّراً وَ مُحَمَّدٌ ص أَكْثَرُ الْخَلْقِ تَقَرُّباً إِلَى اللَّهِ فِي سَائِرِ الْأَحْوَالِ وَ ذَلِكَ يُوجِبُ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَتَى عِنْدَ أَنْ سَأَلَهُ الزَّهْرَاءُ ع بِأَضْعَافِ مَا قَالَتْ أُمُّ مَرْيَمَ بِمُوجِبِ فَضْلِهِ عَلَى الْخَلَائِقِ وَ كَانَ نَذْرُهَا مِنْ قَبْلِ الْأُمِّ وَ هُوَ يَقْتَضِي تَنَصُّفَ مَنْزِلَتِهِ مِمَّا يُنْذِرُهُ الْأَبُ قَوْلُهُ وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا «۴» وَ الزَّهْرَاءُ كَفَّلَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ لَا خِلَافَ فِي فَضْلِ كَفَالَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى كُلِّ كَفَالَةٍ وَ كَفَالَةُ الْيَتِيمِ مَنْدُوبٌ إِلَيْهَا وَ كَفَالَةُ الْوَلَدِ وَاجِبَةٌ وَلَدَتْ مَرْيَمُ بِعِيسَى ع فِي أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ وَلَدَتْ فَاطِمَةُ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَى

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَ كَانَ اللَّهُ أَعْلَمَ مَرْيَمَ بِسَلَامَتِهَا وَ بِسَلَامَةِ مَا حَمَلَتْهُ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يَتَطَرَّقَ إِلَيْهَا خَوْفٌ وَ الزَّهْرَاءُ حَمَلَتْ بِهِمَا وَ هِيَ لَا تَعْلَمُ مَا يَكُونُ مِنْ حَالِهَا فِي الْحَمْلِ وَ الْوَضْعِ مِنَ السَّلَامَةِ وَ الْعَطَبِ فَيَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي ذَلِكَ مَثُوبَةٌ زَائِدَةٌ وَ لِذَلِكَ فُضِّلَ الْمُسْلِمُونَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْقِتَالِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا بَيْنَ الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ فِي سَلَامَتِهِمْ وَ الْمَلَائِكَةُ لَيْسُوا كَذَلِكَ وَ قِيلَ لَهَا لا تَحْزَنِي «۱» وَ

– قَالَ النَّبِيُّ ص يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لِرِضَاكِ

وَ قِيلَ لَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنا «۲» وَ فَاطِمَةُ ع خَامِسَةُ أَهْلِ الْعَبَاءِ وَ افْتِخَارُ جَبْرَئِيلَ بِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ قَوْلُهُ مَنْ مِثْلِي وَ أَنَا سَادِسُ خَمْسَةٍ وَ لَهَا تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَباً جَنِيًّا فَكُلِي وَ اشْرَبِي «۳» يَحْتَمِلُ أَنَّ النَّخْلَةَ وَ النَّهَرَ كَانَا مَوْجُودَيْنِ قَبْلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ لَمْ يَبْقَ لَهُمَا أَثَرٌ مِثْلُ مَا بَقِيَ لِزَمْزَمَ وَ الْمَقَامِ وَ مَوْضِعِ التَّنُّورِ وَ انْفِلَاقِ الْبَحْرِ وَ رَدِّ الشَّمْسِ وَ لِلزَّهْرَاءِ ع حَدِيثُ التَّمْرِ الصَّيْحَانِيِّ وَ قُدْسُ الْمَاءِ

– وَ رُوِيَ أَنَّهُ بَكَتْ أُمُّ أَيْمَنَ وَ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةُ زَوَّجْتَهَا وَ لَمْ تَنْثُرْ عَلَيْهَا شَيْئاً فَقَالَ يَا أُمَّ أَيْمَنَ لِمَ تَكْذِبِينَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا زَوَّجَ فَاطِمَةَ عَلِيّاً أَمَرَ أَشْجَارَ الْجَنَّةِ أَنْ تَنْثُرَ عَلَيْهِمْ مِنْ حُلِيِّهَا وَ حُلَلِهَا وَ يَاقُوتِهَا وَ دُرِّهَا وَ زُمُرُّدِهَا وَ إِسْتَبْرَقِهَا فَأَخَذُوا مِنْهَا مَا لَا يَعْلَمُونَ

وَ تَكَلَّمَتِ الْمَلَائِكَةُ مَعَ مَرْيَمَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلى نِساءِ الْعالَمِينَ «۴» أَرَادَ نِسَاءَ عَالَمِ أَهْلِ زَمَانِهَا كَقَوْلِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعالَمِينَ «۵» وَ لَيْسُوا بِأَفْضَلَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَوْلُهُ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ «۶» ثُمَّ إِنَّ الصِّفَاتِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ يُشَارِكُهَا غَيْرُهَا قَوْلُهُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ إِلَى قَوْلِهِ ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ «۷» وَ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتُهَا مِنْ جُمْلَتِهِمْ

– وَ قَالَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلى نِساءِ الْعالَمِينَ «۱» وَ إِنَّهُ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقاً «۲» وَ لَيْسَ فِي نَفْسِ الْآيَةِ أَنَّ ذَلِكَ كَانَ اللَّهُ تَعَالَى يَخْلُقُهُ اخْتِرَاعاً أَوْ يَأْتِيهَا بِهِ الْمَلَكُ وَ إِنَّمَا هُوَ يَدُلُّ عَلَى كَثْرَةِ شُكْرِهَا لِلَّهِ تَعَالَى كَمَا تَقُولُ رَزَقَنِيَ اللَّهُ الْيَوْمَ دِرْهَماً كَمَا قَالَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ «۳» وَ لِلزَّهْرَاءِ مِنْ هَذَا الْبَابِ مَا لَا يُنْكِرُهُ مُسْلِمٌ مِنْ حَدِيثِ الْمِقْدَادِ وَ خَبَرِ الطَّائِرِ وَ الرُّمَّانِ وَ الْعِنَبِ وَ التُّفَّاحِ وَ السَّفَرْجَلِ وَ غَيْرِهَا وَ ذَلِكَ مِمَّا يُقْطَعُ عَلَى أَنَّهَا كَانَتْ تَأْكُلُ مَا لَمْ يَكُنْ لِغَيْرِهَا مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بَعْدَ هُبُوطِ آدَمَ وَ حَوَّاءَ

– وَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ النَّبِيَّ ص دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ هِيَ فِي مُصَلَّاهَا وَ خَلْفَهَا جَفْنَةٌ يَفُورُ دُخَانُهَا فَأَخْرَجَتْ فَاطِمَةُ الْجَفْنَةَ فَوَضَعَتْهَا بَيْنَ أَيْدِيهِمَا فَسَأَلَ عَلِيٌّ ع أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ رِزْقِهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ . وَ رُزِقَ مَرْيَمُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ خُلِقَ فَاطِمَةُ مِنْ رِزْقِ الْجَنَّةِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

- وَ فِی الْحَدِیثِ فَنَاوَلَنِی جَبْرَئِیلُ رُطَبَةً مِنْ رُطَبِهَا فَأَکَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ ذَلِکَ نُطْفَةً فِی صُلْبِی وَ قَدْ مَدَحَ اللَّهُ تَعَالَی مَرْیَمَ فِی الْقُرْآنِ بِعِشْرِینَ مِدْحَةً وَ صَحَّ فِی الْأَخْبَارِ لِفَاطِمَةَ عِشْرُونَ اسْماً کُلُّ اسْمٍ یَدُلُّ عَلَی فَضِیلَةٍ ذَکَرَهَا ابْنُ بَابَوَیْهِ فِی کِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ ع وَ قَالَ لَهَا وَ مَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا «۴» یُرِیدُ بِذَلِکِ الْعَفَافَ لَا الْمُلَامَسَةَ وَ الذُّرِّیَّةَ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ یَکُنْ کَذَلِکَ لَجَعَلَ حَمْلَهَا لَهُ وَ وَضْعَهَا وَ مَخَاضَهَا بِغَیْرِ مَا جَرَتْ بِهِ الْعَادَةُ فَلَمَّا جَعَلَهُ عَلَی مَجْرَی الْعَادَةِ دَلَّ عَلَی مَقَالَنَا وَ یُؤَکِّدُ ذَلِکَ الْأَخْبَارُ الْوَارِدَةُ فِی مَدْحِ التَّزْوِیجِ وَ طَلَبِ الْوَلَدِ وَ ذَمِّ الْعُزُوبَةِ وَ قَالَ تَعَالَی لِلزَّهْرَاءِ وَ لِأَوْلَادِهَا إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ «۵» حَسَّانُ بْنُ ثَابِتٍ

فَقَدْ أَحْصَنَتْ فَاطِمُ بَعْدَهَا وَ جَاءَتْ بِسِبْطَیْ نَبِیِّ الْهُدَی

ترجمه (۱): به حضرت مریم راجع به حضرت عیسی بشارت داده شد و خداوند در این باره فرمود: «همانا خداوند تو را به کلمه «۱» بشارت می‌دهد، به حضرت فاطمه نیز در باره حسن و حسین (علیهما السّلام) بشارت داده شد چنان که در روایت وارد شده که پیامبر اسلام به هنگام ولادت هر یک از ایشان به فاطمه مژده داده می‌فرمود: مبارک باشد، همانا فرزندی که از تو متولّد گردید امامی خواهد بود که بر اهل بهشت سروری می‌نماید و خداوند متعال این امامت و سیادت را در نسل او کامل می‌کند، و منظور از آیه وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ، علی علیه السّلام می‌باشد.

امام صادق علیه السّلام می‌فرماید: مدّت حمل- حامله بودن- مریم نه ساعت بوده است، و فاصله بین تولّد حسن و حسین نیز طبق روایتی که وارد شده شش ماه بوده.

مریم دختر عمران بود و فاطمه دختر محمّد (صلوات اللّه علیهم) و مردم به سبب پدرانشان شرافت و احترام یافتند.

مادر حضرت مریم نذر کرده بود فرزندی بیاورد که به سبب عبادت به خداوند مقرّب شود، و محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در همه حال بیش از سایر مردمان به خداوند تقرّب می‌جست و این حالت موجب می‌شود که در آن وقتی که فاطمه را از خدا خواست، به سبب برتری و فضلی که بر سایر مردمان داشت، بالاتر از آنچه را که مادر مریم خواسته بود تقاضا نماید، حضرت مریم را مادرش نذر کرد ولی حضرت فاطمه را پدرش، و منزلت مادر مریم نظیر مقام و منزلت پدر فاطمه علیها السّلام نبوده است.

بر اساس آیه: «زکریا متکفّل نگهداری و تربیت مریم گردید»، حضرت زکریا مسئولیت نگهداری از مریم را عهده‌دار شد در حالی که نگهداری و تربیت حضرت فاطمه علیها السّلام به عهده پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بوده و تردیدی نیست که افضل از همه مردم و حتّی انبیا بوده‌اند پس کفالت ایشان نیز ارزشمندتر از کفالت سایرین خواهد بود، ضمن آنکه کفالت یتیم مستحب است ولی کفالت فرزند واجب.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

مریم عیسی را در زمان جاهلیت و حاکمیت کفر به دنیا آورد ولی فاطمه، حسن و حسین را پس از اسلام و بر فطرت اسلام به دنیا آورد. (۱) خداوند حضرت مریم را بر سلامتی خود و فرزندش آگاه نمود و لذا دلیلی برای اینکه مریم خائف و ترسان باشد وجود نداشت، در حالی که به هنگام باردار بودن فاطمه بر حسن و حسین، او نمی‌دانست که در هنگام بارداری و زایمان در چه حالی خواهد بود و این امر باعث می‌شود که ثواب فاطمه در این خصوص بیشتر باشد. و به همین سبب است که مقام مسلمانان در جنگ بدر از مقام ملائکه بالاتر بود زیرا آنان در باره سلامتی خود در خوف و رجا بودند در حالی که ملائکه چنین حالتی نداشتند و خطری آنها را تهدید نمی‌کرد.

به حضرت مریم گفته شد: «محزون مباش»، و پیامبر اسلام نیز به فاطمه فرمود:

ای فاطمه! همانا خداوند به خشنودی تو خشنود می‌گردد.

و به مریم گفته شد: «ما از روح خود در او دمیدیم»، و فاطمه پنجمین نفر از اصحاب کساء بود به طوری که جبرئیل بر ششمین فرد بودن در میان ایشان افتخار می‌کرد.

و خداوند در باره حضرت مریم فرمود: «درخت برای تو خرمای تازه می‌دهد، پس، از آن خرما بخود و از آب نهر نیز بیاشام» و احتمال می‌رود که آن نخل و نهر پیش از آن موجود بوده باشند زیرا اثری از آنها باقی نمانده است، در حالی که اثر زمزم، مقام ابراهیم، موضع تنور، شکافته شدن دریا و بازگشتن آفتاب برای علی علیه السّلام باقی می‌باشند، و برای حضرت زهرا علیها السّلام داستان خرمای صیحانی- نوعی خرمای سیاه و سخت- و آب مقدّس اتفاق افتاد.

و روایت شده که به هنگام ازدواج حضرت فاطمه، امّ ایمن گریه کرد و به پیامبر گفت: ای رسول خدا! فاطمه را شوهر می‌دهی و چیزی نثار او نمی‌نمایی؟ پس پیامبر فرمود: ای امّ ایمن! چرا تکذیب می‌کنی؟ به درستی که خدای تعالی آنگاه که فاطمه و علی ازدواج نمودند به درختان بهشت فرمان داد تا آنچه از زر و زیور و سایر چیزهای گرانقیمت دارند فرو ریزند، و آنها به قدری از این تحفه‌های بهشتی برگرفتند که کسی اندازه آن را نمی‌داند.

ملائکه با حضرت مریم سخن گفتند و به او مژده دادند: «همانا خداوند تو را برگزید و تطهیر نمود و تو را برترین زنان عالم قرار داد» و مقصود خداوند از «نساء العالمین» زنان آن زمان بوده است، (۱) نظیر قول خدای تعالی به بنی اسرائیل که فرمود: «من شما را بر اهل دو عالم برتری دادم» در صورتی که به فرموده خداوند متعال در قرآن: «ای مسلمانان! شما بهترین امّت می‌باشید» معلوم می‌شود که بنی اسرائیل برتر از مسلمانان نیستند- پس معلوم می‌شود که سیادت و برتری حضرت مریم مربوط به زنان زمان خودش بوده کما اینکه

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

برتری بنی اسرائیل بر سایر مردمان مربوط به زمان خودشان بوده است- و خداوند در قرآن کریم فرموده است: «خداوند حضرت آدم را برگزید ... [تا آنجا که می‌فرماید] خاندان و ذرّیّه‌ای که بعضی از آنها از بعضی دیگر می‌باشند» و فاطمه و ذرّیّه وی از همین خاندان هستند که پیامبر در باره‌اش فرماید: «فاطمه علیها السّلام سیّده و سرور زنان دو عالم از اوّلین و آخرین آنان است، و او هر گاه برای عبادت در محراب می‌ایستد هفتاد هزار فرشته مقرّب بر او سلام می‌کنند» و آنچه را که ملائکه به مریم گفته بودند در شأن فاطمه بیان کرده و می‌گوید: «خداوند تو را انتخاب نمود، تطهیر کرد و بر زنان دو عالم برتری و فضیلت بخشید».

و بر اساس آیه: «هر گاه حضرت زکریا نزد مریم می‌رفت، در نزد او غذایی می‌یافت» معلوم نشده که خداوند غذای مذکور را در همان زمان خلق می‌کرد یا اینکه فرشته‌ای غذای او را حاضر می‌نمود و از این آیه فقط استفاده می‌شود که حضرت مریم بسیار شکرگزار بوده کما اینکه در آیه آمده است: «بگو همه این نعمتها از جانب خداوند است»، و از این قبیل فضائل و مناقب برای حضرت فاطمه علیها السّلام آنقدر است که هیچ مسلمانی آنها را انکار نمی‌کند، مثل حدیث مقداد، خبر طیر، انار، انگور، سیب، گلابی، و غیره، و این یک امر مسلّم است که حضرت فاطمه علیها السّلام میوه‌هایی تناول فرمود که بعد از هبوط آدم و حوّا، هیچ کس از آن میوه‌ها نخورده بود، کما اینکه در روایت آمده که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به نزد دخترش حضرت فاطمه رفت در حالی که وی در محراب مشغول عبادت بود، و در پشت سر ایشان کاسه بزرگی بود که از آن بخار بر می‌خاست، و فاطمه پس از فراغت از عبادت آن کاسه را در مقابل پیامبر و علی (علیهم السّلام) نهاد و در مقابل سؤال علی که گفت: این غذا چگونه فراهم آمده است، فرمود: از فضل خداوند متعال که هر که را خواهد بی‌حساب روزی دهد.

رزق حضرت مریم از بهشت بوده، در حالی که خلقت فاطمه از میوه‌های بهشتی بوده است کما اینکه در حدیث آمده است که رسول خدا فرمود: جبرئیل خرمایی از خرماهای بهشتی را به من داد که آن را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در صلب من ایجاد گردید. (۱) خداوند متعال مریم را بیست بار در قرآن مدح و تمجید نموده ولی فاطمه علیها السّلام دارای بیست نام است که هر یک از آنها بر فضلی از فضائل او دلالت می‌کنند و شیخ صدوق (۳۸۱ ه) آن نامها را در کتاب مولد فاطمة آورده است.

و خداوند در باره مریم فرموده: «مریم دختر عمران عفّت خویش را محفوظ داشت و خداوند بهشت را به او عطا نمود» و منظور از این آیه «عفت داشتن» است نه ملاسمه، و بهشت نیز برای ذرّیّه‌اش نمی‌باشد بلکه فقط به خود او اعطا گردیده است، پس اگر مقصود خداوند عدم ملامسه بود همانا حمل و زایمان او را غیر عادی قرار می‌داد، در حالی که خداوند در باره حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود: «جز این نیست که خداوند اراده نموده

است تا هر گونه رجس و پلیدی را از شما اهل بیت پیامبر دور نماید» و در این آیه، عصمت را نه فقط برای فاطمه بلکه برای ذرّیّه او نیز قرار داده است.

حسّان بن ثابت در مقایسه بین مقام مریم و فاطمه گوید:

مریم عفّت خود را حفظ کرد و عیسی را که مثل ماه شب چهارده بود به دنیا آورد و بعد از او فاطمه عفت خود را محفوظ داشت و دو سبط پیغمبر را که هدایتگر امّت هستند به دنیا آورد.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۱۵۹/ ۴۷- الفضائل «۱» وَ الروضة دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى عَلِيٍّ فَوَجَدَهُ هُوَ وَ فَاطِمَةُ ع يَطْحَنَانِ فِي الجاروش فَقَالَ النَّبِيُّ ص أَيُّكُمَا أَعْيَا فَقَالَ عَلِيٌّ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا قُومِي يَا بُنَيَّةِ فَقَامَتْ وَ جَلَسَ النَّبِيُّ ص مَوْضِعَهَا مَعَ عَلِيٍّ ع فَوَاسَاهُ فِي طَحْنِ الْحَبِّ «۲»

ترجمه: (۲) در کتاب فضائل نوشته ابن شاذان و در کتاب الروضة نقل شده است:روزی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وارد خانه علی علیه السّلام شد و دید که او و فاطمه علیها السّلام مشغول کار با آسیای دستی هستند، پیامبر خطاب به آنها فرمود: کدام یک از شما خسته هستید؟ علی علیه السّلام پاسخ داد: فاطمه. پیامبر خطاب به او گفت: برخیز دخترم! پس فاطمه علیها السّلام برخاست و پیامبر به جای وی نشسته و با علی علیه السّلام مشغول آسیا کردن گردید.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۱۶۰/ ۴۸- کشف الغمة «۱» مِنْ كِتَابِ مَعَالِمِ الْعِتْرَةِ، لِعَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْأَخْضَرِ بِأَسَانِيدِهِ مَرْفُوعاً إِلَى قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ وَ خَيْرُ نِسَائِهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص

ترجمه: (۱) انس بن مالک گوید: رسول خدا فرمود: بهترین زنان بنی اسرائیل مریم و بهترین زنان در این زمان فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است.

[متن عربی] ۱۶۱/ ...- کشف الغمة «۲» وَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ «۳» يَرْفَعُهُ إِلَى أَنَسٍ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ حَسْبُكَ «۴» مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ «۵»

ترجمه: (۱) از انس بن مالک روایت شده که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

بزرگترین زنان عالم مریم، خدیجه، فاطمه، آسیه می‌باشند.

[متن عربی] ۱۶۲/ ...- وَ مِنْهُ «۱» بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَنَسٍ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص ۱۶۳/ ...- وَ مِنْهُ «۲» قَالَتْ عَائِشَةُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَ لَا أُبَشِّرُكِ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ لَسَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

«۳» ترجمه: (۱) عایشه خطاب به حضرت فاطمه علیها السّلام گفت: بشارت باد تو را که من از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شنیدم: سرور زنان بهشت چهار نفر هستند: مریم، فاطمه، خدیجه، و آسیه.

[متن عربی] ۱۶۴/ ...- وَ مِنْهُ «۱» وَ مِنْ مُسْنَدِ أَحْمَدَ «۲» عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ تَمْشِی كَأَنَّ مِشْيَتَهَا مِشْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ مَرْحَباً يَا بِنْتِي ثُمَّ أَجْلَسَهَا عَنْ يَمِينِهِ أَوْ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ أَسَرَّ إِلَيْهَا حَدِيثاً فَبَكَتْ قُلْتُ اسْتَخَصَّكِ رَسُولُ اللَّهِ ص بِحَدِيثِهِ ثُمَّ تَبْكِينَ ثُمَّ أَسَرَّ إِلَيْهَا حَدِيثاً فَضَحِكَتْ فَقُلْتُ مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ فَرَحاً أَقْرَبَ مِنْ حُزْنٍ فَسَأَلْتُهَا عَمَّا قَالَ فَقَالَتْ مَا كُنْتُ لِأُفْشِيَ سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَأَلْتُهَا فَقَالَتْ أَسَرَّ إِلَيَّ فَقَالَ إِنَّ جَبْرَئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يُعَارِضُنِي بِالْقُرْآنِ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً وَ إِنَّهُ عَارَضَنِي بِهِ الْعَامَ مَرَّتَيْنِ وَ لَا أُرَاهُ إِلَّا قَدْ حَضَرَ أَجَلِي وَ إِنَّكِ أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِي لُحُوقاً بِي وَ نِعْمَ السَّلَفُ أَنَا لَكِ فَبَكَيْتُ لِذَلِكَ فَقَالَ أَ لَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَتْ فَضَحِكْتُ لِذَلِكَ «۳»

ترجمه: (۱) عایشه گوید: فاطمه علیها السّلام نزد پیامبر آمد در حالی که راه رفتن وی نظیر راه رفتن پیامبر بود، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با دیدن او گفت: دخترم! مرحبا بر تو! و سپس او را در طرف راست یا چپ خود نشانید، آنگاه در گوش او سخنی گفت که وی را گریان نمود، من به فاطمه گفتم:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تو را همراز و هم صحبت خود قرار می‌دهد و تو به جای خوشحالی گریه می‌کنی؟ در این حال پیامبر سخن دیگری در گوش او گفت و فاطمه خندان گردید، پس گفتم: هرگز ندیده بودم که خوشحالی و غم این قدر به هم نزدیک باشند. پس از آن، از فاطمه در باره آنچه پیامبر در گوش او گفته بود سؤال کردم، در جواب من گفت: هرگز سرّ رسول خدا را افشا نخواهم کرد. تا اینکه پیامبر رحلت نمود، و مجددا در این باره سؤال کردم، فاطمه گفت:

پیامبر به من گفت: جبرئیل در هر سالی یک بار قرآن را به من عرضه می‌کرد «۱» ولی امسال دو بار این کار را انجام داده و این عمل نشانگر آن است که اجل من فرا رسیده و تو در میان خاندان من اوّلین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد، و من چه سلف نیکویی برای تو می‌باشم. و من وقتی این سخنان را از پیامبر شنیدم گریه‌ام گرفت، پس از آن پیامبر در دفعه دوم گفت: آیا راضی نیستی که سرور و سیّده زنان این امّت و زنان مؤمن باشی؟ و پدرم که این بشارت را داد، خنده‌ام گرفت.

[متن عربی] ۱۶۵/ ...- و مِنْهُ «۲» وَ رَوَى ابْنُ خَالَوَيْهِ فِي كِتَابِ الْآلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْبَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ قُضَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ حَوَّاءَ تَبَخْتَرَا فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ آدَمُ لِحَوَّاءَ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقاً هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى جَبْرَئِيلَ ائْتِ بِعَبْدَيَّ الْفِرْدَوْسَ الْأَعْلَى فَلَمَّا دَخَلَا الْفِرْدَوْسَ نَظَرَا إِلَى جَارِيَةٍ عَلَى دُرْنُوكٍ مِنْ دَرَانِيكِ الْجَنَّةِ وَ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ وَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فِی أُذُنَیْهَا قُرْطَانِ مِنْ نُورٍ قَدْ أَشْرَقَتِ الْجِنَانُ مِنْ حُسْنِ وَجْهِهَا فَقَالَ آدَمُ حَبِیبِی جَبْرَئِیلُ مَنْ هَذِهِ الْجَارِیَةُ الَّتِی قَدْ أَشْرَقَتِ الْجِنَانُ مِنْ حُسْنِ وَجْهِهَا فَقَالَ هَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ نَبِیٍّ مِنْ وُلْدِکَ یَکُونُ فِی آخِرِ الزَّمَانِ قَالَ فَمَا هَذَا التَّاجُ الَّذِی عَلَی رَأْسِهَا قَالَ بَعْلُهَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع قَالَ ابْنُ خَالَوَیْهِ الْبَعْلُ فِی کَلَامِ الْعَرَبِ خَمْسَةُ أَشْیَاءَ الزَّوْجُ وَ الصَّنَمُ مِنْ قَوْلِهِ أَ تَدْعُونَ بَعْلًا «۱» وَ الْبَعْلُ اسْمُ امْرَأَةٍ وَ بِهَا سُمِّیَتْ بَعْلَبَکَ وَ الْبَعْلُ مِنَ النَّخْلِ مَا شَرِبَ بِعُرُوقِهِ مِنْ غَیْرِ سَقْیٍ وَ الْبَعْلُ السَّمَاءُ وَ الْعَرَبُ یَقُولُ السَّمَاءُ بَعْلُ الْأَرْضِ

ترجمه: (۱) ابن خالویه نحوی (۳۷۰ ه) به صورت مسند در کتاب «الآل» از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت نموده که فرمود:

هنگامی که خداوند آدم و حوّا را آفرید، آنها بر خویش مغرور شده و فخر فروشی نمودند، در این میان آدم به حوّا گفت: خداوند تاکنون مخلوقی بهتر از ما را خلق ننموده است. و خداوند متعال به جبرئیل وحی نمود: این دو نفر را به «فردوس اعلی» ببر! هنگامی که آن دو وارد فردوس شدند با دختری روبرو گردیدند که بر روی فرشی نشسته، تاجی از نور بر سر، و دو گوشواره از نور در گوش داشت، و تمام بهشت از نور چهره وی روشن گردیده بود، آدم گفت: ای جبرئیل! این دختر کیست که بهشت از نیکویی چهره‌اش درخشان می‌باشد؟ جبرئیل گفت: او فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است که فرزندان تو و پیامبر آخر الزمان است. آدم گفت: این تاج چیست که بر سر دارد؟ جبرئیل گفت: این شوهر او علی بن ابی طالب است.

آدم گفت: این گوشواره‌ها که در گوش دارد چیست؟ جبرئیل گفت: آنها دو فرزند او حسن و حسین هستند. آدم گفت: ای جبرئیل! آیا ایشان قبل از من آفریده شده‌اند؟ جبرئیل گفت: آری! او چهار هزار سال قبل از تو آفریده شده است.

ابن خالویه گوید: بعل، در زبان عرب به پنج چیز اطلاق می‌شود:

۱- زوج و شوهر ۲- بت، کما اینکه در سوره صافات: ۱۲۵ آمده است: «آیا بت را عبادت می‌کنید؟».

۳- نام زنی که اسم منطقه بعلبک «۲» از آن گرفته شده است.

۴- نوعی نخل که بدون نیاز به آبیاری رشد می‌کند. «۳»

۵- سقف، کما اینکه عرب در محاورات خود گوید: «آسمان سقف زمین است».

[متن عربی] ۱۶۶/ ...- وَ مِنْهُ «۱» وَ عَنِ ابْنِ خَالَوَیْهِ مِنْ کِتَابِ الْآلِ یَرْفَعُهُ إِلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ یَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَکُمْ حَتَّی تَجُوزَ فَاطِمَةُ عَلَیْهَا السَّلَامُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ زَادَ ابْنُ عَرَفَةَ عَنْ رِجَالِهِ یَرْفَعُهُ إِلَی أَبِی أَیُّوبَ الْأَنْصَارِیِّ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ نَكِّسُوا رُءُوسَكُمْ وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ فَتَمُرُّ وَ مَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ جَارِيَةٍ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ «۲»

ترجمه: (۱) و باز ابن خالویه به سند مرفوع از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت می‌کند:

هنگامی که قیامت فرا می‌رسد منادی از عرش ندا می‌دهد: ای مردم! سرهای خود را پایین بیاندازید و چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عبور کند.

و ابن عرفه همین روایت را به سند مرفوع از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده و در انتهای آن آورده: تا فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از صراط عبور کند، و این در حالی است که هفتاد هزار حوریّه او را مشایعت نموده و همراهی می‌کنند.

[متن عربی] ۱۶۷/ ...- وَ مِنْهُ «۱» عَنْ نَافِعِ بْنِ أَبِي الْحَمْرَاءِ قَالَ شَهِدْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْغَدَاةِ مَرَّ بِبَابِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ الصَّلَاةَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً «۲»

ترجمه: (۱) ابو الحمراء گوید: من شاهد بودم که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مدّت هشت ماه هر گاه برای نماز صبح می‌رفت از در خانه فاطمه که عبور می‌کرد، می‌گفت: سلام بر شما اهل بیت و رحمت خدا و برکات او نصیب شما باد، برای نماز برخیزید که خداوند در باره شما فرموده: «همانا خداوند اراده کرده است تا هر گونه رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور نماید و تطهیرتان فرماید».

[متن عربی] ۱۶۸/ ...- وَ مِنْهُ «۱» عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِكِ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ «۱»

۱۶۹/ ...- وَ مِنْهُ «۲» وَ مِنْ كِتَابِ أَبِي إِسْحَاقَ الثَّعْلَبِيِّ عَنْ جُمَيْعِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ عَمَّتِهِ قَالَتْ سَأَلْتُ عَائِشَةَ مَنْ كَانَ أَحَبَّ «۳» إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قُلْتُ إِنَّمَا أَسْأَلُكِ عَنِ الرِّجَالِ قَالَتْ زَوْجُهَا وَ مَا يَمْنَعُهُ فَوَ اللَّهِ إِنْ كَانَ مَا عَلِمْتُ صَوَّاماً قَوَّاماً جَدِيراً أَنْ يَقُولَ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ يَرْضَى

ترجمه: (۱) جمیع بن عمیر از عمّه‌اش روایت کرده که گفت: از عایشه پرسیدم: چه کسی نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم محبوبتر از همه بود؟ عایشه گفت: فاطمه. گفتم: من در باره مردان سؤال کردم.

گفت: شوهرش، به خداوند سوگند هیچ چیز مانع نمی‌شد از اینکه او در روزها روزه‌دار، و در شبها متهجّد باشد و چیزی را بگوید که خداوند آن را دوست می‌دارد و به آن راضی می‌شود.

[متن عربی] ۱۷۰/ ...- وَ مِنْهُ «۱» وَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ مَا رَأَيْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَمْشِي إِلَّا ذَكَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص تَمِيلُ عَلَى جَانِبِهَا الْأَيْمَنِ مَرَّةً وَ عَلَى جَانِبِهَا الْأَيْسَرِ مَرَّةً

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

۱۷۱/ ...- وَ عَنْ عَائِشَةَ «۲» وَ ذَكَرَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا رَأَيْتُ أَصْدَقَ مِنْهَا إِلَّا أَبَاهَا «۳»

ترجمه: (۱) عایشه در باره فاطمه علیها السّلام می‌گفت: کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم مگر پدرش.

[متن عربی] ۱۷۲/ ...- وَ مِنْهُ «۱» وَ مِنْ كِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ لِابْنِ بَابَوَيْهِ رُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ اشْتَاقَتِ الْجَنَّةُ إِلَى أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ زَوْجَةِ فِرْعَوْنَ وَ هِيَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ ص فِي الْجَنَّةِ وَ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةِ النَّبِيِّ ص فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص

ترجمه: (۲) روایت شده که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گفته: بهشت مشتاق پذیرفتن چهار زن می‌باشد: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمة.

[متن عربی] ۱۷۳/ ...- وَ مِنْهُ «۲» وَ رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ كُنَّا جُلُوساً عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيِينَا بِذَلِكَ كُلُّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهَا الَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَّا عَلِمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتَنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ وَ خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ قَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي قُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي «۱»

ترجمه: (۱) از علی علیه السّلام روایت شد که فرمود: ما نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشسته بودیم که آن حضرت فرمود: به من بگویید که چه چیزی برای زنان بهتر است؟

همه ما از جواب بازماندیم و متفرّق شدیم، و من نزد فاطمه آمدم و آنچه را که پیامبر از ما پرسیده بود و ما نتوانسته بودیم جواب دهیم، برای او باز گفتم. فاطمه گفت: ولی من جواب این سؤال را می‌دانم، بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند. علی علیه السّلام گوید: من به نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بازگشتم و به آن حضرت گفتم: ای رسول خدا! من پاسخ آن سؤال را می‌دانم و آن این است که بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: چرا هنگامی که نزد من بودی این جواب را بیان نکردی، بگو بدانم چه کسی آن را به تو تعلیم داده است؟

گفتم: فاطمه علیها السّلام، پس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از این امر تعجّب کردند و گفتند: همانا فاطمه پاره‌ای از تن من است.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۷۴/ ...- وَ مِنْهُ «۱» وَ رُوِیَ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ خَرَجَ النَّبِیُّ ص وَ هُوَ آخِذٌ بِیَدِ فَاطِمَةَ عَلَیْهَا السَّلَامُ فَقَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهَا فَهِیَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ هِیَ بَضْعَةٌ مِنِّی وَ هِیَ قَلْبِی وَ رُوحِیَ الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیَّ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَی اللَّهَ «۲»

ترجمه: (۱) از مجاهد روایت شده است: روزی پیامبر در حالی که دست فاطمه را در دست گرفته بود گفت: هر کس این دختر را می‌شناسد، که می‌شناسد و هر کس که نمی‌شناسد بداند که او فاطمه دختر محمّد پیامبر خداست، و او پاره‌ای از وجود من، قلب من و روح من است، پس هر که او را آزار دهد مرا آزرده است و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است.

[متن عربی] ۱۷۵/ ... وَ مِنْهُ «۱» وَ عَنْهُ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ شِجْنَةٌ مِنِّی یُسْخِطُنِی مَا أَسْخَطَهَا وَ یُرْضِینِی مَا أَرْضَاهَا

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: فاطمه پاره‌ای از وجود من است، پس هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک نموده و هر که او را خشنود نماید مرا خشنود نموده است.

[متن عربی] ۱۷۶/ ...- وَ مِنْهُ «۳» وَ نَقَلْتُ مِنْ کِتَابِ لِأَبِی إِسْحَاقَ الثَّعْلَبِیِّ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَدْ أَخَذَ بِیَدِ فَاطِمَةَ وَ قَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهَا فَهِیَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ هِیَ بَضْعَةٌ مِنِّی وَ هِیَ قَلْبِیَ الَّذِی بَیْنَ جَنْبَیَّ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَی اللَّهَ

۱۷۷/ ...- وَ مِنْهُ «۴» وَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ فَاطِمَةَ شَعْرَةٌ مِنِّی فَمَنْ آذَی شَعْرَةً مِنِّی فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَی اللَّهَ وَ مَنْ آذَی اللَّهَ لَعَنَهُ اللَّهُ مِلْءَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ «۵»

ترجمه: (۱) رسول خدا فرمود: فاطمه جزئی از وجود من است، پس هر که او را آزار دهد مرا آزرده و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده و هر که موجب آزردگی خداوند گردد، خدا او را به اندازه آسمانها و زمین لعنت خواهد نمود- یعنی او را از رحمت خود محروم خواهد ساخت.

[متن عربی] ۱۷۸/ ...- وَ مِنْهُ «۱» وَ عَنْ حُذَیْفَةَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا یَنَامُ حَتَّی یُقَبِّلَ عُرْضَ وَجْنَةِ فَاطِمَةَ عَلَیْهَا السَّلَامُ أَوْ بَیْنَ ثَدْیَیْهَا

۱۷۹/ ...- وَ مِنْهُ «۲» وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع کَانَ النَّبِیُّ ص لَا یَنَامُ لَیْلَتَهُ حَتَّی یَضَعَ وَجْهَهُ بَیْنَ ثَدْیَیْ فَاطِمَةَ عَلَیْهَا السَّلَامُ

۱۸۰/ ...- وَ مِنْهُ «۳» وَ رُوِیَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِی بَکْرٍ قَرَأَ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِیٍّ «۴» وَ لَا مُحَدَّثٍ قُلْتُ وَ هَلْ تُحَدِّثُ الْمَلَائِکَةُ إِلَّا الْأَنْبِیَاءَ قَالَ مَرْیَمُ لَمْ تَکُنْ نَبِیَّةً وَ سَارَةُ امْرَأَةُ إِبْرَاهِیمَ قَدْ عَایَنَتِ الْمَلَائِکَةَ وَ

بَشَّرُوهَا بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ «۵» وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ص كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً «۶»

ترجمه: (۲) روایت شده که محمّد بن ابی بکر رحمه اللّه آیه ۵۱ از سوره حج را چنین تلاوت می‌کرد: وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ و لا محدّث «۱» راوی می‌گوید: از او پرسیدم:

آیا ملائکه غیر از انبیا با کس دیگر نیز گفتگو می‌کنند؟ گفت: بله، حضرت مریم پیامبر نبود در حالی که ملائکه با او سخن گفتند، و ساره همسر حضرت ابراهیم ملائکه را دید و آنها به وی در باره اسحاق و پس از او در باره یعقوب بشارت دادند در صورتی که او نیز پیامبر نبود، و فاطمه علیها السّلام نیز با وجود اینکه پیامبر نبود ولی فرشتگان با او سخن می‌گفتند.

[متن عربی] ۱۸۱/ ...- وَ مِنْهُ «۲» وَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ كَانَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص أَشْبَهَ النَّاسِ وَجْهاً وَ شِبْهاً بِرَسُولِ اللَّهِ ص

ترجمه: (۱) امّ سلمه گوید: حضرت فاطمه علیها السّلام از نظر صورت و اندام شبیه‌ترین مردم به پیامبر اسلام بود.

[متن عربی] ۱۸۲/ ...- وَ مِنْهُ «۴» وَ رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ ع عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَتْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَلْحَقَهُ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ

ترجمه: (۲) حضرت فاطمه علیها السّلام گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به من فرمود:

ای فاطمه! هر که بر تو درود فرستد خداوند او را می‌آمرزد و در هر جای بهشت که باشم او را به من ملحق می‌نماید.

[متن عربی] ۱۸۳/ ...- وَ مِنْهُ «۱» وَ رُوِيَ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ سَأَلْتِ أَبَاكِ فِيمَا سَأَلْتِ أَيْنَ تَلْقَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَتْ نَعَمْ قَالَ لِي اطْلُبِينِي عِنْدَ الْحَوْضِ قُلْتُ إِنْ لَمْ أَجِدْكَ هَاهُنَا قَالَ تَجِدِينِي إِذَنْ مُسْتَظِلًّا بِعَرْشِ رَبِّي وَ لَنْ يَسْتَظِلَّ بِهِ غَيْرِي قَالَتْ فَاطِمَةُ فَقُلْتُ يَا أَبَتِ أَهْلُ الدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عُرَاةٌ فَقَالَ نَعَمْ يَا بُنَيَّةِ فَقُلْتُ وَ أَنَا عُرْيَانَةٌ قَالَ نَعَمْ وَ أَنْتِ عُرْيَانَةٌ وَ إِنَّهُ لَا يَلْتَفِتُ فِيهِ أَحَدٌ إِلَى أَحَدٍ قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ وَا سَوْأَتَاهْ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا خَرَجْتُ حَتَّى قَالَ لِي هَبَطَ عَلَيَّ جَبْرَئِيلُ الرُّوحُ الْأَمِينُ ع فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَقْرِئْ فَاطِمَةَ السَّلَامَ وَ أَعْلِمْهَا أَنَّهَا اسْتَحْيَتْ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَاسْتَحْيَا اللَّهُ مِنْهَا فَقَدْ وَعَدَهَا أَنْ يَكْسُوَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُلَّتَيْنِ مِنْ نُورٍ قَالَ عَلِيٌّ ع فَقُلْتُ لَهَا فَهَلَّا سَأَلْتِيهِ عَنِ ابْنِ عَمِّكِ فَقَالَتْ قَدْ فَعَلْتُ فَقَالَ إِنَّ عَلِيّاً أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَنْ يُعْرِيَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) علی علیه السّلام به فاطمه علیها السّلام گفت: آیا از پیامبر پرسیده‌ای که در روز قیامت وی را کجا ملاقات خواهی کرد؟ فاطمه گفت: بله پرسیدم و در جوابم فرمود: مرا در کنار حوض کوثر ملاقات نما. پس پرسیدم: اگر تو را در آنجا نیافتم؟ فرمود: مرا در سایه عرش پروردگارم خواهی دید در حالی که کسی غیر از من در آنجا نخواهد بود.

فاطمه گفت: پرسیدم: ای پدر! آیا اهل دنیا در روز قیامت عریان خواهند بود؟

پیامبر گفت: آری، ای دخترم! پرسیدم: آیا من نیز برهنه خواهم بود؟

گفت: آری، ولی در آن روز هیچ کس به کس دیگر توجه ندارد.

گفتم: وای بر برهنگی من در این روز. و هنوز از نزد پیامبر خارج نشده بودم که مرا خطاب قرار داده و گفت: اینک جبرئیل بر من نازل شده و می‌گوید: ای محمّد! به فاطمه سلام برسان و او را آگاه کن که چون وی از خدا حیا می‌کند، خداوند نیز از اینکه او را برهنه محشور نماید حیا دارد و لذا وعده می‌کند که در آن روز او را با دو حجاب نورانی محشورنماید.

علی علیه السّلام گفت: در این حال به فاطمه گفتم: چرا در باره پسر عمویت نپرسیدی؟

گفت: پرسیدم و پیامبر فرمود: همانا علی در نزد خداوند گرامی‌تر از آن است که وی را برهنه محشور نماید.

[متن عربی] ۱۵ ۱۸۴/ ۴۹- فَضَائِلُ شَهْرِ رَمَضَانَ، «۱» لِلصَّدُوقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَّازِ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ يَغْلِبُ نُورُهَا الْهِلَالَ وَ يَخْفَى فَإِذَا غَابَتْ عَنْهُ ظَهَرَ

ترجمه: (۱) امام رضا علیه السّلام در ضمن حدیثی طولانی گوید: هر گاه هلال ماه رمضان طلوع می‌کرد- نام ماه در سه شب اوّل هر ماه را هلال گویند نورانیت فاطمه علیها السّلام بر نور آن غلبه می‌کرد به طوری که نور هلال قابل مشاهده نبود، پس هنگامی که فاطمه غایب می‌گردید نور هلال مشاهده می‌شد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۱۸۵/ ...- بشارة المصطفى «۲» بِالْإِسْنَادِ إِلَى أَبِي عَلِيٍّ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الصَّقَّالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْقِلٍ الْعِجْلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصُّهْبَانِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص صَلَاةَ الْعَصْرِ فَلَمَّا انْفَتَلَ جَلَسَ فِي قِبْلَتِهِ وَ النَّاسُ حَوْلَهُ فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ شَيْخٌ مِنْ مُهَاجِرَةِ الْعَرَبِ عَلَيْهِ سَمَلٌ قَدْ تَهَلَّلَ وَ أَخْلَقَ وَ هُوَ لَا يَكَادُ يَتَمَالَكُ كِبَراً وَ ضَعْفاً فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص يَسْتَحِثُّهُ الْخَبَرَ فَقَالَ الشَّيْخُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَنَا جَائِعُ الْكَبِدِ فَأَطْعِمْنِي وَ عَارِي الْجَسَدِ فَاكْسُنِي وَ فَقِيرٌ فَأَرْشِنِي فَقَالَ ص مَا أَجِدُ لَكَ شَيْئاً وَ لَكِنَّ الدَّالَّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ انْطَلِقْ إِلَى مَنْزِلِ مَنْ يُحِبُّ اللَّهَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

وَ رَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ يُؤْثِرُ اللَّهَ عَلَى نَفْسِهِ انْطَلَقْ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ وَ كَانَ بَيْتُهَا مُلَاصِقَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص الَّذِي يَنْفَرِدُ بِهِ لِنَفْسِهِ مِنْ أَزْوَاجِهِ وَ قَالَ يَا بِلَالُ قُمْ فَقِفْ بِهِ عَلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ فَانْطَلَقَ الْأَعْرَابِيُّ مَعَ بِلَالٍ فَلَمَّا وَقَفَ عَلَى بَابِ فَاطِمَةَ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطَ جَبْرَئِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ بِالتَّنْزِيلِ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ فَمَنْ أَنْتَ يَا هَذَا قَالَ شَيْخٌ مِنَ الْعَرَبِ أَقْبَلْتُ عَلَى أَبِيكِ سَيِّدِ الْبَشَرِ مُهَاجِراً مِنْ شُقَّةٍ وَ أَنَا يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ عَارِي الْجَسَدِ جَائِعُ الْكَبِدِ فَوَاسِينِي يَرْحَمُكِ اللَّهُ وَ كَانَ لِفَاطِمَةَ وَ عَلِيٍّ فِي تِلْكَ الْحَالِ وَ رَسُولِ اللَّهِ ص ثَلَاثاً مَا طَعِمُوا فِيهَا طَعَاماً وَ قَدْ عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَلِكَ مِنْ شَأْنِهِمَا فَعَمَدَتْ فَاطِمَةُ إِلَى جِلْدِ كَبْشٍ مَدْبُوغٍ بِالْقَرَظِ كَانَ يَنَامُ عَلَيْهِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَقَالَتْ خُذْ هَذَا أَيُّهَا الطَّارِقُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْتَاحَ لَكَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ قَالَ الْأَعْرَابِيُّ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ شَكَوْتُ إِلَيْكِ الْجُوعَ فَنَاوَلْتِينِي جِلْدَ كَبْشٍ مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِ مَعَ مَا أَجِدُ مِنَ السَّغَبِ قَالَ فَعَمَدَتْ لَمَّا سَمِعَتْ هَذَا مِنْ قَوْلِهِ إِلَى عِقْدٍ كَانَ فِي عُنُقِهَا أَهْدَتْهُ لَهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ عَمِّهَا حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَطَعَتْهُ مِنْ عُنُقِهَا وَ نَبَذَتْهُ إِلَى الْأَعْرَابِيِّ فَقَالَتْ خُذْهُ وَ بِعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يُعَوِّضَكَ بِهِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ فَأَخَذَ الْأَعْرَابِيُّ الْعِقْدَ وَ انْطَلَقَ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ النَّبِيُّ ص جَالِسٌ فِي أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَعْطَتْنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ هَذَا الْعِقْدَ فَقَالَتْ بِعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَصْنَعَ لَكَ قَالَ فَبَكَى النَّبِيُّ ص وَ قَالَ وَ كَيْفَ لَا يَصْنَعُ اللَّهُ لَكَ وَ قَدْ أَعْطَتْكَهُ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةُ بَنَاتِ آدَمَ فَقَامَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ تَأْذَنُ لِي بِشِرَاءِ هَذَا الْعِقْدِ قَالَ اشْتَرِهِ يَا عَمَّارُ فَلَوِ اشْتَرَكَ فِيهِ الثَّقَلَانِ مَا عَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِالنَّارِ فَقَالَ عَمَّارٌ بِكَمِ الْعِقْدُ يَا أَعْرَابِيُّ قَالَ بِشَبْعَةٍ مِنَ الْخُبْزِ وَ اللَّحْمِ وَ بُرْدَةٍ يَمَانِيَّةٍ أَسْتُرُ بِهَا عَوْرَتِي وَ أُصَلِّي فِيهَا لِرَبِّي وَ دِينَارٍ يُبَلِّغُنِي إِلَى أَهْلِي وَ كَانَ عَمَّارٌ قَدْ بَاعَ سَهْمَهُ الَّذِي نَفَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ خَيْبَرَ وَ لَمْ يُبْقِ مِنْهُ شَيْئاً فَقَالَ لَكَ عِشْرُونَ دِينَاراً وَ مِائَتَا دِرْهَمٍ هَجَرِيَّةٌ وَ بُرْدَةٌ يَمَانِيَّةٌ وَ رَاحِلَتِي تُبَلِّغُكَ أَهْلَكَ وَ شِبَعُكَ مِنْ خُبْزِ الْبُرِّ وَ اللَّحْمِ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ مَا أَسْخَاكَ بِالْمَالِ أَيُّهَا الرَّجُلُ وَ انْطَلَقَ بِهِ عَمَّارٌ فَوَفَّاهُ مَا ضَمِنَ لَهُ وَ عَادَ الْأَعْرَابِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَ شَبِعْتَ وَ اكْتَسَيْتَ قَالَ الْأَعْرَابِيُّ نَعَمْ وَ اسْتَغْنَيْتُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي قَالَ فَاجْزِ فَاطِمَةَ بِصَنِيعِهَا فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِلَهٌ مَا اسْتَحْدَثْنَاكَ وَ لَا إِلَهَ لَنَا نَعْبُدُهُ سِوَاكَ وَ أَنْتَ رَازِقُنَا عَلَى كُلِّ الْجِهَاتِ اللَّهُمَّ أَعْطِ فَاطِمَةَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ فَأَمَّنَ النَّبِيُّ ص عَلَى دُعَائِهِ وَ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى فَاطِمَةَ فِي الدُّنْيَا ذَلِكَ أَنَا أَبُوهَا وَ مَا أَحَدٌ مِنَ الْعَالَمِينَ مِثْلِي وَ عَلِيٌّ بَعْلُهَا وَ لَوْ لَا عَلِيٌّ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفْوٌ أَبَداً وَ أَعْطَاهَا الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ مَا لِلْعَالَمِينَ مِثْلُهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَسْبَاطِ الْأَنْبِيَاءِ وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كَانَ بِإِزَائِهِ مِقْدَادٌ وَ عَمَّارٌ وَ سَلْمَانُ فَقَالَ وَ أَزِيدُكُمْ قَالُوا نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَتَانِي الرُّوحُ يَعْنِي جَبْرَئِيلَ ع أَنَّهَا إِذَا هِيَ قُبِضَتْ وَ دُفِنَتْ يَسْأَلُهَا الْمَلَكَانِ فِي قَبْرِهَا مَنْ رَبُّكِ فَتَقُولُ اللَّهُ رَبِّي فَيَقُولَانِ فَمَنْ نَبِيُّكِ فَتَقُولُ أَبِي فَيَقُولَانِ فَمَنْ وَلِيُّكِ فَتَقُولُ هَذَا الْقَائِمُ عَلَى شَفِيرِ قَبْرِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع أَلَا وَ أَزِيدُكُمْ مِنْ فَضْلِهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِهَا رَعِيلًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا وَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

عَنْ یَمِینِهَا وَ عَنْ شِمَالِهَا وَ هُمْ مَعَهَا فِی حَیَاتِهَا وَ عِنْدَ قَبْرِهَا وَ عِنْدَ مَوْتِهَا یُکْثِرُونَ الصَّلَاةَ عَلَیْهَا وَ عَلَی أَبِیهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیهَا فَمَنْ زَارَنِی بَعْدَ وَفَاتِی فَکَأَنَّمَا زَارَنِی فِی حَیَاتِی وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَکَأَنَّمَا زَارَنِی وَ مَنْ زَارَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ فَکَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ فَکَأَنَّمَا زَارَ عَلِیّاً وَ مَنْ زَارَ ذُرِّیَّتَهُمَا فَکَأَنَّمَا زَارَهُمَا فَعَمَدَ عَمَّارٌ إِلَی الْعِقْدِ فَطَیَّبَهُ بِالْمِسْکِ وَ لَفَّهُ فِی بُرْدَةٍ یَمَانِیَّةٍ وَ کَانَ لَهُ عَبْدٌ اسْمُهُ سَهْمٌ ابْتَاعَهُ مِنْ ذَلِکَ السَّهْمِ الَّذِی أَصَابَهُ بِخَیْبَرَ فَدَفَعَ الْعِقْدَ إِلَی الْمَمْلُوکِ وَ قَالَ لَهُ خُذْ هَذَا الْعِقْدَ فَادْفَعْهُ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَنْتَ لَهُ فَأَخَذَ الْمَمْلُوکُ الْعِقْدَ فَأَتَی بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ أَخْبَرَهُ بِقَوْلِ عَمَّارٍ فَقَالَ النَّبِیُّ انْطَلِقْ إِلَی فَاطِمَةَ فَادْفَعْ إِلَیْهَا الْعِقْدَ وَ أَنْتَ لَهَا فَجَاءَ الْمَمْلُوکُ بِالْعِقْدِ وَ أَخْبَرَهَا بِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَخَذَتْ فَاطِمَةُ عَلَیْهَا السَّلَامُ الْعِقْدَ وَ أَعْتَقَتِ الْمَمْلُوکَ فَضَحِکَ الْغُلَامُ فَقَالَتْ مَا یُضْحِکُکَ یَا غُلَامُ فَقَالَ أَضْحَکَنِی عِظَمُ بَرَکَةِ هَذَا الْعِقْدِ أَشْبَعَ جَائِعاً وَ کَسَا عُرْیَاناً وَ أَغْنَی فَقِیراً وَ أَعْتَقَ عَبْداً وَ رَجَعَ إِلَی رَبِّهِ

بیان السمل بالتحریک الثوب الخلق قوله قد تهلل أی الرجل من قولهم تهلل وجهه إذا استنار و ظهر فیه آثار السرور أو الثوب کنایة عن انخراقه قوله یستحثه الخبر أی یسأله الخبر و یحثه و یرغبه علی ذکر أحواله.

قوله أرشنی قال الجزری یقع الریاش علی الخصب و المعاش و المال المستفاد و منه حدیث عائشة و یریش مملقها أی یکسوه و یعینه و أصله من الریش کان الفقیر المملق لا نهوض به کالمقصوص الجناح یقال راشه یریشه إذا أحسن إلیه و القرظ ورق السلم یدبغ به و یقال ارتاح الله لفلان أی رحمه و السغب الجوع و قال الجزری یقال للقطعة من الفرسان رعلة و لجماعة الخیل رعیل و منه حدیث علی ع سراعا إلی أمره رعیلا أی رکابا علی الخیل

ترجمه: (۱) جابر بن عبد اللّه انصاری گوید: روزی رسول خدا پس از به جای آوردن نماز عصر در محراب مسجد نشسته و مردم نیز اطراف او را گرفته بودند، در این حال پیر مردی از مهاجرین عرب که لباسهای کهنه‌ای بر تن داشت و از شدّت ضعف قدرت حفظ خود را نداشت به نزد ایشان آمد، پیامبر که متوجه حضور وی شده بود به سوی او نگریسته و از احوالش سؤال کرد.

پیر مرد گفت: ای محمّد! گرسنه‌ام غذایی به من بده، برهنه‌ام لباسی در اختیارم بگذار، فقیرم بی‌نیازم کن.

پیامبر فرمود: من چیزی ندارم که به تو بدهم ولی تو را به جایی راهنمایی می‌کنم که راهنمای به خیر مانند عامل به خیر است، برخیز و به سوی خانه آن کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد، خدا و رسول هم وی را دوست می‌دارند، آن کسی که خدا را بر خود مقدّم می‌دارد، به سوی خانه فاطمه برو.

سپس رسول خدا به بلال فرمود: برخیز و این اعرابی را تا در خانه فاطمه راهنمایی کن.

آن پیر مرد همراه بلال رفت تا به در خانه فاطمه رسیدند و با صدای رسا گفت: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوّة و مختلف الملائکة و مهبط جبرئیل الرّوح الأمین بالتنزیل من عند ربّ العالمین».

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فاطمه فرمود: و علیک السلام، تو کیستی؟

پیر مرد گفت: من پیر مردی از عرب هستم که از راه دور به سوی پدر تو آمده‌ام، ای دختر محمّد! من برهنه‌ام و گرسنه‌ام، مرا یاری کن، خدا تو را رحمت کند. (۱) راوی گوید: آن زمان، هنگامی بود که پیامبر، علی و فاطمه سه روز بود که غذا نخورده بودند و رسول خدا هم از حال علی و زهرا آگاهی داشت.

به هر حال حضرت فاطمه پوستینی را که حسن و حسین روی آن می‌خوابیدند به آن پیر مرد داده و گفت: این را بگیر شاید که خدا بهتر از آن را هم به تو عطا فرماید.

پیر مرد گفت: ای دختر محمّد! من از گرسنگی به تو شکایت می‌کنم و تو پوست گوسفندی را به من می‌دهی، من با وجود این ضعف و گرسنگی با این پوست چه کنم؟ و آن به چه درد من می‌خورد؟ راوی گوید: هنگامی که فاطمه این سخن را شنید گردن‌بند خود را که فاطمه بنت حمزه- دختر عمویش- برای وی هدیه کرده بود از گردن خویش باز کرد و به پیر مرد داد و گفت:

این گردنبند را بفروش، شاید خداوند مهربان بهتر از این را به تو عطا فرماید.

پیر مرد پس از آنکه گردنبند را گرفت به سوی مسجد بازگشت و خطاب به رسول خدا گفت: ای رسول خدا! این گردنبند را دخترت فاطمه به من بخشید و گفت: آن را بفروش، شاید خداوند بهتر از آن را نصیب تو فرماید.

پیامبر با دیدن گردن بند گریه‌اش گرفت و گفت: چگونه خداوند به تو بهتر از آن نصیب نفرماید در حالی که فاطمه دختر بزرگترین پیامبر خدا آن را به تو عطا کرده است.

در این حال عمّار یاسر برخاست و گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می‌دهی که من این گردنبند را بخرم؟

پیامبر فرمود: آن را خریداری کن، و اللّه اگر ثقلین در خریداری آن شرکت کنند خدا هرگز آنان را به آتش دوزخ عذاب نخواهد کرد.

عمار گفت: ای پیر مرد! این گردنبند را به چه قیمتی می‌فروشی؟

پیر مرد گفت: به یک شکم نان و گوشت و یک برد یمانی که عورت خود را به وسیله آن بپوشانم و با آن برای خدا نماز بگزارم و یک دینار که به کمک آن به اهل و عیال خویش برسم.

عمّار که سهم خود از غنائم خیبر را فروخته بود گفت: بیست دینار و دویست درهم، و یک برد یمانی، با شتری راهوار که به خودم تعلّق دارد و تو را به آسانی به وطنت می‌رساند، با یک شکم نان گندم و گوشت به تو می‌دهم و آن را از تو خریداری می‌نمایم. (۱) پیر مرد گفت: ای مرد، تو چقدر سخاوتمندی! سپس عمار آنچه را وعده کرده بود به او داد و گردنبند را گرفت، بعد از آن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به اعرابی پیر گفت: آیا سیر شدی؟ آیا بدن خود را پوشانیدی؟

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

پیر مرد گفت: آری، پدر و مادرم به فدای تو، من دیگر بی‌نیاز گردیدم.

پیامبر فرمود: اکنون که چنین است برای فاطمه دعای خیری کن و محبت او را نسبت به خود جبران فرما.

پیر مرد فرمود: خداوندا! تو پروردگاری هستی ازلی و ما غیر از تو را نمی‌پرستیم، تو رازق مطلق هستی، پس بار خدایا! به فاطمه چیزی عطا کن که تا امروز چشم هیچ کس مانند آن را ندیده باشد و گوش هیچ کس در باره آن چیزی نشنیده باشد.

پیامبر آمین گفت و رو به اصحاب کرده فرمود: خداوند این دعا را در دنیا، نسبت به فاطمه اجابت نموده است زیرا پدری به او عطا فرموده که کسی مثل آن را نداشته است و همسری که کسی نظیر و همانند او نیست و پسرانی که هیچ کس چون آنها را ندیده است و آنها سرور جوانان بهشت خواهند بود. سپس به سوی مقداد، عمار و سلمان بازگشته و گفت:

آیا می‌خواهید که بیش از این را برای شما بگویم؟

رسول خدا فرمود: جبرئیل نزد من آمده گفت: هنگامی که فاطمه رحلت نموده و دفن شود، دو فرشته از وی در باره خدا، پیغمبر و ولیّش سؤال می‌کنند و او جواب می‌دهد که پروردگار من خداوند یگانه، پیامبرم پدرم و ولیّم شوهرم می‌باشد که اکنون بر بالای قبر من ایستاده است.

و رسول خدا ادامه داد: بگذارید تا برخی دیگر از فضائل او را نیز برای شما بازگو کنم، خداوند متعال گروهی از فرشتگان را مأمور نموده که فاطمه را از هر چهار طرف محافظت نمایند، این فرشتگان در زمان حیات فاطمه، در قبر او، و هنگام رحلتش با او همراه می‌باشند و درودهای فراوانی را نثار او، پدر، شوهر و فرزندانش می‌نمایند.

پس کسی که مرا پس از فوت زیارت نماید مثل آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت نموده، (۱) و کسی که فاطمه را زیارت کند مثل آن است که مرا زیارت کرده، و کسی که علی را زیارت کند مانند آن است که فاطمه را زیارت کرده باشد، و کسی که حسن و حسین را زیارت کند گویا علی را زیارت کرده و کسی که فرزندان حسن و حسین را زیارت کند چنان است که آن دو را زیارت کرده است.

پس از این سخنان عمّار گردن بند فاطمه را با مشک خوشبو نمود و آن را در میان بردی یمانی پیچید و تحویل غلامی به نام سهیم داد و به او گفت: این را تحویل پیامبر بده، و خود آن غلام را نیز به پیامبر هدیه نمود.

آن غلام گردن بند را نزد رسول خدا آورده و سخنان عمّار را برای ایشان باز گفت، پیامبر به او گفت: من تو را با این گردن بند به فاطمه بخشیدم، سهیم به نزد فاطمه آمد و سخن پیامبر را برای او بیان نمود، و فاطمه علیها السّلام آن گردنبند را گرفته و غلام را آزاد کرد.

غلام مذکور پس از اینکه آزاد شد خندید و بسیار خوشحال بود، فاطمه گفت: ای مرد! برای چه می‌خندی؟

غلام گفت: عظمت برکت و خیر کثیر این گردن بند مرا خندان نموده است، زیرا گرسنه‌ای را سیر کرد، برهنه‌ای را پوشانید، فقیری را بی‌نیاز کرد، غلامی را آزاد نمود و در نهایت نیز به دست صاحب اصلیش باز گشت.

[متن عربی] ۱، ۱۵، ۲، ۳، ۱۴ ۱۸۶/ ...- تفسیر فرات «۱» عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ أَصْبَحَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع ذَاتَ يَوْمٍ سَاغِباً فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدَكِ شَيْ‌ءٌ تُغَذِّينِيهِ قَالَتْ لَا وَ الَّذِي أَكْرَمَ أَبِي بِالنُّبُوَّةِ وَ أَكْرَمَكَ بِالْوَصِيَّةِ مَا أَصْبَحَ الْغَدَاةَ عِنْدِي شَيْ‌ءٌ وَ مَا كَانَ شَيْ‌ءٌ أُطْعِمْتُكَهُ مُذْ يَوْمَيْنِ إِلَّا شَيْ‌ءٌ كُنْتُ أُوثِرُكَ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَ عَلَى ابْنَيَّ هَذَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَقَالَ عَلِيٌّ يَا فَاطِمَةُ أَ لَا كُنْتِ أَعْلَمْتِينِي فَأَبْغِيَكُمْ شَيْئاً فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أُكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ عِنْدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَاثِقاً بِاللَّهِ بِحُسْنِ الظَّنِّ فَاسْتَقْرَضَ دِينَاراً فَبَيْنَا الدِّينَارُ فِي يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع يُرِيدُ أَنْ يَبْتَاعَ لِعِيَالِهِ مَا يُصْلِحُهُمْ فَتَعَرَّضَ لَهُ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ فِي يَوْمٍ شَدِيدِ الْحَرِّ قَدْ لَوَّحَتْهُ الشَّمْسُ مِنْ فَوْقِهِ وَ آذَتْهُ مِنْ تَحْتِهِ فَلَمَّا رَآهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع أَنْكَرَ شَأْنَهُ فَقَالَ يَا مِقْدَادُ مَا أَزْعَجَكَ هَذِهِ السَّاعَةَ مِنْ رَحْلِكَ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ خَلِّ سَبِيلِي وَ لَا تَسْأَلْنِي عَمَّا وَرَائِي فَقَالَ يَا أَخِي إِنَّهُ لَا يَسَعُنِي أَنْ تُجَاوِزَنِي حَتَّى أَعْلَمَ عِلْمَكَ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ رَغْبَةً إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ أَنْ تُخَلِّيَ سَبِيلِي وَ لَا تَكْشِفَنِي عَنْ حَالِي فَقَالَ لَهُ يَا أَخِي إِنَّهُ لَا يَسَعُكَ أَنْ تَكْتُمَنِي حَالَكَ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَمَّا إِذْ أَبَيْتَ فَوَ الَّذِي أَكْرَمَ مُحَمَّداً بِالنُّبُوَّةِ وَ أَكْرَمَكَ بِالْوَصِيَّةِ مَا أَزْعَجَنِي مِنْ رَحْلِي إِلَّا الْجُهْدُ وَ قَدْ تَرَكْتُ عِيَالِي يَتَضَاغَوْنَ جُوعاً فَلَمَّا سَمِعْتُ بُكَاءَ الْعِيَالِ لَمْ تَحْمِلْنِي الْأَرْضُ فَخَرَجْتُ مَهْمُوماً رَاكِبَ رَأْسِي هَذِهِ حَالِي وَ قِصَّتِي فَانْهَمَلَتْ عَيْنَا عَلِيٍّ بِالْبُكَاءِ حَتَّى بَلَّتْ دَمْعَتُهُ لِحْيَتَهُ فَقَالَ لَهُ أَحْلِفُ بِالَّذِي حَلَفْتُ مَا أَزْعَجَنِي إِلَّا الَّذِي أَزْعَجَكَ مِنْ رَحْلِكَ فَقَدِ اسْتَقْرَضْتُ دِينَاراً فَقَدْ آثَرْتُكَ عَلَى نَفْسِي فَدَفَعَ الدِّينَارَ إِلَيْهِ وَ رَجَعَ حَتَّى دَخَلَ مَسْجِدَ النَّبِيِّ ص فَصَلَّى فِيهِ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ وَ الْمَغْرِبَ فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَغْرِبَ مَرَّ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ فَغَمَزَهُ بِرِجْلِهِ فَقَامَ عَلِيٌّ ع مُتَعَقِّباً خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى لَحِقَهُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ رَسُولُ اللَّهِ ص السَّلَامَ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ هَلْ عِنْدَكَ شَيْ‌ءٌ نَتَعَشَّاهُ فَنَمِيلَ مَعَكَ فَمَكَثَ مُطْرِقاً لَا يُحِيرُ جَوَاباً حَيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُوَ يَعْلَمُ مَا كَانَ مِنْ أَمْرِ الدِّينَارِ وَ مِنْ أَيْنَ أَخَذَهُ وَ أَيْنَ وَجَّهَهُ وَ قَدْ كَانَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ص أَنْ يَتَعَشَّى اللَّيْلَةَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَلَمَّا نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى سُكُوتِهِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا لَكَ لَا تَقُولُ لَا فَأَنْصَرِفَ أَوْ تَقُولَ نَعَمْ فَأَمْضِيَ مَعَكَ فَقَالَ حَيَاءً وَ تَكَرُّماً فَاذْهَبْ بِنَا فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَ [يْ] عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَانْطَلَقَا حَتَّى دَخَلَا عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ هِيَ فِي مُصَلَّاهَا قَدْ قَضَتْ صَلَاتَهَا وَ خَلْفَهَا جَفْنَةٌ تَفُورُ دُخَاناً فَلَمَّا سَمِعَتْ كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي رَحْلِهَا خَرَجَتْ مِنْ مُصَلَّاهَا فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ وَ كَانَتْ أَعَزَّ النَّاسِ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَ مَسَحَ بِيَدِهِ عَلَى رَأْسِهَا وَ قَالَ لَهَا يَا بِنْتَاهْ كَيْفَ أَمْسَيْتِ رَحِمَكِ اللَّهُ تَعَالَى عَشِّينَا غَفَرَ اللَّهُ لَكِ وَ قَدْ فَعَلَ فَأَخَذَتِ الْجَفْنَةَ فَوَضَعَتْهَا بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ ص وَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا نَظَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِلَى طَعَامٍ وَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

شَمَّ رِيحَهُ رَمَى فَاطِمَةَ بِبَصَرِهِ رَمْياً شَحِيحاً قَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَشَحَّ نَظَرَكَ وَ أَشَدَّهُ هَلْ أَذْنَبْتُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ ذَنْباً اسْتَوْجَبْتُ بِهِ السَّخْطَةَ قَالَ وَ أَيُّ ذَنْبٍ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبٍ أَصَبْتِيهِ أَ لَيْسَ عَهْدِي إِلَيْكِ الْيَوْمَ الْمَاضِيَ وَ أَنْتِ تَحْلِفِينَ بِاللَّهِ مُجْتَهِدَةً مَا طَعِمْتِ طَعَاماً مُذْ يَوْمَيْنِ قَالَ فَنَظَرَتْ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَتْ إِلَهِي يَعْلَمُ فِي سَمَائِهِ وَ يَعْلَمُ فِي أَرْضِهِ أَنِّي لَمْ أَقُلْ إِلَّا حَقّاً فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ أَنَّى لَكِ هَذَا الطَّعَامُ الَّذِي لَمْ أَنْظُرْ إِلَى مِثْلِ لَوْنِهِ قَطُّ وَ لَمْ أَشَمَّ مِثْلَ رِيحِهِ قَطُّ وَ مَا آكُلُ أَطْيَبَ مِنْهُ قَالَ فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَفَّهُ الطَّيِّبَةَ الْمُبَارَكَةَ بَيْنَ كَتِفَيْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَغَمَزَهَا ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ هَذَا بَدَلُ دِينَارِكَ وَ هَذَا جَزَاءُ دِينَارِكَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ «۱» ثُمَّ اسْتَعْبَرَ النَّبِيُّ ص بَاكِياً ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ أَبَى لَكُمْ أَنْ تَخْرُجَا مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَجْزِيَكُمَا وَ يُجْرِيَكِ يَا عَلِيُّ مُجْرَى زَكَرِيَّا وَ يُجْرِيَ فَاطِمَةَ مُجْرَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً

«۲»- كشف «۳» عن أبي سعيد مثله ما، «۴» جماعة عن أبي المفضل عن محمد بن جعفر بن مسكان عن عبد الله بن الحسين عن يحيى بن عبد الحميد الحماني عن قيس بن الربيع عن أبي هارون العبدي عن أبي سعيد مثله بيان قال الجوهري لوحت الشيء بالنار أحميته و قال في النهاية فيه إن شئت دعوت الله أن يسمعك تضاغيهم في النار أي صياحهم و بكاءهم يقال ضغا يضغو ضغوا و ضغاء إذا صاح و منه الحديث و صبيتي يتضاغون حولي.

قوله رميا شحيحا الشح البخل مع حرص و هو لا يناسب المقام إلا بتكلف و يحتمل أن يكون أصله سحيحا بالسين المهملة من السح بمعنى السيلان كناية عن المبالغة في النظر و التحديق بالبصر و على ما في النسخ يحتمل أن يكون من الحرص كناية عن المبالغة في النظر أو البخل كناية عن النظر بطرف البصر على وجه الغيظ

ترجمه: (۱) ابو سعید خدری روایت کرده است: در صبح یکی از روزها علی علیه السّلام به فاطمه علیها السّلام گفت: آیا طعامی برای خوردن داریم؟

فاطمه گفت: نه، به حقّ خدایی که پدرم را به نبوّت و پیامبری گرامی داشت و تو را به وصایت و جانشینی او، چیزی در خانه نداریم و دو روز است که چیزی نخورده‌ایم و مقدارکمی غذا در خانه بوده است که آن را هم برای تو و فرزندانمان اختصاص دادم و خود از خوردن آن خودداری نمودم. (۱) علی گفت: ای فاطمه! چرا مرا آگاه ننمودی تا غذایی تهیّه نمایم؟

فاطمه گفت: ای ابو الحسن! من از خداوند شرم دارم از تو چیزی بخواهم که قدرت بر تهیّه آن نداشته باشی.

علی علیه السّلام با توکّل و امید به کرم و بخشش خداوند متعال از خانه خارج گردید و یک دینار قرض کرد تا برای خرید طعام مصرف کند ولی در این هنگام مقداد را دید که مغموم و اندیشناک در زیر آفتاب سوزان راه می‌رود، پس به او نزدیک شده گفت:

ای مقداد! در زیر این آفتاب سوزان و در این موقع از روز برای چه از خانه خارج‌شده‌ای؟

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

مقداد گفت: ای برادر! مرا واگذار و در باره اسرار من پرسش مکن! علی علیه السّلام گفت: ای برادر! من نمی‌توانم از تو درگذرم مگر آنکه بدانم بر تو چه می‌گذرد.

مقداد گفت: ای ابو الحسن! من رغبت دارم که مرا رها کنی و از احوال من جستجو نکنی.

علی گفت: ای برادر! تو نباید احوال خود را از من کتمان کنی.

مقداد گفت: ای ابو الحسن! اکنون که از من در نمی‌گذری و از پاسخ سؤالت معاف نمی‌داری، به حقّ آن خدایی که محمّد را به پیامبری و تو را به وصایت او گرامی داشته، غیر از گرسنگی چیزی مرا از خانه‌ام بیرون نکشیده، هنگامی که گریه خانواده را شنیدم، آنها را گرسنه رها کرده و بیرون آمدم در حالی که مغموم و سرافکنده می‌باشم، این است حال و وضع من.

هنگامی که مقداد این را برای علی تعریف می‌کرد، علی علیه السّلام گریه می‌کرد بدان گونه که محاسن او از اشک چشمش تر گردیده بود، پس به مقداد گفت:

سوگند به حقّ آنکه تو به حقّش سوگند یاد نمودی، همان عاملی که تو را از خانه‌ات خارج کرده مرا نیز به بیرون از خانه کشانیده و من یک دینار قرض کرده‌ام ولی دوست دارم که تو را بر خود مقدّم داشته و آن را به تو تقدیم نمایم.

(۱) پس علی علیه السّلام آن دینار را به مقداد داد و خود به طرف مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رفت و در آنجا بود تا نماز ظهر، عصر و مغرب را به جای آورد، هنگامی که نماز مغرب تمام شد رسول خدا متوجه علی علیه السّلام که در صف اوّل نماز بود گردید و به آن حضرت اشاره نمود که برخیزد و هر دو برخاسته با هم از مسجد خارج شدند و پیامبر فرمود: ای علی! آیا غذایی داری که امشب ما را مهمان کنی؟ علی علیه السّلام سر به زیر افکند و جوابی نداد، ولی پیامبر که توسط جبرئیل از قضایای آن روز اطلاع پیدا کرده بود و بر وی وحی شده بود که شام را میهمان علی علیه السّلام باشد تسلیم نشده و به علی گفت: ای علی! یا بگو نه تا من بازگردم و یا بگو آری تا با تو بیایم.

علی گفت: ای رسول خدا! از شما در خجالت و شرمنده‌ام، بفرمایید و میهمان ما باشید.

پیامبر دست علی را گرفت و با هم به سوی خانه فاطمه علیها السّلام رفتند، وقتی به خانه رسیدند مشاهده کردند که فاطمه در محراب عبادت ایستاده و به راز و نیاز با خدا مشغول است و در پشت سر او کاسه‌ای پر از غذای داغ که بخارش مشهود بود قرار دارد.

هنگامی که فاطمه صدای پیامبر را شنید از محراب خارج گردید و سلام نمود و پیامبر جواب وی را داده و دستی بر سر او کشید و گفت:

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

دخترم! روز را چگونه گذراندی؟ خدا تو را رحمت کند، شامی برای ما بیاور.

حضرت فاطمه آن کاسه غذا را برداشته و در مقابل پیامبر و علی گذارد، هنگامی چشم علی به کاسه غذا افتاد نگاهی توأم با سؤال و تعجب به فاطمه افکند، پس فاطمه گفت:

ای علی! نگاه تندی به من می‌کنی، آیا گناهی کرده‌ام که مستوجب غضب تو شده باشم؟

علی فرمود: چه گناهی بزرگتر از این که سوگند خوردی مدّت دو روز است غذا نخورده‌ای؟

فاطمه نظری به آسمان افکنده و گفت: خداوندی که بر همه چیز آگاه است می‌داند که از من سخنی غیر از راستی و حقیقت صادر نشده است.

علی علیه السّلام گفت: پس این غذایی که از نظر رنگ، بو و مزه نظیر آن را ندیده‌ام از کجا فراهم شده است؟ (۲) در این حال پیامبر دست خود را بر سینه علی گذارد و فرمود: ای علی! این غذا به عوض آن دیناری است که تو به مقداد دادی، همانا خداوند هر کس را که خواهد بدون حساب روزی می‌دهد. سپس رسول خدا متأثر و گریان گردیده و فرمود: حمد و سپاس از آن خدایی است که شما را از دنیا نبرد و در همین دنیا جزای کار نیکویتان را عطا فرمود، ای علی! خدا تو را نظیر حضرت زکریا و فاطمه را مثل مریم قرار داده است چرا که خداوند می‌فرماید: «هر گاه زکریا در محراب عبادت نزد مریم می‌رفت، غذایی را در نزد او حاضر می‌دید».

علامه مجلسی این روایت را در کشف الغمه و امالی شیخ طوسی نیز دیده است.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴ ۱۸۷/ ...– الکافی «۱» عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ جَاءَتْ فَاطِمَةُ تَشْكُو إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص بَعْضَ أَمْرِهَا فَأَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص كَرَبَةً وَ قَالَ تَعَلَّمِي مَا فِيهَا فَإِذَا فِيهَا مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْراً أَوْ لِيَسْكُتْ

بيان كرب النخل أصول السعف أمثال الكتف «۲»

ترجمه: (۱) امام صادق علیه السّلام فرماید: روزی فاطمه نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رفته و در باره بعضی مشکلات زندگی خود شکوه نمود، پس رسول خدا لوحی در اختیار دخترش قرار داد و گفت: آنچه را که در آن نوشته شده بیاموز.

و در آن لوح نوشته شده بود: کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد همسایه خود را آزار نمی‌دهد، و کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد میهمان خویش را گرامی می‌دارد، و کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد یا سخن نیکو و شایسته می‌گوید و یا سکوت می‌کند.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۱۸۸/ ۵۳- الکافی «۱» الْعِدَّةُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُرِيدُ فَاطِمَةَ ع وَ أَنَا مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَدَفَعَهُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلُ قَالَتْ ادْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلُ أَنَا وَ مَنْ مَعِي فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ عَلَيَّ قِنَاعٌ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلَ مِلْحَفَتِكِ فَقَنِّعِي بِهِ رَأْسَكِ فَفَعَلَتْ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلُ قَالَتْ نَعَمْ ادْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَنَا وَ مَنْ مَعِي قَالَتْ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ قَالَ جَابِرٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ دَخَلْتُ أَنَا وَ إِذَا وَجْهُ فَاطِمَةَ أَصْفَرُ كَأَنَّهُ بَطْنُ جَرَادَةٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا لِي أَرَى وَجْهَكِ أَصْفَرَ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْجُوعُ فَقَالَ اللَّهُمَّ مُشْبِعَ الْجَوْعَةِ وَ رَافِعَ الضَّيْعَةِ أَشْبِعْ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ فَقَالَ جَابِرٌ فَوَ اللَّهِ فَنَظَرْتُ إِلَى الدَّمِ يَنْحَدِرُ مِنْ قُصَاصِهَا حَتَّى عَادَ وَجْهُهَا أَحْمَرَ فَمَا جَاعَتْ بَعْدَ ذَلِكَ الْيَوْمِ

ترجمه: (۱) جابر بن عبد اللّه انصاری گوید: روزی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به سوی خانه فاطمه علیها السّلام رفت و من هم با او همراه بودم، پس هنگامی که به در خانه رسیدیم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در زد و گفت: السّلام علیکم.

فاطمه گفت: علیک السلام، ای رسول خدا! سؤال فرمود: داخل شوم؟ پاسخ داد:

داخل شوید ای رسول خدا. پیامبر فرمود: آیا با این شخصی که همراه من است داخل شوم؟

فاطمه گفت: ای رسول خدا! من مقنعه‌ای بر سر ندارم.

پیامبر فرمود: گوشه ملافه- یا روپوش- خود را مقنعه قرار بده و سرت را بپوشان. هنگامی که فاطمه چنان کرد، پیامبر مجددا سلام کرده اجازه ورود خواست و فاطمه گفت:

ای رسول خدا! داخل شوید. پیامبر گفت: بله، آیا داخل شوم با کسی که همراه من است؟

فاطمه گفت: بله. جابر می‌گوید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و من داخل شدیم و در این حال متوجه شدم که چهره فاطمه زرد است مثل شکم ملخ زرد، رسول خدا گفت:

چرا صورتت رنگ پریده و زرد است؟ فاطمه گفت: ای رسول خدا! از گرسنگی.

سپس پیامبر خدا دعا نموده و فرمود: ای خدایی که گرسنگان را سیر می‌کنی، و افتادگان را دستگیری می‌نمایی، فاطمه را سیر نما.

جابر می‌گوید، به خداوند سوگند با این دعا خون در چهره فاطمه چنان جریان یافت که صورتش قرمز و گلگون گردید و بعد از آن روز هرگز گرسنه نشد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۲، ۳ ۱۸۹/ ...- تفسیر فرات «۱» الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ مُعَنْعَناً عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَمُرَّ بِنْتُ حَبِيبِ اللَّهِ إِلَى قَصْرِهَا فَتَمُرُّ إِلَى قَصْرِهَا فَاطِمَةُ ابْنَتِي وَ عَلَيْهَا رَيْطَتَانِ خَضْرَاوَانِ حَوَالَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ فَإِذَا بَلَغَتْ إِلَى بَابِ قَصْرِهَا وَجَدَتِ الْحَسَنَ قَائِماً وَ الْحُسَيْنَ نَائِماً مَقْطُوعَ الرَّأْسِ فَتَقُولُ لِلْحَسَنِ مَنْ هَذَا فَيَقُولُ هَذَا أَخِي إِنَّ أُمَّةَ أَبِيكَ قَتَلُوهُ وَ قَطَعُوا رَأْسَهُ فَيَأْتِيهَا النِّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ إِنِّي إِنَّمَا أَرَيْتُكِ مَا فَعَلَتْ بِهِ أُمَّةُ أَبِيكِ لِأَنِّي ادَّخَرْتُ لَكِ عِنْدِي تَعْزِيَةً بِمُصِيبَتِكِ فِيهِ إِنِّي جَعَلْتُ تَعْزِيَتَكِ الْيَوْمَ أَنِّي لَا أَنْظُرُ فِي مُحَاسَبَةِ الْعِبَادِ حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ أَنْتِ وَ ذُرِّيَّتُكِ وَ شِيعَتُكِ وَ مَنْ أَوْلَاكُمْ مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَيْسَ هُوَ مِنْ شِيعَتِكِ قَبْلَ أَنْ أَنْظُرَ فِي مُحَاسَبَةِ الْعِبَادِ فَتَدْخُلُ فَاطِمَةُ ابْنَتِي الْجَنَّةَ وَ ذُرِّيَّتُهَا وَ شِيعَتُهَا وَ مَنْ أَوْلَاهَا مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِهَا فَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ «۱» قَالَ هَوْلُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خالِدُونَ «۲» هِيَ وَ اللَّهِ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتُهَا وَ شِيعَتُهَا وَ مَنْ أَوْلَاهُمْ مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَيْسَ هُوَ مِنْ شِيعَتِهَا

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرماید: هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد منادی از عرش ندا می‌دهد: ای خلایق چشمان خود را ببندید تا دختر حبیب خدا به قصر خود برود. سپس فاطمه در حالی که دو چادر سبز بر سر کرده و هفتاد هزار فرشته او را همراهی می‌نمایند عبور می‌کند و هنگامی که بر در قصر می‌رسد مشاهده می‌کند که پسرش حسن ایستاده و حسین در حالی که سر ندارد خوابیده است.

فاطمه به حسن می‌گوید: این کیست که خوابیده؟

حسن می‌گوید: برادرم حسین است که به دست امّت پدر شما کشته و سرش را بریده‌اند.

در همین موقع از طرف خدا خطاب می‌رسد:

ای دختر حبیب من! من این ظلم و ستمی را که امّت پدرت مرتکب شده‌اند از آن جهت به تو نشان دادم تا آن تسلیت را که برای تو ذخیره نموده‌ام نشانت دهم، و تسلیت تو این است که امروز به حساب احدی رسیدگی نخواهم کرد مگر آنکه تو، فرزندانت، شیعیانت و آنهایی را که شیعه نبوده‌اند ولی به شما خدمتی کرده‌اند داخل بهشت شوید.

پیامبر ادامه دادند: و در همین موقع آن اشخاص داخل بهشت می‌شوند و این همان معنای کلام خداوند است که فرمود: «در روز جزع و فزع بزرگ هیچ چیز آنها را محزون نخواهد کرد»، و منظور از «یوم الفزع الاکبر» روز قیامت است و هول و هراسی که در این روز وجود دارد، که در آن روز فاطمه، فرزندانش، شیعیان و دوستدارانش «از کسانی هستند که در آنجا که دوست دارند داخل می‌شوند و اقامت می‌کنند».

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۵، ۱۴، ۱۵، ۱، ۲، ۳، ۱۲ ۱۹۰/ ...- الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص لِفَاطِمَةَ يَا فَاطِمَةُ قُومِي فَاخْرُجِي تِلْكَ الصَّحْفَةَ فَقَامَتْ فَأَخْرَجَتْ صَحْفَةً فِيهَا تَرِيدٌ وَ عُرَاقٌ يَفُورُ «۲» فَأَكَلَ النَّبِيُّ ص وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع ثَلَاثَةَ عَشَرَ يَوْماً ثُمَّ إِنَّ أُمَّ أَيْمَنَ رَأَتِ الْحُسَيْنَ مَعَهُ شَيْءٌ فَقَالَتْ لَهُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا قَالَ إِنَّا لَنَأْكُلُهُ مُنْذُ أَيَّامٍ فَأَتَتْ أُمُّ أَيْمَنَ فَاطِمَةَ ع فَقَالَتْ يَا فَاطِمَةُ إِذَا كَانَ عِنْدَ أُمِّ أَيْمَنَ شَيْءٌ فَإِنَّمَا هُوَ لِفَاطِمَةَ وَ لِوُلْدِهَا وَ إِذَا كَانَ عِنْدَ فَاطِمَةَ شَيْءٌ فَلَيْسَ لِأُمِّ أَيْمَنَ مِنْهُ شَيْءٌ فَأَخْرَجَتْ لَهَا مِنْهُ فَأَكَلَتْ مِنْهُ أُمُّ أَيْمَنَ وَ نَفِدَتِ الصَّحْفَةُ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص أَمَا لَوْ لَا أَنَّكِ أَطْعَمْتِهَا لَأَكَلْتِ مِنْهَا أَنْتِ وَ ذُرِّيَّتُكِ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ الصَّحْفَةُ عِنْدَنَا يَخْرُجُ بِهَا قَائِمُنَا ع فِي زَمَانِهِ

بیان قال الجوهری العرق العظم الذی أخذ عنه اللحم و الجمع عراق بالضم انتهی.

و المراد هنا العظم مع اللحم کما ورد فی اللغة أیضا قال الفیروزآبادی العرق و کغراب العظم أکل لحمه و الجمع ککتاب و غراب نادر أو العرق العظم بلحمه فإذا أکل لحمه فعراق أو کلاهما لکلیهما

ترجمه: (۱) امام محمّد باقر علیه السّلام فرماید: پیامبر به فاطمه گفت: ای فاطمه! برخیز و آن ظرف غذا را بیاور. فاطمه برخاست و ظرف غذایی که در آن نان ترید شده- تکه تکه شده- همراه با گوشت گوساله بود آورد، و پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین به مدّت سیزده روز از آن ظرف غذا می‌خوردند تا اینکه امّ ایمن تکّه‌ای از آن را در دست حسین دیده و پرسید: این طعام را از کجا آورده‌ای؟ و آن حضرت در پاسخ فرمود: چند روزی است که این گوشت گوساله را می‌خوریم. امّ ایمن نزد حضرت فاطمه علیها السّلام آمد و گفت: هر چه در نزد من باشد از آن شما و فرزندان شماست اما اگر در نزد شما چیزی باشد آیا امّ ایمن نمی‌تواند قسمتی از آن را داشته باشد؟ پس مقداری از آن غذا را به امّ ایمن داد و چون وی از آن طعام خورد، ظرف غذا ناپدید گردید و پیامبر در این باره به فاطمه فرمود: اگر از این غذا به امّ ایمن نداده بودی «۱»، همانا شما تا روز قیامت می‌توانستید از آن غذا مصرف نمایید.

امام باقر گوید: آن ظرف هم اکنون نزد ماست و قائم آل محمّد (عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف) در زمان خود آن را ظاهر نموده و از طعامش مصرف خواهد نمود.

[متن عربی] ۵، ۱۴، ۱۵ ۱۹۱/ ...- الکافی «۲» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّمْجِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ ع وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ «۳»

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) امام محمّد باقر علیه السّلام فرماید: خداوند به ذکری بهتر و بالاتر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام مورد تمجید و پرستش قرار نمی‌گیرد چرا که اگر چیزی بالاتر از آن وجود داشت، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آن را به دخترش فاطمه علیها السّلام تعلیم می‌داد.

[متن عربی] ۵، ۱۴، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۱۹۲/ ۵۷- تفسیر فرات «۴» سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ الدِّينَوَرِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ قَالَ جَابِرٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنِي بِحَدِيثٍ فِي فَضْلِ جَدَّتِكَ فَاطِمَةَ إِذَا أَنَا حَدَّثْتُ بِهِ الشِّيعَةَ فَرِحُوا بِذَلِكَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لِلْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ مَنَابِرُ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ مِنْبَرِي أَعْلَى مَنَابِرِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ اخْطُبْ فَأَخْطُبُ بِخُطْبَةٍ لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ بِمِثْلِهَا ثُمَّ يُنْصَبُ لِلْأَوْصِيَاءِ مَنَابِرُ مِنْ نُورٍ وَ يُنْصَبُ لِوَصِيِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي أَوْسَاطِهِمْ مِنْبَرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ مِنْبَرُهُ أَعْلَى مَنَابِرِهِمْ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ يَا عَلِيُّ اخْطُبْ فَيَخْطُبُ بِخُطْبَةٍ لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِمِثْلِهَا ثُمَّ يُنْصَبُ لِأَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ مَنَابِرُ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ لِابْنَيَّ وَ سِبْطَيَّ وَ رَيْحَانَتَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي مِنْبَرٌ مِنْ نُورٍ ثُمَّ يُقَالُ لَهُمَا اخْطُبَا فَيَخْطُبَانِ بِخُطْبَتَيْنِ لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنْ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ بِمِثْلِهِمَا ثُمَّ يُنَادِي الْمُنَادِي وَ هُوَ جَبْرَئِيلُ ع أَيْنَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ أَيْنَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَيْنَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ أَيْنَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ أَيْنَ أُمُّ كُلْثُومٍ أُمُّ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فَيَقُمْنَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا أَهْلَ الْجَمْعِ لِمَنِ الْكَرَمُ الْيَوْمَ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَهْلَ الْجَمْعِ إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ الْكَرَمَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ فَاطِمَةَ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ طَأْطِئُوا الرُّءُوسَ وَ غُضُّوا الْأَبْصَارَ فَإِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةُ تَسِيرُ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَأْتِيهَا جَبْرَئِيلُ بِنَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدَبَّجَةِ الْجَنْبَيْنِ خِطَامُهَا مِنَ اللُّؤْلُؤِ الْمُخْفَقِ الرَّطْبِ عَلَيْهَا رَحْلٌ مِنَ الْمَرْجَانِ فَتُنَاخُ بَيْنَ يَدَيْهَا فَتَرْكَبُهَا فَيُبْعَثُ إِلَيْهَا مِائَةُ أَلْفِ مَلَكٍ فَيَسِيرُونَ عَلَى يَمِينِهَا وَ يُبْعَثُ إِلَيْهَا مِائَةُ أَلْفِ مَلَكٍ فَيَصِيرُونَ عَلَى يَسَارِهَا وَ يُبْعَثُ إِلَيْهَا مِائَةُ أَلْفِ مَلَكٍ يَحْمِلُونَهَا عَلَى أَجْنِحَتِهِمْ حَتَّى يُسَيِّرُونَهَا عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَإِذَا صَارَتْ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ تَلْتَفِتُ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا بِنْتَ حَبِيبِي مَا الْتِفَاتُكِ وَ قَدْ أَمَرْتُ بِكِ إِلَى جَنَّتِي فَتَقُولُ يَا رَبِّ أَحْبَبْتُ أَنْ يُعْرَفَ قَدْرِي فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا بِنْتَ حَبِيبِي ارْجِعِي فَانْظُرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكِ أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكِ خُذِي بِيَدِهِ فَأَدْخِلِيهِ الْجَنَّةَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ اللَّهِ يَا جَابِرُ إِنَّهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ لَتَلْتَقِطُ شِيعَتَهَا وَ مُحِبِّيهَا كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ الْجَيِّدَ مِنَ الْحَبِّ الرَّدِيءِ فَإِذَا صَارَ شِيعَتُهَا مَعَهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ يُلْقِي اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يَلْتَفِتُوا فَإِذَا الْتَفَتُوا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَحِبَّائِي مَا الْتِفَاتُكُمْ وَ قَدْ شَفَّعْتُ فِيكُمْ فَاطِمَةَ بِنْتَ حَبِيبِي فَيَقُولُونَ يَا رَبِّ أَحْبَبْنَا أَنْ يُعْرَفَ قَدْرُنَا فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا أَحِبَّائِي ارْجِعُوا وَ انْظُرُوا مَنْ أَحَبَّكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ أَطْعَمَكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ سَقَاكُمْ شَرْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ رَدَّ عَنْكُمْ غَيْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ خُذُوا بِيَدِهِ وَ أَدْخِلُوهُ الْجَنَّةَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ اللَّهِ لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكٌّ أَوْ كَافِرٌ أَوْ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

مُنَافِقٌ فَإِذَا صَارُوا بَيْنَ الطَّبَقَاتِ نَادَوْا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ وَ لا صَدِيقٍ حَمِيمٍ «۱» فَيَقُولُونَ فَلَوْ أَنَّ لَنا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ «۲» قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ مُنِعُوا مَا طَلَبُوا وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ «۳»

ترجمه: (۱) امام صادق علیه السّلام فرماید: جابر بن عبد اللّه به امام باقر علیه السّلام عرض کرد:

جانم به فدای تو ای فرزند رسول خدا! از تو می‌خواهم تا در باره فضل و برتری جدّه‌ات فاطمه علیها السّلام حدیثی برایم نقل کنی که شیعیان از شنیدن آن خوشحال شوند.

امام فرمود: اجدادم از رسول خدا نقل کرده‌اند که ایشان فرمود:

هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد منبرهایی از نور برای پیامبران بر پا خواهد شد، در آن روز منبر من از منبر همه انبیا بالاتر خواهد بود، پس خدای متعال خواهد گفت:

ای محمّد! برخیز و سخنرانی کن، من در آن روز خطبه‌ای ایراد خواهم نمود که هیچ یک از پیامبران شبیه آن را نشنیده باشند.

سپس منبرهایی از نور برای اوصیای انبیا نصب خواهد شد که منبر وصیّ من علی بن ابی طالب در وسط آنها و بالاتر از همه خواهد بود، آنگاه خداوند می‌گوید: ای علی! خطبه‌ای بخوان، و علی علیه السّلام خطبه‌ای ایراد خواهد نمود که تا آن زمان کسی از اوصیا شبیه آن را نشنیده باشند. سپس منبرهایی از نور برای فرزندان انبیا بر پا خواهند کرد پس دو منبر برای حسن و حسین بر پا می‌شود و سپس به آنها گفته می‌شود که برخیزند و خطبه‌ای ایراد نمایند و از آن دو خطبه‌ای صادر می‌شود که هیچ یک از فرزندان انبیا و مرسلین مثل آن را نشنیده‌اند. (۱) سپس جبرئیل ندا می‌دهد: فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کجاست؟ خدیجه کجاست؟ مریم کجاست؟ آسیه کجاست؟ امّ کلثوم مادر یحیی بن زکریا کجاست؟ وقتی آنها همه برخاستند خداوند متعال می‌فرماید: ای اهل محشر! در این روز کرامت از آن کیست؟

محمّد، علی، حسن و حسین می‌گویند: کرامت مخصوص خداوندی است که یگانه و قهّار می‌باشد. پس خداوند می‌فرماید: ای اهل محشر! من عزّت و کرامت را برای محمّد، علی، حسن و حسین و فاطمه قرار دادم، پس سر خود را فرود آورید و چشم خود را ببندید تا فاطمه به سوی بهشت رود.

در این هنگام جبرئیل ناقه‌ای از بهشت، برای حضرت فاطمه آماده می‌کند و دو پهلوی آن را با بهترین پارچه‌ها و زینتهای بهشتی پوشانیده و آن را می‌نشاند و فاطمه بر آن سوار می‌شود.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

آنگاه در حالی که اطراف شتر را هزاران فرشته پر کرده‌اند، حضرت فاطمه علیها السّلام به سوی بهشت می‌رود ولی هنگامی که بر در بهشت می‌رسد پشت سرش را می‌نگرد، و در این حال خطاب می‌رسد: ای دختر حبیب من! برای چه توقف کرده و پشت سرت را می‌نگری در حالی که من فرمان دادم تا داخل بهشت شوی؟

فاطمه می‌گوید: پروردگارا! دوست دارم در چنین روزی قدر و منزلت من شناخته شود.

خداوند می‌فرماید: ای دختر حبیب من! بازگرد و در میان اهل محشر بنگر، و هر کسی که محبت تو یا یکی از فرزندان تو را در دل دارد دست او را بگیر و داخل بهشت نما.

امام باقر علیه السّلام فرماید: ای جابر! به خداوند سوگند که فاطمه در آن روز شیعیان خود را به گونه‌ای از میان اهل محشر جدا می‌کند و نجات می‌دهد که پرنده دانه‌های نیکو را از میان دانه‌های بی‌ارزش جدا می‌کند.

هنگامی که فاطمه با شیعیانش بر در بهشت می‌رسند خداوند در دل شیعیان فاطمه القا می‌کند که بایستند، پس آنان می‌ایستند و پشت سر خود را می‌نگرند، خداوند عزیز و بزرگ می‌فرماید: ای دوستان من! برای چه پشت سر خود را می‌نگرید در حالی که من شفاعت فاطمه را در باره شما پذیرفته‌ام. (۱) شیعیان جواب می‌دهند: پروردگارا! ما دوست داریم که در این چنین روزی قدر و منزلت ما شناخته شود.

خدا می‌فرماید: پس بازگردید و هر کسی را که شما را برای دوستی فاطمه دوست می‌داشته، و هر کسی را که برای محبت فاطمه شما را اطعام کرده و یا پوشانیده، و یا جرعه‌ای آب به شما داده، و یا در غیاب شما از شما دفاع و حمایت کرده، دست آنان را بگیرید و داخل بهشت نمایید.

امام باقر علیه السّلام می‌فرماید: به خداوند سوگند که در محشر، از میان مردمان کسی باقی نمی‌ماند مگر اشخاص شکّاک، کافر و منافق.

پس وقتی این سه گروه می‌بینند که چگونه مؤمنان به شفاعت فاطمه و شیعیان نجات می‌یابند می‌گویند: «ما شفیع و دوست مهربانی نداریم، ای کاش چاره‌ای می‌داشتیم و از مؤمنین محسوب می‌شدیم».

امام محمّد باقر فرموده: هیهات، هیهات! که آنچه را می‌خواهند به آن نخواهند رسید و حتّی اگر بازگردانده شوند و فرصت دیگری به آنها داده شود باز همان اعمالی را انجام خواهند داد که پیش از آن انجام داده‌اند که خداوند متعال فرماید: «اگر برمی‌گشتند باز مشغول همان کاری می‌شدند که نباید بشوند، همانا ایشان دروغگویانند».

[متن عربی] ۶، ۱۵ ۱۹۳/ ۵۸- تفسیر فرات مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ «۱» اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۲) امام صادق علیه السّلام در تفسیر سوره قدر فرماید:در آیه: إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ «۲» منظور از «اللیلة» فاطمه علیها السّلام، و منظور از «القدر» خداوند است، پس هر که فاطمه را به واقع بشناسد لیلة القدر را درک کرده است، و همانا او را فاطمه نامیدند چون مردمان از کسب معرفت واقعی نسبت به وی عاجز هستند.

[متن عربی] ۱، ۱۵، ۱۴ ۱۹۴/ ۵۹- مهج الدعوات «۱» عَنِ الشَّیْخِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْفَقِیهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ عَنْ أَبِی الْبَرَکَاتِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الْجَوْزِیِّ عَنِ الصَّدُوقِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بُشْرَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِیسَ بْنِ سَعِیدٍ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ رُشَیْدٍ وَ الْوَلِیدِ بْنِ شُجَاعِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ خَرَجْتُ مِنْ مَنْزِلِی یَوْماً بَعْدَ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِعَشَرَةِ أَیَّامٍ فَلَقِیَنِی عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع ابْنُ عَمِّ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ ص فَقَالَ لِی یَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ حَبِیبِی أَبَا الْحَسَنِ مِثْلُکُمْ لَا یُجْفَی غَیْرَ أَنَّ حُزْنِی عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص طَالَ فَهُوَ الَّذِی مَنَعَنِی مِنْ زِیَارَتِکُمْ فَقَالَ ع یَا سَلْمَانُ ائْتِ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَإِنَّهَا إِلَیْکَ مُشْتَاقَةٌ تُرِیدُ أَنْ تُتْحِفَکَ بِتُحْفَةٍ قَدْ أُتْحِفَتْ بِهَا مِنَ الْجَنَّةِ قُلْتُ لِعَلِیٍّ ع قَدْ أُتْحِفَتْ فَاطِمَةُ ع بِشَیْءٍ مِنَ الْجَنَّةِ بَعْدَ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ نَعَمْ بِالْأَمْسِ قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِیُّ فَهَرْوَلْتُ إِلَی مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فَإِذَا هِیَ جَالِسَةٌ وَ عَلَیْهَا قِطْعَةُ عَبَاءٍ إِذَا خَمَّرَتْ رَأْسَهَا انْجَلَی سَاقُهَا وَ إِذَا غَطَّتْ سَاقَهَا انْکَشَفَ رَأْسُهَا فَلَمَّا نَظَرَتْ إِلَیَّ اعْتَجَرَتْ ثُمَّ قَالَ یَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنِی بَعْدَ وَفَاةِ أَبِی ص قُلْتُ حَبِیبَتِی أَ أَجفاکم قَالَتْ فَمَهْ اجْلِسْ وَ اعْقِلْ مَا أَقُولُ لَکَ إِنِّی کُنْتُ جَالِسَةً بِالْأَمْسِ فِی هَذَا الْمَجْلِسِ وَ بَابُ الدَّارِ مُغْلَقٌ وَ أَنَا أَتَفَکَّرُ فِی انْقِطَاعِ الْوَحْیِ عَنَّا وَ انْصِرَافِ الْمَلَائِکَةِ عَنْ مَنْزِلِنَا فَإِذَا انْفَتَحَ الْبَابُ مِنْ غَیْرِ أَنْ یَفْتَحَهُ أَحَدٌ فَدَخَلَ عَلَیَّ ثَلَاثُ جَوَارٍ لَمْ یَرَ الرَّاءُونَ بِحُسْنِهِنَّ وَ لَا کَهَیْئَتِهِنَّ وَ لَا نَضَارَةِ وُجُوهِهِنَّ وَ لَا أَزْکَی مِنْ رِیحِهِنَّ فَلَمَّا رَأَیْتُهُنَّ قُمْتُ إِلَیْهِنَّ مُتَنَکِّرَةً لَهُنَّ فَقُلْتُ بِأَبِی أَنْتُنَّ مِنْ أَهْلِ مَکَّةَ أَمْ مِنْ أَهْلِ الْمَدِینَةِ فَقُلْنَ یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ لَسْنَا مِنْ أَهْلِ مَکَّةَ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْمَدِینَةِ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِیعاً غَیْرَ أَنَّنَا جَوَارٍ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ مِنْ دَارِ السَّلَامِ أَرْسَلَنَا رَبُّ الْعِزَّةِ إِلَیْکِ یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ إِنَّا إِلَیْکِ مُشْتَاقَاتٌ فَقُلْتُ لِلَّتِی أَظُنُّ أَنَّهَا أَکْبَرُ سِنّاً مَا اسْمُکِ قَالَتْ اسْمِی مَقْدُودَةُ قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّیتِ مَقْدُودَةَ قَالَتْ خُلِقْتُ لِلْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْکِنْدِیِّ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ لِلثَّانِیَةِ مَا اسْمُکِ قَالَتْ ذَرَّةُ قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّیتِ ذَرَّةَ وَ أَنْتِ فِی عَیْنِی نَبِیلَةٌ قَالَتْ خُلِقْتُ لِأَبِی ذَرٍّ الْغِفَارِیِّ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ لِلثَّالِثَةِ مَا اسْمُکِ قَالَتْ سَلْمَی قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّیتِ سَلْمَی قَالَتْ أَنَا لِسَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ مَوْلَی أَبِیکِ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَتْ فَاطِمَةُ ثُمَّ أَخْرَجْنَ لِی رُطَباً أَزْرَقَ کَأَمْثَالِ الْخُشْکَنَانَجِ الْکِبَارِ أَبْیَضَ مِنَ الثَّلْجِ وَ أَزْکَی رِیحاً مِنَ الْمِسْکِ الْأَذْفَرِ فَأَحْضَرَتْهُ فَقَالَتْ لِی یَا سَلْمَانُ أَفْطِرْ عَلَیْهِ عَشِیَّتَکَ فَإِذَا کَانَ غَداً فَجِئْنِی بِنَوَاهُ أَوْ قَالَتْ عَجَمِهِ قَالَ سَلْمَانُ فَأَخَذْتُ الرُّطَبَ فَمَا مَرَرْتُ بِجَمْعٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَّا قَالُوا یَا سَلْمَانُ أَ مَعَکَ مِسْکٌ قُلْتُ نَعَمْ فَلَمَّا کَانَ وَقْتُ الْإِفْطَارِ أَفْطَرْتُ عَلَیْهِ فَلَمْ أَجِدْ لَهُ عَجَماً وَ لَا نَوًی فَمَضَیْتُ إِلَی بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِی الْیَوْمِ الثَّانِی فَقُلْتُ لَهَا إِنِّی

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

أَفْطَرْتُ عَلَى مَا أَتْحَفْتِينِي بِهِ فَمَا وَجَدْتُ لَهُ عَجَماً وَ لَا نَوًى قَالَتْ يَا سَلْمَانُ وَ لَنْ يَكُونَ لَهُ عَجَمٌ وَ لَا نَوًى وَ إِنَّمَا هُوَ نَخْلٌ غَرَسَهُ اللَّهُ فِي دَارِ السَّلَامِ بِكَلَامٍ عَلَّمَنِيهِ أَبِي مُحَمَّدٌ ص كُنْتُ أَقُولُهُ غُدْوَةً وَ عَشِيَّةً قَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ علمنی [عَلِّمِينِي الْكَلَامَ يَا سَيِّدَتِي فَقَالَتْ إِنْ سَرَّكَ أَنْ لَا يَمَسَّكَ أَذَى الْحُمَّى مَا عِشْتَ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَوَاظِبْ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ سَلْمَانُ عَلَّمَتْنِي هَذَا الْحِرْزَ فَقَالَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَ أَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيٍّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ قَالَ سَلْمَانُ فَتَعَلَّمْتُهُنَّ فَوَ اللَّهِ لَقَدْ عَلَّمْتُهُنَّ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ نَفْسٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ مَكَّةَ مِمَّنْ بِهِمُ الْحُمَّى فَكُلٌّ بَرَأَ مِنْ مَرَضِهِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى

بیان الاعتجار لف العمامة علی الرأس قولها ع فمه أی فما السبب فی ترک زیارتنا أو اسکت و التنکر التغیر علی وجه الاستیحاش و الکراهة و لما کانت الذرة موضوعة للصغیرة من النملة قالت ع أنت مع نبلک و شرفک لم سمیت باسم یدل علی الحقارة و الخشکنانج لعله معرب أی الخبز الیابس «۱»

ترجمه: (۱) سلمان فارسی گوید: ده روز پس از رحلت رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از منزل خود خارج و با حضرت علی علیه السّلام مواجه شدم، علی به من گفت: ای سلمان! تو بعد از پیامبر خدا بر ما جفا کردی.

گفتم: حبیب من ای ابو الحسن! در باره شما جفا نشده است، بلکه حزن و اندوه شدید من در رحلت رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مانع زیارت شما شد.

علی گفت: ای سلمان! بیا به منزل فاطمه دختر رسول خدا برویم زیرا او به تو لطف دارد و می‌خواهند از تحفه‌ای که از بهشت برایش آورده‌اند به تو بدهد.

گفتم: آیا بعد از رحلت رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای او از بهشت تحفه‌ای رسیده است؟

علی گفت: آری، دیروز تحفه‌ای از بهشت برای او آورده‌اند.

سلمان می‌گوید: من به سوی خانه فاطمه حرکت کردم، پس از ورودم به خانه دیدم که فاطمه نشسته و یک قطعه عبا در بر دارد ولی هر گاه آن را روی سرش می‌کشد پاهایش بیرون

می‌ماند، و هر گاه پاهایش را می‌پوشاند سرش نمایان می‌شود. وقتی چشم وی به من افتاد آن عبا را به سرش کشید و گفت: ای سلمان! تو بعد از رحلت پدرم به ما جفا کردی؟ (۱) گفتم: ای دختر رسول خدا، آیا امکان دارد که من بتوانم به شما جفا کنم؟

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فاطمه فرمود: پس بنشین و در باره آنچه که به تو می‌گویم خوب بیندیش، من دیروز در همین مکان نشسته بودم و در خانه بسته بود و در باره انقطاع وحی از خاندان پیامبر فکر می‌کردم و اینکه فرشتگان دیگر در این خانه رفت و آمد نمی‌کنند که ناگاه در خانه باز شد و سه دختر وارد شدند که در نیکویی جمال و خوشبویی مانند آنها را ندیده بودم، وقتی چشمم به آنها افتاد بدون اینکه آنان را بشناسم از جای برخاستم و گفتم: آیا از اهل مکّه یا مدینه هستید؟

گفتند: ما حوریّه‌هایی از بهشت می‌باشیم که خدای مهربان برای زیارت شما فرستاده است زیرا ما بهشتیان اشتیاق دیدار شما را داریم.

فاطمه گفت: من به یکی از آنها که فکر می‌کردم به لحاظ سنّ بزرگتر است گفتم: نام تو چیست؟

گفت: مقدوده. گفتم: برای چه این نام را برای تو گذارده‌اند؟

گفت: زیرا من برای مقداد بن اسود کندی آفریده شده‌ام. سپس به دومی گفتم: نام تو چیست؟

گفت: نام من ذرّه است. گفتم: برای چه تو را ذرّه نام نهاده‌اند؟ گفت: زیرا من برای ابو ذر آفریده شده‌ام.

به سومی گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نام من سلمی است. گفتم: چرا تو را به این نام می‌خوانند؟

گفت: برای اینکه مرا برای سلمان دوست رسول خدا خلق کرده‌اند.

فاطمه گفت: آن سه حوریّه خرمایی به من دادند که مانند آن را ندیده بودم، پس فاطمه برخاسته و آن خرما را برای من آورد و فرمود: امشب با این خرما افطار کن و فردا هسته آن را نزد من بیاور. (۱) سلمان می‌گوید: خرما را گرفتم و از خانه فاطمه خارج شدم، و از هر جا که عبور می‌کردم سؤال می‌کردند: آیا مشک و عنبر به همراه داری؟ می‌گفتم: آری.

هنگامی که وقت افطار شد با آن خرما افطار کردم ولی هسته‌ای در میان آن ندیدم، پس روز بعد نزد دختر پیامبر خدا رفتم و واقعه را برایش بیان نمودم فرمود:

ای سلمان! چنین خرمایی نباید هسته داشته باشد زیرا درخت آن را در بهشت با این دعایی که پدرم به من آموخته و من هر صبح و شام آن را می‌خوانم غرس شده است.

سلمان گفت: آن دعا را به من یاد بده.

فاطمه فرمود: اگر دوست داری که در دنیا دچار تب نشوی بر خواندن این دعا مداومت کن.

سلمان دوباره گفت: آن را به من تعلیم بده.

فاطمه گفت: می‌گویی: بسم اللّه النور، بسم اللّه نور النور، ... تا آخر.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

سلمان می‌گوید: من این دعا را فراگرفتم و به بیش از هزار نفر از اهالی مدینه و مکّه که دچار تب شده بودند تعلیم دادم و همه آنها به لطف خدا از تب نجات یافتند.

[متن عربی] ۱، ۱۴، ۱۵ ۱۹۵/ ۶۰- مِنْ بَعْضِ کُتُبِ الْمَنَاقِبِ، «۱» بِإِسْنَادِهِ عَنْ أُسَامَةَ قَالَ مَرَرْتُ بِعَلِیٍّ وَ الْعَبَّاسِ وَ هُمَا قَاعِدَانِ فِی الْمَسْجِدِ فَقَالا یَا أُسَامَةُ اسْتَأْذِنْ لَنَا عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا عَلِیٌّ وَ الْعَبَّاسُ یَسْتَأْذِنَانِ فَقَالَ هَلْ تَدْرِی مَا جَاءَ بِهِمَا قُلْتُ لَا وَ اللَّهِ مَا أَدْرِی قَالَ لَکِنِّی أَدْرِی مَا جَاءَ بِهِمَا فَأَذِنَ لَهُمَا فَدَخَلَا فَسَلَّمَا ثُمَّ قَعَدَا فَقَالا یَا رَسُولَ اللَّهِ أَیُّ أَهْلِکَ أَحَبُّ إِلَیْکَ قَالَ فَاطِمَةُ «۲»

ترجمه: (۱) اسامه می‌گوید: از کنار علی و عبّاس که در مسجد نشسته بودند عبور می‌کردم که گفتند: ای اسامه! از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای ما اجازه ورود بگیر. پس من به پیامبر گفتم: ای رسول خدا! علی و عبّاس اجازه ورود می‌خواهند. پیامبر فرمود: آیا می‌دانی چه کار دارند؟ گفتم: به خداوند سوگند نمی‌دانم. پیامبر فرمود: ولی من می‌دانم، پس به آنها اجازه ورود بده.

اسامه گوید: آن دو وارد شدند، سلام کردند و نشسته سپس گفتند:

ای رسول خدا! کدام یک از افراد خانواده‌ات در نزد تو محبوبترند؟پیامبر فرمود: فاطمه.

[متن عربی] ۱۹۶/ ...- و منه «۱» وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَیْرِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا کَانَتْ إِذَا ذُکِرَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ النَّبِیِّ ص قَالَتْ مَا رَأَیْتُ أَحَداً کَانَ أَصْدَقَ لَهْجَةً مِنْهَا إِلَّا أَنْ یَکُونَ الَّذِی وَلَدَهَا «۱»

ترجمه: (۱) عایشه در باره حضرت فاطمه علیها السّلام گوید:هیچ کس را راستگوتر از او [فاطمه علیها السّلام] ندیدم مگر پدرش را.

[متن عربی] ۱۹۷/ ...- و منه «۲» وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّعْلَبِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَامِدٍ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْمُزَنِیِّ عَنْ أَبِی یَعْلَی الْمَوْصِلِیِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زَنْجَلَةَ الرَّازِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ ابْنِ لَهِیعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْکَدِرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ النَّبِیَّ ص أَقَامَ أَیَّاماً لَمْ یَطْعَمْ طَعَاماً حَتَّی شَقَّ ذَلِکَ عَلَیْهِ وَ طَافَ فِی مَنَازِلِ أَزْوَاجِهِ فَلَمْ یُصِبْ عِنْدَ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ شَیْئاً فَأَتَی فَاطِمَةَ فَقَالَ یَا بُنَیَّةِ هَلْ عِنْدَکِ شَیْءٌ آکُلُهُ فَإِنِّی جَائِعٌ فَقَالَتْ لَا وَ اللَّهِ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی فَلَمَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا بَعَثَ إِلَیْهَا جَارَةً لَهَا بِرَغِیفَیْنِ وَ قِطْعَةِ لَحْمٍ فَأَخَذَتْهُ مِنْهَا فَوَضَعَتْهُ فِی جَفْنَةٍ لَهَا وَ غَطَّتْ عَلَیْهَا وَ قَالَتْ لَأُوثِرَنَّ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ ص عَلَی نَفْسِی وَ مَنْ عِنْدِی وَ کَانُوا جَمِیعاً مُحْتَاجِینَ إِلَی شُبْعَةِ طَعَامٍ فَبَعَثَتْ حَسَناً أَوْ حُسَیْناً إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص فَرَجَعَ إِلَیْهَا فَقَالَتْ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی قَدْ أَتَانَا اللَّهُ بِشَیْءٍ فَخَبَّأْتُهُ قَالَ هَلُمِّی فَأَتَتْهُ فَکَشَفَتْ عَنِ الْجَفْنَةِ فَإِذَا هِیَ مَمْلُوءَةٌ خُبْزاً وَ لَحْماً فَلَمَّا نَظَرَتْ إِلَیْهِ بُهِتَتْ فَعَرَفَتْ أَنَّهَا کَرَامَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَحَمِدَتِ اللَّهَ وَ صَلَّتْ عَلَی نَبِیِّهِ فَقَالَ ص مِنْ أَیْنَ لَکِ هَذَا یَا بُنَیَّةِ فَقَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ فَحَمِدَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَکِ شَبِیهَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ فِی نِسَاءِ بَنِی إِسْرَائِیلَ فِی

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

وَقْتِهِمْ فَإِنَّهَا كَانَتْ إِذَا رَزَقَهَا اللَّهُ تَعَالَى فَسُئِلَتْ عَنْهُ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى عَلِيٍّ ثُمَّ أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ جَمِيعُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ ص وَ أَهْلُ بَيْتِهِ جَمِيعاً وَ شَبِعُوا وَ بَقِيَتِ الْجَفْنَةُ كَمَا هِيَ قَالَتْ فَاطِمَةُ فَأَوْسَعْتُ مِنْهَا عَلَى جَمِيعِ جِيرَانِي وَ جَعَلَ اللَّهُ فِيهَا الْبَرَكَةَ وَ الْخَيْرَ كَمَا فَعَلَ اللَّهُ بِمَرْيَمَ ع

– المناقب «۱» الثعلبی فی تفسیره و ابن المؤذن فی الأربعین بإسنادهما عن محمد بن المنکدر عن جابر مثله

مترجم (۱): متن و ترجمه این حدیث پیش از این آمده است و لذا از ترجمه مجدّد آن خودداری می‌شود.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵، ۲، ۳ ۱۹۸/ ۶۱- وَ مِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ، الْمَذْكُورِ «۲» عَنْ أَبِي الْفَرَجِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَكِّيِّ عَنِ الْمُظَفَّرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحُلْوَانِيِّ عَنْ كَرِيمَةَ بِنْتِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَرْوَزِيِّ وَ أَخْبَرَنِي أَيْضاً بِهِ عَالِياً قَاضِي الْقُضَاةِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْبَغْدَادِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّيْنَبِيِّ عَنِ الْكَرِيمَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَرْوَزِيَّةِ بِمَكَّةَ حَرَسَهَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَبِي عَلِيٍّ زَاهِرِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُعَاذِ بْنِ يُوسُفَ الْجُرْجَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنِ ابْنِ نُمَيْرٍ عَنْ مُجَالِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ خَرَجَ أَعْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي سُلَيْمٍ يَتَبَدَّى فِي الْبَرِّيَّةِ فَإِذَا هُوَ بِضَبٍّ قَدْ نَفَرَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ فَسَعَى وَرَاءَهُ حَتَّى اصْطَادَهُ ثُمَّ جَعَلَهُ فِي كُمِّهِ وَ أَقْبَلَ يَزْدَلِفُ نَحْوَ النَّبِيِّ ص فَلَمَّا أَنْ وَقَفَ بِإِزَائِهِ نَادَاهُ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ وَ كَانَ مِنْ أَخْلَاقِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِذَا قِيلَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ قَالَ يَا مُحَمَّدُ وَ إِذَا قِيلَ لَهُ يَا أَحْمَدُ قَالَ يَا أَحْمَدُ وَ إِذَا قِيلَ لَهُ يَا أَبَا الْقَاسِمِ قَالَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ وَ إِذَا قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ فَلَمَّا أَنْ نَادَاهُ الْأَعْرَابِيُّ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ قَالَ لَهُ أَنْتَ السَّاحِرُ الْكَذَّابُ الَّذِي مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَ لَا أَقَلَّتِ الْغَبْرَاءُ مِنْ ذِي لَهْجَةٍ هُوَ أَكْذَبُ مِنْكَ أَنْتَ الَّذِي تَزْعَمُ أَنَّ لَكَ فِي هَذِهِ الْخَضْرَاءِ إِلَهاً بَعَثَ بِكَ إِلَى الْأَسْوَدِ وَ الْأَبْيَضِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى لَوْ لَا أَنِّي أَخَافُ أَنَّ قَوْمِي يُسَمُّونَنِي الْعَجُولَ لَضَرَبْتُكَ بِسَيْفِي هَذَا ضَرْبَةً أَقْتُلُكَ بِهَا فَأَسُودَ بِكَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِيَبْطِشَ بِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص اجْلِسْ يَا أَبَا حَفْصٍ فَقَدْ كَادَ الْحَلِيمُ أَنْ يَكُونَ نَبِيّاً ثُمَّ الْتَفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَى الْأَعْرَابِيِّ فَقَالَ لَهُ يَا أَخَا بَنِي سُلَيْمٍ هَكَذَا تَفْعَلُ الْعَرَبُ يَتَهَجَّمُونَ عَلَيْنَا فِي مَجَالِسِنَا يَجْبَهُونَنَا بِالْكَلَامِ الْغَلِيظِ يَا أَعْرَابِيُّ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ مَنْ ضَرَّ بِي فِي دَارِ الدُّنْيَا هُوَ غَداً فِي النَّارِ يَتَلَظَّى يَا أَعْرَابِيُّ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ يُسَمُّونَنِي أَحْمَدَ الصَّادِقَ يَا أَعْرَابِيُّ أَسْلِمْ تَسْلَمْ مِنَ النَّارِ يَكُونُ لَكَ مَا لَنَا وَ عَلَيْكَ مَا عَلَيْنَا وَ تَكُونُ أَخَانَا فِي الْإِسْلَامِ قَالَ فَغَضِبَ الْأَعْرَابِيُّ وَ قَالَ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى لَا أُومِنُ بِكَ يَا مُحَمَّدُ أَوْ يُؤْمِنَ هَذَا الضَّبُّ ثُمَّ رَمَى بِالضَّبِّ عَنْ كُمِّهِ فَلَمَّا أَنْ وَقَعَ الضَّبُّ عَلَى الْأَرْضِ وَلَّى هَارِباً فَنَادَاهُ النَّبِيُّ ص أَيُّهَا الضَّبُّ أَقْبِلْ إِلَيَّ فَأَقْبَلَ الضَّبُّ يَنْظُرُ إِلَى النَّبِيِّ ص قَالَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص أَيُّهَا الضَّبُّ مَنْ أَنَا فَإِذَا هُوَ يَنْطِقُ بِلِسَانٍ فَصِيحٍ ذَرِبٍ غَيْرِ قَطِعٍ فَقَالَ أَنْتَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمِ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَنْ تَعْبُدُ قَالَ أَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ وَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَ اصْطَفَاكَ يَا مُحَمَّدُ حَبِيباً ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ

أَلَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ صَادِقٌ ... فَبُورِكْتَ مَهْدِيّاً وَ بُورِكْتَ هَادِياً

شَرَعْتَ لَنَا دِينَ الْحَنِيفَةِ بَعْدَ مَا ... عَبَدْنَا كَأَمْثَالِ الْحَمِيرِ الطَّوَاغِيَا

فَيَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ يَا خَيْرَ مُرْسَلٍ ... إِلَى الْجِنِّ بَعْدَ الْإِنْسِ لَبَّيْكَ دَاعِياً

وَ نَحْنُ أُنَاسٌ مِنْ سُلَيْمٍ وَ إِنَّنَا ... أَتَيْنَاكَ نَرْجُو أَنْ نَنَالَ الْعَوَالِيَا

أَتَيْتَ بِبُرْهَانٍ مِنَ اللَّهِ وَاضِحٍ ... فَأَصْبَحْتَ فِينَا صَادِقَ الْقَوْلِ زَاكِياً

فَبُورِكْتَ فِي الْأَحْوَالِ حَيّاً وَ مَيِّتاً ... وَ بُورِكْتَ مَوْلُوداً وَ بُورِكْتَ نَاشِياً

قَالَ ثُمَّ أَطْبَقَ عَلَى فَمِ الضَّبِّ فَلَمْ يُحِرْ جَوَاباً فَلَمَّا أَنْ نَظَرَ الْأَعْرَابِيُّ إِلَى ذَلِكَ قَالَ وَا عَجَبَا ضَبٌّ اصْطَدْتُهُ مِنَ الْبَرِّيَّةِ ثُمَّ أَتَيْتُ بِهِ فِي كُمِّي لَا يَفْقَهُ وَ لَا يَنْقَهُ وَ لَا يَعْقِلُ يُكَلِّمُ مُحَمَّداً ص بِهَذَا الْكَلَامِ وَ يَشْهَدُ لَهُ بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ أَنَا لَا أَطْلُبُ أَثَراً بَعْدَ عَيْنٍ مُدَّ يَمِينَكَ فَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ فَأَسْلَمَ الْأَعْرَابِيُّ وَ حَسُنَ إِسْلَامُهُ ثُمَّ الْتَفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ عَلِّمُوا الْأَعْرَابِيَّ سُوَراً مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ فَلَمَّا أَنْ عُلِّمَ الْأَعْرَابِيُّ سُوَراً مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص هَلْ لَكَ شَيْءٌ مِنَ الْمَالِ قَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّا أَرْبَعَةُ آلَافِ رَجُلٍ مِنْ بَنِي سُلَيْمٍ مَا فِيهِمْ أَفْقَرُ مِنِّي وَ لَا أَقَلُّ مَالًا ثُمَّ الْتَفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ مَنْ يَحْمِلِ الْأَعْرَابِيَّ عَلَى نَاقَةٍ أَضْمَنْ لَهُ عَلَى اللَّهِ نَاقَةً مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ قَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي عِنْدِي نَاقَةٌ حَمْرَاءُ عُشَرَاءُ وَ هِيَ لِلْأَعْرَابِيِّ ثُمَّ الْتَفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ مَنْ يُتَوِّجِ الْأَعْرَابِيَّ أَضْمَنْ لَهُ عَلَى اللَّهِ تَاجَ التُّقَى قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَ قَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا تَاجُ التُّقَى فَذَكَرَ مِنْ صِفَتِهِ قَالَ فَنَزَعَ عَلِيٌّ ع عِمَامَتَهُ فَعَمَّمَ بِهَا الْأَعْرَابِيَّ ثُمَّ الْتَفَتَ النَّبِيُّ ص فَقَالَ مَنْ يُزَوِّدِ الْأَعْرَابِيَّ وَ أَضْمَنْ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ زَادَ التَّقْوَى قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَقَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا زَادُ التَّقْوَى قَالَ يَا سَلْمَانُ إِذَا كَانَ آخِرُ يَوْمٍ مِنَ الدُّنْيَا لَقَّنَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَوْلَ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ أَنْتَ قُلْتَهَا لَقِيتَنِي وَ لَقِيتُكَ وَ إِنْ أَنْتَ لَمْ تَقُلْهَا لَمْ تَلْقَنِي وَ لَمْ أَلْقَكَ أَبَداً قَالَ فَمَضَى سَلْمَانُ حَتَّى طَافَ تِسْعَةَ أَبْيَاتٍ مِنْ بُيُوتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمْ يَجِدْ عِنْدَهُنَّ شَيْئاً فَلَمَّا أَنْ وَلَّى رَاجِعاً نَظَرَ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ ع فَقَالَ إِنْ يَكُنْ خَيْرٌ فَمِنْ مَنْزِلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فَقَرَعَ الْبَابَ فَأَجَابَتْهُ مِنْ وَرَاءِ الْبَابِ مَنْ بِالْبَابِ فَقَالَ لَهَا أَنَا سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَقَالَتْ لَهُ يَا سَلْمَانُ وَ مَا تَشَاءُ فَشَرَحَ قِصَّةَ الْأَعْرَابِيِّ وَ الضَّبِّ مَعَ النَّبِيِّ ص قَالَتْ لَهُ يَا سَلْمَانُ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً ص بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ لَنَا ثَلَاثاً مَا طَعِمْنَا وَ إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ قَدْ اضْطَرَبَا عَلَيَّ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ ثُمَّ رَقَدَا كَأَنَّهُمَا فَرْخَانِ مَنْتُوفَانِ وَ لَكِنْ لَا أُرِدُّ الْخَيْرَ إِذَا نَزَلَ الْخَيْرُ بِبَابِي يَا سَلْمَانُ خُذْ دِرْعِي هَذَا ثُمَّ امْضِ بِهِ إِلَى شَمْعُونَ الْيَهُودِيِّ وَ قُلْ لَهُ تَقُولُ لَكَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ أَقْرِضِينِي عَلَيْهِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

صَاعاً مِنْ تَمْرٍ وَ صَاعاً مِنْ شَعِيرٍ أُرِدُّهُ عَلَيْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى ... قَالَ فَأَخَذَ شَمْعُونُ الدِّرْعَ ثُمَّ جَعَلَ يُقَلِّبُهُ فِي كَفِّهِ وَ عَيْنَاهُ تَذْرِفَانِ بِالدُّمُوعِ وَ هُوَ يَقُولُ يَا سَلْمَانُ هَذَا هُوَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا هَذَا الَّذِي أَخْبَرَنَا بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ فِي التَّوْرَاةِ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ فَأَسْلَمَ وَ حَسُنَ إِسْلَامُهُ ثُمَّ دَفَعَ إِلَى سَلْمَانَ صَاعاً مِنْ تَمْرٍ وَ صَاعاً مِنْ شَعِيرٍ فَأَتَى بِهِ سَلْمَانُ إِلَى فَاطِمَةَ فَطَحَنَتْهُ بِيَدِهَا وَ اخْتَبَزَتْهُ خُبْزاً ثُمَّ أَتَتْ بِهِ إِلَى سَلْمَانَ فَقَالَتْ لَهُ خُذْهُ وَ امْضِ بِهِ إِلَى النَّبِيِّ ص قَالَ فَقَالَ لَهَا سَلْمَانُ يَا فَاطِمَةُ خُذِي مِنْهُ قُرْصاً تُعَلِّلِينَ بِهِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَقَالَتْ يَا سَلْمَانُ هَذَا شَيْءٌ أَمْضَيْنَاهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَسْنَا نَأْخُذُ مِنْهُ شَيْئاً قَالَ فَأَخَذَهُ سَلْمَانُ فَأَتَى بِهِ النَّبِيَّ ص فَلَمَّا نَظَرَ النَّبِيُّ ص إِلَى سَلْمَانَ قَالَ لَهُ يَا سَلْمَانُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا قَالَ مِنْ مَنْزِلِ بِنْتِكَ فَاطِمَةَ قَالَ وَ كَانَ النَّبِيُّ ص لَمْ يَطْعَمْ طَعَاماً مُنْذُ ثَلَاثٍ قَالَ فَوَثَبَ النَّبِيُّ ص حَتَّى وَرَدَ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ فَقَرَعَ الْبَابَ وَ كَانَ إِذَا قَرَعَ النَّبِيُّ ص الْبَابَ لَا يَفْتَحُ لَهُ الْبَابَ إِلَّا فَاطِمَةُ فَلَمَّا أَنْ فَتَحَتْ لَهُ الْبَابَ نَظَرَ النَّبِيُّ ص إِلَى صُفَارِ وَجْهِهَا وَ تَغَيُّرِ حَدَقَتَيْهَا فَقَالَ لَهَا يَا بُنَيَّةِ مَا الَّذِي أَرَاهُ مِنْ صُفَارِ وَجْهِكِ وَ تَغَيُّرِ حَدَقَتَيْكِ فَقَالَتْ يَا أَبَتِ إِنَّ لَنَا ثَلَاثاً مَا طَعِمْنَا طَعَاماً وَ إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ قَدِ اضْطَرَبَا عَلَيَّ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ ثُمَّ رَقَدَا كَأَنَّهُمَا فَرْخَانِ مَنْتُوفَانِ قَالَ فَأَنْبَهَهُمَا النَّبِيُّ ص فَأَخَذَ وَاحِداً عَلَى فَخِذِهِ الْأَيْمَنِ وَ الْآخَرَ عَلَى فَخِذِهِ الْأَيْسَرِ وَ أَجْلَسَ فَاطِمَةَ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ اعْتَنَقَهَا النَّبِيُّ ص وَ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَاعْتَنَقَ النَّبِيَّ ص مِنْ وَرَائِهِ ثُمَّ رَفَعَ النَّبِيُّ ص طَرْفَهُ نَحْوَ السَّمَاءِ فَقَالَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً قَالَ ثُمَّ وَثَبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص حَتَّى دَخَلَتْ إِلَى مِخْدَعٍ لَهَا فَصَفَّتْ قَدَمَيْهَا فَصَلَّتْ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ رَفَعَتْ بَاطِنَ كَفَّيْهَا إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَتْ إِلَهِي وَ سَيِّدِي هَذَا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ هَذَا عَلِيٌّ ابْنُ عَمِّ نَبِيِّكَ وَ هَذَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سِبْطَا نَبِيِّكَ إِلَهِي أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ كَمَا أَنْزَلْتَهَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكَلُوا مِنْهَا وَ كَفَرُوا بِهَا اللَّهُمَّ أَنْزِلْهَا عَلَيْنَا فَإِنَّا بِهَا مُؤْمِنُونَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ اللَّهِ مَا اسْتَتَمَّتِ الدَّعْوَةُ فَإِذَا هِيَ بِصَحْفَةٍ مِنْ وَرَائِهَا يَفُورُ قُتَارُهَا وَ إِذَا قُتَارُهَا أَزْكَى مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ فَاحْتَضَنَتْهَا ثُمَّ أَتَتْ بِهَا إِلَى النَّبِيِّ ص وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَلَمَّا أَنْ نَظَرَ إِلَيْهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ مِنْ أَيْنَ لَكِ هَذَا وَ لَمْ يَكُنْ عَهِدَ عِنْدَهَا شَيْئاً فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص كُلْ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ لَا تَسْأَلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُمِتْنِي حَتَّى رَزَقَنِي وَلَداً مَثَلُهَا مَثَلُ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً قالَ يا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هذا قالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ «١» قَالَ فَأَكَلَ النَّبِيُّ ص وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ خَرَجَ النَّبِيُّ ص وَ تَزَوَّدَ الْأَعْرَابِيُّ وَ اسْتَوَى عَلَى رَاحِلَتِهِ وَ أَتَى بَنِي سُلَيْمٍ وَ هُمْ يَوْمَئِذٍ أَرْبَعَةُ آلَافِ رَجُلٍ فَلَمَّا أَنْ وَقَفَ فِي وَسْطِهِمْ نَادَاهُمْ بِعُلُوِّ صَوْتِهِ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ فَلَمَّا سَمِعُوا مِنْهُ هَذِهِ الْمَقَالَةَ أَسْرَعُوا إِلَى سُيُوفِهِمْ فَجَرَّدُوهَا ثُمَّ قَالُوا لَهُ لَقَدْ صَبَوْتَ إِلَى دِينِ مُحَمَّدٍ السَّاحِرِ الْكَذَّابِ فَقَالَ لَهُمْ مَا هُوَ بِسَاحِرٍ وَ لَا كَذَّابٍ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ بَنِي سُلَيْمٍ إِنَّ إِلَهَ مُحَمَّدٍ ص خَيْرُ إِلَهٍ وَ إِنَّ مُحَمَّداً ص خَيْرُ نَبِيٍّ أَتَيْتُهُ جَائِعاً فَأَطْعَمَنِي وَ عَارِياً فَكَسَانِي وَ رَاجِلًا فَحَمَلَنِي ثُمَّ شَرَحَ لَهُمْ قِصَّةَ الضَّبِّ مَعَ النَّبِيِّ ص

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

وَ أَنْشَدَهُمُ الشَّعْرَ الَّذِی أَنْشَدَ فِی النَّبِیِّ ص ثُمَّ قَالَ یَا مَعَاشِرَ بَنِی سُلَیْمٍ أَسْلِمُوا تَسْلَمُوا مِنَ النَّارِ فَأَسْلَمَ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ أَرْبَعَةُ آلَافِ رَجُلٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الرَّایَاتِ الْخُضْرِ وَ هُمْ حَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص

– أقول وجدت هذا الحدیث فی کتاب قدیم من مؤلفات العامة قال حدثنا أبو بکر أحمد بن علی الطرشیشی ببغداد سنة أربع و ثمانین و أربعمائة قال حدثتنا کریمة بنت أحمد بن محمد بن حاتم المروزی بمکة حرسها الله بقراءتها علینا فی المسجد الحرام فی ذی الحجة سنة إحدی و ثلاثین و أربعمائة قالت أخبرنا أبو علی زاهر بن أحمد الفقیه بسرخس قال حدثنا معاذ بن یوسف الجرجانی قال حدثنا أحمد بن محمد بن غالب عن عثمان بن أبی شیبة عن ابن نمیر عن مجالد عن ابن عباس مثله بیان قال الجوهری تبدی الرجل أقام بالبادیة و ازدلف أی تقدم و قطع کفرح و کرم لم یقدر علی الکلام و نقه الحدیث کفرح فهمه و العشراء من النوق بضم العین و فتح الشین التی مضی لحملها عشرة أشهر أو ثمانیة أو هی کالنفساء من النساء و ذرفت عینه أی سال دمعها و یقال علله بطعام و غیره أی شغله به و المخدع البیت الصغیر الذی یکون داخل البیت الکبیر و تضم میمه و تفتح و یقال صبأ فلان إذا خرج عن دین إلی دین غیره و قد تقلب الهمزة واوا

ترجمه: (۱) ابن عبّاس گوید: یکی از صحرانشینان از قبیله بنی سلیم در بیابان سوسماری دید و آن را گرفته در میان آستین لباس خویش جای داده به طرف رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حرکت کرد و هنگامی که به او رسید با صدای بلند گفت: ای محمّد! اخلاق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم چنین بود که هر گاه به ایشان می‌گفتند: «یا محمّد» در پاسخ می‌فرمودند: «یا محمّد» و وقتی می‌گفتند: «یا احمد» در پاسخ می‌فرمودند: «یا احمد»، و همین طور بود در زمانی که به ایشان «ابو القاسم» می‌گفتند ولی هنگامی که به ایشان گفته می‌شد: «یا رسول اللّه» می‌فرمودند: «لبیک و سعدیک». هنگامی که صحرانشین مذکور پیامبر را به لفظ «یا محمّد، یا محمّد» صدا زدند، پیامبر در پاسخ او گفتند: یا محمّد، یا محمّد؟

آن صحرانشین خطاب به رسول خدا گفت: تو همان جادوگر و دروغگویی هستی که آسمان در زیر خود و زمین بر روی خویش دروغگوتر از او ندیده است؟ آیا تو همان کسی هستی که خیال می‌کنی در آسمان خدایی داری که تو را بر هر انسان سیاه و سفید و بر هر موجودی، و بر بتهای لات و عزّی مبعوث نموده است؟ اگر نمی‌ترسیدم که قبیله‌ام مرا عجول و کم صبر بنامند با این شمشیر ضربتی به تو می‌زدم و تو را به هلاکت می‌رساندم و بر همه سروری می‌نمودم.

در این حال عمر بن خطاب از جا برخاست تا او را مورد حمله قرار دهد، ولی پیامبر مانع او شده و فرمود: بنشین، زیرا مقام شخص صبور نزدیک به مقام پیامبری است، سپس رو به سوی عرب صحرانشین نموده و به او گفت:

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ای عرب بنی سلیم! آیا کسی از عرب، چنین عملی را که تو انجام دادی انجام می‌دهد و این طور به ما و مجلس ما هجوم و توهین می‌کند و این گونه خشونت و درشتی می‌نماید؟ ای اعرابی! (۱) سوگند به حقّ آن خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرده هر کس که در دنیا ضرری به من برساند در قیامت دچار آتش سوزاننده خواهد شد. ای مرد! سوگند به خداوندی که مرا به پیامبری مبعوث نموده، اهل آسمان هفتم مرا «احمد صادق» می‌نامند، ای مرد! اسلام بیاور تا از آتش در امان باشی، آنچه که مال ماست به تو تعلّق خواهد داشت و تو برادر ما در دین اسلام خواهی بود.

عرب بادیه‌نشین عصبانی شد و گفت: به لات و عزّی سوگند تا این سوسمار به تو ایمان نیاورد من ایمان نخواهم آورد. آن سوسمار را از آستین خود بیرون آورده رها کرد.

هنگامی که آن مرد سوسمار را رها کرد آن حیوان به سرعت از جمعیت دور می‌شد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم او را صدا زده و فرمود: نزد من بیا. سوسمار بازگشت و نزد پیامبر آمده و به او نگاه کرد و ثابت ایستاد، پیامبر گفت: ای سوسمار، من کیستم؟

در این حال آن حیوان به زبانی فصیح گفت: تو محمّد بن عبد اللّه بن عبد المطّلب بن هاشم بن عبد مناف هستی.

پیامبر فرمود: تو چه کسی را می‌پرستی؟

حیوان گفت: عبادت می‌کنم خدایی را که دانه را می‌شکافد و انسان را می‌آفریند، و ابراهیم را خلیل خود و تو را حبیبش قرار داده است.

ای رسول خدا! همانا که تو صادق و راستگو می‌باشی تو هدایت‌شده‌ای با برکت و هدایت‌کننده‌ای پر برکت هستی تو دین پاک و حنیفی را برای ما آوردی بعد از آنکه ما مانند درازگوش بی‌عقل و فهم بت‌ها را عبادت می‌کردیم پس ای بهترین دعوت‌کننده، و ای بهترین فرستاده تو را لبیک می‌گویم که تاکنون چون تویی به سوی جنّ و انس نفرستاده‌اند ما مردمانی از قبیله سلیم هستیم.

و نزد تو آمده‌ایم تا به مقام برتر و بالاتری دست یابیم تو از جانب خداوند دلیل و برهانی واضح آورده‌ای و در نزد ما مردی راستگو و پاک هستی تو در حیات و مرگ موجب برکت هستی و در حال کودکی و نشو و نما نیز منشأ خیر و برکت بوده‌ای.

و آنگاه دهان سوسمار بسته شد و دیگر سخنی نگفت.

هنگامی که عرب صحرانشین این وضعیت را مشاهده کرد با خود گفت: (۱) وا عجبا! این حیوانی که من آن را از بیابانها شکار کردم و عقل و فهم ندارد با محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم این گونه سخن می‌گوید و در

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

باره نبوت او شهادت می‌دهد، بعد از آنچه که اکنون دیدم دیگر نیازی به نشانه برای اثبات حقانیت این مرد ندارم. و سپس به رسول خدا گفت:

دستت را دراز کن تا بیعت کنم، همانا شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا وجود ندارد و شهادت می‌دهم که تو فرستاده او هستی. مرد صحرانشین، بدین صورت اسلام آورد، و اسلامش نیز نیکو بود.

پس از این سخنان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رو به اصحاب خود نموده و فرمود: چند سوره از قرآن را به این فرد بیاموزید. چون چند سوره را آموخت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از او پرسید: آیا از مال دنیا چیزی داری؟

اعرابی گفت: سوگند به آنکه تو را به حق مبعوث نموده، در میان چهار هزار مرد از قبیله بنی سلیم، هیچ کس فقیرتر و نادارتر از من نیست.

پس پیامبر رو به اصحاب خود نموده و فرمود: چه کسی یک شتر به این شخص می‌دهد تا به عوض آن شتری در بهشت به او داده شود؟

سعد بن عباده انصاری «۱» برخاست و گفت: پدر و مادرم به فدای تو، من شتری سرخ مو دارم که آن را به او می‌دهم.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مجددا خطاب به اصحابش فرمود: چه کسی عمّامه‌ای به این شخص می‌دهد تا خدای تعالی به عوض آن تاجی از تقوی را در روز قیامت به او عطا نماید؟

علی بن ابی طالب علیه السّلام از جا برخاست و گفت: پدر و مادرم به فدای تو ای رسول خدا! تاج تقوی چیست؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وصف آن تاج را برای علی علیه السّلام بیان نمود و علی عمّامه‌اش را از سر باز نموده و به سر آن شخص بست.

سپس پیامبر به اصحابش فرمود: چه کسی به این مرد توشه راه می‌دهد تا خداوند توشه تقوی به او عطا کند؟

(۱) سلمان فارسی برخاسته و پرسید: ای رسول خدا! توشه تقوی چیست؟

پیامبر فرمود: ای سلمان! هنگامی که روز آخر عمرت فرا می‌رسد خداوند شهادتین- یعنی لا إله إلّا اللّه، و انّ محمّدا رسول اللّه- را به تو تلقین خواهد کرد و تو با گفتن آنها مرا ملاقات خواهی نمود و من نیز به ملاقات تو خواهم آمد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

راوی می‌گوید: سلمان رفت و خانه‌های پیامبر را جستجو کرد و در نزد زنان پیامبر غذایی نبود تا به او بدهند لذا متوجّه خانه فاطمه شد و با خود گفت: اگر خیری باشد در منزل فاطمه دختر رسول خدا خواهد بود. پس در خانه فاطمه را زد و فاطمه از پشت در گفت:

کیست؟ چه حاجتی داری؟

سلمان قصه ایمان آوردن اعرابی و سایر وقایع را برای فاطمه علیها السّلام بیان نمود و فاطمه فرمود: ای سلمان! سوگند به خداوندی که محمّد را به حق مبعوث فرموده ما مدّت سه روز است که غذایی نخورده‌ایم، حسن و حسین از شدّت گرسنگی بهانه‌جویی می‌کنند و اکنون نیز به خواب رفته‌اند، ولی با وجود این اگر خیری بر در خانه من بیاید آن را رد نخواهم کرد، ای سلمان! این پیراهن را بگیر و نزد شمعون یهودی ببر و به او بگو: فاطمه دختر محمّد می‌گوید: این پیراهن را رهن بردار و در مقابل آن یک من خرما و یک من جو بده تا به زودی به خواست خدا پول آن را می‌پردازم.

سلمان پیراهن را گرفته و همان گونه که فاطمه فرموده بود عمل کرد، هنگامی که شمعون یهودی آن پیراهن را در دست گرفت به آن می‌نگریست و اشک می‌ریخت و می‌گفت:

ای سلمان! این همان زهد و تقوای واقعی در دنیاست که حضرت موسی در تورات به ما وعده کرده است، و من اکنون شهادت می‌دهم که خدا یکی است و محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده اوست. بدین وسیله آن یهودی سرشناس اسلام آورد و آنچه را که فاطمه خواسته بود به سلمان داد و سلمان آنها را نزد فاطمه آورده و تحویل وی نمود.

حضرت فاطمه علیها السّلام بلافاصله جو را آسیا نمود و خمیری ساخته و نان پخت، آنگاه همه آنها را به سلمان داد و به او فرمود: اینها را بگیر و به حضور پیامبر ببر.

سلمان گفت: ای فاطمه! یکی از این نانها را برای حسن و حسین بردار که آرام شوند.

فاطمه فرمود: ای سلمان! ما از چیزی که در راه خدا داده‌ایم، نمی‌خوریم. (۱) سلمان نانها را گرفت و نزد پیامبر آورد. وقتی چشم رسول خدا به سلمان افتاد، پرسید:

ای سلمان! این نانها را از کجا آورده‌ای؟ سلمان گفت: از منزل دخترتان فاطمه.

پیامبر خدا که خود نیز سه روز غذایی نخورده بود، برخاست و به سوی منزل فاطمه رفت، و چون در را به صدا درآورد فاطمه در را باز کرد و هنگامی که پیامبر چهره زرد فاطمه و چشمان فرورفته او را مشاهده کرد فرمود: دخترم! چرا رنگ چهره‌ات زرد شده و چشمانت در حدقه به گودی رفته است.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فاطمه گفت: ای پدر! مدت سه روز است که طعامی نخورده‌ایم، و حسن و حسین از شدّت گرسنگی بهانه‌گیری کردند و اکنون به خواب رفته‌اند.

رسول خدا وارد منزل شده و حسن و حسین را از خواب بیدار کرده هر یک را بر یکی از زانوهایش نشانید و فاطمه در مقابل پدر بر زمین نشست و پیامبر در حالی که متأثر شده بود او را در آغوش گرفت، در این حال علی نیز وارد شده و در کنار پیامبر نشست و پیامبر با دستش او را به سوی خود کشیده و آنگاه به سوی آسمان نگریسته و گفت:

ای خدا و مولای من! اینان اهل بیت من هستند، پروردگارا از تو می‌خواهم که هر گونه زشتی و پلیدی را از آنها دور کنی، و ایشان را از معاصی تطهیر و پاکیزه گردانی.

راوی گوید: سپس فاطمه برخاست و داخل اطاق مخصوص خود شد و پس از به جای آوردن دو رکعت نماز دستش را به سوی آسمان بلند کرده و گفت:

پروردگارا! این محمّد پیامبر تو، و این علی پسر عموی او، و اینان حسن و حسین نوه‌های فرستاده و رسول تو هستند، خداوندا! طعامی از آسمان برای ما فرو فرست مانند آن طعامی که بر بنی اسرائیل عطا نمودی، گر چه آنان کفران نعمت کردند، بار خدایا آن طعام را بر ما عطا کن، همانا خواهی دید که ما در مقابل آن شاکر و سپاسگزاریم.

ابن عبّاس گوید: سوگند به خداوند! هنوز دعای فاطمه به آخر نرسیده بود که کاسه‌ای پر از غذا، که از آن بخار متصاعد می‌شد فرود آمد و از آن بویی مانند مشک متصاعد گشت.

فاطمه علیها السّلام آن غذا را برداشت و در مقابل پیامبر، علی و فرزندانش گذارد، وقتی چشم علی علیه السّلام به آن غذا افتاد از فاطمه پرسید: این غذا را از کجا آوردی؟

(۱) پیامبر به علی علیه السّلام فرمود: ای علی! بخور و جستجو مکن، سپاس خدایی را که مرا زنده نگاه داشت تا ببینم که چگونه از دخترم همان معجزه‌ای صادر می‌شود که از مریم دختر عمران صادر شده بود همان مریمی که هر گاه زکریا در محراب عبادت نزد او می‌رفت طعامی می‌یافت و هنگامی که از او سؤال می‌کرد: این طعام از کجا آمده است؟ پاسخ می‌شنید: از طرف خدا، همان خدایی که هر که را خواهد بی‌حساب روزی دهد.

پس همه ایشان از آن غذا خوردند و پیامبر از خانه فاطمه خارج گردید.

ابن عبّاس در ادامه قصّه اعرابی گوید: مرد بادیه‌نشین هنگامی که زاد و توشه راه را گرفت، بر شتر خویش سوار شد و نزد قبیله بنی سلیم بازگشت و هنگامی که به آنجا رسید با صدایی بلند فریاد برآورده و گفت: بگویید که خداوند یکی است و محمّد فرستاده اوست.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

مردان قبیله وقتی این سخنان را از او شنیدند شمشیرها را برهنه کرده و اطراف او را گرفته و گفتند:

تو دین محمّد را اختیار کرده‌ای در حالی که او فردی ساحر و دروغگوست؟

اعرابی گفت: چنین نیست، ای قبیله بنی سلیم، به درستی که معبود و خدای محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بهترین معبود است و محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بهترین پیامبر، من نزد او رفتم در حالی که گرسنه بودم و او سیرم کرد، برهنه بودم لباسم داد، پیاده بودم سوارم کرد، و آنگاه قصّه سوسمار را برای آنان باز گفت و آن اشعاری را که برای رسول خدا سروده بود برای آنها بازخواند و در آخر گفت:

ای قبایل بنی سلیم! اسلام بیاورید تا از آتش جهنّم در امان باشید.

پس در آن روز چهار هزار مرد شجاع اسلام آوردند و همیشه با پرچمهای سبز خود در خدمت پیامبر حاضر و آماده بودند.

[متن عربی] ۲، ۳، ۱۵، ۱۴ ۱۹۹/ ۶۲- وَ مِنَ الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ، «۱» رُوِيَ فِي الْمَرَاسِيلِ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ كَانَ عَلَيْهِمَا ثِيَابٌ خَلَقٌ وَ قَدْ قَرُبَ الْعِيدُ فَقَالا لِأُمِّهِمَا فَاطِمَةَ ع إِنَّ بَنِي فُلَانٍ خِيطَتْ لَهُمُ الثِّيَابُ الْفَاخِرَةُ أَ فَلَا تَخِيطِينَ لَنَا ثِيَاباً لِلْعِيدِ يَا أُمَّاهْ فَقَالَتْ يُخَاطُ لَكُمَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْعِيدُ جَاءَ جَبْرَئِيلُ بِقَمِيصَيْنِ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا هَذَا يَا أَخِي جَبْرَئِيلُ فَأَخْبَرَهُ بِقَوْلِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ لِفَاطِمَةَ وَ بِقَوْلِ فَاطِمَةَ يُخَاطُ لَكُمَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ جَبْرَئِيلُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَمَّا سَمِعَ قَوْلَهَا لَا نَسْتَحْسِنُ أَنْ نُكَذِّبَ فَاطِمَةَ بِقَوْلِهَا يُخَاطُ لَكُمَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ

ترجمه: (۱) به صورت مرسل روایت شده است: امام حسن و حسین لباسهای کهنه و مندرسی بر تن داشتند، پس در نزدیکی یکی از اعیاد به مادرشان فاطمه گفتند: برای فرزندان فلان کس لباس‌های تازه و فاخر دوخته‌اند، ای مادر! آیا برای عید ما لباسی نمی‌دوزی؟ فاطمه گفت: برای شما هم لباس دوخته می‌شود، ان شاء اللّه.

پس هنگامی که روز عید فرا رسید جبرئیل دو پیراهن از پارچه‌های بهشتی به حضور رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آورد و پیامبر به او فرمود: ای جبرئیل! اینها چیست؟ جبرئیل ماجرای حسن و حسین و وعده مادر را به آنها برای پیامبر نقل کرد و گفت: خداوند هنگامی که سخنان فاطمه را در جواب کودکانش شنید فرمود: ما دوست نمی‌داریم که فاطمه در نزد فرزندانش بد قول شود زیرا فاطمه در وعده‌ای که به فرزندانش داده بود گفته بود: «ان شاء اللّه» یعنی اگر خداوند بخواهد.

[متن عربی] ۲۰۰/ ...- و منه «۱» وَ عَنْ سَعِيدٍ الْحَفَّاظِ [الْحَافِظِ الدَّيْلَمِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَيْنَمَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُونَ وَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ يُعَذَّبُونَ إِذَا لِأَهْلِ الْجَنَّةِ نُورٌ سَاطِعٌ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مَا هَذَا النُّورُ لَعَلَّ رَبَّ الْعِزَّةِ اطَّلَعَ فَنَظَرَ إِلَيْنَا فَيَقُولُ لَهُمْ رِضْوَانُ لَا وَ لَكِنْ عَلِيٌّ ع مَازَحَ فَاطِمَةَ فَتَبَسَّمَتْ فَأَضَاءَ ذَلِكَ النُّورُ مِنْ ثَنَايَاهَا

ترجمه: (۲) ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ ه) به صورت مسند از انس و او از رسول خدا نقل کرده:

در زمانی که اهل بهشت متنعّم و اهل دوزخ در آتش عذاب می‌شوند، ناگهان مردم بهشت نوری را مشاهده می‌نمایند، برخی از آنها از بعضی دیگر می‌پرسند: این نور چیست؟ شاید خداوند عزیز نظر رحمتی به ما نموده باشد؟

در این حال «رضوان» به آنها گوید: نه چنین نیست، بلکه علی علیه السّلام با فاطمه مزاح نمود فاطمه لبخندی زد، پس این نور از دندانهای ثنایای وی ساطع گردید.

[متن عربی]۲۰۱/ ...- و منه «۱» وَ بِالْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي وَ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ بَلَغْتُ إِلَى قَصْرِ فَاطِمَةَ فَرَأَيْتُ سَبْعِينَ قَصْراً مِنْ مَرْجَانَةٍ حَمْرَاءَ مُكَلَّلَةٍ بِاللُّؤْلُؤِ أَبْوَابُهَا وَ حِيطَانُهَا وَ أُسْرَتُهَا مِنْ عِرْقٍ وَاحِدٍ

ترجمه: (۱) ابن عبّاس از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت می‌کند که فرمود:

هنگامی که مرا به معراج بردند و داخل بهشت شدم و به قصر فاطمه رسیدم هفتاد قصر دیدم که از مرجان سرخ ساخته شده و با انواع جواهر زینت شده بودند، و درها، دیوارها و پنجره‌های آن از یک جنس بودند.

[متن عربی] ۲۰۲/ ...- و منه «۲» وَ قَالَ الْحَسَنُ مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ ع كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا «۳»

ترجمه: (۲) حسن بصری گوید: در دنیا هیچ کس عابدتر از فاطمه علیها السّلام نبوده است، او آنقدر برای عبادت خدا در محراب می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۲ ۲۰۳/ ۶۳- تنبیه الخاطر «۱» بَيْنَمَا النَّبِيُّ ص وَ النَّاسُ فِي الْمَسْجِدِ يَنْتَظِرُونَ بِلَالًا أَنْ يَأْتِيَ فَيُؤَذِّنَ إِذْ أَتَى بَعْدَ زَمَانٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَا حَبَسَكَ يَا بِلَالُ فَقَالَ إِنِّي اجْتَزْتُ بِفَاطِمَةَ ع وَ هِيَ تَطْحَنُ وَاضِعَةً ابْنَهَا الْحَسَنَ عِنْدَ الرَّحَى وَ هِيَ تَبْكِي فَقُلْتُ لَهَا أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكِ إِنْ شِئْتِ كَفَيْتُكِ ابْنَكِ وَ إِنْ شِئْتِ كَفَيْتُكِ الرَّحَى فَقَالَتْ أَنَا أَرْفَقُ بِابْنِي فَأَخَذْتُ الرَّحَى فَطَحَنْتُ فَذَاكَ الَّذِي حَبَسَنِي فَقَالَ النَّبِيُّ ص رَحِمْتَهَا رَحِمَكَ اللَّهُ

ترجمه: (۱) روزی پیامبر و مردم در مسجد منتظر آمدن بلال بودند تا اذان بگوید ولی او تأخیر نمود. هنگامی که بلال آمد، پیامبر به او گفت: چه کاری برایت پیش آمده بود که تأخیر کردی؟ بلال گفت: از کنار خانه فاطمه علیها السّلام عبور می‌کردم دیدم که وی مشغول کار با آسیا است و فرزندش حسن علیه السّلام گریه می‌کند، پس به او گفتم: اجازه بدهید که یا بچه را نگهداری کنم و یا آسیا را بگردانم و شما به حسن رسیدگی کنید.

فاطمه گفت: من بهتر می‌توانم از فرزند خود نگهداری کنم. پس من مشغول آسیا کردن شدم و این امر سبب تأخیرم گردید. پیامبر فرمود: خدا تو را رحمت کند که به دخترم فاطمه رحم کردی.

[متن عربی] ۲۰۴/ ...- الْفِرْدَوْسِ «۲» عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ أَبِی سَعِیدٍ عَنِ النَّبِیِّ ص قَالَ فَاطِمَةُ سَیِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مَا خَلَا مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ «۳» ۲۰۵/ ...- الْفِرْدَوْسِ «۱» وَ عَنِ الْمِسْوَرِ بْنِ مَخْرَمَةَ عَنْهُ ص قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِی أَوْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی

ترجمه: (۱) مسوّر بن مخرمه از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده: فاطمه جزئی از وجود من است، پس هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک نموده، و هر که او را آزار دهد مرا آزرده است.

[متن عربی] ۲۰۶/ ...- الْفِرْدَوْسِ «۱» وَ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْهُ ص فَاطِمَةُ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ فِی حَظِیرَةِ الْقُدْسِ فِی قُبَّةٍ بَیْضَاءَ سَقْفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَ جَلَّ «۲»

ترجمه: (۱) عمر بن خطاب از رسول خدا روایت کرده که فرمود: فاطمه، علی، حسن و حسین در روز قیامت در فردوس برین، در قبّه سفیدی که سقف آن عرش خداوند رحمان است جای می‌گیرند.

[متن عربی] ۲۰۷/ ...- «۳» قَالَ السَّیِّدُ ابْنُ طَاوُسٍ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ فِی کِتَابِ سَعْدِ السُّعُودِ قَالَ وَجَدْتُ فِی کِتَابٍ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ فِی النَّبِیِّ ص وَ أَهْلِ بَیْتِهِ ع تَأْلِیفِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَیْدٍ الْبُخَارِیُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِیِّ عَنْ یَحْیَی بْنِ هَاشِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِی هَارُونَ الْعَبْدِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ قَالَ أُهْدِیَتْ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص قَطِیفَةٌ مَنْسُوجَةٌ بِالذَّهَبِ أَهْدَاهَا لَهُ مَلِکُ الْحَبَشَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَأُعْطِیَنَّهَا رَجُلًا یُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَمَدَّ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ص أَعْنَاقَهُمْ إِلَیْهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَیْنَ عَلِیٌّ قَالَ عَمَّارُ بْنُ یَاسِرٍ فَلَمَّا سَمِعْتُ ذَلِکَ وَثَبْتُ حَتَّی أَتَیْتُ عَلِیّاً ع فَأَخْبَرْتُهُ فَجَاءَ فَدَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْقَطِیفَةَ إِلَیْهِ فَقَالَ أَنْتَ لَهَا فَخَرَجَ بِهَا إِلَی سُوقِ اللَّیْلِ فَنَقَضَهَا سِلْکاً سِلْکاً فَقَسَمَهَا فِی الْمُهَاجِرِینَ وَ الْأَنْصَارِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَی مَنْزِلِهِ وَ مَا مَعَهُ مِنْهَا دِینَارٌ فَلَمَّا کَانَ مِنْ غَدٍ اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ یَا أَبَا الْحَسَنِ أَخَذْتَ أَمْسِ ثَلَاثَ آلَافِ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ فَأَنَا وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ نَتَغَدَّی عِنْدَکَ غَداً فَقَالَ عَلِیٌّ ع نَعَمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَلَمَّا کَانَ الْغَدُ أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِی الْمُهَاجِرِینَ وَ الْأَنْصَارِ حَتَّی قَرَعُوا الْبَابَ فَخَرَجَ إِلَیْهِمْ وَ قَدْ عَرِقَ مِنَ الْحَیَاءِ لِأَنَّهُ لَیْسَ فِی مَنْزِلِهِ قَلِیلٌ وَ لَا کَثِیرٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ دَخَلَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ حَتَّی جَلَسُوا وَ دَخَلَ عَلِیٌّ عَلَی فَاطِمَةَ فَإِذَا هُوَ بِجَفْنَةٍ مَمْلُوءَةٍ ثَرِیداً عَلَیْهَا عُرَاقٌ یَفُورُ مِنْهَا رِیحُ الْمِسْکِ الْأَذْفَرِ فَضَرَبَ عَلِیٌّ بِیَدِهِ عَلَیْهَا فَلَمْ یَقْدِرْ عَلَی حَمْلِهَا فَعَاوَنَهُ فَاطِمَةُ عَلَی حَمْلِهَا حَتَّی أَخْرَجَهَا فَوَضَعَهَا بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ فَدَخَلَ ص عَلَی فَاطِمَةَ فَقَالَ أَیْ بُنَیَّةُ أَنَّی لَکِ هَذَا قَالَتْ یَا أَبَتِ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى رَأَيْتُ فِي ابْنَتِي مَا رَأَى زَكَرِيَّا فِي مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا أَبَتِ أَنَا خَيْرٌ أَمْ مَرْيَمُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتِ فِي قَوْمِكِ وَ مَرْيَمُ فِي قَوْمِهَا «۱»

ترجمه: (۱) ابو سعید خدری گفته: قطیفه‌ای طلاباف از طرف پادشاه حبشه به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هدیه شد، و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: این قطیفه را به مردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسول نیز او را دوست دارند، هر یک از اصحاب به طرف رسول خدا گردن کشیدند و خود را به ایشان نشان دادند ولی پیامبر فرمود: علی کجاست؟

عمار یاسر می‌گوید: هنگامی که من این سخن را از پیامبر شنیدم خود را به علی علیه السّلام رسانده و آنچه را دیده و شنیده بودم برایش بیان کردم و هنگامی که علی علیه السّلام به حضور رسول خدا آمد، پیامبر آن قطیفه را به وی عطا کرد و فرمود: تو لایق این قطیفه هستی. علی علیه السّلام قطیفه را گرفته به بازار برده و فروخت، سپس پول آن را میان مهاجرین و انصار تقسیم کرد و در حالی به سوی خانه‌اش بازگشت که حتّی یک دینار نیز برای خود نگاه نداشته بود.

فردای آن روز پیامبر با علی علیه السّلام مواجه گردید و خطاب به وی فرمود: ای علی! تو دیروز سه هزار مثقال طلا نصیبت گردید، پس من با مهاجرین و انصار و فردا برای صرف صبحانه میهمان تو خواهیم بود.

علی گفت: باشد ای رسول خدا! فردای آن روز پیامبر با تعدادی از مهاجرین و انصار به سوی خانه علی علیه السّلام حرکت کرده و در خانه علی را به صدا درآوردند، علی علیه السّلام به استقبال آنها آمد ولی از شرم عرق بر پیشانی وی نشسته بود زیرا طعامی در منزل نداشت. به هر حال میهمانان داخل شده و نشستند.

در این حال علی علیه السّلام نزد فاطمه علیها السّلام آمد و مشاهده نمود که ظرفی مملوّ از ترید با گوشت گوساله که بوی مشک از آن به مشام می‌رسید در نزد وی حاضر است، علی علیه السّلام هنگامی که خواست آن ظرف را برداشته و نزد میهمانان ببرد دریافت که بسیار سنگین است لذا حضرت فاطمه علیها السّلام نیز او را یاری داد تا غذا را آورده و در مقابل میهمانان قرار دادند.

پس از صبحانه پیامبر نزد فاطمه آمده و گفت: دخترم! آن غذا را از کجا تهیّه کرده بودی؟

فاطمه گفت: آن طعام از جانب خداوند نصیب ما گردید زیرا وی هر که را خواهد روزی بی‌حساب عطا فرماید.

پیامبر فرمود: سپاس و حمد مخصوص خداوندی است که مرا زنده نگاه داشت تا از دخترم معجزه‌ای را ببینم که حضرت زکریا از مریم دیده بود. پس فاطمه فرمود: ای پدر! من بهتر هستم یا مریم؟

پیامبر فرمود: تو در میان قوم خودت و او در میان قوم خودش.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۵، ۱۵، ۱۴ ۲۰۸/ ۶۴- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ ع إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَرَفَ فِی وَجْهِهَا الْخَمْصَ قَالَ یَعْنِی الْجُوعَ فَقَالَ لَهَا یَا بُنَیَّةِ هَاهُنَا فَأَجْلَسَهَا عَلَی فَخِذِهِ الْأَیْمَنِ فَقَالَتْ یَا أَبَتَاهْ إِنِّی جَائِعَةٌ فَرَفَعَ یَدَیْهِ إِلَی السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ رَافِعَ الْوَضَعَةِ وَ مُشْبِعَ الْجَاعَةِ أَشْبِعْ فَاطِمَةَ بِنْتَ نَبِیِّکَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فَوَ اللَّهِ مَا جَاعَتْ بَعْدَ یَوْمِهَا حَتَّی فَارَقَتِ الدُّنْیَا «۱»

ترجمه: (۱) امام باقر علیه السّلام فرمود: حضرت فاطمه علیها السّلام نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمد و پیامبر در چهره او آثار گرسنگی را تشخیص داد و به وی فرمود: دخترم! در اینجا بنشین، و او را روی زانوی راست خود نشانید- معلوم می‌شود که حضرت فاطمه علیها السّلام در سنین کودکی بوده است- پس فاطمه گفت:

ای پدر! من گرسنه‌ام.

پس از آن، پیامبر دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: ای خدایی که افتادگان را رفعت می‌بخشی، و گرسنگان را سیر می‌کنی، فاطمه دختر پیامبرت را سیر کن.

امام باقر علیه السّلام فرماید: به خداوند سوگند حضرت فاطمه علیها السّلام پس از این روز، هرگز گرسنه‌اش نشد- یعنی گرسنه نماند- تا زمانی که وفات نمود.

[متن عربی] ۲۰۹/ ...- و منه «۲» وَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَجَدَتْ عِلَّةً فَجَاءَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَائِداً فَجَلَسَ عِنْدَهَا وَ سَأَلَهَا عَنْ حَالِهَا فَقَالَتْ إِنِّی أَشْتَهِی طَعَاماً طَیِّباً فَقَامَ النَّبِیُّ ص إِلَی طَاقٍ فِی الْبَیْتِ فَجَاءَ بِطَبَقٍ فِیهِ زَبِیبٌ وَ کَعْکٌ وَ أُقِطٌ وَ قِطْفُ عِنَبٍ فَوَضَعَهُ بَیْنَ یَدَیْ فَاطِمَةَ ع فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص یَدَهُ فِی الطَّبَقِ وَ سَمَّی اللَّهَ وَ قَالَ کُلُوا بِسْمِ اللَّهِ فَأَکَلَتْ فَاطِمَةُ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ فَبَیْنَمَا هُمْ یَأْکُلُونَ إِذْ وَقَفَ سَائِلٌ عَلَی الْبَابِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَطْعِمُونَا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ فَقَالَ النَّبِیُّ ص اخْسَأْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ یَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَکَذَا تَقُولُ لِلْمِسْکِینِ فَقَالَ النَّبِیُّ ص إِنَّهُ الشَّیْطَانُ وَ إِنَّ جَبْرَئِیلَ جَاءَکُمْ بِهَذَا الطَّعَامِ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَرَادَ الشَّیْطَانُ أَنْ یُصِیبَ مِنْهُ وَ مَا کَانَ ذَلِکَ یَنْبَغِی لَهُ

ترجمه: (۲) علی علیه السلام فرماید روزی فاطمه علیها السّلام بیمار شد و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به عیادتش آمده در نزد او نشست و حالش را جویا شد، فاطمه گفت: دلم می‌خواهد طعام پاکیزه‌ای را تناول نمایم. پس پیامبر برخاست و از زیر سقف خانه «۱» یک سینی آورد که در آن مقداری مویز، نان شیری «۲»، کشک و خوشه‌ای انگور بود و آن را در مقابل فاطمه گذارد. سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دستش را به سوی سینی برده بسم اللّه گفته فرمود: بخورید به نام خدا! فاطمه، رسول خدا، علی، حسن و حسین

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مشغول خوردن شدند که در این حال فقیری به در خانه آمده و پس از سلام گفت: از این غذایی که خدا به شما عطا کرده است به من هم بدهید.

پیامبر آشفته گردیده گفت: دور شو!! فاطمه گفت: پدر جان، تاکنون با هیچ فقیری چنین سخن نگفته بودی؟! پیامبر فرمود: او شیطان است، این طعام را جبرئیل از بهشت آورده و او می‌خواهد که از آن نصیبی ببرد، در صورتی که چنین نصیبی عاید او نخواهد شد.

[متن عربی] ۲۱۰/ ...- و منه «۳» وَ عَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ص لَا يَنَامُ حَتَّى يُقَبِّلَ عُرْضَ وَجْنَةِ فَاطِمَةَ ع أَوْ بَيْنَ ثَدْيَيْهَا.

مترجم: (۱) این حدیث را پیش از این آورده و ترجمه کرده‌ایم.

[متن عربی]۲۱۱/ ...- و منه «۴» وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يَنَامُ حَتَّى يَضَعَ وَجْهَهُ الْكَرِيمَ بَيْنَ ثَدْيَيْ فَاطِمَةَ .

مترجم: (۱) این حدیث نیز پیش از این آمده و ما آن را ترجمه کرده‌ایم.

[متن عربی] ۱۵ ۲۱۲/ ۶۵- علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ «۲» فَتُحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَ لَيْسَتِ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَكِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكِ وَ عَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

كتاب دلائل الإمامة، للطبری عن أبی محمد هارون بن موسی التلعکبری عن الصدوق مثله «۳»

ترجمه: (۱) راوی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السّلام می‌فرمود: فاطمة علیها السّلام از آن جهت محدّثه نامیده شد که فرشتگان بر او فرود می‌آمدند و با او گفتگو می‌کردند همان گونه که با مریم بنت عمران گفتگو می‌کردند، آنها به فاطمه می‌گفتند: ای فاطمه! همانا خداوند تو را برگزیده، و از پلیدی‌ها تطهیر نموده، و تو را بر زنان دو عالم برتری داده است، پس ای فاطمه! خدایت را سپاسگزار بوده وی را عبادت نما. آنها با یک دیگر گفتگو می‌کردند، شبی فاطمه به آنها گفت: آیا آنکه در این آیه، نسبت به زنان دو عالم، فضیلت و برتری داده شده، مریم دختر عمران نبوده است؟ فرشتگان گفتند: مریم بزرگ و برگزیده زنان زمان خود بوده ولی خداوند تو را بر تمامی زنان دو عالم از اوّلین تا آخرین ایشان برتری بخشیده است. علامه مجلسی گوید: ابو جعفر طبری این روایت را در دلائل الامامة نقل نموده است.

[متن عربی] ۱۵ ۲۱۳/ ۶۶- علل الشرائع «۴» أَبِی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُؤَدِّبِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ الْأَصْبَهَانِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِیِّ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَشَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَضْرَمِیُّ بِمِصْرَ مُنْذُ ثَلَاثِینَ سَنَةً قَالَ حَدَّثَنَا سُلَیْمَانُ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِی بَکْرٍ لَمَّا قَرَأْتُ وَ مَا أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِیٍّ وَ لا مُحَدَّثٍ قُلْتُ وَ هَلْ یُحَدِّثُ الْمَلَائِکَةُ إِلَّا الْأَنْبِیَاءَ قَالَ إِنَّ مَرْیَمَ لَمْ تَکُنْ نَبِیَّةً وَ کَانَتْ مُحَدَّثَةً وَ أُمَّ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ کَانَتْ مُحَدَّثَةً وَ لَمْ تَکُنْ نَبِیَّةً وَ سَارَةَ امْرَأَةَ إِبْرَاهِیمَ قَدْ عَایَنَتِ الْمَلَائِکَةَ فَبَشَّرُوهَا بِإِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ یَعْقُوبَ وَ لَمْ تَکُنْ نَبِیَّةً وَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص کَانَتْ مُحَدَّثَةً وَ لَمْ تَکُنْ نَبِیَّةً «۱»

قال الصدوق رحمه الله قد أخبر الله عز و جل فی کتابه بأنه ما أرسل من النساء أحدا إلی الناس فی قوله تبارک و تعالی وَ ما أَرْسَلْنا قَبْلَکَ إِلَّا رِجالًا نُوحِی إِلَیْهِمْ «۲» و لم یقل نساء و المحدثون لیسوا برسل و لا أنبیاء

ترجمه: (۱) شیخ صدوق (۳۱۸ ه) گوید: خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است که از میان زنان هیچ کس را برای نبوّت و پیامبری انتخاب نکرده است چرا که تصریح کرده: «ای محمّد! قبل از تو به کسی وحی نکردیم مگر آنکه مرد بود»، و زنان نامبرده در روایت «محدّثه» بودند نه رسول یا نبی.

[متن عربی] ۲۱۴/ ۶۷- بصائر الدرجات الکافی «۳» أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِی عُبَیْدَةَ قَالَ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ الْجَفْرِ فَقَالَ هُوَ جِلْدُ ثَوْرٍ مَمْلُوءٌ عِلْماً فَقَالَ لَهُ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ تِلْکَ صَحِیفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فِی عَرْضِ الْأَدِیمِ مِثْلُ فَخِذِ الْفَالِجِ فِیهَا کُلُّ مَا یَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَیْهِ وَ لَیْسَ مِنْ قَضِیَّةٍ إِلَّا وَ فِیهَا حَتَّی أَرْشُ الْخَدْشِ قَالَ لَهُ فَمُصْحَفُ فَاطِمَةَ فَسَکَتَ طَوِیلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّکُمْ لَتَبْحَثُونَ عَمَّا تُرِیدُونَ وَ عَمَّا لَا تُرِیدُونَ إِنَّ فَاطِمَةَ مَکَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَمْسَةً وَ سَبْعِینَ یَوْماً وَ قَدْ کَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِیدٌ عَلَی أَبِیهَا وَ کَانَ جَبْرَئِیلُ یَأْتِیهَا فَیُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَی أَبِیهَا وَ یُطَیِّبُ نَفْسَهَا وَ یُخْبِرُهَا عَنْ أَبِیهَا وَ مَکَانِهِ وَ یُخْبِرُهَا بِمَا یَکُونُ بَعْدَهَا فِی ذُرِّیَّتِهَا وَ کَانَ عَلِیٌّ ع یَکْتُبُ ذَلِکَ فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ «۱»

ترجمه: (۱) ابو عبیده گوید: برخی از دوستان ما از امام صادق علیه السّلام در باره جفر سؤال کردند، امام فرمود: جفر عبارت از پوست گاوی است که علوم فراوانی بر آن نوشته شده است. کسی پرسید: جامعه چیست؟ امام فرمود: جامعه صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذرع است و در آن هر چه که مورد نیاز مردم باشد نوشته شده است، حتی دیه خراشی کوچک. و پرسیدند: مصحف فاطمه چیست؟

امام پس از مدتی مکث فرمود: شما در باره هر چیزی که مورد نیازتان هست یا نیست سؤال می‌کنید. و سپس فرمود: فاطمه علیها السّلام پس از رحلت پیامبر، هفتاد و پنج روز در حزن و اندوه شدید زندگی کرد، و در این مدت جبرئیل نزد او می‌آمد به او تسلیت می‌گفت و دلداری داده از محل نیکویی که پدرش در آن قرار دارد خبر

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

می‌داد و از آنچه که پس از پیامبر اتفاق خواهد افتاد، و علی علیه السّلام همه آن اخبار را می‌نوشت و بدین گونه مصحفی فراهم آمد و آن مصحف فاطمه است.

[متن عربی] ۶، ۱۵، ۱ ۲۱۵/ ۶۸- بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ تَظْهَرُ زَنَادِقَةٌ سَنَةَ ثَمَانِيَةٍ وَ عِشْرِينَ وَ مِائَةٍ وَ ذَلِكَ لِأَنِّي نَظَرْتُ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ قَالَ فَقُلْتُ وَ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا قَبَضَ نَبِيَّهُ ص دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ مِنْ وَفَاتِهِ مِنَ الْحُزْنِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا مَلَكاً يُسَلِّي عَنْهَا غَمَّهَا وَ يُحَدِّثُهَا فَشَكَتْ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ لَهَا إِذَا أَحْسَسْتِ بِذَلِكِ وَ سَمِعْتِ الصَّوْتَ قُولِي لِي فَأَعْلَمَتْهُ فَجَعَلَ يَكْتُبُ كُلَّمَا سَمِعَ حَتَّى أَثْبَتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفاً قَالَ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ لَكِنْ فِيهِ عِلْمُ مَا يَكُونُ ۶۹ الكافي الْعِدَّةُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ مِثْلَهُ

ترجمه: (۲) امام صادق علیه السّلام فرمودند: در سال ۱۲۸ هجری قمری زندیق‌هایی ظهور خواهند کرد. من با نگاه کردن در «مصحف فاطمه» این خبر را به دست آوردم. حمّاد بن عثمان گوید: به امام عرض کردم: مصحف فاطمه چیست؟ امام فرمود: پس از رحلت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، حضرت فاطمه علیها السّلام به شدّت محزون و افسرده گردید، پس خداوند فرشته‌ای به سوی او می‌فرستاد تا وی را تسلّی دهد و همدم او بوده با فاطمه هم صحبت شود. فاطمه علیها السّلام این مطلب را برای علی علیه السّلام فاش نمود و علی به او گفت: هر گاه آن فرشته آمد و با تو سخن گفت، کلام او را برای من بازگو کن. و حضرت فاطمه علیها السّلام شنیده‌هایش از آن فرشته را برای علی علیه السّلام نقل می‌کرد و علی نیز آنها را می‌نوشت تا در نتیجه این مصحف فراهم آمد.

حماد گوید: امام بلافاصله فرمود: مطالب این مصحف در باره احکام حلال و حرام نیست، بلکه اخبار غیبی و آنچه که در آینده واقع خواهد شد، در این مصحف نوشته شده است.

علامه مجلسی گوید: کلینی (۳۲۸ ه) نیز این روایت را در کافی نقل نموده است.

[متن عربی] ۲۱۶/ ۶۹- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ سُلَيْمَانَ فِي كِتَابِ الْمُحْتَضَرِ «۱» مِنْ تَفْسِيرِ الثَّعْلَبِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَدْ أَخَذَ بِيَدِ فَاطِمَةَ ع وَ قَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ قَلْبِي الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيَّ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ

مترجم: (۱) ترجمه این حدیث پیش از این آمده است.

[متن عربی] ۲۱۷/ ...- كِتَابُ الدَّلَائِلِ، «۲» لِلطَّبَرِيِّ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ الْمُعَافَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمِّهِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَتْنِي فَاطِمَةُ

بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَتْ قَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ ص أَ لَا أُبَشِّرُکِ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ یُتْحِفَ زَوْجَةَ وَلِیِّهِ فِی الْجَنَّةِ بَعَثَ إِلَیْکِ تَبْعَثِینَ إِلَیْهَا مِنْ حُلِیِّکِ

ترجمه: (۱) حضرت فاطمه علیها السّلام گفت: پدرم خطاب به من فرمود:به تو مژده می‌دهم هنگامی که خداوند اراده کند تا در بهشت، برای زوجه و همسر ولیّش تحفه‌ای عطا کند از تو می‌خواهد که بخشی از زیورهای خود را برایش بفرستی.

[متن عربی] أقول: قد أوردنا کثیرا من فضائلها و مناقبها و سیرها صلی الله علیها فی باب غصب فدک و باب فضائل أصحاب الکساء صلی الله علیه و آله و سلم

ترجمه: (۲) در خاتمه این باب علّامه مجلسی گوید: و بسیاری از فضائل و مناقب حضرت فاطمه علیها السّلام را در باب «غصب فدک» و «فضائل اصحاب کساء» نقل کرده‌ام.

باب چهارم شیوه زندگی و برخی از مکارم اخلاق حضرت فاطمه علیها السّلام

[متن عربی] ۱، ۱۴، ۱۵ ۲۱۸/ ۱- قرب الإسناد «۱» السِّنْدِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی الْبَخْتَرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ ع قَالَ تَقَاضَی عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص فِی الْخِدْمَةِ فَقَضَی عَلَی فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَ قَضَی عَلَی عَلِیٍّ بِمَا خَلْفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا یَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِی مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِکْفَائِی رَسُولُ اللَّهِ ص تَحَمُّلَ رِقَابِ الرِّجَالِ «۲»

بیان تحمل رقاب الرجال أی تحمل أمور تحملها رقابهم من حمل القرب و الحطب و یحتمل أن یکون کنایة عن التبرز من بین الرجال أو المشی علی رقاب النائمین عند خروجها لیلا للاستقاء أی التحمل علی رقابهم و لا یبعد أن یکون أصله ما تحمل فأسقطت کلمة ما من النساخ. ثم اعلم أن المعروف فی اللغة کفاه لا أکفاه و لعل فیه أیضا تصحیفا

ترجمه: (۱) حمیری (ح ۳۱۰ ه) در قرب الاسناد از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت می‌کند: علی و فاطمه علیهما السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تقاضا کردند که آن حضرت کارهای خانه و بیرون خانه را بین آنها تقسیم نماید. پیامبر انجام کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه نهاد و امور خارج از منزل را به عهده علی علیه السّلام گذاشت. امام باقر علیه السّلام می‌گوید: فاطمه علیها السّلام می‌گفت:

هیچ کس جز خداوند نمی‌داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کارهای بیرون از خانه را به عهده من قرار نداد و مرا از مراوده با مردان نجات داد.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱ ۲۱۹/ ۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ ع أَنَّهُ قَالَ حَدَّثَتْنِی أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَیْسٍ قَالَتْ کُنْتُ عِنْدَ فَاطِمَةَ ع إِذْ دَخَلَ عَلَیْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فِی

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

عُنُقِهَا قِلَادَةٌ مِنْ ذَهَبٍ كَانَ اشْتَرَاهَا لَهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مِنْ فَيْءٍ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ لَا يَقُولُ النَّاسُ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ تَلْبَسُ لِبَاسَ الْجَبَابِرَةِ فَقَطَعَتْهَا وَ بَاعَتْهَا وَ اشْتَرَتْ بِهَا رَقَبَةً فَأَعْتَقَتْهَا فَسُرَّ بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص «۲»

ترجمه: (۱) شیخ صدوق (۳۸۱ ه) به سه سند از اسماء بنت عمیس روایت می‌کند: من نزد حضرت فاطمه بودم هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وارد خانه آن بانو گردید و در گردن او گردنبندی از طلا دید که حضرت علی علیه السّلام از سهم خمس خویش برای فاطمه خریده بود، پس پیامبر به فاطمه علیها السّلام فرمود: ای فاطمه! آیا دوست می‌داری که مردم بگویند فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است ولی لباس ستمگران و زیور زورگویان را مورد استفاده قرار می‌دهد؟ پس فاطمه آن گردنبند را باز کرد و فروخت و با پول آن برده‌ای را خریده و آزاد نمود، و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از این کردار فاطمه خوشحال گردید.

[متن عربی] ۲، ۱۵ ۲۲۰/ ۳- علل الشرائع «۳» ابْنُ مَقْبُرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ جَنْدَلِ بْنِ وَالِقٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْمَازِنِيِّ عَنْ عُبَادَةَ الْكَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ الصُّغْرَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ ع قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ جُمُعَتِهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تُكْثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهْ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكِ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكِ فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ الْجَارَ ثُمَّ الدَّارَ «۱»

ترجمه: (۱) شیخ صدوق (۳۸۱ ه) در علل الشرائع از امام حسن مجتبی علیه السّلام روایت کرده:

شبهای جمعه مادرم فاطمه علیها السّلام را می‌دیدم که تا طلوع صبح، در محرابش، مشغول رکوع و سجود و عبادت پروردگار است، و می‌شنیدم که برای مؤمنین دعا می‌کند و در دعایش نام آنها را ذکر می‌نماید ولی برای خود دعا نمی‌کند، به او گفتم: مادرم! چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟

آن حضرت در جواب می‌فرمود: پسرم! اوّل باید همسایه را دعا کرد و بعد خود را.

[متن عربی] ۱۵ ۲۲۱/ ۴- علل الشرائع «۲» أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَرْوَزِيُّ عَنْ جَعْفَرٍ الْمُقْرِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَوْصِلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي زَيْدٍ الْكَحَّالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا فَقِيلَ لَهَا يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّكِ تَدْعِينَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكِ فَقَالَتِ الْجَارَ ثُمَّ الدَّارَ «۳»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۲) شیخ صدوق در همین کتاب از ائمه طاهرین علیهم السّلام روایت کرده: حضرت فاطمه علیها السّلام هر گاه دعا می‌کرد، برای مردان و زنان مؤمن دعا می‌نمود ولی برای خودش دعایی نمی‌کرد، پس به آن حضرت گفته شد: ای دختر پیامبر! تو برای مردم دعا می‌کنی ولی برای خود دعایی نمی‌نمایی؟

حضرت فاطمه فرمود: اوّل همسایه، بعد اهل خانه.

[متن عربی] ۱، ۱۵، ۱۴ ۲۲۲/ ۵- علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ ابْنِ عُلَيَّةَ عَنِ الْحَرِيرِيِّ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ بْنِ ثُمَامَةَ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدٍ أَ لَا أُحَدِّثُكَ عَنِّي وَ عَنْ فَاطِمَةَ إِنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي وَ كَانَتْ مِنْ أَحَبِّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ وَ أَنَّهَا اسْتَقَتْ بِالْقِرْبَةِ حَتَّى أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا وَ طَحَنَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ يَدَاهَا وَ كَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَ أَوْقَدَتِ النَّارَ تَحْتَ الْقِدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابُهَا فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرَرٌ شَدِيدٌ فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكِ فَسَأَلْتِيهِ خَادِماً يَكْفِيكِ ضُرَّ مَا أَنْتِ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ فَأَتَتِ النَّبِيَّ ص فَوَجَدَتْ عِنْدَهُ حُدَّاثاً فَاسْتَحَتْ فَانْصَرَفَتْ قَالَ فَعَلِمَ النَّبِيُّ ص أَنَّهَا جَاءَتْ لِحَاجَةٍ قَالَ فَغَدَا عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ نَحْنُ فِي لِفَاعِنَا فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَسَكَتْنَا وَ اسْتَحْيَيْنَا لِمَكَانِنَا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَسَكَتْنَا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَخَشِينَا إِنْ لَمْ نَرُدَّ عَلَيْهِ أَنْ يَنْصَرِفَ وَ قَدْ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ يُسَلِّمُ ثَلَاثاً فَإِنْ أُذِنَ لَهُ وَ إِلَّا انْصَرَفَ فَقُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْخُلْ فَلَمْ يَعْدُ أَنْ جَلَسَ عِنْدَ رُءُوسِنَا فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ مَا كَانَتْ حَاجَتُكِ أَمْسِ عِنْدَ مُحَمَّدٍ قَالَ فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ نُجِبْهُ أَنْ يَقُومَ قَالَ فَأَخْرَجْتُ رَأْسِي فَقُلْتُ أَنَا وَ اللَّهِ أُخْبِرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهَا اسْتَقَتْ بِالْقِرْبَةِ حَتَّى أَثَّرَتْ فِي صَدْرِهَا وَ جَرَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ يَدَاهَا وَ كَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَ أَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقِدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابُهَا فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكِ فَسَأَلْتِيهِ خَادِماً يَكْفِيكِ ضُرَّ مَا أَنْتِ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ قَالَ أَ فَلَا أُعَلِّمُكُمَا مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمَا مِنَ الْخَادِمِ إِذَا أَخَذْتُمَا مَنَامَكُمَا فَسَبِّحَا ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ وَ احْمَدَا ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ وَ كَبِّرَا أربع وَ ثَلَاثِينَ قَالَ فَأَخْرَجَتْ ع رَأْسَهَا فَقَالَتْ رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثَلَاثَ دَفَعَاتٍ

بیان قال الجزری مجلت یده تمجل مجلا إذا ثخن جلدها فی العمل بالأشیاء الصلبة و منها حدیث فاطمة أنها شکت إلی علی ع مجل یدها من الطحن و قال فی حدیث فاطمة أنها أوقدت القدر حتی دکنت ثیابها . دکن الثوب إذا اتسخ و اغبر لونه یدکن دکنا. و قال اللفاع ثوب یجلل به الجسد کله کساء کان أو غیره و منه. حدیث علی و فاطمة و قد دخلنا فی لفاعنا. أی لحافنا. و قال:فی حدیث فاطمة إنها جاءت إلی النبی ص فوجدت عنده حداثا أی جماعة یتحدثون و هو جمع علی غیر قیاس حملا علی نظیره نحو سامر و سمار فإن السمار المحدثون.

قوله فلم یعد أن جلس أی لم یتجاوز عن الجلوس من عدا یعدو قال الجوهری عداه أی جاوزه و ما عدا فلان أن صنع کذا

ترجمه: (۱) شیخ صدوق رحمه اللّه روایت کرده که حضرت علی علیه السّلام به مردی از بنی سعد فرمود:

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

بگذار تا قصّه‌ای در باره خودم و فاطمه برایت بگویم: فاطمه همسر من در میان خانواده رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از محبوبترین افراد بود، او با مشک به قدری آب می‌آورد که اثر آن در سینه‌اش به جای مانده بود، و به قدری با آسیا کار می‌کرد که دستهایش پینه بسته بود، و به قدری خانه را جارو می‌کرد که گرد و غبار بر لباسهایش می‌نشست، و به قدری در زیر دیگ آتش می‌افروخت که لباسهایش سیاه و چرکین می‌شد، و او به سبب این کارها دچار زحمت و رنج شدیدی شده بود.

یک روز به فاطمه گفتم: کاش نزد پیامبر می‌رفتی و از آن حضرت تقاضا می‌کردی که خادمی برایت در نظر بگیرد تا در کارهای خانه به تو کمک نماید. هنگامی که فاطمه برای بیان این تقاضا به حضور پیامبر رفت دید که عده‌ای در اطراف پیامبر نشسته و با او مشغول گفتگو هستند و لذا خجالت کشید و مراجعت نمود، پیامبر از این عمل فاطمه متوجه شد که فاطمه برای حاجتی نزد او آمده لذا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فردای آن روز صبح زود، در حالی که ما هنوز در بستر بودیم به خانه ما آمد و از پشت در گفت: السلام علیکم. ما سکوت کردیم زیرا به دلیل وضعمان حیا داشتیم که با پیامبر روبرو شویم، رسول خدا برای دومین بار گفت: السلام علیکم. و ما باز هم سکوت کردیم. وقتی مرتبه سوم گفت: السلام علیکم، ترسیدم که اگر جواب نگوییم مراجعت نماید پاسخ ایشان را داده و گفتم: و علیک السلام یا رسول اللّه! وارد شوید. وقتی پیامبر وارد شد خطاب به فاطمه گفت: چه حاجتی داشتی که دیروز به نزد من آمدی؟ من پیشدستی کردم- زیرا فاطمه از شرم سر خود را زیر لحاف کرده بود- و گفتم:

فاطمه به قدری مشک آب آورده که اثر آن بر سینه‌اش مانده است، و به قدری آسیا کرده که دستهایش پینه بسته، و به قدری جارو کرده که گرد و خاک لباسهایش را غبار آلود نموده، و به قدری در زیر دیگ آتش افروخته که لباسهایش سیاه و چرک شده است، و به دلیل این مشقّتی که او متحمّل می‌شود، من به او گفتم که نزد شما بیاید و خادمی مطالبه نماید تا در این گونه کارها یاور او باشد. پیامبر فرمود: آیا بهتر نیست چیزی به شما تعلیم نمایم که از خادم برای شما بهتر باشد، پس هر گاه خواستید بخوابید سی و سه مرتبه سبحان اللّه، و سی و سه مرتبه الحمد للّه، و سی و چهار مرتبه اللّه اکبر بگویید.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۲۲۳/ ۶- الکافی مکارم الأخلاق «۱» عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَرَادَ السَّفَرَ سَلَّمَ عَلَى مَنْ أَرَادَ التَّسْلِیمَ عَلَیْهِ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ یَکُونُ آخِرُ مَنْ یُسَلِّمُ عَلَیْهِ فَاطِمَةَ ع فَیَکُونُ وَجْهُهُ إِلَى سَفَرِهِ مِنْ بَیْتِهَا وَ إِذَا رَجَعَ بَدَأَ بِهَا فَسَافَرَ مَرَّةً وَ قَدْ أَصَابَ عَلِیٌّ ع شَیْئاً مِنَ الْغَنِیمَةِ فَدَفَعَهُ إِلَى فَاطِمَةَ فَخَرَجَ فَأَخَذَتْ سِوَارَیْنِ مِنْ فِضَّةٍ وَ عَلَّقَتْ عَلَى بَابِهَا سِتْراً فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَتَوَجَّهَ نَحْوَ بَیْتِ فَاطِمَةَ کَمَا کَانَ یَصْنَعُ فَقَامَتْ فَرِحَةً إِلَى أَبِیهَا صُبَابَةً وَ شَوْقاً إِلَیْهِ فَنَظَرَ فَإِذَا فِی یَدِهَا سِوَارَانِ مِنْ فِضَّةٍ وَ إِذَا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

عَلَى بَابِهَا سِتْرٌ فَقَعَدَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَيْثُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا فَبَكَتْ فَاطِمَةُ وَ حَزِنَتْ وَ قَالَتْ مَا صَنَعَ هَذَا بِي قَبْلَهَا فَدَعَتِ ابْنَيْهَا فَنَزَعَتِ السِّتْرَ مِنْ بَابِهَا وَ خَلَعَتِ السِّوَارَيْنِ مِنْ يَدَيْهَا ثُمَّ دَفَعَتِ السِّوَارَيْنِ إِلَى أَحَدِهِمَا وَ السِّتْرَ إِلَى الْآخَرِ ثُمَّ قَالَتْ لَهُمَا انْطَلَقَا إِلَى أَبِي فَأَقْرِئَاهُ السَّلَامَ وَ قُولَا لَهُ مَا أَحْدَثَنَا بَعْدَكَ غَيْرَ هَذَا فَشَأْنَكَ بِهِ فَجَاءَاهُ فَأَبْلَغَاهُ ذَلِكَ عَنْ أُمِّهِمَا فَقَبَّلَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ الْتَزَمَهُمَا وَ أَقْعَدَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَى فَخِذِهِ ثُمَّ أَمَرَ بِذَيْنِكَ السِّوَارَيْنِ فَكُسِرَا فَجَعَلَهُمَا قِطَعاً ثُمَّ دَعَا أَهْلَ الصُّفَّةِ وَ هُمْ قَوْمٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَنَازِلُ وَ لَا أَمْوَالٌ فَقَسَّمَهُ بَيْنَهُمْ قِطَعاً ثُمَّ جَعَلَ يَدْعُو الرَّجُلَ مِنْهُمُ الْعَارِيَ الَّذِي لَا يَسْتَتِرُ بِشَيْءٍ وَ كَانَ ذَلِكَ السِّتْرُ طَوِيلًا لَيْسَ لَهُ عَرْضٌ فَجَعَلَ يُؤَزِّرُ الرَّجُلَ فَإِذَا الْتَقَيَا عَلَيْهِ قَطَعَهُ حَتَّى قَسَّمَهُ بَيْنَهُمْ أُزُراً ثُمَّ أَمَرَ النِّسَاءَ لَا يَرْفَعْنَ رُءُوسَهُنَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ حَتَّى يَرْفَعَ الرِّجَالُ رُءُوسَهُمْ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا مِنْ صِغَرِ إِزَارِهِمْ إِذَا رَكَعُوا وَ سَجَدُوا بَدَتْ عَوْرَتُهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ ثُمَّ جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ أَنْ لَا يَرْفَعَ النِّسَاءُ رُءُوسَهُنَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ حَتَّى يَرْفَعَ الرِّجَالُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص رَحِمَ اللَّهُ فَاطِمَةَ لَيَكْسُوَنَّهَا اللَّهُ بِهَذَا السِّتْرِ مِنْ كِسْوَةِ الْجَنَّةِ وَ لَيُحَلِّيَنَّهَا بِهَذَيْنِ السِّوَارَيْنِ مِنْ حِلْيَةِ الْجَنَّةِ-

ترجمه: (۱) محمّد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ ه) در کافی و طبرسی (۵۲۰ ه) در مکارم الاخلاق از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت می‌کنند: هر گاه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌خواست مسافرت کند با اهل بیت خویش وداع می‌کرد و آخرین نفری را که وداع می‌نمود حضرت فاطمه علیها السّلام بود، آنگاه از خانه فاطمه خارج شده و عازم مسافرت می‌شد، و هنگامی که از سفر برمی‌گشت اوّل وارد خانه دخترش، فاطمه می‌شد و او را دیدار می‌نمود.

در یکی از مسافرتهای رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم علی علیه السّلام مقداری از غنیمتهایی را که نصیب آن حضرت شده بود به فاطمه داد و آن حضرت از مال مذکور دو النگوی نقره و یک پرده برای در اتاق خود خریداری نمود. وقتی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از مسافرت بازگشت وارد مسجد شد و سپس طبق معمول به خانه دخترش فاطمه علیها السّلام آمد و حضرت فاطمه نیز طبق معمول از جای برخاست و با شوق فراوان از پدر خود استقبال نمود، پیامبر همین طور که متوجه دخترش بود ناگاه چشمش به النگوها و پرده‌ها افتاد، و بلافاصله بر زمین نشست و حالتی که حکایت از تعجّب داشت به حضرت فاطمه علیها السّلام نگریست، وقتی که پیامبر از خانه فاطمه خارج شد، آن بانو گریان و اندوهگین گردید و با خود گفت: پدرم قبلا چنین برخوردی با من نداشته است.

و دانست که علت آن برخورد چیست، لذا پرده و النگو را درآورد و حسن و حسین را صدا کرده، پرده را به یکی و النگوها را به دیگری داد و به آنها فرمود: اینها را نزد پدرم رسول خدا ببرید و سلام مرا به ایشان

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

برسانید و بگویید: ما بعد از مسافرت شما چیزی غیر از اینها اضافه ننموده‌ایم، اکنون آنها در اختیار شماست و هر کار که مفید می‌دانید با آنها انجام دهید.

هنگامی که حسن و حسین آمدند و پیام فاطمه را به پیامبر رسانیدند رسول خدا آنها را بوسید و به خود چسبانید و بر سر زانوهای خود جای داد و سپس دستور داد تا اجزای النگوها را از هم جدا نمودند و اهل صفّه را که دسته‌ای از مهاجرین فقیر و بدون خانه بودند احضار کرده و آنها را بین ایشان تقسیم نمود و بعد از آن افرادی از اهل مدینه را که لباسی برای ستر عورت خود نداشتند خبر نمود و پرده را به تکّه‌های مساوی- هر تکّه به اندازه یک لنگ کوچک- تقسیم کرده به ایشان عطا کرد و به زنان دستور داد در حال نماز، پیش از مردان سر از رکوع و سجده برندارند زیرا مردان به علّت کوچکی آن لنگی که عورت آنها را می‌پوشانید هر گاه به رکوع و سجده می‌رفتند عورت ایشان از پشت دیده می‌شد.

و پس از این جریان رسول خدا فرمود: خدا فاطمه را رحمت کند، خدا در مقابل این پرده‌ای که او در راه خداوند انفاق نمود از لباسهای بهشتی و در عوض این دو النگویی که داد از زیورهای بهشت به او عطا می‌نماید.

[متن عربی] ۲۲۴/ ...- عَنِ الْكَاظِمِ ع قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَى ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ ع وَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ فَأَعْرَضَ عَنْهَا فَقَطَعَتْهَا وَ رَمَتْ بِهَا فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتِ مِنِّي ائْتِينِي يَا فَاطِمَةُ ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ فَنَاوَلَتْهُ الْقِلَادَةَ

ترجمه: (۱) و طبرسی در مکارم الاخلاق «۱» از امام کاظم علیه السّلام روایت کرده: همانا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روزی بر دخترش فاطمه علیها السّلام وارد شد و در گردن او گلوبندی را مشاهده نمود، لذا از دخترش دوری نمود. فاطمه گردنبند را باز کرده و کنار نهاد، در این حال رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به او فرمود:

دخترم! تو پاره‌ای از وجود من هستی، اکنون نزد من بیا! و در این حال فقیری به در خانه آمد و فاطمه آن گردنبند را به او انفاق نمود.

[متن عربی] ۱۵ ۲۲۵/ ۷- المناقب «۱» حِلْيَةُ أَبِي نُعَيْمٍ وَ مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى قَالَتْ عَائِشَةُ مَا رَأَيْتُ أَحَداً قَطُّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ غَيْرَ أَبِيهَا

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب (۵۸۸ ه) به نقل از حلیة الاولیاء تألیف ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ ه) و مسند ابو یعلی موصلی، از عایشه روایت کرده که او می‌گفت: هیچ کس را راستگوتر از فاطمه ندیدم مگر پدرش.

[متن عربی] ۲۲۶/ ...- وَ رَوَيَا أَنَّهُ كَانَ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ فَقَالَتْ عَائِشَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلْهَا فَإِنَّهَا لَا تَكْذِبُ وَ قَدْ رَوَى الْحَدِيثَيْنِ عَطَاءٌ وَ عَمْرُو بْنُ دِينَارٍ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۲) و نیز ابو نعیم و ابو یعلی در کتابهایشان روایت کرده‌اند: که بین فاطمه و عایشه مسأله‌ای پیش آمده بود و رسول خدا از عایشه در آن مورد سؤال کرد، پس عایشه در جواب گفت: ای رسول خدا از فاطمه بپرس زیرا او هرگز دروغ نمی‌گوید.

ابن شهر آشوب گوید: و این دو روایت را عطا و عمرو بن دینار نقل نموده‌اند.

[متن عربی] ۲۲۷/ ...- الْحَسَنُ الْبَصْرِیُّ مَا کَانَ فِی هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ کَانَتْ تَقُومُ حَتَّی تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا

ترجمه: (۳) ابن شهر آشوب «۲» گوید: حسن بصری (۱۱۰ ه) گوید: هیچ کس در بین این امّت عابدتر از حضرت فاطمه علیها السّلام نبود، او آنقدر برای عبادت خدا برپا می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد.

[متن عربی] ۲۲۸/ ...- وَ قَالَ النَّبِیُّ ص لَهَا أَیُّ شَیْ‌ءٍ خَیْرٌ لِلْمَرْأَةِ قَالَتْ أَنْ لَا تَرَی رَجُلًا وَ لَا یَرَاهَا رَجُلٌ فَضَمَّهَا إِلَیْهِ وَ قَالَ ذُرِّیَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ «۱»

ترجمه: (۱) رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به فاطمه فرمود: چه چیزی برای زن بهتر و نیکوتر است؟ فاطمه گفت: اینکه او مردی را نبیند، و مردی نیز او را نبیند. پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از این پاسخ خشنود گردید و او را در آغوش گرفته: فرمود. «خاندانی که برخی از آنها از بعض دیگرند».

[متن عربی] ۲۲۹/ ...- وَ فِی الْحِلْیَةِ الْأَوْزَاعِیُّ عَنِ الزُّهْرِیِّ قَالَ لَقَدْ طَحَنَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّی مَجِلَتْ یَدَاهَا وَ طَبَّ الرَّحَی فِی یَدِهَا

بیان طب أی تأنی فی الأمور و تلطف و لعل المعنی أثرت فیها قلیلا قلیلا و لعل فیه تصحیفا

ترجمه: (۲) و ابن شهر آشوب «۲» گوید: در حلیة الاولیاء آمده: اوزاعی از زهری روایت کرده است: فاطمه دختر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آنقدر با آسیا کار کرد که دستش تاول زد و لذا قطعه‌ای پوست را به دسته آسیا بسته بود و با دست آن را می‌گرفت و آسیا می‌کرد.

[متن عربی] ۱، ۱۵، ۱۴ ۲۳۰/ ۸- فِی الصَّحِیحَیْنِ إِنَّ عَلِیّاً ع قَالَ أَشْتَکِی مِمَّا أَنْدَأُ بِالْقَرَبِ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع وَ اللَّهِ إِنِّی أَشْتَکِی یَدِی مِمَّا أَطْحَنُ بِالرَّحَی وَ کَانَ عِنْدَ النَّبِیِّ ص أُسَارَی فَأَمَرَهَا أَنْ تَطْلُبَ مِنَ النَّبِیِّ ص خَادِماً فَدَخَلَتْ عَلَی النَّبِیِّ ص وَ سَلَّمَتْ عَلَیْهِ وَ رَجَعَتْ فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع مَا لَکِ قَالَتْ وَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أُکَلِّمَ رَسُولَ اللَّهِ ص مِنْ هَیْبَتِهِ فَانْطَلَقَ عَلِیٌّ مَعَهَا إِلَی النَّبِیِّ ص فَقَالَ لَهُمَا لَقَدْ جَاءَتْ بِکُمَا حَاجَةٌ فَقَالَ عَلِیٌّ مُجَارَاتُهُمَا فَقَالَ ص لَا وَ لَکِنِّی أَبِیعُهُمْ وَ أُنْفِقُ أَثْمَانَهُمْ عَلَی أَهْلِ الصُّفَّةِ وَ عَلَّمَهَا تَسْبِیحَ الزَّهْرَاءِ

کِتَابُ الشِّیرَازِیِّ أَنَّهَا لَمَّا ذَکَرَتْ حَالَهَا وَ سَأَلَتْ جَارِیَةً بَکَی رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ یَا فَاطِمَةُ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ إِنَّ فِی الْمَسْجِدِ أَرْبَعَمِائَةِ رَجُلٍ مَا لَهُمْ طَعَامٌ وَ لَا ثِیَابٌ وَ لَوْ لَا خَشْیَتِی خَصْلَةً لَأَعْطَیْتُکِ مَا سَأَلْتِ یَا فَاطِمَةُ إِنِّی لَا أُرِیدُ أَنْ یَنْفَکَّ عَنْکِ أَجْرُکِ إِلَی الْجَارِیَةِ وَ إِنِّی أَخَافُ أَنْ یَخْصِمَکِ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع یَوْمَ الْقِیَامَةِ بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ عَزَّ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

وَ جَلَّ إِذَا طَلَبَ حَقَّهُ مِنْک ثُمَّ عَلَّمَهَا صَلَاةَ التَّسْبِيحِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَضَيْتِ تُرِيدِينَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص الدُّنْيَا فَأَعْطَانَا اللَّهُ ثَوَابَ الْآخِرَةِ قَالَ قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ فَلَمَّا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عِنْدِ فَاطِمَةَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّکَ تَرْجُوها «۱» يَعْنِي عَنْ قَرَابَتِکَ وَ ابْنَتِکَ فَاطِمَةَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ يَعْنِي طَلَبَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّکَ يَعْنِي رِزْقاً مِنْ رَبِّکَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُوراً «۲» يَعْنِي قَوْلًا حَسَناً فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ أَنْفَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَارِيَةً إِلَيْهَا لِلْخِدْمَةِ وَ سَمَّاهَا فِضَّةَ

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب «۳» گوید: در صحیح بخاری و مسلم آمده: علی علیه السّلام آنقدر با مشک آب کشیده بود که از دشواری این کار شکایت داشت پس حضرت فاطمه علیها السّلام به او گفت: من هم از کثرت کار با آسیا و دشواری آن خسته گردیده‌ام. و از آن جهت که در آن ایّام اسیرانی در اختیار پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بود، علی علیه السّلام به فاطمه علیها السّلام گفت:

از پیامبر بخواه که یکی از این اسیران را به عنوان خادم در اختیارت قرار دهد. فاطمه علیها السّلام به حضور پیامبر رفت، سلام کرد ولی از اظهار حاجت حیا نمود و لذا بدون آنکه سخنی بگوید مراجعت کرد. علی علیه السّلام به او گفت: چه کردی؟

فاطمه علیها السّلام گفت: به خداوند سوگند وقتی که هیبت پیامبر را دیدم نتوانستم با او سخن بگویم.

پس علی و فاطمه علیهما السّلام با یک دیگر نزد پیامبر رفتند و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به آنها گفت: گویا شما دو نفر چیزی می‌خواهید؟ علی علیه السّلام گفت: خادمه‌ای برای فاطمه می‌خواهیم.

پیامبر فرمود: من این کار را انجام نمی‌دهم و تصمیم دارم آن اسیران را بفروشم و پول آن را برای اهل صفّه انفاق نمایم. و به علی و فاطمه علیهما السّلام تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را آموخت.

ابن شهر آشوب گوید: در کتاب ابو بکر شیرازی آمده:

هنگامی که حضرت فاطمه علیها السّلام حال خود را برای رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بیان کرد و خادمه را مطالبه کرد، رسول خدا گریه کرد و گفت: دخترم! سوگند به آن که مرا مبعوث نموده، چهار صد مرد فقیر در مسجد زندگی می‌کنند که نه غذا دارند و نه لباس، و من اگر از خصلتی نمی‌ترسیدم حتما آنچه را که خواستی به تو می‌بخشیدم، ای فاطمه! من نمی‌خواهم که اجر و ثواب تو نصیب کنیز گردد «۱» همانا می‌ترسم که علی در روز قیامت حقّ خود را از تو مطالبه نماید. و سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نماز تسبیح را به فاطمه آموخت و علی علیه السّلام فرمود: ای فاطمه! نزد رسول خدا آمدی تا حاجت دنیویت را برآورده سازد ولی خدای مهربان ثواب اخروی را به ما عطا نمود. ابن شهر آشوب گوید: ابو هریره گفته:

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از نزد حضرت فاطمه علیها السّلام خارج شد آیه ۲۸ از سوره اسراء نازل شد که می‌فرماید: «اگر از ایشان اعراض کردی که رحمت پروردگار شامل حالت شود، پس لا اقل در جواب آنان سخن نیکو و شایسته بگو»، و منظور از رحمت پروردگار در این آیه همان رضایت خداوند است که رسول خدا برای جلب آن به دخترش پاسخ منفی داد، پس هنگامی که این آیه نازل گردید پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کنیزی را برای خدمت به فاطمه علیها السّلام در نظر گرفته و به خانه دخترش فرستاد که نامش فضّه بود.

[متن عربی] ۲۳۱/ ...- تَفْسِيرُ الثَّعْلَبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع وَ تَفْسِيرُ الْقُشَيْرِيِّ عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ رَأَى النَّبِيُّ ص فَاطِمَةَ وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ أَجِلَّةِ الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِيَدَيْهَا وَ تُرْضِعُ وُلْدَهَا فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا بِنْتَاهْ تَعَجَّلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحَلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نَعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى «۱» «۲»

ترجمه: (۱) ثعلبی (۴۳۷ ه) در تفسیر خود از امام جعفر صادق علیه السّلام و قشیری (۵۲۹ ه) از جابر بن عبد اللّه انصاری نقل کرده‌اند: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه را در حالی دید که عبایی از پوست شتر پوشیده و با یک دست مشغول آسیا کردن و به کمک دست دیگر مشغول شیر دادن به فرزندش می‌باشد. چشمان رسول خدا از مشاهده این امر پر از اشک شد و به فاطمه فرمود: دخترم! سختیها و تلخیهای دنیا را در مقابل حلاوت و شیرینی آخرت قرار بده. فاطمه گفت: ای رسول خدا! خدا را سپاس می‌گویم به سبب نعمتهای فراوانی که به من عطا فرموده، و او را در مقابل محبّتهایش شکر می‌گزارم. و نقل کرده‌اند که در این هنگام آیه وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى «۳» بر پیامبر نازل گردید.

[متن عربی] ۲۳۲/ ...- ابْنُ شَاهِينٍ فِي مَنَاقِبِ فَاطِمَةَ وَ أَحْمَدُ فِي مُسْنَدِ الْأَنْصَارِ بِإِسْنَادِهِمَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ ثَوْبَانَ أَنَّهُمَا قَالَا كَانَ النَّبِيُّ ص يَبْدَأُ فِي سَفَرِهِ بِفَاطِمَةَ وَ يَخْتِمُ بِهَا فَجَعَلَتْ وَقْتاً سِتْراً مِنْ كِسَاءِ خَيْبَرِيَّةٍ لِقُدُومِ أَبِيهَا وَ زَوْجِهَا فَلَمَّا رَآهُ النَّبِيُّ ص تَجَاوَزَ عَنْهَا وَ قَدْ عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ الْمِنْبَرِ فَنَزَعَتْ قِلَادَتَهَا وَ قُرْطَيْهَا وَ مَسَكَتَيْهَا وَ نَزَعَتِ السِّتْرَ فَبَعَثَتْ بِهِ إِلَى أَبِيهَا وَ قَالَتْ اجْعَلْ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ ع قَدْ فَعَلَتْ فِدَاهَا أَبُوهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مَا لِآلِ مُحَمَّدٍ وَ لِلدُّنْيَا فَإِنَّهُمْ خُلِقُوا لِلْآخِرَةِ وَ خُلِقَتِ الدُّنْيَا لَهُمْ وَ فِي رِوَايَةِ أَحْمَدَ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ لَا أُحِبُّ أَنْ يَأْكُلُوا طَيِّبَاتِهِمْ فِي حَيَاتِهِمُ الدُّنْيَا «۴»

ترجمه: (۲) ابن شاهین در کتاب فضائل فاطمه و احمد بن حنبل در کتاب مسند، به سندشان از ابو هریره و ثوبان روایت کرده‌اند: هر گاه پیامبر از مسافرت بازمی‌گشت اوّلین کسی که به دیدن او می‌رفت دخترش فاطمه بود و نیز هر گاه قصد سفر می‌نمود آخرین کسی که از او وداع می‌کرد فاطمه بود.

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حضرت فاطمه علیها السّلام در یکی از مسافرتهای پیامبر، به هنگام بازگشت آنها، برای استقبال از پدر و شوهرش عبایی خیبری بر تن پوشید، هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از مسافرت بازگشت و طبق عادت به خانه دخترش وارد شد از دیدن آن عبا آثار غضب در چهره‌اش مشاهده شد، پس از خانه وی خارج شده به مسجد رفته و در کنار منبر بر زمین نشست.

حضرت فاطمه گردنبند و دو گوشواره و النگو و پرده را به حضور پدرش فرستاد و پیغام داد که آنها را در راه خدا مصرف نماید. هنگامی که آن اشیاء را به حضور پیامبر آوردند سه مرتبه فرمود: پدرش به فدای او باد، خاندان محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را با دنیا چه کار؟ به درستی که آنها برای آخرت آفریده شده‌اند و دنیا را برای ایشان خلق کرده‌اند.

و در روایت احمد بن حنبل آمده است:

اینان اهل بیت من هستند، و من دوست ندارم نعمتهای پاکیزه‌ای را که خدا برای آنها در نظر گرفته در زندگی دنیوی به مصرف برسانند.

[متن عربی] ۲۳۳/ ...- أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِی کِتَابِهِ بِالْإِسْنَادِ عَنْ عَلِیٍّ ع أَنَّ النَّبِیَّ ص دَخَلَ عَلَی ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ فَإِذَا فِی عُنُقِهَا قِلَادَةٌ فَأَعْرَضَ عَنْهَا فَقَطَعَهَا [فَقَطَعَتْهَا فَرَمَتْ بِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَنْتِ مِنِّی یَا فَاطِمَةُ ثُمَّ جَاءَهَا سَائِلٌ فَنَاوَلَتْهُ الْقِلَادَةَ

ترجمه: (۱) ابو صالح مؤذّن در کتاب اربعین خود، به سندش از علی علیه السّلام روایت کرده: روزی پیامبر وارد منزل دخترش فاطمه گردید و چون گردنبندی را برگردن او مشاهده نمود از او دوری کرد. فاطمه علیها السّلام گردنبند را از گردن خود باز کرده به کناری انداخت، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به او فرمود: ای فاطمه! تو پاره‌ای از وجود من هستی.

در این حال فقیری به در خانه فاطمه آمد و آن حضرت گردنبندش را به وی صدقه داد.

[متن عربی] ۲۳۴/ ...- أَبُو الْقَاسِمِ الْقُشَیْرِیُّ فِی کِتَابِهِ قَالَ بَعْضُهُمُ انْقَطَعْتُ فِی الْبَادِیَةِ عَنِ الْقَافِلَةِ فَوَجَدْتُ امْرَأَةً فَقُلْتُ لَهَا مَنْ أَنْتِ فَقَالَتْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ «۱» فَسَلَّمْتُ عَلَیْهَا فَقُلْتُ مَا تَصْنَعِینَ هَاهُنَا قَالَتْ مَنْ یَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ «۲» فَقُلْتُ أَ مِنَ الْجِنِّ أَنْتِ أَمْ مِنَ الْإِنْسِ قَالَتْ یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ «۳» فَقُلْتُ مِنْ أَیْنَ أَقْبَلْتِ قَالَتْ یُنادَوْنَ مِنْ مَکانٍ بَعِیدٍ «۴» فَقُلْتُ أَیْنَ تَقْصِدِینَ قَالَتْ وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ «۵» فَقُلْتُ مَتَی انْقَطَعْتِ قَالَتْ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ ... فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ «۶» فَقُلْتُ أَ تَشْتَهِینَ طَعَاماً فَقَالَتْ وَ ما جَعَلْناهُمْ جَسَداً لا یَأْکُلُونَ الطَّعامَ «۷» فَأَطْعَمْتُهَا ثُمَّ قُلْتُ هَرْوِلِی وَ لَا تَعَجَّلِی قَالَتْ لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها «۸» فَقُلْتُ أُرْدِفُکِ فَقَالَتْ لَوْ کانَ فِیهِما آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا «۹» فَنَزَلْتُ فَأَرْکَبْتُهَا فَقَالَتْ سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا «۱۰» فَلَمَّا أَدْرَکْنَا الْقَافِلَةَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

قُلْتُ أَ لَکَ أَحَدٌ فِیهَا قَالَتْ یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناکَ خَلِیفَةً فِی الْأَرْضِ «۱۱» وَ ما مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ «۱۲» یا یَحْیی خُذِ الْکِتابَ «۱۳» یا مُوسی إِنِّی أَنَا «۱۴» اللَّهُ فَصِحْتُ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ فَإِذَا أَنَا بِأَرْبَعَةِ شَبَابٍ مُتَوَجِّهَیْنِ نَحْوَهَا فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ مِنْکِ قَالَتْ الْمالُ وَ الْبَنُونَ زِینَةُ الْحَیاةِ الدُّنْیا «۱۵» فَلَمَّا أَتَوْهَا قَالَتْ یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمِینُ «۱» فَکَافَوْنِی بِأَشْیَاءَ فَقَالَتْ وَ اللَّهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ «۲» فَزَادُوا عَلَیَّ فَسَأَلْتُهُمْ عَنْهَا فَقَالُوا هَذِهِ أُمُّنَا فِضَّةُ جَارِیَةُ الزَّهْرَاءِ ع مَا تَکَلَّمَتْ مُنْذُ عِشْرِینَ سَنَةً إِلَّا بِالْقُرْآنِ «۳»

ترجمه: (۱) ابو القاسم قشیری در تفسیر خود از شخصی روایت کرده: در بیابان از قافله‌ای که با آن همراه بودم دور افتادم و در این حال با زنی همراه شدم و به او گفتم: کیستی؟ گفت: وَ قُلْ سَلامٌ فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ «۴».

پس به او سلام کردم و گفتم: اینجا چه کار می‌کنی؟ گفت: مَنْ یَهْدِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ مُضِلٍّ «۵». گفتم: جنّ هستی یا انسان؟ گفت: یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ «۶». گفتم: از کجا می‌آیی؟ گفت: یُنادَوْنَ مِنْ مَکانٍ بَعِیدٍ «۷». گفتم: به کجا می‌روی؟ گفت: وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ «۸». گفتم: چند روز است که از قافله دور افتاده‌ای؟ گفت: وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ «۹». گفتم: آیا گرسنه نشده‌ای؟ گفت: وَ ما جَعَلْناهُمْ جَسَداً لا یَأْکُلُونَ الطَّعامَ «۱». پس به وی مقداری غذا داده و گفتم: آهسته‌تر برو و شتاب مکن. گفت: لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها «۲». گفتم: آیا می‌خواهی بر پشت حیوان من سوار شوی؟ گفت: لَوْ کانَ فِیهِما آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا «۳».

پس من پیاده شدم و او را به جای خود سوار کردم، وی در مقام تشکّر گفت: سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا «۴».

هنگامی که به قافله رسیدیم، به او گفتم: آیا کسی را در این قافله داری؟

گفت: یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناکَ خَلِیفَةً فِی الْأَرْضِ «۵»، وَ ما مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ «۶»، یا یَحْیی خُذِ الْکِتابَ «۷»، مُوسی إِنِّی أَنَا «۸» و بدین وسیله صاحبان این نامها را صدا زد و بلافاصله چهار جوان خود را به او رسانیدند.

گفتم: اینها چه نسبتی با تو دارند؟ گفت: الْمالُ وَ الْبَنُونَ زِینَةُ الْحَیاةِ الدُّنْیا «۹»، هنگامی که آن جوانان به نزد او رسیدند گفت: یا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمِینُ «۱۰»، پس آنان هدایایی را به من عطا کردند و او گفت: وَ اللَّهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ «۱۱» و لذا فرزندانش چیزهایی دیگری نیز بر آنچه داده بودند افزودند، و من از آنان پرسیدم: این زن کیست؟ گفتند: او مادر ما و نامش فضّه و خادم حضرت فاطمه بوده، و مدّت بیست سال است که جز به کمک آیات قرآن سخن نمی‌گوید.

[متن عربی] ۶، ۱۵ ۲۳۷/ الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ «۲» قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع یَقُولُ لَیْسَ عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ بَقْلَةٌ أَشْرَفَ وَ لَا أَنْفَعَ مِنَ الْفَرْفَخِ وَ هُوَ بَقْلَةُ فَاطِمَةَ ع ثُمَّ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِی أُمَیَّةَ هُمْ سَمَّوْهَا بَقْلَةَ الْحَمْقَاءِ بُغْضاً لَنَا وَ عَدَاوَةً لِفَاطِمَةَ ع

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) کلینی (۳۲۸ ه) در کتاب کافی از امام صادق روایت می‌کند: در روی زمین هیچ گیاهی بهتر و مفیدتر از خرفه وجود ندارد، و این سبزی مورد علاقه حضرت فاطمه علیها السّلام بوده است. خداوند بنی امیّه را لعنت کند که به دلیل بغض و عداوتی که نسبت به فاطمه و فرزندان او داشتند آن را «بقلة الحمقاء» می‌نامیدند.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۳۸/ الکافی «۳» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ بَقْلَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص الْهِنْدَبَاءُ وَ بَقْلَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع الْبَاذَرُوجُ وَ بَقْلَةُ فَاطِمَةَ ع الْفَرْفَخُ

ترجمه: (۲) و نیز کلینی در همین کتاب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از میان سبزیها به کاسنی علاقمند بود و علی علیه السّلام به ریحان و فاطمه علیها السّلام به خرفه.

[متن عربی] ۱۵ ۲۳۹/ ۱۳- التهذیب «۴» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَنَابٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ غَدَاةِ سَبْتٍ فَتَأْتِي قَبْرَ حَمْزَةَ وَ تَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ «۱»

ترجمه: (۱) شیخ طوسی (۴۶۰ ه) در کتاب تهذیب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:

در صبح هر روز شنبه، حضرت فاطمه علیها السّلام به زیارت قبور شهدای احد می‌رفت و در میان آنها در کنار قبر حضرت حمزه توقف بیشتر می‌نمود و برای او طلب رحمت و مغفرت می‌کرد.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۲، ۳ ۲۴۱/ ۱۵- تفسیر العیاشی عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَأَتْ فَاطِمَةُ ع فِي النَّوْمِ كَأَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ذُبِحَا أَوْ قُتِلَا فَأَحْزَنَهَا ذَلِكَ فَأَخْبَرَتْ بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رُؤَيَّا فَتَمَثَّلَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ أَنْتِ أَرَيْتِ فَاطِمَةَ هَذَا الْبَلَاءَ قَالَتْ لَا فَقَالَ يَا أَضْغَاثُ أَنْتِ أَرَيْتِ فَاطِمَةَ هَذَا الْبَلَاءَ قَالَتْ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَمَا أَرَدْتِ بِذَلِكِ قَالَتْ أَرَدْتُ أَنْ أُحْزِنَهَا فَقَالَ لِفَاطِمَةَ اسْمَعِي لَيْسَ هَذَا بِشَيْءٍ «۲»

ترجمه: (۲) عیاشی در تفسیر خود از امام صادق علیه السّلام نقل نموده: حضرت فاطمه علیها السّلام به خواب دید که گویا سر حسن و حسین را بریده‌اند و یا آنها را کشته‌اند، بنا بر این هنگامی که از خواب بیدار شد اندوهگین به نظر می‌رسید لذا آنچه را دیده بود برای پیامبر نقل کرد. پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از رؤیا «۳» خواست تا مجسّم شود سپس به او گفت: آیا تو چنین خواب خوفناکی را به فاطمه القا نموده‌ای؟

گفت: هرگز. پس پیامبر اضغاث «۴» را احضار نمود و به او گفت: آیا تو فاطمه علیها السّلام را به این خواب مبتلا

کرده‌ای؟ گفت: آری. پیامبر فرمود: مقصود تو از این کردار چه بود؟ گفت: قصد آزار و اندوه او را داشتم.

پس از آن پیامبر به فاطمه فرمود: کلام او را بشنو و بدان که آنچه از نظر تو گذشته چیزی نیست.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۵، ۱۴ ۲۴۲/ ۱۶- نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، «۱» بِإِسْنَادِه عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِه ع قَالَ قَالَ عَلِيٌّ ع اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ ع فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّه ص لَهَا لِمَ حَجَبْتِيه وَ هُوَ لَا يَرَاكِ فَقَالَتْ ع إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَ هُوَ يَشَمُّ الرِّيحَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّه ص أَشْهَدُ أَنَّكِ بَضْعَةٌ مِنِّي «۲»

ترجمه: (۱) قطب الدین راوندی (۵۷۳ ه) در کتاب نوادر از علی علیه السّلام نقل کرده: شخصی که نابینا بود از حضرت فاطمه اجازه خواست تا به حضور او برود، حضرت فاطمه اجازه داد ولی در طول ملاقات حجاب بر سر داشت. پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به او فرمود: چرا حجاب در بر نمودی در حالی که او تو را نمی‌دید؟

حضرت فاطمه گفت: اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم، و او بوی تن مرا نیز حسّ می‌کند.

پیامبر فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره‌ای از وجود من هستی.

[متن عربی] ۲۴۳/ ...- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ سَأَلَ رَسُولُ اللَّه ص أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ قَالُوا عَوْرَةٌ قَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا فَلَمْ يَدْرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ ع ذَلِكَ قَالَتْ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّه ص إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي

ترجمه: (۲) و باز در همین کتاب از علی علیه السّلام روایت شده: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از اصحابش پرسید: زن چیست؟ گفتند: زن «عورت» «۱» است. پیامبر سؤال فرمود: در چه هنگامی زن به خداوند نزدیکتر است؟ ولی اصحاب پیامبر نتوانستند به این سؤال وی پاسخ بگویند؛ هنگامی که این سؤال به فاطمه عرضه شد، گفت: هنگامی زن به خداوند نزدیکتر است که در کنج خانه‌اش قرار داشته و از اختلاط با نامحرمان به دور باشد.

چون این پاسخ به گوش رسول خدا رسید فرمود: همانا فاطمه پاره‌ای از وجود من است.

[متن عربی]

۲۳۵/ ۹- الدروع الواقية «۲» مِنْ كِتَابِ زُهْدِ النَّبِيِّ ص لِأَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ الْقُمِّيِّ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ «۳» بَكَى النَّبِيُّ ص بُكَاءً شَدِيداً وَ بَكَتْ صَحَابَتُهُ لِبُكَائِه- وَ لَمْ يَدْرُوا مَا نَزَلَ بِه جَبْرَئِيلُ ع وَ لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ مِنْ صَحَابَتِه أَنْ يُكَلِّمَهُ وَ كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا رَأَى فَاطِمَةَ ع فَرِحَ بِهَا فَانْطَلَقَ بَعْضُ أَصْحَابِه إِلَى بَابِ بَيْتِهَا فَوَجَدَ بَيْنَ يَدَيْهَا شَعِيراً وَ هِيَ تَطْحَنُ فِيه وَ تَقُولُ وَ مَا عِنْدَ اللَّه خَيْرٌ وَ أَبْقَى «۴» فَسَلَّمَ عَلَيْهَا وَ أَخْبَرَهَا بِخَبَرِ النَّبِيِّ ص وَ بُكَائِه فَنَهَضَتْ وَ الْتَفَّتْ بِشَمْلَةٍ لَهَا خَلَقَةٍ قَدْ خِيطَتْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ مَكَاناً بِسَعَفِ النَّخْلِ فَلَمَّا خَرَجَتْ نَظَرَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ إِلَى الشَّمْلَةِ وَ بَكَى وَ قَالَ وَا حُزْنَاهُ إِنَّ بَنَاتِ قَيْصَرَ وَ كِسْرَى لَفِي السُّنْدُسِ وَ الْحَرِيرِ وَ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ ص عَلَيْهَا شَمْلَةُ صُوفٍ خَلَقَةٌ قَدْ خِيطَتْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ مَكَاناً

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فَلَمَّا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَى النَّبِيِّ ص قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ لِبَاسِي فَوَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا لِي وَ لِعَلِيٍّ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ إِلَّا مَسَكُ كَبْشٍ نَعْلَفُ عَلَيْهَا بِالنَّهَارِ بَعِيرَنَا فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ افْتَرَشْنَاهُ وَ إِنَّ مِرْفَقَتَنَا لَمِنْ أَدَمٍ حَشْوُهَا لِيفٌ فَقَالَ النَّبِيُّ ص يَا سَلْمَانُ إِنَّ ابْنَتِي

لَفِي الْخَيْلِ السَّوَابِقِ ثُمَّ قَالَتْ يَا أَبَتِ فَدَيْتُكَ مَا الَّذِي أَبْكَاكَ فَذَكَرَ لَهَا مَا نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِيلُ مِنَ الْآيَتَيْنِ الْمُتَقَدِّمَتَيْنِ قَالَ فَسَقَطَتْ فَاطِمَةُ ع عَلَى وَجْهِهَا وَ هِيَ تَقُولُ الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ فَسَمِعَ سَلْمَانُ فَقَالَ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ كَبْشاً لِأَهْلِي فَأَكَلُوا لَحْمِي وَ مَزَّقُوا جِلْدِي وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ وَ قَالَ أَبُو ذَرٍّ يَا لَيْتَ أُمِّي كَانَتْ عَاقِراً وَ لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ وَ قَالَ مِقْدَادُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ طَائِراً فِي الْقِفَارِ وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيَّ حِسَابٌ وَ لَا عِقَابٌ وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ وَ قَالَ عَلِيٌّ ع يَا لَيْتَ السِّبَاعَ مَزَّقَتْ لَحْمِي وَ لَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ ثُمَّ وَضَعَ عَلِيٌّ ع يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَ جَعَلَ يَبْكِي وَ يَقُولُ وَا بُعْدَ سَفَرَاهْ وَا قِلَّةَ زَادَاهْ فِي سَفَرِ الْقِيَامَةِ يَذْهَبُونَ فِي النَّارِ وَ يُتَخَطَّفُونَ مَرْضَى لَا يُعَادُ سَقِيمُهُمْ وَ جَرْحَى لَا يُدَاوَى جَرِيحُهُمْ وَ أَسْرَى لَا يُفَكُّ أَسْرُهُمْ مِنَ النَّارِ يَأْكُلُونَ وَ مِنْهَا يَشْرَبُونَ وَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا يَتَقَلَّبُونَ وَ بَعْدَ لُبْسِ الْقُطْنِ مُقَطَّعَاتِ النَّارِ يَلْبَسُونَ وَ بَعْدَ مُعَانَقَةِ الْأَزْوَاجِ مَعَ الشَّيَاطِينِ مُقَرَّنُونَ «۱»

ترجمه: (۱) سیّد بن طاوس (۶۴۴ ه) در کتاب الدروع الواقیة، به نقل از کتاب زهد النبی نوشته ابو جعفر احمد قمی (ق ۴ ه) روایت نموده: هنگامی که آیات وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَها سَبْعَةُ أَبْوابٍ لِكُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ «۲» نازل گردید پیامبر اسلام به شدّت گریان شد و اصحاب آن حضرت نیز گریستند در حالی که نمی‌دانستند چه آیه‌ای بر پیامبر نازل شده و کسی نیز قدرت نداشت با آن حضرت سخن بگوید و علّت گریه شدید او را جویا شود.

چون پیامبر خدا هر گاه فاطمه را می‌دید خوشحال می‌شد لذا یکی از اصحاب پیامبر به سوی خانه فاطمه علیها السّلام روان گردید، چون بر در خانه آن حضرت رسید مشاهده نمود که وی مشغول آسیا کردن جو می‌باشد و در آن حال این آیه را می‌خواند: وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقى «۱»، آن شخص به فاطمه علیها السّلام سلام کرد و آنچه را که برای رسول خدا رخ داده بود شرح داد، حضرت فاطمه دست از کار کشید و لباسی را که دوازده جای آن با برگ نخل وصله شده بود پوشید و از اطاق خارج شد تا به نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برود، سلمان فارسی هنگامی که نظرش به لباس فاطمه علیها السّلام افتاد منقلب شده به شدّت گریان گردید و گفت:

دختران قیصر و کسری غرق در ابریشم هستند در حالی که لباس دختر پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پشمینه‌ای مندرس و پر از وصله است.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

هنگامی که حضرت فاطمه علیها السّلام نزد پیامبر رسید در باره تعجّب سلمان فارسی از لباسش سخن گفت و فرمود: سوگند به خداوندی که تو را مبعوث فرموده مدت پنج سال است که من و علی غیر از یک پوست گوسفند که روزها شترمان روی آن علف می‌خورد و شبها آن را به جای تشک مورد استفاده قرار می‌دهیم چیز دیگری نداریم و متّکای ما از جنس پوست است که درون آن را با لیف خرما پر کرده‌ایم.

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم با شنیدن این سخنان به سوی سلمان بازگشته فرمود: دخترم فاطمه از گروه «سابقین» است «۲».

بعد از این سخنان فاطمه علیها السّلام خطاب به رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: جانم به فدای شما، چه چیزی باعث شده بود که شما آنقدر گریان شوید؟

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آن دو آیه‌ای را که بر وی نازل شده بود برای فاطمه تلاوت نمود، پس از شنیدن آن آیات، فاطمه سر خود را به زیر افکند و فرمود: وای بر آن کسی که داخل دوزخ شود.

هنگامی که سلمان آن دو آیه را شنیده و سخنان فاطمه را در مورد آنها استماع نمود، گفت: کاش که من نسبت به خانواده‌ام گوسفندی می‌بودم و آنان گوشت مرا می‌خوردند و پوستم را پاره پاره می‌کردند ولی قصّه جهنّم را نمی‌شنیدم. و ابو ذر غفاری گفت: ای کاش از مادر متولّد نشده بودم و چنین سخنانی را نمی‌شنیدم.

و مقداد گفت: ای کاش پرنده‌ای بودم و در بیابانها می‌زیستم و از حساب و عقاب آزاد بودم و در باره جهنّم و عذاب آن چیزی به گوشم نمی‌خورد. و علی علیه السّلام فرمود: ای کاش درندگان مرا پاره پاره می‌کردند و مادرم مرا به دنیا نمی‌آورد، و چنین سخنانی به گوشم نمی‌رسید، سپس علی علیه السّلام به شدّت گریست و دست خود را بر سر نهاده و گفت:

آه از دوری سفر آخرت، آه از کم بودن توشه راه! آنان که در این سفر وارد آتش می‌شوند چون بیمارانی هستند که از آنها عیادتی به عمل نمی‌آید، و مجروحینی هستند که زخمهای آنها مداوا نمی‌شود، و اسیرانی هستند که دوران اسارتشان پایان نمی‌پذیرد، از آتش می‌خورند، از آن می‌نوشند، و در میان طبقات جهنّم رفت و آمد می‌کنند، در حالی که پیش از آن لباسهای نرم بر تن می‌پوشیدند، اکنون لباسهای آتشین بر تن می‌کنند و در حالی که قبل از آن همنشین زنان خود بودند، در آتش، همنشین شیاطین خواهند بود.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۲، ۳ ۲۳۶/ ۱۰- کشف الغمة «۱» مِنْ مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ «۲» عَنْ ثَوْبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا سَافَرَ آخِرُ عَهْدِهِ بِإِنْسَانٍ مِنْ أَهْلِهِ فَاطِمَةُ وَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهِ إِذَا قَدِمَ فَاطِمَةُ ع قَالَ فَقَدِمَ مِنْ غَزَاةٍ فَأَتَاهَا فَإِذَا هُوَ بِمِسْحٍ عَلَى بَابِهَا وَ رَأَى عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع قُلْبَيْنِ مِنْ فِضَّةٍ فَرَجَعَ وَ لَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهَا فَلَمَّا رَأَتْ ذَلِكَ فَاطِمَةُ ظَنَّتْ أَنَّهُ لَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهَا مِنْ أَجْلِ مَا رَأَى فَهَتَكَتِ السِّتْرَ وَ نَزَعَتِ الْقُلْبَيْنِ مِنَ الصَّبِيَّيْنِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فَقَطَعَتْهُمَا فَبَكَى الصِّبْيَانُ فَقَسَمَتْهُ بَيْنَهُمَا فَانْطَلَقَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُمَا يَبْكِيَانِ فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْهُمَا وَ قَالَ يَا ثَوْبَانُ اذْهَبْ بِهَذَا إِلَى بَنِي فُلَانٍ أَهْلِ بَيْتٍ بِالْمَدِينَةِ وَ اشْتَرِ لِفَاطِمَةَ قِلَادَةً مِنْ عَصَبٍ وَ سِوَارَيْنِ مِنْ عَاجٍ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ لَا أُحِبُّ أَنْ يَأْكُلُوا طَيِّبَاتِهِمْ فِي حَيَاتِهِمُ الدُّنْيَا

بيان القلب بالضم السوار . قال الجزري في حديث ثوبان أن فاطمة حلت الحسن و الحسين بقلبين من فضة القلب السوار. و قال و فيه. أنه قال لثوبان اشتر لفاطمة قلادة من عصب و سوارين من عاج . قال الخطابي في المعالم إن لم تكن الثياب اليمانية فلا أدري ما هو و ما أرى أن القلادة تكون منها و قال: أبو موسى يحتمل عندي أن الرواية إنما هي العصب بفتح الصاد و هو أطناب مفاصل الحيوان و هو شيء مدور فيحتمل أنهم كانوا يأخذون عصب بعض الحيوانات الطاهرة فيقطعونه و يجعلونه شبه الخرز فإذا يبس يتخذون منه القلائد و إذا جاز و أمكن أن يتخذ من عظام السلحفاة و غيرها الأسورة جاز و أمكن أن يتخذ من عصب أشباهها خرز ينظم القلائد.

قال ثم ذكر لي بعض أهل اليمن أن العصب سن دابة بحرية تسمى فرس فرعون يتخذ منها الخرز و غير الخرز من نصاب سكين و غيره و يكون أبيض «۱»

ترجمه: (۱) محقق اربلی (۶۹۴ ه) از مسند احمد بن حنبل، به سندش از ثوبان نقل کرده است: هر گاه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به مسافرت می‌رفت آخرین کسی را که از او وداع می‌کرد دخترش فاطمه علیها السّلام بود و هر گاه بازمی‌گشت اوّلین کسی را که دیدار می‌کرد حضرت فاطمه بود.

یک بار که رسول خدا از یکی از جنگها بازمی‌گشت، هنگامی که بر در خانه دخترش آمد حسن و حسین را دید که دستبندهای نقره به دست دارند و لذا نزد فاطمه نرفته از همان جا مراجعت نمود. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السّلام با این صحنه روبرو شد و علّت آن را دریافت، پرده‌ای را که تازه خریداری کرده بود، و دستبندهایی را که بر دستهای حسن و حسین بود درآورده به فرزندانش داد و آنها را به حضور رسول خدا فرستاد تا آن اشیاء را به پیامبر تحویل دهند که در باره آنها هر طور که صلاح می‌داند عمل کند، حسن و حسین در حالی که گریان بودند نزد رسول خدا آمدند. رسول خدا آنها را از آنان گرفت و به ثوبان داد و به او فرمود: اینها را نزد فلان قبیله ببر و در مقابل یک جامه یمانی و دو دستبند از جنس عاج خریداری کن. آنها اهل بیت من هستند و من دوست ندارم که در این دنیا از اشیاء نفیس و گرانقیمت استفاده نمایند.

این روایت در مسند احمد به طریق دیگری از ثوبان روایت شده که در آن آمده: پیامبر به ثوبان فرمود: در مقابل اینها گردنبندی از جنس درختچه یمنی و دو دستبند از جنس عاج خریداری نما.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱، ۲، ۳ ۲۴۰/ ۱۴- تفسیر القمی إِنَّمَا النَّجْوى مِنَ الشَّيْطانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ بِضارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ «۱» قَالَ فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ سَبَبُ نُزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ أَنَّ فَاطِمَةَ ع رَأَتْ فِي مَنَامِهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص هَمَّ أَنْ يَخْرُجَ هُوَ وَ فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع مِنَ الْمَدِينَةِ فَخَرَجُوا حَتَّى جَاوَزُوا مِنْ حِيطَانِ الْمَدِينَةِ فَتَعَرَّضَ لَهُمْ طَرِيقَانِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ الْيَمِينِ حَتَّى انْتَهَى بِهِمْ إِلَى مَوْضِعٍ فِيهِ نَخْلٌ وَ مَاءٌ فَاشْتَرَى رَسُولُ اللَّهِ ص شَاةً كَبْرَاءَ وَ هِيَ الَّتِي فِي إِحْدَى أُذُنَيْهَا نُقَطٌ بِيضٌ فَأَمَرَ بِذَبْحِهَا فَلَمَّا أَكَلُوا مَاتُوا فِي مَكَانِهِمْ فَانْتَبَهَتْ فَاطِمَةُ بَاكِيَةً ذَعِرَةً فَلَمْ تُخْبِرْ رَسُولَ اللَّهِ ص بِذَلِكَ فَلَمَّا أَصْبَحَتْ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِحِمَارٍ فَأَرْكَبَ عَلَيْهِ فَاطِمَةَ ع وَ أَمَرَ أَنْ يَخْرُجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع مِنَ الْمَدِينَةِ كَمَا رَأَتْ فَاطِمَةُ فِي نَوْمِهَا فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ حِيطَانِ الْمَدِينَةِ عَرَضَ لَهُ طَرِيقَانِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ الْيَمِينِ كَمَا رَأَتْ فَاطِمَةُ حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى مَوْضِعٍ فِيهِ نَخْلٌ وَ مَاءٌ فَاشْتَرَى رَسُولُ اللَّهِ ص شَاةً كَمَا رَأَتْ فَاطِمَةُ ع فَأَمَرَ بِذَبْحِهَا فَذُبِحَتْ وَ شُوِيَتْ فَلَمَّا أَرَادُوا أَكْلَهَا قَامَتْ فَاطِمَةُ وَ تَنَحَّتْ نَاحِيَةً مِنْهُمْ تَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ يَمُوتُوا فَطَلَبَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى وَقَعَ عَلَيْهَا وَ هِيَ تَبْكِي فَقَالَ مَا شَأْنُكِ يَا بُنَيَّةُ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَ كَذَا فِي نَوْمِي وَ قَدْ فَعَلْتَ أَنْتَ كَمَا رَأَيْتُهُ فَتَنَحَّيْتُ عَنْكُمْ فَلَا أَرَاكُمْ تَمُوتُونَ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ نَاجَى رَبَّهُ فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ- الدِّهَارُ وَ هُوَ الَّذِي أَرَى فَاطِمَةَ هَذِهِ الرُّؤْيَا وَ يُؤْذِي الْمُؤْمِنِينَ فِي نَوْمِهِمْ مَا يَغْتَمُّونَ بِهِ فَأَمَرَ جَبْرَئِيلَ فَجَاءَ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ أَنْتَ أَرَيْتَ فَاطِمَةَ هَذِهِ الرُّؤْيَا فَقَالَ نَعَمْ يَا مُحَمَّدُ فَبَزَقَ عَلَيْهِ ثَلَاثَ بَزَقَاتٍ فَشَجَّهُ فِي ثَلَاثِ مَوَاضِعَ ثُمَّ قَالَ جَبْرَئِيلُ لِمُحَمَّدٍ قُلْ يَا مُحَمَّدُ إِذَا رَأَيْتَ فِي مَنَامِكَ شَيْئاً تَكْرَهُهُ أَوْ رَأَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَ مِنْ رُؤْيَايَ وَ يَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ وَ يَتْفُلُ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ تَفَلَاتٍ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ مَا رَأَى وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ إِنَّمَا النَّجْوى مِنَ الشَّيْطانِ «۱» الْآيَةَ

بيان ما رأيت كبراء و أشكالها فيما عندنا من كتب اللغة بهذا المعنى

ترجمه: (۱) على بن ابراهيم قمى در تفسيرش گويد: امام صادق عليه السّلام در تفسير آيه: إِنَّمَا النَّجْوى مِنَ الشَّيْطانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ بِضارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ «۲» فرمود: سبب نزول اين آيه آن است كه در شبى، حضرت فاطمة عليها السّلام در خواب ديد كه پيامبر، فاطمه، على، حسن و حسين تصميم به خروج از مدينه گرفته و پس از آنكه از ديوارهاى مدينه عبور كردند، بر سر دو راهى رسيدند، رسول خدا راهى را كه در سمت راست قرار داشت انتخاب كرد، سپس همگى ايشان رفتند تا به محلّى كه در آن نخلهاى زيادى بود و آب فراوانى وجود داشت رسيدند، آنگاه پيامبر گوسفندى خريدارى نمودند كه در يكى از گوشهايش خال و نقطه‌هاى سفيدى وجود داشت، و فرمان داد تا آن را ذبح كنند و بين مردم پخش كنند، و چون

مردمان از آن قربانی خوردند همگی مسموم شده مردند. حضرت فاطمه از جای برخاست در حالی که ترسان و گریان بود، ولی در باره آنچه در خواب دیده بود چیزی به پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نگفت.

هنگام صبح رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در حالی که الاغی به همراه داشت نزد فاطمه آمد و دخترش را بر آن سوار نمود و فرمود که با علی، حسن و حسین و خود پیامبر، از مدینه خارج شوند و آنان نیز همان طور که فاطمه علیها السّلام در خواب دیده بودند از شهر خارج شدند، از دیوارهای مدینه که عبور کردند به یک دو راهی رسیدند، پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم همان طور که فاطمه علیها السّلام در خواب دیده بود راه دست راست را برگزیدند و پس از طیّ آن راه به نخلستان و آب رسیدند؛ در آنجا پیامبر گوسفندی خرید و دستور داد آن را ذبح و کباب کنند. کباب که آماده شد حضرت فاطمه برخاست و از سایرین فاصله گرفت و از ترس اینکه مبادا در اثر خوردن آن کباب کسی از آنها بمیرد شروع به گریه کرد: در این حال پیامبر نیز برخاسته و به دنبال فاطمه رفت و چون او را گریان دید پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ فاطمه علیها السّلام جریان خواب خود را در شب گذشته بیان نمود و گفت: می‌ترسم آن خواب تعبیر شود و جامه واقعیت بر تن کند و در اثر خوردن این کباب مرگ شما را دریابد.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از جای برخاست، دو رکعت نماز به جای آورد و با خداوند راز و نیاز کرد، و در این حال جبرئیل بر وی نازل شد و گفت: ای رسول خدا! آنچه باعث خواب شب گذشته فاطمه شده، شیطانی به نام «دهار» است، و اوست که مؤمنان را به سبب چنین خوابهایی آزار و اذیت می‌کند. و آن شیطان را به نزد پیامبر آورد. پیامبر از او پرسید: آیا تو بودی که فاطمه را به چنین خوابی مبتلا کردی؟ دهار گفت: آری. پیامبر سه مرتبه آب دهانش را به سوی او پرتاب کرد به طوری که سه قسمت از بدن او را خیس کرد.

پس از آن جبرئیل به پیامبر گفت: هر گاه تو یا یکی از مؤمنین خوابی آشفته و ترسناک دیدید بگویید:

اعوذ بما عاذت به ملائکة اللّه المقرّبون و أنبیاؤه المرسلون و عباده الصّالحون من شرّ ما رأیت و من رؤیای.

و سپس سوره حمد و معوّذتین- یعنی سوره فلق و ناس- و سوره قل هو اللّه احد را بخواند و سه مرتبه آب دهان خود را به طرف چپ بیندازد. پس اگر این اعمال را انجام دهد آسیبی به او نمی‌رسد.

و امام صادق در پایان این سخن فرماید: و در این باره آیه إِنَّمَا النَّجْوی ... «۱» نازل گردید «۲».

باب پنجم ازدواج حضرت فاطمه علیها السّلام

[متن عربی] ۱۵، ۱ ۲۴۱/ ۱- إقبال الأعمال «۱» بِإِسْنَادِه إِلَی شَیْخِنَا الْمُفِید فِی کِتَابِ حَدَائِقِ الرِّیَاضِ قَالَ لَیْلَةَ إِحْدَی وَ عِشْرِینَ مِنَ الْمُحَرَّمِ وَ کَانَتْ لَیْلَةَ خَمِیسٍ سَنَةَ ثَلَاثٍ مِنَ الْهِجْرَةِ کَانَ زِفَافُ فَاطِمَةَ ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَی مَنْزِلِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ع یُسْتَحَبُّ صَوْمُهُ شُکْراً لِلَّهِ تَعَالَی لِمَا وُفِّقَ مِنْ جَمْعِ حُجَّتِهِ وَ صَفْوَتِهِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) شیخ مفید در کتاب حدائق الریاض گوید: شب پنج شنبه ۲۱ محرّم شب ازدواج علی و فاطمه علیهما السّلام بوده است و لذا مستحبّ است که روز بیست و یکم محرّم را به شکرانه ازدواج آن دو روزه بگیریم.

[متن عربی] ۲۴۲/ ...- إقبال الأعمال «۱» وَ مِنْ تَارِيخِ بَغْدَادَ «۲» بِإِسْنَادِهِ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا زُفَّتْ فَاطِمَةُ ع إِلَى عَلِيٍّ ع كَانَ النَّبِيُّ ص قُدَّامَهَا وَ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِهَا وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهَا وَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ خَلْفَهَا يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ

ترجمه: (۱) سید بن طاوس (۶۶۴ ه) در اقبال الاعمال، به نقل از تاریخ بغداد نوشته خطیب بغدادی (۴۶۳ ه)، به سندش از ابن عبّاس روایت کرده است: هنگامی که حضرت فاطمه علیها السّلام را در شب ازدواج به خانه علی علیه السّلام می‌بردند، پیامبر در مقابل او، و جبرئیل در سمت راست، و میکائیل در سمت چپ او، و هفتاد هزار فرشته در پشت سر او حرکت می‌کردند و در آن حال خدا را تسبیح می‌گفتند و تقدیس می‌کردند، و این تقدیس و تسبیح آنها تا صبح- طلوع فجر- ادامه داشته است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۴۳/ ۲- مصباح، «۱» فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ ع مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ رُوِيَ أَنَّهُ كَانَ يَوْمَ السَّادِسِ «۲»

ترجمه: (۲) شیخ طوسی (۴۶۰ ه) در مصباح المتهجّدین می‌گوید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در روز اوّل ماه ذی حجّه، حضرت فاطمه علیها السّلام را به ازدواج علی علیه السّلام درآورد و روایت شده است که در روز ششم ماه بوده است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۴۴/ ۳- عيون أخبار الرضا عليه السلام «۱» جَعْفَرُ بْنُ نُعَيْمٍ الشَّاذَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ «۲» عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ لَقَدْ عَاتَبَنِي رِجَالٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ وَ قَالُوا خَطَبْنَاهَا إِلَيْكَ فَمَنَعْتَنَا وَ زَوَّجْتَ عَلِيّاً فَقُلْتُ لَهُمْ وَ اللَّهِ مَا أَنَا مَنَعْتُكُمْ وَ زَوَّجْتُهُ بَلِ اللَّهُ مَنَعَكُمْ وَ زَوَّجَهُ فَهَبَطَ عَلَيَّ جَبْرَئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيّاً لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفْوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ

ن، عيون أخبار الرضا عليه السلام الهمدانی عن علی عن أبيه عن علی بن معبد مثله «۳»

ترجمه: (۱) شیخ ابو جعفر صدوق (۳۸۱ ه) در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السّلام از علی علیه السّلام روایت کرده است که: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خطاب به من گفت: ای علی! جمعی از مردان قبیله قریش مرا در باره فاطمه مورد عتاب قرار داده و گفتند: ما او را از تو خواستگاری کردیم ولی نپذیرفتی و او را به ازدواج علی علیه السّلام در آوردی؟

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

در جواب آنها گفتم: به خداوند سوگند من نبودم که خواستگاری شما را رد کردم بلکه خدا خواستگاری شما را نپذیرفت و او را برای علی انتخاب کرد، زیرا جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: همانا خدای جلیل می‌فرماید: اگر من علی را خلق نکرده بودم از آدم به بعد شوهری که شایسته او باشد در روی زمین یافت نمی‌شد.

[متن عربی] ۱، ۱۴، ۱۵ ۲۴۵/ ۴- الأمالی للطوسی «۱» الْمُفِيدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ هَاشِمٍ الْغَسَّانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ جُوَيْرِ بْنِ سَعْدٍ عَنِ الضَّحَّاكِ بْنِ مُزَاحِمٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع يَقُولُ أَتَانِي أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَقَالا لَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَذَكَرْتَ لَهُ فَاطِمَةَ قَالَ فَأَتَيْتُهُ فَلَمَّا رَآنِي رَسُولُ اللَّهِ ص ضَحِكَ ثُمَّ قَالَ مَا جَاءَ بِكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ حَاجَتُكَ قَالَ فَذَكَرْتُ لَهُ قَرَابَتِي وَ قِدَمِي فِي الْإِسْلَامِ وَ نُصْرَتِي لَهُ وَ جِهَادِي فَقَالَ يَا عَلِيُّ صَدَقْتَ فَأَنْتَ أَفْضَلُ مِمَّا تَذْكُرُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةُ تُزَوِّجُنِيهَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ قَدْ ذَكَرَهَا قَبْلَكَ رِجَالٌ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهَا فَرَأَيْتُ الْكَرَاهَةَ فِي وَجْهِهَا وَ لَكِنْ عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى أَخْرُجَ إِلَيْكَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَقَامَتْ فَأَخَذَتْ رِدَاءَهُ وَ نَزَعَتْ نَعْلَيْهِ وَ أَتَتْهُ بِالْوَضُوءِ فَوَضَّأَتْهُ بِيَدِهَا وَ غَسَلَتْ رِجْلَيْهِ ثُمَّ قَعَدَتْ فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ فَقَالَتْ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ حَاجَتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مَنْ قَدْ عَرَفْتِ قَرَابَتَهُ وَ فَضْلَهُ وَ إِسْلَامَهُ وَ إِنِّي قَدْ سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُزَوِّجَكِ خَيْرَ خَلْقِهِ وَ أَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ وَ قَدْ ذَكَرَ مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً فَمَا تَرَيْنَ فَسَكَتَتْ وَ لَمْ تُوَلِّ وَجْهَهَا وَ لَمْ يَرَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص كَرَاهَةً فَقَامَ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ سُكُوتُهَا إِقْرَارُهَا فَأَتَاهُ جَبْرَئِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ زَوِّجْهَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ رَضِيَهَا لَهُ وَ رَضِيَهُ لَهَا قَالَ عَلِيٌّ فَزَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ أَتَانِي فَأَخَذَ بِيَدِي فَقَالَ قُمْ بِسْمِ اللَّهِ وَ قُلْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ وَ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ جَاءَنِي حَتَّى أَقْعَدَنِي عِنْدَهَا ع ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيَّ فَأَحِبَّهُمَا وَ بَارِكْ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا وَ اجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظاً وَ إِنِّي أُعِيذُهُمَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بيان الرسل بالكسر التأني و الرفق

ترجمه: (۱) شیخ طوسی (۴۶۰ ه) در امالی از استادش شیخ مفید (۴۱۳ ه) به اسنادش از امام علی علیه السّلام آورده است که گفت: ابو بکر و عمر پیش من آمدند و گفتند: کاش نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌رفتی و در باره ازدواج با فاطمه علیها السّلام گفتگویی می‌کردی؟ علی علیه السّلام گفت: نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رفتم و آن حضرت تا مرا دید لبخندی زد و گفت: ای ابو الحسن! آیا چیزی می‌خواهی؟

من مراتب خویشی، و سبقت در ایمان به اسلام، یاری کردنم به او و جهادهایی که داشتم و تلاشهای که برای پیشرفت اسلام کرده بودم برای آن حضرت بازگو کردم. پس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: ای

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

علی! هر چه گفتی راست است و من آنها را تصدیق می‌کنم و شهادت می‌دهم که مقام تو برتر از آن است که گفتی. گفتم: یا رسول اللّه! حال که چنین است اجازه دهید تا فاطمه علیها السّلام را به همسری خود برگزینم.

پیامبر فرمود: ای علی قبل از تو مردان دیگری نیز چنین خواسته‌ای داشتند، ولی هر گاه تقاضای آنها را با فاطمه در میان می‌گذاشتم در چهره او علامت عدم رضایت را مشاهده می‌کردم، حال نیز، تو باید چند لحظه‌ای صبر کنی تا نزد او بروم و خواسته تو را با او در میان گذارم و برگردم. پس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نزد فاطمه علیها السّلام رفت، فاطمه برخاست و عبا و نعلین‌های پدرش را گرفت و برای او آب آورد تا وضو بگیرد و پاهایش را بشوید، سپس پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشست و به فاطمه گفت: دخترم! فاطمه گفت: هر چه می‌خواهید بگویید. پیامبر فرمود: علیّ بن ابی طالب که تو قرابت او را با ما می‌شناسی، و فضل و برتری او را بر دیگران می‌دانی، و چگونگی اسلام و ایمان او را دیده‌ای، و نیز می‌دانی که من از خدای خود خواسته‌ام که تو را برای بهترین و محبوبترین بندگانش تزویج کند، همانا در باره ازدواج با تو گفتگویی با من داشته، نظر خودت در باره این امر چیست؟ فاطمه هنگامی که این سخن را شنید چیزی نگفته و سکوت کرد، و از خجالت چهره‌اش را برگردانید. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برخاست در حالی که با خود می‌گفت: اللّه اکبر، خدا بزرگ است، همانا سکوت فاطمه نشانه رضایت اوست.

در این حال جبرئیل بر رسول خدا فرود آمد و گفت: ای محمّد! فاطمه را به ازدواج علی درآور که همانا خداوند از این وصلت خشنود است و آن دو نیز شایسته یک دیگر می‌باشند.

علی علیه السّلام می‌گوید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دخترش را به ازدواج من درآورد و آنگاه نزد من آمده دستم را گرفته و فرمود: با یاد و نام خدا برخیز و این ذکر را بخوان که: «علی برکة اللّه، و ما شاء اللّه، و لا قوّة إلّا باللّه، و توکّلت علی اللّه»- یعنی: بر سفره برکت خدا می‌نشینم، و راضی می‌شوم بر آنچه او بخواهد، همانا قدرت و قوّتی نیست مگر از جانب خدا، پس به او توکّل می‌کنم و یاری می‌طلبم.

سپس مرا کنار فاطمه نشانید و گفت: خداوندا! اینان محبوبترین مردم در نزد من می‌باشند، پس آنان را دوست بدار، و خیر و برکت به فرزندان آنها عطا کن، و آنان را از هر آسیبی حافظ باش، من آنها و فرزندانشان را از شرّ شیطان فریبکار به تو می‌سپارم.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۴۶/ ۵- الأمالی للطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی غَالِبٍ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الزُّرَارِیِّ عَنْ خَالِهِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ دَاوُدَ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِیّاً فَاطِمَةَ ع دَخَلَ عَلَیْهَا وَ هِیَ تَبْکِی فَقَالَ لَهَا مَا یُبْکِیکِ فَوَ اللَّهِ لَوْ کَانَ فِی أَهْلِ بَیْتِی خَیْرٌ مِنْهُ زَوَّجْتُکِ وَ مَا أَنَا زَوَّجْتُکِ وَ لَکِنَّ اللَّهَ زَوَّجَکِ وَ أَصْدَقَ عَنْکِ الْخُمُسَ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ قَالَ عَلِیٌّ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ص قُمْ فَبِعِ الدِّرْعَ فَقُمْتُ فَبِعْتُهُ وَ أَخَذْتُ الثَّمَنَ وَ دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَسَكَبْتُ الدَّرَاهِمَ فِي حَجْرِهِ فَلَمْ يَسْأَلْنِي كَمْ هِيَ وَ لَا أَنَا أَخْبَرْتُهُ ثُمَّ قَبَضَ قَبْضَةً وَ دَعَا بِلَالًا فَأَعْطَاهُ فَقَالَ ابْتَعْ لِفَاطِمَةَ طِيباً ثُمَّ قَبَضَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنَ الدَّرَاهِمِ بِكِلْتَا يَدَيْهِ فَأَعْطَاهُ أَبَا بَكْرٍ وَ قَالَ ابْتَعْ لِفَاطِمَةَ مَا يُصْلِحُهَا مِنْ ثِيَابٍ وَ أَثَاثِ الْبَيْتِ وَ أَرْدَفَهُ بِعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَ بِعِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَحَضَرُوا السُّوقَ فَكَانُوا يَعْتَرِضُونَ الشَّيْءَ مِمَّا يُصْلِحُ فَلَا يَشْتَرُونَهُ حَتَّى يَعْرِضُوهُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فَإِنِ اسْتَصْلَحَهُ اشْتَرَوْهُ فَكَانَ مِمَّا اشْتَرَوْهُ قَمِيصٌ بِسَبْعَةِ دَرَاهِمَ وَ خِمَارٌ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمَ وَ قَطِيفَةٌ سَوْدَاءُ خَيْبَرِيَّةٌ وَ سَرِيرٌ مُزَمَّلٌ بِشَرِيطٍ وَ فِرَاشَيْنِ مِنْ خَيْشِ مِصْرَ حَشْوُ أَحَدِهِمَا لِيفٌ وَ حَشْوُ الْآخَرِ مِنْ جِزِّ الْغَنَمِ وَ أَرْبَعَ مَرَافِقَ مِنْ أَدَمِ الطَّائِفِ حَشْوُهَا إِذْخِرٌ وَ سِتْرٌ مِنْ صُوفٍ وَ حَصِيرٌ هَجَرِيٌّ وَ رَحًى لِلْيَدِ وَ مِخْضَبٌ مِنْ نُحَاسٍ وَ سِقَاءٌ مِنْ أَدَمٍ وَ قَعْبٌ لِلَّبَنِ وَ شَنٌّ لِلْمَاءِ وَ مِطْهَرَةٌ مُزَفَّتَةٌ وَ جَرَّةٌ خَضْرَاءُ وَ كِيزَانُ خَزَفٍ حَتَّى إِذَا اسْتَكْمَلَ الشِّرَاءَ حَمَلَ أَبُو بَكْرٍ بَعْضَ الْمَتَاعِ وَ حَمَلَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ص الَّذِينَ كَانُوا مَعَهُ الْبَاقِيَ فَلَمَّا عَرَضَ الْمَتَاعَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص جَعَلَ يُقَلِّبُهُ بِيَدِهِ وَ يَقُولُ بَارَكَ اللَّهُ لِأَهْلِ الْبَيْتِ قَالَ عَلِيٌّ ع فَأَقَمْتُ بَعْدَ ذَلِكَ شَهْراً أُصَلِّي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَرْجِعُ إِلَى مَنْزِلِي وَ لَا أَذْكُرُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ فَاطِمَةَ ع ثُمَّ قُلْنَ أَزْوَاجُ رَسُولِ اللَّهِ ص أَ لَا نَطْلُبُ لَكِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص دُخُولَ فَاطِمَةَ عَلَيْكِ فَقُلْتُ افْعَلْنَ فَدَخَلْنَ عَلَيْهِ فَقَالَتْ أُمُّ أَيْمَنَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَنَّ خَدِيجَةَ بَاقِيَةٌ لَقَرَّتْ عَيْنُهَا بِزِفَافِ فَاطِمَةَ وَ إِنَّ عَلِيّاً يُرِيدُ أَهْلَهُ فَقَرَّ عَيْنَ فَاطِمَةَ بِبَعْلِهَا وَ اجْمَعْ شَمْلَهَا وَ قَرَّ عُيُونَنَا بِذَلِكَ فَقَالَ فَمَا بَالُ عَلِيٍّ لَا يَطْلُبُ مِنِّي زَوْجَتَهُ فَقَدْ كُنَّا نَتَوَقَّعُ ذَلِكَ مِنْهُ قَالَ عَلِيٌّ فَقُلْتُ الْحَيَاءُ يَمْنَعُنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَالْتَفَتَ إِلَى النِّسَاءِ فَقَالَ مَنْ هَاهُنَا فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ أَنَا أُمُّ سَلَمَةَ وَ هَذِهِ زَيْنَبُ وَ هَذِهِ فُلَانَةُ وَ فُلَانَةُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص هَيِّئُوا لِابْنَتِي وَ ابْنِ عَمِّي فِي حُجْرَةٍ بَيْتاً فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فِي أَيِّ حُجْرَةٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي حُجْرَتِكِ وَ أَمَرَ نِسَاءَهُ أَنْ يُزَيِّنَّ وَ يُصْلِحْنَ مِنْ شَأْنِهَا قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَسَأَلْتُ فَاطِمَةَ هَلْ عِنْدَكِ طِيبٌ ادَّخَرْتِيهِ لِنَفْسِكِ قَالَتْ نَعَمْ فَأَتَتْ بِقَارُورَةٍ فَسَكَبَتْ مِنْهَا فِي رَاحَتِي فَشَمَمْتُ مِنْهَا رَائِحَةً مَا شَمَمْتُ مِثْلَهَا قَطُّ فَقُلْتُ مَا هَذَا فَقَالَتْ كَانَ دِحْيَةُ الْكَلْبِيُّ يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَيَقُولُ لِي يَا فَاطِمَةُ هَاتِي الْوِسَادَةَ فَاطْرَحِيهَا لِعَمِّكِ فَأَطْرَحُ لَهُ الْوِسَادَةَ فَيَجْلِسُ عَلَيْهَا فَإِذَا نَهَضَ سَقَطَ مِنْ بَيْنِ ثِيَابِهِ شَيْءٌ فَيَأْمُرُنِي بِجَمْعِهِ فَسَأَلَ عَلِيٌّ ع رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ هُوَ عَنْبَرٌ يَسْقُطُ مِنْ أَجْنِحَةِ جَبْرَئِيلَ قَالَ عَلِيٌّ ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ اصْنَعْ لِأَهْلِكَ طَعَاماً فَاضِلًا ثُمَّ قَالَ مِنْ عِنْدِنَا اللَّحْمُ وَ الْخُبْزُ وَ عَلَيْكَ التَّمْرُ وَ السَّمْنُ فَاشْتَرَيْتُ تَمْراً وَ سَمْناً فَحَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ ذِرَاعِهِ وَ جَعَلَ يَشْدَخُ التَّمْرَ فِي السَّمْنِ حَتَّى اتَّخَذَهُ حَيْساً وَ بَعَثَ إِلَيْنَا كَبْشاً سَمِيناً فَذُبِحَ وَ خُبِزَ لَنَا خُبْزٌ كَثِيرٌ ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص ادْعُ مَنْ أَحْبَبْتَ فَأَتَيْتُ الْمَسْجِدَ وَ هُوَ مُشْحَنٌ بِالصَّحَابَةِ فَأُحْيِيتُ [فَحَيِيتُ أَنْ أُشْخِصَ قَوْماً وَ أَدَعَ قَوْماً ثُمَّ صَعِدْتُ عَلَى رَبْوَةٍ هُنَاكَ وَ نَادَيْتُ أَجِيبُوا إِلَى وَلِيمَةِ فَاطِمَةَ فَأَقْبَلَ النَّاسُ أَرْسَالًا فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْ كَثْرَةِ النَّاسِ وَ قِلَّةِ الطَّعَامِ فَعَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا تَدَاخَلَنِي فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنِّي سَأَدْعُو اللَّهَ بِالْبَرَكَةِ قَالَ عَلِيٌّ فَأَكَلَ الْقَوْمُ عَنْ آخِرِهِمْ طَعَامِي وَ شَرِبُوا شَرَابِي وَ دَعَوْا لِي بِالْبَرَكَةِ وَ صَدَرُوا وَ هُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعَةِ آلَافِ رَجُلٍ وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنَ الطَّعَامِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

شَیْءٌ ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِالصِّحَافِ فَمُلِئَتْ وَ وَجَّهَ بِهَا إِلَى مَنَازِلِ أَزْوَاجِهِ ثُمَّ أَخَذَ صَحْفَةً وَ جَعَلَ فِيهَا طَعَاماً وَ قَالَ هَذَا لِفَاطِمَةَ وَ بَعْلِهَا حَتَّى إِذَا انْصَرَفَتِ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أُمَّ سَلَمَةَ هَلُمِّي فَاطِمَةَ فَانْطَلَقَتْ فَأَتَتْ بِهَا وَ هِيَ تَسْحَبُ أَذْيَالَهَا وَ قَدْ تَصَبَّبَتْ عَرَقاً حَيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَثَرَتْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَقَالَكِ اللَّهُ الْعَثْرَةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَلَمَّا وَقَفَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ كَشَفَ الرِّدَاءَ عَنْ وَجْهِهَا حَتَّى رَآهَا عَلِيٌّ ع ثُمَّ أَخَذَ يَدَهَا فَوَضَعَهَا فِي يَدِ عَلِيٍّ ع وَ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ يَا عَلِيُّ نِعْمَ الزَّوْجَةُ فَاطِمَةُ وَ يَا فَاطِمَةُ نِعْمَ الْبَعْلُ عَلِيٌّ انْطَلِقَا إِلَى مَنْزِلِكُمَا وَ لَا تُحْدِثَا أَمْراً حَتَّى آتِيَكُمَا قَالَ عَلِيٌّ فَأَخَذْتُ بِيَدِ فَاطِمَةَ وَ انْطَلَقْتُ بِهَا حَتَّى جَلَسَتْ فِي جَانِبِ الصُّفَّةِ وَ جَلَسْتُ فِي جَانِبِهَا وَ هِيَ مُطْرِقَةٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنِّي وَ أَنَا مُطْرِقٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْهَا ثُمَّ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ مَنْ هَاهُنَا فَقُلْنَا ادْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَرْحَباً بِكَ زَائِراً وَ دَاخِلًا فَدَخَلَ فَأَجْلَسَ فَاطِمَةَ مِنْ جَانِبِهِ ثُمَّ قَالَ يَا فَاطِمَةُ ايتِينِي بِمَاءٍ فَقَامَتْ إِلَى قَعْبٍ فِي الْبَيْتِ فَمَلَأَتْهُ مَاءً ثُمَّ أَتَتْهُ بِهِ فَأَخَذَ جُرْعَةً فَتَمَضْمَضَ بِهَا ثُمَّ مَجَّهَا فِي الْقَعْبِ ثُمَّ صَبَّ مِنْهَا عَلَى رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ أَقْبِلِي فَلَمَّا أَقْبَلَتْ نَضَحَ مِنْهُ بَيْنَ ثَدْيَيْهَا ثُمَّ قَالَ أَدْبِرِي فَأَدْبَرَتْ فَنَضَحَ مِنْهُ بَيْنَ كَتِفَيْهَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَذِهِ ابْنَتِي وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُمَّ وَ هَذَا أَخِي وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَكَ وَلِيّاً وَ بِكَ حَفِيّاً وَ بَارِكْ لَهُ فِي أَهْلِهِ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ ادْخُلْ بِأَهْلِكَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ وَ رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ ... إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

بيان مزمل أي ملفوف و الشريط خوص مفتول يشرط به السرير و نحوه و قال الفيروزآبادي الخيش ثياب في نسجها رقة و خيوطها غلاظ من مشاقة الكتان أو من أغلظ العصب قوله من جز الغنم بالكسر أي الصوف الذي جز من الغنم و المخضب كمنبر المركن. قوله فقر عين فاطمة ظاهره أنه بصيغة الأمر بناء على أن مجرده يكون متعديا أيضا لكنه لم يرد فيما عندنا من كتب اللغة. و قال الجوهري جمع الله شملهم أي ما تشتت من أمرهم و شتت الله شمله أي ما اجتمع من أمره و قال الشدخ كسر الشيء الأجوف و قال الحيس هو تمر يخلط بسمن و أقط و السحب الجر و القعب قدح من خشب قوله ص و بك حفيا قال الجوهري تقول حفيت به بالكسر أي بالغت في إكرامه و إلطافه انتهى أي مطيعا لك غاية الإطاعة أو مشفقا على الخلق ناصحا لهم بسبب إطاعة أمرك

ترجمه: (۱) در امالی شیخ طوسی به نقل از امام جعفر صادق علیه السّلام آمده است: آنگاه که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه را به ازدواج علی علیه السّلام درآورد، نزد دخترش آمد و دید که حضرت فاطمه علیها السّلام گریه می‌کند، پس به او گفت: چرا گریه می‌کنی؟ به خداوند سوگند اگر در میان اهل بیتم کسی بهتر از علی بود همانا تو را به ازدواج او در می‌آوردم، فکر نکنی که من تو را از پیش خود به ازدواج علی علیه السّلام درآوردم، بلکه خدا تو را برای علی تزویج نموده و تا زمانی که آسمانها و زمین پا بر جا باشند، خمس اموال مردم را مهریّه تو قرار داده است.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

علی علیه السّلام می‌فرماید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خطاب به من فرمود: برخیز و زره خود را بفروش! برخاستم و زره را فروختم و پول آن را گرفته نزد پیامبر آوردم و آنها را در مقابل او نهادم، آن حضرت از من نپرسید که آن پولها چه مقدار است و من نیز چیزی در این باره به آن حضرت نگفتم، سپس بلال را صدا کرد و مشتی از آن پولها را به وی داد و گفت: این پولها را بگیر و با آنها برای فاطمه [علیها السّلام] عطر خریداری کن! و بعد از او ابو بکر را احضار نمود و دو مشت از آن پولها را به او داده و گفت: با این پولها، برای فاطمه [علیها السّلام] لباس و اثاثیه منزل خریداری کن. و آنگاه عمّار یاسر و گروه آنها وارد بازار شدند و هر چیزی را که لازم می‌دانستند در نظر گرفتند ولی آنها را خریداری نمی‌کردند تا اینکه ابو بکر بیاید، سپس آنها را به وی نشان می‌دادند و اگر ابو بکر می‌پسندید آن را خریداری می‌نمودند. (۱) برخی از آنچه ایشان خریداری کردند عبارت است از:

۱- یک پیراهن به قیمت هفت درهم ۲- روبنده‌ای به قیمت چهار درهم، شاید منظور از «خمار» روسری، مقنعه یا چادر باشد.

۳- یک قطیفه مشکی خیبری ۴- تختی که وسط آن را با لیف خرما بافته بودند.

۵- دو عدد تشک با روکشی از کتان مصری که یکی از آنها با لیف خرما و دیگری با پشم گوسفند پر شده بود.

۶- چهار بالش- یا متّکا، یا پشتی- با رویه‌ای از پوست حیوانات طائف که درون آنها از علف اذخر (گیاه خشک و سبز رنگی شبیه کاه و نرمتر از آن است که دارای بوی خوش نیز می‌باشد) پر شده بود.

۷- پرده‌ای از جنس پشم ۸- حصیری بافت یمن ۹- یک آسیای دستی ۱۰- طشت مسی ۱۱- مشک آبی از جنس پوست ۱۲- ظرف مخصوص شیر- که از جنس چوب می‌تراشیدند.

۱۳- ظرفی برای آبخوری ۱۴- آفتابه‌ای قیراندود ۱۵- سبویی سبز رنگ- که در آن روغن، آرد یا چیزهای دیگر نگهداری می‌کردند.

۱۶- دو کوزه کوچک سفالی هنگامی که خرید آنها کامل شد، مقداری از اثاثیه را ابو بکر و باقی را سایر اصحاب رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حمل کرده به خانه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بردند. (۱) هنگامی که لوازم خریداری شده به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشان داده شد، پیامبر آنها را زیر و رو کرده و گفت: خدا اینها را برای اهل بیت مبارک کند.

علی علیه السّلام می‌گوید: من پس از این کارها، به مدّت یک ماه با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نماز می‌خواندم و بدون اینکه در باره فاطمه علیها السّلام چیزی به آن حضرت بگویم به منزل خود بازمی‌گشتم. روزی زنان پیامبر به من گفتند: آیا می‌خواهی که ما از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بخواهیم تا فاطمه

را به خانه‌ات بیاورد و شما زندگی مشترکتان را شروع کنید؟ گفتم: بله. وقتی آنها نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رفتند امّ ایمن «۱» گفت: ای رسول خدا! اگر خدیجه علیها السّلام زنده بود چشمانش در اشتیاق دیدار ازدواج حضرت فاطمه علیها السّلام روشن می‌شد، همانا علی علیه السّلام دوست دارد که فاطمه را به خانه‌اش ببرد، پس چشم آنها را دیدار یک دیگر روشن نما تا چشمهای ما نیز روشن شود. رسول خدا فرمود: چرا علی همسر خود را از من مطالبه نمی‌کند و شما را واسطه کرده است، در حالی که ما از خود او انتظار این کار را داشتیم. علی علیه السّلام گفت: من گفتم: ای رسول خدا! من از شما خجالت کشیدم و حیا مانع از این امر می‌شد.

پس پیامبر در این حال خطاب به همسران خود فرمود: کدام یک از شما حاضر هستید؟

امّ سلمه گفت: من امّ سلمه «۲» و این زینب «۳» و این فلان کس و فلان کس. سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: یکی از حجره‌های خانه را برای دخترم فاطمه و پسر عمویم علی آماده کنید. (۱) امّ سلمه گفت: ای رسول خدا! کدام حجره را؟ پیامبر فرمود: حجره خودت را «۱»، و سپس به زنان خویش دستور داد تا فاطمه علیها السّلام را زینت کنند و لوازم عروسی او را فراهم نمایند.

امّ سلمه گوید: به فاطمه گفتم: آیا عطری برای خودت ذخیره نموده‌ای؟ گفت: آری. و یک شیشه عطر آورد و مقداری از آن را در میان دست من ریخت، چنان بویی از آن برخاست که تا آن زمان استشمام نکرده بودم، به فاطمه گفتم: این عطر را از کجا آورده‌ای؟

گفت: هر گاه دحیه کلبی «۲» به حضور رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌آمد، پیامبر به من می‌فرمود: برای عمویت پشتی بگذار! من برای او پشتی می‌گذاشتم و در این حال متوجه می‌شدم که چیزی از میان لباسهای او فرو می‌ریزد و او به من می‌فرمود که آنها را جمع کنم و این عطرها همانهاست که جمع می‌کردم. پس علی علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در این باره سؤال کرد و آن حضرت فرمود: آن عبارت از عنبری است که از بالهای جبرئیل فرو می‌ریزد.

علی علیه السّلام گوید: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به من گفت: ای علی! غذای فراوانی برای عروسی و خانواده‌ات تدارک کن. و سپس فرمود: گوشت و نان را من می‌دهم، خرما و روغن به عهده تو. من خرما و روغن فراهم کردم و نزد پیامبر بردم، آن حضرت آستینهای لباسش را بالا زد و خرما را تمیز کرده در روغن ریخت و غذایی درست کرد که آن را «حیس» می‌گفتند، و گوسفند فربهی ذبح کرد، و نان فراوانی تدارک نمود، سپس به من گفت: هر کس را که دوست داری دعوت کن.

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

(۱) پس وارد مسجد شدم و دیدم که مسجد پر از صحابه پیامبر است، حیا کردم که در میان آن جمع عدّه‌ای را دعوت کنم و عدّه‌ای را دعوت ننمایم، پس بر یک بلندی قرار گرفتم و خطاب به همه گفتم: همه شما را به صرف ولیمه عروسی فاطمه [علیها السّلام] دعوت می‌کنم. آنان پذیرفتند و گروه گروه به طرف خانه پیامبر حرکت کردند و من از کثرت جمعیت و قلّت غذا خجالت می‌کشیدم، وقتی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از آنچه که در ذهن من می‌گذشت مطّلع گردید، گفت: ای علی! من دعا می‌کنم که خدا به غذای شما برکت بدهد. علی علیه السّلام گفت: آن جمعیت که تعداد آنها بیش از چهار هزار نفر بود همگی از غذا و آبی که فراهم کرده بودیم خوردند و نوشیدند و سیر شدند ولی از غذا چیزی کم نشد.

سپس پیامبر دستور داد تا کاسه‌هایی را پر از غذا کردند و آنها را برای زنان خویش فرستاد و کاسه‌ای نیز پر از غذا کرد و فرمود: این کاسه نیز برای علی و فاطمه بماند. هنگامی که غروب آفتاب نزدیک شد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به امّ سلمه فرمود: فاطمه را بیاور! امّ سلمه به دنبال حضرت فاطمه رفت و او را در حالی که پایین لباسش بر زمین کشیده می‌شد و از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم چنان حیا می‌کرد که یک بار بر زمین افتاد که در این هنگام رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به او فرمود: خداوند تو را در دنیا و آخرت از افتادن نگاهدارد. هنگامی که فاطمه به مقابل رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رسید، آن حضرت حجاب از چهره فاطمه برداشت تا علی علیه السّلام او را ببیند، سپس دست فاطمه را گرفت و در دست علی علیه السّلام قرار داد و فرمود: ای علی! خدا قدم دختر رسول خدا را برای تو مبارک کند، ای علی! همانا فاطمه خوب همسری، و ای فاطمه! همانا علی خوب شوهری است، پس به سوی خانه خود بروید و صبر کنید تا بیایم.

علی علیه السّلام گفت: دست فاطمه را گرفتم و با هم به خانه رفتیم و در آنجا او در گوشه‌ای نشست و من در کنار او نشستم، و هر دو از حیا و خجالت به زمین نگاه می‌کردیم تا پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمد و فرمود: چه کسانی در اینجا هستند؟ گفتیم: ای رسول خدا [صلّی اللّه علیه و آله و سلّم]! بفرمایید، شما چه زائر خوب و نیکویی هستید! رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وارد شد و نشست و فاطمه نیز در کنار او نشست، پیامبر به او فرمود: برخیز و مقداری آب برای من بیاور! فاطمه برخاست و ظرفی را پر از آب کرده به حضور پیامبر آورد، سپس پیامبر جرعه‌ای از آن آب را بر گرفت و مضمضه کرده و داخل ظرف ریخت و فاطمه را به نزد خود خواند و کفی از آن آب را به سینه فاطمه پاشید و به او گفت: برگرد! و چون فاطمه برگشت کف دیگر از آب را در میان دو کتف وی پاشید و گفت: (۱) «خدایا! این دختر من است که محبوبترین مردم در نزد من می‌باشد، خدایا! این برادر من است که محبوبترین مردم در نزد من می‌باشد. پروردگارا! علی را ولیّ و مطیع

خود قرار بده و اهل و عیالش را برایش مبارک گردان». و سپس گفت: ای علی! حال نزد همسرت برو، از خداوند می‌خواهم که برکت و رحمتش را نصیب شما نماید، همانا او حمید و مجید است «۱».

[متن عربی] ۱۵، ۱ ۲۴۷/ ۶- الأمالی للطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی غَالِبٍ الزُّرَارِیِّ عَنِ الْکُلَیْنِیِّ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْخَیْبَرِیِّ عَنْ یُونُسَ بْنِ ظَبْیَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ لِفَاطِمَةَ مَا کَانَ لَهَا کُفْوٌ عَلَی الْأَرْضِ

ترجمه: (۲) در امالی شیخ طوسی به نقل از امام جعفر صادق علیه السّلام آمده که آن حضرت فرمود: اگر خداوند متعال امیر المؤمنین علی علیه السّلام را خلق نمی‌کرد، در تمام زمین انسانی که کفو و شایسته همسری با حضرت فاطمه علیها السّلام باشد یافت نمی‌شد. «۲»

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۲۴۸/ ۷- الأمالی للطوسی «۱» رُوِیَ أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ع دَخَلَ بِفَاطِمَةَ بَعْدَ وَفَاةِ أُخْتِهَا رُقَیَّةَ زَوْجَةِ عُثْمَانَ بِسِتَّةَ عَشَرَ یَوْماً وَ ذَلِکَ بَعْدَ رُجُوعِهِ مِنْ بَدْرٍ وَ ذَلِکَ لِأَیَّامٍ خَلَتْ مِنْ شَوَّالٍ وَ رُوِیَ أَنَّهُ دَخَلَ بِهَا یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِستٍّ خَلَوْنَ مِنْ ذِی الْحِجَّةِ وَ اللَّهُ تَعَالَی أَعْلَمُ

ترجمه:

(۱) در امالی شیخ طوسی آمده: روایت شده است که عروسی علی و فاطمه علیها السّلام بعد از بازگشت علی از جنگ بدر و در اوایل ماه شوّال، در حالی که ۱۶ روز از وفات رقیّه خواهر حضرت فاطمه می‌گذشت واقع شد. و روایت شده که این امر در روز سه شنبه ششم ذی حجّه واقع شده است.

[متن عربی]

۱۴، ۱۵، ۱ ۲۴۹/ ۸- الخصال «۱» الطَّالَقَانِیُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْعَدَوِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ یَحْیَی الْحِمَّانِیِّ عَنْ قَیْسِ بْنِ الرَّبِیعِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَبَایَةَ بْنِ رِبْعِیٍّ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص مَرِضَ مَرَضَهُ فَأَتَتْهُ فَاطِمَةُ ع تَعُودُهُ وَ هُوَ نَاقِهٌ مِنْ مَرَضِهِ فَلَمَّا رَأَتْ مَا بِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنَ الْجُهْدِ وَ الضَّعْفِ خَنَقَتْهَا الْعَبْرَةُ حَتَّی جَرَتْ دَمْعَتُهَا عَلَی خَدِّهَا فَقَالَ النَّبِیُّ ص لَهَا یَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِکْرُهُ اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ اطِّلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا بَعْلَکِ فَأَوْحَی إِلَیَّ فَأَنْکَحْتُکَهُ أَ مَا عَلِمْتِ یَا فَاطِمَةُ أَنَّ لِکَرَامَةِ اللَّهِ إِیَّاکِ زَوَّجَکِ أَقْدَمَهُمْ سِلْماً وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْماً وَ أَکْثَرَهُمْ عِلْماً قَالَ فَسُرَّتْ بِذَلِکَ فَاطِمَةُ ع وَ اسْتَبْشَرَتْ بِمَا قَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَأَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ یَزِیدَهَا مَزِیدَ الْخَیْرِ کُلِّهِ مِنَ الَّذِی قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ وَ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ یَا فَاطِمَةُ لِعَلِیٍّ ثَمَانُ خِصَالٍ إِیمَانُهُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ عِلْمُهُ وَ حِکْمَتُهُ وَ زَوْجَتُهُ وَ سِبْطَاهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْیُهُ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ قَضَاؤُهُ بِکِتَابِ اللَّهِ یَا فَاطِمَةُ إِنَّا أَهْلُ بَیْتٍ أُعْطِینَا سَبْعَ خِصَالٍ لَمْ یُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِینَ قَبْلَنَا وَ لَا یُدْرِکُهَا أَحَدٌ مِنَ الْآخِرِینَ بَعْدَنَا نَبِیُّنَا خَیْرُ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الْأَنْبِيَاءِ وَ هُوَ أَبُوكِ وَ وَصِيُّنَا خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَ هُوَ بَعْلُكِ وَ شَهِيدُنَا سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ هُوَ حَمْزَةُ عَمُّ أَبِيكِ وَ مِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ وَ هُوَ جَعْفَرٌ وَ مِنَّا سِبْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُمَا ابْنَاكِ

ترجمه:

(۲) شیخ صدوق (۳۸۱ ه) در کتاب خصال از ابو ایّوب انصاری روایت کرده:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بیمار شده بود، به هنگام دوران نقاهت حضرت فاطمه علیها السّلام به عیادت او آمد و چون حال پیامبر و ضعف او را مشاهده نمود گریه‌اش گرفت و قطره‌های اشک بر گونه‌اش جاری شد، پیامبر که حال او را مشاهده کرد به او فرمود: ای فاطمه! همانا خداوند جلیل در یکی از نظاره‌هایش بر زمین همسر تو را انتخاب کرد و سپس به من وحی کرد تا تو را به ازدواج او درآورم. ای فاطمه! آیا می‌دانی که این از کرم و موهبت خداوندی است که تو را به کسی تزویج نموده است که اوّلین مردم در اسلام آوردن، و بزرگترین آنها در حلم و صبوری است، و علم او از همه مردم بیشتر می‌باشد. ابو ایّوب انصاری گوید: حضرت فاطمه علیها السّلام وقتی این گفته‌ها را شنید خوشحال شد، و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خواست تا خوشحالی او را بیشتر کند و لذا فرمود:

ای فاطمه! همانا در علی هشت خصلت نیکو وجود دارد:

۱- ایمان به خداوند و رسولش دارد ۲- علم او فراوان است ۳- از نعمت حکمت برخوردار می‌باشد ۴- همسری چون تو دارد ۵- دو فرزند نیکو چون حسن و حسین دارد ۶- آمر به معروف است ۷ نهی‌کننده از منکرات می‌باشد ۸- بر اساس کتاب نازل شده از جانب خدا، قضاوتی شایسته دارد.

ای فاطمه! همانا ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت خصلت نیکو به ما عطا کرده که آنها را به احدی قبل از ما عطا نکرده و به هیچ کس بعد از ما نیز عطا نخواهد کرد:

۱- پیامبر ما بهترین پیامبران است، و او پدر توست ۲- وصیّ ما بهترین اوصیا است، و او شوهر توست ۳- شهید ما سرور شهیدان است، و او حمزه عموی پدر توست ۴- از ماست آن کسی که دو بال دارد و با آنها در بهشت پرواز می‌کند، و او جعفر و از خانواده ماست ۵- دو سبط این امّت نیز از ما هستند، و آنها دو پسران تو هستند.

[متن عربی]

۱۴، ۱، ۱۵ ۲۵۰/ ۹- الأمالی للصدوق «۱» أَبِي وَ الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى آخَى بَيْنِي وَ بَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ زَوَّجَهُ ابْنَتِي مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ وَ أَشْهَدَ عَلَى ذَلِكَ

مُقَرَّبِی مَلَائِکَتِه وَ جَعَلَهُ لِی وَصِیّاً وَ خَلِیفَةً فَعَلِیٌّ مِنِّی وَ أَنَا مِنْهُ مُحِبُّهُ مُحِبِّی وَ مُبْغِضُهُ مُبْغِضِی وَ إِنَّ الْمَلَائِکَةَ لَتَتَقَرَّبُ إِلَی اللَّهِ بِمَحَبَّتِه

ترجمه:

(۱) شیخ صدوق در امالی از ابن عبّاس، از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی بین من و علی برادری برقرار کرد، و دخترم فاطمه را در بالای آسمانهای هفتگانه به او تزویج نمود، و ملائکه مقرّبش را بر آن ازدواج شاهد گرفت، و او را وصیّ و خلیفه من قرار داد، پس علی از من و من از علی هستم، دوست علی دوست من و دشمن وی دشمن من خواهد بود، و همانا ملائکه به واسطه علی به خداوند تقرّب می‌جویند.

[متن عربی]

۱، ۱۴، ۱۵ ۲۵۱/ ۱۰- الأمالی للصدوق «۲» ابْنُ الْوَلِید عَنْ سَعْد عَنِ ابْنِ عیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِه ع قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع دَخَلَتْ أُمُّ أَیْمَنَ عَلَی النَّبِیِّ ص وَ فِی مِلْحَفَتِهَا شَیْءٌ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مَعَک یَا أُمَّ أَیْمَنَ فَقَالَتْ إِنَّ فُلَانَةَ أَمْلَکُوهَا فَنَثَرُوا عَلَیْهَا فَأَخَذْتُ مِنْ نُثَارِهَا ثُمَّ بَکَتْ أُمُّ أَیْمَنَ وَ قَالَتْ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةُ زَوَّجْتَهَا وَ لَمْ تَنْثُرْ عَلَیْهَا شَیْئاً فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص یَا أُمَّ أَیْمَنَ لِمَ تَکْذِبِینَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَمَّا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ عَلِیّاً ع أَمَرَ أَشْجَارَ الْجَنَّةِ أَنْ تَنْثُرَ عَلَیْهِمْ مِنْ حُلِیِّهَا وَ حُلَلِهَا وَ یَاقُوتِهَا وَ دُرِّهَا وَ زُمُرُّدِهَا وَ إِسْتَبْرَقِهَا فَأَخَذُوا مِنْهَا مَا لَا یَعْلَمُونَ وَ لَقَدْ نَحَلَ اللَّهُ طُوبَی فِی مَهْرِ فَاطِمَةَ ع فَجَعَلَهَا فِی مَنْزِلِ عَلِیٍّ ع

تفسیر العیاشی «۱» عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبی جعفر ع مثله «۲»

ترجمه:

(۱) شیخ صدوق در امالی از امام علی علیه السّلام روایت کرده:

روزی امّ ایمن به حضور رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آمد در حالی که با خود پارچه‌ای داشت و در آن چیزی پیچیده بود، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به او گفت: ای امّ ایمن! این چیست که با خود داری؟ امّ ایمن گفت: به عروسی فلان دختر رفته بودم، از آن چیزهایی که نذر او کرده و نثارش می‌کردند مقداری برداشته‌ام. امّ ایمن پس از این سخن به گریه افتاد و گفت: ای رسول خدا تو فاطمه را تزویج کردی ولی چیزی برایش نثار نکردی.

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به وی گفت: چرا سخن کذب می‌گویی؟ همانا خداوند تبارک و تعالی به هنگام ازدواج فاطمه با علی به درختان بهشت دستور داد تا از ثمره‌های نیکوی خود نثار آنها کنند، و آنان به

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

قدری از آنها برگرفتند که حساب ندارد، و خداوند درخت طوبی را جزء مهریه فاطمه قرار داده و آن را در منزل علی نهاد.

عیاشی سمرقندی (ح ۳۲۰ ه) در تفسیر خود این روایت را از عمرو بن شمر، از جابر، از امام باقر، از پدرانش، از علی علیهم السّلام نقل نموده است.

[متن عربی]

۱۵، ۱۴، ۱ ۲۵۲/ ۱۱- تفسیر علی بن إبراهیم «۱» أَبِی عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ «۲» قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع لَا يَذْكُرُهَا أَحَدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ص إِلَّا أَعْرَضَ عَنْهُ حَتَّى أَيِسَ النَّاسُ مِنْهَا فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يُزَوِّجَهَا مِنْ عَلِيٍّ أَسَرَّ إِلَيْهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْتَ أَوْلَى بِمَا تَرَى غَيْرَ أَنَّ نِسَاءَ قُرَيْشٍ تُحَدِّثُنِي عَنْهُ أَنَّهُ رَجُلٌ دَحْدَاحُ الْبَطْنِ طَوِيلُ الذِّرَاعَيْنِ ضَخْمُ الْكَرَادِيسِ أَنْزَعُ عَظِيمُ الْعَيْنَيْنِ وَ السَّكَنَةِ [مشاشار كَمَشَاشِيرِ الْبَعِيرِ] ضَاحِكُ السِّنِّ لَا مَالَ لَهُ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ أَ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ أَشْرَفَ عَلَى الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ اطَّلَعَ فَاخْتَارَ عَلِيّاً عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ اطَّلَعَ فَاخْتَارَكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ مَكْتُوباً عَلَى صَخْرَةِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ فَقُلْتُ لِجَبْرَئِيلَ وَ مَنْ وَزِيرِي فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَجَدْتُ مَكْتُوباً عَلَيْهَا إِنِّي أَنَا اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ فَقُلْتُ لِجَبْرَئِيلَ وَ مَنْ وَزِيرِي قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَلَمَّا جَاوَزْتُ السِّدْرَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَجَدْتُ مَكْتُوباً عَلَى قَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ أَنَا اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا مُحَمَّدٌ حَبِيبِي أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ فَلَمَّا دَخَلْتُ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةَ طُوبَى أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ وَ مَا فِي الْجَنَّةِ قَصْرٌ وَ لَا مَنْزِلٌ إِلَّا وَ فِيهَا فَتْرٌ مِنْهَا وَ أَعْلَاهَا أَسْفَاطُ حُلَلٍ مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ يَكُونُ لِلْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ أَلْفُ أَلْفِ سَفَطٍ فِي كُلِّ سَفَطٍ مِائَةُ أَلْفِ حُلَّةٍ مَا فِيهِ حُلَّةٌ تُشْبِهُ الْأُخْرَى عَلَى أَلْوَانٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ هُوَ ثِيَابُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَسَطُهَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ عَرْضُ الْجَنَّةِ كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ يَسِيرُ الرَّاكِبُ فِي ذَلِكَ الظِّلِّ مَسِيرَةَ مِائَةِ عَامٍ فَلَا يَقْطَعُهُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ وَ ظِلٍّ مَمْدُودٍ «۱» وَ أَسْفَلُهَا ثِمَارُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ طَعَامُهُمْ مُتَدَلٍّ فِي بُيُوتِهِمْ يَكُونُ فِي الْقَضِيبِ مِنْهَا مِائَةُ لَوْنٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ مِمَّا رَأَيْتُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ مَا لَمْ تَرَوْهُ وَ مَا سَمِعْتُمْ بِهِ وَ مَا لَمْ تَسْمَعُوا مِثْلَهَا وَ كُلَّمَا يُجْتَنَى مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتَتْ مَكَانَهَا أُخْرَى لا مَقْطُوعَةٍ وَ لا مَمْنُوعَةٍ وَ يَجْرِي نَهَرٌ فِي أَصْلِ تِلْكَ الشَّجَرَةِ تَنْفَجِرُ مِنْهَا الْأَنْهَارُ الْأَرْبَعَةُ أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى «۲» يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي فِي عَلِيٍّ سَبْعَ خِصَالٍ هُوَ أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ مَعِي وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ مَعِي عَلَى الصِّرَاطِ فَيَقُولُ لِلنَّارِ خُذِي ذَا وَ ذَرِي ذَا وَ أَوَّلُ مَنْ يُكْسَى إِذَا كُسِيتُ وَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ مَعِي عَلَى يَمِينِ الْعَرْشِ وَ أَوَّلُ مَنْ يُقْرَعُ مَعِي بَابَ الْجَنَّةِ وَ أَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِي عِلِّيِّينَ وَ أَوَّلُ مَنْ يَشْرَبُ مَعِي مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فَلْيَتَنافَسِ الْمُتَنافِسُونَ «۳» يَا فَاطِمَةُ هَذَا مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَلِيّاً فِي الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُ فِي الْجَنَّةِ إِذَا كَانَ فِي الدُّنْيَا لَا مَالَ لَهُ فَأَمَّا مَا قُلْتَ إِنَّهُ بَطِينٌ فَإِنَّهُ مَمْلُوءٌ مِنْ عِلْمٍ خَصَّهُ اللَّهُ بِهِ وَ أَكْرَمَهُ مِنْ بَيْنِ أُمَّتِي وَ أَمَّا مَا قُلْتَ إِنَّهُ أَنْزَعُ عَظِيمُ الْعَيْنَيْنِ فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَهُ بِصِفَةِ آدَمَ ع وَ أَمَّا طُولُ يَدَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ طَوَّلَهَا لِيَقْتُلَ بِهَا أَعْدَاءَهُ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِهِ وَ بِهِ يُظْهِرُ اللَّهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ بِهِ يَفْتَحُ اللَّهُ الْفُتُوحَ وَ يُقَاتِلُ الْمُشْرِكِينَ عَلَى تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ وَ الْمُنَافِقِينَ مِنْ أَهْلِ الْبَغْيِ وَ النَّكْثِ وَ الْفُسُوقِ عَلَى تَأْوِيلِهِ وَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ يُزَيِّنُ بِهِمَا عَرْشَهُ يَا فَاطِمَةُ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً إِلَّا جَعَلَ لَهُ ذُرِّيَّةً مِنْ صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ وَ لَوْ لَا عَلِيٌّ مَا كَانَتْ لِي ذُرِّيَّةٌ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَخْتَارُ عَلَيْهِ أَحَداً مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَزَوَّجَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ عِنْدَ ذَلِكَ وَ اللَّهِ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفْوٌ غَيْرُ عَلِيٍّ ع

إيضاح الدحداح القصير السمين و اندح بطنه اندحاحا اتسع و كل عظمين التقيا في مفصل فهو كردوس نحو المنكبين و الركبتين و الوركين و الأنزع هو الذي انحسر الشعر عن جانبي جبهته و السكنة كقرحة مقر الرأس من العنق و لم أجد لمشاشار معنى في اللغة و لعله كان في الأصل له مشاش كمشاش البعير و المشاش رءوس العظام و لم تكن تلك الفقرة في بعض النسخ و هو أصوب.

قوله إلا و فيها فتر بالفاء المكسورة ما بين طرف الإبهام و طرف المشيرة و في بعضها بالقاف قال الفيروزآبادي القتر القدر و يحرك و في بعضها قنو بالكسر أي عذق و التدلل التدلي و الآسن الآجن المتغير و قد مر شرح سائر أجزاء الخبر في كتاب الفتن و كتاب أحوال أمير المؤمنين ع

ترجمه:

(۱) علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷ ه) در تفسیر خود، از پدرش و او از برخی اصحابش روایت کرده:

کسی برای خواستگاری از فاطمه علیها السّلام نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نمی‌رفت مگر اینکه پیامبر از او روی برمی‌گرداند و به وی جواب منفی می‌داد تا آنجا که عموم مردان از ازدواج با فاطمه علیها السّلام مأیوس شدند.

آن هنگام که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در نظر گرفت حضرت فاطمه علیها السّلام را برای علی علیه السّلام تزویج نماید و با فاطمه در این باره مشورت کرد ...

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به فاطمه فرمود: آیا نمی‌دانی آنگاه که خداوند نظری به زمین افکند، مرا از میان مردان عالم انتخاب کرد، و سپس نظری کرد و علی علیه السّلام را برگزید، سپس توجهی دیگر نمود و تو را از میان زنان دو عالم انتخاب کرد؟

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ای فاطمه! وقتی مرا به معراج بردند دیدم بر سنگ بیت المقدّس نوشته شده: خدایی غیر از خدای یکتا نیست، محمّد رسول خداست، من او را به وسیله وزیرش تأیید و یاری نموده‌ام، به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب. (۱) هنگامی که به سدرة المنتهی رسیدم دیدم بر آن نوشته شده: من خداوندی هستم که غیر از او معبودی نیست، محمّد را که حبیب من است به وسیله وزیرش تأیید و نصرت کرده‌ام. به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب.

وقتی از سدرة المنتهی گذشتم و به عرش پروردگار رسیدم دیدم که بر یکی از قائمه‌های عرش نوشته شده: من خدایی هستم که غیر از او معبودی نیست، محمّد برگزیده و حبیب من است که او را به وسیله وزیرش تأیید و یاری نموده‌ام.

وقتی داخل بهشت شدم درخت طوبی را دیدم که ریشه‌اش در خانه علی بود، و در آنجا هیچ قصر و منزلی نبود مگر اینکه در آن شاخه‌ای از این درخت وجود داشت، بالای درخت سبدهایی پر از سندس و استبرق وجود داشت و هر سبدی را هزار هزار سبد بود و در هر سبدی صد هزار حلّه، و هیچ حلّه‌ای در آن نبود که به دیگری شباهت داشته باشد، زیرا آنها دارای رنگهای مختلف بودند و لباسهای اهل بهشت از آنهاست، در وسط بهشت سایه‌ای است ممتد که پهنای آن به قدر پهنای تمام آسمانها و زمین است و خداوند آن را برای ایمان آورندگان به خداوند و رسولش آماده کرده است. حال اگر شخص سواری مدّت صد سال در آن سایه راه طیّ کند، آن سایه تمام نمی‌شود و همین است قول خداوند در قرآن که می‌فرماید: وَ ظِلٍّ مَمْدُودٍ «۱»، و میوه‌های اهل بهشت از آن درخت آویزان است، و غذای هر کسی در خانه خود از شاخه آن آویزان شده است و در هر شاخه آن درخت صد رنگ میوه وجود دارد که بخشی از آن رنگها را هرگز در دنیا ندیده است. هر گاه آن میوه‌ها از درخت چیده شود میوه دیگری به جای آن به وجود می‌آید و آن میوه‌ها هرگز ممنوع نمی‌شوند و رشد آنها هرگز قطع نمی‌گردد. نهری در زیر این درخت از کنار ریشه‌اش جریان دارد که چهار نهر دیگر از آن منشعب می‌شود و آن چهار نهر همان است که خداوند در قرآن فرموده: «نهرهایی از آبی که فاسد نمی‌شوند، نهرهایی از شیری از طعم آن تغییر نمی‌کند، نهرهایی از شربتهای گوارا، نهرهایی از عسل مصفّا». (۱) ای فاطمه! همانا خداوند به علی هفت خصلت عطا فرموده است:

۱- علی اوّلین کسی است که با من از قبر خارج می‌شود ۲- علی اوّلین کسی است که با من بر لبه صراط می‌ایستد و به آتش می‌گوید: این را بسوزان و آن را رها کن ۳- علی اوّلین کسی است که بدنش بعد از من پوشیده می‌شود ۴- علی اوّلین کسی است که با من در طرف راست عرش توقف خواهد کرد ۵- علی اوّلین کسی است که با من در بهشت را خواهد کوبید ۶- علی اوّلین کسی است که با من ساکن علّیّین خواهد شد ۷-

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

علی اوّلین کسی است که با من از آشامیدنیهای دست ناخورده و ناب خواهد نوشید «همان آشامیدنی که مهر آن از مشک است و مشتاقین به آن رغبت فراوان دارند».

ای فاطمه! اینها نعمتهایی هستند که خداوند آنها را برای علی در آخرت و بهشت اختصاص داده، در صورتی که در دنیا زاهد باشد.

... به وسیله مجاهدتهای علی است که خدا دین خود را ظاهر می‌کند و لو که مشرکان را خوش نیاید، و به وسیله اوست که خداوند فتح و پیروزی به اسلام عطا می‌فرماید و مشرکین بر اساس تنزیل، و منافقین از اهل بغی و پیمان‌شکنان و فاسقین بر اساس تأویل قرآن کشته می‌شوند، و خداوند از صلب او دو سرور جوانان بهشت را که بهشت به وسیله آنها زینت می‌شود، خارج می‌نماید.

فاطمه جان! خدا هیچ پیامبری را مبعوث ننموده مگر اینکه ذرّیّه و نسل وی را از صلب او قرار داده ولی نسل مرا از صلب علی قرار داده است، اگر علی نبود ذرّیّه و نسلی برای من باقی نمی‌ماند.

پس از این گفتگوها حضرت فاطمه علیها السّلام گفت: ای رسول خدا! من احدی از اهل زمین را بر علی مقدّم نخواهم کرد. پس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه علیها السّلام را برای علی علیه السّلام تزویج کرد.

ابن عبّاس در این باره می‌گوید: به خداوند سوگند غیر از علی علیه السّلام کسی لیاقت و شایستگی همسری با فاطمه علیها السّلام را نداشت.

[متن عربی] ۱، ۱۴، ۱۵ ۲۵۳/ ۱۲- الأمالی للصدوق» ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُقَاتِلٍ عَنْ حَامِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ هَارُونَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْوِيجِ فَاطِمَةَ ابْنَةِ مُحَمَّدٍ ص وَ لَمْ أَتَجَرَّأْ أَنْ أَذْكُرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ وَ إِنَّ ذَلِكَ لَيَخْتَلِجُ فِي صَدْرِي لَيْلِي وَ نَهَارِي حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا عَلِيُّ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هَلْ لَكَ فِي التَّزْوِيجِ قُلْتُ رَسُولُ اللَّهِ أَعْلَمُ وَ إِذَا هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُزَوِّجَنِي بَعْضَ نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ إِنِّي لَخَائِفٌ عَلَى فَوْتِ فَاطِمَةَ فَمَا شَعَرْتُ بِشَيْءٍ إِذْ أَتَانِي رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لِي أَجِبِ النَّبِيَّ ص وَ أَسْرِعْ فَمَا رَأَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ ص أَشَدَّ فَرَحاً مِنْهُ الْيَوْمَ قَالَ فَأَتَيْتُهُ مُسْرِعاً فَإِذَا هُوَ فِي حُجْرَةِ أُمِّ سَلَمَةَ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ فَرَحاً وَ تَبَسَّمَ حَتَّى نَظَرْتُ إِلَى بَيَاضِ أَسْنَانِهِ يَبْرُقُ فَقَالَ أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ كَفَانِي مَا قَدْ كَانَ أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ تَزْوِيجِكَ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَتَانِي جَبْرَئِيلُ وَ مَعَهُ مِنْ سُنْبُلِ الْجَنَّةِ وَ قَرَنْفُلِهَا فَنَاوَلَنِيهِمَا فَأَخَذْتُهُمَا وَ شَمَمْتُهُمَا فَقُلْتُ مَا سَبَبُ هَذَا السُّنْبُلِ وَ الْقَرَنْفُلِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمَرَ سُكَّانَ الْجِنَانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ فِيهَا أَنْ يُزَيِّنُوا الْجِنَانَ كُلَّهَا بِمَغَارِسِهَا وَ أَشْجَارِهَا وَ ثِمَارِهَا وَ قُصُورِهَا وَ أَمَرَ رِيحَهَا فَهَبَّتْ بِأَنْوَاعِ الْعِطْرِ وَ الطِّيبِ وَ أَمَرَ حُورَ عِينِهَا بِالْقِرَاءَةِ فِيهَا بِسُورَةِ طه وَ طَوَاسِينَ وَ يس وَ حمعسق ثُمَّ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

نَادَى مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ أَلَا إِنَّ الْيَوْمَ يَوْمُ وَلِيمَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَلَا إِنِّي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رِضًى مِنِّي بَعْضُهُمَا لِبَعْضٍ ثُمَّ بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَحَابَةً بَيْضَاءَ فَقَطَرَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ لُؤْلُئِهَا وَ زَبَرْجَدِهَا وَ يَوَاقِيتِهَا وَ قَامَتِ الْمَلَائِكَةُ فَنَثَرَتْ مِنْ سُنْبُلِ الْجَنَّةِ وَ قَرَنْفُلِهَا هَذَا مِمَّا نَثَرَتِ الْمَلَائِكَةُ ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكاً مِنْ مَلَائِكَةِ الْجَنَّةِ يُقَالُ لَهُ رَاحِيلُ وَ لَيْسَ فِي الْمَلَائِكَةِ أَبْلَغُ مِنْهُ فَقَالَ اخْطُبْ يَا رَاحِيلُ فَخَطَبَ بِخُطْبَةٍ لَمْ يَسْمَعْ بِمِثْلِهَا أَهْلُ السَّمَاءِ وَ لَا أَهْلُ الْأَرْضِ ثُمَّ نَادَى مُنَادٍ أَلَا يَا مَلَائِكَتِي وَ سُكَّانَ جَنَّتِي بَارِكُوا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَبِيبِ مُحَمَّدٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ بَارَكْتُ عَلَيْهِمَا أَلَا إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَيَّ مِنْ أَحَبِّ الرِّجَالِ إِلَيَّ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ رَاحِيلُ الْمَلَكُ يَا رَبِّ وَ مَا بَرَكَتُكَ فِيهِمَا بِأَكْثَرَ مِمَّا رَأَيْنَا لَهُمَا فِي جِنَانِكَ وَ دَارِكَ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ يَا رَاحِيلُ إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنْ أَجْمَعَهُمَا عَلَى مَحَبَّتِي وَ أَجْعَلَهُمَا حُجَّةً عَلَى خَلْقِي وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَأَخْلُقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقاً وَ لَأُنْشِئَنَّ مِنْهُمَا ذُرِّيَّةً أَجْعَلُهُمْ خُزَّانِي فِي أَرْضِي وَ مَعَادِنَ لِعِلْمِي وَ دُعَاةً إِلَى دِينِي بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فَأَبْشِرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَكَ كَرَامَةً لَمْ يُكْرِمْ بِمِثْلِهَا أَحَداً وَ قَدْ زَوَّجْتُكَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَى مَا زَوَّجَكَ الرَّحْمَنُ وَ قَدْ رَضِيتُ لَهَا بِمَا رَضِيَ اللَّهُ لَهَا فَدُونَكَ أَهْلَكَ فَإِنَّكَ أَحَقُّ بِهَا مِنِّي وَ لَقَدْ أَخْبَرَنِي جَبْرَئِيلُ ع أَنَّ الْجَنَّةَ مُشْتَاقَةٌ إِلَيْكُمَا وَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدَّرَ أَنْ يُخْرِجَ مِنْكُمَا مَا يَتَّخِذُهُ عَلَى الْخَلْقِ حُجَّةً لَأَجَابَ فِيكُمَا الْجَنَّةَ وَ أَهْلَهَا فَنِعْمَ الْأَخُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الْخَتَنُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الصَّاحِبُ أَنْتَ وَ كَفَاكَ بِرِضَى اللَّهِ رِضًى قَالَ عَلِيٌّ ع فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلَغَ مِنْ قَدْرِي حَتَّى إِنِّي ذُكِرْتُ فِي الْجَنَّةِ وَ زَوَّجَنِيَ اللَّهُ فِي مَلَائِكَتِهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَكْرَمَ وَلِيَّهُ وَ أَحَبَّهُ أَكْرَمَهُ بِمَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ فَحَبَاهَا اللَّهُ لَكَ يَا عَلِيُّ فَقَالَ عَلِيٌّ ع رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ- «۱» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص آمِينَ

عيون أخبار الرضا عليه السلام «۲» محمد بن علي بن الشاه عن أحمد بن المظفر عن محمد بن زكريا عن مهدي بن سابق عن الرضا عن آبائه عن علي ع مثله عيون أخبار الرضا عليه السلام «۳» الدقاق عن ابن زكريا القطان عن ابن حبيب عن أحمد بن الحارث عن أبي معاوية عن الأعمش عن الصادق ع عن آبائه عن علي ع مثله

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در امالی از علی بن ابی طالب علیه السّلام روایت کرده که فرمود: من عزم خود را جزم کردم که با فاطمه علیها السّلام ازدواج کنم ولی جرات نمی‌کردم این مطلب را با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در میان بگذارم، این آرزو در هر شب و روز در سینه من شعله می‌کشید تا اینکه بالاخره به حضور پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رسیدم. آن حضرت به من فرمود: ای علی! گفتم: بفرمایید ای رسول خدا! فرمود: تصمیم به ازدواج گرفته‌ای؟ گفتم: رسول خدا بهتر می‌داند. و دانستم که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم قصد دارد بعضی از زنان قریش را برایم تزویج کند، ولی من نگران بودم که مبادا فاطمه علیها السّلام از دستم برود.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

روزی پیامبر شخصی را نزد من فرستاد و مرا احضار کرد، من که از شدّت خوشحالی سر از پا نمی‌شناختم به حضور آن حضرت که در حجره امّ سلمه مشرّف شدم و دیدم که آن بزرگوار به قدری شادمان است و خوشحال که سابقه نداشت، و هنگامی که چشمم به ایشان افتاد، دیدم که چشمانش می‌درخشید و سفیدی دندانهایش از سرور و خنده‌ای که داشت مشاهده می‌شود. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به من فرمود: ای علی! به تو مژده می‌دهم که خداوند آن غم که در باره ازدواج تو داشتم برطرف کرد. گفتم: چگونه ای رسول خدا؟

گفت: جبرئیل نزد من آمد و سنبل و قرنفل بهشتی به من داد، من آنها را گرفتم و بوییدم و به جبرئیل گفتم: این سنبل و قرنفل برای چیست؟ گفت: خدای توانا به ملائکه و ساکنین بهشت دستور داده که بهشت را با میوه‌های درختان، درخت‌ها و گیاهان زیبا و قصرها زینت کنند و باد بهشت را فرمان داده تا عطر و بوی آنها را در سراسر بهشت منتشر سازند، و حور العین بهشت را فرمان داده تا سوره طه، و طواسین و یس و حمعسق را تلاوت کند، سپس منادی از زیر عرش ندا در داده: آگاه باشید که امروز روز ولیمه و عروسی علی بن ابی طالب است، بدانید که من شما را شاهد می‌گیریم بر اینکه فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را برای علی بن ابی طالب، به رضایت خود تزویج نمودم.

آنگاه خداوند تبارک و تعالی ابر سفیدی را فرستاد تا قطرات خود را به صورت لؤلؤ و زبرجد و یاقوت بر سر آنان ببارد، و پس از آن ملائکه برخاستند و سنبل و قرنفل نثار اهل بهشت کردند، و این سنبل و قرنفل از آنها می‌باشد. پس از آن خداوند ملکی را که نامش راحیل است و در میان ملائکه خطیبی بلیغ‌تر و فصیح‌تر از او وجود ندارد مأموریت داد تا خطبه‌ای بخواند. راحیل خطبه‌ای ایراد نمود که اهل آسمان‌ها و زمین نظیر آن را نشنیده بودند سپس منادی ندا داد: ای ملائکه و ساکنین بهشت، ازدواج علی را که حبیب محمّد است با دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تبریک بگویید، زیرا من هم به ایشان تبریک گفته‌ام. آگاه و شاهد باشید که من بعد از پیامبران، محبوبترین زنان را برای محبوبترین مردان تزویج نمودم. (۱) راحیل گفت: خداوندا! بیش از اینکه ما می‌بینیم و در بهشت به ایشان داده‌ای، چه چیز دیگری به آنها عطا خواهی کرد؟

خدای متعال فرمود: ای راحیل! برکت بیشتری که به آنها می‌دهم، این است که آنان با محبّت من زندگی خواهند کرد و آنان را برای خلق خود حجّت و دلیل قرار می‌دهم، به عزّت و جلالم سوگند، مخلوقی از آنان به وجود می‌آورم و از آن دو، نسلی ایجاد می‌کنم که خزانه داران من در زمین، و معدن علم من، و طرفداران و هدایت‌کنندگان مردم به سوی دین من خواهند بود و بعد از پیامبران و رسولان، به وسیله آنان بر خلق اتمام حجّت خواهم نمود.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[و رسول خدا ادامه داد:] ای علی! به تو مژده می‌دهم زیرا خداوند تو را به قدری گرامی داشته و اکرام کرده که احدی را چنان عزیز و گرامی نداشته. ای علی! من دخترم فاطمه را بر همان چیزی تزویج نمودم که خداوند رحمان او را تزویج نمود، و به آن چیزی برای فاطمه راضی شده‌ام که خدا راضی شده است، اکنون او زن توست و در اختیار تو می‌باشد و تو از من به وی سزاوارتری. و جبرئیل به من خبر داده که بهشت به شما دو نفر اشتیاق دارد و اگر نبود اینکه خداوند عزّ و جلّ مقدّر نموده فرزندانی از شما به وجود بیاید که بر خلق حجّت باشند، در این صورت اشتیاق بهشت و اهل آن را پاسخ می‌داد و شما را هر چه زودتر داخل بهشت می‌نمود. پس ای علی! تو بهترین برادر و بهترین داماد و بهترین مصاحب هستی و برای تو همین بس که خداوند از تو راضی و خشنود است.

علی می‌گوید: به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم گفتم: آیا مقام من به جایی رسیده که در بهشت نامی از من برده شود و خدا ملائکه را برای ازدواج من شاهد بگیرد؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: همانا خدای عزّ و جلّ هر گاه ولی و دوست خود را گرامی بدارد به گونه‌ای گرامی می‌دارد که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد و خداوند این مقام را به تو عطا فرموده است.

علی علیه السّلام گفت: پروردگارا به من توفیق بده تا در برابر نعمت‌های تو شکرگزار باشم. و پیامبر فرمود: آمین.

[متن عربی] ۲۵۴/ ۱۳- تفسیر فرات «۱» عُقْبَةُ بْنُ مُكْرَمٍ الضَّبِّيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَارُونَ الطُّوسِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع مِثْلَهُ وَ فِي آخِرِهِ فَإِنَّمَا حَبَاكَ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ بِمَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع يَا رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى والِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي فَقَالَ النَّبِيُّ ص آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ

ترجمه: (۱) فرات بن ابراهیم کوفی (حدود ۳۳۰ ه) حدیث پیشین را در تفسیر خود نقل کرده و در آخر آن آورده است: همانا خداوند در بهشت تو را به گونه‌ای تکریم نموده که کسی به چشم ندیده و به گوش نشنیده است. پس علی علیه السّلام گفت: پروردگارا! مرا از کسانی قرار ده که به خاطر نعمت‌هایی که به او و پدر و مادرش عطا فرموده‌ای تو را شکرگزار باشند، و عمل صالح و شایسته انجام دهم تا تو راضی و خشنود گردی، و ذرّیه مرا صالح قرار بده. سپس پیامبر فرمود: اجابت فرما ای پروردگار عالمیان و ای بهترین یاری‌کنندگان.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهزا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۲۵۵/ ۱۴- قرب الإسناد «۱» ابْنُ طَرِيف عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ كَانَ فِرَاشُ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ حِينَ دَخَلَتْ عَلَيْهِ إِهَابُ كَبْشٍ إِذَا أَرَادَا أَنْ يَنَامَا عَلَيْهِ قَلَّبَاهُ فَنَامَا عَلَى صُوفِهِ قَالَ وَ كَانَتْ وِسَادَتُهُمَا أَدَماً حَشْوُهَا لِيفٌ قَالَ وَ كَانَ صَدَاقُهَا دِرْعاً مِنْ حَدِيدٍ

ترجمه: (۲) ابو العبّاس عبد اللّه بن جعفر حمیری قمی (ح ۳۱۰ ه) در قرب الاسناد، از امام باقر علیه السّلام روایت کرده که گفت: هنگامی که فاطمه و علی علیهما السّلام ازدواج کردند زیرانداز آنها پوست گوسفند بود که هر گاه می‌خواستند بخوابند آن را برمی‌گردانیدند و روی پشم آن می‌خوابیدند، و متکای آنان از پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند. و امام باقر علیه السّلام می‌گفت: مهریه فاطمه علیها السّلام یک زره آهنی بود.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۵۶/ ۱۵- الأمالی الطوسی «۱» أَبُو عَمْرٍو عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَرْوَزِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ أَتَاهُ أُنَاسٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا إِنَّكَ زَوَّجْتَ عَلِيّاً بِمَهْرٍ خَسِيسٍ فَقَالَ مَا أَنَا زَوَّجْتُ عَلِيّاً وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ زَوَّجَهُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى أَوْحَى اللَّهُ إِلَى السِّدْرَةِ أَنِ انْثُرِي مَا عَلَيْكِ فَنَثَرَتِ الدُّرَّ وَ الْجَوْهَرَ وَ الْمَرْجَانَ فَابْتَدَرَ الْحُورُ الْعِينُ فَالْتَقَطْنَ فَهُنَّ يَتَهَادَيْنَهُ وَ يَتَفَاخَرْنَ وَ يَقُلْنَ هَذَا مِنْ نِثَارِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ الزِّفَافِ أَتَى النَّبِيُّ بِبَغْلَتِهِ الشَّهْبَاءِ وَ ثَنَى عَلَيْهَا قَطِيفَةً وَ قَالَ لِفَاطِمَةَ ارْكَبِي وَ أَمَرَ سَلْمَانَ أَنْ يَقُودَهَا وَ النَّبِيُّ ص يَسُوقُهَا فَبَيْنَمَا هُوَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذْ سَمِعَ النَّبِيُّ ص مَا أَهْبَطَكُمْ إِلَى الْأَرْضِ قَالُوا جِئْنَا نَزُفُّ فَاطِمَةَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَكَبَّرَ جَبْرَئِيلُ وَ كَبَّرَ مِيكَائِيلُ وَ كَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ كَبَّرَ مُحَمَّدٌ ص فَوَقَعَ التَّكْبِيرُ عَلَى الْعَرَائِسِ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ بيان الوجبة السقطة مع الهدة أو صوت الساقط و في بعض النسخ وحية بالحاء المهملة و الياء المثناة و الوحي الكلام الخفي

ترجمه: (۱) شیخ طوسی (۴۶۰ ه) در امالی از جابر بن عبد اللّه رحمه اللّه روایت کند که گفت: هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه را برای علی علیهما السّلام تزویج نمود عدّه‌ای از قریشیان نزد آن حضرت آمده و گفتند: تو دخترت را با مهریّه کم به ازدواج علی علیه السّلام در آوردی. پیامبر گفت: من او را برای علی تزویج نکردم بلکه خداوند عزّ و جلّ در شب معراج او را برای علی علیه السّلام تزویج کرد و وحی کرد به «سدرة المنتهی» که جواهرات خود را به پای ملائک بریزد، و حور العین از آن جواهرات جمع می‌کردند و به داشتن آنها مباهات می‌کردند و می‌گفتند: اینها برگرفته از جواهراتی است که به خاطر ازدواج فاطمه نثار کردند.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

هنگامی که عروسی علی و فاطمه فرا رسید رسول خدا اسب خود به نام «شهباء» را آورد و بر آن قطیفه‌ای افکند و به فاطمه گفت تا بر آن سوار شود، و به سلمان فرمان داد تا افسار آن را به دست گیرد در این حال ناگهان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم متوجه جبرئیل و میکائیل شد که هر یک با هفتاد هزار فرشته دیگر به زمین آمده‌اند، پس از آنها سؤال فرمود: به چه دلیل از آسمان هبوط- فرود آمدن- کرده‌اید؟ گفتند: آمده‌ایم فاطمه را تا خانه علی بدرقه کنیم، پس در آن روز جبرئیل، میکائیل، و ملائکة و محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم همگی تکبیر می‌گفتند و از آن تاریخ، گفتن تکبیر در عروسی‌ها رایج گردید.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۲۵۷/ ۱۶- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص مَا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ إِلَّا بَعْدَ مَا أَمَرَنِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِتَزْوِيجِهَا

ترجمه: (۲) شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده که

فرمود: فاطمه را به ازدواج علی علیه السّلام در نیاوردم مگر پس از آنکه خداوند عزّ و جلّ فرمان ازدواج او با علی علیه السّلام را صادر نمود.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۵۸/ ۱۷- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَزَوِّجْهَا مِنْهُ وَ قَدْ أَمَرْتُ شَجَرَةَ طُوبَى أَنْ تَحْمِلَ الدُّرَّ وَ الْيَاقُوتَ وَ الْمَرْجَانَ وَ إِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ قَدْ فَرِحُوا لِذَلِكَ وَ سَيُولَدُ مِنْهَا وَلَدَانِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ بِهِمَا يُزَيَّنُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَأَبْشِرْ يَا مُحَمَّدُ فَإِنَّكَ خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ ص، «۲» عنه ع مثله «۳»

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا، به سه سند از امام رضا علیه السّلام، از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است: فرشته‌ای به نزد من آمد و گفت: ای محمّد! همانا خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: من فاطمه را برای علی تزویج نمودم، پس تو نیز او را به ازدواج علی درآور، فرمان دادم تا شجره طوبی جواهرات خود را به پای آنها فرو ریزد، و اهل آسمان از این نثار خشنود شدند، و به زودی از او فرزندانی متولّد می‌شود که سروران جوانان اهل بهشت هستند و اهل بهشت به آنها مباهات می‌کنند. پس ای محمّد! بشارت باد بر تو که همانا تو بهترین آدمیان از اوّلین و آخرین آنها هستی. همین حدیث در صحیفة الرضا نیز روایت شده است.

[متن عربی] ۱، ۱۴ ۲۵۹/ ۱۸- الأمالی الطوسی «۱» الْحَفَّارُ عَنِ الْجِعَابِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْعِجْلِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَطْلُبُنِي فَقَالَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

أَيْنَ أَخِي يَا أُمَّ أَيْمَنَ قَالَتْ وَ مَنْ أَخُوكَ قَالَ عَلِيٌّ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ تُزَوِّجُهُ ابْنَتَكَ وَ هُوَ أَخُوكَ قَالَ نَعَمْ أَمَا وَ اللَّهِ يَا أُمَّ أَيْمَنَ لَقَدْ زَوَّجْتُهَا كُفْواً شَرِيفاً وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

ترجمه: (۱) شیخ طوسی در امالی به سندش از علی علیه السّلام روایت کرده: روزی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به دنبال من می‌گشت، پس گفت: ای امّ ایمن! آیا می‌دانی برادرم کجاست؟ امّ ایمن گفت: برادرت چه کسی است؟ فرمود: علی علیه السّلام، گفت: ای رسول خدا! آیا دخترت را به ازدواج برادرت درآوردی؟! فرمود: بله، اما به خداوند سوگند ای امّ ایمن، او را به همسری مردی درآوردم که کفوی شریف و آبرومند در دنیا و آخرت است و او از مقرّبان می‌باشد.

[متن عربی] ۶، ۱۵ ۲۶۰/ ۱۹- ما، الأمالی الطوسی «۲» الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُبَيْشٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي غُنْدَرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْهَرَ فَاطِمَةَ ع رُبُعَ الدُّنْيَا فَرُبُعُهَا لَهَا وَ أَمْهَرَهَا الْجَنَّةَ وَ النَّارَ تُدْخِلُ أَعْدَاءَهَا النَّارَ وَ تُدْخِلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ وَ هِيَ الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى

ترجمه: (۱) و نیز شیخ طوسی در امالی به سندش از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که فرمود:

همانا خداوند تبارک و تعالی مهریّه فاطمه را ربع دنیا قرار داد، پس یک چهارم دنیا به آن حضرت تعلّق دارد، و مهریه او را بهشت و جهنّم قرار داد، بنا بر این دشمنان او داخل جهنّم و آتش می‌شوند و دوستانش داخل بهشت، و او صدّیقه کبری است و بر محور معرفت او تاریخ صدر اسلام شکل گرفت.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۶۱/ ۲۰- قرب الإسناد «۱» مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيّاً فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا عَلَى دِرْعٍ لَهُ حُطَمِيَّةٍ تَسْوَى ثَلَاثِينَ دِرْهَماً

- ۲۶۱/ ۲۱- أَقُولُ سَيَأْتِي فِي تَزْوِيجِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى يَخْطُبُ أُمَّ الْفَضْلِ بِنْتَ عَبْدِ اللَّهِ الْمَأْمُونِ وَ بَذَلَ لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ مَهْرَ جَدَّتِهِ فَاطِمَةَ وَ هُوَ خَمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ جِيَادٍ

ترجمه: (۲) عبد اللّه بن جعفر حمیری در کتاب قرب الاسناد از امام صادق علیه السّلام روایت کرده:

هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه علیها السّلام را به ازدواج علی علیه السّلام درآورد، مهر او را زره حطمیّه قرار داد که ارزش آن سی درهم بود.

علامه مجلسی می‌گوید: در کتاب تزویج امام محمّد تقی از بحار الانوار آمده است که آن حضرت امّ الفضل دختر عبد اللّه مأمون را به مهر جدّه‌اش حضرت فاطمه علیها السّلام، یعنی ۵۰۰ درهم نقره سالم به عقد و ازدواج خود درآورد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۶۲/ ۲۱- الخرائج و الجرائح «۱» رُوِیَ أَنَّهُ لَمَّا کَانَ وَقْتُ زِفَافِ فَاطِمَةَ ع اتَّخَذَ النَّبِیُّ ص طَعَاماً وَ خَبِیصاً وَ قَالَ لِعَلِیٍّ ادْعُ النَّاسَ قَالَ عَلِیٌّ ع جِئْتُ إِلَی النَّاسِ فَقُلْتُ أَجِیبُوا الْوَلِیمَةَ فَأَقْبَلُوا فَقَالَ النَّبِیُّ ص أَدْخِلْ عَشَرَةً فَدَخَلُوا وَ قَدَّمَ إِلَیْهِمُ الطَّعَامَ وَ الثَّرِیدَ فَأَکَلُوا ثُمَّ أَطْعَمَهُمُ السَّمْنَ وَ التَّمْرَ فَلَا یَزْدَادُ الطَّعَامُ إِلَّا بَرَکَةً فَلَمَّا أَطْعَمَ الرِّجَالَ عَمَدَ إِلَی مَا فَضَلَ مِنْهَا فَتَفَلَ فِیهَا وَ بَارَکَ عَلَیْهَا وَ بَعَثَ مِنْهَا إِلَی نِسَائِهِ وَ قَالَ قُلْ لَهُنَّ کُلْنَ وَ أَطْعِمْنَ مَنْ غَشِیَکُنَّ ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص دَعَا بِصَحْفَةٍ فَجَعَلَ فِیهَا نَصِیباً فَقَالَ هَذَا لَکِ وَ لِأَهْلِکِ وَ هَبَطَ جَبْرَئِیلُ فِی زُمْرَةٍ مِنَ الْمَلَائِکَةِ بِهَدِیَّةٍ فَقَالَ لِأُمِّ سَلَمَةَ امْلَئِی الْقَعْبَ مَاءً فَقَالَ لِی یَا عَلِیُّ اشْرَبْ نِصْفَهُ ثُمَّ قَالَ لِفَاطِمَةَ اشْرَبِی وَ أَبْقَی ثُمَّ أَخَذَ الْبَاقِیَ فَصَبَّهُ عَلَی وَجْهِهَا وَ نَحْرِهَا ثُمَّ فَتَحَ السَّلَّةَ فَإِذَا فِیهَا کَعْکٌ وَ مَوْزٌ وَ زَبِیبٌ فَقَالَ هَذَا هَدِیَّةُ جَبْرَئِیلَ ثُمَّ أَقْلَبَ مِنْ یَدِهِ سَفَرْجَلَةً فَشَقَّهَا نِصْفَیْنِ وَ أَعْطَی عَلِیّاً وَ قَالَ هَذِهِ هَدِیَّةٌ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَیْکُمَا وَ أَعْطَی عَلِیّاً نِصْفاً وَ فَاطِمَةَ نِصْفاً

ترجمه: (۱) قطب الدین سعید بن عبد اللّه هبة اللّه راوندی (۵۷۱ ه) در کتاب الخرائج و الجرائح به صورت مرسل روایت کرده است: هنگامی که وقت عروسی حضرت فاطمه فرا رسید پیغمبر اکرم غذایی از خرما و روغن که آن را خبیص می‌گویند، تهیه کرد و به حضرت علی فرمود: مردم را برای ولیمه فاطمه دعوت کن.

امیر المؤمنین علیه السّلام می‌گوید: من نزد مردم آمدم و گفتم: بیایید و از ولیمه عروسی استفاده نمایید! وقتی مردم آمدند، رسول خدا فرمود که ده نفر ده نفر سر سفره حاضر شوند. پیامبر خدا پس از اینکه غذا به آنان داد روغن و خرما هم به ایشان عطا کرد. غذا همچنان برکت می‌کرد، هنگامی که غذای مردها را داد متوجه غذا شد و آب دهان مبارک خود را به آن زد و از خدا خواست که به آن برکت دهد و از آن غذا برای زنانش فرستاد و فرمود: بخورید.

سپس پیغمبر خدا کاسه‌ای خواست و مقداری غذا در میان آن ریخت و به من فرمود: این غذا برای تو و زوجه‌ات می‌باشد. آنگاه جبرئیل با گروهی از ملائکه نازل شدند و هدیه‌ای آوردند.

رسول خدا به امّ سلمه فرمود: این ظرف را پر از آب کن! بعدا به من فرمود: یا علی! نصف این آب را بیاشام! سپس به فاطمه فرمود: تو نیز مقداری از این آب را بیاشام! آنگاه پیامبر خدا باقیمانده آن آب را گرفت و به صورت و گلوی فاطمه پاشید.

رسول خدا پس از این جریان سبدی را باز کرد و مقداری نان قندی و موز و کشمش در میان آن بود پس از آن فرمود: اینها هدیه جبرئیل است. سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم یک گلابی را که فرمود: هدیه بهشتی است، دو قسمت نمود، یک قسمت آن را به علی و قسمت دیگرش را به فاطمه زهرا عطا کرد.

[متن عربی] ۵، ۱۴، ۱، ۱۵، ۲، ۳، ۱۲ ۲۶۳/ ۲۲- مناقب آل أبی طالب «۱» ابْنُ عَبَّاسٍ وَ ابْنُ مَسْعُودٍ وَ جَابِرٌ وَ الْبَرَاءُ وَ أَنَسٌ وَ أُمُّ سَلَمَةَ وَ السُّدِّیُّ وَ ابْنُ سِیرِینَ وَ الْبَاقِرُ ع فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ

نَسَباً وَ صِهْراً «۲» قَالُوا هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع وَ كانَ رَبُّکَ قَدِيراً «۳» الْقَائِمُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لِأَنَّهُ لَمْ يَجْتَمِعْ نَسَبٌ وَ سَبَبٌ فِي الصَّحَابَةِ وَ الْقَرَابَةِ إِلَّا لَهُ فَلِأَجْلِ ذَلِکَ اسْتَحَقَّ الْمِيرَاثَ بِالنَّسَبِ وَ السَّبَبِ وَ فِي رِوَايَةٍ الْبَشَرُ الرَّسُولُ وَ النَّسَبُ فَاطِمَةُ وَ الصِّهْرُ عَلِيٌّ ع

تَفْسِيرُ الثَّعْلَبِيِّ، قَالَ ابْنُ سِيرِينَ نَزَلَتْ فِي النَّبِيِّ وَ عَلِيٍّ زَوْجِ فَاطِمَةَ وَ هُوَ ابْنُ عَمِّهِ وَ زَوْجُ ابْنَتِهِ فَكَانَ نَسَباً وَ صِهْراً

ابْنُ الْحَجَّاجِ بِالْمُصْطَفَى وَ بِصِهْرِهِ وَ وَصِيِّهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ كَعْبُ بْنُ زُهَيْرِ صِهْرُ النَّبِيِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ كُلِّهِمْ

الصَّادِقُ ع أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْ لِفَاطِمَةَ لَا تَعْصِي عَلِيّاً «۱» فَإِنَّهُ إِنْ غَضِبَ غَضِبْتُ لِغَضَبِهِ عُوتِبَ النَّبِيُّ ص فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَوْ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفْوٌ وَ فِي خَبَرٍ لَوْلَاکَ لَمَّا كَانَ لَهَا كُفْوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ «۱» الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفْوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ «۲»

وَ قَالُوا تَزَوَّجَ النَّبِيُّ ص مِنَ الشَّيْخَيْنِ وَ زَوَّجَ مِنْ عُثْمَانَ بِنْتَيْنِ قُلْنَا التَّزْوِيجُ لَا يَدُلُّ عَلَى الْفَضْلِ وَ إِنَّمَا هُوَ مَبْنِيٌّ عَلَى إِظْهَارِ الشَّهَادَتَيْنِ ثُمَّ إِنَّهُ ص تَزَوَّجَ فِي جَمَاعَةٍ وَ أَمَّا عُثْمَانُ فَفِي زَوَاجِهِ خِلَافٌ كَثِيرٌ وَ أَنَّهُ كَانَ زَوَّجَهُمَا مِنْ كَافِرَيْنِ قَبْلَهُ وَ لَيْسَتْ حُكْمُ فَاطِمَةَ مِثْلَ ذَلِکَ لِأَنَّهَا وَلِيدَةُ الْإِسْلَامِ وَ مِنْ أَهْلِ الْعَبَاءِ وَ الْمُبَاهَلَةِ وَ الْمُهَاجَرَةِ فِي أَصْعَبِ وَقْتٍ وَ وَرَدَ فِيهَا آيَةُ التَّطْهِيرِ وَ افْتَخَرَ جَبْرَئِيلُ بِكَوْنِهِ مِنْهُمْ وَ شَهِدَ اللَّهُ لَهُمْ بِالصِّدْقِ وَ لَهَا أُمُومَةُ الْأَئِمَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مِنْهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَقِبُ الرَّسُولِ ص وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ زَوْجُهَا مِنْ أَصْلِهَا وَ لَيْسَ بِأَجْنَبِيٍّ وَ أَمَّا الشَّيْخَانِ فَقَدْ تَوَسَّلَا إِلَى النَّبِيِّ ص بِذَلِکَ وَ أَمَّا عَلِيٌّ فَتَوَسَّلَ النَّبِيُّ ص إِلَيْهِ بَعْدَ مَا رَدَّ خِطْبَتَهُمَا وَ الْعَاقِدُ بَيْنَهُمَا هُوَ اللَّهُ تَعَالَى وَ الْقَابِلُ جَبْرَئِيلُ وَ الْخَاطِبُ رَاحِيلُ وَ الشُّهُودُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ صَاحِبُ النُّثَارِ رِضْوَانُ وَ طَبَقُ النُّثَارِ شَجَرَةُ طُوبَى وَ النُّثَارُ الدُّرُّ وَ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ وَ الرَّسُولُ هُوَ الْمَشَّاطَةُ وَ أَسْمَاءُ صَاحِبَةُ الْحَجَلَةِ وَ وَلِيدُ هَذَا النِّكَاحِ الْأَئِمَّةُ ع

ابْنُ شَاهِينِ الْمَرْوَزِيُّ فِي كِتَابِ فَضَائِلِ فَاطِمَةَ ع بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ أَبِي بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ الْبَلَاذُرِيُّ فِي التَّارِيخِ بِأَسَانِيدِهِ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ خَطَبَ إِلَى النَّبِيِّ ص فَاطِمَةَ ع فَقَالَ أَنْتَظِرُ لَهَا الْقَضَاءَ ثُمَّ خَطَبَ إِلَيْهِ عُمَرُ فَقَالَ أَنْتَظِرُ لَهَا الْقَضَاءَ الْخَبَرَ «۱»

مُسْنَدُ أَحْمَدَ وَ فَضَائِلُهُ وَ سُنَنُ أَبِي دَاوُدَ وَ إِبَانَةُ ابْنِ بَطَّةَ وَ تَارِيخُ الْخَطِيبِ وَ كِتَابُ ابْنِ شَاهِينَ وَ اللَّفْظُ لَهُ بِالْإِسْنَادِ عَنْ خَالِدٍ الْحَذَّاءِ وَ أَبِي أَيُّوبَ وَ عِكْرِمَةَ وَ أَبِي نَجِيحٍ وَ عُبَيْدَةَ بْنِ سُلَيْمَانَ كُلُّهُمْ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ لَمَّا زَوَّجَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةَ عَلِيّاً قَالَ لَهُ النَّبِيُّ أَعْطِهَا شَيْئاً قَالَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ قَالَ فَأَيْنَ دِرْعُکَ الْحُطَمِيَّةُ وَ فِي رِوَايَةٍ غَيْرِهِ أَنَّهُ قَالَ عَلِيٌّ عِنْدِي قَالَ فَأَعْطِهَا إِيَّاهَا «۲»

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

تَارِيخِ الْخَطِيبِ وَ الْبَلَاذُرِيِّ وَ حِلْيَةِ أَبِي نُعَيْمٍ وَ إِبَانَةِ الْعُكْبَرِيِّ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ الثَّوْرِيِّ عَنْ عَلْقَمَةَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ أَصَابَ فَاطِمَةَ صَبِيحَةَ يَوْمِ الْعُرْسِ رِعْدَةٌ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص يَا فَاطِمَةُ زَوَّجْتُكِ سَيِّداً فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ* يَا فَاطِمَةُ لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ أُمْلِكَكِ [يُمْلِكَكِ بِعَلِيٍّ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى جَبْرَئِيلَ فَقَامَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَصَفَّ الْمَلَائِكَةَ صُفُوفاً ثُمَّ خَطَبَ عَلَيْهِمْ فَزَوَّجَكِ مِنْ عَلِيٍّ ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ شَجَرَ الْجِنَانِ فَحَمَلَتِ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَلَ ثُمَّ أَمَرَهَا فَنَثَرَتْهُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَيْئاً أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ غَيْرُهُ افْتَخَرَ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ لَقَدْ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع تَفْتَخِرُ عَلَى النِّسَاءِ لِأَنَّهَا مَنْ خَطَبَ عَلَيْهَا جَبْرَئِيلُ ع «۱» وَ قَدِ اشْتَهَرَ فِي الصِّحَاحِ بِالْأَسَانِيدِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ ابْنِ مَسْعُودٍ وَ جَابِرٍ الْأَنْصَارِيِّ وَ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ وَ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ وَ أُمِّ سَلَمَةَ بِأَلْفَاظٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ مَعَانٍ مُتَّفِقَةٍ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرَ خَطَبَا إِلَى النَّبِيِّ ص فَاطِمَةَ إِنَّهَا صَغِيرَةٌ «۱» وَ رَوَى ابْنُ بَطَّةَ فِي الْإِبَانَةِ أَنَّهُ خَطَبَهَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ فَلَمْ يُجِبْهُ وَ فِي رِوَايَةِ غَيْرِهِ أَنَّهُ قَالَ بِكَذَا مِنَ الْمَهْرِ فَغَضِبَ ص وَ مَدَّ يَدَهُ إِلَى حَصًى فَرَفَعَهَا فَسَبَّحَتْ فِي يَدِهِ فَجَعَلَهَا فِي ذَيْلِهِ فَصَارَتْ دُرّاً وَ مَرْجَاناً يُعَرِّضُ بِهِ جَوَابَ الْمَهْرِ وَ لَمَّا خَطَبَ عَلِيٌّ ع قَالَ سَمِعْتُكِ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَقُولُ كُلُّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ مُنْقَطِعٌ إِلَّا سَبَبِي وَ نَسَبِي «۱» فَقَالَ النَّبِيُّ ص أَمَّا السَّبَبُ فَقَدْ سَبَّبَ اللَّهُ وَ أَمَّا النَّسَبُ فَقَدْ قَرَّبَ اللَّهُ وَ هَشَّ وَ بَشَّ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَ لَكَ شَيْءٌ أُزَوِّجُكَ مِنْهَا فَقَالَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ حَالِي إِنَّ لِي فَرَساً وَ بَغْلًا وَ سَيْفاً وَ دِرْعاً فَقَالَ بِعِ الدِّرْعَ وَ رُوِيَ أَنَّهُ أَتَى سَلْمَانُ إِلَيْهِ وَ قَالَ أَجِبْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ قَالَ أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ زَوَّجَكَ بِهَا فِي السَّمَاءِ قَبْلَ أَنْ أُزَوِّجَكَهَا فِي الْأَرْضِ وَ لَقَدْ أَتَانِي مَلَكٌ وَ قَالَ أَبْشِرْ يَا مُحَمَّدُ بِاجْتِمَاعِ الشَّمْلِ وَ طَهَارَةِ النَّسْلِ قُلْتُ وَ مَا اسْمُكَ قَالَ نَسْطَائِيلُ مِنْ مُوَكَّلِي قَوَائِمِ الْعَرْشِ سَأَلْتُ اللَّهَ هَذِهِ الْبِشَارَةَ وَ جَبْرَئِيلُ عَلَى أَثَرِي

أَبُو بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيّاً ع خَطَبَ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَرْحَباً وَ أَهْلًا فَقِيلَ لِعَلِيٍّ يَكْفِيكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص إِحْدَاهُمَا أَعْطَاكَ الْأَهْلَ وَ أَعْطَاكَ الرَّحْبَ

ابْنُ بَطَّةَ وَ ابْنُ الْمُؤَذِّنِ وَ السَّمْعَانِيُّ فِي كُتُبِهِمْ بِالْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَا بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ص جَالِسٌ إِذْ جَاءَ عَلِيٌّ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مَا جَاءَ بِكَ قَالَ جِئْتُ أُسَلِّمُ عَلَيْكَ قَالَ هَذَا جَبْرَئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَ أَشْهَدَ عَلَى تَزْوِيجِهَا أَرْبَعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى شَجَرَةِ طُوبَى أَنِ انْثُرِي عَلَيْهِمُ الدُّرَّ وَ الْيَاقُوتَ فَنَثَرَتْ عَلَيْهِمُ الدُّرَّ وَ الْيَاقُوتَ فَابْتَدَرْنَ إِلَيْهِ الْحُورُ الْعِينُ يَلْتَقِطْنَ فِي أَطْبَاقِ الدُّرِّ وَ الْيَاقُوتِ وَ هُنَّ يَتَهَادَيْنَهُ بَيْنَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ كَانُوا يَتَهَادَوْنَ وَ يَقُولُونَ هَذِهِ تُحْفَةُ خَيْرِ النِّسَاءِ وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ بَطَّةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ شَيْئاً أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ صَاحِبُهُ أَوْ أَحْسَنَ افْتَخَرَ بِهِ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . ابْنُ مَرْدَوَيْهِ فِي كِتَابِهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلْقَمَةَ قَالَ لَمَّا تَزَوَّجَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ تَنَاثَرَ ثِمَارُ الْجَنَّةِ عَلَى الْمَلَائِكَةِ. عَبْدُ الرَّزَّاقِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أُمِّ أَيْمَنَ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ عَنِ النَّبِيِّ ص وَ عَقَدَ جَبْرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ فِي السَّمَاءِ نِكَاحَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ فَكَانَ جَبْرَئِيلُ الْمُتَكَلِّمَ عَنْ عَلِيٍّ وَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

میکَائیلُ الرَّادَّ عَنِّی وَ فِی حَدِیثِ خَبَّابِ بْنِ الْأَرَتِّ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَی أَوْحَی إِلَی جَبْرَئِیلَ زَوِّجِ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَ کَانَ الْوَلِیُّ اللَّهَ وَ الْخَطِیبُ جَبْرَئِیلَ وَ الْمُنَادِی میکَائِیلَ وَ الدَّاعِی إِسْرَافِیلَ وَ النَّاثِرُ عِزْرَائِیلَ وَ الشُّهُودُ مَلَائِکَةَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ ثُمَّ أَوْحَی إِلَی شَجَرَةِ طُوبَی أَنِ انْثُرِی مَا عَلَیْکِ فَنَثَرَتِ الدُّرَّ الْأَبْیَضَ وَ الْیَاقُوتَ الْأَحْمَرَ وَ الزَّبَرْجَدَ الْأَخْضَرَ وَ اللُّؤْلُؤَ الرَّطْبَ فَبَادَرْنَ الْحُورُ الْعِینُ یَلْتَقِطْنَ وَ یَهْدِینَ بَعْضُهُنَّ إِلَی بَعْضٍ

الصَّادِقُ ع فِی خَبَرٍ أَنَّهُ دَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَالَ أَبْشِرْ یَا عَلِیُّ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ کَفَانِی مَا کَانَ هَمَّنِی مِنْ تَزْوِیجِکَ

ذَکَرَ ابْنُ شَهْرَآشُوبَ مُخْتَصَراً مِمَّا مَرَّ بِرِوَایَةِ الصَّدُوقِ رَحِمَهُ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ وَ قَدْ جَاءَ فِی بَعْضِ الْکُتُبِ أَنَّهُ خَطَبَ رَاحِیلُ فِی الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ فِی جَمْعٍ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ أَوَّلِیَّةِ الْأَوَّلِینَ الْبَاقِی بَعْدَ فَنَاءِ الْعَالَمِینَ نَحْمَدُهُ إِذْ جَعَلَنَا مَلَائِکَةً رُوحَانِیِّینَ وَ بِرُبُوبِیَّتِهِ مُذْعِنِینَ وَ لَهُ عَلَی مَا أَنْعَمَ عَلَیْنَا شَاکِرِینَ حَجَبَنَا مِنَ الذُّنُوبِ وَ سَتَرَنَا مِنَ الْعُیُوبِ أَسْکَنَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَ قَرَّبَنَا إِلَی السُّرَادِقَاتِ وَ حَجَبَ عَنَّا النَّهْمَ لِلشَّهَوَاتِ وَ جَعَلَ نَهْمَتَنَا وَ شَهْوَتَنَا فِی تَقْدِیسِهِ وَ تَسْبِیحِهِ الْبَاسِطِ رَحْمَتَهُ الْوَاهِبِ نِعْمَتَهُ جَلَّ عَنْ إِلْحَادِ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ تَعَالَی بِعَظَمَتِهِ عَنْ إِفْکِ الْمُلْحِدِینَ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ کَلَامٍ اخْتَارَ الْمَلِکُ الْجَبَّارُ صَفْوَةَ کَرَمِهِ وَ عَبْدَ عَظَمَتِهِ لِأَمَتِهِ سَیِّدَةَ النِّسَاءِ بِنْتَ خَیْرِ النَّبِیِّینَ وَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِینَ فَوَصَلَ حَبْلَهُ بِحَبْلِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِهِ وَ صَاحِبِهِ الْمُصَدِّقِ دَعْوَتَهُ الْمُبَادِرِ إِلَی کَلِمَتِهِ- عَلِیٍّ الْوَصُولِ بِفَاطِمَةَ الْبَتُولِ ابْنَةِ الرَّسُولِ وَ رُوِیَ أَنَّ جَبْرَئِیلَ رَوَی عَنِ اللَّهِ تَعَالَی عَقِیبَهَا قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْحَمْدُ رِدَائِی وَ الْعَظَمَةُ کِبْرِیَائِی وَ الْخَلْقُ کُلُّهُمْ عَبِیدِی وَ إِمَائِی زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ أَمَتِی مِنْ عَلِیٍّ صَفْوَتِی اشْهَدُوا مَلَائِکَتِی وَ کَانَ بَیْنَ تَزْوِیجِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ فَاطِمَةَ ع فِی السَّمَاءِ إِلَی تَزْوِیجِهِمَا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعِینَ یَوْماً زَوَّجَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عَلِیٍّ أَوَّلَ یَوْمٍ مِنْ ذِی الْحِجَّةِ وَ رُوِیَ أَنَّهُ کَانَ یَوْمَ السَّادِسِ مِنْهُ

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب مازندرانی (۵۸۸ ه) در کتاب مناقب آل ابی طالب به نقل از ابن عبّاس، ابن مسعود، جابر بن عبد اللّه انصاری، براء بن عازب، انس بن مالک، سدّی، محمّد بن سیرین و امام محمّد باقر علیه السّلام در باره آیه ۵۴ از سوره فرقان که می‌فرماید: «پروردگار شما هموست که از آب بشری خلق می‌کند و آن را نسبت و داماد قرار می‌دهد» نقل کرده که گفتند: منظور از این افراد: حضرت محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السّلام و حضرت قائم در آخر الزمان است، زیرا در میان صحابه نسب و سبب و قرابت جمع نشد مگر برای آن حضرت، بدین جهت است که میراث به وسیله نسب و سبب به افراد می‌رسد.

بنا به روایتی منظور از کلمه بشر که در آیه شریفه است، حضرت رسول و مقصود از نسب حضرت فاطمه و منظور از کلمه صهر (داماد) حضرت علی می‌باشد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

و در تفسیر ثعلبی آمده که ابن سیرین گفته: این آیه در شأن پیامبر و علی علیهما السّلام نازل شد که فاطمه علیها السّلام را به همسری برگزید، و علی پسر عموی پیامبر و شوهر دخترش بود پس نسب و صهر- دامادی- در او جمع شده است. (۱) ابن حجّاج در شعری می‌گوید:

سوگند به مصطفی و به دامادش و سوگند به وصیّ او که در روز غدیر معرفی کرد. و کعب بن زهیر گوید:

داماد پیامبر بهترین مردم است. و امام صادق علیه السّلام فرماید: خداوند متعال به پیامبرش وحی کرد: به فاطمه بگو که با علی مخالفت نداشته و از خواسته‌های او اطاعت کند، زیرا هر گاه او غضب کند، من نیز به سبب غضب او غضبناک می‌گردم. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را در باره تزویج فاطمه به علی علیهما السّلام مورد سرزنش قرار دادند و رسول خدا در پاسخ آنها فرمود: اگر خدای تعالی علی را خلق نمی‌کرد، کفوی برای فاطمه وجود نداشت و هیچ کس شایستگی ازدواج با فاطمه را نداشت.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که فرمود: اگر خداوند تعالی علی علیه السّلام را خلق نکرده بود کسی شایستگی همسری فاطمه علیها السلام را نداشت.

و گفته‌اند: پیامبر عایشه دختر ابو بکر را به زنی گرفت و نیز حفصه دختر عمر بن خطاب را، و دو دخترش را نیز به ازدواج عثمان درآورد- منظور رقیّه و زینب هستند که خواهران بزرگ فاطمه علیها السّلام بودند. می‌گوییم: ازدواج هیچ فضلی را برای آنها اثبات نمی‌کند زیرا اساس در صحّت آن، اظهار شهادتین توسط طرفین است، ضمن آنکه پیامبر فقط از اینها زن نگرفت بلکه اشخاص دیگری نیز وجود داشتند که دخترانشان را تزویج نمود- اگر در ازدواج فضلی باشد پس چرا فقط آن را به اینها نسبت می‌دهید؟- و امّا در باره ازدواج عثمان نیز اختلاف شدید وجود دارد ضمن آنکه دختران رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم قبل از ازدواج با او، با اشخاص دیگری که کافر بودند نیز ازدواج کرده بودند، در حالی که وضعیت حضرت فاطمه غیر از این بود. زیرا او در زمان ظهور اسلام به دنیا آمد، و او از اصحاب کساء و مباهله و از مهاجرینی است که در بدترین شرایط اقدام به مهاجرت نمودند، و در شأن او آیه تطهیر نازل شد، و جبرئیل بر اینکه جزء اصحاب کساء باشد افتخار می‌کرد، و خداوند بر صدق و درستی آنها شهادت داده است و از بطن اوست تمامی ائمه اسلام تا روز قیامت، (۱) و از اوست حسن و حسین و سایر نوادگان پیامبر، و او سرور زنان دو عالم است، و او ازدواج کرد با کسی که چون خودش بود و از ارزشهای او فاصله نداشت. اما ابو بکر و عمر به واسطه دختری که به رسول خدا دادند خود را به پیامبر نزدیک کردند در حالی که در باره علی علیه السّلام چنین نبوده زیرا خود رسول خدا پس از جواب رد دادن به آن دو، دخترش را به علی علیه السّلام تزویج نمود.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

عقدکننده آنها برای یک دیگر خداوند متعال بوده است، و قابل جبرئیل بوده، و خواننده خطبه ملکی به نام راحیل، و شهود عقد حمل‌کنندگان عرش، و نثارکننده بهشت رضوان (خازن بهشت)، و طبق نثار شجره طوبی، و آنچه نثار کردند درّ و یاقوت و مرجان، و واسطه ازدواج علی و فاطمه علیهما السّلام رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بوده و اسماء که از زنان مقدّس بود نگاهبان حجله عروسی- بعدا خواهیم گفت که در این تاریخ اسماء در مدینه نبوده است- و فرزندان و ثمره‌های این ازدواج ائمه طاهرین علیهم السّلام بوده‌اند. ابن شاهین مروزی در فضائل فاطمة به اسنادش از بریده اسلمی، و بلاذری در انساب الاشراف به اسانیدش نقل کرده‌اند که ابو بکر فاطمه را خواستگاری کرد و پیامبر فرمود که در این رابطه منتظر فرمان الهی هستم و سپس عمر خواستگاری کرد و پیامبر به او نیز همین پاسخ را داد.

در مسند احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، سنن ابی داود سجستانی و ابانه ابن بطّه، و تاریخ بغداد، و فضائل فاطمه ابن شاهین مروزی که لفظ حدیث در اینجا از آن است، از خالد حذّاء و ابو ایّوب انصاری و عکرمه و ابو نجیح و عبیده بن سلیمان، و همه آنها از ابن عبّاس روایت کرده‌اند که وقتی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه را به ازدواج علی علیهما السّلام در آورد به او فرمود: چیزی به فاطمه هدیه کن! علی علیه السّلام گفت: چیزی ندارم. پیامبر فرمود: زره حطمیه تو کجاست؟ و در روایات دیگری به جای زره چیزهای دیگر آمده است- علی گفت: همین جاست. پیامبر فرمود: همان را به او هدیه کن.

در تاریخ بغداد، انساب الاشراف، حلیة الاولیاء و الابانه عکبری از سفیان ثوری از اعمش، از ثوری، از علقمه، از ابن مسعود روایت شده است که گفت: در صبح عروسی علی و فاطمه، به نوعی نگرانی برای فاطمه پیش آمد، پیامبر به او فرمود: ای فاطمه! تو را به ازدواج مردی درآوردم که در دنیا سرور و در آخرت از صالحان است. ای فاطمه! هنگامی که خداوند اراده نمود تا تو را به ازدواج علی درآورد، (۱) فرمان داد تا جبرئیل در آسمان چهارم ملائکه را در صف‌هایی منظم کند و برای آنها سخنرانی کند و سپس تو را به ازدواج علی درآورد. سپس خداوند فرمان داد تا درختان بهشت ثمره‌های خود را به پای ملائک بریزند، پس هر که در این روز بیشتر از سایر ملائک از این نثار خداوندی برمی‌گرفت بر دیگری افتخار می‌کند تا روز قیامت.

امّ سلمه می‌گوید: فاطمه علیها السّلام همواره بر سایر زنان برتری می‌جست و فخر می‌فروخت، برای اینکه او کسی بود که جبرئیل خطبه عقدش را خوانده بود.و مشهور است در صحاح اهل سنّت به سندهای مختلف، از امام علی علیه السّلام و ابن عبّاس، و ابن مسعود و جابر و انس و براء بن عازب و امّ سلمه، به الفاظ مختلف و معنی واحد به اینکه:

ابو بکر و عمر از فاطمه خواستگاری کردند پیامبر فرمود: او هنوز کوچک است.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ابن بطه در ابانة روایت کرده که عبد الرحمن نیز از فاطمه خواستگاری کرد و در روایتی آمده است که مهر سنگینی هم پیشنهاد کرد که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم غضب کرد و مقدار زیادی جواهرات گران قیمت را به معجزه‌ای در مقابل او نهاد و با این بیان در واقع به او گفت که «ما را به پول و جواهرات نیازی نیست».

ولی هنگامی که علی علیه السّلام برای خواستگاری آمد، به پیامبر عرضه داشت: ای رسول خدا! شنیده‌ام که فرمودید: هر سبب و نسبی در روز قیامت منقطع خواهد بود جز سبب من. پیامبر فرمود: امّا سبب که از جانب خداوند است، و امّا نسب نیز چیزی است که خداوند اسباب آن را فراهم می‌کند. و سپس چهره پیامبر فروزان شد و بشّاش شد و گفت: آیا تصمیم داری که با فاطمه ازدواج کنی؟ علی گفت: حال من بر شما مخفی نیست و می‌دانید که فقط یک اسب، الاغ، شمشیر و زره دارم. پیامبر فرمود: زره را بفروش.

و روایت شده که سلمان نزد علی علیه السّلام آمد و گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تو را احضار کرده. سپس هنگامی که علی علیه السّلام داخل شد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: مژده باد ای علی که خداوند متعال فاطمه را در آسمان به تو تزویج نموده قبل از آنکه در زمین چنین ازدواجی رخ داده باشد و فرشته‌ای نزد من آمده و گفت: بشارت باد بر تو ای محمّد به اجتماع و یگانگی آنها و طهارت و پاکی نسلشان، گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نسطائیل و یکی از موکّلان عرش هستم

و از خدا خواستم تا به من اجازه دهد که بشارت این وصلت را من به تو بدهم. (۱) ابو بریده از پدرش روایت کرده: علی علیه السّلام از فاطمه خواستگاری کرد و رسول خدا فرمود: مرحبا و اهلا. سپس به علی علیه السّلام گفته شد: برای تو کافی بود که رسول خدا یکی از آنها را نثارت کند: اهل و یا طاقت، توان فراخی سینه و صبوری را.

ابن بطه، ابن مؤذن و سمعانی در کتابهایشان- یعنی الابانة، اربعین و فضائل الصحابه- با سندهایشان از ابن عبّاس و انس بن مالک روایت کرده‌اند: روزی رسول خدا نشسته بود که علی علیه السّلام نزد او آمد، رسول خدا به او گفت: ای علی، برای چه کاری آمده‌ای؟ علی گفت:

آمده‌ام تا بر شما سلام کنم. رسول خدا گفت: هم اکنون جبرئیل بر من نازل شده و خبر داد که خداوند فاطمه را برای تو تزویج نموده و بر ازدواج شما چهل هزار ملک را شاهد گرفته، و به شجره طوبی فرمان داده تا درّ و یاقوت خود را به پای ملائک بریزد و او نیز چنان کرده و حوری‌های بهشتی از آن جواهرات بهشتی در طبق‌های مختلف جمع کرده‌اند و برداشتن آنها تا روز قیامت به یک دیگر مباهات می‌کنند و به یک دیگر می‌گویند: اینها تحفه ازدواج بهترین زنان است.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهزا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

و در روایت ابن بطه از عبد اللّه بن عبّاس آمده است: هر کس در این روز جواهرات بیشتری جمع کرده باشد تا روز قیامت بر سایر فرشتگان مباهات خواهد کرد.

ابن مردویه اصفهانی در کتابش، به سندش از علقمه روایت کرده: روزی که علی و فاطمه عروسی کردند ثمره‌های بهشتی به پای ملائک ریخته شد.و عبد الرّزاق صنعایی به سندش از امّ ایمن در خبری طویل از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آورده است:خطبه ازدواج علی و فاطمه را جبرئیل و میکائیل در آسمانها خواندند و در آن هنگام جبرئیل وکیل علی و میکائیل وکیل فاطمه بود.

و در حدیث خبّاب بن ارت آمده: خداوند به جبرئیل وحی نمود: نور را با نور تزویج کن! و پس ولیّ و صاحب اختیار خدا بود، و خطیب جبرئیل، و منادی میکائیل، داعی اسرافیل، و نثارکننده عزرائیل، و شهود عقد ملائکه آسمانها و زمین‌ها. سپس به شجره طوبی وحی کرد تا جواهراتش را نثار ملائکه کند و او نیز چنین کرد و حوریان آنها را جمع می‌کردند و به آنها مباهات می‌نمودند.

(۱) و از امام صادق علیه السّلام در خبری آمده است: رسول خدا علی را صدا زده و گفت: بشارت باد تو را که خداوند تو را از غمی که در باره ازدواج داشتی، کفایت کرد. و سپس ابن شهر آشوب، پس از ذکر مختصر آنچه گذشت، و آن را به روایت شیخ صدوق بیان کرد، می‌گوید: در بعضی از کتابها آمده است که راحیل- از فرشتگان مقرّب الهی- خطبه عقد فاطمه را در آسمان هفتم خوانده است نه جبرئیل در آسمان چهارم، و در خطبه چنین گفته:

حمد خدایی را که ازلی است و قبل از هر موجودی وجود داشته، و باقی است بعد از آنکه همه موجودات فانی می‌شوند، حمد و سپاس می‌گوییم او را که ملائکه روحانی را آفرید و ما را از آنان قرار داد، و به ربوبیّت و مقام الهی او اذعان می‌کنیم، و او را به دلیل نعمتهایی که به ما عطا فرموده شکر می‌گوییم. سپاس می‌گزاریم به دلیل اینکه ما را از ارتکاب گناه نگاه داشته و عیب‌های ما را پوشانیده، و ما را در آسمانها جای داده، و به ملکوت خویش نزدیک فرموده، و میل به شهوات را از ما پوشانده، و تمام همّت و شهوت ما را معطوف به تقدیس و تسبیح خود نموده است. همانا حمد و سپاس اختصاص به خدایی دارد که رحمتش را بسط داده، نعمتش را بی‌هیچ محدودیتی بخشش نموده، و بالاتر از آن است که الحاد مشرکین زمین و عناد و دشمنی ملحدین خدشه‌ای در جلال و عظمت کبریائیش ایجاد نماید،- و سپس گفت:- خداوندی که مالک همه کس و همه چیز است فاطمه علیها السّلام سرور زنان و دختر بهترین انبیا و سرور مرسلین و امام متقین را در نظر گرفته و او را به مردی از اهل رسول خدا و مصاحب او، که تصدیق‌کننده نبوّت او بوده و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزیده پیوند می‌دهد و آنها را به ازدواج یک دیگر درمی‌آورد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

سپس روایت می‌کند: جبرئیل در دنباله آن خطبه، قول خداوند عزّ و جلّ را نقل کرد:

الحمد للّه ردائی، و العظمة کبریائی، و الخلق کلّهم عبیدی و إمائی، زوّجت فاطمة أمتی من علیّ صفوتی، اشهدوا ملائکتی.و بین تزویج فاطمه در آسمان و تزویج او در زمین چهل روز بوده است، و رسول خدا او را در اول ذی حجه و به روایتی در ششم ذی حجه به ازدواج علی علیه السّلام درآورد.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۶۴/ ۲۳- معانی الأخبار «۱» الخصال «۲» و الأمالی «۳» ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع يَقُولُ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص جَالِسٌ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ لَهُ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ وَجْهاً فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ لَمْ أَرَكَ فِي مِثْلِ هَذِهِ الصُّورَةِ فَقَالَ الْمَلَكُ لَسْتُ بِجَبْرَئِيلَ أَنَا مَحْمُودٌ بَعَثَنِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أُزَوِّجَ النُّورَ مِنَ النُّورِ قَالَ مَنْ مِمَّنْ فَقَالَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ قَالَ فَلَمَّا وَلَّى الْمَلَكُ إِذاً بَيْنَ كَتِفَيْهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَصِيُّهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مُنْذُ كَمْ كُتِبَ هَذَا بَيْنَ كَتِفَيْكَ فَقَالَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ بِاثْنَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ وَ فِي رِوَايَةٍ بِأَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ

ترجمه: (۱) شیخ ابو جعفر صدوق در کتاب معانی الاخبار از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام روایت می‌کند که فرمود:زمانی رسول خدا نشسته بود، ملکی به حضور آن حضرت مشرف شد که دارای بیست و چهار صورت بود

رسول اکرم به او فرمود: ای حبیب من جبرئیل! من تا به حال تو را با این صورت ندیده بودم؟

گفت: من جبرئیل نیستم، بلکه نام من «محمود» است. خدا مرا فرستاده که نور را برای نور تزویج نمایم.

پیغمبر خدا فرمود: که را برای که تزویج کنی؟گفت: فاطمه را برای علی، هنگامی که آن ملک مراجعت نمود، دیدند در میان دو کتف او نوشته بود: محمّد رسول خدا و علی جانشین اوست. پیغمبر خدا به وی فرمود: چند وقت است که این عبارت در میان دو کتف تو نوشته شده است؟

گفت: بیست دو هزار سال قبل از اینکه حضرت آدم آفریده شود.

[متن عربی] ۲۶۵/ ۲۴- مناقب آل أبی طالب «۱» عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ حَدَّثَنَا أَبُو هُرَيْرَةَ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِيِّ فِي حَدِيثٍ مَحْمُودٍ وَ أَنْبَأَنِي أَبُو يَعْلَى الْعَطَّارُ وَ أَبُو الْمُؤَيَّدِ الْخَطِيبُ بِنَحْوِ هَذَا الْخَبَرِ إِلَّا أَنَّهُمَا رَوَيَا مَلَكٌ لَهُ عِشْرُونَ رَأْساً فِي كُلِّ رَأْسٍ أَلْفُ لِسَانٍ وَ كَانَ اسْمُ الْمَلَكِ صَرْصَائِيلَ

أَبُو بَكْرٍ مَرْدَوَيْهِ فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ وَ كِتَابِ أَبِي الْقَاسِمِ سُلَيْمَانَ الطَّبَرِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ شُعْبَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ كِلَاهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ «۲» كِتَابُ ابْنِ مَرْدَوَيْهِ قَالَ ابْنُ سِيرِينَ قَالَ عُبَيْدَةُ إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ ذَكَرَ عَلِيّاً فَقَالَ ذَاكَ صِهْرُ رَسُولِ اللَّهِ ص نَزَلَ جَبْرَئِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ابْنُ شَاهِينٍ بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ النَّبِيُّ ص أُمِرْتُ بِتَزْوِيجِكَ مِنَ الْبَيْضَاءِ وَ فِي رِوَايَةٍ مِنَ السَّمَاءِ الضَّحَّاكُ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ لِفَاطِمَةَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مِمَّنْ قَدْ عَرَفْتِ قَرَابَتَهُ وَ فَضْلَهُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ إِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُزَوِّجَكِ خَيْرَ خَلْقِهِ وَ أَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ وَ قَدْ ذَكَرَ مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً فَمَا تَرَيْنَ فَسَكَتَتْ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ سُكُوتُهَا إِقْرَارُهَا «۱» وَ رَوَى ابْنُ مَرْدَوَيْهِ أَنَّهُ ص قَالَ لِعَلِيٍّ تَكَلَّمْ خَطِيباً لِنَفْسِكَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرُبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَ دَنَا مِنْ سَائِلِيهِ وَ وَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ وَ أَنْذَرَ بِالنَّارِ مَنْ يَعْصِيهِ نَحْمَدُهُ عَلَى قَدِيمِ إِحْسَانِهِ وَ أَيَادِيهِ حَمْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ خَالِقُهُ وَ بَارِيهِ وَ مُمِيتُهُ وَ مُحْيِيهِ وَ مُسَائِلُهُ عَنْ مَسَاوِيهِ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَسْتَكْفِيهِ وَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةً تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِيهِ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ص صَلَاةً تُزْلِفُهُ وَ تُحْظِيهِ وَ تَرْفَعُهُ وَ تَصْطَفِيهِ وَ النِّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ يَرْضِيهُ وَ اجْتِمَاعُنَا مِمَّا قَدَّرَهُ اللَّهُ وَ أَذِنَ فِيهِ وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ ص زَوَّجَنِي ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ عَلَى خَمْسِمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ قَدْ رَضِيتُ فَاسْأَلُوهُ وَ اشْهَدُوا «۱» وَ فِي خَبَرٍ وَ قَدْ زَوَّجْتُكَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَى مَا زَوَّجَكَ الرَّحْمَنُ وَ قَدْ رَضِيتُ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ لَهَا فَدُونَكَ أَهْلَكَ فَإِنَّكَ أَحَقُّ بِهَا مِنِّي وَ فِي خَبَرٍ فَنِعْمَ الْأَخُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الْخَتَنُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الصَّاحِبُ أَنْتَ وَ كَفَاكَ بِرِضَى اللَّهِ رِضًى فَخَرَّ عَلِيٌّ سَاجِداً شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ يَقُولُ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ «۲» الْآيَةَ فَقَالَ النَّبِيُّ ص آمِينَ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ قَالَ النَّبِيُّ ص بَارَكَ اللَّهُ عَلَيْكُمَا وَ بَارَكَ فِيكُمَا وَ أَسْعَدَ جَدَّكُمَا وَ جَمَعَ بَيْنَكُمَا وَ أَخْرَجَ مِنْكُمَا الْكَثِيرَ الطَّيِّبَ ثُمَّ أَمَرَ النَّبِيُّ ص بِطَبَقِ بُسْرٍ وَ أَمَرَ بِنَهْبِهِ وَ دَخَلَ حُجْرَةَ النِّسَاءِ وَ أَمَرَ بِضَرْبِ الدَّفِّ

الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع فِي خَبَرِ زَوَّجَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةَ عَلِيّاً عَلَى أَرْبَعِمِائَةٍ وَ ثَمَانِينَ دِرْهَماً وَ رُوِيَ أَنَّ مَهْرَهَا أَرْبَعُمِائَةِ مِثْقَالِ فِضَّةٍ. و رُوِيَ أَنَّهُ كَانَ خَمْسَمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ هُوَ أَصَحُّ «۱» وَ سَبَبُ الْخِلَافِ فِي ذَلِكَ مَا

رَوَى عَمْرُو بْنُ أَبِي الْمِقْدَامِ وَ جَابِرٌ الْجُعْفِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ صَدَاقُ فَاطِمَةَ بُرْدَ حِبَرَةٍ وَ إِهَابَ شَاةٍ عَلَى عِرَارٍ وَ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ كَانَ صَدَاقُ فَاطِمَةَ دِرْعَ حُطَمِيَّةٍ وَ إِهَابَ كَبْشٍ أَوْ جَدْيٍ رَوَاهُ أَبُو يَعْلَى فِي الْمُسْنَدِ عَنْ مُجَاهِدٍ

كَافِي الْكُلَيْنِيِّ زَوَّجَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَى جَرْدِ بُرْدٍ وَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ ص قَدْ عَلِمْنَا مَهْرَ فَاطِمَةَ فِي الْأَرْضِ فَمَا مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ قَالَ سَلْ عَمَّا يَعْنِيكَ وَ دَعْ مَا لَا يَعْنِيكَ قِيلَ هَذَا مِمَّا يَعْنِينَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ كَانَ مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ خُمُسَ الْأَرْضِ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُغْضَباً لَهَا وَ لِوُلْدِهَا مَشَى عَلَيْهَا حَرَاماً إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ

وَ فِي الْجِلَاءِ وَ الشِّفَاءِ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ عَنِ الْبَاقِرِ ع وَ جُعِلَتْ نِحْلَتُهَا مِنْ عَلِيٍّ خُمُسَ الدُّنْيَا وَ ثُلُثَ الْجَنَّةِ وَ جُعِلَتْ لَهَا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ الْفُرَاتُ وَ نِيلُ مِصْرَ وَ نَهْرَوَانُ وَ نَهَرُ بَلْخٍ فَزَوِّجْهَا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ بِخَمْسِمِائَةِ دِرْهَمٍ تَكُونُ سُنَّةً لِأُمَّتِكَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

وَ فِی حَدِیثِ خَبَّابِ بْنِ الْأَرَتِّ ثُمَّ قَالَ النَّبِیُّ ص زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ ابْنَتِی مِنْکَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَی عَلَی صَدَاقِ خُمُسِ الْأَرْضِ وَ أَرْبَعمِائَةِ وَ ثَمَانِینَ دِرْهَماً الْآجِلُ خُمُسُ الْأَرْضِ وَ الْعَاجِلُ أَرْبَعُمِائَةٍ وَ ثَمَانِینَ دِرْهَماً

وَ قَدْ رُوِیَ حَدِیثُ خُمُسِ الْأَرْضِ عَنِ الصَّادِقِ ع عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ شُعَیْبٍ

إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ وَ أَبُو بَصِیرٍ قَالَ الصَّادِقُ ع إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی مَهَرَ فَاطِمَةَ رُبُعَ الدُّنْیَا فَرُبُعُهَا لَهَا وَ مَهْرُهَا الْجَنَّةُ وَ النَّارُ فَتُدْخِلُ أَوْلِیَاءَهَا الْجَنَّةَ وَ أَعْدَاءَهَا النَّارَ أَمَالِی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ قَالَ الصَّادِقُ ع فِی خَبَرٍ وَ سَکَبَ الدَّرَاهِمَ فِی حَجْرِهِ فَأَعْطَی مِنْهَا قَبْضَةً کَانَتْ ثَلَاثَةً وَ سِتِّینَ أَوْ سِتَّةً وَ سِتِّینَ إِلَی أُمِّ أَیْمَنَ لِمَتَاعِ الْبَیْتِ وَ قَبْضَةً إِلَی أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَیْسٍ لِلطِّیبِ وَ قَبْضَةً إِلَی أُمِّ سَلَمَةَ لِلطَّعَامِ وَ أَنْفَذَ عَمَّاراً وَ أَبَا بَکْرٍ وَ بِلَالًا لِابْتِیَاعِ مَا یُصْلِحُهَا. أَقُولُ ثُمَّ ذَکَرَ نَحْواً مِمَّا نَقَلْنَا عَنْ أَمَالِی الشَّیْخِ إِلَی قَوْلِهِ وَ جَرَّةً خَضْرَاءَ وَ کِیزَانِ خَزَفٍ. ثُمَّ قَالَ وَ فِی رِوَایَةٍ وَ نَطْعٍ مِنْ أَدَمٍ وَ عَبَاءِ قَطَوَانِیٍّ وَ قِرْبَةِ مَاءٍ. وَهْبُ بْنُ وَهْبٍ الْقُرَشِیُّ وَ کَانَ مِنْ تَجْهِیزِ عَلِیٍّ دَارَهُ انْتِشَارُ رَمْلٍ لَیِّنٍ وَ نَصْبُ خَشَبَةٍ مِنْ حَائِطٍ إِلَی حَائِطٍ لِلثِّیَابِ وَ بَسْطُ إِهَابِ کَبْشٍ وَ مِخَدَّةُ لِیفٍ

أَبُو بَکْرٍ مَرْدَوَیْهِ فِی حَدِیثِهِ فَمَکَثَ عَلِیٌّ تِسْعاً وَ عِشْرِینَ لَیْلَةً فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ وَ عَقِیلٌ سَلْهُ أَنْ یُدْخِلَ عَلَیْکَ أَهْلَکَ فَعَرَفَتْ أُمُّ أَیْمَنَ ذَلِکَ وَ قَالَتْ هَذَا مِنْ أَمْرِ النِّسَاءِ وَ خَلَتْ بِهِ أُمُّ سَلَمَةَ فَطَالَبَتْهُ بِذَلِکَ فَدَعَاهُ النَّبِیُّ ص وَ قَالَ حُبّاً وَ کَرَامَةً فَأَتَی الصَّحَابَةُ بِالْهَدَایَا فَأَمَرَ بِطَحْنِ الْبُرِّ وَ خَبْزِهِ وَ أَمَرَ عَلِیّاً بِذَبْحِ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ فَکَانَ النَّبِیُّ ص یَفْصِلُ وَ لَمْ یُرَ عَلَی یَدِهِ أَثَرُ دَمٍ فَلَمَّا فَرَغُوا مِنَ الطَّبْخِ أَمَرَ النَّبِیُّ ص أَنْ یُنَادَی عَلَی رَأْسِ دَارِهِ أَجِیبُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ ذَلِکَ کَقَوْلِهِ وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ «۱» فَأَجَابُوا مِنَ النَّخَلَاتِ وَ الزُّرُوعِ فَبَسَطَ النُّطُوعَ فِی الْمَسْجِدِ وَ صَدَرَ النَّاسُ وَ هُمْ أَکْثَرُ مِنْ أَرْبَعَةِ آلَافِ رَجُلٍ وَ سَائِرُ نِسَاءِ الْمَدِینَةِ وَ رَفَعُوا مِنْهَا مَا أَرَادُوا وَ لَمْ یَنْقُصْ مِنَ الطَّعَامِ شَیْءٌ ثُمَّ عَادُوا فِی الْیَوْمِ الثَّانِی وَ أَکَلُوا وَ فِی الْیَوْمِ الثَّالِثِ أَکَلُوا مَبْعُوثَةَ أَبِی أَیُّوبَ ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِالصِّحَافِ فَمُلِئَتْ وَ وَجَّهَ إِلَی مَنَازِلِ أَزْوَاجِهِ ثُمَّ أَخَذَ صَحْفَةً وَ قَالَ هَذَا لِفَاطِمَةَ وَ بَعْلِهَا ثُمَّ دَعَا فَاطِمَةَ وَ أَخَذَ یَدَهَا فَوَضَعَهَا فِی یَدِ عَلِیٍّ وَ قَالَ بَارَکَ اللَّهُ لَکَ فِی ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ یَا عَلِیُّ نِعْمَ الزَّوْجُ فَاطِمَةُ وَ یَا فَاطِمَةُ نِعْمَ الْبَعْلُ عَلِیٌّ وَ کَانَ النَّبِیُّ ص أَمَرَ نِسَاءَهُ أَنْ یُزَیِّنَّهَا وَ یُصْلِحْنَ مِنْ شَأْنِهَا فِی حُجْرَةِ أُمِّ سَلَمَةَ فَاسْتَدْعَیْنَ مِنْ فَاطِمَةَ ع طِیباً فَأَتَتْ بِقَارُورَةٍ فَسُئِلَتْ عَنْهَا فَقَالَتْ کَانَ دِحْیَةُ الْکَلْبِیُّ یَدْخُلُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص فَیَقُولُ لِی یَا فَاطِمَةُ هَاتِی الْوِسَادَةَ فَاطْرَحِیهَا لِعَمِّکِ فَکَانَ إِذَا نَهَضَ سَقَطَ مِنْ بَیْنِ ثِیَابِهِ شَیْءٌ فَیَأْمُرُنِی بِجَمْعِهِ فَسُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِکَ فَقَالَ هُوَ عَنْبَرٌ یَسْقُطُ مِنْ أَجْنِحَةِ جَبْرَئِیلَ وَ أَتَتْ بِمَاءٍ وَرْدٍ فَسَأَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَنْهُ فَقَالَتْ هَذَا عَرَقُ رَسُولِ اللَّهِ ص کُنْتُ آخُذُهُ عِنْدَ قَیْلُولَةِ النَّبِیِّ ص عِنْدِی وَ رُوِیَ أَنَّ جَبْرَئِیلَ أَتَی بِحُلَّةٍ قِیمَتُهَا الدُّنْیَا فَلَمَّا لَبِسَتْهَا تَحَیَّرَتْ نِسْوَةُ قُرَیْشٍ مِنْهَا وَ قُلْنَ مِنْ أَیْنَ لَکِ هَذَا قَالَتْ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

تَارِیخُ الْخَطِیبِ وَ کِتَابُ ابْنِ مَرْدَوَیْهِ وَ ابْنُ الْمُؤَذِّنِ وَ شِیرَوَیْهِ الدَّیْلَمِیُّ بِأَسَانِیدِهِمْ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْجَعْدِ عَنِ ابْنِ بِسْطَامَ عَنْ شُعْبَةَ بْنِ الْحَجَّاجِ وَ عَنْ عُلْوَانَ عَنْ شُعْبَةَ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الضُّبَعِیِّ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ جَابِرٍ أَنَّهُ لَمَّا کَانَتِ اللَّیْلَةُ الَّتِی

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

زُفَّتْ فَاطِمَةُ إِلَى عَلِيٍّ ع كَانَ النَّبِيُّ ص أَمَامَهَا وَ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِهَا وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهَا وَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ خَلْفِهَا يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ .كِتَابُ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ عَنِ ابْنِ بَابَوَيْهِ فِي خَبَرٍ أَمَرَ النَّبِيُّ ص بَنَاتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ نِسَاءَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ أَنْ يَمْضِينَ فِي صُحْبَةِ- فَاطِمَةَ وَ أَنْ يَفْرَحْنَ وَ يَرْجُزْنَ وَ يُكَبِّرْنَ وَ يَحْمَدْنَ وَ لَا يَقُلْنَ مَا لَا يُرْضِي اللَّهَ قَالَ جَابِرٌ فَأَرْكَبَهَا عَلَى نَاقَتِهِ وَ فِي رِوَايَةٍ عَلَى بَغْلَتِهِ الشَّهْبَاءِ وَ أَخَذَ سَلْمَانُ زِمَامَهَا وَ حَوْلَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ وَ النَّبِيُّ ص وَ حَمْزَةُ وَ عَقِيلٌ وَ جَعْفَرٌ وَ أَهْلُ الْبَيْتِ يَمْشُونَ خَلْفَهَا مُشْهِرِينَ سُيُوفَهُمْ وَ نِسَاءُ النَّبِيِّ ص قُدَّامَهَا يَرْجُزْنَ فَأَنْشَأَتْ أُمُّ سَلَمَةَ شِعْراً

سِرْنَ بِعَوْنِ اللَّهِ جَارَاتِي ... وَ اشْكُرْنَهُ فِي كُلِّ حَالَاتِ

وَ اذْكُرْنَ مَا أَنْعَمَ رَبُّ الْعُلَى ... مِنْ كَشْفِ مَكْرُوهٍ وَ آفَاتِ

فَقَدْ هَدَانَا بَعْدَ كُفْرٍ وَ قَدْ ... أَنْعَشَنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ

وَ سِرْنَ مَعَ خَيْرِ نِسَاءِ الْوَرَى ... تَفْدِي بِعَمَّاتٍ وَ خَالَاتِ

يَا بِنْتَ مَنْ فَضَّلَهُ ذُو الْعُلَى ... بِالْوَحْيِ مِنْهُ وَ الرِّسَالَاتِ

ثُمَّ قَالَتْ عَائِشَةُ شِعْراً

يَا نِسْوَةً اسْتُرْنَ بِالْمَعَاجِرِ ... وَ اذْكُرْنَ مَا يَحْسُنُ فِي الْمَحَاضِرِ

وَ اذْكُرْنَ رَبَّ النَّاسِ إِذْ يَخُصُّنَا ... بِدِينِهِ مَعَ كُلِّ عَبْدٍ شَاكِرِ

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى إِفْضَالِهِ ... وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ الْعَزِيزِ الْقَادِرِ

سِرْنَ بِهَا فَاللَّهُ أَعْطَى ذِكْرَهَا ... وَ خَصَّهَا مِنْهُ بِطُهْرٍ طَاهِرِ

ثُمَّ قَالَتْ حَفْصَةُ شِعْراً

فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءِ الْبَشَرِ ... وَ مَنْ لَهَا وَجْهٌ كَوَجْهِ الْقَمَرِ

فَضَّلَكِ اللَّهُ عَلَى كُلِّ الْوَرَى ... بِفَضْلِ مَنْ خَصَّ بِآيِ الزُّمَرِ

زَوَّجَكِ اللَّهُ فَتًى فَاضِلًا ... أَعْنِي عَلِيّاً خَيْرَ مَنْ فِي الْحَضَرِ

فَسِرْنَ جَارَاتِي بِهَا إِنَّهَا ... كَرِيمَةٌ بِنْتُ عَظِيمِ الْخَطَرِ

ثُمَّ قَالَتْ مُعَاذَةُ أُمُّ سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ شِعْراً

أَقُولُ قَوْلًا فِيهِ مَا فِيهِ ... وَ أَذْكُرُ الْخَيْرَ وَ أُبْدِيهِ

مُحَمَّدٌ خَيْرُ بَنِي آدَمَ ... مَا فِيهِ مِنْ كِبْرٍ وَ لَا تِيهِ

بِفَضْلِهِ عَرَّفَنَا رُشْدَنَا ... فَاللَّهُ بِالْخَيْرِ يُجَازِيهِ

وَ نَحْنُ مَعَ بِنْتِ نَبِيِّ الْهُدَى ... ذِي شَرَفٍ قَدْ مُكِّنَتْ فِيهِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فی ذِرْوَةِ شَامِخَةِ أَصْلُهَا فَمَا أَرَى شَيْئاً يُدَانِيهِ

وَ كَانَتِ النِّسْوَةُ يُرَجِّعْنَ أَوَّلَ بَيْتٍ مِنْ كُلِّ رَجَزٍ ثُمَّ يُكَبِّرْنَ وَ دَخَلْنَ الدَّارَ ثُمَّ أَنْفَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى عَلِيٍّ وَ دَعَاهُ إِلَى الْمَسْجِدِ ثُمَّ دَعَا فَاطِمَةَ فَأَخَذَ يَدَيْهَا وَ وَضَعَهَا فِي يَدِهِ وَ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ. كتاب ابْنِ مَرْدَوَيْهِ أَنَّ النَّبِيَّ سَأَلَ مَاءً فَأَخَذَ مِنْهُ جُرْعَةً فَتَمَضْمَضَ بِهَا ثُمَّ مَجَّهَا فِي الْقَعْبِ ثُمَّ صَبَّهَا عَلَى رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ أَقْبِلِي فَلَمَّا أَقْبَلَتْ نَضَحَ مِنْ بَيْنِ ثَدْيَيْهَا ثُمَّ قَالَ أَدْبِرِي فَلَمَّا أَدْبَرَتْ نَضَحَ مِنْ بَيْنِ كَتِفَيْهَا ثُمَّ دَعَا لَهُمَا كتاب ابْنِ مَرْدَوَيْهِ اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهِمَا وَ بَارِكْ عَلَيْهِمَا وَ بَارِكْ لَهُمَا فِي شِبْلَيْهِمَا وَ رُوِيَ أَنَّهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيَّ فَأَحِبَّهُمَا وَ بَارِكْ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا وَ اجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظاً وَ إِنِّي أُعِيذُهُمَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ رُوِيَ أَنَّهُ دَعَا لَهَا فَقَالَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكِ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكِ تَطْهِيراً. وَ رُوِيَ أَنَّهُ قَالَ مَرْحَباً بِبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ وَ نَجْمَيْنِ يَقْتَرِنَانِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْبَابِ يَقُولُ طَهَّرَكُمَا وَ طَهَّرَ نَسْلَكُمَا أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمَا وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمَا أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ وَ أَسْتَخْلِفُهُ عَلَيْكُمَا وَ بَاتَتْ عِنْدَهَا أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ أُسْبُوعاً بِوَصِيَّةِ خَدِيجَةَ إِلَيْهَا فَدَعَا لَهَا النَّبِيُّ ص فِي دُنْيَاهَا وَ آخِرَتِهَا ثُمَّ أَتَاهُمَا فِي صَبِيحَتِهِمَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَدْخُلُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَفَتَحَتْ أَسْمَاءُ الْبَابَ وَ كَانَا نَائِمَيْنِ تَحْتَ كِسَاءٍ فَقَالَ عَلَى حَالِكُمَا فَأَدْخَلَ رِجْلَيْهِ بَيْنَ أَرْجُلِهِمَا فَأَخْبَرَ اللَّهُ عَنْ أَوْرَادِهِمَا تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ «۱» الْآيَةَ فَسَأَلَ عَلِيّاً كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ قَالَ نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ سَأَلَ فَاطِمَةَ فَقَالَتْ خَيْرُ بَعْلٍ فَقَالَ اللَّهُمَّ اجْمَعْ شَمْلَهُمَا وَ أَلِّفْ بَيْنَ قُلُوبِهِمَا وَ اجْعَلْهُمَا وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَ ارْزُقْهُمَا ذُرِّيَّةً طَاهِرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً وَ اجْعَلْ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا الْبَرَكَةَ وَ اجْعَلْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِكَ إِلَى طَاعَتِكَ وَ يَأْمُرُونَ بِمَا يُرْضِيكَ ثُمَّ أَمَرَ بِخُرُوجِ أَسْمَاءَ وَ قَالَ جَزَاكِ اللَّهُ خَيْراً ثُمَّ خَلَا بِهَا بِإِشَارَةِ الرَّسُولِ ص

وَ رَوَى شُرَحْبِيلُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ لَمَّا كَانَ صَبِيحَةُ عُرْسِ فَاطِمَةَ جَاءَ النَّبِيُّ بِعُسٍّ فِيهِ لَبَنٌ فَقَالَ لِفَاطِمَةَ اشْرَبِي فِدَاكِ أَبُوكِ وَ قَالَ لِعَلِيٍّ اشْرَبْ فِدَاكَ ابْنُ عَمِّكَ

ترجمه: (۱) ابن شهر آشوب (۵۸۸ ه)، به نقل از عبد اللّه بن میمون، از ابو هریره، و از ابو الزبیر، از جابر بن عبد اللّه انصاری در حدیث محمود، و ابو یعلی عطّار، و ابو المؤید خطیب خوارزمی مثل خبر فوق را روایت کرده‌اند. ابو بکر ابن مردویه اصفهانی در فضائل امیر المؤمنین به سندش از انس بن مالک، و از کتاب ابو القاسم سلیمان طبری به سندش از شعبه، از عمرو بن مرّه، از ابراهیم، از مسروق، از ابن مسعود، هر دو از پیامبر روایت کرده‌اند که فرمود: همانا خداوند متعال فرمان داده است تا فاطمه را به ازدواج علی در آورم.

و در کتاب ابن مردویه آمده: ابن سیرین گفت: عبیده گفت: عمر بن خطاب علی علیه السّلام را یاد کرد و گفت: او داماد رسول خداست که جبرئیل در باره او به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: همانا خداوند به تو دستور داده که فاطمه را به ازدواج علی درآوری.

و ابن شاهین مروزی به سندش از ابو ایّوب انصاری از پیامبر گفته: خداوند به من فرمان داد تا تو را به ازدواج علی در آورم.

و ضحّاک از پیامبر نقل کرده که به فاطمه علیها السّلام گفت: همانا علی بن ابی طالب علیه السّلام از کسانی است که مراتب قرابت و فضل او را در اسلام می‌شناسی، و من از خدا خواسته‌ام که تو را به بهترین خلقش تزویج کند و علی در باره ازدواج، تو سخن گفته است، نظر تو چیست؟ فاطمه سکوت کرد، پس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خارج شد و گفت: اللّه اکبر، سکوت او اقرار اوست به رضایت.

و ابن مردویه روایت کرده است که پیامبر به علی گفت: او را برای خودت عقد کن و خطبه بخوان، پس علی علیه السّلام گفت: «حمد و سپاس از آن خداوندی است که به خود نزدیک می‌کند حمدکنندگانش را، و برمی‌آورد حاجتهای حاجتمندان درگاهش را، و وعده کرد بهشت را برای کسانی که تقوا پیشه کردند، و وعده عذاب با آتش داد به کسانی که او را معصیت می‌کنند، حمد و سپاس می‌گوییم بر احسان دیرینه‌اش، حمد گفتن کسی که می‌داند خدا خالق و پرورش دهنده و میراننده و زنده‌کننده او، و نگهدارنده او از بدی‌هاست و یاری می‌جوییم از او و طلب هدایت می‌کنیم، و به او ایمان داریم و به او توکل می‌کنیم، و شهادت می‌دهیم که معبودی غیر از خدای یگانه نیست، واحد است و شریکی ندارد، شهادتی که او را راضی می‌کند، و شهادت می‌دهیم که محمّد بنده و فرستاده اوست، درودی که او را خشنود می‌سازد و رفعت مقامش را نشان می‌دهد. (۱) و نکاح از آن اموری است که خداوند به آن فرمان داده و از آن خشنود می‌شود، و ازدواج ما و اجتماعمان از اموری است که خداوند مقدّر کرده و اجازه داده است، و این رسول خداست که دخترش فاطمه را به مهر پانصد درهم به ازدواج من درمی‌آورد، و من نیز راضی هستم و می‌پذیرم و از شما می‌خواهم که بر این امر شاهد و گواه باشید».

و در خبری آمده است که پیامبر فرمود: دخترم فاطمه را به ازدواج تو درمی‌آورم به مهری که خداوند تعیین کرده، و راضی هستم به آنچه که رضای خدا در آن است، این تو و این خانواده و اهل تو، که همانا تو بر او سزاوارتر از من هستی. و در خبر دیگری آمده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: ای علی! چه برادر نیکویی هستی تو، و چه قوم و خویشی، و چه مصاحب نیکویی، و کافی است که خدا از تو راضی باشد. پس علی علیه السّلام در حالی که سجده کرده بود شکر خدای را به جای آورده و می‌گفت: پروردگارا مرا در مقابل نعمتهایی که ارزانی داشته‌ای شکرگزارم قرار ده! و رسول خدا فرمود: آمین! سپس وقتی علی علیه السّلام سر برداشت، پیامبر به او گفت: مبارک باد بر شما، و خداوند در زندگی شما برکت قرار دهد و جدّ شما را

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

خوشنود سازد و شما را نسبت به هم مهربان گرداند و از شما ثمره‌های پاک خارج نماید، سپس پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دستور داد تا جشن بگیرند.

از امام حسین علیه السّلام روایت شده: پیامبر فاطمه را در مقابل ۴۸۰ درهم از مهر، به ازدواج علی علیه السّلام درآورد، و روایت شده که مهر آن حضرت چهار صد مثقال طلا بوده است، و روایت شده که ۵۰۰ درهم بوده است و روایت اخیر صحیح‌تر است.

و سبب اختلاف روایتی است از امام باقر علیه السّلام که فرموده: مهر فاطمه یک برد یمانی و پوست دبّاغ نشده‌ای از گوسفند زرد رنگ بوده، و از امام صادق علیه السّلام نیز روایت شده که فرمود: مهر فاطمه علیها السّلام یک زره حطمیّه و پوست دباغ نشده او جدی بود. که این روایت را ابو یعلی در مسندش از مجاهد نیز روایت کرده است. (۲) و کلینی در کافی نقل کرده که مهر فاطمه جامه‌ای گرانقیمت بوده است.

و به پیامبر گفته شد: همانا دانستیم که مهر فاطمه در زمین چیست، مهر او در آسمان چه بوده است؟ پیامبر فرمود: سؤال کنید از آن چیزهایی که به نفع شماست نه از آن چیزهایی که خیری برای شما ندارد. گفته شد: این از اموری است که برای ما خیر دارد. پیامبر فرمود: مهر او در آسمان یک پنجم زمین است پس هر که در زمین راه برود در حالی که بر او و فرزندان او غضب کرده باشد، قدم زدن او در زمین حرام است تا روز قیامت. (۱) و در کتاب جلاء و شفاء در ضمن خبری طولانی از امام باقر علیه السّلام نقل شده است که گفت: مهر فاطمه یک پنجم دنیا و یک سوم بهشت بوده است و در زمین چهار نهر برای حضرت فاطمه علیها السّلام است: نهرهای فرات، نیل، نهروان و بلخ. و خداوند به پیامبر فرمود: ای محمّد! تو فاطمه را به مهریّه پانصد درهم به ازدواج علی درآور تا سنّتی در بین امّت تو باشد.

و در حدیث خبّاب بن ارت آمده که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: دخترم فاطمه را به مهریه یک پنجم زمین و ۴۸۰ درهم، به فرمان الهی به ازدواج تو درمی‌آورم، آنچه که بعدا به او تعلّق می‌گیرد یک پنجم زمین است و آنچه از هم اکنون به او تعلّق دارد همان ۴۸۰ درهم است. و حدیث یک پنجم زمین را به نقل از یعقوب بن شعیب، از امام صادق علیه السّلام نیز روایت کرده‌اند. و از امام صادق علیه السّلام روایت کرده‌اند: خداوند متعال مهریه فاطمه را یک چهارم دنیا قرار داده است و در آخرت نیز مهر او را ورود دوستدارانش به بهشت و دشمنانش به جهنّم.

در امالی طوسی از امام صادق علیه السّلام نقل شده: علی علیه السّلام پول‌ها را در دامن پیامبر قرار داد و پیامبر مشتی از آن را که ۶۳ یا ۶۶ درهم بود به امّ ایمن داد تا لوازم ضروری زندگی را خریداری نماید، و مشتی از

آن را به اسماء بنت عمیس داد تا با آن عطر خریداری کند، و مشتی را هم در اختیار امّ سلمه قرار داد تا با آن طعام فراهم کند و ابو بکر و عمّار و بلال را فرستاد تا آنچه را که لازم است خریداری نمایند.

علامه مجلسی گوید: روایت امالی طولانی است تا آنجا که جهیزیه فاطمه را برمی‌شمارد و می‌گوید: سبوی سبز رنگ و دو کوزه سفالی و سپس می‌گوید: و در روایتی آمده: زیراندازی به عنوان سفره، عبای قطوانی و مشکی برای آب. (۲) وهب بن وهب قرشی گوید: از چیزهایی که علی علیه السّلام برای خانه‌اش فراهم کرد، عبارتند از:

۱- پخش کردن ماسه نرم در اتاق

۲- نصب چوبی بین دو دیوار که روی آن لباس پهن می‌کردند- رخت آویز افقی ۳- پهن کردن زیرانداز ۴- قرار دادن یک پشتی در اتاق. (۱) ابو بکر ابن مردویه اصفهانی در حدیثش در باره ازدواج فاطمه علیها السّلام گفته است: علی علیه السّلام بیست و نه شب صبر کرد تا اینکه جعفر و عقیل به او گفتند: از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بخواه تا همسرت را به تو تحویل دهد، و امّ ایمن از این موضوع آگاه شد و گفت: این کارها به زنان مربوط می‌شود. و این مطلب را با امّ سلمه در میان نهاد، و از پیامبر درخواست کردند و پیامبر پذیرفت و صحابه با هدایای خود در جشن عروسی آن دو شرکت کردند و از ولیمه عروسی که به دستور رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فراهم آمده بود، استفاده کردند و نقل کرده‌اند که در آن روز ۴۰۰۰ نفر از آن طعام خوردند و برای زنان خود نیز بردند در حالی که چیزی از آن غذا کم نشد و همچنان باقی ماند با وجود اینکه سه روز از آن تناول می‌کردند. «۱» و روایت شده که در آن شب- شب عروسی- جبرئیل لباسی برای فاطمه آورد که از کثرت زیبایی نمی‌شد قیمت‌گذاری کرد، به طوری که همسران پیامبر از مشاهده آن حیرت کرده بودند و می‌پرسیدند که این لباس از کجاست و او جواب می‌داد: از طرف خدا.

در تاریخ خطیب بغدادی، و کتاب ابن مردویه اصفهانی و ابن مؤذن نیشابوری و ابن شیرویه دیلمی، به اسنادشان از علی بن جعد، از ابن بسطام، از شعبة بن حجّاج، و از علوان، از شعبه، از ابو حمزه ضبعی، از ابن عبّاس و جابر بن عبد اللّه روایت کرده‌اند که در عروسی فاطمه پیامبر در مقابل او، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ و هفتاد هزار ملک در پشت سر فاطمه حرکت می‌کردند و تسبیح و تقدیس خداوند می‌گفتند تا آنکه صبح شد. (۲) در کتاب مولد فاطمه تألیف شیخ صدوق در خبری آمده: پیامبر به دختران عبد المطّلب و زنان مهاجرین و انصار دستور داد تا همراه فاطمه باشند و شادی کنند و رجز بخوانند و تکبیر و تحمید خداوند را بگویند، و چیزی که رضای خدا در آن نباشد بر زبان نیاورند. جابر می‌گوید: فاطمه را بر ناقه‌ای سوار کردند- و در روایتی آمده او را بر شهباء اسب رسول خدا سوار نمودند- و سلمان زمام ناقه را بر دست گرفت و در اطراف

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فاطمه هفتاد هزار ملک بودند و پیامبر و حمزه و عقیل و جعفر و سایر اهل بیت پیامبر با او بودند و در پشت سرش حرکت می‌کردند و زنان پیامبر در مقابل او رجز می‌خواندند، (۱) امّ سلمه شعر می‌خواند:

– ای هووهای من! به یاری خدا با من همراه شوید و خدا را در هر حال سپاس گویید.

– به یاد آورید که خدای بزرگ بر ما منّت نهاد و ما را از بلاها و آفت‌ها رهایی بخشید.

– کافر بودیم ما را راهنمایی و هدایت کرد، فرسوده بودیم ما را توانا نمود.

– همراه بهترین زنان بروید که جان تمام خویشان و بستگان به فدای او باد.

– ای دختر کسی که خدا او را به سبب پیامبری و وحی، او را بر دیگران برتری بخشید.

سپس عایشه گفت:– ای زنان، خود را پوشیده دارید و جز سخنان نیکو سخنی بر زبان نرانید.

– نام پروردگار جهان را بر زبان آورید که با دین خود ما و مسلمانان را گرامی داشت.

– خدای بخشاینده و پروردگار بزرگ و توانا را سپاسگزاریم.

– ببرید این بانوی بزرگ را، که خدا با ارزانی داشتن همسری پاک و خوب او را محبوب خود گردانیده است.

و بعد از او حفصه گفت: – فاطمه بهترین زنان است که چهره‌ای چون ماه تابان دارد.

– خدای، تو را به سبب پدری که به آیتهای قرآنی مخصوص است بر دیگران برتری داده است.

– مردی با فضیلت را شوهر تو قرار داده که از همگان برتر و بالاتر است.

– همسران رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، ببرید او را که او بزرگواری از تبار بزرگان است.

و سپس معاذه، مادر سعد بن معاذ گفت: – سخن خیری را می‌گویم که در آن همه چیز مستور است.

– محمّد بهترین آدمیان است که در او هیچ کبر و گمراهی وجود ندارد.

– به برکت وجود او ما راه هدایت و رستگاری را شناختیم و خدا نیز ما را به خیر راهنمون کرده است.

– و ما به همراه دختر پیامبر هدایت و شرف می‌رویم.

– به سوی خانه‌ای که از آن نسلی پدید بیاید که ریشه‌اش بلند مرتبه باشد به طوری که کسی مانند آنها را ندیده باشد. (۱) در این حال دیگر زنانی که همراه فاطمه علیها السّلام بودند، بیت اوّل هر رجز را تکرار می‌کردند و تکبیر گویان داخل خانه علی و فاطمه شدند، سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به دنبال علی علیه السّلام فرستاد و او را از مسجد خواست و دست فاطمه را در دست علی علیهما السّلام قرار داد و گفت:

خداوند این ازدواج را برای دختر رسولش مبارک گرداند.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

و در کتاب ابن مردویه اصفهانی آمده است که پیامبر آبی خواست و جرعه‌ای از آن را برگرفته مضمضه کرد و سپس به ظرف بازگردانید و کفی از آن را بر سر فاطمه پاشید و به او گفت: جلو بیا! و کفی نیز بر سینه‌اش پاشید و فرمود: بازگرد! و چون برگشت کفی دیگر از آب را بین دو کتف او پاشید و سپس برای آنها دعا کرد و گفت: خداوندا! در آنها، بر آنها و برای آنها برکت قرار ده.

و روایت شده است که فرمود: خدایا آنها محبوبترین مردم در نزد من هستند، پس آنان را دوست بدار و در فرزندانشان برکت قرار ده و خودت آنها را محافظت فرما، و من آنها را به تو می‌سپارم، پس از شرّ شیطان محفوظشان بدار.

و نیز روایت شده که فرمود: خداوندا! رجس و پلیدی را از آنها دور کن و ایشان را تطهیر نما.

و نیز روایت شده که فرمود: درود بر دو رودی که با یک دیگر ملاقات می‌کنند و دو ستاره‌ای که با همدیگر جمع می‌شوند. و سپس بیرون خانه رفته و فرمود: خدایا! آنها را پاکیزه گردان و نسلشان را پاک قرار ده، من در صلح و سلامتم با کسی که با شما در صلح و سازش باشد، و در ستیز هستم با کسانی که با شما بجنگند. از خدا برای شما طلب خیر می‌کنم و شما را به او می‌سپارم. و اسماء بنت عمیس بنا به وصیّت و قولی که به حضرت خدیجه علیها السّلام داده بود، شب را در خانه آنها ماند تا مراقب فاطمه باشد و رسول خدا برای دنیا و آخرت او دعای خیر نمود.

صبح روز بعد پیامبر نزد آن دو بازگشت و گفت: سلام بر شما، آیا اجازه می‌دهید داخل شوم؟ اسماء در خانه را گشود ولی علی و فاطمه در خواب بودند، سپس پیامبر به اسماء گفت: بگذار بخوابند و با آنها کاری نداشته باش! و خود در گوشه‌ای از عبایی که آنها بر روی خویش کشیده بودند، قرار گرفت و خداوند به این امر خبر داد و فرمود: تتجافی جنوبهم عن المضاجع. (۱) بعدا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از علی پرسید: همسرت چگونه زنی است؟ علی گفت: نیکو یاوری است برای اطاعت از خدا.

رسول خدا همین سؤال را از فاطمه علیها السّلام کرد، و آن حضرت گفت: شوهری خوب و شایسته است. سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای آنها دعا کرد و فرمود: خداوندا! در میان آنها الفت برقرار نما، و آنان و فرزندانشان را نعمت بهشت نصیب فرما، به آنها فرزندانی پاک، طیّب و مبارک روزی نما، و در ذرّیّه آنها برکت قرار داده و آنها را امامانی هدایتگر به سوی اطاعت خود قرار ده، و آنان را به آنچه که رضایت تو در آن است، راهنمایی فرما. و سپس به اسماء دستور داد تا برود و به کارهای زندگی خودش رسیدگی کند و برای او دعای بسیار کرد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

و شرحبیل به سندش روایت کرده: صبح عروسی، پیامبر برای فاطمه و علی ظرفی شیر برد و به فاطمه گفت: پدر به فدایت باد، این را بنوش و به علی گفت: پسر عمویت به فدای تو، این شیر را بنوش.

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۲۶۶/ ۲۵- مکارم الأخلاق «۱» عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ لَمَّا تَزَوَّجَ عَلِیٌّ فَاطِمَةَ بَسَطَ الْبَیْتَ کَثِیباً وَ کَانَ فِرَاشُهُمَا إِهَابَ کَبْشٍ وَ مِرْفَقُهُمَا مَحْشُوَّةٌ لِیفاً وَ نَصَبُوا عُوداً یُوضَعُ عَلَیْهِ السِّقَاءُ فَسَتَرَهُ بِکِسَاءٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ نُعَیْمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ أَدْخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ عَلَی عَلِیٍّ وَ سِتْرُهَا عَبَاءَةٌ وَ فَرْشُهَا إِهَابُ کَبْشٍ وَ وِسَادَتُهَا أَدَمٌ مَحْشُوَّةٌ بِمَسَدٍ بیان قال الفیروزآبادی المسد حبل من لیف أو لیف المقل أو من أی شیء کان

ترجمه: (۱) شیخ ابو نصر طبرسی در مکارم الاخلاق از امام باقر علیه السّلام روایت کرده که گفت: هنگامی که علی علیه السّلام فاطمه علیها السّلام را تزویج نمود در خانه‌اش فرشی از ماسه پهن کرد، و تشک آنها یک پوست گوسفند بود، و متّکای آنها پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند، و رخت آویزی در خانه نصب کرد که بر آن مشک آب را آویزان می‌کردند، و بر درب خانه نیز پرده‌ای نصب نمود.

و حسین بن نعیم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه را در حالی به خانه علی فرستاد که روپوش او یک عبا، و زیر انداز او از پوست خرما و متّکای او پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند.

[متن عربی] ۱۵، ۱، ۱۴ ۲۶۷/ ۲۶- کشف الغمة «۱» رَوَی الْحَافِظُ مُحَمَّدُ بْنُ مَحْمُودٍ النَّجَّارُ عَنْ رِجَالٍ ذَکَرَهُمْ قَالَ سَمِعْتُ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَیْسٍ تَقُولُ سَمِعْتُ سَیِّدَتِی فَاطِمَةَ ع تَقُولُ لَیْلَةَ دَخَلَ بِی عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع أَفْزَعَنِی فِی فِرَاشِی فَقُلْتُ أَ فَزِعْتِ یَا سَیِّدَةَ النِّسَاءِ قَالَتْ سَمِعْتُ الْأَرْضَ تُحَدِّثُهُ وَ یُحَدِّثُهَا فَأَصْبَحْتُ وَ أَنَا فَزِعَةٌ فَأَخْبَرْتُ وَالِدِی ص فَسَجَدَ سَجْدَةً طَوِیلَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ یَا فَاطِمَةُ أَبْشِرِی بِطِیبِ النَّسْلِ فَإِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ بَعْلَکِ عَلَی سَائِرِ خَلْقِهِ وَ أَمَرَ الْأَرْضَ أَنْ تُحَدِّثَهُ بِأَخْبَارِهَا وَ مَا یَجْرِی عَلَی وَجْهِهَا مِنْ شَرْقِ الْأَرْضِ إِلَی غَرْبِهَا

ترجمه: (۱) محقق اربلی (۶۹۴ ه) در کشف الغمه به نقل از محمّد بن محمود نجّار، به سندش از اسماء بنت عمیس روایت کرده که می‌گفت: از مولایم فاطمه علیها السّلام شنیدم که می‌گفت: شبی که به خانه علی رفتم دچار جزع و فزع شدم، گفتم: ای بانوی زنان! ترسیدی؟! فرمود: آری، زیرا شنیدم که زمین با علی علیه السّلام گفتگو می‌کرد و آن حضرت هم با زمین مشغول گفتگو بود، وقتی من این جریان را برای پدرم شرح دادم، آن بزرگوار سجده طولانی به جای آورد، آنگاه سرش را بلند کرد و به من فرمود:

ای فاطمه! مژده باد تو را به پاکیزگی نسل، زیرا خدای توانا شوهر تو را بر سایر مردم فضیلت و برتری داده است و به زمین دستور فرموده که اخبار خود و آنچه را که در شرق و غرب آن رخ دهد برای او شرح دهد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۲۶۸/ ۲۷- إقبال الأعمال «۱» أَخْبَرَنِی مُحَمَّدُ بْنُ النَّجَّارِ فِیمَا أَجَازَهُ لِی مِنْ کِتَابِ تَذْیِیلِهِ عَلَی تَارِیخِ الْخَطِیبِ فِی تَرْجَمَةِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّلَّالِ حَدَّثَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأُطْرُوشِ وَ أَبِی بَکْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ دُرَیْدٍ الْأَزْدِیِّ رَوَی عَنْهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یُوسُفَ الْبَزَّازُ وَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْفَحَّامُ السَّامَرِیَّانِ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِیٍّ ضِیَاءُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَلِیٍّ وَ أَبُو حَامِدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْلِمِ بْنِ ثَابِتٍ وَ یُوسُفُ بْنُ الْمَیَّالِ بْنِ کَامِلٍ قَالُوا أَخْبَرَنَا أَبُو بَکْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْبَاقِی الْبَزَّازُ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَیْنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبُرْسِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی الْقَاضِی أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یُوسُفَ السَّامَرِیُّ حَدَّثَنَا أَبُو الطَّیِّبِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الشَّاهِدُ الْمَعْرُوفُ بِالدَّلَّالِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَعْرُوفُ بِالْأُطْرُوشِ أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو سُلَیْمَانُ بْنُ أَبِی مَعْشَرٍ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ وَاثِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَیْسٍ مِثْلَهُ

ترجمه: (۱) سیّد بن طاوس حدیث پیشین را به سندی که در اینجا آمده است از اسماء بنت عمیس روایت کرده است.

[متن عربی] ۱، ۱۵، ۱۴ ۲۶۹/ ۲۸- کشف الغمة «۱» مِنْ مَنَاقِبِ الْخُوارِزْمِیِّ «۲» عَنْ عَلِیٍّ ع قَالَ خَطَبْتُ فَاطِمَةَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ لِی مَوْلَاةٌ هَلْ عَلِمْتَ أَنَّ فَاطِمَةَ قَدْ خُطِبَتْ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ لَا قَالَتْ فَقَدْ خُطِبَتْ فَمَا یَمْنَعُکَ أَنْ تَأْتِیَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَیُزَوِّجَکَ فَقُلْتُ وَ عِنْدِی شَیْءٌ أَتَزَوَّجُ بِهِ قَالَتْ إِنَّکَ إِنْ جِئْتَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ زَوَّجَکَ فَوَ اللَّهِ مَا زَالَتْ تُزَجِّینِی حَتَّی دَخَلْتُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص وَ کَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص جَلَالَةٌ وَ هَیْبَةٌ فَلَمَّا قَعَدْتُ بَیْنَ یَدَیْهِ أُفْحِمْتُ فَوَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أَتَکَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا جَاءَ بِکَ أَ لَکَ حَاجَةٌ فَسَکَتُّ فَقَالَ لَعَلَّکَ جِئْتَ تَخْطُبُ فَاطِمَةَ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ وَ هَلْ عِنْدَکَ مِنْ شَیْءٍ تَسْتَحِلُّهَا بِهِ فَقُلْتُ لَا وَ اللَّهِ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَا فَعَلْتَ الدِّرْعَ الَّتِی سَلَّحْتُکَهَا فَقُلْتُ عِنْدِی فَوَ الَّذِی نَفْسُ عَلِیٍّ بِیَدِهِ إِنَّهَا لَحُطَمِیَّةٌ مَا ثَمَنُهَا أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ فَقَالَ ص قَدْ زَوَّجْتُکَهَا فَابْعَثْ بِهَا إِلَیْهَا فَاسْتَحِلَّهَا بِهَا فَإِنْ کَانَتْ لَصَدَاقُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص «۳»

بیان قال الجزری - فی حدیث علی ع ما زالت تزجینی حتی دخلت علیه أی تسوقنی و تدفعنی

ترجمه: (۱) محقق اربلی در کشف الغمة، به نقل از مناقب علی بن ابی طالب علیه السّلام تألیف خوارزمی، از علی علیه السّلام روایت کرده که گفت: من به حضور رسول خدا رفتم و فاطمه را خواستگاری نمودم، یکی از کنیزان به من گفت: آیا می‌دانی که فاطمه را از رسول اکرم خواستگاری نموده‌اند؟ گفتم: نه. گفت: آری، او خواهان دارد، چه مانعی دارد که نزد پیغمبر خدا مشرف شوی تا فاطمه را برای تو تزویج نماید؟ من گفتم: آخر من چیزی ندارم که ازدواج نمایم؟ گفت: اگر تو نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مشرف شوی حتما فاطمه را به تو خواهد داد. وی همچنان اصرار می‌نمود تا اینکه بالاخره من به حضور رسول خدا صلّی اللّه علیه و

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

آله و سلّم مشرف شدم. آن حضرت خیلی با عظمت و با ابهت بود، وقتی در حضور آن بزرگوار نشستم سکوت اختیار نمودم. به خداوند سوگند که قدرت سخن گفتن نداشتم.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به من فرمود: برای چه نزد من آمدی، آیا حاجتی داری؟ من سکوت کردم. فرمود: شاید برای خواستگاری فاطمه آمده باشی؟ گفتم: آری. فرمود: آیا چیزی داری که با او ازدواج نمایی؟ گفتم: نه به خداوند سوگند، فرمود: آن زرهی که سلاح تو بود، چه شد؟ گفتم: حاضر است، به حق آن خدایی که جان علی در دست قدرت او می‌باشد، آن زره قیمتش بیش از چهار صد درهم نیست. فرمود: مانعی ندارد، من فاطمه را با همان زره برای تو تزویج می‌نمایم، آن را برای زهرا بفرست و با وی ازدواج کن.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۷۰/ ۲۹- کشف الغمة «۱» وَ عَنْهُ عَنْ أَنَسٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ص فَغَشِيَهُ الْوَحْيُ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ لِي يَا أَنَسُ أَ تَدْرِي مَا جَاءَنِي بِهِ جَبْرَئِيلُ مِنْ عِنْدِ صَاحِبِ الْعَرْشِ قَالَ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَانْطَلِقْ فَادْعُ لِي أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرَ وَ عُثْمَانَ وَ عَلِيّاً وَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ وَ بِعَدَدِهِمْ مِنَ الْأَنْصَارِ قَالَ فَانْطَلَقْتُ فَدَعَوْتُهُمْ لَهُ فَلَمَّا أَنْ أَخَذُوا مَجَالِسَهُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ الْمُطَاعِ فِي سُلْطَانِهِ الْمَرْهُوبِ مِنْ عَذَابِهِ الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيمَا عِنْدَهُ النَّافِذِ أَمْرُهُ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ مَيَّزَهُمْ بِأَحْكَامِهِ وَ أَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ وَ أَكْرَمَهُمْ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُصَاهَرَةَ نَسَباً لَاحِقاً وَ أَمْراً مُفْتَرَضاً وَ شَجَّ بِهَا الْأَرْحَامَ وَ أَلْزَمَهَا الْأَنَامَ فَقَالَ تَبَارَكَ اسْمُهُ وَ تَعَالَى جَدُّهُ وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ كانَ رَبُّكَ قَدِيراً «۱» فَأَمْرُ اللَّهِ يَجْرِي إِلَى قَضَائِهِ وَ قَضَاؤُهُ يَجْرِي إِلَى قَدَرِهِ فَلِكُلِّ قَضَاءٍ قَدَرٌ وَ لِكُلِّ قَدَرٍ أَجَلٌ وَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتابٌ يَمْحُوا اللَّهُ ما يَشاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتابِ «۲» ثُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَى أَرْبَعِمِائَةِ مِثْقَالِ فِضَّةٍ إِنْ رَضِيَ بِذَلِكَ عَلِيٌّ وَ كَانَ غَائِباً قَدْ بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي حَاجَةٍ ثُمَّ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِطَبَقٍ فِيهِ بُسْرٌ فَوَضَعَ بَيْنَ أَيْدِينَا ثُمَّ قَالَ انْتَهِبُوا فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ عَلِيٌّ فَتَبَسَّمَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَكَ فَاطِمَةَ وَ قَدْ زَوَّجْتُكَهَا عَلَى أَرْبَعِمِائَةِ مِثْقَالِ فِضَّةٍ أَ رَضِيتَ قَالَ رَضِيتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ عَلِيٌّ فَخَرَّ لِلَّهِ سَاجِداً فَقَالَ النَّبِيُّ ص جَعَلَ اللَّهُ فِيكُمُ الْخَيْرَ الْكَثِيرَ الطَّيِّبَ وَ بَارَكَ فِيكُمَا قَالَ أَنَسٌ وَ اللَّهِ لَقَدْ أُخْرِجَ مِنْهَا الْكَثِيرُ الطَّيِّبُ «۳»

قب، «۴» لابن شهرآشوب: خطب النبی ص علی المنبر فی تزویج فاطمة خطبة رواها یحیی بن معین فی أمالیه و ابن بطة فی الإبانة بإسنادهما عن أنس بن مالک مرفوعا: و روینا عن الرضا ع و ذکر نحوه «۵»

بیان قال الجزری وشجت العروق و الأغصان اشتبکت و منه حدیث علی ع و وشج بینها و بین أزواجها أی خلط و ألف

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) و نیز در همان کتاب از انس بن مالک روایت است که گفت: من در حضور رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بودم که وحی بر آن بزرگوار نازل شد، وقتی حال طبیعی خود را یافت به من فرمود:

آیا می‌دانی جبرئیل از طرف خدای عرش چه دستوری برای من آورد؟گفتم: خدا و رسول او بهتر می‌دانند.

فرمود: خدا مرا مأمور نموده زهرا را برای علی تزویج نمایم. سپس به من فرمود: برو ابو بکر، عمر، عثمان، علی، طلحه و زبیر و مطابق تعداد ایشان را از انصار نزد من بیاور! وقتی من ایشان را دعوت نمودم و در مجلس آن حضرت حاضر شدند. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خطبه مفصلی خواند سپس به اهل مجلس فرمود: من شما را شاهد می‌گیرم بر اینکه فاطمه را با مهریه چهار صد مثقال نقره برای علی بن ابی طالب اگر راضی باشد تزویج نمودم. زیرا آن موقع رسول خدا حضرت علی را به دنبال کاری فرستاده بود. بعد از این جریان رسول خدا دستور داد تا یک طبق بسر (خرمای کال) در پیش ما نهادند و به ما فرمود: از اینها برگیرید.

در همین موقع بود که حضرت علی وارد شد، رسول خدا به صورت علی علیه السّلام لبخندی زد و به وی فرمود:

خدا مرا مأمور کرده که فاطمه را برای تو تزویج نمایم، من او را با مهریّه چهار صد مثقال نقره برای تو عقد کردم، آیا راضی هستی؟ گفت: آری یا رسول اللّه! سپس علی برخاست و سجده شکر به جای آورد و پیغمبر خدا به او فرمود: خدا خیر فراوانی به شما عطا کرده و به شما برکت داده است.

انس می‌گوید: به خداوند سوگند که از فاطمه خیر فراوان و کثیری به ظهور رسید.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۷۱/ ۳۰- کشف الغمة «۱» وَ مِنَ الْمَنَاقِبِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ زَوَّجْتُکِ سَيِّداً فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ أُمْلِکَکِ مِنْ عَلِيٍّ أَمَرَ اللَّهُ جَبْرَئِيلَ فَقَامَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ وَ صَفَّ الْمَلَائِکَةَ صُفُوفاً ثُمَّ خَطَبَ عَلَيْهِمْ فَزَوَّجَکِ مِنْ عَلِيٍّ ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ شَجَرَ الْجِنَانِ فَحَمَلَتِ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَلَ ثُمَّ أَمَرَهَا فَنَثَرَتْ عَلَى الْمَلَائِکَةِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهَا شَيْئاً أَکْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ غَيْرُهُ افْتَخَرَ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ «۲»وَ مِنْهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ «۱» قَالَ کَانَتْ فَاطِمَةُ تُذْکَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَلَا يَذْکُرُهَا أَحَدٌ إِلَّا صَدَّ عَنْهُ حَتَّى يَئِسُوا مِنْهَا فَلَقِيَ سَعْدُ بْنُ مُعَاذٍ عَلِيّاً فَقَالَ إِنِّي وَ اللَّهِ مَا أَرَى رَسُولَ اللَّهِ ص يَحْبِسُهَا إِلَّا عَلَيْکَ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ فَلِمَ تَرَى ذَلِکَ فَوَ اللَّهِ مَا أَنَا بِوَاحِدِ الرَّجُلَيْنِ مَا أَنَا بِصَاحِبِ دُنْيَا يُلْتَمَسُ مَا عِنْدِي وَ قَدْ عَلِمَ مَا لِي صَفْرَاءُ وَ لَا بَيْضَاءُ قَالَ سَعْدٌ فَإِنِّي أَعْزِمُ عَلَيْکَ لَتُفَرِّجَنَّهَا عَنِّي فَإِنَّ لِي فِي ذَلِکَ فَرَجاً قَالَ فَأَقُولُ مَا ذَا قَالَ تَقُولُ جِئْتُ خَاطِباً إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ ص قَالَ فَانْطَلَقَ عَلِيٌّ فَعَرَضَ لِلنَّبِيِّ ص وَ هُوَ ثَقِيلٌ حَصِرٌ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص کَانَ لَکَ حَاجَةٌ يَا عَلِيُّ قَالَ أَجَلْ جِئْتُکَ خَاطِباً إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَرْحَباً کَلِمَةً ضَعِيفَةً فَعَادَ إِلَى سَعْدٍ فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ أَنْکَحَکَ فَوَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ إِنَّهُ لَا خُلْفَ الْآنَ وَ لَا کَذِبَ عِنْدَهُ أَعْزِمُ عَلَيْکَ لَتَأْتِيَنَّهُ غَداً وَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

لَتَقُولَنَّ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَتَى تُبَيِّنُ [تَبيِنُ لِي قَالَ عَلِيٌّ هَذَا أَشَدُّ عَلَيَّ مِنَ الْأُولَى أَ وَ لَا أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَاجَتِي قَالَ قُلْ كَمَا أَمَرْتُكَ فَانْطَلَقَ عَلِيٌّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى تُبَيِّنُ [تَبيِنُ لِي قَالَ اللَّيْلَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ دَعَا بِلَالًا فَقَالَ يَا بِلَالُ إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ ابْنَتِي مِنِ ابْنِ عَمِّي وَ أَنَا أُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنْ سُنَّةِ أُمَّتِي الطَّعَامُ عِنْدَ النِّكَاحِ فَأْتِ الْغَنَمَ فَخُذْ شَاةً مِنْهَا وَ أَرْبَعَةَ أَمْدَادٍ فَاجْعَلْ لِي قَصْعَةً لَعَلِّي أَجْمَعُ عَلَيْهَا الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارَ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْهَا فَآذِنِّي بِهَا فَانْطَلَقَ فَفَعَلَ مَا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ أَتَاهُ بِقَصْعَةٍ فَوَضَعَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ فَطَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ فِي رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ أَدْخِلْ عَلَيَّ النَّاسَ زُفَّةً زُفَّةً لَا تُغَادِرْ زُفَّةً إِلَى غَيْرِهَا يَعْنِي إِذَا فَرَغَتْ زُفَّةٌ لَمْ تَعُدْ ثَانِيَةً فَجَعَلَ النَّاسُ يَزِفُّونَ كُلَّمَا فَرَغَتْ زُفَّةٌ وَرَدَتْ أُخْرَى حَتَّى فَرَغَ النَّاسُ ثُمَّ عَمَدَ النَّبِيُّ ص إِلَى فَضْلِ مَا فِيهَا فَتَفَلَ فِيهِ وَ بَارَكَ وَ قَالَ يَا بِلَالُ احْمِلْهَا إِلَى أُمَّهَاتِكَ وَ قُلْ لَهُنَّ كُلْنَ وَ أَطْعِمْنَ مَنْ غَشِيَكُنَّ ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ ص قَامَ حَتَّى دَخَلَ عَلَى النِّسَاءِ فَقَالَ إِنِّي زَوَّجْتُ ابْنَتِي ابْنَ عَمِّي وَ قَدْ عَلِمْتُنَّ مَنْزِلَتَهَا مِنِّي وَ إِنِّي لَدَافِعُهَا إِلَيْهِ أَلَا فَدُونَكُنَّ ابْنَتَكُنَّ فَقَامَ النِّسَاءُ فَغَلَفْنَهَا مِنْ طِيبِهِنَّ وَ حُلِيِّهِنَّ وَ جَعَلْنَ فِي بَيْتِهَا فِرَاشاً حَشْوُهُ لِيفٌ وَ وِسَادَةً وَ كِسَاءً خَيْبَرِيّاً وَ مِخْضَباً وَ اتَّخَذْنَ أُمُّ أَيْمَنَ بَوَّابَهُ ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ ص دَخَلَ فَلَمَّا رَآهُ النِّسَاءُ وَثَبْنَ وَ بَيْنَهُنَّ وَ بَيْنَ النَّبِيِّ ص سُتْرَةٌ وَ تَخَلَّفَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص كَمَا أَنْتِ عَلَى رِسْلِكِ مَنْ أَنْتِ قَالَتْ أَنَا الَّتِي أَحْرُسُ ابْنَتَكَ إِنَّ الْفَتَاةَ لَيْلَةَ يُبْنَى بِهَا لَا بُدَّ لَهَا مِنِ امْرَأَةٍ تَكُونُ قَرِيبَةً مِنْهَا إِنْ عُرِضَتْ لَهَا حَاجَةٌ أَوْ أَرَادَتْ شَيْئاً أَفْضَتْ بِذَلِكَ إِلَيْهَا قَالَ فَإِنِّي أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَحْرُسَكِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكِ وَ مِنْ خَلْفِكِ وَ عَنْ يَمِينِكِ وَ عَنْ شِمَالِكِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ صَرَخَ بِفَاطِمَةَ فَأَقْبَلَتْ فَلَمَّا رَأَتْ عَلِيّاً جَالِساً إِلَى جَنْبِ رَسُولِ اللَّهِ ص حَصِرَتْ وَ بَكَتْ فَأَشْفَقَ النَّبِيُّ ص أَنْ يَكُونَ بُكَاؤُهَا لِأَنَّ عَلِيّاً لَا مَالَ لَهُ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص مَا يُبْكِيكِ فَوَ اللَّهِ مَا أَلَوْتُكِ وَ نَفْسِي فَقَدْ أَصَبْتُ لَكِ خَيْرَ أَهْلِي وَ ايْمُ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ زَوَّجْتُكِهِ سَيِّداً فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ فَلَانَ مِنْهَا وَ أَمْكَنَتْهُ مِنْ كَفِّهَا فَقَالَ النَّبِيُّ ص يَا أَسْمَاءُ ائْتِينِي بِالْمِخْضَبِ فَمَلَأَتْهُ مَاءً فَمَجَّ النَّبِيُّ ص فِيهِ وَ غَسَّلَ قَدَمَيْهِ وَ وَجْهَهُ ثُمَّ دَعَا بِفَاطِمَةَ فَأَخَذَ كَفّاً مِنْ مَاءٍ فَضَرَبَ بِهِ عَلَى رَأْسِهَا وَ كَفّاً بَيْنَ يَدَيْهَا ثُمَّ رَشَّ جِلْدَهُ وَ جِلْدَهَا ثُمَّ الْتَزَمَهَا فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبْتَ عَنِّي الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَنِي فَطَهِّرْهَا ثُمَّ دَعَا بِمِخْضَبٍ آخَرَ ثُمَّ دَعَا عَلِيّاً ع فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ بِهَا ثُمَّ دَعَا لَهُ كَمَا دَعَا لَهَا ثُمَّ قَالَ قُومَا إِلَى بَيْتِكُمَا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَكُمَا وَ بَارَكَ فِي نَسْلِكُمَا وَ أَصْلَحَ بَالَكُمَا ثُمَّ قَامَ فَأَغْلَقَ عَلَيْهِ بَابَهُ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَأَخْبَرَتْنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ أَنَّهَا رَمَقَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَمْ يَزَلْ يَدْعُو لَهُمَا خَاصَّةً وَ لَا يُشْرِكُهُمَا فِي دُعَائِهِ أَحَداً حَتَّى تَوَارَى فِي حُجْرَتِهِ

بيان قوله ع ما أنا بواحد الرجلين أي لست ممن يشار إليه و يعرف من بين الناس حتى يقال إنه أحد الرجلين المعروفين و يحتمل أن يكون قوله ما أنا بصاحب دنيا تفصيلا للرجلين فذكر أحدهما و أحال الآخر على الظهور أي لست بمعروف بين الناس أو لم يمهله المخاطب لذكر الآخر. و قال الجزري: في حديث تزويج فاطمة ع أنه صنع طعاما و قال لبلال أدخل الناس على زفة زفة. أي طائفة بعد طائفة و زمرة بعد زمرة سميت بذلك لزفيفها في

مشیها و إقبالها بسرعة قوله لا تغادر زفة أی لا تترک جماعة مائلا إلی غیرهم و تفسیره لا یخلو من بعد. و قال فی النهایة. فی حدیث زواج فاطمة ع فلما رأت علیا جالسا إلی جنب النبی ص حصرت و بکت. أی استحیت و انقطعت کأن الأمر ضاق بها کما یضیق الحبس علی المحبوس.و قال . قال النبی ص لفاطمة ما یبکیک فما ألوتک و نفسی و قد أصبت لک خیر أهلی أی ما قصرت فی أمرک و أمری حیث اخترت لک علیا زوجا.قوله فلان منها من للتبعیض أی لان شیء منها و المعنی حصول بعض اللین و الانقیاد منها.قوله ثم رش جلده و جلدها لعله ص رش أولا علیهما ثم خص علیا ع بالرش و الأظهر ثم رش جلدها کما سیأتی

ترجمه: (۱) و نیز در کشف الغمة از کتاب مناقب خوارزمی، از عبد اللّه بن مسعود روایت کرده که گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به فاطمه علیها السّلام فرمود: شوهر تو در دنیا سرور و در آخرت از صالحان خواهد بود. وقتی خدا تصمیم گرفت که تو را برای علی تزویج کنم، به جبرئیل دستور داد تا در آسمان چهارم در میان صفوف ملائکه بایستد و برای آنان خطبه بخواند و تو را برای علی عقد نماید.

آنگاه به درختان بهشت فرمود: تا زیور و حلّه‌های خود را بر سر ملائکه نثار نمایند، هر کسی بیشتر از آنها برگرفته باشد، تا روز قیامت به آن فخر و مباهات می‌نماید.نیز از ابن عبّاس نقل می‌کند که گفت: در باره خواستگاری حضرت فاطمه به رسول خدا پیشنهاد می‌شد، احدی راجع به ازدواج فاطمه با رسول خدا مذاکره نمی‌کرد مگر اینکه از او اعراض می‌کرد تا اینکه مردم از ازدواج فاطمه زهرا مأیوس شدند. روزی سعد بن معاذ با حضرت علی ملاقات نمود و به وی گفت: به خداوند سوگند من جز این نمی‌بینم که رسول خدا فاطمه را برای تو نگاه داشته باشد.

علی علیه السّلام فرمود: چگونه یک چنین پیش بینی را می‌کنی؟ به خداوند سوگند من بیشتر از یک مرد نیستم، من ثروت دنیوی ندارم که کسی به آن طمع کند، رسول خدا می‌داند که من طلا و نقره‌ای ندارم.

سعد گفت: من از تو تقاضا می‌نمایم این خواسته مرا انجام دهی، زیرا من خوشحال می‌شوم.

علی فرمود: من به پیامبر خدا چه بگویم؟ گفت: به رسول خدا بگو: من آمده‌ام فاطمه را از خدا و رسول او خواستگاری نمایم، وقتی علی علیه السّلام به حضور پیغمبر خدا مشرف شد، رسول خدا به وی فرمود: یا علی گویا حاجتی داشته باشی؟گفت: آری، من آمده‌ام که فاطمه را از خدا و رسول او خواستگاری کنم.

(۱) پیامبر خدا فرمود: مرحبا خوش آمدی.حضرت علی نزد سعد بازگشت و فرمود: رسول خدا فرموده: فاطمه را به عقد تو خواهم درآورد. سعد گفت: به حق آن خدایی که او را به پیغمبری مبعوث نموده آن حضرت خلف وعده نمی‌کند و دروغ نزد او نیست، من از تو خواهش می‌کنم که فردا به حضور آن حضرت بروی و بگویی: ای

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

رسول خدا! این موضوع را برای من معلوم کن. علی علیه السّلام فرمود: این مرتبه از مرتبه اوّل برای من مشکل‌تر است، آیا نه چنین است که من حاجت خود را به آن بزرگوار گفته‌ام.

سعد گفت: اینکه می‌گویم قبول کن! حضرت علی برای دومین بار نزد پیامبر خدا آمد و گفت: یا رسول اللّه! وقت ازدواج مرا تعیین کن! فرمود: امشب است. پس از این جریان پیغمبر خدا بلال را خواست و به او فرمود: من دخترم فاطمه را برای پسر عمویم تزویج نمودم. من دوست دارم که امّتم در موقع عروسی غذا بدهند، برو یک گوسفند و چهار ظرف غذا و یک کاسه یا سینی بزرگ نزد من بیاور تا شاید مهاجرین و انصار را دعوت کنم و غذا بدهم، هر گاه اینها را آماده نمودی مرا آگاه کن. بلال رفت و پس از اینکه مأموریت خود را انجام داد کاسه را در مقابل رسول خدا نهاد. پیامبر پس از اینکه دست مبارک خود را روی غذای آن کاسه نهاد به بلال فرمود: مردم را دسته دسته دعوت کن، مشروط بر اینکه دو مرتبه نیایند.

مردم پیوسته دسته دسته می‌آمدند و غذا می‌خوردند تا اینکه عموم آنان از غذا خوردن فراغت حاصل نمودند.

سپس پیغمبر اکرم متوجه ما بقی غذا شد و آب دهان مبارک خود را به آن زد و به بلال فرمود: این غذا را برای زنان من ببر و بگو: خودشان بخورند و به اطرافیان خود هم بدهند.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پس از این جریان برخاست و نزد زنان آمد و فرمود: من دخترم را برای پسر عمویم تزویج نمودم، در صورتی که شما مقام و منزلت فاطمه را نزد من می‌دانید، شما هم به فکر دختر خود باشید- یعنی به او رسیدگی کنید. زنان برخاستند و حضرت فاطمه را با آن عطرهایی که داشتند، معطر و خوشبو نمودند و

زر و زیور به وی دادند، فرش و متکای لیف و کساء خیبری در میان خانه‌اش انداختند و خضاب برایش آوردند و امّ ایمن را محافظ او قرار دادند. (۱) سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم داخل شد، وقتی زنان آن حضرت را دیدند از جای برخاستند ولی بین رسول خدا و زنان یک پرده آویخته بودند.

اسماء بنت عمیس به جای خود ماند، پیامبر به او فرمود: تو کیستی؟ گفت: من کسی هستم که دختر تو را مواظبت می‌نمایم، زیرا هر دختری باید در شب عروسی زنی را داشته باشد که مواظب او باشد، تا اگر احتیاجی رخ دهد یا منظوری داشته باشد وی انجام دهد.

پیامبر خدا فرمود: من از خدا می‌خواهم که تو را از چهار طرف از شر شیطان رجیم حفظ فرماید ...

سپس پیغمبر خدا به فاطمه فرمود: به خداوند سوگند که من در باره تو و خودم کوتاهی ننمودم، من بهترین اهل خود را برای تو انتخاب نمودم، سوگند به حق آن خدایی که جان من در دست اوست من تو را برای شخصی تزویج نمودم که در دنیا بزرگ و در آخرت از نیکوکاران به شمار می‌رود.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

سپس حضرت رسول به اسماء فرمود: طشت بیاور، اسماء طشت را پر از آب نمود و آورد، رسول خدا پس از اینکه آب دهان مبارک خود را در آن ریخت پاها و صورت حضرت علی را با آن شستشو داد.

آنگاه فاطمه اطهر را صدا زد و یک مشت از آن آب را بر سر آن بانو ریخت و یک مشت هم در جلو او پاشید و سپس از آب آن به بدن علی و زهرا پاشید. رسول خدا پس از این جریان نزدیک فاطمه آمد و فرمود:

پروردگارا! این فاطمه از من و من از او می‌باشم، بار خدایا! همچنان که پلیدیها را از من دور نمودی و مرا پاک و پاکیزه کردی فاطمه را هم پاکیزه بگردان. پیامبر خدا پس از این عمل طشت دیگری خواست و حضرت علی بن ابی طالب را احضار نمود و همان را که برای فاطمه انجام داده بود با علی نیز انجام داد.

آنگاه همان دعایی را در حق علی کرد که در حق فاطمه کرده بود. سپس به علی و فاطمه علیهما السّلام فرمود: برخیزید به سوی خانه خود بروید، خدا شما را خیر و برکت عطا نماید.

رسول خدا بعد از این دعاها برخاست و در خانه آنها را بست. ابن عبّاس می‌گوید: اسماء بنت عمیس برایم گفت: پیامبر خدا پیوسته در حق علی و زهرا دعا می‌کرد و کسی را در دعاهای آنان شریک نمی‌کرد تا اینکه داخل حجره خویش گردید.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۷۲/ ۳۱- کشف الغمة «۱» قَالَ الْخُوارِزْمِیُّ «۲» وَ أَنْبَأَنِی أَبُو الْعَلَاءِ الْحَافِظُ الْهَمْدَانِیُّ یَرْفَعُهُ

إِلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ع قَالَ بَیْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِی بَیْتِ أُمِّ سَلَمَةَ إِذْ هَبَطَ عَلَیْهِ مَلَکٌ لَهُ عِشْرُونَ رَأْساً فِی کُلِّ رَأْسٍ أَلْفُ لِسَانٍ یُسَبِّحُ اللَّهَ وَ یُقَدِّسُهُ بِلُغَةٍ لَا تُشْبِهُ الْأُخْرَی وَ رَاحَتُهُ أَوْسَعُ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرَضِینَ فَحَسِبَ النَّبِیُّ ص أَنَّهُ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ یَا جَبْرَئِیلُ لَمْ تَأْتِنِی فِی مِثْلِ هَذِهِ الصُّورَةِ قَطُّ قَالَ مَا أَنَا جَبْرَئِیلَ أَنَا صَرْصَائِیلُ بَعَثَنِیَ اللَّهُ إِلَیْکَ لِتُزَوِّجَ النُّورَ مِنَ النُّورِ فَقَالَ النَّبِیُّ ص مَنْ مِمَّنْ قَالَ ابْنَتَکَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ فَزَوَّجَ النَّبِیُّ ص فَاطِمَةَ مِنْ عَلِیٍّ بِشَهَادَةِ جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ صَرْصَائِیلَ قَالَ فَنَظَرَ النَّبِیُّ ص فَإِذَا بَیْنَ کَتِفَیْ صَرْصَائِیلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ مُقِیمُ الْحُجَّةِ فَقَالَ النَّبِیُّ ص یَا صَرْصَائِیلُ مُنْذُ کَمْ هَذَا کُتِبَ بَیْنَ کَتِفَیْکَ قَالَ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَخْلُقَ اللَّهُ الدُّنْیَا بِاثْنَیْ عَشَرَ أَلْفَ سَنَةٍ

وَ مِنْ کِتَابِ الْمَنَاقِبِ، «۱» عَنْ بِلَالِ بْنِ حَمَامَةَ قَالَ طَلَعَ عَلَیْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ یَوْمٍ وَ وَجْهُهُ مُشْرِقٌ کَدَارَةِ الْقَمَرِ فَقَامَ إِلَیْهِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا النُّورُ قَالَ بِشَارَةٌ أَتَتْنِی مِنْ رَبِّی فِی أَخِی وَ ابْنِ عَمِّی وَ ابْنَتِی وَ أَنَّ اللَّهَ زَوَّجَ عَلِیّاً مِنْ فَاطِمَةَ وَ أَمَرَ رِضْوَانَ خَازِنَ الْجِنَانِ فَهَزَّ شَجَرَةَ طُوبَی فَحَمَلَتْ رِقَاعاً یَعْنِی صِکَاکاً بِعَدَدِ مُحِبِّی أَهْلِ بَیْتِی وَ أَنْشَأَ مِنْ تَحْتِهَا مَلَائِکَةً مِنْ نُورٍ وَ دَفَعَ إِلَی کُلِّ مَلَکٍ صَکّاً فَإِذَا اسْتَوَتِ الْقِیَامَةُ بِأَهْلِهَا نَادَتِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الْمَلَائِكَةُ فِي الْخَلَائِقِ فَلَا يَبْقَى مُحِبٌّ لِأَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا دَفَعَتْ إِلَيْهِ صَكّاً فِيهِ فَكَاكُهُ مِنَ النَّارِ بِأَخِي وَ ابْنِ عَمِّي وَ ابْنَتِي فَكَاكُ رِقَابِ رِجَالٍ وَ نِسَاءٍ مِنْ أُمَّتِي مِنَ النَّارِ

الخرائج «۱» عن النبی ص مثله. المناقب «۲» تَارِيخُ بَغْدَادَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ بِلَالِ بْنِ حَمَامَةَ مِثْلَهُ ثُمَّ قَالَ وَ فِي رِوَايَةٍ أَنَّهُ يَكُونُ فِي الصُّكُوكِ بَرَاءَةٌ مِنَ الْعَلِيِّ الْجَبَّارِ لِشِيعَةِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ مِنَ النَّارِ

ترجمه: (۱) و نیز در کشف الغمه از مناقب خوارزمی از امام حسین بن علی علیهما السّلام روایت کرده است که گفت: روزی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در خانه امّ سلمه بود که فرشته‌ای بر آن حضرت نازل شد که بیست سر داشت و در هر سرش هزار زبان بود که با آنها خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کرد، پیامبر فکر کرد که او جبرئیل است و لذا خطاب به او فرمود: ای جبرئیل چرا با این هیأت بر ما نازل‌شده‌ای؟ آن فرشته گفت: من جبرئیل نیستم بلکه صرصائیل می‌باشم و به سوی تو مأمور شده‌ام تا نور را با نور تزویج نمایم، پیامبر فرمود: چه کسی را به چه کسی؟ صرصائیل گفت:

دخترت فاطمه علیها السّلام را برای علی علیه السّلام. پس پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه علیها السّلام را برای علی علیه السّلام تزویج نمود و جبرئیل و میکائیل و صرصائیل را بر این امر شاهد گرفت. سپس پیامبر به سوی صرصائیل نگاه کرد و دید که در میان دو کتف او نوشته شده: «نیست خدایی جز خدای یگانه، محمّد رسول خداست، و علی بن ابی طالب در بهشت اقامت دارد». پیامبر به آن فرشته گفت: ای صرصائیل، در چه زمانی این نوشته در بین دو کتف تو نگاشته شده است؟ او گفت: دوازده هزار سال قبل از اینکه خداوند دنیا را خلق کند.

و در کتاب مناقب خوارزمی از بلال بن حمامة روایت شده است که گفت: یک روز پیغمبر خدا در حالی نزد ما آمد که صورت مبارکش نظیر قرص ماه روشن و نورانی بود، عبد الرحمن بن عوف برخاست و گفت: یا رسول اللّه! این چه نوری است؟! فرمود: برای مژده‌ای است که از طرف پروردگارم در باره برادر و پسر عمویم و دخترم به من داده شده، و آن مژده این است که خدا فاطمه را برای علی تزویج نموده است، و به خزانه‌دار بهشت دستور داده درخت طوبی را تکان دهد تا ورقه‌هایی به عدد دوستان اهل بیت من تدارک نماید و در زیر آن درخت ملائکه‌ای از نور آفرید و به هر یک از آنان یک ورقه عطا کرد، روزی که قیامت به پا شود ملائکه محبّین اهل بیت را در میان خلائق ندا می‌کنند، و احدی از دوستداران اهل بیت من باقی نمی‌ماند مگر اینکه به وسیله شفاعت علی و فاطمه از جهنّم نجات خواهند یافت.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۷۳/ ۳۲- کشف الغمة «۱» وَ مِنَ الْمَنَاقِبِ «۲» عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا أَنْ كَانَتْ لَيْلَةُ زُفَّتْ فَاطِمَةُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَانَ النَّبِيُّ ص قُدَّامَهَا وَ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِهَا وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهَا وَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ وَرَائِهَا يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ

«۳» وَ مِنَ الْمَنَاقِبِ، «۴» عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَزَوِّجْهَا مِنْهُ وَ قَدْ أَمَرْتُ شَجَرَةَ طُوبَى أَنْ تَحْمِلَ الدُّرَّ وَ الْيَاقُوتَ وَ الْمَرْجَانَ وَ إِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ قَدْ فَرِحُوا لِذَلِكَ وَ سَيُولَدُ مِنْهُمَا وَلَدَانِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ بِهِمَا يُزَيَّنُ الْجَنَّةُ فَأَبْشِرْ يَا مُحَمَّدُ فَإِنَّكَ خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

وَ «۱» مِنَ الْمَنَاقِبِ، «۲» عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ كُلٌّ قَالُوا إِنَّهُ لَمَّا أَدْرَكَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص مُدْرَكَ النِّسَاءِ خَطَبَهَا أَكَابِرُ قُرَيْشٍ مِنْ أَهْلِ الْفَضْلِ وَ السَّابِقَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَ الشَّرَفِ وَ الْمَالِ وَ كَانَ كُلَّمَا ذَكَرَهَا رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ لِرَسُولِ اللَّهِ ص أَعْرَضَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ص بِوَجْهِهِ حَتَّى كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَظُنُّ فِي نَفْسِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص سَاخِطٌ عَلَيْهِ أَوْ قَدْ نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِيهِ وَحْيٌ مِنَ السَّمَاءِ وَ لَقَدْ خَطَبَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمْرُهَا إِلَى رَبِّهَا وَ خَطَبَهَا بَعْدَ أَبِي بَكْرٍ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص كَمَقَالَتِهِ لِأَبِي بَكْرٍ قَالَ وَ إِنَّ أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرَ كَانَا ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسَيْنِ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَعَهُمَا سَعْدُ بْنُ مُعَاذٍ الْأَنْصَارِيُّ ثُمَّ الْأَوْسِيُّ فَتَذَاكَرُوا مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ قَدْ خَطَبَهَا الْأَشْرَافُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ أَمْرَهَا إِلَى رَبِّهَا إِنْ شَاءَ أَنْ يُزَوِّجَهَا زَوَّجَهَا وَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ لَمْ يَخْطُبْهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَمْ يَذْكُرْهَا لَهُ وَ لَا أَرَاهُ يَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا قِلَّةُ ذَاتِ الْيَدِ وَ إِنَّهُ لَيَقَعُ فِي نَفْسِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولَهُ ص إِنَّمَا يَحْبِسَانِهَا عَلَيْهِ قَالَ ثُمَّ أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَ عَلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فَقَالَ هَلْ لَكُمَا فِي الْقِيَامِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَتَّى نَذْكُرَ لَهُ هَذَا فَإِنْ مَنَعَهُ قِلَّةُ ذَاتِ الْيَدِ وَاسَيْنَاهُ وَ أَسْعَفْنَاهُ فَقَالَ لَهُ سَعْدُ بْنُ مُعَاذٍ وَفَّقَكَ اللَّهُ يَا أَبَا بَكْرٍ فَمَا زِلْتَ مُوَفَّقاً قُومُوا بِنَا عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ وَ يُمْنِهِ قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَخَرَجُوا مِنَ الْمَسْجِدِ وَ الْتَمَسُوا عَلِيّاً فِي مَنْزِلِهِ فَلَمْ يَجِدُوهُ وَ كَانَ يَنْضَحُ بِبَعِيرٍ كَانَ لَهُ الْمَاءَ عَلَى نَخْلٍ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ بِأُجْرَةٍ فَانْطَلَقُوا نَحْوَهُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِمْ عَلِيٌّ ع قَالَ مَا وَرَاءَكُمْ وَ مَا الَّذِي جِئْتُمْ لَهُ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ خَصْلَةٌ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ إِلَّا وَ لَكَ فِيهَا سَابِقَةٌ وَ فَضْلٌ وَ أَنْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالْمَكَانِ الَّذِي قَدْ عَرَفْتَ مِنَ الْقَرَابَةِ وَ الصُّحْبَةِ وَ السَّابِقَةِ وَ قَدْ خَطَبَ الْأَشْرَافُ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ فَرَدَّهُمْ وَ قَالَ إِنَّ أَمْرَهَا إِلَى رَبِّهَا إِنْ شَاءَ أَنْ يُزَوِّجَهَا زَوَّجَهَا فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَذْكُرَهَا لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَخْطُبَهَا مِنْهُ فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولُهُ ص إِنَّمَا يَحْبِسَانِهَا عَلَيْكَ قَالَ فَتَغَرْغَرَتْ عَيْنَا عَلِيٍّ بِالدُّمُوعِ وَ قَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ لَقَدْ هَيَّجْتَ مِنِّي سَاكِناً وَ أَيْقَظْتَنِي لِأَمْرٍ كُنْتُ عَنْهُ غَافِلًا وَ اللَّهِ إِنَّ فَاطِمَةَ لَمَوْضِعُ رَغْبَةٍ وَ مَا مِثْلِي قَعَدَ عَنْ مِثْلِهَا غَيْرَ أَنَّهُ يَمْنَعُنِي مِنْ ذَلِكَ قِلَّةُ ذَاتِ الْيَدِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ لَا تَقُلْ

هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ فَإِنَّ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَ رَسُولِهِ كَهَبَاءٍ مَنْثُورٍ قَالَ ثُمَّ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع حَلَّ عَنْ نَاضِحِهِ وَ أَقْبَلَ يَقُودُهُ إِلَى مَنْزِلِهِ فَشَدَّهُ فِيهِ وَ لَبِسَ نَعْلَهُ وَ أَقْبَلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي مَنْزِلِ زَوْجَتِهِ أُمِّ سَلَمَةَ ابْنَةِ أَبِي أُمَيَّةَ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْمَخْزُومِيِّ فَدَقَّ عَلِيٌّ ع الْبَابَ فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ مَنْ بِالْبَابِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ قَبْلِ أَنْ يَقُولَ عَلِيٌّ أَنَا عَلِيٌّ قُومِي يَا أُمَّ سَلَمَةَ فَافْتَحِي لَهُ الْبَابَ وَ مُرِيهِ بِالدُّخُولِ فَهَذَا رَجُلٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ يُحِبُّهُمَا فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَنْ هَذَا الَّذِي تَذْكُرُ فِيهِ هَذَا وَ أَنْتَ لَمْ تَرَهُ فَقَالَ مَهْ يَا أُمَّ سَلَمَةَ فَهَذَا رَجُلٌ لَيْسَ بِالْخَرِقِ وَ لَا بِالنَّزِقِ هَذَا أَخِي وَ ابْنُ عَمِّي وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَقُمْتُ مُبَادِرَةً أَكَادُ أَنْ أَعْثُرَ بِمِرْطِي فَفَتَحْتُ الْبَابَ فَإِذَا أَنَا بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ وَ اللَّهِ مَا دَخَلَ حِينَ فَتَحْتُ حَتَّى عَلِمَ أَنِّي قَدْ رَجَعْتُ إِلَى خِدْرِي ثُمَّ إِنَّهُ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ اجْلِسْ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَجَلَسَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ جَعَلَ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ كَأَنَّهُ قَصَدَ الْحَاجَةَ وَ هُوَ يَسْتَحْيِي أَنْ يُبْدِيَهَا فَهُوَ مُطْرِقٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَكَانَ النَّبِيُّ ص عَلِمَ مَا فِي نَفْسِ عَلِيٍّ ع فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي أَرَى أَنَّكَ أَتَيْتَ لِحَاجَةٍ فَقُلْ حَاجَتَكَ وَ أَبْدِ مَا فِي نَفْسِكَ فَكُلُّ حَاجَةٍ لَكَ عِنْدِي مَقْضِيَّةٌ قَالَ عَلِيٌّ ع فَقُلْتُ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّكَ أَخَذْتَنِي مِنْ عَمِّكَ أَبِي طَالِبٍ وَ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ وَ أَنَا صَبِيٌّ لَا عَقْلَ لِي فَغَذَّيْتَنِي بِغَذَائِكَ وَ أَدَّبْتَنِي بِأَدَبِكَ فَكُنْتَ إِلَيَّ أَفْضَلَ مِنْ أَبِي طَالِبٍ وَ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ فِي الْبِرِّ وَ الشَّفَقَةِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هَدَانِي بِكَ وَ عَلَى يَدَيْكَ وَ اسْتَنْقَذَنِي مِمَّا كَانَ عَلَيْهِ آبَائِي وَ أَعْمَامِي مِنَ الْحَيْرَةِ وَ الشَّكِّ وَ إِنَّكَ وَ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ذُخْرِي وَ ذَخِيرَتِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ أَحْبَبْتُ مَعَ مَا شَدَّ اللَّهُ مِنْ عَضُدِي بِكَ أَنْ يَكُونَ لِي بَيْتٌ وَ أَنْ يَكُونَ لِي زَوْجَةٌ أَسْكُنُ إِلَيْهَا وَ قَدْ أَتَيْتُكَ خَاطِباً رَاغِباً أَخْطُبُ إِلَيْكَ ابْنَتَكَ فَاطِمَةَ فَهَلْ أَنْتَ مُزَوِّجِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَرَأَيْتُ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ ص يَتَهَلَّلُ فَرَحاً وَ سُرُوراً ثُمَّ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ عَلِيٍّ ع فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَهَلْ مَعَكَ شَيْءٌ أُزَوِّجُكَ بِهِ فَقَالَ عَلِيٌّ ع فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ اللَّهِ مَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَمْرِي شَيْءٌ أَمْلِكُ سَيْفِي وَ دِرْعِي وَ نَاضِحِي وَ مَا أَمْلِكُ شَيْئاً غَيْرَ هَذَا فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أَمَّا سَيْفُكَ فَلَا غِنًى بِكَ عَنْهُ تُجَاهِدُ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ تُقَاتِلُ بِهِ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ نَاضِحُكَ تَنْضِحُ بِهِ عَلَى نَخْلِكَ وَ أَهْلِكَ وَ تَحْمِلُ عَلَيْهِ رَحْلَكَ فِي سَفَرِكَ وَ لَكِنِّي قَدْ زَوَّجْتُكَ بِالدِّرْعِ وَ رَضِيتُ بِهَا مِنْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَبُشِّرُكَ قَالَ عَلِيٌّ ع قُلْتُ نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي بَشِّرْنِي فَإِنَّكَ لَمْ تَزَلْ مَيْمُونَ النَّقِيبَةِ مُبَارَكَ الطَّائِرِ رَشِيدَ الْأَمْرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَبْشِرْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ زَوَّجَكَهَا فِي السَّمَاءِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أُزَوِّجَكَ فِي الْأَرْضِ وَ لَقَدْ هَبَطَ عَلَيَّ فِي مَوْضِعِي مِنْ قَبْلُ أَنْ تَأْتِيَنِي مَلَكٌ مِنَ السَّمَاءِ لَهُ وُجُوهٌ شَتَّى وَ أَجْنِحَةٌ شَتَّى لَمْ أَرَ قَبْلَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْلَهُ فَقَالَ لِي السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَبْشِرْ يَا مُحَمَّدُ بِاجْتِمَاعِ الشَّمْلِ وَ طَهَارَةِ النَّسْلِ فَقُلْتُ وَ مَا ذَاكَ أَيُّهَا الْمَلَكُ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَنَا سَيْطَائِيلُ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

الْمَلَکُ الْمُوَکَّلُ بِإِحْدَی قَوَائِمِ الْعَرْشِ سَأَلْتُ رَبِّی عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ یَأْذَنَ لِی فِی بِشَارَتِکَ وَ هَذَا جَبْرَئِیلُ ع فِی أَثَرِی یُخْبِرُکَ عَنْ رَبِّکَ عَزَّ وَ جَلَّ بِکَرَامَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ النَّبِیُّ ص فَمَا اسْتَتَمَّ کَلَامَهُ حَتَّی هَبَطَ عَلَیَّ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ یَا نَبِیَّ اللَّهِ ثُمَّ إِنَّهُ وَضَعَ فِی یَدِی حَرِیرَةً بَیْضَاءَ مِنْ حَرِیرِ الْجَنَّةِ وَ فِیهِ سَطْرَانِ مَکْتُوبَانِ بِالنُّورِ فَقُلْتُ حَبِیبِی جَبْرَئِیلُ مَا هَذِهِ الْحَرِیرَةُ وَ مَا هَذِهِ الْخُطُوطُ فَقَالَ جَبْرَئِیلُ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ اطِّلَاعَةً فَاخْتَارَکَ مِنْ خَلْقِهِ فَبَعَثَکَ بِرِسَالَتِهِ ثُمَّ اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ ثَانِیَةً فَاخْتَارَ لَکَ مِنْهَا أَخاً وَ وَزِیراً وَ صَاحِباً وَ خَتَناً فَزَوَّجَهُ ابْنَتَکَ فَاطِمَةَ فَقُلْتُ حَبِیبِی جَبْرَئِیلُ وَ مَنْ هَذَا الرَّجُلُ فَقَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ أَخُوکَ فِی الدُّنْیَا وَ ابْنُ عَمِّکَ فِی النَّسَبِ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَی إِلَی الْجِنَانِ أَنْ تَزَخْرَفِی فَتَزَخْرَفَتِ الْجِنَانُ وَ إِلَی شَجَرَةِ طُوبَی احْمِلِی الْحُلِیَّ وَ الْحُلَلَ وَ تَزَیَّنَتِ الْحُورُ الْعِینُ وَ أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِکَةَ أَنْ تَجْتَمِعَ فِی السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ عِنْدَ الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ فَهَبَطَ مِنْ فَوْقِهَا إِلَیْهَا وَ صَعِدَ مِنْ تَحْتِهَا إِلَیْهَا وَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رِضْوَانَ فَنَصَبَ مِنْبَرَ الْکَرَامَةِ عَلَی بَابِ الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ الَّذِی خَطَبَ عَلَیْهِ آدَمُ عَرَضَ الْأَسْمَاءَ عَلَی الْمَلَائِکَةِ وَ هُوَ مِنْبَرٌ مِنْ نُورٍ فَأَوْحَی إِلَی مَلَکٍ مِنْ مَلَائِکَةِ حُجُبِهِ یُقَالُ لَهُ- رَاحِیلُ أَنْ یَعْلُوَ ذَلِکَ الْمِنْبَرَ وَ أَنْ یَحْمَدَهُ بِمَحَامِدِهِ وَ یُمَجِّدَهُ وَ بِتَمْجِیدِهِ وَ أَنْ یُثَنِّیَ عَلَیْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ لَیْسَ فِی الْمَلَائِکَةِ أَحْسَنُ مَنْطِقاً وَ لَا أَحْلَی لُغَةً مِنْ رَاحِیلَ الْمَلَکِ فَعَلَا الْمِنْبَرَ وَ حَمِدَ رَبَّهُ وَ مَجَّدَهُ وَ قَدَّسَهُ وَ أَثْنَی عَلَیْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ فَارْتَجَّتِ السَّمَاوَاتُ فَرَحاً وَ سُرُوراً قَالَ جَبْرَئِیلُ ثُمَّ أَوْحَی اللَّهُ إِلَیَّ أَنِ اعْقِدْ عُقْدَةَ النِّکَاحِ فَإِنِّی قَدْ زَوَّجْتُ أَمَتِی فَاطِمَةَ بِنْتَ حَبِیبِی مُحَمَّدٍ عَبْدِی عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ فَعَقَدْتُ عُقْدَةَ النِّکَاحِ وَ أَشْهَدْتُ عَلَی ذَلِکَ الْمَلَائِکَةَ أَجْمَعِینَ وَ کُتِبَ شَهَادَتُهُمْ فِی هَذِهِ الْحَرِیرَةِ وَ قَدْ أَمَرَنِی رَبِّی عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَعْرِضَهَا عَلَیْکَ وَ أَنْ أَخْتِمَهَا بِخَاتَمِ مِسْکٍ وَ أَنْ أَدْفَعَهَا إِلَی رِضْوَانَ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا أَشْهَدَ الْمَلَائِکَةَ عَلَی تَزْوِیجِ عَلِیٍّ مِنْ فَاطِمَةَ أَمَرَ شَجَرَةَ طُوبَی أَنْ تَنْثُرَ حَمْلَهَا مِنَ الْحُلِیِّ وَ الْحُلَلِ فَنَثَرَتْ مَا فِیهَا فَالْتَقَطَتْهُ الْمَلَائِکَةُ وَ الْحُورُ الْعِینُ وَ إِنَّ الْحُورَ الْعِینَ لَیَتَهَادَیْنَهُ وَ یَفْخَرْنَ بِهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِی أَنْ آمُرَکَ أَنْ تُزَوِّجَ عَلِیّاً فِی الْأَرْضِ فَاطِمَةَ وَ تُبَشِّرَهُمَا بِغُلَامَیْنِ زَکِیَّیْنِ نَجِیبَیْنِ طَاهِرَیْنِ طَیِّبَیْنِ خَیِّرَیْنِ فَاضِلَیْنِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ یَا أَبَا الْحَسَنِ فَوَ اللَّهِ مَا عَرَجَ الْمَلَکُ مِنْ عِنْدِی حَتَّی دَقَقْتَ الْبَابَ أَلَا وَ إِنِّی مُنْفِذٌ فِیکَ أَمْرَ رَبِّی عَزَّ وَ جَلَّ امْضِ یَا أَبَا الْحَسَنِ أَمَامِی فَإِنِّی خَارِجٌ إِلَی الْمَسْجِدِ وَ مُزَوِّجُکَ عَلَی رُءُوسِ النَّاسِ وَ ذَاکِرٌ مِنْ فَضْلِکَ مَا تَقَرُّ بِهِ عَیْنُکَ وَ أَعْیُنُ مُحِبِّیکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ قَالَ عَلِیٌّ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص مُسْرِعاً وَ أَنَا لَا أَعْقِلُ فَرَحاً وَ سُرُوراً فَاسْتَقْبَلَنِی أَبُو بَکْرٍ وَ عُمَرُ فَقَالَا مَا وَرَاءَکَ فَقُلْتُ زَوَّجَنِی رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَ أَخْبَرَنِی أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ زَوَّجَنِیهَا مِنَ السَّمَاءِ وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ ص خَارِجٌ فِی أَثَرِی لِیُظْهِرَ ذَلِکَ بِحَضْرَةِ النَّاسِ فَفَرِحَا بِذَلِکَ فَرَحاً شَدِیداً وَ رَجَعَا مَعِی إِلَی الْمَسْجِدِ فَمَا تَوَسَّطْنَاهُ حَتَّی لَحِقَ بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ إِنَّ وَجْهَهُ لَیَتَهَلَّلُ سُرُوراً وَ فَرَحاً فَقَالَ یَا بِلَالُ فَأَجَابَهُ فَقَالَ لَبَّیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اجْمَعْ إِلَیَّ الْمُهَاجِرِینَ وَ الْأَنْصَارَ فَجَمَعَهُمْ ثُمَّ رَقِیَ دَرَجَةً مِنَ الْمِنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَی عَلَیْهِ وَ قَالَ مَعَاشِرَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الْمُسْلِمِينَ إِنَّ جَبْرَئِيلَ أَتَانِي آنِفاً فَأَخْبَرَنِي عَنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ جَمَعَ الْمَلَائِكَةَ عِنْدَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ أَنَّهُ أَشْهَدَهُمْ جَمِيعاً أَنَّهُ زَوَّجَ أَمَتَهُ فَاطِمَةَ ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَهُ فِي الْأَرْضِ وَ أُشْهِدَكُمْ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ جَلَسَ وَ قَالَ لِعَلِيٍّ ع قُمْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَاخْطُبْ أَنْتَ لِنَفْسِكَ قَالَ فَقَامَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ ص وَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْراً لِأَنْعُمِهِ وَ أَيَادِيهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شَهَادَةً تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِيهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَاةً تُزْلِفُهُ وَ تُحْظِيهِ وَ النِّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ رَضِيَهُ وَ مَجْلِسُنَا هَذَا مِمَّا قَضَاهُ اللَّهُ وَ أَذِنَ فِيهِ وَ قَدْ زَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا دِرْعِي هَذَا وَ قَدْ رَضِيتُ بِذَلِكَ فَاسْأَلُوهُ وَ اشْهَدُوا فَقَالَ الْمُسْلِمُونَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص زَوَّجْتَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالُوا بَارَكَ اللَّهُ لَهُمَا وَ عَلَيْهِمَا وَ جَمَعَ شَمْلَهُمَا وَ انْصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى أَزْوَاجِهِ فَأَمَرَهُنَّ أَنْ يُدَفِّفْنَ لِفَاطِمَةَ فَضَرَبْنَ بِالدُّفُوفِ قَالَ عَلِيٌّ فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ انْطَلِقِ الْآنَ فَبِعْ دِرْعَكَ وَ ائْتِنِي بِثَمَنِهِ حَتَّى أُهَيِّئَ لَكَ وَ لِابْنَتِي فَاطِمَةَ مَا يُصْلِحُكُمَا قَالَ عَلِيٌّ فَانْطَلَقْتُ فَبِعْتُهُ بِأَرْبَعمِائَةِ دِرْهَمٍ سُودٍ هَجَرِيَّةٍ مِنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ فَلَمَّا قَبَضْتُ الدَّرَاهِمَ مِنْهُ وَ قَبَضَ الدِّرْعَ مِنِّي قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ لَسْتُ أَوْلَى بِالدِّرْعِ مِنْكَ وَ أَنْتَ أَوْلَى بِالدِّرْهَمِ مِنِّي فَقُلْتُ بَلَى قَالَ فَإِنَّ الدِّرْعَ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ فَأَخَذْتُ الدِّرْعَ وَ الدَّرَاهِمَ وَ أَقْبَلْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَطَرَحْتُ الدِّرْعَ وَ الدَّرَاهِمَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَخْبَرْتُهُ بِمَا كَانَ مِنْ أَمْرِ عُثْمَانَ فَدَعَا لَهُ بِخَيْرٍ وَ قَبَضَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْضَةً مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ دَعَا بِأَبِي بَكْرٍ فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ وَ قَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ اشْتَرِ بِهَذِهِ الدَّرَاهِمَ لِابْنَتِي مَا يُصْلِحُ لَهَا فِي بَيْتِهَا وَ بَعَثَ مَعَهُ سَلْمَانَ وَ بِلَالًا لِيُعِينَاهُ عَلَى حَمْلِ مَا يَشْتَرِيهِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ وَ كَانَتِ الدَّرَاهِمُ الَّتِي أَعْطَانِيهَا ثَلَاثَةً وَ سِتِّينَ دِرْهَماً فَانْطَلَقْتُ وَ اشْتَرَيْتُ فِرَاشاً مِنْ خَيْشِ مِصْرَ مَحْشُوّاً بِالصُّوفِ وَ نَطْعاً مِنْ أَدَمٍ وَ وِسَادَةً مِنْ أَدَمٍ حَشْوُهَا مِنْ لِيفِ النَّخْلِ وَ عَبَاءَةً خَيْبَرِيَّةً وَ قِرْبَةً لِلْمَاءِ وَ كِيزَاناً وَ جِرَاراً وَ مِطْهَرَةً لِلْمَاءِ وَ سِتْرَ صُوفٍ رَقِيقاً وَ حَمَلْنَاهُ جَمِيعاً حَتَّى وَضَعْنَاهُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ بَكَى وَ جَرَتْ دُمُوعُهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمٍ جُلُّ آنِيَتِهِمُ الْخَزَفُ قَالَ عَلِيٌّ وَ دَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَاقِيَ ثَمَنِ الدِّرْعِ إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ اتْرُكِي هَذِهِ الدَّرَاهِمَ عِنْدَكِ وَ مَكَثْتُ بَعْدَ ذَلِكَ شَهْراً لَا أُعَاوِدُ رَسُولَ اللَّهِ ص فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ بِشَيْءٍ اسْتِحْيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص غَيْرَ أَنِّي كُنْتُ إِذَا خَلَوْتُ بِرَسُولِ اللَّهِ يَقُولُ لِي يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَحْسَنَ زَوْجَتَكَ وَ أَجْمَلَهَا أَبْشِرْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَدْ زَوَّجْتُكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ قَالَ عَلِيٌّ فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ شَهْرٍ دَخَلَ عَلَيَّ أَخِي عَقِيلُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ يَا أَخِي مَا فَرِحْتُ بِشَيْءٍ كَفَرَحِي بِتَزْوِيجِكَ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ ص يَا أَخِي فَمَا بَالُكَ لَا تَسْأَلُ رَسُولَ اللَّهِ ص يُدْخِلُهَا عَلَيْكَ فَنَقَرَّ عَيْناً بِاجْتِمَاعِ شَمْلِكُمَا قَالَ عَلِيٌّ وَ اللَّهِ يَا أَخِي إِنِّي لَأُحِبُّ ذَلِكَ وَ مَا يَمْنَعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِهِ إِلَّا الْحَيَاءُ مِنْهُ فَقَالَ أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ إِلَّا قُمْتَ مَعِي فَقُمْنَا نُرِيدُ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَقِينَا فِي طَرِيقِنَا أُمَّ أَيْمَنَ مَوْلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَذَكَرْنَا ذَلِكَ لَهَا فَقَالَتْ لَا تَفْعَلْ وَ دَعْنَا نَحْنُ نُكَلِّمُهُ فَإِنَّ كَلَامَ النِّسَاءِ فِي هَذَا الْأَمْرِ أَحْسَنُ وَ أَوْقَعُ بِقُلُوبِ الرِّجَالِ ثُمَّ انْثَنَتْ رَاجِعَةً فَدَخَلَتْ إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ فَأَعْلَمَتْهَا بِذَلِكَ وَ أَعْلَمَتْ نِسَاءَ النَّبِيِّ ص فَاجْتَمَعْنَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَ فِي بَيْتِ عَائِشَةَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فَأَحْدَقْنَ بِهِ وَ قُلْنَ فَدَيْنَاكَ بِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدِ اجْتَمَعْنَا لِأَمْرٍ لَوْ أَنَّ خَدِيجَةَ فِي الْأَحْيَاءِ لَقَرَّتْ بِذَلِكَ عَيْنُهَا قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَلَمَّا ذَكَرْنَا خَدِيجَةَ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ قَالَ خَدِيجَةُ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَّقَتْنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَ وَازَرَتْنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ أَعَانَتْنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرُّدِ لَا صَخَبَ فِيهِ وَ لَا نَصَبَ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَقُلْنَا فَدَيْنَاكَ بِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَمْ تَذْكُرْ مِنْ خَدِيجَةَ أَمْراً إِلَّا وَ قَدْ كَانَتْ كَذَلِكَ غَيْرَ أَنَّهَا قَدْ مَضَتْ إِلَى رَبِّهَا فَهَنَّأَهَا اللَّهُ بِذَلِكَ وَ جَمَعَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهَا فِي دَرَجَاتِ جَنَّتِهِ وَ رِضْوَانِهِ وَ رَحْمَتِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ هَذَا أَخُوكَ فِي الدُّنْيَا وَ ابْنُ عَمِّكَ فِي النَّسَبِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يُحِبُّ أَنْ تُدْخِلَ عَلَيْهِ زَوْجَتَهُ فَاطِمَةَ ع وَ تَجْمَعَ بِهَا شَمْلَهُ فَقَالَ يَا أُمَّ سَلَمَةَ فَمَا بَالُ عَلِيٍّ لَا يَسْأَلُنِي ذَلِكَ فَقُلْتُ يَمْنَعُهُ الْحَيَاءُ مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَتْ أُمُّ أَيْمَنَ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص انْطَلِقِي إِلَى عَلِيٍّ فَأْتِينِي بِهِ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَإِذَا عَلِيٌّ يَنْتَظِرُنِي لِيَسْأَلَنِي عَنْ جَوَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا رَآنِي قَالَ مَا وَرَاكِ يَا أُمَّ أَيْمَنَ قُلْتُ أَجِبْ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ ع فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ قُمْنَ أَزْوَاجُهُ فَدَخَلْنَ الْبَيْتَ وَ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُطْرِقاً نَحْوَ الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْهُ فَقَالَ أَ تُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ عَلَيْكَ زَوْجَتُكَ فَقُلْتُ وَ أَنَا مُطْرِقٌ نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي فَقَالَ نَعَمْ وَ كَرَامَةً يَا أَبَا الْحَسَنِ أُدْخِلُهَا عَلَيْكَ فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ أَوْ فِي لَيْلَةِ غَدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقُمْتُ فَرِحاً مَسْرُوراً وَ أَمَرَ ص أَزْوَاجَهُ أَنْ يُزَيِّنَّ فَاطِمَةَ ع وَ يُطَيِّبْنَهَا وَ يَفْرُشْنَ لَهَا بَيْتاً لِيُدْخِلْنَهَا عَلَى بَعْلِهَا فَفَعَلْنَ ذَلِكَ وَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنَ الدَّرَاهِمِ الَّتِي سَلَّمَهَا إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ عَشَرَةَ دَرَاهِمَ فَدَفَعَهَا إِلَيَّ وَ قَالَ اشْتَرِ سَمْناً وَ تَمْراً وَ أَقِطاً فَاشْتَرَيْتُ وَ أَقْبَلْتُ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَحَسَرَ عَنْ ذِرَاعَيْهِ وَ دَعَا بِسُفْرَةٍ مِنْ أَدَمٍ وَ جَعَلَ يَشْدَخُ التَّمْرَ وَ السَّمْنَ وَ يَخْلِطُهُمَا بِالْأَقِطِ حَتَّى اتَّخَذَهُ حَيْساً ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ ادْعُ مَنْ أَحْبَبْتَ فَخَرَجْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ص مُتَوَافِرُونَ فَقُلْتُ أَجِيبُوا رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَامُوا جَمِيعاً وَ أَقْبَلُوا نَحْوَ النَّبِيِّ ص فَأَخْبَرْتُهُ أَنَّ الْقَوْمَ كَثِيرٌ فَجَلَّلَ السُّفْرَةَ بِمِنْدِيلٍ وَ قَالَ أَدْخِلْ عَلَيَّ عَشَرَةً بَعْدَ عَشَرَةٍ فَفَعَلْتُ وَ جَعَلُوا يَأْكُلُونَ وَ يَخْرُجُونَ وَ لَا يَنْقُصُ الطَّعَامُ حَتَّى لَقَدْ أَكَلَ مِنْ ذَلِكَ الْحَيْسِ سَبْعُمِائَةِ رَجُلٍ وَ امْرَأَةٍ بِبَرَكَةِ النَّبِيِّ ص قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ ثُمَّ دَعَا بِابْنَتِهِ فَاطِمَةَ وَ دَعَا بِعَلِيٍّ ع فَأَخَذَ عَلِيّاً بِيَمِينِهِ وَ فَاطِمَةَ بِشِمَالِهِ وَ جَمَعَهُمَا إِلَى صَدْرِهِ فَقَبَّلَ بَيْنَ أَعْيُنِهِمَا وَ دَفَعَ فَاطِمَةَ إِلَى عَلِيٍّ وَ قَالَ يَا عَلِيُّ نِعْمَ الزَّوْجَةُ زَوْجَتُكَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ قَالَ يَا فَاطِمَةُ نِعْمَ الْبَعْلُ بَعْلُكِ ثُمَّ قَامَ يَمْشِي بَيْنَهُمَا حَتَّى أَدْخَلَهُمَا بَيْتَهُمَا الَّذِي هُيِّئَ لَهُمَا ثُمَّ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهِمَا فَأَخَذَ بِعِضَادَتَيِ الْبَابِ فَقَالَ طَهَّرَكُمَا اللَّهُ وَ طَهَّرَ نَسْلَكُمَا أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمَا وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمَا أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ وَ أَسْتَخْلِفُهُ عَلَيْكُمَا قَالَ عَلِيٌّ وَ مَكَثَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَعْدَ ذَلِكَ ثَلَاثاً لَا يَدْخُلُ عَلَيْنَا فَلَمَّا كَانَ فِي صَبِيحَةِ الْيَوْمِ الرَّابِعِ جَاءَنَا لِيَدْخُلَ عَلَيْنَا فَصَادَفَ فِي حُجْرَتِنَا أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ الْخَثْعَمِيَّةَ فَقَالَ لَهَا مَا يَقِفُكِ هَاهُنَا وَ فِي الْحُجْرَةِ رَجُلٌ فَقَالَتْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي إِنَّ الْفَتَاةَ إِذَا زُفَّتْ إِلَى زَوْجِهَا تَحْتَاجُ إِلَى امْرَأَةٍ تَتَعَاهَدُهَا وَ تَقُومُ بِحَوَائِجِهَا فَأَقَمْتُ هَاهُنَا لِأَقْضِيَ حَوَائِجَ فَاطِمَةَ ع قَالَ ص يَا أَسْمَاءُ قَضَى اللَّهُ لَكِ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قَالَ عَلِيٌّ ع وَ كَانَتْ غَدَاةَ قَرَّةٍ وَ كُنْتُ أَنَا وَ فَاطِمَةُ تَحْتَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الْعَبَاءِ فَلَمَّا سَمِعْنَا كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص لِأَسْمَاءَ ذَهَبْنَا لِنَقُومَ فَقَالَ بِحَقِّي عَلَيْكُمَا لَا تَفْتَرِقَا حَتَّى أَدْخُلَ عَلَيْكُمَا فَرَجَعْنَا إِلَى حَالِنَا وَ دَخَلَ ص وَ جَلَسَ عِنْدَ رُءُوسِنَا وَ أَدْخَلَ رِجْلَيْهِ فِيمَا بَيْنَنَا وَ أَخَذْتُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى فَضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي وَ أَخَذَتْ فَاطِمَةُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى فَضَمَّتْهَا إِلَى صَدْرِهَا وَ جَعَلْنَا نُدْفِئُ رِجْلَيْهِ مِنَ الْقُرِّ حَتَّى إِذَا دُفِئَتَا قَالَ يَا عَلِيُّ ائْتِنِي بِكُوزٍ مِنْ مَاءٍ فَأَتَيْتُهُ فَتَفَلَ فِيهِ ثَلَاثاً وَ قَرَأَ فِيهِ آيَاتٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ اشْرَبْهُ وَ اتْرُكْ فِيهِ قَلِيلًا فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَرَشَّ بَاقِيَ الْمَاءِ عَلَى رَأْسِي وَ صَدْرِي وَ قَالَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ الرِّجْسَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ طَهَّرَكَ تَطْهِيراً وَ قَالَ ائْتِنِي بِمَاءٍ جَدِيدٍ فَأَتَيْتُهُ بِهِ فَفَعَلَ كَمَا فَعَلَ وَ سَلَّمَهُ إِلَى ابْنَتِهِ ع وَ قَالَ لَهَا اشْرَبِي وَ اتْرُكِي مِنْهُ قَلِيلًا فَفَعَلَتْ فَرَشَّهُ عَلَى رَأْسِهَا وَ صَدْرِهَا وَ قَالَ ص أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكِ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكِ تَطْهِيراً وَ أَمَرَنِي بِالْخُرُوجِ مِنَ الْبَيْتِ وَ خَلَا بِابْنَتِهِ وَ قَالَ كَيْفَ أَنْتِ يَا بُنَيَّةِ وَ كَيْفَ رَأَيْتِ زَوْجَكِ قَالَتْ لَهُ يَا أَبَتِ خَيْرَ زَوْجٍ إِلَّا أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيَّ نِسَاءٌ مِنْ قُرَيْشٍ وَ قُلْنَ لِي زَوَّجَكِ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ فَقِيرٍ لَا مَالَ لَهُ فَقَالَ لَهَا يَا بُنَيَّةِ مَا أُبُوكِ بِفَقِيرٍ وَ لَا بَعْلُكِ بِفَقِيرٍ وَ لَقَدْ عُرِضَتْ عَلَيَّ خَزَائِنُ الْأَرْضِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَاخْتَرْتُ مَا عِنْدَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ يَا بُنَيَّةِ لَوْ تَعْلَمِينَ مَا عَلِمَ أُبُوكِ لَسَمُجَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنَيْكِ وَ اللَّهِ يَا بُنَيَّةِ مَا أَلَوْتُكِ نُصْحاً إِنْ زَوَّجْتُكِ أَقْدَمَهُمْ سِلْماً وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْماً وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْماً يَا بُنَيَّةِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ اطِّلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْ أَهْلِهَا رَجُلَيْنِ فَجَعَلَ أَحَدَهُمَا أَبَاكِ وَ الْآخَرَ بَعْلَكِ يَا بُنَيَّةِ نِعْمَ الزَّوْجُ زَوْجُكِ لَا تَعْصِي لَهُ أَمْراً ثُمَّ صَاحَ بِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ادْخُلْ بَيْتَكَ وَ الْطُفْ بِزَوْجَتِكَ وَ ارْفُقْ بِهَا فَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْلِمُنِي مَا يُؤْلِمُهَا وَ يَسُرُّنِي مَا يَسُرُّهَا أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ وَ أَسْتَخْلِفُهُ عَلَيْكُمَا قَالَ عَلِيٌّ ع فَوَ اللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَ لَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا أَغْضَبَتْنِي وَ لَا عَصَتْ لِي أَمْراً وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَانُ قَالَ عَلِيٌّ ع ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَنْصَرِفَ فَقَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ يَا أَبَتِ لَا طَاقَةَ لِي بِخِدْمَةِ الْبَيْتِ فَأْخْدِمْنِي خَادِماً تَخْدُمُنِي وَ تُعِينُنِي عَلَى أَمْرِ الْبَيْتِ فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ أَ وَ لَا تُرِيدِينَ خَيْراً مِنَ الْخَادِمِ فَقَالَ عَلِيٌّ قُولِي بَلَى قَالَتْ يَا أَبَتِ خَيْراً مِنَ الْخَادِمِ فَقَالَ تُسَبِّحِينَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ تُحَمِّدِينَهُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ تُكَبِّرِينَهُ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً فَذَلِكَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَ أَلْفُ حَسَنَةٍ فِي الْمِيزَانِ يَا فَاطِمَةُ إِنَّكِ إِنْ قُلْتَهَا فِي صَبِيحَةِ كُلِّ يَوْمٍ كَفَاكِ اللَّهُ مَا أَهَمَّكِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

تبیان أقول روی مثل تلک الروایة من کتاب کفایة الطالب تألیف محمد بن یوسف الکنجی الشافعی بإسناده عن ابن عباس باختصار و تغییر ترکناه لتکرر مضامینه ثم قال قال محمد بن یوسف هکذا رواه ابن بطة و هو حسن عال و ذکر أسماء بنت عمیس فی هذا الحدیث غیر صحیح لأن أسماء هذه امرأة جعفر بن أبی طالب تزوجها بعده أبو بکر فولدت له محمدا فلما مات أبو بکر تزوجها علی بن أبی طالب ع و إن أسماء التی حضرت فی عرس فاطمة ع إنما هی أسماء بنت یزید بن السکن الأنصاری و أسماء بنت عمیس کان مع زوجها جعفر بالحبشة و قدم بها یوم فتح خیبر سنة سبع و کان زواج فاطمة ع بعد وقعة بدر بأیام یسیرة فصح بهذا أن أسماء المذکورة فی هذا الحدیث

إنما هی بنت یزید و لها أحادیث عن النبی ص انتهی. أقول المرط کساء من صوف أو خز کان یؤتزر بها و الخدر بالکسر الستر قوله ع مما کان علیه آبائی أی الحیرة فی بعض الأمور التی اهتدی إلیه أمیر المؤمنین و خص به من العلوم الربانیة و الشرک إنما هو للأعمام أو یکون المراد بعض الأجداد من جهة الأم و قال الجزری فی میمون النقیبة أی منجح الفعال مظفر المطالب و النقیبة النفس و قیل الطبیعة و الخلیفة و قال طائر الإنسان ما حصل له فی علم الله مما قدر له و منه الحدیث بالمیمون طائره أی بالمبارک حظه و یجوز أن یکون أصله من الطیر السانح و البارح قوله ع تزلفه أی تقر به قوله و تحظیه من باب الإفعال یقال فلان أحظی منی أی أقرب إلیه منی قوله ثم انثنت أی انصرفت قال الجوهری ثنیته صرفته عن حاجته و قال الجزری الصخب الضجة و اضطراب الأصوات للخصام و منه حدیث خدیجة لا صخب فیه و لا نصب قوله فجلل السفرة أی ستر ما فیها بمندیل لئلا یری الآکلون ما فیها فیحصل فیها البرکة و قد تکرر ذلک فی الأخبار المشتملة علی إعجاز البرکة

ترجمه: (۱) و نیز در کشف الغمه، به نقل از مناقب خوارزمی (۵۶۸ ه) از عبد اللّه بن عبّاس روایت کرده است که گفت: زمان عروسی فاطمه و علی علیهما السّلام پیامبر در مقابل آنها، و جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ و هفتاد هزار فرشته در پشت سر فاطمه علیها السّلام او را بدرقه می‌کردند و تا طلوع فجر خداوند را به خاطر این وصلت مبارک تسبیح و تقدیس می‌نمودند.

و باز هم از مناقب خوارزمی از علی علیه السّلام روایت کرده که گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: فرشته‌ای بر من نازل شد و گفت: خداوند بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: من فاطمه را برای علی تزویج نمودم و فرمان دادم تا شجره طوبی جواهرات رنگارنگ خود را نثار اهل آسمان کند و اهل آسمان نیز از این کار خشنود و شادمان گردیدند، و به زودی از آنها دو پسر متولّد می‌شود که سروران جوانان بهشت هستند و همانا بهشت به آنها مباهات می‌کند و آنها را زینت خود می‌شناسد، پس ای محمّد! بشارت بر تو باد که بهترین مردم از اوّلین و آخرین آنها هستی.

و باز هم از مناقب خوارزمی از امّ سلمه، سلمان فارسی و علی علیه السّلام روایت نموده که همگی گفته‌اند: هنگامی که فاطمه دختر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به سنّ بلوغ رسید بزرگان قریش که سبقت در اسلام داشتند و اهل فضل و کمال و جاه و جلال و دارای اموال بودند، خواستگار فاطمه شدند، ولی هر گاه یکی از آنان راجع به این موضوع با پیامبر خدا مذاکره می‌کرد آن حضرت بنحوی از او اعراض می‌نمود که بعضی گمان می‌کردند: رسول خدا با او خشمناک شده است! یا اینکه در این باره از آسمان وحی بر آن بزرگوار نازل گردیده!

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

(۱) ابو بکر فاطمه را از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خواستگاری نمود، ولی پیامبر فرمود: اختیار فاطمه با خدای سبحان است. بعد از ابو بکر عمر بن خطاب به خواستگاری فاطمه علیها السّلام آمد ولی رسول خدا همان جوابی را به وی داد که به ابو بکر فرموده بود.

روزی ابو بکر و عمر و سعد بن معاذ در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشسته بودند، و راجع به فاطمه مذاکره می‌کردند. ابو بکر گفت: اشراف قریش در حضور پیامبر خدا خواستگار فاطمه زهرا شدند، آن بزرگوار فرمود: اختیار فاطمه با خداوند می‌باشد. هر گاه که بخواهد وسیله ازدواج وی را مهیا می‌نماید. علی بن ابی طالب فاطمه زهرا را از رسول خدا خواستگاری ننموده و با وی مذاکره نکرده. من علّت عدم خواستگاری علی را جز تهی دستی چیز دیگری نمی‌بینم من این طور دریافته‌ام که خدا و رسول خدا فاطمه را برای علی نگاه داشته‌اند.

سپس ابو بکر متوجه عمر بن خطاب و سعد بن معاذ شد و گفت: آیا صلاح می‌دانید نزد علی بن ابی طالب برویم و راجع به این موضوع با وی مذاکره نماییم؟ چنانچه معلوم شود تهی دستی و فقر مانع علی است ما به وی کمک کنیم. سعد بن معاذ گفت: ای ابو بکر خداوند تو را موفّق نماید، برخیزید تا به امید خداوند برویم.

سلمان فارسی می‌گوید: آنان از مسجد خارج و برای یافتن علی به سوی منزل آن روانه حضرت شدند ولی او را نیافتند. علی با اشتر خود آب برای درخت خرمای یکی از انصار می‌کشید و اجرت می‌گرفت.

هنگامی که آنان به سوی علی رفتند و چشم آن حضرت به آنان افتاد، فرمود: چه خبر دارید و برای چه منظوری نزد من آمده‌اید؟ ابو بکر گفت:

یا علی! هیچ خصلت نیکویی نیست مگر اینکه تو در آن سبقت گرفته‌ای، تو نزد پیامبر از نظر قرابت و رفاقت و سبقت مقامی داری که می‌دانی. گروهی از اشراف قریش برای خواستگاری فاطمه نزد ایشان رفتند و آن بزرگوار آنان را رد کرد و در جوابشان فرمود: «اختیار فاطمه در دست خداست اگر بخواهد او را شوهر دهد می‌دهد».

یا علی! چه مانعی دارد که تو فاطمه را از پیامبر اسلام خواستگاری نمایی؟ زیرا من امیدوارم که خدا و رسول خدا فاطمه را برای تو نگاه داشته باشند. (۱) راوی می‌گوید: چشمان مبارک حضرت امیر پر از اشک شدند و فرمود: ای ابو بکر! تو فکر آرام مرا به هیجان آوردی و مرا برای مطلبی که از آن غافل بودم بیدار کردی. به خداوند سوگند که من به فاطمه زهرا رغبت دارم و شخصی چون من البتّه نسبت به زهرا بی‌میل نیست. ولی تنها چیزی که مانع من است تهی دستی می‌باشد.

ابو بکر گفت: یا علی! این سخن را مگوی زیرا دنیا و آنچه که در آن است به نظر خدا و رسول ناچیز می‌باشد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

علی علیه السّلام پس از این جریان شتر خود را باز نمود و آن را به منزل برد و بست. آنگاه نعلین‌های خود را پوشید و به سوی پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که در خانه زوجه‌اش امّ سلمه بود روانه شد. وقتی علی دقّ الباب نمود، امّ سلمه گفت: کیست که دقّ الباب می‌کند؟ پیامبر اکرم قبل از اینکه حضرت بگوید: منم، فرمود: برخیز در را باز کن و به وی بگو که وارد شود. وی مردی است که خدا و رسول او را دوست دارند و او هم خدا و رسول را دوست دارد.

امّ سلمه گفت: پدر و مادرم به فدای تو یا رسول اللّه این کیست که تو هنوز او را ندیده‌ای و این چنین در باره‌اش می‌فرمایی؟ فرمود: ای امّ سلمه آرام باش! این مردی است عاقل و خویشتن‌دار. وی برادر و پسر عمو و محبوبترین مردم نزد من است.

امّ سلمه می‌گوید: من با سرعت برای باز کردن در رفتم به طوری که پایم به دامنم پیچید و نزدیک بود بیفتم. هنگامی که در را گشودم با علی بن ابی طالب مواجه شدم. آن حضرت وارد خانه نشد تا زمانی که یقین پیدا کرد که من به جایگاه خود بازگشتم، آنگاه داخل شد بر رسول خدا و گفت: السلام علیک یا رسول اللّه! و پیامبر سلام او را پاسخ داد و فرمود: بنشین ای ابو الحسن.

علی در حضور پیامبر خدا نشست و دیده به زمین دوخت، گویا حاجتی داشت ولی از اظهار آن خجالت می‌کشید، لذا سر خود را به زیر افکنده سخنی نمی‌گفت. چنین می‌نمود که پیامبر از قلب علی آگاه بود، لذا به وی فرمود: این طور گمان می‌کنم که حاجتی داشته باشی، چه مانعی دارد، حاجت قلبی خود را بگو، زیرا حاجت تو نزد من روا خواهد شد. (۱) علی گفت: پدرم و مادرم به فدایت ای رسول خدا! تو خودت مرا از عمویت ابو طالب و فاطمه بنت اسد گرفتی، من کودکی بودم تو مرا با خویشتن هم غذا کردی، تو نسبت به من از لحاظ نیکویی و شفقت از پدرم ابو طالب و مادرم فاطمه بنت اسد افضل و برتری، خدای رئوف مرا به وسیله تو و در دست تو هدایت نمود، خداوند مرا از آن سرگردانیها و حیرتی که پدران و عموهایم به آن دچار بودند نجات داد. یا رسول اللّه تو در دنیا و آخرت برای من ذخیره و پناهگاه هستی. یا رسول اللّه من دوست دارم با این همه رعایتی که نسبت به من فرموده‌ای خانه و همسری داشته باشم که با او انس بگیرم. یا رسول اللّه! من نزد تو آمده‌ام تا تقاضا نمایم که دخترت فاطمه را برای من تزویج فرمایی، آیا این تقاضا را می‌پذیری؟

امّ سلمه می‌گوید: دیدم صورت مبارک پیامبر خدا از شدت فرج و خوشحالی می‌درخشید.

آنگاه به حضرت علی فرمود: آیا تو چیزی داری که من فاطمه را به تو بدهم؟

علی علیه السّلام گفت: پدر و مادرم به فدایت! اوضاع زندگی من از تو مخفی نیست. من فقط یک شمشیر و یک زره و یک شتر دارم که با آن آب می‌کشم. من غیر از اینها چیزی ندارم.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

رسول خدا فرمود: علی جان! تو از شمشیرت مستغنی نیستی، زیرا می‌خواهی با آن در راه خداوند جهاد کنی و با دشمنان او بجنگی، شتر خود را برای اینکه آب از برای درختان خرما و خانه‌ات بکشی و بار سفر را به پشت آن بگذاری لازم داری. آری من فاطمه را با همان زره‌ای که داری به همسری تو در می‌آورم.

ای علی! میل داری که به تو مژده‌ای دهم؟ گفتم: آری، پدر و مادرم به فدای تو! تو همیشه در گفتار خود با برکت و هدایت‌کننده بوده‌ای، درود خداوند بر تو باد.

پیامبر فرمود: ای ابو الحسن! قبل از اینکه من فاطمه را در زمین به همسری تو درآورم خداوند وی را در آسمان برای تو تزویج کرده است. قبل از اینکه تو نزدم بیایی در باره همین موضوع ملکی نزد من آمد که دارای چندین صورت و چندین پر و بال بود و من در میان ملائکه نظیر او را ندیده بودم. او به من درود و سلام فرستاد و گفت: رحمت و برکات خداوند بر تو باد! سپس گفت: مژده باد تو را به یگانگی و پاکیزگی نسل. گفتم: این چه بشارتی است؟ گفت: نام من سیطائیل است، من موکل یکی از قائمه‌های عرش می‌باشم، از خداوند خواهش کردم به من اجازه دهد که به تو مژده دهم، این جبرئیل است که به دنبال من می‌آید و می‌خواهد تو را از کرامت پروردگار آگاه نماید. (۱) سخن وی تمام نشده بود که جبرئیل نازل شده گفت: سلام بر تو و رحمت و برکات خداوند نثارت باد! سپس حریری سفید از حریر بهشتی که دو سطر از نور بر آن نوشته شده بود، در میان دست من نهاد. گفتم: ای حبیب من! این حریر و این خط چیست؟ گفت: ای محمّد! خدای علیم توجّهی به زمین کرد و تو را از میان خلق خود برگزید و به پیامبری مبعوث نمود. بار دیگر توجّهی به زمین کرد و وزیر، همصحبت و دامادی برای تو انتخاب نمود و دخترت فاطمه را برای او تزویج کرد.

گفتم: این مرد کیست؟ گفت: ای محمّد وی که در دنیا برادر و پسر عموی توست، علی بن ابی طالب می‌باشد. خدای توانا به بهشت دستور داد تا خود را زینت نماید. به درخت طوبی امر کرد تا زر و زیور خود را آماده کند. حور العین خویشتن را زینت کنند. به ملائکه دستور داد که در آسمان چهارم نزد بیت المعمور اجتماع نمایند. ملائکه ما فوق بیت المعمور به جانب آن نزول و ملائکه پایین بیت المعمور به طرف آن صعود نمودند.

خدای رحمان و رحیم به رضوان امر نموده که منبر کرامت را بر در بیت المعمور نصب نماید، این همان منبری است از نور که حضرت آدم بر فراز آن رفت و نامهای موجودات را بر ملائکه عرضه نمود.

خدا به یکی از ملائکه حجب خویش که او را راحیل می‌گویند، وحی کرد تا بر فراز آن منبر رود و حمد و ثنای خداوند را آن طور که باید و شاید به جای آورد. در میان ملائکه از لحاظ نیکویی بیان و شیرین زبانی بهتر از راحیل وجود ندارد. راحیل بر فراز منبر رفت و به شایستگی حمد و ثنای خدا را به جای آورد و بدین جهت اهل آسمانها غرق سرور شدند.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهزا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

جبرئیل گفت: خدای سبحان به من دستور داده که عقد نکاح را جاری کنم، زیرا خداوند کنیز خودش فاطمه اطهر دختر حبیب خودش محمّد را برای بنده‌اش علی بن ابی طالب تزویج کرده. من عقد نکاح را جاری کردم و جمیع ملائکه را بر آن شاهد گرفتم، شهادت آنان بر این پارچه حریر نوشته شده. خدای من دستور داد که این حریر را به تو عرضه نمایم و آن را به وسیله عطر و مشک مهر نمایم و به رضوان تحویل دهم.

خدای جهان پس از اینکه ملائکه را بر این ازدواج شاهد گرفت به درخت طوبی امر فرمود تا زر و زیور و حلّه‌ها را نثار کند. ملائکه و حور العین آنها را برگرفتند و تا قیامت به آنها مباهات می‌نمایند. (۱) ای محمّد! خدای تعالی به من فرموده به تو بگویم که فاطمه را برای علی بن ابی طالب تزویج نمایی و ایشان را به دو پسری بشارت دهی که در دنیا و آخرت با ذکاوت، نجیب، طاهر، طیّب، خیرخواه و با فضیلت خواهند بود.

آنگاه پیامبر خدا به علی بن ابی طالب فرمود: به خداوند سوگند هنوز آن ملک از نزد من بالا نرفته بود که دقّ الباب نمودی. من امر پروردگارم را در باره تو اجرا خواهم کرد.

ابو الحسن! تو قبل از من برو تا به مسجد بیایم و فاطمه را در حضور مردم برای تو تزویج کنم و به قدری از فضایل تو بگویم که چشم تو و دوستانت در دنیا و آخرت روشن شود.

علی علیه السّلام می‌فرماید: من از حضور آن حضرت با سرعت خارج شدم و از کثرت خوشحالی سر از پای نمی‌شناختم. عمر و ابو بکر به استقبال من آمدند و گفتند: چه خبر؟! گفتم: حضرت رسول دخترش فاطمه را برایم تزویج نمود و فرمود: خدا در آسمان فاطمه را برای تو تزویج کرده است. این پیغمبر است که می‌آید تا موضوع را در حضور مردم بگوید. آنان خوشحال شدند و با من به سوی مسجد بازگشتند. هنوز ما به وسط مسجد نرسیده بودیم که پیامبر خدا در حالی که از کثرت خوشحالی نور از صورت مبارکش می‌بارید، به ما ملحق شد.

آنگاه بلال را خواست، بلال گفت: لبیک یا رسول اللّه! فرمود: مهاجرین و انصار را نزد من بیاور! هنگامی که آنان حضور یافتند آن حضرت پا به پله منبر نهاد و پس از حمد و ثنای خدای جهانیان فرمود:

ای مردم! جبرئیل نزد من آمد و گفت: خدای سبحان ملائکه را از بیت المعمور جمع کرده و آنان را شاهد گرفته که فاطمه زهرا دختر محمّد را برای علی بن ابی طالب تزویج نموده و مرا هم مأمور کرده که این امر را در زمین انجام دهم و شما را بر آن شاهد بگیرم.

سپس آن حضرت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشست و به حضرت علی علیه السّلام فرمود: برخیز و خطبه‌ای برای خویشتن بخوان. علی علیه السّلام برخاست و پس از حمد و ثنای خداوند این خطبه را خواند: بدانید که پیغمبر معظم اسلام دخترش فاطمه را به عقد من در آورده و زره مرا مهریه وی قرار داده و من به این ازدواج

راضی می‌باشم. (۱) مسلمانان به رسول خدا گفتند: ای رسول خدا! دخترت فاطمه را برای علی تزویج نمودی؟ فرمود: آری.

گفتند: خداوند این ازدواج را مبارک و یگانگی بین ایشان را حفظ نماید! سپس پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم متوجه زنان خویش گردید و به ایشان دستور داد تا مراسم عروسی را شروع نمایند.

حضرت علی می‌فرماید: رسول خدا بازگشت و به من فرمود: هم اکنون برو و زره خود را بفروش و پول آن را نزد من بیاور تا وسیله عروسی شما را مهیا نمایم. من رفتم و زره خود را به چهار صد درهم هجریه به عثمان بن عفان فروختم، هنگامی که من پول‌ها را گرفتم و زره را تحویل دادم، عثمان گفت:

ای ابو الحسن! من از تو نسبت به این زره سزاوارتر نیستم، ولی تو نسبت به این پولها از من سزاوارتری. گفتم: آری. گفت: پس من این زره را به تو هدیه می‌کنم. من زره را با پولها از او گرفتم و به حضور پیغمبر خدا مشرف شدم و جریان عثمان را برایش شرح دادم. پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم یک مشت از آن پولها را برگرفت و ابو بکر را احضار کرده آن پولها را به وی داد و فرمود: این پولها را ببر و برای دخترم فاطمه لوازم منزل خریداری نما. آنگاه سلمان و بلال را با وی فرستاد تا آنچه را که می‌خرد ایشان بیاورند.

ابو بکر می‌گوید: آن پولهایی که رسول خدا به من داد مبلغ شصت و سه درهم بودند.

من به بازار رفتم و یک نوع تشک با روکش کتان مصری که با پشم پر شده بود، سفره‌ای چرمی و یک پشتی که از لیف خرما پر شده بود، و عبایی خیبری، یک مشک آب، چند کوزه، ظرف آب سفالی بزرگ، یک آفتابه و چادری پشمی خریدم. آنگاه آنها را آوردیم و به حضور پیغمبر اکرم تقدیم کردیم.

وقتی چشم رسول خدا به آنها افتاد، اشکهایش جاری شد پس از آن سر مبارک خود را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود:بار خدایا! به خاندانی که ظرفهای ایشان سفالی است، خیر و برکت عطا کن! حضرت امیر می‌فرماید: پیامبر خدا باقیمانده پول زره را به امّ سلمه داد و فرمود: این پول نزد تو باشد. (۱) مدت یک ماه بود که من راجع به فاطمه با رسول اکرم گفتگو نمی‌کردم. زیرا از ایشان خجالت می‌کشیدم. ولی آن بزرگوار هر گاه من به حضورش مشرف می‌شدم می‌فرمود:

زوجه تو بسیار نیکوست! ای ابو الحسن! مژده باد تو را، زیرا من سرور زنان عالم را برای تو تزویج نموده‌ام.

یک ماه بعد برادرم عقیل نزدم آمد و گفت: یا علی! برای هیچ نعمتی این قدر خوشحال نشدم که تو با فاطمه دختر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ازدواج کرده‌ای. چرا از رسول خدا تقاضا نمی‌کنی که فاطمه را در اختیار تو بگذارد تا چشمان ما به وسیله جمع شما روشن شود؟

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

علی علیه السّلام فرمود: آری من خیلی مایلم که این آرزو برآورده شود، هیچ مانعی در کار نیست، ولی از پیغمبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خجالت می‌کشم.

عقیل گفت: تو را به خداوند سوگند، برخیز و با من به حضور رسول خدا بیا! وقتی برخاستیم که به حضور آن حضرت مشرّف شویم در بین راه با امّ ایمن خدمتکار پیامبر اکرم مواجه شدیم، و چون وی را از تصمیم خود آگاه نمودیم، گفت: شما این کار را انجام ندهید، بگذارید ما زنان این مطلب را با آن حضرت در میان بگذاریم زیرا سخن زنان در این باره بهتر در دل مردان جای خواهد گرفت.

پس از این جریان من نزد امّ سلمه رفتم و او را از این موضوع آگاه نمودم، وی هم زنان پیغمبر اکرم را آگاه و جمع نمود، آنان به حضور پیامبر که در خانه عایشه بود رفتند و پس از اینکه در اطراف آن حضرت حلقه زدند گفتند:

ای رسول خدا! پدر و مادرمان به فدای تو! ما برای موضوعی نزد تو آمده‌ایم که اگر خدیجه زنده بود موجب روشنی چشمش می‌شد.

امّ سلمه می‌گوید: وقتی ما نام خدیجه کبری را بردیم آن حضرت گریان شد و فرمود: مثل خدیجه پیدا نخواهد شد. خدیجه در آن هنگام که مردم مرا تکذیب کردند، مرا تصدیق نمود، و مرا با ثروت خود برای پیشرفت دین خدا یاری نمود. خدا به من دستور داد خدیجه را به قصر زمرّدی که در بهشت دارد و هیچ رنج و زحمتی در آن نیست بشارت دهم. (۱) امّ سلمه می‌گوید: گفتم: پدر و مادرمان به فدای تو باد! آری خدیجه همین طور بود که می‌فرمایید، و اکنون او به جوار رحمت پروردگار خویشتن رفته، خدا این نعمت را برای او مبارک نماید و ما را هم با او در درجات بهشتی و رضوان و رحمت خود جای دهد.

ای رسول خدا! این علی برادر و پسر عموی تو می‌باشد. او دوست دارد که تو اجازه دهی همسرش فاطمه را به منزل خویش برد تا با یک دیگر مأنوس شوند. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به امّ سلمه فرمود: پس چرا علی این موضوع را با من در میان نمی‌گذارد؟ گفت: از شما خجالت می‌کشد.

امّ ایمن می‌گوید: پیغمبر خدا به من فرمود: برو علی را نزد من بیاور. وقتی من به سراغ علی رفتم دیدم آن حضرت در انتظار من می‌باشد تا جواب رسول خدا را برایش بگویم. وقتی مرا دید، سؤال فرمود: چه خبر؟ گفتم: پیامبر خدا تو را می‌خواهد.

حضرت علی می‌فرماید: هنگامی که من به محضر آن برگزیده خدا مشرف شدم، زنان آن حضرت برخاستند و به حجره‌های خود رفتند. من در حالی در حضور رسول خدا نشستم که به زمین نگاه می‌کردم، زیرا از آن بزرگوار خجالت می‌کشیدم. پیغمبر خدا به من فرمود: آیا دوست داری که همسرت را به خانه ببری؟ من همان طور که به

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

زمین می‌نگریستم، گفتم: آری، پدر و مادرم به فدایت باد. فرمود: بسیار خوب، امشب یا فردا شب این خواسته تو برآورده خواهد شد. و من با خوشحالی زاید الوصفی برخاستم.

سپس آن حضرت به زنان خود دستور داد: فاطمه را زینت و معطّر نمایید، یک اطاق برایش فرش کنید تا شوهرش نزد او بیاید.

پس از آن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مبلغ ده درهم از آن پولهایی را که به امّ سلمه داده بود، پس گرفت و به من داد و فرمود: برو روغن و خرما و کشک خریداری کن. من آنها را خریدم و به حضور پیامبر آوردم. ایشان آستین‌های خود را بالا زد و سفره‌ای خواست و خرما و کشک را با یک دیگر مخلوط نمود و غذایی درست کرد که آن را حیس می‌گویند. سپس فرمود: علی جان! هر که را دوست داری دعوت کن. من به سوی مسجد رفتم، اصحاب پیامبر اکثرا در مسجد بودند. به آنان گفتم: دعوت پیغمبر خدا را اجابت نمایید.

ایشان عموما برخاستند و متوجه آن حضرت شدند. (۱) من به پیامبر خدا گفتم: مهمانها زیادند.

رسول خدا پارچه‌ای روی سفره انداخت و به من فرمود: مهمانها را ده نفر ده نفر نزد من بفرست. من اطاعت نمودم، آنان پیوسته غذا می‌خوردند و خارج می‌شدند، ولی غذا کم نمی‌شد تا اینکه به برکت پیغمبر خدا تعداد هفتصد نفر مرد و زن از آن غذا خوردند.

امّ سلمه می‌گوید: پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه و علی علیهما السّلام را خواست، علی را سمت راست و فاطمه را طرف چپ خود جای داد و به سینه مبارک خویش چسبانید و میان چشم ایشان را بوسید، آنگاه پس از اینکه فاطمه را به حضرت علی سپرد، فرمود:

ای علی! همسرت خوب همسری است. سپس متوجه فاطمه شد و فرمود: شوهرت خوب شوهری می‌باشد.

آنگاه آن حضرت برخاست و میان ایشان راه رفت و آنان را داخل آن حجره‌ای کرد که برای ایشان مهیّا شده بود.

سپس از حجره خارج شد و گفت: خدا خود شما و نسل شما را پاک و پاکیزه نماید. من با کسی که با شما دوستی نماید، دوست هستم و دشمن هستم با کسی که با شما دشمنی کند. من شما را به خداوند می‌سپارم.

حضرت امیر می‌فرماید: پیغمبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مدت سه روز نزد ما نیامد. وقتی صبح روز چهارم فرا رسید آن حضرت آمد که نزد ما بیاید با اسماء بنت عمیس روبرو شد. به وی فرمود: برای چه اینجا ایستاده‌ای، در صورتی که مردی در میان این حجره است؟

گفت: پدر و مادرم به فدایت! هر گاه دختری به خانه شوهر برود احتیاج به زنی دارد که خواسته‌های او را انجام دهد. من اینجا ایستاده‌ام که اگر فاطمه فرمانی داشته باشد انجام دهم.

رسول اکرم به وی فرمود: خدا حوائج دنیوی و اخروی تو را روا نماید.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهزا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

حضرت علی علیه السّلام می‌فرماید: اوّل صبح بود که من و فاطمه زیر عبا خوابیده بودیم.

گفتگوی رسول خدا و اسماء را شنیدیم و تصمیم گرفتیم که برخیزیم ولی آن حضرت به ما فرمود: به حقّ آن حقّی که من به گردن شما دارم از یک دیگر جدا نشوید تا من نزد شما بیایم.

ما به جای خود بازگشتیم و آن حضرت آمد و بالای سر ما نشست و پاهای مبارک خود رازیر عبای ما داخل نمود. من پای راست آن بزرگوار را به سینه خویش چسباندم و فاطمه پای او را به سینه خود چسبانید. ما بدین وسیله پاهای مبارک آن حضرت را گرم نمودیم. (۱) سپس پیغمبر خدا فرمود: علی جان! یک کوزه آب برای من بیاور. وقتی آب را برای آن حضرت آوردم سه مرتبه از آب دهان مبارک خود به آن آب زد و چندین آیه از قرآن مجید را بر آن خواند.

سپس به من فرمود: از این آب بیاشام و مختصری از آن را باقی بگذار! من این امر را اطاعت نمودم و آن حضرت باقیمانده آن آب را بر سر و سینه من پاشید و فرمود: ای ابو الحسن! خداوند هر نوع پلیدی را از تو دور نمود و تو را پاک کرد. سپس فرمود: مقداری دیگر آب برایم بیاور. و من اطاعت نمودم، آن بزرگوار نیز همان عمل را انجام داد و آن آب را به فاطمه زهرا عطا کرد و به وی فرمود: بیاشام و مختصری از آن را باقی بگذار. فاطمه اطاعت کرد و رسول اکرم باقیمانده آن آب را بر سر و سینه او پاشید و به او فرمود: خداوند هر نوع پلیدی را از تو دور کرد و تو را پاک و پاکیزه نمود.

آنگاه به من فرمود تا از حجره خارج شدم و آن حضرت با فاطمه داخل اطاق ماند و به فاطمه فرمود: شوهرت را چگونه یافتی؟ گفت: پدر جان! علی بهترین شوهر است ولی زنان قریش به من می‌گویند: شوهر تو تهی دست است. پیامبر به وی فرمود: ای دختر عزیزم! پدر و شوهر تو فقیر نیستند، زیرا خزانه‌های طلا و نقره زمین به من عرضه شد ولی من آنچه را که نزد پروردگارم مهیّا شد انتخاب نمودم. اگر آنچه را که پدرت می‌داند تو نیز می‌دانستی دنیا در نظرت ناچیز می‌آمد، به خداوند سوگند من از خیرخواهی در حقّ تو کوتاهی نکرده‌ام، من تو را به علی دادم که از لحاظ اسلام بر همه مقدّم و از نظر علم و حلم از همه برتر است.

دختر عزیزم! خدای توانا توجّهی به زمین کرد و دو نفر مرد را انتخاب نمود یکی از آنها را پدر تو و دیگری را شوهر تو قرار داده است. دخترم! شوهر تو خوب شوهری است. مبادا نسبت به وی نافرمانی کنی! سپس آن برگزیده خدا مرا صدا زد، گفتم: لبیک یا رسول اللّه! فرمود: داخل حجره خویشتن شو و در باره همسرت مهربانی و مدارا کن، زیرا فاطمه پاره تن من است. آنچه که وی را ناراحت کند مرا ناراحت می‌نماید و آنچه که او را مسرور نماید مرا مسرور می‌کند.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

(۱) حضرت امیر می‌فرماید: به خداوند سوگند من فاطمه را غضبناک و ناراحت ننمودم تا از دنیا رحلت نمود. فاطمه هم مرا خشمناک نکرد و از من نافرمانی ننمود. هر گاه من محزون و اندوهناک می‌شدم برای رفع غم و اندوه خود به فاطمه نظر می‌کردم. علی علیه السّلام می‌فرماید: و چون رسول خدا برخاست که برود، فاطمه به او گفت: پدر جان! من طاقت اداره کردن امور خانه را ندارم، کنیزی برای من بگیر تا در امور خانه معین و یاور من باشد.

پیامبر در جوابش فرمود: آیا دوست نداری که چیزی بهتر از خدمتکار به تو عطا کنم؟

حضرت امیر به فاطمه فرمود: بگو: آری. فاطمه فرمود: آنچه از خادم بهتر است می‌خواهم.

رسول خدا فرمود: در هر روزی سی و سه مرتبه سبحان اللّه و سی و سه مرتبه الحمد للّه و سی و چهار مرتبه اللّه اکبر بگو. این صد مرتبه کار زبان است، ولی در میزان عمل دارای هزار ثواب خواهد بود. فاطمه جان! اگر تو این اذکار را هر روز صبح بگویی خداوند امور دنیوی و اخروی تو را عهده‌دار خواهد شد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۷۴/ ۳۳- کشف الغمة «۱» وَ نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ الذُّرِّيَّةِ الطَّاهِرَةِ، تَصْنِيفِ أَبِي بِشْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ الْمَعْرُوفِ بِالدُّولَابِيِّ مِنْ نُسْخَةٍ بِخَطِّ الشَّيْخِ ابْنِ وَضَّاحٍ الْحَنْبَلِيِّ الشَّهْرَبَانِيِّ وَ أَجَازَ لِي أَنْ أَرْوِيَ عَنْهُ كُلَّ مَا يَرْوِي عَنْ مَشَايِخِهِ وَ هُوَ يَرْوِي كَثِيراً وَ أَجَازَ لِيَ السَّيِّدُ جَلَالُ الدِّينِ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ فَخَّارٍ الْمُوسَوِيُّ الْحَائِرِيُّ أَدَامَ اللَّهُ شَرَفَهُ أَنْ أَرْوِيَهُ عَنْهُ عَنِ الشَّيْخِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْأَخْضَرِ الْمُحَدِّثِ إِجَازَةً فِي مُحَرَّمِ سَنَةِ عَشْرٍ وَ سِتِّمِائَةٍ وَ عَنِ الشَّيْخِ بُرْهَانِ الدِّينِ أَبِي الْحُسَيْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْغَزْنَوِيِّ إِجَازَةً فِي رَبِيعٍ الْأَوَّلِ سَنَةَ أَرْبَعَ عَشْرَةَ وَ سِتِّمِائَةٍ كِلَاهُمَا عَنِ الشَّيْخِ الْحَافِظِ أَبِي الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ نَاصِرٍ السَّلَامِيِّ بِإِسْنَادِهِ وَ السَّيِّدُ أَجَازَ لِي قَدِيماً رِوَايَةَ كُلِّمَا يَرْوِيهِ وَ بِهَذَا الْكِتَابِ فِي ذِي الْحِجَّةِ مِنْ سَنَةِ ستٍّ وَ سَبْعِينَ وَ سِتِّمِائَةٍ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ خَطَبَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَبَى رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ عُمَرُ أَنْتَ لَهَا يَا عَلِيُّ فَقَالَ مَا لِي مِنْ شَيْءٍ إِلَّا درْعِي أَرْهَنُهَا فَزَوَّجَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ فَلَمَّا بَلَغَ ذَلِكَ‌فَاطِمَةَ بَكَتْ قَالَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ مَا يُبْكِيكِ يَا فَاطِمَةُ فَوَ اللَّهِ لَقَدْ أَنْكَحْتُكِ أَكْثَرَهُمْ عِلْماً وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْماً وَ أَوَّلَهُمْ سِلْماً «۱»

وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ تَزَوَّجَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ بَنَى بِهَا فِي ذِي الْحِجَّةِ مِنَ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الْهِجْرَةِ

وَ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ خَطَبْتُ فَاطِمَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ مَوْلَاةٌ لِي هَلْ عَلِمْتَ أَنَّ فَاطِمَةَ قَدْ خُطِبَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ لَا قَالَتْ فَقَدْ خُطِبَتْ فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَأْتِيَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَيُزَوِّجَكَ فَقُلْتُ وَ هَلْ عِنْدِي شَيْءٌ أَتَزَوَّجُ بِهِ فَقَالَتْ إِنَّكَ إِنْ جِئْتَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص زَوَّجَكَ فَوَ اللَّهِ مَا زَالَتْ تُرْجِينِي [تُزْجِينِي حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَتْ لَهُ جَلَالَةٌ وَ هَيْبَةٌ فَلَمَّا قَعَدْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ أُفْحِمْتُ فَوَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أَتَكَلَّمَ فَقَالَ مَا جَاءَ بِكَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

أَ لَکَ حَاجَةٌ فَسَکَتَّ فَقَالَ لَعَلَّکَ جِئْتَ تَخْطُبُ فَاطِمَةَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ عِنْدَکَ مِنْ شَیْءٍ تَسْتَحِلُّهَا بِهِ قُلْتُ لَا وَ اللَّهِ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَا فَعَلْتَ الدِّرْعَ الَّتِی سَلَّحْتُکَهَا فَقُلْتُ عِنْدِی وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ إِنَّهَا لَحُطَمِیَّةٌ مَا ثَمَنُهَا إِلَّا أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ قَالَ قَدْ زَوَّجْتُکَهَا فَابْعَثْ بِهَا فَإِنْ کَانَتْ لَصَدَاقَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص «۱»

بیان تقول سلحته و أسلحه إذا أعطیته سلاحا و قال الجزری. فی حدیث زواج فاطمة أنه قال لعلی أین درعک الحطمیة

هی التی تحطم السیوف أی تکسرها و قیل هی العریضة الثقیلة و قیل هی منسوبة إلی بطن من عبد القیس یقال لهم حطمة بن محارب کانوا یعملون الدروع و هذا أشبه الأقوال

ترجمه: (۱) محقق اربلی در کشف الغمه به نقل از کتاب ذرّیّة الطاهرة تألیف ابو بشر محمّد بن احمد دولابی (۳۱۰ یا ۳۲۰ ه) به سند متّصل از علی علیه السّلام روایت کرده‌اند که فرمود:ابو بکر و عمر از پیغمبر اسلام خواهان فاطمه زهرا شدند. ولی رسول اکرم نپذیرفت.

عمر به من گفت: ای علی! تو لیاقت فاطمه را داری. گفتم: من غیر از زره‌ام که آن را گرو می‌گذارم، چیزی ندارم. وقتی پیامبر خدا فاطمه را برای حضرت امیر تزویج نمود و این موضوع به گوش آن بانوی معظمه رسید، گریان شد.

پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نزد فاطمه علیها السّلام آمد و گفت: برای چه گریه می‌کنی؟ به خداوند سوگند من تو را برای شخصی تزویج نموده‌ام که علم و حلمش از همه بیشتر می‌باشد و از همه در اسلام سبقت گرفته است. و امام صادق علیه السّلام فرموده است: ازدواج علی و فاطمه علیهما السّلام در ماه رمضان واقع شد و عروسی آنها در ذی حجّه سال دوم هجری بوده است.

و از مجاهد، از علی علیه السّلام روایت کرده است که گفت: عدّه‌ای برای خواستگاری فاطمه به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مراجعه می‌کردند، پس یکی از موالی من گفت: آیا می‌دانی که عدّه‌ای فاطمه را از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خواستگاری کرده‌اند؟ گفتم: نه. گفت: چه چیزی مانع می‌شود که تو فاطمه علیها السّلام را خواستگاری کنی؟ گفتم: آیا من [از مال دنیا] چیزی دارم که بتوانم کسی را به همسری خود درآورم؟ گفت: من تردید ندارم که تو اگر نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بر وی فاطمه را برای تو تزویج خواهد نمود. به خداوند سوگند هیچ امیدی به پذیرفته شدن تقاضایم نداشتم ولی با وجود این نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رفتم تا خواسته‌ام را بیان کنم ولی آن حضرت چنان جلال و هیبتی داشت که نتوانستم تقاضایم را بیان نمایم ولی تا در حضور او نشستم خود آن حضرت فرمود: مثل اینکه آمده‌ای تا فاطمه را خواستگاری کنی؟ گفتم: بله. گفت:

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

آیا از مال دنیا چیزی داری که مهریّه او کنی تا خداوند او را بر تو حلال کند؟ گفتم: نه چیزی ندارم. فرمود: پس آن زرهی را که در جنگها بر تن می‌کردی چه کرده‌ای؟ گفتم: آن در نزد من موجود است، ولی ای رسول خدا! جنس آن از آهن است و بیش از چهار صد درهم ارزش ندارد. فرمود: من او را به همین مقدار از مهریّه به همسری تو در آوردم.

[متن عربی] ۱، ۱۴، ۱۵ ۲۷۵/ ۳۴- کشف الغمة «۱» وَ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِی رَبَاحٍ قَالَ لَمَّا خَطَبَ عَلِیٌّ فَاطِمَةَ أَتَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ عَلِیّاً قَدْ ذَکَرَکِ فَسَکَتَتْ فَخَرَجَ فَزَوَّجَهَا وَ عَنِ ابْنِ بُرَیْدَةَ عَنْ أَبِیهِ قَالَ قَالَ نَفَرٌ مِنَ الْأَنْصَارِ لِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ ع اخْطُبْ فَاطِمَةَ فَأَتَی رَسُولَ اللَّهِ ص فَسَلَّمَ عَلَیْهِ فَقَالَ لَهُ مَا حَاجَةُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ قَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ ذَکَرْتُ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ مَرْحَباً وَ أَهْلًا لَمْ یَزِدْ عَلَیْهَا فَخَرَجَ عَلِیٌّ عَلَی أُولَئِکَ الرَّهْطِ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ کَانُوا یَنْتَظِرُونَهُ قَالُوا مَا وَرَاکَ قَالَ مَا أَدْرِی غَیْرَ أَنَّهُ ص قَالَ مَرْحَباً وَ أَهْلًا قَالُوا یَکْفِیکَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ أَحَدُهُمَا أَعْطَاکَ الْأَهْلَ وَ الرَّحْبَ فَلَمَّا کَانَ بَعْدَ ذَلِکَ قَالَ یَا عَلِیُّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلْعُرْسِ مِنْ وَلِیمَةٍ فَقَالَ سَعْدٌ عِنْدِی کَبْشٌ وَ جَمَعَ لَهُ رَهْطٌ مِنَ الْأَنْصَارِ آصُعاً مِنْ ذُرَةٍ فَلَمَّا کَانَ لَیْلَةُ الْبِنَاءِ قَالَ لَا تُحْدِثَنَّ شَیْئاً حَتَّی تَلْقَانِی فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِمَاءٍ فَتَوَضَّأَ مِنْهُ ثُمَّ أَفْرَغَهُ عَلَی عَلِیٍّ وَ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِکْ فِیهِمَا وَ بَارِکْ عَلَیْهِمَا وَ بَارِکْ لَهُمَا فِی شِبْلَیْهِمَا وَ قَالَ ابْنُ نَاصِرٍ فِی نَسْلَیْهِمَا «۱»

وَ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَیْسٍ «۲» قَالَتْ کُنْتُ فِی زِفَافِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا أَصْبَحْنَا جَاءَ النَّبِیُّ ص إِلَی الْبَابِ فَقَالَ یَا أُمَّ أَیْمَنَ ادْعِی لِی أَخِی قَالَتْ هُوَ أَخُوکَ وَ تُنْکِحُهُ ابْنَتَکَ قَالَ نَعَمْ یَا أُمَّ أَیْمَنَ قَالَتْ وَ سَمِعَ النِّسَاءُ صَوْتَ النَّبِیِّ ص فَتَنَحَّیْنَ وَ اخْتَبَیْتُ أَنَا فِی نَاحِیَةٍ فَجَاءَ عَلِیٌّ ع فَنَضَحَ النَّبِیُّ ص مِنَ الْمَاءِ وَ دَعَا لَهُ ثُمَّ قَالَ ادْعِی لِی فَاطِمَةَ فَجَاءَتْ خَرِقَةً مِنَ الْحَیَاءِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص اسْکُنِی لَقَدْ أَنْکَحْتُکِ أَحَبَّ أَهْلِ بَیْتِی إِلَیَّ ثُمَّ نَضَحَ عَلَیْهَا مِنَ الْمَاءِ وَ دَعَا لَهَا قَالَتْ ثُمَّ رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَرَأَی سَوَاداً بَیْنَ یَدَیْهِ فَقَالَ مَنْ هَذَا فَقُلْتُ أَنَا أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَیْسٍ قَالَ جِئْتِ فِی زِفَافِ فَاطِمَةَ تُکْرِمِینَهَا قُلْتُ نَعَمْ قَالَتْ فَدَعَا لِی

قَالَ عَلِیُّ بْنُ عِیسَی وَ حَدَّثَنِی السَّیِّدُ جَلَالُ الدِّینِ عَبْدُ الْحَمِیدِ بْنُ فَخَّارٍ الْمُوسَوِیُّ بِمَا هَذَا مَعْنَاهُ وَ رُبَّمَا اخْتُلِفَ الْأَلْفَاظُ قَالَ قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَیْسٍ هَذِهِ حَضَرَتْ وَفَاةَ خَدِیجَةَ ع فَبَکَتْ فَقُلْتُ أَ تَبْکِینَ وَ أَنْتِ سَیِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ أَنْتِ زَوْجَةُ النَّبِیِّ ص مُبَشَّرَةٌ عَلَی لِسَانِهِ بِالْجَنَّةِ فَقَالَتْ مَا لِهَذَا بَکَیْتُ وَ لَکِنَّ الْمَرْأَةَ لَیْلَةَ زِفَافِهَا لَا بُدَّ لَهَا مِنِ امْرَأَةٍ تُفْضِی إِلَیْهَا بِسِرِّهَا وَ تَسْتَعِینُ بِهَا عَلَی حَوَائِجِهَا وَ فَاطِمَةُ حَدِیثَةُ عَهْدٍ بِصِبًا وَ أَخَافُ أَنْ لَا یَکُونَ لَهَا مَنْ یَتَوَلَّی أَمْرَهَا حِینَئِذٍ فَقُلْتُ یَا سَیِّدَتِی لَکِ عَلَیَّ عَهْدُ اللَّهِ إِنْ بَقِیتُ إِلَی ذَلِکَ الْوَقْتِ أَنْ أَقُومَ مَقَامَکِ فِی هَذَا الْأَمْرِ فَلَمَّا کَانَتْ تِلْکَ اللَّیْلَةُ وَ جَاءَ النَّبِیُّ ص أَمَرَ النِّسَاءَ فَخَرَجْنَ وَ بَقِیتُ فَلَمَّا أَرَادَ الْخُرُوجَ رَأَی سَوَادِی فَقَالَ مَنْ أَنْتِ فَقُلْتُ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَیْسٍ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فَقَالَ أَ لَمْ آمُرْكِ أَنْ تَخْرُجِي فَقُلْتُ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا قَصَدْتُ خِلَافَكَ وَ لَكِنِّي أَعْطَيْتُ خَدِيجَةَ عَهْداً وَ حَدَّثْتُهُ فَبَكَى فَقَالَ بِاللَّهِ لِهَذَا وَقَفْتِ فَقُلْتُ نَعَمْ وَ اللَّهِ فَدَعَا لِي

عُدْنَا إِلَى مَا أَوْرَدَهُ الدُّولَابِيُّ وَ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ لَقَدْ جُهِّزَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ مَا كَانَ حَشْوُ فِرَاشِهِمَا وَ وَسَائِدِهِمَا إِلَّا لِيفٌ وَ لَقَدْ أَوْلَمَ عَلِيٌّ لِفَاطِمَةَ ع فَمَا كَانَتْ وَلِيمَةُ ذَلِكَ الزَّمَانِ أَفْضَلَ مِنْ وَلِيمَتِهِ رَهَنَ دِرْعَهُ عِنْدَ يَهُودِيٍّ وَ كَانَتْ وَلِيمَتُهُ آصُعاً مِنْ شَعِيرٍ وَ تَمْرٍ وَ حَيْسٍ

بیان قال الجزری: فی حدیث تزویج فاطمة ع فلما أصبح دعاها فجاءت خرقة من الحیاء أی خجلة مدهوشة من الخرق التحیر و یحتمل أن یکون بالحاء المهملة و الزاء المعجمة فالمراد تقارب الخطو فی المشی قال الجوهری الحزق القصیر المتقارب الخطو و کذا الحزقة و روی أنها أتته تعثر فی مرطها من الخجل و قال الجوهری و قضینا إلیه ذلک الأمر أی أنهیناه إلیه

ترجمه: (۱) محقق اربلی (۶۹۵ ه) در کشف الغمة گفته است: و از عطاء بن ابی رباح روایت شده: هنگامی که علی از فاطمه علیهما السّلام خواستگاری کرد، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به نزد فاطمه آمد و گفت: علی از تو خواستگاری کرده است. و فاطمه به جای جواب سکوت کرد، و پیامبر از نزد او خارج شد و وی را به همسری علی در آورد. (۱) و ابن بریده از پدرش بریده روایت کرده: یکی از انصار به علی علیه السّلام گفت: فاطمه را از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خواستگاری کن! علی علیه السّلام نزد پیامبر آمد و سلام کرد، آن حضرت به او گفت: چه می‌خواهی ای علی؟! علی گفت: آمده‌ام تا فاطمه را خواستگاری کنم.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: مرحبا و اهلا. و دیگر چیزی نگفت. علی علیه السّلام از نزد ایشان خارج شد و از او سؤال گردید که چه شد. گفت: نمی‌دانم ولی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در جواب خواسته من گفت: مرحبا و اهلا. پس گفتند: از کسی چون رسول خدا کافی است که به تو یکی از دو مورد اهل و رحب را عطا کند. چند روز که از این قضیه گذشت پیامبر به علی گفت: ای علی! لازم است که در عروسی ولیمه داده شود. در این حال سعد انصاری گفت: من برای این کار گوسفندی هدیه می‌کنم. و ولیمه‌ای فراهم آمد که انصار و سایر مسلمانان گروه گروه وارد می‌شدند و از آن می‌خوردند ولی ولیمه همچنان باقی بود و ذرّه‌ای از آن کاسته نمی‌شد.

پس از آن در شبی که بنا بود فاطمه علیها السّلام را به خانه علی علیه السّلام ببرند پیامبر به آن دو فرمود: کاری از شما سر نزند تا من نزد شما بیایم. سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بر آن دو وارد شد و با آبی که از آن وضو گرفته بود قطراتی بر روی علی علیه السّلام پاشید و برای آنها دعا کرد و گفت: خدایا برکت را در آنها و برای آنها و در فرزندانشان قرار ده.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

و ابن ناصر گفته است: رسول خدا فرمود: خدایا در نسل آنها برکت قرار ده. و از اسماء بنت عمیس روایت شده که گفت: من در شب زفاف فاطمه حضور داشتم، هنگامی که صبح شد پیامبر در کنار در اطاق فاطمه قرار گرفت و خطاب به امّ ایمن که در آن شب در منزل فاطمه باقی مانده بود تا مراقب او باشد، گفت: ای امّ ایمن! برادرم علی را صدا بزن! امّ ایمن گفت: ای رسول خدا! او برادر توست در حالی که دخترت را به همسری او در آورده‌ای؟ پیامبر فرمود: بله، او برادر دینی من است. اسماء گفت: در این حال همسران رسول خدا صدای او را شنیدند و خوشحالی کردند و علی علیه السّلام به شنیدن صدای آنها از اطاق خارج شد و پیامبر برای او دعا کرد و سپس فرمود: فاطمه را صدا کن! فاطمه در حالی که کاملا خود را پوشانیده بود و از پیامبر خجالت می‌کشید، خارج شد و پیامبر به او فرمود: آرام باش که تو را به محبوبترین اهل بیتم تزویج نموده‌ام. و سپس قطراتی از آب را بر او پاشید و برایش دعا کرد. سپس بازگشت و اسماء را دید و برایش دعا کرد که در رابطه با کار فاطمه کمک کرده است. (۱) محقّق اربلی از سیّد بن فخّار موسوی شبیه این روایت را نقل کرده و گفته است: اسماء گفت: هنگامی که خدیجه وفات کرد گریه می‌نمود، به او گفتم: تو سرور زنان دو عالم هستی و گریه می‌کنی؟ تو همسر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هستی که پیامبر با زبان خودش به تو وعده بهشت داده است ولی گریه می‌کنی؟ گفت: چرا گریه نکنم در حالی که هر دختری در شب زفافش نیاز به زنی دارد که مراقبش باشد و بدون سر و صدا نیازهایش را برآورده کند و من می‌ترسم فاطمه بزرگ شود و چنین کسی را نداشته باشد. و من به او اطمینان دادم: ای خاتون من! بر ذمّه من این عهد باشد که اگر تا آن زمان زنده بودم، آنچه را که یک مادر برای دخترش انجام می‌دهد انجام دهم. پس هنگامی که رسول خدا به زنان دستور داد تا از منزل فاطمه خارج شوند من ماندم، و فردای آن روز که رسول خدا نزد علی و فاطمه آمده بود مرا دید و پرسید: تو کیستی؟ گفتم: اسماء. فرمود: مگر نگفته بودم که از منزل فاطمه خارج شوید؟

گفتم: پدر و مادرم به فدایت! گفته بودی، و من نیز قصد تخلّف از فرمان شما را نداشتم، ولی با همسرتان خدیجه فلان عهد و پیمان را داشتم. وقتی پیامبر داستان عهد و پیمان مرا با خدیجه شنید، گریست و برای من دعا کرد «۱».

و از اسماء بنت عمیس روایت شده: جهیزیه حضرت فاطمه را من تحویل علی دادم و آنها فرش خاصّی نداشتند، و متّکا- یا پشتی- آنها چیزی جز از جنس لیف خرما نبود، و ولیمه‌ای که علی علیه السّلام در شب عروسی داد، بهترین ولیمه در آن زمان بود و آن را از پولی که از رهن زره‌اش در نزد شمعون یهودی به دست آمده بود، فراهم کرد. و ولیمه آن شب نان جو، خرما و خرمای تفتیده در روغن بود.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱ ۲۷۶/ ۳۵- کشف الغمة «۲» وَ مِنْ کِتَابِ کِفَایَةِ الطَّالِبِ «۳» فِی مَنَاقِبِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ ع

تَأْلِیفُ مُحَمَّدِ بْنِ یُوسُفَ الْکَنْجِیِّ الشَّافِعِیِّ عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَتْ فَاطِمَةُ یَا رَسُولَ اللَّهِ زَوَّجْتَنِی عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ وَ هُوَ فَقِیرٌ لَا مَالَ لَهُ فَقَالَ یَا فَاطِمَةُ أَ مَا تَرْضَیْنَ أَنَّ اللَّهَ اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ اطِّلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا رَجُلَیْنِ أَحَدُهُمَا أَبُوکِ وَ الْآخَرُ بَعْلُکِ

وَ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَیُّهَا النَّاسُ هَذَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ أَنْتُمْ تَزْعُمُونَ أَنِّی أَنَا زَوَّجْتُهُ ابْنَتِی فَاطِمَةَ وَ لَقَدْ خَطَبَهَا إِلَیَّ أَشْرَافُ قُرَیْشٍ فَلَمْ أُجِبْ کُلَّ ذَلِکَ أَتَوَقَّعُ الْخَبَرَ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّی جَاءَنِی جَبْرَئِیلُ لَیْلَةَ أَرْبَعٍ وَ عِشْرِینَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ الْعَلِیُّ الْأَعْلَی یَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ وَ قَدْ جَمَعَ الرُّوحَانِیِّینَ وَ الْکَرُوبِیِّینَ فِی وَادٍ یُقَالُ لَهُ الْأَفْیَحُ تَحْتَ شَجَرَةِ طُوبَی وَ زَوِّجْ فَاطِمَةَ عَلِیّاً وَ أَمَرَنِی فَکُنْتُ الْخَاطِبَ وَ اللَّهُ تَعَالَی الْوَلِیَّ وَ أَمَرَ شَجَرَةَ طُوبَی فَحَمَلَتِ الْحُلِیَّ وَ الْحُلَلَ وَ الدُّرَّ وَ الْیَاقُوتَ ثُمَّ نَثَرَتْهُ وَ أَمَرَ الْحُورَ الْعِینَ فَاجْتَمَعْنَ فَلَقَطْنَ فَهُنَّ یَتَهَادَیْنَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ وَ یَقُلْنَ هَذَا نِثَارُ فَاطِمَةَ

وَ عَنْ عَلْقَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ أَصَابَ فَاطِمَةَ ع لَیْلَةَ صَبِیحَةَ الْعُرْسِ رِعْدَةٌ فَقَالَ لَهَا النَّبِیُّ ص زَوَّجْتُکِ سَیِّداً فِی الدُّنْیَا وَ إِنَّهُ فِی الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِینَ یَا فَاطِمَةُ لَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أُمْلِکَکِ بِعَلِیٍّ أَمَرَ اللَّهُ شَجَرَ الْجِنَانِ فَحَمَلَتْ حُلِیّاً وَ حُلَلًا وَ أَمَرَهَا فَنَثَرَتْهُ عَلَی الْمَلَائِکَةِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ یَوْمَئِذٍ شَیْئاً أَکْثَرَ مِمَّا أَخَذَ مِنْهُ صَاحِبُهُ أَوْ أَحْسَنَ افْتَخَرَ بِهِ عَلَی صَاحِبِهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَلَقَدْ کَانَتْ فَاطِمَةُ تَفْتَخِرُ عَلَی النِّسَاءِ لِأَنَّ أَوَّلَ مَنْ خَطَبَ عَلَیْهَا جَبْرَئِیلُ

وَ رُوِیَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَی فَاطِمَةَ لَیْلَةَ عُرْسِهَا بِقَدَحٍ مِنْ لَبَنٍ فَقَالَ اشْرَبِی هَذَا فِدَاکِ أَبُوکِ ثُمَّ قَالَ لِعَلِیٍّ ع اشْرَبْ فِدَاکَ ابْنُ عَمِّکَ

وَ رُوِیَ أَنَّهُ لَمَّا زُفَّتْ فَاطِمَةُ إِلَی عَلِیٍّ ع نَزَلَ جَبْرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ إِسْرَافِیلُ وَ مَعَهُمْ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ وَ قُدِّمَتْ بَغْلَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص الدُّلْدُلُ وَ عَلَیْهَا فَاطِمَةُ ع مُشْتَمِلَةٌ قَالَ فَأَمْسَکَ جَبْرَئِیلُ بِاللِّجَامِ وَ أَمْسَکَ إِسْرَافِیلُ بِالرِّکَابِ وَ أَمْسَکَ مِیکَائِیلُ بِالثَّفَرِ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص یُسَوِّی عَلَیْهَا الثِّیَابَ فَکَبَّرَ جَبْرَئِیلُ وَ کَبَّرَ إِسْرَافِیلُ وَ کَبَّرَ مِیکَائِیلُ وَ کَبَّرَتِ الْمَلَائِکَةُ وَ جَرَتِ السُّنَّةُ بِالتَّکْبِیرِ فِی الزِّفَافِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ

بیان قال فی النهایة الاشتمال افتعال من الشملة و هو کساء یتغطی به و یتلفف فیه و قال ثفر الدابة الذی یجعل تحت ذنبها

ترجمه: (۱) و نیز در کشف الغمه، از کفایة الطالب تألیف محمّد بن یوسف گنجی شافعی (۵۶۸ ه)، از ابو هریره روایت شده است که گفت: فاطمه نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمد و گفت: رسول خدا صلّی اللّه

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

علیه و آله و سلّم فرمود: آیا راضی می‌شوی به اینکه بدانی خداوند متعال از میان مردان زمین دو نفر را برگزیده است: یکی پدرت را و دیگری شوهرت را؟

و از جابر بن سمره روایت شده است: روزی پیامبر فرمود: این علی بن ابی طالب است، شما گمان می‌کنید که من خود دخترم را به او تزویج نمودم در حالی که تعدادی از اشراف و ثروتمندان قریش خواستگاری او را کرده بودند، من در باره ازدواج دخترم منتظر فرمان آسمانی بودم تا اینکه در شب بیست و چهارم ماه رمضان جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمّد! خدای علیّ اعلی به تو سلام می‌رساند. همانا او ملائکه روحانی و کرّوبیّین را در محلّی به نام افیح در زیر درخت طوبی جمع کرده و فاطمه را به عقد علی بن ابی طالب درآورده است، و من خطبه عقد آنها را خواندم و خداوند خود متولّی این امر بود. سپس خداوند تعالی به درخت طوبی دستور داد تا زر و زیور را نثار فاطمه و علی کنند و حور العین از آن زر و زیورها جمع کردند و تا روز قیامت به داشتن آنها افتخار خواهند کرد.

و از علقمه، از عبد اللّه روایت شده است که گفت: صبح شب عروسی نوعی ناراحتی بر فاطمه عارض گردید و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به او فرمود: تو را به ازدواج مردی در آوردم که سرور است در دنیا و در آخرت نیز از صالحان خواهد بود، ای فاطمه! هنگامی که خواستم تو را به ازدواج علی در آورم خداوند به درختان بهشتی دستور داد تا زیورهای خود را نثار ملائکه کنند و در آن روز هر فرشته‌ای که بیشتر از سایرین، از آن زیورها برداشته است تا روز قیامت بر سایرین افتخار خواهد کرد.

امّ سلمه می‌گوید: همانا فاطمه همواره بر سایر زنان مباهات می‌کرد زیرا او اوّلین زنی بود که خطبه عقدش را جبرئیل خوانده بود.

روایت شده که در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السّلام پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ظرفی شیر آورد و به وی فرمود: پدرت به فدایت، از این شیر بیاشام. آنگاه به حضرت امیر هم فرمود: پسر عمویت به فدایت، از این شیر بیاشام. نیز روایت شده: در شب عروسی فاطمه جبرئیل و میکائیل و اسرافیل با هفتاد هزار ملک نازل شدند. فاطمه زهرا در حالی که بر استر پیامبر اکرم سوار، بود آمد. سپس جبرئیل مهار آن را گرفت. اسرافیل رکاب آن را گرفت و میکائیل به دنبال آن بود و پیغمبر خدا لباسهای فاطمه را می‌آراست.

سپس جبرئیل و اسرافیل و میکائیل و ملائکه تکبیر گفتند: بدین جهت است که گفتن تکبیر در شب عروسی تا قیامت مرسوم و مستحب است.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۷۷/ ۳۶- کشف الغمة «۱» وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ أَبَا بَكْرٍ أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص زَوِّجْنِي فَاطِمَةَ فَأَعْرَضَ عَنْهُ فَأَتَاهُ عُمَرُ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ فَأَعْرَضَ عَنْهُ فَأَتَيَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

عَوْف فَقَالا أَنْتَ أَكْثَرُ قُرَيْش مَالًا فَلَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّه ص فَخَطَبْتَ إِلَيْه فَاطِمَةَ زَادَكَ اللَّهُ مَالًا إِلَى مَالِكَ وَ شَرَفاً إِلَى شَرَفِكَ فَأَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ لَهُ ذَلِكَ فَأَعْرَضَ عَنْهُ فَأَتَاهُمَا فَقَالَ قَدْ نَزَلَ بِي مِثْلُ الَّذِي نَزَلَ بِكُمَا فَأَتَيَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِب وَ هُوَ يَسْقِي نَخَلَات لَهُ فَقَالا قَدْ عَرَفْنَا قَرَابَتَكَ مِنْ رَسُولِ اللَّه ص وَ قِدْمَتَكَ فِي الْإِسْلَام فَلَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّه ص فَخَطَبْتَ إِلَيْه فَاطِمَةَ لَزَادَكَ اللَّهُ فَضْلًا إِلَى فَضْلِكَ وَ شَرَفاً إِلَى شَرَفِكَ فَقَالَ لَقَدْ نَبَّهْتُمَانِي فَانْطَلَقَ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ اغْتَسَلَ وَ لَبِسَ كِسَاءً قِطْرِيّاً وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ أَتَى النَّبِيَّ ص وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّه زَوِّجْنِي فَاطِمَةَ قَالَ إِذَا زَوَّجْتُكَهَا فَمَا تُصْدِقُهَا قَالَ أُصْدِقُهَا سَيْفِي وَ فَرَسِي وَ دِرْعِي وَ نَاضِحِي قَالَ أَمَّا نَاضِحُكَ وَ سَيْفُكَ وَ فَرَسُكَ فَلَا غِنًى بِكَ عَنْهَا تُقَاتِلُ الْمُشْرِكِينَ وَ أَمَّا دِرْعُكَ فَشَأْنَكَ بِهَا فَانْطَلَقَ عَلِيٌّ وَ بَاعَ دِرْعَهُ بِأَرْبَعمِائَةٍ وَ ثَمَانِينَ دِرْهَماً قِطْرِيّاً فَصَبَّهَا بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ ص فَلَمْ يَسْأَلْهُ عَنْ عَدَدِهَا وَ لَا هُوَ أَخْبَرَهُ عَنْهَا فَأَخَذَ مِنْهَا رَسُولُ اللَّه ص قَبْضَةً فَدَفَعَهَا إِلَى الْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ ابْتَعْ مِنْ هَذَا مَا تُجَهِّزُ بِه فَاطِمَةُ وَ أَكْثِرْ لَهَا مِنَ الطِّيبِ فَانْطَلَقَ الْمِقْدَادُ فَاشْتَرَى لَهَا رَحًى وَ قِرْبَةً وَ وِسَادَةً مِنْ أَدَمٍ وَ حَصِيراً قِطْرِيّاً فَجَاءَ بِه فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ ص وَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ مَعَهُ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّه خَطَبَ إِلَيْكَ ذَوُو الْأَسْنَانِ وَ الْأَمْوَالِ مِنْ قُرَيْش وَ لَمْ تُزَوِّجْهُمْ فَزَوَّجْتَهَا مِنْ هَذَا الْغُلَامِ فَقَالَ يَا أَسْمَاءُ أَمَا إِنَّكِ سَتُزَوَّجِينَ بِهَذَا الْغُلَامِ وَ تَلِدِينَ لَهُ غُلَاماً هَذَا مَعَ مَا رُوِيَ أَنَّهَا كَانَتْ فِي الْحَبَشَةِ غَرِيبٌ فَإِنَّهَا تَزَوَّجَتْ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ وَلَدَتْ مِنْهُ كَمَا ذَكَرَ ص فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ قَالَ لِسَلْمَانَ ائْتِنِي بِبَغْلَتَيِ الشَّهْبَاءِ فَأَتَاهُ بِهَا فَحَمَلَ عَلَيْهَا فَاطِمَةَ ع فَكَانَ سَلْمَانُ يَقُودُهَا وَ رَسُولُ اللَّه ص يَقُومُ بِهَا فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ سَمِعَ حِسّاً خَلْفَ ظَهْرِه فَالْتَفَتَ فَإِذَا هُوَ جَبْرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ فِي جَمْعٍ كَثِيرٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ يَا جَبْرَئِيلُ مَا أَنْزَلَكُمْ قَالَ نَزَفُّ فَاطِمَةَ إِلَى زَوْجِهَا فَكَبَّرَ جَبْرَئِيلُ ثُمَّ كَبَّرَ مِيكَائِيلُ ثُمَّ كَبَّرَ إِسْرَافِيلُ ثُمَّ كَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ ثُمَّ كَبَّرَ النَّبِيُّ ص ثُمَّ كَبَّرَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَصَارَ التَّكْبِيرُ خَلْفَ الْعَرَائِسِ سُنَّةً مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَجَاءَ بِهَا فَأَدْخَلَهَا عَلَى عَلِيٍّ ع فَأَجْلَسَهَا إِلَى جَنْبِه عَلَى الْحَصِيرِ الْقِطْرِيِّ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ هَذِه بِنْتِي فَمَنْ أَكْرَمَهَا فَقَدْ أَكْرَمَنِي وَ مَنْ أَهَانَهَا فَقَدْ أَهَانَنِي ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمَا وَ بَارِكْ عَلَيْهِمَا وَ اجْعَلْ لَهُمَا ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ثُمَّ وَثَبَ فَتَعَلَّقَتْ بِه وَ بَكَتْ فَقَالَ لَهَا مَا يُبْكِيكِ فَقَدْ زَوَّجْتُكِ أَعْظَمَهُمْ حِلْماً وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْماً «۱»

إيضاح قال الجزرى فيه أنه ع كان متوشحا بثوب قطرى هو ضرب من البرود فيه حمرة و لها أعلام فيها بعض الخشونة و قيل هى حلل جياد تحمل من قبل البحرين و قال الأزهرى فى أعراض البحرين قرية يقال لها قطر و أحسب الثياب القطرية نسبت إليها فكسروا القاف للنسبة و خففوا «۱»

۱۴، ۱، ۱۵ ۲۷۸/ ۳۷- كشف الغمة «۲» قَدْ أَوْرَدَ صَاحِبُ كِتَابِ الْفِرْدَوْسِ «۳» فِي الْأَحَادِيثِ عَنِ النَّبِيِّ ص لَوْ لَا عَلِيٌّ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفْوٌ وَ رَوَى صَاحِبُ الْفِرْدَوْسِ «۴» أَيْضاً عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضاً لَكَ مَشَى حَرَاماً

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ ه) در فردوس از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده که گفت: اگر علی نبود، کفو و همتایی برای فاطمه پیدا نمی‌شد. و نیز از ابن عبّاس از پیامبر روایت کرده که فرمود: ای علی! همانا خداوند فاطمه را برای تو تزویج نمود و مهریه او را زمین قرار داد، پس هر که در زمین حرکت کند در حالی که بر تو غضبناک باشد، قدم زدنش در زمین حرام است.

[متن عربی] ۲۷۹/ ...- کشف الغمة «۵» وَ رَوَى ابْنُ بَابَوَيْهِ مِنْ حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَوْرَدَهُ فِي تَزْوِيجِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِفَاطِمَةَ ع أَنَّهُ أَخَذَ فِي فِيهِ مَاءً وَ دَعَا فَاطِمَةَ فَأَجْلَسَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ مَجَّ الْمَاءَ فِي الْمِخْضَبِ وَ هُوَ الْمِرْكَنُ وَ غَسَّلَ قَدَمَيْهِ وَ وَجْهَهُ ثُمَّ دَعَا فَاطِمَةَ ع وَ أَخَذَ كَفّاً مِنْ مَاءٍ فَضَرَبَ بِهِ عَلَى رَأْسِهَا وَ كَفّاً بَيْنَ يَدَيْهَا ثُمَّ رَشَّ جِلْدَهَا ثُمَّ دَعَا بِمِخْضَبٍ آخَرَ ثُمَّ دَعَا عَلِيّاً فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ بِهَا ثُمَّ الْتَزَمَهُمَا فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمَا اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبْتَ عَنِّي الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَنِي تَطْهِيراً فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً ثُمَّ قَالَ قُومَا إِلَى بَيْتِكُمَا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَكُمَا وَ بَارَكَ فِي سِيرِكُمَا وَ أَصْلَحَ بَالَكُمَا ثُمَّ قَامَ فَأَغْلَقَ عَلَيْهِمَا الْبَابَ بِيَدِهِ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَأَخْبَرَتْنِي أَسْمَاءُ أَنَّهَا رَمَقَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَمْ يَزَلْ يَدْعُو لَهُمَا خَاصَّةً لَا يُشْرِكُهُمَا فِي دُعَائِهِ أَحَداً حَتَّى تَوَارَى فِي حُجْرَتِهِ وَ فِي رِوَايَةٍ أَنَّهُ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكُمَا فِي سِيرِكُمَا وَ جَمَعَ شَمْلَكُمَا وَ أَلَّفَ عَلَى الْإِيمَانِ بَيْنَ قُلُوبِكُمَا شَأْنَكَ بِأَهْلِكَ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا «۱»

۲۸۰/ ...- کشف الغمة «۲» وَ رُوِيَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ ع كَانَ اللَّهُ تَعَالَى مُزَوِّجَهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ وَ كَانَ جَبْرَئِيلُ الْخَاطِبَ وَ كَانَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ فِي سَبْعِينَ أَلْفاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ شُهُوداً وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى شَجَرَةِ طُوبَى أَنِ انْثُرِي مَا فِيكِ مِنَ الدُّرِّ وَ الْيَاقُوتِ وَ اللُّؤْلُؤِ وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْحُورِ الْعِينِ أَنِ الْتَقِطْنَهُ فَهُنَّ يَتَهَادَيْنَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَرَحاً بِتَزْوِيجِ فَاطِمَةَ عَلِيّاً «۳»

۲۸۱/ ...- کشف الغمة «۴» وَ عَنْ شُرَحْبِيلَ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى فَاطِمَةَ فِي صَبِيحَةِ عُرْسِهَا بِقَدَحٍ فِيهِ لَبَنٌ فَقَالَ اشْرَبِي فِدَاكِ أَبُوكِ ثُمَّ قَالَ لِعَلِيٍّ ع اشْرَبْ فِدَاكَ ابْنُ عَمِّكَ «۵»

۲۸۲/ ...- کشف الغمة «۱» وَ عَنْ شُرَحْبِيلَ بْنِ سَعِيدٍ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ لَمَّا كَانَتْ صَبِيحَةُ الْعُرْسِ أَصَابَ فَاطِمَةَ ع رِعْدَةٌ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص زَوَّجْتُكِ سَيِّداً فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ «۲»

۲۸۳/ ...- کشف الغمة «۳» وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ شَكَتْ فَاطِمَةُ ع إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص عَلِيّاً فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَدَعُ شَيْئاً مِنْ رِزْقِهِ إِلَّا وَزَّعَهُ بَيْنَ الْمَسَاكِينِ فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ أَ تُسْخِطِينِي فِي أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي إِنَّ سَخَطَهُ سَخَطِي وَ إِنَّ سَخَطِي لَسَخَطُ اللَّهِ فَقَالَتْ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ وَ سَخَطِ رَسُولِهِ

۲۸۴/ ...- کشف الغمة «۴» وَ رُوِيَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ وَ اللَّهِ لَأُتَكَلِّمَنَّ بِكَلَامٍ لَا يَتَكَلَّمُ بِهِ غَيْرِي إِلَّا كَذَّابٌ وَرِثْتُ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ زَوْجَتِي خَيْرُ نِسَاءِ الْأُمَّةِ وَ أَنَا خَيْرُ الْوَصِيِّينَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) از اصبغ بن نباته روایت شده: از حضرت امیر شنیدم که می‌فرمود: به خداوند سوگند سخنی می‌گویم که هر کس غیر از من بگوید، کذاب است: من وارث پیغمبر رحمت می‌باشم. همسرم بهترین زنان امّت است، من بهترین اوصیا و جانشینان هستم.

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۲۸۵/ ۳۸- الکافی «۵» الْعِدَّةُ عَنْ سَهْلٍ عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ عَلِيّاً تَزَوَّجَ فَاطِمَةَ ع عَلَى جَرْدِ بُرْدٍ وَ دِرْعٍ وَ فِرَاشٍ كَانَ مِنْ إِهَابِ كَبْشٍ

بیان قوله علی جرد برد أی برد خلق

ترجمه: (۱) محمّد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ ه) در کافی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که گفت: علی فاطمه علیهما السّلام را به مهریه‌ای مرکّب از سه چیز تزویج نمود:

۱- یک دست لباس نرم راه راه ۲- زره ۳- زیر اندازی از پوست قوچ.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۲۸۶/ ۳۹- الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ عَلَى دِرْعٍ حُطَمِيَّةٍ يَسْوَى ثَلَاثِينَ دِرْهَماً

ترجمه: (۲) کلینی در کافی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه را به زره‌ای حطمیه که قیمتش برابر سی درهم بود، تزویج نمود.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۸۷/ ۴۰ الکافی «۲» أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيّاً فَاطِمَةَ عَلَى دِرْعٍ حُطَمِيَّةٍ وَ كَانَ فِرَاشُهَا إِهَابَ كَبْشٍ يَجْعَلَانِ الصُّوفَ إِذَا اضْطَجَعَا تَحْتَ جُنُوبِهِمَا

ترجمه: (۳) کلینی در کافی، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه را در ازای زره‌ای آهنی به عقد ازدواج علی علیه السّلام در آورد. و زیرانداز آنها پوست قوچی بود که به هنگام خواب آن را برمی‌گرداندند و در روی نرم آن می‌خوابیدند.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۸۸/ ۴۱- الکافی بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيّاً فَاطِمَةَ عَلَى دِرْعٍ حُطَمِيَّةٍ تُسَاوِي ثَلَاثِينَ دِرْهَماً «۳»

بیان یمکن الجمع بین تلک الروایات بوجوه الأول أن یکون المراد کون الدرع جزءا للمهر.

الثانی أن یکون المعنی أنه لو کان هذا الیوم لساوی ثلاثین درهما و إن کانت قیمته فی ذلک الزمان أکثر.

الثالث أن یقال إنه کان یسوی ثلاثین درهما لکن بیع بخمسمائة درهم.

الرابع أن یکون بعض الأخبار محمولا علی التقیة

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

۱۵ ۲۸۹/ ۴۲- الکافی «۱» عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْخَزَّازِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ صَدَاقُ فَاطِمَةَ جَرْدَ بُرْدٍ حِبَرَةٍ وَ دِرْعَ حُطَمِيَّةٍ وَ كَانَ فِرَاشُهَا إِهَابَ كَبْشٍ يُلْقِيَانِهِ وَ يَفْرُشَانِهِ وَ يَنَامَانِ عَلَيْهِ

ترجمه: (۱) امام باقر علیه السّلام فرموده: مهریّه فاطمه دو چیز بود: ۱- یک دست لباس زرد راه راه.۲- زره آهنی.

و زیر انداز آنها پوست قوچی بود که به هنگام خواب آن را برمی‌گرداندند و بر روی نرمتر آن می‌خوابیدند.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۹۰/ ۴۳- الکافی «۲» عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ دَاوُدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيّاً فَاطِمَةَ دَخَلَ عَلَيْهَا وَ هِيَ تَبْكِي فَقَالَ لَهَا مَا يُبْكِيكِ فَوَ اللَّهِ لَوْ كَانَ فِي أَهْلِي خَيْرٌ مِنْهُ مَا زَوَّجْتُكِهِ وَ مَا أَنَا زَوَّجْتُكِهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكِ وَ أَصْدَقَ عَنْكِ الْخُمُسَ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ

ترجمه: (۲) یعقوب بن شعیب گوید:هنگامی که رسول خدا فاطمه را به ازدواج علی علیه السّلام درآورد، بر او وارد شد و فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ به خداوند سوگند اگر بهتر از علی در خاندان من بود همانا تو را برای وی تزویج نمی‌کردم، و من تو را برای او تزویج نکردم بلکه خداوند تزویج نمود و مهریه تو را یک پنجم زمین قرار داد تا زمانی که زمین و آسمان برپا باشند.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۲۹۱/ ۴۴- الکافی «۱» عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع قَالَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ص زَوَّجْتَنِي بِالْمَهْرِ الْخَسِيسِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص مَا أَنَا زَوَّجْتُكِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكِ مِنَ السَّمَاءِ وَ جَعَلَ مَهْرَكِ خُمُسَ الدُّنْيَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ

ترجمه: (۱) امام صادق علیه السّلام فرماید:فاطمه به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: مرا به مهریه اندک تزویج نمودی. رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: من تو را تزویج نکردم بلکه فرمان ازدواج تو از آسمان صادر شده است و خداوند مهریه تو را یک پنجم دنیا قرار داده است.

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۹۲/ ۴۵- الکافی «۲» عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا غَيْرَةَ فِي الْحَلَالِ بَعْدَ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا تُحْدِثَا شَيْئاً حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكُمَا فَلَمَّا أَتَاهُمَا أَدْخَلَ رِجْلَيْهِ بَيْنَهُمَا فِي الْفِرَاشِ

ترجمه: (۲) امام صادق علیه السّلام فرموده: غیرت‌ورزیدن در باره حلال جایز نیست بعد از آنکه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به علی و فاطمه علیهما السّلام فرمود: کاری از شما سر نزدند تا من به شما ملحق شوم و برایتان دعا کنم. و آنگاه که بر آنان وارد شد پایش را در رختخواب بین آن دو نفر قرار داد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۲۹۳/ ۴۶- الکافی «۱» عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ رَفَعَهُ قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ قَالُوا بِالرِّفَاءِ وَ الْبَنِينَ قَالَ لَا بَلْ عَلَى الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَةِ. إيضاح قال الجزری فيه نهى أن يقال للمتزوج بالرفاء و البنين الرفاء الالتيام و الاتفاق و البركة و النماء و إنما نهى عنه كراهية لأنه كان من عادتهم و لهذا سن فيه غيره

ترجمه: (۱) کلینی به طور مرفوع از محمّد بن خالد برقی روایت کرده است: هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه را برای علی علیهما السّلام تزویج نمود مردم گفتند: به امید همدلی و همسری و فرزندان بسیار، و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: بلکه به امید خیر و برکت.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۲۹۴/ ۴۷- الکافی «۲» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ مُخَلَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى الْيَرْبُوعِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَتَزَوَّجُ فِيكُمْ وَ أُزَوِّجُكُمْ إِلَّا فَاطِمَةَ فَإِنَّ تَزْوِيجَهَا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

ترجمه: (۲) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌فرمود: همانا من نیز مثل شما بشر هستم و مانند شما ازدواج می‌کنم ولی فاطمه مانند شما نیست زیرا ازدواج او بر اساس فرمانی که از آسمان نازل شد صورت گرفت.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۲۹۵/ ۴۸- تفسیر فرات «۳» عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَخْلَدٍ الْجُعْفِيُّ مُعَنْعَناً عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً «۴» قَالَ خَلَقَ اللَّهُ نُطْفَةً بَيْضَاءَ مَكْنُونَةً فَجَعَلَهَا فِي صُلْبِ آدَمَ ثُمَّ نَقَلَهَا مِنْ صُلْبِ آدَمَ إِلَى صُلْبِ شَيْثٍ وَ مِنْ صُلْبِ شَيْثٍ إِلَى صُلْبِ أَنُوشَ وَ مِنْ صُلْبِ أَنُوشَ إِلَى صُلْبِ قَيْنَانَ حَتَّى تَوَارَثَتْهَا كَرَائِمُ الْأَصْلَابِ فِي مُطَهَّرَاتِ الْأَرْحَامِ حَتَّى جَعَلَهَا اللَّهُ فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ثُمَّ قَسَمَهَا نِصْفَيْنِ فَأَلْقَى نِصْفَهَا إِلَى صُلْبِ عَبْدِ اللَّهِ وَ نِصْفَهَا إِلَى صُلْبِ أَبِي طَالِبٍ وَ هِيَ سُلَالَةٌ تُولِدُ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّداً وَ مِنْ أَبِي طَالِبٍ عَلِيّاً عَلَيْهِمَا الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ فَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ زَوَّجَ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ عَلِيّاً فَعَلِيٌّ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ مِنْ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ نَسَبٌ وَ عَلِيٌّ الصِّهْرُ

ترجمه: (۱) فرات بن ابراهیم در تفسیرش از ابن عبّاس در باره آیه: وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً «۱» گفته: خداوند نطفه سفیدی آفرید و آن را در صلب آدم قرار داد، سپس از آدم به شیث و از او به

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

انوش، و از وی به صلب قینان، و همین طور به وراثت در صلب مردان پاک و زنان پاکیزه منتقل کرد تا آن را در صلب عبد المطّلب قرار داد و آن نطفه را به دو قسمت کرد و بخشی را در صلب عبد اللّه و بخش دیگر را در صلب ابو طالب قرار داد و از عبد اللّه محمّد و از ابو طالب علی متولّد گردید و این معنی قول خداوند در آیه مذکور است.

و سپس پیامبر فاطمه را به ازدواج علی درآورد، پس علی از محمّد و محمّد از علی است و حسن و حسین و فاطمه نسب و علی علیهم السّلام صهر است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۹۶/ ۴۹- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارُ، «۲» وَ كِتَابُ الْمُحْتَضَرِ، «۳» لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ الْفِرْدَوْسِ «۴» عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ لَوْ لَا عَلِيٌّ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفْوٌ

[متن عربی] وَ مِنْهُ رَفَعَهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ لِعَلِيٍّ ع يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضاً لَكَ مَشَى عَلَيْهَا حَرَاماً «۵» «۶»

باب ششم کیفیت معاشرت حضرت فاطمه با حضرت علی علیهما السّلام

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۲۹۷/ ۱- علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَبْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص الْفَجْرَ ثُمَّ قَامَ بِوَجْهٍ كَئِيبٍ وَ قُمْنَا مَعَهُ حَتَّى صَارَ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع فَأَبْصَرَ عَلِيّاً نَائِماً بَيْنَ يَدَيِ الْبَابِ عَلَى الدَّقْعَاءِ فَجَلَسَ النَّبِيُّ ص فَجَعَلَ يَمْسَحُ التُّرَابَ عَنْ ظَهْرِهِ وَ يَقُولُ قُمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا أَبَا تُرَابٍ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِهِ وَ دَخَلَا مَنْزِلَ فَاطِمَةَ فَمَكَثْنَا هُنَيْئَةً ثُمَّ سَمِعْنَا ضَحِكاً عَالِياً ثُمَّ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِوَجْهٍ مُشْرِقٍ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتَ بِوَجْهٍ كَئِيبٍ وَ خَرَجْتَ بِخِلَافِهِ فَقَالَ كَيْفَ لَا أَفْرَحُ وَ قَدْ أَصْلَحْتُ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبِّ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ. بيان الدقعاء التراب و الأخبار المشتملة على منازعتهما مأولة بما يرجع إلى ضرب من المصلحة لظهور فضلهما على الناس أو غير ذلك مما خفي علينا جهته

ترجمه: (۱) شیخ صدوق (۳۸۱ ه) در کتاب علل الشرائع، از ابو هریره روایت کرده: روزی پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نماز صبح را به جای آورد. آنگاه با چهره‌ای اندوهناک برخاست و ما هم با آن حضرت برخاستیم. آن بزرگوار به سوی منزل فاطمه رفت و حضرت علی را دید که جلوی در روی خاکها خوابیده است. پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خاکها را از پشت امیر المؤمنین پاک نمود و فرمود: برخیز پدر و مادرم به فدای تو ای ابو تراب! سپس دست علی علیه السّلام را گرفت و با یک دیگر داخل منزل حضرت زهرا شدند. ما مختصری مکث نمودیم آنگاه صدای خنده‌ای به گوش ما رسید. پس از آن دیدیم پیامبر خدا با صورتی خندان و درخشان از خانه فاطمه خارج شد. گفتیم: یا رسول اللّه! با صورتی و اندوهناک وارد و با چهره‌ای خوشحال

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

بازگشتی؟! فرمود: چرا خوشحال نباشم، در این حال که بین دو نفر را که نزد اهل آسمان محبوب‌ترین مردم زمین هستند صلح و سازش دادم. علامه مجلسی می‌فرماید: این گونه اخباری را که مشتمل بر نزاع بین حضرت امیر و حضرت زهرا می‌باشند باید تأویل و تفسیر نمود، از قبیل اینکه منظور از آنها اظهار فضائل و مناقب ایشان باشد و امثال آن که برای من معلوم نیست.

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۲۹۸/ ۲- علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ قَالَ كَانَ بَيْنَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ ع كَلَامٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ أُلْقِيَ لَهُ مِثَالٌ فَاضْطَجَعَ عَلَيْهِ فَجَاءَتْ فَاطِمَةُ ع فَاضْطَجَعَتْ مِنْ جَانِبٍ وَ جَاءَ عَلِيٌّ ع فَاضْطَجَعَ مِنْ جَانِبٍ قَالَ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَ عَلِيٍّ فَوَضَعَهَا عَلَى سُرَّتِهِ وَ أَخَذَ يَدَ فَاطِمَةَ فَوَضَعَهَا عَلَى سُرَّتِهِ فَلَمْ يَزَلْ حَتَّى أَصْلَحَ بَيْنَهُمَا ثُمَّ خَرَجَ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتَ وَ أَنْتَ عَلَى حَالٍ وَ خَرَجْتَ وَ نَحْنُ نَرَى الْبُشْرَى فِي وَجْهِكَ قَالَ وَ مَا يَمْنَعُنِي وَ قَدْ أَصْلَحْتُ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبِّ مَنْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَيَّ

قال الصدوق رحمه الله ليس هذا الخبر عندی بمعتمد و لا هو لی بمعتقد فی هذه العلة لأن علیا و فاطمة ع ما كانا ليقع بينهما كلام يحتاج رسول الله ص إلى الإصلاح بينهما لأنه ع سيد الوصيين و هی سيدة نساء العالمين مقتديان بنبی الله ص فی حسن الخلق مصباح الأنوار، «۲» عن حبيب مثله بيان المثال بالكسر الفراش ذكره الفيروزآبادی

ترجمه: (۲) و نیز در همان کتاب از حبیب بن ابی ثابت روایت می‌کند که گفت: بین زهرا و علی بن ابی طالب علیهما السّلام گفتگویی درگرفت. پس از آن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بر ایشان وارد شد، فرشی برای حضرتش گستردند و خوابید. علی نیز آمد و کنار آن بزرگوار قرار گرفت و پیامبر بین ایشان را صلح و سازش داد سپس خارج شد. به آن حضرت گفته شد: ای رسول خدا! شما با حال مخصوصی وارد بر علی و زهرا شدی، ولی اکنون می‌بینیم با این همه خوشحالی خارج گردیدی؟! فرمود: چگونه شاد نباشم، در این حالی که بین دو نفر را که نزد من محبوب‌ترین اهل زمین می‌باشند، صلح و سازش دادم.

شیخ صدوق می‌گوید: این خبر نزد من معتبر و مورد اعتماد نیست. زیرا بین علی و فاطمه سخنی در نمی‌گرفت که رسول خدا بیاید و بین ایشان را صلح و سازش بدهد. علی علیه السّلام سید الوصیّین می‌باشد و فاطمه سیده زنان عالم است و ایشان از نظر اخلاق به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم اقتدا می‌کردند، پس دلیلی برای اختلاف در بین آنها وجود ندارد. این روایت در مصباح الانوار نیز از حبیب بن ابی ثابت نقل شده است.

[متن عربی] ۱، ۱۵، ۱۴ ۲۹۹/ ۳- علل الشرائع «۱» أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَرَفَةَ عَنْ وَكِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْرَائِيلَ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مُهَاجِرَيْنِ إِلَى بِلَادِ الْحَبَشَةِ فَأُهْدِيَتْ لِجَعْفَرٍ جَارِيَةٌ قِيمَتُهَا أَرْبَعَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ فَلَمَّا قَدِمْنَا الْمَدِينَةَ أَهْدَاهَا لِعَلِيٍّ ع تَخْدُمُهُ فَجَعَلَهَا عَلِيٌّ فِي مَنْزِلِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فَاطِمَةَ فَدَخَلَتْ فَاطِمَةُ ع يَوْماً فَنَظَرَتْ إِلَى رَأْسِ عَلِيٍّ ع فِي حَجْرِ الْجَارِيَةِ فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَعَلْتَهَا فَقَالَ لَا وَ اللَّهِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ مَا فَعَلْتُ شَيْئاً فَمَا الَّذِي تُرِيدِينَ قَالَتْ تَأْذَنُ لِي فِي الْمَصِيرِ إِلَى مَنْزِلِ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهَا قَدْ أَذِنْتُ لَكِ فَتَجَلَّلَتْ بِجَلَالِهَا [بِجِلْبَابِهَا وَ تَبَرْقَعَتْ بِبُرْقُعِهَا وَ أَرَادَتِ النَّبِيَّ ص فَهَبَطَ جَبْرَئِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةُ قَدْ أَقْبَلَتْ تَشْكُو عَلِيّاً فَلَا تَقْبَلْ مِنْهَا فِي عَلِيٍّ شَيْئاً فَدَخَلَتْ فَاطِمَةُ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص جِئْتِ تَشْكِينَ عَلِيّاً قَالَتْ إِي وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ فَقَالَ لَهَا ارْجِعِي إِلَيْهِ فَقُولِي لَهُ رَغِمَ أَنْفِي لِرِضَاكَ فَرَجَعَتْ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَتْ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ رَغِمَ أَنْفِي لِرِضَاكَ تَقُولُهَا ثَلَاثاً فَقَالَ لَهَا عَلِيٌّ شَكَوْتِنِي إِلَى خَلِيلِي وَ حَبِيبِي رَسُولِ اللَّهِ ص وَا سَوْأَتَاهْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَشْهِدُ اللَّهَ يَا فَاطِمَةُ أَنَّ الْجَارِيَةَ حُرَّةٌ لِوَجْهِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْأَرْبَعمِائَةِ دِرْهَمٍ الَّتِي فَضَلَتْ مِنْ عَطَائِي صَدَقَةٌ عَلَى فُقَرَاءِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ

ثُمَّ تَلَبَّسَ وَ انْتَعَلَ وَ أَرَادَ النَّبِيَّ ص فَهَبَطَ جَبْرَئِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ قُلْ لِعَلِيٍّ قَدْ أَعْطَيْتُكَ الْجَنَّةَ بِعِتْقِكَ الْجَارِيَةَ فِي رِضَى فَاطِمَةَ وَ النَّارَ بِالْأَرْبَعمِائَةِ دِرْهَمٍ الَّتِي تَصَدَّقْتَ بِهَا فَأَدْخِلِ الْجَنَّةَ مَنْ شِئْتَ بِرَحْمَتِي وَ أَخْرِجْ مِنَ النَّارِ مَنْ شِئْتَ بِعَفْوِي فَعِنْدَهَا قَالَ عَلِيٌّ ع أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ

قب أبو منصور الكاتب في كتاب الروح و الريحان عن أبي ذر مثله بشا، «۱» والدي أبو القاسم و عمار بن ياسر و ولده سعد جميعا عن إبراهيم بن نصر الجرجاني عن محمد بن حمزة المرعشي عن محمد بن الحسن عن محمد بن جعفر عن حمزة بن إسماعيل عن أحمد بن الخليل عن يحيى بن عبد الحميد عن شريك عن ليث بن أبي سليم عن مجاهد عن ابن عباس مثله بأدنى تغيير و قد أوردناه في باب أنه ع قسيم الجنة و النار «۲»

۱۵، ۱ ۳۰۰/ ۴- المناقب ابن شهرآشوب «۳» لَمَّا انْصَرَفَتْ فَاطِمَةُ مِنْ عِنْدِ أَبِي بَكْرٍ أَقْبَلَتْ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَتْ لَهُ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ اشْتَمَلْتَ شِيمَةَ الْجَنِينِ وَ قَعَدْتَ حُجْرَةَ الظَّنِينِ فَنَقَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ فَخَانَكَ رِيشُ الْأَعْزَلِ أَضْرَعْتَ خَدَّكَ يَوْمَ أَضَعْتَ جِدَّكَ افْتَرَسْتَ الذِّئَابَ وَ افْتَرَشْتَ التُّرَابَ مَا كَفَفْتَ قَائِلًا وَ لَا أَغْنَيْتَ بَاطِلًا هَذَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَزُّنِي نُحَيْلَةَ أَبِي وَ بُلَيْغَةَ ابْنِي [ابْنَيَّ وَ اللَّهِ لَقَدْ أَجْهَرَ فِي خِصَامِي وَ أَلْفَيْتُهُ أَلَدَّ فِي كَلَامِي حَتَّى مَنَعَتْنِي الْقَيْلَةُ نَصْرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةُ وَصْلَهَا وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا فَلَا دَافِعٌ وَ لَا مَانِعٌ خَرَجْتُ كَاظِمَةً وَ عُدْتُ رَاغِمَةً وَ لَا خِيَارَ لِي لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هِينَتِي وَ دُونَ زَلَّتِي عَذِيرِيَ اللَّهُ مِنْكَ عَادِياً وَ مِنْكَ حَامِياً وَيْلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ وَيْلَايَ مَاتَ الْعَمَدُ وَ وَهَنَتِ الْعَضُدُ وَ شَكْوَايَ إِلَى أَبِي وَ عُدْوَايَ إِلَى رَبِّي اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ قُوَّةً فَأَجَابَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا وَيْلَ لَكِ بَلِ الْوَيْلُ لِشَانِئِكِ نَهْنِهِي عَنْ وَجْدِكِ يَا بُنَيَّةَ الصَّفْوَةِ وَ بَقِيَّةَ النُّبُوَّةِ فَمَا وَنَيْتُ عَنْ دِينِي وَ لَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي فَإِنْ كُنْتِ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ فَرِزْقُكِ مَضْمُونٌ وَ كَفِيلُكِ مَأْمُونٌ وَ مَا أُعِدَّ لَكِ خَيْرٌ مِمَّا قُطِعَ عَنْكِ فَاحْتَسِبِي اللَّهَ فَقَالَتْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

بيان أقول قد مر تصحيح كلماتها و شرحها في أبواب فدك

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) هنگامی که فاطمه علیها السّلام از نزد ابو بکر بازگشت پیش علی علیه السّلام آمده گفت: ای فرزند ابو طالب! آیا همچون جنین پرده‌نشین شده‌ای و چون کسی که به او تهمت زده‌اند در گوشه خانه نشسته‌ای؟ تو آن کسی بودی که پرهای بزرگ شاهین را شکستی، حال چه شده که این پرهای بی‌ارزش دست و پای تو را بسته‌اند. ابو بکر هدیه پدرم را از من به زور گرفته آشکارا به دشمنی من برخاسته، و از لجاج و عناد خود روی برنمی‌تابد چندان که اوس و خزرج از من بریدند و مهاجران نیز از حمایت من خودداری کردند و مردم نیز یاری کردن را فراموش نمودند، و امروز برای دفع ستم‌های آن مرد نه یاوری دارم و نه مددکاری. امروز خشم خود را فرو خوردم و از خانه خارج شدم ولی با خواری بازگشتم. تو شیر مردی بودی که گرگ‌ها را در هم می‌کوبیدی، ولی امروز در را به روی خود بسته‌ای. آیا توان دفاع از حق را از تو گرفته‌اند؟ آیا قدرت برگرداندن این باطل را نداری؟ چرا که من دیگر قدرت دفاع از خود را ندارم. ای کاش قبل از امروز مرده بودم و شاهد این خواری و مذلّت نبودم! اگر با تو به تندی سخن گفتم، و یا از یاری نکردنت برآشفتم، از خدا مطالبه عفو و بخشش می‌کنم.

وای بر من از هر صبحی که سر برآورد در حالی که پناهگاه بزرگ من از دنیا رفته و نبودنش مرا این چنین پریشان و ناتوان ساخته است. امروز دیگر چه می‌توانم بکنم جز آنکه شکایت این مردم را به پدرم بکنم و از خداوند طلب یاری کنم؟ بار الها قدرت تو از همه کس بیشتر است پس خودت داد مرا از این نامردمان بستان.

و علی علیه السّلام به فاطمه گفت: ای دختر آنکه خداوند انتخابش کرد، و ای یادگار پیامبر، غم مخور، بلکه شایسته است آن که حق تو را پایمال نموده آه و ناله پیشه کند زیرا آن حق دامان او را خواهد سوزاند، اما بدان که من به دلیل سستی و ضعف گوشه‌نشین نشده‌ام، بلکه آنچه در توان داشتم به کار بستم ولی نتیجه‌ای نگرفتم و آنها را به خداوند واگذار کردم، که خداوند عهده‌دار امر آنهاست و از مکر و نیرنگ اینان نیز در امان است.

پس فاطمه آرام گرفت و فرمود: خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل برای بندگان خویش است.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱ ۳۰۱/ ۵- مناقب ابن شهرآشوب «۱» مَعْقِلُ بْنُ يَسَارٍ وَ أَبُو قُبَيْلٍ وَ ابْنُ إِسْحَاقَ وَ حَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ وَ عِمْرَانُ بْنُ الْحُصَيْنِ وَ ابْنُ غَسَّانَ وَ الْبَاقِرُ ع مَعَ اخْتِلَافِ الرِّوَايَاتِ وَ اتِّفَاقِ الْمَعْنَى أَنَّ النِّسْوَةَ قُلْنَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ خَطَبَكِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ فَرَدَّهُمْ أَبُوكِ وَ زَوَّجَكِ عَائِلًا فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوَّجْتَنِي عَائِلًا فَهَزَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِيَدِهِ مِعْصَمَهَا وَ قَالَ لَا يَا فَاطِمَةُ وَ لَكِنْ زَوَّجْتُكِ أَقْدَمَهُمْ سِلْماً وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْماً وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْماً أَ مَا عَلِمْتِ يَا فَاطِمَةُ أَنَّهُ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَضَحِكَتْ وَ قَالَتْ رَضِيتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي قُبَيْلٍ لَمْ أُزَوِّجْكِ حَتَّى أَمَرَنِي جَبْرَئِيلُ. وَ فِي رِوَايَةِ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ وَ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ أَمَا إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُكِ خَيْرَ مَنْ أَعْلَمُ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

وَ فِی رِوَایَةِ ابْنِ غَسَّانَ زَوَّجْتُک خَیْرَهُمْ. وَ فِی کِتَابِ ابْنِ شَاهِینٍ «۲» عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مُعَمَّرٍ عَنْ أَیُّوبَ عَنْ عِکْرِمَةَ قَالَ النَّبِیُّ ص أَنْکَحْتُک أَحَبَّ أَهْلِی إِلَیَ

ترجمه: (۱) و نیز در مناقب ابن شهر آشوب، از معقل بن یسار، ابو قبیل، ابن اسحاق، حبیب بن ابی ثابت، عمران بن حصین و ابن غسان و امام باقر علیه السّلام، به اختلاف جزئی در عبارات آمده است: زنان قریش به حضرت فاطمه گفتند: فلان و فلان خواستگار تو بودند، پدر تو آنان را رد کرد و تو را به مردی شوهر داد که تهی دست است. هنگامی که پیغمبر اکرم نزد دخترش آمد، فاطمه علیها السّلام سخن زنان قریش را به پدر عرض کرد.

پیامبر اکرم به دست مبارک خود مچ دست فاطمه را تکان داد و به وی فرمود: نه!، ای فاطمه! بلکه تو را به شخصیتی دادم که از لحاظ اسلام بر همه مقدّم و از نظر علم از همه اعلم و از نظر حلم از همه بزرگتر است.

ای فاطمه! آیا نمی‌دانی که علی در دنیا و آخرت برادر من است؟

فاطمه زهرا پس از این سخنان خندید و گفت: یا رسول اللّه! راضی شدم.

و در روایت ابو قبیل آمده است: تو را به ازدواج علی علیه السّلام در نیاوردم مگر پس از آنکه جبرئیل در این مورد به من فرمان داد. و در روایت عمران و حبیب آمده است که پیامبر فرمود: تو را به بهترین کسی که می‌شناختم تزویج نمودم. و در کتاب ابن شاهین از عکرمه آمده است: تو را به محبوبترین افراد در نزد خود تزویج نمودم.

[متن عربی] ۳۰۲/ ۶- کتاب الروضة الفضائل «۱» فضائل ابن شاذان «۲» عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ یَرْفَعُهُ إِلَی سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ کُنْتُ وَاقِفاً بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ أَسْکُبُ الْمَاءَ عَلَی یَدَیْهِ إِذَا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ وَ هِیَ تَبْکِی فَوَضَعَ النَّبِیُّ ص یَدَهُ عَلَی رَأْسِهَا وَ قَالَ مَا یُبْکِیک لَا أَبْکَی اللَّهُ عَیْنَیْک یَا حُورِیَّةُ قَالَتْ مَرَرْتُ عَلَی مَلَإٍ مِنْ نِسَاءِ قُرَیْشٍ وَ هُنَّ مُخَضَّبَاتٌ فَلَمَّا نَظَرْنَ إِلَیَّ وَقَعُوا فِیَّ وَ فِی ابْنِ عَمِّی فَقَالَ لَهَا وَ مَا سَمِعْتِی مِنْهُنَّ قَالَتْ قُلْنَ کَانَ قَدْ عَزَّ عَلَی مُحَمَّدٍ أَنْ یُزَوِّجَ ابْنَتَهُ مِنْ رَجُلٍ فَقِیرٍ قُرَیْشٍ وَ أَقَلِّهِمْ مَالًا فَقَالَ لَهَا وَ اللَّهِ یَا بُنَیَّةُ مَا زَوَّجْتُک وَ لَکِنَّ اللَّهَ زَوَّجَک مِنْ عَلِیٍّ فَکَانَ بَدْوُهُ مِنْهُ وَ ذَلِک أَنَّهُ خَطَبَک فُلَانٌ وَ فُلَانٌ فَعِنْدَ ذَلِک جَعَلْتُ أَمْرَک إِلَی اللَّهِ تَعَالَی وَ أَمْسَکْتُ عَنِ النَّاسِ فَبَیْنَا صَلَّیْتُ یَوْمَ الْجُمُعَةِ صَلَاةَ الْفَجْرِ إِذْ سَمِعْتُ حَفِیفَ الْمَلَائِکَةِ وَ إِذَا بِحَبِیبِی جَبْرَئِیلَ وَ مَعَهُ سَبْعُونَ صَفّاً مِنَ الْمَلَائِکَةِ مُتَوَجِّینَ مُقَرَّطِینَ مُدَمْلَجِینَ فَقُلْتُ مَا هَذِهِ الْقَعْقَعَةُ مِنَ السَّمَاءِ یَا أَخِی جَبْرَئِیلُ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ اطِّلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا مِنَ الرِّجَالِ عَلِیّاً ع وَ مِنَ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ ع فَزَوَّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِیٍّ فَرَفَعَتْ رَأْسَهَا وَ تَبَسَّمَتْ بَعْدَ بُکَائِهَا وَ قَالَتْ رَضِیتُ بِمَا رَضِیَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَقَالَ ص أَ لَا أَزِیدُک یَا فَاطِمَةُ فِی عَلِیٍّ رَغْبَةً قَالَتْ بَلَی قَالَ لَا یَرِدُ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رُکْبَانٌ أَکْرَمُ مِنَّا أَرْبَعَةٌ أَخِی صَالِحٌ عَلَی نَاقَتِهِ وَ عَمِّی حَمْزَةُ عَلَی نَاقَتِی الْعَضْبَاءِ وَ أَنَا عَلَی الْبُرَاقِ وَ بَعْلُک عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ عَلَی نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ فَقَالَتْ صِفْ لِی النَّاقَةَ مِنْ أَیِّ شَیْءٍ خُلِقَتْ قَالَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

نَاقَةٌ خُلِقَتْ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُدَبَّجَةُ الْجَنْبَيْنِ صَفْرَاءُ حَمْرَاءُ الرَّأْسِ سَوْدَاءُ الْحَدَقِ قَوَائِمُهَا مِنَ الذَّهَبِ خِطَامُهَا مِنَ اللُّؤْلُؤِ الرَّطْبِ عَيْنَاهَا مِنَ الْيَاقُوتِ وَ بَطْنُهَا مِنَ الزَّبَرْجَدِ الْأَخْضَرِ عَلَيْهَا قُبَّةٌ مِنْ لُؤْلُؤَةٍ بَيْضَاءَ يُرَى بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا خُلِقَتْ مِنْ عَفْوِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تِلْكَ النَّاقَةُ مِنْ نُوقِ اللَّهِ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ رُكْناً بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الرُّكْنِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَنْوَاعِ التَّسْبِيحِ لَا يَمُرُّ عَلَى مَلَإٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَنْ هَذَا الْعَبْدُ مَا أَكْرَمَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَ تَرَاهُ نَبِيّاً مُرْسَلًا أَوْ مَلَكاً مُقَرَّباً أَوْ حَامِلَ عَرْشٍ أَوْ حَامِلَ كُرْسِيٍّ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ أَيُّهَا النَّاسُ لَيْسَ هَذَا بِنَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ لَا مَلَكٍ مُقَرَّبٍ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ فَيَبْدُرُونَ رِجَالًا رِجَالًا فَيَقُولُونَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ حَدَّثُونَا فَلَمْ نُصَدِّقْ وَ نَصَحُونَا فَلَمْ نَقْبَلْ وَ الَّذِينَ يُحِبُّونَهُ تَعَلَّقُوا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى كَذَلِكَ يَنْجُونَ فِي الْآخِرَةِ يَا فَاطِمَةُ أَ لَا أَزِيدُكِ فِي عَلِيٍّ رَغْبَةً قَالَتْ زِدْنِي يَا أَبَتَاهْ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ عَلِيّاً أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَارُونَ لِأَنَّ هَارُونَ أَغْضَبَ مُوسَى وَ عَلِيٌّ لَمْ يُغْضِبْنِي قَطُّ وَ الَّذِي بَعَثَ أَبَاكِ بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَا غَضِبْتُ عَلَيْهِ يَوْماً قَطُّ وَ مَا نَظَرْتُ فِي وَجْهِ عَلِيٍّ إِلَّا ذَهَبَ الْغَضَبُ عَنِّي يَا فَاطِمَةُ أَ لَا أَزِيدُكِ فِي عَلِيٍّ رَغْبَةً قَالَتْ زِدْنِي يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ هَبَطَ عَلَيَّ جَبْرَئِيلُ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ اقْرَأْ عَلِيّاً مِنَ السَّلَامَ السَّلَامَ فَقَامَتْ وَ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِكَ يَا أَبَتَاهْ نَبِيّاً وَ بِابْنِ عَمِّي بَعْلًا وَ وَلِيّاً

ترجمه: (۱) در کتاب الروضه، و فضائل ابن شاذان از سلمان فارسی روایت شده که گفت: روزی من در حضور پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ایستاده بودم و آب به دستهای مبارک آن حضرت می‌ریختم حضرت فاطمه در حالی وارد شد که گریان بود. پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دست مبارک خود را روی سر فاطمه نهاد و فرمود: چه باعث گریه تو شده؟ خدا چشم تو را گریان نکند ای حوریه! گفت: من به گروهی از زنان قریش رسیدم، چشم آنان که به من افتاد راجع به پسر عمویم طعنه زدند. فرمود: چه سخنی از ایشان شنیدی؟ گفت: می‌گویند: ناگوار است که محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دختر خود را به مردی از قریش بدهد که فقیر است.

فرمود: دختر جان! من تو را شوهر ندادم، بلکه خدا تو را برای علی تزویج نموده است.

زیرا فلانی و فلانی خواستگار تو بودند و من در آن هنگام سکوت اختیار نمودم و امر ازدواج تو را به خداوند واگذار کردم، تا اینکه نماز صبح جمعه را خواندم و صدای ملائکه را شنیدم، ناگاه جبرئیل را با هفتاد هزار ملک از ملائکه دیدم که تاج به سر نهاده‌اند و گوشواره به گوش کرده‌اند و النگو به دست کرده‌اند. گفتم:

ای جبرئیل! این سر و صداها چیست که از آسمان می‌شنوم؟ گفت: یا محمّد! خدای توانا توجّهی به زمین کرد و از میان مردان علی و از زنان فاطمه علیهما السّلام را برگزید. تو فاطمه را برای علی تزویج کن.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حضرت فاطمه علیها السّلام سر خود را به جانب آسمان بلند کرد و پس از گریستن تبسّمی کرد و گفت: راضی شدم به رضای خدا و رسول او.

رسول خدا فرمود: آیا می‌خواهی بیش از این راجع به مقام علی بگویم تا به وی رغبت پیدا کنی؟ گفت: آری.

فرمود: در روز قیامت جز چهار نفر کسی دیگر به صورت سواره محشور نمی‌شود:

۱- برادرم حضرت صالح که بر ناقه خود سوار است ۲- عمویم حمزه که بر ناقه عضباء سوار می‌شود ۳- من که بر براق سوارم ۴- شوهر تو علی بن ابی طالب که بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار خواهد شد.

فاطمه گفت: وصف آن ناقه را برای من بگو که از چه چیزی آفریده شده؟

رسول اکرم فرمود: شتری است که از نور خدا آفریده شده: دو پهلوی آن آراسته، زرد رنگ، سر آن قرمز، سیاه چشم، پاهای آن از طلا، پوزه آن از جواهر، (۱) چشمان آن از یاقوت، شکم آن از زبرجد سبز، قبّه‌ای از جواهر سفید بر پشت آن است، باطن آن از ظاهر آن، و ظاهر آن از باطن آن دیده می‌شود. آن ناقه از عفو خدا آفریده شده است. این شتر که از شترهای خدا می‌باشد دارای هفتاد هزار رکن است. بین هر رکن تا رکن دیگر هفتاد هزار ملک می‌باشد که مشغول انواع و اقسام تسبیح پروردگار جهان هستند.

علی به هر یک از گروه ملائکه عبور می‌کند، می‌گویند: این بنده کیست، چقدر خدای رئوف او را گرامی داشته است؟! گویا پیغمبری مرسل باشد یا ملکی مقرّب یا حامل عرش و یا حامل کرسی باشد.

آنگاه منادی از وسط عرش ندا می‌کند: ای مردم! این شخص پیغمبر مرسل و ملک مقرّب نیست. بلکه این علی بن ابی طالب است. سپس گروهی دسته دسته به تعجیل می‌آیند و می‌گویند: انا للّه و انّا الیه راجعون. این مطالب را برای ما می‌گفتند ولی ما تصدیق نمی‌کردیم، ما را نصیحت می‌نمودند ولی نمی‌پذیرفتیم، افرادی که این علی را دوست داشته باشند به دستاویزی محکم چنگ زده‌اند و در آخرت این چنین نجات پیدا می‌کنند.

ای فاطمه! دوست داری بیشتر از این راجع به علی بگویم تا رغبت تو به وی بیشتر شود؟گفت: آری.

فرمود: علی از هارون (جانشین حضرت موسی) پیش خدا عزیزتر است، زیرا هارون موسی را به غضب درآورد، اما علی بن ابی طالب هرگز مرا به غضب نیاورده است.

ای فاطمه! باز هم دوست داری که از مقام علی برای تو شرح دهم؟

گفت: آری، ای رسول خدا! فرمود: جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمّد! از طرف سلام (خداوند) به علی سلام برسان. فاطمه از جای برخاست و گفت: راضی شدم که خداوند پروردگار من باشد و تو ای پدر جان، پیغمبر من باشی و پسر عمویم شوهر و ولیّ من باشد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۳۰۳/ ۷- الکافی «۱» عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَحْتَطِبُ وَ يَسْتَقِي وَ يَكْنُسُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع تَطْحَنُ وَ تَعْجِنُ وَ تَخْبِزُ

الأمالی للشیخ الطوسی «۲» الحسین بن إبراهیم القزوینی عن محمد بن وهبان عن أحمد بن إبراهیم عن الحسن بن علی الزعفرانی عن البرقی عن أبیه عن ابن أبی عمیر مثله

ترجمه: (۱) امام صادق علیه السّلام می‌فرماید: علی و فاطمه علیهما السّلام پس از ازدواج کارهای خود را چنین تقسیم کردند که علی علیه السّلام هیزم جمع آوری می‌کرد، آب می‌آورد و جارو می‌کرد و فاطمه علیها السّلام آسیا می‌کرد، خمیر درست می‌کرد و نان می‌پخت.مثل این روایت در امالی شیخ طوسی نیز نقل شده است.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۳۰۴/ ۸- أمالی شیخ الطوسی «۳» الْحُسَيْنُ عَنِ ابْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُبَيْشٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي غُنْدَرٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْ لِفَاطِمَةَ لَا تَعْصِي عَلِيّاً فَإِنَّهُ إِنْ غَضِبَ غَضِبْتُ لِغَضَبِهِ

ترجمه: (۲) در امالی شیخ طوسی از امام صادق علیه السّلام روایت شده است:

خداوند به پیامبر وحی کرد که به فاطمه بگوید: با علی مخالفت مکن زیرا اگر او غضب کند خداوند نیز به غضب او غضبناک می‌گردد.

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۳۰۵/ ۹- وَ فِي الدِّيوَانِ الْمَنْسُوبَةِ «۱» أَبْيَاتُهَا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَّهُ قَالَ فِي مَرَضِهِ مُخَاطِباً لِفَاطِمَةَ مَا رُوِيَ عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ الْحَسَنِ الْعَطَّارِ عَنِ الْحَسَنِ الْمُقْرِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْمُقْرِي عَنْ زَيْدِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَلَوِيِّ أَنَّهُ ع أَنْشَدَ هَذِهِ الْأَبْيَاتَ وَ هُوَ مَحْمُومٌ يَرْثِي فَاطِمَةَ ع

وَ إِنَّ حَيَاتِي مِنْكِ يَا بِنْتَ أَحْمَدَ ... بِإِظْهَارِ مَا أَخْفَيْتُهُ لَشَدِيدُ

وَ لَكِنْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْنُو رِقَابُنَا ... وَ لَيْسَ عَلَى أَمْرِ الْإِلَهِ جَلِيدُ

أَ تُصْرِعُنِي الْحُمَّى لَدَيْكِ وَ أَشْتَكِي ... إِلَيْكِ وَ مَا لِي فِي الرِّجَالِ نَدِيدُ

أُصِرُّ عَلَى صَبْرٍ وَ أَقْوَى عَلَى مُنًى ... إِذَا صَبْرُ خَوَّارِ الرِّجَالِ بَعِيدُ

وَ فِي هَذِهِ الْحُمَّى دَلِيلٌ بِأَنَّهَا ... لَمَوْتِ الْبَرَايَا قَائِدٌ وَ بَرِيدُ

بیان و إن حیاتی منک أی اشتدت حیاتی بسببک حیث لا بد لی من إظهار ما أخفیته من المرض کذا خطر بالبال و قیل منک أی من بعدک و قیل أی حیاتی منک و بسببک و أنا شدید بإظهار ما أخفیته أی لا أظهره و لا یخفی بعدهما تعنو أی تخضع و الجلید الصلب و الندید المثل و النظیر و الخوار الضعیف و الصیاح

ترجمه: (۱) در دیوان منسوب به علی علیه السّلام آمده است که در فراق فاطمه علیها السّلام این شعر را سروده در حالی که از دوری فاطمه تب کرده بود: - حقّا که زندگی من بعد از تو ای دختر احمد به آشکار نمودن چیزی

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

که مخفی کرده‌ام سخت است- ولی گردنهای ما برای تقدیر خداوند فروتنی می‌کند و برای انجام امر او هیچ عملی سخت نخواهد بود- آیا تب مرا از پای می‌اندازد و به شکایت وامی‌دارد، در صورتی که در میان مردان نظیر من وجود ندارد- من صبر می‌کنم و به حاجت خویشتن نایل و پیروز می‌شوم آن هنگام که بسیار بعید است صبر بتواند مردان را سست نماید - این تب علامت و دلیلی است و در آن برای مرگ و موت مردم یک نوع نشانه و قاصدی است.

[متن عربی] ۱، ۱۵، ۱۴ ۳۰۶/ ۱۰- دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، «۱» عَنْ سُوَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ قَالَ أَصَابَتْ عَلِيّاً ع شِدَّةٌ فَأَتَتْ فَاطِمَةُ ع رَسُولَ اللَّهِ ص فَدَقَّتِ الْبَابَ فَقَالَ أَسْمَعُ حِسَّ حَبِيبِي بِالْبَابِ يَا أُمَّ أَيْمَنَ قُومِي وَ انْظُرِي فَفَتَحَتْ لَهَا الْبَابَ فَدَخَلَتْ فَقَالَ ص لَقَدْ جِئْتِنَا فِي وَقْتٍ مَا كُنْتِ تَأْتِينَا فِي مِثْلِهِ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص مَا طَعَامُ الْمَلَائِكَةِ عِنْدَ رَبِّنَا فَقَالَ التَّحْمِيدُ فَقَالَتْ مَا طَعَامُنَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَقْتَبِسُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ شَهْراً نَاراً وَ أُعَلِّمُكِ خَمْسَ كَلِمَاتٍ عَلَّمَنِيهِنَّ جَبْرَئِيلُ ع قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْخَمْسُ الْكَلِمَاتُ قَالَ يَا رَبَّ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ وَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ رَجَعَتْ فَلَمَّا أَبْصَرَهَا عَلِيٌّ ع قَالَ بِأَبِي أَنْتِ وَ أُمِّي مَا وَرَاءَكِ يَا فَاطِمَةُ قَالَتْ ذَهَبْتُ لِلدُّنْيَا وَ جِئْتُ لِلْآخِرَةِ قَالَ عَلِيٌّ ع خَيْرٌ أَمَامَكِ خَيْرٌ أَمَامَكِ

ترجمه: (۱) در کتاب سلوة الحزین معروف به دعوات تألیف راوندی (۵۷۱ ه) از سوید بن غفله روایت شده که گفت: علی علیه السّلام دچار تهی دستی شدیدی شد. حضرت فاطمه علیها السّلام برای این موضوع به حضور رسول اکرم مشرّف شد. هنگامی که دقّ الباب نمود، رسول خدا فرمود:

من احساس می‌کنم که حبیبه‌ام پشت در باشد، ای امّ ایمن برخیز ببین کیست؟

وقتی امّ ایمن در را باز کرد و فاطمه زهرا داخل شد، پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به وی فرمود:

زمانی نزد ما آمدی که هیچ وقت نمی‌آمدی؟! گفت: یا رسول اللّه! غذای ملائکه نزد خدای ما چیست؟ فرمود: گفتن الحمد للّه. گفت: غذای ما چیست؟ فرمود: سوگند به حقّ آن خدایی که جان من در دست قدرت اوست مدت یک ماه است که آتش در خانه ما روشن نشده (یعنی غذای پختنی نخورده‌ایم) ولی من آن پنج کلمه‌ای را به تو یاد می‌دهم که جبرئیل به من تعلیم داده است. گفت: کدام پنج کلمه یا رسول اللّه؟

فرمود: بگو: یا رب الاولین و الآخرین، یا ذو القوة المتین، و یا راحم المساکین، و یا ارحم الراحمین.

فاطمه پس از شنیدن این کلمات مراجعت نمود، وقتی چشم حضرت امیر به وی افتاد، گفت: پدر و مادرم به فدایت چه خبر آوردی؟ گفت: من به منظور کار دنیا رفتم، ولی با توشه‌ای اخروی بازگشتم.

علی علیه السّلام دو مرتبه فرمود: برایت خیر باشد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۳۰۷/ ۱۱- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ شَكَتْ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص عَلِيّاً فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا يَدَعُ شَيْئاً مِنْ رِزْقِهِ إِلَّا وَزَّعَهُ عَلَى الْمَسَاكِينِ فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ أَ تُسْخِطِينِي فِي أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي إِنَّ سَخَطَهُ سَخَطِي وَ إِنَّ سَخَطِي سَخَطُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ

۱، ۱۵ ۳۰۸/ ۱۲- أمالی الشیخ الطوسی «۲» جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي غَالِبٍ الزُّرَارِيِّ عَنْ خَالِهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ الْكَاتِبِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ الْغَنَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى عَلِيٍّ النِّسَاءَ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً قُلْتُ وَ كَيْفَ قَالَ لِأَنَّهَا طَاهِرَةٌ لَا تَحِيضُ

بیان هذا التعلیل یحتمل وجهین الأول أن یکون المراد أنها لما کانت لا تحیض حتی یکون له ع عذر فی مباشرة غیرها فلذا حرم الله علیه غیرها رعایة لحرمتها. الثانی أن یکون المعنی أن جلالتها منعت من ذلک و عبر عن ذلک ببعض ما یلزمه من الصفات التی اختصت بها

ترجمه: (۱) شیخ طوسی در امالی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده: تا زمانی که حضرت فاطمه زنده بود خداوند متعال زنان دیگر را برای علی علیه السّلام حرام کرده بود. ابو بصیر اسدی که راوی این حدیث است، گوید: پرسیدم: چگونه؟امام فرمود: چون فاطمه علیها السّلام همیشه طاهر بود و هرگز حیض نشد.

علامه مجلسی در باره این حدیث دو احتمال داده است: احتمال اوّل: چون حیض نمی‌شده لذا علی علیه السّلام عذری برای ازدواج با زنان دیگر نداشته است.

احتمال دوم: جلالت و عظمت شأن فاطمه مانع از ازدواج مجدّد علی علیهما السّلام بوده است.

[متن عربی] ۱۶ ۳۰۹/ ۱۳- مناقب ابن شهرآشوب «۱» سُئِلَ عَالِمٌ فَقِيلَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَنْزَلَ هَلْ أَتَى فِي أَهْلِ الْبَيْتِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَ ذَكَرَ فِيهِ إِلَّا الْحُورَ الْعِينَ قَالَ ذَلِكَ إِجْلَالًا لِفَاطِمَةَ ع

ترجمه: (۱) از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام سؤال شد: سوره مبارکه: هل اتی که در شأن اهل بیت علیهم السّلام نازل شده حاوی هر نعمتی هست، ولی نامی از حور العین در این سوره برده نشده؟ فرمود: این نوعی احترام و تجلیل است که خداوند از فاطمه زهرا نموده است.

[متن عربی] ۳۱۰/ ...- مناقب ابن شهر آشوب «۲» سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ فِي قَوْلِهِ وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ «۳» قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا إِذَا قَطَعَ الصِّرَاطَ زَوَّجَهُ اللَّهُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ بِأَرْبَعِ نِسْوَةٍ مِنْ نِسَاءِ الدُّنْيَا وَ سَبْعِينَ أَلْفَ حُورِيَّةٍ مِنْ حُورِ الْجَنَّةِ إِلَّا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ زَوَّجَ الْبَتُولَ فَاطِمَةَ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ زَوْجُهَا فِي الْآخِرَةِ فِي الْجَنَّةِ لَيْسَتْ لَهُ زَوْجَةٌ فِي الْجَنَّةِ غَيْرُهَا مِنْ نِسَاءِ الدُّنْيَا لَكِنْ لَهُ فِي الْجِنَانِ سَبْعُونَ أَلْفَ حُوراً لِكُلِّ حُورٍ سَبْعُونَ أَلْفَ خَادِمٍ

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

أقول سیأتی بعض أخبار هذا الباب فی باب غسلها و دفنها ع

ترجمه: (۱) ابو صالح مفسّر در تفسیر سخن خداوند کـه مـی‌فرمایـد: وَ إِذَا النُّفُـوسُ زُوِّجَـتْ «۱» گفتـه: در روز قیامت مؤمنی نیست مگر اینکه پس از عبور از صراط خداوند متعال چهار زن از زنـان دنیـا را بـرای او تـزویج می‌کند و هفتاد هزار حوری از حوریّه‌های بهشتی را، مگر علی بن ابی طالب را، که او همـان گونـه کـه در دنیـا همسر فاطمه بوده است در آخرت نیز همسرش خواهد بود و برای او همسر دیگری از زنـان دنیـا وجـود نخواهـد داشت ولی برایش هفتاد هزار حوریّه بهشتی خواهد بود که هر کدام از آنها هفتاد هزار خادم خواهند داشت.

باب هفتم ظلمها و ستمهایی که به حضرت فاطمه علیها السّلام شد بیماری و شهادت وی

[متن عربی] ۶، ۱۵، ۴ ۳۱۱/ ۱- الخصال «۱» ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُـهَيْلٍ «۲» الْبَحْرَانِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ الْبَكَّاءُونَ خَمْسَةٌ آدَمُ وَ يَعْقُوبُ وَ يُوسُـفُ وَ فَاطِمَـةُ بِنْـتُ مُحَمَّـدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع فَأَمَّا آدَمُ فَبَكَى عَلَى الْجَنَّةِ حَتَّى صَارَ فِي خَدَّيْهِ أَمْثَالُ الْأَوْدِيَةِ وَ أَمَّا يَعْقُوبُ فَبَكَى عَلَـى يُوسُـفَ حَتَّى ذَهَبَ بَصَرُهُ وَ حَتَّى قِيلَ لَهُ تَاللَّهِ تَفْتَؤُا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضاً أَوْ تَكُـونَ مِـنَ الْهَـالِكِينَ وَ أَمَّـا يُوسُـفُ فَبَكَى عَلَى يَعْقُوبَ حَتَّى تَأَذَّى بِهِ أَهْلُ السِّجْنِ فَقَالُوا لَهُ إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ بِاللَّيْلِ وَ تَسْكُتَ بِالنَّهَارِ وَ إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ بِالنَّهَـارِ وَ تَسْكُتَ بِاللَّيْلِ فَصَالَحَهُمْ عَلَى وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا وَ أَمَّا فَاطِمَةُ فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى تَـأَذَّى بِـهِ أَهْـلُ الْمَدِينَـةِ فَقَالُوا لَهَا قَدْ آذَيْتِينَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكِ فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِي حَتَّى تَقْضِيَ حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَبَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ ع عِشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً «۳» مَا وُضِعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى حَتَّـى قَالَ لَهُ مَوْلًى لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ‌اَلَ إِنَّما أَشْكُوا بَثِّي وَ حُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ

إِنِّي لَمْ أَذْكُرْ مَصْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقَتْنِي لِذَلِكَ عَبْرَةٌ

الأمالی «۴» الحسین بن أحمد بن إدریس عن أبیه عن ابن عیسی عن ابن معروف مثله

ترجمه: (۱) شیخ صدوق رحمه اللّه در کتاب خصال، به سندش از امام صادق علیه السّلام روایـت کـرده: افـرادی که فوق العاده گریه کردند پنج نفر بودند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه، دختر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آلـه و سلّم و علی بن الحسین علیهم السّلام. حضرت آدم از فراق بهشت به قدری گریه کرد که اثر اشک در دو گونه مبارکش نظیر جوی باقی ماند. حضرت یعقوب به قدری از فراق یوسف گریه نمود که چشمان خـود را از دسـت داد و بدو گفتند: به خداوند سوگند یوسف را از خاطر نخواهی برد تا آنکه افسرده یا نابود گردی.

حضرت یوسف به قدری برای پدرش یعقوب گریست که اهل زندان ناراحت شدند و به وی گفتند: یا بایـد شـب گریان و روز ساکت شوی و یا اینکه روز گریان و شب ساکت باشی.

یوسف با یکی از پیشنهادهای ایشان موافقت نمود.

حضرت فاطمه در فراق پیغمبر به قدری گریه کرد که اهل مدینه خسته و ناراحت شده به او گفتند: تو به واسطه کثرت گریه‌ات ما را اذیّت می‌کنی. لذا حضرت زهرا از مدینه خارج و به سوی قبر شهدا می‌رفت، وقتی ناراحتیهای قلبی خود را با گریستن خالی می‌کرد به سوی مدینه بازمی‌گشت.

حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام مدت بیست یا چهل سال بر حضرت حسین گریست. هیچ غذایی در مقابل آن حضرت نمی‌گذاشتند مگر اینکه گریان می‌شد.

کار آن حضرت به جایی رسید که یکی از غلامانش به وی گفت: ای پسر رسول خدا! فدای تو شوم، من می‌ترسم تو خود را (به واسطه کثرت گریه) هلاک نمایی! فرمود: چاره‌ای نیست جز اینکه از غم و اندوه خود به خداوند شکایت کنم. من چیزهایی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. من یادآور قتلگاه فرزندان فاطمه علیها السّلام نمی‌شوم مگر اینکه گریه راه گلویم را مسدود می‌کند.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۱۲/ ۲- أمالی شیخ طوسی «۱» الْمُفِيدُ عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ لَمَّا حَضَرَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص الْوَفَاةُ بَكَى حَتَّى بَلَّتْ دُمُوعُهُ لِحْيَتَهُ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ أَبْكِي لِذُرِّيَّتِي وَ مَا تَصْنَعُ بِهِمْ شِرَارُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي كَأَنِّي بِفَاطِمَةَ بِنْتِي وَ قَدْ ظُلِمَتْ بَعْدِي وَ هِيَ تُنَادِي يَا أَبَتَاهْ فَلَا يُعِينُهَا أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي فَسَمِعَتْ ذَلِكَ فَاطِمَةُ ع فَبَكَتْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَبْكِينَ يَا بُنَيَّةِ فَقَالَتْ لَسْتُ أَبْكِي لِمَا يُصْنَعُ بِي مِنْ بَعْدِكَ وَ لَكِنِّي أَبْكِي لِفِرَاقِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا أَبْشِرِي يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ بِسُرْعَةِ اللَّحَاقِ بِي فَإِنَّكِ أَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُ بِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي

ترجمه: (۱) شیخ طوسی در امالی به سندش از عبد اللَّه بن عبّاس روایت کرده: هنگامی که وفات پیغمبر اسلام صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نزدیک گردید آن حضرت به قدری گریست که محاسن مبارکش تر شد. عرض شد: یا رسول اللَّه! چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: برای ذرّیّه و فرزندانم و آن ستمهایی که از جفاکاران امّتم بعد از من به ایشان می‌رسد، می‌گریم. گویا می‌بینم دخترم فاطمه زهرا بعد از من مظلوم واقع شده، هر چه صدا می‌زند: یا ابتاه! احدی از امّت من به فریاد او نمی‌رسد. وقتی فاطمه این مطلب را شنید، گریان شد. پیغمبر اکرم به وی فرمود: دخترم، گریان مباش! فاطمه گفت: پدر جان! من برای ظلم‌هایی که بعد از تو خواهم دید گریه نمی‌کنم، بلکه برای فراقت اشک می‌ریزم. پیغمبر فرمود: دخترم، مژده باد تو را! زیرا تو اوّلین کسی هستی که در میان اهل بیتم به من ملحق خواهد شد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۱۳/ ۳- قصص الأنبیاء علیهم السلام «۱» الصَّدُوقُ عَنِ السِّنَانِیِّ عَنِ الْأَسَدِیِّ عَنِ الْبَرْمَکِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَبَایَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ص فِی مَرَضِهِ الَّذِی تُوُفِّیَ فِیهِ قَالَ نُعِیَتْ إِلَیَّ نَفْسِی فَبَکَتْ فَاطِمَةُ فَقَالَ لَهَا لَا تَبْکِینَ فَإِنَّکِ لَا تَمْکُثِینَ مِنْ بَعْدِی إِلَّا اثْنَیْنِ وَ سَبْعِینَ یَوْماً وَ نِصْفَ یَوْمٍ حَتَّی تَلْحَقِی بِی وَ لَا تلحقی [تَلْحَقِینَ بِی حَتَّی تُتْحَفِی بِثِمَارِ الْجَنَّةِ فَضَحِکَتْ فَاطِمَةُ ع

ترجمه: (۲) در کتاب قصص الأنبیاء، از شیخ صدوق، از عبد اللّه بن عبّاس روایت شده است که گفت: فاطمه زهرا علیها السّلام در آن بیماری که رسول خدا از دنیا رحلت نمود، به حضور آن حضرت آمد. پیامبر خدا فرمود: گریان مباش! زیرا تو بعد از من بیشتر از هفتاد و دو روز و نیم زنده نخواهی بود که به من ملحق می‌شوی و به من ملحق نمی‌شوی تا اینکه از میوه‌های بهشتی به عنوان تحفه به تو عطا شود. حضرت فاطمه پس از شنیدن این بشارت خندان شد.

[متن عربی] ۱۵، ۱۴، ۱ ۳۱۴/ ۴- الخرائج «۱» قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ فَاطِمَةَ مَکَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَمْسَةً وَ سَبْعِینَ یَوْماً وَ کَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِیدٌ عَلَی أَبِیهَا وَ کَانَ جَبْرَئِیلُ یَأْتِیهَا وَ یُطَیِّبُ نَفْسَهَا وَ یُخْبِرُهَا عَنْ أَبِیهَا وَ مَکَانِهِ فِی الْجَنَّةِ وَ یُخْبِرُهَا مَا یَکُونُ بَعْدَهَا فِی ذُرِّیَّتِهَا وَ کَانَ عَلِیٌّ یَکْتُبُ ذَلِکَ

ترجمه: (۱) قطب الدین راوندی در الخرائج و الجرائح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: حضرت فاطمه بعد از پدر بزرگوارش مدت هفتاد و پنج روز زنده بود و از فراق پدر خود دچار غم و اندوه شدیدی شده بود. جبرئیل نزد آن بانو می‌آمد و او را تسلّی و از مکان پدرش که در بهشت است خبر می‌داد. و نیز او را از مصائبی که بعدا فرزندانش به آن مبتلا می‌شدند آگاه می‌کرد و حضرت علی علیه السّلام این گونه مطالب را می‌نوشت.

[متن عربی] ۱۵ ۳۱۵/ ۵- المناقب «۲» دَخَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَلَی فَاطِمَةَ ع فَقَالَتْ لَهَا کَیْفَ أَصْبَحْتِ عَنْ لَیْلَتِکِ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَتْ أَصْبَحْتُ بَیْنَ کَمَدٍ وَ کَرْبٍ فُقِدَ النَّبِیُّ وَ ظُلِمَ الْوَصِیُّ هُتِکَ وَ اللَّهِ حِجَابُهُ مَنْ أَصْبَحَتْ إِمَامَتُهُ مَقْبَضَةً عَلَی غَیْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ فِی التَّنْزِیلِ وَ سَنَّهَا النَّبِیُّ ص فِی التَّأْوِیلِ وَ لَکِنَّهَا أَحْقَادٌ بَدْرِیَّةٌ وَ تِرَاتٌ أُحُدِیَّةٌ کَانَتْ عَلَیْهَا قُلُوبُ النِّفَاقِ مُکْتَمِنَةً لِإِمْکَانِ الْوُشَاةِ فَلَمَّا اسْتُهْدِفَ الْأَمْرُ أُرْسِلَتْ عَلَیْنَا شَآبِیبَ الْآثَارِ مِنْ مَخِیلَةِ الشِّقَاقِ فَیَقْطَعُ وَتَرَ الْإِیمَانِ مِنْ قِسِیِّ صُدُورِهَا وَ لَبِئْسَ عَلَی مَا وَعَدَ اللَّهُ مِنْ حِفْظِ الرِّسَالَةِ وَ کَفَالَةِ الْمُؤْمِنِینَ أَحْرَزُوا عَائِدَتَهُمْ غُرُورَ الدُّنْیَا بَعْدَ اسْتِنْصَارٍ مِمَّنْ فَتَکَ بِآبَائِهِمْ فِی مَوَاطِنِ الْکَرْبِ وَ مَنَازِلِ الشَّهَادَاتِ

أقول کان الخبر فی المأخوذ منه مصحفا محرفا و لم أجده فی موضع آخر أصححه به فأوردته علی ما وجدته

ترجمه: (۱) ... علامه مجلسی گوید: این حدیث تحریف شده و مغلوط است و من آن را در جای دیگر نیافتم که بتوانم آن را تصحیح نمایم. «۱»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱، ۱۴، ۱۵ ۳۱۶/ ۶- مِنْ بَعْضِ كُتُبِ الْمَنَاقِبِ، «۲» عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى بْنِ مَرْدَوَيْهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَرْمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَبَّةَ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ غَسَلْتُ النَّبِيَّ ص فِي قَمِيصِهِ فَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَقُولُ أَرِنِي الْقَمِيصَ فَإِذَا شَمَّتْهُ غُشِيَ عَلَيْهَا فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ غَيَّبْتُهُ

ترجمه: (۲) در بعضی کتب که در باره مناقب و فضائل علی علیه السّلام نوشته شده از علی علیه السّلام روایت شده است: من بدن پیغمبر خدا را با پیراهنش غسل دادم. فاطمه زهرا می‌گفت: پیراهن پدرم را به من نشان بده. هنگامی که آن پیراهن را بویید غش کرد!! وقتی من با این منظره مواجه شدم پیراهن رسول خدا را پنهان نمودم.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۱۷/ ۷- من لا یحضره الفقیه «۳» رُوِيَ أَنَّهُ لَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ ص امْتَنَعَ بِلَالٌ مِنَ الْأَذَانِ قَالَ لَا أُؤَذِّنُ لِأَحَدٍ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع قَالَتْ ذَاتَ يَوْمٍ إِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَ مُؤَذِّنِ أَبِي ع بِالْأَذَانِ فَبَلَغَ ذَلِكَ بِلَالًا فَأَخَذَ فِي الْأَذَانِ فَلَمَّا قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ذَكَرَتْ أَبَاهَا وَ أَيَّامَهُ فَلَمْ تَتَمَالَكْ مِنَ الْبُكَاءِ فَلَمَّا بَلَغَ إِلَى قَوْلِهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ شَهَقَتْ فَاطِمَةُ ع وَ سَقَطَتْ لِوَجْهِهَا وَ غُشِيَ عَلَيْهَا فَقَالَ النَّاسُ لِبِلَالٍ أَمْسِكْ يَا بِلَالُ فَقَدْ فَارَقَتِ ابْنَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص الدُّنْيَا وَ ظَنُّوا أَنَّهَا قَدْ مَاتَتْ فَقَطَعَ أَذَانَهُ وَ لَمْ يُتِمَّهُ فَأَفَاقَتْ فَاطِمَةُ ع وَ سَأَلَتْهُ أَنْ يُتِمَّ الْأَذَانَ فَلَمْ يَفْعَلْ وَ قَالَ لَهَا يَا سَيِّدَةَ النِّسْوَانِ إِنِّي أَخْشَى عَلَيْكِ مِمَّا تُنْزِلِينَهُ بِنَفْسِكِ إِذَا سَمِعْتِ صَوْتِي بِالْأَذَانِ فَأَعْفَتْهُ عَنْ ذَلِكَ

ترجمه: (۱) شیخ صدوق رحمه اللّه در من لا یحضره الفقیه روایت کرده است: وقتی پیغمبر خدا از دنیا رحلت نمود بلال از گفتن اذان خودداری کرد، و گفت: من بعد از پیامبر اسلام برای احدی اذان نخواهم گفت.

روزی فاطمه زهرا فرمود: دوست دارم صدای اذان مؤذن پدرم را بشنوم. و چون این سخن به گوش بلال رسید، مشغول گفتن اذان شد. هنگامی که بلال دو مرتبه گفت: اللّه اکبر، حضرت فاطمه به یاد روزگار پدرش رسول خدا افتاد و نتوانست از گریه خودداری نماید. و زمانی که بلال گفت: اشهد أن محمّدا رسول اللّه، فاطمه علیها السّلام صیحه‌ای زد و با صورت خود سقوط و غش کرد!! مردم به بلال گفتند: از گفتن اذان خودداری کن! زیرا فاطمه دختر پیغمبر رحلت کرد. مردم فکر کردند که فاطمه از دار دنیا رفته است! بلال اذان را تمام نکرده قطع نمود. پس از آنکه فاطمه زهرا به هوش آمد به بلال گفت: اذان را تمام کن. ولی بلال نپذیرفت و به آن حضرت گفت: ای برترین زنان! من از اینکه هر گاه صدای اذان مرا می‌شنوی و این همه ناراحت می‌شوی می‌ترسم. لذا حضرت فاطمه علیها السّلام وی را معاف نمود.

[متن عربی] ۱۵، ۱، ۱۴ ۳۱۸/ ۸- معانی الأخبار حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حُمَيْدٍ اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا قَالَ

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُهَلَّبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ ع قَالَتْ لَمَّا اشْتَدَّتْ عِلَّةُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ غَلَبَهَا اجْتَمَعَ عِنْدَهَا نِسَاءُ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ فَقُلْنَ لَهَا يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ كَيْفَ أَصْبَحْتِ عَنْ عِلَّتِكِ فَقَالَتْ ع أَصْبَحْتُ وَ اللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُمْ قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ لَفَظْتُهُمْ قَبْلَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ شَنَأْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحاً لِفُلُولِ الْحَدِّ وَ خَوَرِ الْقَنَاةِ وَ خَطَلِ الرَّأْيِ وَ بِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خالِدُونَ لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رِبْقَتَهَا وَ شَنَنْتُ عَلَيْهِمْ غَارَهَا فَجَدْعاً وَ عَقْراً وَ سُحْقاً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَيْحَهُمْ أَنَّى زَحْزَحُوهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ مَهْبَطِ الْوَحْيِ الْأَمِينِ وَ الطِّبِينَ بِأَمْرِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ أَلا ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ وَ مَا نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ نَقَمُوا وَ اللَّهِ مِنْهُ نَكِيرَ سَيْفِهِ وَ شِدَّةَ وَطْئِهِ وَ نَكَالَ وَقْعَتِهِ وَ تَنَمُّرَهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّهِ لَوْ تَكَافُّوا عَنْ زِمَامٍ نَبَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَيْهِ لَاعْتَلَقَهُ وَ لَسَارَ بِهِمْ سَيْراً سُجُحاً لَا يَكْلُمُ خِشَاشُهُ وَ لَا يُتَعْتَعُ رَاكِبُهُ وَ لَأَوْرَدَهُمْ مَنْهَلًا نَمِيراً فَضْفَاضاً تَطْفَحُ ضَفَّتَاهُ وَ لَأَصْدَرَهُمْ بِطَاناً قَدْ تَحَيَّرَ بِهِمُ الرَّيُّ غَيْرَ مُتَحَلٍّ مِنْهُ بِطَائِلٍ إِلَّا بِغَمْرِ الْمَاءِ وَ رَدْعِهِ شَرَرَهُ السَّاغِبَ وَ لَفُتِحَتْ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ سَيَأْخُذُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ أَلَا هَلُمَّ فَاسْمَعْ وَ مَا عِشْتَ أَرَاكَ الدَّهْرُ الْعَجَبَ وَ إِنْ تَعْجَبْ فَقَدْ أَعْجَبَكَ الْحَادِثُ إِلَى أَيِّ سِنَادٍ اسْتَنَدُوا وَ بِأَيِّ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا اسْتَبْدَلُوا الذُّنَابَى وَ اللَّهِ بِالْقَوَادِمِ وَ الْعَجُزَ بِالْكَاهِلِ فَرَغْماً لِمَعَاطِسِ قَوْمٍ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لكِنْ لا يَشْعُرُونَ أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمَا لَعَمْرُ إِلَهِكَ لَقَدْ لَقِحَتْ فَنَظِرَةٌ رَيْثَمَا تُنْتَجُ ثُمَّ احْتَلَبُوا طِلَاعَ الْقَعْبِ دَماً عَبِيطاً وَ ذُعَافاً مُمْقِراً هُنَالِكَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يُعْرَفُ التَّالُونَ غِبَّ مَا سَنَّ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طِيبُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ أَنْفُساً وَ طَأْمِنُوا لِلْفِتْنَةِ جَأْشاً وَ أَبْشِرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ هَرْجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدَعُ فَيْئَكُمْ زَهِيداً وَ زَرْعَكُمْ حَصِيداً فَيَا حَسْرَتَى لَكُمْ وَ أَنَّى بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ قُلُوبُكُمْ عَلَيْكُمْ أَ نُلْزِمُكُمُوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كارِهُونَ ثُمَّ قَالَ وَ حَدَّثَنَا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبُرَةَ الْقَزْوِينِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ حَسَنِ بْنِ حَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْهَاشِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ لَمَّا حَضَرَتْ فَاطِمَةَ ع الْوَفَاةُ دَعَتْنِي فَقَالَ أَ مُنْفِذٌ أَنْتَ وَصِيَّتِي وَ عَهْدِي قَالَ قُلْتُ بَلَى أُنَفِّذُهَا فَأَوْصَتْ إِلَيَّ وَ قَالَتْ إِذَا أَنَا متُّ فَادْفِنِّي لَيْلًا وَ لَا تُؤْذِنَنَّ رَجُلَيْنِ ذَكَرْتُهُمَا قَالَ فَلَمَّا اشْتَدَّتْ عِلَّتُهَا اجْتَمَعَ إِلَيْهَا نِسَاءُ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارُ فَقُلْنَ كَيْفَ أَصْبَحْتِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عِلَّتِكِ فَقَالَتْ أَصْبَحْتُ وَ اللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُمْ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ نَحْوَهُ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

قال الصدوق رحمه الله سألت أبا أحمد الحسين بن عبد الله بن سعيد العسكرى عن معنى هذا الحديث فقال أما قولها صلوات الله عليها عائفة إلى آخر ما ذكره و سنوردها فى تضاعيف ما سنذكره فى شرح الخطبة على اختلاف رواياتها

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار از عبد اللّه بن حسن مثنّی، از فاطمه بنت‌حسین روایت کرده: ...

[متن عربی]

۱۵، ۱ ۳۱۹/ ۹- الإحتجاج «۲» قَالَ سُوَيْدُ بْنُ غَفَلَةَ لَمَّا مَرِضَتْ فَاطِمَةُ ع الْمَرْضَةَ الَّتِي تُوُفِّيَتْ فِيهَا اجْتَمَعَ إِلَيْهَا نِسَاءُ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ يَعُدْنَهَا فَقُلْنَ لَهَا كَيْفَ أَصْبَحْتِ مِنْ عِلَّتِكِ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ فَحَمِدَتِ اللَّهَ وَ صَلَّتْ عَلَى أَبِيهَا ص ثُمَّ قَالَتْ أَصْبَحْتُ وَ اللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُنَّ قَالِيَةً لِرِجَالِكُنَّ لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ شَنَأْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحاً لِفُلُولِ الْحَدِّ وَ اللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ وَ قَرْعِ الصَّفَاةِ وَ صَدْعِ الْقَنَاةِ وَ خَطَلِ الْآرَاءِ وَ زَلَلِ الْأَهْوَاءِ وَ بِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رِبْقَتَهَا وَ حَمَّلْتُهُمْ أَوْقَتَهَا وَ شَنَنْتُ عَلَيْهِمْ غَارَهَا فَجَدْعاً وَ عَقْراً وَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَيْحَهُمْ أَنَّى زَعْزَعُوهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ الدِّلَالَةِ وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الطِّبِّينِ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ أَلا ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ وَ مَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ نَقَمُوا مِنْهُ وَ اللَّهِ نَكِيرَ سَيْفِهِ وَ قِلَّةَ مُبَالاتِهِ بِحَتْفِهِ وَ شِدَّةَ وَطْأَتِهِ وَ نَكَالَ وَقْعَتِهِ وَ تَنَمُّرَهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ تَاللَّهِ لَوْ مَالُوا عَنِ الْمَحَجَّةِ اللَّائِحَةِ وَ زَالُوا عَنْ قَبُولِ الْحُجَّةِ الْوَاضِحَةِ لَرَدَّهُمْ إِلَيْهَا وَ حَمَلَهُمْ عَلَيْهَا وَ لَسَارَ بِهِمْ سَيْراً سُجُحاً لَا يَكْلُمُ خِشَاشُهُ وَ لَا يَكِلُّ سَائِرُهُ وَ لَا يُمَلُّ رَاكِبُهُ وَ لَأَوْرَدَهُمْ مَنْهَلًا نَمِيراً صَافِياً رَوِيّاً تَطْفَحُ ضَفَّتَاهُ وَ لَا يَتَرَنَّقُ جَانِبَاهُ وَ لَأَصْدَرَهُمْ بِطَاناً وَ نَصَحَ لَهُمْ سِرّاً وَ إِعْلَاناً وَ لَمْ يَكُنْ يُحَلِّي مِنَ الْغِنَى بِطَائِلٍ وَ لَا يَحْظَى مِنَ الدُّنْيَا بِنَائِلٍ غَيْرَ رَيِّ النَّاهِلِ وَ شُبْعَةِ الْكَلِّ وَ لَبَانَ لَهُمُ الزَّاهِدُ مِنَ الرَّاغِبِ وَ الصَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ وَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هؤُلاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئاتُ ما كَسَبُوا وَ ما هُمْ بِمُعْجِزِينَ أَلَا هَلُمَّ فَاسْتَمِعْ وَ مَا عِشْتَ أَرَاكَ الدَّهْرَ عَجَباً وَ إِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ لَيْتَ شِعْرِي إِلَى أَيِّ سِنَادٍ اسْتَنَدُوا وَ عَلَى أَيِّ عِمَادٍ اعْتَمَدُوا وَ بِأَيَّةِ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا وَ عَلَى أَيَّةِ ذُرِّيَّةٍ أَقْدَمُوا وَ احْتَنَكُوا لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَ لَبِئْسَ الْعَشِيرُ وَ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا اسْتَبْدَلُوا وَ اللَّهِ الذَّنَابَى بِالْقَوَادِمِ وَ الْعَجُزَ بِالْكَاهِلِ فَرَغْماً لِمَعَاطِسِ قَوْمٍ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لكِنْ لا يَشْعُرُونَ وَيْحَهُمْ أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمَا لَعَمْرِي لَقَدْ لَقِحَتْ فَنَظِرَةٌ رَيْثَمَا تُنْتَجُ ثُمَّ احْتَلَبُوا مِلْءَ الْقَعْبِ دَماً عَبِيطاً وَ ذُعَافاً مُبِيداً هُنَالِكَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يُعْرَفُ التَّالُونَ غِبَّ مَا أُسِّسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طِيبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُساً وَ اطْمَئِنُّوا لِلْفِتْنَةِ جَأْشاً وَ أَبْشِرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ سَطْوَةِ مُعْتَدٍ غَاشِمٍ وَ بِهَرْجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدَعُ فَيْئَكُمْ زَهِيداً وَ جَمْعَكُمْ حَصِيداً فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَ أَنَّى بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ أَ نُلْزِمُكُمُوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ قَالَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

سُوَيْدُ بْنُ غَفَلَةَ فَأَعَادَتِ النِّسَاءُ قَوْلَهَا ع عَلَى رِجَالِهِنَّ فَجَاءَ إِلَيْهَا قَوْمٌ مِنْ وُجُوهِ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ مُعْتَذِرِينَ وَ قَالُوا يَا سَيِّدَةَ النِّسَاءِ لَوْ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ذَكَرَ لَنَا هَذَا الْأَمْرَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُبْرِمَ الْعَهْدَ وَ نُحَكِّمَ الْعَقْدَ لَمَا عَدَلْنَا عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَقَالَتْ ع إِلَيْكُمْ عَنِّي فَلَا عُذْرَ بَعْدَ تَعْذِيرِكُمْ وَ لَا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ

ترجمه: (۱) در کتاب احتجاج از سوید بن غفله روایت شده است: چون فاطمه علیها السّلام بیمار شد به آن بیماری که موجب رحلت آن حضرت گردید به هنگام شدّت یافتن بیماریش گروهی از زنان مهاجر و انصار به عیادتش جمع شدند و بر آن حضرت سلام کرده گفتند: ای دختر رسول خدا! وضع بیماریت چگونه است و با آن چه می‌کنی؟ آن حضرت ستایش خداوند سبحان کرده بر پدرش درود فرستاد، و سپس گفت:

حالم به گونه‌ای است که از دنیای شما بسی بیزار و مردانتان را دشمن می‌دارم! حال و قالشان را آزمودم و از آنچه کردند، بسی ناخشنودم و آنان را به کناری نهادم. چرا که چون تیغ زنگار خورده نابرّا و چون نیزه از قد دو نیم شده، و صاحبان اندیشه‌های تیره و نارسایند.

چه بد ذخیره‌ای از پیش برای خود فرستادند. خشم خداوند را به جان خریدند و در آتش و نیران پایندانند. (۱) از سر ناچاری ریسمان امور و وظایف را به گردن آنان انداخته، سنگینی و مسئولیت کار را بدانها واگذاردم و ننگ عدالت کشی را بر آنها بار کردم. نفرین ابد بر این مکّاران، دور باشند از رحمت حق این ستمکاران، وای بر آنان! از چه رو تمرکز حق را در مرکز خود سبب نگشتند؟ و از این راه خلافت را از پایه‌های نبوّت دور داشتند و از سرایی که محل نزول جبرئیل بود، به دیگر سرا بردند و از ید قدرت کاردانان دین و دنیا خارج ساختند! به هوش! که زیانی بس بزرگ است! چه چیزی سبب گردید تا از علی علیه السّلام عیبجویی کنند؟

عیب او گفتند؛ زیرا شمشیرش، خویش و بیگانه، شجاع و ترسو نمی‌شناخت. دریافتند که او به مرگ توجهی ندارد. دیدند که او چگونه بر آنها می‌تازد و آنان را به وادی فنا می‌افکند. و برخی را برای عقوبت و سرمشق دیگران باقی می‌گذارد. به کتاب خدا مسلط و دانا، و خشم او در راه خوشنودی خداوند بود. به خداوند سوگند اگر از طریق آشکار و نمایان حق منحرف شده از قبول دلایل و حجتهای روشن و مبیّن، امتناع می‌نمودند، آنان را به راه مستقیم، هادی و رهنمون می‌شد و از انحراف و اعوجاج آنان جلوگیری می‌نمود. به خداوند سوگند، اگر مردانتان در خارج نشدن زمام امور، از دستان علی پای می‌فشردند و تدبیر کار را آنچنان که پیامبر بدو سپرده بود، تحویل او می‌دادند علی آن را به سهولت راه می‌برد و این شتر را به سلامت به مقصد می‌رساند، آن گونه که حرکت این شتر رنج آور نمی‌شد. علی آنان را به آبشخوری صاف و مملو و وسیع هدایت می‌کرد که آب از اطرافش سرازیر می‌شد و هرگز رنگ کدورت به خود نمی‌گرفت. او آنان را از این آبشخور سیراب به در می‌آورد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

علی خیر و نیکی را در نهان و آشکار برای آنان خوش می‌دارد. او اگر بر مسند می‌نشست هرگز بهره‌ای فراوان از بیت المال را به خود اختصاص نمی‌داد و از فزونی و ثروت دنیا جز به مقدار نیاز برداشت نمی‌کرد، به مقدار آبی که تشنگی را فرو نشاند و خوراکی که گرسنگی را برطرف نماید. (در آن هنگام) مرد پارسا، از تشنه حطام دنیا باز شناخته می‌شد و راستگو از دروغگو متمایز می‌گشت، در این صورت ابواب برکات آسمانی و زمین بر آنان گشوده

می‌شد. و خداوند به زودی آنان را به سبب اعمال و کردارشان مؤاخذه خواهد کرد. (۱) زیرا اگر ساکنان قریه‌ای ایمان آورده خدا ترسی پیشه می‌ساختند برکات زمین و آسمان را بر آنان فرو می‌ریختیم. امّا آنان دروغ گفتند و ما آنان را در برابر آنچه که به دست آورده بودند، گرفتار آوردیم «و کسانی از اینان که ستم روا داشتند نتیجه سوء کردارشان را به زودی خواهند یافت. آنان هرگز بر ما چیرگی نخواهند یافت».

بیایید! و بشنوید! روزگار چه طرفه معجونی در نهان دارد و چه بازیچه‌ها یکی از پس دیگری آشکار می‌سازد.

ای کاش می‌دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده‌اند؟ و کدامین ستون را پشتیبان گرفته‌اند؟ و به کدامین ریسمان تمسّک جسته‌اند؟ و بر چه خاندانی پیشقدم شده، استیلا جسته‌اند؟

شگفتا! که بد سرپرستی انتخاب کرده و بد دوستانی برگزیده‌اند. و ستمکاران [که به جای خداوند شیطان را اطاعت نمودند] چه بد مبادله کردند. اینان روی بال، به جای پرهای بزرگ، دم را قرار داده‌اند، سر واگذارده دم اختیار نمودند. به خاک مذلّت ساییده باد بینی قومی که «خیال کردند با این اعمال کار خوبی را انجام داده‌اند. بدانید که آنان فاسدند، ولی خود نمی‌دانند».

وای بر آنان! «آیا آن کس که مردم را به راه راست فرا می‌خواند، سزاوار پیروی است یا آنکه خود راه نمی‌داند؟ وای بر شما! چه بد داوری می‌کنید».

امّا به جان خود سوگند که نطفه این بسته شده است. [و شتر این فتنه آبستن شده به همین زودی خواهد زایید] انتظار کشید تا این فساد در پیکر اجتماع اسلامی منتشر شود. از پستان شتر پس از این خون و زهری که زود هلاک‌کننده است، بدوشید. «در اینجاست که پویندگان راه باطل زیان بینند» و مسلمانانی که در پی خواهند آمد، در می‌یابند که احوال مسلمانان صدر اسلام چگونه بوده است. قلبتان با فتنه‌ها آرام خواهد گرفت. بشارتتان باد به شمشیرهای کشیده و برّا، و حمله جائر و متجاسر ستمکار، و درهم شدن امور همگان و خود رأیی ستمگران! غنایم و حقوق شما را اندک خواهند داد. و جمع شما را با شمشیرهایشان دور خواهند کرد. و شما جز میوه حسرت برداشت نخواهید نمود. کارتان به کجا خواهد انجامید؟

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

در حالی که «حقایق امور بر شما مخفی گردیده است. آیا شما را به کاری وادارم که از آن کراهت دارید؟». (۱) زنان حاضر در مجلس سخنان حضرت فاطمه علیها السّلام را پیش مردان خود بازگو و تکرار کردند. متعاقب آن، گروهی از بزرگان و رؤسای مهاجرین و انصار در حالی که اعتذار می‌جستند و اظهار ندامت، نزد حضرت زهرا علیها السّلام آمدند و به آن حضرت گفتند: ای سرور زنان عالم! اگر ابو الحسن (علی علیه السّلام) برای ما حقایق را عنوان می‌کرد قبل از آنکه ما با دیگری (ابو بکر) عهد وثیق و پیمان استوار و محکم بسته باشیم، هرگز از او روی بر نتافته به دیگری میل نمی‌کردیم.

حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود:من مسئولیت بازگویی حقایق را داشتم (نصیحتی بود از من به شما) حجّت را بر شما تمام کردم. عذر شما، عذر مقبول و پسندیده‌ای نیست و تقصیر و کوتاهی شما مسلّم و هیچ بهانه و توجیهی بعد از آن متصوّر نیست.

[متن عربی]۱۵، ۱، ۱۴ ۳۲۰/ ۱۰- أمالی طوسی «۱» الْحَفَّارُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَلِيٍّ الدِّعْبِلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي سَهْلٍ الدَّقَّاقِ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ وَ قَالَ الدِّعْبِلِيُّ وَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدَّيْرِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُتْبَةَ بْنِ مَسْعُودٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ دَخَلْنَ نِسْوَةٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص يَعُدْنَهَا فِي عِلَّتِهَا فَقُلْنَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص كَيْفَ أَصْبَحْتِ فَقَالَتْ أَصْبَحْتُ وَ اللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُنَّ قَالِيَةً لِرِجَالِكُنَّ لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ إِذْ عَجَمْتُهُمْ وَ سَئِمْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحاً لِفُلُولِ الرَّأْيِ وَ خَطَلِ الْقَوْلِ وَ خَوَرِ الْقَنَاةِ وَ لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ لَا جَرَمَ وَ اللَّهِ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رِبْقَتَهَا وَ شَنَنْتُ عَلَيْهِمْ غَارَهَا فَجَدْعاً وَ رَغْماً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَيْحَهُمْ أَنَّى زَحْزَحُوهَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مَا نَقَمُوا وَ اللَّهِ مِنْهُ إِلَّا نَكِيرَ سَيْفِهِ وَ نَكَالَ وَقْعِهِ وَ تَنَمُّرَهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ تَاللَّهِ لَوْ تَكَافُّوا عَلَيْهِ عَنْ زِمَامٍ نَبَذَهُ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص لَاعْتَلَقَهُ ثُمَّ لَسَارَ بِهِمْ سِيرَةً سُجُحاً فَإِنَّهُ قَوَاعِدُ الرِّسَالَةِ وَ رَوَاسِي النُّبُوَّةِ وَ مَهْبَطُ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الطِّبِّينِ بِأَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَلَا ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ وَ اللَّهِ لَا يَكْتَلِمُ خِشَاشُهُ وَ لَا يُتْعَتَعُ رَاكِبُهُ وَ لَأَوْرَدَهُمْ مَنْهَلًا رَوِيّاً فَضْفَاضاً تَطْفَحُ ضَفَّتُهُ وَ لَأَصْدَرَهُمْ بِطَاناً قَدْ خَثَرَ بِهِمُ الرَّيُّ غَيْرَ مُتَحَلٍّ بِطَائِلٍ إِلَّا تَغَمُّرَ النَّاهِلِ وَ رَدْعَ سَوْرَةِ سَغَبٍ وَ لَفُتِحَتْ عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ سَيَأْخُذُهُمُ اللَّهُ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ فَهَلُمَّ فَاسْمَعْ فَمَا عِشْتَ أَرَاكَ الدَّهْرَ عَجَباً وَ إِنْ تَعْجَبْ بَعْدَ الْحَادِثِ فَمَا بَالُهُمْ بِأَيِّ سَنَدٍ اسْتَنَدُوا أَمْ بِأَيَّةِ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَ لَبِئْسَ الْعَشِيرُ وَ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا اسْتَبْدَلُوا الذَّنَابَى بِالْقَوَادِمِ وَ الْحَرُونَ بِالْقَاحِمِ وَ الْعَجُزَ بِالْكَاهِلِ فَتَعْساً لِقَوْمٍ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعاً أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لكِنْ لا يَشْعُرُونَ أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ لَقَحَتْ فَنَظِرَةٌ رَيْثَمَا تُنْتَجُ ثُمَّ احْتَلَبُوا طِلَاعَ الْقَعْبِ دَماً عَبِيطاً وَ ذُعَافاً مُبِيداً هُنَالِكَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ غِبَّ مَا أَسَّسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طِيبُوا بَعْدَ ذَلِكَ عَنْ أَنْفُسِكُمْ لِفِتْنَةٍ ثُمَّ اطْمَئِنُّوا

لِلْفِتْنَةِ جَأْشاً وَ أَبْشِرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ هَرْجٍ دَائِمٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ فَزَرَعَ فَيْئُكُمْ زَهِيداً وَ جَمْعَكُمْ حَصِيداً فَيَا حَسْرَةً لَهُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ أَ نُلْزِمُكُمُوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ

بيان أقول روى صاحب كشف الغمة الروايتين اللتين أوردهما الصدوق عن كتاب السقيفة بحذف الإسناد و رواه ابن أبي الحديد في شرح نهج البلاغة عن أحمد بن عبد العزيز الجوهري عن محمد بن زكريا عن محمد بن عبد الرحمن إلى آخر ما أورده الصدوق و إنما أوردتها مكررة للاختلاف الكثير بين رواياتها و شدة الاعتناء بشأنها و لنشرحها لاحتياج جل فقراتها إلى الشرح و البيان زيادة على ما أورده الصدوق و الله المستعان.

قولها ع عائفة أي كارهة يقال عاف الرجل الطعام يعافه عيافا إذا كرهه و القالية المبغضة قال تعالى ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ ما قَلى «١» و لفظت الشيء من فمي أي رميته و طرحته و العجم العض تقول عجمت العود أعجمه بالضم إذا عضضته و شنأه كمنعه و سمعه أبغضه و سبرتهم أي اختبرتهم فعلى ما في أكثر الروايات المعنى طرحتهم و أبغضتهم بعد امتحانهم و مشاهدة سيرتهم فطرحتهم ثم لما اختبرتهم شننتهم و أبغضتهم أي تأكد إنكاري بعد الاختبار و يحتمل أن يكون الأول إشارة إلى شناعة أطوارهم الظاهرة و الثاني إلى خبث سرائرهم الباطنة.

قولها ع فقبحا لفلول الحد إلى قولها خالدون قبحا بالضم مصدر حذف فعله إما من قولهم قبحه الله قبحا أو من قبح بالضم قباحة فحرف الجر على الأول داخل على المفعول و على الثاني على الفاعل و الفلول بالضم جمع فل بالفتح و هو الثلمة و الكسر في حد السيف و حكى الخليل في العين أنه يكون مصدرا و لعله أنسب بالمقام و حد الشيء شباته و حد الرجل بأسه و الخور بالفتح و التحريك الضعف و القناة الرمح و الخطل بالتحريك المنطق الفاسد المضطرب و خطل الرأي فساده و اضطرابه. قولها ع اللعب بعد الجد أي أخذتم دينكم باللعب و الباطل بعد أن كنتم مجدين فيه آخذين بالحجة. قولها ع و قرع الصفاة الصفاة الحجر الأملس أي جعلتم أنفسكم مقرعا لخصامكم حتى قرعوا صفاتكم أيضا قال الجزري في حديث معاوية يضرب صفاتها بمعوله و هو تمثيل أي اجتهد عليه و بالغ في امتحانه و اختباره و منه الحديث لا يقرع لهم صفاة أي لا ينالهم أحد بسوء انتهى.

أقول لا يبعد أن يكون كناية عن عدم تأثير حيلتهم بعد ذلك و فلول حدهم كما أن من يضرب السيف على الصفاة لا يؤثر فيها و يفل السيف. و صدع القناة شقها و السامة الملال و

– قَالَ الْجَزَرِيُّ فِي حَدِيثِ عَلِيٍّ إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ

الأفن النقص و رجل أفن و مأفون أي ناقص العقل و قوله تعالى أَنْ سَخِطَ اللَّهُ «٢» هو المخصوص بالذم أو علة الذم و المخصوص محذوف أي لبئس شيئا ذلك لأن كسبهم السخط و الخلود.

قولها ع لا جرم لقد قلدتهم ربقتها لا جرم كلمة تورد لتحقيق الشيء و الربقة في الأصل عروة في حبل تجعل في عنق البهيمة أو يدها تمسكها و يقال للحبل الذي تكون فيه الربقة ربق و تجمع على ربق و رباق و أرباق و

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الضمیر فی ربقتها راجع إلی الخلافة المدلول علیه بالمقام أو إلی فدک أو حقوق أهل البیت ع أی جعلت إثمها لازمة لرقابهم کالقلائد.

قولها و شننت علیهم غارها الشن رش الماء رشا متفرقا و السن بالمهملة الصب المتصل و منه قولهم شنت علیهم الغارة إذا فرقت علیهم من کل وجه.

قولها و حملتهم أوقتها قال الجوهری الأوق الثقل یقال ألقی علیه أوقه و قد أوقته تأویقا أی حملته المشقة و المکروه.

قولها ع فجدعا و عقرا الجدع قطع الأنف أو الأذن أو الشفة و هو بالأنف أخص و یکون بمعنی الحبس و العقر بالفتح الجرح و یقال فی الدعاء علی الإنسان عقرا له و حلقا أی عقر الله جسده و أصابه بوجع فی حلقه و أصل العقر ضرب قوائم البعیر أو الشاة بالسیف ثم اتسع فیه فاستعمل فی القتل و الهلاک و هذه المصادر یجب حذف الفعل منها و السحق بالضم البعد. قولها ع ویحهم أنی زحزحوها عن رواسی الرسالة ویح کلمة تستعمل فی الترحم و التوجع و التعجب و الزحزحة التنحیة و التبعید و الزعزعة التحریک و الرواسی من الجبال الثوابت الرواسخ و قواعد البیت أساسه.

قولها ع و الطبین هو بالطاء المهملة و الباء الموحدة الفطن الحاذق.

قولها ع و ما نقموا من أبی الحسن إلی قولها فی ذات الله و فی کشف الغمة و ما الذی نقموا من أبی الحسن یقال نقمت علی الرجل کضربت و قال الکسائی کعلمت لغة أی عتبت علیه و کرهت شیئا منه و التنکیر الإنکار و التنکر التغیر عن حال یسرک إلی حال تکرهها و الاسم النکیر و ما هنا یحتمل المعنیین و الأول أظهر أی إنکار سیفه فإنه ع کان لا یسل سیفه إلا لتغییر المنکرات و الوطأة الأخذة الشدیدة و الضغطة و أصل الوطء الدوس بالقدم و یطلق علی الغزو و القتل لأن من یطأ الشیء برجلیه فقد استقصی فی هلاکه و إهانته و النکال العقوبة التی تنکل الناس و الوقعة صدمة الحرب و تنمر فلان أی تغیر و تنکر و أوعد لأن النمر لا تلقاه أبدا إلا متنکرا غضبان. قولها فی ذات الله قال الطیبی ذات الشیء نفسه و حقیقته و المراد ما أضیف إلیه و قال الطبرسی فی قوله تعالی وَ أَصْلِحُوا ذاتَ بَیْنِکُمْ «۱» کنایة عن المنازعة و الخصومة و الذات هی الخلقة و البنیة یقال فلان فی ذاته صالح أی فی خلقته و بنیته یعنی أصلحوا نفس کل شیء بینکم أو أصلحوا حال کل نفس بینکم و قیل معناه و أصلحوا حقیقة وصلکم و کذلک معنی اللهم أصلح ذات البین أی أصلح الحال التی بها یجتمع المسلمون انتهی.

أقول فالمراد بقولها فی ذات الله أی فی الله و لله بناء علی أن المراد بالذات الحقیقة أو فی الأمور و الأحوال التی تتعلق بالله من دینه و شرعه و غیر ذلک کقوله تعالی إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ «۲» أی المضمرات التی فی الصدور.

قولها ع و تالله لو مالوا أی بعد أن مکنوه فی الخلافة قولها ع و تالله لو تکافوا إلی قولها بما کانوا یکسبون التکاف تفاعل من الکف و هو الدفع و الصرف و الزمام ککتاب الخیط الذی یشد فی البرة أو الخشاش ثم یشد فی طرفه المقود و قد یسمی المقود زماما و نبذه أی طرحه و فی الصحاح اعتلقه أی أحبه و لعله هنا بمعنی تعلق به و إن لم أجد فیما عندنا من کتب اللغة.

و السجح بضمتین اللین السهل و الکلم الجرح و الخشاش بکسر الخاء المعجمة ما یجعل فی أنف البعیر من خشب و یشد به الزمام لیکون أسرع لانقیاده و تعتعت الرجل أی أقلقته و أزعجته.

و المنهل المورد و هو عین ماء ترده الإبل فی المراعی و تسمی المنازل التی فی المفاوز علی طرق السفار مناهل لأن فیها ماء قاله الجوهری و قال ماء نمیر أی ناجع عذبا کان أو غیره و قال الصدوق نقلا عن الحسین بن عبد الله بن سعید العسکری النمیر الماء النامی فی الجسد و قال الجوهری الروی سحابة عظیمة القطر شدیدة الوقع و یقال شربت شربا رویا و الفضفاض الواسع یقال ثوب فضفاض و عیش فضفاض و درع فضفاضة و ضفتا النهر بالکسر و قیل و بالفتح أیضا جانباه و تطفح أی تمتلئ حتی تفیض.

و رنق الماء کفرح و نصر و ترنق کدر و صار الماء رونقة غلب الطین علی الماء و الترنوق الطین الذی فی الأنهار و المسیل فالظاهر أن المراد بقولها و لا یترنق جانباه أنه لا ینقص الماء حتی یظهر الطین و الحمأ من جانبی النهر و یتکدر الماء بذلک و بطن کعلم عظم بطنه من الشبع و منه الحدیث تغدو خماصا و تروح بطانا و المراد عظم بطنهم من الشرب.

و تحیر الماء أی اجتمع و دار کالمتحیر یرجع أقصاه إلی أدناه و یقال تحیرت الأرض بالماء إذا امتلأت و لعل الباء بمعنی فی أی تحیر فیهم الری أو للتعدیة أی صاروا حیاری لکثرة الری و الری بالکسر و الفتح ضد العطش.

و فی روایة الشیخ قد خثر بالخاء المعجمة و الثاء المثلثة أی أثقلهم من قولک أصبح فلان خاثر النفس أی ثقیل النفس غیر طیب و لا نشیط و حلی منه بخیر کرضی أی أصاب خیرا و قال الجوهری قولهم لم یحل منها بطائل أی لم یستفد منها کثیر فائدة و التحلی التزین و الطائل الغناء و المزیة و السعة و الفضل و التغمر هو الشرب دون الری مأخوذ من الغمر بضم الغین المعجمة و فتح المیم و هو القدح الصغیر.

و الناهل العطشان و الریان و المراد هنا الأول و الردع الکف و الدفع و الردعة الدفعة منه و فی جمیع الروایات سوی معانی الأخبار سورة الساغب و فیه شررة الساغب و لعله من تصحیف النساخ و الشرر ما یتطایر من النار و لا یبعد أن یکون من الشره بمعنی الحرص. و سورة الشیء بالفتح حدته و شدته و السغب الجوع.

و قال الفیروزآبادی الحظوة بالضم و الکسر و الحظة کعدة المکانة و الحظ من الرزق و حظی کل واحد من الزوجین عند صاحبه کرضی و النائل العطیة و لعل فیه شبه القلب.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

و قال الفیروزآبادی الکافل العائل و الذی لا یأکل أو یصل الصیام و الضامن انتهی.

أقول یمکن أن یکون هنا بکل من المعنیین الأولین و یحتمل أن یکون بمعنی کافل الیتیم فإنه لا یحل له الأکل إلا بقدر البلغة و حاصل المعنی أنه لو منع کل منهم الآخرین عن الزمام الذی نبذه رسول الله ص و هو تولی أمر الأمة لتعلق به أمیر المؤمنین ع أو أخذه محبا له و لسلک بهم طریق الحق من غیر أن یترک شیئا من أوامر الله أو یتعدی حدا من حدوده و من غیر أن یشق علی الأمة و یکلفهم فوق طاقتهم و وسعهم و لفازوا بالعیش الرغید فی الدنیا و الآخرة و لم یکن ینتفع من دنیاهم و ما یتولی من أمرهم إلا بقدر البلغة و سد الخلة.

قولها ع ألا هلم فاسمع فی روایة ابن أبی الحدید ألا هلمن فاسمعن و ما عشتن أراکن الدهر عجبا إلی أی لجإ لجئوا و استندوا و بأی عروة تمسکوا لَبِئْسَ الْمَوْلی وَ لَبِئْسَ الْعَشِیرُ و ل بِئْسَ لِلظَّالِمِینَ بَدَلًا قال الجوهری هلم یا رجل بفتح المیم بمعنی تعال یستوی فیه الواحد و الجمع و التأنیث فی لغة أهل الحجاز و أهل نجد یصرفونها فیقولون للاثنین هلما و للجمع هلموا و للمرأة هلمی و للنساء هلممن و الأول أفصح و إذا أدخلت علیه النون الثقیلة قلت هلمن یا رجل و للمرأة هلمن بکسر المیم و فی التثنیة هلمان للمؤنث و المذکر جمیعا و هلمن یا رجال بضم المیم و هلممنان یا نسوة انتهی و علی الروایات الأخر الخطاب عام.

قولها و ما عشتن أی أراکن الدهر شیئا عجیبا لا یذهب عجبه و غرابته مدة حیاتکن أو یتجدد لکن کل یوم أمر عجیب متفرع علی هذا الحادث الغریب. و قال الجوهری شعرت بالشیء أشعر به شعرا أی فطنت له و منه قولهم لیت شعری أی لیتنی علمت و اللجأ محرکة الملاذ و المعقل کالملجأ و لجأت إلی فلان إذا استندت إلیه و اعتضدت به و السناد ما یستند إلیه. و قال الجوهری احتنک الجراد الأرض أی أکل ما علیها و أتی علی نبتها و قوله تعالی حاکیا عن إبلیس لَأَحْتَنِکَنَّ ذُرِّیَّتَهُ «۱» قال الفراء یرید لأستولین علیهم و المراد بالذریة ذریة الرسول ص.

و المولی الناصر و المحب و العشیر الصاحب المخالط المعاشر و ل بِئْسَ لِلظَّالِمِینَ بَدَلًا أی بئس البدل من اختاروه علی إمام العدل و هو أمیر المؤمنین ع.

قولها ع استبدلوا إلی قولها کیف تحکمون الذنابی بالضم ذنب الطائر و منبت الذنب و الذنابی فی الطائر أکثر استعمالا من الذنب و فی الفرس و البعیر و نحوهما الذنب أکثر و فی جناح الطائر أربع ذنابی بعد الخوافی و هی ما دون الریشات العشر من مقدم الجناح التی تسمی قوادم و الذنابی من الناس السفلة و الأتباع.

و الحرون فرس لا ینقاد و إذا اشتدت به الجری وقف و قحم فی الأمر قحوما رمی بنفسه فیه من غیر روية استعیر الأول للجبان و الجاهل و الثانی للشجاع و العالم بالأمور الذی یأتی بها من غیر احتیاج إلی ترو و تفکر و العجز کالعضد مؤخر الشیء یؤنث و یذکر و هو للرجل و المرأة جمیعا و الکاهل الحارک و هو ما بین الکتفین و کاهل

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

القوم عمدتهم فی المهمات و عدتهم للشدائد و الملمات و رغما مثلثة مصدر رغم أنفه أی لصق بالرغام بالفتح و هو التراب و رغم الأنف یستعمل فی الذل و العجز عن الانتصار و الانقیاد علی کره و المعاطس جمع معطس بالکسر و الفتح و هو الأنف و قرئ فی الآیة یهدی بفتح الهاء و کسرها و تشدید الدال فأصله یهتدی و بتخفیف الدال و سکون الهاء.

قولها ع أما لعمر إلهک إلی آخر الخبر و فی بعض نسخ ابن أبی الحدید أما لعمر الله و فی بعضها أما لعمر إلهکن و العمر بالفتح و الضم بمعنی العیش الطویل و لا یستعمل فی القسم إلا العمر بالفتح و رفعه بالابتداء أی عمر الله قسمی و معنی عمر الله بقاؤه و دوامه.

و لقحت کعلمت أی حملت و الفاعل فعلتهم أو فعالهم أو الفتنة أو الأزمنة و النظرة بفتح النون و کسر الظاء التأخیر و اسم یقوم مقام الإنظار و نظرة إما مرفوع بالخبریة و المبتدأ محذوف کما فی قوله تعالی فَنَظِرَةٌ إِلی مَیْسَرَةٍ «۱» أی فالواجب نظرة و نحو ذلک و إما منصوب بالمصدریة أی انتظروا أو انظروا نظرة قلیلة و الأخیر أظهر کما اختاره الصدوق. و ریثما تنتج أی قدر ما تنتج یقال نتجت الناقة علی ما لم یسم فاعله تنتج نتاجا و قد نتجها أهلها نتجا و أنتجت الفرس إذا حان نتاجها.

و القعب قدح من خشب یروی الرجل أو قدح ضخم و احتلاب طلاع القعب هو أن یمتلئ من اللبن حتی یطلع عنه و یسیل و العبیط الطری و الذعاف کغراب السم و المقر بکسر القاف الصبر و ربما یسکن و أمقر أی صار مرا و المبید المهلک و أمضه الجرح أوجعه و غب کل شیء عاقبته و طاب نفس فلان بکذا أی رضی به من دون أن یکرهه علیه أحد و طاب نفسه عن کذا أی رضی ببذله. و نفسا منصوب علی التمیز و فی کتاب ناظر عین الغریبین طمأنته سکنته فاطمأن و الجأش مهموزا النفس و القلب أی اجعلوا قلوبکم مطمئنة لنزول الفتنة و السیف الصارم القاطع و الغشم الظلم و الهرج الفتنة و الاختلاط و فی روایة ابن أبی الحدید و قرح شامل فالمراد بشمول القرح إما للأفراد أو للأعضاء.

و الاستبداد بالشیء التفرد به و الضمیر المرفوع فی یدع راجع إلی الاستبداد و الفیء الغنیمة و الخراج و ما حصل للمسلمین من أموال الکفار من غیر حرب و الزهید القلیل و الحصید المحصود و علی روایة زرعکم کنایة عن أخذ أموالهم بغیر حق و علی روایة جمعکم یحتمل ذلک و أن یکون کنایة عن قتلهم و استئصالهم.

و أنی بکم أی و أنی تلحق الهدایة بکم و عمیت علیکم بالتخفیف أی خفیت و التبست و بالتشدید علی صیغة المجهول أی لبست و قرئ فی الآیة بهما.

و الضمائر فیها قیل هی راجعة إلی الرحمة المعبر عن النبوة بها و قیل إلی البینة و هی المعجزة أو الیقین و البصیرة فی أمر الله و فی المقام یحتمل رجوعها إلی رحمة الله الشاملة للإمامة و الاهتداء إلی الصراط المستقیم بطاعة إمام

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

العدل أو إلی الإمامة الحقة و طاعة من اختاره الله و فرض طاعته أو إلی البصیرة فی الدین و نحوها و إلیکم عنی أی کفوا و أمسکوا و قولها بعد تعذیرکم أی تقصیرکم و المعذر المظهر للعذر اعتلالا من غیر حقیقة «۱»

۱۵، ۱، ۱۴، ۲، ۳ ۱۱ کتَابُ دَلَائِلِ الْإِمَامَةِ للطَّبَرِیِّ، «۲» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوسَی التَّلَّعُکْبَرِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَحْمَدَ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُبِضَتْ فَاطِمَةُ ع فِی جُمَادَی الْآخِرَةِ یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِثَلَاثٍ خَلَوْنَ مِنْهُ سَنَةَ إِحْدَی عَشْرَةَ مِنَ الْهِجْرَةِ وَ کَانَ سَبَبُ وَفَاتِهَا أَنَّ قُنْفُذاً مَوْلَی عُمَرَ لَکَزَهَا بِنَعْلِ السَّیْفِ بِأَمْرِهِ فَأَسْقَطَتْ مُحَسِّناً وَ مَرِضَتْ مِنْ ذَلِکَ مَرَضاً شَدِیداً وَ لَمْ تَدَعْ أَحَداً مِمَّنْ آذَاهَا یَدْخُلُ عَلَیْهَا وَ کَانَ الرَّجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِیِّ ص سَأَلَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ص أَنْ یَشْفَعَ لَهُمَا إِلَیْهَا فَسَأَلَهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع فَلَمَّا دَخَلَا عَلَیْهَا قَالَا لَهَا کَیْفَ أَنْتِ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ بِخَیْرٍ بِحَمْدِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَتْ لَهُمَا مَا سَمِعْتُمَا النَّبِیَّ یَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَی اللَّهَ قَالَا بَلَی قَالَتْ فَوَ اللَّهِ لَقَدْ آذَیْتُمَانِی قَالَ فَخَرَجَا مِنْ عِنْدِهَا ع وَ هِیَ سَاخِطَةٌ عَلَیْهِمَا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَ رُوِیَ أَنَّهَا قُبِضَتْ لِعَشْرٍ بَقِینَ مِنْ جُمَادَی الْآخِرَةِ وَ قَدْ کَمَلَ عُمُرُهَا یَوْمَ قُبِضَتْ ثَمَانِیَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْساً وَ ثَمَانِینَ یَوْماً بَعْدَ وَفَاةِ أَبِیهَا فَغَسَّلَهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع وَ لَمْ یَحْضُرْهَا غَیْرُهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ زَیْنَبُ وَ أُمُّ کُلْثُومٍ وَ فِضَّةُ جَارِیَتُهَا وَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَیْسٍ وَ أَخْرَجَهَا إِلَی الْبَقِیعِ فِی اللَّیْلِ وَ مَعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ صَلَّی عَلَیْهَا وَ لَمْ یَعْلَمْ بِهَا وَ لَا حَضَرَ وَفَاتَهَا وَ لَا صَلَّی عَلَیْهَا أَحَدٌ مِنْ سَائِرِ النَّاسِ غَیْرُهُمْ وَ دَفَنَهَا بِالرَّوْضَةِ وَ عَمَّی مَوْضِعَ قَبْرِهَا وَ أَصْبَحَ الْبَقِیعُ لَیْلَةَ دُفِنَتْ وَ فِیهِ أَرْبَعُونَ قَبْراً جُدُداً وَ إِنَّ الْمُسْلِمِینَ لَمَّا عَلِمُوا وَفَاتَهَا جَاءُوا إِلَی الْبَقِیعِ فَوَجَدُوا فِیهِ أَرْبَعِینَ قَبْراً فَأَشْکَلَ عَلَیْهِمْ قَبْرُهَا مِنْ سَائِرِ الْقُبُورِ فَضَجَّ النَّاسُ وَ لَامَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً وَ قَالُوا لَمْ یُخَلِّفْ نَبِیُّکُمْ فِیکُمْ إِلَّا بِنْتاً وَاحِدَةً تَمُوتُ وَ تُدْفَنُ وَ لَمْ تَحْضُرُوا وَفَاتَهَا وَ الصَّلَاةَ عَلَیْهَا وَ لَا تَعْرِفُوا قَبْرَهَا ثُمَّ قَالَ وُلَاةُ الْأَمْرِ مِنْهُمْ هَاتُمْ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِینَ مَنْ یَنْبُشُ هَذِهِ الْقُبُورَ حَتَّی نَجِدَهَا فَنُصَلِّیَ عَلَیْهَا وَ نَزُورَ قَبْرَهَا فَبَلَغَ ذَلِکَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ فَخَرَجَ مُغْضَباً قَدِ احْمَرَّتْ عَیْنَاهُ وَ دَرَّتْ أَوْدَاجُهُ وَ عَلَیْهِ قَبَاءُ الْأَصْفَرُ الَّذِی کَانَ یَلْبَسُهُ فِی کُلِّ کَرِیهَةٍ وَ هُوَ مُتَوَکِّئٌ عَلَی سَیْفِهِ ذِی الْفَقَارِ حَتَّی وَرَدَ الْبَقِیعَ فَسَارَ إِلَی النَّاسِ النَّذِیرُ وَ قَالُوا هَذَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ قَدْ أَقْبَلَ کَمَا تَرَوْنَهُ یُقْسِمُ بِاللَّهِ لَئِنْ حُوِّلَ مِنْ هَذِهِ الْقُبُورِ حَجَرٌ لَیَضَعَنَّ السَّیْفَ عَلَی غَابِرِ الْآخِرِ فَتَلَقَّاهُ عُمَرُ وَ مَنْ مَعَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ قَالَ لَهُ مَا لَکَ یَا أَبَا الْحَسَنِ وَ اللَّهِ لَنَنْبُشَنَّ قَبْرَهَا وَ لَنُصَلِّیَنَّ عَلَیْهَا فَضَرَبَ عَلِیٌّ ع بِیَدِهِ إِلَی جَوَامِعِ ثَوْبِهِ فَهَزَّهُ ثُمَّ ضَرَبَ بِهِ الْأَرْضَ وَ قَالَ لَهُ یَا ابْنَ السَّوْدَاءِ أَمَّا حَقِّی فَقَدْ تَرَکْتُهُ مَخَافَةَ أَنْ یَرْتَدَّ النَّاسُ عَنْ دِینِهِمْ وَ أَمَّا قَبْرُ فَاطِمَةَ فَوَ الَّذِی نَفْسُ عَلِیٍّ بِیَدِهِ لَئِنْ رُمْتَ وَ أَصْحَابَکَ شَیْئاً مِنْ ذَلِکَ لَأَسْقِیَنَّ الْأَرْضَ مِنْ دِمَائِکُمْ فَإِنْ شِئْتَ فَاعْرِضْ یَا عُمَرُ فَتَلَقَّاهُ أَبُو بَکْرٍ فَقَالَ یَا أَبَا الْحَسَنِ بِحَقِّ رَسُولِ اللَّهِ وَ بِحَقِّ مَنْ فَوْقَ الْعَرْشِ إِلَّا خَلَّیْتَ عَنْهُ فَإِنَّا غَیْرُ فَاعِلِینَ شَیْئاً تَکْرَهُهُ قَالَ فَخَلَّی عَنْهُ وَ تَفَرَّقَ النَّاسُ وَ لَمْ یَعُودُوا إِلَی ذَلِکَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) ابو جعفر طبری امامی در دلائل الامامة از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: حضرت فاطمه علیها السّلام روز سه شنبه، سوم ماه جمادی الثانی سال یازدهم هجری از دنیا رحلت نمود. علّت وفات آن حضرت همان ضربه‌ای بود که قنفذ غلام عمر به امر او وارد کرده بود. حضرت زهرا به علت آن ضربه محسن را سقط نمود و بدین جهت به شدّت بیمار شد و اجازه نداد احدی از آن افرادی که وی را اذیت کرده بودند نزد او وارد شوند.

آن دو نفر که از اصحاب پیامبر خدا بودند (ابو بکر و عمر) از حضرت علی علیه السّلام تقاضا نمودند نزد فاطمه برای ایشان شفاعت نماید.

حضرت امیر برای آنان اجازه گرفت و به حضور آن حضرت رفتند و گفتند: ای دختر پیغمبر! حال شما چطور است؟ فرمود: خدای را شکر، خوبم. آنگاه به ایشان فرمود: آیا نشنیدید که پیامبر خدا می‌فرمود: فاطمه پاره‌ای از تن من است، کسی که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خداوند را اذیت کرده؟ گفتند: شنیده‌ایم.

فرمود: به خداوند سوگند که شما مرا اذیت کرده‌اید. آنان از نزد فاطمه خارج شدند در حالی که آن بانو همچنان بر آنان خشمناک بود.

محمّد بن همام می‌گوید: روایت شده: حضرت فاطمه در روز بیستم ماه جمادی الآخر از دنیا رحلت نمود. عمر مبارکش هجده سال و هشتاد و پنج روز بود. حضرت علی علیه السّلام آن بانو را غسل داد. به هنگام غسل دادن وی غیر از حضرت علی علیه السّلام، حسنین علیهما السّلام، زینب، امّ کلثوم، فضه خادمه و اسماء بنت عمیس کسی دیگر حضور نداشت. آنگاه جنازه آن بانو را شبانه با حضور حسنین علیهما السّلام به جانب بقیع حمل نمودند و نماز بر بدن مبارک خواندند، کسی از فوت ایشان مطّلع نشد، احدی از مردم بر بدن آن بانو نماز نخواند مگر آن افرادی که گفته شد. علی علیه السّلام بدن مبارکش را در روضه مقدسه دفن و موضع قبرش را پنهان کرد. صبح آن شبی که فاطمه علیها السّلام را دفن نمودند اثر چهل قبر جدید در قبرستان بقیع مشاهده می‌شد.

هنگامی که مسلمانان از رحلت حضرت فاطمه آگاه و متوجه بقیع شدند با چهل قبر جدید مواجه گردیدند، نتوانستند قبر حضرت زهرا را از میان آن چهل قبر تشخیص دهند. (۱) عموم مردم از این مصیبت ضجّه کردند و یک دیگر را ملامت نمودند و گفتند: پیغمبر شما بیش از یک دختر یادگاری ننهاد، فاطمه رحلت کرد و دفن شد و شما به هنگام مردنش حاضر نشدید، نماز بر جنازه‌اش نگذاشتید و محل قبر او را هم نمی‌دانید! زعمای قوم

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

گفتند: گروهی از زنان مسلمان را احضار کنید که این قبرها را بشکافند تا جنازه فاطمه را به دست بیاوریم و بر بدن او نماز بخوانیم و قبرش را زیارت کنیم.

هنگامی که خبر این توطئه به گوش حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام رسید، در حالی آمد که خشمناک، چشمان مبارکش سرخ، رگهای گردنش بیرون زده، قبای زرد رنگی پوشیده بود که آن را به هنگام غضب و ناراحتی می‌پوشید و دست بر ذو الفقار گرفته بود، آمد تا وارد بقیع شد. شخصی به میان مردم رفت و گفت: این علی بن ابی طالب است که با این حالت آمده و سوگند می‌خورد که اگر یک سنگ از این قبور جابجا شود شمشیر را در میان همه شما بگذارد و تا آخرین نفر شما را نابود نماید.

عمر در حالی که با یارانش بود، با حضرت امیر علیه السّلام ملاقات کرد و گفت:

ای ابو الحسن! چه منظور داری؟ به خداوند سوگند ما قبر فاطمه را می‌شکافیم و بر جنازه‌اش نماز می‌گزاریم.

حضرت امیر لباسهای وی را گرفت و او را از جای بر کند و بر زمین زد و فرمود: ای ابو السوداء! من حقّ (یعنی مقام خلافت) خود را بدین جهت از دست دادم که مبادا مردم از دین خویش برگردند.

اما در باره قبر فاطمه: به حقّ آن خدایی که جان علی در دست قدرت اوست اگر تو و یارانت راجع به این قبرها عملی انجام دهید زمین را از خون شما سیراب خواهم کرد. عمر! از این خیال در گذر! پس از عمر ابو بکر با حضرت امیر ملاقات نمود و گفت: ای ابو الحسن! تو را به حقّ پیغمبر اسلام و آن کسی که بالای عرش است سوگند می‌دهم که از عمر دست برداری، زیرا ما از انجام دادن عملی که تو نمی‌پسندی خودداری می‌کنیم.

راوی می‌گوید: علی علیه السّلام عمر را رها کرد و مردم پراکنده شدند و به دنبال مقصود خود بازنگشتند.

[متن عربی]

۱۵، ۱ ۳۲۲/ ۱۲- أمالی الطوسی «۱» ابْنُ حَمَّوَیْهِ عَنْ أَبِی الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِی خَلِیفَةَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی رَجَاءٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی رَافِعٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَلْمَی امْرَأَةِ أَبِی رَافِعٍ قَالَتْ مَرِضَتْ فَاطِمَةُ فَلَمَّا کَانَ الْیَوْمُ الَّذِی مَاتَتْ فِیهِ قَالَتْ هَیِّئِی لِی مَاءً فَصَبَبْتُ لَهَا فَاغْتَسَلَتْ کَأَحْسَنِ مَا کَانَتْ تَغْتَسِلُ ثُمَّ قَالَتِ ائْتِینِی بِثِیَابِ جُدُدٍ فَلَبِسَتْهَا ثُمَّ أَتَتِ الْبَیْتَ الَّذِی کَانَتْ فِیهِ فَقَالَتِ افْرُشِی لِی فِی وَسَطِهِ ثُمَّ اضْطَجَعَتْ وَ اسْتَقْبَلَتِ الْقِبْلَةَ وَ وَضَعَتْ یَدَهَا تَحْتَ خَدِّهَا وَ قَالَتْ إِنِّی مَقْبُوضَةٌ الْآنَ فَلَا أُکْشَفَنَّ فَإِنِّی قَدِ اغْتَسَلْتُ قَالَتْ وَ مَاتَتْ فَلَمَّا جَاءَ عَلِیٌّ أَخْبَرْتُهُ فَقَالَ لَا تُکْشَفُ فَحَمَلَهَا یَغْسِلُهَا ع بیان لعلها ع إنما نهت عن کشف العورة و الجسد للتنظیف و لم تنه عن الغسل

ترجمه: (۱) شیخ طوسی از سلمی همسر ابو رافع روایت کرده: در آن روزی که حضرت زهرا می‌خواست از دنیا رحلت کند به من فرمود: آبی برای من بیاور. آب را حاضر کردم و او با آن غسل نیکویی به جای آورد و سپس

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

گفت: لباسهای جدیدی نزد من بیاور. وقتی من لباسها را آوردم و او آنها را پوشید وارد خانه شد و فرمود: بسترم را در میان خانه بینداز. آنگاه آن بانو رو به قبله خوابید و دستهای مبارک خود را زیر گونه خویش نهاد و فرمود: من به زودی قبض روح می‌شوم، مبادا لباس من در آورده شود، زیرا من غسل کرده‌ام. این بفرمود و از دنیا رفت.

هنگامی که حضرت علی آمد و من جریان را برایش شرح دادم فرمود: آری مبادا بدن فاطمه باز و بدون لباس باشد. آنگاه آن بزرگوار جسد زهرای اطهر را برد و غسل داد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۲۳/ ۱۳- أمالی الصدوق «۲» الدَّقَّاقُ عَنِ الْأَسَدِیِّ عَنِ النَّخَعِیِّ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ جُبَیْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی خَبَرٍ طَوِیلٍ قَدْ أَثْبَتْنَاهُ فِی بَابِ مَا أَخْبَرَ النَّبِیُّ ص بِظُلْمِ أَهْلِ الْبَیْتِ قَالَ ص وَ أَمَّا ابْنَتِی فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَیِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ هِیَ بَضْعَةٌ مِنِّی وَ هِیَ نُورُ عَیْنِی وَ هِیَ ثَمَرَةُ فُؤَادِی وَ هِیَ رُوحِی الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیَّ وَ هِیَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِیَّةُ مَتَی قَامَتْ فِی مِحْرَابِهَا بَیْنَ یَدَیْ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِکَةِ السَّمَاءِ کَمَا یَزْهَرُ نُورُ الْکَوَاکِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ یَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَائِکَتِهِ یَا مَلَائِکَتِی انْظُرُوا إِلَی أَمَتِی فَاطِمَةَ سَیِّدَةَ إِمَائِی قَائِمَةً بَیْنَ یَدَیَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِیفَتِی وَ قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَی عِبَادَتِی أُشْهِدُکُمْ أَنِّی قَدْ آمَنْتُ شِیعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ إِنِّی لَمَّا رَأَیْتُهَا ذَکَرْتُ مَا یُصْنَعُ بِهَا بَعْدِی کَأَنِّی بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الذُّلُّ بَیْتَهَا وَ انْتُهِکَتْ حُرْمَتُهَا وَ غُصِبَتْ حَقَّهَا وَ مُنِعَتْ إِرْثَهَا وَ کُسِرَ جَنْبُهَا وَ أَسْقَطَتْ جَنِینَهَا وَ هِیَ تُنَادِی یَا مُحَمَّدَاهْ فَلَا تُجَابُ وَ تَسْتَغِیثُ فَلَا تُغَاثُ فَلَا تَزَالُ بَعْدِی مَحْزُونَةً مَکْرُوبَةً بَاکِیَةً تَتَذَکَّرُ انْقِطَاعَ الْوَحْیِ عَنْ بَیْتِهَا مَرَّةً وَ تَتَذَکَّرُ فِرَاقِی أُخْرَی وَ تَسْتَوْحِشُ إِذَا جَنَّهَا اللَّیْلُ لِفَقْدِ صَوْتِیَ الَّذِی کَانَتْ تَسْتَمِعُ إِلَیْهِ إِذَا تَهَجَّدْتُ بِالْقُرْآنِ ثُمَّ تَرَی نَفْسَهَا ذَلِیلَةً بَعْدَ أَنْ کَانَتْ فِی أَیَّامِ أَبِیهَا عَزِیزَةً فَعِنْدَ ذَلِکَ یُؤْنِسُهَا اللَّهُ تَعَالَی ذِکْرُهُ بِالْمَلَائِکَةِ فَنَادَتْهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ یَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصْطَفَاکِ عَلَی نِسَاءِ الْعَالَمِینَ «۱» یَا فَاطِمَةُ اقْنُتِی لِرَبِّکِ وَ اسْجُدِی وَ ارْکَعِی مَعَ الرَّاکِعِینَ «۲» ثُمَّ یَبْتَدِئُ بِهَا الْوَجَعُ فَتَمْرَضُ فَیَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَیْهَا مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ تُمَرِّضُهَا وَ تُؤْنِسُهَا فِی عِلَّتِهَا فَتَقُولُ عِنْدَ ذَلِکَ یَا رَبِّ إِنِّی قَدْ سَئِمْتُ الْحَیَاةَ وَ تَبَرَّمْتُ بِأَهْلِ الدُّنْیَا فَأَلْحِقْنِی بِأَبِی فَیُلْحِقُهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِی فَتَکُونُ أَوَّلَ مَنْ یَلْحَقُنِی مِنْ أَهْلِ بَیْتِی فَتَقْدَمُ عَلَیَّ مَحْزُونَةً مَکْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْصُوبَةً مَقْتُولَةً فَأَقُولُ عِنْدَ ذَلِکَ اللَّهُمَّ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَهَا وَ عَاقِبْ مَنْ غَصَبَهَا وَ ذَلِّلْ مَنْ أَذَلَّهَا وَ خَلِّدْ فِی نَارِکَ مَنْ ضَرَبَ جَنْبَیْهَا حَتَّی أَلْقَتْ وَلَدَهَا فَتَقُولُ الْمَلَائِکَةُ عِنْدَ ذَلِکَ آمِینَ

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در امالی از ابن عبّاس رحمه اللّه روایت کرده که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:فاطمه دختر من برترین زنان از اوّلین تا آخرین آنهاست. فاطمه زهرا پاره تن من است. زهرا نور دو چشم من است. زهرا میوه قلب من است. زهرا روح و جان من است. زهرا حوریّه‌ای است که به قیافه انسان در

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

آمده. هنگامی که فاطمه در مقابل پروردگار خود در میان محراب عبادت می‌ایستد نور او برای ملائکه آسمان نظیر نور ستارگان از برای اهل زمین می‌درخشد. خداوند به ملائکه خود می‌فرماید: ای ملائکه من! به فاطمه که برترین کنیزان من است نظر کنید که چگونه در مقابل من قرار گرفته است. اعضاء و جوارح او از خوف من می‌لرزد.

فاطمه با توجه قلبی مشغول عبادت من شده است من شما را شاهد می‌گیرم که شیعیان وی را در امان می‌گذارم.

سپس پیامبر خدا فرمود: هر گاه زهرا را مشاهده می‌کنم، آن ستمهایی به یادم می‌آید که بعد از من در حقّ او خواهد شد. گویا می‌بینم که ذلّت داخل خانه وی شده باشد. احترامش از دست رفته باشد. حقّش را غصب کرده باشند. از دریافت ارث خود ممنوع شده باشد.

پهلوی او شکسته شده باشد. جنین وی سقط شده باشد و او فریاد می‌زند:

وا محمّداه! ولی کسی به دادش نمی‌رسد، استغاثه می‌کند ولی کسی به فریادش نخواهد رسید. لذا بعد از من دائما محزون، غصّه‌دار و گریان خواهد بود، گاهی یادآور می‌شود که وحی از خانه‌اش قطع شده، گاهی مفارقت مرا به خاطر خواهد آورد، شبها برای اینکه صدای تلاوت قرآن مرا در نماز شب نمی‌شنود دچار وحشت خواهد شد. سپس خویشتن را بعد از آنکه در ایام پدر عزیزترین افراد بود ذلیل خواهد دید.

در همین زمان است که خدای رئوف ملائکه را مونس فاطمه قرار می‌دهد. ایشان فاطمه را به همان گونه ندا می‌کنند که حضرت مریم را ندا کردند و به وی می‌گویند:

ای فاطمه! خداوند تو را از میان زنان جهانیان انتخاب کرده است. ای فاطمه! فرمانبردار پروردگار خویش باش و با افراد سجده‌کننده و رکوع‌کننده سجود و رکوع نمای. سپس درد و بیماری بر او غلبه خواهد کرد. آنگاه خداوند سبحان مریم بنت عمران را می‌فرستد تا پرستار و مونس فاطمه باشد. (۱) در همین حال است که فاطمه می‌گوید: پروردگارا! من از زندگی سیر شده و از مردم دنیا بیزارم، مرا به پدرم ملحق نما! خدای توانا او را به من ملحق می‌نماید، زهرا اوّل کسی است از اهل بیت من که به من ملحق خواهد شد. فاطمه زهرا در حالی که محزون، غصّه‌دار، مغموم، با حقّی غصب گشته و شهید شده، بر من وارد خواهد شد. من در آن هنگام می‌گویم:

بار خدایا! هر کسی را که به فاطمه ظلم کرده باشد لعن کن! آن کسی را که حقّ زهرا را غصب نموده باشد عقاب و عذاب کن! آن کسی را که فاطمه را ذلیل کرده باشد، ذلیل کن! آن کسی را که ضربه به پهلوی فاطمه زد به طوری که بچه خود را سقط نمود، او را در دوزخ جاودانی کن! ملائکه می‌گویند: آمین!

[متن عربی] ۱۴، ۱، ۱۵ ۳۲۴/ ۱۴- أمالی الصدوق» ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ع قَبْلَ مَوْتِه بِثَلَاثٍ سَلَامٌ عَلَيْکَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ أُوصِيکَ بِرَيْحَانَتِيَ مِنَ الدُّنْيَا فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُّ رُكْنَاکَ وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْکَ فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ عَلِيٌّ ع هَذَا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ ع قَالَ عَلِيٌّ هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص – مع أبي عن سعد عن ابن عيسى عن محمد بن يونس عن حماد مثله

ترجمه: (۲) شیخ صدوق در کتاب امالی خود از جابر بن عبد اللّه روایت کرده که گفت: شنیدم که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سه روز قبل از رحلت خود به علی علیه السّلام می‌فرمود:

ای پدر دو نوگل من! سلام بر تو باد، من در باره دو نوگل دنیوی خود به تو توصیه و سفارش می‌نمایم، طولی نمی‌کشد که تو دو رکن زندگی خویش را از دست خواهی داد، من تو را به خداوند می‌سپارم.

هنگامی که پیامبر اسلام از جهان رحلت کرد، علی بن ابی طالب فرمود:این یکی از آن دو رکن من بود که رسول خدا به من خبر داد. و پس از آنکه حضرت فاطمه از دنیا رفت، فرمود: این دومین رکنی بود که پیغمبر خدا به من خبر داد.

[متن عربی] ۱، ۱۴، ۱۵، ۲، ۳ ۳۲۵/ ۱۵– أَقُولُ وَجَدْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ خَبَراً فِي وَفَاتِهَا ع فَأَحْبَبْتُ إِيرَادَهُ وَ إِنْ لَمْ آخُذْهُ مِنْ أَصْلٍ يُعَوَّلُ عَلَيْهِ رَوَى وَرَقَةُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيُّ قَالَ خَرَجْتُ حَاجّاً إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ رَاجِياً لِثَوَابِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَبَيْنَمَا أَنَا أَطُوفُ وَ إِذَا أَنَا بِجَارِيَةٍ سَمْرَاءَ وَ مَلِيحَةِ الْوَجْهِ عَذْبَةِ الْكَلَامِ وَ هِيَ تُنَادِي بِفَصَاحَةِ مَنْطِقِهَا وَ هِيَ تَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْكَعْبَةِ الْحَرَامِ وَ الْحَفَظَةِ الْكِرَامِ وَ زَمْزَمَ وَ الْمَقَامِ وَ الْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْأَنَامِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْبَرَرَةِ الْكِرَامِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْشُرَنِي مَعَ سَادَاتِيَ الطَّاهِرِينَ وَ أَبْنَائِهِمُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْمَيَامِينِ أَلَا فَاشْهَدُوا يَا جَمَاعَةَ الْحُجَّاجِ وَ الْمُعْتَمِرِينَ أَنَّ مَوَالِيَّ خِيرَةُ الْأَخْيَارِ وَ صَفْوَةُ الْأَبْرَارِ وَ الَّذِينَ عَلَا قَدْرُهُمْ عَلَى الْأَقْدَارِ وَ ارْتَفَعَ ذِكْرُهُمْ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ الْمُرْتَدِينَ بِالْفَخَارِ قَالَ وَرَقَةُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَقُلْتُ يَا جَارِيَةُ إِنِّي لَأَظُنُّكِ مِنْ مَوَالِي أَهْلِ الْبَيْتِ ع فَقَالَتْ أَجَلْ قُلْتُ لَهَا وَ مَنْ أَنْتِ مِنْ مَوَالِيهِمْ قَالَتْ أَنَا فِضَّةُ أَمَةُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَةِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا فَقُلْتُ لَهَا مَرْحَباً بِكِ وَ أَهْلًا وَ سَهْلًا فَلَقَدْ كُنْتُ مُشْتَاقاً إِلَى كَلَامِكِ وَ مَنْطِقِكِ فَأُرِيدُ مِنْكِ السَّاعَةَ أَنْ تُجِيبِينِي مِنْ مَسْأَلَةٍ أَسْأَلُكِ فَإِذَا أَنْتِ فَرَغْتِ مِنَ الطَّوَافِ قِفِي لِي عِنْدَ سُوقِ الطَّعَامِ حَتَّى آتِيَكِ وَ أَنْتِ مُثَابَةٌ مَأْجُورَةٌ فَافْتَرَقْنَا فَلَمَّا فَرَغْتُ مِنَ الطَّوَافِ وَ أَرَدْتُ الرُّجُوعَ إِلَى مَنْزِلِي جَعَلْتُ طَرِيقِي عَلَى سُوقِ الطَّعَامِ وَ إِذَا أَنَا بِهَا جَالِسَةً فِي مَعْزِلٍ عَنِ النَّاسِ فَأَقْبَلْتُ عَلَيْهَا وَ اعْتَزَلْتُ بِهَا وَ أَهْدَيْتُ إِلَيْهَا هَدِيَّةً وَ لَمْ أَعْتَقِدْ أَنَّهَا صَدَقَةٌ ثُمَّ قُلْتُ لَهَا يَا فِضَّةُ أَخْبِرِينِي عَنْ مَوْلَاتِكِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع وَ مَا الَّذِي رَأَيْتِ مِنْهَا عِنْدَ وَفَاتِهَا بَعْدَ مَوْتِ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ ص قَالَ وَرَقَةُ فَلَمَّا سَمِعَتْ كَلَامِي تَغَرْغَرَتْ عَيْنَاهَا بِالدُّمُوعِ ثُمَّ انْتَحَبَتْ نَادِبَةً وَ قَالَتْ يَا وَرَقَةَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ هَيَّجْتَ عَلَيَّ حُزْناً سَاكِناً وَ أَشْجَاناً فِي فُؤَادِي كَانَتْ كَامِنَةً فَاسْمَعِ الْآنَ مَا شَاهَدْتُ مِنْهَا ع اعْلَمْ أَنَّهُ لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

اللَّهُ افْتَجَعَ لَهُ الصَّغِيرُ وَ الْكَبِيرُ وَ كَثُرَ عَلَيْهِ الْبُكَاءُ وَ قَلَّ الْعَزَاءُ وَ عَظُمَ رُزْؤُهُ عَلَى الْأَقْرِبَاءِ وَ الْأَصْحَابِ وَ الْأَوْلِيَاءِ وَ الْأَحْبَابِ وَ الْغُرَبَاءِ وَ الْأَنْسَابِ وَ لَمْ تَلْقَ إِلَّا كُلَّ بَاكٍ وَ بَاكِيَةٍ وَ نَادِبٍ وَ نَادِبَةٍ وَ لَمْ يَكُنْ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ وَ الْأَصْحَابِ وَ الْأَقْرِبَاءِ وَ الْأَحْبَابِ أَشَدَّ حُزْناً وَ أَعْظَمَ بُكَاءً وَ انْتِحَاباً مِنْ مَوْلَاتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع وَ كَانَ حُزْنُهَا يَتَجَدَّدُ وَ يَزِيدُ وَ بُكَاؤُهَا يَشْتَدُّ فَجَلَسَتْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ لَا يَهْدَأُ لَهَا أَنِينٌ وَ لَا يَسْكُنُ مِنْهَا الْحَنِينُ كُلَّ يَوْمٍ جَاءَ كَانَ بُكَاؤُهَا أَكْثَرَ مِنَ الْيَوْمِ الْأَوَّلِ فَلَمَّا فِي الْيَوْمِ الثَّامِنِ أَبْدَتْ مَا كَتَمَتْ مِنَ الْحُزْنِ فَلَمْ تُطِقْ صَبْراً إِذْ خَرَجَتْ وَ صَرَخَتْ فَكَأَنَّهَا مِنْ فَمِ رَسُولِ اللَّهِ ص تَنْطِقُ فَتَبَادَرَتِ النِّسْوَانُ وَ خَرَجَتِ الْوَلَائِدُ وَ الْوِلْدَانُ وَ ضَجَّ النَّاسُ بِالْبُكَاءِ وَ النَّحِيبِ وَ جَاءَ النَّاسُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ أُطْفِئَتِ الْمَصَابِيحُ لِكَيْلَا تَتَبَيَّنَ صَفَحَاتُ النِّسَاءِ وَ خُيِّلَ إِلَى النِّسْوَانِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ قَامَ مِنْ قَبْرِهِ وَ صَارَتِ النَّاسُ فِي دَهْشَةٍ وَ حَيْرَةٍ لِمَا قَدْ رَهِقَهُمْ وَ هِيَ ع تُنَادِي وَ تَنْدُبُ أَبَاهُ وَا أَبَتَاهْ وَا صَفِيَّاهْ وَا مُحَمَّدَاهْ وَا أَبَا الْقَاسِمَاهْ وَا رَبِيعَ الْأَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى مَنْ لِلْقِبْلَةِ وَ الْمُصَلَّى وَ مَنْ لِابْنَتِكَ الْوَالِهَةِ الثَّكْلَى ثُمَّ أَقْبَلَتْ تَعْثُرُ فِي أَذْيَالِهَا وَ هِيَ لَا تُبْصِرُ شَيْئاً مِنْ عَبْرَتِهَا وَ مِنْ تَوَاتُرِ دَمْعَتِهَا حَتَّى دَنَتْ مِنْ قَبْرِ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ ص فَلَمَّا نَظَرَتْ إِلَى الْحُجْرَةِ وَقَعَ طَرْفُهَا عَلَى الْمِئْذَنَةِ فَقَصُرَتْ خُطَاهَا وَ دَامَ نَحِيبُهَا وَ بُكَاهَا إِلَى أَنْ أُغْمِيَ عَلَيْهَا فَتَبَادَرَتِ النِّسْوَانُ إِلَيْهَا فَنَضَحْنَ الْمَاءَ عَلَيْهَا وَ عَلَى صَدْرِهَا وَ جَبِينِهَا حَتَّى أَفَاقَتْ فَلَمَّا أَفَاقَتْ مِنْ غَشْيَتِهَا قَامَتْ وَ هِيَ تَقُولُ رُفِعَتْ قُوَّتِي وَ خَانَنِي جَلَدِي وَ شَمِتَ بِي عَدُوِّي وَ الْكَمَدُ قَاتِلِي يَا أَبَتَاهْ بَقِيتُ وَالِهَةً وَحِيدَةً وَ حَيْرَانَةً فَرِيدَةً فَقَدِ انْخَمَدَ صَوْتِي وَ انْقَطَعَ ظَهْرِي وَ تَنَغَّصَ عَيْشِي وَ تَكَدَّرَ دَهْرِي فَمَا أَجِدُ يَا أَبَتَاهْ بَعْدَكَ أَنِيساً لِوَحْشَتِي وَ لَا رَاداً لِدَمْعَتِي وَ لَا مُعِيناً لِضَعْفِي فَقَدْ فَنِيَ بَعْدَكَ مُحْكَمُ التَّنْزِيلِ وَ مَهْبَطُ جَبْرَئِيلَ وَ مَحَلُّ مِيكَائِيلَ انْقَلَبْتَ بَعْدَكَ يَا أَبَتَاهْ الْأَسْبَابُ وَ تَغَلَّقَتْ دُونِيَ الْأَبْوَابُ فَأَنَا لِلدُّنْيَا بَعْدَكَ قَالِيَةٌ وَ عَلَيْكَ مَا تَرَدَّدَتْ أَنْفَاسِي بَاكِيَةٌ لَا يَنْفَدُ شَوْقِي إِلَيْكَ وَ لَا حُزْنِي عَلَيْكَ ثُمَّ نَادَتْ يَا أَبَتَاهْ وَا لُبَّاهْ ثُمَّ قَالَتْ

إِنَّ حُزْنِي عَلَيْكَ حُزْنٌ جَدِيدٌ ... وَ فُؤَادِي وَ اللَّهِ صَبٌّ عَنِيدٌ

كُلَّ يَوْمٍ يَزِيدُ فِيهِ شُجُونِي ... وَ اكْتِيَابِي عَلَيْكَ لَيْسَ يَبِيدُ

جَلَّ خَطْبِي فَبَانَ عَنِّي عَزَائِي ... فَبُكَائِي كُلَّ وَقْتٍ جَدِيدٌ

إِنَّ قَلْباً عَلَيْكَ يَأْلَفُ صَبْراً ... أَوْ عَزَاءً فَإِنَّهُ لَجَلِيدٌ

ثُمَّ نَادَتْ يَا أَبَتَاهْ انْقَطَعَتْ بِكَ الدُّنْيَا بِأَنْوَارِهَا وَ زَوَتْ زَهْرَتُهَا وَ كَانَتْ بِبَهْجَتِكَ زَاهِرَةً فَقَدِ اسْوَدَّ نَهَارُهَا فَصَارَ يَحْكِي حَنَادِسَهَا رَطْبُهَا وَ يَابِسُهَا يَا أَبَتَاهْ لَا زِلْتُ آسِفَةً عَلَيْكَ إِلَى التَّلَاقِ يَا أَبَتَاهْ زَالَ غُمْضِي مُنْذُ حَقَّ الْفِرَاقُ يَا أَبَتَاهْ مَنْ لِلْأَرَامِلِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ مَنْ لِلْأُمَّةِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ يَا أَبَتَاهْ أَمْسَيْنَا بَعْدَكَ مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ يَا أَبَتَاهْ أَصْبَحَتِ النَّاسُ عَنَّا مُعْرِضِينَ وَ لَقَدْ كُنَّا بِكَ مُعَظِّمِينَ فِي النَّاسِ غَيْرَ مُسْتَضْعَفِينَ فَأَيُّ دَمْعَةٍ لِفِرَاقِكَ لَا تَنْهَمِلُ وَ أَيُّ حُزْنٍ بَعْدَكَ عَلَيْكَ لَا يَتَّصِلُ وَ أَيُّ جَفْنٍ بَعْدَكَ بِالنَّوْمِ يَكْتَحِلُ وَ أَنْتَ رَبِيعُ الدِّينِ وَ نُورُ النَّبِيِّينَ فَكَيْفَ لِلْجِبَالِ لَا تَمُورُ وَ لِلْبِحَارِ بَعْدَكَ لَا تَغُورُ وَ الْأَرْضُ كَيْفَ لَمْ تَتَزَلْزَلْ رُمِيتُ يَا أَبَتَاهْ بِالْخَطْبِ الْجَلِيلِ وَ لَمْ تَكُنِ الرَّزِيَّةُ بِالْقَلِيلِ وَ طُرِقْتُ يَا أَبَتَاهْ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

بِالْمُصَابِ الْعَظِيمِ وَ بِالْفَادِحِ الْمُهُولِ بِكَتْكَ يَا أَبَتَاهْ الْأَمْلَاكُ وَ وَقَفَتِ الْأَفْلَاكُ فَمِنْبَرُكَ بَعْدَكَ مُسْتَوْحَشٌ وَ مِحْرَابُكَ خَالٍ مِنْ مُنَاجَاتِكَ وَ قَبْرُكَ فَرِحٌ بِمُوَارَاتِكَ وَ الْجَنَّةُ مُشْتَاقَةٌ إِلَيْكَ وَ إِلَى دُعَائِكَ وَ صَلَاتِكَ يَا أَبَتَاهْ مَا أَعْظَمَ ظُلْمَةَ مَجَالِسِكَ فَوَا أَسَفَاهْ عَلَيْكَ إِلَى أَنْ أَقْدِمَ عَاجِلًا عَلَيْكَ وَ أُثْكِلَ أَبُو الْحَسَنِ الْمُؤْتَمَنُ أَبُو وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ أَخُوكَ وَ وَلِيُّكَ وَ حَبِيبُكَ وَ مَنْ رَبَّيْتَهُ صَغِيراً وَ وَاخَيْتَهُ كَبِيراً وَ أَحْلَى أَحْبَابِكَ وَ أَصْحَابِكَ إِلَيْكَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ سَابِقاً وَ مُهَاجِراً وَ نَاصِراً وَ الثُّكْلُ شَامِلُنَا وَ الْبُكَاءُ قَاتِلُنَا وَ الْأَسَى لَازِمُنَا ثُمَّ زَفَرَتْ زَفْرَةً وَ أَنَّتْ أَنَّةً كَادَتْ رُوحُهَا أَنْ تَخْرُجَ ثُمَّ قَالَتْ

قَلَّ صَبْرِي وَ بَانَ عَنِّي عَزَائِي ... بَعْدَ فَقْدِي لِخَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ

عَيْنُ يَا عَيْنُ اسْكُبِي الدَّمْعَ سَحّاً ... وَيْكِ لَا تَبْخَلِي بِفَيْضِ الدِّمَاءِ

يَا رَسُولَ الْإِلَهِ يَا خِيَرَةَ اللَّهِ ... وَ كَهْفَ الْأَيْتَامِ وَ الضُّعَفَاءِ

قَدْ بَكَتْكَ الْجِبَالُ وَ الْوَحْشُ جَمْعاً ... وَ الطَّيْرُ وَ الْأَرْضُ بَعْدُ بَكَى السَّمَاءُ

وَ بَكَاكَ الْحَجُونُ وَ الرُّكْنُ وَ الْمَشْعَرُ ... يَا سَيِّدِي مَعَ الْبَطْحَاءِ

وَ بَكَاكَ الْمِحْرَابُ وَ الدَّرْسُ ... لِلْقُرْآنِ فِي الصُّبْحِ مُعْلِناً وَ الْمَسَاءِ

وَ بَكَاكَ الْإِسْلَامُ إِذْ صَارَ فِي النَّاسِ ... غَرِيباً مِنْ سَائِرِ الْغُرَبَاءِ

لَوْ تَرَى الْمِنْبَرَ الَّذِي كُنْتَ تَعْلُوهُ ... عَلَاهُ الظَّلَامُ بَعْدَ الضِّيَاءِ

يَا إِلَهِي عَجِّلْ وَفَاتِي سَرِيعاً ... فَلَقَدْ تَنَغَّصَتِ الْحَيَاةُ يَا مَوْلَائِي

قَالَتْ ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى مَنْزِلِهَا وَ أَخَذَتْ بِالْبُكَاءِ وَ الْعَوِيلِ لَيْلَهَا وَ نَهَارَهَا وَ هِيَ لَا تَرْقَأُ دَمْعَتُهَا وَ لَا تَهْدَأُ زَفْرَتُهَا وَ اجْتَمَعَ شُيُوخُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ أَقْبَلُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالُوا لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ فَاطِمَةَ ع تَبْكِي اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ فَلَا أَحَدٌ مِنَّا يَتَهَنَّأُ بِالنَّوْمِ فِي اللَّيْلِ عَلَى فُرُشِنَا وَ لَا بِالنَّهَارِ لَنَا قَرَارٌ عَلَى أَشْغَالِنَا وَ طَلَبِ مَعَايِشِنَا وَ إِنَّا نُخْبِرُكَ أَنْ تَسْأَلَهَا إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ لَيْلًا أَوْ نَهَاراً فَقَالَ ع حُبّاً وَ كَرَامَةً فَأَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع حَتَّى دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَ هِيَ لَا تُفِيقُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ لَا يَنْفَعُ فِيهَا الْعَزَاءُ فَلَمَّا رَأَتْهُ سَكَنَتْ هُنَيْئَةً لَهُ فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّ شُيُوخَ الْمَدِينَةِ يَسْأَلُونِّي أَنْ أَسْأَلَكِ إِمَّا أَنْ تَبْكِينَ أَبَاكِ لَيْلًا وَ إِمَّا نَهَاراً فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَقَلَّ مَكْثِي بَيْنَهُمْ وَ مَا أَقْرَبَ مَغِيبِي مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِهِمْ فَوَ اللَّهِ لَا أَسْكُتُ لَيْلًا وَ لَا نَهَاراً أَوْ أَلْحَقَ بِأَبِي رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهَا عَلِيٌّ ع افْعَلِي يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ مَا بَدَا لَكِ ثُمَّ إِنَّهُ بَنَى لَهَا بَيْتاً فِي الْبَقِيعِ نَازِحاً عَنِ الْمَدِينَةِ يُسَمَّى بَيْتَ الْأَحْزَانِ وَ كَانَتْ إِذَا أَصْبَحَتْ قَدَّمَتِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع أَمَامَهَا وَ خَرَجَتْ إِلَى الْبَقِيعِ بَاكِيَةً فَلَا تَزَالُ بَيْنَ الْقُبُورِ بَاكِيَةً فَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَيْهَا وَ سَاقَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَى مَنْزِلِهَا وَ لَمْ تَزَلْ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ مَضَى لَهَا بَعْدَ مَوْتِ أَبِيهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ يَوْماً وَ اعْتَلَّتِ الْعِلَّةَ الَّتِي تُوُفِّيَتْ فِيهَا فَبَقِيَتْ إِلَى يَوْمِ الْأَرْبَعِينَ وَ قَدْ صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع صَلَاةَ الظُّهْرِ وَ أَقْبَلَ يُرِيدُ الْمَنْزِلَ إِذَا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

اسْتَقْبَلَتْهُ الْجَوَارِی بَاکِیَات حَزِینَات فَقَالَ لَهُنَّ مَا الْخَبَرُ وَ مَا لِی أَرَاکُنَّ مُتَغَیِّرَاتِ الْوُجُوهِ وَ الصُّوَرِ فَقُلْنَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَدْرِکْ ابْنَةَ عَمِّکَ الزَّهْرَاءَ ع وَ مَا نَظُنُّکَ تُدْرِکُهَا فَأَقْبَلَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع مُسْرِعاً حَتَّی دَخَلَ عَلَیْهَا وَ إِذَا بِهَا مُلْقَاةٌ عَلَی فِرَاشِهَا وَ هُوَ مِنْ قَبَاطِیِّ مِصْرَ وَ هِیَ تَقْبِضُ یَمِیناً وَ تَمُدُّ شِمَالًا فَأَلْقَی الرِّدَاءَ عَنْ عَاتِقِهِ وَ الْعِمَامَةَ عَنْ رَأْسِهِ وَ حَلَّ أَزْرَارَهُ وَ أَقْبَلَ حَتَّی أَخَذَ رَأْسَهَا وَ تَرَکَهُ فِی حَجْرِهِ وَ نَادَاهَا یَا زَهْرَاءُ فَلَمْ تُکَلِّمْهُ فَنَادَاهَا یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَی فَلَمْ تُکَلِّمْهُ فَنَادَاهَا یَا بِنْتَ مَنْ حَمَلَ الزَّکَاةَ فِی طَرَفِ رِدَائِهِ وَ بَذَلَهَا عَلَی الْفُقَرَاءِ فَلَمْ تُکَلِّمْهُ فَنَادَاهَا یَا ابْنَةَ مَنْ صَلَّی بِالْمَلَائِکَةِ فِی السَّمَاءِ مَثْنَی مَثْنَی فَلَمْ تُکَلِّمْهُ فَنَادَاهَا یَا فَاطِمَةُ کَلِّمِینِی فَأَنَا ابْنُ عَمِّکَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ قَالَ فَفَتَحَتْ عَیْنَیْهَا فِی وَجْهِهِ وَ نَظَرَتْ إِلَیْهِ وَ بَکَتْ وَ بَکَی وَ قَالَ مَا الَّذِی تَجِدِینَهُ فَأَنَا ابْنُ عَمِّکِ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ فَقَالَتْ یَا ابْنَ الْعَمِّ إِنِّی أَجِدُ الْمَوْتَ الَّذِی لَا بُدَّ مِنْهُ وَ لَا مَحِیصَ عَنْهُ وَ أَنَا أَعْلَمُ أَنَّکَ بَعْدِی لَا تَصْبِرُ عَلَی قِلَّةِ التَّزْوِیجِ فَإِنْ أَنْتَ تَزَوَّجْتَ امْرَأَةً اجْعَلْ لَهَا یَوْماً وَ لَیْلَةً وَ اجْعَلْ لِأَوْلَادِی یَوْماً وَ لَیْلَةً یَا أَبَا الْحَسَنِ وَ لَا تَصِحْ فِی وُجُوهِهِمَا فَیُصْبِحَانِ یَتِیمَیْنِ غَرِیبَیْنِ مُنْکَسِرَیْنِ فَإِنَّهُمَا بِالْأَمْسِ فَقَدَا جَدَّهُمَا وَ الْیَوْمَ یَفْقِدَانِ أُمَّهُمَا فَالْوَیْلُ لِأُمَّةٍ تَقْتُلُهُمَا وَ تُبْغِضُهُمَا ثُمَّ أَنْشَأَتْ تَقُولُ

ابْکِنِی إِنْ بَکَیْتَ یَا خَیْرَ هَادٍ ... وَ اسْبِلِ الدَّمْعَ فَهُوَ یَوْمُ الْفِرَاقِ

یَا قَرِینَ الْبَتُولِ أُوصِیکَ بِالنَّسْلِ ... فَقَدْ أَصْبَحَا حَلِیفَ اشْتِیَاقِ

ابْکِنِی وَ ابْکِ لِلْیَتَامَی وَ لَا ... تَنْسَ قَتِیلَ الْعِدَی بِطَفِّ الْعِرَاقِ

فَارَقُوا فَأَصْبَحُوا یَتَامَی حَیَارَی ... یَحْلِفُ اللَّهَ فَهُوَ یَوْمُ الْفِرَاقِ

قَالَتْ فَقَالَ لَهَا عَلِیٌّ ع مِنْ أَیْنَ لَکِ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا الْخَبَرُ وَ الْوَحْیُ قَدِ انْقَطَعَ عَنَّا فَقَالَتْ یَا أَبَا الْحَسَنِ رَقَدْتُ السَّاعَةَ فَرَأَیْتُ حَبِیبِی رَسُولَ اللَّهِ ص فِی قَصْرٍ مِنَ الدُّرِّ الْأَبْیَضِ فَلَمَّا رَآنِی قَالَ هَلُمِّی إِلَیَّ یَا بُنَیَّةَ فَإِنِّی إِلَیْکِ مُشْتَاقٌ فَقُلْتُ وَ اللَّهِ إِنِّی لَأَشَدُّ شَوْقاً مِنْکَ إِلَی لِقَائِکَ فَقَالَ أَنْتِ اللَّیْلَةَ عِنْدِی وَ هُوَ الصَّادِقُ لِمَا وَعَدَ وَ الْمُوفِی لِمَا عَاهَدَ فَإِذَا أَنْتَ قَرَأْتَ یس فَاعْلَمْ أَنِّی قَدْ قَضَیْتُ نَحْبِی فَغَسِّلْنِی وَ لَا تَکْشِفْ عَنِّی فَإِنِّی طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ وَ لْیُصَلِّ عَلَیَّ مَعَکَ مِنْ أَهْلِیَ الْأَدْنَی فَالْأَدْنَی وَ مَنْ رُزِقَ أَجْرِی وَ ادْفِنِّی لَیْلًا فِی قَبْرِی بِهَذَا أَخْبَرَنِی حَبِیبِی رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ عَلِیٌّ وَ اللَّهِ لَقَدْ أَخَذْتُ فِی أَمْرِهَا وَ غَسَّلْتُهَا فِی قَمِیصِهَا وَ لَمْ أَکْشِفْهُ عَنْهَا فَوَ اللَّهِ لَقَدْ کَانَتْ مَیْمُونَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً ثُمَّ حَنَّطْتُهَا مِنْ فَضْلَةِ حَنُوطِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ کَفَّنْتُهَا وَ أَدْرَجْتُهَا فِی أَکْفَانِهَا فَلَمَّا هَمَمْتُ أَنْ أَعْقِدَ الرِّدَاءَ نَادَیْتُ یَا أُمَّ کُلْثُومٍ یَا زَیْنَبُ یَا سُکَیْنَةُ یَا فِضَّةُ یَا حَسَنُ یَا حُسَیْنُ هَلُمُّوا تَزَوَّدُوا مِنْ أُمِّکُمْ فَهَذَا الْفِرَاقُ وَ اللِّقَاءُ فِی الْجَنَّةِ فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ ع وَ هُمَا یُنَادِیَانِ وَا حَسْرَتَا لَا تَنْطَفِئُ أَبَداً مِنْ فَقْدِ جَدِّنَا مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَی وَ أُمِّنَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ یَا أُمَّ الْحَسَنِ یَا أُمَّ الْحُسَیْنِ إِذَا لَقِیتِ جَدَّنَا مُحَمَّداً الْمُصْطَفَی فَأَقْرِئِیهِ مِنَّا السَّلَامَ وَ قُولِی لَهُ إِنَّا قَدْ بَقِینَا بَعْدَکَ یَتِیمَیْنِ فِی دَارِ الدُّنْیَا فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّهَا قَدْ حَنَّتْ وَ أَنَّتْ وَ مَدَّتْ یَدَیْهَا وَ ضَمَّتْهُمَا إِلَی صَدْرِهَا مَلِیّاً وَ إِذَا بِهَاتِفٍ مِنَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

السَّمَاء يُنَادِي يَا أَبَا الْحَسَنِ ارْفَعْهُمَا عَنْهَا فَلَقَدْ أَبْكَيَا وَ اللَّهِ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ فَقَدِ اشْتَاقَ الْحَبِيبُ إِلَى الْمَحْبُوبِ قَالَ فَرَفَعْتُهُمَا عَنْ صَدْرِهَا وَ جَعَلْتُ أَعْقِدُ الرِّدَاءَ وَ أَنَا أُنْشِدُ بِهَذِهِ الْأَبْيَاتِ

فِرَاقُكِ أَعْظَمُ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي ... وَ فَقْدُكِ فَاطِمُ أَدْهَى الثُّكُولِ

سَأَبْكِي حَسْرَةً وَ أَنُوحُ شَجْواً ... عَلَى خَلٍّ مَضَى أَسْنَى سَبِيلٍ

أَلَا يَا عَيْنُ جُودِي وَ أَسْعِدِينِي ... فَحُزْنِي دَائِمٌ أَبْكِي خَلِيلِي

ثُمَّ حَمَلَهَا عَلَى يَدِهِ وَ أَقْبَلَ بِهَا إِلَى قَبْرِ أَبِيهَا وَ نَادَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ مِنِّي السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ التَّحِيَّةُ وَاصِلَةٌ مِنِّي إِلَيْكَ وَ لَدَيْكَ وَ مِنِ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ عَلَيْكَ بِفِنَائِكَ وَ إِنَّ الْوَدِيعَةَ قَدِ اسْتُرِدَّتْ وَ الرَّهِينَةَ قَدْ أُخِذَتْ فَوَا حُزْنَاهُ عَلَى الرَّسُولِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى الْبَتُولِ وَ لَقَدِ اسْوَدَّتْ عَلَيَّ الْغَبْرَاءُ وَ بَعُدَتْ عَنِّي الْخَضْرَاءُ فَوَا حُزْنَاهُ ثُمَّ وَا أَسَفَاهُ ثُمَّ عَدَلَ بِهَا عَلَى الرَّوْضَةِ فَصَلَّى عَلَيْهِ فِي أَهْلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ أَحِبَّائِهِ وَ طَائِفَةٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ فَلَمَّا وَارَاهَا وَ أَلْحَدَهَا فِي لَحْدِهَا أَنْشَأَ بِهَذِهِ الْأَبْيَاتِ يَقُولُ

أَرَى عِلَلَ الدُّنْيَا عَلَيَّ كَثِيرَةً ... وَ صَاحِبُهَا حَتَّى الْمَمَاتِ عَلِيلُ

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ ... وَ إِنَّ بَقَائِي عِنْدَكُمْ لَقَلِيلُ

وَ إِنَّ افْتِقَادِي فَاطِماً بَعْدَ أَحْمَدَ ... دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلُ

ترجمه: (۱) علامه مجلسی گوید: در بعضی از کتابها روایتی در باره وفات حضرت فاطمه علیها السّلام یافتم که دوست دارم آن را بنویسم: ورقة بن عبد اللّه ازدی می‌گوید: من برای رضای خداوند به مکّه مشرّف شدم، در آن زمانی که مشغول طواف بودم با کنیزکی که گندمگون و خوش صورت و خوش کلام بود مواجه شدم، وی با فصاحت و بلاغتی که داشت این دعا را می‌خواند:

اللهم رب الکعبة الحرام، و ... (۱) ای گروه حجّاج! آگاه باشید که آقایان من خوبترین خوبان و برگزیدگان نیکان می‌باشند، افرادی هستند که قدر و منزلت آنان از دیگران برتر است و نام ایشان در همه شهرها مشهور و این لباس افتخار را بر تن کرده‌اند.

ورقة بن عبد اللّه می‌گوید: من به آن کنیزک گفتم: من این طور گمان می‌کنم که تو از دوستداران اهل بیت باشی؟ گفت: آری، گفتم: از کدام دوستان ایشان هستی؟ گفت: من فضّه کنیز فاطمه زهرا دختر پیغمبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشم.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

گفتم: خوش آمدی! و از دیدارت خوشحال هستم که من مشتاق سخن و گفتار تو بودم، اکنون از تو خواهش می‌کنم هنگامی که از طواف فراغت حاصل کردی در بازار طعام توقف کن تا من بیایم، این عمل برای تو ثواب دارد. پس از این گفتگوها از یک دیگر جدا شدیم.

پس از آنکه من از طواف فراغت حاصل نمودم و به سوی منزل خود روانه شدم و از طریق بازار طعام می‌رفتم دیدم فضّه در کناری نشسته است. به سوی او رفتم و او را به کناری بردم و هدیه‌ای به وی دادم که صدقه نبود. سپس به او گفتم: مرا از بانویت فاطمه زهرا آگاه کن و آنچه را که وی بعد از فوت پدرش دید، برایم شرح بده!

ورقة بن عبد اللَّه می‌گوید: وقتی او سخن مرا شنید چشمانش پر از اشک شد، آنگاه با ناله و ندبه گفت:

ای ورقة بن عبد اللَّه! غم و اندوه مرا تجدید کردی، اندوهی را که در قلب من نهان بود برانگیختی! اکنون بشنو تا آنچه را که از حضرت فاطمه مشاهده نمودم بگویم:

بدان موقعی که پیغمبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از دنیا رحلت کرد مردم از صغیر و کبیر برای آن حضرت ضجّه و گریه کردند، مصیبت رحلت پیامبر خدا برای نزدیکان و یاران، و دوستان بسیار بزرگ بود، هیچ زن و مردی دیده نمی‌شد مگر اینکه مشغول گریه و ناله و ندبه بود. در میان اهل زمین و اصحاب و خویشاوندان و دوستان کسی نبود که حزن و غم و اندوه وی از بانوی من فاطمه زهرا شدیدتر باشد. غم و غصه بانوی من همچنان زیاد می‌شد و گریه‌اش شدّت می‌گرفت.

(۱) هفت روز بود که ناله فاطمه علیها السّلام آرام نمی‌شد هر روزی که می‌گذشت گریه حضرت زهرا از روز گذشته بیشتر می‌شد، در روز هشتم فاطمه کلیه غم و اندوه درونی خود را ظاهر کرد و به علّت کم طاقتی خارج شد و فریاد کشید، گویا با دهان مبارک پیامبر سخن می‌گوید.

در همین موقع بود که زنان مدینه دویدند، کودکان از جایگاه خود خارج شدند، صدای مردم به گریه و ضجّه بلند شد، مردم از هر طرف آمدند، چراغها را خاموش کردند که صورت زنان پیدا نباشد، زنان خیال می‌کردند که پیغمبر معظم اسلام صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم سر از قبر بیرون آورده! مردم به علّت آن منظره دلخراش دچار وحشت و حیرت شده بودند. حضرت زهرا برای پدر بزرگوارش ناله و ندبه می‌کرد و می‌فرمود:

وا ابتاه! وا صفیاه! وا محمّداه! وا ابا القاسماه! وا ربیع الارامل و الیتامی! من للقبلة و المصلی؟ من لا بنتک الوالهة و الثکلی! سپس در حالی که دامن لباسش به زمین کشیده می‌شد به سوی قبر پدر بزرگوارش روانه گردید. او از شدت اشک چیزی را نمی‌دید و همچنان می‌آمد تا نزدیک قبر پدر فقیدش رسید. و چون به سوی حجره رفت و چشمش به محلّی که در آنجا اذان گفته می‌شود افتاد پاهایش از رفتن باز ماند، ناله و گریه وی همچنان ادامه

داشت تا اینکه غش کرد. آنگاه زنان دویدند و آب بر بدن و سینه و صورت او پاشیدند تا به هوش آید آن هنگام که به هوش آمد، برخاست و فرمود:

قدرت و قوّت من تمام شد، طاقتم به سر آمد، دشمن من مرا شماتت و سرزنش کرد، غم و اندوه مرا می‌کشد، پدر جان! من سرگردان و تنها و حیران مانده‌ام، زبان و صدای من ساکت شد، پشت من خم و زندگی من ناگوار و روزگارم تیره و تار گردید.

پدر جان! بعد از تو انیس و مونسی ندارم، کسی نیست که مرا از گریه آرام نماید و به هنگام ناتوانی یار و معین من باشد. پدر جان! بعد از تو مکان نزول قرآن از بین رفت، محل هبوط جبرئیل و میکائیل ناپدید شد.

پدر جان! بعد از تو اسباب (خیر و برکت) دگرگون شد، درهای چاره به روی من بسته شد! بعد از تو دنیا را ترک نموده‌ام.

(۱) پدر جان! تا نفس می‌کشم برای تو گریه می‌کنم و مشتاق تو می‌باشم و غم و اندوه من برای تو ادامه دارد.

سپس ندا سر داد: پدر جان! پدر جان! و بعد این اشعار را خواند:

۱- حقّا که غم و اندوه من برای تو تجدید می‌شود. به خداوند سوگند که قلب من فرو می‌ریزد.

۲- و در هر روزی آه و افسوس من افزون خواهد شد، رنجی که برای فقدان تو می‌برم، تمام نخواهد شد.

۳- این پیش آمد ناگوار عزا و مصیبت مرا بزرگ نمود، گریه من همه وقت تجدید می‌شود.

۴- حقّا آن قلبی که در عزا و مصیبت تو صبور باشد بسیار شکیبا و پر طاقت خواهد بود.

آنگاه فرمود: پدر جان! بعد از رفتن تو نورهای دنیا منقطع شد، دنیا آن تر و تازگی را که با بودن تو داشت از دست داد و روزگار تیره و تار گردید. تاریکی‌های دنیا تر و خشک آن را فرا گرفت.

پدر جان! من تا آن هنگام که تو را ملاقات نمایم تأسف می‌خورم.

پدر جان! پس از مفارقت تو چشم من به خواب نرفته.

پدر جان! کیست که به داد بیوه زنان و بینوایان برسد؟ کیست که تا روز قیامت به داد امّت تو برسد؟

پدر جان! ما بعد از تو ضعیف و ناتوان شدیم.

پدر جان! مردم از ما روگردان شده‌اند، در صورتی که ما به واسطه تو در میان مردم معظّم و بزرگ به شمار می‌رفتیم. کدام اشک است که در فراق تو فرو نریزد؟! کدام غم و اندوه است که بعد از تو برای مصیبت تو دائمی نباشد؟! کدام چشم است که بعد از تو به خواب رود؟! در صورتی که تو بهار دین و نور پیامبران بودی، چگونه است که کوهها خراب نشدند و دریاها فرو نرفتند و زمین طعمه زلزله نگردید؟! پدر جان! من دچار مصیبت بزرگی شدم، این مصیبت من مصیبت کوچکی نیست.

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

پدر جان! من مغلوب این عزای بزرگ و این پیش آمد هولناک گردیدم.

(۱) پدر جان! ملائکه برای تو گریان شدند و افلاک از حرکت ایستادند، منبرت بعد از تو دچار وحشت و محرابت از وجود تو خالی شد، قبر تو برای اینکه تو را در بر گرفته خوشحال و بهشت به تو و دعا و نماز تو مشتاق گردید.

پدر جان! آن مجالسی که تو داشتی (با رفتن تو) دچار ظلمت بزرگی شده‌اند. برای تو متأسفم تا اینکه به همین زودی نزد تو بیایم. ابو الحسن تو را از دست داد، همان ابو الحسنی که: مؤتمن، پدر دو فرزند تو حسن و حسین، برادر تو دوست تو و محبوب تو می‌باشد.

همان علی که تو او را از زمان کودکی پرورش دادی در زمان بزرگسالی او با وی برادر شدی، همان علی که محبوبترین دوستان و اصحاب تو بود، همان علی که در اسلام آوردن و هجرت نمودن و یاری کردن تو بر همه سبقت گرفت، ما تو را از دست دادیم، گریه قاتل ما خواهد بود، تأسف همراه و مونس ما گردید.

سپس آن بانو فریادی زد و ناله‌ای کرد که نزدیک بود روح از بدنش مفارقت نماید، آنگاه این اشعار را قرائت کرد:

۱- صبر من کم و عزای من آشکار شد بعد از آنکه خاتم انبیا را از دست دادم.

۲- ای چشم من، اشک فراوان بریز! ای چشم من، وای بر تو، بخل مکن و خون گریه کن! ۳- ای رسول خدا! ای برگزیده خدا! ای پناهگاه یتیمان و ضعیفان! ۴- حقّا که کوه‌ها و وحوش و پرندگان و زمین بعد از گریه آسمان برای تو گریان شدند.

۶- محراب عبادت و مجلس درس قرآن که در هر صبح و شام تشکیل می‌شد برای تو گریه می‌کنند.

۷- دین اسلام که در میان مردم یکی از غربا به شمار می‌رود در مصیبت تو گریان شد.

۸- کاش آن منبری را که بر فراز آن می‌رفتی می‌دیدی که چگونه بعد از نور وجودت، اکنون ظلمت آن را فرا گرفته.

۹- ای خدای زهرا اجل مرا به زودی برسان! زیرا زندگی من تیره و تار گردید.

سپس به جانب منزل خود بازگشت و شب و روز شروع به گریه و ناله کرد، اشک وی خشک نمی‌شد و ناله و ضجّه‌اش آرام نمی‌گرفت.

(۱) بزرگان اهل مدینه اجتماع کردند و به حضور امیر المؤمنین علی علیه السّلام آمدند و گفتند:

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ای ابو الحسن! فاطمه شب و روز گریه می‌کند، هیچ کدام از ما شب در رختخواب به خواب نمی‌رویم، در حالی که روزها به علّت مشغله و طلب معاش قرار و آرام نداریم، ما از تو تقاضا می‌کنیم که فاطمه یا شب گریه کند و یا روز.

حضرت امیر فرمود: مانعی ندارد. علی علیه السّلام این موضوع را با فاطمه علیها السّلام در میان نهاد ولی متوجّه شد که آن حضرت از گریه ساکت نمی‌شود و تسلیت گفتن برای او ثمری ندارد.

در این حال فاطمه علیها السّلام گفت: ای ابو الحسن! من چندان مکثی در میان این مردم نخواهم کرد و به زودی از میان این مردم می‌روم، علی جان به خداوند سوگند من شب و روز از گریه آرام نخواهم گرفت تا اینکه به پدرم ملحق شوم. حضرت امیر فرمود: باشد، هر طور که میل داری انجام بده.

علی علیه السّلام بعد از آن، اطاقی خارج از شهر مدینه برای حضرت فاطمه علیها السّلام ساخت که آن را بیت الاحزان می‌گفتند. به هنگام صبح فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام را برمی‌داشت و به بقیع می‌رفت و همچنان تا شب مشغول گریه بود. و چون شب فرا می‌رسید حضرت امیر می‌آمد و فاطمه را به منزل باز می‌گردانید.

حضرت فاطمه پس از فوت پدر بزرگوارش مدت بیست و هفت روز این برنامه را انجام می‌داد، آنگاه مریض شد و تا چهل روز زنده بود و سپس از دنیا رحلت کرد. به هنگام رحلت آن حضرت، علی علیه السّلام نماز ظهر را خوانده به سوی منزل بازگشت. کنیزان را دید در حالی به استقبال آن حضرت آمدند در حالی که گریان و محزون بودند.

امام علیه السّلام به ایشان فرمود: چه خبر شده، چرا شما را ناراحت و مضطرب می‌بینم؟! گفتند: یا امیر المؤمنین! دختر عموی خود زهرا را دریاب، گر چه گمان نمی‌کنیم حاصلی داشته باشد.

حضرت علی به سرعت به سوی اطاق فاطمه رفت و بر آن بانو وارد شد، ناگاه دید فاطمه در میان بستر خویش (کتان سفید مصری) افتاده و به طرف راست و چپ می‌غلطد.

علی علیه السّلام ردا را از دوش خود و عمّامه را از سر مبارک خویش افکند و لباس خود را درآورد، آنگاه آمد و سر مبارک حضرت زهرا را به دامن گرفت و فرمود: ای زهرا!

(۱) ولی حضرت فاطمه سخنی نگفت. برای دومین بار فرمود: ای دختر محمّد مصطفی! فاطمه زهرا باز جوابی نداد! علی علیه السّلام برای سومین بار صدا زد:

ای دختر آن کسی که زکات را در دامن عبای خود برای فقرا می‌برد! جوابی نشنید.

ای دختر آن کسی که با ملائکه نماز خواند! حضرت زهرا علیها السّلام جوابی نداد.

علی علیه السّلام صدا زد:ای فاطمه، با من سخن بگو! من پسر عموی تو علی بن ابی طالب هستم.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فاطمه چشمان خود را به روی او باز کرد، آنگاه آن بانو گریست و علی علیه السّلام هم گریان شد و به زهرای اطهر فرمود: مگر تو را چه شده؟ من پسر عمویت علی هستم.

فاطمه گفت: ای پسر عمو! من اکنون آن مرگی را مشاهده می‌کنم که نمی‌توان از دست آن گریخت. من می‌دانم که تو بعد از من نمی‌توانی ازدواج نکنی، یا علی! اگر ازدواج کردی یک شب و یک روز نزد همسرت و یک شب و یک روز پیش فرزندان من باش.

علی جان! به صورت حسن و حسینم سیلی نزنی، زیرا ایشان یتیم و دل شکسته‌اند، دیروز بود که آنان جدّ بزرگوار خود را از دست دادند، امروز هم مادر خود را از دست می‌دهند.

وای بر آن امّتی که آنان را می‌کشند و با ایشان بغض و دشمنی می‌ورزند!! آنگاه اشعاری را بدین ترتیب خواند:

۱- اگر گریه می‌کنی بر من گریه کن ای بهترین هدایت‌کنندگان، و اشک بریز که روز فراق رسید.

۲- ای همسر بتول! من در باره نسل خود به تو سفارش می‌کنم، زیرا که ایشان ملازم اسلام می‌باشند.

۳- برای من و یتیم‌های من گریه کن، مخصوصا کشته و قتیل کربلا را فراموش نکنی.

۴- ایشان مفارقت می‌کنند و یتیمانی حیران و سرگردان می‌شوند، خداوند مقرّر کرده که روز فراق است.

حضرت امیر به زهرای اطهر فرمود: ای دختر رسول خدا! تو این مطلب را از کجا می‌گویی، در صورتی که وحی خدا از خاندان ما قطع شده است؟! فاطمه گفت: ای ابو الحسن! من امروز خواب دیدم که پدر بزرگوارم در میان قصری از جواهرات سفید است، چون مرا دید فرمود:

دخترم! نزد من بیا، زیرا من مشتاق تو هستم. (۱) گفتم: پدر جان! به خداوند سوگند که من بیشتر شوق ملاقات تو را دارم. پدر فرمود: تو امشب نزد من خواهی بود.

گفتار پدرم همیشه راست است و به وعده خود وفا خواهد کرد.

علی جان! هنگامی که دیدی من سوره یس را قرائت نمودم بدان که اجلم فرا رسیده، مرا غسل بده، ولی بدنم را برهنه نکن، زیرا من پاک و مطهّر می‌باشم.

علی جان! خودت و اهل خانه‌ام که به من نزدیک هستند بر جنازه‌ام نماز بخوانید.

علی جان! مرا شبانه به خاک بسپار، این نحوه را پدرم پیغمبر خدا به من خبر داده.

حضرت امیر علیه السّلام می‌فرماید: به خداوند سوگند من متصدی امر آن بانو شدم و بدن وی را از زیر پیراهن غسل دادم، به خداوند سوگند که بدن فاطمه زهرا پاک و مطهّر بود، آنگاه بدن مقدس او را از باقیمانده حنوط پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حنوط کردم، سپس پیکر مبارکش را در میان کفنهایش جای دادم و چون تصمیم گرفتم کفن او را گره بزنم، صدا زدم:

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ای امّ کلثوم، زینب، سکینه، فضّه، حسن و حسین! بیایید و مادر خود را برای آخرین بار ببینید، روز فراق آمد و ملاقات شما در بهشت خواهد بود.

حسنی و حسین علیهما السّلام در حالی آمدند که فریاد می‌زدند: آه از این حسرتی که هیچ وقت به علّت از دست دادن جدّمان، پیامبر خدا و مادرمان، فاطمه زهرا از بین نخواهد رفت.

ای مادر حسن و حسین! هنگامی که جدّ ما حضرت محمّد مصطفی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را ملاقات نمودی سلام ما را به آن حضرت برسان و به آن بزرگوار بگو:

ما بعد از تو در دار دنیا یتیم ماندیم! حضرت علی می‌فرماید: من خداوند را شاهد می‌گیرم که فاطمه زهرا آه و ناله کرد، دستهای خود را دراز نمود و حسنین را چند لحظه‌ای به سینه خود چسبانید. ناگاه هاتفی از آسمان ندا در داد:

ای ابو الحسن! حسین را از روی سینه فاطمه بردار، به خداوند سوگند که ملائکه آسمانها را گریان کردند، زیرا دوست مشتاق لقای دوست است.

(۱) حضرت امیر علیه السّلام می‌فرماید: من حسنین را از روی سینه زهرا برداشتم و در حال بستن بندهای کفن این اشعار را سرودم:

۱- مفارقت تو برایم بزرگترین امور است، و از دست دادن تو سخت‌ترین مصیبت.

۲- من برای حسرت و غم آن کسی گریه و ناله می‌کنم که بهترین راه را برای مرگ پیمود.

۳- ای چشم من! با من مساعدت و همراهی کن که محزون دائمی هستم و برای دوست خودم گریان.

سپس امیر المؤمنین علی علیه السّلام جسد فاطمه زهرا را روی دست خویشتن گرفت و به سوی قبر پدرش رسول خدا آورد و فرمود:

سلام بر تو ای رسول خدا! سلام بر تو ای حبیب خدا! سلام بر تو ای نور خدا! سلام بر تو ای برگزیده خدا! درود و تحیّت من و دخترت فاطمه که بر تو وارد می‌شود بر تو باد. حقّا که امانت مسترد گردید.

آه از حزن رسول! آه از حزن بتول! دنیا برای من تیره و تار شد. خوشحالی و سرور از من دور شد. آه از حزن و تأسف من! آنگاه جنازه آن بانو را نزدیک قبر پیغمبر خدا آورد و با گروهی از اهل خانه خود و اصحاب و دوستان و برخی از مهاجرین و انصار بر بدن مبارک حضرت زهرا نماز خواند.

و چون پیکر فاطمه را به خاک سپرد و در لحد جای داد اشعاری خواند بدین مضمون:

۱- مصایب و مشکلات دنیا برای من زیاد است، همنشین دنیا که دنیا طلب باشد تا زمان مرگ علیل خواهد بود.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

۲- بعد از آنکه دو نفر با هم دوستی نمودند البتّه فراقی وجود خواهد داشت، حقّا که بقای من نزد شما قلیل و اندک خواهد بود.

۳- حقّا از دست دادن فاطمه زهرا که بعد از رسول خدا برای من اتّفاق افتاد دلیل بر این است که هیچ دوستی تا ابد برقرار نخواهد بود.

[متن عربی] ۱۵ ۳۲۶/ ۱۶- المناقب «۱» قُبِضَ النَّبِيُّ ص وَ لَهَا يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَاشَتْ بَعْدَهُ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ يَوْماً وَ يُقَالُ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْماً وَ قِيلَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ قَالَ الْقُرْبَانِيُّ قَدْ قِيلَ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ هُوَ أَصَحُّ وَ تُوُفِّيَتْ ع لَيْلَةَ الْأَحَدِ لِثَلَاثَ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَتْ مِنْ شَهْرِ رَبِيعٍ الْآخِرِ سَنَةَ إِحْدَى عَشْرَةَ مِنَ الْهِجْرَةِ وَ مَشْهَدُهَا بِالْبَقِيعِ وَ قَالُوا إِنَّهَا دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا وَ قَالُوا قَبْرُهَا بَيْنَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مِنْبَرِهِ السَّمْعَانِيُّ فِي الْخَصَائِصِ وَ ابْنُ مَرْدَوَيْهِ فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ الزَّمَخْشَرِيُّ فِي الْفَائِقِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيٍّ قَبْلَ مَوْتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ أُوصِيكَ بِرَيْحَانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيَا فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُّ رُكْنَاكَ عَلَيْكَ قَالَ فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ عَلِيٌّ هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ قَالَ عَلِيٌّ هَذَا هُوَ الرُّكْنُ الثَّانِي. الْبُخَارِيُّ وَ مُسْلِمٌ وَ الْحِلْيَةُ وَ مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ رَوَتْ عَائِشَةُ أَنَّ النَّبِيَّ ص دَعَا فَاطِمَةَ فِي شَكْوَاهُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ فَسَارَّهَا بِشَيْءٍ فَبَكَتْ ثُمَّ دَعَاهَا فَسَارَّهَا فَضَحِكَتْ فَسَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ أَخْبَرَنِي النَّبِيُّ ص أَنَّهُ مَقْبُوضٌ فَبَكَيْتُ ثُمَّ أَخْبَرَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقاً بِهِ فَضَحِكْتُ

كِتَابُ ابْنِ شَاهِينٍ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ وَ عَائِشَةُ إِنَّهَا لَمَّا سُئِلَتْ عَنْ بُكَائِهَا وَ ضِحْكِهَا قَالَتْ أَخْبَرَنِي النَّبِيُّ ص أَنَّهُ مَقْبُوضٌ ثُمَّ أَخْبَرَ أَنَّ بَنِيَّ سَيُصِيبُهُمْ بَعْدِي شِدَّةٌ فَبَكَيْتُ ثُمَّ أَخْبَرَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقاً بِهِ فَضَحِكْتُ

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَكْرٍ الْجِعَابِيِّ وَ أَبِي نُعَيْمٍ الْفَضْلِ بْنِ دُكَيْنٍ وَ الشَّعْبِيِّ عَنْ مَسْرُوقٍ وَ فِي السُّنَنِ عَنِ الْقَزْوِينِيِّ وَ الْإِبَانَةِ عَنِ الْعُكْبَرِيِّ وَ الْمُسْنَدِ عَنِ الْمَوْصِلِيِّ وَ الْفَضَائِلِ عَنْ أَحْمَدَ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَتْ عَائِشَةُ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ تَمْشِي كَأَنَّ مِشْيَتَهَا مِشْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَرْحَباً بِابْنَتِي فَأَجْلَسَهَا عَنْ يَمِينِهِ وَ أَسَرَّ إِلَيْهَا حَدِيثاً فَبَكَتْ ثُمَّ أَسَرَّ إِلَيْهَا حَدِيثاً فَضَحِكَتْ فَسَأَلْتُهَا عَنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ مَا أُفْشِي سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى إِذَا قُبِضَ سَأَلْتُهَا فَقَالَتْ إِنَّهُ أَسَرَّ إِلَيَّ فَقَالَ إِنَّ جَبْرَئِيلَ كَانَ يُعَارِضُنِي بِالْقُرْآنِ كُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً وَ إِنَّهُ عَارَضَنِي بِهِ الْعَامَ مَرَّتَيْنِ وَ لَا أُرَانِي إِلَّا وَ قَدْ حَضَرَ أَجَلِي وَ إِنَّكِ لَأَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِي لُحُوقاً بِي وَ نِعْمَ السَّلَفُ أَنَا لَكِ بَكَيْتُ لِذَلِكَ ثُمَّ قَالَ أَ لَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ فَضَحِكْتُ لِذَلِكَ وَ رُوِيَ أَنَّهَا مَا زَالَتْ بَعْدَ أَبِيهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ نَاحِلَةَ الْجِسْمِ مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ بَاكِيَةَ الْعَيْنِ مُحْتَرِقَةَ الْقَلْبِ يُغْشَى عَلَيْهَا سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ وَ تَقُولُ لِوَلَدَيْهَا أَيْنَ أَبُوكُمَا الَّذِي كَانَ يُكْرِمُكُمَا وَ يَحْمِلُكُمَا مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ أَيْنَ أَبُوكُمَا الَّذِي كَانَ أَشَدَّ النَّاسِ شَفَقَةً عَلَيْكُمَا فَلَا يَدَعُكُمَا تَمْشِيَانِ عَلَى الْأَرْضِ وَ لَا أَرَاهُ يَفْتَحُ هَذَا الْبَابَ أَبَداً وَ لَا يَحْمِلُكُمَا عَلَى عَاتِقِهِ كَمَا لَمْ يَزَلْ يَفْعَلُ بِكُمَا ثُمَّ مَرِضَتْ وَ مَكَثَتْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ دَعَتْ أُمَّ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

أَيْمَنَ وَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ وَ عَلِيّاً ع وَ أَوْصَتْ إِلَى عَلِيٍّ بِثَلَاثٍ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِابْنَةِ أُخْتِهَا أُمَامَةَ لِحُبِّهَا أَوْلَادَهَا وَ أَنْ يَتَّخِذَ نَعْشاً لِأَنَّهَا كَانَتْ رَأَتِ الْمَلَائِكَةَ تَصَوَّرُوا صُورَتَهُ وَ وَصَفَتْهُ لَهُ وَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جَنَازَتَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ أَنْ لَا يَتْرُكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ

وَ ذَكَرَ مُسْلِمٌ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ يَذْكُرُ فِيهِ أَنَّ فَاطِمَةَ أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ الْقِصَّةَ قَالَ فَهَجَرَتْهُ وَ لَمْ تُكَلِّمْهُ حَتَّى تُوُفِّيَتْ وَ لَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ يُصَلِّي عَلَيْهَا

الْوَاقِدِيُّ أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ أَوْصَتْ عَلِيّاً أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَعَمِلَ بِوَصِيَّتِهَا

عِيسَى بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُخَوَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عُمَرَ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ ابْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَوْصَتْ فَاطِمَةُ أَنْ لَا يَعْلَمَ إِذَا مَاتَتْ أَبُو بَكْرٍ وَ لَا عُمَرُ وَ لَا يُصَلِّيَا عَلَيْهَا قَالَ فَدَفَنَهَا عَلِيٌّ ع لَيْلًا وَ لَمْ يُعْلِمْهُمَا بِذَلِكَ

تَارِيخُ أَبِي بَكْرِ بْنِ كَامِلٍ قَالَتْ عَائِشَةُ عَاشَتْ فَاطِمَةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوُفِّيَتْ دَفَنَهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَ صَلَّى عَلَيْهَا عَلِيٌّ. وَ رُوِيَ فِيهِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ وَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ الْقَطَّانِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ أَنَّ فَاطِمَةَ ع دُفِنَتْ لَيْلًا وَ عَنْهُ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع دَفَنُوهَا لَيْلًا وَ غَيَّبُوا قَبْرَهَا تَارِيخُ الطَّبَرِيِّ إِنَّ فَاطِمَةَ دُفِنَتْ لَيْلًا وَ لَمْ يَحْضُرْهَا إِلَّا الْعَبَّاسُ وَ عَلِيٌّ وَ الْمِقْدَادُ وَ الزُّبَيْرُ وَ فِي رِوَايَاتِنَا أَنَّهُ صَلَّى عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَقِيلٌ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَمَّارٌ وَ بُرَيْدَةُ وَ فِي رِوَايَةٍ وَ الْعَبَّاسُ وَ ابْنُهُ الْفَضْلُ وَ فِي رِوَايَةٍ وَ حُذَيْفَةُ وَ ابْنُ مَسْعُودٍ

الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ أَنَّهُ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَنْ دَفْنِهَا لَيْلًا فَقَالَ إِنَّهَا كَانَتْ سَاخِطَةً عَلَى قَوْمٍ كَرِهَتْ حُضُورَهُمْ جِنَازَتَهَا وَ حَرَامٌ عَلَى مَنْ يَتَوَلَّاهُمْ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ وُلْدِهَا . وَ رُوِيَ أَنَّهُ سَوَّى قَبْرَهَا مَعَ الْأَرْضِ مُسْتَوِياً وَ قَالُوا سَوَّى حَوَالَيْهَا قُبُوراً مُزَوَّرَةً مِقْدَارَ سَبْعَةٍ حَتَّى لَا يُعْرَفَ قَبْرُهَا. وَ رُوِيَ أَنَّهُ رَشَّ أَرْبَعِينَ قَبْراً حَتَّى لَا يَبِينَ قَبْرُهَا مِنْ غَيْرِهِ مِنَ الْقُبُورِ فَيُصَلُّوا عَلَيْهَا. أَبُو عَبْدِ اللَّهِ حَمَّوَيْهِ بْنُ عَلِيٍّ الْبَصْرِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنُ بَطَّةَ بِأَسَانِيدِهِمْ قَالَتْ أُمُّ سَلْمَى امْرَأَةُ أَبِي رَافِعٍ اشْتَكَتْ فَاطِمَةُ شَكْوَاهَا الَّتِي قُبِضَتْ فِيهَا وَ كُنْتُ أُمَرِّضُهَا فَأَصْبَحْتُ يَوْماً أُسَكِّنُ مَا كَانَتْ فَخَرَجَ عَلِيٌّ إِلَى بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَقَالَتِ اسْكُبِي لِي غَسْلًا فَسَكَبْتُ فَقَامَتْ وَ اغْتَسَلَتْ أَحْسَنَ مَا يَكُونُ مِنَ الْغُسْلِ ثُمَّ لَبِسَتْ أَثْوَابَهَا الْجُدُدَ ثُمَّ قَالَتِ افْرُشِي فِرَاشِي وَسَطَ الْبَيْتِ ثُمَّ اسْتَقْبَلَتِ الْقِبْلَةَ وَ نَامَتْ وَ قَالَتْ أَنَا مَقْبُوضَةٌ وَ قَدِ اغْتَسَلْتُ فَلَا يَكْشِفُنِي أَحَدٌ ثُمَّ وَضَعَتْ خَدَّهَا عَلَى يَدِهَا وَ مَاتَتْ

وَ قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ أَوْصَتْ إِلَيَّ فَاطِمَةُ أَنْ لَا يُغَسِّلَهَا إِذَا مَاتَتْ إِلَّا أَنَا وَ عَلِيٌّ فَأَعَنْتُ عَلِيّاً عَلَى غُسْلِهَا

كِتَابُ الْبَلَاذُرِيِّ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع غَسَلَهَا مِنْ مَعْقِدِ الْإِزَارِ وَ إِنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ غَسَلَتْهَا مِنْ أَسْفَلِ ذَلِكَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

أَبُو الْحَسَنِ الْخَزَّازُ الْقُمِّيُّ فِي الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ فَاطِمَةَ مَنْ غَسَّلَهَا فَقَالَ غَسَّلَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِأَنَّهَا كَانَتْ صِدِّيقَةً وَ لَمْ يَكُنْ لِيُغَسِّلَهَا إِلَّا صِدِّيقٌ وَ رُوِيَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ عِنْدَ دَفْنِهَا السَّلَامُ عَلَيْكَ إِلَى آخِرِ مَا سَيَأْتِي نَقْلًا مِنَ الْكَافِي وَ رُوِيَ أَنَّهُ لَمَّا صَارَ بِهَا إِلَى الْقَبْرِ الْمُبَارَكِ خَرَجَتْ يَدٌ فَتَنَاوَلَتْهَا وَ انْصَرَفَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْهَمْدَانِيُّ وَ حُمَيْدٌ الطَّوِيلُ أَنَّهُ ع أَنْشَأَ عَلَى شَفِيرِ قَبْرِهَا

ذَكَرْتُ أَبَا وُدِّي فَبِتُّ كَأَنَّنِي ... بِرَدِّ الْهُمُومِ الْمَاضِيَاتِ وَكِيلُ

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ ... وَ كُلُّ الَّذِي دُونَ الْفِرَاقِ قَلِيلُ

وَ إِنَّ افْتِقَادِي فَاطِماً بَعْدَ أَحْمَدَ ... دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلُ

فَأَجَابَ هَاتِفٌ

يُرِيدُ الْفَتَى أَنْ لَا يَمُوتَ خَلِيلُهُ ... وَ لَيْسَ لَهُ إِلَّا الْمَمَاتَ سَبِيلُ

فَلَا بُدَّ مِنْ مَوْتٍ وَ لَا بُدَّ مِنْ بِلًى ... وَ إِنَّ بَقَائِي بَعْدَكُمْ لَقَلِيلُ

إِذَا انْقَطَعَتْ يَوْماً مِنَ الْعَيْشِ مُدَّتِي ... فَإِنَّ بُكَاءَ الْبَاكِيَاتِ قَلِيلُ

سَتُعْرَضُ عَنْ ذِكْرِي وَ تُنْسَى مَوَدَّتِي ... وَ يَحْدُثُ بَعْدِي لِلْخَلِيلِ بَدِيلُ

بيان أبا ودي أي من كان يلازم ودي و حبي و الحاصل أني ذكرت محبوبي فبت كأنني لشدة همومي ضامن لرد كل هم و حزن كان لي قبل ذلك و قوله فلا بد من موت لعله من تتمة أبياته ع لا كلام الهاتف و لو كان من كلام الهاتف فلعله ألقاه على وجه التلقين

ترجمه: (۱) در مناقب ابن شهر آشوب روایت شده است: موقعی که پیغمبر اسلام از دنیا رحلت کرد از عمر حضرت فاطمه هجده سال و هفت ماه گذشته بود، بعد از پدر بزرگوارش مدت هفتاد و دو روز زنده بود. هفتاد و پنج روز و چهار ماه هم گفته شده. قربانی گفته: چهل روز زنده بود و این قول صحیح است. فاطمه زهرا در شب یک شنبه، سیزدهم ماه ربیع الاوّل سال یازدهم پس از هجرت از دنیا رحلت نمود. قبر مقدّسش در بقیع است. گفته‌اند: قبرش در خانه خودش می‌باشد. قول دیگر آن است که قبرش ما بین قبر و منبر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است. گروهی از علمای اهل تسنّن از جابر نقل نموده‌اند که گفت:

پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم قبل از رحلت خود به حضرت علی بن ابی طالب فرمود:

سلام بر تو باد، ای پدر دو نوگل من! من در باره این دو گل دنیوی خود به تو توصیه می‌کنم، طولی نمی‌کشد که دو رکن تو از بین خواهد رفت.

جابر می‌گوید: هنگامی که رسول خدا از دنیا رفت حضرت علی فرمود: این یکی از آن دو رکن من بود که پیغمبر خدا فرمود. هنگامی که فاطمه از دنیا رفت علی علیه السّلام فرمود: این دومین رکن من بود.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

روایت شده که حضرت زهرا بعد از فوت پدر بزرگوارش دائما سر خود را می‌بست، جسمش ناتوان بود، قوّت خود را از دست داده بود، چشمانش گریان و قلبی سوخته داشت، ساعت به ساعت غش می‌کرد و به حسنین علیهما السّلام می‌فرمود: (۱) پدر (یعنی جدّ) شما که شما را گرامی می‌داشت و مرتّب شما را در آغوش می‌گرفت کجاست؟ کجاست آن جدّ شما که از همه مردم بیشتر به شما مهربان بود، نمی‌گذاشت که روی زمین راه بروید، افسوس که هرگز نخواهم دید جدّ شما در خانه مرا باز نماید و شما را به دوش خود بگیرد، در صورتی که دائما این عمل را انجام می‌داد. سپس حضرت زهرا مریض شد و مدت چهل شب بیماری او ادامه پیدا کرد.

آنگاه امّ ایمن و اسماء بنت عمیس و علی علیه السّلام را خواست و به علی سه وصیّت کرد:

۱- با امامه دختر خواهرش ازدواج نماید، زیرا که او فرزندان حضرت زهرا را دوست می‌داشت.

۲- از برای حضرت فاطمه تابوت بسازد، زیرا ملائکه صورت تابوت را به او نشان داده بودند و آن بانو اوصاف آن را برای حضرت امیر شرح داد.

۳- احدی از آن افرادی که در حقّ آن بانو ظلم کرده بودند در تشیع جنازه‌اش حاضر نشوند و بر جنازه‌اش نماز نخوانند.

مسلم و واقدی و ابن عبّاس و دیگران روایت کرده‌اند که حضرت فاطمه وصیّت کرد:

ابو بکر و عمر به جنازه‌اش نماز نخوانند و جنازه‌اش را شبانه به خاک بسپارند.

در تاریخ طبری می‌نگارد: فاطمه علیها السّلام شبانه دفن شد، و غیر از عبّاس و علی و مقداد و زبیر کسی در تشیع جنازه آن بانو حاضر نشد.

در روایت ما نقل شده که: حضرت علی، حسن، حسین، عقیل، سلمان، ابو ذر، مقداد عمار و بریده، بنا به روایتی: عبّاس و پسرش فضل و طبق روایت دیگر حذیفه و ابن مسعود به جنازه آن حضرت نماز خواندند.

اصبغ بن نباته می‌گوید: از حضرت علی در باره اینکه فاطمه شبانه دفن گردید جویا شدند، فرمود: به علّت اینکه فاطمه زهرا بر گروهی خشمناک بود و راضی نبود که آنان برای تشییع جنازه‌اش حاضر شوند. و بر کسانی که آنان را دوست نداشته باشند حرام است که بر جنازه احدی از فرزندان فاطمه نماز بخوانند.

روایت شده: حضرت علی قبر فاطمه علیها السّلام را با زمین یکسان نمود.

گفته‌اند: علی علیه السّلام تعداد هفت قبر شبیه به قبر فاطمه تشکیل داد که قبر آن بانو شناخته نشود. (۱) روایت شده که چهل قبر برای حضرت زهرا ترتیب داد تا قبر واقعی آن بانو تشخیص داده نشود و کسی حتی بر قبر او نماز نخواند.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

از سلمی زوجه ابو رافع روایت شده که گفت: من حضرت فاطمه را در آن بیماری که از دنیا رفت پرستاری می‌کردم، یک روز حضرت علی به دنبال کار خود رفت و حضرت زهرا به من فرمود: آب بیاور تا غسل کنم. وقتی آب آوردم آن بانو برخاست و نیکوترین غسل را به جای آورد، آنگاه لباسهای جدید خود را پوشید، سپس به من فرمود: رختخواب مرا در میان اطاق بینداز. وقتی رختخواب وی را انداختم او رو به قبله خوابید و فرمود: من قبض روح می‌شوم. مبادا کسی بدنم را برهنه کند چون غسل کرده‌ام. این بفرمود و صورت خود را روی دست خویش نهاد و از دنیا رحلت کرد.

ابو الحسن خزاز قمی می‌نگارد: از امام جعفر صادق علیه السّلام پرسیدند: چه کسی فاطمه زهرا را غسل داد؟ فرمود: علی علیه السّلام. زیرا حضرت زهرا صدّیقه بود و غیر از شخص صدّیق کسی حق نداشت وی را غسل بدهد.

روایت شده: هنگامی که حضرت علی بن ابی طالب جنازه مبارک فاطمه علیها السّلام را نزدیک قبر آورد، دستی از قبر بیرون آمد و آن جنازه را برگرفت و بازگشت. عبد الرحمن همدانی و حمید طویل نقل کرده‌اند: حضرت امیر المؤمنین اشعاری را کنار قبر فاطمه زهرا علیها السّلام سرود بدین مضمون:

من دوست خود را به خاطر آوردم، گویا من برای به دوش کشیدن غم و اندوههای گذشته وکیل می‌باشم. بعد از اجتماع هر دو نفر بر دوستی یک دیگر، البتّه فراق و جدایی خواهد بود، و کلیه دردها در مقابل فراق و جدایی قلیل و اندک می‌باشد. اینکه من فاطمه را بعد از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از دست می‌دهم دلیل بر این است که هیچ دوستی دائمی نخواهد بود. هاتفی در جواب آن حضرت این اشعار را گفت:

جوانمرد چنین می‌پسندد که دوستش هرگز نمیرد، در صورتی که غیر از مردن راهی برای وی نخواهد بود. پس مرگ و نابود شدن را چاره‌ای نیست، و بقای من بعد از شما قلیل و اندک است. چون مدتی از مرگ گذشت، گریه گریه‌کنندگان کاهش می‌یابد. به زودی از یاد من خواهی رفت و دوستی مرا فراموش خواهی کرد و دوست دیگری در عوض من خواهد آمد.

[متن عربی] ۳۲۷/ ۱۷- المناقب «۱» قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ الْأَصْوَبُ أَنَّهَا مَدْفُونَةٌ فِي دَارِهَا أَوْ فِي الرَّوْضَةِ يُؤَيِّدُ قَوْلَهُ قَوْلُ النَّبِيِّ ص إِنَّ بَيْنَ قَبْرِي وَ مِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ فِي الْبُخَارِيِّ بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنْبَرِي وَ فِي الْمُوَطَّإِ وَ الْحِلْيَةِ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنْبَرِي وَ قَالَ ص مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ وَ قَالُوا حَدُّ الرَّوْضَةِ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ إِلَى الْمِنْبَرِ إِلَى الْأَسَاطِينِ الَّتِي تَلِي صَحْنَ الْمَسْجِدِ. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنْ قَبْرِ فَاطِمَةَ فَقَالَ دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمَيَّةَ فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِي الْمَسْجِدِ. يَزِيدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ ع فَبَدَأَتْنِي بِالسَّلَامِ ثُمَّ قَالَتْ مَا غَدَا بِكَ قُلْتُ طَلَبُ الْبَرَكَةِ

قَالَتْ أَخْبَرَنِی أَبِی وَ هُوَ ذَا مَنْ سَلَّمَ عَلَیْهِ أَوْ عَلَیَّ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ قُلْتُ لَهَا فِی حَیَاتِهِ وَ حَیَاتِکِ قَالَتْ نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا

ترجمه: (۱) در مناقب ابن شهر آشوب از شیخ ابو جعفر طوسی روایت شده است: نظر صحیح آن است که قبر فاطمه زهرا در روضه مقدسه حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است. عقیده شیخ طوسی را قول پیامبر اکرم که می‌فرماید: ما بین قبر و منبر من یکی از باغهای بهشت است، تأیید می‌کند.

احمد بن محمّد بن ابی نصر می‌گوید: به حضرت ابی الحسن علیه السّلام گفتم: قبر فاطمه زهرا کجاست؟ فرمود: حضرت زهرا در میان حجره خودش دفن شد. هنگامی که بنی امیّه مسجد حضرت رسول را توسعه دادند قبر آن بانوی معظّمه جزء مسجد شد.

و یزید بن عبد الملک نوفلی، از پدرش، از جدّش روایت کرده است که گفت: من بر حضرت فاطمه علیها السّلام وارد شدم، او در سلام پیش دستی کرد و گفت: چه چیزی تو را به اینجا آورده است؟ گفتم: طلب برکت.

آن حضرت گفت: برکت این است که پدرم فرموده و گفت: هر کس بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم یا بر من سه روز پی در پی درود فرستد بهشت بر او واجب می‌شود. گفتم: در زمان حیات او و شما؟

گفت: هم در زمان حیات و هم بعد از آن.

[متن عربی] ۵، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۳۲۸/ ۱۸- کشف الغمة «۱» رُوِیَ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ ع أَخْرَجَ سَفَطاً أَوْ حُقّاً وَ أَخْرَجَ مِنْهُ کِتَاباً فَقَرَأَهُ وَ فِیهِ وَصِیَّةُ فَاطِمَةَ ع بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعَةِ إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ فَإِنْ مَضَی فَإِلَی الْحَسَنِ فَإِنْ مَضَی فَإِلَی الْحُسَیْنِ فَإِنْ مَضَی فَإِلَی الْأَکَابِرِ مِنْ وُلْدِی شَهِدَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ الزُّبَیْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَ کَتَبَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَیْسٍ قَالَتْ أَوْصَتْنِی فَاطِمَةُ ع أَنْ لَا یُغَسِّلَهَا إِذَا مَاتَتْ إِلَّا أَنَا وَ عَلِیٌّ فَغَسَّلْتُهَا أَنَا وَ عَلِیٌّ ع وَ قِیلَ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع لِأَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَیْسٍ حِینَ تَوَضَّأَتْ وُضُوءَهَا لِلصَّلَاةِ هَاتِی طِیبِیَ الَّذِی أَتَطَیَّبُ بِهِ وَ هَاتِی ثِیَابِیَ الَّتِی أُصَلِّی فِیهَا فَتَوَضَّأَتْ ثُمَّ وَضَعَتْ رَأْسَهَا فَقَالَتْ لَهَا اجْلِسِی عِنْدَ رَأْسِی فَإِذَا جَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَأَقِیمِینِی فَإِنْ قُمْتُ وَ إِلَّا فَأَرْسِلِی إِلَی عَلِیٍّ فَلَمَّا جَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ قَالَتِ الصَّلَاةَ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِذَا هِیَ قَدْ قُبِضَتْ فَجَاءَ عَلِیٌّ فَقَالَتْ لَهُ قَدْ قُبِضَتْ ابْنَةُ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ عَلِیٌّ مَتَی قَالَتْ حِینَ أَرْسَلْتُ إِلَیْکَ قَالَ فَأَمَرَ أَسْمَاءَ فَغَسَّلَتْهَا وَ أَمَرَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ ع یُدْخِلَانِ الْمَاءَ وَ دَفَنَهَا لَیْلًا وَ سَوَّی قَبْرَهَا فَعُوتِبَ عَلَی ذَلِکَ فَقَالَ بِذَلِکَ أَمَرَتْنِی . وَ رُوِیَ أَنَّهَا بَقِیَتْ بَعْدَ أَبِیهَا أَرْبَعِینَ صَبَاحاً وَ لَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ قَالَتْ لِأَسْمَاءَ إِنَّ جَبْرَئِیلَ أَتَی النَّبِیَّ ص لَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ بِکَافُورٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَقَسَمَهُ أَثْلَاثاً ثُلُثاً لِنَفْسِهِ وَ ثُلُثاً لِعَلِیٍّ وَ ثُلُثاً لِی وَ کَانَ أَرْبَعِینَ دِرْهَماً فَقَالَتْ یَا أَسْمَاءُ ائْتِینِی بِبَقِیَّةِ حَنُوطِ وَالِدِی مِنْ مَوْضِعِ کَذَا وَ کَذَا فَضَعِیهِ عِنْدَ رَأْسِی فَوَضَعَتْهُ ثُمَّ تَسَجَّتْ بِثَوْبِهَا وَ قَالَتِ انْتَظِرِینِی هُنَیْهَةً وَ ادْعِینِی فَإِنْ أَجَبْتُکِ وَ إِلَّا فَاعْلَمِی أَنِّی قَدْ قَدِمْتُ عَلَی أَبِی ص فَانْتَظَرَتْهَا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

هُنَيْهَةً ثُمَّ نَادَتْهَا فَلَمْ تُجِبْهَا فَنَادَتْ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى يَا بِنْتَ أَكْرَمِ مَنْ حَمَلَتْهُ النِّسَاءُ يَا بِنْتَ خَيْرِ مَنْ وَطِئَ الْحَصَا يَا بِنْتَ مَنْ كَانَ مِنْ رَبِّهِ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى قَالَ فَلَمْ تُجِبْهَا فَكَشَفَتِ الثَّوْبَ عَنْ وَجْهِهَا فَإِذَا بِهَا قَدْ فَارَقَتِ الدُّنْيَا فَوَقَعَتْ عَلَيْهَا تُقَبِّلُهَا وَ هِيَ تَقُولُ فَاطِمَةُ إِذَا قَدِمْتِ عَلَى أَبِيكِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَقْرِئِيهِ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ السَّلَامَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَقَالا يَا أَسْمَاءُ مَا يُنِيمُ أُمَّنَا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ قَالَتْ يَا ابْنَيْ رَسُولِ اللَّهِ لَيْسَتْ أُمُّكُمَا نَائِمَةً قَدْ فَارَقَتِ الدُّنْيَا فَوَقَعَ عَلَيْهَا الْحَسَنُ يُقَبِّلُهَا مَرَّةً وَ يَقُولُ يَا أُمَّاهْ كَلِّمِينِي قَبْلَ أَنْ تُفَارِقَ رُوحِي بَدَنِي قَالَتْ وَ أَقْبَلَ الْحُسَيْنُ يُقَبِّلُ رِجْلَهَا وَ يَقُولُ يَا أُمَّاهْ أَنَا ابْنُكِ الْحُسَيْنُ كَلِّمِينِي قَبْلَ أَنْ يَتَصَدَّعَ قَلْبِي فَأَمُوتَ قَالَتْ لَهُمَا أَسْمَاءُ يَا ابْنَيْ رَسُولِ اللَّهِ انْطَلَقَا إِلَى أَبِيكُمَا عَلِيٍّ فَأَخْبِرَاهُ بِمَوْتِ أُمِّكُمَا فَخَرَجَا حَتَّى إِذَا كَانَا قُرْبَ الْمَسْجِدِ رَفَعَا أَصْوَاتَهُمَا بِالْبُكَاءِ فَابْتَدَرَهُمَا جَمِيعُ الصَّحَابَةِ فَقَالُوا مَا يُبْكِيكُمَا يَا ابْنَيْ رَسُولِ اللَّهِ لَا أَبْكَى اللَّهُ أَعْيُنَكُمَا لَعَلَّكُمَا نَظَرْتُمَا إِلَى مَوْقِفِ جَدِّكُمَا فَبَكَيْتُمَا شَوْقاً إِلَيْهِ فَقَالا لَا أَ وَ لَيْسَ قَدْ مَاتَتْ أُمُّنَا فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا قَالَ فَوَقَعَ عَلِيٌّ ع عَلَى وَجْهِهِ يَقُولُ بِمَنِ الْعَزَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ كُنْتُ بِكِ أَتَعَزَّى فَفِيمَ الْعَزَاءُ مِنْ بَعْدِكِ ثُمَّ قَالَ

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ وَ كُلُّ الَّذِي دُونَ الْفِرَاقِ قَلِيلُ

وَ إِنَّ افْتِقَادِي فَاطِماً بَعْدَ أَحْمَدَ دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلُ

ثُمَّ قَالَ ع يَا أَسْمَاءُ غَسِّلِيهَا وَ حَنِّطِيهَا وَ كَفِّنِيهَا قَالَ فَغَسَّلُوهَا وَ كَفَّنُوهَا وَ حَنَّطُوهَا وَ صَلَّوْا عَلَيْهَا لَيْلًا وَ دَفَنُوهَا بِالْبَقِيعِ وَ مَاتَتْ بَعْدَ الْعَصْرِ. و قال ابن بابويه رحمه الله جاء هذا الخبر كذا و الصحيح عندي أنها دفنت في بيتها فلما زاد بنو أمية في المسجد صارت في المسجد. قلت الظاهر و المشهور مما نقله الناس و أرباب التواريخ و السير أنها ع دفنت بالبقيع كما تقدم

وَ رَوَى مَرْفُوعاً إِلَى سَلْمَى أُمِّ بَنِي رَافِعٍ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فِي شَكْوَاهَا الَّتِي مَاتَتْ فِيهَا قَالَتْ فَلَمَّا كَانَ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ وَ هِيَ أَخَفُّ مَا نَرَاهَا فَغَدَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي حَاجَتِهِ وَ هُوَ يَرَى يَوْمَئِذٍ أَنَّهَا أَمْثَلُ مَا كَانَتْ فَقَالَتْ يَا أُمَّهْ اسْكُبِي لِي غَسْلًا فَفَعَلْتُ فَاغْتَسَلَتْ كَأَشَدِّ مَا رَأَيْتُهَا ثُمَّ قَالَتْ لِي أَعْطِينِي ثِيَابِيَ الْجُدُدَ فَأَعْطَيْتُهَا فَلَبِسَتْ ثُمَّ قَالَتْ ضَعِي فِرَاشِي وَ اسْتَقْبِلِينِي ثُمَّ قَالَتْ إِنِّي قَدْ فَرَغْتُ مِنْ نَفْسِي فَلَا أُكْشَفَنَّ إِنِّي مَقْبُوضَةٌ الْآنَ ثُمَّ تَوَسَّدَتْ يَدَهَا الْيُمْنَى وَ اسْتَقْبَلَتِ الْقِبْلَةَ فَقُبِضَتْ فَجَاءَ عَلِيٌّ ع وَ نَحْنُ نَصِيحُ فَسَأَلَ عَنْهَا فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ إِذاً وَ اللَّهِ لَا تُكْشَفُ فَاحْتُمِلَتْ فِي ثِيَابِهَا فَغُيِّبَتْ

أَقُولُ إِنَّ هَذَا الْحَدِيثَ قَدْ رَوَاهُ ابْنُ بَابَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ كَمَا تَرَى وَ قَدْ رَوَى أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي مُسْنَدِهِ عَنْ أُمِّ سَلْمَى قَالَتِ اشْتَكَتْ فَاطِمَةُ ع شَكْوَاهَا الَّتِي قُبِضَتْ فِيهِ فَكُنْتُ أُمَرِّضُهَا فَأَصْبَحَتْ يَوْماً كَأَمْثَلِ مَا رَأَيْتُهَا فِي شَكْوَاهَا ذَلِكَ قَالَتْ وَ خَرَجَ عَلِيٌّ ع لِبَعْضِ حَاجَتِهِ فَقَالَتْ يَا أُمَّاهْ اسْكُبِي لِي غَسْلًا فَسَكَبْتُ لَهَا غَسْلًا فَاغْتَسَلَتْ كَأَحْسَنِ مَا رَأَيْتُهَا تَغْتَسِلُ ثُمَّ قَالَتْ يَا أُمَّاهْ أَعْطِينِي ثِيَابِيَ الْجُدُدَ فَأَعْطَيْتُهَا فَلَبِسَتْهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أُمَّاهْ قَدِّمِي لِي فِرَاشِي وَسَطَ الْبَيْتِ فَفَعَلْتُ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فَاضْطَجَعَتْ وَ اسْتَقْبَلَتِ الْقِبْلَةَ وَ جَعَلَتْ يَدَهَا تَحْتَ خَدِّهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أُمَّاهْ إِنِّي مَقْبُوضَةٌ الْآنَ وَ قَدْ تَطَهَّرْتُ فَلَا يَكْشِفْنِي أَحَدٌ فَقُبِضَتْ مَكَانَهَا قَالَتْ فَجَاءَ عَلِيٌّ ع فَأَخْبَرْتُهُ

و اتفاقهما من طرق الشيعة و السنة على نقله مع كون الحكم على خلافه عجيب فإن الفقهاء من الطريقين لا يجيزون الدفن إلا بعد الغسل إلا في مواضع ليس هذا منه فكيف رويا هذا الحديث و لم يعللاه و لا ذكرا فقهه و لا نبها على الجواز و لا المنع و لعل هذا أمر يخصها ع و إنما استدل الفقهاء على أنه يجوز للرجل أن يغسل زوجته بأن عليا غسل فاطمة ع و هو المشهور

وَ رَوَى ابْنُ بَابَوَيْهِ مَرْفُوعاً إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّ عَلِيّاً غَسَّلَ فَاطِمَةَ ع وَ عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ صَلَّى عَلَى فَاطِمَةَ وَ كَبَّرَ عَلَيْهَا خَمْساً وَ دَفَنَهَا لَيْلًا. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّ فَاطِمَةَ ع دُفِنَتْ لَيْلًا

بيان قد بينا في كتاب المزار أن الأصح أنها مدفونة في بيتها و أما ما ذكره من ترك غسلها فالأولى أن يؤول بما ذكرنا سابقا من عدم كشف بدنها للتنظيف فلا تنافي للأخبار الكثيرة الدالة على أن عليا ع غسلها و يؤيد ما ذكرنا من التأويل ما مر في رواية ورقة فلا تغفل

ترجمه: (۱) و در کتاب کشف الغمه روایت شده است: امام باقر علیه السّلام کیسه‌ای آورد و نامه‌ای از میان آن درآورد که وصیّت حضرت فاطمه بدین شرح در آن نوشته شده بود: بسم اللّه الرّحمن الرّحیم، این وصیّت نامه فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشد. فاطمه وصیّت کرده که بستانهای هفتگانه‌اش برای علی بن ابی طالب باشد. چنانچه علی از دنیا رفت مال حسن بن علی و اگر حسن از دنیا رحلت نماید مال حسین باشد و اگر حسین از دنیا رفت مال بزرگترین فرزندانم باشد.

مقداد بن اسود و زبیر بن عوام شهود این وصیّت نامه و علی بن ابی طالب آن را نوشته است.

گفته شده: فاطمه علیها السّلام پس از اینکه برای نماز وضو گرفت به اسماء بنت عمیس فرمود:

آن عطری را که من استعمال می‌کنم بیاور و آن لباسهایی را که با آنها نماز می‌خوانم حاضر کن! آنگاه سر مبارک خود را به زمین گذاشت و به اسماء فرمود: بالای سر من بنشین، هنگامی که وقت نماز فرا رسید مرا صدا کن، اگر بلند شدم که هیچ، و الّا شخصی را به دنبال حضرت علی بفرست.

هنگامی که وقت نماز شد اسماء صدا زد: ای دختر رسول خدا! وقت نماز است. ناگاه اسماء دریافت که آن جگر گوشه پیغمبر اسلام قبض روح شده. وقتی حضرت امیر آمد اسماء به آن حضرت گفت: فاطمه زهرا از دنیا رحلت کرده. امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: کی؟! گفت: آن هنگام که به دنبال تو فرستادم. علی علیه السّلام به اسماء دستور داد تا فاطمه را غسل داد و به حسن و حسین علیهما السّلام امر کرد تا آب آوردند. آنگاه جنازه آن

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

بانو را شبانه به خاک سپرد. و چون به آن حضرت برای این عمل اعتراض کردند، فرمود: حضرت زهرا خودش این طور وصیّت کرده است. روایت شده: حضرت فاطمه بعد از فوت پدر بزرگوارش مدت چهل روز زنده بود. به هنگام رحلت به اسماء فرمود: در زمان فوت پدرم جبرئیل کافور بهشتی آورد. پدرم آن را سه قسمت کرد. یک قسمت برای خودش، یک قسمت برای علی و یک قسمت هم برای من. آنگاه به اسماء فرمود: باقیمانده حنوط پدرم را که در فلان موضع است بیاور و نزد سرم بگذار. (۱) اسماء می‌گوید: وقتی من امر آن بانو را اجرا نمودم لباس خود را روی خویشتن کشید و به من فرمود: پس از چند لحظه مرا صدا بزن، اگر جواب تو را گفتم که هیچ و الّا بدان که نزد پدر بزرگوارم رفته‌ام.

اسماء بعد از چند لحظه‌ای آن بانوی مظلومه را صدا زد، ولی جوابی نشنید، دوباره صدا زد: ای دختر محمّد مصطفی، ای دختر بهترین کسی که مادرش وی را حمل کرد، ای دختر بهترین کسی که بر روی سنگریزه‌ها پا نهاد، ای دختر آن کسی که مقامش به قاب قوسین او ادنی رسید! اما جوابی نگرفت.

وقتی اسماء لباس آن حضرت را از روی بدنش برداشت ناگاه دید از دنیا رفته است.

اسماء بدن آن بانو را حرکت می‌داد و می‌گفت: ای فاطمه! زمانی که نزد پدر بزرگوارت رفتی سلام اسماء بنت عمیس را به آن حضرت برسان.

در همان حینی که اسماء این سخن را می‌گفت حسنین علیهما السّلام از راه رسیدند و گفتند: اسماء! مادر ما در چنین ساعتی به خواب نمی‌رفت؟! گفت: مادر شما خواب نرفته، بلکه از دنیا رفته است. امام حسن روی بدن مادر افتاد و پیکر مقدّس او را حرکت می‌داد و می‌فرمود: مادر جان! قبل از اینکه روح از بدن من مفارقت کند با من تکلم کن! آنگاه امام حسین آمد و پاهای مبارک مادر را حرکت می‌داد و می‌بوسید و می‌فرمود: مادر جان! من فرزند تو حسینم. قبل از اینکه هلاک شوم و بمیرم با من صحبت کن! اسماء به ایشان گفت: ای فرزندان پیغمبر اسلام نزد پدرتان علی بروید و آن حضرت را از فوت مادرتان آگاه نمایید.

حسنین علیهما السّلام از خانه خارج و به سوی مسجد روانه شدند، هنگامی که نزدیک مسجد رسیدند صدا به گریه بلند کردند. گروهی از صحابه به حضور ایشان آمدند و گفتند: برای چه گریانید؟! خدا چشم شما را نگریاند! شاید نظر شما به جای جدّتان رسول خدا افتاد و از کثرت علاقه‌ای که به او دارید گریان شدید؟

فرمودند: نه، آیا نه چنین است که مادر ما از دنیا رحلت کرده است؟ (۱) حضرت امیر علیه السّلام پس از شنیدن این خبر جانگداز به رو درافتاد و فرمود: ای دختر حضرت محمّد! من غم و اندوه خود را بعد از تو به که بگویم؟ من درد دلهای خود را برای تو می‌گفتم، اکنون برای چه کسی درد دل کنم؟

آنگاه اشعاری «۱» سرود.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

سپس به اسماء فرمود: فاطمه زهرا را غسل بده، حنوط کن، کفن بپوشان. موقعی که غسل و کفن آن بانوی بزرگ خاتمه یافت نماز بر بدنش خواندند و شبانه او را در بقیع دفن کردند. فوت آن بانو بعد از عصر واقع شد.

ابن بابویه می‌گوید: گر چه این روایت می‌گوید: حضرت فاطمه را در بقیع دفن کردند، ولی آنچه را که من صحیح می‌دانم این است که آن بانو در میان خانه خود دفن شد. پس از آنکه بنی امیّه مسجد حضرت رسول را توسعه دادند آن قبر جزء مسجد شد.

[متن عربی] ۳۲۹/ ۱۹- کشف الغمة «۲» وَ نَقَلْتُ مِنْ کِتَابِ الذُّرِّیَّةِ الطَّاهِرَةِ لِلدُّولَابِیِّ «۳» فِی وَفَاتِهَا ع مَا نَقَلَهُ مِنْ رِجَالِهِ قَالَ لَبِثَتْ فَاطِمَةُ بَعْدَ النَّبِیِّ ص ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ قَالَ ابْنُ شِهَابٍ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ قَالَ الزُّهْرِیُّ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ مِثْلُهُ عَنْ عَائِشَةَ وَ مِثْلُهُ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَیْرِ وَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ ع خَمْساً وَ تِسْعِینَ لَیْلَةً فِی سَنَةِ إِحْدَی عَشْرَةَ وَ قَالَ ابْنُ قُتَیْبَةَ فِی مَعَارِفِهِ مِائَةَ یَوْمٍ وَ قِیلَ مَاتَتْ فِی سَنَةِ إِحْدَی عَشْرَةَ لَیْلَةَ الثَّلَاثَاءِ لِثَلَاثٍ لَیَالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ هِیَ بِنْتُ تِسْعٍ وَ عِشْرِینَ سَنَةً أَوْ نَحْوِهَا وَ قِیلَ دَخَلَ الْعَبَّاسُ عَلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَحَدُهُمَا یَقُولُ لِصَاحِبِهِ أَیُّنَا أَکْبَرُ فَقَالَ الْعَبَّاسُ وُلِدْتَ یَا عَلِیُّ قَبْلَ بِنَاءِ قُرَیْشٍ الْبَیْتَ بِسَنَوَاتٍ وَ وُلِدَتْ ابْنَتِی وَ قُرَیْشٌ تَبْنِی الْبَیْتَ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنُ خَمْسٍ وَ ثَلَاثِینَ سَنَةً قَبْلَ النُّبُوَّةِ بِخَمْسِ سِنِینَ وَ رُوِیَ أَنَّهَا أَوْصَتْ عَلِیّاً ع وَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَیْسٍ أَنْ یُغَسِّلَاهَا وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَرِضَتْ فَاطِمَةُ مَرَضاً شَدِیداً فَقَالَتْ لِأَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَیْسٍ أَ لَا تَرَیْنَ إِلَی مَا بَلَغْتُ فَلَا تَحْمِلِینِی عَلَی سَرِیرٍ ظَاهِرٍ فَقَالَتْ لَا لَعَمْرِی وَ لَکِنْ أَصْنَعُ نَعْشاً کَمَا رَأَیْتُ یُصْنَعُ بِالْحَبَشَةِ قَالَتْ فَأَرِینِیهِ فَأَرْسَلَتْ إِلَی جَرَائِدَ رَطْبَةٍ فَقُطِّعَتْ مِنَ الْأَسْوَاقِ ثُمَّ جَعَلَتْ عَلَی السَّرِیرِ نَعْشاً وَ هُوَ أَوَّلُ مَا کَانَ النَّعْشُ فَتَبَسَّمَتْ وَ مَا رُئِیَتْ مُتَبَسِّمَةً إِلَّا یَوْمَئِذٍ ثُمَّ حَمَلْنَاهَا فَدَفَنَّاهَا لَیْلًا وَ صَلَّی عَلَیْهَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ نَزَلَ فِی حُفْرَتِهَا هُوَ وَ عَلِیٌّ وَ الْفَضْلُ بْنُ عَبَّاسٍ

وَ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَیْسٍ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَتْ لِأَسْمَاءَ إِنِّی قَدِ اسْتَقْبَحْتُ مَا یُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ أَنَّهُ یُطْرَحُ عَلَی الْمَرْأَةِ الثَّوْبُ فَیَصِفُهَا لِمَنْ رَأَی فَقَالَتْ أَسْمَاءُ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا أُرِیکِ شَیْئاً رَأَیْتُهُ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ قَالَ فَدَعَتْ بِجَرِیدَةٍ رَطْبَةٍ فَحَسَّنَتْهَا ثُمَّ طَرَحَتْ عَلَیْهَا ثَوْباً فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع مَا أَحْسَنَ هَذَا وَ أَجْمَلَهُ لَا تُعْرَفُ بِهِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجُلِ قَالَ قَالَتْ فَاطِمَةُ فَإِذَا متُّ فَاغْسِلِینِی أَنْتِ وَ لَا یَدْخُلَنَّ عَلَیَّ أَحَدٌ فَلَمَّا تُوُفِّیَتْ فَاطِمَةُ ع جَاءَتْ عَائِشَةُ تَدْخُلُ عَلَیْهَا فَقَالَتْ أَسْمَاءُ لَا تَدْخُلِی فَکَلَّمَتْ عَائِشَةُ أَبَا بَکْرٍ فَقَالَتْ إِنَّ هَذِهِ الْخَثْعَمِیَّةَ تَحُولُ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ جَعَلَتْ لَهَا مِثْلَ هَوْدَجِ الْعَرُوسِ فَقَالَتْ أَسْمَاءُ لِأَبِی بَکْرٍ أَمَرَتْنِی أَنْ لَا یَدْخُلَ عَلَیْهَا أَحَدٌ وَ أَرَیْتُهَا هَذَا الَّذِی صَنَعْتُ وَ هِیَ حَیَّةٌ فَأَمَرَتْنِی أَنْ أَصْنَعَ لَهَا ذَلِکَ فَقَالَ أَبُو بَکْرٍ اصْنَعِی مَا أَمَرَتْکِ فَانْصَرَفَ وَ غَسَّلَهَا عَلِیٌّ ع وَ أَسْمَاءُ

وَ رَوَی الدُّولَابِیُّ حَدِیثَ الْغُسْلِ الَّذِی اغْتَسَلَتْهُ قَبْلَ وَفَاتِهَا وَ کَوْنُهَا دُفِنَتْ بِهِ وَ لَمْ تُکْشَفْ وَ قَدْ تَقَدَّمَ ذِکْرُهُ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

وَ رُوِیَ مِنْ غَیْرِ هَذَا أَنَّ أَبَا بَکْرٍ وَ عُمَرَ عَاتَبَا عَلِیّاً ع کَوْنَهُ لَمْ یُؤْذِنْهُمَا بِالصَّلَاةِ عَلَیْهَا فَاعْتَذَرَ أَنَّهَا أَوْصَتْهُ بِذَلِکَ وَ حَلَفَ لَهُمَا فَصَدَّقَاهُ وَ عَذَّرَاهُ وَ قَالَ عَلِیٌّ ع عِنْدَ دَفْنِ فَاطِمَةَ ع کَالْمُنَاجِی بِذَلِکَ رَسُولَ اللَّهِ ص عِنْدَ قَبْرِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّی وَ عَنِ ابْنَتِکَ النَّازِلَةِ فِی جِوَارِکَ إِلَی آخِرِ مَا سَیَأْتِی

ثُمَّ قَالَ عَلِیُّ بْنُ عِیسَی الْحَدِیثُ ذُو شُجُونٍ أَنْشَدَنِی بَعْضُ الْأَصْحَابِ لِلْقَاضِی أَبِی بَکْرِ بْنِ أَبِی قَرِیعَةَ

یَا مَنْ یُسَائِلُ ذَائِباً ... عَنْ کُلِّ مُعْضِلَةٍ سَخِیفَةٍ

لَا تَکْشِفَنَّ مُغَطًّی ... فَلَرُبَّمَا کَشَفْتَ جِیفَةً

وَ لَرُبَّ مَسْتُورٍ بَدَا ... کَالطَّبْلِ مِنْ تَحْتِ الْقَطِیفَةِ

إِنَّ الْجَوَابَ لَحَاضِرٌ ... لَکِنَّنِی أُخْفِیهِ خِیفَةً

لَوْ لَا اعْتِدَاءُ رَعِیَّةٍ ... أُلْقِی سِیَاسَتَهَا الْخَلِیفَةَ

وَ سُیُوفُ أَعْدَاءٍ بِهَا ... هَامَاتُنَا أَبَداً نَقِیفَةٌ

لَنَشَرْتُ مِنْ أَسْرَارِ آلِ ... مُحَمَّدٍ جُمَلًا طَرِیفَةً

تُغْنِیکُمْ عَمَّا رَوَاهُ ... مَالِکٌ وَ أَبُو حَنِیفَةَ

وَ أَرَیْتُکُمْ أَنَّ الْحُسَیْنَ أُصِیبَ ... فِی یَوْمِ السَّقِیفَةِ

وَ لِأَیِّ حَالٍ لُحِّدَتْ ... بِاللَّیْلِ فَاطِمَةُ الشَّرِیفَةُ

وَ لِمَا حَمَتْ شَیْخَیْکُمُ ... عَنْ وَطْءِ حُجْرَتِهَا الْمُنِیفَةِ

أَوْهِ لِبِنْتِ مُحَمَّدٍ ... مَاتَتْ بِغُصَّتِهَا أَسِیفَةً

و قد ورد من کلامها ع فی مرض موتها ما یدل علی شدة تألمها و عظم موجدتها و فرط شکایتها ممن ظلمها و منعها حقها أعرضت عن ذکره و ألغیت القول فیه و نکبت عن إیراده لأن غرضی من هذا الکتاب نعت مناقبهم و مزایاهم و تنبیه الغافل عن موالاتهم فربما تنبه و والاهم و وصف ما خصهم الله به من الفضائل التی لیست لأحد سواهم فأما ذکر الغیر و البحث عن الشر و الخیر فلیس من غرض هذا الکتاب و هو موکول إلی یوم الحساب و إِلَی اللَّهِ تَصِیرُ الْأُمُورُ.

بیان النقف کسر الهامة عن الدماغ أو ضربها أشد ضرب أو برمح أو عصا

ترجمه: (۱) و نیز در کشف الغمه، از کتاب الذرّیّة الطاهرة تألیف دولابی روایت شده: حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام مدت سه ماه بعد از پدر خود زنده بود. ولی ابن شهاب زهری و عایشه و عروة بن زبیر گفته‌اند: آن بانو شش ماه بعد از رحلت پدر خود زندگی کرد. حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام می‌فرماید: فاطمه زهرا مدّت نود و پنج روز بعد از پدر بزرگوارش زنده بود و در سال یازدهم هجری از دنیا رفت. ابن قتیبه می‌گوید: مدت

صد روز زنده بود. گفته شده: حضرت زهرای اطهر در سال یازدهم هجری، شب سه شنبه، سوم ماه رمضان در سن بیست و نه سالگی رحلت نمود.

(۱) ابن عبّاس می‌گوید: آن هنگام که بیماری حضرت فاطمه شدّت یافت، به اسماء بنت عمیس فرمود: آیا نمی‌بینی من در چه حالی هستم؟ مبادا مرا روی تخته‌ای بگذارید که جنازه‌ام ظاهر باشد! اسماء گفت: نه به جان خودم سوگند، بلکه نظیر آن تابوتی را برای تو درست می‌کنم که در حبشه دیده‌ام.

حضرت زهرا به وی فرمود: پس نمونه آن را به من نشان بده! اسماء فرستاد تا از بازار شاخه‌های تازه خرما آوردند. آنگاه آن تابوتی را که در حبشه دیده بود، ساخت و آن اوّلین تابوتی بود که ساخته شد.

حضرت زهرا پس از دیدن آن تابوت خندان شد و هیچ وقت غیر از آن موقع خندان نشده بود. سپس پیکر آن بانو را شبانه بردیم و دفن نمودیم و عبّاس بن عبد المطلب بر جنازه آن بانو نماز خواند. عبّاس و علی و فضل بن عبّاس در قبر آن بانو وارد شدند.

از اسماء بنت عمیس روایت شده که گفت: فاطمه دختر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به وی فرمود: من این عمل را زشت می‌دانم که یک پارچه روی جنازه زنان می‌اندازند زیرا هر کسی از حجم و وصف آن جنازه آگاه می‌شود.

اسماء گفت: ای دختر رسول خدا! من نظیر آن تابوتی را که در سرزمین حبشه دیده‌ام، به تو نشان می‌دهم. آنگاه فرستاد تا شاخه‌های تازه خرما آوردند و او تابوتی نیکو ساخت و یک پارچه روی آن انداخت.

حضرت زهرا فرمود: چقدر این تابوت خوب است، زیرا جنازه‌ای که در میان آن باشد تشخیص داده نمی‌شود که جنازه زن یا جنازه مرد است.

سپس حضرت فاطمه به اسماء فرمود: پس از آنکه من مردم تو مرا غسل بده، احدی حق ندارد نزد من بیاید. و هنگامی که فاطمه از دنیا رحلت نمود، عایشه آمد که نزد جنازه‌اش برود، اسماء به وی گفت: مبادا نزد فاطمه بروی! عایشه به ابو بکر شکایت کرد و گفت:

اسماء نمی‌گذارد من نزد دختر رسول خدا بروم، اسماء یک هودج نظیر هودج عروس برای فاطمه ساخته است.

اسماء در جواب ابو بکر گفت: فاطمه به من دستور داده که کسی نزد جنازه‌اش نرود، من این را در زمان حیات فاطمه طبق دستور شخص آن بانو ساخته‌ام. ابو بکر گفت: مانعی ندارد، آنچه را که فاطمه دستور داده انجام بده. ابو بکر این بگفت و بازگشت. آنگاه بدن آن حضرت را علی و اسماء غسل دادند.

[متن عربی] ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۳۳۰/ ۲۰- روضة الواعظین «۱» مَرِضَتْ فَاطِمَةُ ع مَرَضاً شَدِيداً وَ مَكَثَتْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فِي مَرَضِهَا إِلَى أَنْ تُوُفِّيَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَلَمَّا نُعِيَتْ إِلَيْهَا نَفْسُهَا دَعَتْ أُمَّ أَيْمَنَ وَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ وَ وَجَّهَتْ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

خَلْفَ عَلِيٍّ وَ أَحْضَرَتْهُ فَقَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ إِنَّهُ قَدْ نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي وَ إِنِّي لَا أَرَى مَا بِي إِلَّا أَنَّنِي لَاحِقٌ بِأَبِي سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ وَ أَنَا أُوصِيكَ بِأَشْيَاءَ فِي قَلْبِي قَالَ لَهَا عَلِيٌّ ع أَوْصِينِي بِمَا أَحْبَبْتِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ أَخْرَجَ مَنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ مَا عَهِدْتَنِي كَاذِبَةً وَ لَا خَائِنَةً وَ لَا خَالَفْتُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي فَقَالَ ع مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبَرُّ وَ أَتْقَى وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفاً مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوَبِّخَكِ بِمُخَالَفَتِي قَدْ عَزَّ عَلَيَّ مُفَارَقَتُكِ وَ تَفَقُّدُكِ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ اللَّهِ جَدَّدْتِ عَلَيَّ مُصِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُكِ وَ فَقْدُكِ فَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَ آلَمَهَا وَ أَمَضَّهَا وَ أَحْزَنَهَا هَذِهِ وَ اللَّهِ مُصِيبَةٌ لَا عَزَاءَ لَهَا وَ رَزِيَّةٌ لَا خَلَفَ لَهَا ثُمَّ بَكَيَا جَمِيعاً سَاعَةً وَ أَخَذَ عَلَى رَأْسِهَا وَ ضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ أَوْصِينِي بِمَا شِئْتِ فَإِنَّكِ تجدنِي فِيهَا أَمْضِي كَمَا أَمَرْتِنِي بِهِ وَ أَخْتَارُ أَمْرَكِ عَلَى أَمْرِي ثُمَّ قَالَتْ جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ يَا ابْنَ عَمٍّ رَسُولِ اللَّهِ أُوصِيكَ أَوَّلًا أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِابْنَةِ أُخْتِي أُمَامَةَ فَإِنَّهَا تَكُونُ لِوُلْدِي مِثْلِي فَإِنَّ الرِّجَالَ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ قَالَ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَرْبَعٌ لَيْسَ لِي إِلَى فِرَاقِهِ سَبِيلٌ- بِنْتُ أَبِي الْعَاصِ أُمَامَةُ أَوْصَتْنِي بِهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ قَالَتْ أُوصِيكَ يَا ابْنَ عَمٍّ أَنْ تَتَّخِذَ لِي نَعْشاً فَقَدْ رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ صَوَّرُوا صُورَتَهُ فَقَالَ لَهَا صِفِيهِ لِي فَوَصَفَتْهُ فَاتَّخَذَهُ لَهَا فَأَوَّلُ نَعْشٍ عُمِلَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ ذَاكَ وَ مَا رَأَى أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا عَمِلَ أَحَدٌ

ثُمَّ قَالَتْ أُوصِيكَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جِنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُونِي وَ أَخَذُوا حَقِّي فَإِنَّهُمْ عَدُوِّي وَ عَدُوُّ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَا تَتْرُكُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ لَا مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَ ادْفِنِّي فِي اللَّيْلِ إِذَا هَدَأَتِ الْعُيُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَارُ ثُمَّ تُوُفِّيَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا فَصَاحَتْ أَهْلُ الْمَدِينَةِ صَيْحَةً وَاحِدَةً وَ اجْتَمَعَتْ نِسَاءُ بَنِي هَاشِمٍ فِي دَارِهَا فَصَرَخْنَ صَرْخَةً وَاحِدَةً كَادَتِ الْمَدِينَةُ أَنْ تَتَزَعْزَعَ مِنْ صُرَاخِهِنَّ وَ هُنَّ يَقُلْنَ يَا سَيِّدَتَاهْ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَقْبَلَ النَّاسُ مِثْلَ عُرْفِ الْفَرَسِ إِلَى عَلِيٍّ ع وَ هُوَ جَالِسٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع بَيْنَ يَدَيْهِ يَبْكِيَانِ فَبَكَى النَّاسُ لِبُكَائِهِمَا وَ خَرَجَتْ أُمُّ كُلْثُومٍ وَ عَلَيْهَا بُرْقُعَةٌ وَ تَجُرُّ ذَيْلَهَا مُتَجَلِّلَةً بِرِدَاءٍ عَلَيْهَا تُسَجِّيهَا وَ هِيَ تَقُولُ يَا أَبَتَاهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْآنَ حَقّاً فَقَدْنَاكَ فَقْداً لَا لِقَاءَ بَعْدَهُ أَبَداً وَ اجْتَمَعَ النَّاسُ فَجَلَسُوا وَ هُمْ يَضِجُّونَ وَ يَنْتَظِرُونَ أَنْ تُخْرَجَ الْجِنَازَةُ فَيُصَلُّونَ عَلَيْهَا وَ خَرَجَ أَبُو ذَرٍّ وَ قَالَ انْصَرِفُوا فَإِنَّ ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَدْ أُخِّرَ إِخْرَاجُهَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ فَقَامَ النَّاسُ وَ انْصَرَفُوا فَلَمَّا أَنْ هَدَأَتِ الْعُيُونُ وَ مَضَى شَطْرٌ مِنَ اللَّيْلِ أَخْرَجَهَا عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع وَ عَمَّارٌ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَقِيلٌ وَ الزُّبَيْرُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانُ وَ بُرَيْدَةُ وَ نَفَرٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ خَوَاصُّهُ صَلَّوْا عَلَيْهَا وَ دَفَنُوهَا فِي جَوْفِ اللَّيْلِ وَ سَوَّى عَلِيٌّ ع حَوَالَيْهَا قُبُوراً مُزَوَّرَةً مِقْدَارَ سَبْعَةٍ حَتَّى لَا يُعْرَفَ قَبْرُهَا وَ قَالَ بَعْضُهُمْ مِنَ الْخَوَاصِّ قَبْرُهَا سُوِّيَ مَعَ الْأَرْضِ مُسْتَوِياً فَمَسَحَ مَسْحاً سَوَاءً مَعَ الْأَرْضِ حَتَّى لَا يُعْرَفَ مَوْضِعُهُ

ترجمه: (۱) در کتاب روضة الواعظین روایت شده است: حضرت فاطمه به شدّت بیمار شد و مدت چهل روز ادامه داشت تا اینکه وفات یافت، هنگامی که یقین به مرگ پیدا کرد، امّ ایمن و اسماء بنت عمیس را خواست و

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فرستاد تا حضرت امیر علیه السّلام هم آمد، آنگاه فرمود: پسر عموا! اجل من فرا رسیده، من ساعت به ساعت خودم را این طور می‌بینم که دارم به پدرم ملحق می‌شوم. در باره این مطالبی که در قلب خود دارم به تو وصیّت می‌کنم.

حضرت علی علیه السّلام فرمود: ای دختر پیغمبر هر وصیّتی که دوست داری بکن، سپس بالای سر حضرت زهرا نشست و دستور داد تا افرادی که در اطاق بودند خارج شدند. پس از آن حضرت فاطمه فرمود: پسر عموا! آیا در این مدّتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت و مخالفتی از من دیدی؟

حضرت امیر علیه السّلام فرمود: ابدا!! به خداوند پناه می‌برم! تو به وجود خداوند داناتری و نیکوکارتر و پرهیزکارتر و گرامی‌تر و از خدا خائف‌تر از آنی که من تو را به علّت مخالفت کردن سرزنش نمایم. حقّا که فراق و فقدان تو برای من بسیار ناگوار است، ولی چه باید کرد، چاره‌ای نیست. به خداوند سوگند که تو مصیبت پیامبر خدا را برای من تجدید کردی، حقّا که فوت و از دست رفتن تو خیلی برای من سنگین و بزرگ است. انّا للّه و انّا الیه راجعون به خداوند سوگند که این مصیبت دردناکترین و غصّه‌دارترین مصیبتی است که هیچ تسلیت و تعزیتی با آن برابری نمی‌کند و جانشین آن نخواهد شد!! سپس حضرت علی و زهرا علیهما السّلام مدّتی گریستند، آنگاه علی علیه السّلام سر مبارک فاطمه علیها السّلام را بلند کرد و به سینه خود نهاد و به آن بانو فرمود:

هر وصیّتی که داری بکن، زیرا من هر دستوری که تو صادر کنی اجرا می‌نمایم و امر تو را بر امر خودم مقدّم می‌دارم.

حضرت فاطمه فرمود: ای پسر عموی پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، خداوند تو را بهترین جزا عطا کند! من اولا به تو وصیّت می‌کنم که بعد از من با امامه دختر خواهرم ازدواج نمایی، زیرا او برای فرزندانم نظیر خودم خواهد بود، و مردان چاره‌ای ندارند جز آنکه ازدواج نمایند.

لذا حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام می‌فرماید: چهار چیز است که من نمی‌توانم از آنها مفارقت نمایم. یکی از آنها امامه دختر ابو العاص است. زیرا حضرت زهرا وصیّت کرده من با وی ازدواج کنم.

خلاصه: سپس حضرت فاطمه گفت: پسر عموا! من به تو وصیّت می‌کنم که تابوتی برایم تهیه نمایی، زیرا دیدم که ملائکه شکل و تصویری از آن تابوت را به من نشان دادند.

امیر المؤمنین فرمود: اوصاف آن تابوت را برای من شرح بده.

زهرا مشخصات آن را شرح داد و علی علیهما السّلام آن را تهیه نمود. آن تابوت اوّلین تابوتی بود که در روی زمین ساخته شد، کسی قبلا نظیر آن را ندیده بود و بعدا هم ساخته نشد. (۱) حضرت فاطمه پس از این جریان به

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حضرت علی رو کرد و گفت: مبادا احدی از این گروهی که در حقّ من ظلم روا داشتند و حقّ مرا غصب کردند برای تشییع جنازه‌ام حاضر شوند!! زیرا ایشان دشمن من و دشمن رسول خدا می‌باشند. مبادا بگذاری احدی از آنان و پیروانشان به جنازه‌ام نماز بخوانند!! مرا شبانه در آن هنگام که چشمها همه به خواب رفته باشند، دفن کن. پس از این وصیّت بود که فاطمه زهرا از دنیا رفت.

آنگاه اهل مدینه عموما صدا به ضجّه و فریاد بلند کردند، زنان بنی هاشم در میان خانه حضرت فاطمه اجتماع نمودند و به نحوی صدا به صیحه و گریه بلند کردند که نزدیک بود مدینه طیّبه به علّت گریه آنان از جا کنده شود! مردم فریاد می‌زدند: یا سیدتاه! یا بنت رسول اللّه! مردم همچنان پشت سر یک دیگر به حضور حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام شدند و آن بزرگوار نشسته بود و حسنین علیهما السّلام در حضور آن حضرت مشغول گریه بودند و مردم به واسطه گریه آنان اشک می‌ریختند! امّ کلثوم در حالی خارج شد که روبنده به صورت داشت و دامن لباسش به زمین کشیده می‌شد، فریاد می‌زد و می‌گفت:

ای پدر بزرگوارم، یا رسول اللّه! گویا که هم اکنون تو را به نحوی از دست دادیم که بعدا ملاقاتی در کار نخواهد بود! مردم مدینه اجتماع کردند و نشستند، در انتظار بودند که جنازه حضرت فاطمه خارج شود و بر آن نماز بخوانند.

ولی ابو ذر بیرون آمد و به مردم گفت: برگردید، زیرا خارج کردن جنازه دختر پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به تأخیر افتاد. مردم برخاستند و رفتند.

هنگامی که چشم مردم به خواب رفت و قسمتی از شب گذشته بود علی بن ابی طالب و حسنین علیهم السّلام با عمّار، مقداد، عقیل، زبیر، ابو ذر، سلمان، بریده و گروهی از بنی هاشم جنازه مبارک حضرت زهرا را خارج نمودند و بر بدن آن بانو نماز خوانده او را شبانه به خاک سپردند.

آنگاه حضرت علی در اطراف قبر فاطمه علیها السّلام صورت هفت قبر تشکیل داد که قبر مطهّر فاطمه تشخیص داده نشود. بعضی از خواص گفته‌اند که قبر حضرت زهرا را با زمین یکسان نمودند تا محلّ قبر مشخص نباشد.

[متن عربی] ۱۵، ۱، ۱۴ ۳۳۱/ ۲۱- الکافی «۱» أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهُرْمُزَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ ع دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع سِرّاً وَ عَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارُ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ عَفَا عَنْ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي إِلَّا أَنَّ فِي التَّأَسِّي لِي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ فَلَقَدْ وَسَّدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ وَ فَاضَتْ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

نَفْسُکَ بَیْنَ نَحْرِی وَ صَدْرِی بَلَی وَ فِی کِتَابِ اللَّهِ لِی أَنْعَمُ الْقَبُولِ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ قَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِیعَةُ وَ أُخِذَتِ الرَّهِینَةُ وَ أُخْلِسَتِ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءَ وَ الْغَبْرَاءَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا حُزْنِی فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَیْلِی فَمُسَهَّدٌ وَ هَمٌّ لَا یَبْرَحُ مِنْ قَلْبِی أَوْ یَخْتَارَ اللَّهُ لِی دَارَکَ الَّتِی أَنْتَ فِیهَا مُقِیمٌ کَمَدٌ مُقَیِّحٌ وَ هَمٌّ مُهَیِّجٌ سَرْعَانَ مَا فَرَّقَ بَیْنَنَا وَ إِلَی اللَّهِ أَشْکُو وَ سَتُنْبِئُکَ ابْنَتُکَ بِتَظَافُرِ أُمَّتِکَ عَلَی هَضْمِهَا فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ فَکَمْ مِنْ غَلِیلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَی بَثِّهِ سَبِیلًا وَ سَتَقُولُ وَ یَحْکُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَیْرُ الْحاکِمِینَ وَ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا سَلَامَ مُوَدِّعٍ لَا قَالٍ وَ لَا سَئِمٍ فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَ إِنْ أُقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِینَ وَاهاً وَاهاً وَ الصَّبْرُ أَیْمَنُ وَ أَجْمَلُ وَ لَوْ لَا غَلَبَةُ الْمُسْتَوْلِینَ لَجَعَلْتُ الْمُقَامَ وَ اللُّبْثَ لِزاماً مَعْکُوفاً وَ لَأَعْوَلْتُ إِعْوَالَ الثَّکْلَی عَلَی جَلِیلِ الرَّزِیَّةِ فَبِعَیْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُکَ سِرّاً وَ تُهْضَمُ حَقُّهَا وَ یُمْنَعُ إِرْثُهَا وَ لَمْ یَتَبَاعَدِ الْعَهْدُ وَ لَمْ یَخْلُقْ مِنْکَ الذِّکْرُ وَ إِلَی اللَّهِ یَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَکَی وَ فِیکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْسَنُ الْعَزَاءِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَ عَلَیْهَا السَّلَامُ وَ الرِّضْوَانُ

بیان العفو المحو و الانمحاء و التجلد القوة قوله ع إلا أن فی التأسی لی بسنتک أی بسنة فرقتک و المعنی أن المصیبة بفراقک کانت أعظم فکما صبرت علی تلک مع کونها أشد فلأن أصبر علی هذه أولی و التأسی الاقتداء بالصبر فی هذه المصیبة کالصبر فی تلک و فاضت نفسه خرجت روحه. قوله ع فی کتاب الله أنعم القبول أی فیه ما یصیر سببا لقبول المصائب أنعم القبول و استعار ع لفظ الودیعة و الرهینة لتلک النفس الکریمة لأن الأرواح کالودیعة و الرهن فی الأبدان أو لأن النساء کالودائع و الرهائن عند الأزواج و یمکن أن یقرأ استرجعت و قرائنه علی بناء المعلوم و المجهول. و التخالس التسالب و السهود قلة النوم أو یختار أی إلی أن یختار و الکمد بالفتح و بالتحریک الحزن الشدید و مرض القلب منه و هو إما خبر لقوله هم أو کل منهما خبر مبتدإ محذوف و الهضم الظلم و الإحفاء المبالغة فی السؤال و الغلیل حرارة الجوف و اعتلجت الأمواج التطمت - و فی نهج البلاغة و کشف الغمة و السلام علیکما سلام مودع . و عکفه یعکفه حبسه و الإعوال رفع الصوت بالبکاء و الصیاح قوله فبعین الله أی تدفن ابنتک سرا متلبسا بعلم من الله و حضوره و شهوده قوله ع و فیک أی فی إطاعة أمرک

ترجمه: (۱) در کتاب کافی از امام حسین علیه السّلام روایت شده است: هنگامی که فاطمه زهرا قبض روح شد، حضرت علی آن بانو را مخفیانه به خاک سپرد و موضع قبر مقدّسش را محو نمود. آنگاه برخاست و رو به سوی قبر مبارک پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کرد و گفت: یا رسول اللّه! سلام من و سلام دخترت فاطمه بر تو باد، همان دخترت که به زیارت تو آمده و در بقعه تو خوابیده و خداوند خواست که به سرعت به تو ملحق شود.

ای رسول خدا! از فراق دختر برگزیده تو صبر و شکیبایی من قلیل و اندک شده، قدرت من از دوری برترین زنان فاطمه ضعیف گردید، ولی برای مقاومت تأسی نمودن به تو موجب تسلیت من خواهد شد. من تو را به دست خود به خاک سپردم، در صورتی که جان مقدّس تو در گلو و سینه من بود. آری آنچه که در قرآن است

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

می‌پذیرم و می‌گویم: انّا للّه و انّا الیه راجعون، یا رسول اللّه! آن امانتی را که به من دادی پس گرفته شد! سپرده باز گرفته شد! فاطمه زهرا را بردی، یا رسول اللّه چقدر این آسمان سبز و زمین غبار آلود در نظر من تیره و تار است!! غم و اندوه من همیشگی گردیده! شب من با بیخوابی می‌گذرد! این غم از قلب من خارج نمی‌شود تا آن زمانی که خداوند مرا در آن خانه‌ای که تو در آن هستی وارد نماید! در دلم دردی است که آن را جریحه‌دار می‌کند و همّ و غمّی است تکاندهنده! چه زود بین ما جدایی افتاد!! من درد دل خود را برای خداوند می‌گویم.

دخترت به زودی تو را از اینکه امّت تو متحد شدند و حقّ او را پایمال کردند آگاه خواهد کرد! جریان را از فاطمه‌ات جویا شود و شرح حال را از وی بخواه! چه غم و غصه‌هایی که در دل او جایگزین شدند! او نمی‌توانست برای کسی درد دل کند. وی همه آنها را برای تو خواهد گفت. خداوند که بهترین حکم‌کنندگان است حکم خواهد کرد. سلام من بر شما باد، سلامی که به منزله وداع من باشد، نه آن سلامی که شما را ترک نمایم، اگر بازگردم از ملالت و خستگی نیست و اگر نزد قبر تو اقامت گزینم به علّت بدگمانی نیست که خداوند به صابرین وعده ثواب داده است.

صبر و شکیبایی مبارکتر و نیکوتر است. اگر برای غلبه افرادی که بر او مستولی شدند نبود بر خود لازم می‌دانستم که نزد قبر تو اقامت گزینم و معتکف گردم و برای این مصیبت بزرگ نظیر زن جوان مرده ناله و فریاد می‌کردم. خداوند می‌بیند که دختر تو مخفیانه دفن می‌شود! حقّ وی غصب شد! از گرفتن ارث ممنوع گردید! در صورتی که از زمان تو تا به حال چندان مدتی نگذشته و ذکر تو متروک نشده است! یا رسول اللّه من به خداوند شکایت می‌کنم و پیمودن راهی که تو رفتی برای من بهترین تسلیت است.

یا رسول اللّه صلوات خداوند بر تو و سلام و خشنودی خداوند بر فاطمه باد!

[متن عربی] ۶، ۱۵، ۱ ۳۳۲/ ۲۲- الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ الْجَفْرِ فَقَالَ هُوَ جِلْدُ ثَوْرٍ مَمْلُوءٌ عِلْماً قَالَ لَهُ فَالْجَامِعَةُ قَالَ تِلْكَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فِي عَرْضِ الْأَدِيمِ مِثْلُ فَخِذِ الْفَالِجِ فِيهَا كُلُّ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مِنْ قَضِيَّةٍ إِلَّا وَ هِيَ فِيهَا حَتَّى أَرْشُ الْخَدْشِ قَالَ فَمُصْحَفُ فَاطِمَةَ ع قَالَ فَسَكَتَ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّكُمْ لَتَبْحَثُونَ عَمَّا تُرِيدُونَ وَ عَمَّا لَا تُرِيدُونَ إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْماً وَ كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا وَ كَانَ جَبْرَئِيلُ يَأْتِيهَا فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا وَ يُطَيِّبُ نَفْسَهَا وَ يُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَ مَكَانِهِ وَ يُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ كَانَ عَلِيٌّ ع يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ ع

ترجمه: (۱) در کتاب کافی آمده است که ابو عبیده گفته: یکی از شیعیان از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام راجع به جفر جویا شد حضرت صادق فرمود: جفر پوست گاوی است که مملو از علم است. گفت: معنی

جامعه چیست؟ فرمود: جامعه صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذراع «۱» است و به پهنای یک پوست و به ضخامت یک طناب خیلی ضخیم است. در آن صحیفه آنچه را که مردم احتیاج داشته باشند موجود و مرقوم است. هیچ قضیه و مطلبی نیست که در آن نباشد، حتی دیه و جریمه خراشیدگی در آن نوشته شده است.

راوی جویا شد: مصحف فاطمه علیها السّلام چیست؟

امام صادق علیه السّلام پس از سکوتی طولانی فرمود: شما در باره مطالب اعمّ از آنکه بدانها احتیاج دارید و یا ندارید، سؤال و جستجو می‌کنید؟! حضرت فاطمه مدّت هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پدر بزرگوارش زنده و به علّت از دست دادن پدر خویش دچار غم و اندوه شدیدی بود. جبرئیل نزد آن بانوی معظّم می‌آمد و به وی تسلیت می‌گفت و خاطر او را آرام می‌کرد، وی را از مقام و مکان پدر بزرگوارش آگاه می‌نمود. و آن حضرت را از مصایبی که بعدا فرزندانش بدانها دچار می‌شوند، مطّلع می‌کرد و حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام آن مطالب را می‌نوشت و این مصحف فاطمه است.

[متن عربی] ۱، ۱۴ ۳۳۳/ ۲۳- الکافی «۱» الْعِدَّةُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع إِنَّ أَسْقَاطَکُمْ إِذَا لَقُوکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ لَمْ تُسَمُّوهُمْ یَقُولُ السِّقْطُ لِأَبِیهِ أَلَّا سَمَّیْتَنِی وَ قَدْ سَمَّی رَسُولُ اللَّهِ ص مُحَسِّناً قَبْلَ أَنْ یُولَدَ. بیان یحتمل أن یکون و قد سمی کلام السقط

ترجمه: (۱) و در همان کتاب از امام علی علیه السّلام روایت شده است که گفت: آن کودکانی که از شما سقط می‌شوند و نامی برای آنان نمی‌گذارید روز قیامت که شما را ملاقات می‌کنند خواهند گفت: چرا نام ما را تعیین نکردید، در صورتی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کودک حضرت فاطمه را قبل از اینکه متولّد شود محسن نامید؟!

[متن عربی] ۱۵، ۱۴ ۳۳۴/ ۲۴- الکافی «۲» الْعِدَّةُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ عَاشَتْ فَاطِمَةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَمْسَةً وَ سَبْعِینَ یَوْماً لَمْ تُرَ کَاشِرَةً وَ لَا ضَاحِکَةً تَأْتِی قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِی کُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَیْنِ الْإِثْنَیْنِ وَ الْخَمِیسَ فَتَقُولُ ع هَاهُنَا کَانَ رَسُولُ اللَّهِ وَ هَاهُنَا کَانَ الْمُشْرِکُونَ وَ فِی رِوَایَةِ أَبَانٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهَا کَانَتْ تُصَلِّی هُنَاکَ وَ تَدْعُو حَتَّی مَاتَتْ ع

- کا، علی عن أبیه عن ابن أبی عمیر عن هشام مثله

ترجمه: (۲) و در کتاب کافی از هشام بن سالم روایت شده که گفته: از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام شنیدم می‌فرمود: حضرت فاطمه بعد از حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مدّت هفتاد و پنج روز زنده بود و کسی در این مدّت وی را خندان و خوشحال ندید! در هر هفته‌ای دو مرتبه که روزهای دو شنبه و پنج

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

شنبه بود کنار قبر شهیدان می‌آمد و می‌فرمود: پیامبر خدا در اینجا بود و مشرکین در آنجا بودند. در روایت ابان از حضرت صادق نقل می‌کند که فرمود: حضرت فاطمه بر سر قبر شهدا نماز خواند و دعا کرد تا از دنیا رحلت نمود.

[متن عربی] ۱۵ ۳۳۵/ ۲۵- الکافی «۱» حُمَيْدٌ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ جَاءَتْ فَاطِمَةُ ع إِلَى سَارِيَةٍ فِي الْمَسْجِدِ وَ هِيَ تَقُولُ وَ تُخَاطِبُ النَّبِيَّ ص

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَ هَنْبَثَةٌ لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ يَكْثُرِ الْخَطْبُ

إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقْدَ الْأَرْضِ وَابِلَهَا وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَ لَا تَغِبْ

بیان قال الجزری الهنبثة واحدة الهنابث و هی الأمور الشداد المختلفة و الهنبثة الاختلاط فی القول و الشهود الحضور و الخطب بالفتح الأمر الذی تقع فیه المخاطبة و الشأن و الحال و الوابل المطر الشدید

ترجمه: (۱) در کافی از محمّد بن مفضّل از امام جعفر صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: فاطمه زهرا نزد یکی از ستون‌های مسجد حضرت رسول آمد و به پیغمبر خدا این چنین خطاب کرد و این دو شعر را خواند:

۱- پدر جان! بعد از تو قیل و قال‌ها و سر و صداهایی به پا شد که اگر تو می‌بودی و مشاهده می‌کردی این اختلافات زیاد نمی‌شد.

۲- ما تو را آن طور از دست دادیم که زمین باران رحمت خود را از دست بدهد، امور امّت تو مختل و نامنظم شد، بیا و مشاهده کن و غایب مباش!

[متن عربی] ۱۵ ۳۳۶/ ۲۶- إقبال الأعمال «۲» رُوِّينَا عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا ذَكَرْنَاهُمْ فِي كِتَابِ التَّعْرِيفِ لِلْمَوْلِدِ الشَّرِيفِ أَنَّ وَفَاةَ فَاطِمَةَ ع صَارَتْ يَوْمَ ثَالِثِ جُمَادَى الْآخِرَةِ

ترجمه: (۱) در اقبال الاعمال از کتاب التعریف للمولد الشریف روایت شده: وفات حضرت فاطمه در روز سوم جمادی الثانی بوده است.

[متن عربی] ۱۵ ۳۳۷/ ۲۷- المناقب أَنْشَدَتِ الزَّهْرَاءُ ع بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهَا ص

وَ قَدْ رُزِئْنَا بِهِ مَحْضاً خَلِيقَتَهُ صَافِي الضَّرَائِبِ وَ الْأَعْرَاقِ وَ النَّسَبِ

وَ كُنْتَ بَدْراً وَ نُوراً يُسْتَضَاءُ بِهِ عَلَيْكَ تَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

وَ كَانَ جَبْرَئِيلُ رُوحُ الْقُدْسِ زَائِرَنَا فَغَابَ عَنَّا وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجِبُ

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادَفَنَا لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْحُجُبُ

إِنَّا رُزِئْنَا بِمَا لَمْ يُرْزَ ذُو شَجَنٍ مِنَ الْبَرِيَّةِ لَا عُجْمٌ وَ لَا عَرَبُ

ضَاقَتْ عَلَيَّ بِلَادٌ بَعْدَ مَا رَحُبَتْ وَ سِيمَ سِبْطَاكَ خَسْفاً فِيهِ لِي نَصَبُ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فَأَنْتَ وَ اللَّهِ خَيْرُ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ وَ أَصْدَقُ النَّاسِ حَيْثُ الصِّدْقُ وَ الْكَذِبُ

فَسَوْفَ نَبْكِيكَ مَا عِشْنَا وَ مَا بَقِيَتْ مِنَّا الْعُيُونُ بِتِهْمَالٍ لَهَا سَكْبُ

عَمْرُو بْنُ دِينَارٍ عَنِ الْبَاقِرِ ع قَالَ مَا رُئِيَتْ فَاطِمَةُ ع ضَاحِكَةً قَطُّ مُنْذُ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى قُبِضَتْ

بيان الرزء بالضم و الهمزة المصيبة بفقد الأعزة و رزئنا على صيغة المجهول أي أصبنا و أسقطت الهمزة للتخفيف و قوله محضا خليقته مفعول ثان لرزئنا على التجريد كقولهم لقيت بزيد أسدا أي رزئت به بشخص محض الخليقة لا يشوبها كدر و سوء و الضريبة الطبيعة و السجية و الأعراق جمع عرق بالكسر و هو الأصل من كل شيء و الشجن بالتحريک الهم و الحزن و العجم بالضم و بالتحريک خلاف العرب و قال الجزري الخسف النقصان و الهوان و سيم كلف و ألزم و هملت عينه فاضت

ترجمه: (۲) در مناقب ابن شهر آشوب آمده است که حضرت فاطمه علیها السّلام بعد از وفات رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در مرثیه او سرود:

۱- حقّا که ما دچار مصیبت شخصی شدیم که مخلوقی منحصر به فرد و دارای طبیعت و رگ و ریشه و حسب و نسب صاف و پاکی بود.

۲- پدر جان! تو همان ماه شب چهارده و نوری بودی که موجودات از نور آن بهره‌مند می‌شدند، از طرف خداوند با عزت کتبی به تو نازل می‌گردید.

۳- جبرئیل که روح القدس است به زیارت ما می‌آمد، ولی اکنون از نظر ما غایب شده و کلیه اخبار آسمانی بر ما پوشیده و نامعلوم است.

۴- پدر جان! ای کاش مرگ قبل از تو ما را ربوده بود، در آن هنگام که تو درگذشتی و پرده‌ها بین ما و تو حایل شدند.

۵- پدر جان! ما به مصیبتی مبتلا شدیم که هیچ مصیبت زده‌ای در میان خلق عرب و عجم به آن مبتلا نشد.

۶- دنیا با آن وسعتی که برای من داشت اکنون تنگ شده، دو سبط تو حسن و حسین در نظر مردم دچار نقص و ذلّتی شده‌اند که مرا رنج می‌دهد.

۷- پدر جان! به خداوند سوگند که تو بهترین خلق بودی، هر کجا که راست و دروغی در کار بود تو راستگوترین مردم بودی.

۸- پدر جان! تا ما زنده و چشمان ما باقی و دارای اشک باشند برای تو گریه می‌کنیم.

و عمرو بن دینار از امام صادق علیه السّلام نقل کرده: بعد از وفات رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هرگز حضرت فاطمه علیها السّلام خندان و خوشحال دیده نشد.

[متن عربی] ۲، ۱۵، ۱۴ ۳۳۸/ ۲۸- الإحتجاج «۱» فِيمَا احْتَجَّ بِهِ الْحَسَنُ ع عَلَى مُعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابِهِ أَنَّهُ قَالَ لِمُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ أَنْتَ ضَرَبْتَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى أَدْمَيْتَهَا وَ أَلْقَتْ مَا فِي بَطْنِهَا اسْتِذْلَالًا مِنْكَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ مُخَالَفَةً مِنْكَ لِأَمْرِهِ وَ انْتِهَاكاً لِحُرْمَتِهِ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ اللَّهُ مُصَيِّرُكَ إِلَى النَّارِ

ترجمه: (۱) در کتاب احتجاج آمده است: امام حسن علیه السّلام در احتجاجاتی که با معاویه و اصحابش داشت خطاب به مغیرة بن شعبه گفت: تو همان کسی هستی که فاطمه دختر پیغمبر خدا را زدی و بدنش را خون آلود نمودی، او بدین جهت جنین خود را سقط کرد. تو این عمل را به علّت اینکه رسول خدا را ذلیل شمری و با امر آن حضرت مخالفت کنی و نسبت به آن بزرگوار هتک حرمت کرده باشی انجام دادی. در صورتی که پیغمبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به حضرت زهرای اطهر می‌فرمود:

ای فاطمه! تو برترین زنان اهل بهشت می‌باشی. ای مغیره! بدان که خداوند تو را طعمه آتش جهنّم خواهد کرد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱ ۳۳۹/ ۲۹- أَقُولُ، وَجَدْتُ فِي كِتَابِ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهِلَالِيِّ «۱» بِرِوَايَةِ أَبَانِ بْنِ أَبِي عَيَّاشٍ عَنْهُ عَنْ سَلْمَانَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالا تُوُفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَوْمَ تُوُفِّيَ فَلَمْ يُوضَعْ فِي حُفْرَتِهِ حَتَّى نَكَثَ النَّاسُ وَ ارْتَدُّوا وَ أَجْمَعُوا عَلَى الْخِلَافِ وَ اشْتَغَلَ عَلِيٌّ ع بِرَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى فَرَغَ مِنْ غُسْلِهِ وَ تَكْفِينِهِ وَ تَحْنِيطِهِ وَ وَضْعِهِ فِي حُفْرَتِهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى تَأْلِيفِ الْقُرْآنِ وَ شُغِلَ عَنْهُمْ بِوَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ عُمَرُ لِأَبِي بَكْرٍ يَا هَذَا إِنَّ النَّاسَ أَجْمَعِينَ قَدْ بَايَعُوكَ مَا خَلَا هَذَا الرَّجُلَ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ فَابْعَثْ إِلَيْهِ فَبَعَثَ إِلَيْهِ ابْنَ عَمٍّ لِعُمَرَ يُقَالُ لَهُ قُنْفُذٌ فَقَالَ لَهُ يَا قُنْفُذُ انْطَلِقْ إِلَى عَلِيٍّ فَقُلْ لَهُ أَجِبْ خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ فَبَعَثَا مِرَاراً وَ أَبَى عَلِيٌّ ع أَنْ يَأْتِيَهُمْ فَوَثَبَ عُمَرُ غَضْبَانَ وَ نَادَى خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ وَ قُنْفُذاً فَأَمَرَهُمَا أَنْ يَحْمِلَا حَطَباً وَ نَاراً ثُمَّ أَقْبَلَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى بَابِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَ فَاطِمَةُ قَاعِدَةٌ خَلْفَ الْبَابِ قَدْ عَصَبَتْ رَأْسَهَا وَ نَحِلَ جِسْمُهَا فِي وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَقْبَلَ عُمَرُ حَتَّى ضَرَبَ الْبَابَ ثُمَّ نَادَى يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ افْتَحِ الْبَابَ فَقَالَ فَاطِمَةُ يَا عُمَرُ مَا لَنَا وَ لَكَ لَا تَدَعُنَا وَ مَا نَحْنُ فِيهِ قَالَ افْتَحِي الْبَابَ وَ إِلَّا أَحْرَقْنَا عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ يَا عُمَرُ أَ مَا تَتَّقِي اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ تَدْخُلُ عَلَى بَيْتِي وَ تَهْجُمُ عَلَى دَارِي فَأَبَى أَنْ يَنْصَرِفَ ثُمَّ دَعَا عُمَرُ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ فَأَحْرَقَ الْبَابَ ثُمَّ دَفَعَهُ عُمَرُ فَاسْتَقْبَلَتْهُ فَاطِمَةُ ع وَ صَاحَتْ يَا أَبَتَاهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَرَفَعَ السَّيْفَ وَ هُوَ فِي غِمْدِهِ فَوَجَأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَخَتْ فَرَفَعَ السَّوْطَ فَضَرَبَ بِهِ ذِرَاعَهَا فَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهْ فَوَثَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَأَخَذَ بِتَلَابِيبِ عُمَرَ ثُمَّ هَزَّهُ فَصَرَعَهُ وَ وَجَأَ أَنْفَهُ وَ رَقَبَتَهُ وَ هَمَّ بِقَتْلِهِ فَذَكَرَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَا أَوْصَاهُ بِهِ مِنَ الصَّبْرِ وَ الطَّاعَةِ فَقَالَ وَ الَّذِي كَرَّمَ مُحَمَّداً بِالنُّبُوَّةِ يَا ابْنَ صُهَاكَ لَوْ لا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَعَلِمْتَ أَنَّكَ لَا تَدْخُلُ بَيْتِي فَأَرْسَلَ عُمَرُ يَسْتَغِيثُ فَأَقْبَلَ النَّاسُ حَتَّى دَخَلُوا الدَّارَ فَكَاثَرُوهُ وَ أَلْقَوْا فِي عُنُقِهِ حَبْلًا فَحَالَتْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَهُ فَاطِمَةُ عِنْدَ بَابِ الْبَيْتِ فَضَرَبَهَا قُنْفُذٌ الْمَلْعُونُ بِالسَّوْطِ فَمَاتَتْ حِينَ مَاتَتْ وَ إِنَّ فِي عَضُدِهَا كَمِثْلِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

الدُّمْلُجِ مِنْ ضَرْبَتِه لَعَنَهُ اللَّهُ فَأَلْجَأَهَا إِلَى عِضَادَةِ بَيْتِهَا وَ دَفَعَهَا فَكَسَرَ ضِلْعَهَا مِنْ جَنْبِهَا فَأَلْقَتْ جَنِيناً مِنْ بَطْنِهَا فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةَ فِرَاشٍ حَتَّى مَاتَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً وَ سَاقَ الْحَدِيثَ الطَّوِيلَ فِي الدَّاهِيَةِ الْعُظْمَى وَ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى إِلَى أَنْ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ ثُمَّ إِنَّ فَاطِمَةَ ع بَلَغَهَا أَنَّ أَبَا بَكْرٍ قَبَضَ فَدَكاً فَخَرَجَتْ فِي نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فَقَالَتْ يَا أَبَا بَكْرٍ تُرِيدُ أَنْ تَأْخُذَ مِنِّي أَرْضاً جَعَلَهَا لِي رَسُولُ اللَّهِ ص فَدَعَا أَبُو بَكْرٍ بِدَوَاةٍ لِيَكْتُبَ بِه لَهَا فَدَخَلَ عُمَرُ فَقَالَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَكْتُبْ لَهَا حَتَّى تُقِيمَ الْبَيِّنَةَ بِمَا تَدَّعِي فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع عَلِيٌّ وَ أُمُّ أَيْمَنَ يَشْهَدَانِ بِذَلِكَ فَقَالَ عُمَرُ لَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ امْرَأَةٍ أَعْجَمِيَّةٍ لَا تُفْصِحُ وَ أَمَّا عَلِيٌّ فَيَجُرُّ النَّارَ إِلَى قُرْصِه فَرَجَعَتْ فَاطِمَةُ مُغْتَاظَةً فَمَرِضَتْ وَ كَانَ عَلِيٌّ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فَلَمَّا صَلَّى قَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ كَيْفَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى أَنْ ثَقُلَتْ فَسَأَلَا عَنْهَا وَ قَالا قَدْ كَانَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهَا مَا قَدْ عَلِمْتَ فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَأْذَنَ لَنَا لِنَعْتَذِرَ إِلَيْهَا مِنْ ذَنْبِنَا قَالَ ذَاكَ إِلَيْكُمَا فَقَامَا فَجَلَسَا بِالْبَابِ وَ دَخَلَ عَلِيٌّ ع عَلَى فَاطِمَةَ ع فَقَالَ لَهَا أَيَّتُهَا الْحُرَّةُ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ بِالْبَابِ يُرِيدَانِ أَنْ يُسَلِّمَا عَلَيْكِ فَمَا تُرِيدِينَ قَالَتِ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْحُرَّةُ زَوْجَتُكَ افْعَلْ مَا تَشَاءُ فَقَالَ سُدِّي قِنَاعَكِ فَسَدَّتْ قِنَاعَهَا وَ حَوَّلَتْ وَجْهَهَا إِلَى الْحَائِطِ فَدَخَلَا وَ سَلَّمَا وَ قَالا ارْضَيْ عَنَّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْكِ فَقَالَتْ مَا دَعَا إِلَى هَذَا فَقَالا اعْتَرَفْنَا بِالْإِسَاءَةِ وَ رَجَوْنَا أَنْ تَعْفِي عَنَّا فَقَالَتْ إِنْ كُنْتُمَا صَادِقَيْنِ فَأَخْبِرَانِي عَمَّا أَسْأَلُكُمَا عَنْهُ فَإِنِّي لَا أَسْأَلُكُمَا عَنْ أَمْرٍ إِلَّا وَ أَنَا عَارِفَةٌ بِأَنَّكُمَا تَعْلَمَانِه فَإِنْ صَدَقْتُمَا عَلِمْتُ أَنَّكُمَا صَادِقَانِ فِي مَجِيئِكُمَا قَالا سَلِي عَمَّا بَدَا لَكِ قَالَتْ نَشَدْتُكُمَا بِاللَّهِ هَلْ سَمِعْتُمَا رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي قَالا نَعَمْ فَرَفَعَتْ يَدَهَا إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَتِ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا قَدْ آذَيَانِي فَأَنَا أَشْكُوهُمَا إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ لَا وَ اللَّهِ لَا أَرْضَى عَنْكُمَا أَبَداً حَتَّى أَلْقَى أَبِي رَسُولَ اللَّهِ ص وَ أُخْبِرَهُ بِمَا صَنَعْتُمَا فَيَكُونَ هُوَ الْحَاكِمَ فِيكُمَا قَالَ فَعِنْدَ ذَلِكَ دَعَا أَبُو بَكْرٍ بِالْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ وَ جَزِعَ جَزَعاً شَدِيداً فَقَالَ عُمَرُ تَجْزَعُ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ قَوْلِ امْرَأَةٍ قَالَ فَبَقِيَتْ فَاطِمَةُ ع بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهَا ع أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فَلَمَّا اشْتَدَّ بِهَا الْأَمْرُ دَعَتْ عَلِيّاً ع وَ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ مَا أَرَانِي إِلَّا لِمَا بِي وَ أَنَا أُوصِيكَ أَنْ تَتَزَوَّجَ بِأُمَامَةَ بِنْتِ أُخْتِي زَيْنَبَ تَكُونُ لِوُلْدِي مِثْلِي وَ اتَّخِذْ لِي نَعْشاً فَإِنِّي رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ يَصِفُونَهُ لِي وَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ جِنَازَتِي وَ لَا دَفْنِي وَ لَا الصَّلَاةَ عَلَيَّ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَقُبِضَتْ فَاطِمَةُ ع مِنْ يَوْمِهَا فَارْتَجَّتِ الْمَدِينَةُ بِالْبُكَاءِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ دَهِشَ النَّاسُ كَيَوْمِ قُبِضَ فِيه رَسُولُ اللَّهِ ص فَأَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ يُعَزِّيَانِ عَلِيّاً ع وَ يَقُولَانِ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ لَا تَسْبِقْنَا بِالصَّلَاةِ عَلَى ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ دَعَا عَلِيٌّ ع الْعَبَّاسَ وَ الْفَضْلَ وَ الْمِقْدَادَ وَ سَلْمَانَ وَ أَبَا ذَرٍّ وَ عَمَّاراً فَقَدَّمَ الْعَبَّاسَ فَصَلَّى عَلَيْهَا وَ دَفَنُوهَا فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ النَّاسُ يُرِيدُونَ الصَّلَاةَ عَلَى فَاطِمَةَ ع فَقَالَ الْمِقْدَادُ قَدْ دَفَنَّا فَاطِمَةَ الْبَارِحَةَ فَالْتَفَتَ عُمَرُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ فَقَالَ لَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّهُمْ سَيَفْعَلُونَ قَالَ الْعَبَّاسُ إِنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا تُصَلِّيَا عَلَيْهَا فَقَالَ عُمَرُ لَا تَتْرُكُونَ يَا بَنِي هَاشِمٍ حَسَدَكُمُ الْقَدِيمَ لَنَا أَبَداً إِنَّ هَذِه الضَّغَائِنَ الَّتِي فِي صُدُورِكُمْ لَنْ تَذْهَبَ وَ اللَّهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَنْبُشَهَا فَأُصَلِّيَ عَلَيْهَا فَقَالَ عَلِيٌّ ع وَ اللَّهِ لَوْ رُمْتَ ذَاكَ يَا ابْنَ صُهَاكَ لَا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

رَجَعَتْ إِلَيْکَ يَمِينُکَ لَئِنْ سَلَلْتُ سَيْفِي لَا غَمَدْتُهُ دُونَ إِزْهَاقِ نَفْسِکَ فَانْكَسَرَ عُمَرُ وَ سَكَتَ وَ عَلِمَ أَنَّ عَلِيّاً ع إِذَا حَلَفَ صَدَقَ ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ ع يَا عُمَرُ أَ لَسْتَ الَّذِي هَمَّ بِکَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ أَرْسَلَ إِلَيَّ فَجِئْتُ مُتَقَلِّداً سَيْفِي ثُمَّ أَقْبَلْتُ نَحْوَکَ لِأَقْتُلَکَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَلا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّما نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا «۱»

أقول تمام الخبر مع الأخبار الأخر المشتملة على ما وقع عليها من الظلم أوردتها فی کتاب الفتن

ترجمه: (۱) علامه مجلسی گوید: در کتاب سلیم بن قیس هلالی به روایت ابان بن ابی عیّاش از او، از سلمان و عبد اللّه بن عبّاس روایت شده که گفتند: هنگامی که پیامبر اسلام رحلت کرد هنوز جنازه مقدس آن حضرت را به خاک نسپرده بودند که مردم عهد و پیمان خود را شکستند و مرتد شدند و علم مخالفت را برافراشتند.

اما حضرت علی مشغول غسل و کفن و حنوط جسد مبارک پیغمبر عزیز اسلام شد تا اینکه آن جسد مقدّس را به خاک سپرد. سپس علی علیه السّلام طبق وصیّت حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مشغول جمع آوری قرآن مجید شد.

پس از این جریان عمر به ابو بکر گفت: مردم عموما غیر از علی و اهل بیتش با تو بیعت کردند، به دنبال وی بفرست تا بیاید و بیعت کند. ابو بکر پسر عموی عمر را که نامش قنفذ بود، خواست و به او گفت: نزد علی برو، به وی بگو: خلیفه پیغمبر تو را خواسته! چندین مرتبه قنفذ این مأموریت را انجام داد ولی حضرت امیر نزد آنان نیامد. عمر در حالی که خشمناک بود برجست و خالد بن ولید و قنفذ را خواست، به آنان دستور داد تا هیزم و آتش برداشتند و به سوی خانه حضرت روانه شدند. در آن هنگام حضرت زهرا علیها السّلام پشت در نشسته بود و جسم آن بانو پس از رحلت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ناتوان شده بود.

عمر به در خانه علی که رسید دقّ الباب کرد و فریاد زد: ای پسر ابی طالب! در را باز کن! حضرت زهرا فرمود: ما را با تو چه کار که نمی‌گذاری به عزاداری خویشتن مشغول باشیم؟! عمر به حضرت فاطمه گفت: در را باز کن! و الّا آتش به جان شما می‌زنیم! فاطمه زهرا در جوابش فرمود: آیا از خدای توانا نمی‌ترسی که داخل خانه من می‌شوی و به خانه‌ام حمله و هجوم می‌کنی؟! ولی او حاضر نشد که برگردد! آتش خواست و در خانه را آتش زد. وقتی در سوخت، او در را باز کرد! در همین لحظه بود که حضرت زهرا در مقابل وی قرار گرفت و فریاد زد:

پدر جان! ای رسول خدا! او شمشیر خود را همان طور که در غلاف بود، بلند کرد و به پهلوی فاطمه علیها السّلام زد، وقتی ناله آن بانوی مظلومه بلند شد با تازیانه به نحوی به ساق دست آن حضرت نواخت که صیحه‌ای زد و پدر خود رسول خدا را به فریاد طلبید.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

هنگامی که حضرت امیر با این منظره مواجه شد از جای برجست و کمربند او را گرفت و او را از جای کند و بر زمین افکند آنگاه بینی و گردن وی را کوبید و تصمیم گرفت که او را به قتل رساند! ولی دستور پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را به یاد آورد که به آن حضرت فرموده بود: باید صبور و شکیبا باشی، لذا فرمود: (۱) ای پسر صهاک! سوگند به حقّ آن خدایی که حضرت محمّد را به مقام نبوّت گرامی داشت اگر نه چنین بود که من به خاطر امر خداوند باید صبر کنم تو می‌دیدی که نمی‌توانستی داخل خانه من شوی! و عمر پیوسته استغاثه می‌کرد! در این هنگام مردم به میان خانه علی ریختند و بر آن حضرت غلبه یافته ریسمان به گردن مقدّسش انداختند! فاطمه زهرا نزدیک در آمد که حضرت امیر را از دست آنان رها کند، ولی قنفذ آن بانوی مظلومه را هدف تازیانه قرار داد! و اثر آن تازیانه نظیر یک بازوبند به بازوی آن حضرت بود تا زمانی که رحلت فرمود.

آنگاه آن بانو را به نحوی به در کوبید که دنده و پهلویش شکست و جنین خود را که در رحم داشت سقط کرد! پس از آن زهرا علیها السّلام چنان در بستر بیماری افتاد که دیگر برنخاست و به شهادت رسید.

سپس حضرت فاطمه مطّلع گشت که ابو بکر فدک را گرفته! آن مظلومه با گروهی از زنان نزد ابو بکر آمد و فرمود:

آیا می‌خواهی زمینی را که پدرم پیغمبر خدا به من عطا فرموده بگیری؟! ابو بکر دوات خواست تا بنویسد که فدک مال فاطمه باشد. عمر وارد شد و به او گفت: ای خلیفه پیامبر خدا! مبادا سند فدک را برای زهرا بنویسی مگر اینکه برای ادّعای خود شاهد بیاورد. حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود: علی و امّ ایمن برای مدّعای من شهادت می‌دهند.

عمر گفت: شهادت زن عجمی که فصاحت ندارد قبول نیست. علی هم روی خمیر خود آتش می‌کشد «۱»!!

(۱) حضرت فاطمه با حالتی خشمناک مراجعت کرد و بیمار گردید.

یک روز علی بن ابی طالب علیه السّلام در مسجد نمازهای پنج‌گانه را به جای می‌آورد که ابو بکر و عمر به آن حضرت گفتند:

دختر رسول خدا در چه حال است؟ چون از آن جریانی که بین ما و او گذشت آگاهی، چنانچه صلاح بدانی از آن بانو کسب اجازه کن تا ما نزد او بیاییم و از گناه خود عذرخواهی نماییم؟ حضرت امیر فرمود: اختیار با شما.

آنان برخاستند و بر در خانه حضرت زهرا آمدند. حضرت علی نزد فاطمه آمد و گفت:

ای بانوی آزاده! فلانی و فلانی آمده‌اند و تصمیم دارند سلامی به تو بگویند، نظرت چیست؟

فاطمه زهرا فرمود: خانه خانه تو می‌باشد و من همسر تو. هر عملی که می‌خواهی انجام بده.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حضرت علی به فاطمه زهرا گفت: مقنعه خود را بر سر کن. آن بانو مقنعه خویش را در بر کرد و صورت خود را به سمت دیوار نمود.

سپس آنان به حضور آن بانو آمدند و پس از اینکه سلام کردند به حضرت زهرا گفتند: از ما راضی باش تا خداوند از تو راضی شود. ما قبول داریم که به تو ستم کردیم و تقاضای عفو و بخشش داریم.

فرمود: اگر شما راست می‌گویید این موضوعی را که من از شما می‌پرسم جواب بگویید و میدانم که جواب آن را می‌دانید. اگر جواب مرا درست گفتید یقین دارم برای این مطلبی که گفتید آمده‌اید. گفتند: آنچه در نظر داری بپرس.

فرمود: شما را به خداوند سوگند می‌دهم آیا نشنیدید که پدرم پیغمبر خدا در باره من می‌فرمود: فاطمه پاره تن من است، کسی که او را اذیّت کند مرا اذیّت کرده است.

گفتند: چرا. آن حضرت دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

پروردگارا! این دو نفر مرا اذیّت کردند، من شکایت ایشان را به تو و به پیامبرت می‌کنم!! نه، به خداوند سوگند من هرگز از شما راضی نخواهم شد تا اینکه نزد پدر بزرگوارم بروم و او را از این ظلم و ستمی که در باره من کردید آگاه نمایم و آن حضرت در باره شما قضاوت نماید! (۱) ابو بکر پس از شنیدن این مطلب صدا به وا ویلا بلند کرد و دچار جزع و فزع شدیدی شد! عمر گفت: ای خلیفه پیامبر خدا! آیا جا دارد که تو از سخن یک زن این طور جزع و فزع کنی؟! راوی می‌گوید: حضرت زهرا مدّت چهل روز بعد از رحلت پدر بزرگوارش زنده بود.

هنگامی که بیماری آن بانو شدید شد، حضرت علی بن ابی طالب را خواست و به آن حضرت فرمود: پسر عمو! من خودم را آماده سفر آخرت می‌بینم. به تو وصیّت می‌کنم که با دختر خواهرم ازدواج نمایی، زیرا او برای فرزندانم نظیر خودم می‌باشد. یک تابوت برای من پیش بینی کن، زیرا ملائکه اوصاف آن را برای من شرح داده‌اند. مبادا در موقع تشییع جنازه و دفن و نماز خواندن بر بدن من احدی از دشمنان خدا حاضر گردند!! ابن عبّاس می‌گوید: حضرت زهرا همان روز از دنیا رحلت کرد. مردان و زنان مدینه عموما غرق ضجّه و گریه شدند و مردم دچار مصیبتی گردیدند که در روز رحلت پدرش حضرت رسول دچار شده بودند. ابو بکر و عمر نزد حضرت امیر آمدند و پس از اظهار تسلیت به آن حضرت گفتند: مبادا قبل از ما بر جسد دختر پیامبر نماز بگزاری! ولی هنگامی که شب شد علی بن ابی طالب علیه السّلام عبّاس، فضل، مقداد، سلمان، ابو ذر و عمار را خواست. آنگاه بر بدن مبارک آن مظلومه نماز خواندند و او را به خاک سپردند.

و چون صبح شد ابو بکر و عمر با مردم مدینه آمدند که بر بدن فاطمه زهرا نماز بخوانند.

ولی مقداد گفت: فاطمه را شب گذشته به خاک سپردیم. عمر به ابو بکر گفت: قبلا گفتم که ایشان کار خودشان را خواهند کرد!! عبّاس گفت: فاطمه زهرا خودش وصیّت کرد که شما بر بدنش نماز نخوانید! عمر گفت: ای بنی هاشم! شما آن حسدی را که از قدیم الایام با ما داشتید هرگز ترک نخواهید کرد، آن دشمنی و کینه‌هایی که در سینه شماست از بین نخواهد رفت؟! به خداوند سوگند تصمیم دارم که قبر فاطمه را نبش کنم و بر جنازه‌اش نماز بخوانم! حضرت علی علیه السّلام فرمود: ای پسر صهاک! به خداوند سوگند اگر چنین عملی را انجام دهی سوگندی را که خورده‌ای به تو بازمی‌گردانم و اگر این شمشیرم را از غلاف بکشم آن را غلاف نمی‌کنم تا اینکه تو را هلاک نمایم. عمر جا خورد و ساکت شد، زیرا می‌دانست علی هر گاه سوگند بخورد طبق سوگند خود عمل خواهد کرد.

آنگاه علی فرمود: آیا تو آن کسی نیستی که پیامبر تصمیم گرفت تو را بکشد، آن حضرت به دنبال من فرستاد، من با شمشیر کشیده به سوی تو آمدم که تو را به قتل برسانم و خدای علیم این آیه را نازل کرد:

بر علیه آنان عجله منمای، زیرا ما آنچه را که باید برای آنان آماده کنیم آماده کرده‌ایم.

[متن عربی] ۱۵ ۳۴۰/ ۳۰- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ مَاتَتْ فَاطِمَةُ ع مَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ وَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص لَمَّا احْتُضِرَتْ نَظَرَتْ نَظَراً حَادّاً ثُمَّ قَالَتْ السَّلَامُ عَلَى جَبْرَئِيلَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَعَ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ فِي رِضْوَانِكَ وَ جِوَارِكَ وَ دَارِكَ دَارِ السَّلَامِ ثُمَّ قَالَتْ أَ تَرَوْنَ مَا أَرَى فَقِيلَ لَهَا مَا تَرَى قَالَتْ هَذِهِ مَوَاكِبُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ هَذَا جَبْرَئِيلُ وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَ يَقُولُ يَا بُنَيَّةِ اقْدَمِي فَمَا أَمَامَكِ خَيْرٌ لَكِ وَ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّ فَاطِمَةَ ع لَمَّا احْتُضِرَتْ سَلَّمَتْ عَلَى جَبْرَئِيلَ وَ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ سَلَّمَتْ عَلَى مَلَكِ الْمَوْتِ وَ سَمِعُوا حِسَّ الْمَلَائِكَةِ وَ وَجَدُوا رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَطْيَبِ مَا يَكُونُ مِنَ الطِّيبِ

وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ عَاشَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص سِتَّةَ أَشْهُرٍ

وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ مَكَثَتْ فَاطِمَةُ ع فِي مَرَضِهَا خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً وَ تُوُفِّيَتْ

وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ شَهِدَ دَفْنَهَا سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَ ابْنُ مَسْعُودٍ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ الزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ

وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص عَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ ص سِتَّةَ أَشْهُرٍ مَا رُئِيَتْ ضَاحِكَةً وَ عَنْهُ ع أَنَّ فَاطِمَةَ كُفِّنَتْ فِي سَبْعَةِ أَثْوَابٍ وَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُلْوَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ بُدُوُّ مَرَضِ فَاطِمَةَ بَعْدَ خَمْسِينَ لَيْلَةً مِنْ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَلِمَتْ أَنَّهَا الْوَفَاةُ فَاجْتَمَعَتْ لِذَلِكَ تَأْمُرُ عَلِيّاً بِأَمْرِهَا وَ تُوصِيهِ بِوَصِيَّتِهَا وَ تَعْهَدُ إِلَيْهِ عُهُودَهَا وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَجْزَعُ لِذَلِكَ وَ يُطِيعُهَا فِي جَمِيعِ مَا تَأْمُرُهُ فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

رَسُولَ اللَّهِ ص عَهِدَ إِلَيَّ وَ حَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقاً بِهِ وَ لَا بُدَّ مِمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ فَاصْبِرْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ ارْضَ بِقَضَائِهِ قَالَ وَ أَوْصَتْهُ بِغُسْلِهَا وَ جَهَازِهَا وَ دَفْنِهَا لَيْلًا فَفَعَلَ قَالَ وَ أَوْصَتْهُ بِصَدَقَتِهَا وَ تَرَكَتِهَا قَالَ فَلَمَّا فَرَغَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ دَفْنِهَا لَقِيَهُ الرَّجُلَانِ فَقَالا لَهُ مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ قَالَ وَصِيَّتُهَا وَ عَهْدُهَا

ترجمه: (۱) در کتاب مصباح الانوار از امام جعفر صادق، از پدران مقدّسش علیهم السّلام روایت شده است: حضرت زهرا ما بین نماز مغرب و عشا از دنیا رفت. عبد اللّه بن حسن روایت می‌کند که هنگامی که رحلت حضرت زهرا نزدیک شد، نظری خاص کرد و فرمود: سلام بر جبرائیل، سلام به رسول خدا، بار خدایا! مرا با رسول خود محشور کن. پروردگارا! مرا در بهشت و جوار خود جای بده. خانه تو خانه سلامتی است.

سپس فرمود: آیا آنچه را که من می‌بینم شما هم می‌بینید؟ زیرا این مرکبهای اهل آسمانهاست، این جبرئیل و این پیغمبر خداست که به من می‌فرماید: دخترم بیا، زیرا این نعمتهایی که تو در پیش داری برایت بهتر است.

زید بن علی علیه السّلام می‌گوید: زمانی که وفات حضرت فاطمه نزدیک شد آن بانو به جبرئیل و حضرت رسول و ملک الموت سلام کرد: حاضرین احساسات ملائکه را شنیدند و بهترین بوی مشک را استشمام نمودند.

و امام باقر علیه السّلام گفت: فاطمه علیها السّلام بعد از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شش ماه زندگی کرد. و در روایت دیگر از آن حضرت آمده است: فاطمه پانزده روز بیمار بود و سپس وفات نمود.

و امام صادق فرموده است: شاهدان دفن حضرت فاطمه سلمان فارسی، مقداد بن اسود، ابو ذر غفاری، عبد اللّه بن مسعود، عبّاس بن عبد المطّلب و زبیر بن عوام بودند.

(۱) و امام باقر علیه السّلام از پدرانش روایت نمود که حضرت فاطمه در دوره شش ماهه زندگانی بعد از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هرگز نخندید.

و از امام باقر علیه السّلام روایت است که فاطمه علیها السّلام را در هفت قطعه پارچه کفن کردند.

و باز از امام باقر روایت شده: ابتدای بیماری حضرت فاطمه پنجاه شب بعد از وفات رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بود و وقتی آن حضرت دریافت که از این بیماری بهبود نخواهد جست لذا توصیه‌هایش را به علی علیه السّلام فرمود، و در این حال علی علیه السّلام بسیار ناله و زاری می‌کرد و پس از آن نیز به همه توصیه‌ها و سفارش‌های فاطمه علیها السّلام عمل کرد.

و فاطمه علیها السّلام به علی علیه السّلام گفت: ای ابو الحسن! رسول خدا به من خبر داده که اوّلین شخص از خانواده او هستم که به حضرتش خواهم پیوست، پس گریزی از مرگ نیست، در مقابل امر خداوند صبر پیشه کن و به رضای او راضی باش. و امام باقر علیه السّلام فرموده:

و علی علیه السّلام را به غسل، کفن و دفن شبانه خویش سفارش کرد و علی نیز اطاعت نمود، و او را در باره صدقات و ارثیه‌اش توصیه‌هایی کرد.

هنگامی که علی علیه السّلام از دفن فاطمه علیها السّلام فراغت یافت، دو نفر او را ملاقات کرده و پرسیدند: آن دو چیزی که با خود حمل می‌کنی چیست؟ علی علیه السّلام فرمود: وصیّت فاطمه و سفارش‌های اوست.

[متن عربی] ۶، ۱۵، ۱، ۱۴، ۲، ۳ ۳۴۱/ ۳۱- علل الشرائع «۱» حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ وَ زِيَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالا أَتَى رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ هَلْ تُشَيَّعُ الْجِنَازَةُ بِنَارٍ وَ يُمْشَى مَعَهَا بِمِجْمَرَةٍ وَ قِنْدِيلٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا يُضَاءُ بِهِ قَالَ فَتَغَيَّرَ لَوْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِنْ ذَلِكَ وَ اسْتَوَى جَالِساً ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ جَاءَ شَقِيٌّ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فَقَالَ لَهَا أَ مَا عَلِمْتِ أَنَّ عَلِيّاً قَدْ خَطَبَ بِنْتَ أَبِي جَهْلٍ فَقَالَتْ حَقّاً مَا تَقُولُ فَقَالَ حَقّاً مَا أَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَدَخَلَهَا مِنَ الْغَيْرَةِ مَا لَا تَمْلِكُ نَفْسَهَا وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَى النِّسَاءِ غَيْرَةً وَ كَتَبَ عَلَى الرِّجَالِ جِهَاداً وَ جَعَلَ لِلْمُحْتَسِبَةِ الصَّابِرَةِ مِنْهُنَّ مِنَ الْأَجْرِ مَا جَعَلَ لِلْمُرَابِطِ الْمُهَاجِرِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ فَاشْتَدَّ غَمُّ فَاطِمَةَ ع مِنْ ذَلِكَ وَ بَقِيَتْ مُتَفَكِّرَةً هِيَ حَتَّى أَمْسَتْ وَ جَاءَ اللَّيْلُ حَمَلَتِ الْحَسَنَ عَلَى عَاتِقِهَا الْأَيْمَنِ وَ الْحُسَيْنَ عَلَى عَاتِقِهَا الْأَيْسَرِ وَ أَخَذَتْ بِيَدِ أُمِّ كُلْثُومٍ الْيُسْرَى بِيَدِهَا الْيُمْنَى ثُمَّ تَحَوَّلَتْ إِلَى حُجْرَةِ أَبِيهَا فَجَاءَ عَلِيٌّ ع فَدَخَلَ فِي حُجْرَتِهِ فَلَمْ يَرَ فَاطِمَةَ ع فَاشْتَدَّ لِذَلِكَ غَمُّهُ وَ عَظُمَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَعْلَمِ الْقِصَّةَ مَا هِيَ فَاسْتَحْيَا أَنْ يَدْعُوَهَا مِنْ مَنْزِلِ أَبِيهَا فَخَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَصَلَّى فِيهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ جَمَعَ شَيْئاً مِنْ كَثِيبِ الْمَسْجِدِ وَ اتَّكَأَ عَلَيْهِ فَلَمَّا رَأَى النَّبِيُّ ص مَا بِفَاطِمَةَ مِنَ الْحُزْنِ أَفَاضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ ثُمَّ لَبِسَ ثَوْبَهُ وَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَلَمْ يَزَلْ يُصَلِّي بَيْنَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ وَ كُلَّمَا صَلَّى رَكْعَتَيْنِ دَعَا اللَّهَ أَنْ يُذْهِبَ مَا بِفَاطِمَةَ مِنَ الْحُزْنِ وَ الْغَمِّ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا وَ هِيَ تَتَقَلَّبُ وَ تَتَنَفَّسُ الصُّعَدَاءَ فَلَمَّا رَآهَا النَّبِيُّ ص أَنَّهَا لَا يَهْنَؤُهَا النَّوْمُ وَ لَيْسَ لَهَا قَرَارٌ قَالَ لَهَا قُومِي يَا بُنَيَّةِ فَقَامَتْ فَحَمَلَ النَّبِيُّ ص الْحَسَنَ وَ حَمَلَتْ فَاطِمَةُ الْحُسَيْنَ وَ أَخَذَتْ بِيَدِ أُمِّ كُلْثُومٍ فَانْتَهَى إِلَى عَلِيٍّ ع وَ هُوَ نَائِمٌ فَوَضَعَ النَّبِيُّ رِجْلَهُ عَلَى رِجْلِ عَلِيٍّ فَغَمَزَهُ وَ قَالَ قُمْ يَا أَبَا تُرَابٍ فَكَمْ سَاكِنٍ أَزْعَجْتَهُ ادْعُ لِي أَبَا بَكْرٍ مِنْ دَارِهِ وَ عُمَرَ مِنْ مَجْلِسِهِ وَ طَلْحَةَ فَخَرَجَ عَلِيٌّ ع فَاسْتَخْرَجَهُمَا مِنْ مَنْزِلِهِمَا وَ اجْتَمَعُوا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَ مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي قَالَ فَقَالَ عَلِيٌّ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَقَالَ فَمَا دَعَاكَ إِلَى مَا صَنَعْتَ فَقَالَ عَلِيٌّ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَا كَانَ مِنِّي مِمَّا بَلَغَهَا شَيْءٌ وَ لَا حَدَّثَتْ بِهَا نَفْسِي فَقَالَ النَّبِيُّ ص صَدَقْتَ وَ صَدَقَتْ فَفَرِحَتْ فَاطِمَةُ ع بِذَلِكَ وَ تَبَسَّمَتْ حَتَّى رُئِيَ ثَغْرُهَا فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ إِنَّهُ لَعَجَبٌ لِحِينِهِ مَا دَعَاهُ إِلَى مَا دَعَانَا هَذِهِ السَّاعَةَ قَالَ ثُمَّ أَخَذَ النَّبِيُّ ص بِيَدِ عَلِيٍّ ع فَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ بِأَصَابِعِهِ فَحَمَلَ النَّبِيُّ ص الْحَسَنَ وَ حَمَلَ الْحُسَيْنَ عَلِيٌّ ع وَ حَمَلَتْ فَاطِمَةُ ع أُمَّ كُلْثُومٍ وَ أَدْخَلَهُمُ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

النَّبِیُّ ص بَیْتَهُمْ وَ وَضَعَ عَلَیْهِمْ قَطِیفَةً وَ اسْتَوْدَعَهُمُ اللَّهَ ثُمَّ خَرَجَ وَ صَلَّى بَقِیَّةَ اللَّیْلِ فَلَمَّا مَرِضَتْ فَاطِمَةُ ع مَرَضَهَا الَّذِی مَاتَتْ فِیهِ أَتَیَاهَا عَائِدَیْنِ وَ اسْتَأْذَنَا عَلَیْهَا فَأَبَتْ أَنْ تَأْذَنَ لَهُمَا فَلَمَّا رَأَى ذَلِکَ أَبُو بَکْرٍ أَعْطَى اللَّهَ عَهْداً لَا یُظِلُّهُ سَقْفُ بَیْتٍ حَتَّى یَدْخُلَ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَ یَتَرَاضَاهَا فَبَاتَ لَیْلَةً فِی الصَّقِیعِ مَا أَظَلَّهُ شَیْءٌ ثُمَّ إِنَّ عُمَرَ أَتَى عَلِیّاً ع فَقَالَ لَهُ إِنَّ أَبَا بَکْرٍ شَیْخٌ رَقِیقُ الْقَلْبِ وَ قَدْ کَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِی الْغَارِ فَلَهُ صُحْبَةٌ وَ قَدْ أَتَیْنَاهَا غَیْرَ هَذِهِ الْمَرَّةِ مِرَاراً نُرِیدُ الْإِذْنَ عَلَیْهَا وَ هِیَ تَأْبَى أَنْ تَأْذَنَ لَنَا حَتَّى نَدْخُلَ عَلَیْهَا فَنَتَرَاضَى فَإِنْ رَأَیْتَ أَنْ تَسْتَأْذِنَ لَنَا عَلَیْهَا فَافْعَلْ قَالَ نَعَمْ فَدَخَلَ عَلِیٌّ عَلَى فَاطِمَةَ ع فَقَالَ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ کَانَ مِنْ هَذَیْنِ الرَّجُلَیْنِ مَا قَدْ رَأَیْتِ وَ قَدْ تَرَدَّدَا مِرَاراً کَثِیرَةً وَ رَدَدْتِهِمَا وَ لَمْ تَأْذَنِی لَهُمَا وَ قَدْ سَأَلَانِی أَنْ أَسْتَأْذِنَ لَهُمَا عَلَیْکِ فَقَالَتْ وَ اللَّهِ لَا آذَنُ لَهُمَا وَ لَا أُکَلِّمُهُمَا کَلِمَةً مِنْ رَأْسِی حَتَّى أَلْقَى أَبِی فَأَشْکُوَهُمَا إِلَیْهِ بِمَا صَنَعَاهُ وَ ارْتَکَبَاهُ مِنِّی قَالَ عَلِیٌّ ع فَإِنِّی ضَمِنْتُ لَهُمَا ذَلِکَ قَالَتْ إِنْ کُنْتَ قَدْ ضَمِنْتَ لَهُمَا شَیْئاً فَالْبَیْتُ بَیْتُکَ وَ النِّسَاءُ تَتْبَعُ الرِّجَالَ لَا أُخَالِفُ عَلَیْکَ بِشَیْءٍ فَأَذِنَ لِمَنْ أَحْبَبْتَ فَخَرَجَ عَلِیٌّ ع فَأَذِنَ لَهُمَا فَلَمَّا وَقَعَ بَصَرُهُمَا عَلَى فَاطِمَةَ ع سَلَّمَا عَلَیْهَا فَلَمْ تَرُدَّ عَلَیْهِمَا وَ حَوَّلَتْ وَجْهَهَا عَنْهُمَا فَتَحَوَّلَا وَ اسْتَقْبَلَا وَجْهَهَا حَتَّى فَعَلَتْ مِرَاراً وَ قَالَتْ یَا عَلِیُّ جَافِ الثَّوْبَ وَ قَالَتْ لِنِسْوَةٍ حَوْلَهَا حَوِّلْنَ وَجْهِی فَلَمَّا حَوَّلْنَ وَجْهَهَا حَوَّلَا إِلَیْهَا فَقَالَ أَبُو بَکْرٍ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا أَتَیْنَاکِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِکِ وَ اجْتِنَابَ سَخَطِکِ نَسْأَلُکِ أَنْ تَغْفِرِی لَنَا وَ تَصْفَحِی عَمَّا کَانَ مِنَّا إِلَیْکِ قَالَتْ لَا أُکَلِّمُکُمَا مِنْ رَأْسِی کَلِمَةً وَاحِدَةً حَتَّى أَلْقَى أَبِی وَ أَشْکُوَکُمَا إِلَیْهِ وَ أَشْکُوَ صُنْعَکُمَا وَ فِعَالَکُمَا وَ مَا ارْتَکَبْتُمَا مِنِّی قَالَا إِنَّا جِئْنَا مُعْتَذِرَیْنِ مبتغین [مُبْتَغِیَیْنِ مَرْضَاتَکِ فَاغْفِرِی وَ اصْفَحِی عَنَّا وَ لَا تُؤَاخِذِینَا بِمَا کَانَ مِنَّا فَالْتَفَتَتْ إِلَى عَلِیٍّ ع وَ قَالَتْ إِنِّی لَا أُکَلِّمُهُمَا مِنْ رَأْسِی کَلِمَةً حَتَّى أَسْأَلَهُمَا عَنْ شَیْءٍ سَمِعَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَإِنْ صَدَقَانِی رَأَیْتُ رَأْیِی قَالَا اللَّهُمَّ ذَلِکَ لَهَا وَ إِنَّا لَا نَقُولُ إِلَّا حَقّاً وَ لَا نَشْهَدُ إِلَّا صِدْقاً فَقَالَتْ أَنْشُدُکُمَا بِاللَّهِ أَ تَذْکُرَانِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص اسْتَخْرَجَکُمَا فِی جَوْفِ اللَّیْلِ بِشَیْءٍ کَانَ حَدَثَ مِنْ أَمْرِ عَلِیٍّ فَقَالَا اللَّهُمَّ نَعَمْ فَقَالَتْ أَنْشُدُکُمَا بِاللَّهِ هَلْ سَمِعْتُمَا النَّبِیَّ ص یَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْهَا مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِی فَکَانَ کَمَنْ آذَاهَا فِی حَیَاتِی وَ مَنْ آذَاهَا فِی حَیَاتِی کَانَ کَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِی قَالَا اللَّهُمَّ نَعَمْ فَقَالَتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ قَالَتِ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ فَاشْهَدُوا یَا مَنْ حَضَرَنِی أَنَّهُمَا قَدْ آذَیَانِی فِی حَیَاتِی وَ عِنْدَ مَوْتِی وَ اللَّهِ لَا أُکَلِّمُکُمَا مِنْ رَأْسِی کَلِمَةً حَتَّى أَلْقَى رَبِّی فَأَشْکُوَکُمَا إِلَیْهِ بِمَا صَنَعْتُمَا بِهِ وَ بِی وَ ارْتَکَبْتُمَا مِنِّی فَدَعَا أَبُو بَکْرٍ بِالْوَیْلِ وَ الثُّبُورِ وَ قَالَ لَیْتَ أُمِّی لَمْ تَلِدْنِی فَقَالَ عُمَرُ عَجَباً لِلنَّاسِ کَیْفَ وَلَّوْکَ أُمُورَهُمْ وَ أَنْتَ شَیْخٌ قَدْ خَرِفْتَ تَجْزَعُ لِغَضَبِ امْرَأَةٍ وَ تَفْرَحُ بِرِضَاهَا وَ مَا لِمَنْ أَغْضَبَ امْرَأَةً وَ قَامَا وَ خَرَجَا قَالَ فَلَمَّا نُعِیَ إِلَى فَاطِمَةَ ع نَفْسُهَا أَرْسَلَتْ إِلَى أُمِّ أَیْمَنَ وَ کَانَتْ أَوْثَقَ نِسَائِهَا عِنْدَهَا وَ فِی نَفْسِهَا فَقَالَتْ یَا أُمَّ أَیْمَنَ إِنَّ نَفْسِی نُعِیَتْ إِلَیَّ فَادْعِی لِی عَلِیّاً فَدَعَتْهُ لَهَا فَلَمَّا دَخَلَ عَلَیْهَا قَالَتْ لَهُ یَا ابْنَ الْعَمِّ أُرِیدُ أَنْ أُوصِیَکَ بِأَشْیَاءَ فَاحْفَظْهَا عَلَیَّ فَقَالَ لَهَا قُولِی مَا أَحْبَبْتِ قَالَتْ لَهُ تَزَوَّجْ فُلَانَةَ تَکُونُ مُرَبِّیَةً لِوُلْدِی مِنْ بَعْدِی مِثْلِی وَ اعْمَلْ نَعْشاً رَأَیْتُ الْمَلَائِکَةَ قَدْ صَوَّرَتْهُ لِی فَقَالَ لَهَا عَلِیٌّ أَرِینِی

كَيْفَ صُورَتُهُ فَأَرَتْهُ ذَلِكَ كَمَا وَصَفَتْ لَهُ وَ كَمَا أَمَرَتْ بِهِ ثُمَّ قَالَتْ فَإِذَا أَنَا قَضَيْتُ نَحْبِي فَأَخْرِجْنِي مِنْ سَاعَتِكَ أَيَّ سَاعَةٍ كَانَتْ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَ لَا يَحْضُرَنَّ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِهِ لِلصَّلَاةِ عَلَيَّ قَالَ عَلِيٌّ ع أَفْعَلُ فَلَمَّا قَضَتْ نَحْبَهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَ هُمْ فِي ذَلِكَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَخَذَ عَلِيٌّ ع فِي جَهَازِهَا مِنْ سَاعَتِهِ كَمَا أَوْصَتْهُ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ جَهَازِهَا أَخْرَجَ عَلِيٌّ الْجِنَازَةَ وَ أَشْعَلَ النَّارَ فِي جَرِيدِ النَّخْلِ وَ مَشَى مَعَ الْجِنَازَةِ بِالنَّارِ حَتَّى صَلَّى عَلَيْهَا وَ دَفَنَهَا لَيْلًا فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ عَاوَدَا عَائِدَيْنِ لِفَاطِمَةَ فَلَقِيَا رَجُلًا مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالا لَهُ مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ قَالَ عَزَّيْتُ عَلِيّاً بِفَاطِمَةَ قَالا وَ قَدْ مَاتَتْ قَالَ نَعَمْ وَ دُفِنَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ فَجَزِعَا جَزَعاً شَدِيداً ثُمَّ أَقْبَلَا إِلَى عَلِيٍّ ع فَلَقِيَاهُ فَقَالا لَهُ وَ اللَّهِ مَا تَرَكْتَ شَيْئاً مِنْ غَوَائِلِنَا وَ مَسَاءَتِنَا وَ مَا هَذَا إِلَّا مِنْ شَيْءٍ فِي صَدْرِكَ عَلَيْنَا هَلْ هَذَا إِلَّا كَمَا غَسَّلْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص دُونَنَا وَ لَمْ تُدْخِلْنَا مَعَكَ وَ كَمَا عَلَّمْتَ ابْنَكَ أَنْ يَصِيحَ بِأَبِي بَكْرٍ أَنِ انْزِلْ عَنْ مِنْبَرِ أَبِي فَقَالَ لَهُمَا عَلِيٌّ ع أَ تُصَدِّقَانِّي إِنْ حَلَفْتُ لَكُمَا قَالا نَعَمْ فَحَلَفَ فَأَدْخَلَهُمَا عَلَى الْمَسْجِدِ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَقَدْ أَوْصَانِي وَ قَدْ تَقَدَّمَ إِلَيَّ أَنَّهُ لَا يَطَّلِعُ عَلَى عَوْرَتِهِ أَحَدٌ إِلَّا ابْنُ عَمِّهِ فَكُنْتُ أُغَسِّلُهُ وَ الْمَلَائِكَةُ تُقَلِّبُهُ وَ الْفَضْلُ بْنُ الْعَبَّاسِ يُنَاوِلُنِي الْمَاءَ وَ هُوَ مَرْبُوطُ الْعَيْنَيْنِ بِالْخِرْقَةِ وَ لَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْزِعَ الْقَمِيصَ فَصَاحَ بِي صَائِحٌ مِنَ الْبَيْتِ سَمِعْتُ الصَّوْتَ وَ لَمْ أَرَ الصُّورَةَ لَا تَنْزِعْ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَقَدْ سَمِعْتُ الصَّوْتَ يُكَرِّرُهُ عَلَيَّ فَأَدْخَلْتُ يَدِي مِنْ بَيْنِ الْقَمِيصِ فَغَسَّلْتُهُ ثُمَّ قُدِّمَ إِلَيَّ الْكَفَنُ فَكَفَّنْتُهُ ثُمَّ نَزَعْتُ الْقَمِيصَ بَعْدَ مَا كَفَّنْتُهُ وَ أَمَّا الْحَسَنُ ابْنِي فَقَدْ تَعْلَمَانِ وَ يَعْلَمُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ أَنَّهُ كَانَ يَتَخَطَّى الصُّفُوفَ حَتَّى يَأْتِيَ النَّبِيَّ ص وَ هُوَ سَاجِدٌ فَيَرْكَبَ ظَهْرَهُ فَيَقُومُ النَّبِيُّ ص وَ يَدُهُ عَلَى ظَهْرِ الْحَسَنِ وَ الْأُخْرَى عَلَى رُكْبَتِهِ حَتَّى يُتِمَّ الصَّلَاةَ قَالا نَعَمْ قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ تَعْلَمَانِ وَ يَعْلَمُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ أَنَّ الْحَسَنَ كَانَ يَسْعَى إِلَى النَّبِيِّ ص وَ يَرْكَبُ عَلَى رَقَبَتِهِ وَ يُدْلِي الْحَسَنُ رِجْلَيْهِ عَلَى صَدْرِ النَّبِيِّ ص حَتَّى يُرَى بَرِيقُ خَلْخَالَيْهِ مِنْ أَقْصَى الْمَسْجِدِ وَ النَّبِيُّ ص يَخْطُبُ وَ لَا يَزَالُ عَلَى رَقَبَتِهِ حَتَّى يَفْرُغَ النَّبِيُّ ص مِنْ خُطْبَتِهِ وَ الْحَسَنُ عَلَى رَقَبَتِهِ فَلَمَّا رَأَى الصَّبِيُّ عَلَى مِنْبَرِ أَبِيهِ غَيْرَهُ شَقَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَ اللَّهِ مَا أَمَرْتُهُ بِذَلِكَ وَ لَا فَعَلَهُ عَنْ أَمْرِي وَ أَمَّا فَاطِمَةُ فَهِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي اسْتَأْذَنْتُ لَكُمَا عَلَيْهَا فَقَدْ رَأَيْتُمَا مَا كَانَ مِنْ كَلَامِهَا لَكُمَا وَ اللَّهِ لَقَدْ أَوْصَتْنِي أَنْ لَا تَحْضُرَا جِنَازَتَهَا وَ لَا الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ مَا كُنْتُ الَّذِي أُخَالِفُ أَمْرَهَا وَ وَصِيَّتَهَا إِلَيَّ فِيكُمَا فَقَالَ عُمَرُ دَعْ عَنْكَ هَذِهِ الْهَمْهَمَةَ أَنَا أَمْضِي إِلَى الْمَقَابِرِ فَأَنْبُشُهَا حَتَّى أُصَلِّيَ عَلَيْهَا فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ ع وَ اللَّهِ لَوْ ذَهَبْتَ تَرُومُ مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً وَ عَلِمْتُ أَنَّكَ لَا تَصِلُ إِلَى ذَلِكَ حَتَّى يَنْدَرَ عَنْكَ الَّذِي فِيهِ عَيْنَاكَ فَإِنِّي كُنْتُ لَا أُعَامِلُكَ إِلَّا بِالسَّيْفِ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَوَقَعَ بَيْنَ عَلِيٍّ ع وَ عُمَرَ كَلَامٌ حَتَّى تَلَاحَيَا وَ اسْتَبْسَلَ وَ اجْتَمَعَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ فَقَالُوا وَ اللَّهِ مَا نَرْضَى بِهَذَا أَنْ يُقَالَ فِي ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَخِيهِ وَ وَصِيِّهِ وَ كَادَتْ أَنْ تَقَعَ فِتْنَةٌ فَتَفَرَّقَا

بيان الصعداء بالمد تنفس ممدود قوله ص و صدقت إما تأكيد للأول أو على بناء المجهول من المخاطب أو على الغيبة أي صَدَقَتْ فاطمة ع لأنها لم تذكر إلا ما سمعت و الصقيع الذي يسقط من السماء بالليل شبيه بالثلج و يقال

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

أجفیت السرج من ظهر الفرس إذا رفعته عنه و جافاه عنه أی أبعده و لعل المعنی خذ الثوب و ارفعه قلیلا حتی أتحول من جانب إلی جانب و الهمهمة تنویم المرأة الطفل بصوتها و ندر الشیء یندر ندرا سقط و شذ و الملاحاة المنازعة و المباسلة المصاولة فی الحرب و المستبسل الذی یوطن نفسه علی الموت و استبسل أی طرح نفسه فی الحرب و هو یرید أن یقتل لا محالة

ترجمه: (۱) در کتاب علل الشرائع روایت شده که شخصی نزد امام جعفر صادق علیه السّلام آمد و گفت: آیا مشروع است در موقع تشییع جنازه منقل و چراغ و امثال اینها که روشنی داشته باشند، ببرند؟ رنگ حضرت صادق علیه السّلام از شنیدن این مطلب تغییر کرد، آنگاه پس از اینکه برخاست و نشست، فرمود: یکی از افراد شقی و پست فطرت نزد فاطمه زهرا آمد و به وی گفت: آیا نمی‌دانی که حضرت امیر دختر ابو جهل را خواستگاری نموده؟

(۱) حضرت فاطمه فرمود: این سخنی که تو می‌گویی، آیا حقیقت دارد؟ سه مرتبه گفت: آری حقیقت دارد.

حضرت زهرا فوق العاده ناراحت شد، ... هنگامی که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فاطمه زهرا را محزون و مغموم دید، لباس خود را پوشید و متوجه مسجد گردید و پی در پی به نماز می‌ایستاد و هر گاه دو رکعت نماز به جای می‌آورد دعا می‌کرد که خدای توانا غم و اندوه زهرا را برطرف نماید.

زیرا آن هنگام که پیغمبر خدا از نزد فاطمه خارج شد، آن بانو ناراحت بود و آه عمیق و طولانی می‌کشید. پس از آنکه پیامبر خدا دید چشم فاطمه به خواب نمی‌رود و قرار و آسایش ندارد، فرمود:

دخترم برخیز! حضرت زهرا برخاست، رسول خدا امام حسن را برداشت و فاطمه اطهر امام حسین را برداشت و دست امّ کلثوم را گرفت تا به نزد حضرت علی بن ابی طالب بروند، حضرت امیر در آن زمان خواب بود. پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با پای مبارک خود پای علی را فشار داد و به وی فرمود:

ای ابو تراب! ... برخیز! ابو بکر را از خانه خود و عمر را از مجلس خود با طلحه نزد من حاضر کن! حضرت امیر رفت و آنان را از منزلشان به حضور پیغمبر اعظم اسلام آورد. وقتی آنان نزد رسول خدا اجتماع نمودند، آن حضرت به علی بن ابی طالب فرمود:

آیا نمی‌دانی فاطمه پاره تن من است و من از او می‌باشم، کسی که فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده و کسی که وی را بعد از موت من اذیت کند مثل این است که او را در زمان حیات من اذیت کرده باشد و کسی که فاطمه را در زمان حیات من اذیت کرده باشد مثل این است که وی را بعد از موت من اذیت کرده باشد؟! علی علیه السّلام گفت: چرا یا رسول اللّه! فرمود: پس چه باعث شد که تو

این عمل را انجام دادی؟! حضرت امیر گفت: سوگند به آن خدایی که تو را به پیغمبری مبعوث نموده چنین مطلبی که به گوش فاطمه رسیده از من سر نزده و اصلا یک چنین خیالی هم نداشته‌ام.

(۱) حضرت رسول فرمود: فاطمه راست گفت و تو نیز راست گفتی «۱».

پس از این جریان حضرت زهرا خوشحال گردید و به نحوی لبخند زد که دندانهایش دیده شد.

یکی از آن دو نفر به رفیق خود گفت: خیلی تعجب می‌کنم! چه باعث شد که رسول خدا ما را در این ساعت خواست؟! «۲» سپس پیامبر خدا دست علی را گرفت و انگشتهای مبارک خود را در میان انگشتان حضرت امیر نهاد، آنگاه حسن را برداشت و علی علیه السّلام حسین را برگرفت و حضرت زهرا امّ کلثوم را، و داخل خانه علی شدند. و پیغمبر خدا یک قطیفه روی ایشان انداخت و آنان را به خداوند سپرد و برگشت و بقیه شب را به نماز مشغول شد.

زمانی که حضرت فاطمه دچار آن بیماری گشت که از دنیا رفت، ابو بکر و عمر برای عیادت حضرت زهرا علیها السّلام آمدند و اذن ورود خواستند، ولی آن حضرت اجازه نداد. ابو بکر که با این منظره مواجه شد، با خدا عهد کرد که زیر سایه و سقف نرود تا اینکه نزد حضرت فاطمه برود و از آن حضرت رضایت حاصل کند.

لذا یک شب در زیر آسمان خوابید و زیر سقف و سایه نرفت.

پس از این جریان عمر به حضور حضرت امیر آمد و گفت: ابو بکر پیر مردی است دل نازک، ابو بکر در غار با پیغمبر بوده، افتخار رفاقت با آن حضرت را دارد، ما غیر از این مرتبه مکررا نزد فاطمه آمدیم و اذن ورود خواستیم ولی وی به ما اجازه نداد تا مشرّف شویم و رضایت او را حاصل نماییم، اگر صلاح می‌دانی که از آن حضرت برای ما اجازه ملاقات بگیری به موقع است. (۱) حضرت امیر فرمود: مانعی ندارد.

امیر المؤمنین علی علیه السّلام نزد حضرت زهرا آمد و به وی فرمود:

ای دختر رسول خدا! تو از جریان این دو نفر با اطلاعی که چند مرتبه به نزد تو آمدند و تو ایشان را رد کرده‌ای و اذن ورود به آنان نداده‌ای. ایشان از من خواسته‌اند که از تو برای آنان اذن ورود بگیرم.

حضرت فاطمه زهرا فرمود: به خداوند سوگند من به ایشان اجازه ورود نخواهم داد و با آنان یک کلمه تکلّم نخواهم کرد تا اینکه پدرم را ملاقات کنم و از این عملی که ایشان با من انجام دادند به آن حضرت شکایت نمایم.

علی علیه السّلام فرمود: من برای آنان ضمانت داده‌ام.

فاطمه علیها السّلام فرمود: اکنون که ضمانت کردی مانعی ندارد، زیرا خانه خانه تو است، زنان باید تابع مردان باشند، من راجع به هیچ موضوعی با تو مخالفت نخواهم کرد، به هر کسی که دوست داری اجازه ورود بده.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

علی علیه السّلام خارج شد و به آن دو نفر اذن ورود داد. آنان وارد شدند و پس از آنکه چشمشان به حضرت زهرا افتاد، سلام کردند. ولی آن حضرت جواب سلام آنان را نداد و صورت مبارک خود را از آن دو برگردانید. آنان برخاستند و در مقابل صورت آن حضرت قرار گرفتند و این عمل را چند مرتبه انجام دادند.

حضرت فاطمه به زنانی که در اطراف آن بانو بودند، فرمود: صورت مرا برگردانید! وقتی صورت او را برگردانیدند، آن دو نفر برخاستند و در مقابل صورت حضرت زهرا نشستند. ابو بکر گفت:

ای دختر رسول خدا! ما آمده‌ایم که از تو رضایت حاصل نماییم و از خشم تو بر حذر باشیم.

تقاضا داریم که تو ما را در باره آن اجحافی که نسبت به تو کرده‌ایم عفو فرمایی؟

زهرای اطهر فرمود: من اصلا با شما یک کلمه سخن نمی‌گویم تا اینکه پدرم را ملاقات

کنم و از شما راجع به این رفتاری که با من داشتید، به آن حضرت شکایت نمایم. (۱) گفتند: ما آمده‌ایم که از تو پوزش بطلبیم و رضایت حاصل کنیم. خواهش می‌کنیم که از ما درگذری و از ما مؤاخذه ننمایی.

حضرت زهرا متوجه حضرت امیر شد و فرمود: من با اینان یک کلمه تکلّم نمی‌کنم تا در باره یک موضوعی که ایشان از رسول خدا شنیده‌اند جویا شوم، اگر راست بگویند من صلاح خود را بهتر می‌دانم.

آنان گفتند: بار خدایا! تو شاهد باش که هر چه فاطمه جویا شود ما جواب وی را راست خواهیم گفت.

حضرت زهرا فرمود: شما را به خداوند سوگند می‌دهم آیا به خاطر دارید که پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نیمه شبی شما را از منزل خودتان احضار کرد؟ گفتند: آری و اللّه! حضرت فرمود: شما را به خداوند سوگند می‌دهم آیا نشنیدید که پیغمبر خدا فرمود:

فاطمه پاره تن من است و من از فاطمه می‌باشم، کسی که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده، کسی که زهرا را بعد از موت من اذیت کند مثل این است که در زمان حیات من او را اذیت نموده باشد، کسی که در زمان حیات من او را اذیت نماید مثل کسی است که وی را بعد از فوت من اذیت کرده باشد؟ گفتند: آری و اللّه! چنین بوده است.

سپس حضرت فاطمه فرمود: پروردگارا! من تو را شاهد می‌گیرم و این افرادی را که حضور دارند شهود قرار می‌دهم که این دو نفر مرا در زمان حیات و موقع مردن اذیت و آزار نمودند.

به خداوند سوگند که من اصلا یک کلمه با شما تکلّم نخواهم کرد تا آنکه خدای خود را ملاقات نمایم و راجع به این رفتاری که شما با من داشتید، به پروردگار خود شکایت کنم.

ناگاه صدای ابو بکر به «وا ویلا» بلند شد و گفت: ای کاش مادر مرا نمی‌زاد!! عمر گفت: تعجب می‌کنم از این مردم که چگونه تو را سرپرست و متصدّی امور خود قرار دادند، در صورتی که تو پیر مردی ضعیف و خرفت

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

هستی و برای غضب یک زن جزع و فزع می‌کنی و برای خوشنودی او خوشحال می‌شوی! چه مانعی دارد که شخصی یک زن را خشمناک کند. آنگاه برخاستند و خارج شدند. (۱) هنگامی که حضرت فاطمه به فرا رسیدن مرگ خویشتن یقین پیدا کرد به دنبال امّ ایمن که نزد آن حضرت از موثّقترین زنان محسوب می‌شد فرستاد، پس از آنکه حاضر شد، حضرت زهرا به وی فرمود:

اجل من فرا رسیده، علی علیه السّلام را نزد من بیاور! هنگامی که حضرت امیر آمد فاطمه زهرا به آن حضرت گفت:

پسر عمو! من در نظر دارم وصیّتی بکنم، وصیّت مرا گوش کن.

امیر المؤمنین علی علیه السّلام پاسخ داد: هر چه دوست داری بگو.

حضرت فاطمه فرمود: فلان زن را که برای فرزندانم نظیر خود من می‌باشد تزویج نما.

یک تابوت که ملائکه شکل آن را به من نشان دادند از برایم درست کن.

حضرت امیر فرمود: شکل آن تابوت چگونه است؟

حضرت اوصاف آن تابوت را برای علی علیه السّلام شرح داد و فرمود: موقعی که من از دنیا رحلت کردم هر ساعتی از شب و روز که بود، جنازه مرا بردار. مبادا احدی از دشمنان خدا و رسول برای نماز خواندن به جنازه‌ام حاضر شوند!! علی علیه السّلام فرمود: مانعی ندارد.

هنگامی که فاطمه زهرا از دنیا رفت علی بن ابی طالب علیه السّلام بنا به وصیّت آن حضرت جنازه‌اش را شبانه برداشت.

آنگاه شاخه‌های خرما را آتش زدند و به دنبال جنازه آوردند و از روشنایی آن آتش استفاده کردند تا اینکه نماز بر بدن حضرت فاطمه خواندند و جسد مقدس آن حضرت را شبانه دفن کردند.

وقتی صبح شد ابو بکر و عمر به منظور عیادت حضرت فاطمه حرکت کردند. در بین راه با مردی از قریش مصادف شدند و از او سؤال کردند: از کجا می‌آیی؟ گفت: به مناسبت فوت حضرت زهرا به علی بن ابی طالب تسلیت گفتم.

گفتند: آیا فاطمه مرد؟! گفت: آری، او را شبانه دفن نمودند. آنان به شدّت ناراحت شدند و به طرف علی علیه السّلام رفتند و به آن حضرت گفتند: (۱) به خداوند سوگند که تو چیزی از عیوب ما را باقی ننهادی، این کارهای تو حاکی از آن کینه‌ای است که در سینه خود داری. آیا نه چنین است که در موقع غسل پیامبر اسلام هم ما را خبر نکردی و با خویشتن همدست ننمودی و نیز به پسرت یاد دادی که پای منبر ابو بکر آمد و فریاد

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

زد: از منبر پدرم فرود آی!! حضرت امیر علیه السّلام در جواب ایشان فرمود: اگر من سوگند بخورم شما حرف مرا تصدیق می‌نمایید؟ گفتند: آری.

حضرت علی علیه السّلام پس از اینکه سوگند خورد ایشان را داخل مسجد کرد و به آنان فرمود:

پیغمبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به من وصیّت کرد و فرمود: مبادا غیر از تو که پسر عموی من می‌باشی احدی در غسل من شرکت کند، لذا من جسد آن بزرگوار را غسل می‌دادم و ملائکه آن جسد مقدس را حرکت می‌دادند و فضل بن عبّاس در حالی که چشمانش به وسیله دستمالی بسته بود آب غسل را می‌ریخت. من تصمیم گرفتم که پیراهن رسول خدا را از بدن مبارکش بیرون آورم، ناگاه صدایی از خانه بلند شد که من صاحب آن صدا را ندیدم ولی به طور مکرّر به من تذکّر می‌داد: مبادا پیراهن پیامبر خدا را از بدن مقدسش خارج نمایی! لذا من دست خود را زیر پیراهن آن حضرت کردم و جسد شریفش را غسل دادم، آنگاه کفن به من تقدیم شد و بدن مبارک او را کفن نمودم، سپس پیراهن وی را از جسدش خارج نمودم.

اما فرزندم حسن (که می‌گویید: پای منبر آمد و به ابو بکر گفت: از منبر پدرم فرود آی!):

آیا غیر از این است که شما و عموم اهل مدینه می‌دانید که حسن در میان صف نماز جماعت راه می‌رفت تا نزد پیغمبر معظم اسلام که در حال سجده بود می‌آمد و بر پشت مبارک آن حضرت سوار می‌شد و چون سر از سجده برمی‌داشت یک دست خود را به پشت حسن و دست دیگرش را روی زانوی مبارک خود می‌نهاد تا اینکه نماز را به این کیفیت تمام می‌کرد؟

گفتند: آری ما این موضوع را کاملا می‌دانیم.

آنگاه حضرت امیر فرمود: شما و اهل مدینه عموما قبول دارید که فرزندم حسن به جانب پیامبر معظم اسلام می‌شتافت و پس از اینکه بر گردن مقدس آن حضرت سوار می‌شد پاهای خود را به نحوی بر سینه مبارک آن بزرگوار آویزان می‌نمود که برق خلخالهای حسن از انتهای مسجد مشاهده می‌شد، (۱) و حسن همچنان در آغوش رسول خدا بود تا آن حضرت از خواندن خطبه و سخنرانی فراغت حاصل می‌نمود؟ زمانی که آن کودک، دیگری را به جای جدّ خود بر فراز منبر ببیند طبیعی است که ناراحت می‌شود و این منظره برایش ناگوار خواهد شد.

به خداوند سوگند من این مطلبی را که شما می‌گویید به وی تعلیم ندادم و او را مأمور ننمودم.

اما فاطمه زهرا: فاطمه همان زنی بود که (به شما اجازه عیادت نداد و) من برای شما از او اجازه گرفتم و شما سخنانی را که وی با شما گفت دیدید و شنیدید، به خداوند سوگند فاطمه زهرا خودش به من وصیّت کرد که شما در تشییع جنازه‌اش حاضر نشوید و نماز بر جسدش نخوانید. من هم شخصی نبودم که با وصیّتی که او در

باره شما کرده بود مخالفت نمایم. عمر به حضرت علی گفت: این توجیهات را کنار بگذار! من می‌روم قبر فاطمه زهرا را می‌شکافم و بر بدنش نماز می‌خوانم.

حضرت علی علیه السّلام فرمود: به خداوند سوگند اگر به دنبال یک چنین منظوری بروی به آن نمی‌رسی تا اینکه چشمانت از کاسه سرت خارج شوند! زیرا من قبل از اینکه تو به این منظور برسی جز با شمشیر با تو معامله‌ای نخواهم کرد! سپس بین حضرت امیر و عمر سخنانی درشت رد و بدل شد و علی علیه السّلام تصمیم نبرد گرفت.

آنگاه گروهی از مهاجرین و انصار اجتماع نمودند و گفتند: به خداوند سوگند ما راضی نیستیم که این گونه سخنان در باره پسر عمو و برادر و وصیّ پیغمبر خدا گفته شود. نزدیک بود فتنه‌ای بپا شود، ولی پراکنده شدند.

[متن عربی] ۶، ۱۵ ۳۴۲/ ۳۲- و منه «۱» أَبِی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاکَ مَنْ غَسَّلَ فَاطِمَةَ قَالَ ذَاکَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع قَالَ فَکَأَنِّی اسْتَعْظَمْتُ ذَلِکَ مِنْ قَوْلِهِ فَقَالَ کَأَنَّکَ ضِقْتَ مِمَّا أَخْبَرْتُکَ بِهِ قُلْتُ قَدْ کَانَ ذَلِکَ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ لَا تَضِیقَنَّ فَإِنَّهَا صِدِّیقَةٌ لَا یُغَسِّلُهَا إِلَّا صِدِّیقٌ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ مَرْیَمَ لَمْ یُغَسِّلْهَا إِلَّا عِیسَی ع

– الکافی محمد بن یحیی عن ابن عیسی عن عبد الرحمن بن سالم مثله

ترجمه: (۱) و در کتاب علل الشرائع و کافی از مفضل روایت شده است که گفت: به امام جعفر صادق عرض کردم: فدایت شوم چه کسی فاطمه زهرا را غسل داد؟ فرمود: حضرت علی علیه السّلام. ولی من از سخن آن بزرگوار تعجب کردم. امام فرمود: گویا از سخن من شگفت زده شدی؟

گفتم: آری، فدای تو گردم. فرمود: تعجب منمای! زیرا چون حضرت فاطمه صدّیقه بود غیر از شخص صدّیق کسی دیگر نباید او را غسل دهد. آیا نمی‌دانی که حضرت مریم را غیر از عیسی علیه السّلام کسی غسل نداد.

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۳۴۳/ ۳۳- قرب الإسناد «۱» ابْنُ طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ ع أَنَّ عَلِیّاً ع غَسَّلَ امْرَأَتَهُ فَاطِمَةَ ع بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص

ترجمه: (۲) در قرب الاسناد از امام باقر علیه السّلام روایت شده که علی علیه السّلام خودش فاطمه را غسل داد.

[متن عربی] ۶، ۱۵ ۳۴۴/ ۳۴- علل الشرائع «۲» عَلِیُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَسَدِیِّ عَنِ النَّخَعِیِّ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع لِأَیِّ عِلَّةٍ دُفِنَتْ فَاطِمَةُ ع بِاللَّیْلِ وَ لَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ قَالَ لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا یُصَلِّیَ عَلَیْهَا الرَّجُلَانِ الْأَعْرَابِیَّانِ. بیان الأعرابیان الکافران لقوله تعالی الْأَعْرابُ أَشَدُّ کُفْراً وَ نِفاقاً

«۱»

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) در علل الشرائع از بطائنی روایت شده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام جویا شدم که: برای چه حضرت زهرا شبانه دفن شد و او را روز به خاک نسپردند؟ فرمود: به علّت اینکه آن دو نفر مرد اعرابی- ابو بکر و عمر- به جنازه‌اش نماز نگزارند.

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۳۴۵/ ۳۵- علل الشرائع أمالی الصدوق «۲» ابْنُ مُوسَى عَنِ ابْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانِ عَنِ ابْنِ حَبِيبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ الْجَحْدَرِيِّ قَالا حَدَّثَنَا ابْنُ عَائِشَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ لَمَّا دَفَنَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَاطِمَةَ ع قَامَ عَلَى شَفِيرِ الْقَبْرِ وَ ذَلِكَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ لِأَنَّهُ كَانَ دَفَنَهَا لَيْلًا ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ وَ كُلُّ الَّذِي دُونَ الْمَمَاتِ قَلِيلٌ

وَ إِنَّ افْتِقَادِي وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ

سَتُعْرَضُ عَنْ ذِكْرِي وَ تُنْسَى مَوَدَّتِي وَ يَحْدُثُ بَعْدِي لِلْخَلِيلِ خَلِيلٌ

ترجمه: (۲) در علل الشرائع و امالی صدوق از عبد الرحمن همدانی روایت شده که وقتی علی علیه السّلام فاطمه علیها السّلام را دفن می‌کرد شب بود، پس بر فراز قبر آن حضرت ایستاد و این اشعار را قرائت کرد:

برای هر اجتماعی جدایی است و آنچه نمردنی است بسیار قلیل است از دست دادن من یکی بعد از دیگری را، دلیل بر آن است که هیچ دوستی دوام نخواهد داشت و با مرگ از بین خواهد رفت

۳- آیا به زودی از یاد من می‌روی و محبّت تو از یادم می‌رود، و آیا بعد از تو کس دیگری پیدا می‌شود که جای تو را بگیرد؟

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱، ۱۵، ۲، ۳ ۳۴۶/ ۳۶- كِتَابُ الدَّلَائِلِ لِلطَّبَرِيِّ، «۱» عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخَشَّابِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ أَبِي زَائِدَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا تَرَكَ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ- كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتَهُ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ كَانَ قَدْ أَسَرَّ إِلَى فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا أَنَّهَا لَاحِقَةٌ بِهِ أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِهِ لُحُوقاً قَالَتْ بَيْنَا أَنِّي بَيْنَ النَّائِمَةِ وَ الْيَقْظَانَةِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِي بِأَيَّامٍ إِذْ رَأَيْتُ كَأَنَّ أَبِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ فَلَمَّا رَأَيْتُهُ لَمْ أَمْلِكْ نَفْسِي أَنْ نَادَيْتُ يَا أَبَتَاهْ انْقَطَعَ عَنَّا خَبَرُ السَّمَاءِ فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ أَتَتْنِي الْمَلَائِكَةُ صُفُوفاً يَقْدُمُهَا مَلَكَانِ حَتَّى أَخَذَانِي فَصَعِدَا بِي إِلَى السَّمَاءِ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا أَنَا بِقُصُورٍ مُشَيَّدَةٍ وَ بَسَاتِينَ وَ أَنْهَارٍ تَطَّرِدُ وَ قَصْرٍ بَعْدَ قَصْرٍ وَ بُسْتَانٍ بَعْدَ بُسْتَانٍ وَ إِذَا قَدِ اطَّلَعَ عَلَيَّ مِنْ تِلْكَ الْقُصُورِ جَوَارٍ كَأَنَّهُنَّ اللَّعَبُ فَهُنَّ يَتَبَاشَرْنَ وَ يَضْحَكْنَ إِلَيَّ وَ يَقُلْنَ مَرْحَباً بِمَنْ خُلِقَتِ الْجَنَّةُ وَ خُلِقْنَا مِنْ أَجْلِ أَبِيهَا فَلَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَصْعَدُ بِي حَتَّى أَدْخَلُونِي إِلَى دَارٍ فِيهَا قُصُورٌ فِي كُلِّ قَصْرٍ مِنَ الْبُيُوتِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ فِيهَا مِنَ السُّنْدُسِ وَ الْإِسْتَبْرَقِ عَلَى أَسِرَّةٍ وَ عَلَيْهَا أَلْحَافٌ مِنْ أَلْوَانِ الْحَرِيرِ وَ الدِّيبَاجِ وَ آنِيَةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ فِيهَا مَوَائِدُ عَلَيْهَا مِنْ أَلْوَانِ الطَّعَامِ وَ فِي تِلْكَ الْجِنَانِ نَهَرٌ مُطَّرِدٌ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبُ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ فَقُلْتُ لِمَنْ هَذِهِ الدَّارُ وَ مَا هَذَا النَّهَرُ فَقَالُوا هَذِهِ الدَّارُ الْفِرْدَوْسُ الْأَعْلَى الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ جَنَّةٌ وَ هِيَ دَارُ أَبِيكَ وَ مَنْ مَعَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ قُلْتُ فَمَا هَذَا النَّهَرُ قَالُوا هَذَا الْكَوْثَرُ الَّذِي وَعَدَهُ أَنْ يُعْطِيَهُ إِيَّاهُ فَقُلْتُ فَأَيْنَ أَبِي قَالُوا السَّاعَةَ يَدْخُلُ عَلَيْكَ فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ بَرَزَتْ لِي قُصُورٌ هِيَ أَشَدُّ بَيَاضاً وَ أَنْوَرُ مِنْ تِلْكَ وَ فَرْشٌ هِيَ أَحْسَنُ مِنْ تِلْكَ الْفُرُشِ وَ إِذَا بِفُرُشٍ مُرْتَفِعَةٍ عَلَى أَسِرَّةٍ وَ إِذَا أَبِي ص جَالِسٌ عَلَى تِلْكَ الْفُرُشِ وَ مَعَهُ جَمَاعَةٌ فَلَمَّا رَآنِي أَخَذَنِي فَضَمَّنِي وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيَّ وَ قَالَ مَرْحَباً بِابْنَتِي وَ أَخَذَنِي وَ أَقْعَدَنِي فِي حَجْرِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا حَبِيبَتِي أَ مَا تَرَيْنَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكِ وَ مَا تَقْدَمِينَ عَلَيْهِ فَأَرَانِي قُصُوراً مُشْرِقَاتٍ فِيهَا أَلْوَانُ الطَّرَائِفِ وَ الْحُلِيِّ وَ الْحُلَلِ وَ قَالَ هَذِهِ مَسْكَنُكِ وَ مَسْكَنُ زَوْجِكِ وَ وَلَدَيْكِ وَ مَنْ أَحَبَّكِ وَ أَحَبَّهُمَا فَطِيبِي نَفْساً فَإِنَّكِ قَادِمَةٌ عَلَيَّ إِلَى أَيَّامٍ قَالَتْ فَطَارَ قَلْبِي وَ اشْتَدَّ شَوْقِي وَ انْتَبَهْتُ مِنْ رَقْدَتِي مَرْعُوبَةً قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَلَمَّا انْتَبَهَتْ مِنْ مَرْقَدِهَا صَاحَتْ بِي فَأَتَيْتُهَا فَقُلْتُ لَهَا مَا تَشْتَكِينَ فَخَبَّرَتْنِي بِخَبَرِ الرُّؤْيَا ثُمَّ أَخَذَتْ عَلَيَّ عَهْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ أَنَّهَا إِذَا تُوُفِّيَتْ لَا أُعْلِمُ أَحَداً إِلَّا أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أُمَّ أَيْمَنَ وَ فِضَّةَ وَ مِنَ الرِّجَالِ ابْنَيْهَا وَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبَّاسٍ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ وَ الْمِقْدَادَ وَ أَبُو [أَبَا ذَرٍّ وَ حُذَيْفَةَ وَ قَالَتْ إِنِّي أَحْلَلْتُكَ مِنْ أَنْ تَرَانِي بَعْدَ مَوْتِي فَكُنْ مَعَ النِّسْوَةِ فِيمَنْ يُغَسِّلُنِي وَ لَا تَدْفِنِّي إِلَّا لَيْلًا وَ لَا تُعْلِمْ أَحَداً قَبْرِي فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُكْرِمَهَا وَ يَقْبِضَهَا إِلَيْهِ أَقْبَلَتْ تَقُولُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ هِيَ تَقُولُ لِي يَا ابْنَ عَمٍّ قَدْ أَتَانِي جَبْرَئِيلُ مُسَلِّماً وَ قَالَ لِي السَّلَامُ يَقْرَأُ عَلَيْكِ السَّلَامَ يَا حَبِيبَةَ حَبِيبِ اللَّهِ وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ الْيَوْمَ تَلْحَقِينَ بِالرَّفِيعِ الْأَعْلَى وَ جَنَّةِ الْمَأْوَى ثُمَّ انْصَرَفَ عَنِّي ثُمَّ سَمِعْنَاهَا ثَانِيَةً تَقُولُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ فَقَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ هَذَا وَ اللَّهِ مِيكَائِيلُ وَ قَالَ لِي كَقَوْلِ صَاحِبِهِ ثُمَّ تَقُولُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ رَأَيْنَاهَا قَدْ فَتَحَتْ عَيْنَيْهَا فَتْحاً شَدِيداً ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ هَذَا وَ اللَّهِ الْحَقُّ وَ هَذَا عِزْرَائِيلُ قَدْ نَشَرَ جَنَاحَهُ بِالْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ قَدْ وَصَفَهُ لِي أَبِي وَ هَذِهِ صِفَتُهُ فَسَمِعْنَاهَا تَقُولُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قَابِضَ الْأَرْوَاحِ عَجِّلْ بِي وَ لَا تُعَذِّبْنِي ثُمَّ سَمِعْنَاهَا تَقُولُ إِلَيْكَ رَبِّي لَا إِلَى النَّارِ ثُمَّ غَمَّضَتْ عَيْنَيْهَا وَ مَدَّتْ يَدَيْهَا وَ رِجْلَيْهَا كَأَنَّهَا لَمْ تَكُنْ حَيَّةً قَطُ ترجمه: (۱) ابو جعفر طبری در کتاب دلائل الامامه، و از امام صادق علیه السّلام روایت می‌کند: هنگامی که پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رحلت نمود، غیر از ثقلین یعنی قرآن و عترت و اهل بیت خود چیزی به یادگار ننهاد. آن حضرت آهسته به فاطمه زهرا فرمود: تو اوّلین کسی هستی که از اهل بیتم به من ملحق خواهی شد.

حضرت زهرا می‌فرماید: چند روز بعد از رحلت پدر بزرگوارم در بین خواب و بیداری بودم که پدرم را در عالم خواب دیدم. وقتی آن حضرت را دیدم نتوانستم خودداری کنم لذا به وی گفتم:

پدر جان! وحی و اخبار آسمانی از ما بریده شد. در همان حینی که من سخن می‌گفتم ناگاه دیدم چند صف از ملائکه که دو ملک در جلو آنها بودند نزد من آمدند و مرا گرفته به جانب آسمان بردند، و چون سر خود را بلند

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

کردم مواجه شدم با قصرهایی برافراشته و بستانها و نهرهایی فراوان. پس از هر قصر، قصری دیگری و پس از هر بستان، بستان دیگری به چشم می‌خورد. ناگاه دیدم دخترانی از آن قصرها به سوی من می‌آیند در حالی که مزاح می‌کردند و به یک دیگر مژده می‌دادند و به من لبخند می‌زدند و می‌گفتند: مرحبا به کسی که بهشت برای او خلق شده و ما برای خاطر پدرش آفریده‌شده‌ایم! و ملائکه همچنان مرا بالا می‌بردند تا اینکه مرا داخل محلّی نمودند که دارای قصرهایی بود، در هر قصری خانه‌هایی بود که هیچ چشمی ندیده بود.

سندس و استبرق‌هایی بر فراز تخت‌هایی بود. انواع و اقسام لحافهای رنگارنگ حریر و دیبا بر فراز آنها گسترده بودند. ظرفهایی از طلا و نقره وجود داشت، سفره‌هایی در آنجا بود که حاوی غذاهای رنگارنگ بودند. در آن بهشت نهری بود که از شیر سفیدتر و از مشک اذفر خوشبوتر بود.

من گفتم: این خانه مال کیست و این نهر چیست؟ گفتند: این فردوس اعلی است که بالاتر از آن بهشتی وجود ندارد. این خانه به پدرت رسول خدا و پیغمبرانی که با آن حضرت باشند و آن افرادی که محبوب خدا هستند تعلّق دارد.

گفتم: پس این نهر چیست؟ گفتند: این همان کوثری است که خدا به پدر بزرگوارت وعده داده است. گفتم: پدرم کجاست؟ گفتند: هم اکنون نزد تو می‌آید.

در همین حال بودیم که قصرهایی بر من نمودار شد که از قصرهای قبلی سفیدتر و نورانی‌تر بودند، فرش آنها از فرش قصرهای سابق بهتر بود. فرشی را دیدم که بر فراز تختی انداخته بودند و پدرم رسول خدا روی آن نشسته بود و گروهی در حضور آن حضرت بودند. هنگامی که پدرم مرا دید میان چشمانم را بوسید و فرمود: مرحبا به دخترم! آنگاه مرا گرفت و در کنار خود جای داد و به من فرمود:

ای حبیبه من! آیا نمی‌بینی که خدا چه نعمت‌ها برای تو آماده کرده و نزد چه نعمت‌هایی خواهی آمد؟ سپس قصرهایی نورانی به من نشان داد که حاوی زر و زیور و حلّه‌هایی الوان و رنگارنگ بودند. (۱) آنگاه به من فرمود: اینجا مسکن تو و شوهرت و دو فرزندت و کسی که تو و ایشان را دوست داشته باشد می‌باشد، خوشحال باش زیرا تا چند روز دیگر نزد من خواهی آمد.

پس از این جریان قلب من تپید و شوقم زیاد گردید و در حالی که دچار ترس شده بودم از خواب پریدم.

امام جعفر صادق علیه السّلام می‌فرماید: حضرت امیر علیه السّلام فرمود: وقتی فاطمه زهرا علیها السّلام از خواب پرید مرا صدا زد، من نزد او آمدم و گفتم: تو را چه شده؟! وی جریان خواب خود را شرح داد و از من تعهّد گرفت هر گاه او از دنیا برود من از زنان غیر از امّ سلمه زوجه رسول خدا، امّ ایمن، فضّه، و از مردان غیر از دو فرزندش، عبد اللّه بن عبّاس، سلمان فارسی، عمار بن یاسر، مقداد، ابو ذر و حذیفه کسی را آگاه ننمایم.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فاطمه به من گفت: من به تو اجازه می‌دهم که پس از فوت جسدم را مشاهده کنی، تو با زنان بدن مرا غسل بده و شبانه مرا به خاک بسپار، و کسی را از محل قبر من آگاه منمای.

وقتی آن شبی فرا رسید که خدای مهربان فاطمه را گرامی داشت و او را قبض روح نمود، حضرت زهرا می‌فرمود: علیکم السلام، و به من می گفت:

ای پسر عمو! این جبرئیل است که به من سلام می‌کند و می‌گوید: این حبیبه حبیب خدا و میوه قلب اوست! خدا به تو سلام می‌رساند، تو امروز در بهشت وارد خواهی شد. این مژده را به من داد و رفت.

حضرت امیر می‌فرماید: برای دومین بار شنیدم که حضرت زهرا فرمود: و علیکم السلام. آنگاه به من فرمود: ای پسر عمو! این میکائیل است که نظیر جبرئیل به من مژده می‌دهد.

برای سومین بار فاطمه علیها السّلام فرمود: و علیکم السلام. آنگاه چشمان خود را به سرعت باز کرد و به من فرمود:

ای پسر عمو! به خداوند سوگند که این حق است، این عزرائیل است که پر و بال خود را در مشرق و مغرب گسترده است. پدرم این اوصاف او را برای من شرح داده بود.

سپس شنیدیم که حضرت زهرا می‌فرمود: و علیکم السلام یا قابض الارواح! زودتر مرا قبض روح کن و اسباب ناراحتی مرا فراهم نکن! پس از این جریان شنیدیم که می‌فرمود: خداوندا! به سوی تو می‌آیم، نه به سوی آتش.

سپس چشمان خود را بست و دست و پای خود را کشید و گویا اصلا فاطمه هرگز زنده نبوده است.

[متن عربی] ۱، ۱۴ ۳۴۷/ ۳۷- أمالی الصدوق «۱» الْمُكَتِّبُ عَنِ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْفَزَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الزَّيَّاتِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِيِّ عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع عَنْ عِلَّةِ دَفْنِهِ لِفَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَيْلًا فَقَالَ إِنَّهَا كَانَتْ سَاخِطَةً عَلَى قَوْمٍ كَرِهَتْ حُضُورَهُمْ جِنَازَتَهَا وَ حَرَامٌ عَلَى مَنْ يَتَوَلَّاهُمْ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ وُلْدِهَا

ترجمه: (۱) اصبغ بن نباته گوید: از علی علیه السّلام در باره اینکه چرا فاطمه را شبانه دفن کرد، پرسیدم. آن حضرت در جواب من گفت: حضرت فاطمه علیها السّلام بر برخی از مردم به شدّت غضبناک بود و نمی‌خواست که تحت هیچ شرایطی آنها بر جنازه او حاضر شوند و یا کسی از فرزندان و هواداران آنها بر او نماز بگزارند، به همین دلیل او را شبانه و مخفیانه دفن کردم.

[متن عربی]۱۵، ۱ ۳۴۸/ ۳۸- أمالی الطوسی «۲» الْمُفِيدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ سَلْمَانَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ عِيسَى بْنِ إِسْحَاقَ الْقُرَشِيِّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ عَلِيٍّ الْخَفَّافِ عَنِ ابْنِ حُمَيْدٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ لَمَّا مَرِضَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص مَرَضَهَا الَّذِي تُوُفِّيَتْ فِيهِ وَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ثُقُلَتْ جَاءَهَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَائِداً فَقِيلَ لَهُ إِنَّهَا ثَقِيلَةٌ وَ لَيْسَ يَدْخُلُ عَلَيْهَا أَحَدٌ فَانْصَرَفَ إِلَى دَارِهِ وَ أَرْسَلَ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَ لِرَسُولِهِ قُلْ لَهُ يَا ابْنَ أَخِ عَمُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ لِلَّهِ قَدْ فَجَأَنِي مِنَ الْغَمِّ بِشَكَاةِ حَبِيبَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قُرَّةِ عَيْنَيْهِ وَ عَيْنَيَّ فَاطِمَةَ مَا هَدَّنِي وَ إِنِّي لَأَظُنُّهَا أَوَّلَنَا لُحُوقاً بِرَسُولِ اللَّهِ ص يَخْتَارُ لَهَا وَ يَحْبُوهَا وَ يُزْلِفُهَا لِرَبِّهِ فَإِنْ كَانَ مِنْ أَمْرِهَا مَا لَا بُدَّ مِنْهُ فَاجْمَعْ أَنَا لَكَ الْفِدَاءُ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارَ حَتَّى يُصَيِّبُوا الْأَجْرَ فِي حُضُورِهَا وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ فِي ذَلِكَ جَمَالٌ لِلدِّينِ فَقَالَ عَلِيٌّ ع لِرَسُولِهِ وَ أَنَا حَاضِرٌ عِنْدَهُ أَبْلِغْ عَمِّيَ السَّلَامَ وَ قُلْ لَا عَدِمْتُ إِشْفَاقَكَ وَ تَحِيَّتَكَ وَ قَدْ عَرَفْتُ مَشُورَتَكَ وَ لِرَأْيِكَ فَضْلُهُ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص لَمْ تَزَلْ مَظْلُومَةً مِنْ حَقِّهَا مَمْنُوعَةً وَ عَنْ مِيرَاثِهَا مَدْفُوعَةً لَمْ تُحْفَظْ فِيهَا وَصِيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَا رُعِيَ فِيهَا حَقُّهُ وَ لَا حَقُّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَاكِماً وَ مِنَ الظَّالِمِينَ مُنْتَقِماً وَ أَنَا أَسْأَلُكَ يَا عَمِّ أَنْ تَسْمَحَ لِي بِتَرْكِ مَا أَشَرْتَ بِهِ فَإِنَّهَا وَصَّتْنِي بِسَتْرِ أَمْرِهَا قَالَ فَلَمَّا أَتَى الْعَبَّاسَ رَسُولُهُ بِمَا قَالَ عَلِيٌّ ع قَالَ يَغْفِرُ اللَّهُ لِابْنِ أَخِي فَإِنَّهُ لَمَغْفُورٌ لَهُ إِنْ رَأَى ابْنُ أَخِي لَا يُطْعَنُ فِيهِ إِنَّهُ لَمْ يُولَدْ لِعَبْدِ الْمُطَّلِبِ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَةً مِنْ عَلِيٍّ إِلَّا النَّبِيُّ ص إِنَّ عَلِيّاً لَمْ يَزَلْ أَسْبَقَهُمْ إِلَى كُلِّ مَكْرُمَةٍ وَ أَعْلَمَهُمْ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ وَ أَشْجَعَهُمْ فِي الْكَرِيهَةِ وَ أَشَدَّهُمْ جِهَاداً لِلْأَعْدَاءِ فِي نُصْرَةِ الْحَنِيفِيَّةِ وَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ص

ترجمه: (۱) در امالی شیخ طوسی از عمّار یاسر روایت شده است که گفت: در آن بیماری که فاطمه زهرا از دنیا رفت و حال او وخیم شد و عبّاس بن عبد المطّلب برای عیادت آن حضرت آمد، به عبّاس گفتند: حال فاطمه مساعد نیست و کسی نزد او نمی‌رود. عبّاس به سوی خانه خویش بازگشت و شخصی را نزد حضرت علی فرستاد و گفت: از قول من به حضرت امیر بگو: عموی تو به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: به خداوند سوگند که غم و اندوه حبیبه و نور چشم رسول خدا و نور چشم من مرا به شدّت رنج می‌دهد، من این طور گمان می‌کنم آن بانو زودتر از همه ما به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ملحق شود و خدا او را برمی‌گزیند و به رحمت خود نزدیک می‌کند.

فدایت شوم! اگر فاطمه علیها السّلام رحلت کرد مهاجرین و انصار را آگاه و جمع کن تا برای تشییع جنازه‌اش و نماز خواندن بر بدنش حاضر شوند و ثواب ببرند، زیرا این عمل باعث سرافرازی دین می‌شود.

راوی می‌گوید: من در حضور حضرت امیر بودم که به فرستاده عبّاس بن عبد المطّلب فرمود: سلام مرا به عمویم برسان و به وی بگو: لطف و مرحمت تو زیاد باد! من از مشورت تو آگاه شدم، رأی و نظریه تو بسیار نیکوست. ولی فاطمه دختر پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دائما مظلوم، از حق خود ممنوع، از میراث خویشتن محروم بوده است. ملاحظه آن وصیّتی را که پیامبر در باره‌اش کرده ننمودند. حق آن حضرت و حق خدا را رعایت نکردند، کافی است که خدا بین ما و آنان حکم کند و از ظالمین انتقام بگیرد.

ای عمو جان! من از تو خواهش می‌کنم از این مطلبی که گفتی، صرف نظر فرمایی، زیرا فاطمه به من وصیّت کرده که امر فوت او را پوشیده بدارم.

فرستاده عبّاس نزد او بازگشت و جواب حضرت امیر را برای وی شرح داد. عبّاس گفت: خدا برادرزاده مرا بیامرزد، زیرا رأی برادرزاده من محکم و صحیح است، غیر از رسول خدا نوزادی برای عبد المطّلب متولّد نشد که از لحاظ خیر و برکت از علی علیه السّلام برتر باشد، حقّا که علی در هر بزرگواری و فضیلتی بر همه آنان سبقت گرفت، علی از همه شجاع‌تر است، علی برای نصرت و یاری دین خدا از همه بیشتر با دشمنان جهاد نمود. علی اوّلین کسی است که به خداوند و رسول او ایمان آورد.

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۳۴۹/ ۳۹- الخصال «۱» مُحَمَّدُ بْنُ عُمَيْرٍ الْبَغْدَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ خُلِقَتِ الْأَرْضُ لِسَبْعَةٍ بِهِمْ يُرْزَقُونَ وَ بِهِمْ يُمْطَرُونَ وَ بِهِمْ يُنْصَرُونَ أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانُ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَمَّارٌ وَ حُذَيْفَةُ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ عَلِيٌّ ع وَ أَنَا إِمَامُهُمْ وَ هُمُ الَّذِينَ شَهِدُوا الصَّلَاةَ عَلَى فَاطِمَةَ. - الكشي جبرئيل بن أحمد عن الحسين بن خرزاد عن ابن فضال عن ثعلبة عن زرارة عن أبي جعفر عن أبيه عن جده ع مثله

ترجمه: (۱) در کتابهای خصال و رجال کشّی از علی علیه السّلام روایت شده که گفت:زمین به خاطر هفت نفر خلق شده که مردم به واسطه آنان رزق و روزی داده می‌شوند و باران برای آنان می‌آید و یاری می‌شوند (آن هفت نفر عبارتند از): ابو ذر، سلمان، مقداد، عمار، حذیفه، و عبد اللّه بن مسعود.

حضرت امیر می‌فرماید: من امام آنان هستم، ایشان بودند که بر بدن فاطمه علیها السّلام نماز خواندند.

[متن عربی]۱۵، ۱ ۳۵۰/ ۴۰- أمالي المفيد» عَنِ أمالی طوسی «۲» المفيد عن الصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الهرمرازی عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ لَمَّا مَرِضَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَصَّتْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنْ يَكْتُمَ أَمْرَهَا وَ يُخْفِيَ خَبَرَهَا وَ لَا يُؤْذِنَ أَحَداً بِمَرَضِهَا فَفَعَلَ ذَلِكَ وَ كَانَ يُمَرِّضُهَا بِنَفْسِهِ وَ تُعِينُهُ عَلَى ذَلِكَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ رَحِمَهَا اللَّهُ عَلَى اسْتِسْرَارٍ بِذَلِكَ كَمَا وَصَّتْ بِهِ فَلَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ وَصَّتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنْ يَتَوَلَّى أَمْرَهَا وَ يَدْفِنَهَا لَيْلًا وَ يُعَفِّيَ قَبْرَهَا فَتَوَلَّى ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ دَفَنَهَا وَ عَفَّى مَوْضِعَ قَبْرِهَا فَلَمَّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تُرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ فَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَّيْهِ وَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنِ ابْنَتِكَ وَ حَبِيبَتِكَ وَ قُرَّةِ عَيْنِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبَقِيعِكَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ ضَعُفَ عَنْ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ تَجَلُّدِي إِلَّا أَنَّ فِي التَّأَسِّي لِي بِسُنَّتِكَ وَ الْحُزْنِ الَّذِي حَلَّ بِي لِفِرَاقِكَ مَوْضِعَ التَّعَزِّي وَ لَقَدْ وَسَّدْتُكَ فِي مَلْحُودِ قَبْرِكَ بَعْدَ أَنْ فَاضَتْ نَفْسُكَ عَلَى صَدْرِي وَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

غَمَّضْتُکَ بِیَدِی وَ تَوَلَّیْتُ أَمْرَکَ بِنَفْسِی نَعَمْ وَ فِی کِتَابِ اللَّهِ أَنْعَمُ الْقَبُولِ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ «۳» قَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِیعَةُ وَ أُخِذَتِ الرَّهِینَةُ وَ اخْتُلِسَتِ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءَ وَ الْغَبْرَاءَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا حُزْنِی فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَیْلِی فَمُسَهَّدٌ لَا یَبْرَحُ الْحُزْنُ مِنْ قَلْبِی أَوْ یَخْتَارَ اللَّهُ لِی دَارَکَ الَّتِی فِیهَا أَنْتَ مُقِیمٌ کَمَدٌ مُقَیِّحٌ وَ هَمٌّ مُهَیِّجٌ سُرْعَانَ مَا فَرَّقَ اللَّهُ بَیْنَنَا وَ إِلَی اللَّهِ أَشْکُو وَ سَتُنَبِّئُکَ ابْنَتُکَ بِتَظَاهُرِ أُمَّتِکَ عَلَیَّ وَ عَلَی هَضْمِهَا حَقَّهَا فَاسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ فَکَمْ مِنْ غَلِیلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَی بَثِّهِ سَبِیلًا وَ سَتَقُولُ وَ یَحْکُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَیْرُ الْحاکِمِینَ سَلَامٌ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ سَلَامَ مُوَدِّعٍ لَا سَئِمٍ وَ لَا قَالٍ فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَ إِنْ أُقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنِّی بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِینَ الصَّبْرُ أَیْمَنُ وَ أَجْمَلُ وَ لَوْ لَا غَلَبَةُ الْمُسْتَوْلِینَ عَلَیْنَا لَجَعَلْتُ الْمُقَامَ عِنْدَ قَبْرِکَ لِزَاماً وَ التَّلَبُّثَ عِنْدَهُ مَعْکُوفاً وَ لَأَعْوَلْتُ إِعْوَالَ الثَّکْلَی عَلَی جَلِیلِ الرَّزِیَّةِ فَبِعَیْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ بِنْتُکَ سِرّاً وَ یُهْتَضَمُ حَقُّهَا قَهْراً وَ یُمْنَعُ إِرْثُهَا جَهْراً وَ لَمْ یَطُلِ الْعَهْدُ وَ لَمْ یَخْلُقْ مِنْکَ الذِّکْرُ فَإِلَی اللَّهِ یَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَکَی وَ فِیکَ أَجْمَلُ الْعَزَاءِ فَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهَا وَ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ «۱»

ترجمه:

(۱) در امالی مفید معروف به المجالس و امالی ابن الشیخ معروف به امالی طوسی از امام حسین علیه السّلام روایت شده:

هنگامی که فاطمه دختر پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بیمار شد به حضرت علی علیه السّلام وصیّت کرد که موضوع بیماری وی را مخفی بدارد و احدی را از آن مطّلع ننماید. علی علیه السّلام به وصیّت او عمل کرد. و شخصا پرستاری فاطمه زهرا را عهده‌دار بود و اسماء بنت عمیس در این کار کمک می‌کرد. چون هنگام رحلت فاطمه فرا رسید وصیّت کرد که حضرت امیر متصدّی امر آن بانو شود، شبانه او را دفن کند و قبر مطهّرش را مخفی نماید.

علی علیه السّلام این وصیّت را پذیرفت و شبانه او را به خاک سپرد و قبرش را مخفی نمود.

هنگامی که از دفن فاطمه فارغ شد، ناگهان حزن و اندوه شدیدی به حضرتش هجوم آورد و اشک از چشمانش سرازیر شد، و چهره خود را به سوی قبر رسول خدا بازگردانید و گفت:

سلام من بر تو باد ای رسول خدا! و سلام بر تو از سوی دخترت و نور چشمت که به زیارتت آمده، همو که در بقعه‌ات زیر خاک آرمیده است و خداوند برای او چنان خواست که هر چه زودتر به تو ملحق شود. ای رسول خدا! صبرم از فراق دختر برگزیده‌ات کاهش یافته و شکیبایی من از دوری سرور زنان از دست رفته، (ولی چاره‌ای نیست) جز آنکه همان گونه که در مصیبت جانگدازت شکیبایی ورزیدم در اینجا نیز صبر پیشه کنم. چرا که من خود با دست خویش تو را در قبر نهادم و (به هنگام جان دادن سر در

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

آغوش من داشتی آن طور که) جان تو از میان سینه و گلوی من گذشت. آری در کتاب خدا برای من برترین پذیرش و تحمّل آمده است که فرموده: «ما همه از خداییم و همگی به سوی او بازمی‌گردیم». امانت بازگردانده و گروگان تحویل داده و زهرا از دستم ربوده شد، ای رسول خدا! چقدر این آسمان نیلگون و زمین تیره در نظرم زشت جلوه می‌کند. راجع به اندوهم چه بگویم که همیشگی است و شبم که به بیداری می‌گذرد، و غم از دلم رخت نمی‌بندد تا خداوند خانه‌ای را که تو در آن اقامت داری برایم برگزیند. غصه‌ای دارم جگر سوز و اندوهی شورانگیز، چه زود میان ما جدایی افتاد، و تنها به خدا شکایت می‌برم.

به زودی دخترت تو را خبر می‌دهد از همدست شدن امّتت علیه من، پس به اصرار از او بپرس و احوال را از او جویا شو که چه بسا سوزها داشت که در سینه‌اش می‌جوشید و راهی برای شرح و بیرون ریختن آن نداشت و اکنون خواهد گفت، و خدا داوری خواهد کرد و او بهترین داوران است.

سلام بر شما سلام وداع‌کننده‌ای که نه خشمگین است و نه دلتنگ، که اگر بازگردم از روی دلتنگی نیست و اگر بمانم از بدگمانی نسبت به آنچه خداوند به صابران وعده داده، نمی‌باشد. آه، آه! باز هم شکیبایی مبارک‌تر و زیباتر است که اگر بیم غلبه چیره‌شوندگان نمی‌بود برای همیشه در اینجا می‌ماندم و درنگ می‌نمودم و بر این مصیبت بزرگ چونان زنان عزیز مرده شیون می‌کردم، (چرا که) همچنان که خداوند نظاره می‌فرماید، دخترت پنهانی (و دور از چشم بیگانگان) به خاک سپرده می‌شود و (امّا آشکارا در پیش چشم همگان) حقّش پایمال و از ارتش ممنوع می‌گردد با آنکه دیر زمانی نگذشته و یاد تو کهنه نگشته است. ای رسول خدا، شکایت نزد خداوند بلند مرتبه برده می‌شود و بهترین صبر و دلداری و عزاداری در باره توست، درود و رحمت و برکات خداوند یکتا و آفریدگار جهانیان بر تو و او باد!

[متن عربی] ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۳۵۱/ ۴۱- عُيُونُ الْمُعْجِزَاتِ، لِلسَّيِّدِ الْمُرْتَضَى رَحِمَهُ اللَّهُ رُوِيَ أَنَّ فَاطِمَةَ ع تُوُفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ شَهْرَانِ وَ أَقَامَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ ص خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْماً وَ رُوِيَ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ تَوَلَّى غُسْلَهَا وَ تَكْفِينَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ أَخْرَجَهَا وَ مَعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فِي اللَّيْلِ وَ صَلَّوْا عَلَيْهَا وَ لَمْ يَعْلَمْ بِهَا أَحَدٌ وَ دَفَنَهَا فِي الْبَقِيعِ وَ جَدَّدَ أَرْبَعِينَ قَبْراً فَاسْتُشْكِلَ عَلَى النَّاسِ قَبْرُهَا فَأَصْبَحَ النَّاسُ وَ لَامَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً وَ قَالُوا إِنَّ نَبِيَّنَا ص خَلَّفَ بِنْتاً وَ لَمْ نَحْضُرْ وَفَاتَهَا وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ دَفْنَهَا وَ لَا نَعْرِفُ قَبْرَهَا فَنَزُورَهَا فَقَالَ مَنْ تَوَلَّى الْأَمْرَ هَاتُوا مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ مَنْ تَنْبُشُ هَذِهِ الْقُبُورَ حَتَّى نَجِدَ فَاطِمَةَ ع فَنُصَلِّيَ عَلَيْهَا وَ نَزُورَ قَبْرَهَا فَبَلَغَ ذَلِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَخَرَجَ مُغْضَباً قَدِ احْمَرَّتْ عَيْنَاهُ وَ قَدْ تَقَلَّدَ سَيْفَهُ ذَا الْفَقَارِ حَتَّى بَلَغَ الْبَقِيعَ وَ قَدِ اجْتَمَعُوا فِيهِ فَقَالَ ع لَوْ نَبَشْتُمْ قَبْراً مِنْ هَذِهِ الْقُبُورِ لَوَضَعْتُ السَّيْفَ فِيكُمْ فَتَوَلَّى الْقَوْمُ عَنِ الْبَقِيعِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) سیّد مرتضی رحمه اللّه در کتاب عیون المعجزات گوید: روایت شده که سنّ حضرت زهرا به هنگام وفات هجده سال و دو ماه بود و بعد از پیغمبر خدا مدّت هفتاد و پنج روز و به روایتی چهل روز زنده بود.

حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام متصدّی غسل و کفن آن بانو شد. با امام حسن و امام حسین جنازه آن بانوی مظلومه را شبانه خارج نمود، نماز بر بدنش خواندند کسی را از این جریان آگاه ننمودند، علی علیه السّلام جسد مقدّسش را در بقیع دفن کرد، صورت چهل قبر تشکیل داد تا قبر او تشخیص داده نشود. و هنگامی که مردم شنیدند یک دیگر را ملامت و سرزنش کردند و گفتند:

پیغمبر ما یک دختر به جای نهاد و ما موقع فوت و نماز و دفن او حاضر نشدیم و محل قبر او را نمی‌شناسیم که زیارتش کنیم! ابو بکر گفت: زنان مسلمین را بیاورید تا این قبرها را بشکافند و ما جنازه فاطمه را پیدا کنیم و بر آن نماز بخوانیم و قبرش را زیارت نماییم.

و چون این سخن به گوش حضرت علی علیه السّلام رسید، در حالی خارج شد که خشمناک و چشمان مبارکش سرخ و شمشیر خود ذو الفقار را حمایل کرده بود. با همین حالت آمد تا وارد بقیع که آنان اجتماع کرده بودند شد، آنگاه فرمود: اگر یکی از این قبرها را بشکافید این شمشیر را در میان شما می‌گذارم (و همه را از دم شمشیر می‌گذرانم). پس از این جریان بود که آن گروه از بقیع خارج شدند.

[متن عربی] ۶، ۱۵ ۳۵۲/ ۴۲- التهذیب «۱» سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ أَوَّلِ مَنْ جُعِلَ لَهُ النَّعْشُ فَقَالَ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ

ترجمه: (۱) شیخ طوسی در کتاب تهذیب از سلیمان بن خالد روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: در اسلام اوّلین تابوت برای چه کسی ساخته شد؟ فرمود: برای فاطمه دختر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم.

[متن عربی] ۶، ۱۵ ۳۵۳/ ۴۳- التهذیب «۲» سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِيهِ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَوَّلُ نَعْشٍ أُحْدِثَ فِي الْإِسْلَامِ نَعْشُ فَاطِمَةَ إِنَّهَا اشْتَكَتْ شَكْوَتَهَا الَّتِي قُبِضَتْ فِيهَا وَ قَالَتْ لِأَسْمَاءَ إِنِّي نَحِلْتُ وَ ذَهَبَ لَحْمِي أَ لَا تَجْعَلِينَ لِي شَيْئاً يَسْتُرُنِي قَالَتْ أَسْمَاءُ إِنِّي إِذْ كُنْتُ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ رَأَيْتُهُمْ يَصْنَعُونَ شَيْئاً أَ فَلَا أَصْنَعُ لَكِ فَإِنْ أَعْجَبَكِ أَصْنَعُ لَكِ قَالَتْ نَعَمْ فَدَعَتْ بِسَرِيرٍ فَأَكَبَّتْهُ لِوَجْهِهِ ثُمَّ دَعَتْ بِجَرَائِدَ فَشَدَّدَتْهُ عَلَى قَوَائِمِهِ ثُمَّ جَلَّلَتْهُ ثَوْباً فَقَالَتْ هَكَذَا رَأَيْتُهُمْ يَصْنَعُونَ فَقَالَتِ اصْنَعِي لِي مِثْلَهُ اسْتُرِينِي سَتَرَكِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۲) در تهذیب از ابو عبد الرحمن حذّاء، از امام صادق روایت شده که گفت: اوّلین تابوتی که در اسلام ساخته شد، تابوت فاطمه علیها السّلام بود. زیرا آن بانو در آن بیماری که از دنیا رفت، به اسماء، فرمود: من لاغر شده‌ام و گوشت بدنم از بین رفته است، آیا چیزی که بدنم را بپوشاند، برای من درست نمی‌کنی؟ اسماء گفت: زمانی که من در حبشه بودم نوعی تابوت می‌ساختند. مایل هستید من شکل آن را نشان دهم؟ فرمود: مانعی ندارد.

اسماء گفت تا تختی را آوردند، آنگاه آن تخت را وارونه بر روی زمین نهاد، دستور داد تا شاخه‌های خرمایی هم آوردند، آن شاخه‌های خرما را به پایه‌های آن تخت تابید و یک پارچه روی آنها انداخت و گفت: این شکل همان تابوتی است که من دیدم. فاطمه زهرا علیها السّلام فرمود: نظیر این تابوت را برای من بساز و بدنم را به وسیله آن بپوشان! خدا بدن تو را از آتش محفوظ بدارد!

[متن عربی] ۱۵ ۳۵۴/ ۴۴- مِنْ بَعْضِ كُتُبِ الْمَنَاقِبِ الْقَدِيمَةِ، «۱» اخْتَلَفَ الرِّوَايَاتُ فِي وَقْتِ وَفَاتِهَا فَفِي رِوَايَةٍ أَنَّهَا بَقِيَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص شَهْرَيْنِ وَ فِي رِوَايَةٍ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ فِي رِوَايَةٍ مِائَةَ يَوْمٍ وَ فِي رِوَايَةٍ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْعَاصِمِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا تُوُفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَانَتْ تَقُولُ وَا أَبَتَاهْ مِنْ رَبِّهِ مَا أَدْنَاهُ وَا أَبَتَاهْ جِنَانُ الْخُلْدِ مَثْوَاهُ وَا أَبَتَاهْ يُكْرِمُهُ رَبُّهُ إِذَا أَتَاهُ يَا أَبَتَاهْ الرَّبُّ وَ الرُّسُلُ تُسَلِّمُ عَلَيْهِ حِينَ تَلْقَاهُ فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ ع قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَرْثِيهَا

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ

الْأَبْيَات وَ ذَكَرَ الْحَاكِمُ أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا مَاتَتْ أَنْشَأَ عَلِيٌّ ع

نَفْسِي عَلَى زَفَرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَرَاتِ

لَا خَيْرَ بَعْدَكِ فِي الْحَيَاةِ وَ إِنَّمَا أَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي

وَ عَنْ سَيِّدِ الْحُفَّاظِ أَبِي مَنْصُورٍ الدَّيْلَمِيِّ بِإِسْنَادِهِ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَسَنِ دَخَلَ عَلَى هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ عِنْدَهُ الْكَلْبِيُّ فَقَالَ هِشَامٌ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَمْ بَلَغَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ مِنَ السِّنِّ فَقَالَ بَلَغَتْ ثَلَاثِينَ فَقَالَ لِلْكَلْبِيِّ مَا تَقُولُ قَالَ بَلَغَتْ خَمْساً وَ ثَلَاثِينَ فَقَالَ هِشَامٌ لِعَبْدِ اللَّهِ أَ لَا تَسْمَعُ مَا يَقُولُ الْكَلْبِيُّ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَلْنِي عَنْ أُمِّي فَأَنَا أَعْلَمُ بِهَا وَ سَلِ الْكَلْبِيَّ عَنْ أُمِّهِ فَهُوَ أَعْلَمُ بِهَا. وَ عَنِ الْعَاصِمِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ قَالَ تُوُفِّيَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص لِثَلَاثِ لَيَالٍ خَلَوْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ هِيَ بِنْتُ تِسْعٍ وَ عِشْرِينَ أَوْ نَحْوِهَا وَ ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مَنْدَةَ الْأَصْفَهَانِيُّ فِي كِتَابِ الْمَعْرِفَةِ أَنَّ عَلِيّاً تَزَوَّجَ فَاطِمَةَ بِالْمَدِينَةِ بَعْدَ سَنَةٍ مِنَ الْهِجْرَةِ وَ بَنَى بِهَا بَعْدَ ذَلِكَ بِنَحْوٍ مِنْ سَنَةٍ وَ وَلَدَتْ لِعَلِيٍّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْمُحَسِّنَ وَ أُمَّ كُلْثُومٍ الْكُبْرَى وَ زَيْنَبَ الْكُبْرَى

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ تُوُفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانٌ وَ عِشْرُونَ سَنَةً وَ قِيلَ سَبْعٌ وَ عِشْرُونَ سَنَةً وَ فِي رِوَايَةٍ أَنَّهَا وُلِدَتْ عَلَى رَأْسِ سَنَةِ إِحْدَى وَ أَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ ص فَيَكُونُ سِنُّهَا عَلَى هَذَا ثَلَاثاً وَ عِشْرِينَ وَ الْأَكْثَرُ عَلَى أَنَّهَا كَانَتْ بِنْتَ تِسْعٍ وَ عِشْرِينَ أَوْ ثَلَاثِينَ ع

– وَ ذَكَرَ وَهْبُ بْنُ مُنَبِّهٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهَا بَقِيَتْ أَرْبَعِينَ يَوْماً بَعْدَهُ وَ فِي رِوَايَةٍ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ سَاقَ ابْنُ عَبَّاسٍ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ لَمَّا تُوُفِّيَتْ ع شَقَّتْ أَسْمَاءُ جَيْبَهَا وَ خَرَجَتْ فَتَلَقَّاهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَقَالَا أَيْنَ أُمُّنَا فَسَكَتَتْ فَدَخَلَا الْبَيْتَ فَإِذَا هِيَ مُمْتَدَّةٌ فَحَرَّكَهَا الْحُسَيْنُ فَإِذَا هِيَ مَيِّتَةٌ فَقَالَ يَا أَخَاهْ آجَرَكَ اللَّهُ فِي الْوَالِدَةِ وَ خَرَجَا يُنَادِيَانِ يَا مُحَمَّدَاهْ يَا أَحْمَدَاهْ الْيَوْمَ جُدِّدَ لَنَا مَوْتُكَ إِذْ مَاتَتْ أُمُّنَا ثُمَّ أَخْبَرَا عَلِيّاً وَ هُوَ فِي الْمَسْجِدِ فَغُشِيَ عَلَيْهِ حَتَّى رُشَّ عَلَيْهِ الْمَاءُ ثُمَّ أَفَاقَ فَحَمَلَهُمَا حَتَّى أَدْخَلَهُمَا بَيْتَ فَاطِمَةَ وَ عِنْدَ رَأْسِهَا أَسْمَاءُ تَبْكِي وَ تَقُولُ وَا يَتَامَى مُحَمَّدٍ كُنَّا نَتَعَزَّى بِفَاطِمَةَ بَعْدَ مَوْتِ جَدِّكُمَا فَبِمَنْ نَتَعَزَّى بَعْدَهَا فَكَشَفَ عَلِيٌّ عَنْ وَجْهِهَا فَإِذَا بِرُقْعَةٍ عِنْدَ رَأْسِهَا فَنَظَرَ فِيهَا فَإِذَا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص أَوْصَتْ وَ هِيَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوَّجَنِيَ اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَنِّطْنِي وَ غَسِّلْنِي وَ كَفِّنِّي بِاللَّيْلِ وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ ادْفِنِّي بِاللَّيْلِ وَ لَا تُعْلِمْ أَحَداً وَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَى وُلْدِيَ السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَمَّا جَنَّ اللَّيْلُ غَسَّلَهَا عَلِيٌّ وَ وَضَعَهَا عَلَى السَّرِيرِ وَ قَالَ لِلْحَسَنِ ادْعُ لِي أَبَا ذَرٍّ فَدَعَاهُ فَحَمَلَاهُ إِلَى الْمُصَلَّى فَصَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَنَادَى هَذِهِ بِنْتُ نَبِيِّكَ فَاطِمَةُ أَخْرَجْتَهَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ فَأَضَاءَتِ الْأَرْضُ مِيلًا فِي مِيلٍ فَلَمَّا أَرَادُوا أَنْ يَدْفِنُوهَا نُودُوا مِنْ بُقْعَةٍ مِنَ الْبَقِيعِ إِلَيَّ إِلَيَّ فَقَدْ رُفِعَ تُرْبَتُهَا مِنِّي فَنَظَرُوا فَإِذَا هِيَ بِقَبْرٍ مَحْفُورٍ فَحَمَلُوا السَّرِيرَ إِلَيْهَا فَدَفَنُوهَا فَجَلَسَ عَلِيٌّ عَلَى شَفِيرِ الْقَبْرِ فَقَالَ يَا أَرْضُ اسْتَوْدَعْتُكِ وَدِيعَتِي هَذِهِ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَنُودِيَ مِنْهَا يَا عَلِيُّ أَنَا أَرْفَقُ بِهَا مِنْكَ فَارْجِعْ وَ لَا تَهْتَمَّ فَرَجَعَ وَ انْسَدَّ الْقَبْرُ وَ اسْتَوَى بِالْأَرْضِ فَلَمْ يُعْلَمْ أَيْنَ كَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ترجمه: (۱) در بعضی کتابهای قدیمی مناقب آمده: در باره زمان وفات حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام اختلاف است. در یک روایت می‌گوید: آن بانوی معظم بعد از پدر بزرگوارش مدّت دو ماه زنده بود. در روایت دیگری می‌گوید: مدّت سه ماه زنده بود. در یک روایت است که مدّت صد روز و در حدیث دیگری می‌گوید: مدّت هشت ماه بعد از رحلت پدرش و ....

حاکم نیشابوری روایت می‌کند: هنگامی که حضرت فاطمه از دنیا رحلت نمود حضرت امیر این اشعار را سرود:

– جان من با ناله‌های خود حبس شده، ای کاش جان من با ناله‌هایم خارج می‌شد.

– بعد از تو خیری در زندگانی نخواهد بود، جز این نیست که از خوف طولانی شدن زندگیم می‌گریم. – و ....

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

وهب بن منبّه از ابن عبّاس نقل می‌کند که گفت: حضرت زهرا مدّت چهل روز و به قولی شش ماه بعد از پدر بزرگوارش زنده بود، تا آنجا که می‌گوید: پس از آنکه فاطمه علیها السّلام رحلت کرد اسماء گریبان خود را پاره کرد و خارج شد، آنگاه با حسنین علیهما السّلام مصادف شد، ایشان به وی فرمودند:

مادر ما کجاست؟ اسماء جوابی نداد. آنان وارد خانه شدند دیدند مادر بزرگوارشان خوابیده است. امام حسین مادر خود را حرکت داد دید از دنیا رفته است. آنگاه در حالی خارج شدند که می‌فرمودند: یا محمّداه! یا احمداه! امروز به علّت فوت مادرمان مصیبت تو برای ما تجدید شد.

پس از این جریان متوجه حضرت امیر که در مسجد بود شدند و آن حضرت را از رحلت مادرشان آگاه نمودند.

امیر المؤمنین علی علیه السّلام بعد از شنیدن این خبر دلخراش غش کرد، آب به صورت آن حضرت پاشیدند تا به هوش آمد، آنگاه حسنین علیهما السّلام را برداشت و داخل خانه حضرت زهرا علیها السّلام شد. (۱) اسماء را دید که بالای سر زهرا نشسته گریه می‌کند و می‌گوید: یتیمان حضرت محمّد چه کنند، بعد از فوت جدّ شما دل ما به فاطمه خوش بود! بعد از فاطمه به چه کسی دل خوش کنیم! آنگاه حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام صورت مبارک فاطمه زهرا را باز کرد رقعه‌ای نزد سر آن بانوی معظّمه یافت که در آن نوشته بود: بسم اللّه الرّحمن الرّحیم، این وصیّتی است که فاطمه دختر پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کرده است: فاطمه شهادت می‌دهد که خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد، حضرت محمّد بنده و پیامبر خدا می‌باشد. بهشت بر حق و دوزخ بر حق است، قیامت خواهد آمد و شکّی در آن نخواهد بود، خداوند کلیه افرادی را که در قبرها مدفونند بر خواهد انگیخت.

یا علی! من فاطمه دختر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشم. خدا مرا در دنیا و آخرت برای تو تزویج نمود.

یا علی! تو از دیگران برای (غسل و کفن) من مقدّم هستی، مرا حنوط کن غسل بده، شبانه مرا دفن کن، شبانه بر بدنم نماز بگزار، شبانه به خاکم بسپار، احدی را از فوت من آگاه منمای، من تو را به خداوند می‌سپارم، و فرزندانم به درود تا روز قیامت! و چون شب فرا رسید حضرت علی علیه السّلام پیکر مقدّس حضرت فاطمه را غسل داد و در میان تابوت نهاد و به حضرت حسن فرمود: ابو ذر را بیاور! هنگامی که ابو ذر آمد بدن مبارک آن بانوی مظلومه را به محل نماز آوردند و بر آن نماز خواندند، آنگاه علی علیه السّلام دستهای مبارک خود را به جانب آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا! این جنازه دختر پیغمبر توست که او را از دنیای ظلمانی به طرف نور بردی و نور وجودش وجب به وجب به وسعتی تامّ و تمام زمین را درنوردید و روشن و منوّر نمود.

هنگامی که تصمیم گرفتند جنازه آن بانو را دفن کنند صدایی از یکی از بقعه‌های بقیع شنیدند که می‌گفت:

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

بیا به سوی من! به سوی من! زیرا تربت و خاک وی از من گرفته شده است. و چون نگاه کردند با قبری حفر شده و آماده مواجه شدند. تابوت را به سوی آن قبر بردند و جنازه را در آن دفن نمودند. سپس حضرت امیر بر فراز قبر نشست و فرمود: ای قبر! من امانت خود را به تو می‌سپارم، این جنازه دختر رسول خدا است.

ناگاه ندایی شنیدند که می‌گفت: یا علی! من از تو به وی مهربانترم. برگرد و مغموم و مهموم مباش! علی علیه السّلام بازگشت و قبر را مسدود و با زمین هم سطح نمود. آن قبر تا قیام قیامت معلوم نخواهد شد.

[متن عربی] ۱۵ ۳۵۵/ ۴۵- أَقُولُ قَالَ أَبُو الْفَرَجِ فِی مَقَاتِلِ الطَّالِبِیِّینَ «۱»، کَانَتْ وَفَاةُ فَاطِمَةَ ع بَعْدَ وَفَاةِ النَّبِیِّ ص بِمُدَّةٍ یُخْتَلَفُ فِی مَبْلَغِهَا فَالْمُکْثِرُ یَقُولُ ثَمَانِیَةَ أَشْهُرٍ وَ الْمُقَلِّلُ یَقُولُ أَرْبَعِینَ یَوْماً إِلَّا أَنَّ الثَّبْتَ فِی ذَلِکَ مَا رُوِیَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ ع أَنَّهَا تُوُفِّیَتْ بَعْدَهُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ حَدَّثَنِی بِذَلِکَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ عَنِ الْحَارِثِ عَنِ ابْنِ سَعْدٍ عَنِ الْوَاقِدِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ دِینَارٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ ع

ترجمه: (۱) ابو الفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبیّین می‌نویسد: در باره اینکه حضرت فاطمه علیها السّلام چقدر بعد از پدر بزرگوارش زنده بود اختلاف است، حد اکثر آن را هشت ماه و حد اقل آن را چهل روز نوشته‌اند.

ولی آنچه که صحیح و ثابت به نظر می‌رسد این است که حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام فرمود: آن بانوی مظلومه مدّت هفتاد و پنج روز زنده بود.

[متن عربی] ۱۵ ۳۵۶/ ۴۶- مصباح طوسی «۲» و کفعمی «۳»، المصباحین فِی الثَّالِثِ مِنْ جُمَادَی الْآخِرَةِ کَانَ وَفَاةُ فَاطِمَةَ ع سَنَةَ إِحْدَی عَشْرَةَ

ترجمه: (۲) در مصباح کفعمی و مصباح المتهجّدین آمده است: در سوم جمادی الثانی سال یازده هجری وفات حضرت فاطمه علیها السّلام واقع شد.

[متن عربی] ۱۵ ۳۵۷/ ۴۷- مصباح المتهجد «۱» فِی الْیَوْمِ الْحَادِی وَ الْعِشْرِینَ مِنْ رَجَبٍ کَانَتْ وَفَاةُ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ ع فِی قَوْلِ ابْنِ عَبَّاسٍ بیان أقول لا یمکن التطبیق بین أکثر تواریخ الولادة و الوفاة و مدة عمرها الشریف و لا بین تواریخ الوفاة و بین ما مر.

فی الخبر الصحیح أنها ع عاشت بعد أبیها خمسة و سبعین یوما إذ لو کان وفاة الرسول ص فی الثامن و العشرین من صفر کان علی هذا وفاتها فی أواسط جمادی الأولی و لو کان فی ثانی عشر ربیع الأول کما ترویه العامة کان وفاتها فی أواخر جمادی الأولی و ما. - رواه أبو الفرج عن الباقر ع من کون مکثها بعده ص ثلاثة أشهر یمکن تطبیقه علی ما هو المشهور من کون وفاتها فی ثالث جمادی الآخرة و یدل علیه أیضا ما مر من خبر أبی بصیر عن أبی عبد الله ع بروایة الطبری بأن یکون ع لم یتعرض للأیام الزائدة لقلتها و الله یعلم

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) در مصباح شیخ طوسی آمده است: وفات حضرت زهرا بنا بر قول ابن عبّاس در روز بیست و یکم ماه رجب بود. مؤلف گوید: اکثر تواریخ راجع به ولادت و وفات و مدّت عمر شریف حضرت زهرا علیها السّلام با یک دیگر قابل تطبیق نیستند. نیز تواریخ وفات آن بانو با آن روایت صحیحی که از حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام قبلا گذشت که فرمود: مدّت عمر آن حضرت بعد از پدر بزرگوارش هفتاد و پنج روز بود تطبیق نمی‌کنند. زیرا اگر وفات پیامبر خدا در روز بیست و هشتم ماه صفر بوده باشد وفات حضرت زهرا علیها السّلام در اواسط ماه جمادی الاولی بوده و اگر رحلت رسول خدا چنانچه اهل سنّت می‌گویند، در روز دوازدهم ماه ربیع الاوّل بوده باشد وفات فاطمه علیها السّلام اواخر ماه جمادی الاولی بوده است.

آن روایتی را که ابو الفرج از امام محمّد باقر نقل کرده که حضرت فاطمه علیها السّلام مدّت سه ماه بعد از پدرش زنده بود می‌توان با اینکه مشهور است شهادت آن حضرت در سوم جمادی الآخر بوده تطبیق کرد و آن روایتی که ابو بصیر به روایت طبری از حضرت صادق نقل نموده است نیز این موضوع را تأیید می‌نماید و ممکن است که متعرّض آن چند روز اضافی نشده باشد.

[متن عربی] ۱، ۱۵ ۳۵۸/ ۴۸- أَقُولُ فِی الدِّیوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَیْهِ ع، أَنَّهُ أَنْشَدَ بَعْدَ وَفَاةِ فَاطِمَةَ ع

أَلَا هَلْ إِلَی طُولِ الْحَیَاةِ سَبِیلٌ وَ أَنِّی وَ هَذَا الْمَوْتُ لَیْسَ یَحُولُ

وَ إِنِّی وَ إِنْ أَصْبَحْتُ بِالْمَوْتِ مُوقِناً فَلِی أَمَلٌ مِنْ دُونِ ذَاکَ طَوِیلٌ

وَ لِلدَّهْرِ أَلْوَانٌ تَرُوحُ وَ تَغْتَدِی وَ إِنَّ نُفُوساً بَیْنَهُنَّ تَسِیلُ

وَ مَنْزِلُ حَقٍّ لَا مُعَرَّجَ دُونَهُ لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْهَا إِلَیْهِ سَبِیلٌ

قَطَعْتُ بِأَیَّامِ التَّعَزُّزِ ذِکْرَهُ وَ کُلُّ عَزِیزٍ مَا هُنَاکَ ذَلِیلٌ

أَرَی عِلَلَ الدُّنْیَا عَلَیَّ کَثِیرَةً وَ صَاحِبُهَا حَتَّی الْمَمَاتِ عَلِیلٌ

وَ إِنِّی لَمُشْتَاقٌ إِلَی مَنْ أُحِبُّهُ فَهَلْ لِی إِلَی مَنْ قَدْ هَوِیتُ سَبِیلٌ

وَ إِنِّی وَ إِنْ شَطَّتْ بِیَ الدَّارُ نَازِحاً وَ قَدْ مَاتَ قَبْلِی بِالْفِرَاقِ جَمِیلٌ

فَقَدْ قَالَ فِی الْأَمْثَالِ فِی الْبَیْنِ قَائِلٌ أَضَرَّ بِهِ یَوْمَ الْفِرَاقِ رَحِیلٌ

لِکُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِیلَیْنِ فُرْقَةٌ وَ کُلُّ الَّذِی دُونَ الْفِرَاقِ قَلِیلٌ

وَ إِنَّ افْتِقَادِی فَاطِماً بَعْدَ أَحْمَدَ دَلِیلٌ عَلَی أَنْ لَا یَدُومَ خَلِیلٌ

وَ کَیْفَ هَنَاکَ [هُنَاکَ الْعَیْشُ مِنْ بَعْدِ فَقْدِهِمْ لَعَمْرُکَ شَیْءٌ مَا إِلَیْهِ سَبِیلٌ

سَیُعْرَضُ عَنْ ذِکْرِی وَ تُنْسَی مَوَدَّتِی وَ یَظْهَرُ بَعْدِی لِلْخَلِیلِ عَدِیلٌ

وَ لَیْسَ خَلِیلِی بِالْمَلُولِ وَ لَا الَّذِی إِذَا غِبْتُ یَرْضَاهُ سِوَایَ بَدِیلٌ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

وَ لَکِنْ خَلِیلِی مَنْ یَدُومُ وِصَالُهُ وَ یَحْفَظُ سِرِّی قَلْبُهُ وَ دَخِیلُ
إِذَا انْقَطَعَتْ یَوْماً مِنَ الْعَیْشِ مُدَّتِی فَإِنَّ بُکَاءَ الْبَاکِیَاتِ قَلِیلُ
یُرِیدُ الْفَتَی أَنْ لَا یَمُوتَ حَبِیبُهُ وَ لَیْسَ إِلَی مَا یَبْتَغِیهِ سَبِیلُ
وَ لَیْسَ جَلِیلًا رُزْءُ مَالٍ وَ فَقْدُهُ وَ لَکِنَّ رُزْءَ الْأَکْرَمِینَ جَلِیلُ
لِذَلِکَ جَنْبِی لَا یُؤَاتِیهِ مَضْجَعٌ وَ فِی الْقَلْبِ مِنْ حَرِّ الْفِرَاقِ غَلِیلُ

بیان خبر أنی محذوف و منزل عطف علی ألوان و المعرج محل الإقامة و شطت الدار و نزحت بعدت و الباء للتعدیة و التضریب مبالغة فی الضرب و البین الفراق أی أضرب المثل الذی قاله القائل فی یوم الفراق الذی هو رحیل و المثل قوله لکل اجتماع و فاطم مرخم فاطمة لضرورة الشعر و البدیل البدل و دخیل الرجل الذی یداخله فی أموره و یختص به لا یؤاتیه أی لا یوافقه و الغلیل العطش وَ مِنْهُ، قَوْلُهُ ع عِنْدَ رِحْلَتِهَا ع

حَبِیبٌ لَیْسَ یَعْدِلُهُ حَبِیبٌ وَ مَا لِسِوَاهُ فِی قَلْبِی نَصِیبُ
حَبِیبٌ غَابَ عَنْ عَیْنِی وَ جِسْمِی وَ عَنْ قَلْبِی حَبِیبِی لَا یَغِیبُ

بیان حبیب فی الموضعین خبر مبتدإ محذوف أو الثانی خبر الأول

وَ مِنْهُ، مُخَاطِباً لَهَا بَعْدَ وَفَاتِهَا

مَا لِی وَقَفْتُ عَلَی الْقُبُورِ مُسَلِّماً قَبْرَ الْحَبِیبِ فَلَمْ یَرُدَّ جَوَابِی
أَ حَبِیبُ مَا لَکَ لَا تَرُدُّ جَوَابَنَا أَ نَسِیتَ بَعْدِی خُلَّةَ الْأَحْبَابِ

وَ مِنْهُ، مُجِیباً لِنَفْسِهِ مِنْ قِبَلِهَا ع

قَالَ الْحَبِیبُ وَ کَیْفَ لِی بِجَوَابِکُمْ وَ أَنَا رَهِینُ جَنَادِلٍ وَ تُرَابِ
أَکَلَ التُّرَابُ مَحَاسِنِی فَنَسِیتُکُمْ وَ حُجِبْتُ عَنْ أَهْلِی وَ عَنْ أَتْرَابِی
فَعَلَیْکُمُ مِنِّی السَّلَامُ تَقَطَّعَتْ عَنِّی وَ عَنْکُمْ خُلَّةُ الْأَحْبَابِ

بیان الجنادل الأحجار و التراب الموافق فی السن. و فی شرح الدیوان روی أن الأبیات الأخیرة سمعت من هاتف

ترجمه: (۱) علامه مجلسی گوید: در دیوان شعری که به علی علیه السّلام منسوب شده است نوشته: بعد از وفات حضرت فاطمه، علی علیه السّلام اشعاری در مرثیه فاطمه سرود، آن اشعار این است: ۱- آیا به سوی زندگانی طولانی راه و طریقی هست؟ از کجا خواهد بود در صورتی که (چیزی بین انسان و مرگ) حایل نخواهد شد.

۲- حقّا که من اگر چه به مرگ یقین دارم، ولی در عین حال امیدی بسیار برای زنده ماندن در من وجود دارد.

۳- روزگار دارای رنگهایی است که شب را صبح می‌کند، و نفوس در بین آنها جاری است.

۴- روزگار را منزل بر حقّی می‌باشد که محل اقامت نزد آن نیست، و برای هر مردی از روزگار به طرف آن راهی خواهد بود.

۵- من یاد او را به وسیله روزهای عزّت قطع نمودم، و هر عزیزی در اینجا ذلیل و خوار خواهد شد.

۶- مرضهای دنیا را برای خود فراوان می‌بینم، صاحب آن امراض تا موقع مردن علیل خواهد بود.

۷- من مشتاق آن کسی هستم که او را دوست می‌دارم، آیا به سوی آن کس که او را دوست دارم راهی هست؟

۸- خانه مرا دور کرده است، ولی در عین حال آن شخصی که قبل از من از فراق مرده است نیکو بود.

۹- گوینده‌ای در داستانها راجع به جدایی مثلی زده و من آن را در روز کوچ نمودن زیاد مثل می‌زنم.

۱۰- حقّا که از دست دادن من فاطمه را بعد از احمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دلیلی است بر اینکه هیچ دوستی دائمی نخواهد بود.

۱۱- بعد از نایافتن آنان زندگی در اینجا چگونه خواهد بود، به جان تو سوگند این مطلبی است که راهی به سوی آن نخواهد بود.

۱۲- به زودی از یاد نمودن من اعراض می‌شود و دوستی فراموش می‌گردد، و بعد از من دوستی برای دوست نظیر من ظاهر خواهد شد.

۱۳- شخص ملول و آن کسی که چون من غایب شوم وی را راضی کند دوست من نخواهد بود.

۱۴- ولی دوست من آن است که وصال او دائمی باشد، قلب او مرا حفظ کند و برای کارهای من دخیل باشد.

۱۵- هنگامی که یک روز از فوت بگذرد یقینا گریه افراد گریه‌کننده قلیل خواهد شد.

۱۶- اراده جوانمرد آن است که دوست او نمیرد، در حالی که راهی به سوی آنچه که‌می‌خواهد وجود ندارد. (۱)

۱۷- مصیبت مال و مفقود شدن آن بزرگ نخواهد بود ولی مصیبت اشخاص بزرگوار بزرگ است.

۱۸- برای این جهت است که پهلو و پیکرم موافق آرام گرفتن در خوابگاهی نیست، و در دل من از حرارت فراق تشنگی جایگزین است. و نیز به هنگام رحلت حضرت زهرا می‌فرماید:

- دوستی که نظیر او دوستی نخواهد بود، و در قلب من غیر از او بهره‌ای وجود ندارد.

- دوستی که از پیش چشم و جسم من غایب شد، ولی از قلب من غایب نخواهد بود.

و خطاب به حضرت زهرا بعد از فوت او می‌فرماید:

- مرا چه شده که بر روی قبرها توقف می‌نمایم، و بر قبر دوست سلام می‌کنم ولی او جواب سلام مرا نمی‌دهد.

- ای دوست تو را چه شده که جواب سلام ما را نمی‌دهی، آیا بعد از من دوستی دوستان را فراموش کردی.

جواب از زبان حضرت زهرا:

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

– دوست در جواب گفت: من چگونه جواب شما را بگویم، در صورتی که رهین سنگهای فراوان و خاک قرار گرفتم.

– حقّا که خاک اعضای نیکوی بدنم را خورد و من شما را فراموش کردم و از نظر اهل خانه و همسالهایم ناپدید شدم.

– از من بر شما سلام باد که رشته دوستی و محبّت من و شما با بازماندگانم قطع شد.

[متن عربی] ۱۵، ۱ ۳۵۹/ ۴۹- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص ستِّينَ يَوْماً ثُمَّ مَرِضَتْ فَاشْتَدَّتْ عَلَيْهَا فَكَانَ مِنْ دُعَائِهَا فِی شَكْوَاهَا يَا حَیُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَغِثْنِی اللَّهُمَّ زَحْزِحْنِی عَنِ النَّارِ وَ أَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ وَ أَلْحِقْنِی بِأَبِی مُحَمَّدٍ ص فَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ لَهَا يُعَافِيكِ اللَّهُ وَ يُبْقِيكِ فَتَقُولُ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَسْرَعَ اللَّحَاقَ بِاللَّهِ وَ أَوْصَتْ بِصَدَقَتِهَا وَ مَتَاعِ الْبَيْتِ وَ أَوْصَتْهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ أُمَامَةَ بِنْتَ أَبِی الْعَاصِ وَ قَالَتْ بِنْتَ أُخْتِی وَ تَحَنَّنْ عَلَى وُلْدِی قَالَ وَ دَفَنَهَا لَيْلًا. وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ رَأَتْ فَاطِمَةُ فِی مَنَامِهَا النَّبِیَّ ص قَالَتْ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ مَا نَالَنَا مِنْ بَعْدِهِ قَالَتْ فَقَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ ص لَكُمُ الْآخِرَةُ الَّتِی أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ وَ إِنَّكِ قَادِمَةٌ عَلَیَّ عَنْ قَرِيبٍ. وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ لَمَّا حَضَرَتْ فَاطِمَةَ الْوَفَاةُ بَكَتْ فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا سَيِّدَتِی مَا يُبْكِيكِ قَالَتْ أَبْكِی لِمَا تَلْقَى بَعْدِی فَقَالَ لَهَا لَا تَبْكِی فَوَ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَصَغِيرٌ عِنْدِی فِی ذَاتِ اللَّهِ قَالَ وَ أَوْصَتْهُ أَنْ لَا يُؤْذَنَ بِهَا الشَّيْخَيْنِ فَفَعَلَ

ترجمه: (۱) در مصباح الانوار از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت شده که فرمود: فاطمه اطهر بعد از پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مدّت شصت روز زنده بود، هنگامی که بیماری آن بانو شدید شد، در دعای خود گفت:

یا حیّ! یا قیّوم، به رحمت تو چنگ می‌زنم پس به فریادم برس! خداوندا، مرا از آتش رهایی بخش و در بهشت داخل فرما و به پدرم محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ملحق نما! حضرت امیر به وی می‌فرمود: خدا تو را عافیت می‌دهد و باقی می‌دارد. فاطمه اطهر می‌گفت: ای ابا الحسن! من به سرعت به سوی خداوند می‌روم، آنگاه راجع به صدقه‌ها و اثاث خانه وصیّت نمود، و نیز وصیّت کرد که امیر المؤمنین با امامه که دختر خواهرش بود ازدواج کند که با فرزندانش مهربانی می‌نماید. سپس آن حضرت را شبانه دفن کرد.

ابن عبّاس می‌گوید: حضرت فاطمه زهرا فرمود: پدر خود را در خواب دیدم و راجع به آن ظلم و ستمهایی که به ما شد به آن حضرت شکایت کردم. رسول خدا در جوابم فرمود:

آن آخرتی که برای پرهیزکاران آماده شده برای شماست و تو به زودی نزد من خواهی آمد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

حضرت امام جعفر صادق از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت می‌کند که فرمودند: هنگامی که فوت حضرت زهرا نزدیک شد گریه کرد، حضرت علی علیه السّلام از وی سؤال کرد: ای بانوی من! چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: برای آن مصیبتهایی که تو بعد از من خواهی دید. امیر المؤمنین فرمود: گریان مباش، به خداوند سوگند آن مصائب نزد من برای رضای خداوند کوچک و ناچیزند، آنگاه فاطمه به علی وصیّت کرد که به ابو بکر و عمر اجازه تشییع جنازه و نماز ندهد، و حضرت علی وصیّت آن بانو را اجرا نمود.

[متن عربی] ۱۵ ۵۰- كِتَابُ الدَّلَائِلِ لِلطَّبَرِيِّ، «۱» عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْبَاقِرْحِي عَنْ فلايجة عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَغْدَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي جَرِيحٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَاطِمَةَ ع أَنَّهَا أَوْصَتْ لِأَزْوَاجِ النَّبِيِّ ص لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَّةً وَ لِنِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ مِثْلَ ذَلِكَ وَ أَوْصَتْ لِأُمَامَةَ بِنْتِ أَبِي الْعَاصِ بِشَيْءٍ وَ بِإِسْنَادٍ آخَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَنٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّ فَاطِمَةَ ع تَصَدَّقَتْ بِمَالِهَا عَلَى بَنِي هَاشِمٍ وَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ أَنَّ عَلِيّاً ع تَصَدَّقَ عَلَيْهِمْ وَ أَدْخَلَ مَعَهُمْ غَيْرَهُمْ

ترجمه: (۱) در کتاب دلائل الامامه از امام باقر علیه السّلام در باره حضرت فاطمه روایت شده: حضرت فاطمه وصیّت کرد که به هر یک از زنان پیغمبر خدا و زنان بنی هاشم دوازده اوقیّة بدهند. نیز وصیّت کرده که به امامه هم چیزی بپردازند. طبق روایت دیگری زید بن علی می‌فرماید: حضرت زهرای اطهر علیها السّلام کلیه اموال خود را به بنی هاشم و فرزندان عبد المطّلب صدقه داد. حضرت امیر هم کلیه اموال خود را به ایشان و دیگران صدقه داد.

ضمائم باب هفتم

خطبه حضرت فاطمه علیها السّلام این خطبه در جلد ۲۹ بحار الانوار، صفحات ۲۱۵- ۳۳۳، با تحقیق و پاورقی شیخ عبد الزهراء علوی نقل شده است که آن را عینا از آنجا نقل می‌کنیم، و سپس توضیحاتی در باره اسناد و مصادر این خطبه ارائه خواهد شد و متن تصحیح‌شده آن را با ترجمه به فارسی تقدیم می‌نماییم.

خطبه حضرت فاطمه علیها السّلام در بحار الانوار با شرح علّامه مجلسی

متن اصلاح‌شده خطبه فدکیّه

لَمَّا بَلَغَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَ، إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ عَلَى مَنْعِهَا فَدَكَ لَاثَتْ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لُمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُيُولَهَا، مَا تَخْرِمُ مِشْيَتُهَا مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ- وَ هُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ غَيْرِهِمْ فَنِيطَتْ دُونَهَا مُلَاءَةٌ، فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَنَّتْ أَنَّةً أَجْهَشَ الْقَوْمُ لَهَا بِالْبُكَاءِ، فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَمْهَلَتْ هُنَيْئَةً حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيجُ الْقَوْمِ وَ هَدَأَتْ فَوْرَتُهُمْ، افْتَتَحَتِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَعَادَ الْقَوْمُ فِي بُكَائِهِمْ فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا. فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوغِ آلَاءٍ أَسْدَاهَا، وَ تَمَامِ مِنَنٍ وَالَاهَا، جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمَدُهَا، وَ تَفَاوَتَ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبَدُهَا، وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ ثَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا، وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةٌ جُعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلَهَا، وَ ضُمِّنَ الْقُلُوبُ مَوْصُولَهَا، وَ أَنَارَ فِي الْفِكْرَةِ مَعْقُولُهَا، الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتُهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ، ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا احْتِذَاءِ أَمْثِلَةٍ امْتَثَلَهَا، كَوَّنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيتاً لِحِكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيهاً عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعَبُّداً لِبَرِيَّتِهِ، وَ إِعْزَازاً لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، زِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نَقِمَتِهِ وَ حِيَاشَةً مِنْهُ إِلَى جَنَّتِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّداً (ص) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اخْتَارَهُ وَ انْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنِ اجْتَبَلَهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنِ ابْتَعَثَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بِسَتْرِ الْأَهَاوِيلِ مَصُونَةٌ، وَ بِنِهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْماً مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَآئِلِ الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ.

ابْتَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِتْمَاماً لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ إِنْفَاذاً لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ، فَرَأَى الْأُمَمَ فِرَقاً فِي أَدْيَانِهَا، عُكَّفاً عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكِرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا، فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي ظُلَمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهَمَهَا، وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَمَهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهِدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ، ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ بِمحمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ عَلَى الْوَحْيِ وَ صَفِيِّهِ وَ خِيَرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ رَضِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ثُمَّ الْتَفَتَتْ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَ قَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصْبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلَةُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ، وَ أُمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بُلَغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، وَ زَعَمْتُمْ حَقَّ لَكُمْ لِلَّهِ فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ، كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ، وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيَةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُدِيمَةٌ لِلْبَرِيَّةِ اسْتِمَاعُهُ قَائِدَةٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّيَةٌ إِلَى النَّجَاةِ أَشْيَاعُهُ، بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمَنْدُوبَةُ، وَ رُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ، فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيتاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

الْفُرْقَة، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَام، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِيجَاب الْأَجْر، وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوف مَصْلَحَةً لِلْعَامَّة، وَ بِرَّ الْوَالِـدَيْن وِقَايَةً مِنَ السَّخَط، وَ صِلَةَ الْأَرْحَام مَنْمَاةً لِلْعَدَد، وَ الْقِصَاصَ حَقْناً لِلدِّمَاء، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضـاً لِلْمَغْفِـرَة، وَ تَوْفِيَـةَ الْمَكَايِيلِ وَ الْمَوَازِينِ تَغْيِيراً لِلْبَخْس، وَ النَّهْيَ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً مِنَ الرِّجْس، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْف حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَة، وَ تَرْكَ السَّرِقَةِ إِيجَاباً لِلْعِفَّة، وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّة، فَ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاته وَ لا تَمُوتُنَّ إِلَّـا وَ أَنْـتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِه وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ إِنَّما يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَاده الْعُلَماءُ.

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَ آله، أَقُولُ عَوْداً وَ بَدْءاً، وَ لَا أَقُولُ مَـا أَقُـولُ غَلَطاً، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطاً لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْه ما عَنِتُّمْ حَـرِيصٌ عَلَـيْكُمْ بِـالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ، فَإِنْ تَعْزُوهُ وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ آبَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لَنِعْمَ الْمَعْزِيُّ إِلَيْـه صَـلَّى اللَّـهُ عَلَيْه وَ آله وَ سَلَّمَ، فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ، صَادِعاً بِالنِّذَارَة، مَائِلًا عَنْ مَدْرَجَة الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً ثَبَجَهُمْ، آخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِيـاً إِلَى سَبِيلِ رَبِّه بِالْحِكْمَة وَ الْمَوْعِظَة الْحَسَنَة، يَكْسِرُ ٢) فِي الْمَصْدَرِ: يَجِفُّ. الْأَصْنَامَ، وَ يَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَلَّوُا الدُّبُرَ، حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحه، وَ أَسْـفَرَ الْحَـقُّ عَـنْ مَحْضـه، وَ نَطَـقَ زَعِـيمُ الـدِّين، وَ خَرِسَـتْ شَقَاشِـقُ الشَّيَاطِين، وَ طَاحَ وَشِيظُ النِّفَاق، وَ انْحَلَّتْ عُقَدُ الْكُفْرِ وَ الشِّقَاق، وَ فُهْتُمْ بِكَلِمَة الْإِخْلَاص فِي نَفَر مِنَ الْبِيضِ الْخِمَاص، وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَة مِنَ النَّار، مُذْقَةَ الشَّارِب، وَ نُهْزَةَ الطَّامِع، وَ قَبْسَةَ الْعَجْلَان، وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَام، تَشْـرَبُونَ الطَّـرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْوَرَقَ، أَذِلَّةً خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِـأَبِي بِمُحَمَّـد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَ آله بَعْدَ اللَّتَيَّا وَ الَّتِي، وَ بَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِبُهَمِ الرِّجَال، وَ ذُؤْبَـانِ الْعَـرَب، وَ مَـرَدَةِ أَهْـلِ الْكِتَـابِ كُلَّمَـا أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّيْطَانِ، وَ فَغَرَتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَـاهُ فِـي لَهَوَاتِهَـا، فَلَـا يَنْكَفِئُ حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصه، وَ يُخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِه، مَكْدُوداً دؤوبا فِي ذَاتِ اللَّه، وَ مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّـه، قَرِيبـاً مِنْ رَسُولِ اللَّه، سَيِّدَ أَوْلِيَاءِ اللَّه، مُشَمِّراً نَاصِحاً، مُجِدّاً كَادِحاً، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّه لَوْمَةُ لَـائِم، وَ أَنْـتُمْ فِـي رَفَاهِيَـة مِـنَ الْعَيْشِ، وَادِعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكِصُـونَ عِنْـدَ النِّـزَال، وَ تَفِـرُّونَ مِـنَ الْقِتَال، فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّه دَارَ أَنْبِيَائِه، وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِه، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاق، وَ سَمَلَ جِلْبَـابُ الـدِّين، وَ نَطَـقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقَلِّينَ، وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِـنْ مَغْـرَزِه هَاتِفاً بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِه مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغِرَّة فِيه مُلَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَـكُمْ فَوَجَـدَكُمْ خِفَافـاً، وَ أَحْمَشَـكُمْ فَأَلْفَـاكُمْ غِضَاباً، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَ أَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شِرْبِكُمْ، هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيـبٌ، وَ الْكَلْـمُ رَحِيـبٌ، وَ الْجُـرْحُ لَمَّـا يَنْـدَمِلْ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرْ، ابْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَة أَلا فِي الْفِتْنَة سَقَطُوا وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَـافِرِينَ، فَهَيْهَـاتَ مِـنْكُمْ! وَ كَيْفَ بِكُمْ؟! وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ؟ وَ كِتَابُ اللَّه بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَـاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِـرُهُ لَائِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَّفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَ رَغْبَةً عَنْهُ تُرِيدُونَ، أَمْ بِغَيْـرِه تَحْكُمُـونَ؟! بِـئْسَ لِلظَّـالِمِينَ

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

بَدَلًا، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلامِ ديناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخاسِرِينَ، ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتُهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادُهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَقْدَتَهَا، وَ تُهَيِّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهُتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَادِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تَشْرَبُونَ حَسْواً فِي ارْتِغَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِي الْخُمْرَةِ وَ الضَّرَّاءِ، وَ نَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى، وَ وَخْزِ السِّنَانِ فِي الْحَشَا، وَ أَنْتُمُ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَلَّا إِرْثَ لَنَا أَ فَحُكْمَ الْجاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْماً لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ أَ فَلَا تَعْلَمُونَ؟! بَلَى، تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنِّي ابْنَتُهُ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ، أَ أُغْلَبُ عَلَى إِرْثِيَهْ؟!. يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ، أَ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ أَبِي؟! لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً فَرِيًّا أَ فَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: وَ وَرِثَ سُلَيْمانُ داوُدَ «۱»؟! وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا (ع) إِذْ قَالَ: فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ «۲»، وَ قَالَ: وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلى بِبَعْضٍ فِي كِتابِ اللَّهِ «۳»، وَ قَالَ: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ «۴»، وَ قَالَ: إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّةُ لِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ «۵»، وَ زَعَمْتُمْ أَنْ لَا حُظْوَةَ لِي وَ لَا أَرِثَ مِنْ أَبِي وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَ فَخَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ أَبِي (ص) مِنْهَا؟! أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ الْمِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟!، أَ وَ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟! أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟! فَدُونَكُمَا مَخْطُومَةً مَرْحُولَةً تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعْمَ الْحَكَمُ اللَّهُ، وَ الزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ،، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدَمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذابٌ مُقِيمٌ قال و ما رأيت اكثر باكية و باك منه يومئذ ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ: يَا مَعَاشِرَ النَّقِيبَةِ. وَ يَا عِمَادَ الْمِلَّةِ وَ حِضْنَةَ الْإِسْلَامِ، مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي، وَ السِّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي، أَ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَبِي يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ، سَرْعَانَ مَا أَحْدَثْتُمْ، وَ عَجْلَانَ ذَا إِهَالَةً، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أُحَاوِلُ، وَ قُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَ أُزَاوِلُ، أَ تَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَخَطْبٌ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَ اسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ، وَ انْفَتَقَ رَتْقُهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَ كُسِفَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ انْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكْدَتِ الْآمَالُ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَ أُضِيعَ الْحَرِيمُ، وَ أُزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ، فَتِلْكَ وَ اللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى، وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَا مِثْلُهَا نَازِلَةٌ، وَ لَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَتِكُمْ مُمْسَاكُمْ وَ مُصْبَحِكُمْ، هُتَافاً وَ صُرَاخاً، وَ تِلَاوَةً وَ إِلْحَاناً، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَصْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ:

وَ ما مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ. «۱» إِيهاً بَنِي قَيْلَةَ! أَ أُهْضَمُ تُرَاثَ أَبِي وَ أَنْتُمْ بِمَرْأًى مِنِّي وَ مَسْمَعٍ، تَلْبَسُكُمُ الدَّعْوَةُ، وَ تَشْمَلُكُمُ الْخِبْرَةُ، وَ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ، وَ عِنْدَكُمُ السِّلَاحُ وَ الْجُنَّةُ، تُوَافِيكُمُ الدَّعْوَةُ فَلَا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمُ الصَّرْخَةُ فَلَا تُغِيثُونَ، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكِفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النُّخْبَةِ الَّتِي انْتَخَبْتُ، وَ الْخِيرَةُ الَّتِي اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

قَاتَلَكُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحَتْكُمُ الْأُمَمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبُهَمَ، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتَمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ ثَغْرَةُ الشِّرْكِ، وَ سَكَنَتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرْجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حُرْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ بُؤْساً لِقَوْمٍ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ أَلَا وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالدَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ، وَ دَسَعْتُمُ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ، فَ: إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ أَلَا وَ قَدْ قُلْتُ الذي قُلْتُ عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخَذْلَةِ الَّتِي خَامَرَتْكُمْ، وَ الْغَدْرَةِ الَّتِي اسْتَشْعَرَتْهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْغَيْظِ، وَ خَوَرُ الْقَنَاةِ، وَ بَثَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونَكُمُوهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبِرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةً بِغَضَبِ اللَّهِ مَوْصُولَةً ب: نارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. وَ أَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ فَ: اعْمَلُوا ... إِنَّا عامِلُونَ وَ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُثْمَانَ وَ قَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)! لَقَدْ كَانَ أَبُوكِ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفاً كَرِيماً، رَءُوفاً رَحِيماً، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَاباً أَلِيماً، وَ عِقَاباً عَظِيماً، إِنْ عَزَوْنَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكِ دُونَ النِّسَاءِ، وَ أَخَا إِلْفِكِ، دُونَ الْأَخِلَّاءِ آثَرَهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ، وَ سَاعَدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ، وَ لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ، فَأَنْتُمْ عِتْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الطَّيِّبُونَ، وَ الْخِيَرَةُ الْمُنْتَجَبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدِلَّتُنَا، وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خِيَرَةَ النِّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكِ، سَابِقَةٌ فِي وُفُورِ عَقْلِكِ، غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكِ، وَ لَا مَصْدُودَةٍ عَنْ صِدْقِكِ، وَ اللَّهِ مَا عَدَوْتُ رَأْيَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ إِنَّ الرَّائِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيداً أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَباً وَ لَا فِضَّةً وَ لَا دَاراً وَ لَا عَقَاراً وَ إِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النُّبُوَّةَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلِوَلِيِّ الْأَمْرِ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ، وَ قَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتِهِ فِي الْكُرَاعِ وَ السِّلَاحِ يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَ يُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَ يُجَالِدُونَ الْمَرَدَةَ الْفُجَّارَ، وَ ذَلِكَ بِإِجْمَاعٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفَرِدْ بِهِ وَحْدِي، وَ لَمْ أَسْتَبِدَّ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي هِيَ لَكِ وَ بَيْنَ يَدَيْكِ لَا نَزْوِي عَنْكِ وَ لَا نَدَّخِرُ دُونَكِ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَّةِ أَبِيكِ، وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكِ، لَا نَدْفَعُ مَا لَكِ مِنْ فَضْلِكِ، وَ لَا نُوضِعُ مِنْ فَرْعِكِ وَ أَصْلِكِ، حُكْمُكِ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَلِكِ أَبَاكِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؟!. فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِفاً وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفاً،

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

بَلْ كَانَ يَتْبَعُ أَثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَ فَتَجْمَعُونَ إِلَى الْغَدْرِ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ و البهتان، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بُغِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَماً عَدْلًا، وَ نَاطِقاً فَصْلًا، يَقُولُ: يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ «۱» وَ يَقُولُ وَ وَرِثَ سُلَيْمانُ داوُدَ «۲» فَبَيَّنَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا وُزِّعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ الْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذُّكْرَانِ وَ الْإِنَاثِ مَا أَزَاحَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ، وَ أَزَالَ التَّظَنِّيَ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا! بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعانُ عَلى ما تَصِفُونَ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَ صَدَقَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ ابْنَتُهُ، أَنْتِ مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أُبْعِدُ صَوَابَكِ، وَ لَا أُنْكِرُ خِطَابَكِ، هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكِ قَلَّدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدٍّ وَ لَا مُسْتَأْثِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ.

فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ النَّاسَ وَ قَالَتْ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ! الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ أَ فَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، مَا أَسَّأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأَوَّلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشَرْتُمْ، وَ شَرَّ مَا اغتصبتم، لَتَجِدُنَّ وَ اللَّهِ مَحْمِلَهُ ثَقِيلًا، وَ غِبَّهُ وَبِيلًا، إِذَا كُشِفَ لَكُمُ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ من الْبَاسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ عَطَفَتْ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَالَتْ:

قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَ هَنْبَثَةٌ ... لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثُرِ الْخَطْبُ

إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقْدَ الْأَرْضِ وَابِلَهَا ... وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَ لَا تَغِبْ.

وَ كُلُّ أَهْلٍ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ ... عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَدْنَيْنِ مُقْتَرِبُ

أَبْدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ ... لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ التُّرَبُ

تَجَهَّمَتْنَا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا ... لَمَّا فُقِدْتَ وَ كُلُّ الْأَرْضِ مُغْتَصَبُ

وَ كُنْتَ بَدْراً وَ نُوراً يُسْتَضَاءُ بِهِ ... عَلَيْكَ يَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا ... فَقَدْ فُقِدْتَ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبُ

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادَفَنَا ... لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُثُبُ

إِنَّا رُزِينَا بِمَا لَمْ يُرْزَ ذُو شَجَنٍ ... مِنَ الْبَرِيَّةِ لَا عُجْمٌ وَ لَا عَرَبُ

ثُمَّ انْكَفَأَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ- وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَوَقَّعُ رُجُوعَهَا إِلَيْهِ وَ يَتَطَلَّعُ طُلُوعَهَا عَلَيْهِ- فَلَمَّا اسْتَقَرَّتْ بِهَا الدَّارُ، قَالَتْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْكَ السَّلَامُ: اشْتَمَلْتَ شَمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدْتَ حُجْرَةَ الظَّنِينِ، نَقَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيشُ الْأَعْزَلِ، هَذَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَزُّنِي نَحْلَةَ أَبِي وَ بُلْغَةَ ابْنَيَّ، لَقَدْ أَجْهَدَ فِي خِصَامِي، وَ أَلْفَيْتُهُ أَلَدَّ فِي كَلَامِي، حَتَّى حَبَسَتْنِي قَيْلَةُ نَصْرَهَا، وَ الْمُهَاجِرَةُ وَصْلَهَا، وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاظِمَةً، وَ عُدْتُ رَاغِمَةً، أَضْرَعْتَ خَدَّكَ يَوْمَ أَضَعْتَ حَدَّكَ، افْتَرَسَتِ الذِّئَابُ وَ افْتَرَشْتَ التُّرَابَ، مَا كَفَفْتَ قَائِلًا، وَ لَا أَغْنَيْتَ طَائِلًا، وَ لَا خِيَارَ لِي، لَيْتَنِي متُّ قَبْلَ هَنِيئَتِي وَ دُونَ ذِلَّتِي، عَذِيرِيَ اللَّهُ مِنْكَ عَادِياً، وَ مِنْكَ حَامِياً، وَيْلَايَ! فِي كُلِّ شَارِقٍ وَيلاي فِي كُلِّ غَارِبٍ مَاتَ الْعَمَدُ، وَ وَهَنَ الْعَضُدُ، شَكْوَايَ إِلَى أَبِي، وَ عَدْوَايَ إِلَى رَبِّي، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلًا وَ أَشَدُّ بَأْساً وَ تَنْكِيلًا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَيْلَ لَكِ بَلْ الْوَيْلُ لِشَانِئِكِ، نَهْنِهِي عَنْ وَجْدِكِ يَا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ، وَ بَقِيَّةَ النُّبُوَّةِ، فَمَا وَنَيْتُ عَنْ دِينِي، وَ لَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي، فَإِنْ كُنْتِ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ، فَرِزْقُكِ مَضْمُونٌ، وَ كَفِيلُكِ مَأْمُونٌ، وَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكِ أَفْضَلَ مِمَّا قُطِعَ عَنْكِ، فَاحْتَسِبِي اللَّهَ.

فَقَالَتْ: حَسْبِيَ اللَّهُ .. وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ أَمْسَكَتْ.

ترجمه خطبه: عبد اللّه بن الحسن مثنّى به اسناد خود از پدران گرامش- درود خداوند بر آنان باد- نقل مى‌كند:

ابو بكر عزم خود را بر گرفتن فدک از فاطمه زهرا عليها السّلام جزم كرد. (۱) چون خبر به سمع و نظر حضرت رسيد، سرپوش بر سر افكند و خود را در چادرى پيچيده با گروهى از زنان به جانب مسجد به راه افتاد. حضرت خود را سخت مستور داشته بود و همچون پيامبر خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم بدون هيچ كاستى قدم برمى‌داشت، تا اينكه بر ابو بكر وارد شد. ابو بكر در مسجد نشسته بود و گروهى از مهاجرين و انصار بر گردش جمع شده بودند. براى دور ماندن حضرت از نگاه نامحرمان پرده‌اى در مسجد آويخته شد و فاطمه عليها السّلام در پس آن قرار گرفتند.

در ابتدا فاطمه زهرا عليها السّلام صداى خود را به ناله‌اى دلخراش بلند كرد، مسجد لرزيد و حاضران به گريه افتادند. سپس لختى سكوت كرد تا مجلس از جنب و جوش خود باز ايستاد.

فريادها و همهمه‌ها چون به سكوت گراييد، كلام خود را با سپاس و ستايش از خداوند و درود بر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم آغاز نمود. بار ديگر ناله‌ها به اوج خود رسيد. با برقرارى آرامش مجدد، (۲) فاطمه عليها السّلام اين گونه ادامه داد:

خداوند را بر آنچه ارزانى داشت، سپاسگزار و بر انديشه نيكو كه در دل نهاد، شاكر و بر نعمتهاى فراگيرش ثنا مى‌گويم. نعمت‌هايى كه از چشمه لطفش جوشيد و عطاهاى فراوانى كه بخشيد و احسانى كه پياپى پراكند. نعمت‌هايى كه از شمار بيرون است و شكر و جبران (نعمتها) از توان افزون، و درک نهايتش نه در حد انديشه ناموزون. بندگان را براى فزونى نعمتها و استمرار عطايا به شكر خويش فراخوانده براى تكميل به ستايش آن متوجه نموده آنان را براى نعمتها دو چندان تشويق فرموده است. (۱) گواهى مى‌دهم كه معبودى جز او نيست و يكتايى است بى‌انباز و شريک.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

روح این گواهی، دوستی بی‌آلایش و خلوص است، که دلهای مشتاقان با آن درآمیخته آثارش در افکار پرتو افکن شده است. خدایی که دیدگان را توانایی دیدن، زبان را یارای بیان، و گمانها را قدرت بر ادراک او نیست. همه چیز را از نیستی به هستی در آورد، و آنان را بدون وجود الگو و نمونه‌ای ایجاد نمود. باید قدرت خود همه را بالندگی داد و با اراده‌اش به خلق موجودات دست یازید، بی‌آنکه به آفرینش آنها نیازمند باشد و از این صورتگری طرفی ببندد. او می‌خواست حکمتش را آشکار سازد و مردم را به فرمانبرداریش هشیار کند و بندگان را به عبودیتش رهنمون گرداند و برای دعوتش موجب سرافرازی باشد پس آنگاه پاداش را در اطاعت و کیفر را در نافرمانی نهاد تا بندگان را از خشم و عذاب خود رهانیده به سوی بهشت و کانون رحمتش سوق دهد.

گواهی می‌دهم که پدرم، محمّد، بنده و فرستاده اوست. او را برگزید و انتخاب کرد قبل از آنکه به سوی مردم برای هدایت آنان بفرستد و پیش از انتخاب کردن، نامی نیکو بر او نهاد و قبل از آنکه او را به پیامبری برانگیزاند، از میان مردم انتخاب کرد و برگزید و این در آن هنگام بود که بندگان در حجاب غیب مستور، در پس پرده نیستی و در پهنه بیابان عدم، سرگردان بودند. پروردگار بزرگ بر پایان هر کار دانا و بر دگرگونیها محیط و به انجام هر چیز بینا بود. (۲) محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را برانگیخت تا فرمانش را کامل، حکمش را نافذ و آنچه را مقدّر ساخته بود، به انجام رساند. پیامبر مشاهده نمود که هر گروه آیینی را پذیرا گشته‌اند. دسته‌ای بر گرد آتش در طواف، گروهی در برابر بت به نماز، و همگان یاد خدایی را که می‌شناسند، از خاطر زدوده‌اند. پس خداوند به نور محمّد بساط ظلمت را برچید، و دلها را از تیرگی کفر رهانید، و ابرهای تیره و تار را از مقابل دیدگان به یک سو فکند. او (پیامبر خدا) برای هدایت مردم به پای خاست و آنها را از گمراهی و ناراستی رهایی بخشید و چشمانشان را بینا ساخت. آنان را به آیین پا بر جای اسلام رهنمون و به راه راست دعوت نمود. سپس از روی اختیار و مهربانی، و میل و ایثار، جوار رحمت خود را به او ارزانی داشت، و او را از رنج این جهان دل آسوده و راحت نمود و فرشتگانی مقرّب بر او گماشت. چتر دولتش را در همسایگی خود افراشت و طومار مغفرت و رضوان را به نام او نگاشت. درود و برکات بی‌پایان خداوندی بر محمّد پیام‌آور رحمت، امین وحی و رسالت و برگزیده امّت باد. (۱) سپس فاطمه علیها السّلام نگاهی به اهل مجلس افکند و این چنین به سخنان خود ادامه داد:

شما بندگان خدا، نگاهبانان حلال و حرام، حاملان دین و احکام، امینان خداوند بر خویش و پیام آوران او به سوی امّتها هستید. حقّی از سوی خداوند بر عهده دارید و پیمانی را که با او بسته‌اید، پذیرفته‌اید. و آنچه که پیامبر خدا پس از خود در میان شما باقی گذارده، کتاب گویای خداوند و قرآن صادق می‌باشد که نور او فروزان و شعاع او درخشان است.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

قرآن کتابی است که دلایلش روشن، لطایف و دقایقش آشکار، ظواهرش نورانی، پیروانش پر افتخارند و جهانیان بدیشان غبطه خورند و حسد برند. کتابی که پیرویش راهگشای روضه رحمت الهی است و شنونده‌اش رستگار در دو سرا. در پرتوی آن، دلیلهای روشن الهی را می‌توان دید و نیز تفسیر احکام و واجبات او را دریافت. قرآن حرامهای خداوندی را بازدارنده، حلالهای او را رخصت دهنده و مستحبّات را نمایانیده است و بیانگر شریعت اسلام می‌باشد. (۲) خداوند ایمان را سبب زدودن زنگار شرک از دلهاتان قرار داد و نماز را موجبی برای دوری شما از خودپرستی، و زکات را دستمایه بی‌آلایشی نفس و افزایش روزی بی‌دریغ و روزه را عامل تثبیت دوستی و اخلاص و حج را وسیله تقویت دین، و عدالت را مایه پیوند قلوب، و پیروی ما را سبب نظم و پیشوایی ما را مانع جدایی و افتراق، جهاد را وسیله عزّت شما و خواری و ذلّت کفار و منافقین، و شکیبایی و صبر را موجبی برای جلب پاداش، فرمان به حلال و نهی از حرام را برای مصلحت مردم، و نیکی به پدر و مادر را موجب پیشگیری از خشم الهی قرار داد. صله رحم را باعث افزایش جمعیت، قصاص را سبب بقای زندگانی، وفای به نذر را موجب آمرزش و تمام پرداختن پیمانه و وزن را مانع از کم فروشی و کاهش (نعمات) قرار داد. بر کنار بودن از می‌خوارگی را سبب پاکی از پلیدیها و پرهیز از تهمت و نسبتهای ناروا را مانعی در برابر لعن و نفرین الهی و منع از دزدی را موجبی برای پوییدن راه عفت ساخت و پاکی و اجتناب از خوردن مال یتیمان و خودداری از اختصاص غنیمت به خود و تقسیم آن در میان اصحاب استحقاق را باعث در امان ماندن از ظلم، و عدالت پیشگی در اجرای احکام را موجب راحتی و آرامش و ملایمت در امور مردم قرار داد. (۱) شرک را حرام نمود تا از سر اخلاص ره رستگاری پویند «پس چنان که شایسته ترس از خداست از او بترسید و تن به مرگ مدهید جز آنکه در طریق اسلام باشید» از خداوند در آنچه که شما را فرموده و یا از آنچه که بازداشته، فرمان برید که «از میان بندگان تنها دانایان از خداوند می‌ترسند».

سپس فرمود: ای مردم بدانید من فاطمه‌ام، و پدرم محمّد است– که صلوات و درود خداوند بر او و خاندانش باد– آنچه که در آغاز گفته‌ام، در پایان هم از آن سخن خواهم راند. در گفتارم ناراست نگویم و در کردارم راه خطا نپویم «همانا پیامبری از میان شما به سوی شما آمد که رنج و محنت شما او را گران آمد، سخت به شما دل بسته است و برای مؤمنین مهربان و غمخوار است». اگر او را بشناسید خواهید دید که او پدر من است و نه پدر زنان شما. و برادر پسر عموی من بوده، نه برادر مردان شما. چه پر افتخار است این نسب– درود خداوند او و خاندانش را شامل باد. (۲) او رسالت خود را به مردم ابلاغ و آنان را از عذاب خداوندی بر حذر داشت. از روش مشرکان روی گرداند و گردنهایشان را به ضرب تازیانه توحید کوفت و حلقومشان را به سختی فشرد. او مردم را با دلیل و برهان و اندرز سودمند به راه خداوند رهنمون بود. شوکت بت و بت پرستان را در هم شکست تا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

جمع آنها از هم گسیخت و ظلمت شب تار زدوده شد و صبح ایمان دمید و برقع و نقاب از چهره حقیقت به یک سو فکند. زبان پیشوای دین به گفتار باز شد و عربده‌جوییهای شیاطین به خاموشی گرایید. افسر و تاج نفاق بر زمین فرو افتاد، گره‌های کفر و اختلاف گشوده شد و شما به همراه گروهی از سپید رویان پاک نهاد (پارسایان آبرومندی که از شدت خویشتن‌داری و گرسنگی روزه سپید روی و رنگ پریده بودند) گویای کلمه اخلاص (لا اله الّا اللّه) شدید و حال آنکه بر لب پرتگاه گودال جهنّم بودید.

به خاطر ضعف و ناتوانی شما، هر کس از راه می‌رسید، می‌توانست شما را نابود کند، (۱) همچون جرعه‌ای برای تشنه و لقمه‌ای برای خورنده و شکار هر درنده و لگدکوب هر رونده و پایمال هر رهگذری می‌شدید. از آب گندیده و ناگوار می‌نوشیدید و از پوست جانور و مردار سدّ جوع می‌کردید. پست و ناچیز بودید و «از هجوم همسایه و همجوار در هراس». در چنین حالی خداوند تبارک و تعالی محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پیام‌آور خود را به سوی شما گسیل داشت.

او پس از آن همه رنجها که دید و سختی‌ها که کشید، شما را از ذلت و خواری رهایی بخشید. رزم آوران ماجراجو، سرکشان درّنده‌خو، جهودان دین به دنیا فروش و ترسایان دور از حق از هر سو به او تاختند و با او به مخالفت برخاستند. «چون هر زمان آتش اخگر به هیزم و هیمه فتنه افکندند، خداوند آن را خاموش ساخت» و هر گاه شاخ شیطان نمایان می‌گشت و یا مشرکی دهان به یاوه‌گویی می‌گشود، او برادرش علی علیه السّلام را در کام آن می‌افکند. علی علیه السّلام هم در مقابل تا آن زمان که بر مغز و سر مخالفان نمی‌کوبید و بینی آنها را به خاک مذلّت نمی‌مالید، ترک امر نمی‌نمود. او در راه خداوند کوشا، به رسول خدا نزدیک، و مهتر اولیای نصیحتگر، تلاشگر و کوشنده بود، و شما در آن هنگام در آسایش می‌زیستید و از امنیت برخوردار بودید. مترصّد تغییر جهت چرخ گردون علیه ما و گوش به زنگ اخبار بودید. به هنگام کارزار عقب گرد می‌کردید و در میدان نبرد فرار را بر قرار ترجیح می‌دادید.

چون خداوند سرای پیمبرانش را برای پیامبر خود برگزید و جایگاه برگزیدگانش را منزلگاه او ساخت، کینه‌ها و دورویی‌ها آشکار و پرده دین دریده شد. هر گمراهی مدّعی و هر گمنامی سالار و هر یاوه‌گویی در پی گرمی بازار خویش، شیطان سر از کمینگاه خود به درآورد و شما را به سوی خود فراخواند، و بسیاری از شما را آماده پذیرفتن دعوتش و منتظر فریبش یافت! شما هم سبکبار در پی او دویدید و به آسانی در دام فریبش خزیدید. و او آتش انتقام را در دلهاتان برافروخت. آثار خشم در چهره شما نمایان گردید و سبب شد که بر غیر شتر خود داغ نهید و در غیر آبشخور خود وارد شوید. (۱) این در حالی بود که هنوز دو روزی از مرگ پیامبرتان نگذشته، سوز سینه ما خاموش نشده، جراحت قلب ما التیام نیافته، و هنوز پیامبر خدا در دل خاک جای نگرفته

بود. بهانه شما این بود که از بروز فتنه‌ها جلوگیری می‌کنید «راهی جز راه حق می‌پویید» و گر نه کتاب خدا در میان شماست! مطالب و موضوعاتش معلوم و احکام و دلایل آن روشن و درخشان، نشانه‌هایش نورانی و هویدا، نواهیش آشکار و اوامرش گویاست. امّا شما آن را به پشت سرافکندید. آیا از کتاب خدا روی برتافته از آن اعراض می‌کنید؟ آیا داوری جز قرآن می‌گیرید؟ یا به غیر آن حکم می‌کنید؟ «ستمکاران بد جانشینی را برای قرآن برگزیده‌اند» «و هر کسی کیشی جز آیین اسلام را پذیرا گردد، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت در زمره زیانکاران خواهد بود».

حتی شما آن مقدار درنگ و تأمل نکردید تا ستور و اسب سرکش خلافت رام گردد و تسلیمتان شود که به راحتی بتوانید از آن سواری بگیرید و کینه و نفرتتان فروکش کند. هیزم در آتش فتنه افکنده آن را برای شعله‌ور شدن برهم زدید. ندای شیطان فریبکار را لبّیک گفتید و به خاموش ساختن آیین حق و دین نورانی و از میان برداشتن سنّت پیامبر برگزیده کمر بستید. چنین ماند که زدودن کف از روی شیر را بهانه کرده آن را پنهانی تا به آخر سر کشیدید. برای گوشه‌نشین کردن خاندان و فرزندان پیامبر در کمینگاه خزیدید. ما چاره‌ای جز شکیبایی ندیدیم، و همچون خنجر به گلو فرو رفته و تیغ برّان بر دل نشسته سکوت نمودیم.

شما می‌پندارید که ما ارثی نداریم؟ «مگر رسم جاهلیت را می‌جویید؟ برای مردم دارای یقین چه حکمی از حکم خداوند بهتر است؟» آیا آگاه نیستید؟ چرا، آگاهید و همچون آفتاب درخشان برای شما روشن است که من دختر آن پیامبر هستم. شما ای مسلمانان! آیا رواست که میراث پدرم به زور از من ستانده شود؟

آه! دردا! ای گروه مهاجر! چقدر عجیب و در عین حال سخیف است که ارث پدرم مورد دستبرد و تجاوز قرار گیرد و من از آن محروم بمانم؟ (۲) ای فرزند ابو قحافه! خداوند گفته که تو از پدرت ارث بری و من از پدرم ارث نبرم؟ «چه سخن ناروایی!» آیا از سر عناد و لجاج کتاب خدا را ترک و به پشت سر افکنده‌ای؟ در حالی که او می‌فرماید: «سلیمان از پدرش داود ارث برد.» و یا آنجا که داستان یحیی فرزند زکریا- که درود خداوندی شاملشان باد- را بازگو می‌کند، می‌فرماید: «مرا از جانب خود فرزندی عطا کن که وارث من و خاندان یعقوب باشد» و نیز می‌فرماید: «هر گاه یکی از شما را مرگ فرا رسد و مالی بر جای نهد در باره پدر و مادر و خویشان به دیده انصاف سفارش کند که این شایسته پرهیزگاران است». (۱) شما به خیال باطل خود چنین پنداشتید که من هیچ بهره و ارثی از پدر ندارم؟ و هیچ خویشاوندی و قرابتی میان ما وجود ندارد؟ آیا خداوند آیه‌ای در خصوص شما فرو فرستاده که پدرم از آن خارج است؟ یا بر این رأی و نظرید که و من و پدرم هر یک به آیینی جدا سر نهاده‌ایم؟ یا اینکه دعوی آن دارید که از پدرم و پسر عمویم به خاص و عام قرآن آگاهتر هستید؟

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حال که چنین است بگیر آن شتری را که آماده است و مهار زده و بر آن سوار شو! لیکن بدان در روز برپایی رستاخیز تو را دیدار می‌کند و بازخواستت می‌نماید و آن روز چه روزیست! در آن ساعت «گمراهان زیان خواهند دید» اما چه سود که پشیمانی فایده‌ای نخواهد داشت.

«که برای هر خبر زمانی معیّن است و به زودی خواهد دانست که چه کسی به عذابی که خوارش می‌سازد، گرفتار می‌آید و یا عذاب جاوید بر سر او فرود می‌آید».

سپس حضرت فاطمه علیها السّلام گروه انصار را مخاطب قرار داده فرمودند: ای جوانان و ای بازوان توانمند ملت و یاران اسلام، این سهل‌انگاری شما در ستاندن حقّ من از چیست؟ این چه سستی است که در برابر ستمی که بر من شده، روا می‌دارید؟ آیا پدرم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نمی‌فرمود: «بزرگداشت مرد را در باره فرزندان هم باید پاس داشت»؟ چه زود اوضاع را واژگون نمودید و به بیراهه گام نهادید، با اینکه توانایی بر احقاق حقوق مرا در بازو و عدّه کافی در اختیار دارید. (۲) آیا می‌گویید که محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از دنیا رفت و با رفتن او همه چیز تمام شد؟ آری مرگ او ضربه هولناکی بر پیکره اسلام بود، فاجعه بزرگی است که بر همه غبار غم فرو ریخت که شکافش هر روز فراختر و گسستگیش دامنه‌دارتر و وسعتش فزونتر می‌گردد. زمین از نبود او تاریک و ظلمانی و در مصیبت حضرتش بهترین بندگان او محزون و اندوهگین شدند و خورشید و ماه پشت ابرهای تیره و تار پنهان، و به خاطر این مصیبت ستارگان از هم جدا و پراکنده شدند. امیدها ناامید، کوهها متزلزل، حریم افراد شکسته، و گرامیداشت و حرمتها پایمال شد. به خداوند سوگند مرگ او حادثه‌ای بزرگ، مصیبتی دهشتناک و ضایعه‌ای جبران ناپذیر بود که هیچ بلیّه‌ای بدان پایه نمی‌رسد. اما به یاد داشته باشید که قرآن از پیش این واقعه را گوشزد نموده بود. همان کتابی که پیوسته در خانه‌های شماست و صبح و شامگاه با صدای بلند و زمانی آهسته و با الحان مختلف به تلاوت آن می‌پردازید. در این مسیر انبیای پیشین هم واقع شدند چرا که مرگ فرمان تخلف ناپذیر الهی است: «جز این نیست که محمّد پیامبری است که پیش از او پیامبران دیگری هم بوده‌اند، اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به آیین پیشین خود بازمی‌گردید؟ بازگشت هر کس زیانی را متوجّه ذات حق نخواهد کرد. و خداوند سپاسگزاران را پاداش خواهد داد». (۱) هیهات! پسران قیله (ای قبیله‌های اوس و خزرج) پیش چشمان شما میراث پدرم را ببرند! حرمتم بشکنند! در حالی که شما آشکارا می‌بینید و می‌شنوید و اخبارش به شما می‌رسد. اما شما بیهوش و خاموش نشسته‌اید؟ در حالی که سرباز و نیروی بسیار دارید. ساز و برگ فراوان دارید و سلاح و سپر بی‌شمار. دعوتم را می‌شنوید و پاسخ نمی‌گویید! فریاد من در میان شما طنین افکن است اما چه سود که به فریاد نمی‌رسید! در حالی که شما در

شجاعت زبانزد خاص و عام، در خیر و صلاح شهره آفاق، و برگزیدگان قبایل و اقوامید. و نزد ما اهل بیت از بهترین مردمان محسوب می‌شدید.

با عرب درگیر شده، رنج و محنت فراوان تحمل کردید. شاخهای گردنکشان را شکستید و با جنگجویان قدر دست و پنجه نرم نمودید. شما بودید که پیوسته در راه ما، و سر به فرمان ما داشتید، تا اینکه آسیای اسلام بر محور وجود ما به گردش در آمد و شیر مادر روزگار رو به فزونی نهاد. نعره مشرکان گلوگیرشان شد، لهیب دروغ فروکش کرد، آتش کفر بی‌فروغ شد، فراخوانی به جدایی و تفرقه بازایستاد، و دین نظام یافت. اکنون پس از آن همه زبان‌آوری چرا دم فرو بستید؟ و حقایق را پس از آشکار شدن مکتوم می‌دارید؟ آنهم برابر مردمی که پیمان خود را شکستند؟ و پس از قبول ایمان راه شرک پیشه کردند «آیا با مردمی که سوگند خود را شکستند و آهنگ اخراج رسول کردند و بر ضد شما دشمنی آغاز کردند نمی‌جنگید؟ آیا از آنها می‌ترسید؟ و حال آنکه اگر ایمان آورده باشید سزاوارتر است که از خداوند بترسید و بس». (۱) اما می‌بینم که به تن‌آسایی خو گرفته‌اید، و کسی را که از همه برای زعامت و اداره امور مسلمانان شایسته‌تر است دور ساخته‌اید، و به آسودن در گوشه‌ای دنج و خلوت تن داده‌اید، و از فشار و تنگنای مسئولیت به بی‌تفاوتی روی آورده‌اید. آری آنچه از ایمان و آگاهی در درون داشتید، بیرون افکندید، و آب گوارایی که نوشیده بودید، به سختی از گلو برآوردید.

«اگر شما و همه روی زمین کافر گردند خداوند بی‌نیاز و در خور ستایش است».

من آنچه شرط بلاغ است، با شما گفتم. اما می‌دانم مردمی خوار، و در چنگال زبونی گرفتار، و خیانت پیشه هستید و قلبهای شما بدان گواه است. چه کنم که دلی پر خون دارم. و از این رو بازداشتن زبان شکایت از طاقتم بیرون است! اندوهی که در سینه‌ام موج می‌زند، بیرون ریختم، تا با شما اتمام حجت کنم و عذری برای کسی باقی نماند. اکنون که چنین است این مرکب خلافت ارزانی شما، به آن محکم درآویزید و هرگز رهایش مسازید. ولی آگاه باشید که پشت این شتر مجروح و پای آن تاول زده و سوراخ است. داغ ننگ بر خود دارد و نشانی از خشم خداوند و رسوایی ابدی با او همراه است. اما شما را آسوده نخواهد گذارد تا به آتش خشم خداوندی بیازارد «آتشی که هر دم می‌افزود و دل و جان را می‌سوزد». آنچه می‌کنید در نزد خداوند حاضر است «و ستمکاران به زودی درمی‌یابند که به چه مکانی بازمی‌گردند» من دختر پیامبری هستم که شما را از عذاب الهی بر حذر می‌داشت. آنچه در توان دارید انجام دهید. «ما نیز به وظیفه خود عمل می‌کنیم. شما انتظار بکشید ما نیز منتظر می‌مانیم».

پس از سخنان فاطمه علیها السّلام ابو بکر عبد اللّه بن عثمان در آن جمع پاسخ دختر پیامبر را چنین داد: (۲) ای دختر پیامبر خدا! پدرت غمخوار مؤمنین بود و بر آنان چون دایه‌ای مهربان، و دشمن کافران بود و نشانی از قهر

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

یزدان. اگر نسبت به او دقیق گردیم می‌یابیم که او پدر توست، و نه پدر دیگر زنان، برادر پسر عموی توست نه دیگر مردان، در دیده پیامبر، او (علی) از همه خویشان برتر و در کارهای بزرگ او را یاور. جز سعادتمند شما را دوست نمی‌دارد و جز بدکار شما را دشمن نمی‌دارد، چرا که شما خاندان پاک رسولید و برگزیده خوشنامان جهان. شما ما را به خیر و صلاح راهبر و به سوی جنّت و رضوان راهنما بودید. (۱) و تو، ای برگزیده بانوان ای دختر بهترین فرستادگان! در گفتارت راستگو و در وفور عقلت پیشگام هستی، هرگز از حقّت بر کنار نخواهی بود و در راستی گفتارت شک نخواهیم نمود.

امّا به خداوند سوگند که من گامی فراتر از آنچه که رسول خدا فرمود، ننهادم و جز به رخصتی که او فرموده بود، اقدام نکردم. بدان که راهبر قبیله به خیل و خویشان خود از سر دروغ چیزی نمی‌گوید. من خداوند را به شهادت می‌طلبم، که خداوند بر این گواهی مرا کفایت می‌کند. من از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «ما پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، بلکه آنچه بر جای می‌نهیم، کتاب و حکمت و دانش و نبوّت است و آنچه طعمه، و وسیله ارتزاق داریم بر دوش ولیّ امر بعد از ما می‌باشد، که هر گونه بخواهد در باره‌اش حکم می‌کند».

و ما آنچه را که تو در طلب آن هستی، در مصرف خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن به میدان کارزار رفته به جهاد با کفّار برخیزند و بر سرکشان بدکار پیروز شوند.

من این کار را به اتّفاق تمامی مسلمانان به انجام رساندم و در این کار یک تنه وارد نگردیدم و بر رأی و نظر خود مستبدّانه عمل ننمودم. اینک این حال من و این مال من، برای تو و در اختیار تو. نه از تو دریغ داشته و نه برای دیگری انباشته‌ام. تو بانوی امّت پدر خود و درخت بارور و پاک، برای فرزندان خود هستی. انکار فضایلی که خاصّه توست، نخواهد شد و از شاخه و ساقه تو فروگذار نتوان نمود. حکم تو در آنچه که من آن را مالکم، نافذ است. امّا تو خود روا می‌داری در این باب خلاف گفتار پدرت عمل نمایم؟ (۲) حضرت علیها السّلام در پاسخ او فرمود:

هرگز پیامبر خدا از کتاب الهی رویگردان نبود و نسبت به احکام آن مخالف نبود و مخالف احکامش حکمی نمی‌فرمود، بلکه پیوسته، او پیرو قرآن بود و در طریق سوره‌های قرآن راه می‌پیمود. آیا در سر دارید مکر و غدر را به زور پیرایه او کنید؟ مشی شما پس از رحلت او همچون دامهایی است که در زمان حیات برای هلاکتش گسترده می‌شد. این کتاب خداست که میان من و شما به دیده انصاف حکم خواهد نمود، چرا که مبیّن حق و باطل است. این کتاب می‌گوید: «... که وارث من و خاندان یعقوب باشد» و «سلیمان از پدرش داود ارث برد»، (می‌بینید که) خداوند در آنچه که مربوط به سهمیه وارث است، بیانی روشن دارد، و در باب واجبات و میراث و

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

آن بهره‌هایی که از برای مردان و زنان مقرّر فرموده، به تفصیل سخن رانده است، و جای بهانه‌گیری برای پیروان باطل ننهاده و گمان و شبهه را از ذهن گمراهان زدوده است. پس این چنین نیست که شما می‌گویید «بلکه نفس شما کاری را در انظارتان آراسته است. اکنون برای من صبر جمیل بهتر است و خداوند را در این باره باید به مدد طلبید». (۱) ابو بکر پاسخ داد:

خداوند راست گفته و فرستاده او راستگو بود و دختر پیامبرش هم نیز گفتاری از سر صدق دارد. تو گنج حکمت، قلب هدایت و رحمت، و ستون دین هستی. سخن حق تو را دور از حقیقت نمی‌دانم و در مقام انکار و عیب‌جویی از آن برنمی‌آیم. اینک، این مسلمانان حکم میان من و تو. این مسئولیتی که به گردن گرفته‌ام، آنان به گردنم انداخته‌اند و آنچه را که تصرّف کرده‌ام، به اتّفاق ایشان بوده است. نه اظهار کبر و بزرگی می‌نمایم و نه بر رأی خویش پای می‌فشارم و نه آنچه را که به تصرّف درآورده‌ام، از برای خود برداشته‌ام، که اینان شاهد صدق ادعایم هستند.

پس از اتمام سخن ابو بکر، حضرت فاطمه علیها السّلام نگاهی به مردم افکنده چنین فرمودند:

ای مردم! که برای شنیدن سخن بیهوده در شتاب هستید، و کردار زشت و زیانبار را نادیده می‌گیرید. «آیا در قرآن نمی‌اندیشند (نمی‌اندیشید) یا بر دلهایشان (دلهایتان) قفل است؟» خیر، بلکه این کردار زشت شماست که بر صفحه دلهایتان تیرگی کشیده، گوشها و چشمهایتان را فرا گرفته است. شما مآل اندیشی کردید و آیات قرآن را تأویل نمودید و به بد راهی رهنمون شدید و بد معارضه کردید به خداوند سوگند تحمّل این بار برایتان سنگین و سرانجامی مالامال از وزر و وبال در پیش دارید. آنگاه که پرده‌ها به کناری رود، خسران این امر برای شما آشکار می‌گردد. «و از خداوند بر ایشان چیزهایی آشکار شود که هرگز حسابش را نمی‌کردند» «و آنجا آنان که بر باطل بوده‌اند، زیان خواهند دید.» (۱) سپس به قبر پدر نگریسته فرمودند:

قد کان بعدک أنباء و هنبثه* لو کنت شاهدها لم تکثر الخطب ...

۱) رفتی و پس از تو فتنه‌ها برخاست، که اگر تو می‌بودی آنچنان بزرگ رخ نمی‌نمودند.

۲) همچون زمینی از باران گرفته شده، ما تو را از کف دادیم. (قوم و ملت تو از هم پاشیدند) و ارزشها در قومت به هم ریخت. بیا و ببین که چگونه از راه مستقیم منحرف شده‌اند.

۳) هر خاندانی اگر در نزد خداوند قرب و منزلتی داشت نزد بیگانگان هم محترم بود، جز خاندان ما.

۴) تا از این سرا به دیگر سرای رخت بر بستی و خاک میان ما و تو جدایی افکند، مردانی از قومت راز دل خود را بر ملا ساختند.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

۵) چون فقدان تو را مشاهده کردند بر ما یورش آورده خفیفمان داشتند و هر چه از تو ارث برده بودیم، غصب شد.

۶) پدر، تو ماه شب چهارده و چراغ فروزان زندگانی ما بودی، که از جانب خداوند بر تو کتبی چند فرود می‌آمد.

۷) جبرئیل با آیاتی از قرآن همدم و مونس ما بود. امّا تو رفتی و خیرها از ما پوشیده شد.

۸) ای کاش پیش از آنکه تو از میان ما رخت بربندی و خاک تو را در درون خود پنهان نماید، ما مرده بودیم.

۹) به راستی ما بلا دیدگان در دام مصیبتی گرفتار آمدیم که هیچ مصیبت زده‌ای در عرب و عجم بدان مبتلا نگردیده بود. (۲) در حالی که امیر المؤمنین علیه السّلام به انتظار نشسته بود و برای بازگشت فاطمه علیها السّلام لحظه شماری می‌کرد، بانوی بانوان علیها السّلام به خانه مراجعت نمود و با مشاهده امیر مؤمنان علیه السّلام چنین فرمود: ای پسر ابو طالب! آیا همچون جنین پرده‌نشین شده‌ای و چون مظنونین، در گوشه خانه نشسته‌ای؟ (تو همانی که) شاه‌پرهای شاهین را شکستی، حال چه شد که دستخوش پرهای کوچک‌شده‌ای؟ پسر ابو قحافه عطیّه پدر را از من و نان خورش از دو فرزندم سلب کرد.

آشکارا به دشمنی من برخاست و از لجاج و عناد خود روی برنتافت. چندان که انصار از من بریدند و مهاجرین دیده از حمایت من پوشیدند. مردم نیز از یاوریم فروگذار کردند.

در دفع ترکتازی از او نه یاوری دارم و نه مددکاری. خشم فرو خورده، از خانه بیرون شدم و خوار بازگشتم. آن روز که منزلت خویش را نادیده گرفتی، همان روز خود را در مضیق ذلّت افکندی و چهره فروتنی و خواری بر خاک ساییدی. تو شیری بودی که گرگها را در هم شکستی، در حالی که امروز در به روی خود بسته‌ای. آیا نمی‌توانی گوینده‌ای را از گفتار بیهوده‌اش بازداری، و یا با ابطال باطل نفع و فایده‌ای به من عاید گردانی؟ چرا که قدرت حمایت از خود ندارم. ای کاش پیش از این خواری مرده بودم. اگر سخن به تندی گفتم و یا از یاری نکردنت بر آشفتم خداوند را پوزش می‌طلبم. وای بر من! هر بامدادی که خورشید سر از بام خاور برمی‌دارد و به هنگام غروب خورشید، این کلام در وجودم طنین‌انداز است که پناه من از دنیا رفت و بازویم ناتوان گردید. چه کنم جز آنکه شکایت به نزد پدر برم و رعایت و یاری از حق طلبم؟ بار الها نیرویت از همه کس فزونتر و عذاب تو از حوصله بیرون است، تو خود داد من بستان! امیر مؤمنان، علی علیه السّلام فرمود: ای دختر برگزیده عالمیان! و یادگار بهترین پیمبران! افسوس برای تو نیست بلکه برای دشمن توست. غم مخور (آه و ناله کردن تو را به حقّ خود نمی‌رساند بلکه دشمن تو را شادمان نیز خواهد کرد).

من از سستی گوشه‌نشین نشدم، بلکه آنچه در توانم بود، به کار بستم. اگر نان خورش می‌خواهی روزی تو نزد خداوند محفوظ است و او خود عهده‌دار آن می‌باشد، آرام گیر و آنان را به خداوند واگذار.

فاطمه علیها السّلام فرمود: آنها را به خداوند وانهادم.

باب هشتم تظلّم خواهی حضرت فاطمه علیها السّلام در روز قیامت و کیفیت حشر آن حضرت

تعداد روایات: ۱۳ روایت

[متن عربی] ۳۶۱/ ۱- الأمالی للصدوق «۱» الطَّالَقَانِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَرِیرٍ الطَّبَرِیِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عَلِیٍّ السُّدِّیِّ عَنْ مَنِیعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عِیسَی بْنِ مُوسَی عَنْ جَعْفَرٍ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ ع قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِیَّ یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ تُقْبِلُ ابْنَتِی فَاطِمَةُ عَلَی نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدَبَّجَةِ الْجَنْبَیْنِ خِطَامُهَا مِنْ لُؤْلُؤٍ رَطْبٍ قَوَائِمُهَا مِنَ الزُّمُرُّدِ الْأَخْضَرِ ذَنَبُهَا مِنَ الْمِسْکِ الْأَذْفَرِ عَیْنَاهَا یَاقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ عَلَیْهَا قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ یُرَی ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا دَاخِلُهَا عَفْوُ اللَّهِ وَ خَارِجُهَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَی رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتَّاجِ سَبْعُونَ رُکْناً کُلُّ رُکْنٍ مُرَصَّعٌ بِالدُّرِّ وَ الْیَاقُوتِ یُضِیءُ کَمَا الْکَوْکَبُ الدُّرِّیُّ فِی أُفُقِ السَّمَاءِ وَ عَنْ یَمِینِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ وَ عَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ وَ جَبْرَئِیلُ آخِذٌ بِخِطَامِ النَّاقَةِ یُنَادِی بِأَعْلَی صَوْتِهِ غُضُّوا أَبْصَارَکُمْ حَتَّی تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ فَلَا یَبْقَی یَوْمَئِذٍ نَبِیٌّ وَ لَا رَسُولٌ وَ لَا صِدِّیقٌ وَ لَا شَهِیدٌ إِلَّا غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّی تَجُوزَ فَاطِمَةُ فَتَسِیرُ حَتَّی تُحَاذِیَ عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ فَتَنْزَخُ بِنَفْسِهَا عَنْ نَاقَتِهَا وَ تَقُولُ إِلَهِی وَ سَیِّدِی احْکُمْ بَیْنِی وَ بَیْنَ مَنْ ظَلَمَنِی اللَّهُمَّ احْکُمْ بَیْنِی وَ بَیْنَ مَنْ قَتَلَ وُلْدِی فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ یَا حَبِیبَتِی وَ ابْنَةَ حَبِیبِی سَلِینِی تُعْطَیْ وَ اشْفَعِی تُشَفَّعِی فَوَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی لَا جَازَنِی ظُلْمُ ظَالِمٍ فَتَقُولُ إِلَهِی وَ سَیِّدِی ذُرِّیَّتِی وَ شِیعَتِی وَ شِیعَةُ ذُرِّیَّتِی وَ مُحِبِّی وَ مُحِبِّی ذُرِّیَّتِی فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَیْنَ ذُرِّیَّةُ فَاطِمَةَ وَ شِیعَتُهَا وَ مُحِبُّوهَا وَ مُحِبُّو ذُرِّیَّتِهَا فَیُقْبِلُونَ وَ قَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِکَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ ع حَتَّی تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ

توضیح قال الفیروزآبادی المدبج المزین و قال الجزری فیه کان له طیلسان مدبج هو الذی زینت أطرافه بالدیباج قوله الأذفر أی طیب الریح قوله داخلها عفو الله کنایة عن أنها مشمولة بعفو الله و رحمته و تجیء إلی القیامة شفیعة للعباد معها رحمة الله و عفوه لهم و قال الفیروزآبادی زخه دفعه فی وهدة و زید اغتاظ و وثب انتهی و التشفیع قبول الشفاعة

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتاب امالی از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت نموده است: هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد دخترم فاطمه در حالی می‌آید که بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار است و از دو پهلوی آن ناقه حریرهای بهشتی آویزان، مهار آن از مروارید تازه، پاهایش از زمرّد سبز، دم آن از مشک ناب،

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

دیدگانش از درّ و یاقوت سرخ خواهد بود. قبّه‌ای از نور بر پشت آن ناقه نصب شده که اندرون آن از بیرون آشکار، میان آن حاوی عفو پروردگار و بیرون آن رحمت خداوند رحیم است.

فاطمه تاجی از نور بر سر دارد که دارای هفتاد پایه باشد، هر پایه‌ای از آن به وسیله مرواریدی مرصّع و نظیر ستاره‌ای درخشان خواهد بود. در طرف راست و چپ فاطمه هر کدام هفت هزار ملک خواهد بود.

جبرئیل که در آن هنگام مهار ناقه فاطمه را گرفته است با صدای بلند خواهد گفت:

چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر حضرت محمّد عبور نماید.

در آن روز هیچ پیغمبر و رسول و صدیق و شهیدی نیست مگر اینکه دیدگان خویشتن را می‌بندد تا اینکه زهرا از صحرای محشر عبور نماید.

هنگامی که آن بانو به زیر عرش پروردگار می‌رسد، از آن ناقه فرود می‌آید و می‌گوید:

ای پروردگار! بین من و آن افرادی که در حق من ظلم نمودند و فرزندان مرا شهید کرده‌اند قضاوت کن.

آنگاه از طرف خداوند رئوف ندا می‌رسد: ای حبیبه و فرزند رسول من از من بخواه تا عطا نمایم، شفاعت کن تا من بپذیرم. به عزت و جلال خودم که امروز ظلم و ستم هیچ ستمگری از نظر من محو نخواهد شد. در همین زمان است که می‌گوید: بار خدایا! فرزندان، شیعیان، دوستان، و دوستان دوستان فرزندان مرا به من ببخش! آنگاه از طرف پروردگار جهان منادی ندا می‌کند: فرزندان، شیعیان، دوستان، و دوست دوستان ذرّیّه فاطمه کجایند؟ ایشان عموما در حالی که ملائکه رحمت پروردگار آنان را احاطه کرده باشند می‌آیند. سپس فاطمه جلو می‌رود تا ایشان را داخل بهشت می‌نماید.

[متن عربی]۱۴، ۱۵، ۱ ۳۶۲/ ۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» أَحْمَدُ بْنُ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَیْهَقِیُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ الْجُرْجَانِیِّ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْقَطَّانِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ الطَّائِیِّ عَنْ أَبِی أَحْمَدَ بْنِ سُلَیْمَانَ الطَّائِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تُحْشَرُ ابْنَتِی فَاطِمَةُ ع یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ مَعَهَا ثِیَابٌ مَصْبُوغَةٌ بِالدِّمَاءِ تَتَعَلَّقُ بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ تَقُولُ یَا عَدْلُ احْکُمْ بَیْنِی وَ بَیْنَ قَاتِلِ وُلْدِی قَالَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ یَحْکُمُ اللَّهُ لِابْنَتِی وَ رَبِّ الْکَعْبَةِ

ترجمه: (۱) در عیون اخبار الرضا علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده است: دخترم فاطمه در حالی وارد صحرای محشر می‌شود که لباسهایی غرقه به خون همراه خود دارد. وی پایه عرش را می‌گیرد و می‌گوید: ای خدای عادل و عالم! بین من و آن افرادی که فرزندان مرا کشتند، حکم کن! به حق خدای کعبه که آن روز پروردگار عادل برای دخترم [به حق] قضاوت خواهد کرد.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۶۳/ ۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۲» بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تُحْشَرُ ابْنَتِی فَاطِمَةُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ مَعَهَا ثِیَابٌ مَصْبُوغَةٌ بِالدَّمِ فَتَتَعَلَّقُ بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ فَتَقُولُ یَا عَدْلُ احْکُمْ بَیْنِی وَ بَیْنَ قَاتِلِ وُلْدِی قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَیَحْکُمُ لِابْنَتِی وَ رَبِّ الْکَعْبَةِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ یَرْضَی لِرِضَاهَا - صح، عن الرضا عن آبائه ع مثله

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت نموده است: هنگامی که روز قیامت فرا رسد دخترم فاطمه در حالی محشور می‌شود که لباسهای خون آلودی با وی خواهد بود. آنگاه یکی از پایه‌های عرش را می‌گیرد و می‌گوید: ای خدای عادل! بین من و قاتل فرزندانم حکم کن! سپس پیامبر اکرم فرمود: به حق خدای کعبه سوگند که خداوند برای دخترم [به حق] قضاوت می‌کند، زیرا خداوند برای غضب فاطمه غضب می‌نماید و با رضایت وی راضی خواهد شد.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۴- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْإِسْنَادِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ یَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَکُمْ حَتَّی تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص

ترجمه: (۲) و نیز در همان کتاب از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد منادی ندا می‌دهد: ای خلایق! چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمّد عبور کند.

[متن عربی] ۱۵ ۳۶۵/ ۵- صحیفة الرضا علیه السلام «۲» عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع: مِثْلَهُ ثُمَّ قَالَ وَ فِی رِوَایَةٍ أُخْرَی إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ قِیلَ یَا أَهْلَ الْجَمْعِ غُضُّوا أَبْصَارَکُمْ تَمُرَّ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَتَمُرُّ وَ عَلَیْهَا رَیْطَتَانِ حَمْرَاوَانِ. بیان قال الفیروزآبادی الریطة کل ملاءة غیر ذات لفقین کلها نسج واحد و قطعة واحدة أو کل ثوب لین رقیق

ترجمه: (۳) و در صحیفه الرضا نیز مثل روایت پیشین نقل شده است و سپس گفته شده: در روایت دیگری آمده که رسول خدا فرمود: فاطمه در حال عبور لباسی سرخ رنگ بر تن خواهد داشت.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۳۶/ ۶- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تُحْشَرُ ابْنَتِی فَاطِمَةُ وَ عَلَیْهَا حُلَّةُ الْکَرَامَةِ قَدْ عُجِنَتْ بِمَاءِ الْحَیَوَانِ فَیَنْظُرُ إِلَیْهَا الْخَلَائِقُ فَیَتَعَجَّبُونَ مِنْهَا ثُمَّ تُکْسَی أَیْضاً مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ أَلْفَ حُلَّةٍ مَکْتُوبٌ عَلَی کُلِّ حُلَّةٍ بِخَطٍّ أَخْضَرَ أُدْخُلُوا بِنْتَ مُحَمَّدٍ الْجَنَّةَ عَلَی أَحْسَنِ الصُّورَةِ وَ أَحْسَنِ الْکَرَامَةِ وَ أَحْسَنِ مَنْظَرٍ فَتُزَفُّ إِلَی الْجَنَّةِ کَمَا تُزَفُّ الْعَرُوسُ وَ یُوَکَّلُ بِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ جَارِیَةٍ. - صح، عنه عن آبائه ع مثله بیان قوله ع قد عجنت فی بعض النسخ بالباء الموحدة علی بناء المفعول من باب التفعیل أی جعلت عجیبة لغسلها بماء الحیوان و فی بعض النسخ بالنون کنایة عن الغسل به أو کونها بحیث لا

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

یموت أبدا من یلبسها – و قال الجزری فی الحدیث یزف علی بینی و بین إبراهیم إلی الجنة. إن کسرت الزاء فمعناه یسرع من زف فی مشیه و أزف إذا أسرع و إن فتحت فهو من زففت العروس أزفها إذا أهدیتها إلی زوجها

ترجمه: (۱) شیخ صدوق رحمه اللّه در عیون اخبار الرضا علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است: فاطمه در روز حشر در حالی محشور می‌شود که لباس زیبایی بر تن دارد به گونه‌ای که تعجّب همه خلایق برانگیخته می‌شود. آنگاه هزار لباس دیگر بر تن می‌کند که بر هر کدام آنها به خط سبز نوشته شده: دختر محمّد را با بهترین صورت وارد بهشت کنید! آنگاه فاطمه در حالی که هفتاد هزار ملک او را مشایعت می‌کنند، مانند نوعروسان وارد بهشت می‌شود.

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱۵، ۳، ۱، ۲ ۳۶۷/ ۷- ثواب الأعمال «۲» مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لِفَاطِمَةَ ع قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ وَ أَقْبَلَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَأْسُهُ فِي يَدِهِ فَإِذَا رَأَتْهُ شَهَقَتْ شَهْقَةً لَا يَبْقَى فِي الْجَمْعِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى لَهَا فَيُمَثِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلًا لَهَا فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ وَ هُوَ يُخَاصِمُ قَتَلَتَهُ بِلَا رَأْسٍ فَيَجْمَعُ اللَّهُ قَتَلَتَهُ وَ الْمُجَهِّزِينَ عَلَيْهِ وَ مَنْ شَرِكَ فِي قَتْلِهِ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ يُنْشَرُونَ فَيَقْتُلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ثُمَّ يُنْشَرُونَ فَيَقْتُلُهُمُ الْحَسَنُ ع ثُمَّ يُنْشَرُونَ فَيَقْتُلُهُمُ الْحُسَيْنُ ع ثُمَّ يُنْشَرُونَ فَلَا يَبْقَى مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أَحَدٌ إِلَّا قَتَلَهُمْ قَتَلَةً فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكْشِفُ اللَّهُ الْغَيْظَ وَ يُنْسِي الْحُزْنَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع رَحِمَ اللَّهُ شِيعَتَنَا شِيعَتَنَا وَ اللَّهِ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ فَقَدْ وَ اللَّهِ شَرَكُونَا فِي الْمُصِيبَةِ بِطُولِ الْحُزْنِ وَ الْحَسْرَةِ. بيان قوله ص بلا رأس لعله حال عن الضمير فی قوله قتلته

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است: زمانی که روز قیامت فرا می‌رسد قبّه‌ای از نور برای فاطمه علیها السّلام بر پا خواهد شد. امام حسین علیه السّلام در حالی می‌آید که سر بریده خود را در دست گرفته باشد. وقتی چشم فاطمه زهرا به حسین علیه السّلام بیفتد گریه و ضجّه‌ای می‌کند که هیچ ملک و پیغمبر و مؤمنی در محشر نیست مگر اینکه گریان خواهد شد.

در همین هنگام است که خدای توانا مرد نیک صورتی را به نظر آن بانو جلوه می‌دهد که با قاتلان حضرت حسین شهید مخاصمه نماید.

آنگاه خداوند سبحان قاتلین امام حسین را با آن افرادی که مددکار آنان بودند و آن اشخاصی که در ریختن خون آن حضرت شرکت نمودند حاضر می‌کند و آن مرد تا آخرین نفر آنان را می‌کشد. سپس آنها را زنده می‌کند تا حضرت امیر علیه السّلام برای دومین بار آنان را بکشد. نیز آنان را زنده می‌کند که امام حسن علیه السّلام آنان

را بکشد و سپس آنان را زنده می‌کند تا امام حسین علیه السّلام آنان را به قتل برساند و همین طور همه ذرّیّه ما.

بعد از این جریان است که غضب ما و شیعیان ما فرو خواهد نشست. آنگاه حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خداوند شیعیان ما را رحمت کند، زیرا ایشان با غم و اندوه طولانی ما شریک می‌باشند.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۳ ۳۶۸/ ۸- ثواب الأعمال «۱» ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ شَرِيكٍ يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَاءَتْ فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فِي لُمَةٍ مِنْ نِسَائِهَا فَيُقَالُ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةَ فَتَقُولُ لَا أَدْخُلُ حَتَّى أَعْلَمَ مَا صُنِعَ بِوَلَدِي مِنْ بَعْدِي فَيُقَالُ لَهَا انْظُرِي فِي قَلْبِ الْقِيَامَةِ فَتَنْظُرُ إِلَى الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَائِماً وَ لَيْسَ عَلَيْهِ رَأْسٌ فَتَصْرُخُ صَرْخَةً وَ أَصْرُخُ لِصُرَاخِهَا وَ تَصْرُخُ الْمَلَائِكَةُ لِصُرَاخِنَا فَيَغْضَبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَنَا عِنْدَ ذَلِكَ فَيَأْمُرُ ناراً يُقَالُ لَهَا هَبْهَبُ قَدْ أُوقِدَ عَلَيْهَا أَلْفَ عَامٍ حَتَّى اسْوَدَّتْ لَا يَدْخُلُهَا رَوْحٌ أَبَداً وَ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا غَمٌّ أَبَداً فَيُقَالُ لَهَا الْتَقِطِي قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ حَمَلَةَ الْقُرْآنِ فَتَلْتَقِطُهُمْ فَإِذَا صَارُوا فِي حَوْصَلَتِهَا صَهَلَتْ وَ صَهَلُوا بِهَا وَ شَهَقَتْ وَ شَهَقُوا بِهَا وَ زَفَرَتْ وَ زَفَرُوا بِهَا فَيَنْطِقُونَ بِأَلْسِنَةٍ ذَلْقَةٍ طَلْقَةٍ يَا رَبَّنَا أَوْجَبْتَ لَنَا النَّارَ قَبْلَ عَبَدَةِ الْأَوْثَانِ فَيَأْتِيهِمُ الْجَوَابُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ مَنْ عَلِمَ لَيْسَ كَمَنْ لَا يَعْلَمُ. إيضاح اللمة بضم اللام و فتح الميم المخففة الجماعة و قال الجوهري لمة الرجل تربه و شكله و الهاء عوض و اللمة الأصحاب ما بين الثلاثة إلى العشرة انتهى و المراد بحملة القرآن الذين ضيعوه و حرفوه

ترجمه: (۱) و نیز در ثواب الاعمال از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده است: هنگامی که قیامت بر پا می‌شود فاطمه زهرا در حالی وارد صحرای محشر می‌شود که گروهی از زنان شیعیان در اطراف آن بانو خواهند بود. و به حضرت زهرا گفته می‌شود: داخل بهشت شو! وی می‌فرماید: وارد بهشت نمی‌شوم تا بدانم بعد از من با فرزندانم چه عملی انجام داده‌اند. به آن حضرت می‌گویند: در میان جمعیت قیامت نگاه کن. وقتی نظر می‌کند امام حسین علیه السّلام را خواهد دید که با بدن بی‌سر ایستاده است! زهرا فریادی می‌زند که من به واسطه فریاد او فریاد خواهم زد و عموم ملائکه نیز به فریاد می‌آیند.

در چنین حالی است که خداوند قهار به خاطر ما غضب می‌کند و آتشی را که مدت هزار سال افروخته‌اند تا سیاه شده و آن را هبهب می‌گویند و هرگز نسیمی داخل آن نشده دستور می‌دهد تا قاتلین امام حسین و آن افرادی را که حامل قرآن و تارک اهل بیت پیغمبر بوده‌اند برباید. وقتی داخل آتش شوند آتش نعره‌ای می‌زند و آنان ناله و زاری می‌نمایند، آتش می‌خروشد و آنان هم به خروش می‌آیند، آتش زبانه می‌کشد و ایشان به زبان فصیح می‌گویند: پروردگارا! به چه علت آتش را قبل از بت پرستان به ما مسلط کرده‌ای؟! خطاب می‌رسد: کسی که از روی جهالت عملی را انجام دهد با آن کسی که بداند و عملی را انجام دهد، فرق دارد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۳ ۳۶۹/ ۹- ثواب الأعمال «۱» ابْنُ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ يَرْفَعُهُ إِلَى عَنْبَسَةَ الطَّائِيِّ عَنْ أَبِي خَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُمَثَّلُ لِفَاطِمَةَ ع رَأْسُ الْحُسَيْنِ ع مُتَشَحِّطاً بِدَمِهِ فَتَصِيحُ وَا وَلَدَاهْ وَا ثَمَرَةَ فُؤَادَاهْ فَتَصْعَقُ الْمَلَائِكَةُ لِصَيْحَةِ فَاطِمَةَ ع وَ يُنَادِي أَهْلُ الْقِيَامَةِ قَتَلَ اللَّهُ قَاتِلَ وَلَدِكِ يَا فَاطِمَةُ قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ أَفْعَلُ بِهِ وَ بِشِيعَتِهِ وَ أَحِبَّائِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدَبَّجَةِ الْجَنْبَيْنِ وَاضِحَةِ الْخَدَّيْنِ شَهْلَاءِ الْعَيْنَيْنِ رَأْسُهَا مِنَ الذَّهَبِ الْمُصَفَّى وَ أَعْنَاقُهَا مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ خِطَامُهَا مِنَ الزَّبَرْجَدِ الْأَخْضَرِ رَحَائِلُهَا دُرٌّ مُفَضَّضٌ بِالْجَوْهَرِ عَلَى النَّاقَةِ هَوْدَجٌ غِشَاؤُهَا مِنْ نُورِ اللَّهِ وَ حَشْوُهَا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ خِطَامُهَا فَرْسَخٌ مِنْ فَرَاسِخِ الدُّنْيَا يَحُفُّ بِهَوْدَجِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِالتَّسْبِيحِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ يَا أَهْلَ الْقِيَامَةِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ فَهَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ص تَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ فَتَمُرُّ فَاطِمَةُ ع وَ شِيعَتُهَا عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ قَالَ النَّبِيُّ ص وَ يُلْقَى أَعْدَاؤُهَا وَ أَعْدَاءُ ذُرِّيَّتِهَا فِي جَهَنَّمَ. توضيح ذلك أفعل به أي بالحسين ع أي أقتل قاتليه و قاتلي شيعته و أحبائه و يحتمل إرجاع الضمائر جميعا إلى القاتل و قال الجوهري الشهلة في العين أن يشوب سوادها زرقة و عين شهلاء قوله ع رحائلها الأصوب رحالها جمع رحل و كأنه جمع رحالة ككتابة و هي السرج

ترجمه: (۱) و نیز در ثواب الاعمال از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده است: هنگامی که روز قیامت فرا رسد سر مبارک و غرقه به خون امام حسین علیه السّلام در نظر زهرا جلوه‌گر خواهد شد. وقتی نظر فاطمه به سر بریده امام حسین بیفتد فریاد می‌زند: ای فرزند مظلوم من! ای میوه قلب محزون من! به جهت ناله و فریاد زهراست که ملائکه مدهوش می‌شوند و اهل محشر عموما فریاد می‌زنند و می‌گویند:

ای فاطمه! خداوند قاتلین فرزندت حسین را بکشد!! در این حال از طرف پروردگار ندا می‌رسد: من این عمل را انجام می‌دهم و از قاتلین حسین و پیروان و دوستان آنان انتقام خواهم کشید.

فاطمه زهرا در آن روز بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار است که: پهلوهای آن به وسیله حریرهای بهشتی زینت شده، صورت آن زیبا، چشمانش شهلا، سرش از طلا، گردنش از مشک و عنبر، مهارش از زبرجد سبز، جهازش از مروارید که با جواهر زینت شده باشد، خواهد بود! بر پشت آن ناقه هودجی نصب شده که پرده‌اش از نور خداوند، میان آن پر از رحمت پروردگار، بلندی مهار آن به قدر یک فرسخ از فرسخهای دنیا خواهد بود.

تعداد هفتاد هزار ملک اطراف هودج آن بانو را احاطه خواهند کرد که به تسبیح و تهلیل و تکبیر حضرت پروردگار مشغول خواهند بود.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

آنگاه از طرف خداوند رئوف منادی ندا می‌کند: ای اهل قیامت! چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از صراط عبور نماید.

پس از آن بانوی معظمه شیعیان و دوستانش مانند برق جهنده از صراط می‌گذرند. ولی آن حضرت دشمنان ذرّیّه خود را به دوزخ خواهد انداخت.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵ ۳۷۰/ ۱۰- المناقب «۱» السَّمْعَانِيُّ فِي الرِّسَالَةِ الْقَوَامِيَّةِ وَ الزَّعْفَرَانِيُّ فِي فَضَائِلِ الصَّحَابَةِ وَ الْأُشْنُهِيُّ فِي اعْتِقَادِ أَهْلِ السُّنَّةِ وَ الْعُكْبَرِيُّ فِي الْإِبَانَةِ وَ أَحْمَدُ فِي الْفَضَائِلِ وَ ابْنُ الْمُؤَذِّنِ فِي الْأَرْبَعِينَ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ أَبِي جُحَيْفَةَ وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ الْأَصْبَغُ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ وَ قَدْ رَوَى حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ عَنِ الْقَزْوِينِيِّ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ كُلُّهُمْ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ وَقَفَ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى نَادَى مُنَادٍ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَيُّهَا النَّاسُ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكِّسُوا رُءُوسَكُمْ فَإِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ ص تَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ وَ فِي حَدِيثِ أَبِي أَيُّوبَ فَتَمُرُّ مَعَهَا سَبْعُونَ جَارِيَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ «۱»

۶، ۱۵، ۳ ۳۷۱/ ۱۱-، أمالی المفید «۲» الصَّدُوقُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَيُنَادِي مُنَادٍ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكِّسُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص الصِّرَاطَ قَالَ فَتَغُضُّ الْخَلَائِقُ أَبْصَارَهُمْ فَتَأْتِي فَاطِمَةُ ع عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُجُبِ الْجَنَّةِ يُشَيِّعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَتَقِفُ مَوْقِفاً شَرِيفاً مِنْ مَوَاقِفِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَنْزِلُ عَنْ نَجِيبِهَا فَتَأْخُذُ قَمِيصَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع بِيَدِهَا مُضَمَّخاً بِدَمِهِ وَ تَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا قَمِيصُ وَلَدِي وَ قَدْ عَلِمْتَ مَا صُنِعَ بِهِ فَيَأْتِيهَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَا فَاطِمَةُ لَكِ عِنْدِيَ الرِّضَا فَتَقُولُ يَا رَبِّ انْتَصِرْ لِي مِنْ قَاتِلِهِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى عُنُقاً مِنَ النَّارِ فَتَخْرُجُ مِنْ جَهَنَّمَ فَتَلْتَقِطُ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ ثُمَّ يَعُودُ الْعُنُقُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيُعَذَّبُونَ فِيهَا بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ ثُمَّ تَرْكَبُ فَاطِمَةُ ع نَجِيبَهَا حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ مَعَهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُشَيِّعُونَ لَهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ النَّاسِ عَنْ يَمِينِهَا وَ شِمَالِهَا.بيان : قال الجزری فيه يخرج عنق من النار أی طائفة منها

ترجمه: (۱) شیخ مفید در امالی خود از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: روز قیامت که فرا رسد خداوند توانا خلق اوّلین و آخرین را در یک زمین جمع می‌کند. آنگاه منادی ندا می‌نماید: چشمان خود را ببندید و سرهای خود را به زیر افکنید تا فاطمه دختر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عبور کند. مردم چشمان خود را می‌بندند و حضرت فاطمه در حالی که بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار است می‌آید و تعداد هفتاد هزار ملک آن بانوی با عظمت را مشایعت می‌نمایند. آنگاه حضرتش در یکی از مکانهای شریف قیامت توقف می‌کند و پیراهن خون آلود حضرت امام حسین را به دست می‌گیرد و می‌گوید:

بار خدایا! این پیراهن فرزند من حسین است، تو می‌دانی با او چه عملی انجام دادند.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

پس از آن از طرف خداوند رئوف خطاب می‌رسد: من هر عملی که موجب خوشنودی تو باشد انجام خواهم داد. حضرت زهرای اطهر خواهد گفت: پروردگارا انتقام مرا از قاتلین فرزندم بگیر! خداوند قهار دستور می‌دهد: گروهی از آتش جهنّم بیرون می‌آیند و کشندگان امام حسین را نظیر مرغی که دانه برچیند از صحرای محشر می‌ربایند و به طرف دوزخ بازمی‌گردند و آنان را دچار انواع عذاب می‌نماید.

سپس فاطمه اطهر بر ناقه خویشتن سوار و داخل بهشت می‌گردد. آن ملائکه‌ای که حضرت فاطمه را مشایعت می‌کردند و فرزندان بزرگوار آن حضرت نزد آن بانو خواهند بود و دوستان ایشان طرف راست و چپ آنان قرار می‌گیرند.

[متن عربی] ۱۵ ۳۷۲/ ۱۲- تفسیر فرات الکوفی «۱» أَبُو الْقَاسِمِ الْعَلَوِیُّ الْحَسَنِیُّ مُعَنْعَناً عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ یَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَکُمْ حَتَّی تَمُرَّ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص فَتَکُونُ أَوَّلَ مَنْ تُکْسَی وَ یَسْتَقْبِلُهَا مِنَ الْفِرْدَوْسِ اثْنَتَا عَشْرَةَ أَلْفَ حَوْرَاءَ لَمْ یَسْتَقْبِلُوا أَحَداً قَبْلَهَا وَ لَا أَحَداً بَعْدَهَا عَلَی نَجَائِبَ مِنْ یَاقُوتٍ أَجْنِحَتُهَا وَ أَزِمَّتُهَا اللُّؤْلُؤُ عَلَیْهَا رَحَائِلُ مِنْ دُرٍّ عَلَی کُلِّ رِحَالَةٍ مِنْهَا نُمْرُقَةٌ مِنْ سُنْدُسٍ وَ رَکَائِبُهَا زَبَرْجَدٌ فَیَجُوزُونَ بِهَا الصِّرَاطَ حَتَّی یَنْتَهُونَ بِهَا إِلَی الْفِرْدَوْسِ فَیَتَبَاشَرُ بِهَا أَهْلُ الْجِنَانِ وَ فِی بُطْنَانِ الْفِرْدَوْسِ قُصُورٌ بِیضٌ وَ قُصُورٌ صُفْرٌ مِنْ لُؤْلُؤَةٍ مِنْ غَرْزٍ وَاحِدٍ وَ إِنَّ فِی الْقُصُورِ الْبِیضِ لَسَبْعِینَ أَلْفَ دَارٍ مَنَازِلُ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ وَ إِنَّ فِی الْقُصُورِ الصُّفْرِ لَسَبْعِینَ أَلْفَ دَارٍ مَسَاکِنُ إِبْرَاهِیمَ وَ آلِهِ ع فَتَجْلِسُ عَلَی کُرْسِیٍّ مِنْ نُورٍ فَیَجْلِسُونَ حَوْلَهَا وَ یُبْعَثُ إِلَیْهَا مَلَکٌ لَمْ یُبْعَثْ إِلَی أَحَدٍ قَبْلَهَا وَ لَا یُبْعَثُ إِلَی أَحَدٍ بَعْدَهَا فَیَقُولُ إِنَّ رَبَّکِ یُقْرِئُکِ السَّلَامَ وَ یَقُولُ سَلِینِی أُعْطِکِ فَتَقُولُ قَدْ أَتَمَّ عَلَیَّ نِعْمَتَهُ وَ هَنَّأَنِی کَرَامَتَهُ وَ أَبَاحَنِی جَنَّتَهُ أَسْأَلُهُ وُلْدِی وَ ذُرِّیَّتِی وَ مَنْ وَدَّهُمْ فَیُعْطِیهَا اللَّهُ ذُرِّیَّتَهَا وَ وُلْدَهَا وَ مَنْ وَدَّهُمْ لَهَا وَ حَفَظَهُمْ فِیهَا فَیَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ وَ أَقَرَّ بِعَیْنِی قَالَ جَعْفَرٌ کَانَ أَبِی یَقُولُ کَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ إِذَا ذَکَرَ هَذَا الْحَدِیثَ تَلَا هَذِهِ الْآیَةَ وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِإِیمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ «۱»

تبیین قال الفیروزآبادی النمرقة مثلثة الوسادة الصغیرة أو المیثرة أو الطنفسة فوق الرحل - و قال الجزری فیه ینادی مناد من بطنان العرش. أی من وسطه و قیل من أصله و قیل البطنان جمع بطن و هو الغامض من الأرض یرید من دواخل العرش انتهی قوله من غرز واحد أی من محل واحد من قولهم غرزت الشیء بالإبرة

ترجمه: (۱) فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیرش از ابن عبّاس رحمه اللّه روایت کرده: زمانی که روز قیامت به پا شود، منادی ندا می‌کند: ای مردم! چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عبور کند، فاطمه اوّلین کسی است که دوازده هزار حوریه از فردوس او را استقبال خواهند کرد. آنان احدی را قبل از فاطمه و بعد از آن بانو استقبال نکرده و نخواهند کرد. آن حوریه‌ها بر ناقه‌هایی سوارند که بالهای آن از یاقوت، مهار آنها از لؤلؤ و رحل‌هایی از درّ بر پشت آنهاست که بر هر یک از آنها بالشی از سندش قرار دارد و

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

رکاب‌های آنها زبرجد است. آنان از صراط می‌گذرند تا فاطمه زهرا را وارد فردوس می‌نمایند و اهل بهشت با آن بانو ملاقات خواهند کرد.

در وسط فردوس قصرهای سفید و زردی است از لؤلؤ که در یک محل می‌باشد. در آن قصرهای سفید هفتاد هزار خانه است که منزل حضرت محمّد و آل طاهر آن بزرگوار است.

در آن قصرهای زرد هفتاد هزار خانه است که مسکن حضرت ابراهیم و آل آن حضرت علیهم السّلام خواهد بود.

فاطمه زهرا بالای مسندی از نور می‌نشیند و ایشان در اطرافش می‌نشینند.

آنگاه ملکی نزد آن بانو فرستاده می‌شود که قبل از آن حضرت و بعد از او نزد کسی فرستاده نشده و نخواهد شد.

آن ملک به فاطمه می‌گوید: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: آنچه را که می‌خواهی از من بخواه تا به تو عطا کنم. حضرت فاطمه می‌گوید: خداوند رئوف نعمت خود را برای من تمام و بهشت خود را برای من مباح نموده است.

من از خداوند می‌خواهم که فرزندان و ذرّیّه من و افرادی که ایشان را دوست داشته‌اند به من عطا فرماید، خداوند منان ذرّیّه و فرزندان و آن اشخاصی را که فرزندان فاطمه را برای خاطر آن حضرت حفظ کرده باشند، به آن حضرت عطا می‌فرماید. سپس آن بانوی معظّمه می‌گوید: سپاس آن خداوندی را که غم و اندوه مرا برطرف و چشم مرا روشن کرد. راوی می‌گوید: هر گاه ابن عبّاس این حدیث را نقل می‌کرد این آیه را تلاوت می‌نمود: وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِإِیمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ «۱»

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۳۷۳/ ۱۳- تفسیر فرات «۲» سُلَیْمَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ مُعَنْعَناً عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ ع یَقُولُ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ یَوْمٍ عَلَی فَاطِمَةَ ع وَ هِیَ حَزِینَةٌ فَقَالَ لَهَا مَا حُزْنُک یَا بُنَیَّةِ قَالَتْ یَا أَبَتِ ذَکَرْتُ الْمَحْشَرَ وَ وُقُوفَ النَّاسِ عُرَاةً یَوْمَ الْقِیَامَةِ قَالَ یَا بُنَیَّةِ إِنَّهُ لَیَوْمٌ عَظِیمٌ وَ لَکِنْ قَدْ أَخْبَرَنِی جَبْرَئِیلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ قَالَ أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَنَا ثُمَّ أَبِی إِبْرَاهِیمُ ثُمَّ بَعْلُک عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع ثُمَّ یَبْعَثُ اللَّهُ إِلَیْک جَبْرَئِیلَ فِی سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَک فَیَضْرِبُ عَلَی قَبْرِک سَبْعَ قِبَابٍ مِنْ نُورٍ ثُمَّ یَأْتِیک إِسْرَافِیلُ بِثَلَاثِ حُلَلٍ مِنْ نُورٍ فَیَقِفُ عِنْدَ رَأْسِک فَیُنَادِینَک یَا فَاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ قُومِی إِلَی مَحْشَرِک فَتَقُومِینَ آمِنَةً رَوْعَتَک مَسْتُورَةً عَوْرَتُک فَیُنَاوِلُک إِسْرَافِیلُ الْحُلَلَ فَتَلْبَسِینَهَا وَ یَأْتِیک زُوقَائِیلُ بِنَجِیبَةٍ مِنْ نُورٍ زِمَامُهَا مِنْ لُؤْلُؤٍ رَطْبٍ عَلَیْهَا مِحَفَّةٌ مِنْ ذَهَبٍ فَتَرْکَبِینَهَا وَ یَقُودُ زُوقَائِیلُ بِزِمَامِهَا وَ بَیْنَ یَدَیْک سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَک بِأَیْدِیهِمْ أَلْوِیَةُ التَّسْبِیحِ فَإِذَا جَدَّ بِک السَّیْرُ اسْتَقْبَلَتْک سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ یَسْتَبْشِرُونَ بِالنَّظَرِ إِلَیْک بِیَدِ کُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مِجْمَرَةٌ مِنْ نُورٍ یَسْطَعُ مِنْهَا رِیحُ الْعُودِ مِنْ غَیْرِ نَارٍ وَ عَلَیْهِنَّ أَکَالِیلُ الْجَوْهَرِ الْمُرَصَّعِ بِالزَّبَرْجَدِ الْأَخْضَرِ فَیَسِرْنَ عَنْ یَمِینِک فَإِذَا

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

سِرْتَ مِثْلَ الَّذی سِرْتَ مِنْ قَبْرِک إِلَی أَنْ لَقِینَک اسْتَقْبَلَتْک مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فِی مِثْلِ مَنْ مَعَک مِنَ الْحُورِ فَتُسَلِّمُ عَلَیْک وَ تَسِیرُ هِیَ وَ مَنْ مَعَهَا عَنْ یَسَارِک ثُمَّ تَسْتَقْبِلُک أُمُّک خَدِیجَةُ بِنْتُ خُوَیْلِد أَوَّلُ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَ رَسُولِه وَ مَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَک بِأَیْدِیهِمْ أَلْوِیَةُ التَّکْبِیرِ فَإِذَا قَرُبْت مِنَ الْجَمْعِ اسْتَقْبَلَتْک حَوَّاءُ فِی سَبْعِینَ أَلْفَ حَوْرَاءَ وَ مَعَهَا آسِیَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ فَتَسِیرُ هِیَ وَ مَنْ مَعَهَا مَعَک فَإِذَا تَوَسَّطْت الْجَمْعَ وَ ذَلِک أَنَّ اللَّهَ یَجْمَعُ الْخَلَائِقَ فِی صَعِیدٍ وَاحِدٍ فَیَسْتَوِی بِهِمُ الْأَقْدَامُ ثُمَّ یُنَادِی مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ یُسْمِعُ الْخَلَائِقَ غُضُّوا أَبْصَارَکُمْ حَتَّی تَجُوزَ فَاطِمَةُ الصِّدِّیقَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ مَعَهَا فَلَا یَنْظُرُ إِلَیْک یَوْمَئِذٍ إِلَّا إِبْرَاهِیمُ خَلِیلُ الرَّحْمَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ وَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ یَطْلُبُ آدَمُ حَوَّاءَ فَیَرَاهَا مَعَ أُمِّک خَدِیجَةَ أَمَامَک ثُمَّ یُنْصَبُ لَک مِنْبَرٌ مِنَ النُّورِ فِیهِ سَبْعُ مَرَاقٍ بَیْنَ الْمِرْقَاةِ إِلَی الْمِرْقَاةِ صُفُوفُ الْمَلَائِکَةِ بِأَیْدِیهِمْ أَلْوِیَةُ النُّورِ وَ یَصْطَفُّ الْحُورُ الْعِینُ عَنْ یَمِینِ الْمِنْبَرِ وَ عَنْ یَسَارِهِ وَ أَقْرَبُ النِّسَاءِ مَعَک عَنْ یَسَارِک حَوَّاءُ وَ آسِیَةُ فَإِذَا صِرْت فِی أَعْلَی الْمِنْبَرِ أَتَاک جَبْرَئِیلُ ع فَیَقُولُ لَک یَا فَاطِمَةُ سَلِی حَاجَتَک فَتَقُولِینَ یَا رَبِّ أَرِنِی الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ فَیَأْتِیَانِک وَ أَوْدَاجُ الْحُسَیْنِ تَشْخُبُ دَماً وَ هُوَ یَقُولُ یَا رَبِّ خُذْ لِی الْیَوْمَ حَقِّی مِمَّنْ ظَلَمَنِی فَیَغْضَبُ عِنْدَ ذَلِک الْجَلِیلُ وَ یَغْضَبُ لِغَضَبِه جَهَنَّمُ وَ الْمَلَائِکَةُ أَجْمَعُونَ فَتَزْفِرُ جَهَنَّمُ عِنْدَ ذَلِک زَفْرَةً ثُمَّ یَخْرُجُ فَوْجٌ مِنَ النَّارِ وَ یَلْتَقِطُ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ وَ أَبْنَاءَهُمْ وَ أَبْنَاءَ أَبْنَائِهِمْ وَ یَقُولُونَ یَا رَبِّ إِنَّا لَمْ نَحْضُرِ الْحُسَیْنَ فَیَقُولُ اللَّهُ لِزَبَانِیَةِ جَهَنَّمَ خُذُوهُمْ بِسِیمَاهُمْ بِزُرْقَةِ الْأَعْیُنِ وَ سَوَادِ الْوُجُوهِ خُذُوا بِنَوَاصِیهِمْ فَأَلْقُوهُمْ فِی الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ فَإِنَّهُمْ کَانُوا أَشَدَّ عَلَی أَوْلِیَاءِ الْحُسَیْنِ مِنْ آبَائِهِمُ الَّذِینَ حَارَبُوا الْحُسَیْنَ فَقَتَلُوهُ ثُمَّ یَقُولُ جَبْرَئِیلُ ع یَا فَاطِمَةُ سَلِی حَاجَتَک فَتَقُولِینَ یَا رَبِّ شِیعَتِی فَیَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ فَتَقُولِینَ یَا رَبِّ شِیعَةُ وُلْدِی فَیَقُولُ اللَّهُ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ فَتَقُولِینَ یَا رَبِّ شِیعَةُ شِیعَتِی فَیَقُولُ اللَّهُ انْطَلِقِی فَمَنِ اعْتَصَمَ بِک فَهُوَ مَعَک فِی الْجَنَّةِ فَعِنْدَ ذَلِک یَوَدُّ الْخَلَائِقُ أَنَّهُمْ کَانُوا فَاطِمِیِّینَ فَتَسِیرِینَ وَ مَعَک شِیعَتُک وَ شِیعَةُ وُلْدِک وَ شِیعَةُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ آمِنَةً رَوْعَاتُهُمْ مَسْتُورَةً عَوْرَاتُهُمْ قَدْ ذَهَبَتْ عَنْهُمُ الشَّدَائِدُ وَ سَهُلَتْ لَهُمُ الْمَوَارِدُ یَخَافُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا یَخَافُونَ وَ یَظْمَأُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا یَظْمَئُونَ فَإِذَا بَلَغْتِ بَابَ الْجَنَّةِ تَلَقَّتْک اثْنَتَا عَشْرَةَ أَلْفَ حَوْرَاءَ لَمْ یَلْتَقِینَ أَحَداً قَبْلَک وَ لَا یَتَلَقَّیْنَ أَحَداً کَانَ بَعْدَک بِأَیْدِیهِمْ حِرَابٌ مِنْ نُورٍ عَلَی نَجَائِبَ مِنْ نُورٍ رَحَائِلُهَا مِنَ الذَّهَبِ الْأَصْفَرِ وَ الْیَاقُوتِ أَزِمَّتُهَا مِنْ لُؤْلُؤٍ رَطْبٍ عَلَی کُلِّ نَجِیبٍ نُمْرُقَةٌ مِنْ سُنْدُسٍ مَنْضُودٍ فَإِذَا دَخَلْتِ الْجَنَّةَ تُبَاشِرُ بِک أَهْلَهَا وَ وُضِعَ لِشِیعَتِک مَوَائِدُ مِنْ جَوْهَرٍ عَلَی أَعْمِدَةٍ مِنْ نُورٍ فَیَأْکُلُونَ مِنْهَا وَ النَّاسُ فِی الْحِسَابِ وَ هُمْ فِی مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ وَ إِذَا اسْتَقَرَّ أَوْلِیَاءُ اللَّهِ فِی الْجَنَّةِ زَارَک آدَمُ وَ مَنْ دُونَهُ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ إِنَّ فِی بُطْنَانِ الْفِرْدَوْسِ لُؤْلُؤَتَانِ [لُؤْلُؤَتَیْنِ مِنْ عِرْقٍ وَاحِدٍ لُؤْلُؤَةً بَیْضَاءَ وَ لُؤْلُؤَةً صَفْرَاءَ فِیهِمَا قُصُورٌ وَ دُورٌ فِی کُلِّ وَاحِدَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ دَارٍ فَالْبَیْضَاءُ مَنَازِلُ لَنَا وَ لِشِیعَتِنَا وَ الصَّفْرَاءُ مَنَازِلُ لِإِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ قَالَتْ یَا أَبَتِ فَمَا کُنْتُ أُحِبُّ أَنْ أَرَی یَوْمَک وَ لَا أَبْقَی بَعْدَک قَالَ یَا ابْنَتِی لَقَدْ أَخْبَرَنِی جَبْرَئِیلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّک أَوَّلُ مَنْ تَلْحَقِنِی مِنْ أَهْلِ بَیْتِی فَالْوَیْلُ کُلُّهُ لِمَنْ ظَلَمَک وَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ لِمَنْ نَصَرَک

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

قَالَ عَطَاءٌ كَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ إِذَا ذَكَرَ هَذَا الْحَدِيثَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ ما أَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِما كَسَبَ رَهِينٌ. «۱» بیان وَ ما أَلَتْناهُمْ أی و ما نقصناهم

ترجمه: (۱) در تفسیر فرات کوفی از علی علیه السّلام روایت شده است که فرمود: روزی پیامبر گرامی اسلام نزد حضرت زهرا رفت و آن بانو را محزون یافت. به فاطمه فرمود: دختر عزیز من! سبب غم و اندوه تو چیست؟ فاطمه گفت: روز محشر و برهنگی مردم به خاطرم آمد. (۱) رسول خدا فرمود: آری آن روز روز بسیار بزرگی است. ولی جبرئیل از طرف خداوند رئوف به من خبر داد: هنگامی که در آن روز زمین شکافته شود، اوّل کسی که از زمین خارج شود من هستم، بعد از من ابراهیم خلیل، بعد از او شوهر تو علی بن ابی طالب، آنگاه خداوند مهربان جبرئیل را با هفتاد هزار ملک نزد قبر تو خواهد فرستاد، بر قبر تو هفت قبه نور نصب خواهد شد، اسرافیل سه حله نور برای تو می‌آورد و نزد سر تو توقف می‌کند و صدا می‌زند:

ای دختر حضرت محمّد بیا به صحرای محشر! تو در حالی از قبر بیرون می‌آیی که بدنت پوشیده باشد و از خوف آن روز در امان خواهی بود، اسرافیل آن حله‌ها را به تو می‌دهد و تو آنها را می‌پوشی، آنگاه ملکی که او را زوقائیل می‌گویند ناقه‌ای برای تو می‌آورد که مهار آن از مروارید و کجاوه‌ای از طلا بر پشت آن نصب شده باشد. تو بر آن ناقه سوار می‌شوی و زوقائیل در حالی که در پیش تو هفتاد هزار ملک باشد و علم‌های تسبیح در دست داشته باشند مهار آن را خواهد کشید. هنگامی که حرکت کنی تعداد هفتاد هزار ملک به استقبال تو می‌آیند و از نظر کردن به تو خوشحال می‌شوند، هر یک از آنان منقلی از نور بدون آتش در کف دارند که عود از آن ساطع می‌شود، هر یک از ایشان تاجی مرصّع از زبرجد بر سر خواهد داشت، آنان در طرف راست تو خواهند بود.

و چون مقداری از راه را طی کنی، مریم بنت عمران با هفتاد هزار حوریه به استقبال تو می‌آیند و بر تو سلام می‌کنند و در طرف چپ تو خواهند بود.

آنگاه مادرت خدیجه دختر خویلد که در میان زنان عالم اوّل کسی است که به خداوند و رسول ایمان آورده است، با هفتاد هزار ملک که علم‌های تکبیر در دست دارند به استقبال تو می‌آیند. پس از آنکه نزدیک محشر رسیدی، حوّا با هفتاد هزار ملک و آسیه زن فرعون به استقبال تو خواهند آمد و با تو حرکت می‌نمایند. هنگامی که وارد صحرای محشر شوی منادی از زیر عرش ندایی می‌کند که خلایق عموما می‌شنوند و می‌گوید:

چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و این زنان مطهّره که با او می‌باشند عبور نمایند! در آن روز غیر از ابراهیم و شوهرت علی بن ابی طالب کسی به تو نظر نخواهد کرد. (۱) سپس آدم حوّا را طلب می‌کند و با مادرت خدیجه نزد تو می‌آیند. آنگاه منبری از نور برای تو نصب می‌شود که هفت

پایه داشته باشد، در میان هر پایه تا پایه دیگری صفهایی از ملائکه ایستاده‌اند، علمهایی از نور در دست خواهند داشت.

حوریه‌ها در طرف چپ و راست منبر تو صف می‌کشند. نزدیکترین زنان از طرف چپ به تو حوا و آسیه خواهند بود. هنگامی که بر فراز منبر روی، جبرئیل از طرف خداوند سبحان نزد تو می‌آید و می‌گوید:

ای فاطمه! حاجت خویشتن را بخواه! تو خواهی گفت: پروردگارا! حسن و حسینم را به من نشان بده! حسنین در حالی نزد تو می‌آیند که خون از رگهای گردن حسین فرو می‌ریزد.

حسین می‌گوید: بار خدایا! امروز حق مرا از آن افرادی که به من ظلم و ستم کردند بگیر. در همین زمان است که دریای غضب حضرت پروردگار به جوش می‌آید، برای غضب خداوند است که ملائکه و جهنّم نیز به خروش می‌آیند. جهنّم نعره می‌زند و زبانه می‌کشد و به صحرای محشر می‌آید. آنگاه قاتلین حسین را با فرزندان و فرزندان فرزندان آنان می‌رباید. ایشان می‌گویند: پروردگارا! ما که در زمان قتل حسین خلق نشده بودیم؟! خداوند قهار به زبانه آتش دستور می‌دهد: این گونه افراد را که چشمشان کبود و صورتشان سیاه است بگیرید! موهای جلوی سر ایشان را بگیرید و بکشید و به صورت در طبقات پایین جهنّم بیفکنید! زیرا سختگیری ایشان بر دوستان حسین از جنگیدن پدرانشان با خود حسین شدیدتر بوده است.

پس از این جریان جبرئیل به تو می‌گوید: حاجت خود را بخواه! تو می‌گویی: پروردگارا! من شیعیان خود را می‌خواهم. خداوند رئوف می‌فرماید: من گناه آنان را آمرزیدم. تو می‌گویی: بار خدایا! من شیعیان خود و دوستان ایشان را می‌خواهم.

خداوند سبحان می‌فرماید: برو هر کدام از آنان را که دست به دامن تو شود، او را وارد بهشت کن! در آن روز عموم خلایق آرزو می‌کنند: کاش از شیعیان و دوستان فاطمه بودند! آنگاه تو با شیعیان و دوستان و فرزندان خویشتن و شیعیان علی در حالی حرکت می‌کنید که خوف و بیم آنان بر طرف شده باشد، عورت‌های ایشان پوشیده شده، سختی‌های قیامت بر ایشان آسان می‌شود و از هول و ترسهای قیامت به آسانی خواهند گذشت، در آن روز مردم عموما دچار ترس می‌شوند ولی ایشان نمی‌ترسند، مردم عموما در آن روز تشنه‌اند ولی ایشان سیراب خواهند بود. (۱) آن زمان که نزدیک در بهشت می‌رسی تعداد دوازده هزار حوریه به استقبال تو می‌شتابند، آن حوریه‌ها قبل از تو از کسی استقبال ننموده‌اند: ظرفهایی از نور در دست دارند، و بر ناقه‌هایی از نور سوارند که جهاز آنها از طلای زرد و یاقوت خواهد بود. مهار آنها از مروارید تازه، رکاب آنها از زبرجد سبز، در میان جهاز هر ناقه‌ای یک بالش از سندس و استبرق بهشتی می‌باشد.

و چون وارد بهشت شوی عموم اهل بهشت مسرور و خوشحال می‌شوند و به یک دیگر بشارت می‌دهند.

برای شیعیان تو خانه‌هایی از جواهر الوان بر فراز ستونهایی از نور نصب می‌نمایند، آنان در آن هنگامه‌ای که مردم مشغول حساب باشند از آن خانه‌ها غذا می‌خورند، شیعیان تو وقتی داخل شوند دائما به نعمت‌های بهشتی متنعّم خواهند بود. عموم پیامبران از آدم تا خاتم به زیارت تو می‌آیند.

دو مروارید هست که از یک رشته به وجود آمده‌اند، یکی از آنها سفید و دیگری زرد رنگ است، در هر یک از آنها هفتاد هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار خانه می‌باشد.

آن قصرهای سفید منزل ما و شیعیان ما خواهند بود، قصرهای زرد منزل ابراهیم و آل ابراهیم است.

فاطمه علیها السّلام گفت: پدر جان! من نمی‌توانم مرگ تو را ببینم و بعد از تو زنده بمانم.

پیغمبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: جبرئیل از طرف خداوند رئوف به من خبر داده: اوّل کسی که از اهل بیت من به من ملحق می‌شود تو خواهی بود. وای بر آن کسی که در حق تو ظلم کند.

رستگاری از آن شخصی است که تو را یاری نماید.

باب نهم اولاد و ذریه حضرت فاطمه علیها السّلام و فضل آنها و اینکه فرزندان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هستند

[متن عربی] ۱۴ ۳۷۴/ ۱- وَجَدْتُ فِی بَعْضِ کُتُبِ الْمَنَاقِبِ أَخْبَرَنَا عَلِیُّ بْنُ أَحْمَدَ الْعَاصِمِیُّ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ أَحْمَدَ الْبَیْهَقِیِّ عَنْ أَبِیهِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظِ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْخُرَاسَانِیِّ عَنْ أَبِی بَکْرِ بْنِ أَبِی الْعَوَّامِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَرِیزِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ شَیْبَةَ بْنِ نَعَامَةَ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَیْنِ عَنْ فَاطِمَةَ الْکُبْرَی قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص کُلُّ بَنِی أُمٍّ یَنْتَمُونَ إِلَی عَصَبَتِهِمْ إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَةَ فَإِنِّی أَنَا أَبُوهُمْ وَ عَصَبَتُهُمْ

وَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ بْنُ بُشْرَانَ الْعَدْلُ بِبَغْدَادَ عَنْ أَبِی عَمْرِو بْنِ السِّمَاکِ عَنْ حَنْبَلِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَمْرٍو عَنْ صَالِحِ بْنِ مُوسَی عَنْ عَاصِمِ بْنِ بَهْدَلَةَ عَنْ یَحْیَی بْنِ یَعْمُرَ الْعَامِرِیِّ قَالَ بَعَثَ إِلَیَّ الْحَجَّاجُ فَقَالَ یَا یَحْیَی أَنْتَ الَّذِی تَزْعُمُ أَنَّ وُلْدَ عَلِیٍّ مِنْ فَاطِمَةَ وُلْدُ رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ لَهُ إِنَّ أَمَّنْتَنِی تَکَلَّمْتُ قَالَ فَأَنْتَ آمِنٌ قُلْتُ لَهُ نَعَمْ أَقْرَأُ عَلَیْکَ کِتَابَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَقُولُ وَ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ کُلًّا هَدَیْنا إِلَی أَنْ قَالَ وَ زَکَرِیَّا وَ یَحْیی وَ عیسی وَ إِلْیاسَ کُلٌّ مِنَ الصَّالِحِینَ «۱» وَ عِیسَی کَلِمَةُ اللَّهِ وَ رُوحُهُ أَلْقَاهَا إِلَی الْعَذْرَاءِ الْبَتُولِ وَ قَدْ نَسَبَهُ اللَّهُ تَعَالَی إِلَی إِبْرَاهِیمَ ع قَالَ مَا دَعَاکَ إِلَی نَشْرِ هَذَا وَ ذِکْرِهِ قُلْتُ مَا اسْتَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی أَهْلِ الْعِلْمِ فِی عِلْمِهِمْ لَتُبَیِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لا تَکْتُمُونَهُ الْآیَةَ «۲» قَالَ صَدَقْتَ وَ لَا تَعُودَنَّ لِذِکْرِ هَذَا وَ لَا نَشْرِهِ

وَ جَاءَ الْحَدِیثُ مُرْسَلًا أَطْوَلَ مِنْ هَذَا عَنْ عَامِرٍ الشَّعْبِیِّ أَنَّهُ قَالَ بَعَثَ إِلَیَّ الْحَجَّاجُ ذَاتَ لَیْلَةٍ فَخَشِیتُ فَقُمْتُ فَتَوَضَّأْتُ وَ أَوْصَیْتُ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَیْهِ فَنَظَرْتُ فَإِذَا نَطْعٌ مَنْشُورٌ وَ السَّیْفُ مَسْلُولٌ فَسَلَّمْتُ عَلَیْهِ فَرَدَّ عَلَیَّ السَّلَامَ فَقَالَ لَا تَخَفْ فَقَدْ آمَنْتُکَ اللَّیْلَةَ وَ غَداً إِلَی الظُّهْرِ وَ أَجْلَسَنِی عِنْدَهُ ثُمَّ أَشَارَ فَأُتِیَ بِرَجُلٍ مُقَیَّدٍ بِالْکُبُولِ وَ الْأَغْلَالِ فَوَضَعُوهُ بَیْنَ یَدَیْهِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فَقَالَ إِنَّ هَذَا الشَّيْخَ يَقُولُ إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ كَانَا ابْنَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص لَيَأْتِينِي بِحُجَّةٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ إِلَّا لَأَضْرِبَنَّ عُنُقَهُ فَقُلْتُ يَجِبُ أَنْ تَحِلَّ قَيْدَهُ فَإِنَّهُ إِذَا احْتَجَّ فَإِنَّهُ لَا مَحَالَةَ يَذْهَبُ وَ إِنْ لَمْ يَحْتَجَّ فَإِنَّ السَّيْفَ لَا يَقْطَعُ هَذَا الْحَدِيدَ فَحَلُّوا قُيُودَهُ وَ كُبُولَهُ فَنَظَرْتُ فَإِذَا هُوَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ فَحَزِنْتُ بِذَلِكَ وَ قُلْتُ كَيْفَ يَجِدُ حُجَّةً عَلَى ذَلِكَ مِنَ الْقُرْآنِ فَقَالَ لَهُ الْحَجَّاجُ ائْتِنِي بِحُجَّةٍ مِنَ الْقُرْآنِ عَلَى مَا ادَّعَيْتَ وَ إِلَّا أَضْرِبْ عُنُقَكَ فَقَالَ لَهُ انْتَظِرْ فَسَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ انْتَظِرْ فَسَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ قَالَ وَ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ إِلَى قَوْلِهِ وَ كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ «۱» ثُمَّ سَكَتَ وَ قَالَ لِلْحَجَّاجِ اقْرَأْ مَا بَعْدَهُ فَقَرَأَ وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيى وَ عِيسى «۲» فَقَالَ سَعِيدٌ كَيْفَ يَلِيقُ هَاهُنَا عِيسَى قَالَ إِنَّهُ كَانَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ قَالَ إِنْ كَانَ عِيسَى مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبٌ بَلْ كَانَ ابْنَ ابْنَتِهِ فَنُسِبَ إِلَيْهِ مَعَ بُعْدِهِ فَالْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ أَوْلَى أَنْ يُنْسَبَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص مَعَ قُرْبِهِمَا مِنْهُ فَأَمَرَ لَهُ بِعَشَرَةِ آلَافِ دِينَارٍ وَ أَمَرَ بِأَنْ يَحْمِلُوهَا مَعَهُ إِلَى دَارِهِ وَ أَذِنَ لَهُ فِي الرُّجُوعِ قَالَ الشَّعْبِيُّ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ قُلْتُ فِي نَفْسِي قَدْ وَجَبَ عَلَيَّ أَنْ آتِيَ هَذَا الشَّيْخَ فَأَتَعَلَّمَ مِنْهُ مَعَانِيَ الْقُرْآنِ لِأَنِّي كُنْتُ أَظُنُّ أَنِّي أَعْرِفُهَا فَإِذَا أَنَا لَا أَعْرِفُهَا فَأَتَيْتُهُ فَإِذَا هُوَ فِي الْمَسْجِدِ وَ تِلْكَ الدَّنَانِيرُ بَيْنَ يَدَيْهِ يُفَرِّقُهَا عَشَراً عَشَراً وَ يَتَصَدَّقُ بِهَا ثُمَّ قَالَ هَذَا كُلُّهُ بِبَرَكَةِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع لَئِنْ كُنَّا أَغْمَمْنَا وَاحِداً لَقَدْ أَفْرَحْنَا أُلْفاً وَ أَرْضَيْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ كِتَابُ الدَّلَائِلِ، لِمُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرٍ الطَّبَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الطَّبَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَاضِي التَّنُوخِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ جَرِيرٍ عَنْ شَيْبَةَ بْنِ نَعَامَةَ عَنْ فَاطِمَةَ الصُّغْرَى عَنْ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى قَالَتْ قَالَ النَّبِيُّ ص لِكُلِّ نَبِيٍّ عَصَبَةٌ يَنْتَمُونَ إِلَيْهِ وَ إِنَّ فَاطِمَةَ عَصَبَتِي الَّتِي تَنْتَمِي إِلَيَ

ترجمه (۱): در بعضی از کتب مناقب یافتم که پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: فرزندان هر مادری به پدر و خویشاوندان پدری خود منسوب می‌شوند غیر از فرزندان فاطمه که من پدر و خویشاوندان ایشان می‌باشم.

یحیی بن یعمر عامری می‌گوید: حجاج بن یوسف مرا خواست و به من گفت: ای یحیی! تو آن کسی هستی که گمان می‌کنی آن فرزندان علی که از فاطمه دارد فرزندان پیامبر اسلام هستند. گفتم: اگر در امان باشم جواب تو را خواهم داد. گفت: تو در امان هستی. گفتم آری، این آیه را که می‌خوانم این مطلب را ثابت می‌نماید: وَ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنا «۱» تا آنجا که می‌فرماید: وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيى وَ عِيسى وَ إِلْياسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ «۲» در صورتی که عیسی روح اللّه است و خداوند او را به حضرت مریم عطا کرد و مع ذلک خدای علیم عیسی را به حضرت ابراهیم نسبت می‌دهد و او را از فرزندان ابراهیم به شمار می‌آورد.

حجاج گفت: چه باعث شده که تو این موضوع را تبلیغ نمایی؟! گفتم: خداوند بر اهل علم واجب کرده که علم خود را نشر دهند، چنان که در قرآن مجید می‌فرماید: لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لا تَكْتُمُونَهُ «۳».

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

حجاج گفت: راست می‌گویی ولی در عین حال مبادا بعدا این موضوع را تکرار نمایی و نشر دهی؟! این حدیث را عامر شعبی مفصلتر از این نقل کرده، چنان که می‌گوید: یک شب حجاج مرا خواست، من وضو گرفتم و وصیت خود را کردم و نزد حجاج رفتم، وقتی نگاه کردم دیدم سفره‌ای چرمی گسترده و شمشیری برهنه نزد حجاج است. من سلام کردم و او جواب داد، آنگاه به من گفت: خائف مباش زیرا من تو را تا فردا ظهر امان داده‌ام. (۱) پس از اینکه مرا نزد خود نشانید، دستور داد تا مردی را آوردند که وی را غل و زنجیر کرده بودند و او را در مقابل حجاج قرار دادند.

حجاج گفت: این پیر مرد می‌گوید: حسن و حسین علیهما السّلام فرزندان پیغمبر خدایند، اگر برای این مدعا دلیلی از قرآن نیاورد گردن او را خواهم زد.

من گفتم: پس باید این غل و زنجیر را از گردن وی باز کرد، زیرا که او آزاد خواهد شد، و اگر دلیلی از قرآن نیاورد و بخواهی گردن وی را بزنی شمشیر این غل و زنجیر را قطع نمی‌کند. هنگامی که غل و زنجیر را از گردنش باز نمودند دیدم از سعید بن جبیر است. من فوق العاده محزون شدم و با خود گفتم: چگونه از قرآن دلیل خواهد آورد؟! حجاج به وی گفت: دلیل خود را از قرآن بیاور و الّا گردن تو را خواهم زد.

سعید بن جبیر گفت: مهلتم بده. وی ساعتی صبر کرد و گفت: حجّت و دلیل خود را بیاور! سعید گفت: صبر کن. او ساعتی صبر کرد و گفت: دلیل و برهان خویش را بیاور! سعید بن جبیر گفت: اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم، بسم اللّه الرحمن الرحیم وَ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ «۱» تا آنجا که می‌فرماید: وَ کَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ «۲». سعید پس از خواندن این آیه ساکت شد.

حجاج به وی گفت: ما بعد آیه را بخوان! سعید گفت: وَ زَکَرِیَّا وَ یَحْیی وَ عِیسی «۳» آنگاه سعید گفت: ای حجاج! عیسی چه نسبتی به حضرت ابراهیم دارد؟حجاج گفت: عیسی از فرزندان ابراهیم محسوب می‌شود.

سعید گفت: عیسی که بدون پدر خلق شده و از نواده‌های دختری حضرت ابراهیم به شمار می‌رود، با اینکه فاصله بین عیسی و حضرت ابراهیم خیلی زیاد است مع ذلک از فرزندان حضرت ابراهیم محسوب می‌شود. پس حضرات حسنین علیهما السّلام با توجه به اینکه با رسول خدا چندان فاصله‌ای ندارند به طریق اولی فرزندان پیغمبر اکرم محسوب خواهند شد. (۲) حجاج پس از این گفتگوها مبلغ ده هزار اشرفی به سعید بن جبیر جایزه داد و دستور داد

تا او را به خانه‌اش باز گردانیدند.

شعبی می‌گوید: من با خودم گفتم: بر من واجب است که نزد این مرد عالم یعنی سعید بن جبیر بروم و معانی قرآن را از او بیاموزم، زیرا من گمان می‌کردم که معانی قرآن را می‌دانم، ولی اکنون معلوم شد که نمی‌دانم.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

هنگامی که متوجّه سعید بن جبیر شدم دیدم وی در مسجد نشسته و آن اشرفی‌ها را در مقابل خود ریخته و پیوسته آنها را ده اشرفی ده اشرفی صدقه می‌دهد و می‌گوید: اینها از برکت حسن و حسین علیهما السّلام است. اگر ما یک نفر (یعنی حجاج) را ناراحت کردیم هزار نفر را برای پرداخت این پولها خوشحال نمودیم و خداوند و رسول را راضی نمودیم.

در کتاب دلائل الامامه طبری از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت می‌کند که فرمود: فرزندان هر پیغمبری به خود او منسوب هستند، فاطمه فرزند من است که به من منسوب است.

[متن عربی] ۸، ۱۵، ۲، ۳، ۷، ۴ ۳۷۵/ ۲- معانی الأخبار «۱» الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ بَشَّارٍ مَعاً عَنِ الْمُظَفَّرِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَزْوِينِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْوَشَّاءِ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ كُنْتُ بِخُرَاسَانَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع فِي مَجْلِسِهِ وَ زَيْدُ بْنُ مُوسَى حَاضِرٌ وَ قَدْ أَقْبَلَ عَلَى جَمَاعَةٍ فِي الْمَجْلِسِ يَفْتَخِرُ عَلَيْهِمْ وَ يَقُولُ نَحْنُ وَ نَحْنُ وَ أَبُو الْحَسَنِ ع مُقْبِلٌ عَلَى قَوْمٍ يُحَدِّثُهُمْ فَسَمِعَ مَقَالَةَ زَيْدٍ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا زَيْدُ أَ غَرَّكَ قَوْلُ بَقَّالِي الْكُوفَةِ إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ وَ اللَّهِ مَا ذَلِكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ وُلْدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ع يُطِيعُ اللَّهَ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ وَ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ تَعْصِيهِ أَنْتَ ثُمَّ تَجِيئَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَوَاءً لَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع كَانَ يَقُولُ لِمُحْسِنِنَا كِفْلَانِ مِنَ الْأَجْرِ وَ لِمُسِيئِنَا ضِعْفَانِ مِنَ الْعَذَابِ وَ قَالَ الْحَسَنُ الْوَشَّاءُ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيَّ وَ قَالَ يَا حَسَنُ كَيْفَ تَقْرَءُونَ هَذِهِ الْآيَةَ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ «۲» فَقُلْتُ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ نَفَاهُ عَنْ أَبِيهِ فَقَالَ ع كَلَّا لَقَدْ كَانَ ابْنَهُ وَ لَكِنْ لَمَّا عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَفَاهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ كَذَا مَنْ كَانَ مِنَّا لَمْ يُطِعِ اللَّهَ فَلَيْسَ مِنَّا وَ أَنْتَ إِذَا أَطَعْتَ اللَّهَ فَأَنْتَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ

ترجمه (۱): شیخ صدوق در معانی الاخبار از حسن بن موسی الوشّاء روایت کرده: من در خراسان در مجلس حضرت رضا علیه السّلام بودم، زید بن موسی (برادر حضرت رضا) هم در آن مجلس حضور داشت. زید متوجه گروهی از اهل مجلس شد و گفت که ما چنین و چنانیم.

حضرت رضا متوجه آن گروه شد و گفته زید را شنید، به وی فرمود: ای زید! آیا قول بقال‌های کوفه را که می‌گویند: فاطمه خویشتن را حفظ کرد و خداوند فرزندان او را به آتش جهنّم حرام کرد، تو را مغرور نموده است! به خداوند سوگند که این مطلب جز برای حسن و حسین علیهما السّلام و فرزندانی که از رحم آن بانو متولّد شده‌اند نخواهد بود.

آیا می‌شود گفت حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام خداوند را اطاعت کند، روزها روزه‌دار و شبها به تهجّد و شب‌زنده‌داری و نماز شب مشغول باشد و تو معصیت خداوند را انجام دهی و فردای قیامت نزد خداوند با او

مساوی باشی و یا اینکه تو نزد خداوند عزیزتر باشی؟! در صورتی که حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام می‌فرماید: اجر نیکوکاران ما هر چه باشد عذاب گنهکاران ما دو برابر خواهد بود.

حسن می‌گوید: حضرت رضا علیه السّلام سپس متوجه من شد و فرمود: ای حسن! این آیه را چگونه قرائت می‌کنید که خداوند می‌فرماید: قال یا نوح انه لیس من اهلک، انه عمل غیر صالح؟

گفتم: بعضی از مردم می‌خوانند: انه عمل [بفتح عین و لام و کسر میم] غیر صالح و بعضی می‌خوانند: انه عمل [بفتح عین و میم و دو پیش لام] غیر صالح بنا بر قرائت دوم پسر نوح را از پدرش ندانسته است.

حضرت رضا فرمود: ابدا این طور نیست، بلکه وی پسر حضرت نوح بود. ولی عصیان کرد خداوند او را از پدرش ندانست. همین طور هر کس از خاندان ما که اطاعت از خداوند نکند از ما نخواهند بود. و تو اگر حضرت حق را اطاعت نمایی از ما اهل بیت خواهی بود.

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱۵، ۲، ۳ ۳۷۶/ ۳- معانی الأخبار «۱» أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع هَلْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّیَّتَهَا عَلَی النَّارِ قَالَ نَعَمْ عَنَی بِذَلِکَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ زَیْنَبَ وَ أُمَّ کُلْثُومٍ ع

ترجمه (۱): شیخ صدوق رحمه اللّه از محمّد بن مروان روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: آیا این سخن انّ فاطمة أحصنت ... الخ: «همانا فاطمه علیها السّلام عفّت خود را حفظ کرد پس خداوند ذرّیّه او را بر آتش حرام کرد»، از سخنان رسول خداست؟

امام صادق در جواب فرمود: بله، و منظور از ذرّیّه حضرت فاطمه، حسن و حسین و زینب و امّ کلثوم هستند.

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱۵، ۲، ۳ ۳۷۷/ ۴- معانی الأخبار «۲» ابْنُ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا مَعْنَی قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّیَّتَهَا عَلَی النَّارِ فَقَالَ الْمُعْتَقُونَ مِنَ النَّارِ هُمْ وُلْدُ بَطْنِهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ زَیْنَبُ وَ أُمُّ کُلْثُومٍ «۳»

۱۴، ۱۵ ۳۷۸/ ۵- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۴» بِإِسْنَادِ التَّمِیمِیِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِیُّ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّیَّتَهَا عَلَی النَّارِ - مصباح الأنوار، عن أبی عبد الله ع عن النبی ص مثله «۵»

۸، ۱۴، ۱۵، ۲، ۳، ۷ ۳۷۹/ ۶- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» مَاجِیلَوَیْهِ وَ ابْنُ الْمُتَوَکِّلِ وَ الْهَمْدَانِیُّ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یَاسِرٍ قَالَ خَرَجَ زَیْدُ بْنُ مُوسَی أَخُو أَبِی الْحَسَنِ ع بِالْمَدِینَةِ وَ أَحْرَقَ وَ قَتَلَ وَ کَانَ یُسَمَّی زَیْدَ النَّارِ فَبَعَثَ إِلَیْهِ الْمَأْمُونُ فَأُسِرَ وَ حُمِلَ إِلَی الْمَأْمُونِ فَقَالَ الْمَأْمُونُ اذْهَبُوا بِهِ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ قَالَ یَاسِرٌ فَلَمَّا أُدْخِلَ إِلَیْهِ قَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ یَا زَیْدُ أَ غَرَّکَ قَوْلُ سَفَلَةِ أَهْلِ الْکُوفَةِ إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّیَّتَهَا عَلَی النَّارِ ذَاکَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ خَاصَّةً إِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّكَ تَعْصِي اللَّهَ وَ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أَطَاعَ اللَّهَ وَ دَخَلَ الْجَنَّةَ فَأَنْتَ إِذاً أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ اللَّهِ مَا يَنَالُ أَحَدٌ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تَنَالُهُ بِمَعْصِيَتِهِ فَبِئْسَ مَا زَعَمْتَ فَقَالَ لَهُ زَيْدٌ أَنَا أَخُوكَ وَ ابْنُ أَبِيكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ ع أَنْتَ أَخِي مَا أَطَعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ نُوحاً ع قَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحاكِمِينَ «۲» فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِحٍ «۳» فَأَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَهْلِهِ بِمَعْصِيَتِهِ

ترجمه: (۱) شیخ صدوق در عیون الاخبار روایت کرده: زید بن موسی بن جعفر علیه السّلام در مدینه خروج کرد، گروهی را آتش زد و گروهی را به قتل رسانید. بدین لحاظ او را زید النار نامیدند.

مأمون فرستاد تا او را گرفتند و اسیر نمودند و نزد مأمون بردند، دستور داد: وی را نزد امام رضا علیه السّلام ببرید.

یاسر می‌گوید: وقتی زید به حضور حضرت رضا آمد امام به او فرمود: ای زید! قول مردمان پست کوفه که می‌گویند: فاطمه عفّت خود را حفظ نمود و خداوند ذرّیّه او را به آتش جهنّم حرام کرد تو را مغرور کرد! به خداوند سوگند که این مطلب جز برای حسن و حسین علیهما السّلام نخواهد بود. تو این طور گمان می‌کنی که اگر خداوند را معصیت کنی داخل بهشت خواهی شد و موسی بن جعفر هم اطاعت پیشه کند و داخل بهشت شود، آنگاه تو نزد خداوند از آن بزرگوار عزیزتر باشی؟

به خداوند سوگند کسی از ما نزد خداوند به مقامی نخواهد رسید مگر به اطاعت نمودن پروردگار، ولی تو گمان می‌کنی که اگر عصیان بورزی به این مقام خواهی رسید؟! زید در جواب حضرت رضا گفت: من هم برادر و پسر پدر تو می‌باشم.

امام رضا فرمود: آری، تو مادامی برادر من خواهی بود که خداوند را اطاعت نمایی. حضرت نوح گفت: پروردگارا! پسر من هم از اهل من محسوب می‌شود، وعده تو حق و تو بهترین حکم‌کنندگان خواهی بود.

خداوند حکیم فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست، او معصیت کار است.

خداوند او را برای اینکه مرتکب معصیت شد از اهل نوح ندانست.

[متن عربی] ۱۴، ۱۵، ۲، ۳، ۸ ۳۸۰/ ۷- المناقب «۱» لابن شهرآشوب تَارِيخُ بَغْدَادَ» وَ كِتَابُ السَّمْعَانِيِّ وَ أَرْبَعِينُ الْمُؤَذِّنِ وَ مَنَاقِبُ فَاطِمَةَ عَنِ ابْنِ شَاهِينٍ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنْ حُذَيْفَةَ وَ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ قَالَ ابْنُ مَنْدَةَ خَاصٌّ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ يُقَالُ أَيْ مَنْ وَلَدَتْهُ بِنَفْسِهَا وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنِ الرِّضَا ع وَ الْأَوْلَى كُلُّ مُؤْمِنٍ مِنْهُمْ «۳»

۵، ۲، ۳ ۳۸۱/ ۸- الإحتجاج «۴» عَنْ أَبِی الْجَارُودِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع یَا أَبَا الْجَارُودِ مَا یَقُولُونَ فِی الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ قُلْتُ یُنْکِرُونَ عَلَیْنَا أَنَّهُمَا ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ فَبِأَیِّ شَیْءٍ احْتَجَجْتُمْ عَلَیْهِمْ قُلْتُ بِقَوْلِ اللَّهِ فِی عِیسَی بْنِ مَرْیَمَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ داوُدَ إِلَی قَوْلِهِ کُلٌّ مِنَ الصَّالِحِینَ «۵» فَجَعَلَ عِیسَی مِنْ ذُرِّیَّةِ إِبْرَاهِیمَ وَ احْتَجَجْنَا عَلَیْهِمْ بِقَوْلِهِ تَعَالَی فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ «۱» قَالَ فَأَیَّ شَیْءٍ قَالُوا قَالَ قُلْتُ قَالُوا قَدْ یَکُونُ وَلَدُ الْبِنْتِ مِنَ الْوَلَدِ وَ لَا یَکُونُ مِنَ الصُّلْبِ قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ اللَّهِ یَا أَبَا الْجَارُودِ لَأُعْطِیَنَّکَهَا مِنْ کِتَابِ اللَّهِ آیَةً تُسَمِّی لِصُلْبِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا یَرُدُّهَا إِلَّا کَافِرٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ أَیْنَ قَالَ حَیْثُ قَالَ اللَّهُ حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ أُمَّهاتُکُمْ وَ بَناتُکُمْ وَ أَخَواتُکُمْ إِلَی قَوْلِهِ وَ حَلائِلُ أَبْنائِکُمُ الَّذِینَ مِنْ أَصْلابِکُمْ «۲» فَسَلْهُمْ یَا أَبَا الْجَارُودِ هَلْ یَحِلُّ لِرَسُولِ اللَّهِ ص نِکَاحُ حَلِیلَتِهِمَا فَإِنْ قَالُوا نَعَمْ فَکَذَبُوا وَ اللَّهِ وَ إِنْ قَالُوا لَا فَهُمَا وَ اللَّهِ ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ لِصُلْبِهِ وَ مَا حَرُمَتْ عَلَیْهِ إِلَّا لِلصُّلْبِ

بیان أقول إطلاق الابن و الولد علیهم کثیر و قد مضی الأخبار المفصلة فی باب احتجاج الرضا ع عند المأمون فی الإمامة و سیأتی فی احتجاج موسی بن جعفر ع مع خلفاء زمانه و لعل وجه الاحتجاج بالآیة الأخیرة هو اتفاقهم علی دخول ولد البنت فی هذه الآیة و الأصل فی الإطلاق الحقیقة أو أنهم یستدلون بهذه الآیة علی حرمة حلیلة ولد البنت و لا یتم إلا بکونه ولدا حقیقة للصلب و سیأتی تمام القول فی ذلک فی أبواب الخمس إن شاء الله

ترجمه: (۱) در کتاب احتجاج طبرسی از ابو الجارود روایت شده است که امام باقر علیه السّلام خطاب به او فرمود:

مردم در باره امام حسن و امام حسین چه می‌گویند؟

گفتم: انکار می‌کنند که حسنین علیهما السّلام فرزندان پیامبر خدا باشند.فرمود: شما چه دلیلی برای آنان می‌آورید؟

گفتم: به آیه قرآن در باره عیسی بن مریم که می‌فرماید: وَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ داوُدَ «۳»، تا آنجا که می‌فرماید: و کُلٌّ مِنَ الصَّالِحِینَ «۴». زیرا خداوند در این آیه حضرت عیسی را از فرزندان حضرت ابراهیم قرار داده است. نیز به آیه: فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ «۱». بر آنان استدلال می‌کنیم.

فرمود: آنان چه می‌گویند. گفتم: می‌گویند: گاهی می‌شود که فرزند دختر، فرزند می‌باشد. ولی از صلب انسان نخواهد بود.

راوی می‌گوید: حضرت باقر علیه السّلام به من فرمود: به خداوند سوگند دلیلی از قرآن می‌آورم که فرزندان زهرا از صلب پیغمبر خدایند، این دلیل را جز شخص کافر رد نخواهد کرد. گفتم: فدایت شوم از کجای قرآن؟

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

فرمود: این آیه که می‌فرماید: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهاتُكُمْ وَ بَناتُكُمْ «۲» تا آنجا که می‌فرماید: وَ حَلائِلُ أَبْنائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلابِكُمْ «۳». ای ابو الجارود! از ایشان جویا شو و بگو: آیا برای پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حلال بود که با زنان حضرات حسنین ازدواج نماید؟ اگر بگویند: آری، معلوم است که دروغ می‌گویند، و اگر بگویند: نه، پس ثابت می‌شود که ایشان فرزندان پیامبرند و به همین جهت زنان ایشان بر رسول خدا حرام بودند.

[متن عربی] ۵، ۲، ۳ ۳۸۲/ ۹- تفسیر القمی «۴» أَبِی عَنْ ظَرِیفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ لِی أَبُو جَعْفَرٍ یَا أَبَا الْجَارُودِ مَا یَقُولُونَ فِی الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ ع قُلْتُ یُنْکِرُونَ عَلَیْنَا أَنَّهُمَا ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ فَبِأَیِّ شَیْءٍ احْتَجَجْتُمْ عَلَیْهِمْ قُلْتُ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی عِیسَى بْنِ مَرْیَمَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ داوُدَ وَ سُلَیْمانَ إِلَى قَوْلِهِ وَ کَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ «۵» وَ جَعَلَ عِیسَى مِنْ ذُرِّیَّةِ إِبْرَاهِیمَ قَالَ فَأَیَّ شَیْءٍ قَالُوا لَکُمْ قُلْتُ قَالُوا قَدْ یَکُونُ وَلَدُ الِابْنَةِ مِنَ الْوَلَدِ وَ لَا یَکُونُ مِنَ الصُّلْبِ قَالَ فَبِأَیِّ شَیْءٍ احْتَجَجْتُمْ عَلَیْهِمْ قَالَ قُلْتُ احْتَجَجْنَا عَلَیْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ «۱» الْآیَةَ- قَالَ فَأَیَّ شَیْءٍ قَالُوا لَکُمْ قُلْتُ قَالُوا قَدْ یَکُونُ فِی کَلَامِ الْعَرَبِ ابنی رجل واحد فَیَقُولُ أَبْنَاؤُنَا وَ إِنَّمَا هُمَا ابْنُ [ابْنَا واحد قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ اللَّهِ یَا أَبَا الْجَارُودِ لَأُعْطِیَنَّکَهَا مِنْ کِتَابِ اللَّهِ تُسَمِّی لِصُلْبِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا یَرُدُّهَا إِلَّا کَافِرٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ أَیْنَ قَالَ حَیْثُ قَالَ اللَّهُ حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ أُمَّهاتُکُمْ وَ بَناتُکُمْ إِلَى أَنْ یَنْتَهِیَ إِلَى قَوْلِهِ وَ حَلائِلُ أَبْنائِکُمُ الَّذِینَ مِنْ أَصْلابِکُمْ «۲» فَسَلْهُمْ یَا أَبَا الْجَارُودِ هَلْ حَلَّ لِرَسُولِ اللَّهِ ص نِکَاحُ حَلِیلَتِهِمَا فَإِنْ قَالُوا نَعَمْ فَکَذَبُوا وَ اللَّهِ وَ فَجَرُوا وَ إِنْ قَالُوا لَا فَهُمَا وَ اللَّهِ ابْنَاهُ لِصُلْبِهِ وَ مَا حَرُمَتَا عَلَیْهِ إِلَّا لِلصُّلْبِ. - الکافی «۳» العدة عن البرقی عن الحسن بن ظریف عن عبد الصمد مثله

ترجمه: (۱) در تفسیر علی بن ابراهیم از ابو الجارود روایت می‌کند که گفت: حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام به من فرمود: این مردم در باره امام حسن و امام حسین علیهما السّلام چه می‌گویند؟ گفتم: منکر می‌شوند که ایشان فرزندان پیغمبر خدا باشند.

فرمود: شما برای این موضوع چه دلیلی می‌آورید؟ گفتم: به این آیه که خداوند در باره عیسی بن مریم می‌فرماید: وَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِ داوُدَ وَ سُلَیْمانَ «۴» تا آنجا که می‌فرماید: وَ کَذلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ «۵». زیرا خداوند حضرت عیسی را در این آیه از فرزندان حضرت ابراهیم معرفی نموده است.

حضرت باقر فرمود: آنان چه می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند: آری همین طور است که شما می‌گویید، ولی در عین حال ایشان فرزند صلبی نیستند.

فرمود: شما در جواب آنان چه گفتید؟ گفتم: به این آیه استدلال نمودم که خداوند می‌فرماید: فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ «۱».

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

فرمود: آنان چه گفتند؟ گفتم: می‌گویند: در کلام عرب گاهی به دو نفر فرزند که از یک نفر باشند می‌گویند: فرزندان ما، و ایشان فرزند یک نفرند.

حضرت باقر به من فرمود: به خداوند سوگند من از قرآن دلیلی برای تو می‌آورم و ثابت می‌کنم که آنان فرزندان صلبی پیامبر خدایند، و این دلیل را جز شخص کافر رد نخواهد کرد.گفتم: فدایت شوم از کجای قرآن؟

فرمود: آنجا که می‌فرماید: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهاتُكُمْ وَ بَناتُكُمْ «۲» تا آنجا که می‌فرماید: وَ حَلائِلُ أَبْنائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلابِكُمْ «۳».

ای ابو الجارود! تو از ایشان بپرس: آیا برای رسول خدا حلال بود که با زنان حضرات حسنین علیهما السّلام ازدواج نماید یا نه؟ اگر بگویند: آری، به خداوند سوگند که دروغ گفته‌اند و گناه کرده‌اند. و اگر بگویند: نه پس ثابت می‌شود که حسنین فرزندان صلبی رسول خدایند و بدین لحاظ است که زنان ایشان به پیغمبر خدا حرام بودند و ...

[متن عربی] ۱۵، ۲، ۳ ۳۸۳/ ۱۰- المناقب «۴» وَلَدَتِ الْحَسَنَ ع وَ لَهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ سَنَةً وَ أَوْلَادُهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمُحَسِّنُ سَقَطَ وَ فِي مَعَارِفِ الْقُتَيْبِيِّ أَنَّ مُحَسِّناً فَسَدَ مِنْ زَخْمِ قُنْفُذِ الْعَدَوِيِّ وَ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كُلْثُومٍ تَذْنِيبٌ - قَالَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ أَبِي الْحَدِيدِ فِي شَرْحِ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي بَعْضِ أَيَّامِ صِفِّينَ حِينَ رَأَى ابْنَهُ الْحَسَنَ ع يَتَسَرَّعُ إِلَى الْحَرْبِ أَمْلِكُوا عَنِّي هَذَا الْغُلَامَ لَا يَهُدَّنِي فَإِنِّي أَنْفَسُ بِهَذَيْنِ يَعْنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَنِ الْمَوْتِ لِئَلَّا يَنْقَطِعَ بِهِمَا نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ ص. فَإِنْ قُلْتَ أَ يَجُوزُ أَنْ يُقَالَ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ وُلْدِهِمَا أَبْنَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَ وُلْدُ رَسُولِ اللَّهِ وَ ذُرِّيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ نَعَمْ لِأَنَّ اللَّهَ سَمَّاهُمْ أَبْنَاءَهُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ «۱» وَ إِنَّمَا عَنَى الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ لَوْ أَوْصَى لِوُلْدِ فُلَانٍ بِمَالٍ دَخَلَ فِيهِ أَوْلَادُ الْبَنَاتِ وَ سَمَّى اللَّهُ تَعَالَى عِيسَى ذُرِّيَّةَ إِبْرَاهِيمَ وَ لَمْ يَخْتَلِفْ أَهْلُ اللُّغَةِ فِي أَنَّ وُلْدَ الْبَنَاتِ مِنْ نَسْلِ الرَّجُلِ.

فَإِنْ قُلْتَ فَمَا تَصْنَعُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى ما كانَ مُحَمَّدٌ أَبا أَحَدٍ مِنْ رِجالِكُمْ «۲» قُلْتُ أَسْأَلُكَ عَنْ أُبُوَّتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ مَارِيَةَ فَكُلَّمَا تُجِيبُ بِهِ عَنْ ذَلِكَ فَهُوَ جَوَابِي عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع وَ الْجَوَابُ الشَّامِلُ لِلْجَمِيعِ أَنَّهُ عَنَى زَيْدَ بْنَ الْحَارِثَةِ لِأَنَّ الْعَرَبَ كَانَتْ تَقُولُ زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَى عَادَتِهِمْ فِي تَبَنِّي الْعَبِيدِ فَأَبْطَلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ وَ نَهَى عَنْ سُنَّةِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ قَالَ إِنَّ مُحَمَّداً لَيْسَ أَباً لِوَاحِدٍ مِنَ الرِّجَالِ الْبَالِغِينَ الْمَعْرُوفِينَ بَيْنَكُمْ وَ ذَلِكَ لَا يَنْفِي كَوْنَهُ أَباً لِأَطْفَالٍ لَمْ يُطْلَقْ عَلَيْهِمْ لَفْظَةُ الرِّجَالِ كَإِبْرَاهِيمَ وَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ ع. أَقُولُ ثُمَّ ذَكَرَ بَعْضَ الِاعْتِرَاضَاتِ وَ الْأَجْوِبَةِ الَّتِي لَيْسَ هَذَا الْبَابُ مَوْضِعَ ذِكْرِهَا.

ترجمه: (۱) در کتاب مناقب آمده است: حضرت فاطمه زهرا دوازده ساله بود که امام حسن را زایید. فرزندان فاطمه علیها السّلام عبارتند از:۱- حسن، ۲- حسین، ۳- محسّن، (بضم میم و فتح حاء و سین با تشدید). ابن

قتیبه در کتاب معارف می‌نگارد: محسن از آن ضربتی که قنفذ به حضرت زهرا زد، سقط شد. ۴- زینب، ۵- امّ کلثوم.

ابن ابی الحدید در شرح خطبه‌ای می‌گوید: وقتی حضرت امیر در جنگ صفّین دید امام حسن به سرعت به جنگ می‌رود، فرمود: این پسر را در عقب من قرار دهید، زیرا من از مردن این دو پسر یعنی: حسن و حسین مضایقه دارم. اگر ایشان بمیرند نسل پیامبر خدا قطع خواهد شد. اگر بگویی: آیا جایز است که به حضرات حسنین و فرزندان ایشان گفته شود: فرزندان و ذرّیّه و نسل پیغمبر خدا؟ من می‌گویم: آری، زیرا منظور خدای علیم که در این آیه شریفه می‌فرماید: نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ «۱» حضرت حسن و حضرت حسین است.

(جواب دیگر اینکه:) اگر کسی وصیت کند: مالی را به فرزندان فلانی بدهید فرزندان دختری او هم داخل فرزندان وی خواهند بود.

دیگر اینکه: خداوند حضرت عیسی را از ذرّیّه حضرت ابراهیم قرار داده است.

دیگر اینکه: اهل لغت عرب در اینکه فرزند دختر از نسل مرد (یعنی پدر آن دختر) به شمار می‌روند اختلافی ندارند.

اگر بگویی: جواب این آیه را که خداوند می‌فرماید: «حضرت محمّد پدر هیچ یک از مردان شما نبود «۲»» من در جواب می‌گویم: تو در اینکه پیغمبر خدا پدر ابراهیم بن ماریه است چه می‌گویی؟ هر جوابی که در این باره بگویی من هم همان را در باره حضرت حسنین خواهم گفت: جوابی که شامل همه اینها بشود این است که: منظور از آیه سابق الذکر زید بن حارثه است.

زیرا رسم عرب در زمان جاهلیت این بود که غلام زر خرید را برای خود در حکم پسر می‌دانستند، لذا به زید بن حارثه هم می‌گفتند: زید بن محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم. بدین جهت خداوند این رسم را باطل کرد و فرمود:

حضرت محمّد پدر مردانی که بالغ و معروفند نیست.

این مطلب با اینکه آن بزرگوار پدر کودکانی از قبیل: ابراهیم و حسنین باشد منافاتی ندارد.

باب دهم موقوفات و صدقات حضرت فاطمه علیها السّلام

[متن عربی] ۶، ۱۴، ۱، ۱۵ ۳۸۴/ ۱- الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ صَدَقَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ صَدَقَةِ عَلِيٍّ ع فَقَالَ هِيَ لَنَا حَلَالٌ وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع جَعَلَتْ صَدَقَتَهَا لِبَنِي هَاشِمٍ وَ بَنِي الْمُطَّلِبِ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ترجمه: (۱) در کافی از ابو مریم روایت شده: از امام صادق در باره صدقات رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و علی علیه السّلام سؤال کردم، فرمود: آنها برای ما حلال است، همچنین صدقات فاطمه زهرا که برای بنی هاشم و بنی مطلب قرار داده است.

[متن عربی] ۵، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۳۸۵/ ۲- الکافی «۲» عَلِیٌّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَ لَا أُقْرِئُکَ وَصِیَّةَ فَاطِمَةَ قَالَ قُلْتُ بَلَی فَأَخْرَجَ حُقّاً أَوْ سَفَطاً فَأَخْرَجَ مِنْهُ کِتَاباً فَقَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ص أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعَةِ الْعَوَافِ وَ الدَّلَالِ وَ الْبُرْقَةِ وَ الْمَبِیتِ وَ الْحَسْنَی وَ الصَّافِیَةِ وَ مَا لِأُمِّ إِبْرَاهِیمَ إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ ع فَإِنْ مَضَی عَلِیٌّ فَإِلَی الْحَسَنِ فَإِنْ مَضَی الْحَسَنُ فَإِلَی الْحُسَیْنِ فَإِنْ مَضَی الْحُسَیْنُ فَإِلَی الْأَکْبَرِ مِنْ وُلْدِی شَهِدَ اللَّهُ عَلَی ذَلِکَ وَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ الزُّبَیْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَ کَتَبَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع - الکافی عَلِیٌّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ مِثْلَهُ وَ لَمْ یَذْکُرْ حُقّاً وَ لَا سَفَطاً وَ قَالَ إِلَی الْأَکْبَرِ مِنْ وُلْدِی دُونَ وُلْدِکَ

ترجمه: (۱) در کافی از امام باقر علیه السّلام روایت شده که به ابو بصیر فرمود: آیا وصیت فاطمه علیها السّلام را برایت بخوانم؟ ابو بصیر گفت: آری. آن حضرت از حقّه‌ای نوشته‌ای بیرون آورد و خواند:

بسم الله الرحمن الرحیم، این وصیت نامه فاطمه دختر پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای علی بن ابی طالب علیه السّلام است:

بستانها و مزرعه‌های هفتگانه‌ام را که عبارتند از: عواف، دلال، برقه، مبیت، حسنی، صافیه و مزرعه امّ ابراهیم همه در اختیار علی است و پس از او در اختیار حسن و سپس حسین و پس از او بزرگترین فرزندانم متولّی آنها خواهند بود.

بر این وصیت نامه مقداد و زبیر را شاهد می‌گیرم. نویسنده وصیتنامه: علی بن ابی طالب.

[متن عربی] ۶، ۱۵، ۱، ۲، ۳ ۳۸۶/ ۳- الکافی «۱» عَلِیٌّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَ لَا أُقْرِئُکَ وَصِیَّةَ فَاطِمَةَ قُلْتُ بَلَی قَالَ فَأَخْرَجَ إِلَیَّ صَحِیفَةً هَذَا مَا عَهِدَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص فِی أَمْوَالِهَا إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ فَإِنْ مَاتَ فَإِلَی الْحَسَنِ فَإِنْ مَاتَ فَإِلَی الْحُسَیْنِ فَإِنْ مَاتَ فَإِلَی الْأَکْبَرِ مِنْ وُلْدِی دُونَ وُلْدِکَ- الدَّلَالُ وَ الْعَوَافُ وَ الْمَبِیتُ وَ الْبُرْقَةُ وَ الْحَسْنَی وَ الصَّافِیَةُ وَ مَا لِأُمِّ إِبْرَاهِیمَ شَهِدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی ذَلِکَ وَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ الزُّبَیْرُ بْنُ الْعَوَّامِ «۲»

۶، ۱۴ ۳۸۷/ ۴- الکافی «۳» عَلِیٌّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی یَحْیَی الْمُزَنِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الْمَبِیتُ هُوَ الَّذِی کَاتَبَ عَلَیْهِ سَلْمَانُ فَأَفَاءَهُ اللَّهُ عَلَی رَسُولِهِ فَهُوَ فِی صَدَقَتِهَا

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ترجمه: (۱) در کافی آمده که مبیت «۱» همانی است که سلمان به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هدیه کرد و خداوند آن را جزو اموال رسول خدا قرار داد و آن از صدقات حضرت فاطمه است.

[متن عربی] ۸، ۱۴، ۱۵، ۱ ۳۸۸/ ۵- الکافی «۲» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْحِيطَانِ السَّبْعَةِ الَّتِي كَانَتْ مِيرَاثَ رَسُولِ اللَّهِ ص لِفَاطِمَةَ ع فَقَالَ إِنَّمَا كَانَتْ وَقْفاً فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَأْخُذُ إِلَيْهِ مِنْهَا مَا يُنْفِقُ عَلَى أَضْيَافِهِ وَ النَّابِعَةُ تَلْزَمُهُ فِيهَا فَلَمَّا قُبِضَ جَاءَ الْعَبَّاسُ يُخَاصِمُ فَاطِمَةَ فِيهَا فَشَهِدَ عَلِيٌّ وَ غَيْرُهُ أَنَّهَا وَقْفٌ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَ هِيَ الدَّلَالُ وَ الْعَوَافُ وَ الْحَسْنَى وَ الصَّافِيَةُ وَ مَا لِأُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَ الْمَبِيتُ وَ الْبُرْقَةُ

ترجمه: (۲) و در کتاب کافی از احمد بن محمّد روایت شده که گفت: از امام ابو الحسن ثانی در باره حوائط سبعه سؤال کردم که آیا آنها ارث رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای فاطمه علیها السّلام بوده است؟ فرمود: آنها وقف بودند و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از محل در آمد آنها مخارج مهمانهای خود را تأمین می‌کرد و هنگامی که رحلت نمود عبّاس عموی پیامبر در باره آنها با حضرت فاطمه به خصومت پرداخت و حضرت علی علیه السّلام و سایرین شهادت دادند که آنها وقف حضرت فاطمه علیها السّلام بوده است و آنها عبارتند از:

دلال، عواف، حسنی، صافیه، مال امّ ابراهیم، مبیت و برقه.

در بیان تعداد قلیلی از مصادر حدیث کساء و شأن نزول آیه تطهیر، که اثبات عصمت پنج تن آل کساء را می‌نماید.

نویسنده و محقّق این اثر به کمک این آیه عصمت حضرت فاطمه علیها السّلام را در رساله‌ای مستقل به نام عصمت حضرت فاطمه علیها السّلام در آیه تطهیر و حدیث کساء از بیش از یک هزار و سیصد عنوان کتاب اثبات نموده است ولی با برخورد به کتابهای فراوانی که در این زمینه نوشته شده از انتشار آن خودداری کرده است.

یکی از اساسی‌ترین فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السّلام بعد عبادی شخصیت آن حضرت و اوج ایمان اوست. در این بخش از کتاب مقاله کوتاهی در باره این دو بعد از شخصیت ایشان را مطالعه خواهید کرد. این نوشته رساله مستقلّی است که نگارنده در سال ۱۳۷۴ نوشته ولی خلاصه‌ای از آن را به عنوان یکی از مهمترین مناقب و ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه علیها السّلام در این بخش نقل می‌نماید.

فهرست محتویات

فصل اوّل: ایمان و یقین حضرت فاطمه علیها السّلام

فصل دوم: شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السّلام

فصل سوم: برخی از خصوصیات نمازها و عبادتهای حضرت فاطمه علیها السّلام

فصل چهارم: آشنایی با برخی از نمازهای حضرت فاطمه علیها السّلام ۱- خلاصه ۲- نمازهای دو رکعتی ۳- نمازهای چهار رکعتی ۴- سایر نمازها ۵- نماز توسل و استغاثه به حضرت فاطمه علیها السّلام

فصل پنجم: آشنایی با تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام و اقسام آن

فصل ششم: آشنایی با برخی حرزها و تعویذهای حضرت فاطمه علیها السّلام فصل هفتم: آشنایی با برخی دعاهای حضرت فاطمه علیها السّلام مصادر و منابع تحقیق و تعلیق

فصل اوّل ایمان و یقین حضرت فاطمه علیها السّلام

رسول گرامی اسلام در باره دخترش حضرت فاطمه علیها السّلام می‌گوید: إنّ ابنتی فاطمة ملأ اللّه قلبها و جوارحها إیمانا و یقینا إلی مشاشها. «۱» (۱) ترجمه: به تحقیق دخترم فاطمه، قلب و تمام جوارحش مملوّ از ایمان و یقین گشته، به طوری که بالاتر از آن مرتبه، ایمان و یقینی قابل تصوّر نیست. در تفسیر و توضیح این حدیث شریف به چند نکته مهم باید توجه داشته باشیم:

۱- ایمان دارای دو مرتبه است: اوّل: ایمان قلبی دوم: ایمان عملی

ایمان قلبی و باطنی آن است که در درون انسان پدید می‌آید و از آن با تعبیراتی چون اعتقاد، باور درونی و معرفت یاد می‌شود.

وجود ایمان و باور درونی از ضروریات زندگی بشر است به طوری که تصوّر این امر که فردی بدون اعتقاد و باور قلبی وجود داشته باشد مستحیل و غیر قابل قبول می‌نماید.

می‌دانیم که خداوند متعال از اهل اسلام اعتقاد و باور درونی نسبت به امور ضروری «۱» مانند وجود خداوند، پیامبران، روز حساب و بسیاری امور دیگر را خواسته است امّا وجود منحصر اعتقاد قلبی را برای یک مسلمان کافی نمی‌داند و از او می‌خواهد که ایمان باطنی خود را با عمل توأم نماید.

پیامبر گرامی اسلام در این مورد فرماید: الإیمان ما خلص فی القلب و صدّقته الأعمال. «۱» (۱) ترجمه: ایمان آن است که در قلب ایجاد شود و عمل انسان بر اساس آن انجام پذیرد. یعنی ایمانی که فقط در باطن انسان جای گیرد و عمل انسان را تحت تأثیر خود قرار ندهد، آن ایمان حقیقی نبوده و مقبول حق تعالی قرار نمی‌گیرد.

علی علیه السّلام در تعریف ایمان می‌فرماید: الإیمان إقرار باللّسان و معرفة بالقلب و عمل بالأرکان. «۲» (۲) ترجمه: ایمان قلبی عبارت از اقرار در زبان، باور داشتن در قلب، و عمل کردن بر اساس آن است. از همین روست که در جای دیگر می‌فرماید: الإیمان و العمل أخوان توأمان و رفیقان لا یفترقان، لا یقبل اللّه أحدهما إلّا بصاحبه. «۱» (۱) ترجمه: ایمان و عمل چون دو برادر به هم پیوسته‌اند و از یک دیگر جدایی نمی‌پذیرند، و

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

خداوند عزّ و جلّ هیچ یک از آنها را به تنهایی نمی‌پذیرد و هر دو را با هم می‌خواهد. و امام صادق علیه السّلام می‌فرماید:

الإیمان عمل کلّه. «۲» (۲) ترجمه: تمام ایمان عمل است و چیزی که در آن عمل نباشد ایمان نیست. حال به حدیث رسول گرامی اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در باره حضرت فاطمه بازمی‌گردیم و درمی‌یابیم که ایمان فاطمه علیها السّلام نه صرفا ایمان قلبی است که در حدّ یک باور و اعتقاد درونی باشد و اعمال او تحت تأثیر شرایط، محیط، عادت، تربیت و ...، و نه صرفا جنبه فعلی و عملی دارد بلکه رسول خدا در باره ایمان وی می‌گوید:

... ملأ اللّه قلبها و جوارحها إیمانا و یقینا ....

(۳) خداوند قلب و عمل او را مملوّ از ایمان کرده است. ۲- ایمان فزونی و کاستی می‌پذیرد:

امام صادق علیه السّلام در این مورد فرماید:

الإیمان حالات و درجات و طبقات و منازل. «۳» (۴) ترجمه: ایمان دارای حالات مختلف، درجات متعدد، طبقات و منازل متفاوت است. و نیز فرموده است:

إنّ المؤمنین بعضهم أفضل من بعض. «۴» (۵) ترجمه: اشخاص دارای ایمان از نظر ایمانی برخی بر برخی دیگر برتری دارند. پیامبر اسلام در این زمینه فرموده است:

الإیمان یزید و ینقص. «۱» (۱) ترجمه: ایمان زیادت پذیر و کاستی پذیر است. و از این روایات معلوم می‌گردد که تحت تأثیر برخی علل و عوامل، ایمان انسان قوی یا ضعیف می‌گردد تا آنجا که در برخی به اوج می‌رود و به مرتبه «یقین» می‌رسد و یا چنان حضیض می‌پذیرد که کفر، شرک یا نفاق جایگزین آن می‌شود.

گاهی نیز چنین است که ایمان در مدارج پایین‌تر قرار می‌گیرد، و همان تحت تأثیر عواملی ممکن است اوج گرفته و در درجات بالاتر استقرار می‌یابد.

امّا فاطمه علیها السّلام چه در زمان حیات پیامبر و چه در مدّت کوتاه زندگانیش پس از رحلت او، از ایمانی در اوج برخوردار بود و از این رهگذر است که رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در باره او فرمود:

... ملأ اللّه قلبها و جوارحها ایمانا و یقینا إلی مشاشها.

(۲) ترجمه: .... قلب و اعضاء و جوارح فاطمه از یقین او مملوّ گردیده و او در اوج مراتب ایمان و یقین قرار گرفته است. ۳- امام علی علیه السّلام فرماید:

غایة الایمان الإیقان. «۲» (۳) ترجمه: نهایت ایمان یقین است. یعنی اگر ایمان در وجود انسان راسخ گردید و به واسطه «عمل آگاهانه» تثبیت شد، «۳» دارنده آن به مقام یقین که بالاترین رتبه ایمان است دست می‌یابد.

و یقین چیزی است که در دنیا بالاتر از آن را نمی‌توان کسب کرد، رسول بزرگوار اسلام در این مورد فرموده است:

خیر ما القی فی القلب الیقین. «۱» (۱) ترجمه: برترین چیزی که در قلب انسان نهاده می‌شود یقین است. و آن که به درک مرتبه یقین توفیق یافت نجات می‌یابد و رستگار می‌شود:

بالیقین تدرک الغایة القصوی. «۲» (۲) ترجمه: با یقین «غایت قصوی» به دست می‌آید. علی علیه السّلام در این باره می‌فرماید: من أیقن أفلح. «۳» (۳) ترجمه: هر که به مرتبه یقین رسید رستگار می‌شود و نجات می‌یابد. آری، ایمان فاطمه علیها السّلام به اوج خود رسیده بود تا آنجا که مرتبه یقین را ادراک کرده، و در یقین نیز از آن جهت که دارای مراتب و درجاتی است، در برترین منزل قرار گرفته بود، از این روست که پیامبر اسلام در باره او فرمود:

ملأ اللّه قلبها و جوارحها ایمانا و یقینا إلی مشاشها.

فاطمه به مقامی رسیده که بالاتر از آن متصوّر نیست، ایمان به خداوند و روز رستاخیز چنان سراسر وجود مبارک دختر پیامبر را در بر گرفته بود که در میان زنان زمان خود و پس از او هیچ زنی نبوده که همتا و همپای او باشد و در میان تمام زنان جهان در طول دوران هستی فقط سه زن توانسته بودند به مقامات بسیار والایی نایل شوند- مریم و مادر بزرگوار فاطمه حضرت خدیجه علیها السّلام و آسیه همسر فرعون. «۴» تمام وجود فاطمه علیها السّلام در ذات ربوبی ذوب گردیده بود و جز وجه پروردگار و لقای الهی چیز دیگری نظر او را به خود جلب نمی‌کرد، هنگامی که پیامبر از او در باره کمبود و نیازهایش می‌پرسد جوابی می‌دهد که برای ما تکان دهنده است، می‌گوید:

شغلنی عن مسألته لذّة خدمته، لا حاجة لی غیر النّظر إلی وجهه الکریم.

(۱) ترجمه: لذّتی که از بودن در محضر حضرت حق نصیب من می‌گردد چنان مرا در خود غرقه می‌نماید که از هر خواهش و حاجتی غافل و بی‌نیاز می‌گردم، و شوق وصال او همه نیازها را و کاستی‌ها را از یادم می‌برد و مرا جز به تماشای وجه مقام ربوبی به چیزی دیگر فرصت نمی‌دهد. آری! عشق و ایمان فاطمه به خدایش چنان عمیق و ریشه‌دار بود که پس از یک کار سخت روزانه، تمام شب را بیدار می‌ماند و به راز و نیاز با محبوب سپری می‌نمود و آنقدر در محراب عبادت بر پای می‌ایستاد و دعا می‌کرد که پاهایش تاول می‌زد.

تازه عروسان را دیده‌اید که چگونه در شبها و روزهای اوّل زندگی، بلکه تا هفته‌ها و ماهها، سبکبال و بی‌خیال پا در خانه همسر می‌گذارند و ایّام متمادی را به شادمانی و خوشی سپری می‌سازند، امّا ایمان فاطمه چنان است که

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

در اوّلین شب زندگانی مشترکش با علی علیه السّلام اشک او را جاری می‌سازد و در مقابل سؤال همسرش پاسخ می‌دهد:

ورود امروز من به خانه تو، مرا به یاد منزلگاه بعد از این، و به یاد ورود در قیامت افکنده است و اینکه در آن روز باید قیام کنم و به سؤالات ربوبی پاسخ گویم.

فاطمه علیها السّلام از چنین ایمانی برخوردار بود که شایستگی آن را پیدا کرده بود که پدرش در باره وی بگوید:

اشتاقت الجنّة إلی أربع من النّساء: مریم و آسیة و خدیجة و فاطمة. «۱» (۱) ترجمه: بهشت مشتاق چهار زن است: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. و یا آنکه بگوید: فاطمة سیّدة نساء هذه الامّة. «۲»

(۱) ترجمه: فاطمه سرور زنان این امّت و برترین آنهاست. یا بگوید:

ابنتی فاطمة سیّدة نساء العالمین. «۱» (۲) ترجمه: دخترم فاطمه سرور زنان دو عالم و برترین آنهاست. یا آنکه بگوید: إنّ اللّه لیغضب لغضب فاطمة و یرضی لرضاها. «۲»

(۱) ترجمه: همانا خداوند غضب می‌کند به سبب غضب و خشم فاطمه، و راضی می‌شود به سبب رضا و خشنودی او.

فصل دوم شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السّلام

حسن بصری (متوفی به سال ۱۱۰ ه) گوید: ما کان فی هذه الامّة أعبد من فاطمة، کانت تقوم حتّی تورّم قدماها. «۱» (۱) ترجمه: در بین امّت اسلام، هیچ کس عابدتر از فاطمه نبود، او آنقدر برای راز و نیاز و نماز خواندن بر روی پاهایش می‌ایستاد که پاهایش ورم کرده تاول می‌زد. این روایت میزان علاقه حضرت فاطمه را به مقام ربوبی، و درجه ایمان و خلوص یقین او را بطور کامل نمایان می‌سازد، و از سوی دیگر جلوه‌ای از شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السّلام را به نمایش می‌گذارد.

فرزند بزرگوار حضرت فاطمه، امام حسن مجتبی علیه السّلام در این مورد گوید:

رأیت امّی فاطمة علیها السّلام قامت فی محرابها لیلة جمعتها، فلم تزل راکعة ساجدة حتّی اتّضح عمود الصّبح. «۱» (۱) ترجمه: مادرم فاطمه علیها السّلام را دیدم که در شب جمعه از بستر خویش جدا شده تا طلوع خورشید مشغول عبادت، و راز و نیاز با پروردگار بود و لحظه‌ای از رکوع و سجود دست برنمی‌داشت. او آنقدر به عبادت پروردگارش علاقمند و وابسته است که در شب اوّل زندگانی مشترکش با علی علیه السّلام او را به عبادت و نمازگزاری فرا می‌خواند و سه روز بعد که پیامبر از علی علیه السّلام می‌پرسد که فاطمه چگونه همسری است، پاسخ می‌دهد:

نعم العون علی طاعة اللّه. «۲» (۲) ترجمه: او بسیار مددکار و یاری‌کننده به عبادت و طاعت خداوندست. اساسا راز عزّت و سربلندی حضرت فاطمه را باید در مقام عرفانی و عبادی او جستجو کرد، او با وجود اینکه سنّش کم و جوان ولی در عرفان و عبادت پیری بود که جز لقای ربوبی چیزی او را راضی نمی‌ساخت، و از همین روست که در دعاهایش می‌گفت: اللّهمّ إنّی أسألک لذّة النّظر إلی وجهک.

(۱) ترجمه: خداوندا! از تو می‌خواهم که همواره لذّت نظر به وجه خود را نصیب من فرمایی. آری، فاطمه، به تمامی عاشق و شیدای خدای خویش است و او را با همه ذرّات وجودش می‌پرستد و لذا أعبد النّاس می‌گردد.

سؤالی که وجود دارد این است که چرا فاطمه به این مقام می‌رسد؟

نگارنده را نظر بر این است که در تحقیق شخصیت هر فرد انسانی، امور ذیل تأثیری انکار ناپذیر دارند:

۱- امور تکوینی ۲- شخصیت و افکار پدر و مادر در زمان نطفه فرزند و روحیّه آنها ۳- روح و رفتار مادر در دوران بارداری ۴- تربیت ۵- انتخاب شخصی

از جهت تکوینی، در عالم ذرّ، نور فاطمه از نور پدر و از شجره طوبی «۱» و نطفه او از میوه‌های درختان بهشتی که خداوند متعال آنها را توسط جبرئیل برای پیامبر تحفه فرستاده است. «۲» از جهت امور غیر تکوینی، نیز ضرورت ندارد که سخنی به درازا گفته شود، فقط همین مقدار کافی است که بگویم:

فاطمه دختر خدیجه و محمّد است، خدیجه که یکی از «چهار زن برتر در جهان» است و خداوند ربوبی به او مباهات می‌نماید، و محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که برترین پیامبر الهی و خاتم ایشان است، و فاطمه در دامان چنین پدر و مادری پای بر عرصه گیتی می‌گذارد و پرورش می‌یابد.

او از همان روز اوّل که چشمش گشوده می‌شود و گوشش شنوا می‌گردد و عرفان پدر و مادرش را می‌بیند، و در هر روز و شب عبادت خالصانه و تضرّع آنها را به درگاه ربوبی مشاهده می‌کند، و پدر را می‌بیند که در میان شب برمی‌خیزد و ساعتهای متمادی با خدای جهانیان به راز و نیاز می‌پردازد، و ....

و هنگامی که قوّه درک این کودک به کمال می‌رسد ادراک می‌کند که آنچه از پدر و مادر خود می‌بینند و می‌شنود و آنچه پیامبر به آن عمل می‌کند و توصیه می‌نماید حقّ حقیقی است که از عمق جان برمی‌خیزد و در عمق دلها نفوذ می‌کند، پس جز آن را بر خود نمی‌پسندد و پای در جای پای پدر می‌نهد، و از این روست که فاطمه، فاطمه می‌شود و لیاقت آن را پیدا می‌کند که سیّدة نساء العالمین من الأوّلین و الآخرین خوانده شود.

پس بنا بر عوامل تکوینی و تربیتی و خواست آگاهانه فاطمه است که او را شخصیتی متکامل و برخوردار از همه صفات عالی، از آن جمله: زهد، ورع، عرفان و عبادت به بار می‌آورد و الگوی کسانی می‌سازد که می‌خواهند مقام واقعی انسانیت را بشناسند و چنان باشند.

فصل سوم برخی از خصوصیات نمازها و عبادتهای حضرت فاطمه علیها السّلام

اوّل یکی از خصوصیات ویژه در نماز و عبادت حضرت فاطمه علیها السّلام خوف و خشیت وی بوده است.

ابو محمّد دیلمی در ارشاد القلوب روایتی را در این باره نقل نموده و گوید:

و روی: کانت فاطمة تنهج فی صلواتها من خوف اللّه. «۱» (۱) ترجمه: و روایت شده که حضرت فاطمه به هنگام نماز نفسش به شماره می‌افتاد. سبب این حالت که در نماز و دعا برای فاطمه علیها السّلام پیش می‌آمد «خوف و خشیت» وی از حضرت باری تعالی بوده است.

ممکن است پرسیده شود که: «خوف از چه چیزی؟»، مگر حضرت فاطمه معصوم نبوده و آیه تطهیر در شأن او نازل نشده است؟ پس کسی که خداوند او را از معاصی و پلیدی‌ها تطهیر نموده و گناهی از او صادر نمی‌شود چرا باید خائف و ترسان باشد؟ در پاسخ گوییم:

خوف اسباب متعدد دارد، گاهی به سبب گناه و سوء عمل است و اینکه فردی می‌داند در محضر کسی ایستاده که او را به دلیل گناهش مجازات خواهد کرد، و گاهی منشأ خوف اطلاع و یقین نسبت به نقص خود و کمال معبود است، و ناقص وقتی خود را در محضر کامل بیند البته نفسش به شماره می‌افتد، رنگش متغیّر می‌شود و حتّی غش به او دست می‌دهد.

در روایتی آمده است: کان أمیر المؤمنین إذا أخذ بالوضوء یتغیّر وجهه من خیفة اللّه.

(۱) ترجمه: علی علیه السّلام هر گاه وضو می‌ساخت، رنگ چهره‌اش از خوف الهی تغییر می‌کرد. و در روایت دیگری آمده است:

امام حسن مجتبی علیه السّلام هر گاه سجده شکر به جای می‌آورد از خشیت و خوف مقام ربوبی حالت غش به او دست می‌داد.

و در روایت دیگر، در باره امام حسن علیه السّلام آمده است: امام وقتی از وضو فارغ می‌گردید رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد، هنگامی که از وی در باره علّت این حالت سؤال کردند، فرمود: حق آن است که وقتی در برابر کسی چون او (پروردگار عالمیان) می‌ایستیم رنگ از چهره ما پریده باشد.

و شبیه این روایات را در باره سایر امامان شیعه و صدّیقین نیز نقل نموده‌اند، در روایتی آمده است که از امام سجّاد علیه السّلام پرسیدند: چرا وقتی برای وضو حاضر می‌شوید رنگ چهره شما زرد می‌گردد؟ فرمود:

چه می‌دانید که به حضور چه کسی می‌روم! بنا بر این معلوم می‌شود که علّت خوف و خشیت حضرت فاطمه علیها السّلام معرفت تمام نسبت به خداوند متعال می‌باشد.

حال اگر کسی بگوید: جایگاه خوف و خشیت در قلب است؟ گوییم: امام مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السّلام در این باره گوید:

بنده خداوند طعم ایمان را وقتی می‌چشد که دارای خوف و رجا باشد و اگر خوف و رجای او صحیح و کامل باشد، اثر آن، در جسد و عمل مؤمن دیده می‌شود.

دوم امام حسن مجتبی علیه السّلام در باره چگونگی دعا کردن مادرش حضرت فاطمه علیها السّلام گوید:

کانت فاطمة إذا دعت تدعو للمؤمنین و المؤمنات و لا تدعو لنفسها، فقلت لها: یا امّاه لم لا تدعین لنفسک کما تدعین لغیرک؟

فقالت: یا بنیّ! الجار ثمّ الدّار. «۱» (۱) ترجمه: فاطمه علیها السّلام هر گاه دعا می‌کرد زنان و مردان مؤمن را دعا می‌نمود و برای خود دعایی نمی‌کرد، به او گفتم:

ای مادر! چرا همان طور که برای آنها دعا می‌کنی، برای خود دعا نمی‌کنی؟

فرمود: فرزندم! اوّل همسایه بعد خودت.

سوم یکی دیگر از خصوصیات عبادت حضرت فاطمه علیها السّلام مراقبت بر اوقات مخصوصه بود،

برای مثال روزی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به دخترش فرمود:

در روز جمعه ساعتی وجود دارد که هر کس در آن ساعت چیزی را از خداوند بخواهد، عطایش می‌نماید.

حضرت فاطمه از پدرش در باره این ساعت پرسید و پیامبر فرمود: آن هنگامی است که نصف خورشید غروب کرده و نیمه دیگر آن نمایان است. هنگامی که فاطمه علیها السّلام این سخن را شنید به یکی از خدمتکاران خود فرمود که به هنگام غروب خورشید در روز جمعه مراقبت نماید، و هر گاه مشاهده کرد که نیمی از خورشید غروب کرده وی را مطّلع نماید، و چون از این موضوع اطّلاع پیدا می‌کرد به دعا و راز و نیاز با خداوند می‌پرداخت.

مراقبت بر اوقات خاصّه اختصاص به شخص فاطمه علیها السّلام نداشته بلکه در روایتی آمده که آن بانو می‌فرماید:

ما در شب قدر بچه‌هایمان را بیدار نگاه می‌داشتیم- آنها را روزها می‌خوابانیدیم تا بتوانند در این شبها بیدار باشند- تا از برکات لیلة القدر بهره‌مند شوند.

شما خواننده گرامی در فصلهای بعدی این نوشته، با ابعاد دیگری از شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السّلام آشنا خواهید شد.

فصل چهارم آشنایی با برخی از نمازهای حضرت فاطمه علیها السّلام

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

کثرت ارتباط حضرت فاطمه علیها السّلام با خداوند متعال به روشهای مختلف، که نماز یکی از مهمترین آنها می‌باشد، بزرگترین فضیلت برای دختر گرامی پیامبر اسلام صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشد.

تنوّع نمازهای حضرت فاطمه علیها السّلام و اشتیاق ایشان در به جای آوردن این نمازهای مستحبّی، که فقط برخی از آنها در ضمن روایات به دست ما رسیده است، نشانگر شوق و وفور علاقه آن حضرت به مقام ربوبی است. او با به جای آوردن این نمازها آرامش خود را به دست می‌آورد و خود را هر چه بیشتر به خداوند متعال نزدیک می‌نمود.

نگارنده رساله مستقلی تحت عنوان شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السّلام و نمازهای او به رشته تحریر درآورده، اعراب‌گذاری و ترجمه کرده و به زودی در اختیار خوانندگان عزیز قرار خواهد داد، آنچه در اینجا می‌خوانید خلاصه‌ای از آن نوشته است.

۱- خلاصه

۲- دو رکعت نماز که آن حضرت در روزهای جمعه ماه رمضان به جای می‌آورده است. «۱» ۲- دو رکعت نماز که آن حضرت به هنگام بروز مشکلات بزرگ به جای می‌آورده است. «۲»

۳- دو رکعت نماز که آن حضرت آن را از جبرئیل آموخته بود و در رکعت اوّل آن حمد و صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم یک بار حمد و صد مرتبه سوره توحید را به جای می‌آورد و سپس یکی از تسبیحات مخصوص به خود یعنی سبحان ذی العزّ ... تا آخر قرائت می‌نمود. «۱» ۴- دو رکعت نماز که آن حضرت و علی علیهما السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آموختند. «۲» ۵- دو رکعت نماز که حضرت فاطمه علیها السّلام آن را در هنگام خوف و مواجهه با مشکلات به جای می‌آورد و این نماز دارای تعقیبی طولانی است که ابتدای آن چنین می‌باشد: اللّهم إنّی أتوجّه إلیک ... تا آخر. «۳» ۶- چهار رکعت نماز که در هر رکعت آن بعد از حمد، پنجاه مرتبه سوره قل هو اللّه احد را به جای می‌آورد. «۴» ۷- چهار رکعت نماز که آن حضرت در شبهای جمعه به جای می‌آورده است. «۱» ۸- چهار رکعت نماز که آن حضرت در صبح جمعه به جای می‌آورده و آن، دو نماز دو رکعتی است و تفصیل آن در منابع مربوطه آمده است و ما نیز در کتاب نمازهای حضرت فاطمه علیها السّلام «۲» چگونگی این نماز و سایر نمازهای آن حضرت را به طور مستند ذکر کرده‌ایم. «۳» ۹- شش رکعت نماز مخصوص آن حضرت برای شبهای چهار شنبه. «۴» ۱۰- بیست رکعت نماز آن حضرت برای آخر شبهای شنبه در ماه رمضان. «۵» ۲- نمازهای دو رکعتی حضرت فاطمه علیها السّلام دو رکعت نماز برای روزهای جمعه در ماه رمضان

قال الشیخ المفید «۱»: صلاة فاطمة علیها السّلام رکعتان فی کلّ جمعة من رمضان «۲». «۳»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

(۱) ترجمه: شیخ مفید رحمه اللّه گوید: نماز حضرت فاطمه علیها السّلام در روزهای جمعه ماه رمضان، دو رکعت است.

دو رکعت نماز برای حلّ مشکلات بزرگ

قال الصّادق علیه السّلام: للأمر المخوف العظیم رکعتان، و هی الّتی کانت الزّهراء علیها السّلام تصلّیها: تقرأ فی الرّکعة الأولی الحمد مرّة، و خمسین مرّة قل هو اللّه أحد، و فی الثّانیة مثل ذلک، فإذا سلّمت صلّیت علی النّبیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مائة مرّة. «۱» (۲) ترجمه: امام صادق علیه السّلام فرماید: هر گاه مشکل بزرگی بروز کرد دو رکعت نماز به جای می‌آوری، و این نمازی بوده که حضرت زهرا علیها السّلام به جای می‌آورده، در رکعت اوّل یک بار حمد و پنجاه بار سوره قل هو اللّه احد خوانده و در رکعت دوم نیز همین طور، و بعد از سلام نماز صد بار بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم صلوات می‌فرستی.

دو رکعت نماز به روایت دیگر

قال السید علی بن طاوس رحمه اللّه: صلاة فاطمة علیها السّلام رکعتان: تقرأ فی کلّ رکعة «الحمد» مرّة، و «قل هو اللّه أحد» ستّین مرّة. «۱» (۱) ترجمه: سیّد علیّ بن طاوس گوید: نماز حضرت فاطمه علیها السّلام دو رکعت است که در هر رکعت پس از سوره حمد شصت مرتبه سوره قل هو اللّه احد خوانده می‌شود.

نماز دیگر: قال الصّادق علیه السّلام: کانت لامّی فاطمة علیها السّلام رکعتان تصلّیها علّمها جبرئیل. تقرأ فی الاولی «الحمد» مرّة و «إنّا أنزلناه فی لیلة القدر» مائة مرّة، فی الثّانیة «الحمد» مرّة و مائة مرّة «قل هو اللّه أحد» فإذا سلّمت سبّحت التّسبیح و هو: سبحان ذی العزّ الشّامخ المنیف، سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم، سبحان ذی الملک الفاخر القدیم، سبحان من لبس البهجة و الجمال، سبحان من تردّی بالنّور و الوقار، سبحان من یری أثر النّمل فی الصّفا، سبحان من یری وقع الطّیر فی الهواء، سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره. «۲»

(۱) ترجمه: امام صادق علیه السّلام فرماید: مادرم فاطمه علیها السّلام دو رکعت نماز به جای می‌آورد که جبرئیل به او آموخته بود و در رکعت اوّل آن یک بار سوره حمد و صد بار سوره إنّا أنزلنا فی لیلة القدر، و در رکعت دوم نیز یک بار حمد و صد مرتبه سوره قل هو اللّه احد را قرائت می‌کرد، سپس بعد از اتمام نماز این تسبیح را تلاوت می‌نمود: پاک و منزّه است او که دارنده عزّت، بلندی مرتبه و مقام رفیع است، پاک و منزّه است او که دارنده عظمت و بزرگی می‌باشد، پاک و منزّه است او که حکومت مطلق جاوید برای اوست، پاک و منزّه است او که لباس بهجت و زیبایی بر تن کرده، پاک و منزّه است او که جامه نور و وقار بر تن پوشیده است، پاک و منزّه است او که اثر پای مورچه را بر سنگ صاف می‌بیند، پاک و منزّه است خدایی که چگونگی پرواز پرنده را در هوا مشاهده می‌کند، پاک و منزّه است خداوندی که این چنین است و کسی چون او نمی‌باشد.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

نماز دیگر

قال الصّادق علیه السّلام: کانت لامّی فاطمة علیها السّلام صلاة تصلّیها علّمها جبرئیل: رکعتان: تقرأ فی الاولی «الحمد» مرّة و «إنّا أنزلناه فی لیلة القدر» مائة مرّة، فی الثّانیة «الحمد» مرّة و مائة مرّة «قل هو اللّه أحد» فإذا سلّمت سجّت تسبیح الطّاهرة علیها السّلام و هو:

سبحان ذی العزّ الشامخ المنیف، سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم، سبحان ذی الملک الفاخر القدیم، سبحان من لیس البهجة و الجمال، سبحان من تردّی بالنّور و الوقار، سبحان من یری أثر النّمل فی الصّفا، سبحان من یری وقع الطّیر فی الهواء، سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره.

و ینبغی لمن صلّی هذه الصّلاة و فرغ من التّسبیح أن یدعو و یسأل حاجته و ما شاء من الدّعاء و یقول و هو ساجد:

یا من لیس غیره ربّ یدعی، یا من لیس فوقه إله یخشی، یا من لیس دونه ملک یتّقی، یا من لیس له وزیر یؤتی، یا من لیس له حاجب یرشی، یا من لیس له بوّاب یغشی، یا من لا یزداد علی کثرة السّؤال إلّا کرما وجودا، و علی کثرة الذّنوب إلّا عفوا و صفحا، صلّ علی محمّد و آل محمّد. «۱» (۱) ترجمه: مادرم فاطمه علیها السّلام دو رکعت نماز به جای می‌آورد که جبرئیل، به او آموخته بود، و در رکعت اوّل آن یک بار سوره حمد و صد بار سوره إنّا انزلناه فی لیلة القدر، و در رکعت دوم نیز یک بار حمد و صد مرتبه سوره قل هو اللّه احد را قرائت می‌کرد، سپس بعد از اتمام نماز تسبیح زیر را تلاوت می‌نمود:

پاک و منزّه است خداوندی که دارنده عزّت، بلندی مرتبه و مقام رفیع است، پاک و منزّه است او که دارنده عظمت و بزرگی می‌باشد، پاک و منزّه است او که حکومت مطلق جاوید برای اوست، پاک و منزّه است او که لباس بهجت و زیبایی بر تن کرده، پاک و منزّه است او که جامه نور و وقار بر تن پوشیده است، پاک و منزّه است کسی که اثر پای مورچه را بر سنگ صاف می‌بیند؛ پاک و منزّه است خدایی که چگونگی پرواز پرنده را در هوا مشاهده می‌کند؛ پاک و منزّه است خداوندی که این چنین است و کسی چون او نمی‌باشد.

و بر کسی که این نماز را به جای می‌آورد لازم است هنگامی که از تسبیح فارغ می‌شود، دعا کند و حاجت خود را از خداوند بخواهد، و آنگاه به سجده رود و بگوید:

ای کسی که غیر او پروردگاری نیست که او را بخوانند؛ ای کسی که به جز او اله و معبودی نیست که از وی ترسیده شود؛ ای کسی که غیر حکومت او حکومتی نیست که از آن پرهیز شود؛ ای کسی که برای او وزیر و معاونی نیست که بخشی از اختیارات خود را به وی تفویض نموده و بنده‌اش را به درگاه او براند؛ ای کسی که حاجب و دربانی ندارد که لازم باشد به رشوه و جلب رضایت آن حاجب و دربان با او ملاقات شود؛ ای کسی

که دربانی ندارد که درها را به روی بندگان ببندد؛ ای کسی که از شدّت کرم و جود هر گاه کـه از او تقاضـایی شود اجابت می‌کند؛ و ای کسی که از بسیاری و شدّت عفو و بزرگواری هر گاه که از او طلب مغفرت و بخشش شود می‌بخشاید؛ پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست.

و سپس هر آنچه خواهی از او تقاضا کن.

نماز دیگر: ۵۹ قَالَ رَسُولُ اللَّه ص- لِعَلِی ع وَ لِابْنَتِه فَاطِمَةَ ع- إِنِّی أُرِیـدُ أَنْ أُخَصَّـکُمَا بِشَـیْءٍ مِـنَ الْخَیْـرِ مِمَّـا عَلَّمَنِی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اطَّلَعَنِی اللَّهُ عَلَیْهِ- فَاحْتَفَظَا بِه قَالا نَعَمْ یَـا رَسُـولَ اللَّـه ص فَمَـا هُـوَ قَـالَ یُصَـلِّی أَحَـدُکُمَا رَکْعَتَیْنِ- یَقْرَأُ فِی کُلِّ رَکْعَةٍ فَاتِحَةَ الْکِتَابِ وَ آیَةَ الْکُرْسِیِّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ- وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَـدٌ ثَلَـاثَ مَـرَّاتٍ- وَ آخِـرَ الْحَشْرِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَوْلِه لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ «۱» إِلَی آخِرِه- فَإِذَا جَلَسَ فَلْیَتَشَهَّدْ وَ لْیُثْنِ عَلَی اللَّه عَزَّ وَ جَلَّ- وَ لْیُصَلِّ عَلَی النَّبِیِّ ص وَ لْیَدْعُ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ- ثُمَّ یَدْعُو عَلَی أَثَرِ ذَلِکَ- فَیَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّـی أَسْـأَلُکَ بِحَقِّ کُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ- یَحِقُّ عَلَیْکَ فِیهِ إِجَابَةُ الدُّعَاءِ إِذَا دُعِیتَ بِه- وَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ کُلِّ ذِی حَقٍّ عَلَیْکَ- وَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ عَلَی جَمِیعِ مَا هُوَ دُونَکَ- أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَ کَذَا- «۱»

(۱) ترجمه: رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به علی علیه السّلام و دخترش فاطمه علیهـا السّـلام گفـت: دوست دارم به شما دو نفر چیزی را بیاموزم که خداوند آن را بر من تعلیم فرموده، پس بـر شماسـت کـه بـه آن مداومت داشته محافظت کنید.

پس آن دو عرضه داشتند: ای رسول خدا چنین خواهد بود، پس آن را به ما بیاموز.

رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کدام از شما دو رکعت نماز مـی‌خوانیـد و در هـر رکعـت آن یک بار سوره حمد و سه بار آیة الکرسی و سه بار قل هو اللّه احد و سه بار آیات آخر سوره حشر را از آیه لَـوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ «۲» می‌خوانید، سپس بعد از نشسـتن تشـهد و سـلام مـی‌گوییـد و ثنـای خداونـد و صلوات بر پیامبر او را به جای می‌آورید و سپس برای مؤمنین دعا می‌کنید و در پایان این دعا را می‌خوانید:

خدایا، به حقّ هر اسمی که تعلّق به تو دارد و آنگاه که بدان اسم خوانده شوی اجابت دعا بر تو زیبنده و شایسـته می‌گردد، و به حقّ هر کسی که حقّی بر تو دارد، و نیز به تمام حقّی که تو بر بندگان خویش داری تمنّـا دارم کـه حاجتها و نیازهای مرا بر آورده سازی. نماز دیگر به هنگام مواجه شدن با مشکلات بزرگ

رَوَی إِبْرَاهِیمُ بْنُ عُمَرَ الصَّنْعَانِیُّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّه ع قَالَ لِلْأَمْرِ الْمَخُوفِ الْعَظِیمِ تُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ- وَ هِـیَ الَّتِـی کَانَـتِ الزَّهْرَاءُ ع تُصَلِّیهَا- تَقْرَأُ فِی الْأُولَی الْحَمْدَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَمْسِینَ مَرَّةً- وَ فِی الثَّانِیَـةِ مِثْـلَ ذَلِـکَ- فَـإِذَا سَـلَّمْتَ صَلَّیْتَ عَلَی النَّبِیِّ ص ثُمَّ تَرْفَعُ یَدَیْکَ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِهِمْ- وَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِحَقِّهِمُ الَّـذِی لَـا یَعْلَـمُ کُنْهَهُ سِوَاکَ وَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَکَ عَظِیمٌ- وَ بِأَسْمَائِکَ الْحُسْنَی- وَ کَلِمَاتِکَ التَّامَّـاتِ الَّتِـی أَمَرْتَنِـی أَنْ أَدْعُـوَکَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

بِهَا- وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ- الَّذِی أَمَرْتَ إِبْرَاهِیمَ ع أَنْ یَدْعُوَ بِهِ الطَّیْرَ فَأَجَابَتْهُ- وَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی قُلْتَ لِلنَّارِ- کُونِی بَرْداً وَ سَلاماً عَلَی إِبْرَاهِیمَ «۱» فَکَانَتْ- وَ بِأَحَبِّ أَسْمَائِکَ إِلَیْکَ وَ أَشْرَفِهَا عِنْدَکَ- وَ أَعْظَمِهَا لَدَیْکَ وَ أَسْرَعِهَا إِجَابَةً وَ أَنْجَحِهَا طَلَبَةً- وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ- وَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ وَ أَرْغَبُ إِلَیْکَ وَ أَتَصَدَّقُ مِنْکَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ وَ أَسْتَمْنِحُکَ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ- وَ أَخْضَعُ بَیْنَ یَدَیْکَ وَ أَخْشَعُ لَکَ- وَ أُقِرُّ لَکَ بِسُوءِ صَنِیعَتِی- وَ أَتَمَلَّقُ وَ أُلِحُّ عَلَیْکَ وَ أَسْأَلُکَ بِکُتُبِکَ الَّتِی أَنْزَلْتَهَا عَلَی أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ- صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ- مِنَ التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ- مِنْ أَوَّلِهَا إِلَی آخِرِهَا فَإِنَّ فِیهَا اسْمَکَ الْأَعْظَمَ وَ بِمَا فِیهَا مِنْ أَسْمَائِکَ الْعُظْمَی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ- وَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ- وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ- وَ تَجْعَلَ فَرَجِی مَقْرُوناً بِفَرَجِهِمْ- وَ تُقَدِّمَهُمْ فِی کُلِّ خَیْرٍ وَ تَبْدَأَ بِهِمْ فِیهِ- وَ تُفَتِّحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِی فِی هَذَا الْیَوْمِ- وَ تَأْذَنَ فِی هَذَا الْیَوْمِ وَ هَذِهِ اللَّیْلَةِ بِفَرَجِی- وَ إِعْطَائِی سُؤْلِی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ- فَقَدْ مَسَّنِیَ الْفَقْرُ وَ نَالَنِیَ الضُّرُّ- وَ سَلَّمَتْنِی الْخَصَاصَةُ وَ أَلْجَأَتْنِی الْحَاجَةُ- وَ تَوَسَّمْتُ بِالذِّلَّةِ وَ غَلَبَتْنِی الْمَسْکَنَةُ وَ حَقَّتْ عَلَیَّ الْکَلِمَةُ وَ أَحَاطَتْ بِیَ الْخَطِیئَةُ وَ هَذَا الْوَقْتُ الَّذِی وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ فِیهِ الْإِجَابَةَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ امْسَحْ مَا بِی بِیَمِینِکَ الشَّافِیَةِ- وَ انْظُرْ إِلَیَّ بِعَیْنِکَ الرَّاحِمَةِ- وَ أَدْخِلْنِی فِی رَحْمَتِکَ الْوَاسِعَةِ وَ أَقْبِلْ إِلَیَّ بِوَجْهِکَ الَّذِی إِذَا أَقْبَلْتَ بِهِ عَلَی أَسِیرٍ فَکَکْتَهُ- وَ عَلَی ضَالٍّ هَدَیْتَهُ وَ عَلَی حَائِرٍ أَدَّیْتَهُ وَ عَلَی مُقْتِرٍ أَغْنَیْتَهُ- وَ عَلَی ضَعِیفٍ قَوَّیْتَهُ وَ عَلَی خَائِفٍ أَمَّنْتَهُ- وَ لَا تُخَلِّنِی لِقَاءَ عَدُوِّکَ وَ عَدُوِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ- یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ کَیْفَ هُوَ وَ حَیْثُ هُوَ وَ قُدْرَتَهُ إِلَّا هُوَ- یَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ- وَ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَی الْمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ- یَا مَنْ سَمَّی نَفْسَهُ بِالِاسْمِ الَّذِی بِهِ- یَقْضِی حَاجَةَ کُلِّ طَالِبٍ یَدْعُوهُ بِهِ- وَ أَسْأَلُکَ بِذَلِکَ الِاسْمِ فَلَا شَفِیعَ أَقْوَی لِی مِنْهُ- وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ- وَ أَنْ تَقْضِیَ لِی حَوَائِجِی وَ تُسْمِعَ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً وَ فَاطِمَةَ- وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ جَعْفَراً- وَ مُوسَی وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ وَ بَرَکَاتُکَ وَ رَحْمَتُکَ صَوْتِی- فَیَشْفَعُوا لِی إِلَیْکَ وَ تُشَفِّعَهُمْ فِیَّ وَ لَا تَرُدَّنِی خَائِباً- بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا یَا کَرِیمُ «۲»

(۱) ترجمه: امام صادق علیه السّلام فرماید: هر گاه گرفتاری عظیم و مشکل بزرگی به تو روی آورد دو رکعت نماز بگزار، همان نمازی که حضرت زهرا علیها السّلام آن را می‌خوانده، و آن به این ترتیب است که در رکعت اوّل و دوم آن یک بار حمد و پنجاه مرتبه قل هو اللّه احد را می‌خوانی و پس از نماز بر پیامبر صلوات فرستاده، سپس دستهایت را بلند نموده و این دعا را می‌خوانی: بار خدایا، من به وسیله آنان به تو روی آوردم و به حقّ آنان به تو توسّل می‌جویم، همان حقّی که اساس و پایه آن را کسی جز تو نمی‌شناسد، و به حقّ آن کس که حقّش در نزد تو عظیم است، و به نامهای نیکو و پسندیده‌ات، و به کلمات و سخنان تامّ و کاملت که دستور

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهزا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

نفرمودی مرا مگر اینکه تو را به وسیله آنها بخوانم، و از تو تقاضا می‌کنم به همان اسم بزرگی که به ابراهیم علیه السّلام آموختی تا پرنده را به آنها صدا کند و پرنده او را اجابت کرد؛ و به آن اسم عظیمی که به سبب آن به آتش گفتی: «بر ابراهیم سرد، و او را سالم بدار» پس چنین شد؛ و محبوبترین نام‌هایی که داری، و شریف‌ترین آنها در نزدت، و برترین آنها، و به آنهایی که اگر تو را به آنها بخوانند به سرعت اجابت می‌کنی، و به آن نامهایی که نجات‌بخش‌ترین می‌باشند، و به هر آنچه که اهل آن، سزاوار آن و شایسته آنی: به تو متوسّل می‌شوم، و به تو روی می‌آورم، و آنچه را که از تو باشد تصدیق می‌کنم، و از تو آمرزش می‌خواهم، و از تو بخشش می‌جویم، و به پیشگاه تو ناله و زاری می‌کنم؛ و در برابر تو سر تواضع و تسلیم فرود می‌آورم؛ و از تو می‌ترسم، و در نزد تو به بد عملی خود اقرار می‌کنم، و از تو خواهش و تمنّا می‌نمایم.

از تو می‌خواهم، به حقّ کتابهایی که بر پیامبرانت نازل فرمودی- که درود و رحمت الهی بر آنان باد- به حقّ تورات، انجیل و تمام قرآن عظیم از اوّل تا به آخر آن که در آن، نامهای اعظم تو گردآوری شده است، و به هر چه که نامهای اعظم تو در آن وجود دارد به تو تقرّب می‌جویم.

از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و مشکلات و سختی‌ها را از سر راه ایشان برداری، و گشایش در کار مرا با گشایش در کار آنان همراه سازی و در هر خیری آنان را مقدّم داشته و از آنان آغاز کنی، و از تو می‌خواهم که در چنین روزی درهای آسمان را برای دعای من بگشایی، و در این روز و شب، اجازه گشایش و بخشش مرا در دنیا و آخرت صادر فرمایی، چرا که فقر به من روی آورده و آسیب‌ها مرا فرا گرفته، نیازمندی بیچاره‌ام کرده، ذلّت و خواری نشانه‌ام گرفته، تهیدستی بر من غالب شده، و عذاب بر من محقّق گشته، و گناهان مرا احاطه نموده؛ و این همان وقتی است که به اولیائت وعده اجابت داده‌ای. پس بر محمّد و آل او درود فرست، و دست شفا بخش خود را بر سر و روی من بکش و با دیده رحمت به من بنگر، و مرا در رحمت واسعه خود داخل نما، و با آن چهره (و روش و صفتی) که اگر با آن به اسیر رو کنی آزادش سازی، و اگر با آن به گمشده‌ای بنگری هدایت شود، و اگر با آن به آواره و سرگردانی بنگری به قصد رسد، و اگر بر فقیری نظر کنی غنی و بی‌نیازش سازی، و اگر به آن صفت بر ضعیفی توجّه کنی قوّت یابد، و اگر بر ترسان و خائفی بنگری ایمن گردد، ای دارنده جلال و بزرگواری! به این روی و صفت بر من نظری کن و مرا به هنگام برخورد و رویارویی با دشمنت و دشمنم تنها مگذار.

ای کسی که، کس نمی‌داند چگونه‌ای، کجایی و کسی قدرت درک قدرتت را ندارد، ای کسی که هوا را در آسمان مسدود نمودی، و زمین را بر روی آب گسترده‌ای و برای خود بهترین و برترین نامها را برگزیده‌ای، ای کسی که خود را به اسمی نامیده‌ای که هر که تو را به آن نام خواند اجابت می‌کنی، من از تو به حقّ آن اسم که

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

شفیعی برتر و بالاتر از آن ندارم، و به حقّ محمّد و خاندان محمّد می‌خواهم که بر محمّد درود فرستی و حوائج مرا برآورده سازی و صدای مرا به گوش محمّد، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمّد، جعفر، موسی، علی، محمّد، علی، حسن و حجّت- که درود و رحمت و برکات تو بر همه آنها باد- برسانی تا مرا در نزد تو شفاعت کنند و تو نیز شفاعت آنان را در حقّ من بپذیری و مرا مأیوس و ناامید برنگردانی، به حقّ تو که معبودی غیر از تو نیست، و به حقّ محمّد و خاندان محمّد این درخواستها برای من انجام بده، ای بخشنده مهربان. ۳- نمازهای چهار رکعتی حضرت فاطمه علیها السّلام

چهار رکعت نماز معروف حضرت فاطمه علیها السّلام

قَالَ الصَّادِقُ ع مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَقَرَأَ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَانَتْ صَلَاةَ فَاطِمَةَ ع وَ هِيَ صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ «۱» «۲»

(۱) ترجمه: امام صادق علیه السّلام فرماید: هر که چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو اللّه احد بخواند، نماز حضرت فاطمه علیها السّلام را به جای آورده، و آن نماز اوّابین است.

نماز شب جمعه هر هفته

رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ- مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ أَوْ يَوْمِهَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ- مِائَتَيْ مَرَّةٍ فِي أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً- غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ- وَ يُسَبِّحُ عَقِيبَهَا فَيَقُولُ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ- سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ- سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ- سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَ الْجَمَالَ- سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ- سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا- سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ- سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَ لَا هَكَذَا غَيْرُهُ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمْ- وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ- الَّذِي أَمَرْتَ إِبْرَاهِيمَ ع أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ- وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ- الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلَى إِبْرَاهِيمَ «۱» فَكَانَتْ- وَ بِحَقِّ أَحَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ- وَ أَشْرَفِهَا وَ أَعْظَمِهَا إِجَابَةً وَ أَنْجَحِهَا طَلِبَةً- وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ- وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَتَصَدَّقُ مِنْكَ- وَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَسْتَمْنِحُكَ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ وَ أَخْضَعُ لَكَ- وَ أُقِرُّ بِسُوءِ صَنِيعِي وَ أَتَمَلَّقُكَ وَ أُلِحُّ عَلَيْكَ- وَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ- صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ- مِنَ التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ- مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ- وَ بِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَى أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ- وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ تُقَدِّمَ بِهِمْ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَ تَبْدَأَ بِهِمْ فِيهِ- وَ تُفَتِّحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي وَ تَرْفَعَ عَمَلِي فِي عِلِّيِّينَ- وَ تُعَجِّلَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فَرَجِي- وَ تُعْطِيَنِي سُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ- يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ وَ حَيْثُ هُوَ وَ قُدْرَتَهُ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

إِلَّا هُوَ- يَا مَنْ سَدَّ السَّمَاءَ بِالْهَوَاءِ وَ دَحَى الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ- وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى- يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالاسْمِ الَّذِي يَقْضِي بِهِ حَاجَةَ مَنْ يَدْعُوهُ- أَسْأَلُكَ بِهَذَا الاسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى مِنْهُ- أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَ تَسْمَعَ دَعَوَاتِي- وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ- وَ أَوْصِيَائِهِمْ صَلَوَاتُكَ وَ سَلَامُكَ عَلَيْهِمْ- فَيَشْفَعُوا لِي إِلَيْكَ فَشَفِّعْهُمْ فِيَّ- وَ لَا تَرُدَّنِي خَائِباً لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ-

(۱) ترجمه: از رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت شده که ایشان فرمودند: هر کس در شب جمعه یا روز آن چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت آن یک مرتبه سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره قل هو اللّه احد را قرائت کند گناهان او بخشوده می‌شود هر چند که بسیار باشد، سپس در خاتمه نماز این تسبیح را می‌گوید: پاک و منزّه است او که دارنده عزّت، بلندی مرتبه و مقام رفیع است؛ پاک و منزّه است او که دارنده عظمت و بزرگی می‌باشد؛ پاک و منزّه است او که حکومت مطلق جاوید برای اوست؛ پاک و منزّه است او که لباس بهجت و زیبایی بر تن کرده؛ پاک و منزّه است او که جامه نور و وقار بر تن پوشیده است؛ پاک و منزّه است کسی که اثر پای مورچه را بر سنگ صاف می‌بیند؛ پاک و منزّه است خدایی که چگونگی پرواز پرنده را در هوا می‌داند؛ پاک و منزّه است خداوندی که این چنین است و کسی چون او نمی‌باشد.

و سپس این دعا را می‌خواند: خداوندا، من به وسیله آنان به تو روی آوردم، و از تو می‌خواهم به آن اسم عظیمت که به ابراهیم علیه السّلام آموختی تا پرنده را به وسیله آن صدا کند و پرنده او را اجابت کرد، و به آن اسم عظیمی که به سبب آن به آتش گفتی: «بر ابراهیم سرد، و او را سالم بدار» و اجابت نمود، و به حقّ محبوبترین نامهایی که داری و شریف‌ترین و برترین آنها که اگر تو را به آنها بخوانند اجابت می‌کنی و نجات می‌بخشی، و به هر اسمی که اهل، سزاوار و شایسته آنی و به تو توسّل می‌جویم، و به تو روی می‌آورم، و آنچه را که از تو باشد تصدیق می‌کنم، و از تو آمرزش می‌طلبم، و از تو بخشش می‌جویم، و به پیشگاه تو ناله و زاری می‌کنم، و دست تضرّع به درگاهت دراز می‌کنم، و در برابر تو سر تواضع و تسلیم فرود می‌آورم، و فقط از تو می‌ترسم، و در نزد تو به بد عملی خود اعتراف می‌کنم، و تو را تملّق می‌گویم و فقط تو را بزرگ می‌دارم و از تو تمنّا دارم. و به حقّ کتابهایی که بر پیامبرانت نازل فرمودی، به حقّ تورات، انجیل، زبور و تمام قرآن عظیم از اوّل تا آخر آن، که در آنها نامهای اعظم خود را قرار داده‌ای و به حقّ هر چه که نامهای اعظم تو در آن قرار دارد، به تو تقرّب می‌جویم. و از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و مشکلات و سختی‌ها را از راه ایشان برداری، و گشایش در کار مرا با گشایش در کار آنان همراه سازی، و در هر خیری آنان را مقدّم داشته و از ایشان آغاز کنی، و از تو می‌خواهم که درهای آسمان را برای دعای من بگشایی، و

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

اعمال شایسته و صالح مرا در آسمانها بالا بری، و در رهایی من در این ساعت و در این شب تعجیل فرمایی، و گشایش و بخشش مرا در دنیا و آخرت امضا نمایی.

ای خدایی که، کس نمی‌داند چگونه‌ای، کجایی و قدرتت به چه اندازه است، ای کسی که هوا را به واسطه آسمان مسدود نموده‌ای، و زمین را بر روی آب گسترده‌ای، و برای خود بهترین و برترین نامها را برگزیده‌ای، ای خدایی که خود را به اسمی نامیده‌ای که هر که تو را به آن نام خواند اجابت می‌کنی، من از تو به حقّ آن اسم که شفیعی برتر و بالاتر از آن ندارم تقاضا دارم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و حوایج مرا برآورده سازی، و دعاهای مرا اجابت نمایی، و به حقّ محمّد، علی، فاطمه، حسن، حسین، و جانشینان آنها- که صلوات و سلام تو بر آنها باد- تقاضا دارم که چنان کنی که تا آنها مرا در نزد تو شفاعت کنند و تو نیز شفاعت آنان را در حقّ من بپذیری و مرا ناامید برنگردانی، ای خدایی که معبودی غیر از تو نیست.

و پس از این دعا، نیازها و حاجتهای خود را از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهی.

نماز روز جمعه هر هفته:

۶۴ قَالَ صَفْوَانَ بن یحیی دَخَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع- فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَقَالَ لَهُ تُعَلِّمُنِي أَفْضَلَ مَا أَصْنَعُ فِي هَذَا الْيَوْمِ- فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ- مَا أَعْلَمُ أَنَّ أَحَداً كَانَ أَكْبَرَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ فَاطِمَةَ ع- وَ لَا أَفْضَلَ مِمَّا عَلَّمَهَا أَبُوهَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ- قَالَ مَنْ أَصْبَحَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَاغْتَسَلَ وَ صَفَّ قَدَمَيْهِ- وَ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مَثْنَى مَثْنَى- يَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رَكْعَةٍ الْحَمْدَ وَ الْإِخْلَاصَ خَمْسِينَ مَرَّةً- وَ فِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْعَادِيَاتِ خَمْسِينَ مَرَّةً وَ فِي الثَّالِثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ خَمْسِينَ مَرَّةً- وَ فِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ- خَمْسِينَ مَرَّةً- وَ هَذِهِ سُورَةُ النَّصْرِ وَ هِيَ آخِرُ سُورَةٍ نَزَلَتْ- فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا دَعَا- فَقَالَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي- مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوِ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ- رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ فَوَائِدِهِ وَ نَائِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَائِزِهِ- فَإِلَيْكَ يَا إِلَهِي كَانَتْ تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِئَتِي- وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي- رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ مَعْرُوفِكَ وَ نَائِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ- فَلَا تخيبني [تُخَيِّبْنِي] مِنْ ذَلِكَ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَسْأَلَةَ سَائِلٍ- وَ لَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةُ نَائِلٍ- لَمْ آتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا بِشَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ- أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ- صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ- أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَلَى الْخَاطِئِينَ- عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ- فَلَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ- أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ- وَ أَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَّادُ بِالنَّعْمَاءِ وَ أَنَا الْعَوَّادُ بِالْخَطَاءِ- أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ- فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ- يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ «۱»

(۱) ترجمه: صفوان بن یحیی گفته: محمّد بن علی حلبی بر امام صادق علیه السّلام در روز جمعه وارد شده گفت: بهترین کاری را که می‌توانم در این روز انجام دهم، به من بیاموز امام صادق علیه السّلام فرمودند: کسی

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

را نزد پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عزیزتر و گرامی‌تر از فاطمه علیها السّلام و چیزی را بهتر از آنچه که به وی آموخت، نمی‌یابم:

روز جمعه غسل کرده و دو نماز دو رکعتی بگزار و در رکعت اوّل آنها یک بار سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره قل هو اللّه احد و در رکعت دوم پس از حمد پنجاه مرتبه سوره و العادیات، و در رکعت سوم بعد از حمد پنجاه بار سوره اذا زلزلت، و در رکعت چهارم نیز پس از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره إذا جاء نصر اللّه و الفتح بخوان، و سپس این دعا را بخوان: ای معبود و مولای من، هر کس آماده می‌شود یا عبا بر دوش می‌اندازد یا تدارک می‌بیند و مهیّا می‌شود تا به سوی مخلوقی، به امید عطا، فایده، منفعت، کرم و احسانش برود؛ ولی بار خدایا، آماده شدن من، عبا بر تن کردنم، تدارک دیدنم و مهیّاشدنم به امید عطا، نیکی، دستگیری، و جوایز توست؛ پس مرا از اینها محروم مگردان ای کسی که درخواست‌کننده را در اجابت خواسته‌اش ناامید نمی‌کنی و عطای‌گیرنده را کم نمی‌گذاری، بلکه به شفاعت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و اهل بیت او- که درود بر همه آنان باد- به تو نزدیکی می‌جویم و امید عفوی بزرگ را دارم، همان عفو بزرگی که بر خطاکاران به هنگامی که بر گناهان اصرار می‌ورزند ارزانی می‌کنی و پافشاری آنان بر معصیت تو را از اینکه آنان را بیامرزی بازنمی‌دارد، و تو ای آقای من، با نعمت و لطف به آنان روی می‌آوری؛ ولی ای مولا،

بازگشت من به خطاها و گناهان است، پس به حقّ محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و خاندان پاک او از تو می‌خواهم گناه عظیم مرا ببخشایی که گناه بزرگ مرا جز بزرگ نمی‌بخشاید، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ!

۴- سایر نمازهای حضرت فاطمه علیها السّلام.

نماز شبهای چهار شنبه: قَالَتْ فَاطِمَةَ ع- عَلَّمَنِی رَسُولُ اللَّه ص صَلَاةَ لَيْلَةِ الْأَرْبِعَاءِ فَقَالَ مَنْ صَلَّى ستَّ رَكَعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ الْحَمْدَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ إِلَى قَوْلِهِ بِغَيْرِ حِسابٍ «۱» فَإِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ قَالَ جَزَى اللَّهُ مُحَمَّداً مَا هُوَ أَهْلُهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ إِلَى سَبْعِينَ سَنَةً وَ أَعْطَاهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا لَا يُحْصَى- «۲»

(۱) ترجمه: حضرت فاطمه علیها السّلام گفت:رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نمازی را برای شب چهارشنبه به من آموخت و گفت: هر کس شش رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی پس از سوره حمد، دو آیه قُلِ اللَّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ ... «۳» و تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ «۴» را بخواند، و هنگامی که از نماز فارغ شد بگوید: جزی اللّه محمّدا ما هو أهله- یعنی خداوند محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را به چیزهایی که شایسته اوست

جزای خیر دهد- خداوند گناهان او را می‌بخشد و آنقدر ثواب به او عطا می‌کند که قابل شمارش نباشد. نماز آخر شبهای شنبه از ماه رمضان

قال الشیخ المفید «۱» صلاة فاطمة ع عشرین رکعة فی آخر لیلة لیلة السبت من شهر رمضان «۲» (۱) ترجمه: شیخ مفید رحمه اللّه گوید:نماز حضرت فاطمه علیها السّلام برای آخر شبهای شنبه از ماه رمضان، بیست رکعت بوده است.

۵- نماز توسّل و استغاثه به حضرت فاطمه علیها السّلام

نماز اوّل

حسن بن فضل طبرسی گوید: به هنگام حاجت و نیاز به حضرت فاطمه علیها السّلام متوسّل شوید، برای توسّل به حضرتش ابتدا دو رکعت نماز به جای آورید و پس از سلام سجده کرده صد مرتبه بگویید: یا فاطمه، و سپس سمت راست صورت را بر زمین بگذارید و صد مرتبه یا فاطمة بگویید و بعد از آن، سمت چپ صورت را بر زمین گذاشته صد مرتبه دیگر یا فاطمة می‌گویید و پس از آن این دعا را می‌خوانید:

یا آمنا من کل شیء، و کل شیء منک خائف حذر، و أسألک بأمنک من کل شیء و خوف کل شیء منک: أن تصلی علی محمد و آل محمد، و أن تعطینی أمانا لنفسی و أهلی و مالی و ولدی حتی لا أخاف أحدا، و لا أحذر من شیء أبدا، إنک علی کل شیء قدیر. «۱»

نماز دوم: سیّد بن طاوس گوید: مفضل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده: به هنگام حاجت و بروز مشکلات به فاطمه علیها السّلام متوسل شوید و ابتدا دو رکعت نماز به جای آورید و پس از سلام سه مرتبه تکبیر بگویید و بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه را به جای آورده سپس سجده کرده صد مرتبه بگویید: یا مولاتی فاطمة أغیثینی، و سپس سمت راست صورت خود را بر زمین گذارید و صد مرتبه مثل آن را گفته و بعد سمت چپ صورت را بر زمین گذارید و همان را می‌گویید و سپس سجده نموده همان ذکر را صد و ده مرتبه دیگر بر زبان می‌آورید و پس از آن حاجتهای خود را از خداوند طلب می‌کنید. «۲»

فصل پنجم آشنایی با تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام و اقسام آن

تسبیح از دیدگاه ائمه طاهرین علیهم السّلام عبارت از ذکری است که در همه حال و همراه با هر کاری می‌توان آن را زمزمه کرد و به وسیله آن به خداوند متعال تقرّب جست، زیرا نه محتاج مقدّمات است و نه آداب ویژه‌ای می‌طلبد. فاطمه زهرا علیها السّلام جزء نادر کسانی است که به سبب اطلاع از موضع قرآن در باره تسبیح و شناخت عظمت مقام خداوندی، لحظه‌ای از یاد خداوند غافل نبود، و لذا در هر حال و ضمن همه کار، خداوند متعال را به وسیله ذکرهایی که در این فصل و فصل بعد فهرست کرده‌ایم، تسبیح و تمجید می‌نمود.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام در باره تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام می‌فرماید:

خداوند متعال به چیزی برتر از تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام عبادت نشده است، همانا اگر چیزی با فضیلت‌تر و برتر از آن وجود داشت، رسول خدا آن را به دخترش تعلیم می‌نمود. «۱»

و امام صادق علیه السّلام در این باره فرماید: هر کس خداوند را به وسیله تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام مورد ستایش قرار دهد، همانا خداوند را به ذکر کثیر- برترین ذکر- یاد نموده است. «۱» و هم ایشان فرمایند: ما فرزندانمان را به تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام فرمان می‌دهیم، همان طور که آنها را به نماز فرا می‌خوانیم. «۲»

ذکر برخی تسبیحات که حضرت فاطمه علیها السّلام به وسیله آنها با خداوند راز و نیاز می‌نمود:

۱- تسبیحی که ابتدایش عبارت سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم است. «۱» ۲- تسبیحی که ابتدایش عبارت سبحان من استتار بالحول و القوّة است. «۲» ۳- تسبیحی که ابتدایش عبارت سبحان من تواضع کلّ شیء لعظمة است. «۳» ۴- تسبیحی که ابتدایش عبارت سبحان من یعلم جوارح القلوب است. «۴» ۵- تسبیحی که مشهورترین و رایج‌ترین تسبیحات آن حضرت است که در آن ذکرهای اللّه اکبر (سی و چهار مرتبه) و سبحان اللّه (سی و سه مرتبه) و الحمد للّه (سی و سه مرتبه) گفته می‌شود. «۵»

تذکر : هر یک از این اقسام را تفصیل و توضیحاتی است که منابع ذکر شده در پاورقی حاوی آنها می‌باشد.

و نیز توضیحات شافی را در کتابی که به نام «تحقیقی در تسبیح و تسبیحات حضرت فاطمه علیها السّلام» نوشته‌ایم آورده و در هر مورد بحثهای مستندی ارائه نموده‌ایم. و جهت مزید اطلاع خوانندگان گرامی، آن را به عنوان ضمیمه پنجم همین کتاب آورده‌ایم که امید است مورد استفاده قرار گیرد.

فصل ششم آشنایی با برخی حرزها و تعویذهای حضرت فاطمه علیها السّلام

انسان همیشه در معرض هجوم شیاطین قرار دارد و همواره توسط نفس امّاره خویش تهدید می‌شود، یکی از راههای مقابله، با این دو پدیده اغواگر و گمراه‌کننده، به یاد خداوند بودن، پناه بردن به او، و استغاثه به درگاه بی‌بدیل باری تعالی است.

فاطمه صدّیقه علیها السّلام با حرزها و تعویذهایی که برخی از آنها را در این فصل ملاحظه می‌کنید، در هر فراغتی که پیش می‌آمده، به وسیله این حرزها و تعویذها، به ریسمان محکم الهی چنگ می‌زده و از او برای سلامت و سعادت خود طلب مساعدت و یاری می‌نموده است.

۱- حرز مشهور حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام: بسم اللّه الرحمن الرحیم یا حیّ یا قیّوم، برحمتک استغیث فأغثنی، و لا تکلنی إلی نفس طرفة عین أبدا، و أصلح لی شأنی کلّه. «۱»

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

۲- حرز دیگر: بسم اللّه الرحمن الرحیم یا حیّ یا قیّوم، برحمتک استغیث فأغثنی، اللّهم زحزحنی عن النّار، و أدخلنی الجنّة، و ألحقنی بابی محمد (صلّی اللّه علیه و آله و سلم) «۱»

۳- حرز دیگر: بسم اللّه الرحمن الرحیم یا ربّ الأولین و الآخرین، و یا خیر الاولین و الآخرین، و یا ذو القوة المتین، و یا راحم المساکین، یا أرحم الرّاحمین. «۲»

۴- حرز دیگر: بسم اللّه الرحمن الرحیم اللّهم إنّی استهدیک لإرشاد أمری، و أعوذ بک من شرّ نفسی، اللّهم عملت سوءا و ظلمت نفسی، فاغفر لی إنّه لا یغفر الذنوب إلّا أنت. «۱»

۵- حرز دیگر: أسألک اللّهم أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد، و أن تعطینی من الخیر ما سئلوا، و أن تعیذنی من شر ما استعاذوا. و أسئلک اللّهم من الخیر کلّه عاجله و آجله، ما علمت منه و ما لم أعلم، و أعوذ بک یا ربّ من همزات الشیاطین، و أعوذ بک ربّ أن یحضرون. «۲»

۶- حرز دیگر: ربّ استجیرک من النار فأجرنی، ربّ أعوذ بک من النّار فأعذنی، أفرغ إلیک من النار فأبعدنی، رب استرحمک مکروبا فارحمنی، ربّ استغفرک لما جهلت فاغفر لی، قد أبرزنی الدّعاء للحاجة إلیک فلا تؤیسنی، یا کریم ذا الآلاء و الاحسان و التجاوز. «۳» و حرزها و تعویذها دیگری که برای پرهیز از تطویل ذکر آنها را ترک می‌کنیم.

فصل هفتم آشنایی با برخی دعاهای حضرت فاطمه علیها السّلام

۱- دعاهای حضرت فاطمه علیها السّلام برای روزهای هفته (هفت مورد) «۱» ۲- دعاهای حضرت فاطمه علیها السّلام در تعقیب نمازهای پنج‌گانه (پنج مورد) «۲» ۳- دعای آن حضرت برای کسب خلقیات نیکو و شایسته «۱» ۴- دعای آن حضرت برای برآورده شدن حاجات «۲» ۵- دعای آن حضرت برای آسان شدن کارها و پرداخت دیون «۳» ۶- دعای آن حضرت برای هنگام خواب «۱» ۷- دعای آن حضرت برای هنگام رؤیت هلال ماه رمضان «۲» ۸- دعای آن حضرت برای رفع تب «۳» ۹- دعای آن حضرت برای کسب مکارم اخلاق «۴» ۱۰- دعای آن حضرت برای دفع خوابهای پریشان «۵» ۱۱- دعای آن حضرت برای رهایی از آفات و هلکات «۶» ۱۲- دعای آن حضرت برای رفع بی‌خوابی «۱» ۱۳- دعای آن حضرت در روزهای جمعه، روز عرفه و عید فطر «۲» ۱۴- دعای دیگر آن حضرت برای برآورده شدن حاجات «۳» ۱۵- دعای حضرت فاطمه به هنگام نزول بلاها و سختی‌ها «۴»

۱۶- دعای حضرت فاطمه برای شیعیان و دوستدارانش «۱» ۱۷- دعای حضرت فاطمه برای مطالبه روزی از خداوند متعال «۲» ۱۸- دعای نور که آن حضرت به سلمان تعلیم فرمود «۳» ۱۹- دعای تأمین «۱» ۲۰-

دعای هنگام احتضار «۲» ۲۱- آخرین دعا و راز و نیاز آن حضرت قبل از رحلت. «۳» لازم به یادآوری است که مشروح این ادعیه و اذکار و حرزها را در ضمایم ششم، هفتم و هشتم همین کتاب خواهید یافت.

ضمیمه پنجم تسبیحات حضرت فاطمه علیها السّلام

نگارنده کتابی به نام «پژوهشی در باره تسبیح و تسبیحات حضرت فاطمه علیها السّلام» نگاشته که بخش سوم آن کتاب تماما در باره تسبیحات آن حضرت می‌باشد، و چون هر آنچه لازم بوده که گفته شود، در این بخش از کتاب مذکور یادآور شده‌ام لذا آن را عینا در اینجا می‌آورم.

فصل اوّل آیا تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام برترین ذکر است؟

در باره برترین ذکر و اینکه در میان اذکار رایج، کدام یک از آنها افضل و برتر می‌باشد، روایات و احادیث فراوانی وجود دارد و به چند گروه تقسیم می‌شود:

گروه اوّل : روایاتی که تصریح دارند بر اینکه مجموع تسبیحات اربعه یعنی سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله الا اللّه و اللّه اکبر برترین ذکر می‌باشد.

روایات این گروه فراوان بوده و از طریق شیعه و اهل سنّت، متّفقا نقل شده‌اند «۱».

گروه دوم : روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر لا حول و لا قوّة إلّا باللّه العلی العظیم برترین و بالاترین ذکر است.

این گروه روایات نیز، هم از طریق شیعه نقل شده‌اند و هم از طریق اهل سنّت «۲».

گروه سوم : روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر لا إله إلّا اللّه برترین و بالاترین ذکر است.

روایات این گروه نیز فراوان بوده و از طریق شیعه و اهل سنّت نقل شده‌اند «۱».

گروه چهارم : روایاتی که تصریح و تأکید دارند که ذکر الحمد للّه به تنهایی، برترین و بالاترین اذکار است. «۲»

گروه پنجم: روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر اللّه اکبر برترین ذکر است. «۳»

گروه ششم : روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر صلوات بر پیامبر و خاندان ایشان برترین ذکر است. «۴»

گروه هفتم : روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلام برترین و بالاترین ذکر است.

و ...

نگارنده معتقد است هر یک از اقسام یاد شده از آن جهت که ذکر خداوند متعال هستند دارای فضیلت می‌باشند، البته تسبیحات اربعه به دلیل اینکه در بر دارنده چهار ذکر مهم و نیز به آن توصیه شده، نسبت به سایر اقسام

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ذکر دارای نوعی برتری است خصوصا آنکه روایات تصریح‌کننده بر برتری تسبیحات اربعه از جهت تعداد بیشتر و از جهت قوّت سند و متن قابل توجه‌تر می‌باشند. امّا تأکید شیعه بر افضل بودن تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام- در حالی که یک ذکر نیز نسبت به تسبیحات اربعه کمتر دارد- دلیل دیگری دارد و آن این است که این تسبیح منسوب به دختر گرامی پیامبر یعنی حضرت فاطمه علیها السّلام می‌باشد و آن حضرت تا آخرین لحظات حیات بر انجام آن مداومت داشته در هیچ حال آن را ترک نمی‌کرده است.

برترین ذکر در کلام امام محمّد باقر علیه السّلام

امام باقر علیه السّلام فرماید: ما عبد اللّه بشیء أفضل من تسبیح الزّهراء، لو کان شیء أفضل منه لنحله رسول اللّه فاطمة «۱».

(۱) ترجمه: خداوند متعال به چیزی برتر از تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام عبادت نشده است، همانا اگر چیزی با فضیلت‌تر و برتر از آن وجود داشت، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آن را به حضرت فاطمه علیها السّلام تعلیم می‌نمود. و در جای دیگر فرماید: من سبّح تسبیح فاطمة الزهراء علیها السّلام فقد ذکر اللّه ذکرا کثیرا. «۲»

(۱) ترجمه: هر کس برای تسبیح خداوند، از تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلام استفاده کند، محقّقا خداوند متعال را ذکر کثیر گفته است- یا بگویید: خداوند را به برترین ذکر یاد نموده است.

برترین ذکر در کلام امام جعفر صادق علیه السّلام

از امام صادق علیه السّلام در باره تفسیر آیه و اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثِیراً «۱» سؤال کردند، ایشان فرمود: من سبّح تسبیح فاطمة علیها السّلام فقد ذکر اللّه الذکر الکثیر. «۲» (۲) ترجمه: هر کس خداوند را با تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلام ذکر بگوید، ذکر کثیر گفته است. و یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: اگر کسی صد مرتبه سبحان اللّه بگوید، آیا او از مصادیق کسانی است که ذکر کثیر گفته‌اند؟

امام علیه السّلام فرمود: بله. «۳»

فصل دوم آثار و ثمرات تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام

آثار تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام در کلام امام باقر علیه السّلام

امام محمّد باقر علیه السّلام در این مورد فرماید:

من سبّح تسبیح الزّهراء ثمّ استغفر غفر له، و هی مائة باللّسان و ألف فی المیزان، و یطرد الشیطان، و یرضی الرّحمن». «۱» (۱) ترجمه: هر کس تسبیح حضرت زهرا را به جای آورد و سپس از گناهش استغفار کند، خداوند آن گناه را بر او می‌بخشد. زیرا تسبیح زهرا علیها السّلام گر چه صد ذکر در زبان است ولی هزار بار ترازوی

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

اعمال انسان را سنگین‌تر می‌کند و شیطان را می‌راند، و خداوند بخشایشگر را خشنود می‌سازد. نکته بسیار مهمّی که تذکر آن را در اینجا ضروری می‌دانم این است که طبق روایت نقل شده برخی چنین تصوّر کرده و اظهار نموده‌اند که علت غفران و بخشش خداوند متعال تسبیح فاطمه علیها السّلام است بنا بر این گفته‌اند: «هر کس تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را به جای آورد و در حال تسبیح حضور قلب داشته باشد خداوند متعال گناهان او را می‌بخشد».

این نتیجه‌گیری از روایت که در برخی کتابهای مربوط به حضرت فاطمه علیها السّلام آمده است، نتیجه‌گیری شتابزده و حاصل غفلت از متن روایت می‌باشد، زیرا در روایت آمده است:

هر کس خداوند را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام یاد کند و سپس استغفار نماید، خداوند متعال گناهی را که از آن استغفار نموده می‌بخشد.

بنا بر این با اندک تأملی معلوم می‌شود که تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام در قلب و روح انسان ایجاد آمادگی برای توبه و استغفار کرده، و خداوند متعال نیز به دلیل استغفار حقیقی شخص، گناه او را بخشیده است، نه آنکه تسبیح، رأسا و مستقلا دلیل غفران و بخشش گناهان باشد زیرا خداوند متعال برای بخشش گناهان سه شرط اساسی قرار داده که عبارتند از:

۱- معصیت و گناه را ترک کنیم ۲- بر گناهان گذشته خود نادم و پشیمان باشیم ۳- عزم خود را جزم کنیم که پس از آن، هرگز مرتکب آن گناه نشویم، حال اگر آن گناه حقّ انسانی را از بین برده باشد، شرط چهارمی نیز وجود دارد و آن اینکه:

۴- حق او به وی بازگردانده شود، و یا از او طلب حلالیت و گذشت نماییم.

آثار تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام در کلام امام جعفر صادق علیه السّلام

امام جعفر صادق علیه السّلام در باره آثار تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام گوید:

من سبّح اللّه فی دبر الفریضة تسبیح فاطمة علیها السّلام مائة و مرّة و أتبعها ب (لا إله الّا اللّه) مرّة، غفر له». «۱»

(۱) ترجمه: هر کس پس از به جای آوردن نماز واجب، خداوند متعال را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام- که مجموعا صد مرتبه است- مورد تقدیس و تحمید قرار دهد و آن را با ذکر لا إله إلّا اللّه- یک مرتبه- به اتمام برساند، مورد عفو و آمرزش خداوند قرار می‌گیرد. و نیز در جای دیگر فرماید:

من سبّح تسبیح فاطمة علیها السّلام قبل أن یثنی رجلیه، بعد انصرافه من صلاة الغداة غفر اللّه له، و یبدأ بالتکبیر. «۱» (۲) ترجمه: هر که بعد از نماز واجب و قبل از آنکه روی از قبله برگرداند، خداوند متعال را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام مورد تقدیس قرار دهد و تسبیح را با اللّه اکبر آغاز نماید، خداوند او را مورد عفو و

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

بخشش قرار می‌دهد. سیّد رضی الدین علی بن طاوس (۶۶۴ ه) در کتاب فلاح السائل روایت دیگری را از کتاب محمّد بن علیّ بن محبوب، به نقل از عبد اللّه بن سنان، از امام جعفر صادق علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت فرمود:

من سبّح تسبیح فاطمة فی دبر المکتوبة من قبل أن یبسط رجلیه، أوجب اللّه له الجنّة. «۱» (۱) ترجمه: هر که پس از اتمام نماز واجب و قبل از [روی برگرداندن از جانب قبله]، آنکه زانوهای خود را از حالت [تشهّد] نماز تغییر دهد، خداوند را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام تقدیس نماید، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند- یعنی او را در بهشت جای می‌دهد. و قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ ه) در کتاب دعائم الاسلام، از امام صادق علیه السّلام روایت نموده:

من سبّح تسبیح فاطمة علیها السّلام قبل أن یثنی رجلیه من صلاة الفریضة غفر له. «۲» (۲) ترجمه: هر کس پس از اتمام نماز واجب و قبل از آنکه حالت نماز را بر هم بزند- در همان حالت نشسته و رو به قبله- تسبیح حضرت فاطمه را به جای آورد گناهان او بخشیده می‌شود.

همان طور که پیش از این گفتیم، ذکر- هر چه که باشد- رأسا نمی‌تواند موجب بخشش گناهان و ورود در بهشت باشد و به نظر نگارنده چنین امری با مسلّمات شریعت همخوانی ندارد زیرا خداوند متعال در قرآن کریم، برای غفران و بخشش گناهان بندگان ترتیب خاصی معیّن نموده و در آیات متعدّد تصریح کرده است که بعد از تحقّق آن امور غفران و بخشش الهی نصیب گناهکاران می‌گردد.

برخی از این آیات عبارتند از:

فَمَنْ تابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ یَتُوبُ عَلَیْهِ، إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ «۳»، مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءاً بِجَهالَةٍ، ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ، وَ أَصْلَحَ، فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ «۱»، الَّذِینَ عَمِلُوا السَّیِّئاتِ، ثُمَّ تابُوا مِنْ بَعْدِها، وَ آمَنُوا، إِنَّ رَبَّکَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِیمٌ «۲»، ثُمَّ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذلِکَ وَ أَصْلَحُوا، إِنَّ رَبَّکَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِیمٌ «۳»، إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی «۴».

همان گونه که مشاهده می‌کنید در این آیات دو مرحله خاص برای بخشش گناهان پیش بینی شده است:

۱- توبه ۲- اصلاح اعمال و افعال و در صورت تحقّق این دو امر است که خداوند متعال گناهان ما را می‌بخشد، مقام ربوبی خودش در همین آیات بر این ترتیب تأکید و تصریح نموده سپس می‌فرماید:

إِنَّ رَبَّکَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِیمٌ «۵».

و یا می‌فرماید: إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ ... «۶».

بنا بر این ملاک غفران و چگونگی آن در کلام قرآن مجید کاملا واضح و مشخص است.

فصل سوم آموختن تسبیح به کودکان

امام صادق علیه السّلام فرماید: إنّا نأمر صبياننا بتسبيح فاطمة الزهرا عليها السّلام كما نـأمرهم بالصـلاة، فالزمـه، فإنّه ما يلزمه عبد فشقي. «۱» (۱) ترجمه: ما به کودکانمان همان طور به ذکر تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلام امر می‌کنیم که به نماز امر می‌کنیم.

فصل چهارم زنان و تسبیح

حدیث پیامبر: رسول خدا به زنان مهاجر فرمودند: علـیکن بالتسـبیح و التهلیـل و التقـدیس، و لا تغفلـن فتنسـین الرحمة، و أعقدن بالأنامل، فإنهن مسئولات مستنطقات «۱» (۱) ترجمـه: بـر شـما بـاد اذکـار تسـبیح و تهلیـل و تقدیس و از آن غفلت نکنید تا رحمت شما را فراگیرد و با انگشتان آنها را شمارش کنید که مـورد سـؤال واقـع می‌شوید و باید پاسخگوی آن باشید.

امام محمّد باقر علیه السّلام فرماید: إذا سبحت المرأة عقدت على الأنامل لأنهن مسـئولات. «۱» (۱) ترجمـه: هـر گاه زنی به تسبیح خداوند مشغول شد آنها را به وسیله انگشتان خود شمارش کند، زیـرا در بـاره کـم و زیـاد و تعداد آنها مسئول می‌باشد.

فصل پنجم وسیله شمارش اذکار و تسبیحات

قدر متیقّن از مجموعه روایات این باب آن است که حضرت فاطمه علیها السّلام در ابتدا به وسیله گره‌هـایی کـه بر نخی پشمینه زده بود تعداد اذکار را شمارش می‌نمـود، و بعـد از شـهادت حمـزه سـیّد الشـهداء، از تربـت آن حضرت دانه‌هایی ساخته و با نخی به یک دیگر متصل نموده، شمارش اذکار را بدان وسیله انجام مـی‌داده اسـت. پس از شهادت جانسوز امام حسین علیه السّلام دوستداران آن حضرت، برای اظهار محبت خود به آن بزرگ مرد تاریخ بشریت، وسیله شمارش اذکار را از تربت آن حضرت ساختند.

امام جعفر صادق علیه السّلام در این مورد فرماید: مَنْ سَبَّحَ بِسُبْحَةٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع تَسْبِيحَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعَمِائَةِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَرْبَعَمِائَةِ سَيِّئَةٍ وَ قُضِيَتْ لَهُ أَرْبَعُمِائَةِ حَاجَةٍ وَ رُفِعَ لَهُ أَرْبَعُمِائَةِ دَرَجَةٍ ثُمَّ قَالَ وَ تَكُونُ السُّبْحَةُ بِخُيُوطٍ زُرْقٍ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ خَرَزَةً وَ هِيَ سُبْحَةُ مَوْلَاتِنَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ لَمَّا قُتِلَ حَمْزَةُ ع عَمِلَتْ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ سُبْحَةً تُسَبِّحُ بِهَا بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ- «۱»

(۱) ترجمه: هر که تسبیح را به وسیله آنچه که از تربت امام حسین علیه السّلام سـاخته شـمارش کنـد، خداونـد چهار صد حسنه برای او ثبت می‌کند و چهار صد گناه از او می‌بخشد و چهار صد حاجت او را برآورده می‌سازد و درجات او را چهار صد مرتبه بالا می‌برد. سپس امام علیه السّلام می‌فرماید:

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

تسبیح در ابتدا تابیده شده از رشته‌ای پشم بود که حضرت فاطمه علیها السّلام گره‌هایی در آن زده بود ولی هنگامی که عموی پیامبر حمزة بن عبد المطّلب به شهادت رسید آن حضرت از تربت آن شهید تسبیحی ساخت.

سخن امام کاظم علیه السّلام

امام موسی کاظم علیه السّلام فرماید: لَا یَسْتَغْنِی شِیعَتُنَا عَنْ أَرْبَعِ خُمْرَةٍ یُصَلِّی عَلَیْهَا وَ خَاتَمٍ یَتَخَتَّمُ بِهِ وَ سِوَاکٍ یَسْتَاکُ بِهِ وَ سُبْحَةٍ مِنْ طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ ع فِیهَا ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ حَبَّةً مَتَی قَلَّبَهَا فَذَکَرَ اللَّهَ کُتِبَ لَهُ بِکُلِّ حَبَّةٍ أَرْبَعُونَ حَسَنَةً وَ إِذَا قَلَّبَهَا سَاهِیاً یَعْبَثُ بِهَا کُتِبَ لَهُ عِشْرُونَ حَسَنَةً «۱»

(۱) ترجمه: شیعة ما از چهار چیز بی‌نیاز نمی‌باشد: سجّاده‌ای که در آن نماز بگزارد، انگشتری که در دست کند، مسواکی که با آن به نظافت دندانها بپردازد، و تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السّلام ساخته باشد و در آن سی و سه دانه باشد، پس اگر با آن ذکر بگوید برای هر دانه‌اش چهل حسنه نوشته می‌شود و اگر ذکر نگوید و آن را فقط بگرداند، برای او بیست حسنه نوشته می‌شود.

سخن صاحب الامر حجّة بن الحسن عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف

ملا محسن فیض کاشانی می‌گوید: ففی التهذیب بسند صحیح عن صاحب الأمر: [أن السبحة من التربة الحسینیة] أفضل شیء یسبح به، و أن المسبح بها ینسی التسبیح و یدیر السبحة فیکتب له ذلک التسبیح «۲»

(۱) ترجمه: در کتاب تهذیب تألیف شیخ طوسی (۴۶۰ ه)، به سند صحیح از حضرت بقیة اللّه الاعظم روایت شده:

تسبیحی که دانه‌های آن از تربت امام حسین علیه السّلام باشد، بهترین وسیله‌ای است که می‌توان اذکار را با آن شمارش کرد زیرا کسی که آن را در دست داشته باشد، حتی اگر ذکر تسبیح را فراموش کند و آن را در دستانش بچرخاند، ثواب تسبیح برای او نوشته می‌شود.

فصل ششم تسبیحات حضرت فاطمه علیها السّلام

برخی از تسبیحات منسوب به حضرت فاطمه علیها السّلام در این فصل گر چه به سند صحیح و معتبر روایت نشده‌اند و به لحاظ فنّی، در باره صحّت انتساب آنها به حضرت فاطمه علیها السّلام تردید وجود دارد، ولی با توجه به محتوا و مضامین عالی آنها- نه به عنوان تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام، بلکه به عنوان ذکری از اذکار خداوند متعال که می‌تواند یاد خداوند را در دلها زنده کند- به جای آوردن آنها را، در هر حال و موقعیتی که مقدور بود، توصیه می‌کنم.

تسبیح اوّل: ابو سعید مدائنی از اصحاب امام صادق علیه السّلام گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السّلام رفته و از آن حضرت خواستم تا «تسبیح حضرت فاطمه و علی علیهما السّلام» را به من بیاموزد، امام فرمود: آن تسبیح

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

عبارت است از: سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحَانَ ذِی الْبَهْجَةِ وَ الْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّی بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَی أَثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفَا وَ وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ «۱»

(۱) ترجمه: پاک و منزّه است خداوندی که جلال و بزرگی از آن اوست؛ پاک و منزّه است خداوندی که عزّت و سربلندی و سرافرازی از آن اوست؛ پاک و منزّه است خداوندی که بهجت و جمال و زیبایی از آن اوست؛ پاک و منزّه است آنکه نور و وقار تعلّق به او دارد؛ پاک و منزّه است آنکه ردّ پای مورچه را روی سنگ صاف، و گذر پرنده را در آسمان بیکران می‌بیند و همه چیز در محضر و منظر او قرار دارد.

تسبیح دوم: این تسبیح جزء اذکاری است که روایت شده حضرت فاطمه علیها السّلام در روزهای سوم هر ماه به جای می‌آورده است: سُبْحَانَ مَنِ اسْتَنَارَ بِالْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ سُبْحَانَ مَنِ احْتَجَبَ فِی سَبْعِ سَمَاوَاتٍ فَلَا عَیْنٌ تَرَاهُ سُبْحَانَ مَنْ أَذَلَّ الْخَلَائِقَ بِالْمَوْتِ وَ أَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَیَاةِ سُبْحَانَ مَنْ یَبْقَی وَ یَفْنَی کُلُّ شَیْءٍ سِوَاهُ سُبْحَانَ مَنِ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَ ارْتَضَاهُ سُبْحَانَ الْحَیِّ الْعَلِیمِ سُبْحَانَ الْحَلِیمِ الْکَرِیمِ سُبْحَانَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ

(۱) ترجمه: پاک و منزّه است کسی که با نیرو و قوّت خویش جهان را منوّر ساخت؛ پاک و منزّه است کسی که در آسمانهای هفتگانه مستور شده و چشمی قدرت دیدار او را ندارد؛ پاک و منزّه است کسی که بندگان را با مرگ ذلیل ساخت و خود را با زندگی جاویدش عزّت بخشید؛ پاک و منزّه است کسی که باقی می‌ماند و هر آنچه غیر اوست فانی می‌گردد؛ پاک و منزّه است کسی که حمد و ستایش مخصوص اوست و از آن راضی و خشنود می‌گردد؛ پاک و منزّه است خداوند زنده دانا به همه اسرار؛ پاک و منزّه است کسی که مالک همه چیز و مقدّس است؛ پاک و منزّه است خداوندی که برتر و بزرگتر از هر چیز می‌باشد؛ و حمد و ستایش فقط مخصوص اوست.

تسبیح سوم: سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَ الْعَمَلِ لَهُ وَ الرَّغْبَةِ إِلَیْهِ وَ الطَّاعَةِ لِأَمْرِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی جَاحِداً لِشَیْءٍ مِنْ کِتَابِهِ وَ لَا مُتَحَیِّراً فِی شَیْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانِی لِدِینِهِ وَ لَمْ یَجْعَلْنِی أَعْبُدُ شَیْئاً غَیْرَهُ «۱» (۲) ترجمه: پاک و منزّه است خداوندی که عزّت و سر بلندی و سرافرازی از آن اوست؛ پاک و منزّه است خداوندی که جلال و بزرگی از آن اوست؛ پاک و منزّه است خداوندی که فرمانروایی بزرگ و دیرینه از آن اوست. حمد و سپاس برای خداوندی است که به سبب نعمتهای بیکرانش علم پیدا کردم، به آنها عمل کردم، و به سوی او رغبت نمودم، و امر او را اطاعت کردم. حمد و سپاس برای خداوندی است که مرا از

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مخالفت با آنچه که در کتابش به آن فرمان داده بازداشت، و در هیچ امر خود متحیّر و سرگردانم نساخت. و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا به سوی دینش هدایت کرد و از عبادت و پرستش غیر خودش بازداشت.

تسبیح چهارم: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به حضرت فاطمه و علی علیهما السّلام فرمودند: سخنانی است که جبرئیل به من آموخته و من آن را به شما می‌آموزم و فرمود:

تسبحان فی دبر کل صلاة عشرا، و تحمدان عشرا، و تکبران عشرا. «۱» (۱) ترجمه: پس از اتمام نمازهای واجب، ده مرتبه سبحان اللّه، و ده مرتبه الحمد للّه و ده مرتبه اللّه اکبر بگویید.

تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السّلام: امام علی بن ابی طالب و امام جعفر صادق علیهما السّلام گویند: تسبیح فاطمة ع هو: الله أکبر أربع و ثلاثون مرة، و سبحان الله ثلاث و ثلاثون مرة، و الحمد لله ثلاث و ثلاثون مرة «۲»

(۱) ترجمه: تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام عبارت است از: الله اکبر سی و چهار مرتبه سبحان اللّه، سی و سه مرتبه الحمد للّه، سی و سه مرتبه.

تذکّراتی در باره تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السّلام

تذکر اوّل : در تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام ابتدا از الله اکبر آغاز می‌کنیم و سپس الحمد للّه و در آخر ذکر سبحان اللّه به جای می‌آوریم.

در اکثر روایات، خصوصا روایاتی که از طریق امام صادق علیه السّلام نقل شده چنین آمده است، برخی از این روایات عبارتند از: قال الصادق ع عند السؤال عن التسبیح. تبدأ بالتکبیر، ثم التحمید، ثم التسبیح. «۱»

(۱) ترجمه: شروع کن با الله اکبر و سپس الحمد للّه و بعد سبحان اللّه.

تذکر دوم : در برخی روایات تعداد هر سه ذکر، سی و سه مرتبه ذکر شده است که به نظر می‌رسد ناشی از اشتباه راوی یا ناسخ باشد زیرا اکثر روایات تکبیر را سی و چهار مرتبه ذکر کرده‌اند و تمام علما نیز تکبیر را سی و چهار مرتبه دانسته‌اند.

تذکر سوم : در برخی روایات آمده است که ابتدا- پس از تکبیر- حمد و سپس سبحان الله گفته می‌شود، در حالی که در برخی روایات دیگر، تسبیح بر تحمید مقدّم شده است، و به نظر نگارنده و با توجه به اینکه در بین هر دو گروه از روایات، احادیث صحیح و معتبر وجود دارد، لذا فرقی نمی‌کند که کدام یک از این دو قبل از دیگری گفته شود. و اللّه العالم.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

تذکر چهارم : توصیه می‌شود که به هنگام تسبیح حضور دل و قلب داشته باشیم تا از آثار پر خیر تسبیح حضرت زهرا بهره‌مند شویم.

تذکر پنجم : به هنگام تسبیح، در شمارش تعداد ذکرها دقّت شود تا حتما به همان تعدادی که گفته شده ادا گردد.

تذکر ششم : چنانچه پس از اتمام تسبیح شک کردیم که آیا تعداد اذکار را درست گفته‌ایم یا نه، با توجه به «قاعده فراغ» به شک مذکور توجه نکرده و بنا را بر صحّت می‌گذاریم، گر چه در برخی از روایات ضعیف توصیه شده که تسبیح تکرار شود. و خداوند عالم‌تر است.

تذکر هفتم : در اثنای تسبیح از انجام کارهای دیگر خودداری شود تا مبادا تمرکز ما در حال ذکر از بین رفته و فواید ذکر منتفی شود.

تذکر هشتم : توصیه شده است که «تسبیح بعد از نماز»، بلا فاصله پس از سلام گفته شود، و این توصیه در روایات متعدّد وارد شده است.

تذکر نهم : در روایات توصیه شده است که بعد از اتمام تسبیح، ذکر لا اله الّا اللّه نیز گفته شود.

تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام بهترین تعقیب برای نمازهای واجب

امام صادق علیه السّلام در این باره فرماید: من سبح الله فی دبر الفریضة قبل أن یثنی رجلیه تسبیح فاطمة، و أتبعها ب «لا إله إلا الله» مرة واحدة، غفر له. «۱»

(۱) ترجمه: هر که پس از به جای آوردن نماز واجب خود و قبل از دراز کردن پاهایش- یعنی بر هم زدن حالت نماز- تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را به جای آورد و در انتهای آن یک مرتبه لا اله الّا اللّه بگوید، مشمول مغفرت خداوند واقع می‌شود.

شیخ طوسی گوید: هر گاه پس از نماز واجب، سلام دادی، تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را ترک مکن «۱».

و شیخ بهائی گوید: بهترین تعقیب‌ها برای نماز واجب، تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام است «۱».

و نظیر این سخنان از تمامی فقهای شیعه صادر شده است.

امام صادق علیه السّلام در روایت دیگری فرماید: تسبیح فاطمة الزهراء ع فی دبر کل صلاة أحب إلی من ألف رکع فی کل یوم. «۲»

(۱) ترجمه: تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلام بعد از نماز واجب در نزد من محبوبتر است از هزار رکعت نماز در هر روز.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام قبل از خواب: روایت شده که علی علیه السّلام به مردی از قبیله بنی سعد به نام ابن اعبد فرمود: آیا می‌خواهی مقداری از حالات فاطمه را در آن زمانی که در خانه من بود، برای تو بیان کنم؟

او با وجود اینکه از محبوبترین اشخاص در نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بود ولی خدمتکاری نداشت و خود کارهای منزل را انجام می‌داد، او با مشک آب می‌آورد تا آنجا که اثر بند آن در شانه و سینه او باقی مانده بود و آنقدر خانه را جارو کرد که غبار تمام لباسهایش را در بر گرفته بود، و آنقدر در زیر دیگ غذا آتش افروخته بود که لباسهایش رنگ عوض کرده و بوی دود می‌داد، هنگامی که سختی‌های او بیشتر شد، به او گفتم: چرا نزد پیامبر نمی‌روی و از او کنیزی نمی‌خواهی تا در کارهای خانه به تو کمک کند؟

فاطمه علیها السّلام به نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رفت تا در این باره با وی سخن بگوید، ولی از آن جهت که اشخاصی نزد پیامبر بودند، چیزی نگفته به خانه بازگشت.

پیامبر که دریافته بود فاطمه برای عرض حاجتی به نزد وی آمده، صبح روز بعد به نزد ما آمد و از فاطمه در باره علّت مراجعه روز گذشته‌اش سؤال نمود. و من آنچه را که بین خودم و فاطمه صحبت شده بود، به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عرض کردم.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: فعلا کنیزی در اختیار ندارم، اگر خدا بخواهد به زودی به جنگ می‌رویم و اگر کنیزی غنیمت گرفتم به تو خواهم داد ولی بهتر از خدمتکار آن است که هر گاه می‌خواهید در بستر خویش بخوابید، سی و چهار بار اللّه اکبر و سی و سه بار الحمد للّه و سی و سه بار سبحان اللّه بگویید که آن برای شما بهتر است.

در این حال فاطمه سه بار گفت: از خدا و رسولش راضی شدم و چنین خواهم کرد. «۱»

روایات مربوط به توصیه به تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام قبل از خواب

شیخ بهائی گوید: مشهور است که تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام در دو هنگام مستحب است: ۱- بعد از نمازهای واجب ۲- قبل از خواب. «۱» امام صادق علیه السّلام در باره تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام به هنگام خواب فرماید: من بات علی تسبیح فاطمة ع کان من الذاکرین الله کثیرا. «۲» (۱) ترجمه: هر که به هنگام خواب تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را به جای آورد از کسانی محسوب می‌شود که خداوند را ذکر کثیر گفته‌اند.

علت اشتهار این تسبیح به نام حضرت فاطمه علیها السّلام

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ ه) گوید: علت اشتهار این تسبیح به نام حضرت فاطمه علیها السّلام آن است که آن حضرت پس از آموختن تسبیح از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم همواره بر آن مداومت می‌نمود و هرگز آن را ترک نمی‌کرد و همین امر باعث گردید که این تسبیح به نام حضرت فاطمه مشهور شود. «۱»

تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام، برای رهایی از گرفتاریها و فقر

از امام صادق علیه السّلام روایت شده: من سبح الله کل یوم ثلاثین مرة، دفع الله تبارک و تعالی عنه سبعین نوعا من البلاء أدناها الفقیر. «۲» (۱) ترجمه: هر کس در روز سی مرتبه خداوند را تسبیح گوید، خدای تبارک و تعالی هفتاد نوع بلا را از او دفع می‌کند که کمترین آنها فقر است.

از ابو هریره روایت شده است: فقیران نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌آمدند و از ناداری خویش گلایه می‌کردند، پس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به آنان می‌فرمود: بعد از هر نماز سی مرتبه سبحان اللّه و سی مرتبه الحمد للّه و سی مرتبه اللّه اکبر بگویید.

ابو هریره می‌گوید: بین مسلمان اختلاف واقع شد زیرا برخی از آنها می‌گفتند که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تکبیر را سی و چهار مرتبه فرموده‌اند. پس نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برگشتیم و از ایشان در این باره سؤال کردیم آن حضرت فرمود: هر یک از سبحان اللّه، و الحمد للّه، و لا اله الّا اللّه، و اللّه اکبر، را سی و سه مرتبه بگویید. «۱»

تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام به هنگام خروج برای سفر: از امام صادق علیه السّلام روایت شده است: برادران رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به نزد او آمده و گفتند: قصد کرده‌ایم برای تجارت به شام عزیمت کنیم، به ما بیاموز که چگونه بگوییم.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: در هر شب پس از به جای آوردن نماز عشا، هنگامی که برای خواب به بستر می‌روید تسبیح فاطمه زهرا را خوانده و پس از آن آیة الکرسی را تلاوت کنید تا از همه گزندها در امان باشید.

برادران رسول خدا پس از سفر می‌گفتند: با عمل به این آموزش، از همه آسیب‌ها نجات یافته گزندی به ما نرسید. «۲» این روایت طولانی است و ما بخش مورد نیازمان را ترجمه کردیم و تمام متن را برای استفاده محقّقین در پاورقی می‌آوریم.

و سیّد علی بن طاوس (۶۶۴ ه) در کتاب الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان گوید: مستحب است به هنگام خروج از منزل برای سفر، خواندن تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام، و قرائت حمد و آیة الکرسی. «۱»

تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام بعد از به جای آوردن نمازهای نافله در ماه رمضان

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

از امام صادق علیه السّلام روایت شده است: «بعد از به جای آوردن نمازهای نافله در ماه رمضان، مستحب است که تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را به جای آوری، و آن سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه سبحان اللّه، و سی و سه مرتبه الحمد للّه است. به خداوند سوگند اگر چیزی بهتر از این تسبیح وجود داشت، همانا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم او را به فاطمه علیها السّلام می‌آموخت. «۲»

تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام بعد از به جای آوردن نوافل نماز مغرب در اوّل هر ماه (هجری)

امام صادق علیه السّلام می‌فرماید «۱»: در شب اوّل از هر ماه، بعد از به جای آوردن نماز مغرب و نافله آن، مستحب است که چهار نماز دو رکعتی به جای آوری، و بعد از اتمام هر نماز تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام را بخوانی و سپس این دعا را تلاوت کنی: اللّهمّ أنت الأول فلیس قبلک شیء، و أنت الآخر فلیس بعدک شیء، و أنت الظّاهر فلیس فوقک شیء، و أنت الباطن فلیس دونک شیء، و أنت العزیز الحکیم، اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد، و أدخلنی فی کلّ خیر أدخلت فیه محمّدا و آل محمّد، و أخرجنی من کلّ سوء أخرجت منه محمّدا و آل محمّد، و السّلام علیه و علیهم و رحمة اللّه و برکاته.

موارد دیگر توصیه شده به تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام

اوّل: بعد از نماز عید فطر: سیّد بن طاوس حلّی (۶۶۴ ه) در اقبال الاعمال، پس از سخن در باره نماز عید فطر گوید:

ثم سبح تسبیح فاطمة الزهراء ع «۲» (۱) ترجمه: پس از نماز عید، تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلام را به جای آور.

دوم: برای رفع سنگینی گوش: روایت شده که مردی نزد امام صادق علیه السّلام آمد و امام علیه السّلام به او چیزی گفت ولی آن مرد نشنید و از سنگینی گوش شکایت کرد، پس امام صادق علیه السّلام به او فرمود: چرا تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را نمی‌خوانی؟ آن مرد پرسید: تسبیح زهرا علیها السّلام چیست؟

امام علیه السّلام فرمود: سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه الحمد للّه، و سی و سه مرتبه سبحان اللّه می‌گویی که مجموعا صد مرتبه می‌باشد.

راوی گفته: پس از مدّتی که این کار را انجام دادم، سنگینی شنواییم از بین رفت و بهبود یافتم. «۱»

خاتمه و توصیه

همان طور که پیش از این مکرّر یادآور شدیم، تسبیح حضرت فاطمه علیها السّلام از ذکرهای مجرّب و مشهور است که به جای آوردن آن در همه حال و همه جا مطلوب است و اینکه در برخی از موارد خاص مانند بعد از اقسام نمازها، قبل از خواب، به هنگام سفر، بعد از به جای آوردن نمازهای نافله و غیره توصیه شده است مانع از

آن نمی‌شود که با به جای آوردن آن در سایر مواقع و در همه حال، از فواید و آثار مترتّب بر تسبیح که همان فواید و آثار مترتّب بر ذکر است بهره‌مند نباشیم، بنا بر این به جای آوردن تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السّلام را در همه حال توصیه می‌کنیم.

ضمیمه ششم دعاهای حضرت فاطمه علیها السّلام در تعقیب نمازهای پنجگانه

دعای حضرت فاطمه علیها السّلام برای بعد از نماز صبح و مغرب

قال النبی ص لفاطمة: إذا صلیت الصبح فقولی «لا إله الا اللّه، وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، یحیی و یمیت، بیده الخیر و هو علی کلّ شیء قدیر». عشر مرات بعد صلاة الصبح، و عشر مرات بعد صلاة المغرب. «۱»

(۱) ترجمه: پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به فاطمه علیها السّلام فرمودند: پس از نماز صبح و نماز مغرب، ده بار این ذکر را بگو:

«لا إله الا اللّه، وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، یحیی و یمیت، بیده الخیر و هو علی کلّ شیء قدیر». «۲»

دعای تعقیب نماز صبح، معروف به دعای حریق

اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ أُشْهِدُکَ وَ کَفَی بِکَ شَهِیداً وَ أُشْهِدُ مَلَائِکَتَکَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِکَ وَ سُکَّانَ سَمَاوَاتِکَ وَ أَرَضِیکَ وَ أَنْبِیَاءَکَ وَ رُسُلَکَ وَ الصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِکَ وَ جَمِیعِ خَلْقِکَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِکَ إِلَی قَرَارِ الْأَرَضِینَ السَّابِعَةِ السُّفْلَی بَاطِلٌ مَا خَلَا وَجْهَکَ الْکَرِیمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَ أَکْرَمُ وَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ یَصِفَ الْوَاصِفُونَ کُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِیَ الْقُلُوبُ لِکُلِّ عَظَمَتِهِ یَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِینَ فَخْرُ مَدْحِهِ وَ عَدَا وَصْفَ الْوَاصِفِینَ مَآثِرُ حَمْدِهِ وَ جَلَّ عَنْ مَقَالَةِ النَّاطِقِینَ تَعْظِیمُ شَأْنِهِ صل علی محمد و آله، و افعل بنا ما أنت أهله تَقُولُ ذَلِکَ ثَلَاثاً ثُمَّ تَقُولُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَ تَقُولُ ذَلِکَ إِحْدَی عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِیمِ الْکَرِیمِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الْمَلِکِ الْحَقِّ الْمُبِینِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِهِ وَ مِلْءَ سَمَاوَاتِهِ وَ أَرْضِهِ وَ عَدَدَ مَا جَرَی بِهِ قَلَمُهُ وَ أَحْصَاهُ کِتَابُهُ وَ رِضَا نَفْسِهِ تَقُولُ ذَلِکَ إِحْدَی عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الْمُبَارَکِینَ وَ صَلِّ عَلَی جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ إِسْرَافِیلَ وَ حَمَلَةِ عَرْشِکَ وَ الْمَلَائِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَیْهِمْ حَتَّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِیدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مَلَکِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ وَ رِضْوَانَ وَ خَزَنَةِ الْجِنَانِ وَ صَلِّ عَلَی مَالِکٍ وَ خَزَنَةِ النِّیرَانِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِمْ حَتَّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِیدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ وَ السَّفَرَةِ الْکِرَامِ الْبَرَرَةِ وَ الْحَفَظَةِ لِبَنِی آدَمَ وَ صَلِّ عَلَی مَلَائِکَةِ السَّمَاوَاتِ الْعُلَی وَ مَلَائِکَةِ الْأَرَضِینَ السَّابِعَةِ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

السُّفْلَى وَ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْأَرَضِينَ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ وَ الْبَرَارِي وَ الْقِفَارِ وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَبِي آدَمَ وَ أُمِّي حَوَّاءَ وَ مَا وَلَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى أَصْحَابِهِ الْمُنْتَجَبِينَ وَ أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرِينَ وَ عَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَلَدَ مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ مَرْأَةٍ صَالِحَةٍ كَفَلَتْ مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ مَنْ صَلَّاتُكَ عَلَيْهِ رِضًا لَكَ وَ رِضًا لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ص صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ رَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ وَ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ صَلَاةٍ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَاةٍ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ شَعْرِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ شَعْرِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ نَفَسِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ نَفَسِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ سُكُونِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ سُكُونِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ حَرَكَةِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ حَرَكَاتِهِمْ وَ صِفَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ سَاعَاتِهِمْ وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ لَمْ يَعْمَلُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ وَ الْمَنُّ وَ الْفَضْلُ وَ الطَّوْلُ وَ النِّعْمَةُ وَ الْعَظَمَةُ وَ الْجَبَرُوتُ وَ الْمُلْكُ وَ الْمَلَكُوتُ وَ الْقَهْرُ وَ الْفَخْرُ وَ السُّؤْدُدُ وَ السُّلْطَانُ وَ الامْتِنَانُ وَ الْكَرَمُ وَ الْجَلَالُ وَ الْجَبْرُ وَ التَّوْحِيدُ وَ التَّمْجِيدُ وَ التَّهْلِيلُ وَ التَّكْبِيرُ وَ التَّقْدِيسُ وَ الْعَظَمَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الْمَغْفِرَةُ وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ لَكَ مَا زَكَا وَ طَابَ مِنَ الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَدْحِ الْفَاخِرِ وَ الْقَوْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ وَ تَرْضَى بِهِ مِمَّنْ قَالَهُ وَ هُوَ رِضًا لَكَ فَتَقَبَّلْ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوَّلِ الْحَامِدِينَ وَ ثَنَائِي بِثَنَاءِ أَوَّلِ الْمُثْنِينَ وَ تَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُهَلِّلِينَ وَ تَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ الْمُكَبِّرِينَ وَ قَوْلِي الْحَسَنِ الْجَمِيلِ بِقَوْلِ أَوَّلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمِلِينَ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ كَذَلِكَ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

وَ بِعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ الرِّمَالِ وَ التِّلَالِ وَ الْجِبَالِ وَ عَدَدِ جُرَعِ مَاءِ الْبِحَارِ وَ عَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ وَرَقِ الْأَشْجَارِ وَ عَدَدِ النُّجُومِ وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَلِكَ وَ عَدَدِ الثَّرَى وَ النَّوَى وَ الْحَصَى وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا فَوْقَ ذَلِكَ مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَ عَدَدِ حُرُوفِ أَلْفَاظِ أَهْلِهِنَّ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

وَ عَدَدَ أَزْمَانِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ سُكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ وَ عَدَدَ زِنَةِ مَا عَمِلُوا أَوْ لَمْ يَعْمَلُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أُعِيذُ أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ص وَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ قَرَابَاتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ كُلَّ ذِي رَحِمٍ لِي دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ وَ جِيرَانِي وَ إِخْوَانِي وَ مَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ أَسْدَى إِلَيَّ بِرّاً أَوِ اتَّخَذَ عِنْدِي يَداً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَ بِأَسْمَائِهِ التَّامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ وَ بِأُمِّ الْكِتَابِ وَ خَاتِمَتِهِ وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ وَ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَةٍ وَ عُوذَةٍ وَ بَرَكَةٍ وَ بِالتَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ بِصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَ اللَّهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَ اللَّهُ وَ بِكُلِّ حُجَّةٍ أَقَامَهَا اللَّهُ وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ نُورٍ أَنَارَهُ اللَّهُ وَ بِكُلِّ آلَاءِ اللَّهِ وَ عَظَمَتِهِ أُعِيذُ وَ أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْهُ أَكْبَرُ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ السَّلَاطِينِ وَ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَ الظُّلْمَةِ وَ مِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ هَجَمَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ آفَةٍ وَ نَدَمٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ «۱»

(۱) ترجمه: پروردگارا، (شب را) صبح کردم و در این صبحگاه تو را شاهد می‌گیرم- و مرا شهادت و گواهی تو کفایت می‌کند- همچنین فرشتگان، و حاملان عرش و ساکنان آسمانها و زمینها، پیامبران و رسولان، بندگان صالح و تمام مخلوقاتت را شاهد می‌گیرم به اینکه شهادت دهم که معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی؛ و آنچه غیر از تو عبادت شود همگی موهوم و باطل است.

همانا برتر و بزرگوارتر و بالاتر از آن است که توصیف‌کنندگان قادر به وصف واقعیت بزرگی و جلالش باشند و یا قلبها عظمت آن را در یابند.

سپس سه مرتبه می‌گویی: «ای آنکه مدح و توصیف او بالاتر از وصف مدّاحان، و اسباب ثنا و سپاسش فراتر از ستایش ستایشگران، و عظمت و کبریای او بالاتر از گفتار گویندگان است، بر محمّد و خاندان او درود فرست، و برای من آن را انجام ده که از چون تویی انتظار می‌رود».

و بعد از آن یازده مرتبه می‌گویی: «نیست معبودی جز خدای یگانه بی‌شریک، حکومت مطلق و تمام حمد و ستایش مخصوص اوست، زندگی می‌بخشد و می‌میراند، اوست که حیات دائم دارد و مرگ در او راه ندارد، کلید همه خیرها به دست اوست و او بر همه چیز قادر و تواناست».

و سپس یازده مرتبه می‌گویی: «پاک و منزّه است خداوند، حمد و ستایش مخصوص اوست، نیست معبودی به جز او و بزرگتر از آن است که در وصف آید، هر چه بخواهد همان می‌شود، نیرو و توانی نیست مگر به خواست

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

و اراده او که بردبار، کریم، برتر و بزرگ است. بخشنده و مهربان است، همو که فرمانرواست، حقّ است و بیان‌کننده حق و باطل و جداکننده آنها از هم، به تعداد آفریدگان و سنگینی عرش و تمام آسمان و زمین، و هر آنچه که قلمش بر آن جاری، و کتابش آن را شمرده و برای خود پسندیده، او را تسبیح می‌گویم». (۱) و بعد می‌گویی:

خداوندا! بر محمّد و خاندان با برکت او درود فرست، و جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، حاملان عرش و فرشتگان مقرّبت را نیز درود فرست، خدایا، بر همگی آنان درود و رحمت خود را نثار فرما تا آنجا که آنان را به مقام «رضا» برسانی و بعد از آن، به هر اندازه که خود شایسته آنی بر آن بیفزا، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

خداوندا! بر فرشته مرگ و دستیاران او، و بر رضوان و نگهبانان بهشت، و بر مالک و مأموران دوزخ درود فرست، خداوندا، بر همگی آنان درود و رحمت خود را نثار فرما تا آنجا که آنان را به مقام «رضا» برسانی و پس از رضا به هر اندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

خداوندا! بر ثبت‌کنندگان اعمال، و بر نمایندگان و فرستادگان نیکوکار، و نگهبانان فرزندان آدم درود فرست، و بر فرشتگان آسمان بالا و فرشتگان زمین‌های هفت‌گانه پایین، و فرشتگان شب و روز، زمین و کرانه‌های آن، دریاها و رودخانه‌ها، صحراها و دشتها، و بر آن گروه از فرشتگانت که به وسیله پرستش و ستایشت از خوردن غذا و آب بی‌نیازشان ساخته‌ای درود فرست، خدایا، بر همگی آنان درود فرست و رحمت خویش را نصیبشان فرما تا آنجا که آنان را به مقام «رضا» برسانی، و پس از رضا به هر اندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

خداوندا! و بر پدرمان حضرت آدم و مادرمان حوّا و پیامبران و صدّیقین و شهدا و صالحان درود فرست تا آنجا که آنان را به مقام «رضا» برسانی که راضی شوند، و پس از رضا به هر اندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزای، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

خداوندا! بر محمّد و اهل بیت پاک او، و بر یاران برگزیده‌اش، و همسران پاکش، و بر ذرّیّه محمّد، و بر هر پیامبری که به آمدن محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نوید داده، و پیامبرانی که در سلسله اجداد او قرار می‌گیرند، و بر هر بانوی صالحه‌ای که سرپرستی و کفالت محمّد را بر عهده گرفت، درود فرست و بر آنانی درود فرست که در فرستادن درود بر آنان خوشنودی تو و پیامبرت محمّد حاصل شود، خدایا بر ایشان درود و رحمت خود را نثار نما تا آنجا که راضی شوند، و بعد از آن به هر اندازه که شایسته توست بر آن بیفزا، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان. (۱) خداوندا! همانند درود، برکت و رحمتی که نثار ابراهیم علیه السّلام نمودی، بر محمّد و خاندان او درود فرست، و همان طور بر محمّد و خاندان محمّد برکت ده. و همانند آنان رحمت خود را

نثار ایشان فرما همانا تو ستایش شده و بزرگوار هستی. خدایا، بر محمّد وسیله «۱»، برتری، فضیلت و مقام رفیع عطا بفرما.

خداوندا! بر محمّد و خاندان او درود فرست همان طور که به ما دستور دادهای بر او درود فرستیم، خداوندا! بر محمّد و خاندان او درود فرست به تعداد همه کسانی که بر او درود فرستادند، خداوندا! بر محمّد و خاندان او درود فرست به تعداد همه درودهایی که تو بر او فرستادهای.

خداوندا! بر محمّد و خاندان او به تعداد حروف به کار رفته در درودی که تو بر او میفرستی درود فرست، خداوندا! به تعداد موهای کسانی که بر او درود فرستادهاند، بر محمّد و خاندانش درود خود را نثار نما، خداوندا! به تعداد موهای کسانی که بر او درود و صلوات نثار نمیکنند، بر محمّد و خاندانش درود فرست.

خداوندا! به عدد نفسهای کسانی که بر او صلوات فرستادند و به عدد نفس آنهایی که از صلوات بر او خودداری میکنند، بر محمّد و خاندانش درود بیکران نثار بفرما؛ و به تعداد سکون کسانی که بر او درود فرستادهاند و نیز به تعداد سکون کسانی که بر او درود نمیفرستند، بر محمّد و خاندانش درود بیکران نثار بفرما؛ خداوندا! بر محمّد و خاندانش به تعداد حرکات آنها و دقایق و ساعاتی که بر آنها گذشته، و به وزن کارهایی که انجام داده یا ندادهاند، و به اندازه کارهایی که از آنها صادر شده یا تا روز قیامت خواهد شد، درود فرست.

خداوندا! حمد و شکر، تقدیر و تفضیل، بخشش و نعمت، بزرگی و شکوه، فرمانروایی و پیروزی، شدّت و آقایی، سروری و سلطه، بزرگواری و کرم، عظمت و قدرت و جبر، توحید و تمجید، تهلیل و تکبیر، پاکی و رحمت، آمرزش و بزرگی، همهاش از آن توست، و هر گونه ثنا و ستایش خالص، مدح شایسته، و سخن نیکو که از مدّعی و گویندهاش راضی شوی به تو اختصاص دارد. (۱) پس حمد و ستایش مرا بپذیر همراه با حمد اوّلین ستایشگر، و ثنای مرا بپذیر همراه ثنای اوّلین سپاسگزار، و تهلیل مرا به همراه تهلیل اوّلین گوینده، و تکبیرم را به همراه تکبیر اوّلین تکبیر گوینده، و گفتار زیبایم را به همراه اوّلین ثناگو و گوینده سخن نیکو در باره آفریدگار عالمیان، در حالی که از اوّلین روز دنیا تا روز قیامت ادامه داشته باشد، و به تعداد و وزن ذرّات شنها و تپهها و کوهها، و به تعداد جرعههای آب دریاها، و به تعداد قطرات بارانها و برگ درختان، و به تعداد ستارگان و وزن آنها، و به تعداد خاکها و دانهها و سنگریزهها، و به تعداد ذرّات آسمانها و زمین و آنچه در آنها و بین آنها و زیر آنها و بالای آنهاست از عرش تو تا ژرفای زمینهای هفتگانه، و به تعداد حروف الفاظی که اهل زمین و آسمان به کار میبرند، و به تعداد زمانها، دقیقهها، حرکت و سکونها و موها و پوستهای آنان و به تعداد اعمالی که انجام داده و یا ندادهاند، یا آنچه از آنان صادر شده و یا تا روز قیامت از آنان صادر میشود.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

خاندان پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، جان، مال، فرزندان، خویشان و اهل بیتم، و هر فردی از بستگانم که مسلمان شده، و همسایگان و برادرانم، و هر که از زنان و مردان مؤمن که برای من دعا کرده، یا کار نیکی در حقّ من انجام داده، یا نعمتی را به من ارزانی داشته، همگی اینها را به خداوند و به اسماء تامّش که کامل و شامل همه چیز است و هیچ خوب و بدی بر آنها راه ندارد، پناهنده می‌دارم، و به قرآن کریم و خاتمیّت آن و آنچه که در آن است از سوره شریفه و آیه محکم و شفا و رحمت و پناه و برکت، و به تورات و انجیل و زبور، و به مصحف ابراهیم و موسی، و به هر کتابی که خداوند نازل کرده، و به هر پیامبر که خدا فرستاده، و به هر حجّتی که برپا داشته، و هر برهانی که ظاهر نموده، و به هر نوری که آن را منوّر نموده، و به تمام نعمتهایی که عطا فرموده و بزرگی آن به خداوند پناه می‌برم، و پناه می‌برم و پناه می‌جویم از شرّ هر شروری و آنکه از او می‌ترسم و هراسناکم، و از شرّ آنچه که خداوند از آنها برتر است، و از شرّ جنّ و انس فاسق، و شیاطین، و پادشاهان، و ابلیس و سربازان و دوستان و پیروانش، و از شرّ آنچه در نور و ظلمت است، و از شرّ آنچه هجوم آورد، و از شرّ همّ و غم و آفت و پشیمانی، و از شرّ آنچه از آسمان فرود می‌آید یا به آسمان می‌رود، و از شرّ آنچه داخل زمین شده و از آن خارج می‌شود، و از شرّ هر جنبنده‌ای که خداوند متعال زمام او را در دست دارد، به او پناه می‌برم، پس به درستی که پروردگارم بر صراط مستقیم است، پس اگر روی گرداندند بگو: خداوند مرا کفایت کند، معبودی جز او نیست، بر او توکّل می‌کنم که او پروردگار عرش عظیم است.

دعای حضرت فاطمه علیها السّلام در تعقیب نماز ظهر

سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَ الْعَمَلِ لَهُ وَ الرَّغْبَةِ إِلَیْهِ وَ الطَّاعَةِ لِأَمْرِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی جَاحِداً لِشَیْءٍ مِنْ کِتَابِهِ وَ لَا مُتَحَیِّراً فِی شَیْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانِی لِدِینِهِ وَ لَمْ یَجْعَلْنِی أَعْبُدُ شَیْئاً غَیْرَهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ قَوْلَ التَّوَّابِینَ وَ عَمَلَهُمْ وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِینَ وَ ثَوَابَهُمْ وَ تَصْدِیقَ الْمُؤْمِنِینَ وَ تَوَکُّلَهُمْ وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَیْرَ غَائِبٍ أَنْتَظِرُهُ وَ خَیْرَ مُطَّلِعٍ یَطَّلِعُ عَلَیَّ وَ ارْزُقْنِی عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ نُزُولِهِ وَ فِی غَمَرَاتِهِ وَ حِینَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَیْنِ التَّرَاقِی وَ حِینَ تَبْلُغُ الْحُلْقُومَ وَ فِی حَالِ خُرُوجِی مِنَ الدُّنْیَا وَ تِلْکَ السَّاعَةِ الَّتِی لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی فِیهَا ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ لَا شِدَّةً وَ لَا رَخَاءً رَوْحاً مِنْ رَحْمَتِکَ وَ حَظّاً مِنْ رِضْوَانِکَ وَ بُشْرَی مِنْ کَرَامَتِکَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّی نَفْسِی وَ تَقْبِضَ رُوحِی وَ تُسَلِّطَ مَلَکَ الْمَوْتِ عَلَی إِخْرَاجِ نَفْسِی بِبُشْرَی مِنْکَ یَا رَبِّ لَیْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَیْرِکَ تُثْلِجُ بِهَا صَدْرِی وَ تَسُرُّ بِهَا نَفْسِی وَ تَقَرُّ بِهَا عَیْنِی وَ یَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِی وَ یَسْفُرُ بِهَا لَوْنِی وَ یَطْمَئِنُّ بِهَا قَلْبِی وَ یَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِی یَغْبِطُنِی بِهَا مَنْ حَضَرَنِی مِنْ خَلْقِکَ وَ مَنْ سَمِعَ بِی مِنْ عِبَادِکَ تُهَوِّنُ بِهَا عَلَیَّ سَکَرَاتِ الْمَوْتِ وَ تُفَرِّجُ عَنِّی بِهَا کُرْبَتَهُ وَ تُخَفِّفُ بِهَا عَنِّی شِدَّتَهُ وَ تَکْشِفُ عَنِّی بِهَا سُقْمَهُ وَ تُذْهِبُ عَنِّی بِهَا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

هَمَّهُ وَ حَسْرَتَهُ وَ تَعْصِمُنِی بِهَا مِنْ أَسَفِهِ وَ فِتَنِهِ وَ تُجِیرُنِی بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا یَحْضُرُ أَهْلَهُ وَ تَرْزُقُنِی بِهَا خَیْرَهُ وَ خَیْرَ مَا یَحْضُرُ عِنْدَهُ وَ خَیْرَ مَا هُوَ کَائِنٌ بَعْدَهُ ثُمَّ إِذَا تَوَفَّیْتَ نَفْسِی وَ قَبَضْتَ رُوحِی فَاجْعَلْ رُوحِی فِی الْأَرْوَاحِ الرَّائِحَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسِی فِی الْأَنْفُسِ الصَّالِحَةِ وَ اجْعَلْ جَسَدِی فِی الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ وَ اجْعَلْ عَمَلِی فِی الْأَعْمَالِ الْمُتَقَبَّلَةِ ثُمَّ ارْزُقْنِی فِی خِطَّتِی مِنَ الْأَرْضِ وَ مَوْضِعِ جَنَّتِی حَیْثُ یُرِفْتُ لَحْمِی وَ یُدْفَنُ عَظْمِی وَ أُتْرَکُ وَحِیداً لَا حِیلَةَ لِی قَدْ لَفَظَتْنِی الْبِلَادُ وَ تَخَلَّا مِنِّی الْعِبَادُ وَ افْتَقَرْتُ إِلَی رَحْمَتِکَ وَ احْتَجْتُ إِلَی صَالِحِ عَمَلِی وَ أَلْقَی مَا مَهَّدْتُ لِنَفْسِی وَ قَدَّمْتُ لِآخِرَتِی وَ عَمِلْتُ فِی أَیَّامِ حَیَاتِی فَوْزاً مِنْ رَحْمَتِکَ وَ ضِیَاءً مِنْ نُورِکَ وَ تَثْبِیتاً مِنْ کَرَامَتِکَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّکَ تُضِلُّ الظَّالِمِینَ وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ ثُمَّ بَارِکْ لِی فِی الْبَعْثِ وَ الْحِسَابِ إِذَا انْشَقَّتِ الْأَرْضُ عَنِّی وَ تَخَلَّا الْعِبَادُ مِنِّی وَ غَشِیَتْنِی الصَّیْحَةُ وَ أَفْزَعَتْنِی النَّفْخَةُ وَ نَشَرْتَنِی بَعْدَ الْمَوْتِ وَ بَعَثْتَنِی لِلْحِسَابِ فَابْعَثْ مَعِی یَا رَبِّ نُوراً مِنْ رَحْمَتِکَ یَسْعَی بَیْنَ یَدَیَّ وَ عَنْ یَمِینِی تُؤْمِنُنِی بِهِ وَ تَرْبِطُ بِهِ عَلَی قَلْبِی وَ تُظْهِرُ بِهِ عُذْرِی وَ تُبَیِّضُ بِهِ وَجْهِی وَ تُصَدِّقُ بِهِ حَدِیثِی وَ تُفْلِجُ بِهِ حُجَّتِی وَ تُبْلِغُنِی بِهِ الْعُرْوَةَ الْقُصْوَی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ تُحِلُّنِی الدَّرَجَةَ الْعُلْیَا مِنْ جَنَّتِکَ وَ تَرْزُقُنِی بِهِ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ فِی أَعْلَی الْجَنَّةِ دَرَجَةً وَ أَبْلَغَهَا فَضِیلَةً وَ أَبَرَّهَا عَطِیَّةً وَ أَرْفَعَهَا نُفْسَةً مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقاً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ عَلَی جَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ عَلَی الْمَلَائِکَةِ أَجْمَعِینَ وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ عَلَی أَئِمَّةِ الْهُدَی أَجْمَعِینَ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا هَدَیْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا نَصَرْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ بَیِّضْ وَجْهَهُ وَ أَعْلِ کَعْبَهُ وَ أَفْلِجْ حُجَّتَهُ وَ أَتْمِمْ نُورَهُ وَ ثَقِّلْ مِیزَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ افْسَحْ لَهُ حَتَّی یَرْضَی وَ بَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِیلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِی وَعَدْتَهُ وَ اجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ عِنْدَکَ مَنْزِلَةً وَ وَسِیلَةً وَ اقْصُصْ بِنَا أَثَرَهُ وَ اسْقِنَا بِکَأْسِهِ وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ وَ تَوَفَّنَا عَلَی مِلَّتِهِ وَ اسْلُکْ بِنَا سُبُلَهُ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ غَیْرَ خَزَایَا وَ لَا نَادِمِینَ وَ لَا شَاکِّینَ وَ لَا مُبَدِّلِینَ یَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِیهِ وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِیهِ یَا سَاتِرَ الْأَمْرِ الْقَبِیحِ وَ مُدَاوِیَ الْقَلْبِ الْجَرِیحِ لَا تَفْضَحْنِی فِی مَشْهَدِ الْقِیَامَةِ بِمُوبِقَاتِ الْآثَامِ وَ لَا تُعْرِضْ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ عَنِّی مِنْ بَیْنِ الْأَنَامِ یَا غَایَةَ الْمُضْطَرِّ الْفَقِیرِ وَ یَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْکَسِیرِ هَبْ لِی مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ وَ اعْفُ عَنْ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ وَ اغْسِلْ قَلْبِی مِنْ وِزْرِ الْخَطَایَا وَ ارْزُقْنِی حُسْنَ الِاسْتِعْدَادِ لِنُزُولِ الْمَنَایَا یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ وَ مُنْتَهَی أُمْنِیَّةِ السَّائِلِینَ أَنْتَ مَوْلَایَ فَتَحْتَ لِی بَابَ الدُّعَاءِ وَ الْإِنَابَةِ فَلَا تُغْلِقْ عَنِّی بَابَ الْقَبُولِ وَ الْإِجَابَةِ وَ نَجِّنِی بِرَحْمَتِکَ مِنَ النَّارِ وَ بَوِّئْنِی غُرُفَاتِ الْجِنَانِ وَ اجْعَلْنِی مُتَمَسِّکاً بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَی وَ اخْتِمْ لِی بِالسَّعَادَةِ وَ أَحْیِنِی بِالسَّلَامَةِ یَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْکَمَالِ وَ الْعِزَّةِ وَ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

الْجَلَالِ وَ لَا تُشْمِتْ بِی عَدُوّاً وَ لَا حَاسِداً وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَیَّ سُلْطَاناً عَنِیداً وَ لَا شَیْطَاناً مَرِیداً بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ «۱» (۱)

ترجمه: پاک و منزّه است او که دارای عزّت والا بوده، مقامش بلند و رفیع است؛ پاک و منزّه است آن که دارنده جلال، عظمت و بزرگی می‌باشد؛ پاک و منزّه است همو که حکومت مطلق و جاوید برای اوست؛ حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به سبب نعمتهایش، موفّق به شناخت او، و عمل برای او و توجّه به سوی او، و اطاعت اوامر او گردیدم؛ او را سپاس می‌گزارم که مرا منکر آیات کتابش و متحیّر در برابر اوامرش قرار نداد؛ و او را ستایش می‌کنم که مرا به دین راستین هدایت نمود، و مرا چنان کرد که چیزی جز او را نپرستم.

خداوندا! گفتار توبه‌کنندگان و عمل آنان را، رستگاری مجاهدان و ثواب آنان را، یقین مؤمنان و توکّل آنان را، و راحتی در هنگام مرگ، و در امان بودن به هنگام حسابرسی را از تو خواستارم؛ و از تو می‌خواهم که مرگ مرا بهترین غایبی که در انتظار او هستم، و بهترین چیزی که با آنان روبرو می‌گردم قرار دهی، و هنگام مرگ، و زمانی که مرا در خود فرو می‌برد، و آنگاه که آخرین نفسها در سینه‌ام می‌تپد، و هنگامی که جان بر لبانم می‌رسد، و در آن حال که از دنیا می‌روم، و در آن ساعتی که هیچ اختیاری از خود نداشته، و هیچ نفع و ضرر، و هیچ سختی و آسایشی را نمی‌توانم برای خود فراهم سازم، در آن هنگام نسیمی از رحمت خود، و بهره‌ای از خشنودی و رضای خود را به من عطا فرما؛ (۱) و قبل از آنکه جانم را بگیری، و روحم را قبض نمایی، و فرشته مرگ مرا بر من مسلّط نمایی، مژده‌ای از کرامت خود را به من ارزانی نما، بشارتی که فقط تو بر آن توانایی، بشارتی که قلبم را مطمئن کند، و جانم را خشنود سازد، و دیدگانم را نورانی کند، و چهره‌ام را مسرور سازد، و رنگ رخسارم را درخشندگی عطا کند و جانم را آرامش بخشد، مژده‌ای که تمام اعضای بدنم را آسوده کند به طوری که هر مخلوقی از مخلوقاتت که مرا می‌بیند، و هر بنده‌ای از بندگانت که توصیف مرا می‌شنود بر آن غبطه خورد و سختیهای مرگ را بر من آسان گرداند، و رنج آن را از من برطرف سازد، و شدّت آن را از من دور گرداند، و بیماری آن را از من برطرف نماید، و گرفتاری و حسرت آن را از من دور کند، و مرا از تأسف و بلاهای آن بر حذر دارد، و از شرّ آن و شرّ کسانی که در آن هنگام حضور دارند پناه دهد. و بهره‌مندم سازد از خیری که در مرگ وجود دارد و خیر کسانی که در آن زمان حاضر هستند و خیر آنچه که بعد از آن واقع گردد.

و آنگاه که جانم گرفته شد و روحم از کالبدم خارج گردید، روحم را در میان ارواح پاک، و جانم را در بین جانهای صالح، و جسدم را در میان جسدهای پاکیزه، و عملم را در بین اعمال مقبول قرار ده.

از جایگاه قبرم در زمین، و محلّ پوشانده شدن بدنم، آنجا که گوشتهایم کوبیده شده و استخوانهایم دفن می‌گردد، و تنها و بی‌کس رها شده و هیچ قدرتی بر خود ندارم، شهرها مرا از خود دور ساخته، و بندگان مرا رها کرده‌اند،

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

و در آن حال محتاج رحمت تو و اعمال شایسته و صالح خود هستم، و آنچه را برای خود آماده ساخته و برای سفر آخرت خود پیش فرستاده و در زندگی دنیوی انجام داده‌ام را درمی‌یابم، بهره‌ای از رحمتت، و پرتوی از نورت را به من ارزانی دار، و مرا از کرامت خود، با سخن ثابت و محکم، در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم گردان، به درستی که تو ظالمان را گمراه کرده و بر هر کار قادر هستی.

و آنگاه که در قیامت و موقع حسابرسی، قبرم شکافته شده، و بندگان از من دور می‌شوند، و صیحه آسمانی مرا فرا گرفته، و نفخه صور مرا به وحشت انداخته، و بعد از مرگ مرا مبعوث ساخته و برای حساب اعمالم برانگیخته‌ای، آن روز را بر من مبارک گردان و خداوندا! همراه من نوری از رحمتت را برانگیز، (۱) تا پیشاپیش و از طرف راست من حرکت کند، و مرا در امنیت خود قرار داده، قلبم را مطمئن سازد، و عذرم را ظاهر کرده، چهره‌ام را درخشان نموده، گفتارم را تصدیق و دلیلم را قاطع گرداند، و مرا به آخرین درجه رحمتت برساند، و به برترین مرتبه بهشت نایل گرداند، و مرا همنشین محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که بنده و رسول توست قرار دهد، و در با فضیلت‌ترین قسمت آن، و نیکوترین مرتبه آن، و بالاترین بخش آن ساکن گرداند، و مرا با کسانی که نعمتت را بر آنان ارزانی نموده‌ای، از پیامبران و صدّیقین و شهدا و صالحین همنشین ساز، که اینان بهترین دوستان هستند.

پروردگارا! بر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خاتم پیامبرانت، و بر تمام انبیا و فرستادگانت، و بر تمامی فرشتگانت، و بر خاندان پاک و مطهّر پیامبرت، و بر تمامی پیشوایان هدایت درود فرست، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

خداوندا! بر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که ما را به وسیله او هدایت کردی درود فرست، بر او که به سبب او به ما رحم کردی، و به خاطر او ما را گرامی داشتی، و برتری دادی، و شرافت بخشیدی، پس بر او درود فرست که ما را به وسیله او یاری نمودی، و از پرتگاه آتش نجات دادی؛ خداوندا! چهره او را درخشان، مقامش را افزون، دلیلش را قاطع، نورش را کامل، میزان اعمالش را سنگین، برهانش را برتر، و نعمتت را بر او گسترده‌تر ساز به گونه‌ای که خوشنود گردد، و او را به برترین مقام در بهشت و «وسیله» برسان، و به مقام محمودی که وعده کرده‌ای مفتخر نما، و او را برترین پیامبران و رسولانت از حیث مقام و منزلت قرار ده، و ما را پیرو راه او قرار ده، از جام او سیراب گردان، و بر حوض کوثر وارد ساز، و در گروه او محشور نما، و بر دین او بمیران، و ما را در راه او، و عامل به دستورات او قرار ده، بدون آنکه تحقیر شده، پشیمان شویم، و مشکوک گردیده و راه خود را تغییر دهیم.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ای آن که درهای اجابت را به روی دعاکنندگان باز گذاشته‌ای، و موانع اجابت را برای امیدواران برطرف نموده‌ای، ای پوشاننده کارهای زشت، و ای مداواکننده قلبهای مجروح، در روز قیامت آبروی مرا به دلیل گناهانی که به درگاه تو مرتکب شده‌ام مریز، و در بین مردم چهره بزرگوارانه و با کرامت خویش را از من نگردان، ای غایت آمال من درمانده و مضطر و فقیر، گناهان بزرگ را بر من ببخشای، و از کارهای زشتم درگذر، و جانم را از عواقب خطاها پاک گردان، و آمادگی نیکو برای مرگ را به من ارزانی دار. (۱) ای بخشنده‌ترین بخشندگان، و ای منتهای آرزوی حاجتمندان، تو مولای من هستی، حال که درهای دعا و نیایش را بر من گشودی، پس درهای قبول و اجابت را به روی من مبند، به رحمت بی‌کرانت مرا از آتش دوزخ نجات ده، و در غرفه‌های بهشت ساکن گردان، و مرا از متمسّکان به ریسمان محکم خودت قرار ده، و عاقبت مرا سعادت و رستگاری قرار ده، و مرا در زندگی سلامتی عطا فرما، ای آنکه فضیلت و کمال و عزّت و جلالت و بزرگی از آن توست، و با من چنان مکن که مورد شماتت و سرزنش دشمنان و حسودان قرار گیرم، و حاکمان کینه‌توز و شیطان رانده شده را بر من مسلّط منما، به رحمتت ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.

دعای حضرت فاطمه علیها السّلام در تعقیب نماز عصر

سُبْحَانَ مَنْ یَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ یُحْصِی عَدَدَ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ خَافِیَةٌ فِی الْأَرْضِ وَ لَا فِی السَّمَاءِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی کَافِراً لِأَنْعُمِهِ وَ لَا جَاحِداً لِفَضْلِهِ فَالْخَیْرُ فِیهِ وَ هُوَ أَهْلُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَی جَمِیعِ مَنْ خَلَقَ مِمَّنْ أَطَاعَهُ وَ مِمَّنْ عَصَاهُ فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنِّهِ وَ إِنْ عَاقَبَ فَبِمَا قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ وَ مَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِیدِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِیِّ الْمَکَانِ وَ الرَّفِیعِ الْبُنْیَانِ الشَّدِیدِ الْأَرْکَانِ الْعَزِیزِ السُّلْطَانِ الْعَظِیمِ الشَّأْنِ الْوَاضِحِ الْبُرْهَانِ الرَّحِیمِ الرَّحْمَنِ الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی احْتَجَبَ عَنْ کُلِّ مَخْلُوقٍ یَرَاهُ بِحَقِیقَةِ الرُّبُوبِیَّةِ وَ قُدْرَةِ الْوَحْدَانِیَّةِ فَلَمْ تُدْرِکْهُ الْأَبْصَارُ وَ لَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ یُعَیِّنْهُ مِقْدَارٌ وَ لَمْ یَتَوَهَّمْهُ اعْتِبَارٌ اللَّهُمَّ قَدْ تَرَی مَکَانِی وَ تَسْمَعُ کَلَامِی وَ تَطَّلِعُ عَلَی أَمْرِی وَ تَعْلَمُ مَا فِی نَفْسِی وَ لَیْسَ یَخْفَی عَلَیْکَ شَیْءٌ مِنْ أَمْرِی وَ قَدْ سَعَیْتُ إِلَیْکَ فِی طَلَبَتِی وَ طَلَبْتُ إِلَیْکَ فِی حَاجَتِی وَ تَضَرَّعْتُ إِلَیْکَ فِی مَسْأَلَتِی وَ سَأَلْتُکَ لِفَقْرٍ وَ حَاجَةٍ وَ ذِلَّةٍ وَ ضِیقَةٍ وَ بُؤْسٍ وَ مَسْکَنَةٍ وَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَیْرِی وَ لَا أَجِدُ مَنْ یَغْفِرُ لِی غَیْرَکَ وَ أَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذَابِی وَ أَنَا فَقِیرٌ إِلَی رَحْمَتِکَ فَأَسْأَلُکَ بِفَقْرِی إِلَیْکَ وَ غِنَاکَ عَنِّی وَ بِقُدْرَتِکَ عَلَیَّ وَ قِلَّةِ امْتِنَاعِی مِنْکَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِی هَذَا دُعَاءً وَافَقَ مِنْکَ إِجَابَةً وَ مَجْلِسِی هَذَا مَجْلِساً وَافَقَ مِنْکَ رَحْمَةً وَ طَلَبَتِی هَذِهِ طَلَبَةً وَافَقَتْ نَجَاحاً وَ مَا خِفْتُ عُسْرَتَهُ مِنَ الْأُمُورِ فَیَسِّرْهُ وَ مَا خِفْتُ عَجْزَهُ مِنَ الْأَشْیَاءِ فَوَسِّعْهُ وَ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ مِنَ الْخَلَائِقِ کُلِّهِمْ فَاغْلِبْهُ آمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ هَوِّنْ عَلَیَّ مَا خَشِیتُ شِدَّتَهُ وَ اکْشِفْ عَنِّی مَا خَشِیتُ کُرْبَتَهُ وَ یَسِّرْ لِی مَا خَشِیتُ عُسْرَتَهُ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ انْزِعِ الْعُجْبَ وَ الرِّیَاءَ وَ الْکِبْرَ وَ الْبَغْیَ وَ الْحَسَدَ وَ الضَّعْفَ وَ الشَّکَّ وَ الْوَهْنَ وَ الضُّرَّ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْخِذْلَانَ وَ الْمَکْرَ وَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

الْخَدِيعَةَ وَ الْبَلِيَّةَ وَ الْفَسَادَ مِنْ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي وَ خُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ ذَنْبِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ آمِنْ رَوْعَتِي وَ اجْبُرْ مُصِيبَتِي وَ أَغْنِ فَقْرِي وَ يَسِّرْ حَاجَتِي وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ اجْمَعْ شَمْلِي وَ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا غَابَ عَنِّي وَ مَا حَضَرَنِي وَ مَا أَتَخَوَّفُهُ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا فَرَقاً مِنْكَ وَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَ لَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ مُوسَى كَلِيمِكَ وَ عِيسَى رُوحِكَ وَ مُحَمَّدٍ ص صَفِيِّكَ وَ نَبِيِّكَ أَلَّا تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ تَرْحَمَ عَبْرَتِي وَ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَارِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ انْصُرْنِي عَلَى مَنْ عَادَانِي اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِي إِلَهِي أَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِيَ الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَ اجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْراً لِي وَ تَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْراً لِي وَ أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ الْعَدْلَ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا وَ أَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ أَسْأَلُكَ نَعِيماً لَا يَبِيدُ وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا يَنْقَطِعُ وَ أَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ وَ أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَهْدِيكَ لِإِرْشَادِ أَمْرِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي اللَّهُمَّ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَ صَبْراً عَلَى بَلِيَّتِكَ وَ خُرُوجاً مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ أُشْهِدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا كَائِنُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ وَ الْمُكَوِّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْكَائِنُ بَعْدَ مَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ رَفَعْتُ بَصَرِي وَ إِلَى جُودِكَ بَسَطْتُ كَفِّي فَلَا تَحْرِمْنِي وَ أَنَا أَسْأَلُكَ وَ لَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَ لَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَ الصِّلَاةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ صَلِّ عَلَى أَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيْكَ وَ أَحَبِّهِمْ إِلَيْكَ وَ أَوْجَهِهِمْ لَدَيْكَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الْمَخْصُوصِ بِفَضَائِلِ الْوَسَائِلِ أَشْرَفَ وَ أَكْمَلَ وَ أَرْفَعَ وَ أَعْظَمَ وَ أَكْرَمَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مُبَلِّغٍ عَنْكَ مُؤْتَمَنٍ عَلَى وَحْيِكَ اللَّهُمَّ كَمَا سَدَدْتَ بِهِ الْعَمَى وَ فَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى فَاجْعَلْ مَنَاهِجَ سُبُلِهِ لَنَا سُنَناً وَ حُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سَبَباً نَأْتَمُّ بِهِ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مِلْءَ طِبَاقِهِنَّ وَ مِلْءَ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مِلْءَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مِلْءَ عَرْشِ رَبِّنَا الْكَرِيمِ وَ مِيزَانَ رَبِّنَا الْغَفَّارِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِ رَبِّنَا الْقَهَّارِ وَ مِلْءَ الْجَنَّةِ وَ مِلْءَ النَّارِ وَ عَدَدَ الْمَاءِ وَ الثَّرَى وَ عَدَدَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ مَنِّكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ فَضْلِكَ وَ سَلَامَتِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ نُورِكَ وَ شَرَفِكَ وَ نِعْمَتِكَ وَ خِيرَتِكَ عَلَى

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ الْعُظْمَى وَ كَرِيمَ جَزَائِكَ فِي الْعُقْبَى حَتَّى تُشَرِّفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا إِلَهَ الْهُدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ سَلَامٌ عَلَى جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ الْكَرُوبِيِّينَ وَ سَلَامٌ عَلَى أَبِينَا آدَمَ وَ عَلَى أُمِّنَا حَوَّاءَ وَ سَلَامٌ عَلَى النَّبِيِّينَ أَجْمَعِينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيراً «۱» (۱)

ترجمه: پاک و منزّه است او که به آنچه در قلب می‌گذرد آگاهی دارد، پاک و منزّه است او که شماره گناهان را می‌داند، پاک و منزّه است همو که هیچ امری در آسمان و زمین بر او پوشیده نیست؛ سپاس پروردگاری را سزاست که مرا آن گونه قرار نداد که نسبت به نعمتهایش کفر بورزم و فضل او را انکار نمایم، پس خیر و برکت در اوست و او اهل آن می‌باشد؛ و سپاس خداوندی را سزاست که حجت و برهانش بر تمامی انسانها، همه فرمانبرداران و گناهکاران، گسترده است، اگر شخص را مورد رحمت خود قرار دهد از جود و بخشش اوست، و اگر مجازات نماید در مقابل اعمالی است که خود آن شخص انجام داده، و او بر بندگانش ستم روا نمی‌دارد؛ و سپاس شایسته خداوندی است که مکانش فراز، بنیانش برتر، ارکانش محکم، سلطنتش پایدار، مقامش رفیع، برهانش روشن، بخشنده، مهربان، منعم، و منّان است؛ سپاس و حمد از آن خداوندی است که از هر مخلوقی که او را حقیقتا پروردگار و برخوردار از قدرت یگانگی شناخت، مستور مانده و کسی نتوانسته حقیقت وجود او را ادراک نماید، چرا که دیدگان از دیدار او عاجز، و اخبار از احاطه بر او ناتوان هستند، و تعیین مقدار و اندازه برای او غیر ممکن، و به تصویر کشیدن او به کمک قوه وهم و خیال نامقدور است.

خداوندا، مکانی را که در آن قرار دارم می‌بینی و کلامم را می‌شنوی، و بر کارهایم اشراف و اطلاع داری، و بر آنچه که در نفس من می‌گذرد آگاهی داری و هیچ یک از کارهایم از تو مخفی نیست، پس میدانی که نیازمند تو هستم، و حاجتهایم را از تو می‌خواهم، و به سوی تو تضرّع و زاری می‌کنم، و با فقر و نیاز و ذلّت و تنگدستی و شدّت و مسکنت از تو یاری می‌جویم؛ و تو پروردگاری هستی که گناهان را می‌بخشی، به غیر از من کسانی را خواهی یافت که عذاب کنی، ولی من جز تو آمرزنده‌ای را نمی‌یابم، آری تو از عذاب کردن من بی‌نیازی، (۱) و این در حالی است که من نیازمند رحمت و لطف تو هستم؛ پس به سبب نیاز من به سوی تو، و بی‌نیازی تو از من، و به قدرت و تسلّطی که بر من داری و من بر آن معترفم، از تو می‌خواهم که این دعای مرا اجابت کنی، و جایگاهم را محل نزول رحمت خود قرار دهی و حاجت مرا روا نمایی: کارهایی را که از سختی آنها در هراس هستم آسان فرما، و برای کارهایی که از انجام آنها ناتوانم به من قدرت و نیرو ارزانی دار، و هر یک از

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

بندگانت را که نسبت به من قصد سویی دارد مغلوب ساز، دعایم را اجابت فرما ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان! پروردگارا، هر چه را که از سختی آن نگران هستم آسان فرما، و رنج آنچه را که مرا به هراس افکنده برطرف ساز، و هر چه را که دشواری آن مرا هراسان ساخته آسان قرار ده، اجابت نما ای برترین پروردگار جهانیان! خداوندا، خودبینی، ریا، تکبّر، تجاوز، حسد، ضعف، شک، سستی، ضرر، همه بیماریها، خذلان، مکر، خدعه و نیرنگ، بلاها و فساد را از گوش و چشم و تمام اندامم دور دار و مرا به سوی آنچه دوست می‌داری و تو را خشنود می‌سازد راهنمایی کن، ای برترین رحم‌کنندگان! خدایا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و گناهانم را ببخش، و عیبهایم را بپوشان، و ترسم را ایمنی بخش، و مصیبتهای مرا جبران فرما، و فقرم را به بی‌نیازی مبدل ساز، رفع نیازمندیم را سهل و لغزشم را ناچیز قرار ده، و کارهای پراکنده مرا جمع نما، و مرا در آنچه که به دنبال آن هستم، و نیز در آنچه که از من پنهان است، و در آنچه که در نزد من حاضر است، و مواردی که در رابطه با آنها از تو در هراسم کفایت فرما، ای برترین رحم‌کنندگان! خداوندا، کارهایم را به تو واگذار کردم و خود را در پناه تو قرار دادم، و به سبب جنایات و گناهانی که انجام داده‌ام، و بیم و امیدی که به تو دارم، خود را به تو می‌سپارم، و می‌دانم که تو آن بزرگوار و کریمی هستی که امید هیچ کس را قطع نکرده و دعای او را بدون پاسخ نمی‌گذاری؛ پس به حقّ خلیلت ابراهیم، و کلیمت موسی، و روحت عیسی و برگزیده و پیامبرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از تو می‌خواهم که از من روی نگردانی، و بزرگواری کرده توبه‌ام را بپذیری، برای اشکهایی که ریخته‌ام به من رحم نمایی، و از اشتباهم درگذری، ای بهترین رحم‌کنندگان و ای عادلترین حکم‌کنندگان! (۱) پروردگارا، از کسی که بر من ستم روا می‌دارد انتقام گیر، و مرا بر هر که با من دشمن است یاری فرما؛ خداوندا، مصیبت و گرفتاری مرا در دینم قرار مده، و دنیای فانی را مهمترین هدف و نهایت علمم قرار نده.

خدایا، دینم را که مهمترین چیزم است، و دنیایم را که راه به دست آوردن معاشم است، و آخرتم را که سرانجامم به سوی آن است، اصلاح گردان، و زندگیم را راهی به سوی به دست آوردن هر خیر و برکت، و مرگم را راه رهایی از هر شرّ و بدی قرار ده! پروردگارا! تو آمرزنده‌ای هستی که بخشیدن را دوست داری، پس مرا عفو کن؛ خدایا، مرا زنده نگاه دار تا آن زمانی که می‌دانی زندگانی برایم خیر و برکت در بر دارد، و مرا بمیران آن هنگام که می‌دانی مرگ برایم نیکو و شایسته است، و از تو می‌خواهم که در آشکار و نهان، خشیت و خوف از خودت را بر من ارزانی کنی، و در غضب و رضا، عدل و انصاف به من عطا فرمایی، و از تو می‌خواهم در فقر و بی‌نیازی میانه روی عطایم کنی، و از تو نعمت مداوم، روشنی چشمی که هرگز به تاریکی نکشد، رضا به قضا و لذّت دیدارت را خواهانم.

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

خداوندا! برای درستی و راستی در کارهایم از تو هدایت می‌جویم، و از شرّ نفسم به تو پناه می‌برم. خداوندا! کارهای زشت انجام داده و بر نفس خود ستم کرده‌ام؛ پس مرا ببخش که جز تو بخشنده‌ای برای گناهان وجود ندارد. پروردگارا! از تو تعجیل در سلامتی، صبر بر بلاها و مصائب، و خروج از دنیا به سوی رحمتت را خواستارم.

پروردگارا! تو، فرشتگانت، حاملان عرش، و هر آنچه در آسمانها و زمین است را شاهد می‌گیرم که جز تو معبودی نیست و شریکی برای تو وجود ندارد، و محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده توست؛ و از تو می‌خواهم که حاجتهایم را برآورده سازی، ای تویی که حمد و ستایش مخصوص تو بوده و معبودی جز تو وجود ندارد، تو آفریننده آسمانها و زمینی، ای کسی که قبل از وجود هر موجودی وجود داشته، و همه چیز را خلق کرده، و بعد از آنکه همه موجودات از بین می‌روند باقی خواهی بود! خداوندا، چشمانم را به رحمت تو دوخته‌ام، و دستانم را به سوی جود و کرم تو دراز کرده‌ام، پس مرا محروم مکن آنگاه که از تو درخواست می‌کنم، و مرا عذاب منما آنگاه که از تو طلب بخشایش دارم. (۱) خدایا، مرا ببخشای چرا که تو به همه چیزم عالم و دانایی، و مرا عذاب مکن چرا که تو بر من قادر و توانایی، تو را سوگند می‌دهم به رحمتت ای برترین رحم‌کنندگان! پروردگارا، ای دارنده رحمت واسعه، و ای دارنده درودها و رحمتهای نافع و بالا برنده، بر گرامیترین، محبوبترین و ارزشمندترین بنده‌ات، بنده و پیامبرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم درود فرست، شریفترین، کاملترین، برترین، بزرگترین و گرامیترین درودی که بر مبلغین فرامینت و بر امینان وحیت فرستاده‌ای؛ خداوندا، همچنان که جهالت و نادانی را به وسیله او برطرف نمودی، و درهای هدایت را به وسیله او گشودی، ما را در راههای هدایت او قرار ده، و حجّتهای روشن او را برای ما اسبابی قرار ده که برای رسیدن به تو از آنها پیروی کنیم! پروردگارا! ستایش برای توست، به اندازه آسمانهای هفتگانه و طبقه‌های آن، و به گنجایش زمینهای هفت‌گانه و آنچه در بین آنهاست، و به گنجایش عرش پروردگار با کرامت و ترازوی آفریدگار بخشنده و غفّار و کلمات پروردگار توانا، و به تعداد مخلوقات، و به گنجایش بهشت و جهنّم، و ذرات آب و خاک، و به میزان آنچه دیده شده و دیده نمی‌شود.

خداوندا! درودها و برکات، و منّت و بخشش و رحمت، خشنودی و فضل و سلامت، یاد و نور و شرف و نعمت خود را بر محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و خاندانش قرار ده، همچنان که درود و برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او ارزانی داشتی، به درستی که تو ستوده و بزرگوار می‌باشی.

پروردگارا، «وسیله عظمی» و بهترین پاداشت را در قیامت، به محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ارزانی دار، تا او را شرافت و برتری عطا فرموده باشی، ای معبود هدایت‌کننده! پروردگارا! بر محمّد و خاندان او، و بر جمیع

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

ملایک، پیامبران و فرستادگانت درود فرست، و سلام مرا بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و حاملان عرش و فرشتگان مقرّب، و نویسندگان اعمال و بهشتیان برسان؛ و سلام بر پدر ما انسانها آدم، و مادر ما حوّا، و سلام بر تمامی پیامبران، صدّیقین، شهدا و صالحان؛ و سلام بر تمامی فرستادگان؛ و حمد و ستایش مخصوص به پروردگار جهانیان است و هیچ قدرت و توانایی وجود ندارد مگر از جانب خداوند یکتا که برتر و والاتر از همگان است، و چنین خداوندی مرا کفایت می‌کند و او بهترین کفایت‌کنندگان است. و درود و سلام بسیار بر محمّد و خاندان او باد!

دعای حضرت فاطمه علیها السّلام در تعقیب نماز مغرب

الْحَمْدُ لِلَّه الَّذی لَا یُحْصی مَدْحَهُ الْقَائِلُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّه الَّذی لَا یُحْصی نَعْمَاءَهُ الْعَادُّونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّه الَّذی لَا یُؤَدِّی حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْیی الْمُمیتُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ ذُو الطَّوْلِ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ ذُو الْبَقَاءِ الدَّائِمُ وَ الْحَمْدُ لِلَّه الَّذی لَا یُدْرِکُ الْعَالِمُونَ عِلْمَهُ وَ لَا یَسْتَخِفُّ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ وَ لَا یَبْلُغُ الْمَادِحُونَ مدْحَتَهُ وَ لَا یَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ وَ لَا یُحْسِنُ الْخَلْقُ نَعْتَهُ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّه ذی الْمُلْکِ وَ الْمَلَکُوتِ وَ الْعَظَمَةِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ الْعِزِّ وَ الْکبْرِیَاءِ وَ الْبَهَاءِ وَ الْجَلَالِ وَ الْمَهَابَةِ وَ الْجَمَالِ وَ الْعِزَّةِ وَ الْقُدْرَةِ وَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ وَ الْمِنَّةِ وَ الْغَلَبَةِ وَ الْفَضْلِ وَ الطَّوْلِ وَ الْعَدْلِ وَ الْحَقِّ وَ الْخَلْقِ وَ الْعَلَاءِ وَ الرِّفْعَةِ وَ الْمَجْدِ وَ الْفَضِیلَةِ وَ الْحِکْمَةِ وَ الْغِنَاءِ وَ السَّعَةِ وَ الْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ الْحِلْمِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ وَ النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ وَ الثَّنَاءِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ وَ الْآلَاءِ الْکرِیمَةِ مَلِکِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ مَا فِیهِنَّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی الْحَمْدُ لِلَّه الَّذی عَلِمَ أَسْرَارَ الْغُیُوبِ وَ اطَّلَعَ عَلَی مَا تُجِنُّ الْقُلُوبُ فَلَیْسَ عَنْهُ مَذْهَبٌ وَ لَا مَهْرَبٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّه الْمُتَکَبِّرِ فی سُلْطَانِه الْعَزِیزِ فی مَکَانِه الْمُتَجَبِّرِ فی مُلْکِه الْقَوِیِّ فی بَطْشِه الرَّفِیعِ فَوْقَ عَرْشِه الْمُطَّلِعِ عَلَی خَلْقِه وَ الْبَالِغِ لِمَا أَرَادَ مِنْ عِلْمِه الْحَمْدُ لِلَّه الَّذی بِکَلِمَاتِه قَامَتِ السَّمَاوَاتُ الشِّدَادُ وَ ثَبَتَتِ الْأَرَضُونَ الْمِهَادُ وَ انْتَصَبَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی الْأَوْتَادُ وَ جَرَتِ الرِّیَاحُ اللَّوَاقِحُ وَ سَارَ فی جَوِّ السَّمَاءِ السَّحَابُ وَ وَقَفَتْ عَلَی حُدُودِهَا الْبِحَارُ وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِه وَ انْقَمَعَتِ الْأَرْبَابُ لِرُبُوبِیَّتِه تَبَارَکْتَ یَا مُحْصِیَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ مُحْیِیَ أَجْسَادِ الْمَوْتَی لِلْحَشْرِ سُبْحَانَکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ مَا فَعَلْتَ بِالْغَرِیبِ الْفَقِیرِ إِذَا أَتَاکَ مُسْتَجِیراً مُسْتَغِیثاً مَا فَعَلْتَ بِمَنْ أَنَاخَ بِفِنَائِکَ وَ تَعَرَّضَ لِرِضَاکَ وَ غَدَا إِلَیْکَ فَجَثَا بَیْنَ یَدَیْکَ یَشْکُو إِلَیْکَ مَا لَا یَخْفَی عَلَیْکَ فَلَا یَکُونَنَّ یَا رَبِّ حَظِّی مِنْ دُعَائِی الْحِرْمَانَ وَ لَا نَصِیبِی مِمَّا أَرْجُو مِنْکَ الْخِذْلَانَ یَا مَنْ لَمْ یَزَلْ وَ لَا یَزُولُ کَمَا لَمْ یَزَلْ قَائِماً عَلَی کُلِّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ یَا مَنْ جَعَلَ أَیَّامَ الدُّنْیَا تَزُولُ وَ شُهُورَهَا تَحُولُ وَ سِنِیهَا تَدُورُ وَ أَنْتَ الدَّائِمُ لَا تُبْلِیکَ الْأَزْمَانُ وَ لَا تُغَیِّرُکَ الدُّهُورُ یَا مَنْ کُلُّ یَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِیدٌ وَ کُلُّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَتِیدٌ لِلضَّعِیفِ وَ الْقَوِیِّ وَ الشَّدِیدِ قَسَمْتَ الْأَرْزَاقَ بَیْنَ الْخَلَائِقِ فَسَوَّیْتَ بَیْنَ الذَّرَّةِ وَ الْعُصْفُورِ اللَّهُمَّ إِذَا ضَاقَ الْمُقَامُ بِالنَّاسِ فَنَعُوذُ بِکَ مِنْ ضِیقِ الْمُقَامِ اللَّهُمَّ إِذَا طَالَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ عَلَی الْمُجْرِمِینَ فَقَصِّرْ

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

ذَلِکَ الْیَوْمَ عَلَیْنَا کَمَا بَیْنَ الصَّلَاةِ إِلَی الصَّلَاةِ اللَّهُمَّ إِذَا أَدْنَیْتَ الشَّمْسَ مِنَ الْجَمَاجِمِ فَکَانَ بَیْنَهَا وَ بَیْنَ الْجَمَاجِمِ مِقْدَارَ مِیلٍ وَ زِیدَ فِی حَرِّهَا حَرُّ عَشْرِ سِنِینَ فَإِنَّا نَسْأَلُکَ أَنْ تُظِلَّنَا بِالْغَمَامِ وَ تَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَ الْکَرَاسِیَّ نَجْلِسُ عَلَیْهَا وَ النَّاسُ یَنْطَلِقُونَ فِی الْمُقَامِ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْمَحَامِدِ إِلَّا غَفَرْتَ لِی وَ تَجَاوَزْتَ عَنِّی وَ أَلْبَسْتَنِی الْعَافِیَةَ فِی بَدَنِی وَ رَزَقْتَنِی السَّلَامَةَ فِی دِینِی فَإِنِّی أَسْأَلُکَ وَ أَنَا وَاثِقٌ بِإِجَابَتِکَ إِیَّایَ فِی مَسْأَلَتِی وَ أَدْعُوکَ وَ أَنَا عَالِمٌ بِاسْتِمَاعِکَ دَعْوَتِی فَاسْتَمِعْ دُعَائِی وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِی وَ لَا تَرُدَّ ثَنَائِی وَ لَا تُخَیِّبْ دُعَائِی أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَی رِضْوَانِکَ وَ فَقِیرٌ إِلَی غُفْرَانِکَ وَ أَسْأَلُکَ وَ لَا آیَسُ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَدْعُوکَ وَ أَنَا غَیْرُ مُحْتَرِزٍ مِنْ سَخَطِکَ یَا رَبِّ وَ اسْتَجِبْ لِی وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِعَفْوِکَ وَ تَوَفَّنِی مُسْلِماً وَ أَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ رَبِّ لَا تَمْنَعْنِی فَضْلَکَ یَا مَنَّانُ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی مَخْذُولًا یَا حَنَّانُ رَبِّ ارْحَمْ عِنْدَ فِرَاقِ الْأَحِبَّةِ صَرْعَتِی وَ عِنْدَ سُکُونِ الْقَبْرِ وَحْدَتِی وَ فِی مُفَازَةِ الْقِیَامَةِ غُرْبَتِی وَ بَیْنَ یَدَیْکَ مَوْقُوفاً لِلْحِسَابِ فَاقَتِی رَبِّ أَسْتَجِیرُ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِی رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنَ النَّارِ فَأَعِذْنِی رَبِّ أَفْزَعُ إِلَیْکَ مِنَ النَّارِ فَأَبْعِدْنِی رَبِّ أَسْتَرْحِمُکَ مَکْرُوباً فَارْحَمْنِی رَبِّ أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا جَهِلْتُ فَاغْفِرْ لِی رَبِّ قَدْ أَبْرَزَنِی الدُّعَاءُ لِلْحَاجَةِ إِلَیْکَ فَلَا تُؤْیِسْنِی یَا کَرِیمُ ذَا الْآلَاءِ وَ الْإِحْسَانِ وَ التَّجَاوُزِ سَیِّدِی یَا بَرُّ یَا رَحِیمُ اسْتَجِبْ بَیْنَ الْمُتَضَرِّعِینَ إِلَیْکَ دَعْوَتِی وَ ارْحَمْ مَنِ الْمُنْتَحِبِینَ بِالْعَوِیلِ عَبْرَتِی وَ اجْعَلْ فِی لِقَائِکَ یَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْیَا رَاحَتِی وَ اسْتُرْ بَیْنَ الْأَمْوَاتِ یَا عَظِیمَ الرَّجَاءِ عَوْرَتِی وَ اعْطِفْ عَلَیَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَحِیداً إِلَی حُفْرَتِی إِنَّکَ أَمَلِی وَ مَوْضِعُ طَلِبَتِی وَ الْعَارِفُ بِمَا أُرِیدُ فِی تَوْجِیهِ مَسْأَلَتِی فَاقْضِ یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ حَاجَتِی فَإِلَیْکَ الْمُشْتَکَی وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ الْمُرْتَجَی أَفِرُّ إِلَیْکَ هَارِباً مِنَ الذُّنُوبِ فَاقْبَلْنِی وَ أَلْتَجِئُ مِنْ عَدْلِکَ إِلَی مَغْفِرَتِکَ فَأَدْرِکْنِی وَ أَلْتَاذُ بِعَفْوِکَ مِنْ بَطْشِکَ فَامْنَعْنِی وَ أَسْتَرْوِحُ رَحْمَتَکَ مِنْ عِقَابِکَ فَنَجِّنِی وَ أَطْلُبُ الْقُرْبَةَ مِنْکَ بِالْإِسْلَامِ فَقَرِّبْنِی وَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فَآمِنِّی وَ فِی ظِلِّ عَرْشِکَ فَظَلِّلْنِی وَ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِکَ فَهَبْ لِی وَ مِنَ الدُّنْیَا سَالِماً فَنَجِّنِی وَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ فَأَخْرِجْنِی وَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَبَیِّضْ وَجْهِی وَ حِساباً یَسِیراً فَحَاسِبْنِی وَ بِسَرَائِرِی فَلَا تَفْضَحْنِی وَ عَلَی بَلَائِکَ فَصَبِّرْنِی وَ کَمَا صَرَفْتَ عَنْ یُوسُفَ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْهُ عَنِّی وَ مَا لَا طَاقَةَ لِی بِهِ فَلَا تُحَمِّلْنِی وَ إِلَی دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِی وَ بِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِی وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَثَبِّتْنِی وَ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ فَاحْفَظْنِی وَ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ وَ جَبَرُوتِکَ فَاعْصِمْنِی وَ بِحِلْمِکَ وَ عِلْمِکَ وَ سَعَةِ رَحْمَتِکَ مِنْ جَهَنَّمَ فَنَجِّنِی وَ جَنَّتَکَ الْفِرْدَوْسَ فَأَسْکِنِّی وَ النَّظَرَ إِلَی وَجْهِکَ فَارْزُقْنِی وَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ ص فَأَلْحِقْنِی وَ مِنَ الشَّیَاطِینِ وَ أَوْلِیَائِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ فَاکْفِنِی اللَّهُمَّ وَ أَعْدَائِی وَ مَنْ کَادَنِی إِنْ أَتَوْا بَرّاً فَجُبَّنْ شَجَعَهُمْ فُضَّ جُمُوعَهُمْ کَلِّلْ سِلَاحَهُمْ عَرْقِبْ دَوَابَّهُمْ سَلِّطْ عَلَیْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَ الْقَوَاصِفَ أَبَداً حَتَّی تُصْلِیَهُمُ النَّارَ أَنْزِلْهُمْ مِنْ صَیَاصِیهِمْ وَ أَمْکِنَّا مِنْ نَوَاصِیهِمْ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً یَشْهَدُ الْأَوَّلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ قَائِدِ الْخَیْرِ وَ مِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَیْتِ الْحَرَامِ وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْإِحْرَامِ بَلِّغْ رُوحَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

مُحَمَّد مِنَّا التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ سَلَامٌ عَلَيْکَ يَا رَسُولَ اللَّه سَلَامٌ عَلَيْکَ يَا أَمِينَ اللَّه سَلَامٌ عَلَيْکَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّه السَّلَامُ عَلَيْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّه وَ بَرَكَاتُهُ فَهُوَ كَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلَکَ وَ أَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ «۱» (۱)

ترجمه: حمد و سپاس خداوندی را سزاست که مدّاحان از عهده مدح و ستایش او، شمارشگران از عهده شمارش نعمتهای او، و تلاش‌کنندگان از عهده ادای حق او برنمی‌آیند، و جز او معبودی نیست، او اوّل و او آخر است، او ظاهر و او باطن است، او زنده‌کننده و میراننده است، و او برتر از همه، صاحب فضل، و بقای او دائمی و ابدی است.

حمد مخصوص خداوندی است که عالمان عمق علم او را درک نکرده، و جاهلان حلم او را اندک نشمارند، و ستایشگران به مدح او دست نمی‌یابند، و توصیف‌کنندگان در توصیف او عاجز، و مخلوقات از دست یافتن به کمالات او ناتوان می‌باشند. (۱) و حمد از آن خداوندی است که دارای ملک و ملکوت، عظمت و جبروت، عزّت و بزرگی و شکوه، زیبایی و بزرگی، توانمندی و زیبایی و جمال، قدرت و قوّت، منّت و غلبه، فضل و رحمت، عدل و حقّ، آفرینش و برتری مقام، رفعت و بلندی جایگاه و مجد، فضیلت و حکمت، بی‌نیازی و سعه، بسط و قبض، و حلم و علم می‌باشد کسی که دارای دلیل روشن، و نعمت فراوان، و اوصاف نیکو و زیبا، و نعمتهای فراوان و فراگیر است، و مالک دنیا و آخرت، بهشت و جهنّم، و آنچه در بین آنهاست می‌باشد.

سپاس خداوندی را سزاست که رازهای نهانی را آگاه است و بر آنچه که بر دلها می‌گذرد و خطور می‌کند داناست و راه فراری از دست قدرت او وجود ندارد.

حمد و سپاس شایسته خداوندی است که در سلطنتش برترین است، در جایگاهش محکم، برای سخت‌گیری نیرومند، برتر و بالاتر از عرش، آگاه به افعال و اعمال جمیع مردم، و توانا بر آنچه که علم دارد و می‌خواهد می‌باشد. حمد مخصوص خداوندی است که به نیرو و قدرت او آسمانها برپا ایستاده، و زمینهای لرزان بر جای خود ثابت و استوار گردیده‌اند، کوههای محکم که سبب تثبیت زمین هستند استوار شده، و بادهای بارورکننده جریان می‌یابند، و ابرها در آسمان به حرکت در آمده، دریاها در محدوده خود متوقّف گردیده، و قلبها از بیم او به لرزه درمی‌آیند، و معبودهای دروغین به ربوبیت او رسوا گردیده‌اند. مبارک هستی ای شمارش‌کننده تعداد قطره‌های باران، و برگهای درختان، و ای زنده‌کننده مردگان، پاک و منزّهی ای دارنده بزرگی و بخشندگی! خداوندا، در مقابل بنده غریب و نیازمندی که به تو پناهنده شده و از تو یاری می‌جوید، چه می‌کنی؟ و در برابر کسی که به درگاه تو آمده تا رضا و خشنودی تو را شاهد باشد، و در پیشگاه تو بر زمین افتاده و از آنچه که بدان دانایی شکایت می‌کند، چه خواهی کرد؟ پس ای پروردگار هستی، بهره‌ام را از دعایم حرمان و ناامیدی قرار

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مده، و نصیبم را در آنچه که برای آن به تو امیدوارم خذلان و محرومیت قرار مده؛ ای کسی که همیشه بوده‌ای و خواهی بود و بر اعمال بندگانت آگاه می‌باشی، ای کسی که روزهای دنیا در گذر، و ماههای آن را در تحوّل و سالهای آن را در حال گردش قرار داده‌ای، و خود همواره بدون تغییر و دگرگونی باقی می‌باشی! ای کسی که هر روز برایت تازه است، و روزی هر کس را همان قدر که مقرّر است- در هر روز- بین بندگان تقسیم می‌کنی و بین همه آنها عدالت را برقرار می‌سازی! (۱) پروردگارا! آنگاه که با مردم بودن دشوار می‌شود، از دشواری و شرّ آن به تو پناه می‌برم.

خداوندا، آنگاه که روز قیامت بر گناهکاران طولانی می‌گردد، آن روز را مانند فاصله بین دو نماز بر ما کوتاه گردان! خداوندا، در روز قیامت، آنگاه که خورشید بر مردمان به شدت می‌تابد و فاصله‌اش با آنها کاهش می‌یابد، و حرارتش هزاران برابر می‌گردد، از تو می‌خواهم که ما را در سایه رحمت خود قرار داده، و در حالی که مردمان را برای حسابرسی آماده می‌سازی، جایگاهی را برای ما قرار ده که در آن استقرار یابیم، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان! خداوندا، به حق این ستایشها و سپاسگزاریها از من در گذر، و مرا مورد عفو و بخشش خود قرار ده، و سلامتی در بدن و در دین، به من عطا فرما! پروردگارا، در حالی که به اجابت خواسته‌ام از طرف تو اطمینان دارم حاجتم را از تو می‌خواهم، و در حالی که می‌دانم سخنم را می‌شنوی تو را می‌خوانم، پس دعایم را بشنو، و امیدم را قطع مکن، و مدح و ثنایم را رد منما، و دعایم را بدون اجابت مگذار! همانا من نیازمند رضای تو، و محتاج بخشش تو هستم، حاجتهایم را از تو می‌خواهم، و از رحمتت مأیوس نمی‌باشم، و از غضب تو در هراس می‌باشم؛ خداوندا، پس دعایم را اجابت فرما، و با بخشش خود بر من منت گذار، و مرا مسلمان بمیران، به صالحان ملحق فرما؛ خدایا، مرا از فضل و رحمت خود محروم مکن، ای منان؛ و مرا به حالت بیچارگی به خود وامگذار، ای خداوند مهربان! پروردگارا، بر من رحم کن به گاه زمین خوردنم در هنگام مرگ، و فراق دوستان و تنهاییم در هنگام جای گرفتن در قبر، و غربتم به هنگام قیامت، و به گاه نیازم به هنگام حسابرسی! خداوندا، از آتش جهنّم به تو پناه می‌برم پس پناهم ده؛ خدایا، از آتش جهنّم نجات می‌خواهم پس نجاتم ده؛ پروردگارا، از ترس آتش به تو روی می‌آورم پس مرا از آتش دور دار؛ خداوندا، با بیچارگی تمام از تو طلب رحمت می‌نمایم پس بر من رحم کن؛ پروردگارا، در برابر جهالتهای خود از تو طلب بخشش دارم پس مرا مورد عفو و بخشش خود قرار ده! (۱) خداوندا، حاجتهایم باعث شد تا به درگاه تو آمده از تو تقاضای بر آوردن حاجتهایم را داشته باشم پس مرا مأیوس نکن ای کریمی که نعمتهای بی‌شمار همه‌اش در دستان تو، و هر چه احسان و گذشت است از طرف توست. ای مولای من، ای نیکوکار و ای مهربان، در بین تضرّع‌کنندگان به سویت، دعای مرا اجابت فرما، و در بین استغاثه‌کنندگان به درگاهت، به سبب اشکهایی که ریخته‌ام مرا مورد

رحم و بخشش خود قرار ده، و به هنگام ملاقاتت پس از خروج از دنیا، آسایش و راحتی را برایم مقدر فرما، ای نهایت امید امیدواران! در میان مردگان عیبم را بپوشان، و آنگاه که به تنهایی در قعر قبر قرار می‌گیرم بر من لطف فرما، به درستی که تو منتهای آرزوی من، و جایگاه اظهار خواسته‌هایم، و عالم به حاجتهایم هستی؛ پس ای برآورنده حاجتها، خواسته‌هایم را برآورده ساز! ای یاور و امید من، شکایتم به سوی توست، و از گناهانی که مرتکب شده‌ام، به سوی تو می‌گریزم، پس مرا بپذیر؛ و از عدالت تو به سوی غفران و بخششت پناه می‌برم، پس مرا دریاب؛ و از غضبت به عفو و بخشش خودت متوسّل می‌شوم، پس غضب خود را از من دور بدار، و از عقاب و عذابی که برایم مهیا نموده‌ای به رحمتت پناهنده می‌گردم، پس بر من رحم کن و مرا نجات ده! و به واسطه اسلام خواستار نزدیکتر شدن به تو هستم، پس مرا به خود نزدیک گردان و از هراس روز قیامت مرا ایمن دار، و در سایه عرشت جایگاهم ده، و مرا مشمول رحمتت گردان، و به سلامت از دنیا نجاتم ده، و مرا از ظلمات به سوی نور هدایت کن، و در روز قیامت چهره‌ام را درخشان گردان، و با محاسبه‌ای آسان مرا مورد حسابرسی قرار ده، و به عیبهایم مرا مفتضح و شرمسار مگردان، و مرا بر بلاها و سختی‌ها صبور نما، و آن گونه که از حضرت یوسف بدی و پلیدی را دور ساختی، زشتی‌ها و پلیدیها را از من دور ساز، و آنچه را که بدان طاقت ندارم بر من تحمیل منما، و مرا به سوی بهشت رهنمون گردان، و از قرآن بهره‌مندم ساز، و با گفتار صحیح مرا ثابت قدم قرار ده، و از شیطان رانده شده حفظ فرما، و به قدرت، قوّت و جبروتت مرا از گناه دور دار، و به حلم، علم و وسعت رحمتت مرا از جهنّم نجات بخش، و در بهشت خود ساکن گردان، و دیدار «وجه» خودت را نصیبم فرما، و مرا به پیامبرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ملحق نما، و از شیاطین و دوستان آنها و از شرّ هر شروری کفایت فرما!

(۱) پروردگارا! دشمنانم و کسانی که نسبت به من کینه دارند اگر قصد آزار مرا نمودند، شجاعانشان را ضعیف، لشکریانشان را متفرق، سلاحهایشان را از کار افتاده، و حیواناتشان را ناتوان گردان، و بادهای تند و طوفانهای سخت را بر آنان مسلّط فرما، و آنها را از سنگرهای خود فرود آور، و ما را بر نابودیشان قادر فرما، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان! پروردگارا! بر محمّد و خاندانش درود فرست، درودی که پیشینیان و ابرار و سیّد مرسلین که خاتم پیامبران، و رهبری‌کننده به سوی خیر، و کلید رحمت است شاهد آن باشند.

خدایا! ای پروردگار بیت الحرام و ماه حرام و مشعر الحرام، و ای پروردگار رکن و مقام، ای پروردگار حلّ و حرم، از جانب ما به روح محمّد سلام و درود فرست.

[و سپس پیامبر را زیارت نموده گوییم:] سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای محمّد بن عبد اللّه، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد که او همان طور که تو وصفش نمودی، بر مؤمنان

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

مهربان و رئوف است، خدایا! برتر از آنچه از تو خواسته، و تا امروز برای او خواسته شده، و تا روز قیامت برای او خواسته می‌شود، به او عطا کن، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان!

دعای حضرت فاطمه علیها السّلام در تعقیب نماز عشاء

سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ بِأَمْرِهِ وَ مُلْكِهِ سُبْحَانَ مَنِ انْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَزِمَّتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ دَعَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكِ السَّمَاءِ وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ وَ حَاصِرِ الْبِحَارِ وَ نَاضِدِ الْجِبَالِ وَ بَارِئِ الْحَيَوَانِ وَ خَالِقِ الشَّجَرِ وَ فَاتِحِ يَنَابِيعِ الْأَرْضِ وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ وَ مُسَيِّرِ السَّحَابِ وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَغْوَارِ الْأَرْضِ مُتَسَارِعَاتٍ فِي الْهَوَاءِ وَ مُهْبِطِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ وَ بِشُكْرِهِ تُسْتَوْجَبُ الزِّيَادَاتُ وَ بِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ بِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِيَاتُ وَ سَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ وَ الطَّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ سَاتِرِ الْعَوْرَاتِ قَابِلِ الْحَسَنَاتِ مُقِيلِ الْعَثَرَاتِ مُنَفِّسِ الْكُرُبَاتِ مُنْزِلِ الْبَرَكَاتِ مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ مُحْيِي الْأَمْوَاتِ إِلَهِ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرٍ وَ صَبْرٍ وَ صَلَاةٍ وَ زَكَاةٍ وَ قِيَامٍ وَ عِبَادَةٍ وَ سَعَادَةٍ وَ بَرَكَةٍ وَ زِيَادَةٍ وَ رَحْمَةٍ وَ نِعْمَةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ فَرِيضَةٍ وَ سَرَّاءَ وَ ضَرَّاءَ وَ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ وَ مُصِيبَةٍ وَ بَلَاءٍ وَ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ وَ غِنَاءٍ وَ فَقْرٍ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ وَ كُلِّ مَثْوًى وَ مُنْقَلَبٍ وَ مُقَامٍ اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِذٌ بِكَ فَأَعِذْنِي وَ مُسْتَجِيرٌ بِكَ فَأَجِرْنِي وَ مُسْتَعِينٌ بِكَ فَأَعِنِّي وَ مُسْتَغِيثٌ بِكَ فَأَغِثْنِي وَ دَاعِيكَ فَأَجِبْنِي وَ مُسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْ لِي وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَانْصُرْنِي وَ مُسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي وَ مُسْتَكْفِيكَ فَاكْفِنِي وَ مُلْتَجِأٌ إِلَيْكَ فَآوِنِي وَ مُسْتَمْسِكٌ بِحَبْلِكَ فَاعْصِمْنِي وَ مُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي وَ اجْعَلْنِي فِي عِيَاذِكَ وَ جِوَارِكَ وَ حِرْزِكَ وَ كَهْفِكَ وَ حِيَاطَتِكَ وَ حِرَاسَتِكَ وَ كِلَاءَتِكَ وَ حُرْمَتِكَ وَ أَمْنِكَ وَ تَحْتَ ظِلِّكَ وَ تَحْتَ جَنَاحِكَ وَ اجْعَلْ عَلَيَّ جُنَّةً وَاقِيَةً مِنْكَ وَ اجْعَلْ حِفْظَكَ وَ حِيَاطَتَكَ وَ حِرَاسَتَكَ وَ كِلَاءَتَكَ مِنْ وَرَائِي وَ أَمَامِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ حَوَالَيَّ حَتَّى لَا يَصِلَ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى مَكْرُوهِي وَ أَذَايَ بِحَقٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ اكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ وَ بَغْيَ الْبَاغِينَ وَ كَيْدَ الْكَائِدِينَ وَ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ حِيلَةَ الْمُحْتَالِينَ وَ غِيلَةَ الْمُغْتَالِينَ وَ ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَ جَوْرَ الْجَائِرِينَ وَ اعْتِدَاءَ الْمُعْتَدِينَ وَ سَخَطَ الْمُسْخِطِينَ وَ تَشَحُّبَ الْمُتَشَحِّبِينَ وَ صَوْلَةَ الصَّائِلِينَ وَ اقْتِسَارَ الْمُقْتَسِرِينَ وَ غَشْمَ الْغَاشِمِينَ وَ خَبْطَ الْخَابِطِينَ وَ سِعَايَةَ السَّاعِينَ وَ نَمِيمَةَ النَّامِّينَ وَ سِحْرَ السَّحَرَةِ وَ الْمَرَدَةِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ جَوْرَ السَّلَاطِينِ وَ مَكْرُوهَ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلَمُ وَ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ وَجِلَتْ عَنْهُ الْقُلُوبُ وَ خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْمَوْتَى أَنْ تَغْفِرَ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَ ضَوْءِ النَّهَارِ عَمْداً أَوْ خَطَأً سِرّاً أَوْ عَلَانِيَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً وَ هُدًى وَ نُوراً وَ عِلْماً وَ فَهْماً حَتَّى أُقِيمَ كِتَابَكَ وَ أُحِلَّ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

حَلَالَکَ وَ أُحَرِّمَ حَرَامَکَ وَ أُؤَدِّیَ فَرَائِضَکَ وَ أُقِیمَ سُنَّةَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ ص اللَّهُمَّ أَلْحِقْنِی بِصَالِحِ مَنْ مَضَی وَ اجْعَلْنِی مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِیَ وَ اخْتِمْ لِی عَمَلِی بِأَحْسَنِهِ إِنَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ اللَّهُمَّ إِذَا فَنِیَ عُمُرِی وَ تَصَرَّمَتْ أَیَّامُ حَیَاتِی وَ کَانَ لَا بُدَّ لِی مِنْ لِقَائِکَ فَأَسْأَلُکَ یَا لَطِیفُ أَنْ تُوجِبَ لِی مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا یَغْبِطُنِی بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ اقْبَلْ مِدْحَتِی وَ الْتِهَافِی وَ ارْحَمْ ضَرَاعَتِی وَ هِتَافِی وَ إِقْرَارِی عَلَی نَفْسِی وَ اعْتِرَافِی فَقَدْ أَسْمَعْتُکَ صَوْتِی فِی الدَّاعِینَ وَ خُشُوعِی فِی الضَّارِعِینَ وَ مِدْحَتِی فِی الْقَائِلِینَ وَ تَسْبِیحِی فِی الْمَادِحِینَ وَ أَنْتَ مُجِیبُ الْمُضْطَرِّینَ وَ مُغِیثُ الْمُسْتَغِیثِینَ وَ غِیَاثُ الْمَلْهُوفِینَ وَ حِرْزُ الْهَارِبِینَ وَ صَرِیخُ الْمُؤْمِنِینَ وَ مُقِیلُ الْمُذْنِبِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی الْبَشِیرِ النَّذِیرِ وَ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ وَ عَلَی الْمَلَائِکَةِ وَ النَّبِیِّینَ اللَّهُمَّ دَاحِیَ الْمَدْحُوَّاتِ وَ بَارِئَ الْمَسْمُوکَاتِ وَ جَبَّالَ الْقُلُوبِ عَلَی فِطْرَتِهَا شَقِیِّهَا وَ سَعِیدِهَا اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِکَ وَ نَوَامِیَ بَرَکَاتِکَ وَ کَرَائِمَ تَحِیَّاتِکَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ الْقَائِمِ بِحُجَّتِکَ وَ الذَّابِّ عَنْ حَرَمِکَ وَ الصَّادِعِ بِأَمْرِکَ وَ الْمُشَیِّدِ لِآیَاتِکَ وَ الْمُوفِی لِنَذْرِکَ اللَّهُمَّ فَأَعْطِهِ بِکُلِّ فَضِیلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ نَقِیبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ وَ حَالٍ مِنْ أَحْوَالِهِ وَ مَنْزِلَةٍ مِنْ مَنَازِلِهِ رَأَیْتَ مُحَمَّداً لَکَ فِیهَا نَاصِراً وَ عَلَی مَکْرُوهِ بَلَائِکَ صَابِراً وَ لِمَنْ عَادَاکَ مُعَادِیاً وَ لِمَنْ وَالَاکَ مُوَالِیاً وَ عَنْ مَا کَرِهْتَ نَائِیاً وَ إِلَی مَا أَحْبَبْتَ دَاعِیاً فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِکَ وَ خَصَائِصَ مِنْ عَطَائِکَ وَ حَبَائِکَ تُسْنِی بِهَا أَمْرَهُ وَ تُعْلِی بِهَا دَرَجَتَهُ مَعَ الْقُوَّامِ بِقِسْطِکَ وَ الذَّابِّینَ عَنْ حَرَمِکَ حَتَّی لَا یَبْقَی سَنَاءٌ وَ لَا بَهَاءٌ وَ لَا رَحْمَةٌ وَ لَا کَرَامَةٌ إِلَّا خَصَصْتَ مُحَمَّداً بِذَلِکَ وَ آتَیْتَهُ مِنْکَ الذُّرَی وَ بَلَّغْتَهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَی آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ دِینِی وَ نَفْسِی وَ جَمِیعَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ فَاجْعَلْنِی فِی کَنَفِکَ وَ حِفْظِکَ وَ عِزِّکَ وَ مَنْعِکَ عَزَّ جَارُکَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُکَ وَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ حَسْبِی أَنْتَ فِی السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشِّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ إِلَیْکَ أَنَبْنا وَ إِلَیْکَ الْمَصِیرُ رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذِینَ کَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنا رَبَّنا إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ- رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها کانَ غَراماً إِنَّها ساءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً- رَبَّنَا افْتَحْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَیْرُ الْفَاتِحِینَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ کَفِّرْ عَنَّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَةِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِینا أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَیْنا إِصْراً کَما حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِنا رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا أَنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِینَ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا بِرَحْمَتِکَ عَذابَ النَّارِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً «۱»

(۱)

ترجمه: پاک و منزّه است او که تمامی موجودات در برابر عظمت او متواضعند، پاک و منزّه است آن که همه اشیاء در برابر عزّت او خوار و ذلیلند، پاک و منزّه است آن که همه چیز در برابر امر و حکومت او خاضع هستند، پاک و منزّه است همو که همه چیز در حیطه قدرت و توانایی او قرار دارد.

السلام علکیم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

حمد مخصوص پروردگاری است که هر که او را یاد کند فراموشش نمی‌کند، و هر که او را بخواند ناامیدش نمی‌سازد، و هر که بر او توکّل کند او را کفایت می‌نماید، و حمد مخصوص خداوندی است که آسمانها را برافراشت، و زمین را مسطح گردانید، و دریاها را محدود ساخت، و کوهها را به صورت رشته‌هایی در آورد، و حیوانات و درختان را آفرید، و چشمه‌سارهای زمین را گشود، و به تدبیر امور پرداخت، ابرها را به گردش درآورد، و باد و آب و آتش را از اعماق زمین به سوی آسمان جاری ساخت، و گرما و سرما را در زمین قرار داد، خداوندی که با نعمتهایش کارهای نیک کامل شده، و شکر او نعمتها را افزایش داده، و به امر او آسمانها افراشته شده، و به عزّت او کوهها سر برافراشته، و حیوانات وحشی در دشتها و پرندگان در آشیانه‌ها به تسبیح او مشغولند.

حمد از آن خداوندی است که بالا برنده درجات، و نازل‌کننده آیات، و گستراننده برکتها، و پوشاننده عیبها، و قبول‌کننده نیکیها، و بخشنده لغزشها، و برطرف کننده رنجها، و فرو فرستنده برکتها و اجابت‌کننده دعاها، و زنده‌کننده مردگان، و معبود همه ساکنان زمین و آسمانهاست. حمد و سپاس از آن آفریدگار یکتاست نسبت به همه حمد، ذکر، شکر، صبر، نماز، زکات، قیام و عبادت، سعادت و برکت، زیادی و رحمت، نعمت و کرامت، فرایض،

گشایش و سختی، شدّت و راحتی، سختی و آسانی، مصیبت و بلا، غنا و فقر، و همه مخصوص خداست که در همه حال، و در هر زمان، هر مکان و هر جایگاه کوچ و دگرگونی و توقّف صادر می‌گردد. (۱) پروردگارا! به تو پناهنده می‌شوم پس مرا پناه ده، و از تو یاری می‌جویم پس یاریم نما، از تو فریادرسی می‌خواهم پس به فریادم رس، و تو را می‌خوانم پس مرا اجابت کن، و از تو آمرزش می‌طلبم، پس مرا ببخش، از تو یاری و کمک می‌خواهم پس کمکم کن، و از تو هدایت می‌خواهم پس هدایتم نما، و از تو کفایت می‌جویم پس کفایتم کن، و به ریسمان محکم تو چنگ زده‌ام پس مرا محافظت فرما، و بر تو توکل نموده‌ام پس مرا کفایت نما؛ خداوندا! مرا در پناه، جوار، حمایت، حراست، کفایت، حرمت، امنیت، و در زیر سایه خود قرار ده، و بر من سپر محکمی از جانب خود مقرّر فرما تا از همه جوانب، پشت سرم، روبرویم، سمت راست، سمت چپ و از بالا و پایین مرا از صدمه و آزار مخلوقاتت محفوظ دارد، به حقّ تو که جز تو معبودی نیست، تویی منان، آفریننده آسمانها و زمین، دارنده جلالت و بزرگواری.

پروردگارا! حسد حسودان، و تجاوز تجاوزگران، و کید و فریب مکّاران، و نیرنگ حیله‌گران، غلوّ غلوکنندگان، و تهمت تهمت زنندگان، و ظلم ستمگران، و ستم ستمکاران، و عصبانیت افراد تندخو، و اخم و تخم افراد ترشرو، و هیبت پرخاشگران، و تنگنای آنان که دیگران را در تنگنا و مضیقه قرار می‌دهند و خودسری زورمندان، و

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

اشتباهکاری خطاکاران، و سعایت سعایتگران، و سحر جادوگران، و رانده‌شدگان و شیاطین، و ظلم پادشاهان، و کارهای ناپسند جهانیان را از من دور دار.

خداوندا! به حرمت نامهای پوشیده، پاک و پاکیزه‌ات، که آسمانها و زمین بدانها استوار شده، و تاریکیها بدان درخشان گردیده، و فرشتگان بدان تسبیح‌گو شده، و قلبها از آنها در هراس بوده، و گردنها به سبب آنها خاضع شده، و مردگان را به آنها زنده می‌کنی، از تو می‌خواهم که تمام گناهان مرا ببخشی، چه آنها را که در تاریکی شب مرتکب شده باشم و چه روشنایی روز، چه عمدی بوده باشد و چه از روی خطا، در خفا بوده باشد و یا در آشکار؛ و از تو می‌خواهم تا به من یقین، هدایت، نور، علم و فهمی عنایت کنی، تا به آنها کتابت را بر پای داشته، و حلالت را روا و حرامت را ناروا دانسته، و واجباتت را انجام و سنّت پیامبرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را بر پا دارم. (۱) خدایا! مرا به صالحان در گذشته ملحق فرما، و از صالحان باقیمانده قرار ده، و اعمالم را به نیکوترین آنها خاتمه بخش، به درستی که تو بخشنده و آمرزنده و مهربانی.

پروردگارا! آنگاه که عمرم به پایان رسیده، و ایّام زندگانیم خاتمه یافته، و زمان ملاقات تو نزدیک شده، ای مهربان! از تو می‌خواهم که منزلی را در بهشت به من اختصاص دهی که تمام مخلوقاتت، از اوّلین و آخرین آنها، بدان حسرت برند.

خداوندا! حمد و ستایش مرا بپذیر، و به تضرّع و زاریم، و اقرار و اعترافم علیه نفسم بر من رحم کن که صدایم را همراه دعاکنندگان، و خشوعم را همراه خاشعین، و مدحم را همراه ستایشگران، و تسبیحم را همراه مداحان، به گوش تو رسانیدم؛ و تو اجابت‌کننده دعای اشخاص مضطرّ و بیچاره و فریادرس استغاثه‌کنندگان، و پناه بی‌پناهان، و دادرس مؤمنان، و نگهدارنده گناهکاران از لغزش می‌باشی؛ و درود خدا بر [محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم] بشارت دهنده و بیم دهنده و چراغ روشن و فروزان، و درود بر ملائک و پیامبران.

پروردگارا! ای گستراننده زمینها، آفریننده آسمانها، خالق قلبها بر طریق فطرت، بدبخت ایشان و خوشبختشان، شریف‌ترین درودها و برترین برکتها، و ارزشمندترین تحیّت‌ها را بر محمّد که فرستاده تو، و امین بر وحی تو، و بر پا دارنده حجّت، و نگهبان حریم حرمتت، و انجام دهنده دستوراتت، و محکم محکم‌کننده آیاتت، و وفادار به نذرهایت بفرست.

خداوندا! در مقابل هر فضیلتی از فضائل او، و هر منقبتی از مناقب او، و هر حالتی از حالات او، و هر منزلتی از منزلتهای او، حال که محمّد را برای خود یار و یاور یافته‌ای، و بر رنجها و بلاها صابر، و بر دشمنانت دشمن، و بر دوستانت دوست، و از مکروهاتت دور، و بر آنچه تو به سوی آن می‌خوانی دعوت‌کننده یافته‌ای، فضائلی از پاداشت و ویژگیهایی از عطایت را به او عطا فرما تا امرش را برتر و درجه‌اش را بلندتر گردانی، و این

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

خصوصیات و عطیه‌هایی که او را عطا می‌نمایی به پای دارندگان عدالتت و مدافعین از حرمت را نیز سهیم گردان، تا اینکه برتری، ارزش، رحمت و کرامتی نمانده باشد مگر آنکه محمّد را بدان مخصوص گردانیده باشی، و از جانب خود درجات عالی به او عطا فرمایی و او را به مقامات والا برسانی، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان. (۱) خداوندا! دین، جان و تمام نعمتهایی را که به من داده‌ای به خودت می‌سپارم، پس مرا در حفظ، حراست و کفایت خود قرار ده، همانا در جوار تو بودن موجب عزّت و سربلندی است، مدح و ثنای تو بلند مرتبه، و نامهایت مقدّس است و جز تو معبودی نیست، تو در خوشحالی و ناراحتی، و در شدّت و آسایش، مرا کافی هستی، و چه کفایت‌کننده نیکویی! پروردگارا! بر تو توکّل می‌کنم، و به سوی تو زاری و انابه دارم، و بازگشتم به سوی توست؛ خدایا! مرا وسیله آزمایش کسانی که کافر شده‌اند قرار مده، و ما را بیامرز که همانا تو عزیز و حکیمی؛ خداوندا! عذاب جهنّم را از ما دور کن، چرا که عذاب آن جاودان است، و به راستی که آنجا بد جایگاهی است؛ پروردگارا! بین ما و قوم ما به حق گشایش و فرجی عطا فرما که تو بهترین گشایشگران هستی.

پروردگارا! ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را ببخش، و خطاهایمان را بپوشان، و ما را با نیکان بمیران؛ خداوندا! آنچه را که به فرستادگانت وعده داده‌ای نصیب ما بفرما، و روز قیامت ما را عذاب مکن، به درستی که تو خلاف وعده‌هایت عمل نمی‌کنی.

خداوندا! اگر فراموش کرده و یا اشتباهی کردیم ما را مؤاخذه منما؛ پروردگارا! تکلیف سخت و دشواری که ما از عهده آن برنمی‌آییم و آن گونه که بر پیشینیان ما قرار دادی، بر ما قرار مده! خداوندا! چیزهایی را که بر انجام آن قادر نیستیم از ما مخواه، و ما را عفو کن، و گناهانمان را ببخشای و مورد رحمتت قرار ده، تو مولای ما هستی، پس ما را در مقابل کافران یاری فرما.

خداوندا! ما را در دنیا و آخرت نیکی و خوبی عطا فرما، و به رحمتت ما را از عذاب آتش محفوظ بدار، و درود خدا بر آقای ما محمّد رسول خدا و خاندان پاک او، و سلام بیکران بر ایشان باد.

ضمیمه هفتم دعاهای منسوب به حضرت فاطمه علیها السّلام برای روزهای هفته

دعای روز شنبه

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا خَزَائِنَ رَحْمَتِکَ وَ هَبْ لَنَا اللَّهُمَّ رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنَا بَعْدَهَا فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ ارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ رِزْقاً حَلَالًا طَیِّباً وَ لَا تُحْوِجْنَا وَ لَا تُفْقِرْنَا إِلَی أَحَدٍ سِوَاکَ وَ زِدْنَا لَکَ شُکْراً وَ إِلَیْکَ فَقْراً وَ فَاقَةً وَ بِکَ عَمَّنْ سِوَاکَ غِنًی وَ تَعَفُّفاً اللَّهُمَّ وَسِّعْ عَلَیْنَا فِی الدُّنْیَا اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ أَنْ تَزْوِیَ وَجْهَکَ عَنَّا فِی حَالٍ وَ نَحْنُ نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِیهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنَا مَا تُحِبُّ وَ اجْعَلْهُ لَنَا قُوَّةً فِیمَا تُحِبُّ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ «۱» (۱) ترجمه: پروردگارا! گنجهای رحمتت را به روی ما بگشا، و ما را مشمول رحمتت قرار ده، رحمتی که بعد از آن، در دنیا

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

و آخرت عذابمان ننمایی، و از فضل وسیعت ما را از روزی پاک و حلال بهره‌مند گردان، و ما را محتاج و نیازمند و فقیر درگاه کسی غیر از خودت قرار مده، و شکرگزاری ما را نسبت به خودت، فقر و نیازمان را به خودت افزون فرما، تا از غیر تو بی‌نیاز و خویشتن‌دار باشیم.

خدایا! گشایش در دنیا را به ما عطا فرما، پروردگارا! به تو پناه می‌بریم از اینکه ما را از دیدارت منع و مانع گردی که ما در همه حال به تو و دیدار تو رغبت داریم.

پروردگارا! بر محمّد و خاندان و محمّد درود فرست، و از آنچه دوست داری به ما عطا فرما، و آن را برای ما موجب نیرو و قوّتی در آنچه که دوست داری قرار ده، ای برترین رحم‌کنندگان!

دعای روز یک شنبه

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ یَوْمِی هَذَا فَلَاحاً وَ آخِرَهُ نَجَاحاً وَ أَوْسَطَهُ صَلَاحاً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ أَنَابَ إِلَیْکَ فَقَبِلْتَهُ وَ تَوَکَّلَ عَلَیْکَ فَکَفَیْتَهُ وَ تَضَرَّعَ إِلَیْکَ فَرَحِمْتَهُ «۱» (۱) ترجمه: پروردگارا! اوّل این روزم را رستگاری و آخرش را موفّقیت، و میان آن را صحّت و رستگاری قرار ده، خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به سوی تو روی آورده‌اند و تو آنان را پذیرفته‌ای، و بر تو توکّل کرده‌اند و تو آنان را کفایت کرده‌ای، و به سوی تو زاری نموده‌اند و تو آنان را مشمول رحمتت قرار داده‌ای.

دعای روز دوشنبه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ قُوَّةً فِی عِبَادَتِکَ وَ تَبَصُّراً فِی کِتَابِکَ وَ فَهْماً فِی حُکْمِکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلِ الْقُرْآنَ بِنَا مَاحِلًا وَ الصِّرَاطَ زَائِلًا وَ مُحَمَّداً ص عَنَّا مُوَلِّیاً «۲» ترجمه: پروردگارا! از درگاهت قدرتی برای عبادت و بندگی، بینشی برای درک قرآن، و فهم لازم برای درک احکامت را خواستارم، پروردگارا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و فهم قرآن را دور از دسترس فکر ما، و صراط را نابودکننده ما، و محمّد را روی گردان از ما قرار مده.

دعای روز سه شنبه

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِکْراً وَ اجْعَلْ ذِکْرَهُمْ لَنَا شُکْراً وَ اجْعَلْ صَالِحَ مَا نَقُولُ بِأَلْسِنَتِنَا نِیَّةً فِی قُلُوبِنَا اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَکَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ رَحْمَتَکَ أَرْجَی عِنْدَنَا مِنْ أَعْمَالِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَفِّقْنَا لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَ الصَّوَابِ مِنَ الْفِعَالِ «۱» (۱) ترجمه: پروردگارا! بی‌خبری و غفلت مردم را برای ما موجب یادآوری، و آگاهی آنان را برای ما موجب شکر و سپاس قرار ده، و سخن صحیحی را که بر زبانمان جاری می‌شود نیّت قلبهای ما قرار ده؛ پروردگارا! غفران و گذشت تو از گناهان ما گسترده‌تر و رحمت تو از اعمال ما

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

امیدوارکننده‌تر است؛ خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را بر انجام اعمال شایسته و کارهای نیک موفق بدار!

دعای روز چهارشنبه

اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ رُکْنِکَ الَّذِی لَا يُرَامُ وَ بِأَسْمَائِکَ الْعِظَامِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ احْفَظْ عَلَيْنَا مَا لَوْ حَفِظَهُ غَيْرُکَ ضَاعَ وَ اسْتُرْ عَلَيْنَا مَا لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُکَ شَاعَ وَ اجْعَلْ کُلَّ ذَلِکَ لَنَا مِطْوَاعاً إِنَّکَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ «۲» (۲) ترجمه: پروردگارا! ما را با دیدگانت که هرگز به خواب نمی‌رود، و با پایه و ستونی که هرگز ویران نمی‌شود، و با نامهای با عظمت خودت حفاظت فرما، و بر محمّد و خاندانش درود فرست، و برای ما حفظ کن آنچه را که اگر نگاهبانی غیر از تو داشته باشد تباه می‌گردد، و بپوشان آنچه را که اگر غیر از تو آن را بپوشاند فاش می‌شود، و همه اینها را وسیله پیروی و طاعت ما قرار ده، همانا تو خواسته‌ها را می‌شنوی، و به ما نزدیک هستی، و دعاهای ما را اجابت می‌کنی.

دعای روز پنج شنبه

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْهُدَى وَ التُّقَى وَ الْعَفَافَ وَ الْغِنَى وَ الْعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ قُوَّتِکَ لِضَعْفِنَا وَ مِنْ غِنَاکَ لِفَقْرِنَا وَ فَاقَتِنَا وَ مِنْ حِلْمِکَ وَ عِلْمِکَ لِجَهْلِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِنَّا عَلَى شُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ وَ طَاعَتِکَ وَ عِبَادَتِکَ بِرَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۱» (۱) ترجمه: پروردگارا! هدایت، تقوی، عفاف، بی‌نیازی، و عمل به آنچه که تو از آن راضی و خشنود می‌گردی را تقاضا می‌کنم؛ خداوندا! برای ناتوانی خودمان از قوّت تو، برای فقرمان از بی‌نیازی تو و برای جهل و نادانی خویش از علم و حلم تو خواستارم؛ خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و ما را بر شکر، ذکر، اطاعت و عبادت خودت یاری کن، [سوگند می‌دهیم تو را]، به رحمتت ای برترین رحم‌کنندگان!

دعای روز جمعه

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَقْرَبِ مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيْکَ وَ أَوْجَهِ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْکَ وَ أَنْجَحِ مَنْ سَأَلَکَ وَ تَضَرَّعَ إِلَيْکَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ کَأَنَّهُ يَرَاکَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِی فِيهِ يَلْقَاکَ وَ لَا تُمِتْنَا إِلَّا عَلَى رِضَاکَ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ أَخْلَصَ لَکَ بِعَمَلِهِ وَ أَحَبَّکَ فِی جَمِيعِ خَلْقِکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لَنَا مَغْفِرَةً جَزْماً حَتْماً لَا نَقْتَرِفُ بَعْدَهَا ذَنْباً وَ لَا نَکْتَسِبُ خَطِيئَةً وَ لَا إِثْماً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً نَامِيَةً دَائِمَةً زَاکِيَةً مُتَتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً بِرَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۲» (۲) ترجمه: پروردگارا! ما را از نزدیکترین کسانی که به تو تقرّب جسته‌اند، و از آبرومندترین کسانی که به تو روی آورده‌اند، و از نجات یافتگانی که به تو روی آورده‌اند و از موفّقترین

درخواست‌کنندگان و زاری‌کنندگان به درگاهت قرار ده! خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که گویی تو را در همه حال تا روز قیامت می‌بینند، و ما را نمیران مگر آنکه از

ما راضی و خشنود شده باشی؛ خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که در مقام عمل اخلاص ورزیده‌اند و در همه حال تو را دوست می‌دارند و کسی را به تو ترجیح نمی‌دهند.

پروردگارا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و ما را مورد مغفرت و بخشش قطعی و حتمی خویش قرار ده، بخششی که بعد از آن گناهی مرتکب نشویم و خطایی از ما صادر نشود؛ خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، درودی بارور و زاینده، دائم، پاک، پی در پی و پیوسته، [سوگند می‌دهیم تو را] به رحمتت ای برترین رحم‌کنندگان!

ضمیمه هشتم سایر دعاهای منسوب به حضرت فاطمه علیها السّلام

حرز مشهور حضرت فاطمه

بسم الله الرحمن الرحیم. یا حی یا قیوم، برحمتک أستغیث فأغثنی، و لا تکلنی إلی نفسی طرفة عین أبدا، و أصلح لی شأنی کله. «۱» (۱) ترجمه: به نام خداوند بخشنده مهربان. ای زنده پایدار، به رحمتت پناه آورده‌ام پس مرا پناه ده، و مرا به قدر لحظه‌ای به حال خود وامگذار، و تمام شئون و همه امور مرا اصلاح فرما!

حرز دیگر حضرت فاطمه علیها السّلام: یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ- بِرَحْمَتِکَ أَسْتَغِیثُ فَأَغِثْنِی اللَّهُمَّ زَحْزِحْنِی عَنِ النَّارِ- وَ أَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ وَ أَلْحِقْنِی بِأَبِی مُحَمَّدٍ «۱» (۱) ترجمه: ای زنده پایدار، به رحمتت پناه آورده‌ام پس پناهم ده، خداوندا! مرا از آتش دور دار و در بهشت وارد کن، و مرا به پدرم محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ملحق نما.

تعویذ حضرت فاطمه علیها السّلام

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَهْدِیکَ لِإِرْشَادِ أَمْرِی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی اللَّهُمَّ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ «۲» (۲) ترجمه: پروردگارا! از تو طلب هدایت می‌کنم برای آنکه در کارهایم راه درست را نشانم دهی، و از شرّ نفسم به تو پناهنده می‌شوم. خداوندا! بد عمل کردم و به نفس خود ظلم روا داشتم، پس مرا ببخش که کسی گناهان را نمی‌بخشد مگر تو! یادآوری می‌شود که جهت استفاده بیشتر، حرزهای دیگری نیز در فصل ششم از ضمیمه چهارم همین کتاب آمده است.

دعا برای رفع سر درد و رفع بی‌خوابی

یا مشبع الجائعة، و یا کاسی الجسوم العاریة، و یا ساکن العروق الضاربة، و یا منوم العیون الساهرة، سکن عروقی الضاربة، و أذن لعینی نوما عاجلا. «۱» (۱) ترجمه: ای سیرکننده شکمهای خالی و گرسنه، و ای پوشاننده بدنهای

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

عریان، و ای آرام‌کننده ضربان آزار دهنده رگها، و ای آرامش بخش و خواب‌کننده چشمهای بی‌خواب، رگهای مرا آرام گردان، و خواب را هر چه زودتر بر چشمهای من غالب گردان.

دعا برای شیعیان

بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله الذی أذهب عنا الحزن، إن ربنا لغفور شکور، الذی أحلنا دار المقامة من فضله، و لا یمسنا فیها نصب و لا یمسنا فیها لغوب. إلهی أنت المنی، و فوق المنی، أسألک أن لا تعذب محبی و محب عترتی بالنار. «۲»

(۱) ترجمه: به نام خداوند بخشنده مهربان، حمد اختصاص به خدایی دارد که حزن و اندوه را از ما زدود، به درستی که پروردگار ما بسیار بخشنده و شکرگزار است، کسی که از فضل خود ما را در بهشت ساکن گردانید تا در آن رنجی به ما نرسد.

پروردگارا! تو آرزوی من و بالاتر از آرزوی من هستی، از تو می‌خواهم دوستدارانم و دوستداران فرزندانم را در آتش عذاب نکنی.

دعا برای برآورده شدن حوائج

یَا أَعَزَّ مَذْکُور وَ أَقْدَمَهُ قدماً فِی الْعزِّ وَ الْجَبَرُوت- یَا اللَّهُ یَا رَحِیمَ کُلِّ مُتَرَحِّمٍ وَ مَفْزَعَ کُلِّ مَلْهُوف یَا رَاحِمَ کُلِّ حَزِینٍ یَشْکُو بَثَّهُ وَ حُزْنَهُ إِلَیْهِ- یَا اللَّهُ یَا خَیْرَ مَنْ طُلِبَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَ أَسْرَعَهُ إِعْطَاءً- یَا مَنْ تَخَافُ الْمَلَائِکَةُ الْمُتَوَقِّدَةُ بِالنُّورِ مِنْهُ أَسْأَلُکَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِی یَدْعُوکَ بِهَا حَمَلَةُ عَرْشِکَ- وَ یُسَبِّحُونَ بِهَا شَفَقَةً مِنْ خَوْفِ عَذَابِکَ- وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِی یَدْعُوکَ بِهَا جَبْرَئِیلُ- وَ میکَائِیلُ وَ إِسْرَافِیلُ إِلَّا أَجَبْتَنِی- وَ کَشَفْتَ کُرْبَتِی یَا إِلَهِی وَ سَتَرْتَ ذُنُوبِی - یَا مَنْ یَأْمُرُ بِالصَّیْحَةِ فِی خَلْقِهِ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ محشورون وَ بِذَلِکَ الاسْمِ الَّذِی تُحْیِی بِهِ الْعِظَامَ وَ هِیَ رَمِیمٌ- أَنْ تُحْیِیَ قَلْبِی وَ تَشْرَحَ صَدْرِی وَ تُصْلِحَ شَأْنِی یَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ- وَ خَلَقَ لِبَرِیَّتِهِ الْمَوْتَ وَ الْحَیَاةَ- یَا مَنْ فِعْلُهُ قَوْلٌ وَ قَوْلُهُ أَمْرٌ وَ أَمْرُهُ مَاضٍ عَلَی مَا یَشَاءُ- وَ أَسْأَلُکَ باسْمِکَ الَّذِی دَعَاکَ بِهَا خَلِیلُکَ- حِینَ أُلْقِیَ فِی النَّارِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ قُلْتَ یا نارُ کُونِی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ «۱» وَ بِالاسْمِ الَّذِی دَعَا بِهِ مُوسَی مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَیْمَنِ- فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ بِالاسْمِ الَّذِی خَلَقْتَ بِهِ عِیسَی مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی وَهَبْتَ لِزَکَرِیَّا یَحْیَی- وَ بِالاسْمِ الَّذِی کَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَیُّوبَ الضُّرَّ- وَ بِالاسْمِ الَّذِی تُبْتَ عَلَی دَاوُدَ وَ سَخَّرْتَ لِسُلَیْمَانَ الرِّیحَ تَجْرِی بِأَمْرِهِ- وَ الشَّیَاطِینَ وَ عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّیْرِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ وَ وَ بِالاسْمِ الَّذِی خَلَقْتَ بِهِ الْکُرْسِیَّ- وَ بِالاسْمِ الَّذِی خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحَانِیِّینَ- وَ بِالاسْمِ الَّذِی خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ- وَ بِالاسْمِ الَّذِی خَلَقْتَ بِهِ جَمِیعَ الْخَلْقِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی خَلَقْتَ وَ جَمِیعَ مَا أَرَدْتَ مِنْ شَیْءٍ- وَ بِالاسْمِ الَّذِی قَدَرْتَ بِهِ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَمَّا أَعْطَیْتَنِی سُؤْلِی وَ قَضَیْتَ حَوَائِجِی یَا کَرِیمُ «۲»

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

(۱) ترجمه: ای گرامی‌ترین نامی که یاد شده، و دیرینه‌ترین نام در عزّت و فرمانروایی، ای رحم‌کننده بر هر که از او طلب رحمت کند، و پناه هر که به او پناهنده شود، ای رحم‌کننده بر هر محزونی که شکوه و شکایت به سوی او برد، ای بهترین کسی که از او نیکی طلب شده و به سرعت آن را اجابت فرمود، ای کسی که فرشتگان نورانی از او در هراسند! به حقّ نامهایی که حاملان عرشت، و آنان که در اطراف آن قرار دارند، و از هراس عقاب تو تسبیح و تنزیه تو را می‌گویند، تو را بدان نامها می‌خوانند، و به حقّ نامهایی که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تو را بدان نامها می‌خوانند، از تو می‌خواهم دعایم را اجابت کنی، و مشکلم را برطرف کرده، و گناهانم را بپوشانی.

ای کسی که فرمان می‌دهد نفخه صور در میان موجودات دمیده شود، تا آنان در اجتماع بزرگ قیامت گرد هم آیند، و به حقّ آن نامی که استخوانهای پوسیده را زنده می‌کنی، از تو می‌خواهم که قلبم را زنده، سینه‌ام را گشاده، و امورم را اصلاح فرمایی.

ای کسی که بقا و جاودانگی را ویژه خود قرار داده، و مرگ و زندگی و فنا را برای موجوداتش خلق فرموده، ای کسی که عملش مطابق گفتارش و گفتارش همانند فرمانش، و فرمانش بر هر چه خواهد جاری می‌باشد.

به حقّ آن نامی که [حضرت ابراهیم] خلیل تو، آنگاه که در آتش انداخته می‌شد تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت فرمودی، و گفتی: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو»، و به نامی که موسی از کنار طور ایمن تو را بدان نام خواند، و تو او را اجابت فرمودی، و به نامی که عیسی را از روح القدس آفریدی.

و به نامی که یحیی را به زکریّا بخشیدی، و به نامی که رنج و مشقّت را از ایّوب مرتفع ساختی، و به نامی که توبه داود را پذیرفتی، و بادها را برای سلیمان مسخّر نمودی که به فرمان او به گردش در آیند، همچنین جنّ را برای او مسخّر کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی.

و به نامی که عرش را با آن آفریدی، و جهان را به آن خلق فرمودی، و فرشتگان را با آن ایجاد کردی، و جنّ و انس را با آن خلق کردی، و به نامی که تمامی مخلوقات را پدید آوردی.

و به نامی که آنچه خواستی خلق فرمودی، و به نامی که بر هر چیز قادر شدی، به حقّ این نامها از تو می‌خواهم که حاجتم را برآوری، و خواسته‌هایم را اجابت فرمایی، ای بخشنده!

دعا برای برآورده شدن حاجتها و کارهای مهم

بِحَقِّ یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ وَ بِحَقِّ طه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ یَا مَنْ یَقْدِرُ عَلَی حَوَائِجِ السَّائِلِینَ یَا مَنْ یَعْلَمُ مَا فِی الضَّمِیرِ یَا منفس عَنِ الْمَکْرُوبِینَ یَا مفرج عَنِ الْمَغْمُومِینَ یَا رَاحِمَ الشَّیْخِ الْکَبِیرِ یَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِیرِ یَا مَنْ لَا یَحْتَاجُ إِلَی التَّفْسِیرِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِی و تذکر الحاجة «۱»

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

(۱) ترجمه: به حقّ یاسین و قرآن حکیم، به حقّ طه و قرآن عظیم، ای خدایی که بر حاجتهای حاجتمندان قادر و توانا هستی، ای آنکه اسرار پنهان همه را می‌دانی، ای برطرف کننده مشکل آنان که دچار گرفتاری شده‌اند، ای برطرف کننده غمهای مردم اندوهگین، ای رحم‌کننده به پیر مردان، ای روزی دهنده به کودکان صغیر، ای خدایی که بی‌نیاز از هر تفسیری، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ... [در این قسمت دعا هر حاجتی که دارید بخواهید].

دعا برای کسب خلقیّات نیکو و شایسته

اللَّهُمَّ بِعِلْمِکَ الْغَیْبِ وَ قُدْرَتِکَ عَلَی الْخَلْقِ أَحْیِنِی مَا عَلِمْتَ الْحَیَاةَ خَیْراً لِی وَ تَوَفَّنِی إِذَا کَانَتِ الْوَفَاةُ خَیْراً لِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ کَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ وَ خَشْیَتَکَ فِی الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ الْقَصْدَ فِی الْغِنَی وَ الْفَقْرِ وَ أَسْأَلُکَ نَعِیماً لَا یَنْفَدُ وَ أَسْأَلُکَ قُرَّةَ عَیْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَ أَسْأَلُکَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ أَسْأَلُکَ بَرْدَ الْعَیْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ أَسْأَلُکَ النَّظَرَ إِلَی وَجْهِکَ وَ الشَّوْقَ إِلَی لِقَائِکَ مِنْ غَیْرِ ضَرَّاءَ مُضِرَّةٍ وَ لَا فِتْنَةٍ مُظِلَّةٍ اللَّهُمَّ زَیِّنَّا بِزِینَةِ الْإِیمَانِ وَ اجْعَلْنَا هُدَاةً مَهْدِیِّینَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ «۱»

(۱) ترجمه: پروردگارا! به علم غیب و قدرتت بر آفریدگان، تا آنجا که زندگی را برایم خیر می‌دانی، زنده‌ام بدار! و آن هنگام که مرگ برایم بهتر است، مرا بمیران! بار خدایا، از تو کلمه اخلاص و ترس از خودت چه در حال رضا و خوشنودی و چه در حال غضب و خشم را خواستارم و همچنین میانه روی و اعتدال در تهیدستی و بی‌نیازیم را. و نیز نعمت جاویدان و روشنی چشم همیشگی و پایدار و پیوسته را خواهانم چنان که خوشنودی نسبت به قضای تو را می‌طلبم. پروردگارا! زندگی خوش بعد از مرگ و دیدار جمال و چهره‌ات و شوق وصال و لقای تو را بی‌آنکه در حالت زیان و ضرر و یا فتنه‌ای ظلمانی و تاریک باشد [آنچنان که در پیشگاه تو در حال بازخواست نسبت به اعمال نابجای خود باشم بلکه سرفراز و آمرزیده باشم] خواستارم، بار الها! ما را به زینت و زیور ایمان مزیّن فرما و از راهنمایان راه یافته قرارمان ده، ای آفریدگار و خالق جهانیان!

دعا برای برآورده شدن حاجات

اللَّهُمَّ قَنِّعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی وَ اسْتُرْنِی وَ عَافِنِی أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی وَ اغْفِرْ لِی وَ ارْحَمْنِی إِذَا تَوَفَّیْتَنِی اللَّهُمَّ لَا تُعْیِنِی فِی طَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِی وَ مَا قَدَّرْتَهُ عَلَیَّ فَاجْعَلْهُ مُیَسَّراً سَهْلًا اللَّهُمَّ کَافِ عَنِّی وَالِدَیَّ وَ کُلَّ مَنْ لَهُ نِعْمَةٌ عَلَیَّ خَیْرَ مُکَافَاةٍ اللَّهُمَّ فَرِّغْنِی لِمَا خَلَقْتَنِی لَهُ وَ لَا تَشْغَلْنِی بِمَا تَکَفَّلْتَ لِی بِهِ وَ لَا تُعَذِّبْنِی وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُکَ وَ لَا تَحْرِمْنِی وَ أَنَا أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِی وَ عَظِّمْ شَأْنَکَ فِی نَفْسِی وَ أَلْهِمْنِی طَاعَتَکَ وَ الْعَمَلَ بِمَا یُرْضِیکَ وَ التَّجَنُّبَ لِمَا یُسْخِطُکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ «۱» (۱) ترجمه: خداوندا! مرا به آنچه که روزیم نموده‌ای قانع ساز، و تا هنگامی که باقی نگاه می‌داری [عیب] مرا بپوشان و سلامت بدار، و هنگامی که میراندی مرا بیامرز و رحمت نمای.

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

بار خدایا! در جستجوی آنچه که برایم مقدّر ننموده‌ای خسته‌ام مکن، و آنچه را که برایم مقدر نموده‌ای دستیابی به آن را سهل و آسان ساز.

پروردگارا! به بهترین وجه پدر و مادر و تمامی کسانی را که موهبتی بر من داشته‌اند پاداش خیر عنایت فرما. خدایا مرا برای کاری که به خاطر آن آفریده شده‌ام آسوده خاطر قرار ده و مرا به آنچه که خود متکفّل آن گردیده‌ای مشغول مدار، و در حالی که از تو طلب غفران و بخشش می‌کنم عذابم مکن، و در حالی که از تو درخواست می‌نمایم محرومم مساز.

پروردگارا! نفس مرا در نظر خودم خوار و ذلیل، و شأن و منزلت خودت را در نظرم بزرگ بدار، و طاعت نسبت به خودت و عمل به آنچه که خوشنودی و رضای تو را فراهم می‌سازد، و اجتناب از آنچه که تو را به خشم می‌آورد، به من الهام فرما، ای بخشنده‌ترین بخشندگان!

دعا برای آسان شدن کارها و پرداخت قرض:

اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ مُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْفُرْقَانِ فَالِقَ الْحَبِّ وَ النَّوَى أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ أَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ وَ يَسِّرْ لِي كُلَّ الْأَمْرِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۱»

(۱) ترجمه: بار خدایا! ای آفریدگار ما و پروردگار همه چیز، ای نازل‌کننده تورات و انجیل و قرآن، ای شکافنده دانه و هسته! از شر هر جنبنده‌ای که فرمان آن به دست توست، به تو پناهنده می‌شوم.

تو اوّل هستی و پیش از تو هیچ موجودی نبوده، و تو آخرین خواهی بود و بعد از تو چیزی باقی نمی‌ماند، و تو آشکاری و برتر و بالاتر از تو چیزی نیست، و تو باطن همه جهان هستی و به جز تو مؤثری در عالم نیست، بر محمّد و خاندانش درود فرست، و قرض مرا تسویه نما، و مرا از بی‌چیزی و تهی دستی نجات بخش، و همه امور را بر من آسان گردان، ای بخشنده‌ترین بخشندگان!

دعای رؤیت هلال ماه رمضان

ربنا و ربک الله رب العالمین، اللهم اجعله علینا هلالا مبارکا، و وفقنا لصیام شهر رمضان، و سلمنا فیه، و تسلمنا منه، فی یسر و عافیة، و استعملنا فیه بطاعتک، إنک علی کل شیء قدیر. «۱»

(۱) ترجمه: پروردگار ما و تو خلق‌کننده همه هستی است؛ پروردگارا! این هلال ماه را برای ما، هلالی مبارک (پر برکت) قرار بده، و ما را برای روزه ماه رمضان موفق بدار، و ما را در آن سالم گردان، و این ماه را از ما

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

سلامت قرار ده، در راحتی و آسایش. و ما را در این ماه به طاعت و عبادت خود مشغول دار، به درستی که تو بر هر کار توانا و قادر می‌باشی.

دعا برای هنگام خواب:

الحمد لله الکافی، سبحان الله الأعلی، حسبی الله و کفی، ما شاء الله قضی، سمع الله لمن دعا، لیس من وراء الله ملجأ و لا وراء الله ملتجأ. توکلت علی الله ربی و ربکم، ما من دابة إلا هو آخذ بناصیتها، إن ربی علی صراط مستقیم، الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا، و لم یکن له شریک فی الملک، و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا. «۱» (۲)

ترجمه: سپاس و حمد مخصوص است به خداوند یکتا و کفایت‌کننده (همه امور مخلوقات)، پاک و منزّه است پروردگار متعال همو که والاترین و برترین است، خداوند مرا بس است و کفایت می‌کند، آنچه که او اراده کند واقع می‌شود، هر که او را بخواند حضرتش شنواست، تنها اوست که پناه می‌دهد و فقط به او باید پناه برد، توکّل بر خدای واحد می‌کنم همو که آفریدگار من و شماست. جنبنده‌ای نیست که تقدیرش به دست او نباشد، آفریدگارم بر طریق صحیح و مستقیم است. سپاس و حمد مخصوص اوست که فرزندی ندارد و برایش در سلطنتش شریکی وجود ندارد و سرپرستی نیز بر او متصوّر نیست، پس او را با بانگ اللّه اکبر بزرگ و با عظمت دار.

دعا برای رفع تب

وَ لَهُ ما سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ یَا أُمَّ مِلْدَمٍ إِنْ کُنْتِ آمَنْتِ بِاللَّهِ الْعَظِیمِ وَ رَسُولِهِ الْکَرِیمِ فَلَا تَهْشِمِی الْعَظْمَ وَ لَا تَأْکُلِی اللَّحْمَ وَ لَا تَشْرَبِی الدَّمَ اخْرُجِی مِنْ حَامِلِ کِتَابِی هَذَا إِلَی مَنْ لا یُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِیمِ وَ رَسُولِهِ الْکَرِیمِ وَ آلِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ ع «۱» (۱) و برای اوست آنچه در شب و روز آرام می‌گیرد، و او شنوا و داناست.

ای تب اگر به خدای بزرگ و فرستاده گرامیش ایمان داری، پس استخوانها را خورد نکرده، و گوشتها را نخور، و خونها را ننوش، از حامل این نوشته به سوی کسی که به خدای بزرگ و پیامبر گرامیش و خاندان او، یعنی محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین- علیهم السّلام-، ایمان ندارد، برو.

دعای طلب خلاصی از زندان

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَلَاهُ وَ بِحَقِّ الْوَحْیِ وَ مَنْ أَوْحَاهُ وَ بِحَقِّ النَّبِیِّ وَ مَنْ نَبَّأَهُ وَ بِحَقِّ الْبَیْتِ وَ مَنْ بَنَاهُ، یَا سَامِعَ کُلِّ صَوْتٍ یَا جَامِعَ کُلِّ فَوْتٍ یَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ آتِنَا وَ جَمِیعَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِی مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا فَرَجاً مِنْ عِنْدِکَ عَاجِلًا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

رَسُولُکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی ذُرِّیَّتِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً «۱» (۱) ترجمه: پروردگارا! سوگند به عرش و آن که او را برافراشت، و سوگند به وحی و آن که او را نازل کرد، و سوگند به پیامبر و آن که او را به نبوّت برگزید، و سوگند به کعبه و آن که او را برافراشت، ای شنوندهای که هر صدایی را می‌شنوی، ای گردآورنده هر آنچه که از دست رفته، ای خالق جانها بعد از مرگ، درود فرست بر محمّد و اهل بیت او، و از جانب خود گشایشی برای همه مؤمنین گرفتار از زن و مرد، در شرق و غرب عالم فرو فرست به حقّ شهادت به یگانگی خدا و اینکه محمّد بنده و رسول توست. درود و سلامی تمام از خدا بر او و بر ذرّیّه پاک و طاهر او باد!

دعای مکارم الاخلاق

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ یَسِّرْ لِیَ الْأَعْمَالَ الَّتِی تُحِبُّهَا وَ تُحِبُّ الْعَامِلِینَ لَهَا وَ أَعِنِّی عَلَیْهَا وَ اصْرِفْ عَنِّی الْأَعْمَالَ الَّتِی تَکْرَهُهَا وَ تَکْرَهُ الْعَامِلِینَ لَهَا وَ أَعِنِّی عَلَی تَرْکِهَا اللَّهُمَّ أَوْصِلْنِی إِلَیْکَ مِنْ أَقْرَبِ الطُّرُقِ إِلَیْکَ وَ أَسْهَلِهَا عَلَیَّ اللَّهُمَّ أَعِزَّنِی بِالِانْقِطَاعِ إِلَیْکَ بِلَا ضَرُورَةٍ وَ أَحْسِنْ لِیَ الْأَدَبَ بِلَا عُقُوبَةٍ وَ أَجْزِلْ لِیَ الثَّوَابَ بِلَا مُصِیبَةٍ وَ أَحْسِنْ لِیَ الِاخْتِیَارَ بِلَا کَرَاهِیَةٍ اللَّهُمَّ خِرْ لِی بِمَیْسُورِ الْأُمُورِ لَا بِمَعْسُورِهَا وَ اجْعَلْ لِی فِی ذَلِکَ مَا تُحِبُّ اللَّهُمَّ وَجِّهْنِی لِلْخَیْرِ وَ یَسِّرْنِی لَهُ وَ أَعِنِّی عَلَیْهِ وَ اجْعَلْنِی مِنْ أَهْلِهِ وَ ارْزُقْنِی حُسْنَ الْأَدَبِ فِیمَا تَوَجَّهْتُ إِلَیْکَ فِیهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی لَکَ شَاکِراً وَ لَکَ ذَاکِراً وَ لَکَ حَامِداً وَ إِلَی طَاعَتِکَ عَامِداً وَ بِقَضَائِکَ رَاضِیاً وَ عَنْ سَخَطِکَ نَائِیاً یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِإِقْبَالِ لَیْلِکَ وَ إِدْبَارِ نَهَارِکَ وَ حُضُورِ صَلَاتِکَ وَ أَصْوَاتِ دُعَائِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْشُرْنَا فِی شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً «۱»

(۱) ترجمه: پروردگارا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست، و انجام آن کارهایی را که دوست می‌داری و انجام دهنده آنها را دوست می‌داری بر من آسان گردان، و مرا به ترک کارهایی که ناپسند می‌داری و انجام دهنده آنها را مبغوض می‌شناسی موفق بدار.

بار خدایا! مرا از نزدیکترین راههایی که به سوی تو ختم می‌شود و برایم از همه آسانتر است، به وصال خود رسان.

بار الها! مرا بدون هیچ نیاز به جدایی و فاصله نزد خودت عزیز بدار، و به بهترین نحو که در آن مجازات و تنبیهی نباشد، ادب و تربیت فرما! و بدون آنکه بر من حادثه و مصیبتی پیش آید، اجر و پاداش عطا فرما، و بهترین اختیار و انتخاب را در مورد من داشته باش بدون آنکه اجبار و اکراهی در کار باشد.

پروردگارا! مرا به کارهای آسان و سهل مکلّف گردان و از من اعمال شاقّ و دشوار مطالبه مکن، و آنچه را که دوست داری مرا در انجام آنها موفق بدار، خدایا! مرا متوجه انجام کارهای خیر و نیکو کن و انجام آنها را برای

السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه السلام علیکم یا اهل البیت و النبوه السلام علیکم یا اهل البیت والنبوه

من آسان گردان و در انجام آنها مرا یاری کن، و مرا نیز از اهل خیر قرار داده حسن ادب را نصیب من قرار ده آنچنان که به واسطه آنها توجه به تو داشته باشم.

پروردگارا! مرا شاکر و حامد نسبت به خود قرار ده و به درستی و دقّت تمام در طریق طاعت و بندگی خود هدایتم فرما، و راضی به قضایی که اراده فرموده‌ای قرار ده و از سخط و غضب خویش بترسان، ای برترین رحم‌کنندگان.

به نام خداوند بخشنده و مهربان، پروردگارا! از تو در هر شب و روزت، در حضور نمازت و به هنگام صداهای دعای به پیشگاهت خواهانم که بهترین درودهای خود را نصیب محمّد و خاندان محمّد گردانی، و مرا با شفاعت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم محشور نمایی، درود و سلام تمام و کامل خدا بر او و آل او باد!

دعا برای شب و روز جمعه، شب و روز عرفه و روز عید فطر

الهی و سیدی مَنْ تَهَیَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ- أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةِ مَخْلُوقٍ- رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ فوائده و نائله، و فواضله و جوائزه، فَإِلَیْکَ یَا الهی تَهْیِئَتِی وَ تَعْبِئَتِی وَ إِعْدَادِی وَ اسْتِعْدَادِی رَجَاءَ فوائدک و معروفک و نائلک و جوائزک، فلا تخیبنی م ذلک، یَا مَنْ لَا تخیب عَلَیْهِ مَسْأَلَةُ السَّائِلِ وَ لَا تَنْقُصُهُ عَطِیَّةُ نَائِلٍ، فَإِنِّی لَمْ آتِکَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ- وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ أتقرب إلیک بشفاعته إلا شفاعة محمد و أهل بیته أَتَیْتُکَ أَرْجُو عَظِیمَ عَفْوِکَ الَّذِی عُدْتَ بِهِ عَلَی الْخَاطِئِینَ عند عُکُوفِهِمْ عَلَی المحارم، فلم یمنعک طول عکوفهم علی المحارم أن جدت علیهم بالمغفرة، و أنت سیدی العواد بالنعماء، و أنا العواد بالخطاء، أسألک بحق محمد و آله الطاهرین أن تغفر لی الذنب العظیم، فإنه لا یغفر العظیم إلا العظیم یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ یَا عَظِیمُ. «۱»

(۱) ترجمه: ای معبود و آقای من، هر کسی مهیّا و مجهّز، آماده و توشه برگرفته تا به همراه صله، بهره، عطیه، بخشش و جایزه‌ای نزد مخلوقی برود، پروردگارا! مهیّا شدن و مجهّز بودن، آمادگی و توشه برگرفتنم به امید بهره، نیکی، عطیّه و جایزه توست، پس محرومم منما ای خدایی که هیچ حاجتمندی را از درگاهت نرانده‌ای، و بخشش تو با بخشیدن به مردمان هیچ کاهشی نیافته، چرا که من با عمل شایسته‌ای که پیش از این انجام داده‌ام، و یا با شفاعت مخلوقی که امید به آن بسته‌ام نزد تو نیامده‌ام، بلکه دست به دامان شفاعت محمّد و اهل بیت او زده‌ام و امید به عفو و بخشش بزرگوارانه و والای تو دارم، عفو و بخششی که به گناهکاران در هنگام ارتکاب اعمال ناروا و حرام وعده داده‌ای، به طوری که پافشاری آنها در انجام گناه تو را از بخشش و گذشت نسبت به آنان باز نداشته است.

تو ای آقا و سرور من! بسیار بخشنده و منعم هستی و به هنگام بازخواست به لطف و عنایت خویش برگزار می‌کنی و من بسیار خطاکار و در هنگام عمل به خطا و لغزش برگزار می‌کنم، پس به حقّ محمّد و خاندان او که

یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهزا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا

از پاکانند، از تو می‌خواهم که گناه بزرگم را ببخشی، چرا که گناهان بزرگ را جز بزرگ نمی‌بخشد، ای بـزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ!